

کتاب چہلم

کویت (۲)

سند شماره (۳۲)

تاریخ: ۱۶ خرداد ماه ۱۳۵۸
از: سفارت آمریکا در کویت
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی
موضوع: احتمال و دورنمای برهم خوردن تولید نفت خام کویت توسط کارگران بسیار ضعیف است.
۱. (تمام متن خیلی محرمانه است).

۲. خلاصه. آیا کویت نیز که حوزه‌های نفتی آن تنها چند میل دورتر از حوزه‌های نفتی ایران است و با تولید ۲/۵ میلیون بشکه در روز خود در ردیف چهارمین کشور صادر کننده نفت جهان قرار دارد، ممکن است به سرنوشت ایران دچار شود یعنی کارگران تولید نفت آن را کاهش دهند؟ گزارش و تجزیه و تحلیل زیر عواملی را که ممکن است کارگران را وادار به قطع تولید نفت نماید در نظر گرفته و در پایان به این نتیجه می‌رسد که احتمال قطع تولید نفت در کویت بسیار بعید است. فدراسیون کارگران نفتی کویت سالهاست که روش اطاعت و حرف شنوی را پیشه خود ساخته و درخواست کنونی آن در مورد افزایش دستمزد و مقرریهای جنبی احتمالاً ظرف چند هفته آینده برآورده خواهد شد. ارتباط بین مدیریت و کارگران در کمپانی نفتی کویت یعنی مهمترین تولید کننده نفت این کشور خوب است. فعالیت معدودی از مبارزین فدراسیون کارگران نفتی کویت و تماسهای آنها با نمایندگان کشورهای کمونیستی تحت کنترل و مراقبت شدید است. احساسات ضد غربی موجود در ایران در اینجا به چشم نمی‌خورد و حضور افراد غیر عرب در کمپانی نفتی کویت نیز قابل اغماض است. دلیلی در دست نیست که بتوان بر طبق آن ادعا کرد که شیعیان که ۱۰ درصد نیروی کار نفتی را تشکیل می‌دهند نقشی سازمان یافته در صنعت ایفا می‌کنند و یا خواهند کرد. گرچه احتمالاً یک پنجم کارگران کمپانی نفت کویت را فلسطینیها تشکیل می‌دهند، ولی طی سالها آنان را از بخش‌های تولیدی به نقاط غیر حساس پالایشی و مدیریت انتقال داده‌اند، و تولید نفت نیز حالتی ماشینی به خود گرفته است، که احتمال قطع تولید نفت توسط فلسطینیها را تا حدود زیادی کاهش داده است، و با توجه به فایده‌ای که از یک کویت به اثبات نصیب فلسطینیها می‌گردد ناظران معتقدند که این کار امکان پذیر نمی‌باشد. احتمال خرابکاری وجود دارد. لیکن شبکه امنیتی شدیداً برقرار بوده، و احتمالاً خوب و یا حتی بهتر از دیگر نقاط خلیج می‌باشد. کارگران منطقه مشترک عربستان سعودی و کویت نیز بیشتر سعودی و سازمان نیافته بوده، و علائم نارضایتی در میان آنها به چشم نمی‌خورد، (پایان خلاصه).

۳- مقدمه. کل تولید نفت خام کویت (که به صورت خام و یا فرآورده‌های نفتی تقریباً به طور کامل صادر می‌گردد) در حال حاضر در سطح بیش از ۲/۵ میلیون بشکه در روز ادامه داشته، و کویت را در زمره چهارمین کشور صادر کننده نفت پس از عربستان سعودی، ایران و عراق در آورده است. مطبوعات محلی در ۲۹ ماه مه در مقاله کوتاهی گزارش دادند که نمایندگان فدراسیون کارگران نفتی کویت تقاضاهای خود را درباره افزایش دستمزد و مزایا به نخست‌وزیر این کشور تسلیم نموده‌اند. این تقاضاها که به دنبال ماهها قطع تولید نفت ایران توسط کارگران ایران ارائه شده، در گزارش این سؤال را مطرح کرده است که آیا نارضایتی کارگران نفتی کویت نیز خواهد توانست بر تولید نفتی این کشور تأثیر منفی بگذارد. در ذیل ما به مرور بر احتمال برهم خوردن تولید، با در نظر گرفتن عوامل مهم به وجود آوردن این مسئله مانند تاریخچه فعالیت کارگران تا زمان حال، ترکیب نیروی کار، احساسات ضد غربی به عنوان یکی از عوامل احتمالی «عامل تشیع»، نقش فلسطینیان در نیروی کار، امنیت حوزه‌های نفتی و وضع منطقه مشترک عربستان

سعودی و کویت، می‌پردازیم.

۴ - کارگران نفتی به عنوان یک نیروی کار سازمان یافته: فدراسیون کارگران نفتی کویت نماینده کارگران تمام کمپانیهای صنعت نفت، تحت کنترل دولت از قبیل: کمپانی صنایع پتروشیمیایی، یعنی بزرگترین تولیدکننده کود شیمیایی و آمونیاک، کمپانی ملی نفتی (کویت ۲/۵۰۰/۰۰۰ بشکه در روز) که یک پالایشگاه بزرگ نیز به شمار می‌آید، و کمپانی نفت کویت که مهمترین تولیدکننده و بزرگترین کارفرما به حساب می‌آید، می‌باشد. در اوائل سالهای ۱۹۷۰ این اتحادیه تبلیغات زیادی به راه انداخت و به نحو مبارزه طلبانه‌ای خواستار ملی شدن شرکت نفت کویت و دیگر کمپانیهای تحت کنترل بیگانگان گردید. با وجود اینکه انجام اعتصاب در کویت غیرقانونی است، در سال ۱۹۷۴ کارگران نفتی و پتروشیمیایی تهدید کردند که به خاطر دریافت دستمزد بیشتر دست به اعتصاب خواهند زد، لیکن به علت اقدامات خنثی‌گرانه تند دولت کویت (از قبیل توقیف، و نمایش قدرت) و بی میلی کارگران عادی مجبور به انصراف و پس گرفتن تهدید خود شدند. در سال ۱۹۷۵ پس از تحویل گرفته شدن شرکت نفت کویت توسط دولت. مسئله ملی شدن برای کارگران نفتی نیز از بین رفت. با وجود اینکه ناصرالفرج یعنی مهمترین وادارکننده کارگران نفتی به اعتصاب به ریاست کل فدراسیون کارگران کویت منصوب گشت و بیانات بسیار تندی در رابطه با مسائل جهان سوم ایراد می‌داشت، ولی در چهار سال گذشته کارگران نفتی آرام و بی سر و صدا به کار خود ادامه می‌داده‌اند. تا آنجا که ما می‌دانیم در سالهای اخیر دلیلی که نشان دهنده فعالیت مهم کارگران نفتی (از قبیل اعتصاب باشد) وجود نداشته است. در واقع، سفارت شوروی در اینجا نیز معتقد است که در کویت پرولتاریای قابل اهمیتی وجود ندارد.

۵- اگر این مسئله صحت دارد، پس گزارش ۲۹ ماه می دربارہ تسلیم تقاضای کارگران به نخست‌وزیر چه معنایی دارد؟ در این مورد از کریم شوا (حفاظت شود) سرپرست بخش نیروی انسانی و نیروی کار وزارت نفت که مردی با تجربه در امور کارگری بوده و از اوائل دهه ۳۰ یعنی آن زمان که او و امیر کنونی که قبلاً در فرمانداری احمدی مشغول به کار بودند و در یک ماشین فورد قدیمی به حوزه‌های نفتی سرکشی می‌کردند در همین رشته کار می‌کرده سؤال نمودیم. شوا اطلاعات ذیل را در اختیار ما قرار داد. از همان اوائل کارگران نفتی حقوقی معادل «دو تا سه برابر حقوق کارمندان دولت دریافت می‌داشتند، چون آنها هستند که کار واقعی را روزانه به مدت ۸ ساعت انجام می‌دهند، در حالی که کارمندان دولت بیش از ۲ یا ۳ ساعت در روز کار نکرده و در آن مدت نیز در وزارتخانه‌ها به صرف قهوه مشغول هستند.» با پیدایش اعلامیه اخیر مبنی بر افزایش حقوق کارمندان دولتی از تاریخ ۱۰ تیر ماه ظاهراً حقوق کارگران نفتی نیز باید افزایش یابد، چون از سال ۱۳۵۴ اضافه حقوقی شامل آنها نشده است. در حقیقت شرکت نفت کویت و وزارت نفت این کشور تلاش می‌کردند تا قبل از اعلام افزایش حقوق کارمندان دولت حقوق و مزایای کارگران نفتی را بالا ببرند. فدراسیون کارگران نفتی نیز با مطرح کردن این تقاضا که از قبل در جریان بوده صرفاً کار خود را انجام داده‌اند. گرچه بین دولت و اتحادیه روشی برای مذاکرات جمعی و نیز قراردادی در رابطه با دستمزدها و مزایا وجود ندارد، رهبران فدراسیون کارگران نفتی توانسته‌اند دو بار با وزیر نفت ملاقاتهایی داشته باشند.

شوا که در هر دوی این ملاقاتها حضور داشته گفت علاوه بر افزایش حقوق، پیرامون مسائل پیچیده مانند هماهنگ سازی مزایای کارگران نیز گفتگوهایی به عمل آمد تا در تمام شرکتهای مختلفی که دولت

اختیار آنها را به دست گرفته نوعی همسانی مزایا پدید آید. وزیر نفت نیز در این مورد بر لایحه‌ای صحه گذاشته که باید شورای عالی نفتی و پس از آن شورای وزیران آن را تصویب نمایند، که مسئله نیز بالاخره حل خواهد شد.

۶- نفوذ چپگرایان، فرج رئیس فدراسیون کارگران نفتی و همکارانش همیشه شعارهای چپگرایانه را به خصوص در روز کارگر به کار می‌برند (مرجع ه). اغلب اوقات نیز در اجلاس‌های کارگری متشکله توسط کمونیست‌ها شرکت می‌جویند.

آیا دولت از این فعالیتها نگران است؟ شواکه به شریک تجاری اش در شرکت CID شیخ مشعل الصباح است پاسخ داد: «می‌دانیم که سفارتهای خارجی (شوروی و دیگران) با فرج و یارانش تماس دارند، ولی ما او را دقیقاً زیر نظر داریم و جای نگرانی نیست.»

۷- احساسات ضد خارجی: با وجود نظارت شدید بر فعالیتهای کمونیستی توسط رهبران کارگران کویت، آیا امکان شیوع احساسات ضد غربی مشابه آنچه در ایران به وقوع پیوست در میان کارگران نفتی کویت پدید نخواهد آمد؟ در گذشته نیز نسبت به سلطه بیگانگان چه از نظر کنترل حقوقی و چه از نظر نیروی انسانی بر تنها منبع طبیعی کویت یعنی نفت ابزار تنفر می‌شد. در اواسط دهه ۴۰ کمتر از یک سوم کارمندان شرکت نفت کویت از اتباع کویتی بودند. گرچه شرکت نفت کویت سیاست کویتی سازی شرکت را اتخاذ کرده، ولی کویت‌های تحصیل کرده شرکت نفت کویت احساس می‌کنند که این امر ساختگی است، چون بسیاری از کویت‌هایی که به منظور بالا رفتن درصد میزان کارمندان محلی جذب شده‌اند از میان بدوی‌های بی سواد انتخاب شده‌اند. از سال ۱۹۷۲ کویتی سازی شرکت مفهوم بیشتری به خود گرفته است، چون مدیریت کویتی آن تلاش ویژه‌ای در راه آموزش انجام داده است. این سیاست دارای نتایج مختلفی بوده است چون جذب کارمندان کویتی در بخش خصوصی دارای مزایای چشمگیری می‌باشد و علاوه بر این با جذب شدن آنها در کارهای دولتی آنها نیازی ندارند که کارهای شاقی انجام دهند، با این وصف تعداد کارمندان کویتی شرکت نفت کویت افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است. طبق ارقام داخلی شرکت نفت کویت تا تاریخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۷، ۴۹/۳ درصد از ۴۶۴۷ کارمند شرکت، کویتی بوده و ۵/۴ درصد دیگر نیز دارای «ملیت مورد تأیید نبوده‌اند که معمولاً شامل بدویهایی هستند که در نهایت ملیت کویتی را به دست خواهند آورد. بنابراین حدود ۵۵ درصد از کارمندان این شرکت را کویت‌ها تشکیل می‌دهند. تقسیم‌بندی کارمندان تا تاریخ ۱۸ بهمن ماه ۱۳۵۷ به شرح ذیل بوده است:

ملیت	تعداد کارمندان	درصد
آمریکایی	۲۰۰	۴٪
اروپایی	۲۲۶	۴/۹٪
هندی / پاکستانی	۴۳۶	۹/۳٪
کویت	۲۲۹۱	۴۹/۳٪
ملیت‌های تأیید نشده	۲۴۹	۵/۴٪
دیگر اعراب	۱۴۲۷	۳۰/۷٪
جمع	۴۶۴۷	۱۰۰٪

۸- همان‌گونه که از جدول بالا بر می‌آید، حضور آمریکائیه‌ها در شرکت نفت کویت بسیار ناچیز است و حضور «غریبه‌ها» که اکثراً انگلیسی هستند (حدود ۱۵۰ نفر) چندان زیاد نیست. شرکت نفت کویت در حال حاضر یک شرکت کویتی عربی است، و از نظر فرهنگی نیز از کویت جدا نمی‌باشد، در صورتی که در روزهای گذشته اینچنین بود چون در سفری از شهر کویت به احمدی انسان دائماً با سینماها و دیگر سرگرمیهای غربی روبه‌رو می‌شد. در حال حاضر پروژه‌های ساختمانی برای کویتها تقریباً تا ارتفاع قرارگاههای شرکت نفت در تپه‌های احمدی بالا رفته، در حالی که در گذشته این تپه‌ها بسیار دور افتاده به حساب می‌آمد و کیلومترها صحرای خشک و سوزان آن را از شهر کویت جدا می‌ساخت. احمد جعفر رئیس شرکت نفت کویت به خاطر شایستگی خود در امور پرسنلی در دهه ۵۰ به سمت کنونی رسیده است. طبق اطلاع ما او تمام مسائل پرسنلی شرکت حتی تا رده بسیار پایین را در نظر گرفته و بررسی می‌نماید. وی که فردی خوش مشرب است با تمام طبقات اجتماعی و ملیتهای موجود در کویت به سهولت کنار می‌آید. معاونش یعنی ناخدا فیصل الغانم به خاطر ۱۵ سال کار در کشتیهای تجاری به مقام کنونی دست یافته است. کارگران نمی‌توانند هیچیک از آنها را بوروکراتهای غرب‌زده‌ای بنامند، که با علائق و یا سبک زندگی مخصوص به خود بیگانه شده‌اند.

۹- عامل تشیع: طبق بهترین برآورد ما (به مرجع ج نگاه کنید) ۲۰ درصد جمعیت کویت را شیعیان تشکیل می‌دهند. از آنجا که ۵۵ درصد کارمندان شرکت نفت کویت را کویتها تشکیل می‌دهند می‌توان گفت که تنها ده درصد نیروی کار را شیعیان تشکیل می‌دهند (که تعداد شیعیان خارجی نیز بسیار کم است). ما هرگز نشنیده‌ایم که کارگران شیعه شرکت نفت کویت به عنوان یک گروه هماهنگ عملی کرده و یا تقاضاهای خاصی داشته باشند و یا تحت تأثیر وقایع ایران قرار گیرند و سبب شوند که در روند تولید و قفهای ایجاد شود.

به این ترتیب، یکی از تجار مهم شهر به نام عبدالطیف الکاظمی به ما گفته است که شیعیان کویت لزومی نمی‌بینند که بر اساس مذهب خود بهانه‌جویی کنند. کویتها در کشور خود به صورت یک اقلیت زندگی می‌کنند، بنابراین ایجاد تفرقه برای کویتها صورت خوشی ندارد. علاوه بر این، کاظمی معتقد است که اصطکاک بین سنی و شیعه در کویت بسیار کم‌اهمیت و رو به کاهش است چون بالا رفتن سطح سواد باعث از بین رفتن تعصبات فرقه‌ای ناشی از جهالت می‌گردد.

۱۰- کارگران فلسطینی: در سال ۱۳۴۶ کارگران فلسطینی شرکت نفت کویت با تصمیم خود مبنی بر خروج از کویت و رهسپار الجزایر شدند تا بنا به تقاضای الجزایر در جنگ ماه ژوئن به طور داوطلبانه شرکت نمایند، سبب قطع تولید نفت شدند. آیا رویداد خاورمیانه‌ای مهم دیگری می‌تواند سبب قطع تولید آن هم به خاطر عدم حضور کارگران فلسطینی گردد؟

نشریات کامپیوتری این شرکت کارمندانی را که تحت عنوان «دیگر اعراب» آمده به فلسطینی، مصری، سوری و غیره تقسیم‌بندی نکرده‌اند. مدیر پرسنلی شرکت نفت کویت به ما گفته است که «اکثریت» کارمندان تحت عنوان «دیگر اعراب» فلسطینی هستند و مصریها، سوریه‌ها، لبنانیها و عراقیها و دیگران در مراتب دیگر قرار می‌گیرند. اگر «اکثریت» به معنای دو سوم دیگر اعراب باشد، می‌توان گفت که فلسطینیها ۲۰ درصد کارمندان عرب شرکت نفت کویت را تشکیل می‌دهند. اگر معنای آن سه چهارم باشد می‌توان گفت که درصد فلسطینیها به ۲۳ می‌رسد. گرچه فلسطینیها اکثریت چندانانی را تشکیل نمی‌دهند، ولی اگر

سمتهای مهم تولیدی را داشته باشند می توانند سبب قطع کامل یا موقتی تولید بشوند. طبق گفته یکی از مقاماتی که مدت بیست سال در وزارت نفت تجربه کسب کرده فلسطینیها بتدریج و به طور منظم از رده های مهم کنار زده شده اند و به جای آنها کویتیهها گمارده شده اند. علاوه بر این، در حدود امکان، تولید به صورت ماشینی درآمده. بطور مثال در سال ۱۳۴۶، مراکز جمع آوری نفت در سه شیفت شبانه روزی به کار می پرداختند و کارگران بایست شیرهای نفتی را باز و بسته کنند تا جریان نفت تحت کنترل در آید. ولی اتوماتیک شدن تولید تنها به در صدی از نیروی کار گذشته نیازمند است، و این کارگران نیز تنها یک شیفت کار می کنند. برای انجام تمام مراحل تولید تنها به ۴۴۸ کارمند نیاز است. گرچه تعداد فلسطینیهای حوزه های نفتی بسیار ناچیز است، ولی آنها در کنار کویتی های آموزش دیده ای کار می کنند که بعدها باید جایشان را پر کنند. اکثر فلسطینیها از بخش تولیدی شرکت نفت کویت اخراج شده و دارای سمتهای اداری شده اند. در نهایت فلسطینیها به عنوان افراد غیر کویتی می توانند پس از پنج سال کار عضو اتحادیه شوند، ولی نمی توانند سمت مهمی را در اتحادیه داشته باشند کارگران فلسطینی شرکت نفت کویت سازمان یافته نیز نیستند.

۱۱ - خرابکاری. گذشته از آنچه گفته شد، امکان خرابکاری همیشه وجود دارد، شرکت نفت کویت هزینه زیادی در مورد ایجاد امنیت صرف می کند و دستگاهها و تجهیزات پیچیده ای را در سرتاسر حوزه های نفتی نصب کرده. ولی چند نفر می توانند آشکارا خرابکاریهای مهمی را ایجاد نمایند. ولی طبق برداشت ما وضع شرکت نفت کویت خوب است و شاید از نقاط دیگر خلیج امن تر باشد، چون کویت از نظر اقتصادی برای فلسطینیها و نیز خود ساف حائز اهمیت بسیار است.

۱۳ - احتمال قطع تولید نفت در منطقه جدا شده بین عربستان سعودی و کویت. گذشته از تولید ۲/۲ میلیون بشکه در روز توسط شرکت نفت کویت، کویت نیمی از ۴۵۰/۰۰۰ بشکه در روز تولیدی در محل عملیات شرکت نفت عربی را نیز که تأسیسات آن در بخش سعودی ایجاد شده دریافت می کند، و گذشته از این تمام ۸۵/۰۰۰ بشکه نفت روزانه تولیدی توسط شرکت نفت مستقل آمریکائی ملی شده را نصیب خود می سازد (تأسیسات شرکت آمین اوایل در بخش کویتی واقع شده است. کویت از تولیدات شرکت نفت گنتی، دیگر صاحب امتیاز این منطقه چیزی به دست نمی آورد. تأسیسات گنتی در کویت واقع شده، ولی از سعودیها امتیاز خود را گرفته است).

۸۸ درصد نیروی کار شرکت گنتی را نیز سعودیها تشکیل می دهند. این امر می تواند برای کویت مشکلاتی را فراهم آورد لیکن تا به حال در مورد فعالیتهای سازمان یافته در شرکت نفت گنتی چیزی نشنیده ایم. و فکر نمی کنیم که مشکلات کارگری بتواند منجر به توقف تولید این شرکت گردد. در مورد شرکت نفتی عربی نیز که اکثریت کارگران آن را سعودیها تشکیل می دهند، همین موضوع صادق است. (کنسولگری آمریکا در بحرین می تواند در این مورد اظهار نظر نماید). در سال ۱۳۴۶ از ۹۰۰ کارمند شرکت آمین اوایل یک سوم کویتی و بقیه از دیگر اعراب (از جمله فلسطینی و مصری) بوده اند که سال ۱۳۴۶ نیز آخرین سال گزارش سالانه شرکت بود از آن زمان به بعد تعداد کارگران کویتی و دستمزدهای آنها افزایش قابل ملاحظه ای یافته است در مناطق پیشین آمین اوایل که اکنون در اختیار شرکت نفت کویت قرار گرفته مشکلات کارگری وجود نداشته است.

۱۴ - اظهار نظر: واضح است که تولید نفت کویت می تواند توسط ناآرامیهای سیاسی ناشی از اوضاع

چون قیام فلسطینیها در نتیجه نارضایتی از عدم تغییر سیاست دولت کویت در قبال آزادی فلسطین متوقف گردد، ولی این امر نیز بعید به نظر می‌رسد. ولی با در نظر گرفتن رویدادهای ایران که در آن کارگران نفتی نقش تعیین کننده‌ای در تولید دارند، باید گفت که وضع نیروی کار کویت از ثبات بیشتری برخوردار است و آنها هیچگاه در صدد مبارزه با دولت و انجام اقداماتی جهت قطع تولید نفت که مایه حیات کویت است، بر نخواهند آمد.

سند شماره (۳۳)

تاریخ: ۲۱ خرداد ماه ۱۳۵۸
از: سفارت آمریکا در کویت
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی

موضوع: روابط ایران و عراق و روابط ایران و کویت

۱- (طبقه بندی نشده) گزارش مطبوعات کویت در ۴ ژوئن حاکی از آن است که سخنگوی دولت کویت و وزیر مشاور در امور کابینه عبدالعزیز حسین اتهامات استنادار خوزستان را مبنی بر اینکه کویت به تحریک و آشوب علیه رژیم ایران پرداخته است «بی اساس و نادرست» خواند. بنابر گزارش القبس، حسین گفته است که دولت کویت در نظر ندارد، در مورد اختلافات بین ایران و عراق میانجیگری نماید.

۲- (خیلی محرمانه) در تاریخ ۱۰ ژوئن در گفتگو با مشاور حقوقی وزارت خارجه کویت طارق رازوقی، مقام سیاسی سفارت در مورد روابط ایران با کشورهای همجوار عربی و اینکه عراق در حال ایجاد آشوب در خوزستان است، سؤال نمود. با گفتن این مطلب که «حکومت عراق یک حکومت غیر مذهبی و تحت تسلط اقلیت سنی است رازوقی گفت رهبریت عراق فکر می‌کند که حکومت شیعی ایران» ممکن است در میان شیعیان عراق آشوب و اغتشاش به پا سازد. و درگیرهای عراق در خوزستان را نیز چندان جدی نگرفته است.

۳- (خیلی محرمانه) رازوقی گزارش داد که کاردار ایران، گل شریفی هفته گذشته به وزیر امور خارجه کویت صباح الاحمد و دیگر مقامات وزارت خارجه در مورد حمایت کویت از اعراب خوزستان طبق گزارش مطبوعات شکایت کرد. گل شریفی به خصوص نگرانی خود را در مورد استفاده از کلمه «عربستان» در کویت ابراز داشته است، و این کلمه حتی در رادیوی کویت نیز به کار رفته بود. وزیر امور خارجه و دیگر مقامات گفتند که مداخله در خوزستان را مغایر با سیاست عدم مداخله در امور دیگر کشورها می‌دانند. زمانی که سؤال شد که دلیل این شکایتها چه بوده است، رازوقی گفت از گل شریفی خواسته شده بود که به وزارت خارجه آمده در مورد اتهامات مدنی استنادار خوزستان که گفته بود دولت کویت به تحریک و اغتشاش در ایران پرداخته است، پاسخ گوید. گل شریفی گفته بود که احتمالاً استفاده از کلمه «عربستان» در مطبوعات کویت دلیل اصلی بیانیه استنادار بوده است، و طرف صحبت کویتی گفته بود که مطبوعات منعکس سازنده نظریات دولت نمی‌باشند.

علاوه بر این، وزیر امور خارجه قول داد که به این داستانهای مشکل برانگیز خاتمه داده و تکرار کلمه اعتراض آمیز «عربستان» را نیز مانع شود.

۴- (خیلی محرمانه) با مطلع شدن از حالت غیر خصمانه کویت در این باره و نیز بیانیه دوستانه‌ای که اخیراً توسط شیخ صباح الاحمد درباره ایران منتشر شده بود، مقام سیاسی پرسید که آیا کویت در نظر دارد

از عراق بخواهد که دست از اعمال خود در خوزستان بردارد یا خیر. رازوقی در پاسخ گفت بعید به نظر می‌رسد.

سند شماره (۳۴)

تاریخ: ۲۷ خرداد ماه ۱۳۵۸
از: سفارت آمریکا در کویت
موضوع: ارزیابی دوباره سیاسی: تمایلات و نفوذ رسانه‌های گروهی

۱ - (تمام متن خیلی محرمانه است).
۲ - خلاصه. رسانه‌های گروهی در حال حاضر بجز در زمینه گزارشهای نادرست در زمینه‌های دیگر برای ثبات و امنیت کشور و دولت کویت خطری به شمار نمی‌روند. رسانه‌های گروهی از قبیل (رادیو و تلویزیون - م) کاملاً تحت کنترل وزارت اطلاعات می‌باشند. و همه نشریه‌ها به استثناء نشریات دولتی تحت تملک شهروندان کویتی وفادار به دولت این کشور بوده، فقط پس از انتشار توسط دولت مورد کنترل قرار می‌گیرد. مطبوعات کویت بیش از هر کشور دیگر عربی حاوی نقطه‌نظرها و انتقادات سیاسی است، لیکن به جای تمرکز بر مسائل داخلی کویت بر مسائل جهان عرب توجه دارند. به همین دلیل مطبوعات کویتی مورد مطالعه همه‌جانبه در منطقه است، لیکن خطر به تعلیق درآمدن نشریات و طبق قوانین وضع شده اخیر مطبوعاتی، زندانی شدن ناشران مهاجم سبب شده است که مطبوعات نتوانند مطالبی را منتشر کنند که به روابط بین کویت و کشورهای همسایه آن لطمه وارد می‌سازد و یا تعقل و اندیشه خانواده حاکمه را به زیر سؤال بکشند. مردم نیز نسبت به تعلیق بعضی از مطبوعات اعتراض نمی‌کنند و دولت نیز به نوبه خود تا حدود زیادی آنها را تحمل می‌کند. و اجازه می‌دهد که از مطبوعات به عنوان یک سوپاپ اطمینان برای کاهش احساسات مردم استفاده شود، همان‌گونه که از آن برای نشان دادن تنفر جامعه فلسطینی در رابطه با قرارداد صلح مصر و اسرائیل استفاده گردید.
دولت نیز مسائل بسیاری را در مطبوعات مطرح می‌کند که دعوت اخیر آن به بحث و مناظره پیرامون اعاده مجلس شورای ملی از آن جمله است. مطبوعات کویتی هنوز آماده بحث پیرامون ایجاد تغییر در نحوه حکومت نمی‌باشند، از آن گذشته صاحبان و یا سردبیران کویتی آنها با سیاستهای کلی دولت مخالفت ندارند و مانند دیگر اقلشار کویت معتقدند که موفقیت نظام کنونی در حفظ صلح و کامیابی داخلی باید مورد حمایت مستمر قرار گیرد. (پایان خلاصه).

۳ - رسانه‌های گروهی: تحت تملک کویتها و تحت کنترل دولت: رادیو و تلویزیون کویت نهادهای دولتی هستند که سیاستهای آنها وسیله وزارت اطلاعات که مسئول رسانه‌های گروهی این کشور است پی‌ریزی می‌شود. بر عملیات رسانه‌های گروهی چایی نیز قوانین مطبوعاتی شدیدی حاکم است و اجازه ندارند به سران دولتهای خارجی حمله کرده و یا با دریافت پول از دولتهای بیگانه مطالبی چاپ و منتشر نمایند. گذشته از این خطر به تعلیق در آمدن نشریه و یا طبق قوانین مصوبه مطبوعاتی اخیر، زندانی شدن ناشران مهاجم سبب شده است که از انتشار مطالبی که به امنیت کشور لطمه وارد می‌سازد خودداری به عمل آید. دولت نیز در اجرای این قوانین تا حدودی خود را کنترل کرده است، در سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ تنها چند روزنامه برای مدتهای کوتاهی به حالت تعلیق در آمدند. هیچ یک از سردبیران یا نویسندگان

روزنامه‌ها زندانی نشده‌اند، فقط اخیراً یکی از روزنامه‌نگاران خارجی فلسطینی به نام عونى صادق که در روزنامه الوطن به کار مشغول بود، اخراج گردید. و مردم کویت نیز علیه تلاش وزارت اطلاعات در اعاده نظم مطبوعاتی اعتراضی نشان نداده‌اند.

۴- نشریات دولتی نیز وجود دارند که یکی از آنها نشریه متنفذالعربی است که به وسیله یک ناشر مشهور مصری منتشر می‌گردد، لیکن نشریات خصوصی همیشه تحت تملک شهروندان کویتی می‌باشند. اعراب خارجی از قبیل فلسطینیها، مصریها، سوریها و لبنانیها بخش اعظم کارمندان حرفه‌ای این نشریات را تشکیل می‌دهند و آنها هم همیشه منعکس کننده نظریات و منافع جوامع خود بوده‌اند. از نظر تئوریک، این وضع ممکن است سبب بروز دو رخداد شود: بهره‌برداری از مطبوعات کویتی برای دامن زدن به اختلاف دو کشور و یا دو جناح در جهان عرب، و یا انتشار شکوائیه‌های جوامع غیر کویتی علیه دولت کویت.

۵- به امکان اول به طور مؤثر در اوت ۱۹۷۶ پاسخ داده شد و هم‌زمان با به تعلیق در آمدن مجلس شورای ملی دولت اعلام کرد که مطبوعاتی که با دریافت پول از دیگر کشورها مطالبی منتشر نمایند، شدیداً مجازات خواهند گردید. در آن زمان احساسات درون عربی در مورد جنگ لبنان تحریک شده بود و مطرح شدن آن در بحثهای مجلس شورای ملی و اظهارنظرهای ضد و نقیض مطبوعاتی سبب می‌شد که کویت علیرغم میل خود به مداخله در مشاجرات درون عربی کشیده شود. و با وجود اینکه هنوز هم نمی‌توان باور کرد که روزنامه‌نگاران از بیگانگان هدیه دریافت نمی‌دارند، لیکن آن روحیه جسورانه‌ای که در اواسط ۱۹۷۶ بر مطبوعات حاکم بود، از بین رفته است.

۶- در رابطه با امکان مطرح شدن افراد غیر کویتی در کشور علیه دولت در مطبوعات می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که این شکوائیه‌ها هرچند واقعی باشند، نمی‌توانند در مورد علاقه و توجه سردبیران و صاحبان کویتی مطبوعات محلی باشند. فلسطینیهای مقیم این کشور همیشه از قوانین و رفتارهای کویتیها شکوه دارند، ولی هیچ یک از آنها به مرحله چاپ هم نمی‌رسد.

۷- فشار فلسطینیها - و مطبوعات به عنوان یک سوپاپ اطمینان: نظریات فلسطینی و یا به حمایت از فلسطینیها شاید در تلافی شکایات فلسطینیها در مطبوعات کویتی بسیار منتشر می‌گردد. علیرغم قانون منع حمله و انتقاد به سران دولتهای بیگانه، انتقاد بیش از حد از پرزیدنت سادات مجاز شناخته شد تا به این ترتیب سوپاپ اطمینان باز شده، فلسطینیها بتوانند مقداری از خشونت و خشم خود را بدون وارد آوردن خساراتی ابراز نمایند (مرجع ب). و با محدودیتهای شدید و مبهم موجود در مورد گزارشات تحقیقی و انتقادآمیز از رخ دادهای محلی، مطبوعات مجبورند فقط به امور خارجی و مخصوصاً امور خاورمیانه‌ای بپردازند. در تحقیقی که چند ماه قبل انجام شد ۹۴ تن از ۹۹ سردبیر روزنامه‌های کویتی به امور خارجی می‌پردازند. و از ۱۵۰ مقاله ویژه‌ای که در همان زمان انتشار یافت فقط ۶۰ مقاله به مسائل داخلی پرداخته بود. بخش اعظم «مقالات متفکرانه» (سرمقاله‌ها، اظهارنظرها و تجزیه و تحلیلها) به وسیله کویتیها نوشته می‌شود و اگر هم دارای خطی به حمایت از فلسطینیها باشند نشان دهنده سیاست کلی و رسمی دولتی بوده، منافع صاحبان و سردبیران کویتی را در حفظ حسن نیت جامعه فلسطینی در خارج و داخل کویت در نظر می‌گیرند. و با وجودی که بسیاری از کویتیها از نفوذ بسیار فلسطینیها متنفر هستند، لیکن در مورد تبلیغ پیرامون انقلاب فلسطین توافق نظر دارند.

۸- دیگر مسائل خارجی نیز برای آزمایش سیاست مطبوعاتی دولت ظاهر می‌شوند. مثال اخیر آن تظاهرات اعراب ایرانی خوزستان به حمایت از خودمختاری بود. دولت ایران از گزارش و انتقاد مطبوعات کویت پیرامون این قضیه و استفاده از «عربستان» به جای نام ایرانی مورد تأیید «خوزستان» اظهار ناراحتی کرد و دولت کویت نیز به مطبوعات محلی دستور داد که لغات به کار برده را تصحیح نمایند (مرجع پ). و در موارد بسیاری از مشاجرات درون عربی مطبوعات به «دستور» وزارت اطلاعات مطلبی منتشر نکرده‌اند تا از این اتهام که مطبوعات کویتی نقش پارتیزانی ایفا می‌کنند، مبرا بمانند.

۹- امور داخلی - جامعه شایعات: از نقطه نظر ثبات و امنیت کشور نقش مطبوعات کویتی در رابطه با سیاستهای داخلی قابل بررسی است. کویتها اصولاً برای دریافت خبر به مطبوعات متکی نیستند. در «جامعه شایعات» زندگی می‌کنند، جامعه‌ای که اخبار خیلی سریعتر از طرق انتشاراتی به وسیله دهان منتقل می‌گردد. در دفاتر و یا «دیوانه‌های» خود کویتی‌ها آزادانه سخن گفته می‌شود، البته «نه در مورد مطبوعات» بلکه در مورد خانواده سلطنتی، فساد در مقامات بالا، و یا پیشنهادات مربوط به نهادهای نمایندگی.

۱۰- با این وصف لازم نیست که مطبوعات به بحث پیرامون امور داخلی ضد و نقیض پردازند. فقط اشارات کافی است. در مطبوعات با نقل داستانها و مقالات تمثیلی و بدون ذکر نام در مورد خطاها و معمولاً با تکیه بر شایعات محلی در رابطه با اختلاسهایی که یکی از وزرا انجام داده بود و پس از چند هفته منجر به استعفای وی گردید، تذکراتی داده می‌شود (مرجع ت). و می‌توان این مطلب را به عنوان قدرت مطبوعات بیان کرد. ولی با در نظر گرفتن ماهیت بسیار به هم پیوسته جامعه کویت معلوم نیست که این اعمال مطبوعات نتیجه خصوصیات سیاسی و اخلاقی است و یا ناشی از اختلافات درون خانوادگی است. اگر این کارها بر علیه یکی از خانواده‌های نزدیک یا مورد علاقه امیر انجام گیرد، سریعاً سرکوب می‌گردد. و ممکن است بسته به این باشد که امیر تشخیص دهد که شخص مورد نظر باید مورد حمله واقع شود و یا اینکه شخص مذکور ارزشش بیش از آن است که فدای آزادی مطبوعات کویتی بشود. مقامات هیئت حاکمه نسبت به انتقاد در روزنامه‌هایی که در شرق جهان عرب مورد مطالعه قرار می‌گیرد، حساسیت بسیار نشان می‌دهند، ولی از مطبوعات کویتی و اعتبار و شهرت آنها به عنوان یکی از آزادترین مطبوعات جهان عرب نیز احساس غرور می‌کنند.

۱۱- بحث پیرامون دموکراسی:

مجلس شورای ملی در اوت ۱۹۶۷ به تعلیق درآمد و قول داده شد که حکومت پارلمانی چهار سال بعد اعاده گردد یکی از مهمترین و داغترین مسائل مورد بحث اخیر بوده است. از مدتها پیش انحلال مجلس شورای ملی بزرگترین واقعه سیاسی کویت بوده است. عکس‌العملهای جزئی نشان داده شد و بسیاری نیز در نتیجه خلاص شدن از عوام فریبی نمایندگان منتخب مردم نفس راحتی کشیدند. و پس از آن انقلاب آیت‌الله خمینی به اوج خود رسید و مشاورین نخست‌وزیر و ولیعهد کویت به وی گفتند که درباره وفای به عهد پیرامون اعاده حکومت پارلمانی تا اوت ۱۹۸۰ چاره‌ای بیندیشد. یکی از درسهایی که انقلاب خمینی داد این است که دولتهای باثبات مجامع نمایندگی واقعی دارند. با توجه به تحت فشار قرار گرفتن دولتهای مستبد و برای نشان دادن اعتبار قولی که داده شده بود، دولت کویت از مطبوعات این کشور خواست که درباره نوع مجلسین، نحوه انتخابات، و به طور کلی درباره نوع دموکراسی مورد نیاز کویت به بحث و

تبادل نظر پردازند.

۱۲ - نتیجه کار انتشار مطالب بسیار در این باره توسط مطبوعات کویت بود، بسته به نوع نشریه، روزنامه‌ها به انعکاس نظریات مردم و انتشار مقالات میهمانان در مورد نوع دموکراسی مورد نیاز کویت (مرجع ث) پرداختند. برای رژیم خوبی بود تا حمایت خود از مطبوعات آزاد را نشان دهد، و همه افراد ذی ربط نیز به آن «تن در دادند». هیچ یک از مقالات حاکی از آن نبود که امیریت منسوخ شده است، و برعکس مقالات به انتقاد از نظام کنونی که قانون «هر نفر یک رأی» را که مستلزم قدرت رژیم کنونی است نادیده گرفته‌اند، پرداختند. بسیاری گفتند که این منتهای زیرکی دولت بوده است که به این ترتیب انتقادات را آشکار سازد، و نتیجه نیز یک جریان خصمانه و ضد رژیمی نبود، بلکه جریانی از نظریات مختلف به وجود آمد که معلوم نبود کویتهای خواستار رأی فردی هستند و یا خواستار سلطه قوه مقننه بر دولت.

۱۳ - خود سانسورسازی از حیثیت کویت در خارج حفاظت می‌کند: مطبوعات کلاً می‌دانند که چه زمانی باید خبری یا مطلبی خاص را گزارش کنند، و منتقدین کویتهای این را دلیل نبودن آزادی مطبوعات می‌دانند. بنابراین نمی‌توان مقالاتی را که مستقیماً به اهانت به امیر و وابستگانش می‌پردازند پیدا کرد و مثلاً در روزنامه‌ها درباره تظاهرات اخیر نظامیان در مورد شرایط نامناسب زندگی و عدم مشارکت جوانان ثروتمند در ارتش چیزی منتشر نشد (مرجع ج)، لیکن این محدودیت یا عدم آزادی از خارج بر کویت تأثیر می‌گذارد. شایعه پردازان اخبار مربوط به خانواده سلطنتی را در همه جا منتشر می‌سازند و تقریباً همه کویتهای از اخبار مربوط به تلاش ارتش در اجراء خدمت نظام وظیفه آگاه می‌شوند. و بالاخره مطبوعات دیگر نیز همین داستانها را گرفته بر علیه کویت در میان بیگانگان منتشر می‌سازند.

۱۴ - خود سانسورسازی می‌تواند سبب ایجاد گزارشهای نادرست نیز بشود. اگر روزنامه‌نگاری داستانی را منتشر کند می‌تواند قصر در رود، لیکن اگر قبلاً آن را به مقامات دولتی نشان دهد به هیچ وجه نمی‌تواند انتظار انتشار آن را داشته باشد به همین دلیل روزنامه‌نگاران با اتکاء به یک منبع خبری و بدون اینکه سعی کنند صحت و سقم آن را توسط منابع دوم و سومی تأیید نمایند به چاپ و درج آن مبادرت می‌ورزند. نتیجه نوعی سردرگمی است. و با چاپ مجدد آنها در خارج میزان خطا و سردرگمی چند برابر می‌شود. و اکثر رهبران عربی بر مبنی همین گزارشات عمل می‌کنند، به طور مثال یک بار مصر روابط خود را با کویت قطع کرد، قبل از اینکه کویت بتواند بیانیهای رسمی منتشر نماید و نتیجه آن نیز گزارشات کاذب و نادرست مطبوعاتی بود (مرجع ج).

۱۵ - نتیجه گیری: با رشد کویت، در حالی که جمعیت آن یکی از رشديابنده‌ترین جمعیت‌های جهان است، ماهیت وابسته و شایعه‌پرداز جامعه آن نیز دستخوش تغییر می‌گردد. ممکن است زمانی برسد که شایعات جای مطبوعات را نتواند اشغال کند و کویتهای به آزادی مطبوعات بیش از اکنون به عنوان عنصری مهم در زندگی اجتماعی علاقه بسیار نشان دهند. لیکن آن زمان هنوز فرا نرسیده است. صاحبان و سردبیران مطبوعات نیز مانند خانواده حاکمه علاقه‌مندند که کویت را از تبلیغات مضر مصون نگاهدارند. اگر دولت به تنبیه یک روزنامه مبادرت ورزد مردم اعتراض نمی‌کنند و به جرأت می‌توان گفت که گذشته از اعتراض نمی‌کنند و به جرأت می‌توان گفت که گذشته از نتایج منفی حاصله از گزارشات نادرست، اگر خطری متوجه ثبات و امنیت کویت باشد آن خطر از سوی مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تحت حمایت آنها نیست.

مائسترون

سند شماره (۳۵)

تاریخ: ۲۸ خرداد ماه ۱۳۵۸
از: سفارت آمریکا در کویت
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی
موضوع: روابط بین اعراب و ایران

۱- (خیلی محرمانه) خلاصه: انتقاد خصمانه روزنامه‌های کویتی علیه ایران آغاز شده است، لیکن کویت از اتفاق ناگواری که برای بحرین رخ داد عبرت نگرفته و بابتی اعتنایی به آن می‌نگرد. در کویت این اندیشه که خمینی در حال از دست دادن حمایت توده‌ها در ایران است، شدت گرفته است. (پایان خلاصه)
۲- (طبقه‌بندی نشده) الانباء، روزنامه کویتی در ۱۴ ژوئن در سرمقاله خود با اشاره به خمینی «بامید» فراوان گفته است که عملیاتی که در مرز بین ایران و عراق انجام می‌شود از «حمایت مردی که از قلب عراق داشت که از نظر اعراب اوضاع بین تهران و بغداد نگران‌کننده می‌باشد و از انقلاب ایران خواست که در «روش خود تصحیح و تغییری پدید آورد». به دنبال گزارشهای رسیده پیرامون این مطلب که آیت‌الله ایرانی صادق روحانی، بحرین را «استان چهاردهم» ایران اعلام کرده بود، روزنامه الانباء در ۱۶ آوریل استفاده از کلمه خصومت برانگیز «عربستان» را آغاز کرد و گفت حتی پس از رفتن شاه هم روحیه «حرص و ایجاد وحشت نژادی» در خلیج پایان نپذیرفته است، الانباء گفت اگر ایران به ادعاهای خود درباره بحرین ادامه دهد، کشورهای عربی مجبور خواهند شد قراردادهای قدیمی را که طبق آن ایران ضمیمه «عربستان» است پیش بکشند.

۳- (خیلی محرمانه) زمانی که خواسته شد تا این سرمقاله‌ها در مورد روابط ایران و عرب به وسیله دولت کویت تحت کنترل درآیند، مشاور حقوقی وزارت امور خارجه کویت طارق رازوقی گفت که بخش اعظم این مطالب از روزنامه‌های عراق اقتباس شده است. وی گفت که کویت از عامل کنترل و نظارت استفاده می‌کند، وزارت امور خارجه نیز سرمقاله منتشره الانباء در ۱۶ ژوئن را تأیید کرده بود، و به گفته رازوقی، حتی از استفاده از کلمه تهاجمی «عربستان» نیز ممانعت به عمل نیاورده بود. لیکن وی از روزنامه‌های کویتی خواسته بود که بیش از این ادعای ایران در قبال بحرین را دنبال نکنند.

۴- (خیلی محرمانه) رازوقی گفت وزیر امور خارجه کویت صباح الاحمد در ۱۶ ژوئن با امیر بحرین تلفنی صحبت می‌کرد و به دنبال بیانات آیت‌الله روحانی، امیر کویت تصمیم گرفته بود از تعطیلات خود چشم‌پوشی نموده و به منامه بازگردد. به گفته رازوقی، صباح الاحمد به عموزاده خود گفته بود که خودش را ناراحت نکند، و از طرف سفیر تازه وارد ایران به کویت دکتر علی شمس اردکانی به وی اطمینانهایی داد.

۵- (خیلی محرمانه) اینگونه اطمینانها در همان روز (۱۶ ژوئن) در یک کنفرانس مطبوعاتی از طرف سفیر ایران اردکانی تحقق یافت. وی گفت روحانی یکی از شهروندان عراق است و هر چه بخواهد می‌تواند بگوید، لیکن نظریات وی به هیچ‌وجه نشانگر عقاید و نقطه‌نظرهای دولت انقلابی نیست. طبق اظهارات اردکانی سیاستها و عکس‌العملهای رسمی ایران فقط توسط وزارت امور خارجه ایران، نخست‌وزیر این کشور و شورای انقلاب پی‌ریزی و طراحی می‌گردد. رازوقی گفت تا موقعی که این سه عنصر با یکدیگر توافق داشته باشند که البته همیشه این‌طور نیست، این‌گونه بیانات بسیار مثرمتر خواهد بود. سفیر اردکانی اعلام داشت که ارتش ایران در مرز ایران و عراق به حال آماده‌باش در نیامده است. و هنگامی که

از وی درباره سه جزیره عربی که از سال ۱۹۷۱ تحت اشغال ایران بوده است سؤال شده، وی گفت که دولت متبوع وی بیشتر نگران پایگاههای خارجی مستقر در کشورهای عربی است که حرکات «سربازان عربی» را زیر نظر دارند. اردکانی در پایان گفت ایران بر آن است تا بر اساس اخوت اسلامی با کشورهای منطقه رابطه برقرار کند.

۶- (سری) رازوقی در مورد روابط ایران و عراق گفت، اگر عراق مطمئن نبود که خمینی در حال از دست دادن حمایت توده‌هاست، این طور در مطبوعات خود به حمله علیه ایران ادامه نمی‌داد. رازوقی اضافه کرد که در کویت بسیاری معتقدند که خمینی دیگر از حمایت «توده‌های مردمی» که در زمستان گذشته به تظاهرات می‌پرداختند برخوردار نمی‌باشد. وی گفت که کویت شاهد ازدیاد پناهندگان ایرانی است و همان طور که در مرجع ب گفته شد، مقامات کویت با کمبود پرسنل گارد ساحلی و سواحل باز روبه‌رو هستند. وی گفت «ما صدها نفر را باز پس می‌فرستیم، لیکن تعداد بیشتری باز می‌گردند». وی گفت چند هفته قبل کاردار ایران به نام گل شریفی از کویت خواسته بود که نام فراریان ایرانی را در اختیار وی بگذارد، لیکن رازوقی به این بهانه که آنها فهرست اسامی را نگاه نمی‌دارند از دادن نامها به وی امتناع ورزید. زمانی که مقام سیاسی از وی سؤال کرد که آیا کویت نگران آن است که ممکن است این پناهندگان ایرانی از کویت به عنوان پایگاهی علیه رژیم تهران استفاده کرده خطری علیه ثبات کویت به وجود آورند، وی گفت این امکان نیز وجود دارد، ولی به گفته وی بیشتر پناهندگان به دلایل اقتصادی به اینجا آمده‌اند، آنها کار می‌خواهند، فقط همین.

۷- (طبقه‌بندی نشده) سفیر اردکانی در کنفرانس مطبوعاتی خود به حمله علیه آمریکا پرداخت. وی گفت که اسنادی در مورد همه افراد ایرانی مقیم در کویت که «به وسیله شاه» به عنوان اعضای شبکه ساواک از سفارت ایران در کویت عمل می‌کنند در دست دارد، لیکن تصمیم گرفته‌اند که نام آنها را فاش نسازند مگر اینکه زیاده از حد پیش بروند مانند «سناتور جاویتس» که علیه ایران چنگ و دندان نشان می‌دهد. مائسترون

سند شماره (۳۶)

تاریخ: ۲۹ خرداد ۱۳۵۸
از: سفارت آمریکا در کویت به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی با اولویت
موضوع: وزیر نفت کویت امکان کاهش تولید در سال ۱۹۸۰ را مطرح می‌نماید.

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲- در مذاکرات مقدماتی اخیر برای تجدید قرارداد خرید پنج‌ساله نفت خلیج علی خلیفه‌الصباح وزیر نفت کویت اعلام نمود که کویت در نظر دارد سقف تولید شرکت نفت کویت را در سال ۱۹۸۰ از ۲ میلیون به ۱/۵ میلیون بشکه در روز کاهش دهد، وی اعلام کرد که قیمت‌های بالای نفت سبب شده است که دولت کویت نیاز کمتری به این عوارض داشته باشد. وی گفت به دنبال افزایش قیمت‌ها در سالهای ۷۴ و ۷۳ باید کاری کرد که این افزایش قیمت‌ها سبب به وجود آمدن تورم نشود. در برابر نمایندگان به حرکت مثل نیروی همین نقطه نظرها را بیان کرد گویا هدف از بیانات وزیر مبنی بر کاهش تولید این است که شرکت‌های گلف، بریتیش پترولیوم و شل در آینده با کاهش برداشت مخالفتی نشان ندهند. مجموع کل تولید که بالغ بر

۱/۴۵ میلیون بشکه در روز است سبب خواهد شد که کویت نتواند سقف تولید شرکت نفت کویت را خیلی کمتر از سطح ۲ میلیون بشکه در روز کاهش دهد. در صورتی که شرکتها در این مورد سؤال کردند آمریکا باید در مقابل اقدامات کویت در جهت کاهش برداشت شرکتها مهم نفتی مقاومت نماید تا قراردادهای به قوت خود باقی بمانند. (پایان خلاصه).

۳- زمینه قبلی: شرکت نفت گلف و شرکت نفت بریتیش پترولیوم که صاحبان اصلی پیشین تولیدکننده اصلی نفت کویت یعنی شرکت نفت کویت می‌باشند، با کویت قراردادهای پنج‌ساله عظیم تولیدی بسته بودند (که اساس تولید هر یک به ترتیب ۲ میلیون بشکه و ۴۵۰/۰۰۰ بشکه در روز بوده است) اکنون به کویت آمده‌اند تا به تجدید قراردادهای خود که در ۳۱ مارس ۱۹۸۰ پایان می‌یابد، بپردازند. نمایندگان گلف در حال حاضر برای آغاز مذاکرات مقدماتی پیرامون قراردادهای خود در کویت به سر می‌برند. نماینده گلف در این منطقه یعنی سیدنی اندرسون (حفاظت شود) در مورد گفتگوهای گلف در ۱۷ ژوئن اطلاعاتی در اختیار سفیر قرار داد.

۴- امکان کاهش تولید در سال ۱۹۸۰: شیخ علی خلیفه الصباح در مذاکرات خود با نمایندگان گلف گفت «بهتر است» که تولید «عادی» نفت به وسیله شرکت نفت کویت که با سقف ۲ میلیون بشکه در روز ادامه داشت (به خاطر اوضاع غیرعادی در سال ۱۹۷۹ به سطح ۲/۲ میلیون بشکه در روز رسیده بود) به ۱/۵ میلیون بشکه در روز تقلیل یابد. تولید ۲ میلیون بشکه در روز با افزایش قیمت‌های اخیر عوارض بیش از حدی را تولید نموده است. وزیرگفت نتیجه این مقدار عوارض ممکن است تکرار رویداد ۷۴-۱۹۷۳ باشد که در نتیجه آن چنان تورمی در کویت به وجود آمد که بیشتر مردم از این کشور مهاجرت نمودند. بنابراین راه حل منطقی برای جلوگیری از این پیشامد کاهش تولید و عوارض اضافی است.

۵- اندرسون اظهار می‌دارد که دولت کویت در ۳۱ مارس ۱۹۸۰ یعنی زمانی که قراردادهای دو تولیدکننده بزرگ نفت کویت یعنی گلف و بریتیش پترولیوم پایان می‌یابد به کاهش تولید مبادرت خواهد ورزید. با وضع کنونی بازار نفت، گلف مایل است که به جای کاستن تولید به افزایش آن بپردازد. وزارت نفت از گلف خواسته است که نشان دهد که در چه بخش از نظام خود مایل است عرضه نفت را حفظ نماید. این وزارتخانه نخواهد توانست با قراردادهای شل، گلف و بریتیش پترولیوم برای عرضه نفت و فروش آن به طرف ثالث موافقت نماید. گلف، شل و بریتیش پترولیوم احتمالاً پاسخ خواهند داد که مشتریان کنونی به بیش از نفتی که در حال حاضر تولید می‌شود، احتیاج دارند. معذالک اندرسون معتقد است که وزارت نفت در نظر دارد قرارداد جدیدی با گلف منعقد سازد که بر اساس آن پایه تولید از ۵۰۰/۰۰۰ بشکه به ۴۰۰/۰۰۰ بشکه در روز کاهش یابد. لیکن گلف با این کار کویت مخالفت خواهد کرد چون قراردادهای کنونی حاکی از آن است که تجدید قرارداد باید با حداقل تولید ۴۰۰/۰۰۰ بشکه در روز انجام گردد. و با این سطح تولید حداقل وی مایل است که مانند شرکت شل که یکی از صاحبان اصلی شرکت نفت کویت نیست و با یک قرارداد سه ساله در اکتبر ۱۹۷۸ حداکثر ۴۰۵۰۰۰ بشکه تولید می‌کند به طور مساوی رفتار شود.

۶- با یادآور شدن پایه قرارداد گلف شل و بریتیش پترولیوم که بالغ بر ۱/۳ میلیون بشکه در روز می‌گردد سفیر سؤال کرد که کویت چگونه می‌خواهد تولید را به ۱/۵ میلیون بشکه در روز کاهش دهد و در عین حال نفت خام کافی برای برآورد نیاز داخلی و پالایشگاهها تولید نماید و نیز گاز کافی برای

کارخانه‌های گاز سوز و نیاز برق تأمین نماید. اندرسون پاسخ داد که تمام کارخانه‌های کنونی طوری ساخته شده‌اند که از نفت و گاز به عنوان سوخت استفاده نمایند. وزیر نیز پاسخ داده بود که در صورت لزوم کویت یک و یا یک و نیم از کارخانه‌های خود را مورد بهره‌برداری قرار خواهد داد تا نیاز به گاز و نفت تولیدی کمتری باشد. با این وصف برای برآورده ساختن نیاز داخلی حدود ۴۰۰/۰۰۰ - ۳۰۰/۰۰۰ بشکه نفت در روز لازم است. و این به معنی این است که شرکت نفت کویت باید حدود ۱/۶ تا ۱/۷ میلیون بشکه در روز تولید نماید.

۷- نماینده محلی شل (حفاظت شود) نیز تأیید نمود که وزیر نفت در گفتگو با رئیس بازار شل از ۱/۵ میلیون بشکه در روز صحبت می‌کرده است.

۸- اظهار نظر: حرکت توأم با قدرت خلیفه و مطرح نمودن کاهش تولید به میزان ۱/۵ میلیون بشکه در روز توسط گلف نشان دهنده اولین مانع در راه مذاکرات مقدماتی است. شل تا اکتبر ۱۹۸۱ مجبور است به حداکثر تولید خود یعنی ۴۰۵/۰۰۰ بشکه در روز ادامه دهد. پس از ملی شدن شرکت‌های گلف و بریتیش پترولیوم در سال ۱۹۷۵ به آنها قراردادهای تولیدی پنج‌ساله قابل تجدید اعطاء شد تا قدری از خسارات وارده بر آنها جبران گردد. آنها می‌توانند با مطرح ساختن حداقل تولید برای تداوم قراردادهای دیگر اینکه به آنها نباید کمتر از شل نفت داده شود در برابر آن مقاومت نمایند. و این به این معنی خواهد بود که این سه شرکت بزرگ نفتی حدود ۱/۲ میلیون بشکه در روز تولید خواهند نمود (در صورتی که قراردادهای کنونی تجدید می‌گردید سه شرکت در مجموع ۱/۴۵ میلیون بشکه در روز تولید می‌کردند). و در صورتی که نیاز داخلی و نیاز پالایشگاهها و تولید انرژی را نیز که معادل ۴۰۰/۰۰۰ - ۳۰۰/۰۰۰ بشکه در روز است نیز در نظر بگیریم و فرض کنیم که تنها مشتریان کویت این سه شرکت باشند، حداقل تولید ۱/۶ میلیون بشکه در روز خواهد بود. در واقع کویت با ۱۰ شرکت دیگر بجز شل، بریتیش پترولیوم و گلف قراردادهایی منعقد ساخته است و احتمالاً مایل است انتقال مستقیم نفت به کشورهای کمتر توسعه یافته را ادامه دهد، این قراردادهای مستقیم آتی باعث خواهد شد که شرکت نفت کویت حدود ۲ میلیون بشکه در روز تولید داشته باشد مگر اینکه سطح تولید سه شرکت بزرگ نفتی به ۴۰۰/۰۰۰ بشکه تقلیل یابد.

۹- گلف مایل نیست که در حال حاضر در مورد مذاکرات پافشاری چندانی بشود و می‌خواهد تا بهار آینده که دید بهتری از نفت جهان به دست می‌آید، منتظر بماند. ما معتقدیم که وزارت امور خارجه باید آماده حمایت از شرکت گلف باشد، البته نه تنها به این دلیل که این شرکت آمریکایی است، بلکه به این دلیل که سطح تولید مطرح شده در قراردادهای پنج‌ساله این سه شرکت مانع از آن است که کویت بتواند سطح تولید شرکت نفت کویت را به ۱/۵ میلیون بشکه کاهش دهد.

سند شماره (۳۷)

تاریخ: ۳۰ خرداد ماه ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا در کویت

موضوع: (خیلی محرمانه) جناح مخالف حکومت کویت علنی می‌شود:

حکومت کویت محدودیت‌هایی را تعیین می‌کند

(خیلی محرمانه) خلاصه: «یادداشتی» به امضاء ۳۱ نفر از قانون‌گذاران اسبق کویت ماه گذشته به

طبقه‌بندی: سری

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی - سی

ولیعهد کویت ارائه شده که در آن نتیجه گرفته شده که اعاده زندگی پارلمانی در کویت امری قانونی و ضروری است در این یادداشت بسیاری از نکات انتقادآمیز مطروحه در رساله منتشره در ماه سپتامبر ۱۹۷۶ که بلافاصله پس از آن امیر کویت آخرین مجلس شورای ملی کویت را در سال ۱۹۷۶ منحل نمود، دیده می‌شود. حکومت کویت در مقابل انتشار این دو سند سیاسی عکس‌العملهای کاملاً متفاوتی نشان داده است. یادداشت ماه گذشته از سوی ولیعهد به نویسندگان آن، عودت داده شد به این علت که لحن سند خشونت‌آمیز بوده و نمی‌تواند قابل قبول واقع گردد. دو سال قبل با سازمانهایی که بر این سند صحه گذارده بودند برخورد شدیدی شد. پخش این یادداشت و واکنش ملایم دولت در برابر آن نشان می‌دهد که زندگی سیاسی در کویت برای مخالفان قدیمی گشوده می‌شود هرچند که توقیف هفته‌نامه‌های الطلیعه و الهداف نشان می‌دهد که حکومت کویت هنوز حاضر نیست اجازه دهد سیاست رفتار آزادانه‌ای که قبل از منحل شدن مجلس شورای ملی کویت در اوت ۱۹۷۶ وجود داشت به حالت اول بازگردد. (پایان خلاصه).

(سری) یک یادداشت امضاء شده: یک «یادداشت» مبنی بر تقاضای اعاده مجدد مجمع ملی کویت در اوائل ماه گذشته به شیخ سعد عبدالله الصباح ولیعهد و نخست‌وزیر کویت تسلیم شد. این یادداشت از سوی ۳۱ نفر از اعضای سابق مجلس شورای ملی و مجلس مؤسسان این کشور که بسیاری از آنها اعضای مخالفان دست چپی و گروههای ملی‌گرا در مجمع ملی قبلی بودند، امضاء شده است ولی حداقل نیمی از آنها نشان داده‌اند که هنگامی که بر سرکار بودند از نمایندگان هواخواه دولت بشمار می‌رفتند، مأمور سیاسی سفارت ما از یکی از امضاءکنندگان این سند نسخه‌ای از آن را به دست آورد که در گزارش قبلی به عنوان یک «عریضه» توصیف شده بود (مرجع الف)

با وجود این بررسی متن این سند آشکار می‌سازد که این سند بیشتر جنبه تأکیدی دارد تا اینکه لحن دعوت داشته باشد.

(خیلی محرمانه) شباهت با سند مخالفین در ۱۹۷۶: مضمون این «یادداشت» شباهت نزدیکی با سندی دارد که اندکی پس از آنکه امیر مجلس شورای ملی کویت را در ماه اوت ۱۹۷۶ به حالت تعلیق در آورد در کویت پخش شده بود. این سند از سوی رهبران چپ‌گرای ملی‌کنفدراسیون کارگران کویت تنظیم شده و از سوی اعضای چندین سازمان حرفه‌ای کویت بر آن صحه گذارده شده بود.

در هفته‌های بعد حکومت کویت اقدامات تندی علیه حامیان این سند به عمل آورد و این اقدامات همراه با توقیف پنج نشریه بود که فعالیت‌های مخالفان را تضعیف کرد و بحث‌های سیاسی در کویت را متوقف ساخت. رهبران کارگران برای مدت کوتاهی به اتهام لطمه وارد آوردن به امنیت ملی دستگیر شده و از ترس درباره مسائل ضد و نقیض داخلی ناگزیر به سکوت شدند.

(گزارش ۴۷۱۳ کویت سال ۷۶) این اوضاع هنوز هم بر کویت حاکم است (گزارش کویت ۲۹۸۰)

حکومت کویت در عین حال هیئت مدیره جمعیت معلمان کویت (گزارش ۵۰۵۶ کویت در سال ۷۶) و انجمن روزنامه‌نگاران (گزارش کویت ۵۱۹۸ سال ۷۶) و کانون وکلای دادگستری کویت (گزارش کویت ۵۳۴۷ سال ۷۶) را با استناد به اینکه آنها در پشتیبانی از سند انتقادکننده از تعلیق مجلس شورای ملی از سوی امیر مشارکت داشته‌اند، منحل کرد. طبق اظهار نظر حکومت کویت یک چنین پشتیبانی نقض‌کننده قانونی است که طبق آن «چنین جمعیت‌های حق فعالیت‌های سیاسی ندارند» این قانون در سال ۱۹۶۱ به تصویب رسیده است.

(خیلی محرمانه) نکات حقوقی مندرج در این یادداشت: که به ولیعهد تسلیم شد حاوی همان ایرادهای قانونی نسبت به تعلیق مجلس شورای ملی است که در سند سال ۱۹۷۶ گنجانده شده بود یعنی: الف: کویت یک دولت واجد قانون اساسی است که در آن اختیارات «مقامات عمومی» از سوی قانون اساسی محدود شده است و امیر سوگند خورده است که از قانون اساسی پشتیبانی کند. ب: قانون اساسی تنها در زمان حکومت نظامی (که در سال ۱۹۷۶ وضع نشده بود) و بر طبق پیش‌بینیهای قانونی می‌تواند به حالت تعلیق در آید.

ج: باید ظرف دو ماه پس از انحلال مجلس شورای ملی انتخاباتی برای تشکیل مجدد آن صورت گیرد. د: ماده ۱۷۴ قانون اساسی که هنگام انحلال مجلس شورای ملی به حالت تعلیق در آمده بود پیش‌بینی می‌کند که در صورتی که امیر تمایل به اصلاح قانون اساسی داشته باشد این اصلاحات باید از سوی دو سوم اعضاء مجلس شورای ملی تصویب شود.

این نکته آخر ظاهراً اشاره انتقادی به مشورتهای اخیر ولیعهد می‌باشد که از سوی عبدالعزیز حسین وزیر مشاور در امور کابینه توصیف شده است. عبدالعزیز حسین توضیح داد که برقراری مجدد مجلس شورای ملی دربرگیرنده اصلاحاتی در بعضی از قسمتهای قانون اساسی خواهد بود که برای آن یک «کمیته مؤسسان» تشکیل خواهد شد تا توصیه‌های لازم را بنماید.

(گزارش ۲۴۰۸ کویت). این روند که در فرمان امیر کویت درباره تعلیق مجلس شورای ملی پیش‌بینی شده در واقع می‌تواند منجر به تغییراتی در فرایندهای انتخاباتی و ترکیب نمایندگان مجلس شورای ملی بشود، بدون اینکه از سوی این مجلس تصویب شود این چنین اوضاعی در قانون اساسی کویت پیش‌بینی نشده است.

(خیلی محرمانه) نکات سیاسی در یادداشت: بر طبق پیش‌بینیهای قانون اساسی نه تنها اعاده مجلس شورای ملی به نحو قانونی خواسته شده است، بلکه این مجلس یکی از «خواستهای عموم مردم است که چشم امید توده‌ها بر آن دوخته شده است.» نویسندگان این یادداشت همچنین استدلال می‌کنند که «دموکراسی که به وسیله قانون اساسی کویت برقرار شده است اندیشه‌ای نیست که از خارج بر محیط اسلامی عربی کویت تحمیل شده باشد» بلکه یک تحول عربی مطابق با روحیه مناسبات تاریخی بین فرمانروا و اشخاص تابع او می‌باشد و همین امر خلیفه‌های «متعصب» در ایام اولیه ظهور اسلام را راهنمایی می‌کرده است.

(خیلی محرمانه) یکی از امضاءکنندگان این یادداشت بنام جاسم القیطانی به ما گفت که این فقط یک جنبه از کاری بوده که به وسیله او و همکارانش در پیش‌بینی انتخابات ملی در سال آینده به عمل آمده بود. قیطانی توضیح داد که گروه او با نهایت فعالیت می‌کوشند تا اشخاص طرف اعتماد خود را در اعضاء هیئت مدیره جمعیت‌های حرفه‌ای کویت برای انتخابات مجدد سالیانه قرار دهند. سیاستمداران مخالف دولت امیدوارند تا بدین وسیله در میان طبقات تحصیل کرده کویت رای مسلطی داشته باشند و قیطانی انتظار دارد که این مخالفین رهبران افکار توده‌های بزرگ «دارای در آمد محدود کویت» باشند که برای افزایش تعداد کرسیهای مخالف در مجلس شورای ملی، آراء آنها باید جلب شود. (آنهايي که بطور منظم عليه حکومت در مجلس شورای ملی گذشته رأی داده‌اند حدود ۱۰ کرسی را ۶۶ کرسی این مجلس را در دست داشتند) این جمعیت‌های حرفه‌ای همان جمعیت‌هایی هستند که هیئت‌های مدیره آنها در سال ۱۹۷۶ به علت

فعالیت سیاسی منحل شد (پاراگراف ۴ در فوق)

(خیلی محرمانه) در اوائل همین سال این گروه فعال سیاسی به دقت و مخفیانه تحت عنوان «گروه دموکراتیک» به انتشار نظریات خود پرداخت (کویت ۶۹۲). در ماه می این گروه با امضاء یادداشتی که مورد قبول ولیعهد قرار نگرفت از پرده برون افتاد. الطلیعه تنها نشریه چپگرای کویت بدون ذکر نام ولیعهد در ۱۵ ماه می اظهار داشت که امتناع از پذیرش یادداشت نشان می‌دهد که دولت مایل نیست نظریات مختلف را در زمینه آغاز زندگی پارلمانی پذیرا شود و معتقد است که مقامات از فرضیه دموکراسی اطلاعاتی بسیار محدود دارند.

(خیلی محرمانه) تعلیق انتشارات: فعالیت‌های سیاسی جناح مخالف بدون عکس‌العمل دولت ادامه داشت تا اینکه در اواسط ژوئن الطلیعه به اتهام سرپیچی از قانون انتشاراتی به مدت سه ماه به حالت تعلیق در آمد و هفته‌نامه الهدف نیز به مدت یک ماه معلق گردید. دلیل عمده ممنوع شدن الطلیعه دو مقاله‌ای بود که در نشریه ۱۲ ژوئن آن به چاپ رسیده و حاکی از آن بود بازدید ملکه الیزابت و انتخاب مارگارت تاجر نشانگر موج جدید «امپریالیسم» در خلیج می‌باشد. مقاله دوم که در رابطه با ایجاد یک پل شاهراه بین عربستان سعودی و بحرین بود ادعا می‌کرد که سعودیها می‌خواهند جای نفوذ پیشین کویت در بحرین را پر کنند. آنچه که در مورد نشریه ۱۲ ژوئن موجبات رنجش خاطر دولت کویت را فراهم آورده بود این است که طبق گفته دو منبع سفارت، در آن علناً دولت کویت به خاطر اخراج روزنامه‌نگار فلسطینی عونى صدیق در ماه گذشته به عنوان مخالف «وطن پرستان ناسیونالیست» محکوم گردیده بود. عونى صدیق که گزارشگر یک روزنامه کویتی به نام الوطن بود مقاله‌ای در انتقاد از اتحادیه عربی که در نظر داشت جمهوری دموکراتیک خلق یمن را تحریم نماید، منتشر ساخته بود. دولت کویت در ۱۶ ژوئن به هفته‌نامه الهدف یکی از نشریات وابسته الوطن نیز حمله کرد. در ۱۴ ژوئن عبدالله نفیسی (که کتابهایش در اینجا ممنوع‌الانتشار است) به انتقاد پرداخت. مقالات نفیسی با لحن خصومت‌بار خواستار سرنگونی ظلم و ظالمین گردیده است و از بازرگانان کویتی، حرص آنها و روحیه غیر سیاسی و غیر اجتماعی آنها بشدت انتقاد کرده است. بنا به اظهارات یکی از منابع ما در دیوان امیر، دولت کویت از هفته‌ها قبل در نظر داشت اقدامی علیه الطلیعه انجام دهد، و مشاور حقوقی وزارت امور خارجه رازوقی نیز به ما گفته است که در الطلیعه مقالات بسیاری ظاهر گردید که در «امور داخلی» مداخله می‌کرد. (خیلی محرمانه) اظهار نظر: با وجود عکس‌العمل ملایم دولت در برابر «یادداشت» که نشانگر تحمل دولت در رابطه با فعالیت سیاسی ممنوع در دو سال گذشته است به تعلیق درآمدن الطلیعه و الهدف ثابت می‌کند که دولت کویت هنوز آمادگی آن را ندارد که بتواند بازگشت به زندگی آزاد سیاسی را که در کویت قبل از انحلال مجلس شورای ملی در اوت ۱۹۷۶ وجود داشت مجاز بدانند.

سند شماره (۳۸)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

تاریخ: ۳۰ خرداد ماه ۱۳۵۸

به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی

از: سفارت آمریکا در کویت

موضوع: ارزیابی دوباره سیاسی: کارگران عنصر بر هم زنده ثبات در کویت بشمار نمی‌روند

۱ - (تمام متن خیلی محرمانه است).

۲- خلاصه. آنچه در ذیل آمده نشان می‌دهد که کارگران خطری جدی علیه ثبات دولت کویت به شمار نمی‌روند. دولت کویت فعالیتهای کارگران سازمان یافته را که رهبریشان کاملاً کوییتی است زیر نظر دارد و همیشه توانسته است به سرعت فعالیتهای اتحادیه را که در حال خارج شدن از محدوده کنترل بوده، تحت کنترل درآورد. این کشور به رهبران کارگری اجازه می‌دهد که از کلمات چپگرایانه استفاده کنند البته تا جایی که هدف آنها مسائل موجود در خارج از کویت باشد. کارگران دیگر کویت، که اکثراً غیر کوییتی هستند، آنقدر متفرق و سازمان نیافته هستند که نمی‌توانند خطری علیه دولت به حساب آیند. کارگران کوییتی که در دولت متمرکز هستند از حقوق و مزایای چشمگیری که دریافت می‌دارند و کار کمی که باید در اداء آن انجام دهند، راضی هستند. کارگران ناراضی خارجی نیز می‌دانند که حقوق آنها در کویت بیشتر از هر جای دیگر است و نیز می‌دانند که اگر مشکلی به وجود بیاورند، خیلی زود اخراج خواهند گردید. با این مقدار تعادل، صحنه کارگری کویت باید آرام باقی بماند. در صورتی که یکی از اتحادیه‌ها و یا بخش عظیمی از کارگران سازمان نیافته خواستهای بیشتر خود را مطرح نمایند، دولت کویت قادر است آنها را با درآمد بیشتر بخرد، و این عمل یکی از روشهای دیرین کویت در حل مشکلات خود بوده است. (پایان خلاصه).

۳- کارگران به عنوان یک خطر جدی در کویت: حدود کمتر از ۳۰ درصد از نیروی کار ۳۰۰/۰۰۰ نفری کویت را کارگران کوییتی الاصل تشکیل می‌دهند. با وجود اینکه غیر کوییتها نیز پس از پنج سال اقامت مداوم در کویت می‌توانند به عضویت اتحادیه‌ها در آیند، لیکن فقط کوییتی‌ها حق رأی دادن در انتخابات اتحادیه‌ای را داشته و تنها همانها می‌توانند دفاتر اتحادیه‌ای داشته باشند. در ذیل ما به بحث پیرامون خطر کارگران سازمان یافته (که عمدتاً کوییتی هستند) و کارگران غیر سازمان یافته که اکثریت آنها غیر کوییتی هستند می‌پردازیم. گروه دوم مرکب از افرادی است که خود را کارگران موقت و «میهمان» کویت می‌دانند و آنهایی که فلسطینی هستند و به عنوان افراد مقیم دائمی در کویت به شمار می‌روند.

۴- کارگران سازمان یافته. به استثناء کلویهای اجتماعی و در مورد فلسطینیها، بعضی از گروههای حرفه‌ای، اجتماعات بیگانگان ممنوع اعلام شده است. اتحادیه‌های کارگری با وجود اینکه حق ندارند در احقاق حقوق جمعی شرکت جویند، ولی از جمله سازمانهایی هستند که در کویت می‌توانند به عنوان یک نیروی سیاسی عمل نمایند. اتحادیه‌ها در سه بخش از اقتصاد تشکیل شده‌اند که عبارتند از: دولت، بانکها و صنعت نفت. اتحادیه کارمندان دولتی بوسیله وزارتخانه‌ها، اتحادیه کارگران نفتی به وسیله شرکتها و اتحادیه کارمندان بانک به وسیله یک اتحادیه در برگیرنده پنج بانک از ۷ بانک تجاری کویت سازماندهی می‌شوند، عضویت در اتحادیه‌ها داوطلبانه است، و طبق قوانین کویت اعضاء هرگاه که بخواهند می‌توانند از عضویت خود استعفا نمایند.

۵- همان طور که در مرجع الف گزارش گردید فعالیت اتحادیه‌ای در کویت سالها آرام بوده است. دولت سخنان چپگرایانه رهبریت کنفدراسیون کارگران کویت (هیئت حاکمه اصلی اتحادیه‌های کارگری) را تا زمانی تحمل می‌کند که کلمات آتشین آنها فقط متوجه وقایع بین‌المللی باشد. ظاهراً دولت و اتحادیه‌ها توافق کرده‌اند. این توافق موجب می‌شود انتقادهای داخلی از بعضی تلاشها مثل تلاش برای تشکیل مجدد مجلس شورای ملی و یا توسعه دامنه منافع اجتماعی به نحوی که کارگران غیر کوییتی هم برخوردار شوند، تقلیل یابند.

انتقادهای داخلی نباید از حد خود فراتر رود و وقتی هم که فراتر رفت، دولت وارد معرکه می‌شود. ۶- با وجود این که اتحادیه‌ها غیر فعال هستند آیا می‌توانند در آینده به صورت خطری جلوه‌گر شوند؟ با نگاهی به سه اتحادیه می‌بینیم که این امکان خیلی ضعیف است.

(الف) کارمندان دولتی: به کارمندان دولتی که اکثریت (۷۵ درصد) نیروی کاری کویت را تشکیل می‌دهند، اخیراً اضافه دستمزد و امتیازاتی داده شده است، در حالی که قسمت اعظم این افزایش پرداخت به کم درآمدترین کار می‌رسد (مرجع الف).

کار برای دولت کویت چندان سخت و طاقت‌فرسا نیست. ساعات کار رسماً از ساعت ۷/۵ صبح تا ۱/۵ بعد از ظهر، است ولی در حقیقت از ساعت ۸/۵ تا ۱۲/۵ می‌باشد، چون هر کس که بخواهد با بخشهای دولتی در خارج از این ساعات تماس بگیرد از این واقعیت باخبر می‌شود. و اکثر کارمندان نیز حتی همین مقدار ساعت کاری را به مصرف چای و صحبت کردن با همکاران خود می‌پردازند. حتی در زمان فعالیت چشمگیر اتحادیه‌های کارگری در سالهای ۷۶ - ۱۹۷۴ هم از اتحادیه‌های کارگری دولتی خبری نبود. آن طور که از ظواهر امر پیداست این اتحادیه غیر فعالترین اتحادیه‌هاست و همه کارمندان دولتی نیز عضو آن نمی‌باشند.

(ب) کارمندان نفتی: اتحادیه‌های کارگری نفتی که در مهمترین بخش اقتصادی کویت به کار مشغول هستند، اولین و فعالترین اتحادیه‌های تأسیس شده هستند. یکی از تحقیقات اخیر (مرجع ب) نشان می‌دهد که دست از کار کشیدن کارگران نفتی غیر ممکن است و افزایشی که در دستمزدها قرار است پدید آید تا مدتی آنان را آرام نگاه می‌دارد.

(پ) کارمندان بانک: سومین و کوچکترین اتحادیه (۲۳۰۰ عضو) اتحادیه کارمندان بانک است که توانست در سال ۱۹۷۶ میزان حقوق اعضاء خود را بالا ببرد. از آن زمان این اتحادیه بسیار آرام بوده است و یکی از غیر سیاسی‌ترین اتحادیه‌های کویتی می‌باشد (به مرجع الف نگاه کنید).

۷- نقطه نظرات بالا در مورد کارگران غیر کویتی این بخشها نیز مصداق دارد. طبق قوانین جدید خدمات مدنی پایه قدیمی تفاوت حقوق بین کویتی و غیر کویتی از میان برداشته شده و یکی از دلایل عمده نارضایتی کارگران غیر کویتی نیز که بیش از همتاهای کویتی خود کار می‌کنند از بین رفت. امتیازات اجتماعی کویتی‌ها خیلی بیشتر از امتیازات غیر کویتیهاست و امتیازات جدید دوباره این وجه تمایز و تفاوت را به وجود آورده است. و چون امتیاز اجتماعی نوعی منافع رفاهی است و با مهارت و اجرای کار ربطی ندارد، رنجش خاطر روانی دریافت حقوق متفاوت برای کار مشابه در نظر غیر کویتی‌ها نادرست است (به مرجع الف نگاه کنید).

۸- نیروی کار غیر اتحادیه‌ای: طبق آمارگیری سال ۱۹۷۵، نیروی کاری کویت به طبقات زیر تقسیم شده است (ارقام روند گردیده است).

۹۰۰۰۰	کویت
۴۷۵۰۰	غیر کویتی‌ها
	فلسطینی / اردنی
۳۷۵۰۰	مصری
۲۹۰۰۰	ایرانی

۱۸۰۰۰	هندی
۱۶۵۰۰	سوری
۱۱۵۰۰	یمنی
۱۱۰۰۰	پاکستانی
۷۰۰۰	لبنانی
۱۰۵۰۰	غیره
۲۱۰۰۰۰	مجموع غیر کویتی
۳۰۰۰۰۰	مجموع کل

اگر لحظه‌ای از فلسطینیها بگذریم، با نگاهی به کارگران غیر کویتی باید به خاطر داشته باشیم که همه آنها فقط به این دلیل به کویت آمده‌اند چون بیش از کشور خودشان می‌توانند، پول در بیاورند. بسیاری از آنها که کارگران نیمه متخصص و یا غیر فنی هستند در اینجا مستقر نشده‌اند گرچه مدت زیادی در اینجا برای کار می‌مانند. و در بسیاری از موارد، خانواده این کارگران در وطن خود می‌مانند و با پولی که توسط سرپرست آنها از کویت برایشان فرستاده می‌شود، زندگی می‌کنند. پس یک چنین کارگر تنها به دلایل مادی به کویت آمده است و آشوبهای سیاسی به نفع وی نیست. بازار کاری طوری است که کارگر مزاحم سریعاً اخراج شده جای وی را کارگران دیگر پر می‌کنند. و این مانعی است مهم بر سر راه فعالیت‌های کارگری، اگر نخواهیم اسمی از آشوب سیاسی بیاوریم (مرجع الف را نگاه کنید).

۹- کارگران پیمانکار: البته نباید چنین تعبیر کرد که دولت کویت نسبت به عظمت نیروی کار غیر کویتی خود بی‌اعتناست. بلکه این دولت پروژه‌های پیشنهادی جدیدی را در برآورد نیاز خود به نیروی کار بررسی کرده است و بسیاری از آنها را به این دلیل که سبب وابستگی سنگین آن به نیروی کار بیگانه می‌شده رد کرده است. کارگران به وسیله پیمانکاران برای کار کوتاه مدت بر سر پروژه‌های خاص به این کشور وارد می‌شوند. افزایش چند صد نفری کارگران کره جنوبی به ۱۰/۰۰۰ نفر در کویت مثال خوبی در این زمینه است. افراد کره جنوبی سبب خوشحالی کویتیها شده‌اند، چون خیلی منظم بوده و علاوه بر آن کارگرانی ارزان قیمت هستند و در زندگی محلی دخالتی نمی‌کنند چون در اردوهای دور افتاده به سر می‌برند. دیگر کارگرانی که به صورت پیمانی وارد کویت می‌شوند، عبارتند از هندی، پاکستانی، و تاحدی مالزیایی، بنگلادشی، فیلیپینی. پیمانکار هندی مهم اینجا، یعنی پروژه مهندسی هندوستان، در سال قبل مشکل کارگری کوچکی داشت که خیلی سریع به وسیله پلیس سرکوب گردید (مرجع ث) رهبران این اغتشاش دستگیر و اخراج گردیدند و از آن زمان به بعد دیگر اتفاقی رخ نداد. حتی اگر آشوب و ناآرامی جدی هم در میان کارگران پیمانی رخ دهد، نمی‌تواند خطری جدی علیه ثبات دولت کویت به شمار آید. اکثریت عربی کارگران کویت به کارگران آسیایی به دیده تحقیر می‌نگرند و از شکوه‌های کارگران آسیایی حمایت نمی‌کنند.

۱۰- فلسطینیهای مقیم: فلسطینیها حدود یک چهارم جمعیت ۱/۲ میلیونی کویت و ۱۵ درصد نیروی کار این کشور را تشکیل می‌دهند و در همه بخشهای زندگی کویت موقعیتهای شغلی مهمی دارند. به عنوان یک گروه ملی فلسطینیها می‌توانند خطری علیه کویتیها بشمار روند. لیکن بحث ما سبب می‌شود که نتوانیم پیرامون خطر فلسطینیها صحبت کنیم چون تعداد زیادی از آنها در بخش خصوصی و دولتی شغل‌های

مدیریتی و حرفه‌ای مهمی دارند. جامعه فلسطینی در سطح کاری پراکنده شده است، بنابراین سازماندهی آنها کار ساده‌ای نیست. و به چند دلیل امکان سازمان یافتن و فعالیت کارگران فلسطینی (از قبیل اعتصاب، تظاهرات، و غیره)، به عنوان یک گروه کاری فلسطینی در مورد مسائل کاری بسیار ضعیف است. جامعه فلسطینی اصولاً حرکت زیادی در این زمینه نداشته است. علاوه بر ساف، سازمانهای فلسطینی محدود به جوامع حرفه‌ای از قبیل پزشکی، دندان پزشکی، وکیل، نویسنده) می‌باشند. فعالیتهای این گروهها نیز دقیقاً تحت کنترل دولت قرار داشته و بسیار محدود است. کویت که یکی از وام‌دهندگان مهم به ساف و دیگر گروههای فرعی آن است میل دارد از صلح و آرامش داخلی برخوردار باشد، و برخوردار نیز می‌شود. یکی دیگر از عواملی که موجودیت نهضت کارگری فلسطین را از بین می‌برد، این واقعیت است که آنها در هر یک از بخشهای اقتصادی یک اقلیت را تشکیل می‌دهند. و اصولاً عملیاتی به وسیله فلسطینیها در زمینه کاری انجام نگرفته است. و بالاخره با وجود تنفر فلسطینیها نسبت به برخورد توأم با اولویت با کویتها متوجه شده‌اند که زندگی در کویت بهتر از زندگی محدود در هر جای دیگر است.

۱۱ - خلاصه اینکه، نیروی کار کویتی و غیر کویتی نمی‌تواند خطری علیه دولت کویت به شمار آید. دولت کویت فعالیت سازمانهای کارگری را دقیقاً زیر نظر دارد و در گذشته نیز فعالیتهائی را که خارج از محدوده طاقت مقامات رسمی بوده است، سرکوب نموده. دیپلماتهای اروپای شرقی فعالانه بر روی رهبران کارگری کویت کار می‌کرده‌اند، ولی دولت کویت نیز از این واقعیت باخبر است چون استفاده از سخنان چپگرایانه را تا زمانی که متوجه اهداف خارج از کویت باشند، مجاز می‌داند. دیگر کارگران خارجی نیز چون سازمان یافته نیستند خطری جدی علیه دولت به شمار نمی‌روند. کارگران کویتی که اکثرشان کارمند دولت هستند، نیز از منافع و امتیازات سخاوتمندانه‌ای برخوردارند و کار کمی انجام می‌دهند، بنابراین راضی هستند. شکوه‌های خارجی نیز با در نظر گرفتن این واقعیت که بیش از هر جای دیگر دستمزد دریافت می‌دارند و اگر در دسری فراهم کند اخراج می‌شوند، از بین می‌رود. بنابراین در کویت صحنه کارگری باید آرام باشد. و در صورتی که یکی از اتحادیه‌ها و یا بخش عظیمی از نیروی کار مزاحمت فراهم آورد، دولت قادر است آنها را خریداری نماید، همان طور که در گذشته این کار را انجام داده است.

سند شماره (۳۹)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

تاریخ: ۱۹ تیرماه ۱۳۵۸

به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی.

از: سفارت آمریکا در کویت

موضوع: اصلاح قانون اساسی

۱ - (طبقه‌بندی نشده) علاوه بر گزارش بیانات ولیعهد و نخست‌وزیر کویت شیخ سعدالعلی الصباح در رابطه با ضرورت یک استراتژی متحد عربی در مورد صلح خاورمیانه (مرجع الف) و در مورد اهمیت همکاری کشورهای صنعتی و تولیدکننده نفتی در زمینه کاربرد «قدرت و تصرف» (مرجع ب و ج)، مطبوعات محلی آخرین بیانات شیخ سعد را در مورد اصلاح قانون اساسی به چاپ رسانیده‌اند. وی در پاسخ به سؤال مربوط به امکان اعاده حیات پارلمانی در کویت گفته است «ما با کمال دقت این مسئله حیاتی را مورد بررسی قرار داده و با توجه بسیار و بحث و تبادل نظر بسیار در مورد شکل آن تصمیم

خواهیم گرفت..... کمیته‌ای از متخصصین حقوق و قانون اساسی به زودی تشکیل خواهد شد تا تغییرات احتمالی را پیشنهاد نماید، که به دنبال آن انتخابات جدید و مجلس ملی جدید برگزار خواهد شد.» که البته این کار تا سال ۱۳۵۹ انجام خواهد شد که در سال ۱۳۵۵ یعنی هنگام انحلال مجلس نیز همین تاریخ تعیین و اعلام شده بود.

۲- (خیلی محرمانه) اقدامات مربوط به تشکیل کمیته تجدیدنظر قانون اساسی که در فرمان امیر در زمان انحلال مجلس ملی در سال ۱۳۵۵ به آن اشاره شده بود در آن موقع با مخالفت شدید روبه‌رو گردید و بار دیگر در ماه می گذشته ۳۱ قانونگذار پیشین کویتی در یادداشتی به شیخ سعد اطلاع دادند که اصلاح قانون اساسی بدون تصویب مجلس ملی امکان‌پذیر نیست (مرجع د). به عبارت دیگر قانون اساسی کویت متوسل شدن به کمیته قانون اساسی را پیش‌بینی نکرده است. علاوه بر این طبق اظهارات راشد‌الراشد معاون وزیر امور خارجه (حفاظت شود) در گفتگو با سفیر مائسترون در ۵ مرداد ماه در صورتی که پارلمان منتخب تصمیم بگیرد، پیشنهادات کمیته قانون اساسی را نپذیرد، کویت دچار آشوب و طغیان خواهد شد. از نظر راشد، ابتدا باید مجلس ملی انتخاب گردد تا بتواند با بررسی تجدید نظرهای لازم هر گونه شک و تردید را در مورد مشروعیت آن از میان بردارد. راشد اضافه کرد در رابطه با این روش بر خلاف روش مشخص شده در فرمان حمایت زیادی نشان داده شده است.

۳- (خیلی محرمانه) اظهار نظر: در گفتگو با مطبوعات شیخ سعد این اصل کلی را نیز اعلام کرده است که «ما به آزادی و حس مسئولیت احترام می‌گذاریم.» در این بیانیه مختصر مشکلاتی نشان داده شده است که دولت کویت در احیاء دوباره زندگی پارلمانی در کویت با آن دست به‌گریبان است. این باور در همه جا شایع شده که برای آزادی بیان مردم کویت شرط اصلی ایجاد دوباره مجلس ملی است، تا مبادا حکمرانان کویت نیز مانند شاه متهم به ظلم و جور شوند.

معدالک دولت کویت میل ندارد به روزهایی در گذشته برگردد که در آن جناحهای کوچک کویتی (حدود ۱۰ درصد نمایندگان پارلمان) از مجلس به عنوان سکوی ابراز انتقاد علیه دولت پیرامون مسائل داخلی و بحث و گفتگو پیرامون مسائل درون عربی استفاده می‌کردند و موجب تحریک احساسات سکنه عظیم اعراب غیر کویتی این کشور به خصوص فلسطینیها می‌شدند و یا سبب می‌شدند که کویت با دیگر کشورهای عربی وارد مشاجره و منازعه گردد.

سند شماره (۴۰)

طبقه‌بندی: محرمانه

تاریخ: ۲۵ تیرماه ۱۳۵۸

به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی

از: سفارت آمریکا در کویت

موضوع: تخلیه اضطراری: تعداد تقریبی تخلیه شوندگان و آمریکاییهای مقیم خارج

آغاز بخش محرمانه

قسمت اول. تعداد تقریبی کسانی که حتماً باید تخلیه شوند.

۳۷

۱- کارمندان وزارت دفاع

(افراد کارمند دائمی و موقت)

۶۶	۲- وابستگان کارمندان وزارت دفاع
۴۰	۳- دیگر کارمندان آمریکایی
۵۹	۴- وابستگان دیگر کارمندان دولت آمریکا
۲۵۰۰ (الف)	۵- افراد آمریکایی مقیم
۱۰۰	۶- توریستهای آمریکایی فصل سوم
۱۰۰	- " " فصل چهارم
۱۵۰	- " " فصل اول
	- " " فصل دوم
۱۰۰	و دیگر مسافرین موقت
۱۰۰	۷- دیگر کارمندانی که باید تخلیه شوند (ب)
۲۹۰۲	۸- مجموع

(الف) در این واحد نام ۱۷۰۰ شهروند آمریکایی مقیم اینجا وجود دارد.
 (ب) تعداد تقریبی اعضای بیگانه خانواده‌های شهروندان آمریکایی که در بخش خانواده کارمندان امریکا گنجانده نشده است، بیست نماینده تجاری کره و وابستگان آنها که در گزارش سال قبل درج گردیده بود حذف شده‌اند. نمایندگی کره به صورت سفارت در آمده و در حال حاضر چند هزار کره‌ای (اکثر آنها کارمندان ساختمانی) در کویت به سر می‌برند. در صورت لزوم تماس با کره‌ایها و دیگر نمایندگان در مورد نقشه تخلیه اضطراری و نحوه آن سفارت آمریکا در کویت را راهنمایی نمایید. پایان محرمانه بخش طبقه‌بندی نشده.

قسمت دوم - آمریکاییان غیر دولتی مقیم خارج

۱۵۰	الف - تاجر
۳۰۰	ب - کارمند (به استثناء معلمین)
۰	پ - دانش آموزان بالای ۱۷ سال
۲	ت - میسیونرها و روحانیون
۱۰۴۸	ث - وابستگان بالا
۰	ج - بازنشستگان و اقوام آنها
۱۰۰۰	چ - افراد دیگر (که عبارتند از معلمین، همسران و فرزندان خارجی آمریکاییها)
۲۵۰۰ نفر	ح - جمع افراد غیر دولتی
ساترلند	پایان بخش طبقه‌بندی نشده

سند شماره (۴۱)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

به: سفارت آمریکا در تهران

تاریخ: ۲۵ تیر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا در کویت

موضوع: گزارش از تهران

در ده ماه گذشته جریان دائمی اخبار و اطلاعات در مورد اوضاع ایران برای سفارت آمریکا در کویت

از اهمیت بسیار برخوردار بوده است چون رویدادهای ایران بر کویت و خلیج تأثیر بسیار دارد، از سفارت آمریکا در تهران خواهشمندیم که در توزیع گزارشهای سیاسی و مطالب مهم دیگر سفارت آمریکا در کویت را نیز شامل فهرست گیرندگان بنمایند.

سند شماره (۴۲)

تاریخ: ۲ مرداد ماه ۱۳۵۸
از: سفارت آمریکا در کویت

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی

موضوع: سفر وزیر امور خارجه کویت به ایران

۱- (خیلی محرمانه) خلاصه: سفر وزیر امور خارجه کویت به ایران در تاریخ ۲۲ - ۲۱ ژوئیه، که کویتهای مدتها در فکر آن بودند به منظور توسعه روابط ایران و کویت و هموار نمودن راه برای ایجاد روابط بهتر بین دو کشور صورت گرفت. کویتهای قصد نداشتند در این سفر مسائل نفتی را به مباحثه بگذارند، لیکن آماده بودند مشکلات ایران را در زمینه کمبود مواد پالایشی در زمستان آینده رفع نمایند. مسئله مورد بحث دیگر تجارت دو جانبه غیر نفتی دوستانه ایران و کویت می‌باشد. یکی از عبارات بیانیه مشترک، طبق معمول نیروهای خارج از منطقه را از شرکت در ایجاد «امنیت» خلیج مستثنی می‌سازد و با لحنی جدید در مورد آزادی دریانوردی در خلیج سخن می‌گوید، مشروط بر آنکه این دریانوردی «امنیت و ثبات منطقه را بر هم نزند.» این اولین بازدید کویت از ایران در سطح وزارت از زمان انقلاب فوریه ایران به خاطر این انجام شد که نشان داده شود که کویت حامی ایرانی غیر چپگرا و با ثبات است. (پایان خلاصه).

۲- (طبقه‌بندی نشده) ترکیب هیئت نمایندگی کویت نشانه دست کم گرفته شدن روابط است. شیخ صباح الاحمد معاون نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه در ۲۲ - ۲۱ ژوئیه از تهران بازدید به عمل آورد. سه تن از مقامات کابینه که اصلیت آنها مربوط به اعراب پارسی جنوب ایران است، یعنی وزیر مشاور در وزارت بازرگانی علی الوزان، وزیر مشاور در وزارت نفت عبدالرزاق ملاحسین، معاون مدیر شرکت ملی نفت کویت عبدالله القرباسی وی را همراهی می‌کردند. همچنین شیخ مبارک جابر الاحمد سرپرست دفتر وزارت امور خارجه و فرزند امیر کویت و چند تن از مقامات دیگر کویت به همراه صباح الاحمد وارد این کشور شدند.

۳- (خیلی محرمانه) بیانیه مشترک (مرجع الف) بر منافع مشترک و همکاری «به خصوص در زمینه فرهنگی، اقتصادی، و نفتی» بین دو کشور تأکید دارد. همان طور که در ذیل تشریح می‌شود برای همکاریهای نفتی و اقتصادی بین دو کشور دلایلی چند وجود دارد. اشاره به همکاری فرهنگی و اظهار خوشحالی کویت در این بیانیه از موفقیت انقلاب اسلامی نشانگر حمایت کویت از دولت اسلامی کنونی (هر چه هست) ایران می‌باشد. با وجود اینکه بسیاری از کویتهای به نظام چند رهبری حکومت ایران مشکوک بوده و فکر نمی‌کنند که آیت‌الله‌ها توان حکومت داشته باشند، ولی مایل نیستند سقوط دولت کنونی ایران را مشاهده نمایند، چون اکثر کویتهای مطمئن هستند که جانشین این دولت یا چپگرا و یا بدتر خواهد بود. بقیه بیانیه و نیز عبارت مربوط به فلسطینیها حاوی همان لحنی است که در بیانیه‌های کویت به چشم می‌خورد. عبارت مربوط به «عدم مداخله در امور داخلی دیگران» نیز از منشور سازمان ملل گرفته شده است، لیکن برای کویت مفید خواهد بود، چون می‌تواند از آن به عنوان وسیله‌ای برای اطمینان

بخشیدن به بحرین در مورد مقاصد ایران بهره‌برداری نماید.

۴- (خیلی محرمانه) نفت. هنگامی که کاردار در مورد حضور مقامات بخش نفتی در هیئت نمایندگی سؤال نمود، وزیر نفت کویت علی خلیفه الصباح گفت که کویت فعلاً در نظر نداشت پیرامون سیاستهای نفتی و مسائل مربوط به اوپک گفتگو نماید.

با اشاره به مشکلات فنی که بازده محصولات پالایشگاهی ایران را محدود ساخته احتمالاً میزان نفت حرارتی ایران را نیز پایین خواهد آورد و در صورتی که این مشکلات شدیدتر شود، علی خلیفه گفته است که کویت حاضر است در صورت لزوم قدری از این مشکلات را حل نماید.

علی خلیفه گفت که کویت چند ماه قبل پس از به قدرت رسیدن خمینی اعلام آمادگی کرد که حاضر است از نظر فنی به ایران کمک نماید تا تولید نفت آن از سر گرفته شود. و چون می‌دانست که ایرانیها از کار کردن با افراد فنی غربی ناراحت هستند، اعلام کرد که حاضر است تعدادی از افراد فنی عربی خود را به آنجا روانه سازد و در عوض تکنیسینهای غربی را در کویت به جای آنها به کار گیرد.

۵- (خیلی محرمانه) تجارت. در گفتگو با معاون نمایندگی پیرامون سفر وزیر امور خارجه در ۲۲ ژوئیه، طارق رازوقی مشاور حقوقی وزارت خارجه گفت که از ماه فوریه روابط بین ایران و کویت محدود شده بود و وزیر امور خارجه فکر می‌کرد، که زمان آن رسیده است که به «ایرانیها و دولتشان» فرصتی داده شود تا به گسترش روابط با کویت بپردازند و الصباح الاحمد در بیانیه ورودی روز قبل خود به تهران به این مسئله اشاره کرده بود. رازوقی گفت که کمی بعد از انقلاب ایران، گل شریفی کاردار ایران در کویت از رازوقی خواست که از دولت کویت تقاضا نماید که یکی از کارگران ایرانی را که به جرم توزیع اعلامیه‌های ضد شاهی اخراج کرده بود دوباره بپذیرد، وزیر کشور اظهار داشته بود که درست نیست مردی را که سابقه ایجاد دردسر داشته است بپذیرند، لیکن رازوقی این مطلب را با وزیر امور خارجه مطرح نمود و گفت که این کارگر مسئله را به گوش خمینی رسانده است و او نیز شخصاً خواسته است که وی به کویت بازگردد، وزیر امور خارجه تصمیم وزیر کشور را نادیده گرفت و اجازه مراجعت کارگر ایرانی به کویت را صادر نمود. در هفته‌های بعدی، با ظاهر شدن مسائل دوجانبه -- رازوقی درباره مهاجرت غیر قانونی ایرانیها به کویت و بدیهیهای بیش از حد ایران در رابطه با صادرات بازرگانی کویت -- گل شریفی و رازوقی کانالی -- برای حل این مسائل گردیدند.

۶- (خیلی محرمانه) رازوقی خاطر نشان ساخت که ایران پس از عربستان سعودی مهمترین خریدار صادرات غیر نفتی (یعنی صادرات دوم) کویت می‌باشد (بالغ بر ۸۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۶) و برقراری آرام دوباره و دوجانبه روابط بازرگانی به نفع هر دو کشور است. حدود شش هفته قبل رازوقی پیشنهاد کرد که به همراه یک هیئت فنی برای حل این مسائل رهسپار ایران شود، لیکن وزیر امور خارجه گفته بود که مایل است خودش این مأموریت را انجام دهد. و رازوقی گفت کویت مایل است که ثبات ایران بیشتر شود و این بازدید برای نشان دادن حمایت جدی از این مسئله در سطح وزرا انجام گردید، رویدادهای ۶ هفته گذشته با رفتن الصباح الاحمد به ایران تداخل یافته است. تیره شدن روابط ایران و عراق (که کویت مایل نیست مستقیماً در آن مداخله نماید)، باعث شده است که بیانات انتقادآمیز و تندی از دو طرف ظاهر گردد و معلوم نیست که آیا امیر کویت نیز به ایران سفر خواهد کرد یا نه (مرجع ب) که این موضوع نیز در این تأخیر سهیم بوده است.

۷- (خیلی محرمانه) امنیت خلیج سر و صدایی که در مورد اخطار اخیر وزارت امور خارجه (امریکا- م) در مورد احتمال خرابکاری در کشتیهای در حال آمد و شد از تنگه هرمز به راه افتاده است، و نیز حضور نیروی دریایی فرانسه و آمریکا در حوزه خلیج (مرجع پ) عمل می‌کنند و غیبت یک لحن تند و یا حتی تذکری درباره این حضور دریایی و یا تشویق گسترش «پایگاههای نظامی آمریکا» بیانیه را در مورد امنیت خلیج (مرجع الف) چندان مضر و برهم زننده آسایش نشان نمی‌دهد، البته حتی یک عنصر میمون و جدید در آن به چشم نمی‌خورد. از نظر کویتهای فرمولبندی موجود یعنی امنیت خلیج «مسئولیت منحصر به فرد کشورهای خلیج است» و «مداخله در امور داخلی کشورهای خلیج ممنوع اعلام شده است» تغییری نیافته است. لیکن عبارت جدید همکاری دوجانبه برای تأمین امنیت آزادی دریانوردی در خلیج تا جایی که این دریانوردی امنیت و ثبات منطقه را به خطر نیندازد «در بیانیه‌های پیشین کویت به چشم نمی‌خورد و نشان بی‌گناهی نیز نمی‌تواند باشد. در این رابطه توجه را به گزارشهایی که دو سال قبل (مرجع‌های ت و ث) جلب می‌کنیم که (الف) کشورهای عربی در نظر داشتند فرضیه دریای بسته را در مورد خلیج فارس مورد مطالعه قرار دهند، مشروط بر آنکه کشتیهای جنگی قبل از ورود مقامات مربوطه را مطلع سازند و یا این ورود آنها به دعوت یکی از کشورهای منطقه صورت گرفته باشد (ب) ولی در آن زمان کویت سعی داشت پای خود را به این موضوع نکشاند. تا جایی که می‌دانیم به علت مخالفت آمریکا این فرضیه مسکوت مانده بود، لیکن حالا که نیروی دریایی ایران از هم پیمانان ما در برقراری امنیت خلیج به شمار نمی‌رود، احتمالاً با حمایت مشترک اعراب و ایران مسئله دوباره مطرح خواهد گردید.

۸- (خیلی محرمانه) اظهار نظر: کویت در وضعی نیست که بتواند تمام اختلافات موجود بین اعراب و ایران را از میان بردارد، و رازوقی گفته است که کویت تمایلی به میانجیگری در روابط ایران و عراق ندارد (مرجع ث). معذالک، کاهش تشنج در خلیج به نفع ایران است. از نظر کویتهای، دولت کنونی ایران خیلی بهتر از بسیاری از دولتهای چپگراست. به همین دلیل است کویت روابط خود با دولت کنونی ایران را گسترش بخشد. و این کارها حس اعتماد و دلگرمی بحرینها را نیز در رابطه با کارهای ایرانی‌ها بالا می‌برد. در رابطه با بیانات عمومی صباح الاحمد در تهران که «خطر آمریکا را» در اشغال حوزه‌های نفتی منطقه محکوم کرده بود و به عنوان تیتراژ اول روزنامه‌ها منتشر گردید باید گفت که هرگاه گزارشگری از وی بخواهد در مورد «نیروی عکس‌العمل سریع ۱۱۰/۰۰۰ نفری» اظهار نظر نماید وی همچنین جواب را می‌دهد و از بیانات دیگر وی که نشانگر خط و سیاست کویت می‌باشد این بود که دفاع از کویت «بر اساس تقویت جبهه داخلی انجام می‌شود نه بر اساس نظام دفاعی عظیمی» که در برگیرنده سلاحهای پیچیده بسیار باشد و همه این گفته‌ها احتمالاً در گوش ایرانیها و کویتهای باقی مانده است. ساترلند

سند شماره (۴۳)

تاریخ: ۲ مرداد ماه ۱۳۵۸
 از: سفارت آمریکا در کویت به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی، با اولویت
 موضوع: وزیر نفت کویت به گفتگو پیرامون برنامه انرژی رئیس‌جمهور، تولید نفت کویت، سیاست فروش نفت و ظرفیت تولیدی کویت می‌پردازد
 ۱ - (تمام متن خیلی محرمانه است).

۲- خلاصه: وزیر نفت کویت شیخ علی الصباح در بررسی کلی امور با کاردار و مقام اقتصادی در ۲۲ ژوئیه از بیانات رئیس جمهور در زمینه انرژی استقبال کرد و اظهار داشت که فکر نمی‌کند به این ترتیب بتوان به اهداف دراز مدت مهمی دست یافت. وی پیش‌بینی می‌کند که عرضه و تقاضا در سال ۱۹۸۰ به پایداری و ثبات آن در سال ۱۹۷۹ نخواهد بود و به همین دلیل کویت ممکن است مجبور شود تولید را به میزان ۱/۵ تا ۱/۶ میلیون بشکه در روز کاهش دهد. لیکن در صورتی که عرضه و تقاضا در سال ۱۹۸۰ هم تناسب کنونی را داشته باشد کویت به کاهش تولید خود مبادرت نخواهد ورزید. وزیر اعتراف کرد که کویت مقداری از نفت خام خود را در بازار سیاه می‌فروشد، لیکن به نظر وی به جای بازار سیاه، عدم موازنه عرضه و تقاضا، مسبب و دلیل بالا رفتن قیمت‌هاست و اگر این موازنه برقرار شود بازار سیاه نیز به خودی خود از بین خواهد رفت. کویت با افزایش تولید به سطح ۳ میلیون بشکه در روز (برای آزمایش کارخانه گاز مایع نفتی) منافع چندانی به دست نخواهد آورد، چون حداکثر ظرفیت تولیدی «نفت کویت» (به استثناء منطقه تولیدی جدا شده) فقط ۲/۲۵ میلیون بشکه در روز است. و چون کشور در حال حاضر به همین میزان تولید می‌کند، وزیر معتقد است که ظرفیت تولیدی کویت همین است و بس. (پایان خلاصه).

۳- کاردار به همراه مقام اقتصادی در حال عزیمت به آمریکا، باک در ساعت ۸ بعد از ظهر روز ۲۲ ژوئیه با وزیر نفت کویت شیخ علی خلیفه الصباح برای توجیه وی در مورد بیانیه رئیس جمهور در زمینه انرژی (مرجع الف) ملاقات نمودند.

کاردار از افزایش قیمت نفت اوپک اظهار تأسف کرد، لیکن اضافه کرد که ما از اینکه حسین سخنگوی کابینه دولت کویت به سرعت و به طور مثبت به بیانیه رئیس جمهور در زمینه انرژی پاسخ گفته است خوشحال هستیم (مرجع پ). کاردار به شرح تفصیلی برنامه رئیس جمهور پرداخت چون این برنامه به وسیله نامه‌ای به وزیر ابلاغ شده بود و طبق گفته خود وی، علی خلیفه شب تا دیر هنگام بیدار مانده بود تا به سخنرانی رئیس جمهور آمریکا از رادیو صدای آمریکا گوش فرا دهد.

۴- علی خلیفه از برنامه رئیس جمهور استقبال کرد و گفت که او خلاصه‌ای از سخنرانی وی را در جلسه عادی کابینه در روز ۲۲ ژوئیه منتشر کرده است. وی امیدوار است که طرح‌های رئیس جمهور موفق شود. لیکن نمی‌داند که چطور می‌توان به هدف‌های بزرگ دست یافت چون همین سه ماه قبل بود که شاخه اجرائی به کنگره اطلاع داده بود که تا سال ۱۹۸۰ فقط می‌توان معادل ۳۰۰/۰۰۰ بشکه در روز از نوع سوخت ترکیبی تولید نمود. ولی رئیس جمهور در بیانیه اخیر خود صحبت از ۲/۵ میلیون بشکه در روز تا سال ۱۹۹۰ می‌کند. البته این برنامه جدید حاکی از سرمایه‌گذاریهای عظیم است، لیکن هنوز نمی‌تواند چهره اصلی واقعیت را تغییر دهد. و با صرف فقط پول نمی‌توان مشکلات را حل نمود. این احتمالاً قضاوت بانکدارها و متخصصین امور مالی بوده است، چون بعد از سخنرانی رئیس جمهور از ارزش دلار نیز کاسته شد. ولی ممکن است که آمریکا بتواند در کوتاه مدت به اهداف خود در زمینه کاهش واردات دست یابد. و چون آمریکا در نیمه اول ۱۹۷۹ کمتر از ۸/۲ میلیون بشکه در روز وارد می‌کرد و دچار عقب‌افتادگی اقتصادی گردید، نمی‌توان از آن انتظار داشت که در نیمه دوم ۱۹۷۹ بیش از ۸/۲ میلیون بشکه در روز نفت وارد نماید، و در سال ۱۹۸۰ نیز میزان واردات کاهش خواهد یافت. عقب‌افتادگی اقتصادی باعث کاهش واردات و افزایش صادرات خواهد گشت، و در نتیجه آن در کسری پرداختهای آمریکا موازنه ایجاد خواهد شد و سرانجام دلار تقویت خواهد گردید.

۵- عرضه و تقاضای جهانی و تولید نفت کویت: طبق پیش‌بینی شیخ علی، عقب‌افتادگی اقتصادی آمریکا نه تنها در فصل اول بلکه در فصل دوم ۱۹۸۰ نیز ادامه خواهد داشت. تقاضا برای نفت نه تنها در آمریکا بلکه در تمام جهان پایین خواهد آمد «و ثبات بازار در سال ۱۹۸۰ از بین خواهد رفت». در واقع سال ۱۹۸۱ یک «دردسر» خواهد بود چون عرضه بیش از تقاضا خواهد بود. در سال ۱۹۸۰ در آمریکا تقاضا به نسبت یک میلیون بشکه در روز پایین خواهد آمد، البته اروپا به این سرعت عمل نخواهد کرد، و در واردات بعضی از کشورهای کمتر توسعه یافته نیز کاهش پدید خواهد آمد. در جهان عرب در نتیجه افزایش قیمت در سالهای ۷۴-۱۹۷۳ مصرف حدود ۱۰ درصد کمتر شد، و این اتفاق بار دیگر رخ خواهد داد. با عمل متقابل این وقایع «مثبت» سیاه‌هایی باید تشکیل شود که احتمالاً با ۱/۵ میلیون بشکه در روز توأم خواهد بود.

معدالک وضع نفت جهان در سال ۱۹۸۰ چندان هم حاکی از تشنج نخواهد بود و بنابراین کویت می‌تواند میزان تولید «نفت کویت» را (به استثناء سهم آن کشور از منطقه جدا شده سعودی کویتی) به سطح ۱/۵ تا ۱/۶ میلیون بشکه در روز کاهش دهد. برخلاف احساس بعضی نباید فکر کرد که این به معنی ۷۰۰۰۰۰ بشکه کاهش است، چون امروزه کویت استثنائاً ۲/۲ میلیون بشکه در روز تولید می‌کند. سقف عادی تولید نفت کویت ۲ میلیون بشکه در روز بوده است، و در سالهای ۷۸-۱۹۷۷ تولید بالغ بر ۱/۸ تا ۱/۶ میلیون بشکه در روز بود و کاهش به میزان ۴۰۰/۰۰۰ - ۳۰۰/۰۰۰ بشکه در روز خواهد بود. ۶- کاردار سؤال کرد که آیا درست است که بعضی از کشورهای اوپک تولید را کاهش می‌دهند تا قیمت را بالا ببرند؟ وزیر پاسخ داد که وی باور ندارد که این موضوع صحت داشته باشد. به طور مثال، حتی عراق تولید خود را افزایش داده است تا بتواند با تولید ۳/۵ میلیون بشکه در روز به وضع تقاضا رسیدگی نماید. تولید ۲/۲ میلیون بشکه در روز کویت در سال ۱۹۷۹ بالاتر از سقف اعلام شده است و بنابراین با در نظر گرفتن هواداری از صرفه‌جویی در کویت یک مسئله سیاسی حساس است. (وزیر سریعاً از ما خواست که موضوع تولید نفت کویت در سطح بیش از ۲ میلیون بشکه در روز را محرمانه نگاهداریم). وی گفت، کویت مجبور است در تولید خود کاهش پدید آورد تا بتواند تنها منبع طبیعی خود را تا حد امکان حفظ نماید. ولی کویت مایل نیست که تقاضا بالاتر از عرضه بشود و منجر به صعود قیمت‌ها گردد. کاهش تولید با در نظر گرفتن تخفیف تشنج در بازار انجام خواهد شد. ولی در صورتی که وضع بازاری سال ۱۹۷۹ در سال ۱۹۸۰ هم ادامه داشته باشد، کویت سطح تولید خود را با آن وفق خواهد داد.

۷- سیاست فروش و فروش در بازار سیاه: وزیر گفت «اگر نفت اضافه داشته باشیم، آن را گاهی به مشتریان قدیمی و گاه به مشتریان جدید می‌فروشیم. از زمانی که من به وزارت رسیدم یکی از اولویتهای من ایجاد بهبود در کیفیت مشتریهایمان بوده است. در خاتمه قرارداد فروش نفت به بعضی از آنها قطع می‌گردد. ما به دنبال مشتریان دراز مدت هستیم و مانند گذشته خواستار مشتریانی نیستیم که نمی‌توانند در زمان پایین بودن تقاضا حداقل خرید خود را انجام دهند. ما مشتریانی می‌خواهیم که در اوقات خوب و اوقات بد همراه ما باشند، یعنی شرکت‌هایی که دارای یک میلیارد دلار و یا بیشتر سهام باشند و تعدادی پالایشگاه در اختیار داشته باشند نه مشتریهای بی‌اهمیت.»

۸- با اشاره به اجلاس توکیو که خواستار از بین رفتن نقش بازار سیاه شده بود، وزیر گفت بازار سیاه عامل افزایش قیمت‌ها نیست. تا زمانی که تقاضا از عرضه بیشتر باشد، مشتریان حاضر و آماده در بازار سیاه

خواهند بود. تلاش برای از بین بردن آن در رتردام نیز مؤثر نیست. نفتهای بفروش رسیده در بازار سیاه به قبرس و جاهای دیگر منتقل می‌گیرند رد واقع بازار سیاه نیازی به یک محل خاص ندارد، تنها نیاز بازار سیاه یک تلفن و یا یک تلکس است. وزیر گفت «اگر من این نفت را ده دلار گرانتر بفروشم در حالی که می‌دانم شخص دیگری حتماً این کار را می‌کند، حتماً آحمق خواهم بود.» تنها راه حل برای این مسئله برقراری موازنه بین عرضه و تقاضا است نه از بین بردن بازار سیاه.

۹- ظرفیت تولیدی کویت: وزیر با کمال تعجب پرسید که چرا مردم فکر می‌کنند که کویت کمتر از ظرفیت خود تولید می‌کند. رقم ۳/۸ میلیون بشکه‌ای را که «شرکتهای نفتی» در مورد تولید کویت اعلام کرده‌اند و گاهی ظرفیت تولید کویت را ۳ میلیون بشکه در روز هم قلمداد می‌کرده‌اند، بسیار نادرست است. ظرفیت تولیدی نفت کویت شامل منطقه قدیمی شرکت نفت و فرا (اگزامین اویل، که اکنون یکی از مهمترین تولیدکنندگان کویت یعنی شرکت نفت کویت باشد) تنها ۲/۲۵ میلیون بشکه در روز است. اگر تولید بیش از این رقم ادامه یابد موجب وارد آمدن خسارت به ذخایر و فشار ذخایر می‌گردد در حقیقت «در هفته گذشته ما سه جلسه ترتیب دادیم که ببینیم آیا می‌توانیم تولید را از ۲/۲۵ میلیون بشکه موقتاً به سطح ۳ میلیون در روز افزایش دهیم (تا بتوانیم کارخانه گاز مایع نفتی را آزمایش کنیم). و به این نتیجه رسیدیم که برای این کار باید قوانین را زیر پا بگذاریم و من از این کار بسیار متنفرم چون خطر زیادی به همراه دارد، و این بدین معنی است که نمی‌توان مراکز تجمع گاز را جمع‌آوری کرد، چون اگر این کار بشود، ولی در تعمیر و نگهداری آن ممارست و پیوستگی وجود نداشته باشد، خالی از خطر نخواهد بود، همان طور که یک مرکز جمع‌آوری گاز در سال ۱۹۷۸ منفجر گردید. و این گونه اتفاقات نه تنها یک خطر فنی بلکه سیاسی نیز به حساب می‌آید.» این بحثها سبب شده بود که وزیر متقاعد گردد که ظرفیت تولیدی نفت کویت ۲/۲۵ میلیون بشکه در روز می‌باشد.

۱۰- اظهار نظر: رقم ۲/۲۵ میلیون که به عنوان حداکثر ظرفیت تولیدی نفت کویت توسط وزیر اعلام گردید حتی از ۲/۲۵ میلیون بشکه‌ای که قبلاً (مرجع پ) ذکر گردید کمتر است و از رقم ۳ میلیون بشکه‌ای که درباره آن شایعاتی پراکنده شده بود نیز، خیلی کمتر است. در اظهار نظر پیرامون ظرفیت تولیدی کویت، یکی از مقامات نفتی آمریکا که سالها مقیم کویت است اعلام کرد که باور نمی‌کند که ظرفیت تولیدی نفت کویت خیلی کمتر از ۲/۶ میلیون بشکه باشد، مگر اینکه در ذخایر نفتی تغییراتی به وجود آمده باشد. وی گفته است که علاوه بر این دولت کویت مایل نیست به میزان زیاد نفت تولید نماید به همین دلیل در حال تجدیدنظر در مورد ظرفیت تولیدی خود می‌باشد، تا بتواند به اهداف خود در تعیین خط مشی دست یابد. با پیچیدگی‌های منابع، دولت کویت می‌تواند این کار را انجام دهد و بدون دسترسی به سوابق کامپیوتری دقیق نمی‌توان با برآوردهای آن مخالفت نمود. البته ممکن است این مقام نفتی درست گفته باشد، لیکن وزیر هم سعی کرد با صداقت اظهار نماید که تولید بیش از ۲/۲۵ میلیون بشکه در روز خطرات زیادی را به همراه دارد. رقم اصلی ظرفیت هر چه باشد، با در نظر گرفتن فرضیات وی نمی‌توان در آینده وی را وادار کرد که به تولید نفت کویت در سطح بیش از ۲/۲۵ میلیون بشکه پردازد. ساترلند

سند شماره (۴۴)

تاریخ: ۲ مرداد ۱۳۵۸
 از: سفارت آمریکا در کویت
 به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی
 موضوع: نقطه امید در افق تیره: ناظران می گویند قرارداد کمپ دیوید هنوز زنده و به قوت خود باقی است
 ۱ - (تمام متن خیلی محرمانه است).

۲ - خلاصه: کویت همیشه مرکز شایعات است. در تابستان داغ و سوزان بر شایعات پرداخته خود متمرکز است، چون گرما، گرد و خاک و برنامه تعطیلات دسترسی به حقایق را ناممکن می سازد. به این ترتیب کویت مملو از شایعاتی است که نه مورد تأیید مقامات رسمی کویت قرار می گیرد و نه واقعیتی آنها را حمایت می کند و شایعات حاکی از آن است که در زمینه ایجاد صلح در خاورمیانه پیشرفتهای چشمگیری در حال به وقوع پیوستن است. دراماتیکیهای وین با شرکت یاسر عرفات مورد بحث است و همه آنها به عنوان پیشرفتهایی در زمینه صلح چه با شرایط فلسطینیها و چه با شرایط آمریکاییها می نگرند. علیرغم عکس العملهای آمریکا نسبت به افزایش قیمت نفت اوپک و اینکه آمریکا ممکن است به کشورهای نفتی حمله ور شود، دوایر محلی کمپ دیوید را مفید می دانند (گرچه در آشکار آن را نمی پذیرند)، و سعی دارند کاری کنند که دیگران اعراب نیز به طور سازنده در قراردادهای کمپ دیوید شرکت نمایند. ولی در حال حاضر کسی آمریکا را به خاطر سیاستهایش در خاورمیانه محکوم نمی کند. ناظران فکر نمی کنند که کمپ دیوید «به رکورد کشیده شده است» بلکه معتقدند تغییر موضع بین دولت آمریکا و ساف می تواند به پیشرفتهای چشمگیر در صلح خاورمیانه منجر شود گرچه ممکن است بعضیها فکر کنند که خاورمیانه نمی تواند درست به مسائل بنگرد، ولی مسئله اصلی این است که آیا تغییری در مواضع تاریخی ساف و آمریکا پدید خواهد آمد و یا اینکه عراق مذاکراتی را که ممکن است منجر به صلح بین اعراب و اسرائیل شود قبول خواهد کرد یا نه. (پایان خلاصه).

۳ - هوای تابستانی کویت که توأم با بادهای غبارآميز و بخار آب است، اخیراً «توأم با شایعاتی شده است که بر اساس آنها معتقدند» در زمینه صلح پیشرفتهای واقعی در حال صورت گرفتن است. اعضاء گروههای دیپلماتیک که رابطه هایشان در دولت کویت به تعطیلات تابستانی رفته اند به علت فقدان شواهد مستحکم در این باره توافق چندانی ندارند، چون نمی دانند که آیا ملاقات عرفات در وین با کریسکی ویراند و ورود اشتراوس به روند صلح در اسکندریه و مداخله احتمالی آمریکا برای حفاظت از حوزه های نفتی، و خشم اعراب در رابطه با منفی گرایي بغداد علیه سادات سبب خواهد شد که ساف، اردن و سوریه در «روند صلح» شرکت نمایند و به موازات مذاکرات خودمختاری کمپ دیوید تشکیل سکوی جداگانه را بدهند یا خیر.

۴ - البته آنها که ملاقات عرفات در وین را به عنوان پیروزی انقلاب تندرو فلسطینیها در جلب حمایت اروپاییان (و آمریکاییها) می بینند تحت تأثیر کسانی واقع می شوند که معتقدند که گروه میانه رو ساف به رهبری عرفات در موضعی قرار می گیرد که در نتیجه آن آمریکا بتواند با شرایط آمریکایی با فلسطینیها معامله نماید. هیچ کس نمی داند که محتوای ملاقات های وین چیست، لیکن همه معتقدند که هدف رسیدن به صلح است. همه در مورد همکاری آمریکا در برگزاری این ملاقاتها توافق دارند، لیکن نتیجه گرفته اند که آمریکا با این مذاکرات موافقت کرده است چون (الف) می دانسته است که یا ساف تسلیم شرایط آمریکا

می‌شود و یا (ب) آمریکا تسلیم شرایط ساف می‌گردد. به طور کلی جو روانی حاکم این است که مذاکرات در زمینه صلح امیدوارکننده است و موضع آنهایی که خواستار رویارویی منافع اعراب با منافع آمریکا و اسرائیل هستند تضعیف می‌گردد. در زمانی که افزایش قیمت نفت اوپک و پاسخ دولت آمریکا باید منجر به بلند شدن سر و صدا در حمایت از استفاده «از نفت به عنوان یک سلاح» بشود، عجیب این است که بعضی از مردم اینجا از این روش اجتناب می‌ورزند.

۵- گذشته از پاسخ مثبتی که یکی از مقامات برجسته به ما داد (تلگرام مرجع) از دیگر منابع کویتی در این باره اطلاعاتی دریافت ننموده‌ایم. شیخ صباح الاحمد وزیر خارجه کویت اخیراً (از ۹ تا ۱۱ ژوئیه) به سفر به عمان، دمشق و بغداد پرداخت و درباره آن توضیحی نداده است و دیگر منابع ما در وزارت امور خارجه نیز در این باره چیزی نمی‌دانند. مطبوعات اظهار می‌دارند چیزی نمی‌دانند. مطبوعات اظهار می‌دارند که شیخ صباح در این سفر سعی دارد اعراب را به یک مبارزه سیاسی شدیدتر علیه مصر فرا خواند. لیکن منابع دیگر در امور خارجه معتقدند که شیخ سعی کرده است به سران عراق و سوریه و شاه حسین بفهماند که کمپ دیوید تنها راه حل منطقی و رضایت‌بخش می‌باشد. این ناظران می‌گویند که شیخ احمد احتمالاً از اسد، بکر و حسین خواسته است که به مذاکرات موازی اقدام نمایند و لازم نیست که کمپ دیوید را معتبر بشناسند، بلکه گامی برای ایجاد یک صلح واقعی از طریق این مذاکرات بردارند.

۶- هنگامی که یکی از منابع موجود در دیوان امیر (حفاظت شود) به ما در ۲۱ ژوئیه گفت که وزیر امور خارجه سعی دارد راهی بیابد که بتوان به وسیله آن بین «اعراب» و کمپ دیوید آشتی برقرار سازد. (درست برعکس گفته مطبوعات مبنی بر اینکه وی سعی داشته اعراب را از آن دور سازد) از وی پرسیدیم که چرا وزیر امور خارجه این موضوع را با ما در میان نمی‌گذارد تا ما هم در این زمینه اقدامات مؤثری انجام دهیم. این مشاور گفت کویتها معتقدند که گفتگوی مستقیم با آمریکا سبب با خبر شدن اسرائیل و خنثی شدن تلاشهای کویت می‌گردد.

۷- مقامات کارمندی وزارت خارجه پیش‌بینی می‌کنند که افق تیره عربی امیدوارکننده‌تر شده است. سفیر انگلیس (شدیداً حفاظت شود) که هفته گذشته خواستار یک ملاقات عالیرتبه سیاسی در سطح وزارت خارجه شده بود، موفق به ملاقات با دو تن از سران این وزارتخانه گردید که کاملاً از موضوع بی‌خبر بودند، و گفتند که وزیر خارجه در این سفر به دیدار دوستان قدیمی پرداخته است. سفیر انگلیس معتقد است که هیچ واقعه امیدوارکننده‌ای در حال رخ دادن نیست، ولی ما فکر می‌کنیم که جهالت و بی‌خبری مقامات وزارت خارجه کویت هیچ موضوعی را ثابت نمی‌کند.

۸- سفیر سوئیس، ده روز قبل از این مسافرت طولانی گفت در نتیجه قدرت اعراب «اروپا» آماده است تا در روند صلح نقش فعالتری داشته باشد. سفیر گفت اجلاس عرفات در وین نشان داد که ساف مایل است به شرایط منطقی آمریکا تن در دهد باید در شش ماه آینده منتظر اعلامیه حکومت فلسطینی در تبعید باشیم. این واقعه سبب تحکیم موضع ساف به عنوان یک سازمان مشروع و تضعیف مقاومت آمریکا بر خورد مستقیم خود با این سازمان می‌شود. وی در تحلیل خود می‌گوید، قبول مذاکره با ساف از طرف آمریکا فشار زمانی را از بین می‌برد: ساف مایل به گفتگو خواهد شد، در حالی که افکار عمومی جهان تغییر پیدا می‌کند و فشارهای سیاسی داخلی اسرائیل نیز با اوضاع بعد از بگین مطابقت پیدا می‌کند. سفیر اردن (حفاظت شود) که مردی است شدیداً «صلح‌طلب» ولی با همه گرایشات محافظه‌کارانه و

رادیکال عربی در کویت آشناست، به کاردار گفته است که سفر شیخ صباح الاحمد به امان، دمشق و بغداد ممکن است به منظور تشکیل یک اجلاس عربی باشد که منجر به انتشار یک بیانیه حاکی از میان‌روی بشود، البته این بیانیه امتیاز آشکاری به کمپ دیوید نخواهد داد، لیکن راه را برای آغاز مذاکرات صلح طلبانه بین اسرائیل از یک طرف و اردن، سوریه و ساف از طرف دیگر فراهم خواهد ساخت. سفیر گفت البته هیچ یک از مقامات کویتی به حمایت از این تحلیل بر نخواهند خواست. وی با مطرح کردن این نظریه که امریکا با زرنگی خاصی در «اعلامیه» خود گفته است که به حوزه‌های نفتی حمله‌ور خواهد شد گفت به این ترتیب اعراب میانه‌رو توانسته‌اند در برابر رادیکالها وسیله‌ای پیدا کنند: وی فکر می‌کند که شیخ صباح الاحمد به عراقیها و لیبیاییها توضیحاً می‌گوید که استفاده از نفت به عنوان یک سلاح سبب می‌شود که امریکاییهای منفور سرزمینهای ما را اشغال کنند و بنابراین «بهتر است ما هم با امریکا به بازی مذاکراتی بپردازیم».

۱۰- سفیر اردن، که شاید خیلی خوش بین باشد، معتقد است که در جهان اعراب یک جو ضد رادیکال در حال شکل گرفتن است. از آزاد شدن بن بلاز تبعید در الجزیره به عنوان میانه‌رو تر شدن دولت الجزیره سخن می‌گوید، وی گفت شاه حسین خود او نیز (لطفاً حفاظت نمایید) «به ناچار» نخواهد توانست دوستی و حسن نیت خود را با «دروغگویان دمشق و بغداد» ادامه دهد. وی گفت بغداد اخیراً منطقی تر شده است (ولی اظهار نداشت که ممکن است صدام حسین جانشین البکر بشود) دیگر دیپلماتها نیز از همین روند و گرایش صحبت می‌کنند. کاردار آلمان غربی ملاقات کرایسکی - عرفات را با نقش میانجیگرانه سوسیالیستهای اروپایی در بحران پرتغال در چند ماه گذشته مقایسه می‌کند. کاردار شوروی از عراق به عنوان مهمترین دولت ارتدادی که دوباره از دیگر اعراب جدا و منزوی شده است سخن می‌گوید، چون نتوانسته است قطعنامه‌های ضد مصری را در اجلاس وزرای خارجه تونس به تصویب رساند و دیگر اینکه نتوانسته به اتحاد سیاسی با سوریه نائل آید.

۱۱- آخر خط: ما دیگر به منفی بافی دیپلماتهای اینجا در مورد سیاست آمریکا در خاورمیانه عادت کرده‌ایم. ولی در حال حاضر این منفی بافی کم شده و یا محدود به مفسرین حرفه‌ای منفی باف شده است، گویا تصمیم آمریکا برای ثمر دادن کمپ دیوید همزمان با بهبود (عظیم یا هر طور دیگر) اوضاع در وین و پایتختهای عربی تأثیر خود را گذارده است. خیلها جرأت ندارند فریاد بزنند، «حق با شما آمریکاییهاست»، ولی بسیاری معتقدند که نام این بازی از کمپ دیوید باید ناپود شود به کمپ دیوید باید ساخته شود تغییر کرده است. تا زمانی که ساف حاضر به تدرروی باشد همه از آن حمایت خواهند کرد، ولی اگر یک روش ملایمتری را نیز اتخاذ کند هیچ کس مخالفتی نشان نخواهد داد. آنها خوشحال می‌شوند اگر امریکا بتواند در موقع مناسب اتخاذ چنین روش ملایمتری را سبب شود. بسیاری نمی‌دانند که چطور ممکن است با حمایت اروپاییها «صلحی منصفانه» با آغاز مذاکرات سوریه، اردن و ساف به وجود آید، لیکن بسیاری معتقدند که با همکاری آمریکا این ناممکن، ممکن می‌شود. کویت باز هم مانند گذشته مایل نیست در خط مقدم قرار گیرد، شاید تحلیلگران درست گفته باشند که شیخ صباح در نظر دارد با جدا کردن اجلاس بغداد از موضع ارتدادی در قبال کمپ دیوید، موضع میانه‌روتری را به وجود آورد لیکن دو سؤال بسیار مهم وجود دارد (الف) آیا عرفات فکر می‌کند در موقعیتی قرار دارد که بتواند با موضع آمریکا سازش نماید تا بتواند سازمان خود را در کمپ دیوید و یا مذاکرات موازی دیگر درگیر نماید، و (ب) آیا

عراق با به قدرت رسیدن صدام حسین به مشورت‌های میانه‌روها حالت دوستانه نشان خواهد داد. در صورتی که جهان عرب به استثناء عراق از اسرائیل تقاضای صلح نماید بین کویتها و همسایگان مشاورتهای طولانی آغاز خواهد شد و قبل از آن دولت کویت موضع خاصی را اتخاذ نخواهد کرد. آنچه گفته شده ممکن است نتیجه نوزده روز مداوم اصابت شن به چشمها و ریه‌ها باشد، و با این وصف هیچ کس از مقامات کویتی درباره محتوای آن چیزی نمی‌داند، لیکن ما با بعضی از رابطهای خود تماس گرفته‌ایم و معتقد شده‌ایم که خوش‌بینی رابطهایمان در اینجا چندان هم بی‌اساس و بی‌پایه نیست.

ساترلند

سند شماره (۴۵)

تاریخ: ۲ مرداد ۱۳۵۸
از: سفارت آمریکا در کویت
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی
موضوع: (خیلی محرمانه) اظهار نظر مثبت مقامات کویتی درباره نقش آمریکا در روند صلح
۱ - (تمام متن خیلی محرمانه است).

۲ - خلاصه: گفتگوی ۲۲ ژوئیه بین کاردار و یک مقام مهم وزارت امور خارجه کویت نشانگر نظریات مثبت این کشور پیرامون نقش آمریکا در روند صلح است. (پایان خلاصه).

۳ - پس از گفتگو پیرامون مسائل دیگر با مشاور حقوقی وزارت خارجه کویت طارق رازوقی (حفاظت شود)، کاردار از پیشرفتی که توسط سفیر اشتراوس در ایجاد روابط شخصی بین سادات و بگین و ایجاد برنامه کار برای مذاکرات خودمختاری به وجود آمده اظهار خشنودی کرد (مراجع الف و ب) کاردار گفت که مایل است نظر دکتر رازوقی را پیرامون سفر سفیر اشتراوس و ملاقات عرفات در وین بداند. دکتر رازوقی که به وزیر امور خارجه بسیار نزدیک است، گفت به نظر وزارت امور خارجه اجلاس وین تصویری بسیار مثبت از عرفات و ساف به وجود آورد، لیکن وی معتقد است که حتی مهمترین و محترم‌ترین سیاستمداران اروپایی نیز نمی‌توانند بیش از این برای روند صلح در خاورمیانه کاری انجام دهند. به نظر وی آمریکا عامل تعیین‌کننده است: «شما باید با ساف گفتگو نمایید». وی انتظار دارد که ما این کار را انجام بدهیم.

۴ - در این رابطه، وی به گفتگوی اخیر خود با یکی از «سفیران کشورهای سوسیالیست» اشاره کرد که در آن از کویت خواسته شده بود که به اقدامات مشابه خود در کنفرانس بغداد علیه مصر ادامه داده، عربستان سعودی و دیگر کشورهای تولیدکننده نفت شبه جزیره را متقاعد سازد که با استفاده از قیمت نفت، تولید نفت، و اهرم سرمایه‌گذارهای خود در آمریکا به این کشور فشار وارد سازند تا اسرائیل به زانو درآید رازوقی که از این پیشنهاد خشمگین شده بود، گفت وی چگونه می‌تواند چنین پیشنهادی را مطرح نماید در حالی که مهمترین کشور عربی همجوار ما یک دولت مارکسیستی است. رازوقی گفته است، که اصولاً به نفع عربستان سعودی نیست که با اعمال تاکتیکهای این گونه‌ای آمریکا را از خود دور سازد در حالی که یمن جنوبی را در همسایگی خود و یک دست‌نشانده روسی دیگر نیز در ورای دریای سرخ دارد. علاوه بر این رازوقی به عنوان یکی از مقامات کویتی در رتبه سفارت از همتای خود می‌خواست که توجه کند که آمریکا حداقل سعی دارد که در خاورمیانه راه‌حلی به وجود آورد، در حالی که شوروی اصلاً به این

اندازه تلاش نمی‌کند. رازوقی گفت آمریکا در اسرائیل نفوذ دارد و سرانجام با ساف گفتگو خواهد کرد. علاوه بر این، آمریکا در موقعیتی است که می‌تواند مسائل اساسی را حل نماید. بالاخره رازوقی به همتای سوسیالیست خود گفت که بر هم زدن وضع اقتصادی آمریکا با این تاکتیک‌ها اصلاً به نفع مواضع مالی و اقتصادی دراز مدت و یا کوتاه مدت کویت نمی‌باشد.

۵- کاردار از دریافت این گزارش اظهار تشکر کرد و گفت که ما قصد داریم در روند صلح به طور کامل شرکت نماییم، لیکن این صلح به آسانی و به سرعت به دست نمی‌آید.

۶- اظهار نظر: بیانات رازوقی... مهمترین نقطه نظر مقامات کویتی که تا کنون شنیده شده است... همزمان با این احساس که در افق ابری صلح خاورمیانه آفتاب در حال ظاهر شدن است، انجام می‌گیرد. ساترلند

سند شماره (۴۶)

تاریخ: ۳ مرداد ۱۳۵۸ طبقه بندی: خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در کویت به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی

موضوع: (خیلی محرمانه) خرید دوجانبه نفت توسط فرانسه

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است).

۲- در پاسخ به سؤال ما، مقام اقتصادی سفارت فرانسه (حفاظت شود) گفت که به نظر او بین فرانسه و کویت قراردادهای خرید دوجانبه نفت منعقد نشده و نخواهد گردید. و تا آنجا که می‌داند بین سفیر فرانسه و وزیر نفت کویت در ملاقات خود در اوائل این سال در این مورد گفتگویی انجام نشده بود. منبع فکر نمی‌کند که کویت مایل باشد وارد یک قرارداد دوجانبه خرید با فرانسه بشود، چون معمولاً این نوع قراردادهای با خرید تجهیزات و خدمات فرانسوی توأم است (مانند عراق) و دولت کویت نیز معمولاً به این نوع قراردادهای تمایلی نشان نمی‌دهد. چنین رویدادی در «زمینه نفت» بین دو کشور تنها ممکن است زمانی صورت گیرد که شرکت فرانسوی بتواند کارگسترش و مدرنیزه سازی پالایشگاه شرکت نفت کویت را انجام دهد البته اگر این پروژه یک میلیارد دلاری مورد تصویب قرار گیرد.

۳- اظهار نظر: فروش نفت کویت تحت قراردادهای دراز مدت و کوتاه مدت صورت می‌پذیرد، در حالی که سه شرکت بزرگ یعنی گلف، شل بریتیش پترولیوم تقریباً بیش از حد معمول تولید می‌کنند و گاهی مقداری نفت در بازار سیاه بفروش می‌رسد. و فکر می‌کنیم حدود ۱۰۰/۰۰۰ بشکه در فصل چهارم ۱۹۷۹ باقی بماند، ولی یک شرکت آمریکایی مذاکرات مقدماتی خود را پیرامون این مقدار نفت با کویت آغاز کرده است. البته موفقیت این مذاکرات هم بستگی به این دارد که قراردادهای کنونی تمدید نشود. حتی اگر فرانسه بخواهد نفت کویتی را بخرد باید منتظر ۳۰ مارس ۱۹۸۰ باشد که در آن قراردادهای پنج ساله گلف و بریتیش پترولیوم برای تمدید آماده می‌گردد ولی اگر کویت بخواهد در سال ۱۹۸۰ تولید خود را کاهش دهد که احتمال آن نیز زیاد است، (مرجع پ) دیگر چیزی برای خریدن باقی ماند.

ساترلند

سند شماره (۴۷)

تاریخ: ۳ مرداد ۱۳۵۸
از: سفارت آمریکا در کویت
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی
موضوع: وزیر نفت می گوید کارگران نفتی قابل کنترل هستند
۱- (تمام متن خیلی محرمانه است).

۲- در یک بررسی کلی با وزیر نفت کویت شیخ علی خلیفه الصباح در ۲۲ ژوئیه (مرجع ت) با اشاره به مشکلاتی که کارگران نفتی ایران برای ایران به وجود می آورند، این سؤال مطرح شد که آیا کویت نیز با چنین مسئله و مشکلی درگیر و روبه رو می باشد. شیخ علی گفت «برای توقف تولید نفت در کویت فقط چهل کارگر کافی است» و تنها کاری که آنها می توانند انجام دهند این است که مطابق قوانین کار کنند و فراتر از حوزه کاری خود کاری انجام ندهند. با این وصف، وزیر به سرعت گفت «من در این زمینه مشکلی ندارم»، فقط یک یا دو درصد کارگران نفتی قابل اعتماد هستند و بقیه هم به آسانی راضی نگاهداشته می شوند. «آنها تمایلات شدید سیاسی ندارند و من هم همیشه با آنها در تماس بوده، سعی می کنم راضی بشوند.» و در مورد کارگرانی که تمایلات سیاسی دارند نیز کنترل شدیدی اعمال می گردد.

۳- وزیر خاطر نشان ساخت که روز قبل در کمیسیون خدمات مدنی شرکت کرده و خواستار افزایش دستمزد کارگران نفتی شده بود. قبل از ملی شدن، اتحادیه کارگران نفتی در زمینه دستمزدها به طور جمعی به معامله و چک و چانه زدن می پرداخت. ولی حالا که شرکتهای نفتی در اختیار دولت قرار گرفته اند، مسئله دستمزد و مسائل مشابه دیگر نیز تحت اختیار کمیسیون خدمات مدنی قرار گرفته از حوزه و حدود اختیارات اتحادیه ها خارج گشته است. و کارگران هم هنوز در این باره شکایتی نکرده اند. وزیر گفت «از اتحادیه نامه ای دریافت کردم که باعث شگفتی من گردید، چون فکر می کردم که اتحادیه خیلی خشمگین است به این علت که ما حق مذاکره را از آنها گرفته ایم، ولی آنها اصلاً در این مورد اعتراضی ننموده اند.»
۴- وزیر گفت که کارگران اضافه دستمزد و بیشتر چیزهایی را که خواسته اند دریافت می کنند، و به طور کامل نه، چون اگر دولت به تمام خواسته های کارگران پاسخ مثبت بدهد کارگران باز هم تقاضاهای بیشتر و بیشتری را مطرح خواهند کرد.

۵- اظهار نظر: گفتگوی وزیر با ما مؤید گزارش مرجع پ می باشد، یعنی کارگران نفتی خطری علیه ثبات کویت و یا تولید نفت این کشور به حساب نمی آیند.
ساترلند

سند (۴۸)

تاریخ: ۶ مرداد ۱۳۵۸
از: سفارت آمریکا در کویت
به: وزارت امور خارجه
موضوع: (خیلی محرمانه) ارزیابی مجدد سیاسی: تأثیر مدرن سازی بر کویت.
(تمام متن خیلی محرمانه است).

خلاصه: با صدور اولین محموله نفتی از ماههای نفت کویت یعنی سی و پنج سال پیش روند مدرن سازی کویت آغاز گردید. افزایش شدید ثروت ملی سبب رونق یافتن وضع جمعیت شده و سناریوی اجتماعی قدیمی، ساده و مرتبط با یکدیگر را که در پشت دیوارهایی آجری ایفای نقش می کرد از بین برده

است. خارجیهها به تعداد بی‌شماری وارد کویت شده و کویتیهها را به صورت اقلیت در آورده‌اند و در نتیجه پراکندگی خانواده‌های سنتی و ورود خانواده‌های جدید بدوی به مجتمعهای شهری جانشین روستاهای قدیمی تحول جدیدی در میان جامعه کویتی پدید آمده است.

اکثر خارجیهایی که در نتیجه ثروت نفتی کویت جذب شدند به سیاستهای حکومت کویت چندان توجهی ندارند، ولی کارگران ایرانی به خصوص پس از به قدرت رسیدن خمینی در ایران نوعی خطر به حساب آمده، و جامعه فلسطینی کویت که بزرگترین و متحدترین عنصر خارجی به حساب می‌آید نیز مشکل بسیار غامضی را برای دولت به وجود آورده است. با این وصف میزان ثروت نفتی به حد کافی بوده و رهبریت کویت نیز دارای درایت بسیار است، و ثروت به صورتی در جامعه کویتی توزیع شده که نارساییهای اقتصادی موجود در میان خارجیهای مقیم کشور و کویتیههای نسبتاً فاقد امتیاز، محرک خطرات ناشی از نهضتهای سیاسی نمی‌شود. آخرین طرز تفکر سیاستمداران کویتی تأکید بر حفظ کویت برای «کویتیهها» دارد و با وجود به رسمیت شناختن لزوم همیشگی استعداد و نیروی کار خارجی، تلاشهایی در جهت ممانعت از افزایش جامعه خارجیهای مقیم کویت صورت می‌گیرد. کویتیهها به صورت گروهی هنوز هم با یکدیگر متحد هستند، لیکن گسترش پایگاههای فیزیکی آنها و ورود عناصر اجتماعی جدید سبب بروز نارضایتی در قبال روشهای سنتی در جلب آراء عمومی شده، و تلاشی در جهت تشکیل یک مجلس شورای ملی صورت گرفته است. پایان خلاصه.

تأثیرات مدرن سازی

در سی و پنج سال گذشته کویت از یک جامعه بندری راکد و متکی بر ماهیگیری و تجارت محدود تغییر و به صورت یک قدرت نفتی و مالی حائز اهمیت جهانی در آمده است. طی روند این تغییر کویت قدیمی کاملاً از بین رفته و کویتیهها در کشور خود به صورت یک اقلیت در آمده‌اند. در ذیل به بررسی تغییرات، تأثیر آنها بر جامعه محلی، ترکیب در حال تغییر جمعیت، تشنجهای حاصله در داخل جامعه کویت و بین کویتیهها و غیر کویتیهها، و تأثیر اوضاع کنونی و سیاستهای دولت کویت برای مبارزه با آن، در رابطه با ثبات اجتماعی و سیاسی آتی می‌پردازیم.

سابقه: کویت «قبل از نفت»

کویت قبل از سال ۱۳۲۵ یعنی زمانی که برای اولین بار نفت کویت صادر گردید، بیش از جنبه تاریخی آن حائز اهمیت است. اگر سؤال شود که چه کسی «واقعاً اهل کویت» است، کویتیههای متنفذ می‌گویند اشخاص و یا بازماندگان اشخاصی که قبل از «دوران نفتی» در کویت زندگی و کار می‌کرده‌اند کویتی هستند، و معنای آن این است که کسانی که پس از این دوران به کویت آمده‌اند تا در نتیجه ذخایر نفت به ثروت دست یابند، کویتی به حساب نمی‌آیند. کل درآمد کویت در سال ۱۳۲۵ کمتر از ۵ میلیون دلار و جمعیت آن حدود ۹۰/۰۰۰ نفر بود که اکثراً اعراب بومی کشور بوده و در شهر محصور بادیار گلی کویت می‌زیستند که هنگام غروب نیز دروازه‌های شهر بسته می‌شد. علاوه بر خانواده حاکمه صباح، جامعه به سه گروه بزرگ دیگر تقسیم شده بود:

(۱) ۲۰ خانواده مهم تجارت پیشه‌ای که کشتیهای ماهیگیری، تجاری و صید مروارید را در تصاحب

خود داشتند.

۲) نیروی انسانی قایقها و صنعتگران، و ۳) گروه کوچکی از اعراب بدوی که در در خارج از شهر زندگی می‌کردند، لیکن به واسطه ازدواج به خویشاوندی خانواده‌های تاجر در آمده بودند. این جامعه از طریق ازدواج و گسترش نظام خانوادگی بسیار به هم پیوسته بود. سه یا چهار نسل در زیر یک سقف و یا در خانه‌های مرتبط با یکدیگر زندگی می‌کردند و افراد یک محله نیز با یکدیگر خویشاوند بودند. هر خانواده از خانواده صباح گرفته تا فقیرترین خانواده‌ها دارای یک اتاق یا دیوانیه بودند که همیشه بروی مسافرین عالیرتبه یا فقیر باز بود. از طریق سیستم دیوانیه ارتباط تمام سطوح جامعه بسیار سریع، مستقیم و به طرز مؤثر صورت می‌گرفت. زندگی چندان سهل نبود. هیچ‌گونه سیستم خنک کننده هوا وجود نداشت تا تحمل گرمای ۱۲۰ درجه (فارنهایت) را آسان نماید، و امراض سل و آبله بسیار شایع بود، و مرگ و میر اطفال بسیار زیاد و منابع آبی بسیار نادر بود، لیکن تمام سطوح جامعه در این سختیها سهیم بودند.

ثروت نفتی و تخریب

خانواده صباح با در اختیار داشتن ثروت نفتی که در عرض چند سال ۲۰۰ برابر شده بود در اوائل دهه ۱۳۳۰ برنامه وسیعی را آغاز کرد تا کویت را تبدیل به یک جامعه کاملاً مدرن و رفاهی بنماید. در انجام این کار آنها به خرید خانه‌ها و مسکن قدیمی شهر اولیه آن هم با قیمتهای گزاف پرداختند تا پس از تخریب آنها، ساختمانهای جدیدی را در داخل و خارج از شهر آن هم با شرایط بسیار آزاد بنا نمایند. در همان حال نیز به احداث راههای وسیع، بیمارستان، مدارس و غیره پرداختند. نتیجه آن نیز انتقال عظیم پول از جیب دولت به جیب بخش خصوصی بود. بین سالهای ۱۳۲۵ و ۱۳۵۰ دولت کویت بیش از ۳ میلیارد دلار یعنی یک چهارم درآمد نفتی را از طریق برنامه اکتساب زمین (که احیاناً یک برنامه عمرانی بوده) توزیع کرد. این برنامه علاوه بر ثروت، نابودی و پراکندگی را نیز به همراه داشت. کسی که امروزه به کویت سفر کند نمی‌تواند هیچ یک از اماکن مسکونی قدیمی را بیابد. چند ساختمان قدیمی باقیمانده نیز میان محلهای گردآوری زباله‌ها واقع شده و منتظر تخریب توسط بولدوزر هستند تا جای آنها را نیز یک ساختمان چند طبقه اداری بگیرد. بولدوزر نیز با تخریب اماکن مسکونی پیوستگی فیزیکی نظام گسترش یافته خانواده‌ای را از بین برده است.

فرزندان پس از ازدواج در ویلاها و یا آپارتمانهایی دور از پدران خود به سر می‌برند و محله‌ها آن چنان پراکنده و وسیع است که گویی کویت را مطابق شهر لوس‌آنجلس طرح‌ریزی کرده‌اند.

تغییر جمعیت

به منظور تبدیل کویت به یک کشور رفاهی مدرن، دولت مجبور بود به نیروی کار ماهر و غیر ماهر خارجیها متکی باشد. کارگران فلسطینی که بسیاری از آنها به دنبال جنگ اعراب و اسرائیل آواره شده بودند به این کشور وارد شدند تا این نیاز را بر آورده سازند. طی سالها، دهها هزار مصری، ایرانی، هندی، پاکستانی و اتباع کشورهای دیگر به عنوان مهاجرین موقت وارد کویت شدند. همزمان با آن بسیاری از اعراب بدوی نیز به خاطر عمران سریع به کویت هجوم آوردند. در نتیجه میزان جمعیت به سرعت افزایش یافت و در دهه ۱۳۳۰ میزان آن به ۱۶ درصد در سال بالغ گردید. از سال ۱۳۲۵ تا سال ۱۳۵۴ یعنی زمان

آخرین آمارگیری، جمعیت کویت بیش از ۱۱۰۰ درصد افزایش یافته و از ۹۰/۰۰۰ نفر به بیش از یک میلیون نفر رسیده بود. ترکیب آن نیز از یک گروه متجانس شهری تغییر فاحشی پیدا کرد و کویتها را (۴۷/۵ درصد) در کشور خود به صورت اقلیت در آورد. مهمتر از همه اینکه، تعریف قانونی کویتی بودن نیز تغییر فاحشی یافت. دولت کویت به منظور متوازن ساختن هجوم فلسطینیها، مصریها، ایرانیها، هندیها، و دیگران و نیز به منظور تنظیم وضع آنها، به بسیاری از بدویهای تازه از راه رسیده عنوان ملیت کویتی را تفویض نمود. آماري در دست نیست که نشان دهد چه مقدار از جمعیت کنونی کویت (حدود ۵۰۰/۰۰۰ نفر) دارای اصل و نسب بدوی هستند. با این وصف از آنجا که درصد خالص افزایش سالانه جمعیت کویت صد در صد یعنی دو برابر رشد جمعیت دیگر کشورهای منطقه بوده است. می توان گفت که نیمی از رشد جمعیت حاصل این گونه تابعیت می باشد. این نشان می دهد که احتمالاً بخش مهمی از کویتها یا حدود ۵۰ درصد آنها دارای اصل و نسب بدوی هستند. بدین ترتیب کویتها از صورت یک گروه متجانس تغییر کرده اند. تشنج محسوس میان کویتهای «قدیمی» و «جدید» «قبل از دوران نفتی» وجود نداشت.

توزیع درآمد - ثروتهای جدید عدم مساوات بیشتر را به همراه دارد

الف: کویتها. واضح است که ثروت نفتی برای تمام کویتها رو به افزایش بوده است. تقریباً، در سال ۱۳۳۱ میانگین واردات سرانه معادل ۲۸۰ دلار بود. در سال ۱۳۳۹ این رقم سه برابر و به ۷۸۰ دلار سرانه رسید و در اواسط دهه ۱۳۵۰ این رقم به بیش از ۴۰۰۰ دلار سرانه بالغ گردید. افزایش سریع درآمد سرانه، (که در سال ۱۳۵۵ حدود ۱۵/۴۸۰ دلار برآورد شده بود)، با پیشرفت توزیع درآمد هماهنگ نبوده است. طبق آخرین تجزیه و تحلیل آماری توسط دانشمندان کویتی و انگلیسی، در حقیقت با گذشت زمان عدم تساوی درآمدها نه تنها بین کویتها و غیر کویتها بلکه میان خود کویتها نیز وسیع و گسترده تر شده است. بنا به نتایج حاصله از درآمد خانوادگی در سال ۱۳۵۱ / ۵۲، قبل از افزایش عظیم قیمت نفت، در گروه غیر کویتها حدود ۱۰ درصد از خانواده های غیر کویتی ۲۹ درصد کل درآمد گروه را به خود اختصاص می دادند، در حالی که در گروه کویتها، ۱۰ درصد رده های بالا ۴۰ درصد کل درآمد کویتها را به خود اختصاص داده بودند. از آن زمان به بعد، در نتیجه تورم، درصد کل درآمدی که نصیب ثروتمندترین خانواده های کویتی می شد، افزایش یافت، که مطالعات مذکور نیز نشانگر این واقعیت است. (به ضمیمه ۲ رجوع شود).

ب: غیر کویتها. جای تعجب نیست اگر گفته شود که میانگین درآمد غیر کویتها کمتر از درآمد کویتی هاست. در سالهای ۱۳۵۱ / ۵۲ یعنی آخرین سالهایی که آمارهای مربوط به آن موجود است، میانگین درآمد کویتها ۷۵۰ دلار در ماه بود، ولی در رابطه با غیر کویتها این درآمد معادل ۵۰۰ دلار بود. غیر کویتها قدرت خرید چندانی نداشتند، چون اکثر آنها به عنوان نیروی کار با دستمزد کم استخدام می شدند و علاوه بر این باید اجاره پرداخت می کردند، در حالی که کویتها از مسکن سوبسید شده دولتی (و درآمد جهت پرداخت اجاره) برخوردار بودند، و دولت نیز در رابطه با استخدام و پرداخت حقوق به اولویت می داد. گرچه آمار دقیقی از زمان افزایش قیمت نفت در سالهای ۱۳۵۲ / ۵۳ در دست نیست، ولی گمان می رود که شکاف درآمد موجود میان کویتی و غیر کویتها وسیعتر شده است، و علت نیز افزایش نرخ اجاره است که بر غیر کویتها بیش از کویتها تأثیر بخشیده، و دیگر اینکه بخش اعظم درآمد ناشی از

قراردادها، پیمانها و غیره نصیب کویتها گشته است.

ج: لیکن برای همه ثروت کافی وجود دارد. از نظر مقایسه با دیگر کشورهای موجود، ثروت فوق‌العاده‌ای که همراه با روند مدرن سازی وارد کویت شده توسط یک طبقه و یا گروه خانوادگی خاص گردآوری نشده است. افزایش توزیع درآمد نامساوی بوده ولی این عمل چندان فاحش نبوده است. آنها که به ثروت جدید دسترسی بیشتری داشته‌اند سعی کرده‌اند از افراد تهیدست و ناراضی هیچ کس را از قلم نیندازند و تقریباً همه از خارجها گرفته تا تازه واردین می‌بایست بپذیرند که فوائد بسیاری نصیب آنها شده است. این ثروت نفتی آنقدر زیاد بوده است که به عبارت دیگر سهم هر کس کافی است. همیشه شکوه از عدم مساوات وجود داشته و وجود خواهد داشت، لیکن این شکوه‌ها ناشی از رنج و مشقت نیست.

غیر کویتها - - یک نیروی بر هم زننده ثبات ؟

مطالب بسیاری اخیراً در مورد جوامع بی‌ثباتی که متکی به بسیاری از تکنسینها و کارگران دیگر کشورها بوده، و به خصوص در مورد کشورهای حوزه خلیج که معدودی از آنها دارای جمعیت بومی کوچکتری در مقایسه با نیروی کار وارداتی جهت تأمین نیازهای قرن بیستم هستند، نگاشته شده است لیکن این ترس از بی‌ثباتی زمانی اعتبار می‌یابد که جوامع خارجی مقیم این کشورها نقش مهمی را در سیاستهای کشور میزبان خود ایفا نمایند. واقعیت این است که بخش اعظم اینگونه جوامع موجود در کویت نسبت به سیاستهای کویتی بی‌تفاوت هستند. توزیع ثروت نیز مسئله‌ای حاد نیست چون «کارگران مهمان» بیش از نقاط دیگر پول درمی‌آورند، و قصد ندارند این مرغ تخم‌طلائی خود را بشکنند در عربستان سعودی نیروی کار یمنی بسیار عظیمی مستقر شده است، که در رابطه با سیاستهای عربستان سعودی در قبال یمن شمالی و جنوبی نگرانیهای عمیقی را پدید می‌آورد، لیکن در کویت نیروی کار خارجی آنقدر نیست که نمایانگر خطری مشابه با خطر یمنی‌ها در عربستان سعودی باشد. هندیهای بسیاری در کویت هستند (که تعداد آنها از ۳۵۰۰۰ نفر در سال ۱۳۴۴ به ۷۰۰۰۰ نفر در حال حاضر رسیده است)، لیکن آنها از تمام بخشهای هند و هر یک دارای مذاهب، زبان و طبقه اجتماعی خاصی می‌باشند. آنها به جای نگران بودن در مورد سهم مناسب هندیها در کویت، نگران اولویت یافتن در میان هندیها هستند.

اگر انقلاب خمینی که اساس ایده‌آل‌گرایی مناسب با خطوط مذهبی ایرانی‌های کویت را تشکیل می‌دهد نبود، ایرانها برای این کشور خطری به حساب نمی‌آمدند. حداقل می‌توان گفت که آنها حرکتی در جهت پیدایش هزاره اسلامی در کویت نداشته‌اند. دولت بیش از هر چیز نگران این جامعه عظیم مسلمان غیر کویتی است، که بسیاری از آنها از موفقیت خمینی به خود می‌بالند، ولی راضی از این امر است که کارگران ایرانی اینجا امتیازی ندارند، و به محض پیدایش اولین علائم ناآرامی می‌توان در جهت اخراج آنها از این کشور اقدام به عمل آورد.

سیاستهای عربی در میان خارجها

مهمترین نگرانی مقامات کویت را ابتدا فلسطینیها تشکیل می‌دهند (که حدود ۳۰۰۰۰۰ نفر هستند)، و مصرها، عراقها، و سوریه‌ها در مرحله بعدی بوده، و یمنی‌ها که کارگران قابل اخراج هستند آخرین عامل نگرانی می‌باشند. اعراب مقیم این کشور بر خلاف اهالی آسیای جنوبی وارث سنت ناسیونالیستی عربی

هستند، و می‌توانند با به راه انداختن تبلیغات مدعی مشارکت در موطن عربی باشند که کویت نیز بخش عظیمی از آن را در اختیار دارد. آنها که هوادار شعارهای بعثی هستند می‌گویند که جهان عرب فاقد حدود و ثغور است، و به همین دلیل ثروت عظیم کویت متعلق به همه اعراب است. فلسطینیها می‌گویند که آرمان آنها مهمترین آرمان عربی بوده، و به همین جهت ثروت کویت نیز باید در اختیار کسانی قرار گیرد که با نظامی‌گری در تلاش برای تحقق بخشیدن به آرمان فلسطین هستند. مصریها که بیش از دیگر اعراب به جهانی بودن خود معتقدند، علیرغم تغییرات موجود در جامعه ۱۲۰/۰۰۰ نفری خود که دارای حدود نیمی از کارگران و نیمه روشنفکران و تکنوکراتهای معتقد به ایدئولوژی‌های گوناگون است، معتقدند که کویتها افرادی بدوی بوده و نباید برای مصر به عنوان منبع نگرانی و حسادت به حساب آیند. در میان جوامع عربی کویت نوعی احساس سرزنش دو جانبه وجود دارد. کویتها تمام جوامع عربی را مانند آسیایبهای غیر عرب حقیر می‌شمارند، فلسطینیها معتقدند که خود آنها رنج کشیده‌تر، تحصیلکرده‌تر و با تقوی‌تر از اعراب بدوی و عقب‌افتاده‌ای هستند که در تاریخچه نظامیگری و آوارگی آنها سهیم نیستند، عراقیها نسبت به قدرت مخرب خودشان اطمینان دارند، می‌دانند کویتها آنان را افرادی فاقد ژرف‌نگری و کوته فکر به حساب می‌آورند، و مصریها که به نظر دیگران پست می‌آیند، خود را برتر می‌شمارند، چون فراعنه و ناصر افرادی بزرگ بودند و در جهان عرب ملتی به عظمت ملت مصر پدید نیامده است. و به همین دلیل دولت کویت در زمینه مهاجرت اعراب کاهش پدید آورده و جهت تأمین نیروی کار مورد نیاز خود به آسیای جنوبی و خاور دور روی آورده است تا گسترش بیشتر زیربنای ملی را فراهم آورد. اتباع کره جنوبی بسیار منظم بوده و در مطبوعات چپ‌گرا «ارتشی» بسیار خطرناک به حساب می‌آیند، لیکن در انجام کار خود بسیار با کفایت بوده و پروژه‌ها را به موقع به پایان می‌رسانند، و مطلقاً علاقه‌ای به امور درون جهان عرب که بخش اعظم انرژی کار مقامات امنیتی کویت را به خود جذب می‌کند، نشان نمی‌دهند و پس از پایان کار به موطن خود باز می‌گردند.

باید در مورد این جبهه از مطالب بیشتری مطلع شویم، لیکن نتیجه‌گیری ما در حال حاضر این است که، ایرانیهای مقیم کویت که از حمایت مفروض شیعیان کویتی ایرانی الاصل برخوردارند، در صورت مطرح شدن اهمیت جهانی انقلاب اسلامی و درخواست خمینی و یا دیگر رهبران برجسته ایرانی از ایرانیهای مقیم این کشور جهت تغییر دادن نظام حکومت، کویت می‌توانند به صورت خطری عظیم علیه دولت کویت درآیند. ولی این مسئله قابل حل است و بهترین رابطهای ما می‌گویند که اکثر کویتها و منجمله شیعیان و افراد ایرانی الاصل (شیعی و سنی) خواستار ثبات بوده و از نیروی مخرب اسلامی در جهت از بین بردن استبداد کویتی حمایت نخواهند کرد (۱۳۵۷ کویت ۶۶۰۴).

مسئله جامعه فلسطینی، که سیاست پیشه‌گان کویت توجه خود را به آن معطوف داشته‌اند، مسئله‌ای کاملاً متفاوت است، و کاملاً مدعی تصاحب کامل درآمدهای عمرانی کویت بوده و تا زمانی که تضاد اعراب و اسرائیل ادامه داشته باشد آنها فاقد «ملیتی» اصیل برای بازگشت و یا توسل به آن خواهند بود (۱۳۵۷ کویت ۵۰۲۱). خلاصه اینکه، فلسطینیها می‌توانند کویت را به عنوان کشور خودشان تلقی کرده، و نمی‌خواهند از منابع آن بی‌نصیب بمانند. تا به حال فلسطینیها هیچ علاقه‌ای در جهت اداره کردن کویت نشان نداده‌اند. برای آنها فرق نمی‌کند که چه کسی وارد مجلس شورای ملی شود، و تا زمانی که حقوقشان پرداخت شود و مزایای رضایتبخش باشد، آنها به شکوه کردن در مورد بی‌کشوری خود قناعت کرده، و سعی

می‌کنند پس از پایان کارهای خود به جای اخراج شدن از کویت در همان کشور بمانند و در مورد بیانیه‌های رهبران کویت نسبت به آینده خاورمیانه اظهارنظرهای مختصری بنمایند، ناسیونالیزم فلسطینی و میانه‌روی کویتها به گونه‌ای است، که فلسطینیها هرگز حتی خواب در اختیار گرفتن تمام ثروت‌های کویت را نیز نمی‌بینند. و همین موضوع توجه بسیاری از رهبران ملی کویت را به خود معطوف داشته آن هم از زمان جنگ داخلی اردن در پاییز سال ۱۳۴۹ یعنی زمانی که فکر تصرف قلمرو حسین توسط فلسطینیها منجر به پیدایش خونریزیهای عظیم گردید.

آینده فلسطینی. معمای میزبان و میهمان

آینده فلسطینیها در کویت بسیار ابهام‌آمیز است. فلسطینیها بیش از هر گروه خارجی دیگر در این کشور ریشه دوانیده‌اند. برعکس ۱۵ - ۱۰ سال پیش که مردان فلسطینی در اینجا کار می‌کردند و حقوق و مزایای خود را نزد خانواده‌هایشان می‌فرستاد، در حال حاضر خانواده‌هایشان نیز در کویت به سر می‌برند و فرزندان‌شان در مدارس خصوصی این کشور تحصیل کرده، و نسل جدیدی از «کویتی - فلسطینیها» در حال به دست گرفتن رهبریت جامعه فلسطینی می‌باشد.

یاسر عرفات و بسیاری دیگر از رهبران ساف بخش قابل ملاحظه‌ای از عمر خود را در اینجا صرف کرده، و خویشاوندان‌شان در اینجا به سر می‌برند، لیکن تحت عنوان «بیگانه» آن هم به نوعی که نسل آتی به هیچ‌وجه متوجه آن نخواهد شد. همان‌گونه که در جاهای دیگر گزارش شده اکثر فلسطینیهای اینجا مردمی صلح‌طلب هستند و سعی دارند آینده اقتصادی و اجتماعی خود را تضمین کنند، ولی در میدان جنگ به مرگ مبتلا نشوند. آنها به حمایت لفظی و مالی از سازمانهای مقاومت فلسطینی ادامه می‌دهند، لیکن بیش از آنکه بخواهند «حقوق ملی» از دست رفته را بازگردانند خواستار امنیت هستند. ولی این امر به معنی آن نیست که هویت خود را به عنوان یک جامعه ملی از دست داده‌اند. اگر دولت کویت از آرمان فلسطین حمایت نکند، دچار دردسر عظیمی خواهد شد. در این صورت نه تنها فلسطینیهای مستقر در سمتهای کلیدی وزارتخانه‌ها، و آن دسته از افراد مشغول به کار در کارخانه‌های نمک زدایی و دیگر سمتهای حیاتی ملی انزجار خود را نشان خواهند داد، بلکه محرومیت‌های جامعه فلسطینی به اشکالی مختلف بروز کرده و موجب دل‌تنگی رژیم صباح خواهد شد.

اگر فلسطینیها حق انتخاب داشته باشند، این موضوع ثابت خواهد شد. در صورتی که تلاش صلح در خاورمیانه منجر به پیدایش یک دولت و یا کشور فلسطینی شود، کویتها مجبور نخواهند بود از «قربانیان تهاجم صهیونیستی» پذیرایی کنند. در همان حال، فلسطینیهایی که در پیشرفت کویت به سوی مدرن شدن نقشهای مهمی ایفا کرده‌اند سمت اقتصادی خود را در خلیج رها کرده و به هموطن خود باز خواهند گشت تا پست‌هایی را در اختیار گیرند که منافع اقتصادی چندانی برای آنها ندارد. کویتها به هیچ‌وجه مایل نیستند فلسطینیها را جذب جامعه واقعی کویتی کنند، لیکن بر مهارت‌های جامعه فلسطینی نیازمند خواهند بود. قابل پیش‌بینی است که کویتها در تلاشند تا مسئله اشتغال به کار فلسطینیها در کویت از جذابیت کمتری برخوردار شود، و البته فرض بر این است که موجودیت موطنی فلسطینی از نظر سیاسی این کار را امکان‌پذیر خواهد نمود، لیکن می‌توان پیش‌بینی کرد که هزاران فلسطینی که سراسر عمر خود را در کویت گذرانده، ولی در متن اجتماعی سیاسی آن فعالیت نداشته‌اند ممکن است مجبور شوند بین وفاداری به

فلسطین یا وفاداری به کویت یکی را انتخاب کنند، و بسیاری انتخاب دوم را پیشه خواهند کرد، و بدین ترتیب دولت کویت مجبور خواهد شد اقداماتی را به عمل آورد که بافت ظریف و شکننده اجتماعی اش را به خطر خواهد افکند. تا زمانی که جهان طرفدار فلسطین، فلسطینیهای مقیم کویت را گروهی به حساب آورد که در انتظار نقل مکان به موطن خود هستند، محروم نگاهداشتن فلسطینیهای مقیم از منافع کویتی نه تنها قابل درک نیست، بلکه «وظیفه ملی عربی» حکم می‌کند که انجام این عمل از جهت دیگر کمک به تضعیف آرمان فلسطین بوده که به عنوان یک نیرو در جهت باز پس گرفتن موطن خود به حرکت در آمده‌اند. ایجاد یک کشور فلسطینی کویتی‌ها را وادار خواهد ساخت که نسبت به مفهوم حضور فلسطینیها در کویت تجدیدنظر نمایند.

آینده جوامع خارجی

مدرن سازی و شهرسازی هر چقدر ادامه یابد کویتها بیش از پیش در کشور خودشان به صورت اقلیت در خواهند آمد، چون آنها انگیزه‌ای برای انجام کارهای پست و یا کارهای بسیار فنی ندارند چون می‌توانند جهت انجام آن کارها دیگران را به استخدام خود درآورند. و در صورتی که کویت بخواهد اقتصاد نفتی خود را به یک اقتصاد صنعتی تبدیل نماید، باید شهروندان خود را از اقلیت خارج سازد، و با وارد کردن مهارتهای لازم در جهت ایجاد یک صنعت مدرن، و وارد کردن نیروی کار لازم جهت حفظ و تداوم این صنعت آن را تشدید نماید.

به سوی یک سیاست مبتنی بر نیروی انسانی

در اواسط سالهای ۱۳۵۰ که کویت مملو از طرحهای صنعتی ایجاد کار از پتروشیمی تا ذوب آهن بود، به نظر می‌رسید که کویتها به عنوان درصدی از کل جمعیت کاهش خواهند یافت. بررسی نیروی انسانی سال ۱۳۵۴ با پیش‌بینی نیاز به نیروی انسانی در سالهای ۵۹ - ۱۳۵۴ بر اساس طرحهای صنعتی سازی سریع چنین نتیجه گرفت که تا سال ۱۳۵۹ بخش کویتی جمعیت از ۴۷/۵ درصد به ۴۶ درصد تقلیل خواهد یافت که علت آن هجوم نیروی کار مورد نیاز خارجی می‌باشد. ولی از آن زمان پروژه ذوب آهن و بسیاری پروژه‌های جاه طلبانه دیگر یا صریحاً رد و یا بایگانی شده‌اند. مقامات کویت، به سرپرستی شیخ علی خلیفه الصباح، وزیر جدید نفت علناً مخالفت خود را با پروژه‌های «فیل سفید» اعلام داشته‌اند، و این مخالفت حتی در موقعی علنی شد که با منافع محلی قدرتمند که خواستار تکمیل واحداث آنها بودند در تضاد بود. مهمتر اینکه خسارات وارده به تولید محلی در نتیجه رقابتهای خارجی، سبب حمایت از ایجاد تعرفه حراست گمرکی شد، و بازرگانانی که خواستار صنعتی شدن در دوران رونق بعد از ۱۳۵۲ بودند نیز اکنون آن را خالی از خطا نمی‌بینند، و هواداری آنها از این مسئله هم تقلیل یافته است. کویتی‌ها بیش از پیش از تأثیر منفی پروژه‌های صنعتی بر کشور کوچک خود آگاهی می‌یابند، و در نهایت با پیشرفته‌تر شدن آنها و انجام مسافرتها متعدد متوجه می‌شوند که بهتر است در خارج از کشور سرمایه‌گذاری کنند و نه در کویت.

گرچه مفهوم سیاست نیروی انسانی دولت کویت علناً فاش نشده متخصصین حاضر در یک سمینار منطقه‌ای مربوط به جمعیت و نیروی انسانی در کویت در اوائل سال جاری و دیگر ناظران مطلع کویتی و

غیر کویتی اظهار داشتند که دولت این کشور در نظر دارد در زمینه صنعتی‌گرایی و مهاجرت سیاست بسیار محدودی را پیشه خود سازد. کویت در زمینه مسکن، راهسازی، برق، آب و غیره منابع مالی بسیاری را خرج خواهد کرد، لیکن در انجام آن از یک سیاست آگاهانه در زمینه وارد کردن کارگران مورد نیاز بهره‌برداری خواهد کرد و به جای اعراب به آسیاییها اجازه ورود خواهد داد تا پس از پایان یک پروژه بدون ایجاد مزاحمت به کشور خود بازگردند. بنابراین رشد اقتصادی به تنهایی به افزایش جمعیت غیر کویتی منجر نخواهد شد.

دولت کویت به هر نحوی از انحاء سعی دارد مانع از افزایش جمعیت غیر کویتی مقیم اینجا شود. به ما گفته شده است که فلسطینیهایی که در کویت مستقر نشده‌اند حتی اگر اقوام نزدیک آنها در اینجا مقیم باشند نیز نخواهند توانست اجازه اقامت دریافت دارند. قانون جدید خدمات مدنی می‌گوید هیچ‌گونه منافع و امتیازی به کودکان غیر کویتی متولد پس از ۱۰ تیرماه ۱۳۵۸ تعلق نخواهد گرفت، طی روند موجود کویتیها به اشغال سمتهای غیر کویتیها پرداخته‌اند که این‌گونه پستها از شغلای بسیار فنی تحت نظارت اروپائیان گرفته تا شغلای متوسط را در بر می‌گیرد که در حال حاضر این روند کم‌اهمیت است. قبلاً هم متصدیان بانک و فروشنده‌ها هندی بودند، ولی تعداد بیشتری از کویتیها اینگونه کارها را نیز عهده‌دار می‌شوند. زنان کویتی بیش از گذشته به انجام کارهای منشی‌گری، تدریس و عهده‌دار شدن سمتهای فنی که قبلاً تحت اشغال غیر کویتیها بود پرداخته‌اند. در سال ۱۳۴۴ تعداد کارمندان زن کویتی بالغ بر ۱/۰۹۲ تن از کل تعداد زنان یعنی ۱۸۴/۲۹۷ تن بود که معادل ۶٪ نیروی کار می‌باشد. در سال ۱۳۵۴ تعداد آنها هفت برابر و به ۷/۵۰۰ تن رسید، در حالی که نیروی کار حدود دو برابر (۳۰۵/۰۰۰) شده بود، و مشارکت آنها در کل نیروی کاری کویت که ۸٪ بود به ۲/۵ درصد رسید با افزایش تعداد دانشجویان زن کویتی در دانشگاه کویت، میزان مشارکت زنان کشور در نیروی کار افزایش خواهد یافت، و از میزان کارگران غیر کویتی خواهد کاست.

«کویت سازی» شغلای یکی از سیاستهای ضمنی دولت بوده است، اما ناظران در مورد امکان موفقیت آن نظریات مختلفی دارند. کسانی نیز هستند که معتقدند سمتهای جذاب بخش دولتی و خصوصی هم‌اکنون توسط کویتیها اشغال شده است، و سمتهای غیر جذابتر خواهان چندانی در میان کویتیها ندارد و باید توسط غیر کویتیها اشغال گردد، ولی دیگران هنوز هم معتقدند که هنوز هم سمتهای زیادی برای کویتیهای جوان تحصیلکرده در بخشهای مدیریت و فنی وجود دارد که تحت اشغال خارجیها می‌باشد. همه معتقدند که کویتیها هیچ‌گاه جای کارمندان مصری و پاکستانی را در بخش زباله رویی شهرداری نخواهند گرفت و گفته شده که امیر به طور خصوصی اظهار داشته است که کشور همیشه نیازمند مهندسین و مدیران عالیرتبه غربی خواهد بود تا مانع از توقف کار ماشین‌آلات و سیستم پیچیده صنعتی و اداری شود.

همه جوانان کویتی تحصیلکرده مایل نیستند پس از بازگشت با دریافت حقوقی در سلسله مراتب اداری کار کنند در حالی که می‌توانند با اقدام به تجارت و ثروتمند شوند، ولی به طور کلی معتقدیم که درصد کویتی در نیروی کار دائمی کویت در آینده قابل پیش‌بینی به تدریج افزایش خواهد یافت، تا از تعداد خارجیها به نسبتی کاسته شود. برنامه‌ریزی اقتصادی و تغییر نظریات کویتیها در مورد ماهیت رشد آتی سبب تشدید غرایز سیاسی اجتماعی شده و کویتیها را وادار ساخته که از غرق شدن در میان جامعه

خارجیها ممانعت نمایند.

تشنج میان گروههای کوییتی

همانگونه که فلسطینیها و یا دیگر خارجیهای مقیم این کشور خود را کوییتی نمی دانند و یا سعی ندارند تابع کویت شوند (مگر به منظور کسب منافع موجود در کویت)، کوییتیها نیز فلسطینیها و دیگر خارجیها را بخشی از هیئت سیاسی کشور به حساب نمی آورند. نکته جالب توجهی که در نتیجه چندین ساعت گوش دادن به مطالب دیوانیه و یا دیگر مباحث دستگیرمان شد، این است که هنگام مباحث سیاسی محلی فقط موضوعات و مسائل کوییتی مطرح می شود، به نحوی که گمان می رود اکثریت غیر کوییتی اصلاً در این کشور وجود ندارد.

اظهار نظرهای افراد کوییتی و مقالات مندرج در روزنامه‌ها توسط پروفیسورهای کوییتی در مورد تأثیر مدرن سازی بر گروههای مختلف کویت و تداخل رابطه این گروهها، ما را به نکات زیر رهنمون می سازد:

الف: صباح - سابقه صباح در توزیع ثروت که نمونه آن واریز کردن یک چهارم درآمد کشور به جیب کوییتیها از طریق برنامه خرید زمین می باشد، بسیار جالب توجه است. از سال ۱۳۵۲ بازرگانان کوییتی از شرکت جوانان صباح در امور تجارتي نارضایتی خود را نشان دادند. ولی بسیاری از صباحها، چون شیخ ناصر، فرزند وزیر خارجه در زمینه سرمایه گذاری در خارج از کشور فعالیت بسیاری نشان داده و نمی توان گفت که سهمیه کوییتیها را ربوده است. علاوه بر این، این پدیده نتیجه عادی تحصیلات جوانان صباح است که می خواهند تحصیلات خود را در زندگی به کار گیرند. گذشته از تجارت، تعدادی از آنها به خصوص زنها در چند وزارتخانه در بخشهای فنی به کار پرداخته اند. خلاصه اینکه صباحهای جوانتر به کار خود سرگرم شده اند. اینکه ورود جوانان خانواده صباح مورد انتقاد است نشانگر این واقعیت است که در کویت تجارت تحت کنترل خانواده حاکمه نیست. بر خلاف عربستان سعودی اولین سؤال تاجران بازدید کننده از این کشور این نیست که کدام یک از اعضای خانواده را حاکمه را به عنوان دلال انتخاب کنند تعدادی از اعضای خانواده صباح در شرکتهای تجاری یا ساکت هستند و یا پرسر و صدا و تاجر بازدادکننده می توانند شرکتي را انتخاب کنند که در فهرست شرکاء آن یکی از شیوخ الصباح باشد ولی سرعت مدرن سازی کویت سبب نشده که تجارت در انحصار خانواده صباح قرار گیرد (به منظور اطلاع بیشتر در مورد خانواده صباح و موقعیت آنها در کویت به کویت الف - ۲۳ مراجعه کنید). با این وصف بازرگانان کوییتی از مشارکت خانواده صباح در زمینه تجارت ناراضی می باشند.

ب: شیعیان. اقلیت شیعی کویت که حداقل ۲۰٪ (به کویت ۶۶۰۴ مراجعه شود) کل جمعیت کشور را تشکیل می دهند، با یکدیگر وابسته بوده و در نتیجه ثروت ناشی از مدرن سازی بسیار کامیاب شده اند. به دنبال حمایت خانواده صباح و صنایع خود، بسیاری از خانوادههای برجسته شیعه ثروت کافی گرد آورده اند. تعصبات دیرین به سهولت از میان نمی رود و قطعاً سنیهای کویت به خصوص افراد بدوی و تحصیل نکرده از رسیدن «آن ایرانیها» به سمتهای مهم ناراضی هستند. افزایش ثروت و تحصیلات همراه با ظهور خمینی سبب مغرور شدن بیش از حد شیعیان شده است. طبق گزارش قبلی (کویت الف ۱۵) شیعیان احتمالاً در مجلس شورای ملی آینده نمایندگان بیشتری خواهند داشت (به پایین رجوع شود). از آنجا که به رسمیت شناختن این جامعه متمول تأثیری بر بقیه هیئت سیاسی کشور نخواهد داشت، گمان

نمی‌کنیم که ابراز عقیده بیشتر جامعه شیعی سبب بروز اصطکاک با جامعه سنی کشور گردد. در حقیقت یکی از افراد برجسته سنی که دو دخترش را به ازدواج فرزندان یکی از شیعیان ثروتمند درآورده می‌گوید که این اختلافات در حال از بین رفتن است، ولی پدیده خمینی‌گرایی نه تنها به شیعیان احساس غرور تازه‌ای بخشیده بلکه تعصبات دیرینه سنی‌ها را نیز برانگیخته است. از دی‌ماه سال ۱۳۵۸ شعار «همه کویتها یکسان هستند» کمتر شنیده شده و بالعکس شعار «یک شیعه همیشه شیعه است» بیشتر به گوش می‌رسد. کویتها ترس از آن دارند که مبادا شیعیان کویت توسط آرمانهای مذهبی غیر مسئولانه تحریک شوند. معروف‌ترین رابط‌های ما پیش‌بینی می‌کنند که در صورت وقوع این امر وفاداری آنها نسبت به کویت و الصباح ثابت می‌شود که هنوز این مرحله به آزمایش گذاشته نشده است.

ج: خانواده‌های تجار قدیمی در مقابل دیگر «شهرنشینان» کویتی. طبق مطالب آمده در پاراگراف ۶ «بالا» مدرن سازی کویت سبب ثروتمندتر شدن بعضی از خانواده‌های ثروتمند شده است. آیا این موضوع بین خانواده‌های تجار قدیمی و دیگر شهرنشینان کویتی که به ثروت چندانی دست نیافته‌اند ایجاد تضاد کرده است؟ کویتها از پاسخ دادن به این سؤال طفره می‌روند. آنها خاطر نشان می‌سازند که وزارخانه‌های کویت در سطوح دستیار معاون وزیر، معاون وزیر و حتی وزیر القاب نسبتاً ناشناخته‌ای به خود گرفته‌اند. تعدادی از کویتهایی که از خانواده‌های مهم نیستند در بازار سهام و بازرگانی به خوبی پیشرفت کرده‌اند، چون برخلاف خانواده‌های تجار قدیمی خود را به خطر می‌افکند. نهایتاً باید گفت که در اقتصاد رو به رشد کویت، نظام قدیمی که در آن چند خانواده تجارت را در اختیار داشته و بر بازار تسلط داشتند، مصداق ندارد.

اقتصاد کشور به مقدار کافی گسترش یافته و نیاز به تخصص را محسوس نموده است. در این‌گونه اوضاع، جوانان جسورتر به رقابت با نهادهای قدیمی تر مبادرت ورزیده‌اند. در حقیقت، یکی از اعضای خانواده‌های قدیمی به ما گفت امیر در نظر دارد بخش تجاری را در اختیار خانواده‌های جدیدتر قرار دهد، تا از امتیازات خانواده‌های قدیمی تر بکاهد «همان‌گونه که شما اقلیتها و تجارتهای کوچک را رشد می‌دهید.» بانکداران مطلع کویتی به ما می‌گویند که اگر یکی از کویتها بتواند به عنوان عامل چند شرکت موفقیتی کسب کند به اعتبارهای بانکی دست خواهد یافت و ثروت عظیمی را خواهد انباشت. ورود به بخش تجاری در کویت آزاد بوده و از جذابیت خاصی برخوردار است. الگوی ثروتمندتر شدن ثروتمندان تداوم پیدا می‌کند. ولی، دولت سعی کرده است اقداماتی به عمل آورد تا همه کویتها ثروتمند بشوند. به همین دلیل است دولت به احداث یک پروژه مسکن پنج میلیارد دلاری مبادرت ورزید تا کویتها از مسکن پاکیزه‌ای برخوردار شده و مجبور نباشند اجاره‌های سنگینی را بپردازند و به همین ترتیب در مورد غذا، تحصیل رایگان و بهداشت نیز سوبسیدهایی فائل گردید. از نظر کویتها که پدرانشان صیاد مروارید و یا دروازه‌بان بودند و دوران کودکی را بدون داشتن آب و برق گذرانیده‌اند، این پیشرفتها چشمگیر است. تا زمانی که دولت کویت این منافع را تضمین کند، و فضای بازرگانی برای ورود کویتهای کم سرمایه باز باشد، اختلاف در آمدها تضادی را به وجود نخواهد آورد، ولی موجب پیدایش غرولندها خواهد شد.

د: کویتهای «شهرنشین و بدویها» - اجداد قدیمترین خانواده‌های کویت بدوی بودند و آنها از موروثات خود مغرور هستند. با این وصف، هنگامی که امروزه کویتهای «شهرنشین» از بدویها سخن می‌گویند، از اجداد نجیب‌زاده خود حرف به میان نمی‌آورند، بلکه منظورشان کسانی است که به خاطر

ثروتهای نفتی از صحراها به آنجا آمده‌اند و به تعداد زیاد تابعیت این کشور را پذیرفته‌اند. در واقع همانگونه که در فوق اشاره شد حدود ۴۰٪ کویتیه‌ها اصل و نسبشان به بدویهای تابع این کشور و یا فرزندان آنها می‌رسد، تقریباً تمام کویتیه‌های تحصیلکرده از «بدویها» به عنوان یک عامل مزاحمت یاد می‌کنند. با وجود اینکه بسیاری از آنها در دهه ۳۰ و ۴۰ تابع این کشور شدند تا در مجلس شورای ملی بلوکی را تشکیل داده و از خانواده حاکمه در برابر جناح ناسیونالیستی عربی حمایت نمایند، ولی بسیاری از آنها عملکرد خوبی نداشتند. آنها اغلب بیش از جناح مخالف ایجاد ممانعت می‌کردند و از هر کسی که به آنها وعده می‌داد، حمایت می‌کردند. اکنون بسیاری آنها را عامل مزاحمت تلقی می‌کنند، چون بخش عظیمی از مخارج دولتی را به خاطر کاری که بیش از جای نوشی نبوده به خود اختصاص می‌دادند. همیشه متقاضی خدمات اجتماعی بوده و با پاسخ بوروکراسی راضی نمی‌شوند و اغلب شکوایتهای خود را نزد امیر یا ولیعهد می‌برند، وزارت دفاع که نیروهای آن نیز متشکل از افراد بدوی است، به منظور مبارزه با این روشها دو معبر ورودی در دیوار محوطه وزارتخانه تعبیه کرده تا بدویها بدون هیچ‌گونه مانعی وارد دیوانیه‌های وزیر دفاع و رئیس ستاد شوند که آنها نیز بدویها را در روز چهارشنبه می‌پذیرند.

در دی ماه ۱۳۵۸، امیر در سفر به محله‌های متعدد شکوایتهایی از بدویها دریافت نمود که طی آن از کندی پیشرفت در زمینه احداث مسکن و ارائه خدمات عمومی برای این گروه اظهار ناراحتی شده بود. در واقع فهرست انتظار بسیار طولانی است. آنهایی که از سال ۱۳۴۷ تقاضای مسکن ارزان قیمت کرده بودند، هم‌اکنون آن را دریافت کرده‌اند. دولت کویت در نیمه راه تکمیل یک پروژه مسکن پنج میلیارد دلاری است و احداث یک نیروگاه ۱/۱ میلیارد دلاری نیز آغاز خواهد شد، و قرار است یک نیروگاه ۲ میلیارد دلاری دیگر نیز احداث شود. با وجود این فعالیتهای گسترده به ما گفته شد که شکوایتهای بدویها موجب پیدایش مخارج بیشتر دولتی در زمینه مسکن، آپارتمان‌سازی، فاضلاب، سیستم‌های آب‌رسانی و برق‌رسانی خواهد شد. اما ثروت کویت آنقدر عظیم است که هیچ یک از افراد «نهادهای» از مصرف زیاد منابع پولی در این‌گونه موارد شکایتی نمی‌کنند.

با این وصف، کویتیه‌ها اساساً متحد هستند: پس از طبقه‌بندی اختلافات درونی کویت، نباید پیرامون آنها جنجال زیادی به راه انداخت، همین واقعیت که بدویها امکان می‌یابند و مانند «شهرنشینان» کویتی اتومبیل‌رانی می‌کنند و به خرج دولت به خارج سفر می‌کنند، سبب شده که آنها وارد هیئت سیاسی کشور بشوند. درست است که پس از اسکان در شهر خواهند ماند، که نمونه این‌گونه بدویها چهاره است که در ظاهر بدوی باقیمانده‌اند، لیکن در هنگام کار و زندگی روزمره با دیگر کویتیه‌ها معاشرت دارند. کویتیه‌ها دارای هر اصل و نسبی باشند در خارج لباس غربی بتن می‌کنند، ولی به محض مراجعت به کویت لباسهای کویتی خود را می‌پوشند. چرا؟ یکی از علل آن عادت و سنن است اما علت دیگر آن این است که آنها را از اعراب غیر کویتی متمایز می‌سازد. مسئله در اقلیت واقع شدن برای کویتیه‌ها چندان اهمیت ندارد، چون آنها از روحیه‌ای حاکی از «ما و آنها» برخوردارند. اختلافات بین اشراف‌زادگان تاجر و دیگر «شهرنشینان» کویتی و بین «شهرنشینان» کویت و بدویها هر چه باشد، یک موضوع خانوادگی است، به نحوی که همه آنها معتقدند که کویتی بودن با تمام امتیازات و منافع آن خوب است، و دیگر افراد مقیم کویت خوب نیستند. افرادی بدوی می‌گویند که وطن پرستی ناشی از ۵۰۰ هزار دلار منافع حاصل از کویتی بودن در سر تا سر زندگی است. مفهوم آن هر چه باشد باید گفت که یک عامل نیرومند متحدکننده است و بر خلاف تشنجات

ناشی از مدرن‌سازی، هیچ‌گونه تضادی میان گروه‌های کویتی پدیدار نخواهد شد. گرچه بنا به بیانیه‌های رسمی کویتها «یک خانواده» را تشکیل می‌دهند، ولی کویتها گویا پذیرفته‌اند که جامعه آنها از نظر کمی و کیفی رشد کرده و نظام بسته و مشورتی دیوانیه که از طریق آن اخبار به طرز مؤثری به مقامات می‌رسد تغییر کرده است. کیفیت مذاکره در نتیجه گسترش شهر کویت و پراکندگی خانواده‌ها در حومه‌های مختلف و ورود هزاران خانواده جدید بدون رابطه‌های سنتی، جو شایعه پراکنی کویت قدیمی را تغییر داده است. بنابر این یکی از تأثیرات جالب توجه مدرن‌سازی کویت افزایش ایمان در قوه مقننه ملی به عنوان وسیله‌ای جهت ابراز عقیده عناصر متعدد جامعه شده، و نیز سبب شده است که بتوان قوه مجریه را تا حدودی در برابر سیاست و یا نگرشهای آن مسئول دانست. با فرارسیدن زمان تعیین شده یعنی مرداد ۱۳۵۹ جهت انتخابات مجدد مجلس که در مرداد ۱۳۵۵ منحل شده بود این روحیه بیشتر تقویت شده است. تبدیل منافع متعدد کویت به صورت یک فرمول قابل قبول توجه مقامات عالیرتبه را در ماههای آتی به خود جلب خواهد کرد. (به کویت ۲۰۳) رجوع کنید.

نتیجه‌گیری

فشارهای ناشی از مدرن‌سازی بافت قدیمی جامعه کویتی را تغییر نداده است. در کویت هیچ‌گاه روستایی وجود نداشته، بنابراین مشکل جلب روستاییان به شهرها وجود ندارد، که جهت یافتن کار به کارخانه‌ها بیایند و یا به شعارهای ناسیونالیستی متوسل شوند تا از روستایی بودن خود رها شوند. کویت مرکب از ملیتها و قلمروهای مختلف نیست که هر یک منتظر به قدرت رسیدن خود در دولت باشند تا بتوانند عقاید جدایی طلبانه خود را ابراز دارند. عمران ثروت باد آورده‌ای را به همراه آورده است، لیکن این ثروت به خوبی در میان جمعیت توزیع شده، چون حکام این ملت سعی کرده‌اند با توزیع صحیح ثروت از بروز نارضایتیها جلوگیری به عمل آورند. مدرن‌سازی سبب مهاجرت هزاران کارگر و تکنیسین و سرمایه‌گذار مختلف به این کشور شده و بعضی از آنها از قبیل فلسطینیها و ایرانیها آن چنان مستعد ذی‌نفع واقع شدن از خارج هستند که دولت باید در مورد آنها چاره‌ای بیندیشد، آن هم با استفاده از روشهای امنیتی و یا اتخاذ سیاست ملی. آنها امیدوارند که بتوانند آینده‌ای توأم با حداقل این تشنجه‌ها و بحرانه‌ها داشته باشند، آن هم از طریق محدود ساختن مهاجرت و برقراری رابطه‌ای دقیق با دولتهای جوامع خارجی مقیم کویت، ماهیت قدیمی و متجانس کویت «قبل از نفت» تغییر یافته، اما یک نوع «کویت بودن» خاص وجود دارد که علاوه بر قدیمی‌ترین خانواده‌های تاجر با تاریخچه ۲۰۰ ساله اقامتشان خانواده‌های بدوی را که تازه معنی زندگی در یک مکان و داشتن شغل دولتی را فهمیده‌اند در بر می‌گیرد. صمیمیت ساده زندگی چهل سال پیش کویتها در پس دیوارهای گلی تغییر کرده و جای آن را فرهنگ ماشین بیوک گرفته است، که به وسیله آن مردم از یک محله به محله دیگر می‌روند تا با خانواده‌هایشان ملاقات نمایند. این تغییر سبب شده است که به منظور حفظ توافق همگانی هر چند یک بار نمایندگان منتخب گرد هم جمع شده و در مورد نظم و شادی آتی جامعه کویتی تصمیم اتخاذ کنند.

کویت، الف - ۲۵
ضمیمه ۱

طبقه‌بندی نشده

ترکیب جامعه خارجی از نظر ملیت

۱۳۵۴، ۱۳۴۹، ۱۳۵۴

ملیت	۱۳۴۳	%	۱۳۴۹	%	۱۳۵۴	%
اردنی و فلسطینی	۷۷۷۱۲	۳۱/۴	۱۴۷۶۹۰	۳۷/۷	۲۰۴۱۷۸	۳۹
عراق	۲۵۸۹۷	۱۰/۵	۳۹۰۶۶	۱۰	۴۵۰۷۰	۸/۶
عربستان سعودی	۴۶۳۲	۱/۹	۱۰۸۹۷	۲/۸	۱۲۵۲۷	۲/۴
لبنانی	۲۰۸۷۷	۸/۴	۲۵۳۸۷	۶/۵	۲۴۷۷۶	۴/۷
سوری	۱۶۸۴۹	۶/۸	۲۷۲۱۷	۶/۹	۴۰۹۶۲	۷/۸
مصری	۱۱۰۲۱	۴/۴	۳۰۴۲۱	۷/۸	۶۰۵۳۴	۱۱/۶
سودانی	۴۱۹۶	۰/۲	۷۷۳	۰/۲	۱۵۵۳	۰/۳
جمهوری دموکراتیک یمن	۲۶۳۵	۱/۱	۸۶۰۴	۲/۲	۱۲۳۳۲	۲/۴
جمهوری عربی یمن	۱۴۴	—	۲۳۶۳	۰/۶	۴۸۳۱	۰/۹
ملیت‌های عربی خلیج	۲۰۱۱	۰/۸	۵۵۱۸	۱/۴	۴۰۵۶	۰/۸
مسقطی عمانی	۱۹۵۸۴	۷/۹	۱۴۶۷۰	۳/۷	۷۳۱۳	۱/۴
غیره	۶۱۴۳	۲/۵	۲۳۷	۰/۱	۱۰۵۵	۰/۲
اتباع عربی غیر کویتی	۱۸۷۹۲۳	۷۵/۹	۳۱۲۸۴۹	۷۹/۹	۴۱۹۱۸۷	۸۰/۱
ایرانی	۳۰۷۹۰	۱۲/۴	۳۹۱۲۹	۱۰	۴۰۸۴۲	۷/۸
هندی	۱۱۶۹۹	۴/۷	۱۷۳۳۶	۴/۴	۳۲۱۰۵	۶/۱
پاکستانی	۱۱۷۳۵	۴/۷	۱۴۷۱۲	۳/۸	۲۳۰۱۶	۴/۴
غیره	۵۱۳۳	۲/۱	۷۲۴۰	۱/۸	۷۵۹۹	۱/۴
کل ملیتهای غیر عربی	۵۹۳۵۷	۲۴/۱	۷۸۴۱۷	۲۰	۱۰۳۵۶۲	۱۹/۸
جمع	۲۴۷۲۸۰	۱۰۰	۳۹۱۲۶	۱۰۰	۵۲۲۷۴۹	۱۰۰

کویت، الف - ۲۵

ضمیمه ب

عدم تساوی درآمد کویتها بنا به بررسیهای دانشمندان کویتی به علل زیر رشد یافته است:

آنها که قبل از دوران نفتی کنترل امور را به دست داشتند، صاحبان کشتیها و تجار، بیشتر به وارد کردن کالا با استفاده از درآمدهای نفتی مبادرت می‌ورزیدند، در حالی که دیگر کویتها چون بدویها، صنعت‌گران، ماهیگیران و غیره از سمتهای جدید خود در بخش نفتی و یا دولتی راضی بودند. از آنجا که واردات توسط شرکتهایی صورت می‌گیرد که ۵۱٪ سهام آنها کویتی است تجار در نتیجه گسترش سریع درآمد کویت منافع بسیاری را به جیب زدند. علاوه بر این از آنجا که ۴/۸٪ عمال کویتی ۳۸٪ کل کالاها را وارد می‌کنند، می‌توان گفت که گروه کوچکی منافع ناشی از رشد سریع درآمدهای کویت را نصیب خود ساخته‌اند. علاوه بر این، از آنجا که افراد عالیرتبه دولتی از میان تجار انتخاب می‌شدند، قبلاً از نقشه‌های دولت در زمینه اکتساب زمین باخبر بوده و سودهای کلانی را نصیب خود ساختند. آنها کسانی بودند که به پیمانکاری پرداختند، و باز هم منافی به جیبهای خود سرازیر کردند. چون گذشته از واردات، بخش اعظم درآمد دولت صرف احداث ساختمان می‌شد و نه پرداخت حقوق. نهایتاً، تجار عالیرتبه در نتیجه تورم ناشی از افزایش قیمت نفت در سالهای ۵۳ / ۱۳۵۲ سود بردند، چون در زمینه ساختمانهای اداری و

آپارتمان بشدت سرمایه‌گذاری کرده بودند و می‌توانستند اجاره بها را تا پنج برابر یا بیشتر بالا ببرند. کارمندان دولتی متوسط و اول رتبه کویتی و کارگران صنعت نفت مجبور به پرداخت اجاره شده و از تورم موجود بیشتر آسیب می‌دیدند.

سند شماره (۴۹)

تاریخ: ۱۶ مرداد ۱۳۵۸
از: سفارت آمریکا در کویت
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی
موضوع: احتمال مذاکره بین ۹ کشور اروپایی EC - ۹ و خلیج عربی
۱ - (تمام متن خیلی محرمانه است).

۲ - در حین گفتگویی که در هفتم اوت با شیخ مبارک جابر آل احمد سرپرست دفتر اقدام‌کننده وزیر امور خارجه داشتیم، با اشاره به گزارشات (مختلف) درباره سفر راشد عبدالله وزیر امور خارجه امارات متحده عربی به کویت در هفته گذشته، درباره امکان برگزاری یک اجلاس عربی یا خلیجی سؤال نمودم. شیخ مبارک گفت که این بازدید هیچ ربطی با اجلاسی از این‌گونه نداشته است. بلکه هدف آن دنبال کردن گامی بود که توسط کویت قبل از اجلاس توکیو در اواخر ژوئن برداشته شده بود تا از فرانسه خواسته شود که در مذاکرات پیرامون نفت و قیمت آن بین ۹ کشور اروپایی (مترجم EC - ۹) و کشورهای عربی خلیج عمل نماید. به گفته شیخ مبارک فرانسویها این پیشنهاد را با شرکت‌کنندگان ژاپنی در میان گذاشتند و رئیس‌جمهور کارتر نیز در بیانات خود از آن حمایت کرده است.

۳ - در رابطه با گزارش رسیده از بروکسل، مرجع ب، که من در هنگام این گفتگو آن را مطالعه نکرده بودم، شیخ مبارک گفت هدف این است که فقط کشورهای عربی خلیج به عنوان کشورهای تولیدکننده شرکت نمایند و عراق و ایران که «با حضور خود ایجاد در دسر می‌کنند» از این اجلاس محروم شوند.

۴ - در مورد حمایت سیاسی اروپاییان از موضع اعراب در قبال بحران خاورمیانه و در ازاء سخاوتمندی بخش نفتی، نه شیخ مبارک حرفی زد و نه من چیزی مطرح کردم.

۵ - شیخ مبارک گفت که در مورد تشکیل چنین اجلاسی اقداماتی در حال انجام است. وی فکر می‌کند که اجلاس اوپک در اروپا در ماه سپتامبر احتمالاً مکان تأیید طرحها و برنامه‌های این اجلاس و گردهمایی خواهد بود.

سند شماره (۵۰)

تاریخ: ۲۳ مرداد ۱۳۵۸
از: سفارت آمریکا در کویت
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی
موضوع: برنامه‌های بازاریابی و تولید نفت کویت
۱ - (تمام متن خیلی محرمانه است).

۲ - خلاصه. در ملاقاتی که در ۱۲ اوت رئیس کمیته بازاریابی وزارت نفت کویت شیخ علی جابر العلی الصباح با مقام سفارت داشت، وی اعلام کرد که کویت در نظر ندارد تولید نفت خام خود را کاهش دهد چون از تأثیر منفی آن بر بازار جهان آگاه است. وی گفت تصمیم سعودیها مبنی بر افزایش، تولید وضع بازار

و به خصوص بازار سیاه را آرامش بیشتری بخشیده است، و گفت که کویت اگر به دلایل سیاسی و برای آزمایش تقاضا و آزمایش مشتریان قراردادی خود نباشد وارد بازار سیاه نمی‌شود. دولت کویت در نظر دارد نقش شرکتهای مهم را به عنوان مشتریان اصلی نفت خام این کشور کاهش دهد و هنگام تجدید قراردادهای آنها در ماه آینده خواستار کاهش برداشت، توسط شرکت گلف و شرکت بریتیش پترولیوم خواهد گردید. کویت در نظر دارد تعداد مشتریان خود را افزایش داده از شرکتهای مستقل و مسئول دولتی استفاده نماید تا بتواند کمبود موجود توسط شرکتهای مهم نفتی در کویت را جبران نماید. و ترجیح می‌داد که بر اساس روابط تجاری به جای روابط بین دولتین با شرکتهای دولتی معامله نماید. فرانسویها متقاضی خرید نفت کویت شده‌اند، لیکن کویت هنوز پاسخی به آنها نداده است. (پایان خلاصه).

۳- برنامه تولیدی کویت: مقام سفارت در تاریخ ۱۲ اوت با شیخ علی جابر العلی الصباح، رئیس کمیته بازاریابی وزارت نفت ملاقات کرد تا پیرامون استراتژیهای بازاریابی و تولید نفت خام کویت بحث و گفتگو نماید. هنگامی که از وی در مورد بیانات گزارش شده وزیر نفت شیخ علی خلیفه الصباح مبنی بر کاهش نفت کویت به سطح ۱/۵ میلیون بشکه در روز سؤال شد، وی اظهار داشت که آن گزارشها نادرست است. به عنوان یک تولیدکننده مسئول، با وضع کنونی بازار، کویت تولید خود را کاهش نخواهد داد. کویت از تأثیر فاجعه آمیز این عمل بر اقتصاد جهانی و منافع خود آگاه است و تا زمان درست شدن وضع بازار به تولید خود به میزان حاضر ادامه خواهد داد. کویت تمایل بسیار به کاهش تولید نفت خود دارد، لیکن قبل از اقدام به این کار کاملاً تأثیرات آن را نیز مورد مطالعه قرار خواهد داد.

۴- وضع کنونی بازار: شیخ علی جابر گفت تصمیم سعودیها مبنی بر افزایش تولید نفت خود سبب آرامتر شدن بازار و کاهش قیمت نفت در بازار سیاه گردید. تصمیم سعودیها مبنی بر افزایش تولید به میزان یک میلیون بشکه در روز دیگر تولیدکنندگان اوپک را دچار حیرت نمود و بر آنها تأثیر منفی به جای گذارد.

۵- در گفتگو درباره استراتژی بازاری کویت، مقام سفارت درباره یکی از مقالات اینترنتی ناسیونال هرالد تریبون که در ۹ اوت به چاپ رسیده و اظهار نموده بود که کویت در نظر دارد نفت خامی را که شرکتهای شل و بریتیش پترولیوم تولید می‌کنند و بیشتر از میزان تولیدی تعیین شده در قرارداد آنهاست قطع نماید سؤال کرد. با وجود اینکه قبلاً مصاحبه شیخ علی را انکار کرده بود، سعی کرد از جواب دادن به این سؤال طفره برود. لیکن گفت که دولت کویت در پایان قرارداد شرکتهای گلف و بریتیش پترولیوم در نظر دارد میزان برداشت آنها را کاهش دهد (لیکن به پایان قرارداد شل هنوز دو سال باقی مانده است). در خاتمه ماه رمضان به آنها گفته خواهد شد که بر اساس هر قرارداد پنج ساله میزان برداشت آنها باید کاهش یابد. دولت کویت می‌خواست سطح برداشت آنها را به ۱۵۰/۰۰۰ بشکه در روز کاهش دهد (سطح کنونی برداشت توسط گلف ۵۰۰/۰۰۰ بشکه در روز و توسط بریتیش پترولیوم ۴۵۰/۰۰۰ بشکه در روز می‌باشد). وقتی مقام سفارت از این رقم کاهش برداشت اظهار تعجب نمود، شیخ علی جابر رقم ۱۵۰/۰۰۰ بشکه در روز را تکرار نمود. (اظهار نظر: ما فکر می‌کنیم که منظور شیخ جابر این بوده است که میزان برداشت ۱۵۰/۰۰۰ کمتر شود نه اینکه معادل ۱۵۰/۰۰۰ بشکه باشد. پایان اظهار نظر). کویت ۱/۵ میلیون بشکه در روز از نفت تولیدی خود را طبق قراردادهای دراز مدت خواهد فروخت و مازاد آن را قراردادهای کوتاه مدت به فروش خواهد رساند.

این کار سبب می‌شود که کویت بتواند تولید نفت خود را با تقاضای جهانی وفق دهد. کویت در نظر دارد مشتریهای خود را افزایش دهد و به همین منظور به شرکتهای مستقل نزدیک خواهد شد تا با آنها قراردادهایی منعقد سازد. کویت مایل نیست نفت خود را بر اساس روابط بین دولتی به فروش برساند و ترجیح می‌دهد که به شرکتهای دولتی بر اساس تجاری نفت بفروشد، که تعدادی از آنها نیز مشتریان فرعی وی بوده‌اند. فرانسویها برای مذاکره پیرامون خرید نفت وارد شدند، لیکن کویت به آنها هنوز جوابی نداده است. پیرامون بازار سیاه وی گفت که کویت به عوارض مازادی که از بازار سیاه به دست می‌آید احتیاجی ندارد و تنها به دلایل سیاسی و برای آزمایش تقاضای بازار به این کار مبادرت می‌ورزد و از بازار سیاه برای آزمایش درجه اعتبار مشتریان پیمانی عمده خود نیز استفاده می‌کند.

۶- اظهار نظر: نقطه نظرهای شیخ علی جابر در مورد برنامه‌های تولیدی کوتاه مدت کویت مطابق چیزهایی است که ما از وزیر نفت و دیگران (مرجع الف) شنیده‌ایم. در ملاء عام هر چه گفته شده باشد، کویت قبل از آرام شدن تقاضاهای جهانی در نظر ندارد، تولید خود را کاهش دهد. لیکن معلوم است که کویت می‌خواهد مشتریان پیمانی خود را بیشتر کرده و از اتکاء به شرکتهای نفتی مهم ناراحت است. رقم ۱۵۰/۰۰۰ بشکه در روز برای گلف و بریتیش پترولیوم بسیار پایین است (به گفته نماینده گلف در مرجع پ، وی فکر می‌کند که از این شرکت درخواست خواهد شد که حدود ۱۵۰ - ۱۰۰ هزار بشکه در روز کمتر نفت تولید نماید و سطح تولید خود را پایین تر از ۴۰۰/۰۰۰ بشکه برساند). شیخ علی جابر که کمی خسته به نظر می‌رسید شاید می‌خواست بگوید که کویت مایل است تولید نفت این دو شرکت را ۱۵۰/۰۰۰ بشکه کمتر نماید به جای اینکه به آنها اجازه دهد فقط ۱۵۰/۰۰۰ بشکه در روز برداشت نمایند. به هر حال اگر گلف و بریتیش پترولیوم بخواهند برداشت خود را به وضع کنونی ادامه دهند باید به مذاکراتی سخت تن در دهند. بیانیه عمومی علی خلیفه در زمینه نیاز کویت به کاهش تولید به میزان ۱/۵ میلیون بشکه در روز شاید برای نرم کردن آنها در این مذاکرات ایراد شده است. کویت مایل نیست به وضع چند سال قبل دچار شود که در آن شرکتهای به علت کیفیت پایین نفت کویت از برداشت حداقل خود نیز امتناع ورزیدند. و ظاهراً کویت متقاعد شده است که با افزایش تعداد مشتریان «مسئول» خود می‌تواند در تولیدهای آتی خود از انعطاف پذیری بسیار برخوردار شود.

سند شماره (۵۱)

تاریخ: ۲۵ مرداد ۱۳۵۸
از: سفارت آمریکا در کویت
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی
موضوع: مذاکرات اعراب خلیج و ۹ کشور جامعه اروپایی: توجیه هلند در مورد فرضیه کویت و ۹ کشور جامعه اقتصادی اروپا

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲- کاردار هلند در کویت (حفاظت شود) با استفاده از رابطهای خود در بین مقامات دولت کویت و با استفاده از مباحثات ۱۴ اوت که میان نمایندگان ۹ کشور جامعه اروپا در اینجا برگزار شده بود به دولت هلند در مورد وضع مذاکرات اعراب خلیج و جامعه اقتصادی اروپا گزارش داده است، و به ابتکار خودش با من ملاقات کرد و درخواست نمود که اقدامات وی با دولتهای عضو ۹ کشور جامعه اقتصادی اروپا در

میان گذاشته نشود. بخشی از گفته‌های وی بی‌ربط هستند، لیکن به خاطر اهمیت موضوع تحلیل‌های ویرا گزارش می‌کنم:

۳- مقامات وزارت خارجه کویت که در گفتگوهای سپتامبر گذشته که به وسیله پونسه وزیر خارجه فرانسه ترتیب داده شده بود شرکت داشتند، گفته‌اند که پونسه پیشنهاد کرده است که مذاکراتی بین اعراب و اروپاییان آغاز شود. سفیر فرانسه در کویت در گفتگو با همکاران خود در جامعه اروپا در ۱۴ اوت این موضوع را انکار کرد. سفیر فرانسه گفت شیخ علی خلیفه «به طور ناگهانی» در ۲۵ ژوئن نامه‌ای را که در ۲۱ ژوئن توسط امیر کویت نوشته شده بود به ژیسکار دستن تحویل داده است. این نامه از تمایل به آغاز «مشورتهای مستمر در مورد انرژی» برای منجر شدن به همکاریهای اقتصادی سخن گفته است. امیر کویت در نامه خود خواستار شرکت دولتهای عراق، کویت، عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی شده است و عمان و بحرین را از شرکت در مذاکرات مستثنی نموده است، لیکن بعداً این دو کشور نیز (احتمالاً با موافقت طرفین) در مذاکرات گنجانده شده‌اند. نمایندگان ۹ کشور جامعه اقتصادی اروپا در کویت معتقدند که عراق شرکت عمان در مذاکرات را به دلیل حمایت آن کشور از قرارداد مصر و اسرائیل و تو خواهد کرد.

۴- فرانسویها پیشنهاد کردند که در ماه سپتامبر اجلاسی در سطح وزرا تشکیل شود. دولت کویت ۱۵ اکتبر را برای اجلاس در نظر گرفت تا کشورهای شرکت‌کننده خلیج بتوانند افکار و نظرات خود را مشخص نمایند.

۵- نمایندگان ایرلند که از گزارشات رسیده به دوبلین پیرامون مذاکرات پیشنهادی سر در نیآورده بودند، در ۸ اوت از جده به کویت وارد شدند. به ادعای کاردار هلند طبق گزارش لاهه، ایرلندیها بدون اطلاع دقیق کویت را ترک کرده‌اند چون نتوانسته‌اند افراد ذی‌صلاح را ملاقات نمایند.

۶- بگفته کاردار هلند، وزیر نفت کویت علی خلیفه معتقد است که مذاکرات پیشنهادی از طریق بازاریابی محصولات نفتی و پتروشیمیائی مشارکت اعراب خلیج در فعالیت بخش نفتی را بالا می‌برد. کاردار هلند گفته است که ظرفیت اضافی پالایشگاههای اروپایی دسترسی اعراب خلیج به بازار محصولات اروپایی را غیر ممکن می‌سازد. به گفته وی، اروپاییها مایلند اطلاعات بیشتری در زمینه جریان نفت خام به دست آورند و برای از بین بردن شگفتی (معتقدند که نمی‌توانند در مورد قیمت نفت صحبت کنند، چون اعراب خلیج نمی‌توانند در این زمینه به جای اوپیک صحبت نمایند). (در گفتگوی با کاردار هلند اصلاً اشاره‌ای به تمایل اروپا به افزایش صادرات خود به خلیج نشد)

۷- احتمال محتوای سیاسی در مذاکرات: مقامات وزارت خارجه به هلند گفته‌اند که کویت در نظر ندارد در این گفتگوها بحثهای سیاسی را به میان بکشد. نمایندگان ۹ کشور جامعه اقتصادی اروپا معتقدند که به محض اینکه مذاکرات آغاز گردد اعراب خواستههای سیاسی خود را مطرح خواهند ساخت. سفیر فرانسه گفته است «اگر مذاکرات به این ترتیب آغاز شود، ما هم سریعاً به آن خاتمه خواهیم داد.»

۸- شرکت جامعه اقتصادی اروپا به عنوان یک سازمان مشکلاتی برای طرفین عربی در بر خواهد داشت. چون از یک طرف اعراب خلیج تشکیل یک «سازمان» خاصی چون اوپیک و یا جامعه اقتصادی اروپا را نمی‌دهند. در صورتی که جامعه اقتصادی اروپا تشکیل شود فشار وارده ممکن است سبب شود که اوپیک وارد شود یا سازمانی به نام کشورهای عربی صادرکننده نفت به وجود آید که در هر دو حال

کشورهایی وارد مذاکره خواهند شد که کویت مایل به شرکت آنها نیست. لیکن اجتناب از مشارکت توسط کمیسیونر برانر ممکن است انگیزه خوبی برای اعراب و یا حداقل کویت باشد. علی خلیفه گفته است که برانر سه بار به وی توهین کرده است، ولی این بار دیگر فرصتی برای این کار نخواهد داشت.

۹- اظهار نظر: به نظر ما مباحثات پیشنهادی هنوز در مرحله تعیین مسئله مورد بحث است و قبل از تعیین هدف مذاکرات وقت زیادی صرف خواهد شد تا مشخص شود که چه کسی حق شرکت دارد و چه کسی ندارد. وضع این سکوی پیشنهادی طوری نیست که بتوان گفت توافقهایی در زمینه عرضه نفت و یا قیمت آن به وجود خواهد آمد. امکان فعالیت در بازاریابی برای محصولات عربی مدتها در برنامه کار سازمان کشورهای عربی صادرکننده نفت بوده است، لیکن عملی بودن آن بعید به نظر می‌رسد. به نظر ما کشورهای خلیج نتوانسته‌اند در میان خودشان به هماهنگی در زمینه تولیدات محصولات پالایش یافته و پتروشیمیایی برسند، لیکن این موضوع نمی‌تواند برای بازاریابی آتی اروپا مانعی باشد. ولی اعضای ۹ کشور جامعه اقتصادی اروپا در نظر دارند در بازار خلیج در زمینه محصولات صنعتی و پروژه‌های خود سهم بیشتری دریافت دارند که در نتیجه منافع آمریکا به خطر می‌افتد.

۱۰- اظهار نظر بعدی: با وجود اینکه طبق ارزیابی اعراب بالاخره خواهان جلب حمایت اروپاییها از انقلاب فلسطین خواهند شد، ولی در این مورد خاص مصداق ندارد. اعراب بسیار مایل هستند که اروپاییان نیز به همراه اعراب در تضاد خاورمیانه درگیر شوند، لیکن کویتها نمی‌توانند منافع و علاقه‌های خودشان را تا مدت زیاد مخفی نگاهدارند، آن هم با مشارکت دادن ۹ کشور جامعه اقتصادی اروپا در بحثهای کاملاً غیر سیاسی در مورد فروش کود شیمیایی و ایجاد و توسعه ذخایر نفتی. ساترلند

سند شماره (۵۲)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

تاریخ: ۱۰ شهریور ۱۳۵۸

به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی

از: سفارت آمریکا در کویت

موضوع: حملات روزنامه کویتی علیه ایران و به دفاع از کویت

۱- (طبقه‌بندی نشده) روزنامه الانباء در سرمقاله ۹ سپتامبر خود تحت عنوان «آیا اعراب بیدارند و یا خوابیده‌اند؟» به حمله علیه ایران می‌پردازد و وفاداری عربی را بر روابط با ایران ارجح می‌داند. به عنوان عکس‌العمل در رابطه با داستانهای اخیر شخصیت‌های مهم ایرانی که مدعی سلطه بر بحرین هستند، الانباء به ایران اخطار کرده است که سعی نکند با اعلام حمایت از فلسطینیها و اخوت اسلامی سکوت اعراب را در مورد بحرین خریداری نماید. الانباء دیگر از کلمه تهاجمی «عربستان» که سبب شده بود چند ماه قبل صدای اعتراض دیپلماتیک ایران بگوش برسد استفاده نمی‌کند. لیکن می‌گوید که «هنوز هم قسمتهایی از سرزمینهای عربی تحت اشغال می‌باشند که قربانی تهاجم اسرائیل نشده‌اند.» این روزنامه می‌گوید «برای به دست آوردن شرف و حیثیت مادر حاضر نیستیم شرف و حیثیت دختر را از دست بدهیم.»

۲- (خیلی محرمانه) الانباء که معروف به انتشار نظریات کویتها به طور غیر رسمی است اخطارهای محجوبانه کویت را علیه بدرفتاریهای ایران در قبال کشورهای عربی از قبیل عراق و بحرین چاپ کرده است (مرجع ب) رهبران کویت کلاً مایل هستند که مطبوعاتشان به حمله علیه کشورهای دیگر مشغول نشوند، لیکن ما فکر می‌کنیم که بحرینیها از عکس‌العمل ایرانیان در رابطه با رفتار بحرین در روز قدس

خمینی آگاه شده‌اند و می‌خواهند که با این کار کویت حس اعتمادشان بیشتر بشود. ساترلند

سند شماره (۵۳)

تاریخ: ۲۱ شهریور ۱۳۵۸
از: سفارت آمریکا در کویت
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی
موضوع: فروش نفت خام در بازار سیاه

۱ - (تمام متن خیلی محرمانه است).
۲ - مقام سفارت با شیخ علی جابر العلی، دستیار معاون وزیر (اخیراً به این مقام ارتقاء پیدا کرده است)، و رئیس کمیته بازاریابی نفتی وزارت امور خارجه ملاقات نمود تا اعتراض مطروحه در تلگرام مرجع را با ایشان در میان بگذارد. پس از استماع این مسئله که آمریکا حاضر است به سهم خود نوعی میانه‌روی در بازار سیاه به وجود آورد، شیخ علی جابر گفت که شرکتهای نفتی آمریکایی هنوز هم به خرید فعالانه محموله‌های نفتی در بازار سیاه مشغول هستند. وی در ادامه گفت بهتر است به «دوستان نیجریه» اعتراض کنیم نه به کویت، و مقام سفارت پاسخ داد که اعتراض در رابطه با همه کشورهای اوپک مطرح می‌شود.

۲ - وی در مورد فعالیتهای کنونی کویت در بازار سیاه چیزهای زیادی فاش نکرد، لیکن اختلافات عقاید وی در این مورد نشان می‌دهد که کویت بیش از گذشته بفروش نفت در بازار سیاه اشتغال دارد، شیخ علی جابر با وجود اینکه به مضر بودن بازار سیاه در رابطه با تولیدکننده و مصرف‌کننده معتقد و معترف بود، می‌گفت فروش گهگاه محموله‌ها در بازار سیاه چندان ضرری هم ندارد. البته وزارت امور خارجه به یاد دارد که در ماه ژوئیه وزیر نفت به سفارت اطلاع داده بود که کویت تولید اضافی نفت خود را در بازار سیاه به فروش می‌رساند.

۳ - در رابطه با قیمت‌ها، شیخ علی جابر گفت در نتیجه افزایش قیمت آمریکا خیلی کمتر از دیگر مصرف‌کنندگان صنعتی (اروپا و ژاپن) که تقریباً به طور کامل به نفت وارداتی متکی هستند، ضربه و زیان دیده است. و با وجود اینکه مقام سفارت وی را در جریان نتایج حاصله از افزایش قیمت نفت در آمریکا قرارداد وی متقاعد نشد. وی گفت که آمریکا نباید نگران فعالیتهایی باشد که (به نظر او) منافع آن را به مخاطره نمی‌افکند.

۴ - اظهار نظر: البته بازده بازار سیاه آنقدر چشمگیر است که کویتها قادر به مقاومت در برابر آن نیستند، ولی فکر می‌کنیم که آنها تنها متخلفین موجود در این زمینه نیستند. تا زمانی که وضع تقاضا به همین ترتیب باشد و نیز تا موقعی که بقیه متخلفین به کار خود ادامه می‌دهند، نمی‌توان از کویت توقع چشم‌پوشی از بازار سیاه را داشت. ساترلند

سند شماره (۵۴)

تاریخ: ۲۶ شهریور ماه ۱۳۵۸
از: سفارت آمریکا در کویت
موضوع: نظرات وزیر نفت کویت درباره سطح تولید و فروش نفت در بازار سیاه
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی

۱- (طبقه‌بندی نشده)، شیخ علی خلیفه الصباح وزیر نفت کویت برای اولین بار اعلام کرد که سطح تولید نفت کویت از محدوده ۲ میلیون بشکه در روز تعیین شده توسط دولت فراتر رفته است. طبق مصاحبه مطبوعاتی علی خلیفه در لندن که در ۱۶ سپتامبر در مطبوعات محلی به چاپ رسیده بود، وی اعتراف کرده است که میانگین تولید نفت کویت معادل ۲/۲ میلیون بشکه در روز است (البته در منطقه جدا شده نیز ۳۰۰/۰۰۰ بشکه در روز تولید می‌شود که در سقف تولیدی کویت به حساب نیامده است)، با این وصف، تصریح نمود که از اوائل سال تولید به همین وضع ادامه داشته است. علی خلیفه در ادامه گفته است که سقف تولید ۲ میلیون بشکه در روز ادامه دارد. «ضرایب فعلی» علت‌های این افزایش تولید می‌باشند. البته عدم تمایل وی به اعلام افزایش سطح تولید که در گذشته دولت کویت (و خود او) مدعی بودند که تولید بالاتر نرفته است به این علت از بین رفت که بولتن آماری بانک مرکزی، رقم تولید در دو ماه اول سال ۱۹۷۹ را منتشر کرده بود.

۲- (طبقه‌بندی نشده) علی خلیفه در مصاحبه خود مؤید این واقعیت گردید که کویت نیز از دیگر صادرکنندگان نفتی پیروی کرده و مدت اعتبار خود را از ۶۰ روز به ۳۰ روز کاهش می‌دهد. وی همچنین گفت که از سه تولیدکننده اصلی نفت در کویت یعنی شل، بریتیش پترولیوم و گلف خواسته است که در ازاء نفت مازاد بر تولید خود قیمت بازار سیاه را بپردازند. این بیانات وی ثابت می‌کند که کویت بیش از پیش به فروش نفت در بازار سیاه مشغول است.

۳- (خیلی محرمانه) اظهار نظر: مسئله سطح تولید فزاینده نفت خام از نظر حامیان صرفه‌جویی منابع در کویت یک مسئله بسیار حساس است و ناسیونالیست‌های مجلس شورای ملی کویت پیرامون آن تبلیغات زیاد به راه می‌اندازند.

تأیید علی خلیفه در مورد فروش نفت اضافی در بازار سیاه و اینکه سطح ۲ میلیون بشکه در روز حفظ خواهد شد مقداری از عکس‌العمل‌های بحرانی داخل کویت را کاهش خواهد داد. لیکن مشخص نشدن مدت زمانی که سقف تولیدی ۲ میلیون بشکه‌ای طی آن ادامه خواهد یافت از نظرها پنهان نخواهد ماند. علی خلیفه به سفارت اطمینان داد که کویت تا زمان پایین آمدن تقاضا در تولید نفت خود کاهشی پدید نخواهد آورد (به تلگرام مرجع مراجعه شود). و اگر کویت به تولید کنونی ادامه دهد، علی خلیفه نیز شرایط خاص لازم برای ادامه تولید نفت کویت را در بقیه سال مطرح خواهد کرد. ساترلند

سند شماره (۵۵)

تاریخ: ۲۸ شهریور ماه ۱۳۵۸
از: سفارت آمریکا در کویت
موضوع: پی‌آمدهای دستگیری آشوبگر شیعه
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن. سری

۱- (خیلی محرمانه) خلاصه مطلب: دستگیری یک شخصیت شیعه که مشغول تحریک شیعیان به

آشوب بوده با یک اعلامیه سخت و سنگین وزیر راجع به امنیت داخلی کشور همراه بود. اتهامات علیه شخص دستگیر شده (مهری) به اندازه‌ای جزئی و ناچیز است که آدم متعجب می‌شود که این همه هیاهو و سر و صدا برای چیست. اما، اولاً مقامات کویتی تمام فعالیتهای آشوبگرانه مهری را اعلام نکرده‌اند. دوماً، مهری با مخالفان دیرینه سیاسی کویت ارتباط داشته است، ثالثاً، مهری علیه قانون اجتماعی کویت که می‌گوید تمام مردم می‌توانند به حاکم دسترسی داشته باشند و بحث آزاد وجود دارد و این قانون هم به طور موفقیت‌آمیزی و بدون تبعیض اجرا شده است، مقابله کرده است و می‌گوید که دروغ است.

از همه مهمتر این است که تحریکات آشوبگرانه مهری روی شکایت مردم از دولت کویت متمرکز است که این شکایات در حقیقت دارای مقداری پایه و اساس می‌باشند و ممکن است موجب اتحاد شیعیان متفرق کویت شود و تشکیل یک گروه واحد بدهند که یک رهبر مشترک و یک هدف مشترک داشته باشند. رهبری کویت ظاهراً نمی‌خواهد که یک اقلیت قابل ملاحظه به قدرت سیاسی دست یابد. مخصوصاً اینکه احتمال دارد که این اقلیت از آنچه که به وسیله رهبری مذهبی ایران دیکته می‌شود پیروی کند و مقاصد این رهبری در مورد رژیمهای عرب در منطقه مشکوک می‌باشد. (پایان خلاصه).

۲- (طبقه‌بندی نشده) - دستگیری روز ۹ سپتامبر و ادامه توقیف احمد مهری پسر روحانی معروف شیعه کویت و تاجر جزء کویت شیخ سید عباس سید حسن مهری در تاریخ ۱۰ سپتامبر به وسیله شیخ نواف الاحمد وزیر کشور کویت (و عضو خانواده سلطنتی) اعلام شد. اعلام دستگیری یک روز بعد از اعلامیه تند و سخت، شیخ سعد عبدالله الصباح نخست‌وزیر و ولیعهد اتفاق افتاد - در این اعلامیه شیخ الصباح گفته که از این پس دولت در قبال کسانی که رفتار غیر مسئولانه دارند و می‌خواهند که اهالی کویت اطمینان خودشان را نسبت به دولت از دست بدهند، موضع نرم و انعطاف‌پذیری نخواهد داشت. و بشدت با کسانی که بخواهند ثبات و امنیت کویت را به خطر بیندازند مقابله خواهد کرد.

موقعی که شیخ نواف خبر دستگیری مهری جوان (منظور پسر شیخ مهری است) را اعلام کرد همان گفته‌ها و اخبارهای نخست‌وزیر را تکرار کرد، ولی راجع به کارهای المهری چیز زیادی نگفت مگر غیر از موردی که وی برای یک اجتماع سیاسی که در یکی از مساجد کویت (مسجد حاج‌الشعبان در شرق که اکثراً شیعه هستند) برگزار شده بود اجازه نگرفته بود و پلیس هم به وی گفته بود که احتیاج به اجازه از دولت دارد و او قول داده بود که این اجازه را بگیرد. اعلام دستگیری و اتهام مهری به قدری جزئی و ناچیز است که انسان متعجب می‌شود که چرا دو شخص مهم و وزیر کویتی در این مورد اخطار کرده‌اند.

۳- (سری) - فعالیتهای فعلی مهری‌ها خیلی بیشتر از یک سخنرانی در مسجد است. بسیاری از سخنرانها روی نوار ضبط تکثیر شده و در سطح شهر پخش شده است. خلاصه کلام و پیام مهری این است که شیعیان باید علیه تضحیقاتی که از طرف سنی‌ها اعمال و توسط رژیم کویت تقویت گردیده و شدت یافته است، قیام نمایند.

۴- (خیلی محرمانه) - مستضعفین مهری - همان‌طور که گزارش کرده‌ایم، شیعیان کویت، ناجور و ناآرام هستند و تعاریف مبهم و گنگ است (مرجع الف). «شیعیان کویتی، شیعیان در کویت» و «ایرانیان در کویت» مفاهیم مترادف نمی‌باشند. تمام شیعیان در اینجا ایرانی‌الاصل نیستند و همه‌شان از منطقه جغرافیایی که اکنون ایران نامیده می‌شود، نمی‌آیند. بعضی‌شان از عراق آمده‌اند و برخی از ایران و عربهای شیعه هم از کشورهای اطراف خلیج آمده‌اند. حتی بعضی از این آخری‌ها از خودشان به عنوان «معاودین»

یاد می‌کنند و ادعا می‌کنند که اصلیت آنها عرب است و زمانها پیش به ایران رفته‌اند، احتمالاً با ارتش عرب که حدود هزار سال پیش به ایران رفت و ایران را اسلامی کرد. واژه‌های «شیعه» (و یا «جعفری») به اصطلاح محلی) و «ایرانی» غالباً اشتباهاً با یکدیگر عوض می‌شوند، حتی به وسیله خود کویتیه‌ها چه در صحبت و همچنین به وسیله کویتیه‌ها، عربهای قومی و یا اتباعی از کشورهای دیگر خلیج. شیعیان (و یا ایرانیان) در مقامهای بالا و پایین در کویت پیدا می‌شوند، علاوه بر بعضی از خانواده‌های تجار معروف و سرشناس (بهبهانی، قبازرد) عده‌ای هم هستند که در پستهای مهم دولتی و نزدیک به امیر و در کابینه می‌باشند. همچنین حدود ۶۰/۰۰۰ نفر از ۲۰۰/۰۰۰ نفر شیعه کویتی ایرانی می‌باشند که اکثرشان، حمال، رفتگر و کارگر ساختمانی می‌باشند که به کویت آمده‌اند تا برای خانواده‌شان در ایران پول بفرستند. با این همه، گروه‌بندی که ممکن است آن را «شیعیان کویت»، و یا «ایرانیان» نامید. بعضی مواقع شبیه سالاد میوه است (مترجم - در هم و بر هم است). این شیعیان تا کنون یکدست و همگون نبوده‌اند و از نظر سیاسی هم یک تشکیلات متحد نبوده‌اند.

۵- (محرمانه). در بین مطالبی که مهری در سخنرانی عمومی‌اش به آن اشاره کرد می‌توان موضوعات زیر را پیدا نمود، روند انتخابات که شیعیان تماماً در پارلمان نماینده ندارند، قبول تابعیت همه عربهای بدوی به منظور کم کردن نفوذ شیعه، امتناع از اعطای تابعیت به شیعیان حتی به شیعه‌هایی که بیشتر از بدویها مقیم کویت بوده‌اند، ایجاد مزاحمت و دردسر برای شیعیان به وسیله پلیس که راجع به فعالیت‌های جاسوسی سفارتخانه‌های خارجی کاری انجام نمی‌دهد، عدم تبلیغ فعالیت‌های شیعیان در کویت، مقدمات دولتی مبنی بر آموزش اسلام سنی‌ها در مدارس کویت و سهل‌انگاری در اجرای قانون شریعت و بالاخره مهری مردم را تشویق به برگزاری تظاهرات اعتراض‌آمیز در کاخ سیف (دفتر امیر) کرد که به هر حال این تظاهرات انجام نگرفت.

۶- (محرمانه) - اقدامات آشوبگرانه المهری که آشکارا به منظور ایجاد مشکلات داخلی در صحنه سیاست کویت انجام گرفته است در نظر حکام کویت و احتمالاً اکثر کویتیه‌ها روشی نیست که بتوان مشکلات کویت را حل نمود. کویتیه‌ها شدیداً به جامعه و مخصوصاً خانواده ایمان دارند و می‌توان به طور آزاد راجع به مشکلات بحث نمود و در صورت لزوم به اطلاع امیر رساند. موقعی که از یکی از اعضای خانواده معروف و تاجر بهبهانی که ایرانی‌الاصل می‌باشند راجع به اوضاع سؤال شد، وی به ما گفت که اوضاع مثل «طوفان در فنجان چای» می‌باشد (این ضرب‌المثل معادل ضرب‌المثل فارسی است که می‌گوید مورچه می‌گوید مورچه چیست که کله پاچه‌اش باشد. مترجم) آنها اگر مشکلی و یا شکایتی دارند می‌توانند بروند و حاکم را ببینند. کویتیه‌های دیگر هم چه شیعه و چه سنی نیز این عقیده را داشتند.

۷- (سری) - ضمن اینکه مقامات کویتی رنجیده و ناراحت شده‌اند که مهری روش سنتی کویتیه‌ها را برای حل شکایات انتخاب نکرده است، ولی این به تنهایی برای توجیه اقدامات شدیدی که شده است کافی نمی‌باشد. یک نکته قابل توجه‌تر اتحاد بین مهری و دکتر احمد الخطیب می‌باشد. دکتر احمد الخطیب زمانی نمک پرورده و تحت‌الحمايه خانواده حاکم بود و سابقه طولانی مخالفت سوسیالیستی و پان عربی با رژیم موقعی که عضو مجلس شورای ملی بود دارد. تلاش الخطیب در دهم سپتامبر برای برگزاری یک تظاهرات در صبح زود به خاطر اعتراض به دستگیری مهری توسط پلیس در هم شکسته شد. خطیب دستگیر نشد، ولی در تاریخ یازدهم سپتامبر به دفتر وزیر کشور کویت فرا خوانده شد و شدیداً به وی

اخطار شد که دست از تلاشهایش برای رهایی مهري از زندان و تحريك شيعيان براي آشوب در كويت بردارد. مقامات كويتي سالها، الخطيب و ساير مخالفين را بدین گونه محدود کرده اند، ولی معلوم نیست چرا با مهري این طور شديد برخورد می کنند؟

۸- اعلامیه ای که توسط خبرگزاری پارس ایران منتشر شده و در روزنامه های ۱۷ سپتامبر كويت نیز گزارش شده است، گزارش می کند که آیت الله منتظری نسبت به دستگیری مهري اعتراض کرده است و این موضوع باعث شد که در یک اعلامیه ای که دقیقاً تنظیم شده بود سخنگوی دولت كويت گفت که گفته های منتظری نظرات یک ایرانی می باشد.

سخنگوی دولت كويت گفت که روابط بين ایران و كويت از کانال ديپلماتيك که خیلی نزدیک و خوب می باشد صورت می گیرد، همان طور که سفر دوستانه وزير امور خارجه كويت در ژوئيه این موضوع را تأیید می نماید (مرجع) راشدالراشد معاون وزارت خارجه موقعی که در تاریخ ۱۶ سپتامبر از وی راجع به مسئله مهري سؤال شد همان خط را دنبال کرد. الراشد از آن به عنوان یک مسئله کاملاً داخلی یاد کرد که مقامات كويتي با اطمینان این قضیه را در چهارچوب قوانین كويت دنبال می کنند. او همچنین اعلام کرد که اوضاع سیاسی منطقه، فعالیتهاي شبیه فعالیتهاي المهري را به وجود آورد. در جواب سؤال مربوط به اتهام گفت که وی اهمیتی را که شش ماه پیش نسبت به روابط ایران و كويت قائل بود اکنون کمتر قائل است. ۹- (خیلی محرمانه - نظریه: با همه این ریشخندها، ماهیت سریع و مصمم عمل هفته گذشته كويتیها نشان دهنده توجه واقعی راجع به فعالیتهاي مهري می باشد.

ارزیابی ما این است که آنچه که توجه رهبران كويت و در حقیقت اکثر كويتیها را جلب کرده است عدم انتخاب سیستم شکایتی فعلی كويت توسط مهري برای حل مشکلات می باشد و او در عوض روش آشوب را برگزیده است، روشی که باعث آن چنان خرابی در ایران شده است و باعث خواهد شد که جامعه شيعيان ایرانی كويت که ناآرام و دارای ظرفیت زیاد می باشند یک هویت هماهنگ، فعال و ضد دولتی و سیاسی پیدا کنند. تاکنون ارتباط بين شيعيان در كويت با خمینی یا ساير رهبران مذهبی آرام بوده است. موقعیت مهري به عنوان نماینده خمینی در كويت ظاهراً تاکنون باعث کارهای سیاسی که توسط آیت الله به مهري دستور داده شده باشد، نشده است. به هر حال، هر حرکت در داخل كويت که خواهان اتحاد و همبستگی عوامل شيعه تحت عنوان عدالت برای شيعيان در سیستم كويت باشد، صورت گیرد، اگر رهبران با نفوذ مذهبی ایران بخواهند از آن استفاده کنند زحمت و مشکل آن برای رهبری كويت دو برابر خواهد شد.

سند شماره (۵۶)

تاریخ: ۱ مهر ماه ۱۳۵۸
از: سفارت آمریکا در كويت به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی با اولویت
موضوع: وزیر، كويت را از اتحادهای امنیتی دور می کند

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است).

۲- كويت با تعجیل در کنار عراق قرار می گیرد و انعقاد هر گونه قرارداد امنیتی با ملل غرب را در مورد خلیج و به خصوص تنگه هرمز رد می کند. بیانات ۲۱ سپتامبر وزیر دفاع و وزیر خارجه كويت شیخ سالم

الصباح که در مقایسه با حمله بیستم سپتامبر ارگان حزب بعث عراق به نام الثوره به «معاهده امنیتی» پیشنهادی عمان بسیار ملایمتر و میانه‌روتر بود (مراجع الف و ج) نشان می‌دهد که کویت مایل نیست در انعقاد قراردادهای امنیتی رسمی شرکت نماید و علاوه بر آن نمی‌خواهد قراردادهای دوجانبه امنیتی با نیروهای بیگانه منعقد سازد. طبق گزارش مطبوعات انگلیسی و عربی محل در ۲۲ سپتامبر، شیخ سالم گفته است که «کویت به پیمانها و بلوک‌بندیها در خلیج اعتقادی نداشته و آنها را تأیید نمی‌کند.» وی در ادامه گفت «این پیمانها بیش از آنکه فایده برساند به منطقه زیان می‌رساند با سیاست عدم تعهد کویت مغایرت دارد.»

۳- اظهار نظر: بیانات وزیر دفاع و وزیر خارجه کویت سیاستهای استاندارد کویت را نشان می‌دهد. زمان ایراد این بیانات که یک روز بعد از دعوت الثوره از تمام کشورهای خلیج به مردود شمردن و محکوم کردن پیشنهاد عمان (مرجع ج) بود نشان می‌دهد که کویت نسبت به نظریات عراق بسیار حساس است. علیرغم رفت و آمدهای سفیران خلیج سفلی در هفته‌های اخیر در رابطه با ابتکار امنیتی بحرین تا زمانی که عراق اظهار نظر نمود کویت نیز از تفسیر و اظهار نظر امتناع ورزید. مهمتر از همه این است که در لحن دقیق بیانیه همکاری کشورهای خلیج در برقراری امنیت داخلی نیز مستثنی نشده است، خصوصاً اینکه این مسئله نگرانی کشورهای خلیج و عراق را در رابطه با تظاهرات شیعیان در کویت، بحرین و امارات متحده عربی در حمایت از چند آیت‌الله ایرانی برانگیخته است. بالاخره در بیانیه وزیر دفاع که کاملاً به رد اتحاد بین کشورهای خلیج، آمریکا، انگلیس، آلمان غربی و عمان پرداخته، اعتراف شده است که کویت با آمریکا و دیگر کشورهای غربی روابط نظامی دارد. خنده‌دارتر از همه این است که الثوره گسترش روابط نظامی عمان با همین کشورهای غربی را (که معادل ۱۰۰ میلیون دلار است) طرحی برای ایجاد اتحاد بین کشورهای خلیج و غرب عنوان کرده است. ساترلند

سند شماره (۵۷)

تاریخ: ۵ مهر ماه ۱۳۵۸
از: سفارت آمریکا در کویت
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی
موضوع: (خیلی محرمانه) مسئله تحریکات مهری شیعه به مرحله برخورد علنی بین حکومت کویت و مذهب یون ایرانی نزدیک می‌شود

۱ - (خیلی محرمانه) خلاصه. گزارشهای مطبوعات کویت حاکی از آن است که روحانی شیعی که عامل اصلی آشوبهای شیعی در کویت بوده است، به همراه خانواده‌اش از تابعیت کویتی خود محروم خواهد شد. علاوه بر این گذرنامه سه تن دیگر از کسانی که در این تحریکات دست داشته‌اند نیز ضبط خواهد گردید.

در این گزارشها به محاکمات تبلیغاتی دولت کویت اشاراتی شده است، ولی این اشارات ممکن است نشانه آن باشد که حکومت کویت قصد دارد راه را برای اخراج عباس مهری روحانی مورد بحث هموار کند تا او را از پیروان بالقوه خود جدا سازد. یادآوری رسمی رادیو تهران درباره اینکه این روحانی شخصاً از سوی خمینی به عنوان، امام جمعه در کویت انتخاب شده است، ممکن است باعث شود که حکومت کویت دچار تردید شود، ولی تدابیر تشدید یافته امنیتی محلی و شواهد حاکی از پشتیبانی متقابل از سوی

کشورهای عربی خلیج چنین القا می‌کند که کویت ممکن است درباره این موضوع روش خشنی در پیش بگیرد. ماجرای المهری ممکن است، اولین برخورد مستقیم بین خمینیسیم و خانواده حاکم بر کویت باشد که عواقبی جدی در رابطه با ناآرامی در کویت خواهد داشت. (پایان خلاصه).

۲- (سری) روزنامه کویتی القیس در روز ۲۵ سپتامبر گزارش داد که دولت کویت تصمیم گرفته است تا تابعیت کویتی عباس المهری را که یک روحانی برجسته شیعی و یک بازرگان جزء کویتی است و شش سال قبل تابعیت کویت را پذیرفته بود، پس بگیرد.

این اقدام در ضمن به منزله پس گرفتن تابعیت کویتی اعضای خانواده او خصوصاً فرزند او احمد عباس المهری که از هشتم سپتامبر به دلیل گرایشهای غیر مجاز سیاسی (تلگراف مرجع الف) در بازداشت به سر می‌برد نیز خواهد بود. این اقدام علیه خانواده مهری که قبلاً تابعیت ایرانی داشته است حداقل از تاریخ ۱۹ سپتامبر تاکنون تحت بررسی بوده است. (تلگراف مرجع ب)

۳- (خیلی محرمانه) یک منبع قابل اطمینان در دیوان امیری ضمن تأیید چشم‌انداز اقدام حکومت کویت در تاریخ ۲۵ سپتامبر علیه خانواده المهری، همچنین گزارش روزنامه رامبنی بر اینکه گذرنامه‌های دکتر محمد حسن نصیر و عدنان عبدالصمد و خالد خلف پس گرفته شده است، تأیید نمود.

یک منبع وزارت کشور نیز به مقام سفارت در ۲۶ سپتامبر در تأیید این مطلب گفت که اسناد تابعیت کویتی مهری لغو و سه گذرنامه مزبور نیز پس گرفته شده است. هر سه آنها کویت‌های متعلق به شیعیان مخالف هستند و از شرکت‌کنندگان فعال در ایراد نطق در مسجد حاجی شعبان می‌باشند که محل تحریکات مهری علیه حکومت کویت بوده است. نصیر تا ماه مه اخیر معاون دبیر کل امور اقتصادی در وزارت نفت بود. عبدالصمد نیز درجه معاونت مدیر کل وزارت نفت را زمانی که به عنوان مدیر دفتر وزیر در چند سال قبل خدمت می‌کرد به عهده داشت. هر دو هنگامی منصوب شده بودند که عبدالصمد طلب الکاظمی رهبری یکی از خانواده‌های ثروتمند بازرگانان شیعه کویت، وزیر نفت بود. خالد خلف که نام کامل او عبارت است از خالد الخلف التجلی، وکیل دعاوی جنایی کویت در طی بیست سال اخیر به عنوان نماینده مجلس ملی از منتقدین صریح حکومت بوده است.

چندی قبل در همین سال جاری او به طور رایگان وکالت یک پرونده ارتکاب زنا را که سر و صدایی به راه انداخته بود و مربوط به یک زوج ازدواج نکرده انگلیسی و آمریکایی بود به عهده گرفته بود. (تلگراف مرجع ج) او اکنون برای انجام یک سفر آموزشی به ایالات متحده با کنسول در تماس است. در حدود ۱۰ سال قبل وی از شش جوان که در توزیع اوراق ضاله و بمب‌گذاری در کویت شرکت داشتند دفاع کرده بود.

۴- (طبقه‌بندی نشده) در تلگرافی که در تاریخ ۲۶ سپتامبر در روزنامه القیس منتشر گردید خلف شکایت کرده بود که داستانی که در القیس درج شده افترا بی‌بند و تهدید کرده بود که علیه آن شکایت خواهد کرد. ولی در ضمن اعتراف نمود که گذرنامه‌ها ضبط شده‌اند. در پاسخ، القیس (۱) که گفته بود پاسپورت خلف توقیف شده ادعا می‌کند که منابع مختلفی نیز آن را تأیید کرده‌اند و (۲) یادآور گردید که خلف نیز مسئله توقیف گذرنامه را انکار نمی‌کند و (۳) تهدید نموده که روزنامه نیز علیه وی اقامه دعوی خواهد کرد. با این وصف القیس اظهار نداشت که این اقدام صریحاً علیه مهری انجام شده است.

۵- (خیلی محرمانه) - القیس تنها روزنامه عربی است که اقدامات حکومت کویت را گزارش داده است

و این ما را وامی‌دارد چنین نتیجه بگیریم که حکومت کویت سرگرم مطالعه درباره طرز رفتار مطبوعاتی نسبت به این حادثه است و روزنامه القبس را برای آزمایش قبلی درباره عکس‌العمل مطبوعات نسبت به چنین تدابیری به کار می‌برد.

۶- (خیلی محرمانه) تدابیری که علیه مهری تشریح شد با توجه به اینکه حکومت کویت در مورد مشابه ارفاق و تحملی نسبت به مخالفان نشان داده است، بسیار شدید می‌باشد. پس گرفتن تابعیت از بزرگ خانواده مهری که به بقیه اعضا این خانواده نیز تعلق خواهد گرفت یک مسئله قانون اساسی را (طبق اصل ۳۳ قانون اساسی کویت پیش‌بینی شده است که چنین مجازاتی جنبه شخصی دارد) در مورد سلب تابعیت پیش می‌کشد که همچنین مواردی نظیر سلب آزادی مسافرت و آزادی شخصی و مالکیت شخصی و غیره را شامل می‌شود و از جمله تصمیماتی است که حکومت کویت به ندرت آن را اتخاذ کرده است.

۷- (سری) گزارش اقدام علیه این شخصیت‌های شیعی پس از چند روز اتخاذ تدابیر شدید امنیت داخلی در کویت منتشر شده است. بخش امنیتی سفارت گزارش داده است (تلگرافهای مرجع د-ه) که تدابیری برای جلوگیری از نطق شخص نامبرده در مسجد الشعبان در تاریخ ۲۲ سپتامبر اتخاذ شده و همچنین مرخصیهای مأمورین پلیس لغو گردیده و قسمتی از نیروهای نظامی به حالت آماده باش در آمده و اجازه پذیرش بیماران در بیمارستانها نیز محدود شده است. ما همچنین ملاحظه کرده‌ایم که به عنوان بخشی از تشدید تدابیر امنیتی واحدهای گارد ملی مستقر در نقاط و تأسیسات مختلف اطراف شهر از قبیل وزارت مخابرات و دفتر حفاظت منافع مصر و سفارت آمریکا اکنون تحت نظر یک افسر جزء به جای یک درجه‌دار قرار گرفته است، در حالی که قبلاً این محلها تحت نظر یک درجه‌دار محافظت می‌شد. (اظهار نظر: کمیته امنیتی سفارت حضور یک افسر گارد ملی را در سفارت به عنوان اینکه خطر نسبت به این سفارت یا آمریکاییها در این سفارت افزایش یافته تلقی نمی‌کند) علاوه بر این، نیروی هوایی کویت در هفته جاری برای نخستین بار ظرف چند ماه اخیر به حضور و غیاب اعضاء در پایگاه هوایی احمد الجابر در جنوب شهر پرداخت. همه این تدابیر رویهم رفته نشان دهنده آن است که حکومت کویت تصمیم دارد محرکین را سرکوب نماید.

۸- (خیلی محرمانه) تدابیر امنیتی داخلی چنان جنبه همگانی پیدا کرده که نقل مجلس در شب نشینیهای کوکتل پارتی و گپ زدن‌ها در داخل ادارات شده است، ولی در رسانه‌های گروهی از صحبتی نمی‌شود. اطلاع وسیع عمومی درباره این تدابیر نیز باعث شایعاتی شده است مبنی بر اینکه «ایرانیان» خود را مسلح می‌کنند و داستانهایی درباره حمل و قاچاق اسلحه به کویت از طریق سواحل آن نیز شایع شده است. هنوز اطلاعی که قاچاق اسلحه را با فعالیت‌های شیعه ربط بدهد به دست نیامده، در واقع تصور می‌کنیم که رهبران روحانی شیعه دستوراتی درباره اجتناب از خشونت صادر کرده‌اند (تلگراف مرجع د). علاوه بر این قاچاق اسلحه در این نقطه از جهان اکنون سالهاست که به صورت یک بیماری مزمن در آمده است.

۹- (خیلی محرمانه) القبس و سایر روزنامه‌ها نیز روز ۲۶ سپتامبر گزارش دادند که شب قبل رادیو تهران اعلام داشت که خمینی مهری را به عنوان امام جمعه کویت تعیین کرده است. گل شریفی کاردار ایران در پاسخ به سؤال مربوط به این خبر گفت که روزنامه‌ها خبر رادیو را درست درج کرده‌اند و خود گل شریفی آن را شنیده است، وی افزود که انتصاب مهری به این سمت ممتاز، یک انتصاب جدید نیست. زیرا اولین

سمت را از مدتی پیش عهده‌دار بوده است. (گل شریفی از اظهار نظر بیشتر در این باره خودداری کرد.) طبق اظهار رادیو تهران این انتصاب بدان جهت به عمل آمده است تا نیازهای مسلمانان شیعه در کویت بر آورده شود. منبع ما در ایران نیز می‌گوید که مهری بزرگ مدتی قبل مأموریت یافته بود که خمس مطابق با آئین شیعه را برای انتقال به نجف در عراق جهت انجام امور خیریه اسلامی جمع‌آوری کند.

۱۰- (خیلی محرمانه) به دنبال تایپ شدن متن فوق سفارت مطلع شد که خانواده مهری کویت را ترک کرده و یا از کویت اخراج شده است، ولی جزئیات ویژه مربوط این خبر در دست نیست. سلب تابعیت کویتی از مهری یک مقدمه لازم قانونی برای این اقدام غیرعادی از سوی حکومت کویت به شمار می‌رود. هنوز روشن نیست که آیا حکومت کویت پس از کسب اطلاع از خبر رادیو تهران درباره اینکه دستگاه مذهبی ایران برای حمایت مهری از هر نوع گزندی اقدام خواهد کرد، اقدام به اخراج خانواده مهری کرده است یا نه. اگر چنین باشد، حکومت کویت ظاهراً به وسیله پشتیبانی متقابل از سوی عراق و سایر کشورهای عربی خلیج مخالف با مداخلات ایران (تلگراف مرجع ز) تقویت شده است. توپ اکنون در دست ایرانیان است و ناظران اینجا با اضطراب در انتظار عکس‌العمل از جانب پشتیبانان ایرانی رهبر تبعید شده شیعیان کویتی می‌باشند.

سند شماره (۵۸)

تاریخ: ۱۷ مهر ماه ۱۳۵۸
از: سفارت آمریکا در کویت
موضوع: ادعای همکاری نیروهای واکنش سریع آمریکا با اسرائیل
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی

۱- (خیلی محرمانه) ارشاد فوری آن وزارتخانه در رابطه با این ادعا که دولت آمریکا با اسرائیل در زمینه پشتیبانی لجستیکی برای نیروهای نظامی واکنش سریع آمریکا در خاورمیانه همکاری می‌کند، دقایقی قبل از ملاقات کاردار با معاون وزیر امور خارجه راشد‌الراشد در روز یکشنبه ۱۴ مهر ماه دریافت و بسیار مفید واقع گردید.

۲- (خیلی محرمانه) معاون وزیر در رابطه با این مقاله که در روزنامه‌های کویت در پایان هفته مسلمانان یعنی پنجشنبه و جمعه منتشر شده بود بسیار خشمگین به نظر می‌رسید. آنچه او می‌خواست این بود که یا دولت آمریکا صحت آن را سریعاً تکذیب نماید و یا توضیح دهد که با افشای این مسائل چگونه می‌خواهد با کشورهای عربی رابطه حسنه داشته باشد. پس از آنکه کاردار با قرائت راهنمای مطبوعاتی صحت آن را تکذیب کرد، الراشد گفت که احتمالاً این مقاله نیز یکی دیگر از «تحریف اطلاعاتی» اسرائیل بوده است تا توسط آن اعتبار آمریکا نیز نزد اعراب را کاهش دهد. الراشد گفت که وی مایل است که این تکذیب سریعاً در مطبوعات کویت منعکس گردد.

۳- (طبقه‌بندی نشده) معاون وزیر بعداً در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد و گفت که کاردار مقاله اسرائیلی را تکذیب کرده است. این بیانیه، و تکذیب جداگانه سفارت که توسط دفتر روابط عمومی منتشر گردید در تمام روزنامه‌های کویتی در ۱۵ مهر ماه منعکس گردید.

۴- (محدود به استفاده اداری) کویت تایمز روزنامه متخاصم لیکن کم نفوذ انگلیسی زبان در سرمقاله ۱۶ مهر ماه خود به طور غیر عمد گفته بود که مقاله اسرائیلی دروغ است و ارزش تکذیب کردن را ندارد. با

این وصف این سر مقاله در ادامه با اشاره به کاردار ساترلند می‌گوید «جالب توجه خواهد بود... اگر دیپلمات آمریکایی در اینجا می‌گفت که نیروی ۱۰۰/۰۰۰ نفری واکنش سریع مستقر در خلیج فارس جهت حراست» از منافع حیاتی آمریکا «ساخته و پرداخته مطبوعات غیر خلاق است. البته ساترلند این مطلب را نگفته است، و نیروی ۱۰۰/۰۰۰ نفری واکنش سریع نیز هنوز یک ایده قابل کاربرد است که مقامات برجسته دولت آمریکا با آن بازی می‌کنند.»

۵- (خیلی محرمانه) اظهار نظر. سفارت و دفتر روابط عمومی معتقد است که نباید توجه تایمز را به حقایق منتشره در رابطه با نیروی واکنش سریع معطوف داشت. گرچه جای تأسف است که مطبوعات خلیج فکر می‌کنند که این نیرو صرفاً جهت حراست از نفت به کار می‌رود، و نمی‌تواند به عنوان یک طرح اضطراری در کاربرد نیرو به حساب آید، ولی باید گفت که گزارشگران مطبوعاتی را نیز نمی‌توان به این مطلب متقاعد نمود، آنچه مهم است این است که یکی از رهبران مسئول کویت یعنی معاون وزیر امور خارجه، اصلاً در رابطه با نیروی واکنش سریع اظهار نگرانی ننمود، بلکه از اینکه آمریکا ممکن است با همکاری اسرائیل به حمله علیه اعراب دست بزند اظهار نگرانی کرده است. واقعیت طرح‌های اضطراری ما در عملیات نظامی به منظور حراست از منافع ملی و دیگر منافع معلوم و مفهومی است اگر چه همه با آن موافق نباشند. لیکن این تصور که ما می‌خواهیم علیه اعراب با اسرائیل همکاری کنیم، به هر صورت که باشد بر اعتبار ما به عنوان یک ایجادکننده صلح که دائماً در پی به دست آوردن همکاری اعراب میانه‌رو در ایجاد یک صلح همه‌جانبه است آسیب وارد خواهد نمود. ساترلند

سند شماره (۵۹)

تاریخ: ۱۹ مهر ماه ۱۳۵۸
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی
به: سفارت آمریکا در کویت، فوری
موضوع: افزایش قیمت نفت کویت.

- ۱- تمام متن خیلی محرمانه است.
- ۲- سفارت آمریکا در کویت باید در فرصت مناسب سریعاً با مقامات دولت کویت در رابطه با افزایش قیمت اخیر نفت کویت تماس حاصل نماید، و نشان دهد که طبق دستور به این کار مبادرت ورزیده است. سفارتهای مستقر در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی و نیز آن دسته از کشورهای که نفت خود را از کویت خریداری می‌نمایند باید با دولتهای میزبان تماس گرفته آنها را از اعتراض ما مطلع ساخته از آنها بخواهند که همین کار را در مورد کویت انجام دهند.
- ۳- سفارت مستقر در کویت باید از نکات زیر استفاده نماید.
 - این افزایش قیمت نفت به هیچ وجه به آمریکا در تلاش خود برای بالا بردن ارزش دلار، کاهش تورم، و ایجاد اقتصاد سالم جهانی کمک نمی‌نماید.
 - ما معتقدیم که کویت نیز در رسیدن به این اهداف شریک است.
 - آمریکا و دیگر ملل واردکننده نفت، برنامه‌های مهمی را برای کاهش واردات نفتی، پایین آوردن تقاضا، ایجاد منابع انرژی‌زای جایگزین و افزایش تولید انرژی داخلی آغاز کرده‌اند.
 - این برنامه برای به اجرا در آمدن به زمان نیاز دارد، و نشانگر سرمایه‌گذارهای عظیم سیاسی (و نیز

(مالی) می‌باشند.

– امیدواریم کشورهای صادرکننده نفت نیز متوجه شوند که با جلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمت‌ها در این دوران سخت از بازار نفتی بین‌المللی، برای برقراری یک اقتصاد جهانی منظم و سالم در جهت منافع دراز مدت خودشان نیز عمل کرده‌اند.

سند شماره (۶۰)

تاریخ: ۲۵ مهرماه ۱۳۵۸
از: سفارت آمریکا در کویت
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی
موضوع: کاهش تولید نفت خام کویت

۱ - تمام متن خیلی محرمانه است.

۲ - منبع ما در وزارت نفت (حفاظت شود) ارقام تولید نفت خام کویت در ماههای ژوئیه، اوت و سپتامبر را در اختیار ما قرار داده است. پس از افزایشی جزئی (۴۰۰/۰۰۰ بشکه در روز) از ماه ژوئن تا ژوئیه به سطح ۲/۵۶ میلیون بشکه در روز تولید کلی نفت کویت در ماه اوت حدود ۲۰۰/۰۰۰ بشکه کاهش پیدا کرد. در ماه سپتامبر تولید ۱۰۰/۰۰۰ بشکه در روز افزایش یافت و به سطح ۲/۴۶ میلیون بشکه در روز رسید. امسال برای اولین بار تولید ماه سپتامبر این کشور کمتر از تولید آن در ماه سپتامبر سال گذشته شده است. و ظاهراً کویت در پاسخ به کاهش فشار بازار سطح تولید خود را اینقدر پایین آورده است. با این وصف، هنوز هم کویت تولید خود را با بیش از سقف ۲ میلیون بشکه‌ای تولیدی که سیاست سال گذشته دولت در قبال شرکت نفت کویت بوده است ادامه می‌دهد.

۳ - ارقام ریز تولیدی به شرح زیر می‌باشند:

ماه ژوئیه

۲۲۷۹۹۷۲

شرکت نفت کویت

سهم کویت از نفت منطقه جدا شده

تولید:

۸۲۲۹۲

وفرا

۱۹۸۲۵۵

شرکت نفت عربی

۲۵۶۰۵۱۹

جمع

جمع تولید ژوئیه امسال ۳۱ درصد بیش از ماه ژوئیه سال قبل بوده است.

ماه اوت

۲۰۸۸۲۷۲

شرکت نفت کویت

سهم کویت از نفت منطقه جدا شده

تولید:

۸۱۰۳۵

وفرا

۱۸۹۵۸۱

شرکت نفت عربی

۲۳۶۷۸۸۸

جمع

تولید و فرا و شرکت نفت کویت در مقایسه با اوت سال قبل کاهش یافته است. ۱۴ درصد افزایش تولید شرکت نفت عربی سبب شد که در مقایسه با همین ماه در سال گذشته در تولید کلی ۵ درصد افزایش پدید آید.

	ماه سپتامبر
۲۱۸۷۶۳۲	شرکت نفت کویت
	سهم کویت از منطقه جدا شده
	تولید:
۸۲۸۲۴	و فرا
۱۹۷۹۷۰	شرکت نفت عربی
۲۴۶۸۴۲۶	جمع
	در مقایسه با همین ماه در سال قبل، به خاطر کاهش تولید شرکت نفت کویت تولید کلی ۴/۸ درصد کاهش پیدا کرد.

۴ - میانگین تولید در سال جاری به عبارت زیر است:

۲۵۷۹۸۴	شرکت نفت کویت
	سهم کویت از منطقه جدا شده
۸۴۳۶۶	و فرا
۲۰۵۸۸۰	شرکت نفت عربی
۲۵۴۸۲۳۰	جمع

۵- منبع ما در وزارت نفت گفت تولید سپتامبر و اوت گذشته به دلایل بسیار و به خصوص به خاطر بالا رفتن تقاضا در نتیجه وضع ایران به طرز غیر عادی بالا بود. در ماه اکتبر تولید به سطح ۲/۱ میلیون بشکه در روز کاهش پیدا کرد و به سطح کنونی (۲/۷ - ۲/۶ میلیون بشکه در روز) رسید که نشانگر آخرین دو ماه سال گذشته و فصل اول امسال است.

۶- اظهار نظر. کویتهای متوجه شده اند که تقاضا در حال پایین آمدن است به همین دلیل به آرامی در حال کاهش تولید هستند. تولید امسال هنوز ۲۷ درصد بیش از سال گذشته است و فکر نمی کنیم که کاهش عمده مورد ادعای کویتهای قبل از سال آینده پدید آید. کویتهای که اصولاً در سیاستهای نفتی خود محتاط هستند کاری نمی کنند که تأثیر منفی مهمی بر بازار جهان داشته باشد. طبق گزارش (مرجع ت) وزیر نفت شیخ علی خلیفه الصباح گفته است که دولت کویت در نظر دارد در اوائل سال آینده در سطح تولید کاهشی به وجود آورد. بنابراین تا قبل از آن زمان نمی توان توقع داشت که تغییرات عمده ای صورت گیرد.

ساترلند

سند شماره (۶۱)

تاریخ: ۲۶ مهر ماه ۱۳۵۸
 از: سفارت آمریکا در کویت
 به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی، فوری
 موضوع: مذاکرات خلیج و جامعه اروپا «استفاده از نفت به عنوان یک سلاح»
 ۱ - (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲- خلاصه. وزیر نفت علی خلیفه به کاردار اطلاع داد که مذاکرات بین اعراب خلیج و جامعه اروپایی بر همکاری اقتصادی متمرکز خواهد گردید. وی گفت ایجاد روابط خاص در زمینه عرضه نفت در کار نیست و اعراب خلیج در نظر ندارند، کشورهای جامعه اروپایی را به حمایت از ساف و ادار سازند. وزیر گفت درست نیست که از نفت به عنوان سلاحی در پیشبرد اهداف سیاسی استفاده شود. (پایان خلاصه).
 ۳- در ۱۶ اکتبر در ملاقات با وزیر نفت شیخ علی خلیفه الصباح برای بحث پیرامون سیاستهای دولت کویت در قیمت گذاری نفت و تولید آن، کاردار نظریات وی را در مورد برنامه کار پیشنهادی مذاکرات خلیج و جامعه اروپایی جویا شد. علی خلیفه گفت موضوع اصلی عرضه نفت جهانی نیست، بلکه بحث بر سر همکاریهای اقتصادی بین کشورهای خلیج و جامعه اروپا می باشد. وی انتظار دارد که کمکهای فنی، سرمایه گذاری خارجی و استراتژی تجاری و دوجانبه در کمک به کشورهای غیر تولیدکننده نفتی جهان سوم موضوعات اصلی مورد بحث باشند.

۴- کاردار گفت که دولت آمریکا از بهبود وضع مذاکرات بین کشورهای تولیدکننده و مصرف کننده حمایت می کند. لیکن وی گفت که به عقیده بعضی از ناظران اعراب می خواهند رابطه خاصی در عرضه نفت به اروپاییان به وجود آورند تا آنها را وادار به حمایت از موضع اعراب در قبال مسئله فلسطین نمایند. علی خلیفه در پاسخ گفت وی انتظار ندارد که صحبتی پیرامون ایجاد چنین رابطه ای بشود. کشورهای چون فرانسه که بر اساس قراردادها بین دولتین در عرضه نفت عمل می کند در مذاکرات دوجانبه بیش از چنین اجلاسی موفقیت به دست خواهند آورد. و انتظار ندارد که مسئله فلسطین در این مذاکرات مورد بحث قرار گیرد، این اجلاس بین متخصصین اقتصادی برگزار می شود که صلاحیت اظهار نظر پیرامون مسائل سیاسی را ندارند و وی فکر نمی کنند که از نفت به عنوان یک سلاح استفاده شود. وی گفت عراقیها که خودشان حامی استفاده از نفت به عنوان یک سلاح هستند، تولید امسال خود را ۷۰ درصد افزایش داده اند، بنابراین نمی توانند چندان جدی باشند.

۵- کمیته کاری تشکیل شده در طائف و اجلاس وزیران عربستان سعودی در ۲۳ سپتامبر در ۱۵ اکتبر در وزارت نفت کویت ملاقات کردند تا پیش نویس برنامه کار مذاکرات اعراب خلیج و جامعه اروپایی را تهیه نمایند. پیش نویس برنامه کار توسط وزیران کشورهای عربی در اجلاسی که در ماه نوامبر برگزار خواهد شد مورد بررسی قرار خواهد گرفت علی خلیفه گفت نمی تواند به تفصیل درباره برنامه کار نظر خود را ارائه دهد چون تا ۱۷ اکتبر هنوز مطلبی منتشر نشده است.

گزارشات مطبوعاتی ۱۷ اکتبر حاکی از آن است که کار این کمیته بیشتر جنبه تعمقی دارد و درباره محتوای سیاسی برنامه کار نیز اختلاف نظر وجود دارد. علی خلیفه گفت برای اجلاس اول نمایندگان اعراب خلیج و جامعه اروپایی هنوز تاریخی تعیین نشده است.

۶- اظهار نظر: انکار علی خلیفه در مورد دادن «نقش سلاح به نفت» باعث تعجب ما گردید. شب گذشته

یکی از نزدیکان وزیر نفت کویت که درباره مسئله خاورمیانه با کاردار گفتگو می‌کرد بی‌اختیار فاش ساخت که علی خلیفه شخصا مخالف استفاده از نفت برای تنبیه غرب می‌باشد. وی گفت همان طور که علی خلیفه استفاده از نفت به عنوان یک سلاح را خلاف منافع کویت می‌داند، آمریکا و دیگران نیز نباید انتظار داشته باشند که علی خلیفه با یک سیاست «سخت‌مندان» نفتی در قبال امتیازات سیاسی آمریکا در خاورمیانه پاسخ بدهد. وی گفت علی خلیفه بر خلاف عربستان سعودی نفت را از سیاست جدا می‌داند. این نکات نظر سفارت (پاراگراف ۱۰ کویت ۳۸۵۳) را تأیید می‌کند که گفته شده بود کویت سعی خواهد کرد از وارد کردن مسائل سیاسی در مذاکرات اقتصادی مورد بحث با ۹ کشور عضو جامعه اروپا خودداری ورزد. واقعیتها بر خلاف برنامه‌های کار کنفرانس حاکی از آنند که بین بحرین خاورمیانه و شرایط عرضه نفت رابطه‌ای وجود دارد، چون بسیاری از طرفین درگیر در هر دو مسئله منافع بسیار دارند، گفته‌های وزیر در مورد عراق که زیاد حرف می‌زند ولی کم عمل می‌کند، ما را به یاد سفر وزیر بازرگانی ژاپن به خاورمیانه انداخت که در آن کویت بازرگان منش از سیاستهای مبهم ژاپن در قبال فلسطین ناراحت شده بود، در حالی که عراقیهای تندرو از نظر ایدئولوژیک وی را به گرمی مورد استقبال قرار دادند و فقط با وی در زمینه تجارتي بحث و گفتگو کردند.

سند شماره (۶۲)

تاریخ: ۲۹ مهر ماه ۱۳۵۸
 از: سفارت آمریکا در کویت
 به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی
 موضوع: نظریات وزیر خارجه کویت درباره امور جاری اجتناب از
 محکوم شمردن موافقت‌نامه کمپ دیوید

۱- (خیلی محرمانه) خلاصه. وزیر امور خارجه کویت در ملاقات اخیر خود با سردبیران روزنامه‌های کویتی از افزایش قیمت نفت اوپک دفاع کرد، و از پرداختن برنامه کار اجلاس عربی به مسائلی و رای مسئله لبنان حمایت نمود، به گفتگو پیرامون میانجیگری کویت بین عمان و جمهوری دموکراتیک خلق یمن پرداخت، و اظهار «امیدواری» کرد که جمهوری دموکراتیک خلق یمن به دنبال عقد قرارداد با شوروی به حل اختلافات خود با عمان و عربستان سعودی بپردازد. و اخراج عراق را از کنفرانس وزیران خارجه خلیج چندان با اهمیت تلقی ننمود. ورود نیروهای بیگانه به منطقه باز هم «مردود» شناخته شد و گفتگو پیرامون تهدید تنگه هرمز و حوزه‌های نفتی خلیج نیز غیر قابل قبول خوانده شد. وزیر خارجه همچنین اعتراف کرد که بین کشورهای تولیدکننده نفت خلیج بر سر تبدیل مسائل سیاسی به مذاکره با کشورهای اروپایی اختلاف نظر وجود دارد. و احتمالاً مهمترین نکته جالب توجه در سخنان وزیر امور خارجه عدم اشاره به موافقت‌نامه‌های کمپ دیوید و سه طرف درگیر در آن می‌باشد. (پایان خلاصه).

۲- (طبقه بندی) قبل از عزیمت برای تعطیلات یک هفته‌ای به سومالی، معاون نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه کویت شیخ صباح الاحمد با مهمترین سردبیران کویت برای اولین بار پس از تعطیلات سال قبل خود در ماه اوت ملاقات کرد. گزارشات مطبوعاتی پیرامون این ملاقات (که در مرجع الف خلاصه شده است) که در ۲۸ اکتبر منتشر گردید، نشان از آن دارد که وزیر امور خارجه درباره بسیاری از مسائل سیاست خارجی که کویت در آن درگیر است به استثناء قرارداد صلح خاورمیانه گفتگو کرده است. آنچه در

این گزارشها به چشم نمی خورد لحن صحبت خاص شیخ صباح الاحمد در هاوانا درباره شرکت کویت در اجلاس بغداد و لحن ملایمتر لیکن منفی وی در مجمع عمومی سازمان ملل درباره موافقتنامه های کمپ دیوید می باشد (مرجع الف).

۳- (طبقه بندی نشده) قیمت نفت: وزیر به سبک همیشگی خود به دفاع از افزایش اخیر قیمت نفت اوپک پرداخت و کشورهای صنعتی را برای عدم توانایی در کنترل تورم مقصر دانست و به شنوندگان یادآور شد که نفت تنها منبع درآمد مهم کویت برای نسلهای آتی بوده و منبعی غیر قابل تجدید و تمدید می باشد.

۴- (خیلی محرمانه) امنیت خلیج و شبه جزیره: وزیر امور خارجه فاش ساخت که جمهوری دموکراتیک خلق یمن از کویت خواستار میانجیگری شده است ولی گفت که کویت با هر دو کشور در تماس بوده و سعی دارد بر اساس احترام به حاکمیت ارضی بین آنها تفاهم ایجاد نماید. وی امیدوار است بعد از تعطیلات عید قربان نتایج خوبی به بار آید. وزیر امور خارجه همچنین اظهار داشت که امیدوار است اسماعیل رئیس جمهور جمهوری دموکراتیک خلق یمن از عربستان سعودی بازدید بعمل آورده درباره مسائل مهم به خصوص پس از عقد پیمان دوستی با شوروی، به گفتگو بپردازد. بار دیگر برای چندمین بار اعلام کرد که «اخطارهای آمریکا» درباره اینکه نهضت مقاومت فلسطین ممکن است تنگه هرمز را مسدود نماید و پیشنهاد این کشور برای ورود نیروهای بیگانه به منطقه خلیج را مردود شمرد. وی گفت کشورهای ساحل خلیج نیز به اندازه کشورهای صنعتی از عبور آزاد در تنگه هرمز سود می برند. «دفاع منطقه صرفاً مسئولیت نیروهای واقع در خلیج می باشد.» این مهمترین بیانه عمومی وی در رد پیشنهاد امنیت تنگه هرمز توسط عمان است.

۵- (خیلی محرمانه) اجلاس عربی: وی با تأیید زمان برگزاری اجلاس که بیستم نوامبر است گفت ترجیح می دهد که برنامه کار اجلاس فقط محدود به مسئله لبنان نباشد. این رجحان منعکس سازنده اشارات پیشین وزارت امور خارجه (کویت ۴۸۰۴) است که در آنها گفته شده تصمیمات اتخاذ شده سال قبل در اجلاس بغداد باید تهیه کننده چهارچوب اجلاس تونس باشد. بیانات کلی وزیر امور خارجه تصریح نکرد که کویت در برنامه کار مایل است به مبارزه علیه کشور مصر و موافقتنامه کمپ دیوید که در اجلاس بغداد آغاز گردید ادامه دهد.

۶- (خیلی محرمانه) کنفرانس وزیران خارجه خلیج در طائف: وزیر خارجه مطالب زیادی در این باره فاش ساخت فقط گفت که در اجلاس وزیران امور خارجه پیشنهادی مبنی بر تشکیل فدراسیونی به نام «کشورهای متحده عربی» که در برگیرنده همکاری در زمینه های بسیار از قبیل تولید نفت و بازاریابی است مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است. وی گفت که کویت از حساسیت عراقها در رابطه با این کنفرانس آگاه است. وی خاطر نشان ساخت که سفر وی به بغداد در ۲۰ اکتبر برای این بوده است که به صدام حسین بفهماند که «خلیج بدون عراق و عراق بدون خلیج نمی تواند به کار خود ادامه دهد.»

۷- (طبقه بندی نشده) مذاکرات خلیج و جامعه اروپایی (EC): گر چه در مرجع الف یادآوری نشده است، لیکن وزیر خارجه به بحث درباره مذاکرات جامعه اروپایی EC و کشورهای خلیج پرداخت و گفت اجلاس وزیران نفت خلیج در سپتامبر گذشته بر سر مشمول ساختن مسائل سیاسی به خصوص مسئله فلسطینها توافق نداشت.

۸- (سری) اظهار نظر: به هنگام ملاقات من با وزیر خارجه در ۲۳ اکتبر جهت تقدیم نسخه‌های از اعتبارنامه‌ها فرصت نشد که درباره سفر وی به بغداد صحبت کنیم، ولی موضوع امنیت خلیج فکر وی را اشغال کرده بود و همان نکات آمده در پاراگراف ۴ را بیان نمود. از آن زمان به بعد بلوین سفیر فرانسه اظهار داشت که سعودیها مایلند عراق در اجلاس طائف در ۱۶ اکتبر شرکت نماید، لیکن کویت نسبت به این مسئله اعتراض کرده است. کویت فکر می‌کند که با شرکت یافتن عراق اجلاس رنگ و لحن ضد ایرانی به خود می‌گیرد. ولی در همان حال نگران است که مبادا عراق فکر کند که اجلاس طائف علیه عراق برپا شده است. بنابراین به محض خاتمه یافتن اجلاس شیخ صباح به بغداد رفت تا چنین شک و شبهه‌ای را از میان بردارد. بلوین گفت مذاکرات جامعه اروپایی (EC) - خلیج پیشرفتی نداشته است چون (الف) کویت نمی‌داند که این مذاکره از چه چیزی باید تشکیل شده باشد (ب) عراقیها اسرار داشته‌اند که دیگر اعراب تولیدکننده نفت عراق را باید در تمام گفتگوهای سیاسی و اقتصادی شرکت دهند و (پ) عربستان سعودی اصلاً مایل نیست در این ابتکار درگیر شود.

۹- (طبقه‌بندی نشده) اظهار نظر بعدی: بیانیه وزیر خارجه از آن زمان سبب درج مقاله‌ای در السیاسه در ۲۹ اکتبر شده است که در آن پیش‌بینی می‌کند که قرار است اسماعیل به ریاض سفر کند و پیامی از طرف برژنف به رهبریت عربستان سعودی تسلیم نماید. این مقاله در ادامه می‌نویسد سعودیها به هواپیمایی شوروی ایرفلوت اجازه عبور و پرواز از عربستان سعودی را داده‌اند، روابط تجاری بین شرکت‌های دولتی شوروی و بازرگانان سعودی در حال از سر گرفته شدن است، و مطبوعات شوروی با نظر لطف درباره مسائل سیاسی و نفتی دولت عربستان سعودی سخن رانده‌اند. (پایان اظهار نظر).

دیکمن

سند شماره (۶۳)

تاریخ: ۲ آبانماه ۱۳۵۸
از: سفارت آمریکا در کویت
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی
موضوع: تصمیم کویت مبنی بر کاهش قراردادهای مهم نفت خام خود
۱- (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲- خلاصه: تلگرامهای مرجع به بحث پیرامون برنامه‌های کویت به منظور کاهش تولید نفت خام در سال ۱۳۵۹ و تأثیر این کاهش تولید بر شرکت نفتی گلف و قراردادهای بریتیش پترولیوم که در ۱۲ فروردین ۱۳۵۹ تجدید خواهد شد، پرداخته است. طبق ارزیابیهای پیشین سفارت با استفاده از بیانیه‌های دولت کویت در جهت کاهش سقف تولید شرکت نفت کویت، این امر در جهت انعطاف پذیر ساختن شرکت گلف و بریتیش پترولیوم در پذیرش کاهش برداشتهای قراردادی آنها صورت گرفته است. سفارت مصرانه (مرجع ب) از دولت آمریکا درخواست نمود که از درخواست شرکت گلف مبنی بر امضاء قرارداد دراز مدت ۴۰۰/۰۰۰ بشکه در روز حمایت کند، که هنگام ملی شدن منافع گلف و ادغام آن در شرکت نفت کویت همین مقدار برداشت نیز تصریح شده بود، لیکن صحنه تغییر کرده است. دولت کویت ظاهراً در تصمیم خود مبنی بر ایجاد یک چهارم تولید کاهش جدی است و از طرف دیگر شرکت گلف نیز حاضر شده است کاهش برداشت تصریح شده در قرارداد خود را بپذیرد. در صورتی که دولت کویت موضع خود

را شدت بیشتری نبخشد و شرکت گلف نیز از ما بیش از این کمک نخواهد، لازم نیست دولت امریکا در مذاکرات آتی نقش مهمی را به عهده گیرد. (پایان خلاصه).

۳- بر اساس قرارداد جاری گلف می تواند روزانه تا ۵۵۰/۰۰۰ بشکه نفت برداشت نماید. آندرسون نماینده شرکت گلف (حفاظت شود) در تاریخ ۲۴ مهر ماه به ما گفت که گلف در نظر ندارد در تاریخ ۱۲ فروردین ۱۳۵۹ با برداشت پایه ۴۰۰/۰۰۰ بشکه در روز قرارداد خود را تمدید نماید که با قرارداد کنونی گلف قرارداد ملی شدن سال ۱۳۵۴ شرکت نفت کویت نیز مطابقت دارد. وی گفت در حال حاضر دولت و وزیر نفت کویت در نظر دارد، طی قرارداد جدید به گلف اجازه دهد حدود ۱۵۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰ بشکه در روز برداشت نماید که گلف نیز در نهایت آن را خواهد پذیرفت.

۴- آندرسون گفت گرچه کاهش ۵۵۰/۰۰۰ بشکه در روز به ۲۰۰/۰۰۰ بشکه در روز بسیار فاحش است، لیکن چندان خطیر نیز نیست. گلف برای تأمین نیازهای نظام خود به بیش از ۲۵۰/۰۰۰ بشکه نفت خام کویتی احتیاج ندارد و ۱۵۰/۰۰۰ بشکه نفت دیگر نیز را جهت ارسال به پالایشگاه مشترک گلف و دولت کره نیاز دارد. بر اساس طرحهای کنونی گلف ۵۰ درصد سهام خود در شرکت پالایشی کره را خواهد فروخت، و کویت ۱۲/۵ درصد سهام آن را به دست خواهد آورد و ملزم خواهد شد که روزانه ۱۵۰/۰۰۰ بشکه نفت را مستقیماً به کره ارسال دارد، و مسئولیت گلف را نیز به عهده گیرد. علاوه بر این گلف مانند گذشته و بر اساس سیاست بازاریابی کویت تحویل نفت کویت را به طرفین ثالث متوقف خواهد ساخت، بنابراین اختلاف موضع کویت و نیاز پیش بینی شده گلف تنها اختلاف بین ۲۰۰/۰۰۰ - ۱۵۰/۰۰۰ بشکه در روز پیشنهادی علی خلیفه و نیاز گلف به ۲۵۰/۰۰۰ بشکه در روز است.

۵- آندرسون گفت کویتها (طبق عادات خود) در رابطه با منافع زودگذر بسیاری به خرج می دهند. بنابراین آندرسون ترس از آن دارد که دولت کویت نیز مانند دیگر تولیدکنندگان خواستار تضمین قرارداد شود. تلاش نهایی و غیر قابل قبول کویت تحمیل بیانیه تحریم شدید مانند قراردادهای عراق خواهد بود. (اظهار نظر: آندرسون و سفارت فکر نمی کنند که هیچ یک از این خواستها مورد بررسی باشد پایان - اظهار نظر)

۶- آندرسون تقاضا کرده است که سفارت در این باره مداخله ننماید. وی گفت شرایط پس از امضا قرارداد ۵۰۰/۰۰۰ بشکه در روز تغییر کرده است، و گلف معتقد است که اتکا بیشتر به دولت کویت در این زمینه مفید نخواهد بود.

۷- اظهار نظر: نکات مطروحه توسط آندرسون تأیید کننده صحت مطالبی است که دو ماه قبل آنها را باور نداشتیم. یعنی دولت کویت در نظر دارد علاوه بر کاهش تولید در برداشت شرکتهای مهم نیز کاهش پدید آورد. جای تأسف است که شرکت نفت شل طبق قرارداد خود تا سال ۱۳۶۰ اجازه دارد ۴۰۵/۰۰۰ بشکه در روز برداشت نماید، در حالی که صاحبان اصلی شرکت نفتی کویت یعنی گلف و بریتیش پترولیوم اجازه ندارد در فروردین آتی بیش از نیمی از قرارداد خود را برداشت کنند. در صورتی که گلف بعد از مشکلات مذاکراتی آتی گزارش ندهد، و یا در صورتی که شرایط تحریم جدیدی وضع نگردد، سفارت معتقد است که دولت آمریکا نباید در مذاکرات کنونی و ۱۱ فروردین حمایت چندانی از شرکت گلف به عمل آورد.

دیکمن

سند شماره (۶۴)

تاریخ: ۲ آبان ۱۳۵۸
از: سفارت آمریکا در کویت
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی
موضوع: اقدامات و سیاستهای بازاریابی نفتی کویت

۱ - (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲ - خلاصه: نماینده شرکت گلف اوائل (حفاظت شود) گفت وزارت نفت کویت در حال حاضر در زمینه قیمت و عرضه به قراردادهای خود عمل می‌کند. وی معتقد است که فعالیت کویت در بازار سیاه چندان شدید نیست، و نیز اجازه نداده است که سودجویی خصوصی در آنجا افزایش یابد. وی گفت هدف سیاست نفتی کویت نادیده گرفتن عرضه کنندگان نفت به طرفین ثالث و افزایش فروش نفت خامی است که دولت کویت مستقیماً به پالایشگاهها می‌فروشد. (پایان خلاصه).

۳ - سید آندرسون (حفاظت شود)، نماینده محلی شرکت گلف اوائل در تاریخ ۲۴ مهر ماه در رابطه با اقدامات و سیاستهای بازاریابی نفتی کویت اطلاعات زیر را در اختیار سفارت قرار داد:

۴ - بر خلاف بعضی دیگر از تولید کنندگان، کویت در حال حاضر سعی دارد به تعهدات خود مبنی بر عرضه نفت با قیمت‌های جاری عمل کند. به طور مثال، به شرکت گلف که حق دارد طبق قرارداد روزانه ۵۰/۰۰۰ بشکه نفت علاوه بر ۵۰۰/۰۰۰ بشکه در روز و به طور دلخواه برداشت کند، اجازه داده شده که کل ۵۵۰/۰۰۰ بشکه در روز خود را به قیمت‌های تصریح شده در قرارداد برداشت نماید. برداشت بیش از ۵۵۰/۰۰۰ بشکه در روز امکان پذیر است ولی تنها از طریق ته مانده نفتی کویت و آن هم در بازار سیاه. در اوائل سال جاری کویت به سه شرکت مهم برداشت کننده نفتی اش یعنی گلف، بریتیش پترولیوم، و شل اجازه داد که بر اساس همین شرایط هر یک ۴۰/۰۰۰ بشکه در روز بیشتر برداشت نمایند. شرکت گلف این پیشنهاد را به خاطر غیر اقتصادی بودن نپذیرفت، ولی بنا به گفته آندرسون شرکت‌های بریتیش پترولیوم و شل این پیشنهاد را پذیرفته‌اند.

۵ - نماینده شرکت گلف معتقد است که کویت در بازار سیاه نفت چندان رانی نمی‌فروشد. برخلاف سال ۱۳۵۷ خریداران طبق قراردادهای خود حداکثر نفت مورد نیاز را خریداری می‌کنند. پالایشگاههای محلی نیز در حال حاضر به طور کامل به عملیات خود ادامه می‌دهند. این دو عامل نشان می‌دهد که بخش اعظم افزایش تولید روزانه روزانه ۵۲۰/۰۰۰ بشکه‌ای کویت در سال جاری بر اساس قیمت‌های مطروحه در قرارداد و نه در بازار سیاه فروخته می‌شود. ولی، ظاهراً دولت کویت در همین اواخر و برای اولین بار با ارائه شصت درصد از کل سهم نفتی خود از منطقه بی طرف شرکت نفت عربی به بازار سیاه از حقوق کامل خود در این نقطه بهره‌برداری کرده است (این مقدار نفت قبلاً به شرکت نفت عربی فروخته می‌شد)، این مقدار نفت نیز که طبق قرارداد معادل ۱۲۰/۰۰۰ بشکه در روز است ظاهراً به وسیله دولت کویت به بازار سیاه ارسال می‌گردد، و بخش اعظم فروشهای گران قیمت کویتی را تشکیل می‌دهد.

۶ - کویت ظاهراً در نظر دارد شرکت‌های بزرگ نفتی را که قبلاً تمام نفت خام کویت را دریافت می‌کردند نادیده گرفته و با پالایشگاهها مستقیماً وارد معامله شود. دولت کویت هنوز هم مایل به فروش نفت به شرکت‌های بزرگ است، ولی حاضر است تنها نیاز خود نظام خریدار را برآورده سازد. در غیر این صورت، کویت مایل است با مشتریانی وارد معامله شود که دارای حیثیت اعتباری و اعتمادی باشند. شرکت ایده

میتسوی ژاپن و شرکت نفت چینی تایوان ظاهراً به نظر دولت کویت در این دسته قرار دارند. با وجود اینکه بسیاری از نمایندگان شرکتهای نفتی و تجاری کوچک از وزارت نفت کویت دیدار می‌کنند، ولی آندرسون فکر نمی‌کند که آنها بتوانند نفت مورد نیاز خود را به دست آورند.

دولت کویت ظاهراً میل ندارد با این سازمانها و حتی با قیمتهای گزاف بازار سیاه به معامله بپردازد.

۷- آندرسون اضافه کرد که به نظر وی نفت کویت برای دوباره فروشی در بازار سیاه فروخته نمی‌شود. از وی سؤال شد که آیا شنیده است که افراد کویتی نفت را به حساب خود بفروشند، وی در پاسخ جواب منفی داد. وی گفت به نظر وی دلیلی ندارد که وزیر نفت کویت به کویتیهایی بخش خصوصی اجازه دهد که از نفت دولتی به نفع خود بهره‌برداری کنند. وی گفت اگر در بازار تاجران کویتی وجود داشته باشند، حتماً محموله‌های منابع دیگر را به فروش می‌رسانند. آندرسون گفت شیخ علی خلیفه الصباح وزیر نفت کنونی کویت شهرت این وزارتخانه را در معاملات مستقیم بالا برده است، در حالی که عبدالمطلب کاظمی و دست پروردگانش به این ترتیب عمل نمی‌کردند.

سند شماره (۶۵)

تاریخ: ۵ فروردین ۱۳۵۸
از: سفارت آمریکا در کویت
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی
موضوع: فرار سرمایه از کویت

عطف به: کویت ۰۷۰۱

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است).

۲- رابطهای ما در وزارت دارایی، در بخش بانکداری و بازرگانی می‌گویند که فرار سرمایه از کویت هنوز هم ادامه دارد، لیکن علت این فرار سرمایه عوامل سیاسی نیست. معاون رئیس بانک مرکزی کویت و مدیر آگاه دومین بانک بازرگانی کویت به طور جداگانه علل زیر را اساس فرار منابع مالی از کویت اعلام داشته‌اند:

۳- از زمان پیدایش اقدامات آمریکا مبنی بر حمایت از دلار در تاریخ ۱۰ آبان ۱۳۵۷ ارزش دلار به تدریج بالا رفته و حس اعتماد سرمایه‌گذاران را نسبت به خود جلب نموده است. نرخ بهره نیز در آمریکا و نیز بازار اروپایی دلار (۱۲/۵ درصد) بالا رفته در حالی که نرخ بهره آن در کویت هنوز هم همان ده درصد سابق است، و اکثر وامهای تجاری از سقف بهره ۸/۵ درصدی برخوردار می‌باشد، بنابراین تفاوت وسیع نرخ بهره و نیز بالا رفتن ارزش دلار سرمایه‌گذاری در بازارهای آمریکا و اروپا را جذابیت خاصی می‌بخشد. مهمترین صاحبان حسابهای بانکهای تجاری سهم کویت که بسیاری از آنها دارای مقادیر قابل توجهی ارز هستند، در زمینه سرمایه‌گذاری به دلار فعالیت چشمگیری دارند. اگر همین سرمایه‌گذاران به خاطر نگرانی از اوضاع ایران و منطقه خلیج سرمایه‌های خود را از کویت خارج نمایند بازار سهام کویت نیز دستخوش تأثیرات منفی آن خواهد شد، چون با خروج سرمایه هیچ‌گونه سهامی خریداری نمی‌شود و در نتیجه قیمت سهام نیز کاهش می‌یابد. لیکن واقعیت نشان می‌دهد که نرخ سهام کویت در تمام طول سال ۱۳۵۷ رو به افزایش بوده و در سه ماهه اخیر نیز بالا رفته است که نشانگر اعتماد موجود نسبت به اقتصاد داخلی است. پولی که از کشور خارج می‌گردد «مازاد» و یا سرمایه‌گذاری محتاطانه نام دارد و پول یا

سرمایه تجار محلی نگران از وضع آتی خود نیست.

۴ - اظهار نظر: با وجود اینکه رویدادهای ایران موجبات نگرانی بسیاری را فراهم آورده، بازگشت خمینی به ایران مسائل اصلی را حل کرده و تا حدودی اوضاع را در برابر دیدگان ناظران کویتی آرامش بخشیده است. در دی ماه موضوع اصلی گفتگوها در کویت به خصوص در میان بانکداران و دیگران موضوع ایران بود. در اوائل فروردین ماه ایران هنوز هم در اذهان مردم جای خود را حفظ کرده است، لیکن بانکداران و بازرگانان آن را از یاد برده و به موضوع مورد علاقه خود می پردازند، یعنی در کجا بهتر می توان سرمایه گذاری کرد. گزارش سالیانه مربوط به سال ۱۳۵۷ و عظیم ترین مؤسسه سرمایه گذاری کویت شرکت سرمایه گذاری کویت، که اخیراً منتشر شده، در بخشی تحت عنوان «دور نمای سال ۱۳۵۸» پیش بینی می کند که کسری حساب جاری آمریکا «بهبود چشمگیری» خواهد یافت و این امر «همراه با نرخ بهره بالاتر آمریکا، موضع دلار را در برابر ارزهای مهم دیگر تقویت خواهد نمود.» از نظر کویتها منافع حاصله از یک ارز رو به بهبود جذابتر است، بنابراین بر طبق همین اصل عمل می نمایند. ساترلند

سند شماره (۶۶)

سری

کویت

مساحت:

مساحت ۱۶۰۵۸ کیلومتر مربع (شامل منطقه بی طرف نمی شود ولی شامل جزایر می شود)، مقدار کمی جنگل، تقریباً تمامی مساحت آن بیابان، موات یا شهرنشین است.
طول مرز زمینی = ۴۵۹ کیلومتر

آبها:

محدوده آبهای داخلی (ادعا شده) ۱۲ میل دریایی
ساحل آبی = ۴۹۹ کیلومتر

مردم:

جمعیت = ۱/۲۷۸/۰۰۰ (ژوئیه ۱۹۷۹)، رشد متوسط سالانه جمعیت ۵/۹٪ (در حال حاضر)

ملیت:

اسم - کویتی (ها)، صفت - کویتی

تقسیمات نژادی:

۸۳٪ عرب، ۱۵٪ ایرانی، هندی و پاکستانی، کویتیهایی اصیل در اقلیت هستند.
دین = ۹۹٪ مسلمان، ۱٪ مسیحی، هندو، پارسی و غیره
زبان = عربی، زبان خارجی که معمولاً استفاده می شود انگلیسی است.
سطح سواد = حدود ۴۰٪

نیروی کار = $360/000$ (تخمین ۱۹۷۸)، ۷۴٪ در قسمت خدمات ۱۱٪ در قسمت صنایع، ۱۱٪ در قسمت ساختمان، ۷۰٪ کارگران کوییتی نیستند.
نیروی کار سازمان یافته: اتحادیه کارگران برای اولین بار در سال ۱۹۶۴ قانونی شده، و در بین کارگران صنایع نفت و کارمندان ادارات دولتی تشکیل شد.
حکومت

نام قانونی = دولت کویت

نوع = پادشاهی انتصابی بر اساس قانون اساسی

پایتخت = کویت

تقسیمات فرعی سیاسی = ۳ فرمانداری، ۱۰ حوزه رأی‌گیری

سیستم حقوقی = حقوق مدنی با قوانین اسلامی مؤثر و با نفوذ در مسائل شخصی قانون اساسی از سال ۱۹۶۳ به اجرا درآمد، قوانین اصلی مربوط به انتخابات مجلس ملی در اوت ۱۹۷۶ به صورت تعلیق در آمد، بررسی مجدد قضائی قوانین مخصوص قانونگذاری هنوز در نظر گرفته نشده است، و هنوز قضاوت اجباری دادگاه بین‌المللی را قبول نکرده است.

تعطیل ملی = ۲۵ فوریه

شعبات = شورای وزیران

رئیس دولت = امیر جابر الاحمد الصباح

شرکت در انتخابات عمومی = برای بومیان، و اشخاص مذکری که تابع دولت کویت شده‌اند و سن ۲۱ سال یا بیشتر است. کسب تابعیت مستلزم ۲۰ سال اقامت در آن کشور پس از احراز آن است.
انتخابات = مجلس ملی در تاریخ اوت ۱۹۷۶ به وسیله حکم امیر کویت منحل اعلام شد.
احزاب و رهبران سیاسی = شرکت در گروه‌های سیاسی ممنوع است ولی چند گروه مخفی کوچک فعالیت دارند.

کمونست‌ها = خیلی کم

گروه‌های سیاسی یا با نفوذ دیگر = وجود ندارد.

اقتصاد:

تولید خالص داخلی = $12/8$ میلیارد دلار (۱۹۷۷)، درآمد سرانه 10666 دلار برآورده شده است.
کشاورزی = تقریباً چیزی ندارد، وابسته به محصولات غذایی وارداتی است.
تقریباً ۷۵٪ از آب آشامیدنی باید تقطیر بشود یا از خارج وارد گردد.
صنایع مهم = تولید نفت خام در سال ۱۹۷۷ بالغ بر $1/92$ میلیون بشکه در روز.
درآمد دولت از منابع مالیاتی و حق‌الامتیازات در تولید، تصفیه و مصرف ۹ میلیارد دلار، تخمین ابتدایی برای سال ۱۹۷۶ تولید پالایشگاه ۱۳۲ میلیون بشکه (۱۹۷۷)، ظرفیت میانگین پالایشگاه برابر است با $645/000$ بشکه در روز. در پایان سال ۱۹۷۶، صنایع مهم دیگر شامل تهیه کود، مواد شیمیایی، مصالح ساختمانی، آسیاب گندم می‌شود.
نیروی الکتریسیته = $2/200/000$ کیلو وات ظرفیت در سال (۱۹۷۸)، ۷ میلیارد کیلو وات ساعت در سال (۱۹۷۸) تولید شده، سرانه 5640 کیلو وات ساعت.

صادرات = ۹/۱ میلیارد دلار (۱۹۷۷ قیمت تا لنگرگاه) که از این مقدار در حدود ۹۰٪ از نفت، و صادرات غیر نفتی بیشتر وارداتی هستند که دوباره صادر می‌شوند، ۸۰۰ میلیون دلار (تخمین سال ۱۹۷۷)

واردات = ۴/۸ میلیارد (تخمین ۱۹۷۷ با هزینه و بیمه و باربری)، کشورهای مهم صادرکننده به کویت عبارتند از: آمریکا، ژاپن، انگلستان، آلمان غربی.

کمکها = کویت به عنوان یک کشور کمک‌کننده در بین سالهای ۱۹۷۷ - ۱۹۷۴ قول کمکهای معادل ۴۷۸۵ میلیون دلار را داده است (سری و غیر قابل رأیت برای بیگانگان).

بودجه = (۱۹۷۷) ۷/۹ میلیارد دلار درآمدها، و هزینه‌ها بالغ بر ۵/۳ میلیارد دلار، سرمایه ۱/۲ میلیارد دلار.

نرخ برابری دینار کویت = یک دینار کویت برابر است با ۳/۶۳ دلار آمریکا (در سال ۱۹۷۸) سال مالی = اول ژوئیه تا ۳۰ ژوئن.

ارتباطات:

راه آهن = ندارد.

شاهراه = جمعاً ۲۵۴۵ کیلومتر. ۲۲۵۵ کیلومتر آسفالت، ۲۹۰ کیلومتر خاکی، ماسه‌ایی و سنگریزه. خط لوله = برای نفت خام، ۸۷۷ کیلومتر، برای محصولات پالایش شده ۴۰ کیلومتر، برای گاز طبیعی، ۱۲۱ کیلومتر.

بندرها = ۳ بندر بزرگ (شوخیخ، الشعیبه، مینالاحمدی)، ۴ بندر کوچک.

ناوگان بازرگانی = ۱۰۲ کشتی (هر کدام ۱۰۰۰ تنی یا بیشتر) مجموعاً ۲/۳۷۰/۰۰۰ تن، ۳/۹۴۹/۷۰۰ بار، شامل ۲ کشتی مسافربری، ۷۶ کشتی باربری، ۱۴ نفتکش، ۶ کشتی باربری مخصوص، ۳ کشتی برای حمل و نقل گاز مایع، یک فروشنده کانتینر (خیلی محرمانه)

هواپیمای کشوری = ۱۷ هواپیمای بزرگ باربری که شامل ۴ هواپیمای کرایه شده می‌باشد.

فرودگاه = جمعاً ۱۱ فرودگاه، ۶ فرودگاه قابل استفاده، ۴ فرودگاه با باند دائمی، ۳ فرودگاه با باندهای به طول بین ۳۶۵۹ - ۲۴۴۰ متر، ۲ فرودگاه با باندهای به طول بین ۱۴۳۹ - ۱۲۲۰ متر.

شبکه مخابراتی = تسهیلات عالی تلفن بین‌المللی و داخلی با کیفیت مناسب، ۱۴۰۰۰۰ تلفن (هر ۱۰۰ نفر ۱۳ تلفن)، سه موج آ.ام و یک موج اف.ام و سه ایستگاه تلویزیونی، یک ایستگاه قمر مصنوعی با آنتن با اقیانوس هند و اقیانوس آرام.

نیروهای دفاعی:

نیروی انسانی ارتش = ذکور ۱۵ تا ۴۹ ساله در حدود ۳۱۴/۰۰۰ نفر، در حدود ۱۸۴/۰۰۰ نفر برای خدمت نظام مناسب هستند.

پرسنل = نیروی زمینی ۸۵۱۱، نیروی دریایی ۱۸۰ نفر، نیروی هوایی ۲۰۰۰ (۹۰ خلبان) نیروی پلیس کشور ۱۵/۲۰۰ (سری)

واحدهای زمینی عمده = ۳ تیپ (که ۲ تیپ مخلوطی از پیاده و زرهی و یک تیپ زرهی می‌باشند، هر

کدام از تیبهای مختلط یک گردان زرهی و یک گردان پیاده دارد)

تیپ زرهی تشکیل شده از یک مرکز فرماندهی، سه گردان زرهی، و یک گردان پیاده موتوری، یک گردان

محافظ امیر، و یک گردان دژبانی (سری).

هوایما = ۱۲۲ (۸۳ جت، ۴ هوایمای حمل و نقل، ۳۵ هلیکوپتر) (سری)
 گارد ساحلی = ۲۲ قایق گشتی، ۸ قایق امنیت بندری، ۳ فروند قایق تخلیه به خشکی (سری).
 تدارکات = بیشتر وابسته به انگلستان، ولی به بلژیک، فرانسه و آلمان غربی همچنین به سنگاپور برای قایقهای گشتی وابستگی دارد، توپخانه صحرایی، راکت و سکوی راکتها از شوروی وارد می شود.
 بودجه نظامی = برای سال مالی که در ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ به پایان می رسد مبلغ ۳۳۰ میلیون دلار، که ۴٪ بودجه دولت مرکزی است.

اطلاعات و امنیت:

سرویس امنیت کویت (همچنین به آن «مدیریت امنیت کشوری» نیز گفته می شود) (فعالیت) داخلی و منطقه‌ای، شعبه مخصوص اداره تحقیقات جنایی پلیس کشوری کویت (فعالیت) داخلی، و شعبه مخصوص نیروی زمینی کویت (فعالیت) داخلی. (سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان).

سند شماره (۶۷)

طبقه بندی: گزارش سری

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است.

غیر قابل رؤیت برای بیگانگان، پیمانکاران و مشاورین پیمانکار

پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده

پخش: انحصاراً برای مخاطبین ذکر شده در پاراگراف آخر.

کشور: کویت / هلند

موضوع: نظریات وزیر نفت کویت در مورد قیمت نفت و مذاکرات اروپا و خلیج همان گونه که با سفیر هلند در میان گذاشته شده است. (تاریخ اطلاعات: ۲۸ مهر ماه ۱۳۵۸)
 منبع: یکی از مقامات مهم دولت کویت که به اطلاعات وزارت نفت دسترسی دارد، گزارشهای وی به طور کلی معتبر شناخته شده‌اند.

خلاصه: در طول ملاقات ۲۸ مهر ماه ۱۳۵۸ شیخ علی خلیفه الصباح وزیر نفت کویت نظرات خود را درباره قیمت نفت و مذاکرات جامعه اروپا و خلیج با سفیر هلند در میان گذاشت. علی خلیفه گفت که امکان دارد که کویت بار دیگر قیمت نفت خود را افزایش دهد. وی گفت زمانی که تولیدکنندگان دریای شمال و دیگران قیمت‌های خود را بالا می برند، نمی توان از کویت انتظار داشت که رفتار معقول و منطقی داشته باشد. در رابطه با مذاکرات جامعه اروپا و خلیج علی خلیفه گفت که قیمت نفت موضوع مورد مذاکره نخواهد بود. وی یادآور شد که مسائل سیاسی اجتناب ناپذیر است، لیکن در برنامه کار این مذاکرات قرار ندارد. وی گفت که اگر شرکت کنندگان بتوانند مطالب یکدیگر را درک نمایند اساس مذاکرات وسیعتر درباره روشهای نفتی، کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت پی ریزی خواهد شد. (پایان خلاصه).

۱- در تاریخ ۲۸ مهر ماه ۱۳۵۸، وزیر نفت کویت شیخ علی خلیفه الصباح با سفیر هلند در کویت....
 دبلیو بندلن که قبل از بازگشت از کویت در یک جلسه تودیع با وزیر شرکت کرده بود ملاقات نمود. در

پاسخ به سؤال سفیر، علی خلیفه گفت که افزایش قیمت نفت خام کویت به سطح ۲۱/۴۳ دلار در محدوده قیمت‌گذاری اوپک می‌باشد. لیکن، علی خلیفه گفت، کشورهای دیگر از جمله عراق قیمت خود را به صورت صعودی بالا برده‌اند، بنابراین کویت نیز ممکن است همین عمل را انجام دهد.

۲- سفیر سؤال نمود که آیا عاقلانه نیست که قیمت‌های کنونی مدتی ثابت بماند تا کشورهای واردکننده بتوانند اقتصادهای خود را با این افزایش قیمت‌ها مطابقت دهند. علی خلیفه گفت که کویت میل داشت که قیمت نفت خود را تا مدت ۳ ماه ثابت نگه دارد. لیکن ۳ ماه قبل از افزایش قیمت نفت کویت، حوزه‌های نفتی دریای شمال، لیبی، الجزیره، عراق و ایران قیمت‌های نفتی خود را در مقایسه با قیمت‌های نفتی کویت خیلی افزایش دادند، کویت تا مدتی این روش را پذیرفت، ولی زمانی که تمام دیگر کشورها قیمت خود را افزایش می‌دهند نمی‌توان از کویت خواست که تنها کشور معقول در این زمینه باشد.

۳- سفیر گفت نگرانی کشور متبوع وی در مورد تغییر قیمت‌ها مربوط به مشکلی است که در رابطه با برنامه‌ریزی‌های اقتصادی ایجاد می‌شود. وی سؤال کرد که اگر قیمت‌ها دائماً در حال تغییر باشد چگونه می‌تواند به برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و صرفه‌جویی انرژی دست پیدا کرد؟

علی خلیفه گفت که او با سفیر در این زمینه صد درصد موافق است و گفت که کویت تلاش کرده است که افزایش قیمت طبق برنامه‌ریزی دراز مدت انجام گیرد، در حال حاضر، کشورهای تولیدکننده میل دارند بازار را وادار به راهنمایی خود نمایند، لیکن اگر این کار زمانی انجام شود که قیمت‌ها افزایش می‌یابند درست مانند زمانی که بازار تقاضای کمتری دارد خطرناک خواهد بود. علی خلیفه گفت، سال بعد، بازار دچار نوعی کندی خواهد شد و قیمت‌ها یعنی قیمت‌های بازار کاهش خواهند یافت. و این مسئله سبب خواهد شد که بار دیگر کشورهای مصرف‌کننده مسئله صرفه‌جویی انرژی را از یاد ببرند.

۴- سفیر یادآور شد که کویت همیشه در زمینه قیمت‌گذاری نفتی نقش میانه‌روی داشته و امیدوار است که این مسئله همیشه ادامه داشته باشد. علی خلیفه گفت که کویت سعی دارد باز هم میانه‌رو باشد، لیکن این کشور نمی‌تواند مرتکب حماقت گردد، اگر کشور دیگری قیمت نفت خود را بالا برده باشد، هلند نیز در نتیجه آن متأثر شده است، لذا فرق نمی‌کند که کویت قیمت نفت خود را بالا ببرد یا نبرد، اگر کویت این کار را نکند، کشورهای دیگر منافع حاصله را به جیب خواهند زد. بنابراین کویت نمی‌تواند پولی را که متعلق به مردم خودش است از دست بدهد.

۵- در این رابطه، علی خلیفه گفت که با همکاران خود در کابینه که مایل هستند میانه‌روی بیشتری در پیش گرفته شود، دچار تضاد شده است، لیکن به آنها یادآور شده که آنها نباید از وی انتظار داشته باشند که به مردم کویت هجویات را توضیح دهد. علی خلیفه گفت که ممکن است فرد عامی سواد خواندن و نوشتن نداشته باشد، لیکن بسیار تیزهوش است و مطالب را درک می‌کند. به او نمی‌توان گفت که ایران و الجزیره و دریای شمال این مقدار پول در ازاء نفت خود دریافت می‌کنند، ولی کویت نباید همان مقدار را دریافت دارد سفیر گفت که تمام بیانات علی خلیفه صحیح و بجا هستند لیکن نتیجه این عمل ضعف بیشتر دلار است که کشور متبوع وی را به خود مشغول داشته است.

۶- پس از آن گفتگو درباره مذاکرات کشورهای خلیج و جامعه اقتصادی اروپا گردید، سفیر پرسید که آیا مسئله قیمت نفت نیز در آنجا مطرح خواهد گردید. علی خلیفه گفت که پیرامون قیمت نفت مذاکره انجام نخواهد شد. وی گفت موضوعات قابل بحث می‌تواند در برگیرنده نیاز اروپا به انرژی و تجارت بین دو

منطقه، سرمایه‌گذاری و مسائل امنیتی باشد.

سفیر گفت که شنیده است که کشورهای خلیج مایلند نظریات سیاسی نیز مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد. علی خلیفه گفت از این مسئله اجتناب نمی‌توان کرد، لیکن در برنامه کار مذاکرات قرار ندارد.

۷- علی خلیفه گفت که کشورهای خلیج مذاکرات خلیج و جامعه اروپایی را با اهمیت تلقی کرده و امیدوارند که جو موجود در آن شرکت‌کنندگان را به تفاهم برساند. اگر آنها بتوانند درباره گروهی از مسائل به این نتیجه برسند، پایه مذاکرات وسیعتری که در برگیرنده کشورهای بیشتری... از قبیل کشورهای تولیدکننده نفت کشورهای رو به رشد و کشورهای پیشرفته باشد، پی‌ریزی شده است. این مذاکرات باید سبب شود که هر طرف مسائل طرف دیگر را درک نماید، مسائل را به مرحله آزمایش و بررسی گذاشته و نحوه برخورد با آنها و با یکدیگر را انتخاب نماید.

۸- بالاخره، سفیر گفت که هلند اصولاً معتقد است که بر خلاف گزارشات مطبوعاتی نمی‌توان کمپانیهای نفتی بین‌المللی را مسئول همه چیز دانست. علی خلیفه نیز با این گفته سفیر موافقت کرد. وی گفت که او معتقد است که شرکتهای بین‌المللی نفت پول زیادی به جیب می‌زنند. لیکن این کار ناشی از اعمال خودشان نیست. آنها این مشکل را به وجود نیاورده‌اند. لیکن فرصتی به آنها دست داد و آنها نیز تلاش می‌کنند که حداکثر منافع را نصیب خود سازند.

۹- این ملاقات با تبادل هدایایی پایان یافت و در طول آن علی خلیفه یادآور شد که وی ممکن است در ماه شهریور به آفریقای شمالی و اروپا سفر کند. سفیر گفت که اگر علی خلیفه از هلند بازدید نماید، دولت متبوع وی مایل به گفتگو با وزیر خواهد بود.

سفیر در پایان گفت که امیدوار است روابط بین علی خلیفه، هلند و کمپانی بین‌المللی نفتی اش با موفقیت بیشتر همراه باشد.

۱۰- محل کسب اطلاعات: کویت، کویت (۱۰ آبان ۱۳۵۸) شماره از حوزه فعالیت.

۱۱- پخش از حوزه فعالیت: سفارت در کویت (فقط به مقامات ارشد) به ابوظبی، الجزیره، کاراکاس، ژنو، لاهه، جاکارتا، جدّه، لاگوس، اویتا، تهران، تریپولی، وین (فقط مقامات ارشد) فرستاده شده است.

۱۲- حوزه پخش از واشنگتن

وزارت خارجه: منحصراً ریاست دفتر اطلاعات و پژوهشها

وزارت خزانه‌داری: منحصراً برای دستیار ویژه دبیر خزانه داری (امنیت ملی)

به: منحصراً برای معاونت ارشد دبیر روابط بین‌الملل

وزارت بازرگانی: منحصراً برای ریاست دفتر رابط اطلاعاتی طبقه‌بندی گزارش سری - هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای پیمان‌کاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه‌کننده تا تاریخ ۱۲ آبان ۷۸ در بایگانی ضبط شود. طبقه‌بندی توسط مأمور گزارشگر ثبت شده - تمام اجزاء حاوی طبقه‌بندی و قیود کل سند است.

سند شماره (۶۸)

۷۹ - ۳۱۵/۱۹۰۹ - توزیع ۸ آبان ۵۸

این یک گزارش خبری است که به سنجش اطلاعاتی نهائی نرسیده است. طبقه‌بندی گزارش: سری، هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - پیمانکاران یا مشاوران پیمان‌کار - پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه‌کننده. موضوع: امکان کاهش تولید نفت کویت و لیبی در آذر ماه ۱۳۵۸ - (شهریور - آبان ۱۳۵۸) منبع: یکی از تجار عرب که دارای دوستان، آشنایان و وابستگان تجاری متعدد در دولتهای عربی است. وی اطلاعات ذیل را از طریق یکی از مشاورین فنی شرکت ملی نفت کویت به دست آورده است. هنوز میزان صحت گزارشگری این تاجر مشخص نشده است، و مخبرین مشاورین فنی و رابط‌هایش را نیز تنها از طریق مشخصات ارائه شده توسط این بازرگان می‌شناسیم.

خلاصه: حاکم کویت، امیر جابر احمد الصباح از پیشنهاد دولت کویت مبنی بر کاهش تولید نفت خام این کشور به مقدار یک میلیون بشکه در روز از تاریخ ۲۴ آبان ۱۳۵۸ حمایت کرده است. مقامات عالی‌رتبه دولت و شرکت نفت کویت هنوز هم در حال بررسی جنبه‌های فنی پیشنهاد و به خصوص تأثیر فنی این کاهش بر انگلستان، یعنی مهمترین تدارک‌کننده تسلیحات کویت، می‌باشند. کویت تولید نفت خام خود را کاهش خواهد داد. لیبی نیز در نظر دارد که با تولید نفت خام خود را کاهش داده و یا صدور نفت خود به آمریکا را متوقف سازد. دو کشور دارای انگیزه‌های متفاوت هستند، یعنی کویت می‌خواهد با کاهش تولید منابع اقتصادی خود را حفظ کند و حال آنکه لیبی می‌خواهد مانند گذشته به آمریکا فشار وارد آورد. ولی هدف آنها تصادفاً همسانی یافته است. (پایان خلاصه).

۱ - (توضیح ستاد: گر چه قابل اعتماد بودن منبع گزارش حاضر مشخص نشده و از نظر تأیید نیز مورد جزئیات ارائه شده اقدامی صورت نگرفته است، معذالک آن را به صورت سابقه یا اطلاعاتی کلی ارسال می‌داریم، چون دیگر گزارشات جداگانه با روندهای موجود در این گزارش منافاتی ندارند، یعنی کاهش تولید نفت در کویت تحت بررسی است و لیبی نیز می‌خواهد با استفاده از نفت بر سیاست آمریکا اعمال نفوذ نماید.)

۲ - حاکم کویت، امیر جابر الاحمد الصباح از پیشنهاد مربوط به کاهش تولید نفت خام کویت به مقدار یک میلیون بشکه در روز از تاریخ ۲۴ آبان ۱۳۵۸ حمایت کرده است. این کاهش پیشنهادی که تولید نفت خام کویت به سطح ۱/۲ میلیون بشکه در روز خواهد رساند به منظور حراست از اوضاع مالی دولت کویت صورت می‌پذیرد. این پیشنهاد به دنبال یکی از مطالعات دولت در اواسط سال ۱۳۵۸ مطرح شد که طی آن نتیجه گرفته شد که به خاطر سقوط ارزش دلار، دولت کویت در بازارهای جهان مقادیر بسیاری ضرر مالی را متحمل شده است و دیگر اینکه اگر نفت کویت در زمین باقی بماند ارزش آن بالا خواهد رفت، طبق توصیه این مطالعه، دولت کویت باید تولید نفت را کاهش و قیمت آن را افزایش دهد تا بتواند منافع مالی خود را حفظ کند. طبق نتیجه‌گیری این بررسی، قیمت‌های نفتی باید آنقدر افزایش یابند تا هزینه اهداف عمرانی تأمین گردد. (توضیح ستاد: در تلگرام سفارت آمریکا در کویت به شماره ۴۸۵۶ مورخ ۳۰ مهر ماه ۱۳۵۸ مطالبی که شیخ علی خلیفه الصباح وزیر نفت کویت به سفیر گفته بود گزارش می‌شود که چنین است «آمریکا نباید متعجب شود، اگر دولت کویت قیمت نفت خود را به ۲۲/۹۰ دلار در هر بشکه افزایش دهد.»)

سفیر نیز گفته است که به احتمال زیاد و به زودی کویت قیمت نفت خود را افزایش خواهد داد. وی معتقد است که افزایش قیمت نفت کویت معتدل خواهد بود و این کشور از اعضای دیگر اوپک چون لیبی در زمینه افزایش قیمت پیروی نخواهد کرد.

۳- گر چه امیر الصباح از حمایت وزیر دفاع السالم الصباح در زمینه کاهش تولید برخوردار است ولی دیگر مقامات کویتی از قبیل وزیر نفت، مدیر فروش بین المللی شرکت نفت کویت و شیخ جابر علی با وی موافق نیستند. مقامات کویت از آن می ترسند که مبادا اجرای پیشنهاد کاهش تولید سبب بروز عکس العمل خصمانه آمریکا از قبیل مداخلات نظامی گردد. علاوه بر این مقامات مذکور از تأثیر این کاهش تولید بر روابط بین کویت و انگلستان نگران شده اند، چون انگلستان تجهیزات و مصالح نظامی مورد نیاز کویت کویت را تأمین می نماید. کویتها معتقدند که این امر بر مصرف داخلی انگلستان تأثیر منفی نخواهد بخشید، ولی توانایی بریتیش پترولیوم در فروش نفت به دیگر عرضه کنندگان، کاهش خواهد یافت.

تصمیم نهائی کویت در مورد کاهش تولید در اولین هفته آبان ۱۳۵۸ اتخاذ می گردد، چون تا آن زمان مطالعات مربوط به بررسی تأثیر این امر بر انگلستان نیز به پایان رسیده است. (توضیح ستاد: تلگرام سفارت آمریکا در کویت به شماره ۴۷۷۴ مورخ ۲۴ مهر ماه گزارش داد که طی مصاحبه ای در ۲۴ مهر ماه علی خلیفه گفته است که تولید نفت خام کویت از دی ماه ۱۳۵۹ کاهش خواهد یافت. تلگرام سفارت آمریکا در کویت به شماره ۴۷۹۵ مورخ ۲۸ مهر ماه اطلاعاتی را در مورد کاهش تولید نفت خام کویت در ماههای تیر، مرداد و شهریور ارائه می دهد.)

۴- در صورتی که کویت کاهش تولید نفت پیشنهادی خود را عملی سازد، لیبی نیز همان کار را خواهد کرد یعنی یا تولید خود را پایین خواهد آورد و یا صدور نفت خود را به آمریکا متوقف خواهد ساخت تا توانسته باشد علاوه بر اعمال فشار بر آمریکا حمایت خود را از آرمان فلسطین نیز نشان داده باشد. (موضوع حمایت لیبی از کاربرد نفت عربی جهت اعمال نفوذ بر سیاست خارجی آمریکا در گزارشات دیگر نیز منعکس شده است (توضیح ستاد. به طور مثال به «گزارش و یادداشت النهار» مورخ ۱۶ مهر ماه ۱۳۵۸ رجوع کنید)

۵- گر چه پیشنهاد لیبی مبنی بر اعمال فشار بر آمریکا با اهداف کویت یکسان نیست، ولی برنامه اساسی لیبی جهت کاهش تولید و بالا بردن قیمتها با هدف کویت مبنی بر حراست از منافع مالی اش به طور تصادفی مطابقت یافته است.

۶- به دست آمده در: (۲۲، ۲۴ مهر ۱۳۵۸)

۷- پخش از حوزه فعالیت: به جده، ریاض، طرابلس، تهران، لندن، قاهره، رباط، الجزیره، تونس، ابوظبی، امان، بیروت و دمشق فرستاده شد.

طبقه بندی گزارش سری - هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران، یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده است. تا تاریخ... مهر ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. طبقه بندی توسط مأمور گزارشگر ثبت شده. تمام اجزاء حاوی طبقه بندی و قیود کل سند می باشند.

کتاب چهل و یکم

ترکیه

مقدمه

از آنجا که استفاده بهتر از اسناد نیاز به داشتن اطلاعاتی هر چند اندک راجع به کشور مربوطه دارد، ذیلاً اطلاعاتی هر چند خلاصه را دربارهٔ اوضاع سیاسی اجتماعی، اقتصادی کشور ترکیه می‌آوریم تا خوانندگان محترم با داشتن این اطلاعات بتوانند استفاده بهتر از اسناد این مجموعه به عمل آورند.

نام قانونی: جمهوری ترکیه

نوع: جمهوری

پایتخت: آنکارا

تقسیمات فرعی سیاسی: ۶۷ استان سیستم حقوقی: سیستم حقوقی ترکیه از سیستمهای حقوقی اروپا استخراج شده و قانون اساسی در سال ۱۹۶۱ به اجرا درآمد. رئیس جمهور در مجلس انتخاب می‌شود. نخست وزیر توسط رئیس جمهور از میان نمایندگان مجلس انتخاب می‌گردد. کابینه به وسیلهٔ نخست وزیر و تایید رئیس جمهور تعیین و باید از حمایت اکثریت نمایندگان مجلس برخوردار باشد. مساحت خشکی: ۷۶۶۶۴۰ کیلومتر مربع - ۳۵٪ زمین کشاورزی ۲۵٪ علفزار و مرتع - ۲۳٪ جنگل - ۱۷٪ انواع دیگر.

مرزهای خشکی: ۲۵۷۴ کیلومتر

آبها: محدودهٔ قلمرو آبی (طبق ادعا) ۶ میل دریایی به جز دریای سیاه که محدودهٔ آن ۱۲ میل دریایی می‌باشد.

نوار ساحلی: ۷۲۸۰ کیلومتر

مردم: جمعیت ۴۴/۲۳۶/۰۰۰ نفر (ژوئیه ۱۹۷۶)، میزان میانگین رشد سالانه ۲/۵٪ (جاری)

تقسیمات نژادی: ۸۵٪ ترک - ۱۲٪ کرد - ۳٪ بقیه متفرقه

مذهب: ۹۹٪ مسلمان (اکثراً سنی) ۱٪ سایر مذاهب (اکثراً مسیحی و یهودی)

زبان: ترکی - کردی - عربی سطح سواد: ۵۵٪

نیروی کار: ۱۷/۲ میلیون. ۵۷٪ کشاورزی، ۱۸٪ کارخانجات، ۲۵٪ خدمات کمبود قابل توجه کارگر

ماهر - کارگر عادی به مقدار زیاد، نیروی کارگر سازمان یافته ۲۵٪ نیروی کار.

احزاب و رهبران سیاسی:

حزب عدالت - سلیمان دمیرل، حزب جمهوریخواه خلق - بولنت اجویت، حزب رستگاری ملی -

نجم‌الدین اربکان، حزب دمکرات - فاروق ساخان. حزب اعتماد جمهوریخواه - ترهان فیض اوغلو،

حزب حرکت ملی - آلپ ارسلان ترکش.

حزب کمونیست - غیر قانونی کمونیستها: قدرت و طرفدار ناچیز
تاریخچه سیاسی معاصر:

رهبرانی که تاکنون بر ترکیه حکومت کرده‌اند:

- ۱- مصطفی کمال (آتاترک) از ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۸
- ۲- عصمت اینونو از ۱۹۳۸ تا ۱۹۵۰
- ۳- جلال بایار از ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰
- ۴- جمال گورسل (توسط کودتا) از ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۵
- ۵- سلیمان دمیرل از ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۱
- ۶- فخری کورترک (توسط کودتای نامرئی) از ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۳
- ۷- بولنت اجویت از ۷۴/۱/۷ تا ۷۴/۹/۱۸
سقوط در اثر وقایع قبرس
- ۸- سلیمان دمیرل از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۷
- ۹- بولنت اجویت از ۱۹۷۸ تا ۱۹۷۹
- ۱۰- سلیمان دمیرل از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۰
- ۱۱- کنان اورن (توسط کودتا) از ۱۹۸۰ تا کنون

کشاورزی: محصولات عمده: پنبه - تنباکو - غله - چغندر قند - میوه‌جات - محصولات دامی. از نظر مواد غذایی به طور متوسط خودکفا.

صنایع مهم: نساجی - کنسرو مواد غذایی - معدن (زغال سنگ اسید کرومیک - مس - معادن بر) فولاد - نفت

فولاد خام: ۱/۹ میلیون تن در سال ۱۹۷۶ تولید شده است. تولید سرانه - ۴۵ کیلو صادرات: ۲۲۸۸ میلیون دلار (تا بندرگاه سال ۱۹۷۸) پنبه - تنباکو - میوه‌جات - خشکبار - آهن آلات - محصولات گوشتی - منسوجات پارچه واردات: ۴۵۹۹ میلیون دلار (سال ۱۹۷۸ هزینه خود کالا، بیمه و باربری) نفت خام - ماشین آلات - وسایط نقلیه - آهن آلات سوخت معادن - کود شیمیایی و مواد شیمیایی طرفهای مهم تجاری: ۲۲/۱٪ آلمان غربی - ۹/۳٪ ایتالیا ۶/۹٪ آمریکا - ۶/۲٪ سوئیس - ۵/۴٪ فرانسه (سال ۱۹۷۷)

کمکها: در زمینه اقتصادی آمریکا ۵۳۵ میلیون دلار (سال مالی ۱۹۷۷ - ۱۹۷۰) بقیه کشورهای غربی ODA, OOF ۱۱۳۰ میلیون دلار (سال ۱۹۷۷ - ۱۹۷۰) کشورهای کمونیستی ۱۰۹۴ میلیون دلار (۱۹۷۷-۱۹۷۰)، اوپک و ODA ۳۶۲ میلیون دلار (۱۹۷۷ - ۱۹۷۴)

کمکهای نظامی، آمریکا ۱۴۱۴ میلیون دلار بودجه: (سال مالی ۱۹۷۸) عواید حاصله ۱۳/۱ میلیارد دلار مخارج: ۱۴/۷ میلیارد دلار - کسری بودجه: ۱/۶ میلیارد دلار نرخ تبدیل ارز: یک دلار آمریکا = ۲۵/۲۵

لیره ترک (ژوئیه ۱۹۷۸)

ارتباطات:

راه آهن: ۸۲۵۳ کیلومتر ۱۴۳ کیلومتر ریل دو طرفه ۷۲ کیلومتر برقی شده است.
شاهراهها: جمعاً ۶۰/۰۰۰ کیلومتر ۲۱۰۰۰ آسفالت سرد، ۲۸۰۰۰ کیلومتر شوسه درجه ۱ و ۲ - ۲۵۰۰
کیلومتر خاکی هموار، ۸۵۰۰ کیلومتر خاکی ناهموار
راههای آبی داخل خشکی: تقریباً ۱۶۸۹ کیلومتر
خط لوله: ۱۲۸۸ کیلومتر لوله نفت خام - ۲۰۵۵ کیلومتر محصولات پالایش یافته.
بنادر: ۱۰ بندر بزرگ و ۳۵ بندر کوچک.

ترکیه در پیچه‌ای دیگر بر روی جنایتهای آمریکا

مجموعه اسنادی که در پیش روی دارید، اسناد موجود در رابطه با کشور ترکیه است که در لانه جاسوسی باقیمانده است. این اسناد نظیر آنچه که تاکنون افشا و در دسترس شما مردم شهیدپرور قرار گرفته است، هر کدام ورقی است که بر غارتگری، چپاول، جنایت، وحشیگری و ددمنشی استکبار جهانی به سرکردگی شیطان بزرگ گواهی می‌دهد. اسناد بیان تازه‌ای است از آنچه که ما بر آن روشها و منشهای استکباری آمریکای جهانخوار نام می‌نهمیم و عمدتاً شواهد ارزنده‌ای هستند بر: استفاده از آمریکا از سران ارتشهای وابسته جهت تثبیت منافع خویش. به کار گرفتن ثروتها و منابع مردمان محروم کشورهای جهان سوم جهت تحقق اهداف جاه طلبانه آمریکایی.

- وابستگی و دلدادگی دولتمردان و رجال سیاسی غربزده در کشورهای جهان سوم به آمریکا.

- رواج فرهنگ بی‌بند و باری غرب و استعمار فرهنگی توسط اردوگاه استکباری غرب.

- وابستگی اقتصادی و صنعتی و تکنیکی ملل محروم و مستضعف.

بی‌گمان مردم مستضعف کشورهای جهان سوم و به خصوص ملت مسلمان و شهید داده ما موضوعات بالا را با گوشت و پوست خود لمس و احساس کرده‌اند و در طول ۵۰ سال ستمشاهی رضاخان و پسرش و علی‌الخصوص در طول ربع قرن اخیر از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ ما شاهد ترکتازیها و قلدریهای مزدوران آمریکایی در سرزمین وسیع ایران بودیم و به یمن انقلاب مقدسمان بود که توانستیم دست آمریکا را از این مرز و بوم کوتاه کنیم.

با نگاه مختصری به تاریخ معاصر کشور ترکیه و حتی به نحوه روی کار آمدن رهبرانی که بر آن حکومت کرده‌اند، می‌توانیم دریابیم که در ترکیه تاکنون قدرت اصلی که بوده است و چه کسانی همواره سر رشته امور را به دست داشتند؟ ۳ کودتایی که تاکنون در این سرزمین انجام گرفته است، نشان می‌دهد که هرگاه آمریکا کوچکترین احساس خطری در رابطه با تضعیف موقعیتش در منطقه می‌کرده است، از چماق همیشگی خویش - ارتشهای وابسته - استفاده و مسیر را به نفع خود عوض کرده است.

در اخبار روزانه‌ای که درباره کودتاها می‌شویم، همواره کودتاچیان ادعا می‌کرده‌اند که برای حفظ ثبات و امنیت و استقلال کشور و بیرون راندن اجنبی‌ها و متجاسرین دست به اقدام زده‌اند و کمتر صحبتی از دخالت بیگانه و یا قدرت خارجی به میان آمده است. اما در اسناد پیش رویتان می‌بینید که ارتش ترکیه،

که از نیروی زمینی آن به عنوان قویترین نیرو پس از آمریکا در ناتو نام برده می‌شود، چگونه بارگ و پی به آمریکا وابسته است و ژنرالهای آن از پشت صحنه به وسیله کارگردانان آمریکایی هدایت می‌شوند. در اسناد می‌خوانیم:

«با اظهار نگرانی از اینکه ممکن است یک اقدام نظامی در افق سیاسی ترکیه صورت گیرد وی (نماینده حزب جمهوریخواه خلق - م) سؤال کرد که آیا حقوق بشر آمریکا برای چنین دولتی که سابقه خوبی در رعایت حقوق بشر ندارد مشکلاتی فراهم خواهد کرد یا خیر هنگامی که مقام سفارت پاسخ داد که اقدام نظامی خالی از دردسر نیست و آمریکا نیز از چنین حرکتی حمایت نخواهد کرد، اریلدیز گفت که لازم است دولت آمریکا این مسئله را مستقیماً با رهبریت ارتش ترکیه در میان بگذارد.»

با عنایت به اینکه زمان گفتار مربوط به ۲۱ سپتامبر ۱۹۷۹ (۵۸/۶/۳۰) و کمی از قبل کودتای ۱۹۸۰ ترکیه بوده است و در آن زمان حزب حاکم، حزب جمهوریخواه خلق بوده است و شخصی که درخواست می‌کند تا آمریکا مسئله کودتای نظامی را مستقیماً با رهبریت ارتش ترکیه در میان بگذارد نماینده این حزب می‌باشد، عمق وابستگی ارتش ترکیه به آمریکا مشخص می‌شود. مسئله آنجا دردناکتر می‌نماید که در بایم که نخست‌وزیر وقت ترکیه هیچ اقتدار و سلطه‌ای بر ارتش نداشته و با ضعف تمام که وسیله نماینده حزب از سفارت آمریکا در آنکارا درخواست می‌کند که جلو ارتش را بگیرد. از سوی دیگر نیرنگ بازی و حيله‌گری شیطان بزرگ نیز اینجا آشکار می‌شود که نماینده سفارت اظهار می‌دارد که دولت آمریکا از چنین حرکتی حمایت نخواهد کرد. ولی پس از وقوع کودتای ۱۹۸۰ ترکیه و وزارت امور خارجه آمریکا اعلام می‌دارد که از وقوع چنین جریانی قبلاً اطلاع داشته است.

در جای دیگر می‌خوانیم:

«یک افسر دستگاه امنیت ملی ترکیه در اکتبر سال ۱۹۷۳ اظهار نظر کرد که... هر چند اجویت ممکن است خود را یک آینده ترکیه تصور کند، ولی نظامیان ترکیه مانند نظامیان شیلی نیستند که قبل از اقدام دو سال انتظار بکشند.»

در سند دیگری می‌بینیم:

«معذالک اجویت می‌داند که ارتش قبل از اینکه خود را کنار بکشد باید متقاعد شود که فعالیت حکومت او ثبات و امنیت کشور را به خطر نخواهد انداخت.»

این گفته‌ها و این اسناد به همراه حوامهای خونی که هر روز در جریان کودتاها در گوشه و کنار جهان توسط سلاخان کاخ سفید به راه می‌افتد، همه گواهی است بر آلت دست بودن ژنرالهای ارتشهای وابسته به استکبار جهانی. هر چند که بودجه این ارتشها و سلاحهای آنها از دسترنج مردم محروم و مستضعف فراهم می‌شود، ولی در نهایت فقط و فقط در راه حفظ سلطه آمریکا به کار گرفته می‌شوند. اما از سویی شاید این سؤال پیش آید که چه انگیزه‌هایی باعث سرمایه‌گذاری وسیع آمریکا جهت وابسته نگهداشتن ارتشها می‌شود؟ و این سؤال شاید در مورد ارتشهای منطقه خاورمیانه به نحو بارزتری جلوه کند. عمده‌ترین دلیل همان است که اشاره شد و آن استفاده آمریکا از ارتشهای وابسته به عنوان اهرمهای قدرت است. اما این اهرمهای قدرت در جهات مختلفی به کار گرفته شده و در هر جهت کارآیی جداگانه دارد. یکی از میدانهای عمل در رابطه با مسائل داخلی کشور قربانی شونده است که آمریکا در همه موارد ارتش را همچون شمشیری تیز بر سر مردم و دولت گرفته و از آن برای تثبیت منافع و حفظ سلطه استفاده می‌نماید. اما میدان

عمل دیگر به کارگیری این اهرم در جهت سیاستهای نظامی و تجاوزکارانه آمریکا در مناطق مختلف است. آمریکای جنایتکار بنا به اهداف استراتژیک خویش ارتشها را همچون مهره و ابزاری در جهت سازماندهی و تجهیز ماشین جنگی خویش که آلت قتاله اهداف امپریالیستی اوست به کار می‌گیرد و یکی از این اهداف، مقابله وی با بر قدرت شرق می‌باشد. از دیر باز یکی از آرزوهای بزرگ و شیرین روسها، دسترسی به آبهای گرم جنوب روسیه بوده است که شامل دریای مدیترانه، خلیج فارس، دریای عمان، اقیانوس هند و آبهای جنوب شرقی آسیا می‌باشد. دسترسی داشتن به این آبها به خاطر اهمیت فراوان در رابطه با اهداف نظامی، تجاری و اقتصادی حائز اهمیت فراوانی برای روسها است و آمریکاییها برای دور نگهداشتن روسها از این منبع حیاتی از زمانهای قدیم طرح خاصی را اجرا کرده‌اند و آن دکترین جانسون است.

دکترین جانسون این بود که در جنوب روسیه و کشورهای اروپای شرقی یک کمربند تدافعی کشیده شود، که این کمربند روسیه را محاصره کرده و آبهای گرم را از دسترس این بلوک دور نگهدارد. حلقه‌های این کمربند از غرب به شرق عبارتند از: پیمان ناتو، پیمان سنتو، پیمان سیتو، پیمان ناتو در برگیرنده کشورهای اروپایی و پیمان سنتو شامل کشورهای آسیای میانه (ترکیه، ایران، پاکستان) و پیمان سیتو کشورهای آسیای جنوب شرقی را شامل می‌شود. این پیمانها مانند حلقه‌های یک زنجیر، روسیه و کشورهای اروپای شرقی را در پیمان گرفته و در مقابل آنها یک سد تدافعی و یا به عبارت دیگر خط تهاجمی می‌سازند. اما پیمان سنتو به خاطر حساسیت منطقه که از لحاظ ژئوپلیتیکی حائز اهمیت فراوانی می‌باشد، یکی از مهمترین این حلقه‌ها بود و آمریکا روی کشورهای تشکیل دهنده این پیمان و ارتشهای آنها سرمایه‌گذاری فراوانی کرده است و ارتش ترکیه نیز قربانی همین سیاست امپریالیستی می‌باشد و در ادامه همین سیاست است که دسترنج و حاصل عرق جبین مردم مسلمان ترک صرف مخارج ارتشی می‌شود، که به مانند تیغ دو لبه است. یک لبه تیغ بر گردن مردم محروم نشسته و لبه دیگر نیز در جهت اهداف استراتژیک و استکباری آمریکای جهانخوار عمل می‌کند.

اما این تنها طریقه چپاول و استثمار نیست که کلاشان آمریکایی به کار می‌گیرند. شیوه دیگری که به کار گرفته می‌شود، آن است که مشکلات اقتصادی کشورهای تحت سلطه را که به خاطر وابستگی آنها پیش آمده است و ممکن است به بر هم خوردن نظم و ثبات ساختگی آنها منجر شده و در نهایت به ضرر آمریکا تمام شود، با منابع مالی و پولی کشورهای تحت سلطه دیگر بر طرف نمایند.

در اسناد می‌بینیم که:

«در نظر داریم در موقعیتهای مناسب با کشورهای دوست در منطقه چون ایران نشان دهیم که همدردی با مشکلات ترکیه به نفع خود آنهاست. ولی نمی‌خواهیم... در زمینه صادرات آمریکا امتیازاتی از دست بدهیم».

«دولت آمریکا ممکن است با استفاده از نفوذ خود در ایران بخواهد که این کشور علاوه بر ارسال نفت بیشتر مهلت بازپرداختهای نفتی ترکیه را نیز تمدید نماید. این امر سبب از بین رفتن و یا محدود شدن نفوذ شوروی در ترکیه و تخفیف بحران مالی در ترکیه خواهد شد.»

«با در نظر گرفتن شرایط بالا نیمتس (به اردلان مشاور وزیر خارجه ایران در سال ۵۶-م) پیشنهاد کرد که بهتر است ایران و دیگر کشورهایی که میل دارند گرایش غربی ترکیه حفظ شود با مقامات ترکیه پیرامون

نگرانیهایشان اظهار همدردی نمایند.»

در بررسی این موضوع به نکته ظریف و جالب توجه دیگری برخورد می‌کنیم: کشورهای مرتجع عرب قبل از انقلاب اسلامی به دلایل مختلف از دادن کمکهای مالی به ترکیه طفره رفته و از این کار سرباز می‌زدند. بعضی از این دلایل می‌تواند اختلافات تاریخی و دعاوی ارضی بین طرفین باشد، اما در رأس آنها باید از فشار شدید افکار عمومی مردم منطقه نام برد. زیرا ترکیه به دلیل روابط سیاسی خویش با رژیم اشغالگر قدس که همواره تحت فشار آمریکا مجبور به حفظ آن بوده است به عنوان تنها کشور اسلامی مرتبط با اسرائیل مورد انتقاد قرار می‌گرفته است. در اسناد در این رابطه می‌خوانیم:

«ترکها به شرکت کنندگان (در کنفرانس اسلامی - م) اخطار کرده بودند که آنها نمی‌توانند با اسرائیل قطع رابطه کنند.....»

«ترکها تهدید کرده بودند که اگر قرار باشد ترکیه به عنوان تنها کشور اسلامی مرتبط با اسرائیل مورد انتقاد قرار گیرد، از اجلاس کنفرانس اسلامی بیرون خواهند رفت.»

«وی (وزیر خارجه ترکیه - م) گفت که کشورهای عربی از ترکیه خواسته‌اند که با اسرائیل قطع رابطه نماید، ولی وی اطمینان داد که اجازه نخواهد داد تا چنین واقعه‌ای رخ دهد.»

به هر صورت در همین رابطه‌هاست که در ۳ فروردین ۵۷ سعودیها در پاسخ به توصیه آمریکا بیهوا برای کمک به ترکها این گونه برخورد می‌کنند که:

«با اضافه کردن این عوامل به خونسردی دولت عربستان سعودی نسبت به گرایشات سیاسی اجویت، باید گفت که امکان ارائه کمک از طرف سعودیها بسیار محدود خواهد بود.»

ولی بعد از انقلاب اسلامی ایران به خاطر زمین لرزه‌ای که در منطقه اتفاق افتاده بود و همچنین لوٹ شدن مسئله ارتباط با دشمن صهیونیستی به خاطر پیمان ننگین کمپ دیوید و خیانت سادات معدوم، شیوخ مرتجع عرب به خاطر ترس از رشد انقلاب اسلامی در منطقه و واژگون شدن پایه‌های پوشالین حکومتشان، دایه مهربانتر از مادر شده و کمکهای خود را به سوی ترکیه سرازیر می‌کنند.

«این واقعیت که کویت یعنی کمک دهنده بزرگ عربی قرار است به ترکیه کمک نماید، بسیار بااهمیت تراز میزان کمک آن می‌باشد.»

اما به گمان ما، زمین لرزه سخت تراز آن است که آمریکا و همپالگی‌هایش بتوانند آن را مهار کنند. انقلاب اسلامی ایران در پیشاپیش نهضت جهانی اسلامی، می‌رود تا کاخ شیطان و مزدوران مرتجع شیطان را بر سرشان خراب نموده و تشبثات و دست و پا زندهای هیچ قدرت طاغوتی را یارای آن نخواهد بود که طاغوتیان را از گرداب مرگ برهاند.

امید است که کلیه ملل مسلمان و مستضعف با یگانگی و یکدلی، دست اتحاد به یکدیگر داده و دست و پای شیطان را در مرز و بوم خویش قطع نموده، و زمینه را برای ظهور حضرت بقیةالله‌الاعظم (عج) ارواحنا و ارواح العالمین له الفداء آماده نمایند.

و ما النصر الامن عندا... العزیز الحکیم

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

سند شماره (۱)

زمان و مکان: ۲ مرداد ۱۳۵۱، دفتر سفیر اسیراوغلو در تهران
 یادداشت مکالماتی شرکت کنندگان: وهاب اسیر اوغلو، دبیرکل سازمان همکاری و عمران منطقه‌ای
 آندرو.آی، کیلگور، مشاور سفارت در امور سیاسی

طی ملاقاتی که با سفیر اسیراوغلو داشتیم، وی به من گفت که از چهارده ماه قبل به عنوان دبیر کل سازمان همکاری و عمران منطقه‌ای برگزیده شده است. وی گفت با وجود اینکه به ارزش این سازمان واقف نبوده است ولی واقعیت این است که این سازمان چندان موفق نیز نبوده است. از طرف سه کشور عضو این سازمان به خصوص پاکستان، موفقیتهای این سازمان مورد انتقاد قرار گرفته است. ولی اسیراوغلو یادآور شد که یکی از صادقاته‌ترین ارزیابیها در مورد این سازمان در روزنامه انگلیسی زبان ۲ مرداد ماه کیهان چاپ شده است، که ما نیز آن را در پاراگرافهای زیر به نظر شما می‌رسانیم. سفیر اسیراوغلو گفت وی مطالبی در اختیار کیهان گذاشته بود که مطالب مندرج در آن بر اساس همین موضوعات چاپ شده است. وی این کار را به این دلیل انجام داده بود، چون معتقد بود که نگاهی صادقاته به کوتاهیهای این سازمان می‌تواند راه را برای موفقیتهای آتی آن هموار سازد.

نقل قول: سازمان همکاری و عمران منطقه هشتمین سالگرد خود را جشن می‌گیرد و این فرصتی است که ما باید بتوانیم طی آن به ارزیابی عملکرد و امکانات آن بپردازیم.

با گردهم آوردن ایران، ترکیه و پاکستان، سازمان همکاری و عمران منطقه‌ای تلاش کرده است به یک نظریه اصیل جامعه عمل بیوشاند. اگر موقعیت این سازمان بیشتر شود می‌تواند به عنوان هسته همکاری گروه بزرگتری در منطقه در راه صلح و همکاری درآید. از نظر سیاسی نیز این سازمان می‌تواند به عنوان یک عامل ایجادکننده ثبات در منطقه‌ای که دستخوش رقابت و تلاش برای به دستگیری قدرت درست عمل کند. لیکن قبل از آنکه سازمان بتواند نقشی اینچنین وسیع را عهده‌دار شود، باید موفقیت بیشتری به دست آورد. ولی در حال حاضر قادر نیست این موفقیت را کسب کند و تقصیر نیز متوجه سازمان نیست. یک سازمان بین‌المللی را اعضای آن محتوا می‌بخشند و نمی‌تواند شخصیتی جدای از خود دارا باشد. فقدان موفقیت نسبی سازمان همکاری و عمران منطقه‌ای تنها مربوط است به مشکلاتی که پاکستان با آن دست به گریبان است. اعضا باید طرز برخورد خود را تغییر دهند. در چند ماه گذشته علایمی از این تغییر طرز برخورد خود پیدا شده بود، ولی تا به حال هیچ‌گونه حرکت قاطعی در این جهت صورت نگرفته است. بنابراین بهترین راه برای جشن گرفتن تولد سازمان همکاری و عمران منطقه‌ای تلاشی است در جهت گسترش اختیارات و قدرت آن، چون تنها همین عوامل می‌توانند موجبات موفقیت بیشتر سازمان را فراهم آورند. (پایان نقل قول)

اسیراوغلو گفت هدف سازمان همکاری و عمران منطقه‌ای دستیابی به همکاری اقتصادی، صنعتی و فرهنگی بود، ولی همکاری اقتصادی به هیچ وجه پیشرفتی ننموده است. هدف سازمان در این زمینه کاهش تعرفه وارداتی بین سه کشور عضو بود، ولی در این زمینه نیز موفقیتی به دست نیامده است. یکی از دلایل عمده مانع این موفقیت نیز این است که تجارت بین سه کشور تنها درصد کوچکی از تجارت کل این کشورها را در بر می‌گیرد.

اسیراوغلو در ادامه گفت همکاری صنعتی میان اعضای سازمان نیز شدیداً مأیوس‌کننده بوده است.

کارخانه بلبرینگ‌سازی که توسط ژاپنیها در کراچی ساخته شده نشانگر مشکلات و شکستهای سازمان در بخش صنعتی است. پاکستان بخش اعظم سهام کارخانه را در اختیار داشت و ترکیه و ایران هر کدام ۱۰ درصد سهام کارخانه، را خریداری کرده بودند. در صورت مرغوب بودن کیفیت و قیمت کالاهای تولیدی این کارخانه، ترکیه و ایران نیز مجبور می‌شدند مقداری از آن را خریداری نمایند. ولی بنا به دلایل متعدد بلبرینگهای تولیدی این کارخانه تا به حال وارد بازارهای ایران و ترکیه نشده است.

اسیراوغلو گفت در نتیجه اوضاع پاکستان قدری خوش‌بینی پدید آمده است. حال که بنگلادش استقلال یافته، از نظر سفیر سازمان همکاری و عمران منطقه‌ای، پاکستان با نظری واقع‌گرایانه تر با جهان برخورد خواهد کرد. پاکستان دریافته است که قادر نیست به صورت رقیب هند درآید و به همین دلیل از کشورهای مسلمان ترکیه و ایران خواستار حمایت سیاسی و روانی شده است. اسیراوغلو گفت که قرار است در تاریخ ۳ مرداد ماه برای گفتگو با مقامات پاکستان به اسلام آباد برود. وی خوش‌بین است و معتقد است که آنها این بار در رابطه با اهداف قاطع سازمان همکاری بیشتری ارائه خواهند کرد.

دبیر کل سازمان همکاری و عمران منطقه‌ای گفت که در اظهار خوش‌بینی پیرامون آینده سازمان، میل ندارد چنین برداشت شود که موانع مهمی بر سر راه سازمان وجود ندارد. وی گفت که در ترکیه و ایران، موفقیت سازمان مورد شک و تردید است. در کشور خویش بسیاری از مردم، از جمله مقامات بلند پایه ترکیه به سازمان همکاری و عمران منطقه‌ای اعتقادی ندارند، این مقامات ترکیه را بخشی از اروپا می‌دانند. این مقامات معتقدند که به عنوان یک عضو بی‌چون و چرای جامعه اقتصادی اروپا، آینده اقتصادی ترکیه در اروپای غربی پایه‌گذاری شده و نه در کشورهای رو به رشد شرق.

سفیر اسیراوغلو در ایران چنین برداشت کرده است که ایران به ترکیه و پاکستان نیازی ندارد. علت مطرحه توسط ایرانیها نیز این است که ایران در نتیجه صادرات نفتی خود سرمایه‌هنگفتی را فراهم آورده است. این سرمایه به افزایش خود ادامه خواهد داد و اقتصاد ایران نیز بدون نیاز به کمک سازمان همکاری و عمران منطقه‌ای رونق خواهد یافت. به عبارت دیگر، ایران می‌خواهد تکرور کند. متأسفانه بعضی از ایرانیها این طور فکر می‌کنند. که علت وجودی پاکستان و ترکیه در سازمان همکاری و عمران منطقه استخراج منافع از جیب ایرانیهای ثروتمند است.

اسیراوغلو گفت که وی برای منتقدین ایران و ترکیه یک پاسخ دارد و آن این است که موفقیت سازمان همکاری و عمران منطقه‌ای خواهد توانست موجبات جذب سرمایه‌های خارجی را فراهم آورد. کل جمعیت سه کشور بالغ، بر ۱۲۰ میلیون نفر است، هر قدر که این مردم بتوانند در زمینه اقتصادی و صنعتی بیشتر همکاری نمایند، سرمایه‌گذاران خارجی را به این منطقه بیشتر جذب کرده‌اند. در این رابطه است که دبیر کل سازمان، وی با مشکلات بسیار جدی رو به رو است. ولی، او مشکلات را دوست دارد و مطمئن است که بر خلاف گذشته خواهد توانست موفقیت‌های بیشتری را نصیب این سازمان نماید.

پاورقی

گذشته از نظر ایرانیها در مورد سازمان همکاری و عمران منطقه‌ای، در ضیافت پر جنجال سفیر اسیراوغلو در هتل اینترکننتینانتال در تاریخ ۱ مرداد ماه به مناسبت هشتمین سالگرد سازمان، ما اینچنین برداشتی در مورد نظریات ایرانیها نداشتیم. نخست وزیر هویدا، وزیر خارجه خلعتبری با تعداد زیادی از

مقامات و رهبران بخش خصوصی ایرانی در ضیافت حضور یافتند. ایرانیها خیلی زود از راه رسیدند و تا زمانی که عکاسها مشغول عکسبرداری بودند در آنجا ماندند. بنابراین می توان گفت که از نظر ضیافتی و روانی سازمان همکاری و عمران منطقه‌ای برای دولت ایران حائز اهمیت است.

یادداشت بیوگرافیک در مورد اسیراوغلو

وی فردی است بالای ۵۰ سال و کمی مسن تر. زبان انگلیسی را بسیار خوب می داند و گرایشی دوستانه نسبت به آمریکا و آمریکاییها دارد. بسیار صریح و بی پرده سخن می گوید. صادق، رک گو و خالی از تزویر است.

سند شماره (۲)

سازمان مرکزی اطلاعات (سیا) ژوئن ۷۳ - شهریور ۵۲
گزارش بیوگرافیک: رهبران جدید ترکیه فخری کورترک رئیس جمهوری و نعیم تالو نخست وزیر
اخطار

این سند حاوی اطلاعاتی است که در دفاع ملی ایالات متحده تأثیر دارد و انتقال یا افشای محتویات آن و یا دریافت آن توسط اشخاص غیر مجاز طبق قانون ممنوع است.

مقدمه

این گزارش شامل شرح حال فخری کورترک و نعیم تالو، به ترتیب رئیس جمهوری و نخست وزیر ترکیه است.

زمینه

روز ۱۳ مارس ۱۹۷۳ مجمع بزرگ ملی ترکیه رأی‌گیری جهت رئیس جمهوری جدید را آغاز کرد. سران نیروهای مسلح می‌خواستند ژنرال فاروق گورلر که از سمت رئیس ستاد نیروهای مسلح ترکیه استعفا داده بود کاندیدای ریاست جمهوری شود، ولی ژنرال فاروق گورلر اکثریت آراء را به دست نیاورد. رأی‌گیری چندین بار تکرار شد و برنده‌ای در میان نبود، هنگامی که مدت قانونی جویت سونای به عنوان رئیس جمهوری در تاریخ ۲۸ مارس سپری شد و جانشینی برای او در پیش نبود، تا کین آری برون رئیس مجلس سنا کفالت ریاست جمهوری ترکیه را به عهده داشت. کوششها برای یافتن یک کاندیدای مورد قبول طرفها تا تاریخ ۶ آوریل ادامه داشت. در پانزدهمین رأی‌گیری سه حزب عمده یعنی حزب جمهوریخواه خلق و حزب عدالت و حزب اتکاء جمهوری، درباره سناتور فخری کورترک با یکدیگر توافق کردند. وی ۳۶۵ رأی بدست آورد که ۴۷ رأی بیشتر از ۳۱۸ رأی لازم بود. وی برای مدت ۷ سال رئیس جمهور ترکیه خواهد بود.

روز ۷ آوریل فرید ملن از سمت نخست وزیری استعفا داد و بحث درباره انتخابات نخست وزیر آینده آغاز شد. حزب جمهوریخواه خلق که دومین حزب بزرگ ترکیه است از همگامی با دو حزب دیگر خودداری کرد و این دو حزب نعیم تالو را برای نخست وزیری انتخاب کرده‌اند و در تاریخ ۱۲ آوریل،

کورت ترک از تالو خواست تا حکومت جدیدی تشکیل دهد. تالو تنها تا انتخاب اکتبر ۱۹۷۳ نخست وزیر خواهد بود.

حکومت جدید

روز ۱۴ آوریل تالو و رؤسای دو حزب یک پروتکل ده ماده‌ای را امضاء کردند. در این دو پروتکل از جمله مطالب دیگر پیش‌بینی شده است که حکومت جدید از دو حزب عدالت و اتکاء جمهوری تشکیل خواهد شد و انتخابات به طور قاطع در تاریخ ۱۴ آوریل ۱۹۷۳ انجام خواهد گرفت و قوانین اعلامی پیشنهادی به تصویب خواهد رسید و حکومت علیه قیمت‌های بالا و فقر و بیکاری و کمونیسم مبارزه خواهد کرد.

در روزهای بعد تالو یک کابینه ۲۴ نفری را تشکیل داد که ۱۴ نفر آنها از حزب عدالت و ۵ نفر آنها از حزب اتکاء جمهوری و سه نفر افراد مستقل و ۲ نفر اشخاص غیر سیاسی بودند. (قانون اساسی ترکیه ایجاب می‌کند قبل از انتخاب ملی، وزارخانه‌های کشور و دادگستری و ارتباطات در دست افراد مستقل باشد). دو عضو غیر سیاسی این کابینه یعنی ملوک بایولکن و ایهان از تراک، وزیر مشاور از کابینه سابق به نخست‌زیری فرید ملن، به این کابینه منتقل شده‌اند. ۱۱ تن از این وزیران حقوقدان هستند و ۵ نفر دیگر آنها پزشک و ۴ نفر آنها مدیر و ۲ نفر آنها صاحبان کارخانه می‌باشند. کابینه همچنین شامل یک جنگلدار و یک جغرافیدان و ۲ استاد دانشگاه و یک دیپلمات است. این گروه با تجربه‌ترین کابینه ترکیه را از زمان وادار کردن سلیمان دمیرل به استعفا از نخست‌زیری در مارس ۱۹۷۱ تشکیل می‌دهد. نیمی از اعضای این کابینه در کابینه‌های قبلی دیگر خدمت کرده‌اند. سن متوسط آنها ۵۳ سال است. روز ۲۶ آوریل کابینه تالو به آسانی از مجمع بزرگ ملی با اکثریت ۲۶۱ رأی در مقابل ۹۴ رأی مخالف رأی اعتماد به دست آورد.

فخری کورت ترک رئیس جمهوری ترکیه

روز ۶ آوریل سال ۱۹۷۳ مجمع بزرگ ملی ترکیه سناتور فخری کورت ترک را برای مدت ۷ سال به ریاست جمهوری ترکیه انتخاب کرد. با انتخاب او بن‌بستی که مدت ۲۵ روز در میان سیاستمداران و سران نظامی بر سرگزینش یک رئیس جمهوری جدید به وجود آمده بود، پایان یافت. قانون اساسی ترکیه اختیارات رئیس جمهور را محدود کرده است. ولی دو رئیس جمهور اخیر ترکیه به عنوان عامل حائل بین نظریات مخالف، میان نظامیان و رهبران غیر نظامی کشور نقش مهمی را ایفا کرده‌اند، انتظار می‌رود رئیس جمهور جدید این نقش را همچنان ادامه دهد.

روش نسبت به ایالات متحده

کورت ترک که سابقاً (۱۹۶۰-۱۹۵۷) فرمانده نیروی دریایی ترکیه بود تماس‌های نزدیکی با افراد نیروهای مسلح آمریکا در سالهای بین جنگ جهانی دوم و ۱۹۶۰ داشته است و در سال ۱۹۵۸ به عنوان میهمان رئیس عملیات نیروی دریایی آمریکا در این کشور بود و در حالی که در آمریکا به سر می‌برد، از مدرسه تفنگداران آمریکایی در کوانیکو ایالت ویرجینیا دیدن کرده بود. مناسبات او با مقامات آمریکایی قبل از سال ۱۹۶۰ تا اندازه‌ای تیره بود. معذالک هنگامی که او در سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۴ سفیر ترکیه در

اتحاد جماهیر شوروی بود موضع او نسبت به آمریکا اندکی مساعدتر شد.

اوائل زندگی و حرفه

فخری کورترک در سال ۱۹۰۳ در استامبول در خانواده عثمان ثابت به دنیا آمد (نام کورترک به معنای مدافع ترکها در سال ۱۹۳۵ از سوی کمال آتاترک بنیانگذار ترکیه معاصر به او داده شده بود). کورترک در سال ۱۹۱۶ وارد آکادمی ترکیه شد و در سال ۱۹۲۳ از آن فارغ التحصیل گردید. او آن گاه بر روی عده‌ای از کشتیها و زیردریایی‌ها در مأموریت‌های مختلف از جمله در سمت آموزشی خدمت کرد. قسمتی از آموزش او در این دوره در آلمان صورت گرفت. (او در جریان جنگ جهانی دوم به عنوان هواخواه آلمانی تلقی می‌شد).

کورترک در سال ۱۹۲۴ درجه ستوانی جز و در سال ۱۹۲۷ درجه ستوانی عادی و در سال ۱۹۳۳ درجه ستوانی ارشد را داشت. او در سال ۱۹۳۴ به ستاد نیروهای مسلح منتقل شد و در سال ۱۹۳۵ وابسته دریایی ترکیه در رم بود. او از سال ۱۹۳۷ تا ۱۹۳۸ به عنوان معاون فرمانده در سمت دریایی وابسته در برلین خدمت می‌کرد و حوزه مأموریت او استکهلم (پایتخت سوئد) و اسلو (پایتخت نروژ) را نیز در بر می‌گرفت. در سال ۱۹۳۸ او رئیس ستاد و ناوگان زیر دریایی بود. نخستین سمت فرماندهی پست او در زیردریایی دون لویپتار در سال ۱۹۴۰ بود. در سال ۱۹۴۱ به درجه فرماندهی ارتقاء یافت و کفیل فرماندهی ناوگان یک زیر دریایی شد.

کورترک در سال ۱۹۴۲ با سمت وابسته دریایی به برلین بازگشت در سال ۱۹۴۳ به درجه نائوسروانی ارتقاء یافت و فرماندهی ناوگان ۲ زیر دریایی به او داده است.

در سال ۱۹۴۴ او سمت مربی در آکادمی جنگی دریایی را به عهده داشت. و یک سال بعد ریاست آن را به عهده داشت او در سال ۱۹۴۷ دوباره به ناوگان زیردریایی بازگشت. در سال ۱۹۴۸ او مدیر بخش یک ناوگان ترکیه بود و آنگاه به عنوان رئیس ستاد فرماندهی سپاه آموزش دریایی گردید. او در سال ۱۹۴۹ رئیس ستاد فرمانده ناوگان ترکیه شد.

در سال ۱۹۵۰ به درجه دریابانی (با یک ستاره) ارتقاء یافت و کفیل فرمانده نیروهای دریایی در استانبول شد و سپس به فرماندهی ناوگان زیر دریایی منسوب گردید. سه سال بعد پس از آنکه به درجه دریابانی (دو ستاره) ارتقاء یافت او فرمانده ناوگان جنگی شد. در سال ۱۹۵۴ او در راس فرماندهی آموزش قرار گرفت و در سال ۱۹۵۵ به عنوان رئیس اطلاعات در ستاد منصوب گردید و بعداً در همان سال فرمانده ناوگان شد.

در سال ۱۹۵۶ پس از آنکه فخری کورترک به درجه دریاداری ارتقاء یافت، فرمانده فرماندهی دفاعی تنگه و دریای مرمره شد. در سال ۱۹۵۷ او کفالت فرماندهی نیروی دریایی را به عهده گرفت و در سال ۱۹۵۹ به درجه دریاسالاری ارتقاء یافت و به فرماندهی کل نیروی دریایی ترکیه منصوب شد. او این سمت را تا تاریخ وقوع کودتا در ماه می ۱۹۶۰ همچنان به عهده داشت.

ملوانی که دیپلمات شد

پس از وقوع کودتا کمیته وحدت ملی که کشور را اداره می‌کرد، بلافاصله بسیاری از همکاران

کورت ترک را در ستاد کل به اتهام داشتن ارتباط با رژیم ادنان مندرس تصفیه کرد. کورت ترک از این تصفیه جان سالم به در برد و در کابینه جدید، سمت وزارت امور خارجه را به عهده گرفت. ولی چند ساعت پس از این انتصاب هنگامی که مأموران وزارت امور خارجه اصرار داشتند که یک نفر غیر نظامی باید این سمت را به عهده بگیرد، از سمت خویش استعفاء داد و بعد از آن او به عنوان سفیر ترکیه در اتحاد شوروی به مسکو اعزام شد.

سالهایی که کورت ترک در مسکو بود برای او بسیار دشوار گذشت. مانند بسیاری از افراد نظامی دیگر ترکیه در محیطی به بار آمده بود که شورویها را دشمن خود می دانستند. او همواره نسبت به روسها بدگمان بود و از آنها ترس داشت. ولی می خواست وقار و شخصیت یک دیپلمات ترک را ارائه دهد. (او در میان چند دیپلمات ترکیه بود که در بازار آزاد دلارها را خرید نمی کرد). او به عنوان یک افسر مغرور و یک ضدکمونیست ثابت قدم باقی ماند؛ ولی در عین حال موفقیت‌های جزئی در برقراری مناسبات بهتر با اتحاد شوروی به دست آورد.

معدالک مسئله قبرس، مسئله دشواری بود. کورت ترک موضع‌گیری شوروی را درباره قبرس مورد انتقاد قرار می داد و به ویژه سخن پراکنیهای ضد آمریکایی شوروی را که در رادیو در جهت ترکیه پخش می شد، محکوم می کرد. در ماه اوت سال ۱۹۶۴ او به کشورش احضار شد که قسمتی از علل آن اختلاف نظر بین روسیه و ترکیه بر سر قبرس بود و علل دیگر به خاطر کسالت مزاج وی بود. هنگام بازگشت به ترکیه کورت ترک خواست باز نشسته شود ولی جمال گورسل رئیس جمهوری ترکیه که نسبت به او علاقه خاصی داشت از او تقاضا کرد تا به عنوان سفیر ترکیه به مادرید برود. کورت ترک موافقت کرد، ولی یک اختلال عصبی او را ناگزیر کرد تا بدون تسلیم استوارنامه‌های خود به کشورش بازگردد و در ژوئیه ۱۹۶۵ از خدمات دولتی بازنشسته شد. از آن زمان تا ماه ژوئن ۱۹۶۸ هنگامی که جودت سونای رئیس جمهور ترکیه او را به سناتوری از جانب رئیس جمهور منصوب کرد اطلاعاتی درباره او در دست نیست.

سناتور

در مجلس سنا کورت ترک به عنوان یک شخص میانه‌رو که از هرگونه وابستگی و یا پیوندهای نزدیک و صمیمانه با هر حزبی اجتناب می کرد شناخته شد. هنگامی که او یکی از چند نفر معدود بود که علیه اصطلاح قانون اساسی برای برقراری دادگاههای امنیتی دولتی رأی داد و مورد پسند اندیشمندان چپگرا قرار گرفت از سوی دیگر او طرفدار استفاده از ارتش برای سرکوبی افراطیون چپگرا بود. کورت ترک ابتدا بدون اینکه حادثه‌ای ایجاد کند در مجلس سنا خدمت می کرد و سپس به ریاست هیئت ریاست جمهوری در سال ۱۹۷۲ برگزیده شد. پس از استعفای حکومت نهاداریم در آوریل ۱۹۷۲ بعضی از ناظران معتقد بودند که کورت ترک نامزد نخست وزیری از سوی جودت سونای رئیس جمهوری خواهد بود؛ ولی سمت نخست وزیری نصیب فریدملن شد، زیرا کورت ترک با این استدلال که سمت نخست وزیری انرژی بیشتری از آنچه او بتواند به کار ببرد لازم داشت، سمت نخست وزیری را رد کرد.

اطلاعات شخصی

کورترک که ظاهراً همیشه مرتب است، ۵ فوت و ۵ اینچ قد دارد و سبک رفتار بوده و موی سرش رو به ریزش است. تأثیری که او در اولین ملاقات می‌گذارد بسیار خوب است. روش شق و رفتار نظامی او ظاهراً از زمانی اقتباس شده است که او در آلمان تعلیمات نظامی می‌گرفت. در جریان خدمت او در نیروی دریایی، افسران جوان او را به عنوان یک مرد با شخصیت مورد تحسین قرار می‌دادند و او شهرت یک مرد درست و بی‌عیب و نقص را داشت. کورترک مؤدب و آرام و خویشتن‌دار است و مراودات اجتماعی کمتر دارد. ولی او همچنین می‌تواند در صورت لزوم گفتگوهای مؤدبانه داشته باشد. او زبانی آلمانی را به روانی صحبت می‌کند و معلومات انگلیسی او به اندازه کافی است و اندکی ایتالیایی بلد است. رئیس‌جمهور از موسیقی کلاسیک غربی و موسیقی ترکی خوشش می‌آید و به قرائت بسیار علاقه دارد. او دریا را دوست می‌دارد و از ورزشهای دو و میدانی لذت می‌برد و خود او در جوانی به این ورزش اشتغال داشت. او در نیروی دریایی فوتبال بازی می‌کرد و هنگامی که در مسکو بود به تماشای مسابقات فوتبال می‌رفت.

خانواده

همسر رئیس‌جمهوری، بنام امل ۵۵ ساله به یک خانواده سابق حاکم عثمانی وابسته است. او بسیار باوقار است و نسبت به هر کس لطف و ملاحظت دارد. او دارای چشمان بزرگ خاکستری متمایل به آبی است و پوست صورتش قهوه‌ای رنگ روشن و هیكلش بسیار کوچک و ظریف است. او فارغ‌التحصیل دبیرستان نوتردام دوسیون در استانبول است. او در ژنو به مدرسه هنرهای زیبا و آکادمی هنرهای زیبا رفته است. خانم کورترک هنوز هم به هنر علاقه دارد و نقاشی می‌کند، ولی خود را نقاش نمی‌شمارد و نسبت به بحث درباره آثارش بی‌میل است. او زبان فرانسوی را به روانی صحبت می‌کند ولی انگلیسی بسیار کم می‌داند.

زوج کورترک سه فرزند دارند

زوج کورترک سه فرزند دارند. فرزند ارشد ۲۸ ساله فارغ‌التحصیل مدرسه حقوق است. او اکنون سرگرم انجام خدمت نظامی است و علاقه‌مند به حرفه سیاسی می‌باشد. فرزند دوم به نام صلاح ۲۴ ساله دانشجوی علوم سیاسی دانشگاه آنکارا است. دختر رئیس‌جمهور به نام آیسه ۱۷ ساله بوده و در یک دبیرستان در استانبول سرگرم تحصیل است.

برادر ناتنی کورترک به نام سعدی، کورو، در دانشگاه فلوریدا در گینس ویل معماری تدریس می‌کند. مادر ناتنی او، نوریه ۱۰۰ ساله است. او هنگامی با پدر کورترک ازدواج کرد که کورترک ۵ ساله بود.

نعیم تلو نخست وزیر ترکیه

در روز ۱۲ آوریل ۱۹۷۳ فخری کورترک نخست‌وزیر از سناتور نعیم تلو دعوت کرد تا به اقامتگاه ریاست جمهوری در جانگایا بیاید و از او تقاضا کرد تا یک حکومت جدید تشکیل دهد. دو روز قبل رئیس‌جمهوری استعفاء فریدملن، نخست‌وزیر سابق را که در ۷ آوریل تقدیم داشته بود پذیرفت. در کابینه فریدملن، نعیم تلو سمت وزیر بازرگانی را داشت. مدت مأموریت تلو به عنوان نخست‌وزیر تنها تا تاریخ

انتخابات ترکیه در اکتبر ۱۹۷۳ خواهد بود.

تلو از لحاظ سیاسی میانه‌رو است. او از لحاظ تکنیکی یک فرد مستقل بوده ولی به لحاظ نقطه نظرات سیاسیش روابط نزدیکی با حزب عدالت و سلیمان دمیرل نخست وزیر سابق (۱۹۶۵-۷۱) دارد. (دمیرل در انتخاب کابینه تلو نفوذ قابل ملاحظه داشت و اعضای کابینه نعیم تلو بیشتر از همکاران دمیرل تشکیل شده است). بولنت اجویت، رئیس حزب جمهوریخواه خلق، با تلو مخالف بوده و او را متهم کرده است به اینکه آلتی در دست بازرگانان کلان است.

اوائل زندگی و حرفه

نعیم تلو در سال ۱۹۱۹ در استانبول به دنیا آمده است. او فارغ‌التحصیل دبیرستان کاباتاش و دانشکده اقتصاد دانشگاه استانبول است پس از فراغت از تحصیل او وظایف نظامی خود را انجام داد. او خدمات دولتی خود را در سومر بانک آغاز کرد و در سال ۱۹۴۶ به بانک مرکزی منتقل شد و پس از خدمت در سمتهایی، در سال ۱۹۶۵ معاون مدیر بانک شد، در سال ۱۹۶۶ او کفیل مدیر کل بانک شد و ۱۹۶۷ به مدیر کلی رسید و در سال ۱۹۷۰ رئیس کل بانک گردید.

در اوت ۱۹۷۰ در دوران نخست وزیری سلیمان دمیرل، تلو یکی از طرفداران پایین آمدن نرخ لیره ترک شد. او در کابینه نهاد داریم در دسامبر سال ۱۹۷۱ سمت وزیر بازرگانی را به عهده گرفت و خرید ملن نیز که جانشین نهاد داریم بود در ماه ۱۹۷۲ او را به همین سمت برگزید. در ژوئیه ۱۹۷۲ جودت سونای رئیس جمهوری، او را به عنوان سناتور از جانب ریاست جمهوری برگزید.

مسافرتها

از سال ۱۹۶۵ به بعد تلو در اجتماعات سالیانه صندوق بین‌المللی پول به عنوان نماینده ترکیه شرکت کرده بود؛ بیشتر این اجتماعات در واشنگتن صورت گرفت و یکی از آنها هم در ریودوژانیرو (برزیل). در فوریه سال ۱۹۶۷ تلو برای مذاکرات جهت وامی به ترکیه از موافقتنامه پولی اروپا (IME) به سوئیس مسافرت کرد. او در ژانویه سال ۱۹۷۱ نماینده ترکیه در اجتماع موافقتنامه پولی اروپا (FMI) بود.

اطلاعات شخصی

تلو در رژیم غذایی خود اندکی وسواس دارد، او به روانی انگلیسی صحبت می‌کند. نخست‌وزیر ترکیه متأهل است. همسر او، گوهر، در سال ۱۹۲۰ در استانبول بدنیا آمده است. او فارغ‌التحصیل دانشکده حقوق دانشگاه استانبول بوده و به عنوان وکیل مشاور جهت راه آهن دولتی ترکیه از سال ۱۹۴۴ تا سال ۱۹۷۱ که بازنشسته شد خدمت کرده است. خانم تلو جذاب و صمیمی است و از مرادده با زنان آمریکایی لذت می‌برد. خانواده تلو به سینما و تئاتر و موسیقی و شنا علاقه‌مند هستند. آنها به ویژه از بازی بریج لذت می‌برند. زوج تلو دارای دو دختر می‌باشد. تولین فارغ‌التحصیل در رشته روانشناسی از دانشگاه حاجت‌تپه است و برای تلویزیون آنکارا کار می‌کند. سه روز قبل از اینکه به تلو سمت نخست وزیر پیشنهاد شود او نخستین نوه تلو را به دنیا آورد. دختر دیگر به نام فسون، شاگرد دبیرستان است. ۱۴ ژوئن ۱۹۷۳

سند شماره (۳)

سازمان مرکزی اطلاعات (سیا) سری تاریخ تنظیم: فوریه ۱۹۷۴ - بهمن ۱۳۵۲
گزارش بیوگرافیک در مورد: بولنت اجویت - نخست وزیر جدید ترکیه (افشاء غیر مجاز این سند
مشمول مجازات جنایی خواهد بود).

ترکیه

نخست وزیر

بولنت اجویت در تاریخ ۲۵ ژانویه ۱۹۷۴ به نخست وزیری رسید. او با اعلام تشکیل یک حکومت ائتلافی به رهبری حزب جمهوریخواه خلق که دارای تمایلات چپ میانه‌رو می‌باشد و خود او رئیس آن است، به بحران سه ماهه این کشور خاتمه داد. حزب مردم‌گرای رستگاری ملی با جهت‌گیریهای اسلامی در این ائتلاف شرکت دارد. اجویت که مردی روشنفکر می‌باشد، چه در مسائل داخلی و چه در زمینه امور بین‌المللی اطلاعات کافی دارد. معذالک تجربه عملی او در درجه اول در امور داخلی بوده است هر چند او در جریان مذاکره بین عصمت اینونو، نخست‌وزیر سابق، در اوائل دهه ۱۹۶۰ با ایالات متحده آمریکا سمت مترجمی داشته است.

ائتلاف ناآرام

اجویت که از ماه مه سال ۱۹۷۲ ریاست حزب جمهوریخواه خلق را داشت، در انتخابات پارلمانی ۱۴ اکتبر سال ۱۹۷۳ حق تشکیل یک حکومت را از طریق رهبری حزب به یک تجمع به دست آورد. اندکی بعد از انتخابات او کوشید تا به حزب رستگاری ملی ائتلافی تشکیل دهد، ولی این کوشش به جایی نرسید، زیرا رهبران حزب رستگاری ملی درباره کنترل بعضی از وزارتخانه‌ها با او توافق نداشتند و بعضی از نمایندگان بسیار محافظه کار حزب رستگاری ملی با بعضی از برنامه‌های مترقی حزب جمهوریخواه خلق مخالف بودند.

در جریان ماههای نوامبر و دسامبر، احزاب میانه‌رو متمایل به راست به رهبری حزب عدالت سلیمان دمیرل، کوشیدند تا ائتلافی تشکیل دهند، و در ماههای دسامبر و ژانویه کورترک کوشید تا تشکیل یک کابینه مرکب از احزاب عدالت و جمهوریخواه خلق و یا یک حکومت با شرکت همه احزاب را ایجاد نماید. در تاریخ ۱۵ ژانویه از اجویت خواسته شد تا در راه تشکیل یک حکومت بکوشد. ده روز مذاکره با رهبران حزب رستگاری ملی منجر به تشکیل یک حکومت جدید شد که تنها هشت کرسی را در پارلمان در اختیار خود داشت.

سوسیالیست

اجویت یک سوسیالیست میانه‌رو است که ظاهراً نسبت به اصول دموکراسی و عدالت اجتماعی و تغییر مسالمت‌آمیز به طور قاطع و صمیمانه پایبند است. یک عامل اصلی در وابستگی نیرومند او به سوسیالیسم اعتقاد او به این اندیشه است که پیروی از آن برای حمایت از دموکراسی در ترکیه و عقب راندن کمونیسم ضرورت اساسی دارد. به همین دلیل او از اقدامات رژیمهای دیگر، مانند رژیم نعیم تلو نخست وزیر از (آوریل ۱۹۷۳ تا ژانویه ۱۹۷۴) و عدنان مندرس (از ماه می سال ۱۹۵۰ تا ماه می ۱۹۶۰) به خاطر پیروی

از سیاستهایی که با منافع بازرگانان بزرگ جانبداری می‌کرد و منافع ملت را به طور کلی نادیده می‌گرفت انتقاد می‌کرد.

منتقدین به علت تمایلات چپگرایانه اجویت او را به داشتن گرایشهای مخفی کمونیستی یا بدتر از آن متهم می‌کنند. جستجو در نوامبر ۱۹۷۲ یک منبع نظامی ترکیه به طور محرمانه گفت که مقامات حکومت نظامی شواهدی در دست دارند که نشان می‌دهد اجویت یک کمونیست است. یک افسر دستگاه امنیت ملی ترکیه در اکتبر سال ۱۹۷۳ اظهار نظر کرد که اجویت بیش از آنچه که از نطقهای انتخاباتی اش بر می‌آید یک چپگرای افراطی است. این افسر افزود که هرچند اجویت ممکن است خود را یک «آلنده ترکیه» (مقصود مرحوم سالوادور آلنده رئیس جمهوری شیلی است که در سپتامبر ۱۹۷۳ از صحنه رانده شد) تصور کند، ولی نظامیان ترکیه مانند نظامیان شیلی نیستند که قبل از اقدام دو سال انتظار بکشند. برای تأیید این گفته شواهد عینی در دست نیست.

نقشه‌ها و مواضع داخلی

مأموران سفارت آمریکا معتقدند که اجویت در آغاز حکومت خود به حل مشکلات متعدد داخلی ترکیه و نیرومندتر ساختن پشتیبانی عمومی از خود در پارلمان خواهد پرداخت. معذالک در زمینه داخلی و همچنین در صحنه بین‌المللی اجویت ممکن است در نتیجه پایگاه محدود پشتیبانی سیاسی که حکومت او از آن برخوردار است و اختلافات موجود در بطن حکومت ائتلافی اندکی تحت فشار قرار گیرد.

عفو عمومی

اجویت از زمانی که انتخاب شده است به کرات گفته است که نخستین لایحه قانونی که حکومت او به پارلمان تسلیم خواهد کرد، لایحه‌ای درباره عفو عمومی برای زندانیان سیاسی خواهد بود. این عفو عمومی شامل آنهایی نیز خواهد بود که به «جنايات فکری» جستجو ترجمه و انتشار ادبیات نمونه مارکسیستی که هم اکنون در اغلب کتابخانه‌های غربی موجود است و نیز افرادی که به تخلفات سیاسی متهم شده‌اند، ولی آنهایی را که به جرم فعالیت‌های تروریستی محکوم شده‌اند در بر نخواهد گرفت.

اقتصاد

اجویت از لحاظ اصولی با بخش خصوصی مخالف نیست، ولی تصور می‌شود که او مایل است مقررات شدیدتر دولتی و مداخله قابل ملاحظه دولت در اقتصاد عملی شود. اجویت مانند بسیاری از اندیشمندان متمایل به سوسیالیست، به اصلاحات ارضی از جمله تدابیری برای محدود کردن تملک زمین و توزیع مجدد زمین بین افراد بی‌بضاعت و بی‌زمین معتقد است. اجویت توصیه کرده است که «بازرگانی آزاد و دموکراتیک» در ترکیه برقرار شود، یعنی در عین حال این بازرگانی آزاد تحت تنظیم دولت باشد و با «بازرگانی آزاد انفرادی» تفاوت داشته باشد.

گرایش به سوی سوسیال دموکراسی در سیاست اقتصادی نخست وزیر جدید که هنوز کامل نشده است مشهود است. او گفته است که میل دارد یک نقشه منطقی جهت به کار بردن ذخایر ارزی خارجی که از ناحیه بسیاری از کارگران غیر متخصص ترک در اروپا واریز شده تنظیم کند و راههایی برای مهار کردن تورم و

کاهش واسطه‌ها که به عقیده او تعدادشان به ویژه در کشاورزی بسیار زیاد است. پیدا کند. او اعلام داشته است که حکومتش برای کمک به کشاورزان جهت متشکل کردن خودشان، اعتبارهایی را ارائه خواهد کرد.

چنین تصور می‌شود که اجویت نسبت به بخش خصوصی ظنین است. در مبارزه انتخاباتی پاییز ۱۹۷۳ او همچنان در مخالفت با «سرمایه انحصاری» چه خارجی و چه داخلی سخنرانی می‌کرد و این مسئله‌ای است که او لااقل از سال ۱۹۶۷ به آن پرداخته است. از زمان انتخاب به بعد او نوشته است که نادیده گرفتن سیاستهای استثماری از سوی نهادهای خصوصی به امید رشد سریع ملی بدون شک راه را به سوی استثمار خارجی خواهد گشود؛ زیرا صاحبان مؤسسات خصوصی برای به دست آوردن وزنه‌ای در مقابل حکومت خود از پشتیبانی خارجی استفاده می‌کنند. به عقیده اجویت این امر منجر به ادغام صنایع داخلی در کمپانیهای بیگانه خواهد شد و این ادغام اقتصاد ملل ضعیف را به صورت وابسته‌های اقتصادی کشورهای نیرومند در خواهد آورد.

یک مأمور سفارت آمریکا اظهار نظر کرده است که اجویت ممکن است از کمپانیهای خارجی بخواهد تا ماهیت ترکیه‌ای بیشتری داشته باشند و حتی موانعی در قبال سرمایه‌گذاری خارجی در ترکیه ایجاد خواهد کرد. (برنامه انتخاباتی حزب جمهوریخواه خلق که به طور عمده منعکس کننده نظریات اجویت بود، خواستار ملی کردن منابع نفتی ترکیه بود که بخشی از آنها تا مدتی تحت کنترل کشورهای بیگانه بود پروتکل ائتلافی حزب جمهوریخواه خلق و حزب رستگاری ملی از شدت چندانی برخوردار نیست و تنها خواستار تجدید نظر در قوانین مربوط به نفت و ایجاد تغییرات لازم می‌باشد.) اجویت ممکن است با این گونه مسائل به طور عملی برخورد داشته و در قبال سرمایه‌گذاری خارجی و عملیات کمپانیهای خارجی بر طبق نیازهای کلی سیاست خارجی، موانعی ایجاد کند.

ارتش و سیاست

اجویت از قدرتمند شدن نظامیان است می‌ورزد و بسیار مایل است تا شاهد انصراف از پرداختن به امور سیاسی پس از تقریباً سه سال مداخله غیر مستقیم باشد. معذالک اجویت می‌داند که ارتش قبل از اینکه بخود را کنار بکشد، باید متقاعد شود که فعالیت حکومت او ثبات و امنیت کشور را به خطر نخواهد انداخت.

نقشه‌ها و مواضع بین‌المللی

مأمورین سفارت آمریکا انتظار ندارند که اجویت به این زودبها دست به ابتکارات مهم در سیاست خارجی یا هر گونه تغییر در سیاست خارجی بزند. (در واقع در پروتکل حزب جمهوریخواه خلق و حزب رستگاری ملی اظهار شده است که جهت‌گرایی سیاست خارجی ترکیه همچنان بدون تغییر خواهد ماند. معذالک نخست‌وزیر جدید با دید انتقادی بیشتری به مواضع سیاست خارجی که تاکنون ترکیه داشته است خواهد نگرست.

ایالات متحده

اجویت اصولاً طرفدار غرب است، ولی در عین حال بر طبق دفاعش از ناسیونالیسم (ملیت گرایی) خواستار اتکاء کمتری به ایالات متحده آمریکا شده است. او تماسهای متعددی با ایالات متحده و آمریکاییها داشته است، ولیکن همواره در پی آن بوده است که به منظور حفظ آزادی خود در تهیه فرمول سیاسی و تقویت حزب خود نه به عنوان حامی و نه به عنوان مخالف با این کشور شناخته شود. برنامه سیاسی حزب جمهوریخواه خلق مبنی بر در پیش گرفتن برداشت مستقل تر در دفاع مشترک است. این امر ممکن است به اجویت امکان دهد تا در ترتیبات دفاعی آمریکا و ترکیه تجدید نظر کند، هر چند او همواره مراقب آن بوده است تا نیاز ترکیه را به اتحاد با ایالات متحده مورد تأکید قرار دهد.

اجویت آشکارا متعهد به تجدید نظر در منع تولید خشخاش که آمریکا مشوق آن است می باشد (در عمل این تصمیم از ژوئیه سال ۱۹۷۱ گرفته شده است). او ظاهراً میل ندارد بر خلاف احساسات آمریکاییها و کشورهای اروپایی درباره این مسئله رفتار کند، ولی چنین احساس می کند که ترکیه باید گشت خشخاش را تا اندازه ای قانونی سازد. او از سوی کشاورزان سابق تحت فشار قرار گرفته است زیرا وسائل معیشت این کشاورزان در نتیجه منع کشت شدیداً تحت تأثیر قرار گرفته است و آنها هنوز شغل دیگری که باعث خرسندی آنها شود پیدا نکرده اند.

اجویت پیشنهاد کرده است که تدابیر فنی و دولتی در جریان فصل کشت برای جلوگیری از سوءاستفاده محصول خشخاش به مورد اجرا گذارده شود. او ممکن است همچنین دولت ایالات متحده را برای فراهم آوردن پول بیشتری جهت اجرای برنامه های جایگزین محصول و جبران خسارات وارده کشاورزان تحت فشار قرار دهد.

ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی)

از اواخر دهه ۱۹۶۰ اظهارات اجویت در محافل عمومی و خصوصی نشان داده اند که وی در مورد ارتباط با سازمان ناتو جانب احتیاط را در پیش گرفته است. معذالک وی هنوز راه دیگری را که قابل دوام باشد پیدا نکرده است. در جریان یک مصاحبه مطبوعاتی در اکتبر ۱۹۷۳ او اعلام داشت که در نظر دارد ترکیه را در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی نگه دارد. علاوه بر این به موجب اظهار یک ناظر سیاسی قابل اطمینان او در نظر ندارد هیچ کدام از پایگاههای ناتو را تعطیل کند. چنین گمان می رود که اجویت احساس می کند ترکیه نباید برای دفاع از خود بر ناتو متکی باشد و اینکه ترکیه باید علاقه بیشتری را در حرکت به سوی هماهنگی اقتصادی و سیاسی اروپایی نشان دهد.

جامعه اقتصادی اروپا

اجویت بر ادامه ارتباط ترکیه با جامعه اقتصادی اروپا اهمیت بسیاری قائل است؛ ولی او درباره خط و مشی تحولات آینده جانب احتیاط را رعایت می کند. اجویت اظهار نظر کرده است که اقتصاد ترکیه هنوز کوشش لازم را جهت شرکت کامل در جامعه اقتصادی اروپا به عمل نیاورده، همچنین معتقد است ترکیه تاکنون امتیازات بسیاری به جامعه اقتصادی اروپا داده است (به ویژه در مورد محدود کردن صدور منسوجات و میوه های ترکیه) در حالی که در مقابل امتیازات بسیار ناچیزی به دست آورده است. به نظر

می‌رسد که اجویت خواستار تجدید نظر در پروتکل بین ترکیه و جامعه اقتصادی اروپا به ویژه در ارتباط با آن بخشهایی که با دوران انتقال ترکیه از عضویت وابسته به عضویت کامل و محدود کردن بازرگانی ترکیه با کشورهای غیر جامعه اقتصادی اروپا می‌باشد.

مناسبات با یونان و قبرس

اجویت اعلام داشته که قبرس ریشه اختلاف نظرهای بین ترکیه و یونان است. او ظاهراً معتقد است که این دو کشور علائق متقابلی فراتر از مسئله قبرس با یکدیگر دارند و باید این مسئله را هر چه زودتر حل کند. او ظاهراً از مذاکراتی که میان یونانیها و ترکها و قبرسیهای یونانی و ترک جریان دارد پشتیبانی می‌کند.

دانشجو و روزنامه‌نگار

بولنت اجویت در روز ۲۸ مه سال ۱۹۲۴ در استامبول به دنیا آمده است. خانواده او در سال ۱۹۲۹ به آنکارا منتقل شد، زیرا پدر او به عنوان نماینده از سوی حزب جمهوریخواه در مجمع بزرگ ملی انتخاب شده بود. اجویت به مدرسه ابتدایی معمار کمال (تا سال ۱۹۳۶) و دبیرستان آتاترک آنکارا می‌رفت، تا اینکه وارد کالج رابرت استامبول شد. خانواده او میل داشتند که او معماری یا مهندسی یا حقوق بخواند، ولی اجویت در عوض رشته‌هایی را انتخاب کرد که او را به سوی حرفه روزنامه‌نگاری و نوشتن خلاقانه هدایت می‌کرد.

اجویت پس از دریافت درجه لیسانس در سال ۱۹۴۴ دوباره به آنکارا بازگشت و مدتی به عنوان مترجم شفاهی در وزارت مطبوعات و رادیو و جهانگردی کار کرد. در عین حال او به تحصیل زبان و ادبیات انگلیسی در دانشکده زبان و تاریخ و جغرافیا در دانشگاه آنکارا پرداخت. هنگامی که رئیس او در وزارتخانه در سال ۱۹۴۶ به عنوان دبیر مطبوعاتی به لندن اعزام شد، اجویت نیز به عنوان دبیر این شخص به لندن فرستاده شد. اجویت در اوقات فراغت به تحصیل خود ادامه داد و در دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن به تحصیل زبانهای سانسکریت و بنگالی و تاریخ هنر پرداخت و در عین حال در مؤسسه کوتو به تحصیل مشغول گردید.

در سال ۱۹۴۹ اجویت به درجه وابسته مطبوعاتی ارتقاء یافت و در همین سمت تا سال ۱۹۵۰ در لندن باقی ماند و آن گاه به ترکیه بازگشت. در همان سال او به عضویت حزب جمهوریخواه خلق درآمد و به عنوان سردبیر خارجی وارد هیئت تحریریه به روزنامه اولوس که ارگان تبلیغاتی حزب جمهوریخواه بود شد. اجویت در سال ۱۹۵۱ و ۱۹۵۲ برای انجام خدمت وظیفه به عنوان افسر احتیاط در بخش تشریفات ستاد ارتش ترکیه از این روزنامه مرخصی گرفت.

در سال ۱۹۵۲ اجویت به روزنامه اولوس بازگشت و در جریان نه سال بعد، او مدیر اجرایی و سرانجام مدیر سیاسی آن شد. در همین سمت او روزانه تفسیرهای سیاسی می‌نوشت، که اغلب از رژیم عدنان مندرس که در آن زمان نخست وزیر ترکیه بود، انتقاد می‌کرد. علیرغم اینکه مندرس در سال ۱۹۵۳ روزنامه اولوس را به طور موقت تعطیل کرده بود.

در جریان سالهای ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۷ هنگامی که اجویت ابتدا با بورس تحصیلی وزارت امور خارجه به عنوان نویسنده مهمان روزنامه ژورنال و سنتینل به ایالات کارولینای شمالی سفر کرد و سپس با استفاده از

بورس بنیاد راکفلر در دانشگاه هاروارد برای تحصیل تاریخ عثمانی سفر کرد. افقهای فعالیت روزنامه نگاری اجویت توسعه یافت. بین سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۵۷ اجویت مقدار زیادی از وقت خود را به کارهای ادبی غیر روزنامه نگاری وقف کرد و به عنوان یک مدرس، مترجم، نویسنده و منتقد شهرت قابل ملاحظه‌ای به دست آورد.

حزب جمهوری خواه خلق

در سال ۱۹۵۷ اجویت با موفقیت برای احراز یک کرسی نمایندگی در مجمع بزرگ ملی از شهر آنکارا از سوی حزب جمهوریخواه خلق فعالیت کرد. او به زودی یکی از اعضای جوان این حزب شد و وارد شوراهاى عالی این حزب گردید. چند عامل به ترقی سریع او در حزب کمک کرد که از جمله آنها مناسبات حسنه او با عصمت اینونو رهبر این حزب و استعداد او در سازمان دادن شاخه جوانان حزب و سمت برجسته او به عنوان سخنگوی مطبوعاتی حزب و علاقه فعالانه او در کمیته سیاست خارجی مجمع بزرگ ملی و عضویت او در کابینه «سایه» و کمیته پژوهش بود.

پس از کودتای نظامی در ماه می سال ۱۹۶۰، حزب جمهوریخواه خلق اجویت را به عنوان عضو مجمع مؤسسان انتخاب کرد این مجمع از سوی حکومت نظامی در ژانویه ۱۹۶۱ مأمور تنظیم یک قانون اساسی جدید بوده در اکتبر ۱۹۶۱ اجویت بار دیگر به عنوان نماینده از آنکارا در حزب جمهوریخواه خلق انتخاب شد و در هیئت مرکزی اداری این حزب سمتی به دست آورد.

وزیر کار و مرد دست راست اینونو

در نوامبر سال ۱۹۶۱ اجویت در کابینه ائتلافی تحت ریاست اینونو سمت وزارت کار را به دست آورد. کابینه ائتلافی مرکب از حزب جمهوریخواه خلق و حزب عدالت بود (در این اوضاع احوال او به علت نداشتن وقت از کار خود در روزنامه اولوس کناره گیری کرد). اجویت علیرغم نداشتن تجربه در امور کارگری یک وزیر بسیار قابل از آب درآمد و در جهت پیشبرد حقوق کارگران و پشتیبانی از قوانین ترقی خواهانه کار کرد. در جریان ترمیم کابینه در ماه ژوئن ۱۹۶۲ اینونو از او خواست که در سمت وزیر کار باقی بماند.

اینار اجویت به آرمان کارگران بدون شک صمیمانه بود. معذالک انگیزه اش، میل سیاسی او برای تقلیل نفوذ حزب کارگر ترکیه بود. در پایان دوران وزارت او در فوریه سال ۱۹۶۵، اجویت در میان دانشجویان و کارگران پیروان متعددی را به دست آورد و موقعیت او به عنوان سخنگوی حزب جمهوریخواه خلق به خوبی مستحکم شد. او همچنین از طریق اجتناب از مانورهای زیرکانه و محیلانه و از حملات شخصی علیه سایر اعضای احترام زیادی در حزب به دست آورد و جایگزین تورخان فیض اوغلی به عنوان سخنگوی اندیشمندان جوان حزب جمهوریخواه خلق گردید (فیض اوغلی اکنون رهبر حزب اتکاء جمهوریخواه است).

از سال ۱۹۶۱ عصمت اینونو اعتماد بسزایی نسبت به اجویت داشت. در دوران ۱۹۶۳ تا ۶۷ مناسبات شخصی این دو بقدری نزدیک بود که اظهارات عمومی اینونو به منزله طنین اظهارات اجویت تلقی می شد. در فوریه سال ۱۹۶۶ فتحی چلیکباش رهبر حزب جمهوریخواه خلق اجویت را به عنوان بانفوذترین

مشاور اینونو می‌شناخت.

میان‌ه‌رو چپ‌گرا

سیاست‌های اجویت در جریان مدتی که وی وزیر کار بود گرایش‌های چپی داشت. اجویت از پایگاه جدید سیاسی خود به عنوان حزب جمهوریخواه خلق از زونگولداک (که در پاییز سال ۱۹۶۵ انتخاب شده بود) شروع به دفاع از برنامه‌های سوسیالیستی در برنامه‌های حزبی کرد. در سال ۱۹۶۶ اجویت عصمت اینونو را متقاعد کرد تا از او فرقه چپ‌گرای او به جای فیض اوغلی پشتیبانی کند. فیض اوغلی اصرار داشت که حزب در مرکز طیف سیاسی باقی ماند. اجویت معذالک بسیار مواظب بود که بین سوسیالیزم از نوعی که او طرفداری می‌کرد و سوسیالیزم حزب کارگر ترکیه که دارای تمایلات افراطی چپی بود، تفاوت قائل شود. او تأکید کرد که جنبش چپ میان‌ه‌رو او صرفاً مجری اصول سوسیال دموکراسی بود که توسط انقلاب سال ۱۹۶۰، تبلیغ می‌شد.

در اکتبر ۱۹۶۶ اجویت به دبیر کلی حزب جمهوریخواه خلق انتخاب شد و به اتفاق حامیان خود سیاست حزبی را به سوی چپ میان‌ه‌رو تغییر داد. این حرکت به سوی چپ بدون مبارزه از سوی مخالفان باقی نماند. در ماه می ۱۹۶۷ عده‌ای از انتقاد کنندگان از اجویت، به عنوان اعتراض علیه سیاست حزب کناره‌گیری کردند و حزب اتکا را تشکیل دادند. علیرغم یک چنین اختلافی برنامه اجویت و حیثیت و قدرت او در داخل حزب در کنوانسیون‌های حزبی در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۰ تأیید شود. در اواسط ۱۹۶۸ اجویت به نحو وسیعی به عنوان برجسته‌ترین مدعی ریاست حزب جمهوریخواه خلق در صورت کناره‌گیری یا مرگ اینونو تلقی شد؛ هرچند بعضی از رهبران حزب او را جوانتر و کله‌شق‌تر از آن می‌دانستند که بتواند پشتیبانی عناصر محافظه‌کارتر حزب را جلب کند. اینونو در آن زمان درباره آینده اجویت در حزب شک و تردیدهایی پیدا کرده بود، ولی انتخاب کنندگان اجویت در حوزه انتخاباتی زنگولداک با انتخاب مجدد او به عنوان نماینده در پاییز سال ۱۹۶۹ پشتیبانی خود را از او به اثبات رساندند.

استعفا

هنگامی که اینونو در ماه مارس ۱۹۷۱ تصمیم گرفت به اعضای حزب جمهوریخواه خلق اجازه دهد در کابینه نهاد اریم سمت وزارت کسب کنند. بولنت اجویت علیرغم مناسبات شخصی بسیار نزدیک با اینونو و احترام نسبت به اینونو از سمت خود به عنوان دبیر کل حزب استعفا داد. او استدلال کرد که حکومت اریم که یک حکومت («ما فوق سیاست») طبق تقاضای سران نظامی است، در واقع بدان منظور تشکیل شده است تا «خوشایند سرمایه‌داران بیگانه و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و بازار مشترک اروپا» باشد و بنابراین به نفع دموکراسی ترکیه نیست. اجویت به دنبال استعفای خود کوشید تا از بدتر شدن قطع مناسبات خود با اینونو اجتناب کند و از محیط سیاست آنکارا خارج بوده و در عوض به تحکیم موقعیت برجسته خود در سطوح محلی و ایالتی حزب جمهوریخواه خلق بپردازد. معذالک شکاف بین این دو مرد (مقصود اجویت و اینونو) وسیعتر شد و با خودداری اجویت

رئیس حزب جمهوریخواه خلق

کوششهای اجویت چنان موفقیت آمیز بود که در کنوانسیون این حزب در ماه می ۱۹۷۲ اجویت به ریاست این حزب انتخاب شد. اینونو پس از آنکه در کوششهای خود برای برکنار کردن پشتیبانهای اجویت از مواضع قدرت در حزب شکست خورد، از سمت خود استعفا داد. انتخاب اجویت ضربه جدی به ثبات کوتاه مدت حزبی بود. بسیاری از اعضای پیرتر و محافظه کارتر حزب تهدید به تشکیل یک حزب جدید کردند که به دقت می توان گفت منعکس کننده نظریات سیاسی آنها بود. بسیاری از دیگران معتقد بودند که تغییر در رهبری حزب مشخص کننده پایان حزب جمهوریخواه خلق بر اساس ماهیت اولیه خود می باشد. عده ای از ژنرالهای ارشد ارتش همچنین انتخاب اجویت را آشوب انگیز تشخیص دادند. این ژنرالها که نسبت به اجویت به عنوان یک مرد چپگرا اعتماد نداشتند، به ممدوح تخماق، رئیس ستاد ارتش ترکیه توصیه کردند تا برای جلوگیری از روی کار آمدن در انتخاب عمومی آینده تدابیری اتخاذ کند. در پاسخ به این تحولات اجویت کوشید تا یک چهره دولتمردانه از خود ایجاد کند و نشان بدهد که او یک رادیکال لجام گسیخته نیست و در صدد التیام - زخمهای حزب جمهوریخواه خلق است. او تأکید کرد که حزب جمهوریخواه خلق فقط اندکی به چپ متمایل شده است و خواهد کوشید آنرا در همان جهت پیش ببرد معذالک اجویت که در ماه ژوئیه بار دیگر ریاست حزب انتخاب شده و از این انتخاب تشویق شده بود برای نشان دادن کنترل خود بر روی حزب فرصت را از دست نداد. در نوامبر ۱۹۷۲ او سیاست اینونو را در پشتیبانی حزب جمهوریخواه خلق از ائتلاف مافوق سیاست معکوس کرد و برنامه پنجساله اقتصادی را که اخیراً به تصویب رسیده بود، مورد انتقاد قرار داده و فرید ملن و نخست وزیر وقت را متهم کرد که بیش از اندازه تحت تأثیر احزاب دست راست ائتلافی قرار گرفته است. در پاسخ اینونو ۲۵ نماینده از حزب جمهوریخواه خلق استعفا کردند.

در ماه دسامبر اجویت اعلام داشت که حکومتهای غیر حزبی فاقد کارایی هستند و توصیه کرد که حکومت سیاسی هر چه زودتر باز گردد.

در ماه ژانویه ۱۹۷۳ او مناسبات بین حکومت و مقامات حکومت نظامی را (که در بهار ۱۹۷۱ به دنبال اخراج سلیمان دمیرل نخست وزیر با دادن اتمام حجت از سوی نظامیان برقرار شده بود) مورد انتقاد قرار داد. با چنین کاری او رضایت بدون سرو صدای نظامیان ترکیه را که علیرغم مداخله خود، شکلهای دمکراتیک را در سیاست ترکیه حفظ کرده بودند، به مبارزه برانگیخت. تحت راهنمایی اجویت در انتخاب ریاست جمهوری در مارس ۱۹۷۳ حزب جمهوریخواه خلق به عنوان اعتراض علیه فشار نظامیان جهت انتخاب ژنرال فاروق گورلر از دادن رأی امتناع کرده بود، ولی هنگامی که یک کاندیدای دیگر به نام فخری کورترک که به هیچ کدام از احزاب تعلق نداشت و در نتیجه سازش بین طرفین پیشنهاد شده بود در انتخاب ریاست جمهوری شرکت کرد و نعیم تلو در ماه آوریل حکومتی تشکیل داد. حزب جمهوریخواه خلق تصمیم گرفت تا در صف مخالفین باقی بماند.

در همان دوران ۱۹۷۲ و ۷۳ در حالی که اجویت از حکومت تحت سرپرستی نظامیان انتقاد می کرد، نظامیان بیش از بیس نسبت به اجویت ظنن شدند. یک منبع نظامی موثق گزارش داد که مقامات حکومت نظامی در نوامبر ۱۹۷۲ سرگرم بررسی نطقهای علنی ضبط شده اجویت شدند تا ببینند که آیا او قانونی را نقض کرده است یا خیر. این منبع همچنین گزارش داد که صحبت از برچیدن مصونیت پارلمانی اجویت در

میان بوده تا او را به خاطر انتقاد از حکومت نظامی تحت تعقیب قانونی قرار دهند. یک منبع نظامی دیگر در ماه دسامبر گزارش داده بود که همین مقامات در نظر دارند، اجویت را به اتهام تشویق به مخالفت علیه نظام کنونی تحت تعقیب قانونی قرار دهند؛ ولی ظاهراً این فعالیتهای نتیجه‌ای نداده است.

مسافرت

اجویت در اروپا بسیار سفر کرده است. او در سال ۱۹۵۱ به عنوان عضو هیئت مطبوعاتی به دعوت وزارت امور خارجه به انگلیس از این کشور دیدن کرد و در سال ۱۹۵۳ به عنوان عضو هیئت مطبوعاتی تحت سرپرستی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) از فرانسه، پرتغال و ایتالیا بازدید به عمل آورد. در سال ۱۹۵۸ به عنوان عضو هیئت نمایندگی مجمع بزرگ ملی وابسته به مجمع مشورتی اروپا به شهر استراسبورگ رفت. او همچنین در سال ۱۹۶۴ به عنوان وزیر کار برای تحقیق دربارهٔ اوضاع کارگران ترکیه در خارج در سراسر اروپا سیر و سیاحت کرد. گفته می‌شود که او در کشورهای غربی احساس ترغیب نمی‌کند.

سبک

بعضی از ناظران، اجویت را به عنوان یک مرد خوشایند و خوش رفتار توصیف کرده‌اند. دیگران وضع روحی او را اندکی فاقد خوش‌مشربی تشخیص می‌دهند و شخصیت جذاب ظاهری او را به عنوان یک سادگی و صمیمیت مطالعه و حساب شده تلقی می‌کنند. اجویت به نظر یک مأمور سفارت آمریکا یادآور یک شاگرد مدرسه با استعداد درخشان و خوش رفتاری است که از میان همشاگردیهایش برای نشان دادن به بازدیدکنندگان خارجی انتخاب می‌شود. موضع و ژستهای او گاهی چنین القاء می‌کنند که فاقد آسودگی خاطر بوده و همواره در حال تشنج به سر می‌برد.

در مبارزات سال ۱۹۷۳ حامیان اجویت لقب کارا اوغلان را به او دادند کارا اوغلان یکی از قهرمانهای فولکلور ترکیه است که شبیه رابین هود، عیار و قلدر تاریخ انگلستان است. آنها این لقب را مناسب اجویت می‌دانستند، زیرا قهرمان آنها دارای شهامت و سجایای اخلاقی بوده و رنگ چهره و موهای سیاه و قیافه پسرانه او با تصویر آنها از کار اوغلان جور در می‌آید.

اجویت اندیشمند

اجویت اندیشمندی است که علائق او از سیاست فراتر می‌رود و به هنر و ادبیات نیز علاقه دارد. او نسبت به دورهٔ رنسانس و بشر دوستی و فلسفه هند علاقه خاصی نشان داده است. او از اوان کودکی شعر می‌گفته و بعضی از آثار او به عنوان شاعر و مقاله‌نویس و منتقد به انگلیسی ترجمه شده‌اند. آثاری که او از منتشر شده شامل ترجمه‌هایی از انگلیسی به ترکی از «کوکتل پارتی» تی.اس.الیوت و «زن آندروس» اثر تورنتون و ایلدر و دو اثر از رابیندرانات تاگور شاعر هندی به نام «گیتانجالی» و «آواره کوشلاو» می‌باشد. در سال ۱۹۵۴ اجویت یکی از صاحبان و ویراستاران نشریهٔ فرهنگی و سیاسی «فوروم» بود که در آن زمان تازه تأسیس شده بود.

اجویت که یکی از اعضای جامعهٔ اندیشمندان ترکیه است، برای رهبری اندیشمندان اهمیت

فوق العاده‌ای قائل است. او رهبری را به عنوان وظیفه‌اندیشمندان تلقی می‌کند تا امتیاز آنان. اجویت به لحاظ نظرهای ناشی از تعقل دقیق شهرت دارد و به عنوان یک مرد سازمان یافته، کارا و پرنرژی توصیف شده است.

در سال ۱۹۵۲ اجویت یکی از بنیانگذاران جمعیت هنری «هلیکون» در آنکارا بوده است. از سال ۱۹۶۳ او عضویت «جمعیت روزنامه‌نگاران آنکارا» و «جمعیت منتقدان هنری بین‌المللی» و «مؤسسه مطبوعاتی بین‌المللی» را دارا می‌باشد.

نخست وزیر به عنوان یک ناطق خوب شناخته شده است. او به سینما بسیار علاقه دارد. مبتلا به زخم معده است و مشروبات الکلی نمی‌نوشد؛ هر چند به مهمانان خود مشروبات الکلی تعارف می‌کند. اجویت به زبان انگلیسی به خوبی صحبت می‌کند.

خانواده هنرمندان

رخسان اجویت ۵۱ ساله که از سال ۱۹۴۵ همسر نخست‌وزیر است، فارغ‌التحصیل رابرت کالج استامبول می‌باشد که در همان دانشکده با اجویت آشنا شده بود. یک منبع گزارش می‌دهد که او سیاست را به عنوان یک عامل نفوذی مخرب تلقی می‌کند. از تغییراتی که سیاست در زندگی او به وجود آورده خوشش نمی‌آید. این منبع همچنین تأکید می‌کند که خانم اجویت روزنامه‌نگاری خالص و نوشتن خلاقه را شغل طبیعی همسر خود می‌داند و امیدوار است که همسرش روزی این کار را از سرگیرد. معذالک یک منبع مدعی است که خانم اجویت قوه محرکه حرقه سیاسی شوهرش می‌باشد. خانم اجویت باهوش و خوشایند و نسبتاً آرام است، او نقاشی نسبتاً با استعداد است و به زبان انگلیسی به نحو بسیار خوبی صحبت می‌کند. اجویت‌ها فرزند ندارند.

نازلی مادر نخست‌وزیر نیز یک نقاش نسبتاً برجسته است و به تدریس هنر مشغول است. مادر نخست‌وزیر از اعضای بنیانگذار شاخه زنان حزب جمهوریخواه خلق است که در سال ۱۹۵۲ تأسیس شد و از همان زمان رئیس این سازمان در شعبه ایالتی اسکودار بوده است. ۱۱ فوریه ۱۹۷۴

سند شماره (۴)

تاریخ: ۱۳ اسفند ماه ۱۳۵۶ - ۵ مارس ۱۹۷۸
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. به: سفارت آمریکا در تهران، با اولویت ۲۸۸۸

موضوع: روابط ایران و ترکیه

۱- در تاریخ ۹ اسفندماه مشاور سیاسی ایران، اردلان با نیمتس مشاور وزارتخانه جهت انجام تبادل نظر کلی پیرامون روابط ایران و ترکیه ملاقات نمود.

۲- اردلان از نیمتس خواست که در مورد سفرش به ترکیه مختصر توضیحی بدهد. نیمتس از سیاستهای اجویت در قبال قبرس، یونان و مشکلات اقتصادی تمجید کرد. وی گفت دولت اجویت دریافته است که مشکلات اقتصادی وخیمتر از آن است که تصور می‌کرده است و برداشت جامعه بین‌الملل از ترکیه به خاطر مشکلات مربوط به قبرس و یونان، حل مشکلات اقتصادی و امنیتی این کشور را پیچیده تر کرده است. بخش اعظم گفتگو در آنکارا به تمایل ترکیه به دریافت کمک اقتصادی متمرکز بود تا بافت اجتماعی

دمکراتیک بتواند در برابر اقدامات توأم با صرفه‌جویی مقاومت نماید.

۳- آمریکا با ترکیه احساس همدردی نموده و اظهار داشت که میل دارد ترکیه را در حل مشکلات یاری دهد و گرایش آن را نیز به سوی غرب حفظ کند. در همان حال، توافق ترکیه و صندوق بین‌المللی پول و دیگر اعتبار دهندگان مهم خارجی ضرورت بسیار دارد. نیمتس یادآور شد که اولین سفر وی به آنکارا مصادف بود با سفر جلود، نخست‌وزیر لیبی به این کشور. اجویت از لیبی خواستار حمایت اقتصادی شده بود و با وجود آشکار نشدن پاسخ لیبی، اجویت ظاهراً از سفر جلود خوشحال به نظر می‌رسید.

۴- مشاور ایرانی گفت که اجویت کلاً با کشورهای بیطرف مرآمده دارد و تا حدودی جذب قذافی رهبر لیبی شده است. وی گفت بسیاری از مقامات ترک میل دارند که این کشور با شوروی به توافق بیشتری دست یابد.

۵- با در نظر گرفتن شرایط بالا، نیمتس پیشنهاد کرد که بهتر است ایران و دیگر کشورهایی که میل دارند گرایش غربی ترکیه حفظ شود، با مقامات ترکیه پیرامون نگرانیهایشان اظهار همدردی بنمایند.

۶- اردلان در پاسخ گفت از جنگ جهانی دوم، ایران رسماً با هم پیمان سنتو یعنی ترکیه، روابط حسنه‌ای برقرار کرده است. در واقع انزوای ترکیه و ناسیونالیزم درونگرایی آن و تاریخ عثمانی و رقابت پارسی سبب شده است که بین دو کشور فاصله ایجاد شود.

۷- اردلان چندین بار موضوع صحبت را عوض کرد و به «مسائل مهم مورد نگرانی ایران» اشاره نمود. وی این مسائل را تحت عنوان شاخ آفریقا، و بن‌بست حاضر در مذاکرات مصر و اسرائیل توصیف نمود. وی گفت ادامه وخامت موضع غرب در شاخ آفریقا، سرانجام بر تصور سعودیها از غرب تأثیر خواهد گذارد و منجر به ارزیابیهای دوباره‌ای خواهد شد که در نتیجه آن ضربات سنگینی به مواضع اقتصادی غرب، وارد خواهد آمد. وی گفت ترس از آن دارد که شکست ابتکار صلح سادات منجر به تدروی در خلیج و خاورمیانه شده و خساراتی را به ایران و آمریکا وارد سازد.

۸- در این لحظه نیمتس گفت پس از جنگ جهانی، ترکیه یکی از همسایگان آرام، با ثبات و دارای گرایش غربی ایران بوده است. هر دو گفتند که این روند باید ادامه یابد.

۹- اظهار نظر: نیمتس هنگام اقامت در آنکارا از مقامات بلند پایه ترکیه سؤال کرد که آیا با وجود مشکلات جاری ترکیه آنها هرگز به فکر افتاده‌اند که از همسایگان دوست خود چون ایران و عربستان سعودی خواستار کمک شوند؟ در صورتی که مخاطبین بتوانند در این زمینه اظهار نظر بنمایند، موجبات امتنان این وزارتخانه فراهم خواهد گردید.

سند شماره (۵)

تاریخ: ۱۵ اسفند ماه ۱۳۵۶ - ۶ مارس ۱۹۷۸
 از: سفارت آمریکا در آنکارا
 به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. - فوری
 رونوشت: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: ترکیه خواستار تمدید مهلت بازپرداخت نفتی خود شده است

خلاصه: دبیر کل وزارت امور خارجه ترکیه در بخش امور اقتصادی دوجانبه، بهیچ هزار، به مشاور اقتصادی گفت که ترکیه از شوروی و ایران خواسته است که مهلت بازپرداختهای نفتی این کشور را تمدید

نمایند، و همچنین از لیبی خواستار خرید نفت بیشتر شده است. هزار معتقد است که شوروی نفت خود را به طور نسبی در اختیار ترکیه قرار خواهد داد، ولی ایران این کار را نخواهد کرد. لیبی قادر نیست نفت بیشتری به ترکیه بدهد، ولی اظهار داشته است که مایل است پیرامون مسائل اقتصادی دیگر از جمله تمدید مهلت بازپرداخت نفتی به مذاکره بنشیند. گرچه توافق با عراق در زمینه بازپرداختهای نفتی به نتیجه نرسیده است، منابع جدید حاضر نیستند به جای عراق به این کشور نفت ارسال دارند، ولی خواهند توانست مصرف روزافزون را تأمین نمایند. در تلاشی برای تمدید مهلت بازپرداخت، ترکها سعی دارند در مدیریت قروض خود انعطاف پذیری خاصی را پدید آورند. سفارت پیشنهاد می کند که شاید بهتر باشد دولت آمریکا با استفاده از نفوذ خود در ایران، از این کشور بخواهد که مهلت بازپرداخت نفتی ترکیه را تمدید نماید. (پایان خلاصه)

۱- در تاریخ ۱۰ اسفندماه مشاور اقتصادی با بهیک هزار دبیر کل امور اقتصادی دوجانبه وزارت امور خارجه ترکیه ملاقات نمود تا پیرامون جنبه های اقتصادی سفر جلود نخست وزیر لیبی به آنکارا گفتگو نماید. هزار اطلاعات تلگرام مرجع را تأیید نمود. پس از آن بحث پیرامون واردات نفتی ترکیه متمرکز گردید. هزار گفت که ترکیه در نظر دارد از شوروی و ایران نفت خریداری نماید و نفت دریافتی خود از لیبی را افزایش دهد و در عین حال خواستار تمدید مهلت بازپرداخت نفتی خود در رابطه با این سه کشور و عراق است.

۲- برای محو کمبودهای مزمن خود، از مدتها پیش ترکیه میل داشته است که از شوروی نفت خریداری نماید؛ چون از نظر جغرافیایی یک منبع مناسب است. در مذاکرات تجاری اوت و دسامبر گذشته ترکیه از شوروی خواست که به این کشور نفت بفروشد، لیکن شوروی تقاضای آن را رد کرده بود. ولی بنا به گفته هزار، شوروی در ماه اوت اعلام کرده بود که در سال ۱۹۸۰ قادر خواهد بود به ترکیه نفت بفروشد. هزار گزارشی را که در نشریه ۱۰ اسفند ماه روزنامه طرفدار دولت به نام ملیت، مبنی بر ورود هیئت تجاری شوروی به آنکارا در اواسط مارس برای فروش نفت نسبی توسط شوروی به ترکیه چاپ شده بود تأیید کرد. وی گفت دولت ترکیه مایل است که این معامله بر اساس تهاتری صورت گیرد. وقتی گفتیم که شوروی خود با کمبود نفت رو به روست، هزار به مقاله ای در نیوزویک در رد این ادعا اشاره کرد، لیکن اعتراف نمود که طبق اظهار جلود، شوروی سالانه ۶ میلیون تن نفت از لیبی خریداری می کند.

۳- هزار به ما گفت که دولت ترکیه میل دارد سالی یک میلیون تن نفت از ایران خریداری کند. وی گفت با ایرانیها در این زمینه تماس حاصل شده، لیکن به نظر وی این مذاکرات نیز به خاطر شرایط بازپرداخت مانند گذشته شکست خواهد خورد؛ چون دولت ترکیه میل دارد به صورت نسبی از ایران خرید نماید. شاه همیشه خواستار بازپرداخت به صورت نقد بوده است.

۴- هزار در مذاکرات اخیر بین جلود و نخست وزیر اجویت (تلگرام مرجع) حضور داشت. وی گفت ترکیه از جلود خواسته است که علاوه بر ۳ میلیون تن نفتی که سالانه به ترکیه می فروشد، سالانه ۶ تا ۷ میلیون تن نفت اضافی نیز در اختیار این کشور قرار دهد. ترکیه امیدوار بود که حداقل ۳ میلیون تن نفت اضافی از طریق لیبی به دست آورد، لیکن جلود به آنها گفته بود که به خاطر تعهدات دیگر لیبی این کار عملی نخواهد بود. ولی جلود توافق کرد که پیرامون تمدید مهلت بازپرداخت نفتی ترکیه، صدور اعتبار دراز مدت برای ترکیه و خرید موارد کشاورزی ترکیه حتی بیش از نیاز لیبی را مورد بحث قرار دهد. هزار

گفت امکان دارد که لیبی از گندم ترکیه به عنوان «کمک خارجی» استفاده کند. طبق اظهارات هزار، اجویت از وزارت امور خارجه ترکیه خواهد خواست که در اواخر ماه جاری در این مذاکرات که در سطوح فنی بین ترکیه و لیبی انجام خواهد گرفت به توافق دست یابد. با طرح این سؤال که آیا ممکن است این توافقها طبق بیانیه جلود در هنگام بازدید اجویت از لیبی امضاء شود یا خیر، هزار گفت وی انتظار دارد که این کار قبل از آن انجام گیرد.

۵- هزار اعتراف کرد که در زمینه تهدید مهلت بازپرداخت ترکیه و عراق به توافق نرسیده‌اند و میزان این بازپرداختها حدوداً معادل ۳۰۰ میلیون دلار می‌باشد. معذالک وی گفت که دولت ترکیه در نظر ندارد از منابع جدید به جای عراق نفت خریداری نماید؛ ولی وجود منابع جدید برای تأمین نفت وارداتی ۱۷ میلیون تنی سال ۱۹۷۸ ضروری است؛ در حالی که میزان واردات نفتی ترکیه در سال ۱۹۷۷ معادل ۱۵ میلیون تن بود.

۶- اظهار نظر: دولت اجویت در تلاش برای تمدید مهلت بازپرداخت خود می‌باشد تا بتواند در مشکلات مربوط به قروض خود نوعی انعطاف‌پذیری را پدید آورد. قروض کوتاه مدت ترکیه که باید در سال ۱۹۷۸ بازپرداخت گردد، حدود ۲-۳ میلیارد دلار می‌باشد. متأسفانه هزینه تأمین تمدید مهلت بازپرداخت نفتی، افزایش وابستگی این کشور به نفت شوروی و دیگر اقمار آن می‌باشد، که برای هم پیمانان غربی ترکیه موجبات نگرانی بسیاری را فراهم آورده است. توافق بین شوروی و ترکیه در مورد خرید نفت به چند دلیل تحقق نخواهد یافت. ما می‌دانیم که شوروی در رابطه با تعهدات صادراتی خود با کمبود نفت روبه‌روست؛ و میدانیم که ترکیه از کشیده شدن به زیر سلطه همسایه شمالی خود می‌ترسد. ولی معلوم نیست که شورویها تا چه حد حاضرند منابع نادر نفتی را فدای امتیازات سیاسی در ترکیه بنمایند.

۷- اقدام مقتضی: دولت آمریکا ممکن است با استفاده از نفوذ خود در ایران بخواهد که این کشور علاوه بر ارسال نفت بیشتر مهلت بازپرداختهای نفتی ترکیه را نیز تمدید نماید. این امر سبب از بین رفتن و یا محدود شدن نفوذ شوروی در ترکیه و تخفیف بحران مالی در ترکیه خواهد شد.

۸- پیام بالا قبل از دریافت مرجع ب تهیه شده بود. سفارت میل دارد امکان ارسال نفت توسط ایران به ترکیه بر اساس تمدید مهلت بازپرداخت در رابطه با گفتگو مشاور نیمتس و مشاور سیاسی ایران، اردلان و تقاضای وزارتخانه پیرامون اظهار نظر در رابطه با پاراگراف ۹ مرجع ب مطرح نماید. اسپیرز

سند شماره (۶)

تاریخ: ۱۶ اسفند ۱۳۵۶-۷ مارس ۱۹۷۸
از: سفارت آمریکا در تهران
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. -

موضوع: روابط اقتصادی ایران و ترکیه

خلاصه: روابط دو جانبه اقتصادی بین ایران و ترکیه هنوز هم با موانعی چون اختلاف موجود پیرامون دریافت مالیات توسط ترکیه از کامیونهای ترانزیت حامل علامت تی. آی. آر روبرو می‌باشد. حتی اگر این مانع نیز از میان برداشته شود، منابع دولت ایران معتقدند که ایران ۱/۲ میلیارد دلار اعتبار سال ۱۹۷۵ را در اختیار ترکیه قرار نخواهد داد. تحلیل موجود مرجع الف و مراجع پیشین از قبیل غرور و عصیان دو جانبه استوار بر عوامل فرهنگی و تاریخی هنوز هم مصداق می‌یابد. (پایان خلاصه)

۱- اولین و تنها اجلاس کمیته مشترک وزیران ترکیه و ایران پیرامون همکاریهای اقتصادی و فنی در آنکارا در اکتبر سال ۱۹۷۵ برگزار گردید. این گردهمایی منجر به امضای یک پروتکل اقتصادی دو جانبه گردید که طی آن ایران ملزم به صدور ۱/۲ میلیارد دلار اعتبار به ترکیه می‌گردد تا نیمی از آن در عمران تأسیسات ترابری ترکیه به کار برود. وضع مالیات غیرمنتظره از طرف ترکیه در قبال کامیونهای حامل علامت تی.آی.آر. در ژانویه ۱۹۷۶ سبب شد که کامیونهای ایرانی مجبور شدند در ازای هر تن کیلومتر ۴۰ قروش مالیات به ترکیه بپردازند چون در این زمینه قرار دارد دو جانبه‌ای امضاء نشده بود. ایران که طبق قرارداد دو جانبه قبلی حدود ۹ قروش مالیات می‌پرداخت از ترکیه می‌خواهد که با همسایه خوب خود گرچه حاضر نیست اعتبار مهمی به این کشور بدهد، بهتر از اینها رفتار نماید. در همین حال شرکتهای حمل و نقل ایرانی نیز با شرکتهای خارجی دیگر شریک شده‌اند تا بیش از ۲۵ قروش مالیات بپردازند و یا طبق گزارش سفیر به صورت یک شرکت جداگانه در ازای هر کامیون ۱۹ تا ۲۰ تنی حدود ۲۶۰۰ تا ۲۷۰۰ مارک آلمانی می‌پردازند. طبق اظهارات منابع ایرانی، به ایرانیها اذیت و آزار می‌شود و در ترکیه از دریافت ریال ایرانی به عنوان مالیات کامیونها ممانعت به عمل می‌آید و از کامیونهای ایرانی که وارد ترکیه می‌شوند خواسته می‌شود که مالیات خود را به دلار یا ارزهای معتبر دیگر بپردازند. علاوه بر این گفته می‌شود که ترکیه از بازنگهداشتن گمرک مرزی ترکیه به طور شبانه‌روزی امتناع می‌ورزد، در حالی که ایران گمرک خود را بیست و چهار ساعته باز نگه داشته است و همین امر از جانب ترکیه سبب شده است که صف طولی از کامیونداران در آن سوی مرز ترکیه منتظر صدور اجازه ورود معطل بمانند.

۲- میربها دبیر کل امور اقتصادی و مالی مسئول امور بین‌المللی آسیا و آفریقا در مورد روابط دو جانبه با مقام اقتصادی در تاریخ ۱۵ اسفند ماه گفتگو کرد. وی گفت روابط از طریق سازمان همکاری و عمران منطقه‌ای و سنتو به خوبی در جریان است، لیکن روابط دو جانبه از اکتبر ۱۹۷۵ متوقف مانده است. او با سفیر ترکیه به کرات ملاقات می‌کند ولی در رابطه با بن‌بست اساسی ترانزیت تا به حال هیچ‌گونه گشایشی پدید نیامده است. وی گفت مهمترین مانع همکاری اقتصادی یعنی مالیات ترانزیت از نظر مالی برای ایران حائز اهمیت نیست. لیکن طرز برخورد ترکیه را در روابط بین دو کشور نشان می‌دهد. دولت ایران آماده است با تشکیل اجلاس دیگری در سطوح وزیران این مانع را از میان بردارد، لیکن سفیر ترکیه طفره می‌رود و به سفر ناموفق وزیران ترابری و مالی به تهران در نوامبر ۱۹۷۶ اشاره می‌کند (گزارش مرجع الف) میربها می‌گوید بنا به اعتقاد دولت ایران دو وزیر مزبور قادر هستند که یا میزان مالیات را کاهش دهند و یا کشوری را از پرداخت آن معاف نمایند. به هر حال، برنامه‌ای برای مذاکرات بیشتر در نظر گرفته نشده و میربها فکر نمی‌کند که پیشرفتی در این زمینه حاصل آید، که خود شرط اصل پیشرفت در زمینه‌های دیگر اقتصادی است.

۳- میربها به دو مسئله مربوط دیگر که باید حل شود تا اعتبار مشخص شده در پروتکل به ترکیه داده شود اشاره کرد که عبارتند از:

الف) دولت ایران اصرار دارد که مطالعات امکان‌پذیری هر پروژه مندرج در پروتکل، قبلاً تسلیم این دولت شود.

ب) دولت ایران نیز مطابق با گزارش پیشرفت پروژه‌ها این اعتبار را صادر خواهد کرد و به دولت ترکیه اجازه نخواهد داد که به دلخواه خود از این اعتبار استفاده کند.

۴- میربها گفت که دولت ایران به اوضاع اقتصادی ترکیه که کاملاً واقف است و اگر دولت ترکیه حسن نیت نشان دهد، دولت ایران نیز به پروتکل خود عمل خواهد کرد. دولت ایران فکر می‌کند که دولت ترکیه می‌خواهد از این اعتبار در موازنه پرداختهای خود استفاده کند و نمی‌خواهد از آن در زمینه احداث و پیشبرد پروژه‌ها بهره‌برداری نماید. طبق اظهارات اظهارات میربها، ایران به ترکیه گفته است: «اگر شما در زمینه موازنه پرداخت خود به کمک احتیاج دارید (یعنی حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار) این موضوع را اعلام نمایید.» این به معنی آن نیست که دولت ایران آماده ارائه کمک در این زمینه است؛ ولی میل دارد دولت ترکیه را وادار کند که اهداف مربوط به قروض خود را مشخص نماید و با این کار ایران در نظر دارد نقش کمک دهنده را ایفا کرده باشد.

۵- اظهار نظر پیرامون نکات خاص مطروحه در گزارش آنکارا ۱۶۵۷ در پیام جداگانه خواهد آمد.

سند شماره (۷)

تاریخ: ۱۸ اسفند ۱۳۵۶-۹ مارس ۱۹۷۸
از: سفارت آمریکا در تهران به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. - فوری

موضوع: روابط ایران و ترکیه: تعویق مهلت پرداخت به ایرانیها

خلاصه: به نظر ما در حال حاضر ایده ارسال نفت توسط ایران به ترکیه بر اساس امتیاز و یا تعویق مهلت پرداخت امکان‌پذیر نیست. این نتیجه‌گیری بر چند دلیل استوار است که به تعدادی از آنها در گزارشهای آنکارا ۱۷۲۲ و آنکارا ۱۶۵۷ و نیز تهران ۲۳۳۲ اشاره شده است. ایران اصولاً می‌داند که برقراری روابط بهتر با ترکیه به نفع آن کشور است و بدون شک به همین دلیل بوده است که شاه از سفیر خود در آنکارا خواسته است که در جهت بهبود روابط تلاش نماید. ولی به نظر ما حداقل در کوتاه مدت، شاه نسبت به ماحصل این روابط چندان خوش‌بین نیست. ایران مشکل ترکیه را آنقدر بنیادین و پیچیده می‌داند که فکر نمی‌کند با کمکهای اقتصادی لیبرال حل گردد. این کشور از آشفتگی صحنه سیاسی ترکیه و خشونت و ناآرامی حاصل از بی‌نظمی سیاسی نگران است و احتمالاً با محدودیتهای رهبران ترکیه نیز در پاسخگویی به تقاضای ایران، به طرز واقع‌گرایانه‌ای برخورد می‌کند، ولی در رابطه با کمکهای ایران خواستار دریافت امتیازاتی از سوی ترکیه نیز می‌باشد. به نظر ما مداخله در مسئله ارسال نفت ایران به ترکیه ثمر نخواهد داشت و طرز تفکر طرفین را نسبت به یکدیگر چندان تغییر نخواهد داد. (پایان خلاصه)

۱- در همان حال که سفارت در نتیجه تلاشهای دیپلماتهای ایرانی در آنکارا در جهت بهبود روابط بین ایران و ترکیه ترغیب به همکاری می‌شود و معترف است که حسن نیت ما در اینجا ممکن است به بهبود روابط اندکی کمک نماید ولی فکر نمی‌کنیم که گفتگوهای ما با دولت ایران جهت تمدید مهلت بازپرداخت ترکیه در ازای نفت خام ایران (که مداخله‌ها باید در سطوح بالا صورت گیرد) ثمری به بار آورد. واقعیت این است که تخفیف قیمت نفت اوپک و تمدید مهلت بازپرداخت به خاطر حساسیت و وسواس ایرانیها باید از طریق سیاستهای مربوط به قیمت نفت تعیین و مشخص گردد. ایرانیها در گذشته نیز میل نداشته‌اند اعتبار دراز مدت و یا میان‌دوره‌ای به خریداران نفتی بدهند (گذشته از تخفیفهای جزئی در معاملات که آن هم ناشی از اوضاع خاص بازار است) مگر در موارد بسیار استثنائی چون مشکلات عمیق مربوط به موازنه

پرداختهایی که می‌تواند ثبات یک کشور همسایه را به مخاطره افکند. ایران در مورد کشورهای که از شرکت ملی نفت ایران تمدید مهلت بازپرداخت دریافت می‌کنند اطلاعاتی فاش نمی‌کند که احتمالاً چهار کشور (و احتمالاً سودان) یعنی هند، سری لانکا، پاکستان و بنگلادش به این هدف دست یافته‌اند. تنها اطلاعات دقیق موجود در رابطه با هند است، یعنی به محض دریافت نفت یک سوم قیمت قبلاً پرداخت می‌گردد و دو سوم باقیمانده در مدت ۵ یا ۶ سال با نرخ بهره ممتاز قابل بازپرداخت خواهد بود. حتی اگر دولت ایران متقاعد شود که باید با ترکیه نیز مانند هند و بنگلادش رفتار نماید، طرز عملکرد ترکیه در مورد مالیات ترانزیت تی. آی. آر. و طرز برخورد آنها با ۱/۲ میلیارد دلار اعتبار سال ۱۹۷۵ طبق نظر ایرانیها و همان گونه که در تلگرام مرجع ب مورد بحث قرار گرفته، دست آخر از نظر ایرانیها به ناگزیر بن بستنی را پدید می‌آورد. مشکل دیگر این است که کاهش ارزش دلار از نظر شاه سبب شده است، که قدرت خرید ایران بیست درصد کاهش یابد. البته در اینجا قصد نداریم سیاستهای دولت ترکیه را توجیه نماییم. ولی می‌خواهیم با واقعگرایی و عینیت کافی با آن برخورد کرده باشیم.

۲- بعضی از ایرانیها در خفا خواهند گفت که البته نظریه ترکیه درست است، یعنی آنهایی که از شاهراههای ترکیه استفاده می‌کنند، باید برای بازسازی آنها هزینه‌ای بپردازند، ولی، ایران رسماً و در رابطه با مذاکرات خود با ترکیه خواستار یک امتیاز شده است. عوامل روانی و تاریخی مطروحه در مرجع الف نیز بدون شک در تشکل نظریه ترکیه نقش داشته‌اند. رفتار ایرانیها در مذاکرات مربوط به کامیونها در چند سال گذشته نیز احتمالاً ترکیه را به این نتیجه رسانیده که ایران می‌خواهد با ترکیه مانند یکی از خویشاوندان دور و فقیر خود برخورد نماید. ولی به نظر ما، این نظریه خالی از مبالغه نیست.

۳- ولی بنا به اعتقاد ما، مهمترین مسئله درک ایران از تواناییهای ترکیه در انجام کار برای خود، ایفای نقش نیرومند اشتراکی آن می‌باشد. درست است که در مورد طرز فکر ایران درباره دولت اجویت سند معتبری در دست نداریم، ولی بدون شک این کشور از ناآرامیهای اخیر زندگی سیاسی ترکیه بسیار ناراضی و نگران بوده است. این کشور همیشه امیدوار بوده است که رهبریت ترکیه بتواند این آشوب را به نظم تبدیل کرده و با مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ترکیه با قاطعیت تمامتر برخورد نماید. ایران آماده است با رهبریتی اینچنین وارد همکاری شود، که در این زمینه می‌توان از کمکهای سخاوتمندانه آن به بنگلادش، هند و مصر به عنوان مصداق بارز یاد کرد.

از نظر ایران، رهبریت این‌گونه‌ای خواهد توانست تصمیمات قاطعی را بگیرد و مواضع وابسته ایران و ترکیه را در جهان واقعی به طرز واقعگرایانه‌تری منعکس نماید. معلوم نیست که آیا ایران فکر می‌کند این رهبریت در ترکیه به وجود آمده یا خیر. به نظر ما ترکیه باید تلاشهای بسیاری به خرج دهد تا طرز تفکر و برداشت ایران تغییر نماید. این تلاش عبارت است از تمایل ترکیه به ایجاد نظم داخلی و به رسمیت شناختن ایرانی نیرومندتر و متنفذتر از ترکیه. با وجود مشکلات گذشته این برخورد به زودی تحقق نخواهد یافت.

۴- بالاخره ایران تقصیر بعضی از فجایع ترکیه را به گردن آمریکا می‌اندازد. به خصوص به طرز تلقی کنگره از همکاری نظامی آمریکا و ترکیه تکیه می‌کند و معتقد است که این زخمی است که به دست خودشان وارد شده است. به نظر ایران منافع ما در رابطه با یک ترکیه نیرومند و قابل اعتماد با عدم توانایی مان در حمایت از ترکیه در زمینه حیاتی آن سازگار نیست. بنابراین، در ایفای نقش واسطه به منظور حل مشکلات مالی ترکیه، آمریکا نخواهد توانست نقش متقاعدکننده‌ای داشته باشد. میکلس

سند شماره (۸)

تاریخ: ۲۲ اسفند ماه ۱۳۵۶-۱۴
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. مارس ۱۹۷۸ به: سفارت آمریکا در آنکارا، با اولویت
رونوشت: به سفارت تهران

موضوع: شرایط تمدید مهلت بازپرداخت نفتی

در نظر داریم در موقعیتهای مناسب با کشورهای ذیربط دوست در منطقه چون ایران، نشان دهیم که همدردی با مشکلات ترکیه به نفع خود آنهاست (مرجع - ب). ولی نمی خواهیم خود را درگیر روابط دوجانبه ترکیه تا حدودی نماییم که مجبور به انجام اقدامات ویژه در زمینه هایی که امکان بروز پاسخ مثبت بعید به نظر می رسد، شده و یا در زمینه صادرات آمریکا امتیازاتی را از دست بدهیم. بنابراین، میل نداریم با دولت ایران درباره احتمال عرضه نفت به ترکیه بر اساس تمدید مهلت بازپرداخت وارد مذاکره شویم.

سند شماره (۹)

طبقه بندی: خیلی محرمانه تاریخ: ۳ فروردین ۱۳۵۷ - ۲۳ مارس ۱۹۷۸
از: سفارت آمریکا در جده
رونوشت: سفارت آمریکا - ایران
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: روابط ایران و ترکیه

به نظر ما سعودیها مایلند به توضیحات دولت ترکیه پیرامون مشکلات اقتصادی این کشور گوش فرا دهند. ولی، سعودیها، که در محاصره همسایگان عربی دارای مشکلات موازنه پرداخت قرار گرفته اند، میل ندارند در این زمینه به هیچ کشور دیگر و حتی مصر کمک نمایند. آنها ترجیح می دهند که از طریق منابع مالی سعودی برای عمران و یا دیگر راههای چندجانبه چون بانک عمران اسلامی، صندوق عربی و یا صندوق اوپک به پروژه ها کمک نمایند. با اضافه کردن این عوامل به خونسردی دولت عربستان سعودی نسبت به گرایشات سیاسی اجویت، باید گفت که امکان ارائه کمک از طرف سعودیها بسیار محدود خواهد بود. ولی وامهای ناچیز، چه به طور مستقیم و چه چندجانبه، می تواند از حمایت سعودیها برخوردار باشد. وایلی

سند شماره (۱۰)

تاریخ: ۱۵ فروردین ۱۳۵۷-۴ آوریل ۱۹۷۸
از: وزارت خارجه در واشنگتن دی. سی.
به: سفارت آمریکا در آنکارا
موضوع: ملاقات بین وزیر دارایی ترکیه و وزیر خزانه داری آمریکا

- ۱- وزیر بلومنتان روز پنجشنبه ۳ فروردین ماه با مؤذن اوغلو وزیر دارایی ترکیه ملاقات نمود. ورال گوگساواس مدیر کل خزانه داری و سفیر اسنبل نیز در این ملاقات حضور داشتند. در گروه آمریکایی دستیار وزیر، برگستن و ریچارد فیشر، معاون ویژه وزیر شرکت داشتند.
- ۲- وزیر دارایی، در آغاز گفت که همان روز بعد از ظهر یک نامه تفاهم با صندوق بین المللی پول امضاء

خواهد کرد. سپس به شرح مشکلات اقتصادی ترکیه و راه‌های دولت در برخورد با آنها پرداخت. وی گفت برنامه مربوط بمدت دو سال اجرایی شود و شامل ۳۰۰ میلیون دلار سنتو (حدود ۳۶۰ میلیون دلار) خواهد بود. علاوه بر این ترکیه احتمالاً از طریق مؤسسه ویته‌وین مقادیر نامشخصی کمک مالی دریافت خواهد کرد. دستیار وزیر یعنی برگستن گفت پاسخ مؤسسه ویته‌وین سه ماه طول خواهد کشید، که در اینجا وزیر دارایی ترکیه متعجب شد.

۳- وزیر خزانه‌داری سؤال کرد که آیا به نظر او این روشها می‌تواند تغییری در وضع موجود پدید آورد. وزیر دارایی اظهار امیدواری نمود، لیکن گفت مایل است از حمایت دولت آمریکا نیز برخوردار شود. وی سپس به ذکر نوعی عملیات «مانند عملیات پرتغال» در رابطه با ترکیه پرداخت و گفت که دولت باید در این مورد به کنگره رجوع کند که خالی از اشکال نیز نمی‌باشد. معذالک وی سؤال کرد که آیا در «موقع مناسب» می‌توان این عملیات را انجام داد؟ وی یادآور شد که ترکیه نه تنها در سال جاری بلکه در سال آتی نیز به اینگونه کمکها نیازمند خواهد بود. وی سپس به طور غریبی از خزانه‌داری آمریکا خواست تا به بانکهای بخش خصوصی برای وام دادن به ترکیه «چراغ سبز» نشان دهد.

۴- وزیر بلومنتال گفت که بانکهای خصوصی خود تصمیمات مربوط به خودشان را اتخاذ می‌نمایند. دولت آمریکا نمی‌تواند به آنها دستور دهد که در نقاط خاصی سرمایه‌گذاری نمایند. عکس این موضوع نیز صادق است یعنی نمی‌تواند مانع از سرمایه‌گذاریهای آنها در نقاط خاصی بشود. ولی در صورتی که بانکها بخواهند می‌توانیم در مورد شرایط نظر دهیم و بانک‌های خصوصی اگر مطلع شوند که ترکیه برای حل مشکلات خود برنامه‌ای تهیه کرده بیشتر توجه خواهند کرد. در مورد کمک وزیر گفت که توجه کنگره به مؤسسه ویته‌وین و بودجه اختصاصی آی. اف. اس. معطوف شده است.

با وجود اطلاع از برخورد کنگره نسبت به موضوع کمکها، وی اظهار داشت که چون ارائه اعتبار ای. اس. اف. و یا کمک دوجانبه به تصویب کنگره نیازمند است، فکر نمی‌کند امکان ارائه این گونه کمکها وجود داشته‌اند.

۵- دستیار وزیر یعنی برگستن به دقت موضوع کمک چندجانبه برای پرتغال را بررسی کرد و آن را موردی «بسیار غیر عادی» خواند و یادآور شد که هدف از ادامه این اعتبار ای. اس. اف. از بین بردن عدم توازن بازپرداخت در کوتاه مدت بوده است. وزیر بلومنتال بار دیگر تأکید نمود که کمک چه به صورت اعتبار ای. اس. اف. باشد و چه به صورت کمک دوجانبه باید به تصویب کنگره برسد که کاری است بس دشوار.

۶- وزیر دارایی گفت که علت هواداری وی از عملیاتی مشابه «عملیات پرتغال» در ترکیه دلایل سیاسی بسیار مبرهن است. وی سؤال کرد که آیا دولت آمریکا نمی‌تواند اعلام کند که هیچ‌گونه «تحریم اقتصادی» علیه ترکیه وجود ندارد. بلومنتال به وزیر دارایی اطمینان داد که هیچ‌گونه تحریمی علیه ترکیه به کار گرفته نشده و گمان می‌کند که مطرح کردن علنی موضوع، این فکر را در اذهان به وجود می‌آورد که شاید موضوع تحریم اقتصادی علیه ترکیه تا به حال صحت داشته است، وی گفت سعی می‌کنیم در فرصتی بایسته این مطلب را اعلام نماییم.

۷- وزیر دارایی سپس خواستار حمایت دولت آمریکا در نهادهای بین‌المللی شد، ولی مسئله خاصی را عنوان ننمود، وزیر بلومنتال گفت ما می‌توانیم وامهای اعطایی بانک بین‌المللی بازسازی و توسعه را

مورد تجدید نظر قرار دهیم و تا حدود امکان مفید واقع شویم، ولی نمی‌توانیم یک «چک سفید امضاء» به این کشور بدهیم.

۸- وزیر دارایی پس از آن موضوع مربوط به سازمان توسعه همکاریهای اقتصادی را عنوان کرد. وزیر بلومنتال گفت ما در اجلاسیه شرکت خواهیم کرد، ولی طبق برداشت وی این کنسرسیوم فعالیت چندانی ندارد. وزیر دارایی گفت این موضوع درست است لیکن دولت ترکیه امیدوار است منابع مالی مورد نیاز پروژه‌های خود را از طریق این کنسرسیوم تأمین ساخته و قروض خود را نیز برنامه‌ریزی مجدد نماید. برگستن گفت ما با مقامات دیگر کشورها در مورد تهیه یک طرح مؤثر چند جانبه برای ترکیه تبادل نظرهایی داشته‌ایم. به نظر ما خود مکانیزیم مهم نیست بلکه مؤثر بودن حائز اهمیت است. وزیر دارایی گفت دولت ترکیه با تعداد دولتهای درگیر در این قرارداد دوجانبه مخالف نیست، ولی ترس از آن دارد که روند حاضر زمان بسیاری را تلف کند. برگستن گفت برای حل این مسئله تلاش بسیاری خواهیم کرد. ۹- وزیر بلومنتال گفت که به نظر او بانکهای خصوصی در صورت اطلاع از برنامه دولت ترکیه برای حل مشکلات از این دولت حمایت خواهند کرد. وزیر دارایی ترکیه نیز گفت که تبادل نظرهای وی با وزیر بلومنتال و حمایت وزیر از برنامه اقتصادی دولت ترکیه در این زمینه مؤثر واقع خواهد شد. ونس

سند شماره (۱۱)

تاریخ: ۱۱ آوریل ۱۹۷۸-۲۳ فروردین ۱۳۵۷ طبقه‌بندی: سری

موضوع: هزینه اقتصادی حضور ترکیه در قبرس

تهیه شده از سوی وزارت امور خارجه آمریکا دفتر اطلاعات و پژوهشها ترکیه برای نگهداری موقعیت ویژه خود در قبرس متحمل هزینه‌های گوناگون می‌شود، بعضی از این هزینه‌ها مستقیم و لاقلاً از لحاظ امکانات بالقوه قابل اندازه‌گیری است و برخی دیگر غیر مستقیم بوده و اندازه‌گیری آن عملاً غیر ممکن است. معذالک در سبک و سنگین کردن گزینشهای سیاسی، آنکارا (ترکیه) عوامل مربوط به شرافت ملی و نظامی را همزمان با هزینه‌های اقتصادی و سودها در نظر می‌گیرد.

در میان هزینه‌های مستقیم اقلام زیر در اولویت قرار می‌گیرد.

- کمک خارجی به دولت فدرال ترک جزیره قبرس.

- هزینه اضافی حفظ نیروهای نظامی ترکیه در قبرس.

- هزینه پرسنل غیر نظامی که به وسیله ترکیه عرضه می‌شود.

- از این سه عامل فقط عامل اول به دقت معلوم شده است.

کمک به دولت فدرال ترک جزیره قبرس که از فوریه سال ۱۹۷۵ اعلام شده، ظاهراً به طور متوسط حدود ۴۵ میلیون دلار در سال است هر چند دشواریهای جاری اقتصادی در ترکیه احتمالاً این مبلغ را کاهش داده‌اند.

برای محاسبه هزینه‌های نظامی اضافی معقول به نظر می‌رسد که فرض کنیم، این هزینه‌ها برای ترکیه حدود ۱۵٪ از نگهداری همین اندازه واحدهای نظامی در خاک خود ترکیه تمام می‌شود.

این تناسب بدان معنا است که ترکها شاید سالیانه بیش از یک هزار دلار اضافه برای هر سرباز در قبرس خرج نمی‌کنند. این محاسبه القاء می‌کند که هزینه اضافی نیروهای نظامی ترکیه در قبرس سالیانه بالغ بر

۳۰ میلیون دلار است.

سرانجام از اطلاعات مختصری که در دست است، چنین به نظر می‌رسد که ترکها برای حفظ پرسنل غیر نظامی خود در قبرس بیش از ۵ میلیون دلار در سال خرج نمی‌کنند این سه مقوله مخارج نشان می‌دهد که ترکیه سالیانه ۸۰ میلیون دلار خرج می‌کند. به هر صورت مخارج مستقیم به اندازه قابل ملاحظه‌ای بیش از ۵۰ میلیون دلار، ولی کمتر از ۱۰۰ میلیون دلار است.

مخارج مستقیم

کمک خارجی ترکیه. حکومت ترکیه هم لیره ترک برای پشتیبانی از بودجه و هم ارز خارجی برای دولت فدرال ترک قبرس فراهم می‌کند. بر طبق ارقامی که توسط قبرسیهای ترک منتشر شده کمک حکومت ترکیه در سال ۱۹۷۵ مبلغ ۴۷۰ میلیون لیره ترک (۳۲/۵ میلیون دلار) بوده است. در سال ۱۹۷۶ کمک ترکیه ۴۵۹ میلیون لیره ترک (۲۸/۶ میلیون دلار آمریکایی) و در سال ۱۹۷۷ این مقدار بالغ بر ۴۵۱ میلیون لیره ترکی (۲۵/۱ میلیون دلار) گشته است. این ارقام رسمی شاید مبالغ واقعی را کمتر نشان داده است، زیرا بیشتر احتمال می‌رود که کمک ترکیه به بودجه قبرس سالیانه به ۴۰ میلیون دلار بالغ شده است. علاوه بر این در سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۶۷ حکومت ترکیه ۱۵ میلیون دلار شکل ارز خارجی که مورد نیاز مبرم ترکهای قبرسی بوده است فراهم کرده، زیرا دولت فدرال ترک قبرس از لحاظ موازنه نامساعد بازرگانی و به علت نداشتن ارز خارجی از منابع دیگر در مضیقه بوده است.

در نتیجه این دشواریهای مالی حکومت ترکیه ممکن بود، نتوانسته باشد در جریان سال گذشته تعهدات خود را که مبنی بر کمک دولت فدرال ترک قبرسی انجام دهد. در اواخر ماه دسامبر یک منبع مخفی گزارش داد که از ۴۵۱ میلیون لیره ترک که حکومت ترکیه به ترکهای قبرس در سال ۱۹۷۷ وعده داده است، تنها ۱۷۰ میلیون لیره ترک (۹/۴ میلیون دلار) عملاً تا آن تاریخ به ترکهای قبرس پرداخت شده است.

هزینه‌های اضافی حفظ نیروهای نظامی ترکیه در قبرس

ترکیه حدود ۳۰ هزار نفر پرسنل نظامی در ترکیه دارد. هزینه حفظ این نیرو و در زمینه‌های پرسنل و تجهیزات لجستیکی و آمادگی رزمی است. بر اساس این عوامل، معقول به نظر می‌رسد که فرض کنیم که هزینه اضافی نگهداری نیروی ترکیه در قبرس حدود ۱۵٪ بیشتر از هزینه مستقر کردن چنین نیرویی در خود سرزمین ترکیه است. این برآورد تقریبی از عوامل زیر اقتباس شده است زیرا اطلاعات دقیق درباره هزینه نگهداری نیرویی به همین اندازه در ترکیه در دست نیست:

* = لیره ترک به نرخ مبادله کنونی طبق نرخهایی که از سوی صندوق بین‌المللی پول منتشر شده تبدیل

می‌شود.

از آنجایی که نیروهای مسلح ترکیه دچار مزاد نیروی انسانی ناشی از برنامه خدمت نظامی همگانی می‌باشد، نیروی ۳۰ هزار نفری ترکیه تقریباً به طور یقین نماینده نیروی انسانی است که در هر صورت می‌بایستی به خدمت نظامی فرا خوانده شود و به طور ویژه برای خدمت در قبرس احضار نشده است. از آنجایی که ۹۰ درصد این افراد سربازان وظیفه بوده و می‌باشند که (حقوق پایه آنها یک دلار در ماه است) هزینه پرسنلی بسیار نازل است: تنها افسران و درجه داران برای خدمت در قبرس مقرری فوق‌العاده

می‌گیرند که برای هر یک از آنها بین ۸ تا ۱۶ دلار در ماه است. هزینه لجستیکی نسبتاً زیاد است، زیرا همهٔ سربازان و تقریباً همهٔ آذوقه آنها باید از سرزمین ترکیه به قبرس با کشتی حمل شود. علاوه بر این برای حفظ یک نیروی ۳۰ هزار نفری در وضع آمادگی رزمی هزینه بیشتری لازم است تا آنکه اگر آنها در وضع آموزشی یا آمادگی عادی نگهدارند.

پرسنل غیرنظامی که بوسیله ترکیه را فراهم می‌شود

ترکیه انواع مستشاران غیر نظامی را برای دولت فدرال ترک قبرس فراهم می‌کند، که عبارت است از مدیران و کارشناسان فنی که برای مدت زمانی در قبرس مانده‌اند که مدت اقامت آنها ممکن است بین چند روز تا چندین سال نوسان داشته باشد. دربارهٔ تعداد چنین پرسنلی اطلاعات دقیقی در دست نیست؛ هر چند، چند صد یا شاید چند هزار نفر از سال ۱۹۷۴ در این برنامه شرکت داشته‌اند. بعضی از اینها بدون شک کارمندان دولت ترکیه بوده‌اند، برخی دیگر به عنوان مشاور از سوی دولت فدرال ترک قبرس استخدام شده، ولی حقوق آنها از سوی حکومت ترکیه پرداخت شده است. در میان این گروهها شاید بعضی ترکهای قبرسی هم وجود داشته باشد که در سرزمین اصلی ترکیه اقامت داشته و فرصت آن را یافته‌اند تا به موطن خود بازگردند.

مخارج غیر مستقیم

شاید مخارج غیر مستقیم مربوط به درگیری ترکیه در قبرس اثرات اقتصادی مؤثرتری از مخارج مستقیم فوق‌الذکر داشته باشد. این مخارج غیر مستقیم شامل موارد زیر می‌باشد:

- سرمایه‌گذاریهای خارجی، پرداختها به کارگران و عایدات توریستی که از سال ۱۹۷۴ به علت بلاتکلیفیهای سیاسی مداوم ناشی از درگیری ترکیه در قبرس بوده است.
- هزینه ناشی از منع سلاحهای آمریکایی و مدت زمان و انرژی که مسئله قبرس و انعکاسهای امور خارجی از سایر مسائل فوری خارجی و داخلی داشته است.
- معادلک ترکها به درگیری خود در قبرس به عنوان مقایسهٔ هزینه‌ها و سودها در درجهٔ اول نگاه نمی‌کنند.

به نظر ترکها قبرس در درجهٔ اول یک مسئله شرافت ملی و تعهد است. هنگامی که در سال ۱۹۷۴ آنها در قبرس مداخله کردند، انگیزهٔ اقدام آنها نگرانی برای خویشاوندان ترک قبرسی خود بوده است و ناشی از تصمیم آنها به خودداری از تسلیم در برابر تحریکات فرضی یونان و از ترس محاصرهٔ قبرس از سوی یونانها، حتی بعد از آنکه ترکیه امنیت قبرسهای ترک را تأمین کرد و مانع آن شد که یونانها خاک اصلی قبرس را به دست بگیرند، شرافت ملی ترکیه عمیقاً در این موضوع در میان بود. این امتیازات با خون ترکها به دست آمد و قبرس این امکانات بالقوه را داشت که در مدت کوتاهی به عنوان یک مسئلهٔ عمده ترکیه در صحنهٔ رقابتهای داخلی در این کشور جلوه کند.

تهیه شده به وسیلهٔ استنفان - ار - اسنو

سند شماره (۱۲)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

مکان: محل اقامت سفیر کانادا، هنگام صرف شام زمان: ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۷، ۳۰ آوریل ۱۹۷۸
صورت مذاکرات شرکت کنندگان: رحیم گمرک اوغلو سفیر ترکیه در ایران کلاید د. تایلور، دبیر اول
اختلاف ترکیه و ایران پیرامون مالیات ترانزیت ترکیه

موضوع: اختلاف ایران و ترکیه پیرامون مالیات ترانزیت ترکیه و در طرح ترکیه در رابطه با

سفارت جدید در تهران

در پاسخ به سؤال مربوط به دلایل واقعی بن بست موجود بین دو کشور بر سر مالیات ترانزیت ترکیه، سفیر گفت که به نظر وی هیچ راه حل رسمی در این زمینه وجود ندارد. وی گفت که پیرامون اولین قرارداد در سال ۱۹۶۳ با ایران مذاکره کرده بود که از طریق آن ایران در مقایسه با دیگر کشورها از امتیازات ویژه‌ای برخوردار می‌شود. در طول سالهای مدید در مورد این ترانزیت با ۲۲ کشور قرارداد به امضاء رسانده بود و به همین دلیل با آن کاملاً آشناست. وی گفت در این زمینه ترکیه با پاناما شباهت بسیار دارد، یعنی به خاطر مواهب طبیعی با اروپا مرتبط شده است، ولی بعضی از کشورهای خلیج مانند عراق و ایران می‌خواهند از این تأسیسات ترابری سوء استفاده کنند و حاضر نیستند در رابطه با هزاران تصادفی که رخ می‌دهد، ترافیک سنگین، تعمیر و مرمت جاده‌ها و هزینه سنگین آسفالت، چیزی بپردازند.

وی گفت که در رابطه با تاکتیکهای مالیات جاده که در ژانویه ۱۹۷۶ وضع شده، دولت خود را بی‌تقصیر نمی‌داند، ولی احساس می‌کند که دولت ترکیه برای رسیدن به توافق با ایران امتیازات زیادی را از دست داده است. وی گفت به محض اعلام قوانین مالیاتی جدید پیش‌نویس تعویض پروتکل مربوط به جاده را از طریق دیپلماتیک تسلیم ایران کرده بود. تنها کاری که ایران می‌بایست انجام دهد، رسمی اعلام نمودن این پیش‌نویس‌ها بود و پس از آن می‌توانست مالیات کمتری در قبال استفاده از این جاده بپردازد. وی گفت نتیجه‌گیری من مبنی بر اینکه ایران در مقایسه با دیگر کشورهای طرف قرارداد دولت ترکیه خواستار امتیاز بیشتری است، صحت دارد. وی گفت از وزیر هوشنگ انصاری و چند مقام برجسته دیگر دولت ایران شنیده است، که آنها می‌خواهند راههای دیگری بین ایران و اروپا به وجود آورند و وی به همه آنها پاسخ داده بود که ترکیه به این تجارت علاقه‌مند نیست و اگر آنها می‌خواهند کامیونهای خود را از طریق بلغارستان و یا از طریق دریا به عراق آورده و از آنجا به ایران برسانند، هیچ اشکالی از نظر ترکیه وجود ندارد. در واقع ارقام مربوط به تناژ عبور داده شده به ایران از طریق شاهراه ترکیه رادریافت کرده است که نشانگر ۵۰ درصد افزایش یا ۱۱۲ میلیون تن بیش از سال قبل از آن می‌باشد. بنابراین، این ادعا که مقدار زیادی از کالاها از طریق راههای دیگر به ایران وارد می‌گردد، صحت ندارد. سفیر گفت، در حقیقت اکثر کالاهای ایران و احتمالاً حدود ۹۷-۹۵٪ آن توسط کامیونهایی به این کشور آورده می‌شود، که از آن کشورهایی هستند که با ترکیه قرارداد ترانزیت بسته و از مالیات ۲۵ قروش برای هر تن بر کیلومتر استفاده می‌کنند.

راه‌حلی که وی یافته است و مطمئن است تحقق خواهد یافت، راه حلی است که نه تنها منافعی از طریق ایران کسب نمی‌کند، بلکه با آن نیز رابطه ندارد. این راه حل عبارت است از یک شاهراه شش خطه که به وسیله گروه کنسرسیوم اروپایی یا شرکتهای ترابری در ترکیه احداث خواهد شد. این شاهراه خواهد

توانست در مسیر ۳۰۰ کیلومتر کاهش مسافت پدید آورد. هزینه احداث آن ۷ میلیارد دلار است و قراردادهای مربوط به آن نیز مورد مذاکره قرار گرفته است. وی گفت پس از احداث این شاهراه از دولتش خواهد خواست که از کامیون عابر مقدار معینی عوارض دریافت گردد.

در رابطه با ۱/۲ میلیارد دلار اعتبار امضاء شده توسط ایران و ترکیه در اکتبر سال ۱۹۷۵، سفیر گفت که این اعتبار «ماهیت خارجی خود را از دست داده است.» سفیر گفت که نمی‌داند در عدم اجرای این پروتکل ایران چه انگیزه دیگری می‌تواند داشته باشد.

سفارت جدید پیشنهادی ترکیه در ایران

سفیر پس از گفتگو پیرامون این مذاکرات بی‌ثمر در مورد مالیات ترانزیت و نیز احتمالاً برای مشخص کردن نحوه معامله در ایران به تاریخچه تلاش خود در تعویض محل سفارت ترکیه و انتقال آن به بخش مرکزی شهرستان پهلوی اشاره کرد. (دولت ایران در نظر دارد شمالی‌ترین نقطه شهر تهران را به صورت یک منطقه مرکزی در آورد، که علاوه بر وزارتخانه‌ها و آژانسهای مهم نمایندگیهای دیپلماتیک نیز در آنجا سکنی خواهند گزید. احداث شهرستان پهلوی هم اکنون آغاز شده است). وی گفت که اولین نمایندگی مستقر در تهران، سفارت ترکیه بود که به شهرداری مراجعه کرده است تا محل آن در این منطقه تعیین شود و زمینه خرید زمین لازم نیز فراهم آید. (دولت ایران موافقت کرده است که سفارت کنونی ترکیه در خیابان فردوسی را خریداری کرده و به صورت موزه و پارک درآورد.) در زمان شهردار نیک پی، وی قطعه زمینی به دست آورده بود و پس از تکمیل نقشه برداری آن در نظر داشت دور آن را دیوار بکشد و دو باغبان را به طور تمام وقت در آنجا بکار بگمارد تا قبل از احداث ساختمان سفارت مناظر اطراف آن دلپسند شده باشد. در طول ملاقات رئیس جمهور ترکیه با شاه، او این موضوع را با وی در میان گذاشته و حدود ۳۰ میلیون لیره از طرف دولت ترکیه دریافت داشته بود که طبق گفته سفیر در دولت ترکیه این مقدار پول به آسانی استخراج نمی‌شود.

پس از برکناری شهردار نیک پی در سال ۱۹۷۷ و روی کار آمدن شهردار شهرستانی، او با شهردار جدید ملاقات کرد تا کار خود را در مورد سفارت ادامه دهد. ولی شهردار جدید و کارمندان وی نتوانستند پرونده‌های مربوط به فروش زمین به سفارت ترکیه و انتقال آن را به شهرستان پهلوی پیدا کنند. سفیر این موضوع را در وزارت امور خارجه مطرح کرد و از وی خواسته شد که مختصراً و کتباً مطلب را گزارش کند. پس از آن دو یادداشت دیگر نیز ارسال داشته است، ولی هنوز از وزارت امور خارجه در این زمینه چیزی نشنیده است. وی پس از آن گفت: «اکنون من به آنکارا چه جوابی بدهم؟ آیا به آنها بگویم که با یک عده احقر طرف شده‌ام؟ چطور ممکن است که موضوعی بین سران دولت تا این حد مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد و ناگهان همه جزئیات آن از بین برود؟»

سند شماره (۱۳)

تاریخ: ۱ تیرماه ۱۳۵۷ - ۲۲ ژوئن ۱۹۷۸
 از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
 به: سفارت آمریکا در آنکارا با اولویت
 رونوشت: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: ملاقات نخست وزیر اجویت و وزیر خزانه‌داری آمریکا، بلومنتال

۱- نخست وزیر اجویت در تاریخ ۱۵ خرداد با وزیر خزانه‌داری بلومنتال ملاقات کرد. طرف ترک ملاقات، وزیر خارجه آگان، وزیر دفاع السیک، وزیر خزانه‌داری ژنرال کوکساواس، و سفیر اسنبل شرکت داشتند. در بخش آمریکایی ملاقات معاون وزیر خزانه‌داری سولومون، سفیر اسپایرز، دستیار ویژه وزیر فیشر و بلیک مقام رابط خزانه‌داری در ترکیه حضور داشتند.

۲- نخست وزیر با نگرشی کلی به اوضاع اقتصادی ترکیه بحث را آغاز نمود. وی گفت که ترکیه در حال گذار از یکی از وخیمترین بحرانهای اقتصادی تاریخ خود می‌باشد و به نظر وی بحران به اوج خود رسیده است. وی این بحران را ناشی از چند عامل خارجی و داخلی دانست. در بخش داخلی، عدم مدیریت صحیح اقتصادی نقش مهمی را به عهده دارد و در بخش خارجی عواملی چون افزایش قیمت نفت، تورم جهانی و عقب افتادگی اقتصادی و «تاثیرات جنبی» تحریم تسلیحاتی نیز تأثیر بسزایی داشته‌اند.

۳- نخست وزیر تلاش دولت خود را در حل این بحران، افزایش پس‌انداز و انتقال آنها به بخشهای مولدتر توصیف کرد. وی گفت در نتیجه این تلاشها اعتماد جامعه بین‌الملل به ترکیه بیشتر می‌شود و در این رابطه به نقش مهم قرارداد صندوق بین‌المللی اشاره کرد.

۴- نخست وزیر به تفصیل به شرح امکانات اقتصادی ترکیه پرداخت و از دورنمای صنعتی، جامعه باز، منابع طبیعی «معقول» و جهانگردی صحبت کرد. وی گفت که دولتش در نظر دارد از این امکانات به سرعت استفاده کند. این امر نیز دوباره سازماندهی اقتصاد را در صادرات و حذف مشکلات در برمی‌گیرد. وی از تأکید دولت ترکیه بر ایجاد صنایع جایگزین‌کننده واردات که به نظر وی در بسیاری موارد «همان ادامه دهنده سیاست وارداتی است» انتقاد کرد.

۵- با پرداختن به اقدامات اجرایی مورد نظر دولت، نخست وزیر از اصلاح قوانین مالیاتی گسترده، گفتگو با بزرگترین اتحادیه کارگری ترکیه در مورد «یک قرارداد اجتماعی» و فعال‌سازی دوباره کنسرسیوم سازمان همکاری و عمران اقتصادی یاد کرد. نخست وزیر گفت مقادیر هنگفتی از اعتبارهای تضمین نشده هنوز به صورت یک مشکل عظیم باقی مانده و او امیدوار است که اعضای کنسرسیوم سازمان همکاری و عمران اقتصادی بتوانند در این زمینه مثمرتر واقع شوند و در رابطه با حل این مشکل از یک «نهاد مالی» تحت‌الحمایه خزانه‌داری آمریکا یاد کرد.

۶- نخست وزیر گفت که مذاکرات با بانکهای خصوصی ادامه دارد و نسبت به نتایج آنها خوش‌بین است. وی از وام احتمالی ۵۰۰ میلیون دلاری اروپا به عنوان حداقل نیاز برای اعاده تولید یاد کرد و گفت که امیدوار است وزارت خزانه‌داری آمریکا بانکهای آمریکایی را به دادن وام در این جهت تشویق نماید. وی گفت، بانک مرکزی ترکیه در رابطه با گرفتن وام با بانک بین‌المللی تماس گرفته است و بانک فدرال آمریکا نیز می‌تواند در این زمینه نقش خطیری را به عهده گیرد. وی از خزانه‌داری خواستار کمک در زمینه دوباره فعال شدن بانک صادرات و واردات در ترکیه شد. این گونه اقدامات می‌تواند ترکیه را در حل مشکلات

مربوط به ارز خارجی یاری دهد.

۷- وزیر بلومنتال گفت آمریکا از اینکه ترکیه، با صندوق بین‌المللی پول به توافق رسیده بسیار خوشنود است و به نظر وی همین توافق کلید تمام کمکهای مالی دیگر است. وی پس از آن از نخست‌وزیر پرسید که دستیابی به اهداف صندوق بین‌المللی پول تا چه حد مشکل است. نخست‌وزیر اجویت پاسخ داد که ترکیه قبلاً نیز نشان داده است که قدرت صرفه‌جویی و «کانالیزه کردن» اعتبار را دارد. به نظر وی مهمترین اقدام افزایش ارز خارجی ترکیه در جهت از بین بردن مشکلات واردات می‌باشد.

۸- وزیر بلومنتال یادآور شد که گویا نخست‌وزیر اجویت از طرز برخورد بانکداران نیویورک در رابطه با کمک به ترکیه خوشحال است. معاون وزیر کوساواس گفت که بانکهای مهم در مدت کوتاهی پیشنهاد خود را مطرح خواهند کرد. معاون وزیر سولومون سؤال کرد که آیا ترکیه از دولتهای اروپایی نیز درخواست کمک کرده است. نخست‌وزیر گفت که آلمان غربی و اتریش پیشنهاد کمک کرده و صندوق بازسازی و عمران بین‌المللی نیز قرار است به ترکیه وامی بدهد.

۹- وزیر بلومنتال گفت که آمریکا تا جایی که بتواند کمک خواهد کرد و قرارداد صندوق بین‌المللی پول و اجزای آن نیز از اهمیت بسیار برخوردار است، چون کارهای دیگر را امکان‌پذیر ساخته است. نخست‌وزیر گفت که صادرات ترکیه در آوریل و می سال جاری افزایش یافته و پولهای ارسالی کارگران ترکیه از خارج نیز رو به افزایش است. وی گفت که دولتش در نظر دارد کارگران صاحب ارزهای خارجی را به سرمایه‌گذاری در ترکیه تشویق نماید. وزیر بلومنتال گفت در حالی که بخش اعظم پولهای کارگران از آلمان غربی می‌رسد، تسریع فعالیت اقتصادی در این کشور به ترکیه کمک خواهد کرد و نخست‌وزیر نیز با این عقیده ابراز توافق نمود.

۱۰- معاون وزیر سولومون در مورد مشکلات مربوط به اجرای قرارداد صندوق بین‌المللی پول سؤال کرد. نخست‌وزیر گفت مردم از زمان به قدرت رسیدن دولت تأثیر افزایش قیمت‌ها را احساس کرده و قبول دارند که تقصیر پیدایش تورم متوجه دولت وی نیست. وی گفت که بنا به عقیده وی مردم در بقیه طول سال این وضع را خواهند پذیرفت، ولی لازم است که وضع بهبود بیشتری پیدا کند. وی باز دیگر اقدامات مورد نظر دولت خود را گوشزد کرد و گفت که باید موانع موجود بر سر راه صادرات از بین برود. وی گفت که دولتش از حمایت «اکثریت» برخوردار است و با مردم رابطه خوبی برقرار کرده.

۱۱- معاون وزیر سولومون از نخست‌وزیر سؤال کرد که دولت وی برای بازسازی میان‌مدت و درازمدت اقتصادی چه برنامه‌هایی دارد. نخست‌وزیر پاسخ داد که این بازسازی از طریق گسترش صادرات صورت خواهد گرفت تا ترکیه بتواند از موقعیت جغرافیایی خود که همانا نزدیکی به بازار خاورمیانه است، بهره‌برداری نماید. بخش خصوصی نیز می‌تواند نقش مهمی را ایفا کند و دولت وی نیز در رابطه با همکاری بخشهای خصوصی خارجی «دچار عقده» نیست. وزیر بلومنتال سؤال کرد که کدامیک از صادرات خاص ترکیه می‌تواند به بازار خاورمیانه راه یابد. نخست‌وزیر پاسخ داد که صنایع فولاد و ذوب آهن، صنایع ساختمانی و الکترونیک مهمترین صادرات این کشور می‌باشند. وی گفت ترکیه می‌تواند از همکاری در زمینه تولید تجهیزات نظامی نیز سودمند گردد. وی در همین زمینه با وزیر دفاع آمریکا، براون گفتگو کرده بود.

۱۲- وزیر بلومنتال در مورد برنامه‌های دولت ترکیه در برخورد با تورم سؤال کرد. نخست‌وزیر گفت

که شرح این برنامه مشکل است و بستگی به «توازن عرضه و تقاضا» در منطقه دارد. ارزش خارجی بیشتر اوضاع را آرام تر خواهد کرد و اجازه خواهد داد که واردات ضروری در زمینه تولید تأمین شود. وی گفت میزان تورم در سال گذشته حدود ۵۰ درصد بوده و او امیدوار نیست که «نتایج بسیار مثبتی» در سال جاری پدید آید.

۱۳- وزیر بلومنتال در مورد بررسی صندوق بین المللی پول از عملکرد ترکیه سؤال کرد. نخست وزیر گفت که صندوق بین المللی پول اوضاع را زیر نظر خواهد گرفت و معاون وزیر کوکساواس گفت که نمایندگان مالی در آخر سال جاری بررسیهای جدیدی را به عمل خواهند آورد. معاون وزیر سولومون گفت که در بسیاری موارد صندوق بین المللی پول با تأخیر عمل می کند. نخست وزیر توافق کرد و گفت دولت پیشین حدوداً یک سال را تلف کرده بود.

۱۴- وزیر بلومنتال به عنوان حسن ختام گفت آمریکا هر کاری خواهد کرد. تا بتواند به ترکیه کمک کند. ما اوضاع را از نزدیک زیر نظر داشته و امیدواریم بانکهای خصوصی نیز بتوانند کمک کنند. وزیر خارجه آکان سؤال کرد که آیا آمریکایی می تواند از ایران و کویت بخواهد که کمکهای مالی در اختیار ترکیه قرار دهند. وزیر بلومنتال گفت که این کشورها خودشان در این رابطه تصمیم می گیرند. نخست وزیر اجوبیت گفت وزیر دارایی ترکیه با وزیران دارایی کویت و عربستان تماس گرفته و تلاشهای آمریکا در این زمینه مفید واقع نخواهد شد. وزیر بلومنتال گفت اگر کویت و عربستان سعودی کمک مالی به ترکیه می دادند ما مشکلی نداشتیم. ولی در هر حال این کشورها خودشان باید تصمیم بگیرند. اگر این کشورها از ما نظرخواهی کنند، ما به آنها جواب مثبت خواهیم داد. ونس

سند شماره (۱۴)

تاریخ: ۱۵ تیر ماه ۱۳۵۷ - ۶ ژوئیه ۱۹۷۸ طبقه بندی: محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. - فوری

موضوع: قرارداد تجاری جدید ایران و ترکیه

۱- نمایندگان ایران و ترکیه در اینجا به خاطر انعقاد قرارداد تجاری جدید و مهم بین دو کشور که طی آن ایران به مدت یکسال حدود یک میلیون تن نفت خام و نیم میلیون تن نفت سوختی در ازای محصولات کشاورزی و مقداری محصولات صنعتی (شیشه و سیمان) به ترکیه خواهد داد، جشن گرفته اند. این قرار داد در مطبوعات انگلیسی زبان ۵ ژوئیه تهران گزارش شده که وزیر امور اقتصادی ترکیه حکمت ستین و وزیر امور اقتصادی و دارایی ایران یگانه آن را امضاء کرده اند.

۲- معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی به مقام سفارت گفت قرارداد مزبور یک قرارداد تهاتری نیست. وی گفت دولت ایران در مورد کمیت، تاریخ تحویل و قیمت محصولات ترکیه که به ایران صادر خواهد شد باید به توافق برسد. در همان حال نمایندگان ترکیه نیز باید پیرامون تاریخ ارسال و جزئیات نفت خام (نسبت اختلاط نفت سنگین و سبک) و سوخت ایرانی مذاکره نمایند. قیمت نفت خام همان قیمت تعیین شده توسط اوپک خواهد بود لیکن قدری «هزینه مالی» در اختیار ترکیه قرار داده خواهد شد (به صورت تخفیف جزئی). ارزش کل این قرارداد حدود ۱۵۰-۱۴۰ میلیون دلار است و باید در مدت یک سال کاملاً به اجرا درآید.

ناس

سند شماره (۱۵)

تاریخ: ۲۲ تیرماه ۱۳۵۷-۱۳ ژوئیه ۱۹۷۸
از: سفارت آمریکا در آنکارا

طبقه‌بندی: محرمانه
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: پیشرفت مذاکرات ترکیه و عرضه کنندگان نفتی

خلاصه: ترکیه در تلاش است تا با انعقاد قراردادهای پرداخت دوجانبه، تداوم واردات نفتی خود را تضمین نماید. ایران توافق کرده است که در رابطه با نفت خام و نفت سوختی ایرانی به ترکیه اعتبار دهد، و صادرات ترکیه را نیز بپذیرد. ترکیه با یک هیئت نمایندگی عراقی در حال مذاکره است و امیدوار است بتواند حدود نیمی از قروض نفتی خود به عراق را از طریق صادرات خود بپردازد. (پایان خلاصه)

۱- پس از امضای یک قرارداد پنجساله دو جانبه تجاری و اعتباری با لیبی در ماه می و قرارداد سه ساله تجارت تهاتری با شوروی در ماه ژوئن، ترکیه جهت تضمین ادامه واردات نفتی خود به دو کشور نفتی دیگر روی آورده است. ایران در تاریخ ۱۳ تیرماه توافق کرد که در سال آتی صدور ۱/۵ میلیون تن نفت خام و نفت سوختی خود به ترکیه را از نظر منابع مالی تضمین نماید و مقادیر نامشخصی از صادرات ترکیه را نیز بپذیرد. در تاریخ ۱۹ تیرماه ترکیه مذاکرات خود را با یک هیئت عراقی به این امید که بتواند حدود نیمی از بدهیهای نفتی ترکیه را در دو سال آتی از طریق صدور کالاهای ترکیه و تأمین منابع مالی باقیمانده بپردازد، آغاز نمود. ترکیه می‌خواهد عراق را که مهمترین تأمین کننده نفتی آن کشور است متقاعد سازد که صادرات نفتی به ترکیه را که آغاز سال ۱۹۷۸ متوقف شده بود، از سر بگیرد.

۲- یک هیئت ترکیه‌ای به سرپرستی ستین وزیر کشور ترکیه در تاریخ ۱۳ تیرماه در تهران سه قرار اقتصادی را امضاء نمود. طبق این قراردادها ایران علاوه بر فروش نفت به ترکیه، اعتبار لازم را جهت صادرات ترکیه به ایران، و همکاری نزدیکتر دوجانبه اقتصادی دو کشور نیز افزایش خواهد یافت.

۳- طبق قرارداد عرضه نفت منعقد بین پالایشگاه دولتی ترکیه (ایرپاس) و شرکت ملی نفت ایران، ایران تصمیم گرفته است در ۱۲ ماه آینده یک میلیون تن نفت خام و ۵۰۰/۰۰۰ تن سوخت نفتی به ایرپاس یعنی بزرگترین پالایشگاه نفتی ترکیه بفروشد. در این قرارداد کیفیت نفت ایران و مقررات حمل و نقل نیز مشخص شده است. نفت به قیمت تعیین شده توسط اوپک خریداری خواهد شد.

۴- بر اساس یک قرارداد اعتباری، وزارت دارایی ایران و مدیر کل همکاریهای فنی صنعتی به بانک مرکزی ترکیه اعتباری معادل تمام هزینه خرید نفتی ترکیه از ایران خواهد داد. طبق این قرارداد بانک مرکزی ترکیه موظف خواهد بود، چهارده ماه پس از دریافت هر محموله نفتی هزینه کامل و بهره مورد نظر هر محموله را بپردازد. نرخ بهره سالانه ۶ درصد خواهد بود.

۵- چهارچوب قرار داد بین دولت ترکیه و ایران خواستار صدور کالاهای ترکیه به ایران و همکاری اقتصادی دوجانبه شده است. ترکیه امیدوار است که با صدور سالانه سیمان، شیشه، گندم، جو و مرکبات، گوشت و گوسفند زنده به ایران حدود ۱۰۰ میلیون دلار عاید خود سازد. رابطهای سفارت در تأیید این مطلب گفته‌اند که قیمت صادرات در رابطه با قیمت مورد توافق، کیفیت، و کمیت (مرجع الف) پرداخت خواهد شد. دو دولت مزبور در زمینه جهانگردی، مخابرات، ترابری، و پرورش دام، همکاری خواهند کرد.

۶- در بخش دیگر، یک هیئت عراقی به سرپرستی معاون وزیر بازرگانی با دولت ترکیه در تاریخ ۲۳-۱۹ تیرماه در آنکارا پیرامون صادرات ترکیه به عراق در دو سال آتی به گفتگو نشست است، که این

خبر نیز توسط نیلوفر یاسین که یک منبع مؤثق است در یکی از مقالات روزنامه طرفدار دولت بنام ملیت در تاریخ ۲۱ تیرماه درج شده است. بنا به گزارش یاسین هیئت عراقی موضوع باز پرداخت ۳۳۰ میلیون دلار قروض نفتی ترکیه را به اجلاس بعدی خود در بغداد موکول نمود. علاوه بر این، به گفته وی، تا زمانی که رابطه‌های سیاسی در سطوح عالی‌رتبه برقرار شود، عراق صدور نفت خام به ترکیه را از سر نخواهد گرفت. بنا به گزارش ترکها سعی دارند در دو سال آتی حدود ۱۵۰ میلیون تا ۱۶۰ میلیون دلار کالا را به عراقی صادر نمایند، که نیمی از مقداری است که عراقیها قادرند در «سال جاری» خریداری نمایند. طبق اظهارات یاسین، عراقیها به سیمان و مواد غذایی ترکیه نیاز دارند، لیکن ترکها سعی دارند عراق را به وارد کردن کالاهای با دوام مصرفی از ترکیه متقاعد سازند.

۷- اظهار نظر ایران متخصص امور نفتی وزارت خارجه سانلی تریوزکوگلو گفت که قراردادهای نفتی و اعتباری منعقد با ایران به محض تکمیل «اقدامات رسمی دولتی» به اجرا در خواهد آمد. و این کار احتمالاً حدود ۲ تا ۳ هفته به طول خواهد انجامید. تریوز اوغلو که از مذاکرات مربوطه در تهران بازگشته تا به مذاکره با عراق بپردازد، انتظار دارد که تانکرهای نفتکش ترکیه در مدت کوتاهی عازم خلیج فارس شوند. گرچه این گونه قراردادهای فوراً در مطبوعات ترکیه منعکس می‌گردد، ولی وی فکر نمی‌کند که قراردادهای ایران و ترکیه منتشر شوند. با این حال مشاورین حقوقی ترکیه خواهند توانست پیرامون آن اظهار نظر نمایند. بر اساس مرجع ج ما فکر می‌کنیم که ایران به جای ترکیه خواهان محرمانه ماندن این قراردادها شده است.

۸- ترکیه ظاهراً با انعقاد این قراردادها توانسته است بر وقفه پیش آمده بر روابط اقتصادی خود با ایران فائق آید. تاکنون ایران اصرار داشته است که ترکیه در ازای نفت ایران وجه نقد بپردازد (مرجع ج). ترکیه نیز موفق شده است مهلت بازپرداخت را تا چهارده ماه دیگر تمدید نماید که در رابطه با پرداختهای نفتی ترکیه حدود ۱۳۵ تا ۱۵۰ میلیون دلار خواهد بود. این گونه اعتبار کوتاه مدت همان چیز مورد نظر ترکیه است و نرخ بهره ۶ درصد نیز بسیار پایین است. ولی هنوز معلوم نیست که ایران آیا مایل است به قراردادهای پرداختی دراز مدت تری که ترکیه و لیبی و شوروی منعقد ساخته‌اند تن دهد یا خیر (محض اطلاع شما: در تاریخ ۲۰ تیرماه مطبوعات ترکیه گزارش دادند که برنامه اعتباری نامحدود ۱۰۰ میلیون دلاری لیبی تا ۹ مرداد ماه با نرخ بهره ۸/۵ درصد ارائه خواهد شد و قرارداد سه ساله تجاری ترکیه و شوروی در تاریخ ۲۹ مردادماه منعقد خواهد شد).

۹- میزان نفتی که ایران تأمین منبع مالی آن را به عهده گرفته ۱۵ درصد کمتر از واردات نفتی ترکیه از ایران در سال گذشته (۱/۸ میلیون تن) می‌باشد. اگر ترکیه تنها نفت پیشنهادی ایران را خریداری می‌کرد، صادرات ایران ۸ درصد واردات نفت خام سالانه و حدود ۳۰ درصد واردات سالیانه نفت سوختی ترکیه را شامل می‌باشد. برای اولین بار بخشی از صادرات نفتی ایران به ترکیه را نفت سوختی تشکیل خواهد داد. صدور ۵۰۰/۰۰۰ تن سوخت نفتی ایران به ترکیه اجازه خواهد داد که واردات خود را به سطح ۵۰ درصد بیش از ۱۹۷۷ برساند و روند چند سال گذشته را نیز حفظ کند. (محض اطلاع شما سوخت نفتی اصولاً در رابطه با تأمین نیروی برق و حرارت مورد نیاز منازل استفاده می‌گردد).

۱۰- بنا به گفته تریوز اوغلو قرارداد ترکیه و ایران رابطه مستقیمی بین صادرات نفتی ایران به ترکیه و صادرات ترکیه به ایران ایجاد نمی‌کند. در نتیجه قراردادهای ایرانی از نظر سفارت نوعی قرارداد تهاتری

مشابه قرارداد ترکیه و لیبی که در آن میزان کالاهای صادراتی ترکیه به لیبی مشخص شده، نمی‌باشد (مرجع د). السیل اویمین دبیر کل خزانه‌داری ترکیه در گفتگوی اخیر خود با مقام سفارت گفت که قراردادهای ترکیه با لیبی و ایران در رابطه با وارد کردن نفت و صدور کالاهای دیگر نباید موجبات نگرانی صندوق بین‌المللی پول را فراهم آورد، چون آنها اعضای همین صندوق هستند.

۱۱- تنها نشانه‌ی تعهد ترکیه در قبال ایران در ازای این اعتبارهای نفتی در اشاره به همکاری دوجانبه در بخش ترابری مشهود است. ممکن است ترکیه توافق کرده باشد که در رابطه با کامیونهای ایرانی که از شاهراههای ترکیه عبور می‌کنند به ایران امتیازی بدهد. همین موضوع در زمینه روابط ایران و ترکیه موجب رنجش خاطر بسیار شده بود و باعث شده بود که ۱/۲ میلیارد دلار وام عمرانی ایران به ترکیه صادر نگردد.

۱۲- عراق. با وجود اینکه قراردادهای ترکیه و ایران به وضوح نوعی موفقیت را نشان می‌دهد، لیکن مهمترین تأمین کننده نفتی ترکیه عراق است که در سال ۱۹۷۷ معادل ۵۶ درصد از نفت خام ترکیه (۶/۶ میلیون تن) را تأمین می‌کرده است. از زمان توقف صدور نفت عراق به ترکیه در آغاز سال ۱۹۷۸ ترکیه مجبور شده است بخش اعظم واردات نفتی خود را از طریق بازار سیاه تهیه نماید. به همین دلیل، گفتگوهای جاری عراق و ترکیه بسیار بحرانی و خطیر می‌باشند. این گفتگوها در مقایسه با ایران در سطح پایین تری صورت می‌گیرد و عنوان «مذاکرات فنی» به خود گرفته است. مطبوعات ترکیه نیز با خوش بینی خاص خود امیدوارند که خط لوله نفتی عراق به ترکیه تا اواخر ژوئیه کار خود را از سر بگیرد. ولی سفارت معتقد است که حل مشکلات مالی و بازرگانی عراق و ترکیه چندین ماه طول خواهد کشید.

۱۳- نماینده محلی سیتی بانک در تاریخ ۱۹ تیر ماه به مقام سفارت گفت که وی فکر می‌کند، دو طرف ممکن است درباره دریافت وام از این بانک توسط بانک مرکزی ترکیه گفتگو نمایند، تا تمام و یا بخشی از هزینه نفتی عراق پرداخت گردد. سیتی بانک نیز از عراق خواسته است که این وام را تضمین نماید. اگر یاسین درست گفته باشد این موضوع در آنکارا مطرح نخواهد گردید. ترکمن در تاریخ ۲۱ تیر ماه گزارش داد که یدنیز بیگال، وزیر انرژی دعوت شده است تا جهت بحث و تبادل نظر پیرامون وام نفتی به بغداد سفر کند.

۱۴- سفارت اطلاعاتی در مورد نتیجه مذاکرات با عراق به دست خواهد آورد و گزارش خواهد نمود.

دیلون

سند شماره (۱۶)

تاریخ: ۲۲ تیر ماه ۱۳۵۷ - ۱۳ ژوئیه ۱۹۷۸
از: سفارت آمریکا در آنکارا

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

به: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: تورگوت تولومن، سفیر جدید ترکیه در ایران

۱- برای تورگوت تولومن که یک دیپلمات ۴۹ ساله استثنائی است و در دو سال گذشته یکی از مهمترین شغل‌های وزارت خارجه ترکیه را در رابطه با امور قبرس و یونان عهده دار بوده، تهران اولین پست سفارت می‌باشد. وی به ما گفته است که بهبود روابط ترکیه و ایران را ارجح می‌داند و تصمیم گرفته است که برای پیدایش این بهبود از هیچ کاری فروگذار ننماید. وی در ماه اوت جهت عهده‌دار شدن سمت جدید

رهسپار تهران خواهد گردید.

۲- سوابق شخصی تولومن مشابه مشخصات افراد ترکیه‌ای موجود در بخش شرقی آمریکاست. وی در استانبول متولد شده و تحصیلات متوسط را در گالاتاساوی لیسه استانبول گذرانیده و در دانشگاه آنکارا در دانشکده علوم سیاسی تحصیل نموده است. پس از پیوستن به وزارت امور خارجه در سال ۱۹۵۲ وی تجارب بسیاری در زمینه اقتصادی، سیاسی، مطبوعاتی و امور ناتو کسب کرده است. وی در خارج از ترکیه در واشنگتن، نیکوزیا، آتن و بروکسل (ناتو) خدمت کرده است. وی در سال ۱۹۷۳ سرپرستی هیئت نمایندگی ترکیه را در مذاکرات مقدماتی کاهش توازن نیروی دو جانبه به عهده داشت، و در سالهای ۷۶-۱۹۷۴ معاون سخنگوی وزارت امور خارجه ترکیه بود.

۳- هنگام تصدی دبیر کل امور قبرس یونان در سال ۱۹۷۶، او به ما گفته بود که ما می‌توانیم روی پر کاری وی در حل مسئله قبرس حساب کنیم، وی گفت که تلاش خواهد کرد روشهای انعطاف‌جویانه‌تری را پدید آورد. به نظر ما در رابطه با محدودیت‌های سیاسی و تصمیم‌گیری محافظ ترکیه وی تا حدود زیادی به این وعده خود عمل کرده است. معذالک وی را یک چک و چانه زن بسیار سرسخت یافته‌ایم، که تحت فشار تسلیم نمی‌شود. گرچه روش او در رابطه با بعضی مسائل بسیار تندتر بوده است. ولی وی شدیداً تلاش کرده است که یک توافق بوروکراتیک در حمایت از انعطاف‌پذیری و سازش پدید آورد. وی بیش از اکثر همکارانش در جستجوی ابتکارهای خلاق است و در بسیاری از موارد ما و او توانسته‌ایم بحثهای مفیدی انجام داده و توصیه‌های مثمر ثمری را در رابطه با اقدامات در سطوح عالی‌رتبه ارائه نماییم. او به آسانی خشمگین می‌شود و با صراحت از سیاستهای آمریکا انتقاد می‌کند. ولی لحن انتقاد وی توأم با یأس است نه سرزنش و بدون عصبانیت به انتقادهای طرف مقابل گوش می‌دهد. او با صحت تمام موضع دولت ترکیه را منتقل کرده و ظاهراً موضع ما را نیز بدون کم و کاست گزارش می‌کند. او دارای نظریات بسیار وسیع و کامل سیاست‌گرایانه است و در مورد نحوه کار دولت‌ش نیز اطلاع کامل دارد.

۴- هواداری حزبی تولومن روشن نیست. در امور مربوط به قبرس و یونان، و با دولتهای دو حزب مهم همکاری بسیار صمیمانه داشته است. با وجود اینکه همیشه یکی از عکسهای نخست وزیر پیشین دمیرل را در اتاق پذیرایی خود دارد، ولی با نخست وزیر اجویت نیز که تلاش کرده است، شخصاً نقشی نیرومند را در تصمیم‌گیری پیرامون مسئله قبرس و روابط ترکیه و یونان ایفا نماید، همکاری صمیمانه داشته است.

۵- تولومن و همسرش به خوبی به زبان انگلیسی تکلم می‌کنند. همسر وی یک میزبان خوب و متعادل است، تنها فرزند آنها که یک دختر ۲۳ ساله است یک هنرمند با ذوق است (وی اخیراً به کمک ما نمایشگاهی از آثار خود را در انجمن ترکیه و آمریکا برگزار کرد) و به همین زودیها ازدواج خواهد کرد. خانواده تولومن از آرامش بسیار خوششان می‌آید و از هنر و موسیقی کلاسیک لذت می‌برند، و میهمانیهای زیادی برگزار می‌کنند و مانند تمام مردم ترکیه عاشق ورق بازی هستند.

۶- تولومن در انتصاب جدید خود از هوش و ذکاوت، تجربه، صراحت، حس سیاسی و اطلاعات مربوط به نحوه انجام کار در آنکارا استفاده خواهد کرد. وی احتمالاً از حمایت اجویت نیز برخوردار خواهد بود. به نظر ما، شما از همکاری و آشنایی با وی لذت خواهید برد.

دیلون

سند شماره (۱۷)

تاریخ: ۶ مرداد ۱۳۵۷ - ۲۸ ژوئیه ۷۸
از: سفارت آمریکا در آنکارا
رونوشت: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: بهبود روابط ترکیه با عرضه کنندگان نفت

خلاصه: در بهبود بخشیدن به روابط اقتصادی خود با سه کشور صادر کننده نفت (لیبی، ایران، و شوروی) ترکیه پیشرفتهایی کرده است. لیکن روابط ترکیه و عراق که تا سال جاری مهمترین صادر کننده نفت به این کشور به حساب می آمد، پیشرفت چندانی نداشته است. ترکیه در حال حاضر از لیبی به طور نسبی نفت دریافت می کند و شورای وزیران ایرانی نیز گویا اعطای ۱۵۰ میلیون دلار اعتبار نفتی به ترکیه را تصویب کرده است. و ترکیه نیز به زودی از شوروی نفت وارد خواهد کرد. در همین حال، روابط ترکیه و عراق ظاهراً متوقف شده است تا دو کشور بتوانند پیرامون قیمت کالاهای صنعتی و کشاورزی صادراتی توسط ترکیه در سفر هیئت نمایندگی بازرگانی عراق در تاریخ ۲۳-۱۹ تیرماه به توافق دست یابند. پایان خلاصه

۱- تلاش ترکیه در بهبود روابط اقتصادی خود با ایران، لیبی و شوروی در حال به ثمر رسیدن است، لیکن در رابطه با عراق این پیشرفت با کندی بسیار رو به تحقق است.

۲- ترکیه بر اساس قرارداد ۵ ساله تجاری و اعتباری منعقد با لیبی در خرداد ماه (مرجع ج) از این کشور نفت خام دریافت می کند. معاون سرپرست بانک مرکزی ترکیه، ناسی تیبیت جزئیات ذیل را در مورد توافق اعتباری در اختیار مقام سفارت قرار داد.

(۱) بانک عرب - ترکیه در تاریخ ۹ مرداد ماه ۱۳۵۷ در استانبول افتتاح خواهد شد

(۲) لیبی در نظر دارد مفاد قرارداد را تا ۱۶ مرداد ماه در اختیار این بانک قرار دهد تا این بانک نیز بتواند در تاریخ ۱۹ مرداد ماه معادل ۱۰۰ میلیون دلار اعتبار نامحدود به ترکیه بدهد.

(۳) این اعتبارها به منظور نیازهای ضروری ترکیه مورد استفاده واقع نخواهد شد؛

(۴) نرخ بهره ۷۵٪ بیش از ۸/۵ درصد گزارش شده در مرجع الف خواهد بود.

(۵) این اعتبار در طول پنج سال آتی باز پرداخت خواهد شد.

۳- مطبوعات ترکیه در تاریخ ۲۹ تیرماه گزارش کردند که شورای وزیران ایران صدور اعتبار ۱۵۰ میلیون دلاری را جهت بانک مرکزی به منظور تأمین هزینه واردات نفتی ترکیه از ایران که در تاریخ ۱۶ تیرماه (مرجع الف) پیرامون آن توافق شده بود تصویب کرده اند. ولی دولت ترکیه هنوز در رابطه با اینکه دولت ایران این مقدار اعتبار نفتی را به ترکیه خواهد داد اطلاعیه رسمی دریافت نکرده است.

۴- معاون رئیس شرکت نفت ترکیه اسماعیل کافه سی اوغلو در تاریخ ۴ مرداد ماه به مقام سفارت گفت که در طول سفر نخست وزیر اجویت به مسکو احتمالاً شوروی و ترکیه پیرامون جزئیات صادرات نفتی شوروی به توافق دست خواهند یافت (مراجع، د، ه، و، ز). کافه سی اوغلو گفت در قرارداد سه ساله تجاری که وزیر بازرگانی ترکیه قبلاً به مطبوعات در تاریخ ۲۹ تیرماه وعده اعلام آن را داده بود، به توافق برسند (مرجع الف)

۵- پس از یک هفته مشورت در آنکارا با دولت ترکیه در تاریخ ۲۳-۱۹ تیرماه (مرجع الف) یک هیئت

میان پایه بازرگانی عراق چون نتوانسته بود پیرامون قیمت کالاهای صادراتی صنعتی و کشاورزی ترکیه به عراق در دو سال آتی به توافق دست یابد به بغداد بازگشت. منبع این اطلاعات سانلی توپوز اوغلو، متخصص نفتی وزارت امور خارجه است. در طول این مشورت‌های بازرگانی، عراق توافق کرد که ۴۰۰/۰۰۰ تن گندم ترکیه را به همراه ۶۰ دستگاه اتوبوس به همراه مقادیر کمی عدس، فندق، پسته، و مقادیر نامشخص از ماشینها و یخچالهای ساخت آن کشور را خریداری نماید. منبع به مقام سفارت در تاریخ ۲ مرداد ماه گفت که طرفین توانسته‌اند تنها در زمینه ۵ میلیون دلار کالای صادراتی به توافق برسند. وی گفت دولت ترکیه اکنون منتظر دریافت پیشنهاد از سوی عراق در مورد قیمت گندم، سیمان، شیشه و اتومبیل ترکیه می‌باشد.

۶- طبق اظهارات توپوز اوغلو مذاکرات ترکیه و عراق شدیداً تجاری بوده و بین منافع صادراتی ترکیه و قروض نفتی این کشور به عراق رابطه‌ای ایجاد نشده است. وی در تاریخ ۳ مرداد ماه به مقام سفارت گفت تا زمانی که مذاکرات مربوط به بدهیهای نفتی ترکیه آغاز نشده، این رابطه نیز برقرار نخواهد شد. در مورد تخمین تاریخ آغاز این مذاکرات وی زحمت حدس زدن را به خود نخواهد داد، چون دعوت عراق از دنیز بیکال وزیر انرژی ترکیه برای سفر به عراق «در اولین فرصت» با تأخیر روبه‌رو شده است.

۷- توپوز اوغلو گزارش می‌دهد که معلوم نیست که عراق بار دیگر نفت خود را از طریق خط لوله به ترکیه ارسال خواهد نمود یا خیر؟ تنها واردات نفتی ترکیه از عراق از ابتدای سال جاری از طریق بازارهای سیاه (پرداخت وجه نقد) تأمین شده است که بنا به توضیح وی از طریق خط لوله به این کشور ارسال نمی‌گردد.

۸- یکی دیگر از منابع می‌گوید که ترکیه در زمینه ارتباط راه آهن بین عراق و ترکیه (مرجع ب) همیشه منتظر دریافت پیشنهاد از طرف عراق است. اردل کازکان سر مهندس وزارت ترابری در ۲ مرداد ماه به مقام سفارت گفت که قرار است یک گروه متخصص ترابری عراق در آینده از آنکارا بازدید کند تا پیرامون احداث خط آهن ۱۳۰ کیلومتری بین موصل عراق و نوصیبین ترکیه مذاکراتی به عمل آید. این راه آهن بین عراق و اروپا رابطه را که در آبان ۱۳۵۶ با اقدام سوریه در بستن راه آهن به روی قطارهای عازم عراق قطع شده بود، بار دیگر برقرار خواهد کرد. این راه آهن برای ترکیه بسیار حائز اهمیت است، چون پر کردن شکاف توسط کامیونهای ترکیه در برنامه کار تأخیرهایی ایجاد می‌کند.

۹- اظهار نظر: با وجود اینکه ترکیه در دعوی دسترسی به منابع نفتی خارجی پیشرفت می‌کند، ولی تا زمانی که نتواند قراردادهای اعتباری با عرضه کنندگان نفتی مهم چون عراق که ۶۵ درصد نیاز نفتی این کشور را در سال ۱۳۵۶ تأمین می‌کرد منعقد سازد، مجبور خواهد بود به بازار سیاه نفتی روی آورد. ترکیه علاوه بر تمایل خود به کاهش مخارج خود در زمینه ارز خارجی برای نفت، بنا به گفته معاون رئیس شرکت نفت ترکیه، این کشور به سه دلیل در نظر دارد با عراق قراردادهای مالی و بازرگانی نیز منعقد سازد:

(۱) می‌خواهد به این ترتیب از پرداخت هزینه اضافی در بازار سیاه جلوگیری به عمل آورد.

(۲) می‌خواهد عملکرد خط لوله ترکیه و عراق را به حداکثر ظرفیت برساند تا میزان عواید دریافتی از این طریق افزایش یابد.

(۳) و خطر تحت فشار قرار گرفتن فعالیت اقتصادی ترکیه را با جلوگیری از قطع عرضه نفت که ۸۶ درصد آن در حال حاضر وارد می‌شود، کاهش دهد.

۱۰- حسن کمال از بغداد در تاریخ ۱ مرداد ماه در نشریه چپگرایی جمهوریّت از بغداد «۲۳ ژوئیه» گزارش داد که دورنمای روابط عراق و ترکیه در بغداد مانند دورنمای آن در آنکارا چندان نوید بخش نیست. تحت عنوان «بادهای سرد و زنده در بغداد به جای آنکارا»، کمال می‌نویسد که به چند دلیل زیر یک دیوار سیاسی بین آنکارا و بغداد به وجود آمده است که عبارتند از: بدهیهای نفتی ترکیه، منحرف ساختن جریان آب دجله و فرات توسط ترکیه، عدم پیشرفت در توافق پیرامون خط آهن، و مشکلات مربوط به خط ترانزیت کامیونهای تی. آی. آر. طبق اظهارات کمال، احمد کیلالی وزیر فرهنگ ترکیه اخیراً به بغداد فرستاده شده بود، تا دلیل تعطیل مرکز فرهنگی ترکیه در کرکوک را جویا شود. با این وصف در این مقاله در مورد توضیحات ارائه شده و تمایل جاری عراق به همکاری ترکیه در کنترل کردهای ساکن مرز عراق و ترکیه مطلبی نوشته نشده است.

۱۱- مطبوعات ترکیه در تاریخ ۴ مرداد ماه گزارش خوش‌بینانه‌ای را منتشر کرده‌اند. در این گزارش آمده است که معاون دبیر کل حزب خلق جمهوریخواه کازکان قره‌گزاوغلو با دعوتنامه عراق از نخست‌وزیر، اجویت برای بازدید از عراق در رابطه با حیات تازه بخشیدن به روابط عراق و ترکیه از بغداد بازگشته است. قره‌گزاوغلو که سرپرستی هیئت ترکیه را در جشن دهمین سالگرد جمهوری عراق به عهده داشت گفته است که وی با مقامات عراق مذاکرات وسیعی انجام داده است، که طی آن شورای فرماندهی انقلابی عراق تصمیم گرفته‌اند، روابط عراق و ترکیه را بهبود بخشند. وی معتقد است که عراق دیون نفتی ترکیه را بار دیگر زمان بندی خواهد کرد و ارسال نفت از طریق خط لوله نفتی عراق و ترکیه را از سر خواهد گرفت.

۱۲- بیانات قره‌گزاوغلو امیدوار کننده است. ولی سفارت یادآور می‌شود که مطبوعات ترکیه فعلاً اعلام کرده بودند که مشورت‌های ۲۳-۱۹ مردادماه سرانجام در پایان تیرماه منجر به راه افتادن جریان نفت از طریق این خط لوله خواهد شد (مرجع الف). طبق انتظار سفارت رفع مشکلات مالی و بازرگانی ترکیه و عراق چندین ماه به طول خواهد انجامید. ولی دلیلی نداریم که پیرامون این گفته تویوز اوغلو که گفته بود، عراق و ترکیه باید اختلاف خود را در مورد قیمت صادرات ترکیه حل کنند، تردید داشته باشیم. همین بیانیه در تاریخ ۴ مرداد ماه توسط یلدریم آلپرگون مدیر فروش دفتر محصولات خاکی ترکیه تأیید شده است و وی اصرار داشت که ترکیه در صدور ۴۰۰/۰۰۰ تن گندم مورد توافق به عراق از طریق راههای خشکی و دریایی مشکلی نخواهد داشت و ترکیه به قدر کافی گندم در اختیار دارد که بتواند به تعهد خود در این زمینه عمل کند.

سند شماره (۱۸)

تاریخ: ۶ شهریور ماه ۱۳۵۷-۲۸ اوت ۷۸
از: سفارت آمریکا در آنکارا
رونوشت: سفارت آمریکا در تهران
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. فوری
طبقه‌بندی: محرمانه

موضوع: ترکیه با عراق قرارداد اقتصادی امضاء می‌کند

۱- طبق تأیید وزارت خارجه، ترکیه امروز یک قرارداد اقتصادی با عراق امضاء نمود (۳ شهریور ۱۳۵۷) که بر اساس آن عراق صدور نفت به ترکیه را فوراً از سر خواهد گرفت و بعضی از صادرات ترکیه را

نیز خواهد پذیرفت و علاوه بر این برای بازپرداخت قروض نفتی ترکیه به خود برنامه‌ریزی جدیدی را در پیش خواهد گرفت. مقام سفارت این اطلاعات را از طریق فرات اتمان، معاون سرپرست بخش امور نفتی اداره روابط دوجانبه اقتصادی وزارت امور خارجه به دست آورد که در مذاکرات دوجانبه مورخ ۴-۶ شهریور ماه نیز شرکت کرده بود. اتمان گفت که ترکیه و عراق بر سر اصل بهبود روابط دوجانبه سیاسی توافق کرده‌اند، ولی وی گفت در این قرارداد از طرف ترکیه هیچ گونه تعهدی نسبت به میزان آبی که باید از دجله و فرات وارد عراق شود نیامده است.

۲- رادیو و تلویزیون ترکیه امروز گزارش داد که انعقاد این قرارداد به ترکیه اجازه می‌دهد که از هم اکنون تا سال ۱۳۵۸ معادل ۶/۲ میلیون تن نفت خام از عراق وارد کند. بر اساس همین قرار داد ۳۲۰ میلیون دلار قروض نفتی ترکیه به عراق از طریق صدور کالاهای کشاورزی و صنعتی به عراق پرداخت خواهد شد.

۳- مطبوعات محلی در تواریخ ۶ و ۷ شهریور ماه جزئیات ذیل را منتشر نمودند. هیئت نمایندگی عراقی به سرپرستی عدنان حسین حمدانی وزیر نفت این کشور که عضو شورای فرماندهی انقلابی عراقی نیز می‌باشد، در تاریخ ۴-۶ شهریور ماه از آنکارا دیدار به عمل آوردند. این سفر به طور ناگهانی صورت گرفت و قبلاً پیش‌بینی‌هایی در مورد آن به عمل نیامده بود. دنیز بیگال، وزیر انرژی و منابع طبیعی ترکیه از این هیئت در فرودگاه استقبال نمود و پس از آن وزیر کشور حکمت ستین و وزیر امور خارجه گوندوز آکان با این هیئت مذاکره نمودند.

۴- اخبار مطبوعاتی حاکی از آن است که در هیئت نمایندگی عراق افراد متخصص نیز وجود داشتند که در مباحثات فنی کمیته‌های مربوطه شرکت جستند. این کمیته‌ها به ترتیب در مورد روابط اقتصادی، همکاری کشاورزی و عرضه نفت و آب تبادل نظرهایی انجام دادند.

۵- اظهار نظر: دولت ترکیه معتقد است که بالاخره توانسته است وقفه‌ای را که در روابط خود با عراق به وجود آمده بود به طور کامل از میان بردارد و امیدوار است که نفت عراق بار دیگر از طریق خط لوله کرکوک - اسکندرون در پایان ماه اوت به سوی ترکیه روان گردد. سفارت مطمئن است که عراق در ازای این امتیاز قیمتی را دریافت خواهد کرد. ولی هنوز نمی‌دانیم که این قیمت چیست. ترکیه نیز بنا به گزارش قول داده است که نیازهای آبی عراق را «درک» نماید. ولی این تضمین عادی نخواهد توانست شیرهای نفت را به احتمال زیاد باز کند. سفارت سعی خواهد کرد که قبلاً در مورد این قرارداد که در روزنامه گازت منتشر خواهد شد، اطلاعات بیشتری برای شما تهیه نماید.

۶- پاورقی ذیل می‌تواند جالب باشد. مخبر آسوشیتد پرس در آنکارا که همسر سرمهندس خط لوله است، به مقام سفارت در هفته گذشته گفت که در خط لوله مشکلات فنی به وجود آمده است. در واقع همسرش به آنجا اعزام شده تا این مشکلات را مرتفع سازد. وی اظهار داشت که علیرغم استفاده از بهترین مصالح در این خط لوله و تکمیل کار پس از مدت یک سال عملیات خط لوله به راحتی به راه نیافتاده است. مدت زیادی است که از این لوله نفتی عبور نکرده است. وی گفت ترکها مصرانه از عراق می‌خواستند که علیرغم عدم عبور نفت از این خط لوله، عراقیها نرخ ترانزیت را بپردازند. ظاهراً همین موضوع نیز در مذاکرات مورد بحث قرار گرفته است.

دیپلون

سند شماره (۱۹)

تاریخ: ۹ شهریور ماه ۱۳۵۷-۳۱ اوت ۱۹۷۸
از: سفارت آمریکا در آنکارا
رونوشت: سفارت آمریکا در تهران
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. - فوری
طبقه‌بندی: محرمانه

موضوع: قرارداد اقتصادی ترکیه و عراق ۲

خلاصه: در ازای تضمین شفاهی ترکیه که عراق را از آب مورد نیاز محروم نخواهد کرد و مبنی بر قرارداد کتبی که قروض نفتی خود به این کشور را از طریق صدور کالا خواهد پرداخت و هزینه خریدهای نفتی جاری خود را ۶۰ روز پس از دریافت محموله به عراق استرداد خواهد کرد، عراق نیز تقبل کرده است که نقش خود را به عنوان مهمترین صادر کننده نفت به ترکیه در سال ۱۳۵۸ بار دیگر از سر بگیرد. قرار دادن مربوط به نفت، آب و حل مشکلات باز پرداخت سبب شده است که در روابط اقتصادی و سیاسی عراق و ترکیه روحی تازه دمیده شود. به همین دلیل نخست وزیر اجویت در دو ماه آینده از عراق بازدید به عمل خواهد آورد. لیکن اگر ترکیه نتواند به تعهدات خود در زمینه مقررات باز پرداخت بدهیها عمل کند، بهبود در روابط ممکن است از بین برود. (پایان خلاصه)

۱- بنا به اظهارات فرات اتمان مقام نفتی وزارت خارجه ترکیه، عراق نیز در مذاکرات انجام شده در آنکارا در تاریخ ۳۱ مرداد تا ۳ شهریور ماه در قبال توافقات شفاهی - کتبی بین دو کشور شرایط سختی را به ترکیه تحمیل کرده است.

۲- قراردادهای شفاهی: با وجود اینکه در مورد حقوق آبی عراق کتباً چیزی نوشته نشده (مرجع الف) ولی دولت ترکیه طی تضمینهای شفاهی اعلام کرده است که با احداث سد مورد نظر خود بر روی کراکیه نمی خواهد به عراق و یا یک کشور ثالث دیگر لطماتی را وارد سازد. ترکیه به عراق اطمینان داده است که از سد کراکیه تنها برای تولید نیروی برق استفاده خواهد کرد و نه برای آبیاری و علاوه بر این همین سد مانند سدکیان که احداث شده نقش کنترل کننده سیل را در مورد فرات سفلی ایفا خواهد کرد. (اظهار نظر: سفارت یاد آور می شود که منبع موجود در وزارت خارجه ممکن است از حدود تعهدات ترکیه در مورد مسئله آب با خیر باشد، چون وی قبلاً اظهار داشته بود که ترکیه و عراق در این مورد به توافق نرسیده‌اند (مرجع الف). ترکیه نیز در سال ۱۳۵۸ تنها به خاطر تضمینهای ارائه شده در مورد سد کراکیه از عراق نفت دریافت خواهد کرد. برای تمدید تاریخ صدور نفت نیز عراق ممکن است در مورد هر سد جدیدی که بخواهد توسط ترکیه ساخته شود، مایل به کسب امتیاز شود: چون ترکیه در نظر دارد یک برنامه وسیع را در زمینه آبیاری و تولید برق به مرحله اجراء در آورد. ولی دادن امتیاز ممکن است از نظر اقتصادی و سیاسی چندان هم به نفع ترکیه نباشد.)

۳- عراق نیز شفاهاً به ترکیه قول داد که با وجود عملکرد خط لوله با تمام ظرفیت عوارض لازم را خواهد پرداخت، و این امر در صورتی که عراق قادر به تداوم آن باشد یا نباشد ادامه خواهد یافت.

۴- قرارداد کتبی: در قرارداد کتبی دولت ترکیه تعهد کرد که هزینه نفت دریافتی خود را بر اساس شرایط بازرگانی که تنها، دارای دو ماه اعتبار است پرداخت نماید. ولی در این توافق میزان نفت عراقی که ترکیه وارد خواهد کرد، مشخص نشده است. وزارت خارجه گفت که میزان ۱/۲ میلیون تن در سال ۱۳۵۷ و ۵ میلیون تن در سال ۱۳۵۸ که از طرف منبع مطبوعات به نقل از وزیر انرژی ترکیه دنیز بیکال عنوان شده،

ممکن است بر تفاهم و توافق شفاهی استوار باشد (مرجع الف).

۵- منبع گفت بر خلاف ادعای مطبوعات، ترکیه توافق نکرده است که بدهیهای موجود نفتی خود به عراق (حدود ۳۰۰ میلیون دلار) را تا سال ۱۳۶۰ پرداخت نماید. وی گفت قادر نیست در مورد برنامه بازپرداخت نفتی ترکیه به عراق که در مورد آن توافق نشده، تبادل نظر نماید.

۶- طبق گفته اتمان، قرارداد کتبی بین بانکهای مرکزی دو کشور یک مکانیزم پرداختی ویژه را ایجاد می‌کند که بر اساس آن ترکیه از طریق منافع صادراتی خود، بدهیهای نفتی را به عراق پرداخت خواهد کرد. وی گفت این نوعی قرارداد پایاپای نیست بلکه مشابه قراردادهای ترکیه با ایتالیا و لیبی (مرجع ج) است. ۷- وزیر انرژی ترکیه در یک کنفرانس مطبوعاتی پس از تشریفات امضای قرارداد در ۳ شهریور ماه گفت که ترکیه قروض نفتی خود به عراق را از طریق گندم، نخود، لوازم خانگی و اتوبوس پرداخت خواهد کرد. صادرات گندم قرار است در سال ۱۳۵۸ به ۴۰۰/۰۰۰ تن و در طول هر دو سال بعدی سالانه به ۳۰۰/۰۰۰ تن برسد، مگر آنکه وضع محصول به ترکیه امکان دهد که میزان آنها را افزایش دهد.

۸- بازدید آتی اجویت از عراق. مطبوعات ترکیه در تاریخ ۵ شهریور ماه گزارش دادند که نخست‌وزیر ترکیه، بولنت اجویت، با سرپرست هیئت عراق ملاقات و توافق کرد که در دو ماه آینده به عراق سفری انجام دهد. یکی دیگر از کسانی که به عراق سفر می‌کند وزیر بازرگانی تتومان کوپرولولر خواهد بود که در تاریخ ۷ مهرماه تا ۹ مهر ماه به منظور بازگشایی نمایشگاه تجاری ترکیه به عراق سفر خواهد نمود.

۹- اظهار نظر: این قراردادها حاکی از آن است که اگر ترکیه بتواند به تعهد خود نسبت به پرداخت هزینه نفتی دو ماه پس از دریافت هر محموله به سرعت اقدام نماید، عراق نیز در سال ۱۳۵۸ نقش خود را به عنوان مهمترین عرضه کننده نفت به این کشور ایفا خواهد نمود. تقبل پرداخت هزینه عبور نفت از خط لوله در صورتی که عملکرد آن کامل باشد یا نباشد (حدود ۴۵ میلیون دلار در سال) بخشی از این هزینه‌های نفتی را جبران خواهد کرد. ولی بعید به نظر می‌رسد که عراق میزان صادرات نفتی خود به ترکیه را به سطح مربوط به سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ (۶ میلیون تن) برگرداند، تا چه برسد به ده میلیون تن مورد نظر در سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۸؛ آن هم بر اساس قرارداد خط لوله منعقد شده بین عراق و ترکیه در شهریور سال ۱۳۵۲.

۱۰- در تاریخ ۷ شهریور ماه رادیو و تلویزیون ترکیه به نقل از وزیر این کشور گزارش داد که وی در سخنرانی خود در از میر گفته است که ترکیه نیازهای نفتی خود را تا پایان سال ۱۳۵۸ تأمین خواهد نمود. همین طرز برخورد نیز توسط عبدی اییکی، یکی از مهمترین روزنامه‌نگاران ترکیه در روزنامه ملیت طرفدار دولت در تاریخ ۵ شهریور ماه عنوان شده است. وی گفت بر اساس قراردادهای تجاری ترکیه با عراق (۵ میلیون تن) و لیبی (۳ میلیون تن)، شوروی (۳ میلیون تن) و ایران (یک میلیون تن) ترکیه خواهد توانست در سال ۱۳۵۸ نیز مانند سال ۱۳۵۷ (۱۲ میلیون تن) نفت مورد نیاز خود را تأمین نماید. به نظر سفارت این اظهارات قدری خوش‌بینانه است. علاوه بر این شوروی توافق کرده است که تنها تقاضای ترکیه را در مورد ۳ میلیون تن نفت مورد نیاز در سال ۱۳۵۸ مورد بررسی قرار دهد و تاکنون در قبال آن تعهدی نکرده است.

۱۱- علیرغم تکذیب اتمان مبنی بر اینکه ترکیه و عراق قرارداد پایاپای امضا نکرده‌اند تا مشکل موجود پیرامون قروض نفتی جاری ترکیه حل شود، وی اعتراف می‌کند که بانکهای مرکزی دو کشور

برنامه بازپرداختی مشابه قرارداد ترکیه و لیبی (مرجع ج) را تهیه خواهند کرد. در نتیجه، قرارداد پرداخت ترکیه و عراق ممکن است بر خلاف موازین تعهد ترکیه به بانک صندوق بین‌المللی پول در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۷ باشد که در آن ترکیه موظف است با هیچ یک از دیگر اعضای صندوق بین‌المللی قرارداد پرداخت دو جانبه جدیدی را امضا نکند. در واقع بنا به گزارشهای رسیده، وزیر انرژی ترکیه به مطبوعات در تاریخ ۳ شهریور ماه گفته است که «ترکیه خواهد توانست از طریق صدور کالاهای مورد قبول دیون نفتی خود را به عراق بپردازد».

۱۲- در پایان مذاکرات، بیانیه و یا خبر مطبوعاتی خاصی منتشر نگردید. ممکن است چند ماه دیگر این قرارداد کتبی در روزنامه رسمی گزرت منتشر شود چون قبل از انتشار باید توسط شورای وزیران به تصویب برسد.

سند شماره (۲۰)

تاریخ: ۱۲ مهر ماه ۱۳۵۷ - ۴ اکتبر ۱۹۷۸
از: سفارت آمریکا در آنکارا
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
رونوشت: سفارت آمریکا - تهران

موضوع: قراردادهای تجاری دوجانبه

۱- خلاصه: مدیر کل قرارداد تجاری وزارت بازرگانی به وابسته بازرگانی گفت که قراردادهای اخیر تجاری منعقد شده توسط ترکیه نشانگر تغییرات اساسی در سیاست تجاری کشور نیست، بلکه نیاز کشور را در تلاش برای تأمین واردات حیاتی به خصوص در زمینه مواد نفتی و تضمین بازارهای صادراتی نشان می‌دهد. وی انعقاد قراردادهای اضافی را در رابطه با معاهده‌های تجاری منعقد شده با کشورهای اوپک و نیز انعقاد قراردادهای تجاری تهاتری دیگر را پیش بینی نمی‌کند. (پایان خلاصه)

۲- وابسته بازرگانی با مدیر کل قراردادهای تجاری، اردوگان کورکوراوغلو در وزارت بازرگانی ملاقات کرد تا پیرامون قراردادهای تجاری اخیراً منعقد شده توسط ترکیه بحث و تبادل نظر نماید. گفتگو با بحث پیرامون پروتکل قرارداد تجاری تهاتری این کشور با شوروی که در تاریخ ۷ مهرماه ۱۳۵۷ در آنکارا امضاء شده بود، آغاز گردید. کورکوراوغلو گفت که این پروتکل دنباله قرارداد موجود این کشور با شوروی می‌باشد. (تنها قرارداد دیگر رسمی تهاتری ترکیه با آلبانی منعقد شده است). ترکیه در نظر دارد بخش عمده نیاز نفتی خود را از شوروی در ازای محصولات کشاورزی و صنعتی تأمین نماید. وی گفت قیمت کالاهایی که باید در ازاء نفت به شوروی صادر گردد قیمت آنها در بازارهای جهانی در هنگام انعقاد قرارداد، خواهد بود.

۳- کورکوراوغلو در ادامه موضوع تأمین محصولات نفتی مورد نیاز گفت: «از طریق انعقاد قراردادهای تحکیم قروض ویژه با چند کشور اوپک (عراق، ایران و لیبی) ترکیه نه تنها خواهد توانست نفت کافی تأمین نماید، بلکه بازارهای مربوط به صادرات ترکیه نیز تضمین شده است. وی یاد آور شد که در گذشته جهت تأمین بازار برای صادرات خود ترکیه با مشکلات روبرو بوده است. این کالاها به قیمت مرسوم در بازارهای جهانی در هنگام انعقاد قرارداد، به طور تهاتری صادر خواهد گشت.

۴- کورکوراوغلو گفت که ترکیه به هیچ وجه این قراردادهای دوجانبه تجاری ویژه را دوست ندارد،

لیکن در حال حاضر چاره دیگری نیز جز پذیرفتن آنها ندارد. او فکر نمی‌کند که ترکیه قراردادهای دیگری در رابطه با بازپرداخت قروض نفتی و یا تهاثری با کشورهای اوپک منعقد سازد. وقتی که از وی سؤال شد که دلیل آن چیست، وی گفت که صدور اعتبارهای جدید از طرف کشورهای اعتبار دهنده به دنبال برنامه‌ریزی درباره قروض، این امکان را محدود ساخته است.

۵- در هنگام صحبت پیرامون معاهده تجاری ترکیه با جمهوری خلق چین، کوکوراوغلو گفت که بازدید اخیر هیئت تجاری چین از ترکیه منجر به انعقاد یک پروتکل جدید علاوه بر تجارت آزاد بین دو کشور گردید. اهداف تجاری آمده در پروتکل تجاری مشابه ۳۵ پروتکلی است که این کشور منعقد ساخته است یعنی اهداف نشانگر تعهد نیست، بلکه نشانگر میزان دلخواه تجارت می‌باشد.

۶- اظهار نظر: بیانات کوکوراوغلو با نظرات وزیر بازرگانی کوپرولولر مطابقت دارد، چون وی به یک مجله یانکی گفته بود که قراردادهای منعقد تجاری ترکیه و کشورهای سوسیالیست نشانگر قطع رابطه با غرب نیست، بنابر این غرب نباید نگران باشد. وزیر تأکید نموده بود که ترکیه به این دلیل این قراردادها را منعقد ساخته است تا بتواند به بازارهای جدید راه پیدا کند. وی گفت این گونه قراردادها با کشورهای خاورمیانه‌ای و آفریقایی و نیز با کشورهای سوسیالیست به همین منظور منعقد گردیده است.

۷- کوکوراوغلو در بحث پیرامون قراردادهای تجاری و به خصوص قراردادهایی که مطبوعات آنها را به عنوان «معاملات پای پای» عنوان کرده بودند بسیار صریح و بی‌پرده سخن می‌گفت. وی تلاش می‌کرد به کشورهای غربی و صندوق بین‌المللی پول اطمینان دهد که این اقدامات برای برآورد سریع نیازهای اضطراری صورت گرفته است. وی در گفته‌های خود شدیداً تأکید می‌کرد که ترکیه در این زمینه وارد قراردادهای دیگری نخواهد شد.

۸- با وجود ناپسند بودن این قراردادها، فقدان اعتبار اضافی از طرف منابع «بازار آزاد» ممکن است ترکیه را وادار به پذیرش آنها سازد. قطعاً ملل عرضه کننده نفت نیز از ترکیه خواهند خواست که در ازاء نفت آنها وجه نقد و یا تضمین پرداخت ارائه نماید. خطر دیگر این است که ترکیه ممکن است متوجه شود که این قراردادها راه بهتری برای تأمین حداکثر صادرات بوده، و از رقابت در بازارهای جهانی برای این کشور بهتر است.

سند شماره (۲۱)

تاریخ: ۱۱ بهمن ۱۳۵۷- فوریه ۷۹
از: سفارت آمریکا در آنکارا
رونوشت: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. - فوری

موضوع: افزایش نگرانیهای ترکیه در مورد ایران.

- ۱- (تمام متن خیلی محرمانه است)
- ۲- این یک پیام خبری است، و مقتضی اقدام نیست.
- ۳- خلاصه: مقامات و خبرنگاران ترکیه در روزهای اخیر در مورد اینکه رویدادهای ایران تعادل استراتژیک را به ضرر غرب دگرگون سازد، اظهار نگرانی کرده‌اند. گزارش خبری پیرامون تجزیه طلبی اکراد ایران نیز نگرانی‌هایی را در اینجا پدید آورده است؛ چون امکان وارد شدن تأثیرات جنبی سیاسی به

ترکیه نیز هست. اجویت در مصاحبه با مجله «اشپیگل» از عدم توانایی شاه در پیاده کردن همزمان اصلاحات دموکراتیک و عمران اقتصادی انتقاد کرد و از پیدایش «تغییرات تند» در منطقه اظهار نگرانی نمود. (پایان خلاصه)

۴- در چند ماه گذشته دولت ترکیه از اظهار نظر پیرامون ایران با دقت خودداری کرده است، ولی مقامات ترکیه در اختفا از تأثیرات بی ثباتی ایران بر منافع ترکیه اظهار نگرانی کرده‌اند. ترکها معتقدند که از پویایی سیاسی موجود در ایران برداشت درستی نداشته‌اند و معتقدند که اگر هم بخواهند نمی‌توانند روند مثبتی را در وقایع آن کشور پدید آورند. ترکیه، به عنوان همسایه‌ای که مجبور است با هر رژیم‌ی که در ایران روی کار آید تفاهم داشته باشد، به این نتیجه رسیده است که باید احترام خود را حفظ کند.

۵- با این وصف در گفتگوهای اخیر خود با مقامات عالی‌رتبه و رهبران سیاسی ترکیه شاهد ابراز نگرانیهای عمیق بوده‌ایم. ژنرال ساهنیکایا رئیس ستاد نیروی هوایی در تاریخ ۹ بهمن ماه در ضیافتی با مشاور سیاسی ملاقات و یک گفتگوی طولانی با وی داشت.

ساهنیکایا گفت که وضع کنونی ایران برای ترکیه یک «فاجعه استراتژیک» است، و خود او شخصاً ترس از برنده شدن کمونیسم دارد. او رویدادهای ایران را در متن تعادل قدرت منطقه‌ای و جهانی می‌بیند و سؤال کرد که آمریکا در حفظ تعادل به نفع خود چه کاری انجام خواهد داد.

سناتور کامین ایفان رهبر حزب عدالت در تاریخ ۱۰ بهمن ماه نقطه نظرات مشابهی را ارائه کرد و گفت اقدامات و بیانه‌های آمریکا مبنی بر بهره‌برداری شوروی از اوضاع ایران مبهم بوده است. وی این وضع را دارای اهمیت استراتژیک بسیار می‌داند و از آمریکا می‌خواهد که خود را بیش از حد با مسائل دموکراسی مشغول ندارد و به شوروی در این زمینه اخطار نماید.

۶- به دنبال انتشار گزارش مطبوعات ۱۰ بهمن ماه (تلگرام مرجع) در مورد تشکیل «شورای وحدت کردستان» در ایران، سناتور انیان و دیگر میهمانان ضیافت، از ما سؤال کردند که آیا ما این خبر را تأیید می‌کنیم. سناتور محسن باتور مقام، متنفذ در حزب خلق جمهوریخواه نگرانی عمیق خود را در مورد پیدایش دولتهای مستقل آذری و کرد در ایران ابراز داشت و گفت این ایالات تحت کنترل شوروی در خواهد آمد. مقام وابسته دفاعی دریافته است که به دنبال انتشار خبرهای مطبوعاتی در مورد «کردستان» در تاریخ ۱۰ بهمن ماه ستاد عمومی ترکیه جلسه‌ای تشکیل داد تا پیرامون اهمیت این رویداد برای ترکیه بحث و تبادل نظر نماید.

۷- در همین حال، در شماره جاری «اشپیگل» نخست وزیر اجویت به طرز غریبی به روند رویدادهای ایران اشاره کرده است. طبق ترجمه رسمی این مقاله به زبان انگلیسی (گویا مجله نکات مطروحه توسط وی را منتشر خواهد کرد) اجویت از شاه به خاطر عدم ارتقا ارزشهای دموکراتیک همگام با مدرن‌سازیهای اقتصادی و اجتماعی که می‌توانست مانع بی‌ثباتیهای کنونی باشد انتقاد نمود. اجویت گفته ترکیه در برابر مشکلات مشابه مصون خواهد بود، چون نهادهای دموکراتیک نیز به طور همزمان پیدایش یافته‌اند و حتی فراتر از تغییرات اقتصادی رفته‌اند. اجویت گفت «نظام قدیم» در ایران پایان یافته است، لیکن نهادهای تغییر دهنده نظم سیاسی هنوز ظاهر نشده است.

اجویت با یادآور شدن این مطلب که منطقه خاورمیانه بسیار بحرانی است و آتش‌بس و صلح بر «موازنه قدرت دقیق» استوار است گفت «تغییرات تند» رو به هر سمت، نه تنها برای منطقه بلکه برای تمام

جهان مخاطراتی را به همراه خواهد داشت.

۸- اظهار نظر: با نتیجه گیری بر اساس پوشش مطبوعاتی محدود در اینجا، ایران تا همین اواخر برای آمریکا بیش از ترکیه یک مشکل در سیاست خارجی بود. ولی این امر گویا تغییر کرده است. ما فکر می‌کنیم که ترکیه سیاست عدم مداخله هر چند ظاهری خود را حفظ نخواهد کرد، ولی بیانات ترکیه موضع ترکیه را بیش از پیش روشن می‌سازد.

اجویت ظاهراً انقراض سلطنت ایران را پذیرفته است (او از دیرباز به طور پنهانی از شاه انتقاد می‌کرد) و حامی یک راه حل دموکراتیک است و در مورد «تغییرات تندگرایانه» نیز اظهار نگرانی کرده است. ولی نگفته است که این نکته آخر به چه معنی است. اظهارات غیر علنی دیگران نشانگر نگرانی ترکیه در مورد تجزیه شدن ایران و یا تحت کنترل شوروی درآمدن آن می‌باشد. دیلون

سند شماره (۲۲)

تاریخ: ۳۰ بهمن ماه ۱۳۵۷-۹ فوریه ۷۹
از: سفارت آمریکا در آنکارا
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی، فوری
رونوشت: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: وضع تدارک نفتی ترکیه

۱- تلگرام، اقدام مقتضی

۲- خلاصه: یکی از سرویسهای خبری محلی مدعی است که لیبی در نظر دارد به یک تحریم نفتی جهانی مبادرت ورزد. با وجود دور از واقعیت بودن، این مطلب توجه را به ناهنجاری وضع ترکیه در تأمین نفت مورد نیاز خود معطوف می‌دارد.

ارسال هرگونه اطلاعات موجود مبنی بر تکذیب یا تأیید این گزارش موجب امتنان سفارت خواهد بود. (پایان خلاصه)

۳- ملیت، روزنامه طرفدار دولت ترکیه در تاریخ ۲۰ بهمن ماه گزارش داد که لیبی فروش نفت خود به تمام نقاط جهان را متوقف ساخته است. بر اساس گزارش یک سرویس خبری محلی در آنکارا (بنام آنکا)، این مقاله معتقد است که لیبی این تصمیم را به حمایت از خمینی در ایران اتخاذ نموده است.

۴- روزنامه فوق گزارش داد که تصمیم لیبی «بحران» نفتی موجود در جهان را که نتیجه توقف صدور نفت ایرانی پدید آمده بود، تشدید خواهد کرد. این مقاله در ادامه می‌گوید تصمیم لیبی شامل ترکیه نیز می‌شود، چون ترکیه در سال ۱۹۷۸ با لیبی قراردادی را منعقد ساخته بود تا طی آن سه میلیون تن نفت دریافت دارد که تا به حال حدود ۲/۴ میلیون تن آن ارسال گردیده است.

۵- در تاریخ ۲۰ بهمن ماه، مقام سفارت با معاون مدیرکل بازاریابی شرکت نفت ترکیه (گولتکین یوکسل) تماس گرفت تا پیرامون این گزارش خبری گفتگو نماید. یوکسل به مقام سفارت گفت که وی بیش از آنچه در گزارش خبری آمده، در این زمینه اطلاعی ندارد. وی اضافه کرد پالایشگاه اپیراس ترکیه که در رابطه با نفت خام لیبی با شرکت بازاریابی نفتی پرگای لیبی قرارداد بسته بود، پس از پیدایش گزارش خبری سعی کرده است از طریق تلکس با لیبی تماس بگیرد.

پرگا علاوه بر عدم پاسخ، دریافت تلکس را نیز تأیید نکرده است و وی پیشنهاد کرد که پرگا امروز

تعطیل خواهد بود، چون روز جاری یکی از روزهای تعطیل مذهبی می‌باشد.

۶- مقام سفارت از یوکسل پرسید که وضع نفتی پالایشگاه ایپراس تا چه حد بحرانی است، چون در نشریه ملیت مورخ ۱۹ بهمن گزارش شده بود که این پالایشگاه تنها معادل یک روز مصرف خود، نفت خام در اختیار دارد. وی گفت در زمان درج خبر این موضوع صحت داشت، لیکن محدودیت نفتی پالایشگاه با ورود تانکر نفتی جدید در غروب روز بعد (۱۹ بهمن ماه) از بین رفته است. نفت وارد شده توسط این تانکر ادامه کار پالایشگاه را به مدت هفت روز دیگر ممکن خواهد ساخت.

۷- یوکسل گفت که منطقه ساحلی استانبول و دریای سیاه که توسط پالایشگاه ایپراس تدارک می‌گردد تا ده روز دیگر سوخت نفتی مصرفی و تا ۵ روز دیگر سوخت دیزل مصرفی خود را خواهد داشت. وی اضافه کرد که در رابطه با محصولات دیگر از قبیل بنزین محدودیتی وجود ندارد، فقط در رابطه با توزیع مشکلاتی وجود دارد.

۸- مقام سفارت از یوکسل خواست که پیرامون تدارک نفتی ترکیه به طور کلی اظهار نظر نماید. وی گفت پالایشگاههای ترکیه در وضع خوبی به سر نمی‌برند. ترکیه در نظر داشت حدود ۲ میلیون تن نفت مورد نیاز خود را در سال ۱۹۷۹ از طریق بازار سیاه به دست آورد، ولی این کار نیز مشکل خواهد بود. وی گفت با این وصف، ترکیه قادر خواهد بود در اکثر مواقع پالایشگاههای خود را مشغول به کار نگاهدارد، ولی ممکن است این عملکرد با ظرفیت کامل همراه نباشد.

۹- اظهار نظر: وضع ترکیه از نظر نفتی چندان خوب نیست، ولی ترکیه به این نحوه زندگی بخور و نمیر عادت کرده است. ولی در صورتی که لیبی بخواهد تحریم نفتی خود را طبق گزارش سرویس خبری آنکا به اجرا درآورد، ترکیه به آسانی نخواهند توانست نفت دیگری را جایگزین نفت لیبی نمایند. از زمان سفر نخست وزیر اجویت به لیبی در ماه گذشته ترکیه فکر می‌کرد که لیبی در سال ۱۹۷۹ چهار میلیون تن نفت به این کشور صادر خواهد کرد. در صورتی که لیبی به این تعهد خود عمل نکند، تنها منبع قابل اعتماد نفتی دیگر ترکیه پنج میلیون تن نفتی خواهد بود که از عراق دریافت خواهد کرد. در نتیجه، تحریم نفتی لیبی ترکیه را وادار خواهد ساخت که برای تأمین ۶ میلیون تن نفت مورد نیاز خود به بازار سیاه روی آورد، تا بتواند سطح وارداتی ۱۹۷۸ (۱۱ میلیون تن) خود را حفظ کند. ولی رابط شرکت موبیل در استانبول به سرکنسول اطلاع داده است که ترکیه در یافتن منابع نفتی دیگر در بازار سیاه به سه دلیل با مشکلاتی رو به رو شده است:

(۱) قیمت نفت در بازار سیاه به علت محدودیت عرضه بسیار بالا است.

(۲) تأمین کنندگان نفت بازار سیاه ترجیح می‌دهند به مشتریانی نفت بفروشند که بیش از ترکیه در بازار سیاه فعالیت دارند.

(۳) تأمین کنندگان نفت بازار سیاه ترکیه را متهم به «تحریم» آژانس انرژی بین‌المللی کرده‌اند و حال آنکه ترجیح می‌دهند نفت خود را به اعضای این آژانس بفروشند.

۱۰- خبر مربوط به تحریم نفتی توسط لیبی واقع‌گرایانه به نظر نمی‌رسد. اگر واقعیت داشته باشد،

قذافی آن را به طرز فاحش‌تر از آنچه که در صفحه هشتم ملیت آمده اعلام می‌کرد.

۱۱- اقدام مقتضی: ارسال هر گونه اطلاعات در رد یا تأیید این گزارش موجبات امتنان سفارت را فراهم خواهد آورد.

سند شماره (۲۳)

تاریخ: ۲ اردیبهشت ۱۳۵۸-۲۲ آوریل ۱۹۷۹
از: سفارت آمریکا در کویت
رونوشت: سفارت آمریکا در تهران
موضوع: اولین کمک کویت به ترکیه

- ۱- (تمام متن خیلی محرمانه است)
 - ۲- آژانس کمکهای رسمی عمرانی کویت، صندوق کویتی عمران اقتصادی عربی، علیرغم عنوان خود از سال ۱۹۷۴ به کشورهای غیر عربی کمکهایی ارائه کرده است. مقامات مالی کویت در گذشته نیز خاطر نشان ساخته‌اند که به ترکها گفته‌اند که مایلند به تقاضای ترکیه در زمینه کمکهای عمرانی پاسخ گویند، لیکن گویا ترکها هیچ‌گاه این امکان را مورد بهره‌برداری، قرار نداده‌اند.
 - ۳- اوضاع داخلی ترکیه احتمالاً در طرز تفکر دولت ترکیه نسبت به کمکهای عربی تغییر داده است. در تاریخ یکم اردیبهشت مقام مالی کویت با اشاره به سند کمک دراز مدت روی میز خود گفت، هیئت مدیره این صندوق اخیراً اعطای ۴ میلیون دینار وام کویتی (معادل ۱۴/۵ میلیون دلار) را در قبال پروژه ۵۵ میلیون دلاری برق کیلیکی که در سفر واقع شده تصویب کرده است. در رابطه با امضای قرارداد باید با مقامات ترکیه مذاکره گردد.
 - ۴- مقام صندوق کویتی گفت که از طرف این صندوق تیمی به آنکارا رفته است تا تقاضای کمک ترکیه را در مورد یک پروژه تأمین آب در آنکارا مورد مطالعه قرار دهد. تاکنون میزان سرمایه‌گذاری کویت در این پروژه مشخص نشده است.
 - ۵- اظهار نظر: این واقعیت که کویت یعنی کمک دهنده بزرگ عربی قرار است به ترکیه کمک نماید، بسیار با اهمیت تر از میزان کمک آن می‌باشد. ۱۴/۵ میلیون دلار در مقایسه با بهره‌ ماهانه قروض خارجی ترکیه که طبق برآورد کویت حدود ۶۰ میلیون دلار است بسیار کم اهمیت می‌باشد. ولی نکته مهم دیگر این است که ترکیه برای جلب کمکهای مورد نیاز خود تلاش بیشتری را انجام داده است.
- مائسترون

سند شماره (۲۴)

تاریخ: ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۸-۴ مه ۱۹۷۹
از: سفارت آمریکا در آنکارا
رونوشت: سفارت آمریکا در تهران
موضوع: اجلاس سفیران خاورمیانه‌ای ترکیه

- ۱- (طبقه‌بندی نشده) این یک پیام اطلاعاتی است و نیازی به اقدام ندارد.
- ۲- (خیلی محرمانه) خلاصه: کنفرانس خاتمه یافته اخیر سفیران ترکیه در کشورهای اسلامی به این دلیل تشکیل گردید تا سیاست ترکیه در قبال خاورمیانه و کنفرانس آتی وزیران خارجه اسلامی مورد بحث قرار گیرد. گزارش مطبوعاتی نشانگر آن است که سفیران مزبور از ترکیه خواسته‌اند که روابط اقتصادی، تجاری و سیاسی خود را با کشورهای همجوار گسترش دهد. در مورد توانایی و موفقیت رژیم ایران

در تحکیم قدرت و کاهش اعتماد کشورهای میانه‌رو عربی نسبت به آمریکا نیز نگرانی‌هایی ابراز گردیده است. یکی از منابع ما در وزارت امور خارجه اطلاع داد که مسئله مناطق کردنشین هسته اصلی بحثهای اجلاس را تشکیل می‌داده است. (پایان خلاصه)

۳- (طبقه‌بندی نشده) در تاریخ ۲۹-۲۷ آوریل وزارت امور خارجه ترکیه اجلاس سه روزه‌ای را با شرکت سفیران خود در ۹ کشور اسلامی (ایران، عراق، کویت، سوریه، افغانستان، پاکستان، لبنان، عربستان سعودی و مصر) تشکیل داد. این اجلاس که شامل نمایندگان همه وزارتخانه‌های مسئول در امور اقتصادی و خارجی و نیز رئیس ستاد مشترک ترکیه ژنرال اورن و رئیس سازمان اطلاعاتی ترکیه ژنرال ارسوز بود، جهت بررسی سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه انعقاد یافته بود. طبق گزارش مطبوعات از سفیران خواسته شده بود تا نظریات و پیشنهادات خود را در مورد سیاستهایی که باید در قبال کنفرانس آتی وزیران خارجه کشورهای اسلامی اتخاذ شود ارائه دهند.

۴- (طبقه‌بندی نشده) سخترانی نخست‌وزیر اجویت در دومین روز اجلاس مقامات و سفیران که در مطبوعات نیز درج گردیده است خواستار گسترش روابط، همکاری و همبستگی با کشورهای منطقه می‌باشد. با اشاره به بیانات پیشین خود در مورد مداخله «امپریالیست» و «کاپیتالیست» در خاورمیانه، نخست‌وزیر اظهار داشت: «هنوز کسانی هستند که می‌خواهند مانع گسترش همکاریهای ما و قطع صمیمیت (تاریخی) ما در گذشته باشند و این تلاشها ممکن است ادامه یابد. علاوه بر این، بعضی از آنها می‌خواستند نفاق و تردید را در میان کشورهای منطقه پرورش دهند. ما معتقدیم که کشورهای منطقه با توسل به اتحاد و همکاری می‌توانند بر این تلاشهای منفی چیره شوند. تنها کشورهای این منطقه هستند که می‌توانند برای مشکلات منطقه راه‌حلهای مناسبی فراهم آورند.»

۵- (طبقه‌بندی نشده) اجویت در سخترانی خود تأکید خاصی بر ایجاد همکاریهای اقتصادی صمیمانه نمود. او به سفراگفت: «مانمی توانیم میان مسائل اقتصادی و سیاسی اولویتی قائل شویم. ولی به نظر ما اگر از همکاریهای اقتصادی شروع کنیم، راه‌حلهای مناسبی برای مشکلات سیاسی نیز فراهم خواهد آمد.» وی در این رابطه گفت اگر منابع صنعتی و طبیعی و کشاورزی ترکیه و نیروی کار صادراتی این کشور با منابع طبیعی - نفت - و امکانات مالی کشورهای منطقه ترکیب گردد، همه کشورهای منطقه از آن سود خواهند برد.

۶- (طبقه‌بندی نشده) با گزارش پیرامون نتایج کنفرانس در اول ماه می در روزنامه ملیت طرفدار دولت، خبرنگار دیپلماتیک مطلع نیلوفر یاسین اطلاع داد که سفیران در هفت مورد توافق دارند و به عنوان پیشنهادات خود آنها را تسلیم دولت خواهند کرد. این پیشنهادات عبارتند از:

- دولت تلاش نماید روابط اقتصادی، تجاری و فنی خود را با کشورهای همجوار افزایش دهد. سفیران از نحوه برخورد ترکیه در استفاده از بازارهای منطقه‌ای انتقاد کرده‌اند.

- اکنون جو مناسبی فراهم آمده است و ترکیه می‌تواند با اکثر کشورهای خاورمیانه‌ای روابط نزدیکی برقرار سازد.

- آنها معتقدند که ترکیه باید از درگیر شدن در اختلافات اعراب اجتناب ورزیده و طرف‌گیری نینماید. علاوه بر این، ترکیه باید از انقلاب راستین اعراب حمایت نماید. در رابطه با کنفرانس وزیران خارجه اسلامی، ترکیه باید در مقابل توسل به اقدام، مقاومت نموده و روابط خود با مصر را قطع نموده و در

تحریمهای اقتصادی شرکت جوید.

- ترکیه باید تماسهای خود با عربستان سعودی را افزایش دهد البته بر اساس تصمیم سیاسی سعودی مبنی بر دادن کمک به ترکیه.

- بازدیدهای مقامات باید افزایش یابد.

- ترکیه باید اقدامات جدیدتری در قبال قاچاق انجام دهد تا تجارت قانونی با کشورهای همجوار به جریان افتد.

- دیپلماتهای ترکیه در خاورمیانه باید در زمینه‌های اقتصادی و تجاری تجربه و آموزش داده شوند.
۶- (طبقه‌بندی نشده) در رابطه با اوضاع ایران و طبق گزارش روزنامه ملیت، سفیران از اینکه رژیم ایران موفق نشده است قدرت خود را تحکیم بخشد، اظهار نگرانی کرده‌اند. سفیران از دولت خواسته‌اند که وقایع ایران و خصوصاً تلاشهای اقلیتهای ایرانی را در کسب خودمختاری زیر نظر داشته باشد. آنها نگران این هستند که مبادا از طریق ایران اسلحه به گروههای موجود در ترکیه برسد.

۷- (طبقه‌بندی نشده) سفیران یاد آور شدند که به خاطر طرز فکر ضعیف آمریکا در قبال وقایع ایران که منجر به سقوط شاه گردید، کشورهای میانه‌رو خاورمیانه در حال حاضر به آمریکا اعتماد کمتری دارند. سفیران اظهار داشتند که اگر این بحران اعتماد افزایش و شدت یابد روسها نیز سعی خواهند کرد با تلاش خود خلأ ایجاد شده، توسط آمریکا را پر نمایند. بنا به گزارشها نمایندگان دولت ترکیه در این مورد نگرانی عمیق ابراز داشته و گفته‌اند که خاورمیانه مهمترین منطقه مبارزه نفوذی ابرقدرتهاست و همیشه یکی از آنها سعی دارد، خلأ ایجاد شده به وسیله دیگری را پر سازد.

۸- (خیلی محرمانه) اظهار نظر: چند روز قبل از این اجلاس سه روزه بسیاری از مطبوعات اظهار نظر داشتند که در نتیجه این اجلاس تغییرات مهمی در سیاست ترکیه در قبال خاورمیانه به وقوع خواهد پیوست. بر اساس گزارش یاسین، که کامل سرپرست امور سیاسی وزارت خارجه صحت آن را در گفتگو با کاردار آلمان غربی تأیید کرده است، این تغییرات رخ نداده‌اند. بیانات اجویت، که در آن از استمرار صمیمت و ایجاد روابط با دولتهای همسایه صحبت کرده، نشانگر عقب نشینی ناچیز وی در محکوم شمردن مداخله کاپیتالیستها در منطقه است (آنکارا ۳۲۸۸). اجویت خیلی میل دارد به عراق و عربستان سعودی نزدیک شود، چون این دو از نظر نفت و امور مالی می‌توانند به ترکیه کمکهای بسیار بنمایند.

۹- طبق اظهارات باتو سرپرست بخش امور قبرس و یونان وزارت امور خارجه ترکیه که در کنفرانس شرکت جسته بود، مسئله روابط ترکیه با اسرائیل و نحوه برخورد با آن در کنفرانس آتی وزیران خارجه کشورهای اسلامی اجلاس چندان مطرح نگردد. باتو گفت مشکلات امنیتی جدید ترکیه به دنبال سقوط شاه در ایران و به خصوص خطر بروز ناسیونالیسم کردی و روشهای مبارزه با این خطر برای حفظ تمامیت ارضی ترکیه مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

سند شماره (۲۵)

تاریخ: ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۸-۱۷ مه ۱۹۷۹
از: سفارت آمریکا در آنکارا
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. - با اولویت
رونوشت: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: نظریات هیئت نمایندگی ترک در مورد کنفرانس اسلامی

- ۱- تمام متن خیلی محرمانه است.
- ۲- یکی از اعضای هیئت نمایندگی ترکیه در کنفرانس فز (کنفرانس اسلامی- م) با خوشحالی گفت ترکیه توانسته است بدون مصالحه در مورد مواضع خود در قبال خاورمیانه در مورد قبرس قطعنامه‌ای به تصویب برساند. تدریها از ترکیه نخواستند بودند که با اسرائیل قطع رابطه کند، ولی ترکها احساس کردند که نباید در مورد به تعلیق در آمدن عضویت مصر سر و صدا راه بیندازند. ترکها معتقدند که سعودیها بر ساف نفوذ بسیار دارند و هیئت نمایندگی ایرانی از هیچ گونه عمقی برخوردار نبودند. (پایان خلاصه)
- ۳- متخصص امور قبرس در هیئت نمایندگی ترکیه در کنفرانس اسلامی، اینال باتو، به مقام سفارت (پک) گفت که ترکها از اینکه توانسته‌اند بدون اینکه مجبور باشند مورد سیاستهای معتدل خاورمیانه‌ای خود سازش نمایند، قطعنامه‌ای را در مورد قبرس به تصویب برسانند، خوشحال هستند. در مشورت‌های پیشین و در اجلاس افتتاحیه کنفرانس، ترکها به شرکت کنندگان اخطار کرده بودند که آنها نمی‌توانند با اسرائیل قطع رابطه کنند. باتو گفت که ترکها تهدید کرده بودند که اگر قرار باشد ترکیه به عنوان تنها کشور اسلامی مرتبط با اسرائیل مورد انتقاد قرار گیرد از اجلاس بیرون خواهند رفت. باتو گفت این پایداری قوی سبب شد که رادیکالهای عرب در این مورد به ترکیه فشار وارد نیاورند.
- ۴- پس از پیروزی در مورد این مسئله ترکها متوجه شدند که برای به دست آوردن قطعنامه‌ای مثبت در مورد قبرس آنها باید به رادیکالهای عرب در مورد به تعلیق در آمدن عضویت مصر امتیازی بدهند. بنابر این ترکیه در این مورد با اکثریت آراء مخالفتی نمود و بدون اینکه «سخنی بگوید» آن را پذیرفت.
- ۵- ترکیه از تصویب قطعنامه قبرس به وسیله کنفرانس بسیار خوشحال بود. پیش‌نویس اولیه ترکیه در کمیته مسدود گردید، ولی ترکها توانستند موجبات تصویب آن را فراهم آورند. تنها الجزیره و یمن جنوبی در این مورد اعتراض کرده بودند. الجزیره تلاش بسیار کرد تا به طرفداری از موضع ترکیه قطعنامه‌ای صادر نشود، ولی ترکیه از طرف پاکستان و بنگلادش و عربستان سعودی کمک زیادی دریافت نمود. باتو معتقد است که سعودیها ساف را آرام نگاهداشتند تا در برابر موضع ترکیه مخالفت چندانی نشان ندهد.
- ۶- باتو گفت قطعنامه مربوط به قبرس بسیار شبیه قطعنامه‌های پیشین کنفرانس است و تفاوت آن در دو پاراگرافی است که در انتها آورده شده (متن برای INR/DDR/RWE فرستاده شده است). دو پاراگراف نهایی به شرح زیر است:
- از دو جامعه دعوت می‌شود که با برقراری آتش‌بس از طریق مذاکره مشکلات خود را به طرز مسالمت‌آمیز حل نمایند.
- از اعضای کنفرانس اسلامی می‌خواهد که از حسن نیت خود استفاده کرده و هر کاری که از آنها برمی‌آید انجام دهند تا جامعه مسلمانان ترک قبرسی از کمکهای بین‌المللی استفاده برند و کمکهای لازم را به آنها بنمایند تا اقتصادشان که در نتیجه تحریمها متوقف شده، فعال گردد.

۷- باتو گفت به طور کلی ترکها معتقدند که سعودیها از نفوذ بیش از حد خود بر ساف استفاده کردند و توانستند عامل مهمی را در پیدایش این نتیجه مثبت برای ترکیه سبب شوند. باتو گفت هیئت نمایندگی ایرانی در کنفرانس تا آنجا که ترکیه می‌داند نقشی نداشت. ایرانیها دیرتر از موعد در اجلاس حاضر شدند (در روز سوم) و به هیچ یک از زبانهای غربی سخن نمی‌گفتند و به همین جهت نتوانستند با هیئتهای نمایندگی غیر عربی رابطه برقرار سازند. (آنها ظاهراً به عربی صحبت می‌کرده‌اند.) باتو گفت بین این هیئت نمایندگی ایرانی و هیئتهای پیشین که بسیار عالی و از نظر دیپلماتیک صیقل یافته بودند، تفاوت زیادی وجود داشت. ایرانیان مانند آیت‌الله‌ها لباس پوشیده بودند و نمی‌دانستند چه کاری باید انجام بدهند. اسپیرز

سند شماره (۲۶)

تاریخ: ۱۴ خرداد ۱۳۵۸ - ۴ ژوئن ۱۹۷۹
از: سفارت آمریکا در آنکارا
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. - فوری
رونوشت: به سفارت آمریکا در تهران

موضوع: کسب اجازه ورود به آمریکا برای وزیر کشور پیشین ایران، حسن زاهدی

- ۱- (تمام متن خیلی محرمانه است) تلگرام اقداماتی
- ۲- وزیر امور خارجه آکان در وزارت امور خارجه امروز صبح با سفیر اسپیرز ملاقات نمود و از دولت آمریکا خواست تا بدون سر و صدا با وی همکاری نماید تا وزیر کشور پیشین ایران حسن زاهدی را از ترکیه خارج نموده و به آمریکا نزد دخترش برساند. بنا به گفته آکان، زاهدی چهار روز قبل در «لباس میدل» وارد ترکیه شد و اکنون در اختفا به سر می‌برد. آکان قرار است در نهم ژوئن از ایران بازدید به عمل آورد و می‌خواهد در آن زمان بتواند ادعا کند که زاهدی در ترکیه نمی‌باشد. بنا به گفته آکان، زاهدی دارای پاسپورت دیپلماتیک ایرانی است و تا سال ۱۹۸۱ نیز روادید آن اعتبار دارد. وی گفت در صورت لزوم دولت ترکیه می‌تواند جواز سفر در اختیار زاهدی قرار دهد.
- ۳- سفیر گفت لازم است از واشنگتن دستور بگیرد و بعداً نزد وی باز خواهد گشت. پس از این گفتگو، به نظر ما بهترین راه حل این است که به آکان بگوییم که زاهدی چون پاسپورت و روادید آمریکا دارد می‌تواند به آمریکا بیاید و دولت آمریکا باید وسیله مسافرت او را با هواپیما فراهم نماید. در صورتی که آن وزارتخانه دستور دیگری ندهد. ما فردا این کار را خواهیم کرد.

سند شماره (۲۷)

تاریخ: ۲۴ خرداد ۱۳۵۸ - ۱۴ ژوئن ۱۹۷۹
از: سفارت آمریکا در آنکارا
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. - فوری
رونوشت: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: سفر وزیر خارجه ترکیه به ایران

- ۱- پیام حاضر پیام خبری است.
- ۲- خلاصه: در طول بازدید سه روزه از ایران، وزیر امور خارجه ترکیه پیرامون همکاریهای اقتصادی،

بازرگانی و فنی گفتگو کرد.

بیانیه مشترک ایران و ترکیه که در ۲۲ خرداد (پس از بازگشت آکان به آنکارا) منتشر گردید، مدعی است به نتایج قاطعی دست یافته شده است. بنا به گفته ترکیه، مهمترین موفقیت این مذاکرات ۶۰ درصد افزایش نفت خامی بود که ایرانیها در سال ۱۳۵۸ در اختیار ترکیه قرار خواهند داد. در صورتی که ایران به تعهد خود عمل کند ۱۰ درصد از نفت وارداتی ترکیه را مانند سال ۱۳۵۷ تأمین خواهد کرد. (پایان خلاصه)

۳- در تاریخ ۲۱ خرداد ماه، وزیر امور خارجه ترکیه گوندوز آکان در یک کنفرانس مطبوعاتی در تهران گفت که ایران توافق کرده است محموله نفت ارسالی خود به ترکیه در سال ۱۳۵۸ را بیش از سطح مورد توافق در اوائل خرداد (پاراگراف ۳ مرجع الف) افزایش داده و بنا به اظهارات مطبوعات ترکیه، قرار است میزان این نفت صادراتی در سال ۱۳۵۹ نیز افزایش یابد. سرپرست بخش امور نفتی وزارت خارجه ترکیه عمر زیتین اوغلو در گفتگو با مقام سفارت این گزارش را تأیید نمود و اضافه کرد که ایران نفت صادراتی خود به ترکیه را در سال ۱۳۵۸ معادل ۶ درصد بیش از میزان مورد توافق در اوائل خرداد افزایش خواهد داد، (معادل ۳۰۰۰۰۰ تن) و میزان سوخت ارسالی به این کشور را نیز ۵۰ درصد (۱۰۰/۰۰۰ تن) افزایش خواهد داد و مقادیر نامشخصی گاز خالص مایع و سوخت هواپیما نیز در اختیار این کشور قرار خواهد داد. در نتیجه، کل نفت صادراتی ایران به ترکیه (برحسب تن) بشرح زیر خواهد بود:

۱۳۵۹	۱۳۵۸	
۵۰۰/۰۰۰۰	۸۰۰/۰۰۰	نفت خام
۵۰۰/۰۰۰	۳۰۰/۰۰۰	نفت سوختی
۵۰/۰۰۰	۳۰/۰۰۰	گاز خالص مایع
۱۰/۰۰۰	۵/۰۰۰	سوخت هواپیما

۴- آکان به مطبوعات گفت که در طول سفر سه روزه خود به ایران در رابطه با نفت ارسالی ایران به ترکیه در سال ۱۳۵۸ با رئیس شرکت ملی نفت ایران حسن نزیه به نتایج قاطعی دست یافته است. وزیر خارجه گفت احتمالاً در اواخر تیرماه یک هیئت نمایندگی ترکیه‌ای به ایران سفر خواهند کرد تا ایران نیز در اوائل مرداد ماه کار ارسال نفت را آغاز نماید.

۵- ترکیه انتظار دارد که شرایط باز پرداخت عادی اوپک در مورد این خرید نفتی مصداق پیدا کند، یعنی قیمت کامل (دلار برای هر بشکه) ۴۵ روز پس از تحویل نفت پرداخت گردد. با این وصف، آکان به مطبوعات اظهار داشت که شرایط دقیق باز پرداخت هنوز روشن نشده است.

۶- ایران از ترکیه خواستار صدور گندم، گوشت، دام زنده، تخم مرغ و پنیر بر اساس یک قرارداد دراز مدت شده است.

ترکیه نیز توافق کرده است که ۵۰/۰۰۰ تن از محصول گندم سال ۱۳۵۷ را به ایران صادر نماید و پیرامون امکانات صادراتی دیگر نیز بررسی و تحقیق نماید. همچنین توافق شد که بخشهای خصوصی و دولتی دو کشور با یکدیگر جهت انجام مقاصد تجاری تماس برقرار نمایند.

۷- هیئت نمایندگی ترکیه خواستار امضای یک قرارداد چهارچوب بازرگانی و فنی و یک قرارداد

فرهنگی گردید. لیکن طرفین ایرانی که برای امضای چنین قراردادهای همه‌جانبه‌ای آمادگی نداشتند اظهار داشتند که این پیشنهادات را مورد بررسی قرار خواهند داد. آکان به مطبوعات گفت که ترکیه قبول کرده است پیرامون یک پروژه خاص به تحقیق بپردازد.

این پروژه عبارت است از احداث یک خط لوله گازی و نفتی از ایران به دریای سیاه به مقصد مدیترانه. ۸- در تاریخ ۲۲ خرداد ماه به طور همزمان در دو کشور ایران و ترکیه یک خبر مطبوعاتی منتشر گردید و گشایش یک دوره جدید در روابط ایران و ترکیه را تبریک گفت. مطبوعات با اعتراف به این واقعیت که هنوز اساس همکاریهای اقتصادی روشن نشده، اظهار داشتند که این «ملاقات نتایج بسیار موفقیت آمیزی را به همراه داشت که جو تفاهم و روحیه اخوت اسلامی بر آن حاکم بود».

۹- اظهار نظر: سفر وزیر خارجه ترکیه به ایران موفقیت آمیز تر از سفر وی به عراق، عربستان سعودی، و امارات متحده عربی در اوائل خرداد بود (مرجع ب، پاراگراف ۱۲). در این سفر آکان نه تنها زمینه همکاریهای اقتصادی صمیمانه‌تر را فراهم آورد. بلکه به ایجاد کارهای روبنایی نیز دست زد. او موفق شد به هدف ترکیه در متقاعد ساختن ایرانیها به دوباره از سر گرفته شدن صدور نفت به ترکیه دست یابد. اگر ایران بتواند در سال ۱۳۵۸ به تعهد خود عمل نماید، بار دیگر خواهد توانست ۱۰ درصد از نفت وارداتی و محصولات پالایشی مورد نیاز ترکیه را تأمین نماید. زیتین او غلو گفت فکر نمی‌کند که ایران قادر باشد در سال ۱۳۵۹ معادل ۵ میلیون تن نفت به ترکیه صادر نماید. لیکن گفت اگر ایران این مقدار نفت را به ترکیه بدهد، ترکیه در سال ۱۳۵۹ در این رابطه به شوروی متکی نخواهد بود، البته در صورتی که عراق و لیبی نیز به تعهد عمل خود عمل کرده و به ترتیب ۵ میلیون تن نفت مورد توافق را به ترکیه صادر نمایند.

۱۰- اگر این بیانات صمیمانه با عمل توأم گردد، روابط اقتصادی ایران و ترکیه در همان جا که در سال ۱۳۵۷ قطع گردیده بود از سر گرفته خواهد شد. به احتمال بسیار همکاریهای بازرگانی، اقتصادی و فنی بین دو کشور همسایه افزایش خواهد یافت، لیکن هنوز معلوم نیست که انقلاب ایران اجازه تحقق این امکانات را بدهد. (پایان اظهار نظر)

۱۱- ما از طریق دیگر افراد ترک شرکت‌کننده در این سفر اطلاعات بیشتری کسب خواهیم کرد و برای شما گزارش ارسال خواهیم نمود.

اسپیرز

سند شماره (۲۸)

تاریخ: ۲۹ خرداد ۱۳۵۸- ۱۹ ژوئن ۱۹۷۹
از: سفارت آمریکا در آنکارا
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. - با اولویت
رونوشت: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: سفر وزیر خارجه ترکیه به ایران

- ۱- تمام متن خیلی محرمانه است. پیام حاضر اطلاعاتی است.
 - ۲- خلاصه: وزیر خارجه آکان معتقد است که توانسته است با رژیم انقلابی ایران «گفتگوهای حسنه‌ای» را آغاز نماید. توافقهایی در زمینه گسترش همکاریهای اقتصادی و فنی به وجود آمده است ولی به موارد خاص آن اشاره‌ای نشده است.
- آکان معتقد است که ایرانیها می‌خواهند روابط بهتری با آمریکا برقرار سازند، ولی در این زمینه سوءظن و

تردید دارند. آنها نسبت به شوروی و اسرائیل با تندی رفتار کرده‌اند. نشانی از علاقه به گسترش همکاری منطقه‌ای (بین پاکستان، ایران و ترکیه) و حمایت اخلاقی از شورشیان افغانی به چشم نمی‌خورد. (پایان خلاصه)

۳- بنا به درخواست سفیر، وزیر خارجه آکان گزارش مفصلی از سفر خود به ایران در تاریخ ۹-۱۱ ژوئن ارائه نمود. وزیر خارجه گفت در این سفر به هدف اصلی یعنی آغاز گفتگوهای حسنه با رژیم انقلابی ایران دست یافتیم و توانستیم راه را برای گسترش همکاریهای اقتصادی و فنی هموار سازیم. ایرانیها نیز به تمایل سیاسی ترکیه به برقراری همکاریهای صمیمانه تر پاسخ مثبت دادند. ولی وزیر امور خارجه نتوانست بگوید که وقایع چگونه پیش خواهند رفت، چون ایرانیها آمادگی تمرکز بر موارد خاص از قبیل تشکیل کمیسیون مشترک را ندارند. نگرانی اصلی آنها بیشتر مربوط به امور داخلی می‌شد تا امور خارجی. گرچه ایرانیها وانمود می‌کردند که کنترل امور را در دست دارند، ولی آکان چندان هم خوش بین نبود.

۴- معاون وزیر خارجه و وزیر خارجه یزدی در طول اقامت وی حدود یک روز و نیم با وی همراه بود. علاوه بر این وزیر امور خارجه توانست حدود ۴۰ دقیقه با نخست وزیر بازرگان و حدود یک ساعت و نیم با آیت‌الله خمینی ملاقات نماید. همچنین ملاقاتی با تعدادی از وزیران از قبیل سرپرست شرکت ملی نفت ایران نیز صورت گرفت.

۵- برداشتهای آکان:

- خمینی: وی که یک انقلابی سرسخت اسلامی است و حاضر نیست به ایدئولوژیهای دیگر میدان بدهد، با آکان در مورد اسقف ماکاریوس گفتگو کرد. او با غرب به دلایل فرهنگی و مذهبی بسیار مخالف است. ملاقات با آیت‌الله بسیار غیر عادی بود چون خبرنگاران تلویزیونی و مطبوعات در سراسر ملاقات حضور داشتند.

- یزدی: رفتار یزدی بسیار خوب است. نحوه برخورد وی «مدرن» بود ولی در آن رنگ شدیدی از ایدئولوژی اسلامی نیز مشاهده می‌شد. در حال حاضر وی رابط بین خمینی و دولت بازرگان است و روابط موجود با نخست وزیر نیز صمیمانه است. ولی معلوم نیست در آینده چه اتفاقی رخ خواهد داد. آکان فکر می‌کند که یزدی مخالف غرب نیست و می‌خواهد با آمریکا روابط بهتری برقرار گردد (دستیار آکان یعنی ادیمن در مورد این نقطه نظر وزیر تردید دارد).

- بازرگان: وی که یک سیاستمدار مسن است. حامی همکاری با ترکیه است و از اینکه مذاکراتی در این جهت آغاز شده اظهار خوشحالی نمود. نحوه برخورد وی با مسائل بیش از یزدی توأم با مادپرگویی بود. و - شریعتمداری: آکان در میان ایرانیها به ایشان علاقه بسیار دارد. او این آیت‌الله ترکی الاصل را بیش از خمینی دموکراتیک و انساندوست می‌داند و معتقد است که روابط بین این دو آیت‌الله چندان خوب نیست و آنها دائماً با یکدیگر در مورد مسائل قانون اساسی مشاجره دارند.

۶- مسائل عمده:

- روابط با آمریکا: برداشت آکان این است که ایرانیها مایلند با آمریکا روابط حسنه برقرار سازند، ولی نسبت به انتقادهای سنا در مورد مسائل حقوق بشر بسیار حساسیت به خرج می‌دهند. آکان از آمریکا می‌خواهد که با احتیاط و آرامی برخورد کرده و به ایرانیها بفهماند که همکاری به نفع هر دوی آنهاست. در

این رابطه وی گفت امیدوار است ما سفیر جدیدی به ایران بفرستیم. سفیر گفت که ایرانیها پس از آنکه پذیرش سفیر کاتلر را تصویب کرده بودند آن را رد نمودند که واشنگتن نمی تواند با این گونه اعمال کنار بیاید. علاوه بر این سفیر گفت دولت کارتر در انتقاد از عدم رعایت حقوق بشر در ایران انقلابی محتاطانه عمل کرده است، در حالی که از دولت شاه نیز در مورد همین مسئله انتقاد می کرد.

- روابط با روسیه: آکان گفت که احساس می کند ایرانیها مایل به برقراری روابط با شوروی نیستند. ایرانیها معتقدند که شوروی به گروههای مخالف یاری می رساند. آکان گفت که ایرانیها گفته اند که به نظر آنها آمریکا در مسائل جاری مداخله ای ندارد. - اسرائیل: ایرانیها نسبت به اسرائیل، به سخت ترین نحوی عکس العمل نشان داده اند. ایرانیها شدیداً معتقدند که اسرائیل با بقایای ساواک همکاری می کند تا در میان گروههای مخالف شورش ایجاد نماید. - عراق: ایرانیها از موضع عراق بخصوص در استان خوزستان که مخالفین آنجا از عراق کمک دریافت می کنند، سر در نیاورده اند.

- افغانستان: ایرانیها با شورشیان اسلامی افغانستان اظهار «همبستگی اخلاقی» کرده اند. ایرانیها معتقدند که دولت ترکی با مشکلات شدیدی مواجه است.

- سازمان گسترش همکاری منطقه ای: ایرانیها مایل نیستند از این سازمان در بالا بردن میزان همکاری منطقه ای استفاده کنند و مایل هستند به طور دوجانبه عمل نمایند.

- فرستاده جدید برای ترکیه: در نظر دارند یک کاردار جدید به آنکارا و یک سرکنسول به استانبول بفرستند. آکان نمی داند که چرا آنها به جای ارسال سفیر، کارداری به آنجا می فرستند.

- نفت: آکان گفت از گفتگوهای موجود در مورد نفت بسیار «راضی» است و اضافه کرد که سال ۱۹۸۰ شاهد گسترش تجارت در زمینه نفت و دیگر محصولات خواهد بود. (آنکارا ۴۵۳۸)

۷- اظهار نظر: برداشتهای آکان در اختفاء برخلاف گزارشهای مثبت مطبوعات درباره سفر وی به ایران چندان هم امیدوارکننده نیست. دولت اجویت سعی دارد بیشترین استفاده را ببرد. البته با گذشت زمان معلوم خواهد شد که مذاکرات مربوط به همکاری اقتصادی و فنی تا چه حد می تواند موثر از آب درآید.

سند شماره (۲۹)

تاریخ: ۱۲ تیر ۱۳۵۸-۳ ژوئیه ۱۹۷۹
از: سفارت آمریکا در آنکارا
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: وضع ملت، روحیه نگران کننده

۱- تمام متن خیلی محرمانه است.

۲- این یک پیام گزارشی است و به اقدامی نیاز ندارد.

۳- خلاصه: با خالی شدن شهرها و ادارات دولتی در طول تعطیلات تابستان، روحیه تعطیلاتی در ترکیه به چشم نمی خورد. ملت دارای روحیه ای افسرده است؛ تقریباً هر کس در مورد یک مسئله سیاسی، اقتصادی اظهار ناراحتی می کند و نسبت به رهبریت کنونی علاقه چندانی وجود نداشته و میزان وفاداری نسبت به آن نیز کاهش یافته است. در همان حال تعداد خیلی کمی از افراد چشم امید به رهبریت جایگزین دوخته اند و علیرغم جریان کمکهای اضطراری، تنها افرادی که خیلی خوش بین هستند باور دارند که وضع

اقتصادی بهتر خواهد شد. گرچه هم از حکومت نظامی استقبال می‌کنند، ولی نمی‌توان امیدوار بود که این وسیله بتواند خشونت‌های داخلی را از میان بردارد. سیاست خارجی نیز توجه عموم را به خود جلب نمی‌کند. (پایان خلاصه)

۴- بخش اعظم این افسردگی و ناامیدی ناشی از مشکلات اقتصادی است. کمبودها، توزیع نادرست، تورم، کاهش تولید و بیکاری رو به افزایش، شاخص‌های اقتصاد ترکیه شده‌اند. بسیاری از بازرگانان معتقدند که یاکمک‌های آمریکا به موقع نخواهد رسید و یا اینکه در استفاده از آن درایت لازم معمول نخواهد شد. در محافل تجاری این نگرانی وجود دارد که علی‌رغم «پول جدید» سیر نزول اقتصاد ترکیه ادامه خواهد یافت. و بسیاری نیز معتقد نیستند که دولت بتواند برنامه اصلاحی اقتصادی صندوق بین‌المللی پول را به مرحله اجرا درآورد.

۵- بسیاری از ناظران سیاسی ترکیه اعتراف می‌کنند که بی‌تفاوتی سنتی ترکیه در مورد شیوع تظاهرات خشونت‌بار ناشی از محرومیت اقتصادی قابل‌کاربرد نیست، ولی بسیاری از آنها نیز در مورد تأثیرهای احتمالی زمستان آتی نگران هستند و معتقدند که کمبود سوخت و بعضی از مواد غذایی در زمستان نیز ادامه خواهد یافت. بعضی از ناظران معتقدند که کمبود گازوئیل و کود اجازه کشت پاییزه را نخواهد داد.

۶- علیرغم موفقیت محدود حکومت نظامی در مهار کردن تروریسم داخلی، اکثریت جامعه ترک خواهان ادامه یافتن آن هستند. حکومت نظامی اجویت را بیش از حکومت نظامیهای پیشین انسان دوستانه می‌داند. دادگاه‌های حکومت نظامی به سرعتی بیش از دادگاه مدنی به کار خود ادامه می‌دهند. در تقاطعی که حکومت نظامی مستقر نشده مانند ازمیر، بسیاری خواهان گسترش حکومت نظامی تا آنجا نیز هستند.

۷- گرچه مردم حکومت نظامی را تأیید می‌کنند، ولی علائم موجود نشان می‌دهد که خود ارتش از نقش کنونی خویش چندان هم راضی نیست. گزارشات بسیاری دریافت کرده‌ایم که نشان می‌دهد بسیاری از افسران از تأثیر حکومت نظامی بر آمادگی و آموزش ارتش نگران هستند. علاوه بر این، گرچه تاکنون حکومت نظامی اثر منفی بر ارتش نداشته است، ولی بعضی از افسران معتقدند که اگر باز هم نتوانند میزان خشونت‌ها را کاهش دهند به ارتش و احساسات آن آسیب وارد خواهد آمد.

۸- بسیاری از ترک‌ها احساس می‌کنند که نخست‌وزیر اجویت در رأس یک دولت بی‌کفایت قرار گرفته است. همه معتقدند که حزب عدالت ۴ کرسی از ۵ کرسی مجلس شورای ملی را در انتخابات میان دوره‌ای خواهد ربود و خواهد توانست رای اعتماد مجلس شورا را به نفع خود و بر له اجویت در اولین مجمع مجلس پس از انتخابات کسب نماید و تعداد کمی از ترک‌ها معتقدند که دمیرل خواهد توانست دولتی تشکیل دهد. در محافل سیاسی و تجاری بسیاری معتقدند که پس از سقوط اجویت دولتی که باید ضرر و زیانهای وارده را جبران نماید، به وجود خواهد آمد.

۹- نظریه مخالف آنچه گفته شد مربوط به گروه کوچک لیکن رو به رشدی است که فکر می‌کنند اجویت می‌تواند تا سال ۱۹۸۱ بر سر پایبستند. اجویت توانسته است کمک اقتصادی عمده‌ای دریافت نماید و این خود سبب خواهد شد که اقتصاد بهبود بیشتری یافته و خسارات وارده سیاسی را جبران خواهد کرد. بعضی نیز از ائتلاف حزب جمهوریخواه ملی و حزب رستگاری ملی برای ارجاع انعطاف پارلمانی بیشتر برای اجویت سخن می‌گویند. بنا بر این گرچه اجویت دیگر شهرت و اعتبار خود را از دست داده است، ولی

اقلیتی معتقد است که نباید تدریجاً اجویت را در بازگشت و نجات دولت خود دست کم گرفت. مهمترین نکته مثبت این است که همه معتقدند که هیچ کدام از جانشینان وی بهتر از خود او نیستند.

۱۰- افسردگی و یاسی که در ماههای اخیر زیاد شده، سبب شده است که محافل نخبه ترکیه به صحبت پیرامون نیاز ترکیه به یک رهبریت قوی و نیرومند بپردازند. البته بعضیها آشکارا می گویند که ارتش باید مداخله کند و برای مدتی کوتاه آزادیهای دموکراتیک لغو شوند «تا همه چیز درست شود»، ولی ما فکر نمی کنیم که ارتش بخواهد در صحنه سیاسی مداخله نماید. چون ارتش نیز فکر نمی کند که بتواند بیش از همتای مدنی خود مشکلات اقتصادی و سیاسی ترکیه دست و پنجه نرم کند. علاوه بر این، بحرانی به وجود نخواهد آمد که این حرکت ارتش را ضروری و مشروع نمایان سازد.

۱۱- مردم در حال حاضر به سیاست خارجی توجه چندانی ندارند، مسائلی از قبیل یو-۲، قبرس، روابط ترکیه با غرب و خاورمیانه و ناآرامیهای ایران، معمولاً در روزنامه ها گزارش می شوند، ولی مردم توجه چندانی به آنها ندارند.

ترکها از نظر سنتی بسیار درونگرا هستند و مشکلات فزاینده داخلی و اقتصادی نیز این روحیه آنها را تقویت کرده است.

۱۲- کنسولگریهای آدانا، استانبول و ازمیر نیز در این ارزیابی سهیم بوده اند. نسخه ای از گزارشات آنها نیز، به آن وزارتخانه ارجاع خواهد گردید.

اسپرز

سند شماره (۳۰)

تاریخ: ۳ مرداد ۱۳۵۸-۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹
 از: سفارت آمریکا در آنکارا
 به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. - با اولویت
 رونوشت: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: عکس العمل های سیاسی ترکیه در قبال آمریکا

۱- تمام متن خیلی محرمانه است. این پیام اطلاعاتی است.

۲- خلاصه: پس از لغو تحریم تسلیحاتی اوت ۱۹۷۸ توسط کنگره، فکر می کردیم که تیرگی موجود در روابط ترکیه و آمریکا از بین خواهد رفت و بایستی کارهایی در این جهت صورت گیرد. وقایع سال گذشته نشان داد که این برآورد درست نبوده است. گرایش و تمایل ترکیه به غرب و عضویت آن کشور در ناتو هنوز هم سیاست مورد قبول و مورد حمایت عناصر اصلی دولت ترکیه است. با این وصف تماسهای ما حاکی از آن است که عناصر سیاسی ترکیه از روند روابط ناراضی و ناراحت هستند. (پایان خلاصه)

۳- لغو تحریم در سال گذشته رنجشهای خاطر اصلی را از میان برداشت، لیکن چند عامل بر عکس العمل های ترکیه در قبال آمریکا تأثیر منفی گذارده است.

- اشکالات متعدد اداری مانع تلاش ما در تسریع تجدید جریان کمک نظامی آمریکا به ترکیه گردید.

تلاشهایی برای از میان برداشتن این موانع صورت می گیرد، ولی عدم تصویب کنگره از کمک ۵۰ میلیون دلاری برنامه کمکهای نظامی، این سوءظن را پدید آورده است که گویا آمریکا سعی دارد در مورد مسائلی از قبیل تقاضای آن کشور جهت دریافت هواپیماهای یو-۲ به ترکیه فشار وارد آورد. در حال حاضر گزارشات خصمانه مطبوعات سعی دارد به مردم بفهماند که ۵۰ میلیون دلار کمک نظامی که به وسیله

کنگره تصویب نشده است، کل کمک‌هایی بوده است که آمریکا مایل به ارائه آن به ترکیه بوده است. حملات اجویت در پاییز و زمستان به صندوق بین‌المللی پول و عکس‌العمل غرب در مقابل مشکلات اقتصادی ترکیه نشان می‌دهد که با وخیم‌تر شدن بحران‌های اقتصادی داخلی آتش‌کینه نیز شعله‌ورتر خواهد گشت. همه باور کرده‌اند که به خاطر تلاش‌های یونان در آمریکا قرار است یک تحریم اقتصادی علیه ترکیه به کار گرفته شود.

نگرانی ترکیه از قابل اعتماد بودن آمریکا به عنوان یک همپیمان که ناشی از تحریم و ناشی از عدم توانایی ما در مخالفت از سقوط شاه ایران و این فرضیه که آمریکا در برابر شوروی در حال از دست دادن قدرت می‌باشد، شدت بیشتری یافته است.

ترکها به مقایسه میلیاردها دلاری که آمریکا حاضر است به اسرائیل و مصر کمک نماید و آنچه که حاضر است برای ترکیه انجام دهد، پرداخته و معتقدند که در زمانی که دموکراسی آنها با بحران‌های بسیار عمیق سیاسی و اقتصادی با سابقه روبرو شده، این کمکها بسیار ناچیز است.

ورود یونان به بازار مشترک اروپا این تصور را در اذهان ترکها پدید آورده که این عمل به هر حال به ضرر ترکیه خواهد بود. دیگر مسائل مربوط به یونان از قبیل مسئله ورود دوباره آن به سازمان ناتو و مسئله قبرس نسبتاً در عکس‌العمل ترکیه در قبال آمریکا تأثیر چندانی نداشته‌اند، ولی هنوز هم ممکن است به متشنج‌تر شدن روابط منجر شوند.

۴- از نظر دورنمای سیاسی، عکس‌العملها در قبال آمریکا و گرایش غربی ترکیه متفاوت است. در انتهای چپ، گروه‌های کمونیست و مارکسیست لنینیستی بر سیاست‌های خارجی و امنیتی تأثیر چندانی ندارد. لیکن این مسئله در مورد (روشنفکران چپگرا که در جناح چپ حزب جمهوریخواه خلق، حرفه‌ای‌های چپگرای مؤسسات، فدراسیون تجارت دیسک چپگرایان و بسیاری از محوطه‌های دانشگاه و در ستون‌های ضد آمریکایی جمهوری که مورد مطالعه روزمره روشنفکران ترکیه می‌باشد، مصداق ندارد. این محافل گرایش غربی ترکیه را به دیده تردید نگرسته و خواستار سیاستی دیگر بر اساس بهبود روابط با جهان سوم، کشورهای عرب همجوار ترکیه و بلوک شرق می‌باشند. آنها شدیداً ضد آمریکایی بوده و مایل هستند بدون خارج کردن کامل ترکیه از ناتو آن را وادار به اتخاذ یک سیاست بیطرف بنمایند.

۵- چپ مرکزی: چپ‌های میانه‌رو و مرکزی حزب جمهوریخواه که تحت رهبری نخست وزیر اجویت هستند، از نظر سیاسی اهمیت بیشتری دارند. گرچه خواهان پیروی از یک سیاست خارجی انعطاف‌پذیرتر که موجب نزدیکی بیشتر با کشورهای جهان سوم و بلوک شرق بشود، هستند ولی از اتحاد ترکیه در ناتو نیز به عنوان زیر بنای سیاست امنیتی ترکیه حمایت می‌نمایند. قبل از اجلاس ماه می سازمان توسعه و همکاری اقتصادی این گروه احساس می‌کرد که غرب با کندی ارائه کمک‌های اضطراری اقتصادی این کشور را تنها گذاشته است. سیاستمداران حزب جمهوریخواه خلق معتقدند که ما خیلی دیر و خیلی ناچیز به مشکل آنها علی‌رغم اتحاد ترکیه در ناتو و اهمیت استراتژیک این کشور، پاسخ داده‌ایم. افرادی مانند سناتور ضیا گوکالپ ملایم، سرپرست کمیته روابط خارجی سنا، می‌گویند که اگر ما باز هم نسبت به نیازهای ترکیه بی‌تفاوتی نشان دهیم، بنا به ضرورت ترکیه در گرایش غربی خود تغییری خواهد داد. لیکن بسیاری از آنها این تغییر را در نتیجه سقوط حزب جمهوریخواه خلق و سیاست‌های خودشان امکان‌پذیر می‌دانند.

۶- راست مرکزی: عناصر محافظه کارتر حزب جمهوریخواه خلق و جناح میانه‌رو حزب عدالت که شامل رهبر حزب سلیمان دمیرل است احساس نزدیکی با آمریکا کرده و در گفتگوهای خصوصی از آن حمایت می‌کنند. ولی همینها می‌بینند اگر در انظار با این مسائل مخالفت کنند به نفعشان می‌باشد. بنابراین دمیرل نیز در مورد مسئله یو - ۲ به انتقاد شدید از آمریکا پرداخته است.

علاوه بر این به دنبال انقلاب ایران حس اعتماد به آمریکا کمتر شده است، و تنفر از تحریم تسلیحاتی این تصور را در آنها پدید آورده که آمریکا در مورد قبرس نیز به آنها فشار وارد خواهد آورد. نکته جالب توجه اینجاست که با وجود اینکه طرفداران اجویت از مشکلات سالهای اخیر ترکیه در برابر بازار مشترک شکوه می‌کنند، دمیرل معتقد است که ترکیه باید به دلایل سیاسی خود را آماده پیوستن به این بازار بنماید. و علیرغم اجویت که مایل است با کشورهای رادیکال عرب از قبیل لیبی روابط حسنه به وجود آورد، دمیرل این گونه کشورها را جالب توجه نمی‌داند.

۷- حزب راستگرای جمهوری: جناح محافظه کارتر و ناسیونالیست حزب جمهوریت از آمریکا به خوبی یاد نمی‌کند. این جناح از غربگرایی چندان دل خوشی نداشته و مایل است با کشورهای عربی نیز روابط حسنه برقرار شود. حتی بیش از خبرگان سنتی طرفدار اروپای متمرکز در حزب جمهوریخواه خلق در مورد اختلافات مسلمانان ترکیه و غرب مسیحی حساسیت نشان می‌دهد خصوصاً اگر قرار باشد یونان نیز وارد صحنه بشود.

۸- حزب ناسیونالیست فعال ترکیه: راستگرایی رادیکال ناسیونالیزم ترکیه در حزب ناسیونالیست فعال ترکیه به صورت ضدیت عمیق با کمونیسم و شوروی تجلی می‌یابد. بنابر این حزب خواستار بازگشت ارزشها و معیارهای جنگ سرد بوده و نسبت به روابط حسنه چه با شوروی و چه با یونان اظهار تردید و بدبینی می‌کند. نظریات آنها در دراز مدت درد سرهایی برای ما فراهم می‌آورد، ولی در کوتاه مدت و در صورتی که به عنوان یک ضریب سیاسی در حاشیه عمل نمایند هیچ گونه خطری به همراه ندارد.

۹- حزب رستگاری ملی: حزب رستگاری ملی اربکان که از نظر مذهبی راستگراست، تاریخی مملو از حمایت و طرفداری از اسلام دارد. در حال حاضر، حزب رستگاری ملی نیروی سیاسی رو به ضعف به حساب می‌آید. ولی در صورتی که بتواند در دولت وارد ائتلاف گردد، نظریات آن گرایشهای طرفداری عربی و جهان سوم را تشدید خواهد کرد و در مورد قبرس نیز مشکلاتی پدید خواهد آورد.

۱۰- خدمات خارجی و ارتش: ارتش و خدمات خارجی ترکیه مهمترین عناصری هستند که بر سیاست خارجی و امنیتی ترکیه نفوذ دارند. مطبوعات ترکیه نیز در این زمینه بسیار مؤثر هستند، ولی چون نظریات حزبی را منعکس می‌سازند آنها را نیز می‌توان در زمره عکس‌العملهای سیاسی احزاب به حساب آورد.

۱۱- خدمات خارجی و ارتش حرفه‌ای هنوز هم از نظریات سنتی آتاتورک حمایت می‌کنند. گرچه تأثیر منفی تشنج دهساله قبرس و تحریم تسلیحاتی ۷۸-۱۹۷۵ بسیار زیاد است، ولی آنها به روند اروپایی‌سازی و رابطه با آمریکا و ناتو به عنوان اساس سیاست خارجی ترکیه می‌نگرند. هیچ یک از این گروهها نسبت به طرز فکر چپگرایانه فرهنگیان و روشنفکران احساس همدردی نمی‌کند، ولی افراد جوان این گروهها احتمالاً تحت تأثیر این طرز تفکرها قرار گرفته‌اند. آنها بر خلاف ارشدهای خود به سیاست ما قبل جنگ جهانی دوم ترکیه به عنوان راهنمای سیاست خارجی آتی ترکیه بدیده تردید می‌نگرند.

۱۲- معذالک خدمات خارجی و ارتش نیز تاحدودی در افسردگی دیگران در قبال پاسخ آمریکا به نیازهای کنونی ترکیه سهیم هستند. و ظاهراً از میزان اعتماد به خواست توانایی آمریکا کاسته و آن را نشانی از سقوط نفوذ غرب در آسیای غربی نمایانده است.

۱۳- اظهار نظر: این بررسی طرز تفکر نشان می‌دهد که با وجود گرایش غربی ترکیه علایم نارضایتی در صحنه سیاسی زیادتر می‌گردد و این نارضایتی مشکل جدیدی نیست و علیرغم لغو تحریم ناشی از وقایع اواسط سالهای ۱۹۶۰ می‌باشد. متخصص امور خارجی ترکیه صیفی تاشان، اخیراً در دیس پولیتیکا نوشته است که حمایت ملی در قبال سیاست خارجی غربگرایی که پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفت رو به نقصان و کاهش است. تحلیل‌های ما نیز این نظریه را تأیید می‌نمایند گرچه آمریکا در سال گذشته تلاش‌های بسیار نمود تا با ارائه کمک‌های بیشتر به ترکیه کارهای مثبتی انجام دهد.

۱۴- این پیام حاوی نظریات کنسولگریها نیز می‌باشد و چون وسیله تعیین نظریات عمومی در ترکیه وجود ندارد، این گزارش با استفاده از تماس‌های شخصی سفارت و مقامات کنسولی تهیه شده است.

اسپیئر

سند شماره (۳۱)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

تاریخ: ۱۷ مرداد ۱۳۵۸-۸ اوت ۱۹۷۹

به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

از: سفارت آمریکا در آنکارا

رونوشت: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: نظریات وزارت امور خارجه ترکیه پیرامون ایران

۱- تمام متن خیلی محرمانه است.

۲- مقامات وزارت خارجه ترکیه در گفتگوهای جداگانه با مقام سفارت در روز ۷ و ۸ اوت به اظهار نظر پیرامون وقایع ایران پرداختند. در بخش ایران و آسیای جنوبی نظر سرپرست بخش محیط‌ات بالکان، این است که دولت ایران «تلاش معقول» برای برگزاری منصفانه انتخابات مبذول داشته است لیکن عدم مشارکت گروه‌های مخالف به خصوص در مناطق دارای اقلیتهای غیر فارسی زبان نشانگر تردید در قابل قبول بودن انتخابات می‌باشد. بالکان مطمئن نیست که نتیجه این انتخابات می‌تواند به عنوان حمایت فعال از خمینی و یا به عنوان «عدم تمایل» و عدم توانایی عناصر ناراضی در تشکیل یک جناح متحد مخالف تلقی گردد.

۳- سرهنگ سلیم سرپرست امور سیاسی دو جانبه وزارت امور خارجه معتقد است که در حال حاضر اوضاع منطقه کردنشین ایران آرام است - نیروهای خمینی ظاهراً توانسته‌اند کنترل منطقه را بدست گیرند و کردها نیز فعلاً سعی دارند از درگیر شدن با قدرت تهران امتناع ورزند. به نظر سلیم، مهارت دولت ایران در برخورد با شکوائیه‌های اقلیتهای نشان خواهد داد که این آرامش تا چه حد دوام پیدا خواهد کرد. وی که اعتراف می‌کند که عبور مرزی و حمل و نقل سلاح در مرز ایران و ترکیه شدت پیدا کرده است معتقد است که رابطه آنچنانی بین گروه‌های کرد ترکیه و ایرانی وجود ندارد. دولت ترکیه نیز مطمئن است که کنترل اوضاع بخش ترکیه‌ای مرز خود را در دست دارد.

اسپیئر

سند شماره (۳۲)

تاریخ: ۱۹ شهریور ۱۳۵۸-۱۰ سپتامبر ۱۹۷۹
از: سفارت آمریکا در آنکارا
رونوشت: سفارت آمریکا در تهران
موضوع: اوضاع امنیتی شرق ترکیه

۱- (تمام متن سری است)

۲- خلاصه: این پیام حاوی ارزیابی اوضاع سیاسی و امنیتی شرق ترکیه است. دولت ترکیه برای کنترل منطقه کردنشین شرق ترکیه از روش طعمه و شلاق استفاده می‌کند، یعنی به جلب همکاری رهبران و مالکان پرداخته و حضور نظامی خود را نیز افزایش می‌دهد. در سالهای اخیر، این روش در نتیجه بروز تمایلات سیاسی کردها، افزایش آگاهی نژادی و درگیری بعضی از جوانان تحصیلکرده حول و حوش فعالیتهای انقلابی مارکسیستی، تجزیه طلبانه و تروریستی، بی تأثیر مانده است.

دولت اجوبیت در برخورد با وقایع شرق ترکیه «ملایمت» را پیشه خود ساخته و اجازه داده است، که نظریات متخاصم ابراز شود و در ازای آن سعی کرده است سازمانهای حقوقی و اجرای قانون را نیز در نقاط تقویت نماید. این «ملایمت برخورد» مورد حمایت رهبریت مهم ارتش ترکیه است، ولی کمالیستهای محافظه کار و فرماندهان بعضی از واحدهای مستقر در شرق ترکیه را نگران کرده است، چون آنها مایلند که مخالفین را با قدرت بیشتر سرکوب نمایند. با وجود اینکه فرماندهان نظامی نگران قیام تجزیه طلبانه کردها هستند. ولی ما فکر نمی‌کنیم که گروههای رادیکال کرد ترکیه بخواهند با قدرت غالب ارتش ترکیه در منطقه کردنشین مایل به مبارزه باشند. احتمالاً دولت ترکیه به «ملایمت برخورد» خود ادامه خواهد داد، مگر اینکه در رهبریت سیاسی ترکیه تغییری پدید آید و یا پیروزی کردها در ایران تمامیت ارضی ترکیه را به خطر افکند. (پایان خلاصه)

۳- کردها اکثریت ساکنین استانهای شرق و جنوب شرقی ترکیه حدود ۹۰ درصد جمعیت بعضی از استانها از قبیل دیار بکر را تشکیل می‌دهند. از پنجاه سال قبل یعنی زمانی که دولت مدرن ترکیه تأسیس گشت، دولت ترکیه توانسته است منطقه را با اتخاذ سیاستهایی از قبیل همکاری سیاسی و اقتصادی مالکین کرد و رهبران قبیله‌ای کنترل کرده و حضور نظامی خود را افزایش بخشد. با وجود اینکه بسیاری از کردها وارد زندگی سیاسی و اقتصادی ترکیه شده‌اند، ولی به منطقه کردنشین توجه نشده و میزان بیسوادی، درآمد سرانه و سطح زندگی در آنجا خیلی ناچیز است و چون در اوائل جمهوری ترکیه کردها دست به انقلاب زده بودند، دولت ترکیه نسبت به وفاداری کردها بسیار مردد است.

آنها همیشه با استفاده از قدرت نظامی موفق به برقراری صلح و سرکوب نهضتهای جدایی طلب شده‌اند. سرمایه‌گذاری، ساختن مدارس و پیشرفتهای زیربنایی با نوعی توزی توأم بوده و منطقه مزبور از آناتولی غربی و مرکزی بسیار عقب افتاده تر است.

۴- در سالهای اخیر، حزب جمهوریخواه خلق و حزب رستگاری، ملی به خاطر حمایت از افزایش سرمایه‌گذاری و برنامه‌های اقتصادی مورد علاقه کردها واقع شده‌اند. کردها عنصر مهمی را در حمایت از اجوبیت تشکیل می‌دهند. در ده سال گذشته، کردهای جوان تحصیلکرده نوعی بازگشت به خویش کرده و از سیاستهای توأم با غفلت در منطقه آبا و اجدادی خود آگاه شده‌اند. بسیاری از آنها مارکسیسم انقلابی را

شعار خود ساخته که نوعی خطر برای دولت محافظه کار و ارتش ترکیه به حساب می آید، و علاوه بر این بسیاری از آنها به سازمانهای ضربتی چپگرای رادیکال پیوسته اند و در درگیریهای تروریستی مشارکت جسته و علنا خواستار تجزیه طلبی کردها گشته اند.

۵- علیرغم احساسات ناسیونالیستی کردها و افزایش تقاضا برای کمکهای اقتصادی، نهضت کردهای ترکیه راه زیادی را باید طی کند تا بتواند یک سیاست هماهنگ و یا یک جهت مشخص را پیشه خود سازد. رهبران قبیله ای و زمین داران خود را با دولت سیاسی ترکیه همپیمان دانسته و غالباً هم پاداش این وفاداری را دریافت می دارند.

گروههای چپگرای تندرو نیز که به نظر ما از حمایت مردمی برخوردار نیستند، دائماً در معرض انشعاب بوده و با یکدیگر در مبارزه هستند.

۶- در سال گذشته، دو واقعه مهم تأثیر فاحشی بر تصورات ترکیه از وقایع استانهای شرقی به جای گذاشت:

الف) ایران: عدم موفقیت خمینی در تحکیم قدرت به دنبال انقلاب موفقیت آمیز خود و شیوع جنگ داخلی در استانهای کردنشین موجبات نگرانی سیاسی ترکها را فراهم آورده است. این تصور که رژیم ضعیف ایران ممکن است مجبور شود به کردهای ایران مقداری خودمختاری بدهد و یا یک دولت کرد مستقل ممکن است ظهور نماید، موجبات نگرانی عمیق را فراهم آورده است.

ب) افزایش آگاهی نژادی: نگرانی ترکیه در مورد وقایع استانهای شرقی بخصوص در اثر افزایش آگاهی نژادی در ترکیه و بخصوص در بخش شرقی شدت بیشتری یافته است. بسیاری از ترکها معتقدند که دولت اجوییت با تحمل ابراز عقاید متخاصم موجب می شود که مشکلات ترکیه در زمینه امور نژادی بیشتر شود. با وجود اینکه نخبگان ترکیه نیز به هیچ وجه از خلوص نژادی برخوردار نیستند، ولی همه آنها فرضیه «ترک بودن» آتاتورک را به عنوان شیرازه اتحاد گروههای فرهنگی و نژادی مختلف کشور خود می نگرند. بسیاری از این نخبگان به ما گفته اند که می ترسند این آزادی ابراز کرد بودن و اعتراف به این حقیقت که کردها از نظر جغرافیایی و نژادی ممتاز هستند، موجبات تجزیه ترکیه را فراهم آورد. نگرانی خبرنگاران طرفدار آتاتورک در سخنرانی پیروزی ۳۰ اوت پرزیدنت کوروتورک که در آن وی اخطار کرده است که «سران تجزیه طلب به زودی سرکوب خواهند شد» نشان داده شده است.

۷- کاهش تدریجی احترام برای کارآیی دولت ترکیه در سالهای اخیر در نتیجه مشکلات سیاسی و اقتصادی داخلی کشور نیز از همین میزان اهمیت برخوردار است. این پدیده را در همه نقاط کشور می توان به چشم دید. گرچه مناطق غربی و مرکزی نیز توأم با شورش بوده است، ولی تقویت حضور رسمی در شرق مشروعیت دولت ترکیه را به زیر سؤال کشیده است.

در گذشته اعمال قدرت توسط مقامات ترکیه و ارتش کشور در شهرها و شهرکها بیشتر بود و در مناطق روستایی چندان شدت نداشت. با ضعف کلی اختیارات مدنی، به خصوص سیاسی شدن پلیس و بوروکراسی ترکیه، گروههای ضربتی چپگرای رقیب از قبیل آپوکولار، سیوانسیلار، و دیگران توانسته اند به طور موقت مناطقی را که خارج از حیطه اختیارات روزمره مقامات ترکیه بوده تحت کنترل درآورده و از مردم در ازای حراستی که به عمل می آورند، پول دریافت نمایند. فعالیت این گروهها از نظر منطقه ای وزمانی محدود است، لیکن ظهور آنها و گرایشهای مارکسیستی انقلابیشان و شعارهای

تجزیه طلبانه‌شان، واحدهای نظامی را که مسئول حفظ قانون ترکیه در این نقاط کردنشین هستند، نگران کرده است.

۸- پاسخ دولت اجویت به افزایش آگاهی نژادی کردها و ظهور احساسات ناسیونالیستی شبه نظامی، بردباری، اتکاء شدید به شرایط قانونی و تقویت نیروهای مجری قانون در آن نقاط بوده است. این «ملایمت برخورد» حاکی از تعهدات دموکراتیک اجتماعی اجویت و وابستگی وی به نمایندگان کرد حزب جمهوریخواه خلقی و مستقل برای حفظ اکثریت طرفدار خود در پارلمان است. همان طور که در گفتگوی اخیر با سفیر اشاره شد (تلگرام مرجع ه) مقام عالی ارتش ترکیه یعنی ژنرال کنان اورن نیز مانند اجویت خواستار ادامه یافتن «ملایمت برخورد» می‌باشد. با وجود اینکه اورن معتقد است که تأخیر اصلاحات ارضی موجب شورش کردها شده است، ولی وی فکر می‌کند «مسئله» کردها در صورت امکان باید بدون توسل به «جبر» حل گردد.

۹- البته روش اجویت - اورن چندان هم منحصر به فرد نیست و ما گزارشهایی را مشاهده کرده‌ایم که بر اساس آنها بسیاری با این روش مخالف هستند. افسرانی که نظریات آنها در مورد اوضاع امنیتی شرق در گزارش اطلاعاتی اخیر ضبط گردیده (مرجع ب) ظاهراً خواستار اعمال روشهای سنتی و تند می‌باشند. آنها معتقدند که اگر نتوان اعمال قدرت مطلق نمود، کنترل کاملاً از دست خارج خواهد گردید. شرح آنها از اوضاع امنیتی بدون شک تحت تأثیر عقاید آنها در مورد نحوه کنترل است، ولی کاملاً در نقطه مقابل نظریات اجویت - اورن قرار دارد.

۱۰- به نظر ما حداقل در کوتاه مدت امکان آن وجود ندارد که نهضت ناسیونالیستی کرد بتواند انقلابی را در ترکیه به وجود آورد. هنوز شرایط برای این کار مناسب نیست. نهضت ناسیونالیستی که کوچک و تجزیه شده است. تعداد نیروهای نظامی ترکیه در شرق نیز بسیار زیاد است. گروههای رادیکال کرد احتمال دارد که در محاسبه نیرو، ضعف و مصمم بودن ارتش ترکیه راه خطا بروند، ولی امکان آن نیز بسیار ناچیز است.

۱۱- به نظر ما دولت ترکیه سعی خواهد کرد «ملایمت برخورد» اجویت را دنبال نماید. در صورتی که اجویت در ماههای آتی سقوط نماید و یا وقایع ایران و عراق موجب از بین رفتن این «ملایمت برخورد» شود ارتش ترکیه به منظور حاکمیت ترکیه و سرکوب نیروهای منطقه اقداماتی انجام خواهد داد. به نظر ما این تلاش توأم با اقدامات شدید و خالی از تبعیض خواهد بود و احتمالاً در کوتاه مدت سبب از بین رفتن مخالفت و مخفی شدن رادیکالها خواهد گردید. ولی در دراز مدت بهترین راه حل تسریع پیشرفت اقتصادی در شرق ترکیه است تا در شاخصهای اقتصادی این بخش همیشه در انتهای فهرست اقتصادی مهم قرار نداشته باشد.

اسپیرز

سند شماره (۳۳)

تاریخ: ۲۶ شهریور ۱۳۵۸-۱۷ سپتامبر ۱۹۷۹
از: سفارت آمریکا در آنکارا
رونوشت: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: نظریات تورگوت اوزال، رهبر حزب رستگاری ملی

- ۱- تمام متن خیلی محرمانه است.
- ۲- خلاصه: این یک پیام اطلاعاتی است و به هیچ گونه اقدامی نیازمند نیست. تورگوت اوزال رهبر حزب رستگاری ملی معتقد است، که اجویت در انتخابات آینده دارای وضع بهتری خواهد بود، لیکن به هرحال دولت وی سقوط خواهد کرد. اوزال معتقد است که ائتلاف حزب رستگاری ملی و PRP (حزب جمهوریخواه خلق) امکان پذیر نیست. اگر رهبر حزب عدالت یعنی دمیرل نخواهد قدرت را به دست گیرد اوزال معتقد است که دولتی مرکب از تکنیسینها امور را در ترکیه به دست خواهد گرفت. اوزال می گوید که اوضاع امنیتی بخصوص در نقاط کردنشین خیلی بدتر از آن چیزی است که دولت توصیف می کند. وی فکر می کند که روش «معتدل» برخورد با مخالفین کرد سرانجام منجر به اغتشاشات جدی نژادی می گردد. (پایان خلاصه)
- ۳- در مروری بر صحنه سیاسی ترکیه با مشاور سیاسی، تورگوت اوزال، رقیب اربکان رهبر حزب رستگاری ملی اظهار بدبینی می نمود. وی معتقد است که در انتخابات آینده وضع اجویت بهتر خواهد شد، ولی دولت وی نخواهد توانست در دوران بعد از انتخابات دوام بیاورد. اوزال در این مسئله که رهبریت نیرومند مورد نیاز ترکیه وجود ندارد، که بتواند مشکلات سیاسی و اقتصادی داخلی آن کشور را حل نماید اظهار نگرانی کرد.
- ۴- اوزال گفت که امکان ندارد که حزب رستگاری ملی با اجویت به ائتلاف دست بزند. او با این مسئله مخالف است و معتقد است که نیمی از ۲۴ عضو حزب رستگاری ملی گروه پارلمانی با وی در این امتناع همگام خواهند شد. وی گفت حتی اگر اربکان بتواند نیم دیگر حزب رستگاری ملی را با اجویت ائتلاف دهد باز هم وضع توأم با ثبات نخواهد بود و اوزال فکر نمی کند که اجویت بتواند ۲۲۶ رای لازم را به دست بیاورد.
- ۵- اوزال می گوید که به نظر او هدف حزب عدالت یعنی برگزاری انتخابات جدید موضوع مناسبی نیست و فکر می کند که در پارلمان اکثریتی در حمایت از این هدف وجود ندارد، خصوصاً اینکه حزب جمهوریخواه مترقی و حزب رستگاری ملی با این مسئله مخالف هستند.
- ۶- اوزال شخصاً ترجیح می دهد که دولتی تحت رهبری دمیرل از حزب عدالت و با حمایت حزب رستگاری ملی و حزب NAP ترکیه تشکیل شود. اوزال فکر می کند که شرکاء جبهه ملی پیشین دمیرل ممکن است متقاعد باشند که بدون شرکت در دولت وی، از او حمایت نمایند. در همان حال، اوزال می گوید که سقوط اجویت سبب ایجاد بی نظمی در حزب جمهوریخواه خلق گردیده و باعث می شود که این حزب نتواند خطری علیه ثبات دولت به شمار آید. ولی در حال حاضر دمیرل حاضر نیست قدرت را در دست گیرد.
- ۷- اوزال معتقد است که تحت این شرایط و پس از این بحرانهای کنونی دولتی حکومتی متشکل از

تکنسینها امور را به دست خواهند گرفت. او شخصاً این روش را دوست ندارد ولی فکر می‌کند که به عنوان یک اقدام موقت تا انتخابات سال ۱۹۸۱ ضروری باشد. اوزال می‌گوید اگر در این دولت افراد مناسبی انتخاب شوند، این دولت خواهد توانست بیش از هر دولت سیاسی با مشکلات اقتصادی و خشونت‌های سیاسی دست و پنجه نرم کند. اوزال از نحوه مبارزه اجویت با خشونت‌های سیاسی انتقاد می‌کرد و می‌گفت اظهارات وی در مورد اوضاع امنیتی اغراق‌آمیز بوده است. اوزال با یادآور شدن اغتشاشات موجود در راه پیمایی‌های انتخاباتی گفت احترام مردم نسبت به اختیارات و حاکمیت دولت بسیار کاهش یافته است.

۸- او همچنین از افزایش آشوب در مناطق کردنشین و برخورد بین کردها و ترکها در نقاط دیگر ترکیه اظهار نگرانی نمود. وی گفت برخورد «معتدل» اجویت با مخالفین کرد که اکثرشان چپگرا هستند اشتباه بسیار بزرگی است و در آینده مشکلات جدی به بار خواهد آورد. اوزال گفت اجویت اصولاً با انگیزه‌های سیاسی کار می‌کند. وی فکر می‌کند که اگر روش خشن‌تری در پیش گیرد از حمایت نمایندگان کردها محروم شود و در نتیجه موجبات سقوط زودتر از موعد مقرر دولت خود را فراهم می‌آورد. اسپیرز

سند شماره (۳۴)

تاریخ: ۳۰ شهریور - ۲۱ سپتامبر ۱۹۷۹
 از: سفارت آمریکا در آنکارا
 به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. - با اولویت
 رونوشت: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: نماینده حزب چپگرای جمهوریخواه خلق پیرامون انتخابات و
 وضع امنیتی شرق ترکیه اظهار نظر می‌نماید

- ۱- تمام متن سری است.
- ۲- این یک پیام گزارش است و به اقدامی نیاز ندارد.
- ۳- خلاصه: نماینده میانه‌رو حزب جمهوریخواه خلق چپگرا، سمیح اریدیز، در گفتگویی در ۱۸ سپتامبر اظهار داشت که اگر در انتخابات اجویت شکست بخورد، تعجبی نخواهد کرد. اریدیز ادعا می‌کند که چپگرایان کرد سعی دارند ارتش ترکیه را تحریک نمایند تا موجب تعارض سیاسی گردند و کردهای مخالف مورد حمله واقع شوند، چون فکر می‌کنند که این مسئله کردهای نامتعهد را به تند روی وادار خواهد کرد. اریدیز به مذاکرات دفاعی آمریکا و ترکیه نیز اشاره‌ای نمود (پایان خلاصه)
- ۴- انتخابات: سمیح اریدیز نماینده حزب جمهوریخواه خلق ترکیه در آنکارا (حفاظت شود) در گفتگو با مقام سفارت (کریستی) در ۱۸ سپتامبر از ادامه پیش‌بینی در مورد انتخابات آینده امتناع ورزید. وی صریحاً اظهار داشت که اگر دولت پس از انتخابات ۱۴ اکتبر سقوط کند نه متعجب می‌شود و نه نگران. با این وصف وی فکر می‌کند که انتخابات ملی طبق برنامه در سال ۱۹۸۱ برگزار خواهد گردید.
- ۵- امنیت انتخابات: هنگام اظهار نظر پیرامون امنیت انتخابات اریدیز خاطر نشان ساخت که در پایان هفته آنکارا، را ترک خواهد کرد تا برای حزب جمهوریخواه خلق در ایالات یوزکات به مبارزات انتخاباتی دست بزند. اریدیز اعتراف کرده که علت اینکه وی برای کار در ایالات یوزکات توسط قرارگاه حزب جمهوریخواه خلق برگزیده شده، این است که بارهبریت حزب در دومین اجلاس سالانه حزبی در ماه می سال کنونی آشکارا مخالفت ورزیده است. هیچ کس از انجام مبارزات انتخاباتی در ایالات

یوزکات خوشش نمی‌آید و این کار برای سیاستمداران حزب جمهوریخواه خطرهای امنیتی جدی به بار خواهد آورد. چون ایالت یوزکات تعداد قابل ملاحظه‌ای شبه نظامی حزبی دارد، اریدیز نگران امنیت شخصی خود در طول ۲۵ روز مبارزه انتخاباتی می‌باشد. معذالک او به حزب وفادار است و حاضر است این خطر را به جان بخرد.

۶- اوضاع شرق ترکیه: طبق اظهارات اریدیز رادیکالهای کرد با استفاده از فنون کلاسیک انقلابی در جنوب شرقی ترکیه می‌خواهند وضعی را به وجود آورند که در نتیجه آن نیروهای مسلح ترکیه به مداخله سیاسی و از بین بردن نهضت ناسیونالیستی کردها مبادرت ورزند. اریدیز گفت هدف گروههای تندرو کرد این است که ارتش اقدامات شدیدتری را انجام دهد چون فکر می‌کنند که با این کار می‌توانند کردهای نامتعهد را وادار به تندروی بنمایند.

۷- اریدیز می‌گوید که شوروی حداقل از یکی از این گروهها یعنی آپوکولار پشتیبانی می‌نماید. وی در ادامه گفت طبق شواهد موجود مداخله شوروی در امور داخلی ترکیه افزایش یافته است. گرچه اریدیز آمریکا را آشکارا متهم به مداخله نمود، ولی پس از ابراز اطمینانهای مقام سفارت او نیز مطمئن شد که آمریکا از سیاست «عدم مداخله» در مورد مسئله کردها استفاده می‌کند.

۸- اریدیز گفت نگران این است که مبادا کردهای تندرو موفق شوند موجبات اشغال نظامی راستگرایانه‌ای را فراهم سازند. اریدیز گفت که این دولت در از بین نبردن آثار ناسیونالیسم کردی به طرز غیر دموکراتیک و باگشاده دستی عمل می‌کند و ظهور این چنین دولتی نوعی عقب نشینی و شکست برای دموکراسی ترکیه به حساب خواهد آمد.

۹- از نظر اریدیز، یک نهضت تجزیه طلب کردی نمی‌تواند موفق شود. ولی اگر ده سال قبل چنین نهضتی پدید می‌آمد احتمال موفقیت آن بیشتر می‌شد. ولی دیگر زمان برای موفقیت نهضت ناسیونالیستی کردها مناسب نیست و اکثر کردها و علاوه بر آن رهبران سازمانهای رادیکال کرد نیز این واقعیت را دریافته‌اند. معذالک وی معتقد است که بعضی از گروههای کرد به فعالیتهای تجزیه طلبانه خود برای بی‌اعتبار کردن رژیم دموکراتیک ترکیه ادامه می‌دهند.

۱۰- اریدیز گفت اگر تاکتیکهای چپگرایان کرد با موفقیت روبرو شود، هر رژیم تحت حمایت نظامی مانند رژیم جونتای یونان به عنوان وسیله و مخلوق آمریکا شناسایی خواهد گردید. با اظهار نگرانی از اینکه یک اقدام نظامی در افق سیاسی ترکیه صورت گیرد، وی سؤال کرد که آیا حقوق بشر آمریکا برای چنین دولتی که سابقه خوبی در رعایت حقوق بشر ندارد مشکلاتی فراهم خواهد کرد یا خیر؟ هنگامی که مقام سفارت پاسخ داد که اقدام نظامی خالی از دردسر نیست و دولت آمریکا نیز از چنین حرکتی حمایت نخواهد کرد، اریدیز گفت که لازم است دولت آمریکا این مسئله را مستقیماً با رهبریت ارتش ترکیه در میان بگذارد.

۱۱- مذاکرات دفاعی: با اشاره مختصر پیرامون مذاکرات دفاعی ترکیه و آمریکا، اریدیز گفت که سیاستمداران حزب جمهوریخواه خلق در مورد این مذاکرات اطلاعاتی کامل دارند. وی خصوصاً یادآور شد که از مذاکره میان وزیر خارجه آکان و معاون وزیر دفاع سبینا و سفیر اسپیرز (آنکارا ۶۸۳۲) اطلاع دارد که در آن آکان اظهار داشته است که ترکیه یک «مورد خاص» است و آمریکا می‌تواند یک برنامه پنج ساله کمک مالی را نیز در صورت تمایل در قراردادهای بگنجاند.

۱۲- اظهار نظر: اریدیز ۳۲ ساله رهبر اصلی جناح چپ‌گرای جوانان حزب جمهوریخواه ملی است اعضای آن در اواخر سالهای ۱۹۶۰ یعنی هنگامی که اجویت دبیر کل حزب جمهوریخواه گردید و آن را به چپ متمایل گردانید و جذب آن شدند. و چون از عملکرد حزب جمهوریخواه تحت رهبری حامیان اجویت به نام «جهان سومی‌ها» ناراحت بودند، اریدیز و تعدادی از سیاستمداران حزب در اوائل سال کنونی، از رهبریت حزب جدا شده و به همکاری با ماشین سیاسی مستقر در استانبول وزیر تعاون و روستا یعنی علی توپوز مبادرت ورزیدند. و به علت اختلاف وی با رهبریت حزب، اریدیز موقعیت خود را در هیئت مدیره حزب در اجلاس ماه می از دست داد. او دیگر درگیر امور اداری حزبی نیست ولی ظاهراً از مواضع حزب پیرامون مسائل داخلی و خارجی به خوبی مطلع می‌باشد. اریدیز در سال ۱۹۷۸ و از طریق یک بورسیه بین‌المللی آمریکایی موفق شد به آمریکا سفر کند.

۱۳- اظهارات اریدیز در مورد مقاصد گروههای رادیکال کرد احتمالاً نشانگر نگرانی وسیع اعضای چپ‌گرای حزب جمهوریخواه است در همین رابطه وی از برخورد به اصطلاح «میان‌رو» اجویت در قبال استانهای جنوب شرقی ترکیه به عنوان نوعی مصالحه برای جلوگیری از به خطر افتادن امنیت در منطقه یاد می‌کند و اظهار اطمینان می‌کند که این کار سبب شده است که از تندروی کردهای تجزیه طلب نیز جلوگیری به عمل آید.

سند شماره (۳۵)

تاریخ: ۶ مهر ۱۳۵۸-۲۸ سپتامبر ۱۹۷۹
از: سفارت آمریکا در آنکارا
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
رونوشت: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: نظریات ترکیه در مورد روابط ایران و آمریکا

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲- پیام اطلاعاتی

۳- در هنگام ملاقات مقام سیاسی سفارت در مورد مسائل دیگر در ۲۸ سپتامبر، سرپرست بخش خاورمیانه‌ای وزارت امور خارجه آلپ کارا عثمان اوغلو در مورد اوضاع سفارت آمریکا در تهران سؤال نمود. وی با یاد آور شدن سردی اخیر در روابط بین شوروی و ایران از آمریکا خواست که با استفاده از فرصت در تقویت روابط خود با ایران تلاش نماید.

وی گفت اگر آمریکا در حال حاضر نمی‌خواهد سفیری به ایران بفرستد، حداقل یکی از «مقامات عالیرتبه» را برای دیدار دوستانه به این کشور بفرستد. وی گفت سفیر یانگ انتخاب مناسبی در این زمینه است، چون او در این بخش از جهان از شهرت و اعتبار خاصی برخوردار است.

۴- اظهار نظر: کارا عثمان اوغلو که یکی از رابطین مطلع و صمیمی سفارت است اظهار داشت که گفته‌های وی بیش از یک اظهار نظر شخصی است.

اسپیرز

سند شماره (۳۶)

خیلی محرمانه مکان و زمان: سفارت آمریکا - ۱۹ مهر ماه ۱۳۵۸ - ۱۱ اکتبر ۱۹۷۹
صورت مذاکرات شرکت کنندگان: تورگوت تولومن سفیر ترکیه
ویلیام دارتی، مقام سیاسی

موضوع: نقطه نظرات ترکیه در مورد دولت ایران

در ملاقات با سفیر ترکیه در سفارت آمریکا در تاریخ ۱۹ مهرماه وی قبل از سوار شدن به اتومبیل خود نکات ذیل را در مورد دولت ایران مطرح نمود که به گفته خودش از طریق منابع موثق دولتی به آن پی برده است:

- پس از تصویب قانون اساسی جدید، یزدی سعی خواهد کرد نخست وزیر ایران بشود.
- یزدی، چمران، قطب زاده و یک نفر دیگر (احتمالاً طباطبائی) در لبنان آموزش دیده اند و در محافل عالی ایران به عنوان هیئت حاکمه به رسمیت شناخته شده اند.
- یزدی شخصاً چمران را به عنوان وزیر دفاع برگزیده است.
- خمینی به رهبران غیر مذهبی دیگر مانند «هیئت حاکمه» بیش از رهبران مذهبی چون بهشتی که به روایتی از وی متنفر است، اعتماد دارد. اظهار نظر: نکات بالا با وجود جالب بودن، جای تعمق بسیار دارد.
- هیئت حاکمه سرانجام جای روحانیون را در دولت خواهد گرفت.

سند شماره (۳۷)

تاریخ: ۲۴ مهر ۱۳۵۸ - ۱۶ اکتبر ۱۹۷۹
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
به: سفارت آمریکا در آنکارا

رونوشت: سفارت آمریکا در تهران

گفتگوهای دو جانبه وزیر خارجه با وزیر خارجه ترکیه: مسائل بین المللی

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است).

۲- تلگرام مرجع جنبه های مدیریتانه شرقی گفتگوهای دو جانبه وزیر خارجه ونس با وزیر خارجه ترکیه آکان را در تاریخ ۴ و ۵ اکتبر تشریح می نماید. این پیام حاوی مسائل دیگر مطرح شده در تاریخ ۵ اکتبر است.

۳- آکان خاطر نشان ساخت که دفتر ساف در آنکارا نیز در همین روز (۵ اکتبر) افتتاح خواهد گردید. وی گفت که کشورهای عربی از ترکیه خواسته اند که با اسرائیل قطع رابطه نماید، ولی وی اطمینان داد که اجازه نخواهد داد چنین واقعه ای رخ دهد. وی گفت که نمایندگان ساف از وی خواسته اند که دو مسئله را پاسخ گفته و یک نکته را به شرح زیر با وزیر خارجه در میان بگذارد:

الف) منظور آمریکا از اینکه تا دو ماه دیگر در مورد خاورمیانه تصمیمی اتخاذ خواهد شد چیست؟

ب) موضع آمریکا در قبال تمامیت ارضی لبنان چیست؟

ج) ساف مایل است به طور رسمی و غیر رسمی با وزیر خارجه تماس برقرار سازد.

در مورد نکته آخر آکان گفت آنکارا می تواند محل این ملاقات باشد و خود او نیز به عنوان کانال ارتباطی عمل خواهد کرد.

۴- وزیر خارجه گفت که ساف از طریق کشورهای دیگر نیز پیامهای مشابه این نکات را برای وی فرستاده است. به نظر ما در روند صلح خاورمیانه بر اساس موافقت نامه های کمپ دیوید گامهایی برداشته خواهد شد که منجر به حل کامل تمام جنبه های مسئله خاورمیانه بشود. عنصر اولیه قرارداد سینا است. عنصر دوم برخورد با مسئله فلسطینیها از طریق مذاکرات به اصطلاح «خود مختاری» است. واضح است که وضع کرانه غربی و نوار غزه مسائل مهمی را پدید آورده است، و ملت فلسطین نیز باید در راه حل نهائی شرکت داشته باشند و آنچه هم اکنون انجام می شود، با این روند مغایرت ندارد. مسئله دیگر این است که چه زمانی موضوع خود مختاری با دیگر عناصر راه حل تداخل پیدا خواهد کرد.

۵- وزیر خارجه گفت در مورد لبنان باید سعی کنیم بیش از آتش بس ظرفیت کنونی ایجاد ثبات نماییم. فرصتهایی پیش آمده که می توان از طریق آنها به این هدف نائل آمد و بد نیست که به مرحله آزمایش گذارده شوند.

۶- در مورد ایران، آکان گفت ترکیه وقایع ایران را به خصوص در رابطه با مسئله کردها زیر نظر گرفته است. وی گفت تلاش هر قدرت بزرگ یا قدرت کوچکی چون اسرائیل برای بر هم زدن تعادل منطقه خطری علیه صلح و ثبات به شمار رفته و بازی با آتش تلقی می گردد. ترکیه از تمامیت ارضی ایران حمایت می کند و امیدوار است با دولت کنونی که ضد مارکسیست و ضد شوروی است همکاری نماید. علاوه بر این مایل است، با دیگر ملل دموکراتیک نیز همکاری نماید آکان گفت وی شخصاً با وزیر خارجه یزدی روابط صمیمانه ای برقرار کرده است.

۷- وزیر خارجه گفت آمریکا نیز کاملاً معتقد است که نیروهای بیگانه نباید در امور داخلی ایران مداخله نمایند. ما به شوروی اطلاع داده ایم که مداخله نیروهای خارجی وضع خطرناکی را به وجود خواهد آورد. همین موضوع را به ایرانیها نیز اطلاع داده ایم. البته فکر نمی کنیم که آنها حرف ما را باور کنند. آنها هنوز هم فکر می کنند که ما در مسائل کردستان دخالت داریم.

وزیر امور خارجه گفت این مسئله اصلاً صحت ندارد. وزیر خارجه در ادامه گفت ما آماده ایم تا برای ایجاد روابط دوستانه بین دو کشور همکاری نماییم. از نظر وزیر خارجه مسائل موجود بین دو کشور مانند قراردادهای تجاری جزئی و کم اهمیت هستند. البته باید بتوان این اختلافات را ریشه کن کرد و تصمیمات سیاسی لازم را جهت ایجاد روابط حسنه اتخاذ نمود. آمریکا انقلاب را به عنوان یک واقعیت می پذیرد و آماده همکاری رژیم کنونی می باشد.

۸- در مورد صحرای غربی وزیر خارجه ونس گفت که وی به الجزایر و مراکش گفته است که در این مسئله آمریکا دخالتی ندارد. ما خواستار ایجاد روابط حسنه با هر دو کشور هستیم، به عنوان دوست هر دو کشور از آنها خواسته ایم که این مسئله را قبل از آنکه خطرناکتر شود بین خود حل نمایند. ما امیدواریم که این دو کشور به مذاکره همت ورزند. وزیر خارجه آکان گفت دورنمای آغاز گفتگو بین الجزایر و شاه حسن بسیار ضعیف و مأیوس کننده است. وزیر خارجه آمریکا گفت امیدوار است این طور نباشد و اظهار داشت که با وارد کردن طرفین دیگر گفتگوهای دو جانبه آغاز خواهد گردید.

۹- آکان گفت وی سعی کرده است با استفاده از کانال رومانیها بین کره جنوبی و شمالی میانجیگری نماید. وی گفت امیدوار بود که با گردهم جمع کردن دو خانواده بتواند موجبات تفاهم بیشتر بین دو ملیت کره ای را فراهم آورد. وزیر امور خارجه ونس گفت ما نیز با کشورهای متعددی که مایلند روابط حسنه بین

کره جنوبی و شمالی برقرار شود، این موضوع را در میان گذاشته‌ایم. ونس

سند شماره (۳۸)

تاریخ: ۲۴ مهر ۱۳۵۸-۱۶ اکتبر ۱۹۷۹
از: کنسولگری آمریکا در آدانا
رونوشت: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: اوضاع امنیتی شرق ترکیه

- ۱- (تمام متن سری است)
- ۲- خلاصه: نظریات اصلی مقام کنسولی در مورد امنیت شرق ترکیه در نتیجه سفری که به این منطقه در تاریخ ۲۷-۱۷ سپتامبر انجام داده، عبارتند از:
 - (۱) ارزیابی پیشین سفارت آمریکا در آنکارا مورد تأیید است.
 - (۲) حاکمیت مرکزی ترکیه کنترل را به دست گرفته است.
 - (۳) ارتش ترکیه در شرایط حاضر می‌تواند شورشها را خاموش سازد، ولی دیگر نیروهای امنیتی قادر به مبارزه مؤثر با تروریسم نیستند.
 - (۴) فعالیت ارتش ترکیه در شرق و به خصوص در استان مرزی ایران و عراق به نام حکاری افزایش یافته است.
 - (۵) سیاست دولت مبنی بر تسریع گسترش اقتصادی و ملایمت برخورد مورد حمایت شدید مقامات ترکیه و سیاستمداران کرد شرقی است و آنها معتقدند که مطبوعات غرب ترکیه در مورد مسائل امنیتی شرق ترکیه مبالغه بسیار می‌کنند.
 - (۶) افزایش کمکهای دولت برداشت محصول خوب در شرق مقداری امیدواری به وجود آورده است.
 - (۷) سیاستمداران محلی معتقدند که اگر شورش تحت‌الحمايه روسها در کردستان ایران افزایش یابد منطقه شرق دچار آن نخواهد گردید.
 - (۸) گذشته از این رخدادها ما در آینده نزدیک منتظر بروز اعمال تروریستی هستیم و دولت مرکزی منطقه را تحت کنترل دارد. (پایان خلاصه)
- ۳- مقام اصلی به همراه همسر و دو کارمند ترک بخش اعظم استان شرق را که شامل شهرهای اورفا، دیاربکر، سیرت، بیلتیس، تاتوان موس، وان، حکاری، و ماردین می‌باشد از ۱۷ تا ۲۷ سپتامبر مورد بازدید قرار داد. در این نقاط ما با همه بجز یک فرماندار (معاون جانشین فرماندار) مصاحبه کردیم هشت شهردار یک معاون شهردار، شش سیاستمدار، مستقل، حزب جمهوریخواه خلق، حزب رستگاری ملی و حزب جمهوریت به استثناء دو نفر تمام سیاستمدارها یا کرد و یا از نژاد مختلط ترک و کرد بودند. با مقامات امنیتی افسران ارتش و ژاندارمری ترکیه، و کارمندان نظامی آمریکا در دیاربکر و تعدادی از شهروندان ترک صحبت کردیم. هدف ما این بود که ارزیابی دقیق از اوضاع امنیتی سیاسی شرق تهیه کرده و پاسخ سوالات سفارت آنکارا را بدهیم.
- ۴- به طور کلی نتوانستیم مسئله مغایر با ارزیابی آنکارا ۶۶۶۰ بیابیم که در گزارشهای پیشین ما (آدانا ۱۹۱-۱۸۷، وزارت امور خارجه ۱۸۹) نیز آمده بود. قدرت مرکزی ترکیه کنترل را در دست دارد، و

اکثریت کردها خواهان یک کردستان تجزیه شده نیستند، و ارتش ترکیه نیز می‌تواند شورشها را خاموش سازد، ولی قادر نیست با فعالیتهای تروریستی به نحو مؤثر مبارزه نماید.

۵- متوجه شدیم که دولت مرکزی در استفاده از نیروهای ارتش «ملایمت برخوردار» را پیشه خود ساخته (ارتش و ژاندارمری در ۵ حکومت نظامی و ژاندارمری در سه استان حکومت غیر نظامی). در منطقه حکاری مجاور مرز ایران و عراق عملیات گشتی و دیگر فعالیتهای نظامی به دقت افزایش یافته است. به نظر ما این فعالیتهای برای کاهش قاچاق اسلحه و دیگر عملیات تجزیه طلبانه کردها در ورای مرزها صورت می‌گیرد.

۶- ما متوجه شدیم که دولت در سال گذشته از نظر اقتصادی کمکهایی زیادی کرده است و شهرداریهایی را که در نتیجه گسترش سریع شهرها آسیب دیده‌اند، از نظر مالی نجات داده است این کمکها و همراه با برداشت خوب محصول سبب شده که مردم و مقامات امیدوارتر بشوند.

۷- مقامات و سیاستمداران می‌گویند که مطبوعات غرب ترکیه درباره امنیت شرق ترکیه بسیار مبالغه می‌کنند. چند فرماندار اظهار داشتند که این گونه شایعه پراکنی مطبوعات می‌تواند انگیزه‌ای برای حرکات منفی امنیتی و کاهش سرمایه گذاری اقتصادی باشد (به گزارش آنکارا ۷۱۰۴ مراجعه شود).

۸- در این استانها به انتخابات میان دوره‌ای بیش از استانهای غربی چشم دوخته شده و امکان بروز خشونت در آنجا بیشتر است.

۹- کلاً از اینکه طبق ارزیابی نتیجه‌گیری شده که گروه «چپ‌گرای تجزیه طلب» توسط سازمانهای سیاسی، قبیله‌ای و خانواده‌ها قدرتمند حمایت می‌شوند، تعجب کرده‌ایم. به طور مثال ما دریافتیم که فعالیتهای آپوکولار «تجزیه طلب» بیشتر ناشی از رقابتهای خانوادگی و سیاستهای حزبی است.

۱۰- احساسات تجزیه طلبی در دو جهت وجود دارد. جهت اول این است که این احساسات بیشتر جنبه استقلال فرهنگی و کنترل محلی منابع در مراحل طرح و برداشت دارد و اکثریت کردها خواهان هوادار این اصول هستند، ولی به نحوی نیست که بخواهند به فعالیتهای تروریستی متوسل شوند. جهت دوم این است که آنها خواهان استقلال سیاسی تحت رهبری یک دولت سوسیالیست هستند و بیشتر از خشونت و شورش برای رسیدن به این هدف استفاده می‌کنند و بیشتر این گروهها فرصت طلب و انشعاب یافته هستند.

روی هم رفته این گروهها بخش کوچکی از اجتماعات اینجا را تشکیل داده و تعداد هواداران آنها نیز به ده درصد جمعیت این منطقه نیز بالغ نمی‌گردد. این گروهها را اکثراً خطرناک و تحت‌الحمايه روسیه می‌دانند در مقام مقایسه شهرها و شهرکهای مورد بازدید به استثناء سیوارک اکثر شهرها آرام و روابط تجاری مانند آدانا جریان داشت و مشکلات کردها چندان چشمگیر نبود که درست بر خلاف غرب ترکیه است.

۱۱- مدیران ترک استانها که سخت به کار مشغول هستند ظاهراً در سطح فرماندار معاونینی بسیار حرفه‌ای هستند و فقط در سطوح پایین مقداری عدم کارایی مشاهده می‌گردد. حتی بهترین فرماندارها نیز درگیر سنتهای بوروکراتیک و سیاستهای قبیله‌ای و خانوادگی و پارتی بازی و فساد هستند. پلیس ضعیف‌ترین رابط بوروکراسی استان است که در رأس هرم سرپرستان امنیتی استان و بعد از آن افراد نیمه باسواد و پلیسهای کم حقوق قرار دارند. و رابطه خوبی نیز بین پلیس اطلاعاتی و ضد تروریسم وجود دارد.

احتمالاً گروه‌های تروریستی شرق نیز آنقدر رشد خواهند یافت که (الف) یا بوسیله گروه‌های دیگر جذب شوند و یا (ب) به وسیله ارتش از میان برداشته شوند. ولی به طور کلی باید گفت که نیروهای امنیتی ترکیه توانایی قابل ملاحظه‌ای دارند.

۱۲- مهمترین پاسخ این مسئله در ژاندارمری نهفته است آنها اصولاً به کارهای پلیسی مشغول بوده و کارهای اطلاعاتی در سطح استان انجام می‌دهند، و ترکها نیز برای افراد نظامی یونیفورم پوش احترام قائل هستند و مهمتر از همه سیاست زده نیستند. آنها اصولاً در شرق ترکیه به کارهای پلیسی اشتغال داشته و اگر آموزش و تجهیزات مناسب داشته باشند، می‌توانند اقدامات ضد تروریستی نیز انجام دهند. گذشته از این ژاندارمری خواهر خوانده نامناسب ارتش ترکیه است و منابع در دسترس آن کافی نیست، و بیشتر تجهیزات آن نیز قدیمی می‌باشد.

۱۳- ملازمین امنیتی ما و فرمانداران در مقایسه با سفرهای قبلی خیلی کمتر بودند. ما و دیگر اعضاء ترک که با ناراحتی به این سفر آمده بودند، در راه رفتن‌ها و به چاپخانه‌ها سر کشیدن دچار ناراحتی نشدیم. سربازان ترک به مرخصی آمده در حالی که یونیفورم به تن داشتند با مردم آزادانه معاشرت می‌کردند و همه آگهیها و تابلوی مغازه‌ها به زبان ترکی نوشته شده بود.

۱۴- بسیاری از سیاستمداران و کردهای ترکیه‌ای که با ما صحبت کردند، از وقایع ایران طرفداری می‌کردند ولی هیچ یک از آنها میل نداشتند از مرز گذشته و در کنار کردهای ایران مبارزه نمایند و نیز فکر نمی‌کنند که حتی اگر قیام کردهای ایران با موفقیت رو به رو شود باز هم می‌تواند بر شرق ترکیه تأثیر بگذارد. البته این حرفها خالی از سوءظن نیز نمی‌باشند، و ما فکر می‌کنیم که وفاداری کردها به ترکیه چندان هم خالی از شک و تردید نیست. در صورتی که کردستان مستقل تحت الحمايه روسیه در ایران پا بگیرد و از طرف مرز نیز اسلحه به کردهای اینجا برسد، شورش کردهای اینجا نیز جنبه وسیعتری به خود خواهد گرفت آشفته‌گیهای سیاسی و اقتصادی ممکن است دست به دست یکدیگر داده و گروههای تجزیه طلب را متحد و آن را به صورت یک خطر جدی علیه ترکیه درآورد. گذشته از این وقایع دراماتیک، ما علیرغم کنترل دولت مرکزی ترکیه منتظر افزایش فعالیتهای تروریستی در آینده نزدیک هستیم.

کتاب چهل و دوم

فلسطین (۱)

بخش اول: فلسطین (۱)

سخن در باب فلسطین و فلسطینیها بسیار گفته شده است. حدیث مظلومیت این ملت، حدیث کهنه‌ای است که باید بر آن خون گریه کرد. قصه آوارگان فلسطین، سرزمینهای غصب شده، کشتارهای دسته جمعی دیرپاسین، کفر قاسم، صبرا و شتیلا، زندانیان اسیر در دست صهیونیستها و دیگر ستمهایی که بر این مردم قهرمان و مقاوم رفته است هر یک دفتری است که برگ برگ آن سند استضعاف این ملت و جنایتهای بی‌شمار صهیونیستها و حامیان امپریالیست آنهاست.

در این مقال مختصر بر آن نیستیم که سوار کلام را در این وادی بی‌انتهای به حرکت درآوریم و در سوگ این عزا مرثیه بسراییم. امت مسلمان و قهرمان ما به مسائل فلسطین آگاه است و همدردی خویش را قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از آن در شعارها و حرکتهای خویش با این مردم آواره اعلام کرده و عزم خویش را جزم کرده است که انتقام خون فرزندان اسلام را در سرزمینهای اشغالی از دشمن صهیونیستی بگیرد. این امت آزادی قدس را جزء اهداف بنیانی و استراتژیک خویش اعلام کرده و بر سر این میثاق با خون نشسته است. فرزندان در جبهه‌های عزت و شرف عاشقانه با آرزوی آزادی مسجدالاقصی شهید شده‌اند و می‌شوند و امام عزیز خمینی بت‌شکن فرموده‌اند:

«باید برای آزادی قدس از مسلسل‌های متکی بر ایمان و قدرت اسلام استفاده و بازبهای سیاسی را که از آن بوی سازشکاری و راضی نگهداشتن ابرقدرتها به مشام می‌رسد، کنار گذاشت.»

جوانان شهادت پیشه این امت نیز با لبیک گفتن به ندای امام بیدار دل، در آرزوی روزی هستند که با شکست ارتش رو به زوال صدام، مهیای جهاد عظیم برای نابودی اشغالگران قدس شده و نماز را به امامت خمینی کبیر در قدس به جای آورند انشاءالله

اما در اینجا شما را به شنیدن ماجرای فلسطین به روایت آمریکایی آن دعوت می‌کنیم. در لابلای اسناد به جامانده در لانه جاسوسی به اسنادی برمی‌خوریم که مجموعه خبرها، تحلیلها و شرح ملاقاتهای مقامات آمریکایی و همپالکیهای آنها است که در آنها موضوع مسئله فلسطین است.

در این اسناد به پشتیبانی همه جانبه آمریکا از اسرائیل برمی‌خوریم که نیازی به شرح و بسط آن دیده نمی‌شود. این موضوع به صورت کامل در کتابهای شماره‌های ۱۱، ۱۹، ۳۶ نمایانده شده و از خوانندگان محترمی که مایل به تحقیق در این زمینه می‌باشند، دعوت می‌کنیم به آن کتابها از انتشارات «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» مراجعه نمایند.

در این اسناد می‌بینیم که جنایتکاران آمریکایی که بوق و کرنای حقوق بشرشان گوش فلک را کرده است، چگونه بر اشغال سرزمینهای فلسطینی صحنه گذاشته و علناً ظالم را تأیید و مظلوم را به ستم‌پذیری فرامی‌خوانند. در اسناد به نقل از کارتر رئیس جمهور مخلوع آمریکا که سیاست خویش را طرفداری از حقوق بشر، اعلام کرده بود می‌بینیم که:

«ما هرگز خواستار تشکیل یک دولت فلسطینی نبوده‌ایم و قصد نداریم در این موضع خود تغییری پدید آوریم.»

قاعدتاً وضع و حال جنایتکاران جمهوریخواه که قداره را از روبرو رفته‌اند به راحتی معلوم است. در سندی دیگر آمریکاییها موضع خود را با وقاحت تمام این گونه اعلام می‌نمایند و فلسطینیها را به انظلام و ستم‌پذیری فرا می‌خوانند:

«دولت آمریکا از تماس و مذاکره با ساف آن هم تا زمانی که این سازمان موجودیت اسرائیل را به رسمیت نشناخته قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ سازمان ملل را نپذیرفته است، امتناع می‌ورزد.»

در پایان این مقدمه، متن قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ آورده شده است که از نظر شما خواهد گذشت. قطعنامه ۲۴۲ در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ (اول آذرماه ۱۳۴۶) یعنی پس از پایان تهاجم صهیونیستی به سرزمینهای اعراب و اشغال اراضی بیشتر صادر شده است. صدور قطعنامه ۳۳۸ نیز پس از پایان جنگ رمضان ۷۳ و شکست ارتش صهیونیستی صورت گرفته است که قطعنامه ۳۳۸ نیز موضوع تازه‌ای نداشته و عمدتاً خواستار اجرای قطعنامه ۲۴۲ شده است. اما نگاهی به مفاد قطعنامه ۲۴۲ می‌افکنیم تا دریابیم که اصرار و تلاش آمریکا برای قبولاندن این ظلمنامه به ساف چه بوده است؟

قطعنامه در ابتدا هدفش را تأمین امنیت و آرامش برای هر دولت در منطقه و لزوم تلاش در راه صلحی عادلانه و پایدار برای تأمین آن امنیت اعلام می‌دارد. دولت‌های عربی منطقه به هر صورت در امنیت زندگی می‌کرده‌اند و باید دید که مخل این امنیت و آرامش چه چیزی بوده است؟ آیا سرطان صهیونیستی با غصب ظالمانه اراضی به کمک حامیان غربی و شرقی اش این امنیت را برهم زده است؟ چرا و چگونه است که شورای امنیت سازمان ملل به جای محکوم کردن عامل ناامنی، تلاش برای تأمین امنیت آن دارد و آن حمله و حشیانه و تهاجمی ژوئن ۶۷ را محکوم نکرده و با تعبیر بیرنگ و بسیار ملایم «عدم قبول تصرف اراضی از طریق جنگ» از کنار آن می‌گذرد؟ قاعدتاً وقتی تنظیم‌کنندگان سیاست شورای امنیت و تأمین‌کنندگان سلاح سرطان صهیونیستی یکی باشند جز این نمی‌توان انتظار داشت؟ با کمک سلاح، اراضی غصب می‌شود و مسلمانان به خاک و خون کشیده می‌شوند و به یاری قطعنامه بر روی این جنایات سرپوش گذاشته شده و امنیت برای متجاوز تأمین می‌گردد.

در چند سطر بعدی در قسمت ۱-ب، شورا خواستار شناسایی حاکمیت و تمامیت ارضی و استقلال سیاسی هر دولت در منطقه می‌شود و پر واضح است که از این نمد کلاه برای چه کسی ساخته می‌شود و سر چه کسی بی‌کلاه می‌ماند؟ سپس وقاحت قطعنامه نویسان بیشتر شده و پس از اینکه استقلال سیاسی متجاوز را تأمین کردند، آن‌گاه قصد فراهم آوردن صلح در داخل مرزهای امن و شناخته شده را برای وی می‌نمایند و بی‌شرمی را به نهایت می‌رسانند.

بعد دیگر این بررسی به برخورد قطعنامه با ملت فلسطین مربوط می‌شود. در قسمت ۲-ب، قطعنامه لزوم مورد «نیل به یک راه حل عادلانه مسئله پناهندگان» را تأیید نموده است و تمام قضیه به همین جا ختم

می‌شود.

فاجعه آنچه بر فلسطین و فلسطینیها رفته است، فراموش می‌شود، هیچ صحبتی از حق و حقوق آنها نمی‌شود، هیچ‌کس حتی اظهار تأسف به خاطر آنچه بر اینان رفته است، نمی‌کند و حتی یک کلمه برای محکومیت عاملین جنایت گفته نمی‌شود و فقط، برای آنکه قطعنامه ظاهر وجیه‌المله و فریبنده خودش را حفظ نماید، از یک ملت به عنوان «پناهندگان» یاد می‌شود و اینجاست که باید به آیه شریفه استرجاع پناه برد. انالله و اناالیه راجعون.

و نتیجه آنکه آیا قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ سازمان ملل به چیزی به جز به رسمیت شناختن موجودیت صهیونیستی تأکید دارند و هدفشان چیزی به جز نادیده انگاشتن حقوق مسلم فلسطینیها است. آیا جنایتی از این بالاتر وجود دارد که مظلوم را به تبعیت از ظالم فراخوانند و او را وادارند که از حقوق حقّه خویش صرف‌نظر کند؟ چگونه کسی که زمین خویش را از دست داده است می‌تواند با غاصب زمین خویش از در مصالحه درآید؟ مادران فلسطینی که خون فرزندانشان به خاطر آزادی و وطنشان و لبیک به ندای اسلام بر زمین ریخته است، چگونه می‌توانند با قاتلین آنها سازش نمایند؟ و اصولاً آمریکا به چه جرأتی فلسطینیها را به این سازش دعوت می‌کند؟ این زمینه از کجا فراهم شده است و چه کسانی به آمریکا چراغ سبز نشان داده‌اند، تا قدرت برخورد این گونه را با انقلاب فلسطین در خویش بیابد؟ می‌باید به دنبال عوامل انحراف گشت و آنها را شناسایی کرد. و ما می‌توانیم با توجه به همین اسناد دریابیم که آمریکا به چه دلیل طمع در این انقلاب نموده است و با تمام قوا بر آن شده است تا آن را به بیغولّه سازش سوق دهد.

برای هر مسلمان در سراسر دنیا و برای هر فلسطینی به خصوص مسلم شده است که قدس را جز با سلاح متکی بر ایمان نمی‌توان آزاد کرد. رمز پیروزی انقلاب فلسطین در مقاومت مسلحانه مبتنی بر قدرت اسلام است و اشغالگران را جز با سرب داغ نمی‌توان به زانو درآورد.

آن توطئه گرانی که به ظاهر در رهبری انقلاب فلسطین قرار دارند و دل به بازیهای سیاسی بسته و به تعبیر امام عزیزمان از اعمال آنها بوی سازشکاری و راضی نگه داشتن ابرقدرتها به مشام می‌رسد، کسانی هستند که سرچشمه انحراف را باید در اعمال آنها جستجو کرد و چراغ سبز از جانب اینان برای آمریکا روشن می‌شود. توجه فرمایید که عامل موفقیت در نظر آمریکاییها از زبان خود آنها چگونه است: «عامل اصلی موفقیت توقف فعالیت‌های تروریستی و مقاومت سازمان فتح در اسرائیل و ساحل غربی است.»

و به دنبال آن:

«به هر حال ما مایلیم که بتوانیم فلسطینیها را به منظور ایجاد یک آتش بس دائمی آن هم از طریق طرفین ثالث به همکاری راغب نماییم.»

به جای موضعگیری قاطع و کوبنده از جانب انقلاب فلسطین کسانی که به ناحق مسند رهبری آن را اشغال کرده بودند دست به تلاشهای بسیار مبتذل و عاجزانه می‌زنند. اختیار خود را تمام و کمال در اختیار غاصبین قرار داده و آن‌گاه به دنبال آن هستند که حقوق آنها در مذاکرات نادیده گرفته نشود:

«وی (نشاشیبی دبیر کمیته اجرائی ساف) گفت عرفات به سعودیها بیشتر متکی خواهد شد تا آنها بر آمریکا فشار بیشتری وارد سازند تا حقوق فلسطینیها در حین مذاکرات نادیده گرفته نشود.»

آیا این سعودیها همان طرف ثالثی که آمریکاییها از طریق آنها می‌خواهند فلسطینیها را به همکاری

ترغیب نمایند، نیستند؟ و آیا فلسطینیها خود با پای خویش به تله‌ای که آمریکا بر سر راه آنها درست کرده است نیفتاده‌اند؟

و در پی همین مسائل است که خود را آماده‌گردن گذاشتن به خفت بارترین پیمانها می‌نمایند و دبیر کمیته اجرائی ساف این چنین اظهار نظر می‌کند که:
 («وی گفت ... ساف نخواهد توانست از اجرای قراردادی که با نظریه آمریکایی و مصری در زمینه خودمختاری و استقلال - مطابقت دارد، سر باز زند»).

متعاقب همین برخوردهای سازشکارانه است که منش سیاسی عرفات باب میل آمریکاییها می‌شود و با خشنودی اظهار نظر می‌نمایند که: «عرفات ظاهراً» در حال پی بردن به این مطلب است که تروریسم مانع جلب حمایت دیپلماتیک در اروپای غربی و آمریکا خواهد شد.»

این خیانتها به آرمان فلسطین هرگز قابل بخشش نیست و خائنین که بسیار نابجا امور اجرائی انقلاب را به عهده گرفته‌اند به هیچ وجه شایستگی آن را ندارند که مقدرات انقلابی را تعیین کنند، که فرزندان آن انقلاب شایستگی خویش را در عرصه‌های مختلف به ثبوت رسانیده‌اند. ملت فلسطین در طول ۳۶ سال مقاومت سرسختانه خود نشان داده است که می‌تواند یک ملت مسلمان انقلابی باشد و لیاقت آزاد کردن قدس را دارد و در این راه کوله باری از تجارب اندوخته و توانمندیهای فوق‌العاده‌ای نیز پیدا کرده است که همگان به آن واقفند و آمریکاییها نیز به آن معترف.

در مجموعه اسنادی که تحت نام «تروریسم بین‌المللی» جمع آوری شده و در این کتاب عرضه می‌شود، شما به راحتی اعتراف عاجزانه آمریکاییها را به تواناییها و امکانات فلسطینیها مشاهده می‌نمایید و هراس آنها را از این همه توش و توان انقلابی به عیان می‌بینید، آشکارا دیده می‌شود که هرگاه تصمیمی به مقاومت و تهدید منافع امپریالیزم و صهیونیزم گرفته شده است و در این راه سرمایه‌گذاری شده است، چگونه خرمن هستی موجودیت صهیونیستی و حامیانش در معرض شعله‌های آتش قرار گرفته است. و عجز و ناتوانی مستکبرین در مقابله با این مقاومت‌های انقلابی قابل انکار نیست.

به راستی چه چیزی است که می‌تواند این توانمندیها و امکانات را در بازوان یک ملت زجر دیده جمع آوری کرده و آنها را بسان پیکری واحد متحد کرده و مشت کوبنده آنها را بر فرق دشمنان فلسطین فرود آورد؟ آیا این انتظار را از سازمانهای پراکنده که هر یک سر در آخور دولتی مرتجع یا به ظاهر انقلابی دارند می‌توان داشت؟ آیا می‌توان انتظار داشت طرز فکری که کاسه تدلیس را پیش هر کس و ناکسی دراز می‌کند، با شرافتمندی یک مسلمان انقلابی دست به یک کارزار همه جانبه علیه دشمنان ملت بزند؟

جواب مشخص است. در این اسناد شما عملکرد کشورهای مختلف را در رابطه با مسئله مطروحه می‌بینید. از عراقی که گلوله‌هایش جز به نفع صهیونیزم و بر علیه ملت فلسطین شلیک نشده است تا دولتهای مرتجع عربی که وابستگی مالی انقلاب فلسطین به آنها جز فاجعه برای آن به بار نیاورده است همه و همه سنگهای بزرگی هستند که در این راه قرار گرفته‌اند و این ملت چاره‌ای ندارد جز آنکه هرچه مضمم‌تر در راه پالایش از هر آنچه وابستگی است و چنگ زدن به ریسمان الهی و افراشتن دوباره پرچم اسلامی مقاومت تا آزادی قدس و تمامی سرزمینهای اشغالی قدم بردارد. چرا که نتایج پیکار این گونه را اکنون در جنوب لبنان مشاهده می‌کنیم. شیعیان لبنان فقط با اتکاء به اسلام و بدون شعارهای فریبنده ناسیونالیستی که راه جز به بیراهه نمی‌برد، دست به مقاومت همه جانبه بر علیه اشغالگران زده‌اند و دیدیم

که چگونه با روحیه شهادت طلبی تجاوزگران را از بیروت بیرون راندند و فقط یک عمل انقلابی آنها لرزه بر اندام آمریکاییهای قلدر انداخت و با فضاقت تمام به ناوهای خود پناهنده شدند.

راهی که این مسلمانان مخلص در پیش گرفته‌اند، بی شک همان صراط مستقیم الهی و طریق فلاح است. دل خوش کردن به ناسیونالیزم عربی و دیگر طرز فکرهای انحرافی دردی را از ملت فلسطین دوا نمی‌کند. این طرز فکر تاکنون حاصلی جز بی حاصلی به بار نیاورده است و فرزندان قهرمان این ملت راه خویش را پیدا کرده‌اند و آن مقاومت اسلامی همه جانبه مبتنی بر روحیه شهادت طلبی و ایثارگری است و این همان چیزی است که صهیونیستها و حامیان آنها بشدت از آن واهمه دارند و در نهایت شیشه عمر آنها را همین سنگ خواهد شکست. در این اسناد به نقل از یک فرمانده نظامی صهیونیستی می‌بینیم:

«سرپرست فرماندهی شمال اسرائیل یعنی سرلشگر آویگداربن گال در تاریخ ۱۸ مرداد ۵۸ گفت که اعراب جلیله یک غده سرطانی در بدن اسرائیل هستند.»

ما نیز با نظر این سرلشگر موافقیم. این سرطان سرانجام رگ و ریشه صهیونیستها و موجودیت کثیف صهیونیستی را سوزانده و نابود خواهد کرد و ملت فلسطین با اتکال به خداوند تبارک و تعالی خواهد توانست پرچم فلسطین آزاد را در قدس به اهتزاز درآورد و بیگمان امت شهید پرور ایران نیز در این جهاد مقدس همان گونه که تا به حال نشان داده‌اند در کنار آنها خواهند بود.

به امید پیروزی نهائی اسلام و برافراشته شدن پرچم لاله‌الله بر فراز گیتی و ظهور امام عصر (عج).

و ما النصر الامن عندا... العزیز الحکیم

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

متن قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد

(۲۲ نوامبر ۱۹۴۷)

شورای امنیت

با اظهار نگرانی نسبت به اوضاع وخیم خاورمیانه با تأکید بر عدم قبول تصرف اراضی از طریق جنگ و لزوم تلاش در راه صلح عادلانه و پایدار که هر دولت در منطقه بتواند در امنیت و آرامش زندگی کند. و با تأکید بیشتر بر این نکته که تمام دول عضو (ملل متحد) در قبول منشور ملل متحد تعهد نموده‌اند که بر طبق ماده ۲ منشور اقدام نمایند.

۱- تأیید می‌نماید که اجرای اصول منشور ملل متحد مستلزم برقراری صلح عادلانه و پایدار در خاور میانه است که این صلح باید اجرای دو اصل زیر را در برداشته باشد:

الف: عقب نشینی نیروهای مسلح اسرائیل از سرزمینهایی که در مناقشه اخیر اشغال نموده است.
ب: خاتمه تمام ادعاها و حالت جنگ و احترام و شناسایی حاکمیت و تمامیت ارضی و استقلال سیاسی هر دولت در منطقه و حق آن دولتها به زندگی در صلح در داخل مرزهای امن و شناخته شده که از تهدیدات و یا اعمال زور آزاد باشد.

۲- و لزوم موارد زیر را تأیید نماید:

الف: تضمین آزادی کشتیرانی از راههای آبی بین‌المللی در منطقه.

ب: نیل به یک راه حل عادلانه مسئله پناهندگان.

ج: تضمین غیر قابل نقض بودن (غیر قابل تجاوز بودن) سرزمین و استقلال سیاسی هر دولت در منطقه

از طریق اقداماتی از جمله تأسیس مناطق غیر نظامی.

۳- از دبیر کل سازمان ملل متحد می‌خواهد که نماینده ویژه‌ای را به منظور نیل به توافق و کمک به تلاش‌های حل مسالمت‌آمیز و مورد قبول بر طبق مفاد و اصول این قطعنامه و برقراری تماس با دول ذی‌ربط در خاور میانه اعزام دارد.

۴- از دبیر کل می‌خواهد که پیشرفت تلاش‌های نماینده ویژه را در اسرع وقت ممکن به شورای امنیت گزارش کند.

قطعنامه ۳۳۸ شورای امنیت سازمان ملل ۲۲ اکتبر ۱۹۷۳

از سال ۱۹۶۷ تا اکتبر سال ۱۹۷۳ قطعنامه‌های سازمان ملل مؤید قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت بوده است. در تلاش برای پایان بخشیدن به جنگ چهارم خاورمیانه که در تاریخ ششم اکتبر ۱۹۷۳ بین اعراب و اسرائیل درگرفت، شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه زیر را تصویب نمود.

شورای امنیت

۱- از تمام طرفین درگیرهای کنونی خواستار توقف آتش بس و اختتام تمام فعالیت‌های نظامی آن هم ۱۲ ساعت پس از اتخاذ این تصمیم، در موضعی که هم اکنون تحت اشغال آنهاست، می‌باشد.

۲- پس از آتش بس از تمام طرفین می‌خواهد که قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل (۱۹۶۷) را بطور کامل اجرا و رعایت نمایند.

۳- تصمیم بر این گرفته است که دقیقاً و همزمان با آتش بس مذاکراتی بین طرفین ذی‌ربط آغاز گردد تا صلحی پایدار و عادلانه در خاور میانه برقرار شود.

منبع: سند سازمان ملل PR/73/29/(1973)

لازم به تذکر است که براساس قطعنامه ۳۳۹ شورای امنیت سازمان ملل این سازمان موظف گردیده است برای رعایت آتش بس ناظرانی را به منطقه اعزام دارد.

سند شماره (۱)

تاریخ: ۲۵ آذر ۱۳۵۰ - ۱۶ دسامبر ۷۱
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی به: تمام واحدهای دیپلماتیک و کنسولی

موضوع: صدور روادید برای اردنیها و فلسطینیها

۱- این وزارتخانه از تلاشی که در جهت به قتل رساندن زید، ریفائی سفیر اردن در لندن صورت گرفت مطلع شده است. ماجرا حدود ساعت ۱ بعدازظهر ۲۴ آذر ماه در نزدیکی سفارت اردن رخ داد. طبق اطلاعات ما به ریفایی تنها جراحاتی جزئی وارد گردید، لیکن گلوله‌های بسیاری بر روی اتومبیل وی شلیک شده بود. این رویداد که به دنبال قتل نخست وزیر تل در قاهره صورت گرفت، نشان می‌دهد که فدا بیان تصمیم گرفته‌اند به کشتار شخصیت‌های مهم دولت اردن ادامه دهند. بنا به گزارشات قبلی، جناح افراطی فتح اجرا کننده این طرحها می‌باشد.

۲- بدین ترتیب ما در رابطه با سیاست صدور روادید خود افرادی را زیر نظر می‌گیریم که در گذشته و یا

حال با سازمانهای فلسطین مرتبط بوده اند. به زودی این موضوع تجدید و دستورات وسیعتری ارائه خواهد گردید. در حال حاضر واحدها قبل از صدور روادید جهت اتباع اردنی و یا فلسطینی (به استثناء مقامات دولت اردن) باید از سفارت آمریکا در امان تاییدیه‌ای دریافت دارند. علاوه بر این واحدها باید به یاد داشته باشند که فداییان در گذشته نیز همواره با در اختیار داشتن پاسپورت‌های سوری و الجزایری اقدام به سفر می‌کرده‌اند.

سند شماره (۲)

تاریخ: ۴ آذر ۱۳۵۵ - ۲۵ نوامبر ۱۹۷۶
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی
به: تمام واحدهای دیپلماتیک و کنسولی
موضوع: تقاضا نامه‌های اعضای ساف

۱- اخیراً دو تن از اعضای سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) ویزا گرفته‌اند. صبری جیریس که در تاریخ ۴ دسامبر ۱۹۳۸ در جلیله متولد شده، در نیکوزیا در تاریخ ۱۶ مهرماه ویزا دریافت داشته است. جیریس که اکنون به VLO افزوده شده است، ظاهراً دارای گذرنامه ای اصیل از سودان بود که آن را با نام صبری الیاس گیراس با تاریخ و محل تولد ۱۲ دسامبر ۱۹۲۸ خارطوم، سودان ارائه کرده است. وی خود را در آنجا مشاور حقوقی یکی از مراکز تحقیقاتی بیروت لبنان معرفی نموده است. روادید اعطا شده به وی از نوع ب-۱۲ می‌باشد تا بتواند به مدت یک ماه در نیویورک به سر برد. و از کتابخانه کنگره برای تحقیقات خود استفاده کند.

۲- حسام سرطاوی متولد سال ۱۹۳۱ در نابلس اردن نیز همراه جیریس سفر می‌کرده است. او نیز در زمره VLO ها درآمده و وزارتخانه نمی‌داند که در چه زمان و از کجا رویداد را دریافت کرده است. از تمام واحدها تقاضا می‌شود که به بایگانی روادید مراجعه کرده و ببینند که آیا کسی با نام سرطاوی، سیرطاوی یا آرطاوی، یا سیطاوی تقاضای ویزا کرده است یا خیر. از واحدهایی که بایگانی آنها براساس ترتیب تاریخی تشکیل یافته وزارتخانه تقاضای بررسی بیشتری دارد. به نظر می‌رسد که ویزای جیریس در ۱۶ مهرماه صادر شده و وی اکنون وارد کشور شده است و احتمالاً همراه با سرطاوی این کار را انجام داده آن هم در تاریخ ۲۷ مهرماه. سرطاوی نیز احتمالاً با یک گذرنامه سودانی مبادرت به این کار کرده است.

۳- تلاش جیریس و سرطاوی در زمینه بازگشایی یکی از دفاتر اطلاعاتی ساف در واشنگتن توجه مطبوعات را جلب کرده و این سؤال را مطرح کرده است که چگونه اجازه ورود به آمریکا به آنها داده شده است. روادید جیریس پایان یافته و گمان می‌رود که سرطاوی کشور سرطاوی را ترک کرده است. تمام واحدها باید متوجه باشند که سرطاوی، یا جیریس تحت همین نامها و نامهای دیگری باز هم تقاضای ویزا خواهند کرد. جیریس ممکن است به صورت جیریوس یا جیرجیس نیز نوشته شود. اگر یکی از واحدها تقاضا نامه‌ای از طرف فردی مشابه با جیریس یا سرطاوی دریافت کرد، سریعاً و در ابتدای عمل موضوع را با وزارت خارجه در میان می‌گذارد.

رایسنون

سند شماره (۳)

تاریخ: ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۶ - ۱۷ مه ۱۹۷۷
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی
عطف به: ژنو ۳۸۱۴ (کتبی)

طبقه بندی: خیلی محرمانه
به: تمام واحدهای دیپلماتیک و کنسولی

موضوع: راهنمای مربوط به تماسهای مقامات آمریکایی با ساف

۱- چند مورد مبنی بر تماس نمایندگان سازمان آزادیبخش فلسطین با مقامات آمریکایی خارج از کشور مورد توجه وزارتخانه قرار گرفته است در این رابطه، به نظر ما مفید است که به واحدهای مخاطب، سیاست دیرین آمریکا در رابطه با تماسهای بین مقامات آمریکایی و نمایندگان ساف یادآوری گردد.
۲- همانگونه که سخنگوی وزارت خارجه در موارد بسیاری آن هم در سالهای گذشته اعلام کرده است، سیاست آمریکا در قبال مقامات آمریکایی این است که از انجام و برقراری هرگونه تماس مستقیم و مهم با نمایندگان ساف اجتناب ورزند. این سیاست تماس مستقیم وعده با دیگر سازمانهای وابسته به ساف از قبیل گروههای فدایی چون فتح، جبهه دموکراتیک خلق آزادیبخش فلسطین جبهه خلق آزادیبخش فلسطین و غیره را نیز در بر می گیرد.

۳- طرز برخورد کلی ما در رابطه با ساف هنوز نکرده است دولت آمریکا از تماس و مذاکره با ساف آن هم تا زمانی که این سازمان موجودیت اسرائیل را به رسمیت نشناخته و قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت سازمان ملل را نپذیرفته است، امتناع می ورزد، به همین دلیل مقامات آمریکایی خارج از کشور نیز باید از انجام هرگونه اقدامی که بتواند به عنوان تغییر و یا انعطاف پذیری بیشتر در این سیاست تلقی گردد، خودداری ورزند.

۴- واضح است که ممکن است شرایطی پیش آید که طی آن تماسهای غیر عمده بین مقامات آمریکایی و نمایندگان ساف ضروری یافته و قابل اجتناب نباشد. (به طور مثال می توان از تماسهای برقرار شده در سازمان ملل در مورد مسائل اداری و امنیتی که بر وضع هیئت ناظر ساف در نیویورک تأثیر می بخشد و نیز تماسهایی که در سال ۱۳۵۵ در بیروت صورت گرفت، تا تخلیه مقامات آمریکایی و خارجی از منطقه تحت کنترل ساف در لبنان با موفقیت انجام شود.) در صورتی که واحدهای مخاطب با شرایط این گونه ای روبه رو شدند، باید نحوه خاص شرایط را با وزارت خارجه در میان گذاشته و خواستار ارشاد در مورد نحوه برخورد شوند.

۵- ما نیز معترف هستیم که مقامات آمریکایی خارج از کشور کاملاً قادر نیستند از تماس اجتماعی و گهگاه و غیر مترقبه با اشخاصی که به نحوی دارای تماس ناگهانی با این اشخاص ممکن است مورد توجه اجتماع صورتی که تلاش آنها مبنی بر اجتناب از تماس ناگهانی با این اشخاص ممکن است مورد توجه اجتماع حاضر قرار گیرد، مقامات آمریکایی نباید در نشان دادن عکس العمل افراط به خرج دهند. بلکه باید کمال ادب را رعایت کرده و متوجه باشند که تماس آنها با نمایندگان ساف طولانی و یا مهمتر از آنچه که هست، نباشد.
کریستوفر

سند شماره (۴)

تاریخ: ۴ مهر ۱۳۵۷ - ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۸
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی به: تمام واحدهای دیپلماتیک و کنسولی، فوری
عطف به: تلگرام وزارتخانه ۲۳۶۷۷۳

موضوع: تهدیدهای ساف نسبت به منافع آمریکا

۱- تلگرام مرجع به واحدهای سرویس خارجه آمریکا توصیه کرد که با هشجاری اقدامات امنیتی مناسب را علیه تهدیدهای مطرح شده از طرف فلسطینیها و اعراب به دنبال قرارداد کمپ دیوید در قبال منافع آمریکا به عمل آورند.

۲- واحدها باید آگاه باشند که این تهدیدها علیه منافع آمریکا توسط رهبران فلسطین چون رهبر فتح یعنی یاسر عرفات، و رهبر جبهه خلق آزادیبخش فلسطین جورج حبش مطرح شده است. عرفات در دامور در تاریخ ۳۰ شهریور گفت: «امضاء کارتر به قیمت منافع آمریکا در منطقه عربی تمام خواهد شد.» حبش در دمشق در تاریخ ۳۰ شهریور در اجلاسیه «وحدت و رویارویی» گفته است که از نظر جبهه خلق آزادیبخش فلسطین «تمام منافع آمریکا (چون نفت) در منطقه عربی به صورت اهداف مشروع نهضتهای انقلابی عربی و فلسطین درخواهند آمد.»

۳- گرچه لحن این تهدیدها آشکار است، ولی دارای ماهیتی کلی هستند. تاکنون، ما هیچگونه اطلاعات مشخصی در مورد خطرات مفروض علیه واحدها یا دیگر مقامات آمریکایی و یا آمریکاییهای بخش خصوصی و مستقیم کشورهای خارج به دست نیاورده ایم. معذالک این وزارتخانه مایل است به هشدار تلگرام مرجع تأکید نماید و از تمام واحدها می خواهد که اقدامات احتیاطی مناسب را به عمل آورند، تا از اقدامات احتمالی خشونت بار جلوگیری به عمل آید.

کریستوفر

سند شماره (۵)

تاریخ: ۶ بهمن ۱۳۵۷ - ۲۶ ژانویه ۷۹
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی . سی به: تمام واحدهای دیپلماتیک و کنسولی با اولویت
موضوع: احتمال بروز اقدام تلافی جویانه گروههای تروریستی خاورمیانه ای

۱- در تاریخ ۲ بهمن ۱۳۵۷ علی حسن سلامه (ابوحسن) در بیروت لبنان، به وسیله یک بمب کنترل شونده از راه دور به قتل رسید. سلمه یکی از اعضای فتح که در ارتباط با گروه سپتامبر سیاه کار می کرد و گویا حمله به المپیک ۱۹۷۲ را طراحی کرده بود، رئیس امنیت یاسر عرفات و از دوستان نزدیک وی به شمار می آمد. ساف سازمان اطلاعاتی اسرائیل را مسئول قتل وی اعلام کرده است.

۲- امکان دارد که ساف، فتح و، یا گروه سپتامبر به خاطر انتقام قتل سلمه دست به یک اقدام تلافی جویانه بزنند گرچه چندین سال است که گروه سپتامبر سیاه (نهفته) بود و فتح نیز از سال ۱۹۷۴ از دست زدن به اقدامات تروریستی در خارج از اسرائیل و سرزمینهای اشغالی ممانعت به عمل می آورده است. ولی امکان کنار گذاشتن این روش وجود دارد.

۳- در حال حاضر این وزارتخانه نشانه هایی دال بر اینکه پرسنل و یا تأسیسات آمریکایی مورد هدف

واقع خواهند شد در دست ندارد، و همچنین در مورد دیگر اهداف احتمالی نیز اطلاعاتی به دست نیاورده است این پیام در اختیار تمام واحدها قرار داده می‌شود تا آنها نیز هشیاری خود را به تناسب افزایش دهند. از آنجا که یک اقدام تلافی جویانه بالقوه به طرح ریزی همه جانبه نیاز دارد واحدها نباید گمان کنند که این اقدام فوراً صورت خواهد گرفت.

سند شماره (۶)

تاریخ: ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۸ - ۳ مه ۱۹۷۹
از: سفارت آمریکا در دمشق
رونوشت: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: عضو کمیته اجرائی ساف می‌گوید ساف باید به مذاکرات خود مختاری
آمریکا/ مصر اجازه موفقیت بدهد

۱- تمام متن خیلی محرمانه است.
۲- خلاصه: دبیر کمیته اجرائی ساف یعنی نشاشیبی گفت اگر نظریه خود مختاری ساحل غربی مطروحه توسط آمریکا و مصر بر نظریه بگین غالب گردد، او از ساف خواهد خواست که از رویارویی اجتناب ورزد، و اجازه دهد که حامیانش در انتخابات ساحل غربی شرکت جسته و احتمالاً پس از دوسه سال در یکی از کنفرانسهای از نوع ژنو برای گسترش چهارچوب در برگیرنده ساف شرکت نمایند. وی گفت عرفات این سیاست توأم با خونسردی را نخواهد پذیرفت یا امتیازاتی خواهد داد که بتواند در مذاکرات مستقیماً شرکت جوید و یا تلاشهای آمریکا و مصر را تخریب خواهد کرد. به گفته نشاشیبی این کار اشتباه است چون ساف در صورت ایجاد مانع بر سر راه خود مختاری به روش آمریکا و مصر بازی را خواهد باخت، وی گفت جریان کنونی تروریسم ساف در اسرائیل فاجعه آمیز و مخرب است به جای آن ساف باید به یهودی نشینهای اسرائیل در ساحل غربی حمله ور شود و توجه جهان را به اقدامات بگین جلب کند. (پایان خلاصه).

۳- در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ماه استرالیا بیها در مورد نکات ذیل با دبیر کمیته اجرائی ساف یعنی نشاشیبی مذاکراتی طولانی به عمل آوردند:
الف) روند صلح:

- نشاشیبی در مورد توان و یا امکان ایفای نقش مستقیم ساف در روند مذاکرات ساحل غربی اظهار تردید نمود. وی گفت همه چیز بستگی به کاربرد نظریه بگین و یا آمریکا و مصر در مورد خود مختاری فلسطینها دارد. اگر نظریه بگین چیره گردد روند متوقف خواهد شد، لیکن اگر آمریکا بیها و مصر بیها بتوانند اسرائیل را به پذیرفتن نظراتشان متقاعد سازند، ساف نخواهد توانست از اجرای قرارداد جلوگیری نماید.
- نشاشیبی شخصاً معتقد است و در کمیته اجرائی نیز گفته است که اگر روش آمریکا و مصر غالب شود و در صورتی که خود مختاری واقعی و خروج اسرائیل از ساحل غربی و نوار غزه تحقق یابد بهترین کار برای ساف این است که برای دو یا سه سال نقش نظاره گر را ایفا کرده و اجازه دهد که حامیانش در منطقه اشغالی در روند مزبور شرکت جویند. این مشارکت بر اساس انتخابات شهرداری در سال ۱۳۵۵ صورت خواهد گرفت. نشاشیبی گفت ساف نباید مستقیماً وارد این روند شود، لیکن باید وظایف خود را به عنوان

سخنگو و نماینده فلسطینیها به نحو احسن انجام دهد. اگر قراردادهای جدید قابل اجرا باشد ساف خواهد توانست در کنفرانس آتی ژنو و یا مجمع عمومی زمان ملل و یا اجلاس شورای امنیت از آنها بهره برداری کند. نشاشیبی نگران این نیست که مبدا ساف در برابر یک رهبریت احتمالی در ساحل غربی و نوارغزه از صحنه خارج شود. وی گفت حمایت از ساف بسیار شدید است و تا زمانی که این سازمان وجهه بین المللی خود را حفظ نماید و از حمایت کشورهای عربی برخوردار باشد، هیچ یک از مسئولین ساحل غربی نخواهند توانست نقش ساف را غصب کنند. در این رابطه باید اردن را از صحنه این مذاکرات خارج کرد. وی گفت طرز برخورد سوریه نسبت به این روش انتقاد آمیز خواهد بود، ولی او نمی داند سوریه چه موضعی را اتخاذ خواهند کرد.

ب) - نشاشیبی گفت وی از آن می ترسد که مبدا عرفات در دوره های بعدی مذاکرات قادر به خودداری نباشد. وی گفت عرفات برای حفظ وحدت ساف و تضمین تداوم رهبریش به وجهه خود به عنوان یک فرد فعال متکی است. وی نمی تواند این انتقاد را بپذیرد که وی کاری انجام نمی دهد. بنا به گفته نشاشیبی، به همین دلیل عرفات هر کاری خواهد کرد تا ساف در مراحل بعدی عقب نماند. وی گفت عرفات به سعودیه بیشتر متکی خواهد شد تا آنها بر آمریکا فشار بیشتری وارد سازند تا حقوق فلسطینیها در حین مذاکرات نادیده گرفته نشود. نشاشیبی ترس از آن دارد که مبدا این فشار خود تحمیل شده برای ادامه نقش فعالانه ساف منجر به این شود که عرفات امتیازات «غیر مسئولانه ای» بدهد، یعنی قطعنامه ۲۴۲ را بپذیرد تا امتیازات مهم کسب شده توسط مصریه و یا آمریکاییها را خنثی سازد. وی گفت که روش دوم غیر واقعگرایانه می باشد چون ساف نخواهد توانست از اجرای قراردادی که با نظریه آمریکایی و مصری در زمینه خود مختاری و استقلال مطابقت دارد، سر باز زند.

ب) گامهای بعدی و تروریسم ساف:

ب) - نشاشیبی گفت وی مایل است که ساف در چند ماهه آینده تلاش کند تا فشار بین المللی بر علیه نظریه بگین در مورد خود مختاری در ساحل غربی و نوار غربی متمرکز گردد. تلاشهای بگین در تغییر ماهیت آماری، انسانی ساحل غربی به منظور تخریب اساس قرارداد کمپ دیوید باید متوقف گردد. نشاشیبی از تروریسم کنونی علیه اسرائیل انتقاد کرد و گفت که این گونه اقدامات توجه جامعه بین المللی را از «جنایات» اسرائیل در ساحل غربی منحرف می سازد.

ج) - گرچه اقدامات ساف علیه اسرائیل همیشه محکوم می گردد، ولی در رابطه با اقدام نظامی علیه یهودی نشینها انتقاد بین المللی چندانی بروز نخواهد کرد، چون آنها نامشروع بوده و موانعی بر سر راه صلح به حساب می آیند. مسئله اینجاست که امنیت اسرائیل در آبادی نشینهای ساحل غربی اینگونه اهداف را برای ساف غیر قابل دسترس می سازد.

ج) کنفرانس اسلام و جنبش غیر متعهدها:

د) - نشاشیبی گفت که اخراج مصر از جنبش غیر متعهدها هیچ گاه تحقق نخواهد یافت و حتی انجام همین کار در کنفرانس اسلامی نیز مشکوک به نظر می رسد.

د) ایران:

د) - نشاشیبی خمینی را در سفر اخیر خود به ایران ملاقات کرد و مجذوب وی شد. لیکن وی چنین برداشت کرده است که خمینی میل ندارد بر ایران حکمروایی کند ولی به دیگران نیز اجازه این کار را

نمی‌دهد وی گفت ایرانیها در هواداری از ساف زیاده‌روی می‌کنند و حتی گفته‌اند که حاضرند نظامیان خود را به کمک «فلسطین» بفرستند. نماینده ساف اظهار داشت که هنوز موقع این کار نرسیده است. آنها از ایران چیزی بیش از حمایت سیاسی و اقتصادی نمی‌خواهند. نشاشیبی ترس از آن داشت که مبادا ساف در نتیجه این استقبال گرم، بیش از حد در ایران بماندوی گفت عرفات سعی دارد از رابطه ساف با ایران در جهت تقویت نیروهای محافظه کار (فتح) و اضمحلال مترقی‌ها (حبش) بهره‌برداری کند. (و) اجلاس شورای مرکزی:

- نشاشیبی به صورت اختصار گفت که آخرین اجلاس شورای مرکزی در اوائل آوریل موفقیت چندانی کسب نکرد. گمان می‌رود که جبهه مبارزه خلق و جبهه آزادیبخش فلسطین نیز در این اجلاس به عنوان سازمانهای عضو ساف شناخته شوند. ولی در این مورد بعداً تصمیم گرفته خواهد شد. نیوتون

سند شماره (۷)

تاریخ: ۱۷ خرداد ۱۳۵۸ - ۷ ژوئن ۷۹
از: وزارت خارجه آمریکا - واشنگتن
به: سفارت آمریکا در تهران - فوری
موضوع: روابط ایران - عرب

۱- تمام متن خیلی محرمانه
۲- گزارشی به ما رسیده است که دولت موقت ایران نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین از اهواز را بیرون کرده است. البته معلوم نیست که او ایران را ترک کرده باشد. اگر اطلاعاتی در این مورد یا گزارش مختصری از هر گونه تغییری در نقطه نظرهای رهبران ایران نسبت به ساف و کشورهای عربی بفرستید، متشکر می‌شویم.

سند شماره (۸)

تاریخ: ۲۰ خرداد ۱۳۵۸ - ۱۰ ژوئن ۷۹
از: سفارت آمریکا در مسقط
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی
رونوشت: سفارت آمریکا - تهران

موضوع: سفارت ایران یادداشتی را در مورد رویداد تروریستی فرودگاه بروکسل، منتشر می‌سازد
سفارت جمهوری اسلامی ایران یک یادداشت دیپلماتیک را در اختیار تمام نمایندگیهای دیپلماتیک مستقر در مسقط قرار داده است. ما نیز این یادداشت را برای شما ارسال می‌داریم تا شاید مورد توجه مخاطبها قرار گیرد. تاریخ یادداشت ۱۳ خرداد ماه است. اصل متن نیز به شرح زیر است.
آغاز متن سفارت جمهوری اسلامی پس از احترام به تمام واحدهای دیپلماتیک کنسولی مستقر در سلطان نشین عمان افتخار داد که بیانیه زیر را به سمع و نظر آنها برساند:

بسمه تعالی

بیانیه وزارت امور خارجه

جمهوری اسلامی ایران در مورد پاسپورتهای جعلی ایرانی که توسط دو تن از مهاجمین فرودگاه بروکسل استفاده شده بود.

به دنبال حمله به فرودگاه بروکسل در تاریخ ۲۷ فروردین ۱۳۵۸ از طرف گروههای غیر متعهد و افراطی که خود را فلسطینی می خوانند، آژانسهای خبری رویتر و فرانسه گزارش دادند که دو تن از مهاجمین پاسپورت ایرانی داشته اند. متعاقباً، سفارت جمهوری اسلامی ایران در بروکسل با مقامات بلژیک تماس گرفت و بررسی کامل پاسپورتهای با در نظر گرفتن موارد فنی نشان داد که اینها کاملاً جعلی هستند. به خاطر روشن شدن اذهان عمومی، وزارت خارجه جمهوری اسلامی در عین محکوم شمردن فعالیتهای تروریستی و غیر انسانی این گونه ای، لازم به یادآوری می داند که پاسپورتهای به اصطلاح ایرانی دو تن از مهاجمین جعل و غیرقانونی می باشند.

علاوه بر این باید به یاد داشت که سازمان آزادیبخش فلسطین نیز حمله کنندگان را از آن خود ندانسته و اقدام آنان را محکوم شمرده است. سفات جمهوری اسلامی ایران مایل است با استفاده از این فرصت مراتب احترامات عمیق خود را نسبت به تمام واحدهای دیپلماتیک و کنسولی مستقر در سلطان نشین عمان ابراز دارد. پایان متن*

سند شماره (۹)

تاریخ: ۲۷ ژوئن ۷۹ - ۷ تیر ۱۳۵۸
از: وزارت خارجه واشنگتن دی - سی
موضوع: استفاده از پاسپورتهای ایرانی و دیگر کشورهای خاورمیانه توسط گروههای فلسطینی
۱- تمام متن سری است.

۲- وزارت خارجه مطلع شده است که کارگران فلسطینی به پاسپورتهای ایرانی دسترسی پیدا کرده اند، ما همچنین به یاد ما مور کنسولی می آوریم که پاسپورتهای لیبیایی - تونس - کویتی و سوری و اردنی و الجزایری و سودانی و لبنانی و عراقی و اسرائیلی توسط اعضاء گروههای تروریستی خاورمیانه مورد استفاده قرار گرفته است.

۳- از پستها تقاضا می شود که توجه خاصی به حاملین پاسپورتهای ایرانی که ظاهراً مشکوک به نظر می رسند (گرچه ممکن است آنها به عنوان افراد حرفه ای و تاجران قابل احترامی معرفی شوند) مبذول دارند.

۴- ما اطلاعی نداریم که پاسپورت ویژه ای را مشخص کنیم، اما ممکن است که پاسپورتهای ایران یا در یکی از پستها در خارجه صادر شده باشند. حامل می تواند مرد یا زن باشد.

۵- ما به ما مورین کنسولی یادآوری می کنیم که پاسپورتهای باید برای تاریخ و محل صدور و سفر به کشورهای دیگر و مهرهای ورود به کشوری که تقاضای ویزا از آن شده چک شود در موارد مشکوک متقاضیان ایرانی، اسناد مسافرت و دیگر اوراق هویت (مثل شناسنامه که کارت شناسایی ملی ایران است)

باید امتحان شود. با مواظبت زیادتر و سؤالاتی که درباره آنها پرسیده می شود تا کشف شود که آیا جوابهای متقاضی معتبر و سازگار می باشد یا نه.

۶- از آنجایی که پیدا کردن یک ناشایستگی که در قسمت (212) (27) (A) ذکر شده (توضیح مترجم: قسمت (27)(A) 212 در کتاب ویزاها به عنوان ممنوع بودن ویزا برای کسانی است که مأمور کنسولی می داند یا دلایلی بر این موضوع دارد که شخصی که می خواهد به آمریکا وارد شود فعالیتهایی بر علیه منافع عمومی در آمریکا می خواهد داشته باشد یا رفاه و امنیت آمریکا را به خطر می اندازد) هر مورد مشکوکی باید به وزارت خارجه معرفی شود. لطفاً وزارتخانه را در این مورد مطلع گردانید همچنین برای اف بی آی هم بفرستید. تلگرام شما باید شامل شماره پاسپورت به ضمیمه نام و تاریخ و محل تولد و شغل باشد. مأمور کنسولی باید مورد عمل را تا دریافت جواب از وزارتخانه متوقف سازد. کریستوفر

سند شماره (۱۰)

تاریخ: ۲۱ تیر ۱۳۵۸ - ۱۲ ژوئیه ۷۹
از: سفارت آمریکا در دوبلین
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی با اولویت
رونوشت: سفارت آمریکا - تهران

موضوع: مشورت های منیز با دولت ایرلند در مورد سی و چهارمین مجمع

عمومی سازمان ملل: خاورمیانه

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲- در ملاقات ۲۰ تیر ماه با معاون وزیر سی. دبلیو منیز، معاون وزیر خارجه ایرلند، نوتل دور «در مورد چگونگی پیشرفت مسئله خاورمیانه در سازمان ملل سؤال کرد. حق اعراب میانه رو نیز علیه پیمان مصر و اسرائیل صف آرائی کرده اند و رفتار جاری «و غیر مسئولانه» اسرائیل نیز نشانگر آن است که این کشور مصر را در نتیجه این پیمان «خنثی» شده تلقی می کند. دولت آمریکا نیز ظاهراً نیاز به حضور نیروهای سازمان ملل در سینا را حس کرده است، لیکن بعضی از کشورها معتقدند که این مسئله می تواند به تعویق افتد.

۳- منیز گفت بعضی از رهبران میانه رو عربی با تبلیغ پیرامون این قرارداد مخالفند، لیکن در اختفا به ما می گویند که امیدوارند ما در روند صلح بهبود بیشتری پدید آوریم گرچه آنها در این مورد تردید دارند. سادات بر اهمیت درگیری مستقیم دولت آمریکا در روند صلح تأکید دارد و در حقیقت خاورمیانه و مذاکرات محدودیت سلاحهای استراتژیک دو سیاست مهم خارجی ما را تشکیل می دهند. مع الوصف سیاستهای سادات سبب تجدید طرز تفکر اساسی در اسرائیل شده است، بعضی از احزاب جناحهای مخالف از استقلال فلسطین سخن می گویند، لیکن در اختفا می گویند که در نهایت با پیدایش یک کشور مستقل فلسطین موافق هستند. مسئله این است که آیا جهان زمان کافی در اختیار قرار خواهد داد تا روند صلح به جریان بیفتد یا خیر.

۴- منیز گفت تداوم «حضور» سازمان ملل (و نه «نیرو») در صحرای سینا از نظر آمریکا ضروری است. ولی می توان حضور آن را کاهش داد و آن را مسلح به سلاحهای سبک نموده و نقش آن را نیز تغییر داد. یعنی تنها به از بین بردن اختلافات بپردازد و موجب پیدایش توافق با پیمان (کمپ دیوید-م) شود. نقش این

حضور برای اعراب بیشتر اهمیت دارد تا برای اسرائیل چون تنها خط رابط با قطعنامه ۲۴۲ مجمع عمومی سازمان ملل می‌باشد. اگر این ارتباط نیز از میان برود، اسرائیل نیز به قطعنامه ۲۴۲ اهمیت نخواهد داد، چون معتقد خواهد شد که جامعه بین‌المللی به آن وقعی نمی‌نهد. منیز با تأکید گفت آمریکا برای حضور نیروهای اضطراری سازمان ملل رای خواهد داد. اعضای سازمان ملل نیز باید علناً موضع خود را در قبال این موضوع مهم اعلام کنند.

۵- دور سؤال کرد که آیا دولت آمریکا با ساف تماس برقرار خواهد کرد. منیز پاسخ داد که ساف یک سازمان منسجم نمی‌باشد و به کرات در اختفا به بعضی از دولت‌های عربی گفته است که اقداماتی در این زمینه به عمل خواهد آورد، ولی هیچ عملی انجام نمی‌دهد.

۶- منیز قبل از عزیمت این پیام را دریافت نمود.

راشینگ

سند شماره (۱۱)

تاریخ: ۱۹ مرداد ۱۳۵۸ - ۱۰ اوت ۷۹
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی به: مجمع گردآوری خلاصه اطلاعات، با اولویت موضوع: خلاصه اطلاعات ۸۷۲ - ۱۹ مرداد ۱۳۵۸ (پاراگرافهای ۴-۱ سری هستند)

۱- لبنان: تجاوز به منطقه نیروهای میانجیگر سازمان ملل با ادامه درگیریها در بین یاهون، درگیری کوچکتري نیز در ریشاف آغاز شده است (شرق ۱۱-۳۵، شمال ۰۹-۳۳) اوضاع مشابه آغاز درگیریهای بیت یاهون است. در پایان ماه ژوئیه، نیروهای میانجیگر سازمان ملل در روستای خالی از سکنه ریشاف با اشغال این روستا از طرف شبه نظامیان مسیحی به مخالفت برخاسته‌اند. این مخالفت با چند رویداد جزئی ادامه یافته که عبارتند از: مین گذاری در جاده ریشاف و تیراندازیهای پراکنده از سوی مسیحیان.

۲- در تاریخ ۱۶ مرداد فلسطینیها به مواضع مسیحیان در ریشاف حمله ور شدند. این حمله نیز به چطرز شگفت‌آوری مشابه حمله فلسطینیها به مواضع مسیحیان در بیت یاهون به تاریخ ۴ مرداد بود. بنا به گزارش، مسیحیان بر روی مواضع نیروهای میانجیگر سازمان ملل آتش گشوده بودند، چون فکر می‌کردند که حمله از سوی نیروهای سازمان ملل صورت گرفته است.

۳- طی یکی از همین فعالیتها، شبه نظامیان حداد قبلاً نیز این موضع را اشغال کرده بودند. جبل باسیل موضع گرفتند. شبه نظامیان حداد قبلاً نیز این موضع را اشغال کرده بودند.

۴- اگر از بیت یاهون تا جبل باسیل خطی کشیده شود میزان تجاوز به منطقه عملیاتی نیروهای میانجیگر را یک یا ۲ کیلومتر نشان می‌دهد. و نشانگر نوعی گسترش از شرق به غرب است که نیروهای میانجیگر قادر به متوقف ساختن آن نبوده‌اند. ظاهراً هدف از این طرح گسترش منطقه عملیاتی مسیحیان است، تا نیروهای حداد بتوانند با تسلط بر بلندبهای بیت یاهون و جبل باسیل نوعی برتری تاکتیکی به دست آورند؛ و مهمتر از همه، ایجاد یک جاده کوتاه‌تر و یک خط ارتباطی کوتاه بین مارجون در شرق و ناقوره در مدیترانه را ممکن می‌سازد. روستاهای بعدی که تحت فشار مسیحیان قرار خواهد گرفت عبارتند از یاطار (شرق ۲۰-۳۵، و شمال ۰۹-۳۳) حریص، و برایشیت.

۵- (طبقه‌بندی نشده) مصر - اسرائیل - نفت: یکی از مقالات مندرج در مطبوعات قاهره در تاریخ ۱۸ مرداد مدعی است که توافق مصر به فروش نفت به اسرائیل شامل فروش آن با قیمت‌های بین‌المللی است

(طبق ادعای این مقاله مصر در ازاء هر بشکه نفت خود بیش از ۳۰ دلار دریافت می‌کرده است) و مصر مجبور نیست، مقدار نفتی خاص و یا نفت چاه به خصوصی را در این مورد به فروش برساند. در چند روز گذشته مصر و اسرائیل بر سر فروش نفت مذاکره کرده و برخلاف ادعای مقاله منا، اسرائیلیها از قیمت، مقدار و منبع نفت مطلع شده‌اند.

۶- (طبقه بندی نشده) مطبوعات اسرائیل: مطبوعات اسرائیلی مورخ ۱۸ مرداد ماه به درج مطالبی پیرامون ضیافت شام «غیرعادی» کارتر و سفیر اورون پرداختند. بعضی از گزارشات از «وعده‌های» داده شده توسط رئیس جمهور به اورون سخن می‌گویند. اصل مطلب تمام این گزارشات این است که با وجود بهتر شدن جو موجود، اختلافات همچنان به قوت خود باقی است. معاریو در سر مقاله خود عنوان کرد که «در تعهدات آمریکا نسبت به اسرائیل تغییری پدید نیامده است» و این نوعی توطئه است چون آنها (دولت آمریکا) می‌خواهند از تضاد آشکار با اسرائیل اجتناب ورزند تا عکس‌العمل احتمالی یهودیان آمریکا و دوستان اسرائیل در کنگره آمریکا را فراهم نیاورند.

۷- (طبقه بندی نشده) اسرائیل - اعراب اسرائیلی: بنا به گزارش رادیو اورشلیم: سرپرست فرماندهی شمال اسرائیل یعنی سرلشگر آویگدار بن‌گال، در تاریخ ۱۸ مرداد گفت که اعراب جلیله یک غده سرطانی در بدن اسرائیل هستند، طبق این گزارش وی گفته است که حدود نیم میلیون عرب در جلیله منتظر موقع مناسب هستند، تا به ما کلک بزنند. بن‌گال گفته است که اعراب اسرائیلی از نهضت ملی‌گرایی عربی حمایت می‌کنند و از طرف ساف و کشورهای عربی نیز حمایت می‌شوند.

۸- (خیلی محرمانه) را بین - پرز: بنا به گزارش سفارت آمریکا در تل‌آویو، کتابچه خاطرات نخست‌وزیر پیشین را بین که در آن شدیداً به شیمون پرز، وزیر اسبق دفاع و رهبر حزب کارگر حمله شده، در حزب کارگر طوفانی مشابه طوفان موجود در لیکود را برخواهد انگیخت. تلویزیون اسرائیل در تاریخ ۱۸ مرداد گزارش داد که را بین در این کتاب نوشته است. پرز نه تنها سعی در خرابکاری علیه من بلکه علیه تمام دولت داشته است و همیشه این شعار بلشویک را در مد نظر داشته که «هرچه اوضاع وخیم‌تر شود، به نفع پرز است» را بین دیگر رهبران حزب کارگر از جمله آهارون بارک دبیر کل پیشین حزب را نیز مورد انتقاد شدید قرار داده است. سفارت گزارش داد که عکس‌العمل اولیه پرز این است که نسبت به اتهامات مطروحه در این کتاب تبلیغات چندانی به راه نیفتند ولی این نشریه به طور حتم به عنوان یک راه حل جذاب. برای لیکود جناح‌بندی شده، به حیثیت حزب کارگر لطمه وارد خواهد کرد.

۹- (طبقه بندی نشده) اسرائیل - اردن - تانکهای اسرائیلی: رادیو اورشلیم در تاریخ ۱۸ مرداد گزارش داد که دولت اسرائیل در نظر دارد یک «مبارزه عمومی را» در آمریکا علیه فروش تانکهای ام-۶۰ به اردن آغاز کند بنا به گزارش ما دولت از این نگران است که مبادا فروش این تانکها «تمایلات تهاجمی» جبهه شرقی را تقویت کند.

۱۰- (خیلی محرمانه) عراق - سخنرانی صدام: در تاریخ ۱۷ مرداد رئیس جمهور عراق صدام حسین هنگام سخنرانی در برابر راه پیمایان سعی در از بین بردن شک و تردید نسبت به رهبری خود پس از اعدام و یا زندانی نمودن بیش از ۵۰ مقام دولتی کرد. وی افزایش حقوق کارمندان دولت، عفو عمومی که شامل کردها بالاخص و کاهش دوره زندان توطئه‌گران را اعلام کرد.

صدام به تمجید از ارتش پرداخت در حالی که با آن رابطه چندان مستحکمی ندارد. وی به سوریه اشاره

نکرد، ولی بیانات وی در مورد مداخله خارجی در توطئه پنج‌ساله با دوران خصومت سوریه و عراق مطابقت دارد. دفتر حفاظت منافع آمریکا در بغداد گزارش داد که تنها توطئه‌گر محکوم به اعدام احتمالاً به سوریه گریخته و موجبات رنجش خاطر دیگری را در رابطه دو جانبه در کشور پدید آورده است.

۱۱- (خیلی محرمانه یمن جنوبی - تغییر کابینه: خبرگزاری عراق در تاریخ ۱۸ مرداد گزارش داد که چهارتن از وزراء یمن جنوبی از جمله موتی وزیر خارجه این کشور از سمتهای خود برکنار شده‌اند. این گزارش در صورت صحت نشانگر تداوم تغییرات درون دولتی است که طی آن مقامات دارای اصل و نسب یمن جنوبی رودروی مقامات دارای اصل و نسب یمن شمالی قرار می‌گیرند.

۱۲- (طبقه بندی نشده) عربستان سعودی - نفت - روند صلح: بنابه گزارش مورخ ۱۸ مرداد آسوشیتدپرس، وزیر خارجه سعودی سیاست نفتی را با پیشرفت مذاکرات صلح خاورمیانه مرتبط دانست، بنابه همین گزارش شاهزاده سعودالفیصل گفته است که عربستان سعودی به برقراری یک صلح عادلانه و منصفانه «در خاورمیانه که بتواند موجبات خودمختاری فلسطینیها را پدید آورد امیدی نداشت. وی در ادامه گفت عربستان سعودی از تمام منابع خود استفاده خواهد کرد، تا برای پیشرفت خودمان وسایل ضروری را به دست آوریم» وی اظهار داشت که سیاست اسرائیل در لبنان سبب پیدایش یک جنگ جدید در منطقه خواهد شد.

۱۳- (طبقه بندی نشده) ساف - قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل: رئیس شورای ملی فلسطین (پارلمان ساف) خالد فهوم بار دیگر اعلام کرد که ساف قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ سازمان ملل را نمی‌پذیرد، چون در آنها با مشکل فلسطینیها به عنوان یک حق ملی برخورد نشده است. در حین مصاحبه با روزنامه سعودی الریاض، فهوم گفت که ساف نمی‌تواند در مورد قطعنامه‌های شورای امنیت اظهار نظر کند، مگر آنکه شورای ملی فلسطین آن را مورد بررسی قرار داده باشد.

۱۴- (خیلی محرمانه) ساف - سازمان ملل: کاردار نمایندگی سوئد در سازمان ملل به نمایندگی در سازمان ملل واقع در نیویورک گفت تریزی نماینده ساف گفته است که اگر آمریکا قطعنامه جدید شورای امنیت سازمان ملل را که حقوق فلسطینیها را به رسمت خواهد شناخت رد کرده و یا به آن رأی ممتنع بدهد. ساف نیز احتمالاً در اجلاس غیرمتعهدها در هاوانا خواستار تشکیل اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل در مورد فلسطین خواهد شد. ما این گزارش را از دیگر منابع دیپلماتیک عربی نیز شنیده‌ایم.

۱۵- (طبقه بندی نشده) آلمان غربی - ساف: بنابه گفته رویتر پس از دو دوره مذاکرات انجام شده بین یاسر عرفات و یورگن موله‌مان از پارلمان آلمان غربی که متخصص امور خارجی حزب دموکراتیک آزاد است، خواستار تماس بیشتر با ساف گردید. وی گفت کشورش تا به حال ساف را نادیده گرفته بود، موله‌مان در یک مصاحبه مطبوعاتی در بیروت گفت که تبادل نظرهای وی با عرفات استوار بر یک طرح هشت ماده‌ای بود، که توسط حزب دموکراتیک آزاد طرح‌ریزی گشته بود. وی گفت که اگر این طرح از طرف وزیر خارجه گنشر و رهبر حزب دموکراتیک آزاد تأیید نشده بود آن را مطرح نمی‌کرد. بنابه گزارش رویتر، این طرح خواستار به رسمیت شناخته شدن حقوق خود مختاری ساف توسط همه کشورهای منجمله اسرائیل شده است. این سفر وی احتمالاً روابط آلمان غربی و اسرائیل را تیره‌تر خواهد ساخت و به ساف اجازه خواهد داد تا حیثیت و وجهه بیشتری برای نهضت خود از سوی کشورهای اروپایی آن هم به دنبال ملاقات عرفات، با کرایسکی و ملاقات رئیس اداره سیاسی یعنی قدومی با وزیر خارجه فرانسه کسب کند.

۱۶- (محرمانه) ساف - شورای مرکزی: بنا به گزارش رویتر، شورای مرکزی ۵۵ نفره فلسطین (یعنی پارلمان ساف) در تاریخ ۱۹ مرداد در دمشق تشکیل جلسه خواهد داد. به نظر ما این شورا پیرامون ابتکار یک جانبه دیپلماتیک عرفات و نیز ملاقاتهای وی با کرایسکی و برانت و تلاش وی برای تغییر قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل بحث و تبادل نظر خواهد کرد. کوپر

سند شماره (۱۲)

تاریخ: ۲۰ مرداد ۱۳۵۸ - ۱۱ اوت ۷۹
 از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی به: سرپرست هیئت هواپیمایی آمریکا - فوری
 موضوع: راهنمای مطبوعاتی در مورد ملاقات یانگ و ترزی

۱- آنچه در زیر آمده راهنمای مطبوعاتی تصویب شده است که توسط وزارت خارجه در رابطه با شایعه ملاقات مخفی بین سفیر یانگ و نماینده ساف به نام ترزی در نیویورک مورد استفاده قرار می‌گیرد. س. آیا واقعیت دارد که سفیر آمریکا در سازمان ملل با آقای ترزی نماینده ساف در آنجا ملاقاتی مخفیانه داشته است؟

ج. سفیر یانگ با آقای ترزی و یا هیچ یک از دیگر نمایندگان ساف مخفیانه ملاقات نکرده است. سیاست آمریکا در مورد تماس با ساف دستخوش تغییری نشده است. واقعیت امر به شرح زیر است:

-- سفیر کویت یعنی بشاره در تاریخ ۱ مرداد ماه به سفیر یانگ پیشنهاد کرد که شب همان روز سفیر یانگ به انتخاب خود به محل اقامت وی بیاید تا در مورد مسائل شورای امنیت با یکدیگر گفتگو کنند. سفیر یانگ آن روز عصر همراه فرزندش به گردش رفت و تصمیم گرفت به محل اقامت سفیر بشاره برود. -- در حین گفتگو ناگهان آقای ترزی وارد منزل بشاره شد. سفیر یانگ نمی‌دانست که او نیز به آنها خواهد پیوست. سفیر یانگ به منظور رعایت سیاست ما در قبال تماس با ساف، پس از تعارفات اجتماعی حدود پانزده دقیقه بعد محل را ترک گفت.

-- تأکید من این است که این ملاقات اتفاقی بوده است. سفیر یانگ با آقای ترزی وارد مذاکره و یا گفتگوی جدی نشد، و سفیر کاملاً مطابق با سیاست جاری دولت آمریکا عمل کرده است.

س. چرا سفیر یانگ فرزندش را نیز به منزل بشاره برده بود؟

ج. خانواده بشاره نیز فرزندی هم سن و سال فرزندان سفیر یانگ دارند که این دو هیچگاه یکدیگر را ملاقات نکرده بودند. سفیر فکر کرد که موقعیت برای تحقق این ملاقات مناسب است.

س. آیا سفیر قبلاً ترزی را ملاقات نموده است؟

ج. سفیر و مقامات آمریکا در سازمان ملل در ضیافت‌های اجتماعی با آقای ترزی رویارویی دوستانه‌ای داشته‌اند.

-- بر طبق سیاست ما، آنان نیز همان کاری را کرده‌اند که سفیر در این موقعیت انجام داده است.

-- تکرار می‌کنم - سیاست آمریکا بر این است که تماس عمده و مهم با ساف برقرار نگردد.

س. سفیر یانگ و بشاره در مورد کدام مسائل شورای امنیت صحبت کرده بودند؟

ج. ما نمی‌توانیم وارد جزئیات گفتگوهای دیپلماتیک خود شویم. ولی تأکید می‌کنم که آقای ترزی به

هیچ‌وجه در گفتگوی سفیر یانگ و سفیر بشاره شرکت نداشت.

سند شماره (۱۳)

تاریخ: ۲۳ مرداد ۱۳۵۸ - ۱۴ اوت ۷۹
 از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی به: مجمع گردآوری خلاصه اطلاعات، با اولویت موضوع: خلاصه اطلاعات ۸۷۴ - ۲۳ مرداد ۱۳۵۸ (پاراگرافهای ۹-۱ خیلی محرمانه هستند)
 ۱- آلمان غربی - اسرائیل: مسئله تعادل: گرچه در نحوه برخورد آلمان غربی با مسئله اعراب و اسرائیل تغییری اساسی پدید نیامده، لیکن در ماههای گذشته در روش و لحن آن تغییرات مهمی رخ داده است. این تغییرات مربوطه به شمول فلسطینیها در روند صلح می‌باشد. نشانه‌های این تغییرات عبارتند از:
 الف) نقش فعال آلمان غربی در خرداد گذشته در فرمول‌بندی بیانیه جامعه اقتصادی اروپا در قبال خاورمیانه.

ب) سفرهای جاری وزیر خارجه گنشر به خاورمیانه.

ج) بیانات صدراعظم اشمیت.

مطبوعات غرب نیز همین حرکت را بسیار دراماتیک نشان داده‌اند و این امر نگرانی اسرائیل را سبب شده است.

۲- موضع اساسی بن‌همان تداوم نقش حمایت از اسرائیل در جبران دوران نازی است و نیز تضمین خطوط ارتباطی با تولیدکنندگان نفت عربی و حفظ ثبات در خاورمیانه است. آلمان غربی علاوه بر این نمی‌خواهد به خاطر منافع خود در خاورمیانه بر واشنگتن پیشدستی کند.

۳- در همین رابطه، بن‌مایل است شاهد رشد و پویایی کمپ دیوید باشد. اما اشمیت و گنشر معتقدند که به رسمیت شناختن موجودیت اسرائیل توسط فلسطینیها در اختتام موفقیت‌آمیز مذاکرات بسیار حائز اهمیت است. آنها علاوه بر این مایلند مذاکرات آمریکا و ساف سهولت بیشتری پیدا کند.

۴- خودداری اشمیت و گنشر در اعمال فشار مستقیم بر آلمان غربی به منظور ایجاد تغییر در سیاستهای آن کشور و نیز تمایل آن به حفظ روابط نیرومند با اعراب شدیداً مورد تأیید آراء عمومی آلمان غربی است به استثناء محافل محافظه‌کار، نگرانی بن در مورد حقوق فلسطینیها مغایر با اصول پنداشته نمی‌شود. اکثر منتقدین آلمان معتقدند که بن نیازی به پذیرش خالی از تعصب سیاستهای اسرائیل ندارد.

۵- ولی تلاشهای اشمیت و گنشر در حفظ موازنه در مورد مسائل خاورمیانه با بحثهای عمومی آلمان غربی در زمینه مسئله فلسطینیها پیچیده‌تر شده است. ملاقات عرفات با کرایسکی و برانت در وین نشان می‌دهد که بن مایل است ساف با سرعت بیشتری وارد، روند مذاکرات گردد. مشارکت برانت در این ملاقات به عنوان سرپرست بین‌الملل سوسیالیست مورد اعتراض اشمیت واقع نشد. برانت در وین نقش پرجنجالی نداشت، لیکن از آنجا که وی نماینده گروههای حامی اسرائیل است، همین حضور وی به اسرائیل فهماننده است که حتی بهترین دوستانش نیز هوادار ایجاد تغییر هستند.

۶- سفر گنشر به جهان عرب تمام رژیمهای عربی دارای تمایلات سیاسی گوناگون را در بر گرفت که مورد انتقاد مطبوعات آلمان غربی نیز واقع گردید. ولی با ملاقات موشه‌دایان در بن در شهریور ماه تماسهای خود با اعراب را متعادل خواهد ساخت. لیکن اشمیت هنوز هم به دعوت سه ساله بازدید از

اسرائیل پاسخ مثبت نداده است این تأخیر در آلمان غربی نو اعمال فشار بر تل آویو تلقی می‌شود تا اسرائیل در خروج از سرزمینهای اشغالی تلاش بیشتری از خود نشان دهد. صدراعظم آلمان نیز مایل است «مانعی در این راه» ایجاد نماید.

۷- اشمیت و نیز گنشر قطعاً از دیدار «متخصص» حزب دموکراتیک آزاد یعنی موئله‌مان با عرفات در اواخر مرداد احساس شرمساری می‌کنند. موئله‌مان یکی از دوستان گنشر بود و یکی از معدود دموکراتهای آزادی است که در امور بین‌المللی مجرب است. ولی نظر ما این است که وی از انجام دستورات گنشر فراتر رفته است. به هر حال گویا گنشر انتظار داشته است که همکارانش در پیشنهاد صلح خود او به ایفای نقش بسیار پردازند. که در عین حال با مشارکت دیگران نیز تفاوت چندانی ندارد.

۸- بنابراین بیانیه گنشر در ۱۸ مرداد مبنی بر اینکه قصد ندارد، حضور عرفات را در این زمینه گسترش دهد هنوز هم معتبر است، پس از هیجان ناشی از ملاقات برانت و موئله‌مان با رهبر ساف، گنشر نیز احتمالاً هنگام توقف در لبنان در اواخر ماه جاری همین کار را انجام خواهد داد.

۹- معذالک، بن نخواهد توانست به آسانی تل آویو را متقاعد سازد، که سیاستهای آلمان غربی دستخوش هیچ‌گونه تغییری نشده است. گرچه نمی‌توان به طور قطع گفت که اسرائیل آلمان غربی را به عنوان یک عامل خنثی کننده فرانسه در جامعه اروپا از دست داده است، ولی همین تغییر روش و لحن آنقدر مهم است که اسرائیل نمی‌تواند آن را نادیده انگارد. و تل آویو با احتیاط کارهای گنشر در اجتناب از ملاقات مستقیم با عرفات نیز دلخوش نخواهد شد.

۱۰- (طبقه بندی نشده) را بین - پرز - حزب کارگر: یکی از سخنگویان حزب کارگر در تاریخ ۲۲ مرداد گفت که حزب را بین نخست وزیر پیشین را به خاطر انتقاد از شیمون پرز در یک کتاب جدید، سرزنش کرده است. را بین پرز را متهم به دروغ‌گویی، منحرف ساختن دولت و انتشار اخبار طبقه بندی شده نمود. ۱۱- (طبقه بندی نشده) اسرائیل - اعتصابات: گزارشات خبری حاکی از آن است که حدود یک میلیون کارگر اسرائیل (که در صورت صحت گزارشات یک سوم جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند) در تاریخ ۲۲ مرداد در اعتراض به افزایش قیمتها دست به اعتصاب زده‌اند:

۱۲- (طبقه بندی نشده) سیاست اسرائیل - آمریکا - لبنان: بنا به گزارش رادیو اورشلیم، وزیر خارجه دایان در مصاحبه‌ای به تاریخ ۲۲ مرداد گفت که سیاست اسرائیل در قبال لبنان «کاملاً مورد قبول آمریکا می‌باشد». وی گفت اسرائیل «وظیفه» و «حق» دارد که «پایگاههای تروریستی را به ابتکار خود درهم کوبد و به انتظار اقدامات تلافی جویانه و امثال آنها نباشد». وی گفت آمریکا تنها نگران آسیب پذیری غیرنظامیان در این گونه حملات است «به خصوص زمانی که این کار با تجهیزات آمریکایی صورت می‌گیرد».

۱۳- (طبقه بندی نشده) مطبوعات اسرائیل: اورشلیم پست گزارش داد که بگین در تاریخ ۲۱ مرداد به کابینه گفته است که موضع شدید اسرائیل «علیه فرسایش سیاست واشنگتن به ثمر رسیده است». چون آمریکا نشان داد که به تعهدات خود در قبال اسرائیل پای بند خواهد بود. بنا به گزارش بگین پیش‌بینی کرد که آمریکا برای ممانعت از تغییر قطعنامه ۲۴۲ از هیچ‌کاری فروگذار نخواهد کرد. یکی از خبرنگاران نشریه‌ها آرتز اظهار داشت که دایان به کابینه گفته است که یهودیان آمریکا و دوستان اسرائیل در آمریکا در این زمینه از اسرائیل حمایت خواهند کرد. ها آرتز همچنین گزارش داد که وزیر «برگ» از اینکه اورون

سفیر اسرائیل به یکی از مقامات آمریکایی گفته است که وی (اورون) با موضع اسرائیل در مورد مذاکرات خودمختاری آشنایی ندارند، شکوه کرد.

۱۴- (طبقه بندی نشده) دولت هلند - تحریم عربی: رویتر به تاریخ ۲۲ مرداد گزارش داد که دولت هلند اعلام کرده است که از شرکتهای هلندی نخواهد خواست که از پاسخ مثبت به تحریم اسرائیل توسط اعراب دست بردارند.

۱۵- (خیلی محرمانه) عراق - فلسطینها: سفیر عراق در لبنان زمانی که یک گلوله آرپی جی و گلوله های تیربار به ماشین حامل وی در تاریخ ۲۲ مرداد اصابت نمود، از یک جریان سوء قصد جان سالم به در برد. این حمله یک روز پس از سخنرانی عمومی یکی از مقامات چپگرای فتح صورت گرفت که در آن عراق متهم به کشتن یک روزنامه نگار فلسطینی در لبنان شده بود، وی همچنین اعدامهای جمعی در بغداد را محکوم کرد. این اتهامات موجب پیدایش مناقشاتی بین عراق و فتح گردید. ولی، فاروق قدومی سرپرست سیاسی ساف از دیپلمات عراق در بیمارستان عیادت نمود و ساف این حمله را محکوم نمود. عراق همچنین به خاطر قطع رابطه با یمن جنوبی با گروههای چپگرای فلسطینی و لبنانی درگیر شده است، و کمونیستهای عربی از سرکوب حزب کمونیست عراق توسط دولت این کشور خاطر خوشی ندارند. بنابراین ممکن است این گروهها دست به دست داده و به این حمله مبادرت ورزیده باشند. ولی این حمله ممکن است منجر به شیوع کشتارهای تازه ای بین عراق و مخالفین عربی آن شود که نمونه آن درگیری عراق و سازمان فتح در بهار و تابستان سال ۱۳۵۷ می باشد.

۱۶- (طبقه بندی نشده) سوریه آمریکا: بنا به گزارش رویتر، اسد، رئیس جمهور سوریه آمریکا و مصر را متهم به خرابکاری در تلاشهای مربوط به استقرار صلحی همه جانبه در خاورمیانه کرده است. اسد در سیافتی که به افتخار رئیس جمهور رومانی یعنی چائوشسکو برگزار شده بود این مطلب را بیان نمود.

۱۷- (خیلی محرمانه) اعراب - آمریکا - قطعنامه ۲۴۲: وزیر نفت کویت شیخ علی خلیفه الصباح، طی یک گفتگوی طولانی با سفیر دولت در محل اقامت شیخ یمانی گفت که وی ترس از آن دارد، که مبادا در ماه جاری روابط آمریکا و اعراب در مورد قطعنامه شورای امنیت پیرامون حقوق فلسطینها دستخوش بحران گردد. شیخ علی گفت این قطعنامه یک قطعنامه کوییتی نیست، لیکن از حمایت همه کشورهای عربی برخوردار است. طبق پیش بینی وزیر نفت آمریکا این قطعنامه را رد خواهد کرد. وی گفت، این امر سبب آسیب پذیری جبران ناپذیر و وجهه آمریکا نه تنها در برابر دولتهای عربی بلکه در برابر عامه اعراب خواهد شد، چون امتناع از پذیرش این قطعنامه نشانگر تغییر موضع شدیداً اخلاقی آمریکا در امور بین المللی خواهد بود.

سند شماره (۱۴)

از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی تاریخ: ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ - ۱۸ اوت ۱۹۷۹ به: تمام واحدهای دیپلماتیک مستقر در خاور نزدیک و آسیای جنوبی طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: (خیلی محرمانه) قطعنامه سازمان ملل در مورد مسئله فلسطین

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است).

۲- برای نمایندگی آمریکا در سازمان ملل: لطفاً پس از تماس با بشاره و چوفی نکات ذیل را مطرح

نمائید.

۳- برای وزارتخانه / دراپر: لطفاً با جان رایبسون در سفارت انگلستان تماس گرفته و نکات زیر را به اطلاع وی برسانید: نمایندگی آمریکا در سازمان ملل می‌تواند همکاران انگلیسی را در همین رابطه توجیه نماید.

۴- واحدهای اقدام کننده نیز باید از نکات ذیل استفاده کنند. مخاطبها نیز می‌توانند بنابه صلاحدید خود از این نکات استفاده کنند:

-- در تاریخ ۲۶ مرداد یعنی روز جمعه سفیر اشتراوس در اسرائیل مطالب ذیل را علناً اظهار داشته است: ما با (دولت اسرائیل) در مورد امکان ارائه قطعنامه‌ای (در رابطه با مسئله فلسطین) توسط ملت ما در سازمان ملل گفتگو کرده‌ایم، و امیدواریم که این قطعنامه مورد تصویب و تأیید دوستان اسرائیلی مان قرار گیرد.

-- آمریکا صریحاً اعلام داشته است که قطعنامه‌های آن بر قطعنامه ۲۴۲ و ۳۳۸ استوار بوده و کاملاً مطابق با اصول قرارداد کمپ دیوید خواهد بود. آمریکا با هر گونه قطعنامه‌ای که هدف آن اصلاح و یا تعویض قطعنامه ۲۴۲ باشد که اساس صلح در خاورمیانه است، مخالفت خواهد ورزید.

-- ما امیدواریم که در صورت ادامه یک قطعنامه سازنده جهت بررسی در شورای امنیت سازمان ملل، بتوانیم به پیشبرد و استقرار صلح در خاورمیانه کمک کنیم.

-- سفیر اشتراوس مایل است که شخصاً به این نکات واقف باشید. وی هنوز هم در خاورمیانه در حال مشورت با طرفین ذی ربط است و در صورت پیدایش پیشرفتهای دیگر ما با شما تماس خواهیم گرفت.

۵- وزارتخانه باید با اعضاء منتخب کنگره در این مورد تماس حاصل کند. کریستوفر

سند شماره (۱۵)

تاریخ: ۲۹ مرداد ۱۳۵۸ - ۲۰ اوت ۱۹۷۹
از: سفارت آمریکا در موگادیشو
به: وزارت امور خارج در واشنگتن دی - سی
رونوشت: سفارت آمریکا - تهران

موضوع: تظاهرات موگادیشو به حمایت از آرمان فلسطین

۱- صبح روز ۲۷ مرداد در موگادیشو تظاهراتی برپا شد. گرچه برخلاف ادعای رسانه‌های سومالی تعداد تظاهرکنندگان به صدها هزار نفر نمی‌رسید، ولی با در نظر گرفتن معیارهای موگادیشو تعداد آنها زیاد و احتمالاً بیش از ده هزار نفر بود. بنابه اظهارات آژانس خبری ملی سومالی، تظاهرکنندگان پلاکارتهایی به همراه داشته و با شعارهای خود «سیاست توسعه طلبانه اسرائیل» را محکوم می‌کردند و اعلام می‌داشتند که اورشلیم باید از کنترل اسرائیل آزاد شود.

۲- مقامات دولتی، اعضای کمیته مرکزی حزب سوسیالیستی انقلابی سومالی و دیپلماتهای کشورهای مسلمان نیز در این تظاهرات حضور داشتند. احمدشیرمحمد وزیر دادگستری و امور مذهبی در این تظاهرات سخنرانی کرد. متن و موضوع اصلی سخنرانی وی این بود که دولت سومالی از حقوق خلق فلسطین برای رسیدن به خودمختاری حمایت می‌کند و خواستار بازگرداندن اورشلیم «به دامان» اسلام است.

۳- اظهار نظر: مسئله اورشلیم به هیچ وجه عامه اهالی سومالی را هیجان زده نمی‌کند. انگیزه دولت در سازماندهی این تظاهرات این بوده است که به کشورهای عربی و به خصوص عربستان سعودی نشان داده شود که علیرغم دوستی با مصر، سومالی از آرمان عربی حمایت می‌کند. قطعاً سومالی نیز خواسته با دیگر کشورهای عربی همگام شود و به ندای آیت‌الله خمینی که خواسته است که تمام دولتهای مسلمان آخرین جمعه ماه رمضان را روز قدس (اورشلیم) اعلام کنند، پاسخ داده باشد. علاوه بر این، تظاهرات احتمالاً پاسخی بوده است به انتقاد عربستان سعودی از رژیم زیاد مبنی بر اینکه این رژیم از امور مذهبی اسلامی حمایت کافی ننموده است.*

پیترمون

سند شماره (۱۶)

تاریخ: ۷ شهریور ۱۳۵۸ - ۲۹ اوت ۱۹۷۹
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی به: تمام واحدهای دیپلماتیک و کنسول با اولویت
موضوع: مشاورت امنیتی

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است).
۲- این یک پیام اطلاعاتی است. واحدها باید بدانند که یکی از اتباع عربی که از طرف دولت اسرائیل تحت تعقیب است و در حمله تروریستی اردیبهشت ۱۳۵۸ دست داشته در زندان شیکاگو به سر می‌برد و احتمالاً به اسرائیل استرداد خواهد شد. شواهد موجود نشان می‌دهد که بخشهایی از جامعه عربی مقیم آمریکا قصد دارند «رسانه‌های گروهی علیه استرداد عربی که گویا نام وی زید محمد احمد تریف است تبلیغ نمایند. وزارتخانه به عنوان یک اقدام احتیاط‌آمیز این موضوع را به واحدها یادآوری می‌کند تا مراقب اقدام تلافی جویانه فلسطینی باشند. این یک پیام مشورتی است و نشانگر هیچ‌گونه گزارش اطلاعاتی نمی‌باشد.

ونس

سند شماره (۱۷)

تاریخ: ۹ شهریور ۱۳۵۸ ۳۱ اوت ۱۹۷۹
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی به: سفارت آمریکا در عمان، فوری
رونوشت: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: اوضاع جنوب لبنان
۱- تمام متن سری است.
۲- از طریق تلگرام جداگانه ارسالی از نمایندگی آمریکا در سازمان ملل متن بیانیه سفیر یانگ در اجلاس مورخ ۷ شهریور شورای امنیت را در مورد اوضاع لبنان رؤیت خواهید نمود. این بیانیه موضع آمریکا را در دو مورد روشن می‌سازد: ابتدا، موضع ما را در محکوم شمردن تروریسم ساف استراژی حملات پیشگیرانه اسرائیل در لبنان، و اقدامات نظامی و عملیات توپخانه شبه نظامیان لبنانی هم پیمان با اسرائیل و نیز خود اسرائیل روشن می‌کند. ثانیاً، این بیانیه خواستار متوقف گشتن خشونت در این منطقه می‌باشد. در اینجا ما در مورد چیزی بیش از یک آتش بس صرف صحبت می‌کنیم. منظور ما پایان دائمی

*- سند انگلیسی این متن یافت نشد.

خشونت در این منطقه است. عنصر اصلی اجرای قرارداد منعقدۀ توسط ساف در تاریخ ۱۵ تیرماه است، تا براساس آن از جنوب رودخانه لیطانی عقب نشینی نماید.

۳- آن گونه که ظواهر امر نشان می دهد رهبریت اصلی فلسطینی در فتح بیش از گذشته مایل است که آتش بس طویل المدت تر و پر معنی تر برقرار شده و نفوذ و حملات تروریستی خود را علیه نیروهای حداد در جنوب لبنان و نیز علیه اسرائیل متوقف سازد. خصوصاً اینکه، برداشتهای آنها از رویدادهای اخیر می تواند جنبه های مثبتی بر کاهش خشونت داشته باشد به هر حال، ما مایلیم که بتوانیم فلسطینیها را به منظور ایجاد یک آتش بس دائمی آن هم از طریق طرفین ثالث، به همکاری راغب نماییم.

۴- برای بیروت، دمشق، جده، امان و کویت، باید در اسرع وقت با مقامات ذیربط دولتهای میزبان خود تماس گرفته و در مورد بیانیه مهم ما پیرامون اوضاع لبنان آنها را توجیه کرده و خواستار حمایت آنها از تلاشها در جهت پدید آوردن یک آتش بس دائمی و اختتام خشونت در جنوب لبنان شوید. در این رابطه از نکات مهم ذیل استفاده کنید:

-- آمریکا شدیداً تلاش خواهد کرد تا اقدامات نظامی اسرائیل و حداد که در چند ماه گذشته شاهد آن بوده ایم، خاتمه یابد. با این وصف استقرار یک آتش بس دائمی ممکن نخواهد بود، مگر با همکاری فلسطینیها و جلوگیری از حملات آنها علیه نیروهای حداد و اسرائیل.

-- از دولتهای میزبان می خواهیم که با استفاده از نفوذ خود روی عرفات و رهبریت ساف/فتح و نیز از نفوذ خود روی دیگر گروههای شبه نظامی، توقف کامل خصومتها را خواستار شده و اجرای قرارداد ۱۵ تیرماه مبنی بر خروج نیروهای مبارز از جنوب لبنان را متضمن شوند. خروج نیروهای فلسطینی از قلمرو عملیاتی نیروهای میانجیگری سازمان ملل نیز حائز اهمیت است.

-- دولتهای میزبان باید از عرفات و رهبریت فتح بخواهند که دیگر گروههای شبه نظامی که همیشه از دستورات ساف پیروی نمی کنند، وادار به همکاری شده تا رعایت این آتش بس دائمی شود. فتح دارای روشهایی است که می تواند با کاربرد آنها به این هدف نائل آید.

-- عامل اصلی موفقیت توقف فعالیتهای تروریستی و مقاومت سازمان فتح در اسرائیل و ساحل غربی است ما از دولتهای میزبان می خواهیم که این مرحله را نیز بر فتح تحمیل نمایند که در نتیجه وضعیت به طور عمده ای تغییر پیدا خواهد کرد.

-- ملاحظات بشر دوستانه به تنهایی توجیه گر این اقدامات از سوی دولتهای میزبان می باشد. علاوه بر این، گسترش موج خشونت ممکن است سبب درگیری مستقیم نیروهای اسرائیل و حداد با نیروهای سوری در لبنان شود، که می تواند به نوبه خود سبب گسترش تضادها شده و تأثیر بسیاری بر روی منطقه به همراه داشته باشد.

-- در گفتگوهای بین دولتهای میزبان و فلسطینیها یک جنبه دیگر نیز باید در نظر گرفته شود. در ماههای اخیر رویدادهای مهمی به وقوع پیوسته که می تواند بر آینده فلسطینیها و حل مسئله فلسطینیها در مذاکرات صلح تأثیر بگذارد. فرضیه عدم خشونت به عنوان وسیله ای برای دستیابی به اهداف سیاسی در بسیاری از نقاط جهان حامیانی برای خود دست و پا کرده است.

۵- برای نمایندگی آمریکا در سازمان ملل: باید با نمایندگان دولتهای عربی نیز تماس گرفته و از نمایندگان کشورهای شرکت کننده در نیروهای میانجیگر سازمان ملل و اعضای ۹ کشور اروپایی در نقاط

ذی ربط از نفوذ خود بهره‌برداری کنند.

۶- برای امان: با در نظر گرفتن تبادل نظرهای اخیر حسین و عرفات، امیدواریم که حسین بتواند با فلسطینیها در مورد تلاش ما به بحث و مذاکره بنشیند.

۷- برای پایتختهای ۹ کشور اروپایی و پایتخت کشورهای دیگری که در نیروهای میانجیگری سازمان ملل شرکت دارند. با استفاده از نکات فوق می‌توانید تلاشهای آمریکا را برای دولت‌های مربوطه تشریح کرده و آنها را ترغیب نمایید که با استفاده از نفوذ خود در رابطه با اسرائیل، فلسطینیها، و دولت‌های میانه‌رو کمک کنند تا آتش‌بسی پایدار ایجاد شود.

۸- برای هاوانا: بسیاری از سیاست پیشه‌گان عرب مرتبط با این موضوع هم اکنون جهت شرکت در اجلاس غیرمتعهدها در هاوانا به سر می‌برند. ما می‌دانیم که شما به آنها دسترسی نخواهید داشت، لیکن با بشاره سفیر کویت تماس گرفته و پس از توجیه کامل وی در رابطه با نکات مطروحه در پاراگراف ۴، متن بیانیه سفیر یانگ را در اختیار وی بگذارید. در مقام تأکید به بشاره بگویید که می‌تواند با استفاده از موقعیت خود با همکاریانش در مورد تأثیر مثبت میانه روی فلسطینیها بر آراء عمومی آمریکایی و غربی تبادل نظر نماید.

۹- برای تل‌آویو: لطفاً مقامات اسرائیلی را کالاً در جریان تلاشهای مهم ما در جهت جلب همکاری فلسطینها برای استقرار یک آتش‌بس دائمی قرار دهید. ما نمی‌توانیم موفقیت آن را تضمین کنیم، ولی تصریح نمایید که تلاشهای ما ادامه خواهد یافت.

سند شماره (۱۸)

تاریخ: ۱۰ شهریور ۱۳۵۸ - ۱ سپتامبر ۱۹۷۹

طبقه بندی: سری

به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی

از: سفارت آمریکا در دوحه

رونوشت: به سفارت آمریکا در تهران

عطف به: (الف) دوحه ۰۰۵۰

موضوع: قطر، جامعه فلسطین و آمریکا

۱- (تمام متن سری است).

۲- آغاز خلاصه: جامعه فلسطینی عظیم و استقرار یافته قطر در مورد تلاش آمریکا در جهت حل اختلاف اعراب و اسرائیل با بدبینی می‌نگرند. آنها اینگونه تلاشها را ناموفق خوانده و بروز جنگ دیگری را بین اعراب و اسرائیل اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. علی‌رغم نگرانیهای ناشی از دست دادن موطن خود، فلسطینیها معتقدند که از هواداری و دوستی اصیل و واقعی، امیر خلیفه، امیر قطر برخوردارند، چون او شدیداً وابسته به مهارتهای فلسطینیها و رابطه با غرب است آنها معتقدند (از نظر سفارت نیز این اعتقاد بجاست) که اگر قرار باشد نمایش قدرتی صورتی گیرد، خلیفه صدور نفت به آمریکا را متوقف خواهد ساخت تا موجبات تغییر سیاست آمریکا در خاورمیانه پدید آید.

این امر بر خلاف احترام شدید و اساسی امیر نسبت به آمریکا بروز خواهد کرد. علیرغم این واقعیت که فلسطینیها سیاست آمریکایی را به طرز فاحشی در حمایت از اسرائیل تلقی می‌کنند، جامعه فلسطینیهای قطر نسبت به آمریکاییها و آمریکا نظر خوشی دارند. بسیاری از آنها نیز امید دارند که بتوانند تبعه آمریکا بشوند. (پایان خلاصه).

۳- جامعه ۲۰/۰۰۰ نفری فلسطینیهای قطر (که از این پس فلسطینیها خوانده می شود) پرجمعیت ترین گروه عربی خارجی (مصریها بالغ بر ۱۷/۰۰۰ نفر می باشند) بوده و مهمترین و متنفذترین عامل و عنصر خارجی به حساب می آیند. گروه پاکستانی ۷۵/۰۰۰ نفری و ۴۰/۰۰۰ تا ۴۵/۰۰۰ نفری ایرانی تعدادشان از فلسطینیها بیشتر است، ولی این گروهها و به خصوص گروه ایرانی متشکل از کارگران عادی می باشند، گرچه بعضی از ایرانیها به خوبی به کار تجارت مشغولند، ولی به دولت قطر آن چنان مرتبط نبوده، و رابطه آنها با بومیان قطر نیز از اختلافات مذهبی و خلق و خوی جدا سازنده اعراب و پارسیها مصون نمی باشد. از طرف دیگر، قطریها فلسطینیهای این کشور را نیز عرب و دارای همان تشابه مذهبی می دانند که به نظر آنها در مورد آنها بی عدالتی عظیمی روا داشته شده و باید نسبت به آنها حمایت و همدردی به عمل آید. با وجود اینکه موفقیت فلسطینیها حسادتهایی را برانگیخته، ولی این امر با الطاف و مراحم مخصوص دولت قطر نسبت به فرزندان بومی این شیخ نشین خنثی می گردد.

۴- این فلسطینیها، برخلاف کسانی که در اردوگاههای پناهندگان لبنان و سوریه بسر می برند، مأیوس و نومید نیستند. واقعیت این است که آنها در دولت، بخش حرفه ای و تجاری پستهای مهمی را اشغال کرده اند. به طور مثال: وزیر دارایی این کشور و نیز سرپرست بانک ملی قطر و مشاور اصلی امیر خلیفه در امور مهندسی و پیمانکاری همه فلسطینی هستند سردفتر وزارت دارایی و وزارت نفت نیز فلسطینی بوده، و بسیاری از پزشکان، حسابداران، اساتید، معلمین، وکلا، قضات، پیمانکاران، بازرگانان و مدیران عالیرتبه بازرگانی فلسطینی می باشند. (مصریها همین نقش را در زمینه آموزش و پرورش ایفاء می کنند) بسیاری از آنها فارغ التحصیل دانشگاه آمریکایی بیروت و یا دانشگاههای آمریکا می باشند. فلسطینیها به کاربرد زبان انگلیسی از روزهای سلطه انگلستان بر فلسطین خو گرفته و با سرسختی و عزمی راسخ تحصیلات و فراگیری زبانهای خارجی و به خصوص زبان انگلیسی را دنبال می کنند. بسیاری از آنها از رابطه خوبی و دوستی با آمریکا برخوردار بوده و روحیه مسالمت جویانه آمریکا را نیز به خوبی درک نمایند. نکته نسبتاً مضحک مسئله این است که بسیاری از قطریها و به خصوص افراد سالخورده تر، فلسطینیها را غربی به شمار می آورند و واقع امر این است که فلسطینیها نیز در مورد خودشان همین گونه فکر می کنند، و در همان حال معتقدند که غربیهای اصلی یعنی آمریکا بیها نمی خواهند حقوق فلسطینیها را به رسمیت بشناسند. انگیزه نهفته در ورای آن نیز اختلاف اعراب و اسرائیل است.

۵- فلسطینیهای اینجا نظر مساعدی نسبت به آمریکا داشته و بسیاری از آنها یا در حال خرید اقامتگاهی در آمریکا بوده و یا خریده و یا در آینده قصد خرید آن را دارند و مایلند که فرزندانشان در آنجا به تحصیل مشغول شوند. فلسطینیها می آیند و یا قصد آمدن دارند چون معتقدند که می توانند خانه ای خریداری کرد و در آمریکا پذیرفته شوند. از این نظر آنها متمایل به آمریکا هستند، گرچه این طرفداری و تمایل توأم با عصبانیت شدید آنها نسبت به حمایت آمریکا از اسرائیل می باشد. و علاوه بر این اکثر فلسطینیها اینجا ظاهراً طرفدار سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) بوده و در صدی از حقوق و دستمزدهای خود را به این سازمان می دهند. یاسین شریف، نماینده ساف در دوحه مورد احترام جامعه فلسطینیهای قطر است. فلسطینیها تلاشهای آمریکا را در جهت استقرار صلح در خاورمیانه ناموفق خوانده و بروز جنگ پنجم اعراب و اسرائیل را اجتناب ناپذیر می دانند. از نظر آنها رئیس جمهور کارتر به خاطر سیاستهای داخلی آمریکا نمی تواند به حل همه جانبه این اختلاف نائل شود.

آنها معتقدند که در جنگ جدید قطر و دیگر صادرکنندگان نفت خلیج فارس منجمله ایران صدور نفت خود به آمریکا را قطع خواهند کرد.

۶- فلسطینیهای اینجا به کابوسهای تبلیغاتی اخیر مبنی بر اینکه تروریستهای فلسطینی نفتکشها را در تنگه هرمز غرق خواهند ساخت، تا صدور نفت از آنجا غیرممکن گردد، توجه نمی‌کنند. با اعتراف به این واقعیت که افراد در مانده احتمالاً به هر کاری دست خواهند زد، آن را یک اقدام نادرست می‌خوانند. آنها معتقدند که در ژاپن و اروپا آرمان آنها در حال تحقق است و نمی‌خواهند به حیثیت امیر خلیفه و دیگر رهبران کشورهای صادرکننده نفت خلیج که از جمله هوادارانشان به حساب می‌آیند آسیب برسند.

۷- سؤال این است که آیا فلسطینیها اقدامات احتمالی امیر خلیفه یعنی قطع صدور نفت به آمریکا آن هم طبق انتظار آنها هنگام بروز جنگ پنجم اعراب و اسرائیل را دقیقاً ارزیابی و پیش‌بینی کرده‌اند، به نظر سفارت پاسخ این است که فلسطینیها درست پیش‌بینی کرده‌اند، این موضوع آن بخش از جنبه روانی و شخصیت ناشناخته و ابهام‌آمیز حکمران قطر را نشان می‌دهد. امیر خلیفه در سال ۱۹۳۰ و در خاتمه دوران رونق اوضاع خلیج فارس در نتیجه تجارت مروارید، متولد شد. اما در سال ۱۹۳۲ ژاپنی‌ها خود به پرورش مروارید پرداختند که صنعت مروارید محل را ورشکسته ساخت و قطر با سالهای توأم با فقر رو به رو گردید. امیر خلیفه در فقر به سر برد. و دقیقاً معنی تهیدستی را می‌داند. انگلیسیها فرمانروا بودند و برخلاف گفتار آنها نژاد پرستی را اختراع نکردند، ولی قطریهای نسل خلیفه به یاد می‌آورند که فرمانروایان استعماری انگلیس آنها را تنها گذاشته بودند، ولی به عنوان یک فرد عرب زیردستی را احساس کرده‌است.

۸- تنها در سال ۱۹۴۹ بود که صادرات نفت و سیل پولهای ناشی از آن به جریان افتاد، و در همان سال بسیاری از فلسطینیها آواره شدند، و اولین گروه آنها به عنوان اعراب قربانی سیاست انگلستان به دوحه آمدند. یکی از اینها یعنی مرحوم داود فانوس بافت دولتی را در قطر سازمان داد و به عنوان مدیر پرسنلی دولت قطر تا زمان بدرد حیات خدمت کرد. فانوس چندان مورد علاقه نبوده، ولی در عین حال فردی درستکار بود. حکمرانان پیشین قطر از او تمجید کرده و فلسطینیهای با استعداد دیگر را به کار گرفتند و چیزی رخ داد که بی‌شبهت به همزیستی مسالمت‌آمیز نبود. امیر به جامعه فلسطینی بسیار با استعداد خود شدیداً متکی است، که این اتکاء با روابطی چون زبان و تاریخ عربی محکم تر شده، که شیرازه این اتکاء نیز زبان انگلیسی و تمایل به جهان غرب می‌باشد. آنها هم نه تنها به خاطر کسب و کار پر رونق خود، بلکه به خاطر هواداری و حمایتش نسبت به او وفادارند.

۹- این تصور که امیر خلیفه و دیگر افراد مانند او تنها به خاطر ترس خود از آرمانهای ملی‌گرایانه عربی حمایت می‌کنند، تنها یک تصور صرف است. امیر قطر از فقری که بر سر تاسر زندگیش حاکم بود بیرون آمده و ناگهان به ثروتی افسانه‌ای و اعجاب‌آور دست یافته است، اینکه چه انگیزه روانی سبب شده که وی متقاعد به حمایت از آرمان فلسطین شود، نیز قابل تعمق است. شاید او نیز مانند دیگر کسانی که به ثروتی عجیب دست یافته‌اند، سعی دارد آرمانی عظیم‌تر را بیابد و با حمایت از آن، به خدا به خاطر نزول باران رحمتش بر شخصی زشت و کج پا سپاسگزاریش را نشان دهد، و شاید یک وظیفه عالی خاورمیانه‌ای به صورت انگیزه خلیفه درآمده است، و چون می‌تواند به فلسطینیها کمک کند، به این کار مبادرت ورزیده است.

۱۰- کسانی که با چشمان خونبار خلیفه روبه‌رو شده و سؤالات وی را شنیده‌اند که «در مورد اورشلیم

چه می‌گویید؟ و بر سر حقوق فلسطینیها چه می‌آید؟ کسانی هستند که به این نتیجه رسیده‌اند که او از ترس پنهانی به حمایت از آنها دست زده است تا اقدام تلافی جویانه فلسطینیها را برای خود تضمین نماید. این سؤالات و سؤالات مشابه دیگر در گفتگو با امیر خلیفه پیرامون قرارداد کمپ دیوید و یا پیمان مصر و اسرائیل همیشه حاکم بوده است علاوه بر این، نمی‌توان از یاد برد که خلیفه کمک ۲۵۰ میلیون دلار در سال خود به سادات را قطع نمود، چون متقاعد شده بود که مصریها به منافع فلسطینیها نمی‌اندیشند. خلیفه سادات را بهترین دوست عرب خود تلقی می‌کرد و بقای او را با بقای سیاسی خود مرتبط می‌دانست. و بدون شک امیر، آمریکایی نیرومند و موفق را تنها مانع مهم علیه کمونیسم و شوروی می‌داند. تنها ماندن سادات از طرف خلیفه (و دیگر رهبران عربی) اقدامی است که حمایت خلیفه را از فلسطینیها و آرمان آنها نشان می‌دهد. اگر ما نتوانیم راه حل رضایتبخش برای تضاد اعراب و اسرائیل بیابیم گمان نمی‌کنیم که وی باز هم به آمریکا روی آورد.

سند شماره (۱۹)

تاریخ: ۱۴ شهریور ۱۳۵۸ - ۵ سپتامبر ۱۹۷۹
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی به: مجمع گردآوری خلاصه اطلاعات با اولویت
هشدار اطلاعاتی: حاوی منابع و روشهای حساس اطلاعاتی غیر قابل رؤیت برای بیگانگان است.

موضوع: خلاصه اطلاعاتی ۸۸۸ - ۱۳ شهریور ۱۳۵۸

۱- تمام متن سری است.

۲- ملاقات سفیر یانگ با ترزی، به دنبال ملاقات عرفات با کرایسکی و برانت احتمالاً جنبه‌های مثبتی به ساف داده است، نحوه برخورد بعضی از کشورها با اینگونه رویدادها سبب شد که بسیاری از آنها در تلاش برای مستحکم‌تر کردن روابط خود با ساف برآمده و یا تماسهای خود با نمایندگان این سازمان را گسترش دهند. عرفات نیز معتقد است که برای خودش احترام و مقبولیت بسیاری دست و پا کرده است. علاوه بر این وی به ارزیابی مجدد نقش خشونت در دستیابی به اهداف ساف/فتح پرداخته است.

۳- اخیراً ساف متوجه افزایش تحرک تبلیغات دیپلماتیک خود شده است:

-- فرانسوا پونسه وزیر خارجه فرانسه با رئیس اداره سیاسی ساف یعنی فاروق قدومی ملاقات پرجنالی داشت. (عرفات امیدوار است که به زودی به فرانسه سفر کند. لیکن فرانسه امکان سفر وی را بعید می‌داند).

-- در رابطه با حل مسئله تصرف سفارت مصر در آنکارا، ترکیه توافق نمود که به ساف اجازه دهد یکی از دفاتر خود را که از حقوق کامل دیپلماتیک برخوردار باشد در آنجا تأسیس نماید -- که این اولین حرکت اینگونه‌ای یکی از کشورهای عضو ناتو می‌باشد.

-- چائوشسکو از رومانی در طول ۹ روز دوبار با عرفات ملاقات کرد و واضح است که به سوی ساف گرایش یافته است. و در همان حال حمایت خود را از قرارداد کمپ دیوید مسکوت گذارده است.
-- شورای فدرال سوئیس علناً اعلام کرده است که حاضر است به وزیر خارجه کشورش اجازه دهد که با قدومی علیرغم مخالفت داخلی ملاقات نماید.

-- تولبرت رئیس جمهور لیبریا نیز توافق کرده است که یکی از فرستادگان ساف را به حضور بپذیرد.

گرچه در مونرویا دفتر ساف تأسیس نشده است.

۴- استراتژی عملگرایی ساف ظاهراً دارای دو جنبه است.

-- حرکت در وراء وجهه تروریستی ساف و کسب اعتبار دیپلماتیک در غرب.

-- تحکیم وجهه جدید برای شکستن مقامات آمریکا در برابر مذاکرات.

۵- در تعقیب این اهداف، عرفات به اجلاس غیرمتعهدها رفت. وی انتظار دارد که قطعنامه‌ای پدید آید که شدیداً پیمان مصر و اسرائیل را مورد انتقاد قرار داده و تشکیل یک اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل را موجب گردد. وی احتمالاً امیدوار است که بتواند به نیویورک بیاید تا پیرامون این جلسه تبادل نظر نماید.

۶- علاوه بر این، عرفات در ظاهر آماده است تا برخلاف گذشته گروههای چریکی تندروتر موجود در ساف و نیز ضعف دولت سوریه را نادیده بگیرد (دمشق از آن می‌ترسد که مبادا عرفات در روابط دیپلماتیک خود نیاز به آن کشور را از دست بدهد).

وی به ظاهر تروریسم بین‌المللی فتح را متوقف ساخته است. وی در هنگام تهاجم اسرائیل و حداد به جنوب لبنان نیز اقدامی به عمل نیاورد. فعالیت نظامی فتح علیه اسرائیل نیز ظاهراً به رویدادهایی که توسط فلسطینیهای ساحل غربی انجام می‌گیرد محدود شده است در حالی که جناحهای رادیکال ساف ب فلسطینیهایی از لبنان و یا عملیات نفوذی حمایت می‌کنند.

۷- دعوت از سفیر یانگ و دیگر رهبران سیاه پوست برای بازدید از منطقه نیز بخشی از استراتژی جدید عرفات را در جلب آراء آمریکاییان نشان می‌دهد. عرفات بار دیگر خاطر نشان ساخت که موجودیت اسرائیل را به رسمیت خواهد شناخت، آن هم مشروط بر آنکه آمریکا و یا اسرائیل خودمختاری ساف و فلسطینیها را به رسمیت بشناسند.

۸- عرفات ظاهراً در حال پی بردن به این مطلب است که تروریسم مانع جلب حمایت دیپلماتیک در اروپای غربی و آمریکا خواهد شد. ولی گمان نمی‌رود که او عملیات فلسطینیهای تحت اشغال را نیز تروریسم بخواند، گرچه همین عملیات به غیر نظامیان نیز لطماتی وارد می‌سازد.

۹- در نهایت، عرفات امیدوار است که آمریکا علیرغم مخالفت راسخ اسرائیل و حامیانش، ضرورت مذاکره با ساف را بپذیرد. خوش‌بینی وی بر موارد ذیل استوار است:

-- آنچه که به نظر او رشد اختلاف بین کشورهای اروپایی غربی و آمریکا در زمینه سیاست خاورمیانه‌ای می‌باشد.

-- تمایل آشکار تولیدکنندگان نفت عربی به استفاده از نفوذ و اهرم اقتصادی خود به خاطر آرمان

فلسطین.

۱۰- تقاضای کمک اسرائیل از آمریکا: بنا به اظهارات اورشلیم پست، اسرائیل در نظر دارد از آمریکا ۳ تا ۳/۵ میلیارد دلار کمک مالی در سال جاری دریافت نماید. این مقدار که یک میلیارد دلار بیش از کمکهای قبلی است براساس کسری تجاری صورت می‌گیرد که می‌تواند حدود ۴/۵ تا ۵ میلیارد دلار به خصوص در رابطه با واردات نظامی گردد. علیرغم ابراز اطمینانها با خزانه‌داری، مصرف بخش خصوصی و دولتی در سال گذشته فراتر از حد تعیین شده رفت. منابع دولتی اخطار کردند که اگر بودجه دولت سریعاً کاهش نیابد اقتصاد کشور با عقب افتادگی غیرقابل کنترل دست به گریبان خواهد شد.

در بهمن ماه اسرائیل از کنگره خواهد خواست که در مورد استرداد وامهای گرفته شده در مورد صف آرابی در صحرای سینا تجدید نظر نماید، چون بنا به استدلال اسرائیل خروج نیروهایش از سینا بار سنگینی را بر دوش کشور گذاشته است.

۱۱- یکی از مشاورین اقتصادی وزارت خارجه اسرائیل در تأیید به سفارت آمریکا در تل آویو گفت در بخشهای عالیتره دولت اسرائیل، پیرامون کمکهای درخواستی اسرائیل از آمریکا در سال مالی ۱۹۸۱، مشورتهایی در حال انجام است. اواخر شهریور ماه زمانی است که باید صورت کمکهای درخواستی اسرائیل در واشنگتن و تل آویو مطرح گردد. در یکی از مقالات نشریه داور آمده است که تقاضای کمک اسرائیل معادل ۲/۵ میلیارد دلار خواهد بود گزارش «داور پیش بینی کرد که مبارزه سختی با دولت آمریکا آغاز خواهد شد که علت آن نیز شرایط اقتصادی آمریکا است. این نشریه می گوید تلاش بسیار وسیعی باید در آمریکا انجام شود، تا تقاضای کمک مزبور تصویب گردد، و این تلاش وسیله دان هالپرین وزیر اقتصاد اسرائیل در واشنگتن هدایت خواهد شد.

۱۲- سفارت آمریکا در تل آویو اظهار داشت که اسرائیلیها امیدوارند ۲/۵ میلیارد دلار کمک در سال مالی ۱۳۶۰ از آمریکا دریافت نمایند، و فرض بر اینکه در میزان کمک درخواستی کاهش پدید خواهند آورد، ولی ابتدا درخواست ۲/۸ تا ۳ میلیارد دلار خواهند نمود. طبق برآورد سفارت این درخواست به صورت ۱/۷ میلیارد دلار برای فروش نظامی خارجی و ۱/۱ تا ۱/۳ میلیارد دلار برای کمک اقتصادی تقسیم خواهد شد.

۱۳- وایزمن و اف-۱۸ های آمریکایی: اورشلیم پست در تاریخ ۱۲ شهریور گزارش داد که در یکی از جلسات کابینه، وایزمن وزیر دفاع اسرائیل برنامه مشارکت اسرائیل را در ساخت جنگنده های اف-۱۸ مشخص کرد. وایزمن گفت که وی در نظر دارد طی ملاقات ماه جاری خود در آمریکا این برنامه را ارائه کند. این روزنامه در ادامه اظهار داشت صنایع هواپیماسازی اسرائیل در این مورد نظر نخواهد داد تا اینکه تجزیه و تحلیل خود را در موارد جنبه های فنی، مالی و نیروی انسانی که حدود ۴ تا ۵ ماه طول خواهد کشید به پایان برساند.

۱۴- اسرائیل - حزب سیاسی جدید: رادیو اورشلیم در تاریخ ۹ شهریور گزارش داد که یک حزب سیاسی جدید به نام تنوات هائیه (نهضت تجدید حیات) در اسرائیل تشکیل شده است. رهبریت آن متشکل از اعضای نهضت اسرائیل بزرگتر یعنی ائتلافی از وفاداران، به اسرائیل بزرگتر (ارتز اسرائیل)، گاش آمونیوم، و هاگ آن ورد می باشد. در هفته دوم اکتبر قرار است یک گردهمایی برای تأسیس این حزب تشکیل گردد.

۱۵- اسرائیل - کشورهای عربی. مطبوعات مقالات متعددی را در مورد آخر هفته روز کارگر و تماس احتمالی اسرائیل با کشورهای عربی و یا شرکت اعراب در مذاکرات درج کردند. رویتر یکی از مقالات معاریو را گزارش کرد که در آن به نقل از وزیر کشور اسرائیل یعنی برگ گفته شده بود که وی بنا به دلایل معقولی فکر می کند که اردن نیز به زودی در مذاکرات صلح شرکت خواهد کرد. برگ به یک هیئت اروپائی دیدار کننده از اسرائیل گفت «رویدادهای خوشایندی در شرف وقوع است».

۱۶- رویتر به نقل از دستیاران بگین گزارش داد که بگین چندین بار برای حافظ اسد رئیس جمهور سوریه دعوتنامه فرستاده بود تا بلکه بتواند با وی در مورد استقرار صلح بین اسرائیل و مصر گفتگو نماید.

در مورد نحوه و یا مکان صدور دعوتنامه مطلبی فاش نشد.

پاسخ دستیاران نیز ظاهراً به آن دسته از گزارشات مطبوعات اسرائیل بوده است که اظهار داشته‌اند، یکی از فرستادگان رومانی از طرف رئیس جمهور چائوشسکو به بگین گفته بود که سوریه آماده ورود به روند مذاکرات صلح می‌باشد، مشروط بر آنکه اسرائیل از ارتفاعات جولان کاملاً خارج گردد و به فلسطینیها خودمختاری تفویض نماید. در تاریخ ۱۰ شهریور یکی از روزنامه‌های کویته یک گام فراتر رفت و گفت که رومانیایی‌ها یک ملاقات مخفی بین اسرائیلی‌ها و نمایندگان سوریه را پیشنهاد کرده بودند و این موضوع بنا به درخواست آمریکا عنوان شده بود.

۱۷- ساف - آمریکا بنا به گزارش رویتز، عبدالمحسن ابومیزر سخنگوی ساف در مصاحبه با یک روزنامه سوری گفته است که ساف هر گونه مذاکره با آمریکا را رد می‌کند. ابومیزر گفت «برای هزارمین بار ما به قطعنامه ۲۴۲ و هر گونه مذاکره با آمریکا که لازمه پذیرش قطعنامه توسط ساف باشد پاسخ منفی می‌دهیم.»

۱۸- دایان - فلسطینیها: بنا به گزارش سفارت آمریکا در تل‌آویو ملاقات پرجنجال دایان با مهمترین شخصیت ساف در نوار غزه یعنی دکتر حیدر عبدالشفیع همراه با سفر وایزمن به ساحل غربی، نشانگر این است که او و وایزمن در نظر دارند روزهای آتی بر عامل فلسطینی و به خصوص جنبه غزه‌ای آن تمرکز نمایند. ملاقات دایان در غزه یک روز پس از شرکت وی در اجلاس وزیران در مورد مذاکرات خودمختاری صورت گرفت و ظاهراً نشان می‌دهد که وی قصد دارد نقش نیرومندتری را ایفا نماید.

۱۹- دکتر به خاطر ملاقات با دکتر حیدر عبدالشفیع عذرخواهی نکرد. بلکه به مطبوعات گفت که وی عمداً قصد داشت با کسانی ملاقات کند که هم طرفدار ساف و هم از شخصیت‌های مهم غزه به حساب می‌آیند. وی گفت در آینده نیز ملاقات‌های مشابهی را انجام خواهد داد. به نظر سفارت آمریکا در تل‌آویو دایان احتمالاً به این نتیجه رسیده است که با آغاز مذاکرات اسرائیل با رهبران غربی و نوار غزه او می‌تواند بر حرکت آمریکا به منظور وارد کردن ساف در روند مذاکرات صلح پیش گیرد.

۲۰- در مورد نحوه برخورد دایان با ساف، اورشلیم پست به نقل از وزیر خارجه گزارش داد که این امر ممکن است متناقض به نظر آید، اما بهبود وجهه و حیثیت ساف این امکان را به اسرائیل می‌دهد که نقطه نظرات خود را مطرح سازد و تأکید نماید که قرارداد کمپ دیوید امکان ایجاد یک کشور فلسطینی را از بین می‌برد... در یکی از سرمقالات اورشلیم پست گفته شده که دایان ظاهراً معتقد است «بگین باید درک کند که صحبت با مقامات نزدیک به ساف تنها راه مؤثر واقع شدن مذاکرات خودمختاری می‌باشد.»

سردبیر داوور می‌گوید که هیچ کس از ملتی انتظار ندارد که کسانی را به رسمیت بشناسد که نمی‌خواهند آن ملت را بپذیرند، اما گفتن این مطلب که اسرائیل با ساف وارد مذاکره نخواهد شد حتی اگر این سازمان تروریسم را کنار بگذارد و یا مقررات خود را تغییر دهد نیز احمقانه است.

۲۱- مصر مراکش منای قاهره در تاریخ ۱۹ شهریور گزارش داده، سادات قول حمایت آن هم حمایت نظامی از شاه حسن و مراکش را علیرغم اختلافات بین دو کشور عنوان کرد.

سادات طی یک کنفرانس مطبوعاتی در حضور گنشر وزیر خارجه آلمان غربی اعلام کرد که «علیرغم طرز برخورد و تفرقه شاه حسن و علیرغم روشهای سیاستمداران مراکش در گمراه ساختن مردم مراکش، اگر این کشور «متقاضی کمک شود» مصر از آن حمایت خواهد کرد. بنا به گزارش منا، سادات از پاسخ به

این سؤال که آیا منظور وی تقاضای کمک نظامی مراکش از مصر است، یا خیر ظفره رفت.

۲۲- سادات - فلسطینها - سادات در حین یک سخنرانی و طی یک کنفرانس مطبوعاتی گفت که تا پایان سال جاری فلسطینها به خودمختاری کامل خواهند رسید و گفت که در هفته جاری پیرامون مسئله فلسطین و اورشلیم با بگین در حیفا گفتگو خواهد کرد. دفتر آن بی سی در قاهره در هنگام پایان کنفرانس مطبوعاتی به سفارت ما گفت که بنابه گفته سادات ملاقات بین ترزی نماینده ساف و سفیر یانگ اولین تماس بین دولت آمریکا و ساف نبوده است. وی گفت مذاکرات در هنگام تصدی امور وزارت خارجه توسط کی سینجر در مراکش صورت گرفته بود.

۲۳- سادات در تشریح اهداف خود در رابطه با مسئله فلسطین گفت که در حیفا وی به عنوان نماینده فلسطینها سخن نخواهد گفت چون این کار تنها از عهده فلسطینها برمی آید. وی گفت مذاکرات آتی در حیفا «به منظور هموار ساختن راه برای خودمختاری فلسطینها صورت خواهد گرفت که دربرگیرنده موارد زیر خواهد بود:

- خودمختاری فلسطینها ظرف پنج سال آینده - آزادی زندانیان فلسطینی از زندانهای اسرائیل
- تأسیس یک دولت فلسطینی «و یک» نیروی پلیس فلسطینی - خروج اسرائیلیها به «نقاط امنیتی»
ساحل غربی و نوار غزه - پایان حکومت نظامی و غیرنظامی اسرائیل درست پس از تأسیس یک حکومت فلسطینی

۲۴- سادات گفت که ملاقاتهای متعدد وی با بگین در سال جاری وی را قادر به ادای این مطلب کرده است که آنها به راه حلی که در زمینه خودمختاری فلسطین و مسئله اورشلیم دست خواهند یافت.

۲۵- خشونت حرفه‌ای نه چندان وسیع در سوریه: بنابه گزارش سفارت آمریکا در دمشق، برخلاف ادعای مخالفین ضد رژیم مبنی بر آغاز کشتار علویها پس از ماه رمضان، اوضاع داخلی سوریه نسبتاً آرام است. در آلبو، حما، و لتاکیه اخیراً خشونت‌های حرفه‌ای رخ داده است. این آرامش احتمالاً ناشی از سرکوب انجام شده توسط نیروهای امنیتی آن هم پس از کشتارهای آلبو می‌باشد، اما به علت افراط‌کاریهای نیروی امنیتی سوریه امکان بروز خشونت همیشه وجود دارد.

۲۶- عربستان سعودی - فلسطینها - لبنان: یکی از مقامات وزارت خارجه سعودی پس از شنیدن نقطه نظرات آمریکا در مورد جنوب لبنان از طرف سفارت آمریکا در جده، گفت که لبنانیها از عربستان سعودی خواستار کمک در زمینه جلب توافق و همکاری فلسطینها در رابطه با آتش بس و اجتناب از فعالیتهای تروریستی شده‌اند. مقام سعودی گفت که این موضوع با وزیر دفاع لبنان یعنی ژوزف اسکاف مورد بحث و تبادل نظر بیشتر قرار خواهد گرفت.

سند شماره (۲۰)

تاریخ: ۲۱ شهریور ۱۳۵۸ - ۱۲ سپتامبر ۷۹
از: سفارت آمریکا در رباط
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی، با اولویت
رونوشت: سفارت آمریکا در تهران
موضوع: فرستاده ساف با شاه حسن در مورد لبنان، آشتی مغرب، و سفر آتی عرفات سخن می‌گوید:
۱- متعاقب ملاقات رئیس ساف یعنی عرفات با نخست وزیر مراکش بوعبید و وزیر خارجه این

کشور یعنی بوستا در هاوانا، هانی الحسن نماینده ساف در تهران هنگام بازگشت به تهران، در اینجا یعنی الفرین با استقبال گرم شاه حسن دوم در تاریخ ۱۹ شهریور روه‌رو گردید. این ملاقات که حدود دو ساعت به طول انجامید، در حضور متخصص امور عربی حسن، مشاور دربار احمد بن سودا، و معتمد دیرینش یعنی مشاور دربار احمد رضا قدیره صورت گرفت. الهانی در گفتگوی مطبوعاتی خود اعلام داشت که وی با شاه در مورد اوضاع خاورمیانه گفتگویی مطبوعاتی داشته است، و در آن بر اوضاع جنوب لبنان تأکیدی خاص مبذول شد، و شاه به آن اظهار علاقه کرده بود. الهانی پیرامون رابطه ساف و مراکش و درایت شاه سخنانی ایراد کرد.

۲- (چهار روز قبل، شاه حسن، فرستاده شخص سرکیس رئیس جمهور لبنان یعنی دکتر زکی مضیدی را به حضور پذیرفته بود. دکتر مضیدی در این ملاقات از طرف سرکیس نامه‌ای به شاه داده بود و قول داده بود که نقطه نظرهای حسن را به بیروت برساند).

۳- در مصاحبه اختصاصی منتشره در نشریه «لواو پینبون» از حزب استقلال بوستا، الهانی اظهار داشته بود که ملاقات وی با شاه حسن پیرامون اوضاع لبنان دور می‌زد. وی موضع ساف را برای شاه حسن تصریح کرده بود؛ و گفته بود که اتحاد تمام لبنانیها با ساف و دولت مشروع لبنان و حمایت سوریه شرط اصلی رویارویی با تهاجم صهیونیستها در جنوب لبنان است، که حضور ساف در آنجا انگیزه آن نیست. الهانی گفت، ساندرز یکی از اعضای کنگره آمریکا اظهار داشته است که «اسرائیل می‌خواهد آبهای رودخانه لیطانی را تحت کنترل درآورد» الهانی اظهار داشت که استعفای سفیر یانگ نشان می‌دهد که رئیس جمهور کارتر نمی‌تواند بر مقاصد مثبت در قبال فلسطینیها تأثیر مثبتی بگذارد، الهانی متذکر شد که امکان پیدایش یک دولت فلسطینی در تبعید به وجود آمده است و خاطر نشان ساخت که «هنوز موقع مناسب برای» برداشتن این گام فرا نرسیده است.

۴- الهانی اظهار داشت که «برادر ابوعمار (عرفات) به زودی پس از سفر خود به اروپا به مراکش خواهد آمد»

۵- الهانی به شاه حسن گفت، با وجود اینکه فلسطینیها می‌دانند که مسئله صحرا مهم‌ترین نگرانی مراکش را تشکیل می‌دهد، لیکن وی نباید اجازه دهد که رئیس جمهور کارتر با این مسئله به طور جداگانه برخورد نماید بنابه گفته الهانی، شاه به وی اطمینان داده است که قطعنامه بغداد را مد نظر داشته و از فلسطینیها حمایت خواهد کرد.

۶- الهانی اظهار داشت که همه باید تلاش خود را در جهت پایان بخشیدن به تضاد موجود در آفریقای شمالی به کار گیرند، چون این تضاد برای آرمان فلسطین تأثیری منفی دارد و به سادات فرصت می‌دهد تا در منطقه مانورهایی انجام دهد: «و به همین دلیل ساف به دنبال پیدا کردن راه حلی است تا تمام طرفین موجود در آفریقای شمالی را راضی نماید.»

۷- الهانی در پایان در مورد ایران به تفصیل سخن راند و از ساف خواست که ایرانیها و اعراب را با یکدیگر متحد ساخته و جبهه متحدی را در برابر صهیونیستها پدید آورد.

۸- اظهار نظر: با قضاوت پیرامون نکات مطرحه توسط الهانی، سفر عرفات به مراکش به منظور نیل به دو هدف می‌باشد: اولاً از بین بردن همکاری مصر و مراکش و ترغیب مراکش به آشتی با الجزیره. اگر قرار باشد به شایعات دیپلماتیک عرفات اعتباری داده شود، همین اهداف توسط عبدالله عبدالعزیز شاهزاده

سعودی در سفر خود به اینجا نیز دنبال می شده است (رباط ۶۳۸۷).
موفات

سند شماره (۲۱)

تاریخ: ۲۶ شهریور ۱۳۵۸ - ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۹
از: سفارت آمریکا در رباط
رونوشت: سفارت آمریکا در تهران
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی
طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: سفر رئیس ساف به مراکش

۱- رئیس کمیته اجرائی ساف یعنی یاسر عرفات (ابوعمار) از الجزیره در ساعت ۱ صبح روز ۲۵ شهریور همراه با اعضای کمیته اجرائی یعنی عبدالمحسن ابومیضر و سخنگوی ساف محمد اللبادی وارد رباط گردید.

۲- به محض ورود، عرفات خاطر نشان ساخت که این سفر ناشی از ملاقات وی با نخست وزیر بوعبید در هاوانا که در چهارچوب مشورت های ساف با دولتهای عربی در مورد اوضاع جهان عرب صورت گرفته بود. دفتر ساف در رباط در تاریخ ۲۴ شهریور اعلام کرده بود که سفر عرفات به اینجا با نقش میانجیگری ساف ارتباط دارد (سرویس خبری خارجی لندن ۱۶۱۲۱۶ زد شهریور ۱۳۵۸ کتبی) و اظهار نظرهای فرستاده پیشین ساف یعنی هانی الحسن را بار دیگر منعکس ساخت (رباط ۶۴۲۰).

۳- شاه حسن دوم در کاخ کوهستانی خود در ایفراین در تاریخ ۲۵ شهریور عرفات را به حضور پذیرفت. بوعبید و متخصص شاه در امور عربی یعنی احمد بن سودا نیز در این ملاقات حضور داشتند. عرفات در بیانیه مطبوعاتی خود اظهار داشت که «پیرامون بخش غربی جهان عرب» گفتگوهایی به عمل آمده است. عرفات مراکش را در اواخر روز ۲۵ شهریور ماه ترک نمود.

۴- به خاطر نبودن خبری دیگر در این مورد، خبرنگار محلی فرانس پرس در مقاله ای به مالیات تنباکو و بلیط سینما در مراکش اشاره کرد که از ده سال پیش تاکنون جمع آوری و به عنوان کمک در اختیار ساف قرار داده می شود؛ فلسطینیها مدعی هستند که اگر میانجیگری آنها نبود ایران به خاطر اقامت شاه در مراکش با این کشور قطع رابطه می کرد، و ساف معتقد است که نباید بین مراکش و الجزیره برخوردی صورت گیرد، چون کمک لیبی به الجزایر ممکن است عکس العمل شدید مصر را در قبال لیبی به همراه داشته باشد.
موفات

سند شماره (۲۲)

تاریخ: ۲۸ شهریور ۱۳۵۸ - ۱۹ سپتامبر ۷۹
از: سفارت آمریکا در مسقط
رونوشت: سفارت آمریکا در تهران
به: وزارت امور خارجه آمریکا در واشنگتن دی - سی
طبقه بندی: سری

موضوع: تقاضای ساف برای استفاده از جزایر تنب و ابوموسی

۱- تمام متن سری است.
۲- در خلال مذاکره در مورد تنگه هرمز در عمان در ۱۸ سپتامبر، یوسف ال - علوی وزیر خارجه عمان به سفیر آمریکا گفت که عمان در گزارش اخیرش از یک منبع موثق فلسطینی سطح بالا در ساف (لطفاً

کاملاً محفوظ بماند). مطلع شده است که هانی‌الحسن نماینده ساف در تهران از مقامات ایرانی درخواست کرده است که اجازه دهند تا ساف تجهیزات خود را در جزایر تنب و ابوموسی مستقر کند. علوی از پاسخ ایرانیان به تقاضای ساف مطلع نیست، ولی بیان داشت که اگر این تقاضا مطرح شده باشد، مسئله‌ای نگران‌کننده است. سفیر موافقت کرد و قول داد که هر چگونه اطلاعات موجود را در این مورد تهیه کنیم. اقدام مقتضی: از وزارت خارجه و یا سفارت آمریکا می‌خواهیم که اطلاعات موجود در این زمینه را در اختیار ما قرار دهند. وایلی

سند شماره (۲۳)

از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی تاریخ: ۴ مهر ۱۳۵۸ - ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۹
به: مجمع گردآوری خلاصه اطلاعات ۹۰۳ - ۳ مهرماه ۱۳۵۸ طبقه بندی: سری
هشدار اطلاعاتی: این گزارش حاوی منابع و روشهای حساس اطلاعاتی غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - هم‌پیمانان و یا هم‌پیمانان و مشاورین می‌باشد.
(پاراگراف ۸-۱ سری غیر قابل رؤیت برای بیگانگان)

۱- رابطه ساف و اردن: امیدهای عرفات: مهمترین هدف عرفات در ایجاد رابطه همکاری با شاه حسین این است که وی را از هر گونه اقدامات یک جانبه که منجر به از بین رفتن ریاست عرفات در کشور مستقل فلسطین شود باز دارد. بدین ترتیب، با وجود اینکه مذاکره ساف و اردن تا پایان سال ۱۳۵۷ ادامه یافت، ولی تا قبل از امضاء قرارداد کمپ دیوید پیشرفت چندانی کسب نکرد. از آن زمان به بعد، عرفات چندین بار با حسین ملاقات نمود و در ماه جاری نیز پس از نه ماه برای اولین بار به امان رفت. شواهد موجود حاکی از آن است که این دو رهبر زمینه‌های مشترکی برای همکاری یافته‌اند.

۲- علیرغم این جبهه مشترک، ما گمان نمی‌کنیم که عرفات به تبعیت از شاه حسین در یک کنفدراسیون تن داده باشد. عرفات و محفل درونی‌اش از اواخر دهه ۱۹۵۰ سعی داشته‌اند یک کشور فلسطینی را ایجاد نمایند. و در حال حاضر آماده پذیرش اطاعت از سلطنت هاشمی نیستند.

۳- از طرف دیگر عرفات فردی است علمگرا، او می‌داند که یک میلیون فلسطینی مستقر در اردن (ساحل شرقی) بخش لاینفک و مهمی از مردم فلسطین را تشکیل می‌دهند. اکثر فلسطینیها معتقدند که حتی اگر فلسطینیها به خودمختاری در یک کشور مستقل فلسطینی نیز دست یابند، نوعی رابطه فراتر از رابطه دولتین باید بین آن کشور و اردن به وجود آید.

۴- عرفات همچنین به این نتیجه رسیده است که اگر اردن در این زمینه نقشی نداشته باشد، نقطه نظرات اسرائیل و آمریکا رسیدن او را به یک چنین دولت یا کشوری دشوار خواهد ساخت. وی احتمالاً در روابط احتمالی کشور فلسطینی با اردن و استراتژیهای دیپلماتیک برای بازپس گرفتن ساحل غربی و نوار غزه با حسین گفتگو کرده است. علاوه بر این عرفات می‌داند که اگر آرمانهای فلسطین نوعی خطر علیه حکومت هاشمیها در اردن تلقی شود، حسین قادر به حمایت از این آرمانها نخواهد بود.

۵- با این وصف بسیاری از فلسطینیها نه تنها در صورت مصالحه عرفات با هدف تشکیل یک دولت فلسطینی خود مختار عکس‌العمل منفی نشان خواهند داد، بلکه بسیاری از جناحهای درونی ساف نیز با مذاکرات کنونی وی با اردن مخالفت نشان می‌دهند.

آنها معتقدند که حسین به فداییان اجازه بازگشایی پایگاهها و یا عملیات سیاسی در اردن را نداده است.

۶- در تاریخ ۳۰ شهریور ماه، صدای فلسطین گزارش مربوط به توافق پیرامون تشکیل کنفدراسیون را تکذیب نمود. قبلاً یک روزنامه کویتی به نقل از منابع فلسطینی گزارش داده بود که ساف فکر تشکیل یک دولت مستقل را از سر بیرون نکرده است.

۷- هر دوی این گزارشات احتمالاً واقعیت دارند. در همان حال، رهبران اردنی و فلسطینی بر میزان همکاری موجود بین اردن و ساف تأکید داشته‌اند.

ب. عرفات احتمالاً از آنچه که در نتیجه رابطه با حسین به دست آورده راضی است. شاه حسین -م نیز اقدامات ذیل را انجام داده است:

الف) بر موجودیت ساف و تأسیس یک دولت مستقل صحه گذاشته است.

ب) خود را از چهارچوب قرارداد کمپ دیوید دور نگاهداشته و بدینی خود را نسبت به مذاکرات خودمختاری که برای تمام اهالی ساحل غربی معروف است، حفظ کرده است.

ج) تعدادی از زندانیان فلسطینی را آزاد و نمایندگی ساف را در امان افزایش داده است.

۹- (طبقه بندی نشده) سیر صعودی قیمت کالاهای مصرفی در اسرائیل: سفارت آمریکا در تل آویو گزارش داد که آمار بانک مرکزی اسرائیل نشان می‌دهد، که قیمت کالاهای مصرفی در مردادماه ۸/۴ درصد افزایش داشته که بیشترین افزایش در تاریخ اسرائیل و یکی از بزرگترین افزایش قیمتها پس از تشکیل این کشور به شمار می‌آید. این اعلامیه افزایش قیمت را در دوازده ماهه گذشته به ۸۳ درصد رسانیده است. در میان این کالاها، مواد غذایی بیشترین مقدار افزایش یعنی ۱۶ درصد را به خود اختصاص داده است.

۱۰- اتیان - موضوع پنینتو: بنابه اظهار رادیو اورشلیم در کابینه اسرائیل به تاریخ ۲ مهرماه در مورد موضوع پنینتو بحث و گفتگویی پیش نیامد. رئیس کابینه یعنی آرید نائورگفت تا آنجا که به دولت مربوط است موضوع به دنبال بیانات وزیر دفاع در حمایت از رئیس ستاد و بیانات اخیر ایشان خاتمه یافته است.

۱۱- (طبقه بندی نشده) سادات به سؤالات مربوط به مصاحبه مهرماه پاسخ می‌گوید: بنابه گزارش رادیو قاهره، سادات در مصاحبه‌ای گفته بود که از آمریکا درخواست کمک بیشتری برای دفاع از مصر و کمک به برادران عرب خود کرده است. ولی بالاخص به شاه حسن اشاره کرد و گفت آنچه در مراکش رخ می‌دهد یک مبارزه استقلال طلبانه نیست، در جبهه پولیساریو تعداد کوباییها بیش از مزدورانی است که به حسن حمله ور می‌شوند و مراکشها را به قتل می‌رسانند. سادات افزود که با این وصف از حسن نخواهد خواست که روابط دیپلماتیک خود را با مصر برقرار سازد.

۱۲- (طبقه بندی نشده) طرح عمان برای حفاظت از تنگه هرمز: بنابه گزارش مطبوعات دوحه، سفیر حبیب، سرپرست اداره سیاسی وزارت خارجه عمان اظهار داشته است که حراست از تنگه هرمز در حیطة مسئولیت عمان است و عمان طرح پیشنهادی خود را به اتمام کشورهای دوست خود در خلیج و آمریکا، ژاپن و کشورهای اروپایی استفاده کننده از تنگه در میان گذاشته است.

۱۳- (خیلی محرمانه) سفر کاسترو به خاورمیانه: بنابه گزارش دفتر حفاظت منافع آمریکا در بغداد، رادیو کویت اعلام کرده است که کاسترو دعوت سفر به سوریه در پائیز جاری را پذیرفته و به چند پایتخت

دیگر عربی نیز سفر خواهد کرد. دفتر حفاظت ما معتقد است که رهبر جدید غیرمتعهدها سعی دارد به خاطر منافع غیرمتعهدها در میان گروههای دیگر بین سوریه و عراق آشتی برقرار کند.

۱۴- (طبقه بندی نشده) مقام فلسطین در مورد رابطه ساف اردن گفتگو می‌کند: بنابه گزارش رادیو دمشق، خالد الفهوم سرپرست شورای ملی فلسطین گفت که اردن طرح جدیدی را برای حل مسئله خاورمیانه ارائه نکرده و در مقام تأکید گفت که اردن به قطعنامه‌های کنفرانس بغداد احترام خواهد گذاشت. الفهوم خاطر نشان ساخت که هماهنگی سیاسی میان اردن و ساف باید پیش از همه دربرگیرنده سوریه که زیربنای مقاومت علیه قرارداد کمپ دیوید و توطئه خودمختاری است، باشد.

۱۵- (طبقه بندی نشده) نقطه نظرات کرایسکی در مورد اسرائیل ساف: بنابه گزارش مطبوعات وین، کرایسکی صدراعظم اطریش، اسرائیل را متهم به شایعه پراکنی تبلیغاتی علیه عرفات کرد و معتقد است که اسرائیل نمی‌خواهد ساف را به رسمیت بشناسد، تا بتواند به سیاست سرسختانه خود ادامه دهد.

۱۶- (طبقه بندی نشده) آتش توپخانه در شمال لبنان: بنابه گزارش رویتر، چند گلوله توپ در روستای کوهستانی آمیون در شمال لبنان به تاریخ ۲ مهرماه در اوائل جشن یادبود کشته‌های سوریه در جنگ داخلی لبنان که توسط حزب سوسیالیست ملی سوریه برگزار شده بود، منفجر گردید. تعداد کشته‌ها مشخص نشده است؛ ولی اعلام شده که چهار نفر کشته و هشت نفر مجروح شده‌اند.

۱۷- (طبقه بندی نشده) مروری بر جنوب لبنان: بنابه گزارش رویتر، رادیوی دولتی بیروت در تاریخ ۲ مهرماه اعلام کرد که چند نفر بر زرهی اسرائیل از مرز لبنان گذشته و به سمت روستای جنوب لبنانی کفرکیتا رفتند که در آنجا چند وسیله نقلیه اسرائیل مستقر شده است. بنابه اظهار همین رادیو، جنگلهای مجاور روستای مرزی کفر حمان در بخش شرق نیز در تاریخ ۲ مهرماه هدف آتشبارهای اسرائیلی قرار گرفت و سه قایق توپدار اسرائیلی در نزدیکی طایر رؤیت گردید. در تل آویو، یک سخنگوی نظامی گفت که نظامیان اسرائیلی در منطقه مرزی دست به هیچ‌گونه اقدامی نکرده‌اند.

۱۸- (خیلی محرمانه) نیروهای ویژه سوریه در لبنان: بنابه گزارش وابسته دفاعی ما در دمشق، نه تنها تمام بلکه هیچ یک از نیروهای ویژه سوریه از لبنان خارج نشده‌اند. وابسته دفاعی با کمال اطمینان می‌گوید که عناصر نیروی ویژه سوریه و واحدهای نیروی دفاع رفعت‌الاسد در حومه بیروت و ماسیف لبنان حضور دارند. آنها فرض را بر این قرار داده‌اند که بین اوضاع داخلی سوریه و گزارشات مربوط به خروج نیروهای سوریه ارتباطی وجود دارد، و احتمالاً نوعی تعویض عادی نیرو صورت گرفته است.

۱۹- (محرمانه) عکس‌العمل نسبت به سخنرانی سرکیس: بنابه گزارش سفارت آمریکا در بیروت، سخنرانی سرکیس در ۳۱ شهریورماه به مناسبت سومین سالگرد ریاست جمهوری‌اش عکس‌العملهای متفاوت سیاستمداران لبنان را به همراه داشت: الف) پیر جمیل رهبر فالانژها به عنوان «بیانگر احساس هر لبنانی صادق» استقبال کرد. ب) فرزند جمیل رهبر فرماندهی جبهه لبنانی راستگرا، یعنی بشیر جمیل از سرکیس به خاطر عدم کمک به لبنان انتقاد کرد. ج) رهبر حزب ملی لبنان یعنی کامیل شمعون از سرکیس «به خاطر اینکه اذعان نداشته بود، که فلسطینیها تمام زوایای لبنان را تحت اشغال خود درآورده‌اند»، بشدت انتقاد کرد. د) نخست وزیر پیشین رشید کرامی از این سخنرانی استقبال کرد، اما اظهار داشت که سرکیس می‌بایست طرح خود را در زمینه تشنج‌زدایی ملی «قبل از سقوط کلی کشور» ارائه می‌کرد و سرکیس را متهم به عدم خاطر نشان سازی» نقش آمریکا در توطئه جاری نمود.

ه) نهضت ملی که چپگرا و عمدتاً مسلمان است با انتشار بیانیه‌ای دولت را به امتناع از متحد ساختن کشور براساس غیرمتضاد متهم ساخت و از سرکیس خواست که به تحت‌الحمایه گان اسرائیلی فشار وارد سازد (نهضت ملی همیشه فالانژها را تحت‌الحمایگان اسرائیل خوانده است).

۲۰- (طبقه بندی نشده) اسرائیل - سوریه - تضاد بر سر لبنان طبق مفاد یک اعلامیه اسرائیلی، جنگنده‌های اف - ۱۵ اسرائیل چهار فروند میگ ۲۱ سوریه را بر فراز خاک لبنان در تاریخ ۲ مهرماه سرنگون ساختند. کریستوفر

سند شماره (۲۴)

تاریخ: ۴ مهرماه ۱۳۵۸ - ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۹
از: سفارت آمریکا در مسقط
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی. با اولویت
عطف به: مسقط ۱۶۸۱ (کتبی)

موضوع: اظهار نظر ناظر عمانی در مورد روابط ایران و ساف

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است).

۲- ملاله حبیب سرپرست امور سیاسی وزارت خارجه عمان یکی از ناظران متخصص بر روابط ایران و عرب است. و سه سال گذشته را به عنوان سفیر عمان در ایران گذرانده است (قبل از آن سفیر عمان در قاهره بود). وی پیرو مذهب تشیع است و اخیراً (۲۱-۱۹ سپتامبر) به تهران رفته بود. تا پیشنهاد عمان را در مورد امنیت تنگه هرگز به دولت ایران تقدیم نماید (تلگرام جداگانه) در ملاقات با معاون نمایندگی در تاریخ ۳ مهرماه وی در مورد تقاضای گزارش شده مبنی بر استفاده از جزایر تنب و ابوموسی توسط ساف (تلگرام مرجع) و روابط ایران و ساف به طور کلی مطالب زیر را بیان داشت.

۳- حتی اگر تقاضای ساف برای دسترسی و استفاده از جزایر تنب و ابوموسی و مطرح شدن آن صحت داشته باشد، گمان نمی‌رود که مقامات ایرانی با این کار موافق باشند، به محض اینکه خمینی به قدرت رسید بین گروه خمینی و ساف به خاطر حمایت ساف در گذشته «ماه عسلی» برگزار شد. ولی این دوران خوش به زودی پایان یافت.

پیشنهاد ساف مبنی بر استفاده از متخصصین ساف به جای متخصصین غربی در حوزه‌های نفتی ایران جدی تلقی نشده بود. دولت ایران تقاضای ساف را مبنی بر گسترش «مراکز فرهنگی و خبری» ساف در خارج از اهواز و خرمشهر نپذیرفت. دولت ایران رابطه با ساف و به خصوص فعالیت آن در داخل خاک ایران را نوعی مزاحمت تلقی کرده است. به همین دلیل مقامات ایرانی تصمیم گرفته‌اند که از سیاست حمایت از ساف در مجامع بین‌المللی پیروی کرده و در عین حال همکاری مؤثر خود با این سازمان را محدود نمایند. شاید به خاطر اینکه این تنها روش مؤثر است گروه خمینی از ارائه کمک به شیعیان جنوب لبنان از طریق ساف خودداری کرده است. خلاصه اینکه برخلاف گزارش مطبوعات و اعلامیه‌های عمومی روابط ایران و ساف چندان صمیمانه نیست.

۴- اظهار نظر: قضاوت پیرامون صحت نقطه نظرات حبیب در مورد رابطه ایران و ساف را به ناظران مجرب‌تر در مورد امور ایران واگذار می‌کنیم. به نظر ما وی به عنوان یک دیپلمات شیعه عرب که پس از به قدرت رسیدن خمینی در ایران اقامت داشته قادر است، این موضوع را به خوبی دنبال کند. وایلی

سند شماره (۲۵)

تاریخ: ۹ مهر ۱۳۵۸ - ۱ اکتبر ۱۹۷۹
از: سفارت آمریکا در تهران
عطف به: مسقط ۱۷۳۷
به: وزارت امور خارجه درواشنگتن دی - سی با اولویت
طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: فعالیت‌های ساف در ایران

- ۱- تمام متن خیلی محرمانه است.
- ۲- سفارت آمریکا در تهران، با نحوه توصیف و تشریح روابط ساف و ایران توسط مقام وزارت خارجه عمان موافق است ایران بدون چون و چرا و با کمال هم دردی از آرمان فلسطین حمایت می‌کند. با این وصف ایران به ساف اجازه دخالت در امور داخلی کشور و به خصوص امور خوزستان را نمی‌دهد.
- ۳- با وجود اعلام محکومیت اسرائیل و حمایت از «فلسطین» توسط مقامات دولت ایران و نیز خمینی، در مورد ساف حرف چندانی زده نمی‌شود. شایعاتی از طریق جامعه یهودیت ایران به گوش سفارت آمریکا در تهران رسیده که نشان می‌دهد که ایران از طریق بانک ملی خود ۸۰ میلیون دلار به حساب ساف منتقل خواهد کرد. شایعات آنقدر زیاد است که ما فکر می‌کنیم مقداری پول به آنها داده شده است.
- ۴- بنابه گفته منابع دیپلماتیک موجود در تهران (ژاپنیها و استرالیاییها) دفاتر ساف در اهواز و خرمشهر به صورت دائمی به کار نیفتاده و احتمال تعطیل آنها وجود دارد. علاوه بر این، ساف از سفارت پیشین اسرائیل در تهران خارج و به ساختمانی دیگر نقل مکان کرده است و ژاپنیها فکر می‌کنند که آنها و ادار به این کار شده‌اند. منبع موجود در سفارت استرالیا گمان نمی‌کند که از طرف ایران پولی به ساف داده شده باشد.
- ۵- سفارت آمریکا در اینجا نشنیده است که ساف خواستار استفاده از جزایر تنب و ابوموسی شده باشد و یا شواهدی دال بر توافق ایران با این تقاضای ساف به دست نیآورده است.
- ۶- گمان نمی‌کنم که ایران به ساف اجازه استفاده از این جزایر را بدهد.

لینکن

سند شماره (۲۶)

تاریخ: ۱۲ مهر ۱۳۵۸ - ۴ اکتبر ۱۹۷۹
از: وزارت امور خارجه درواشنگتن دی - سی
موضوع: خلاصه اطلاعات ۹۰۹ - ۱۱ مهر ۱۳۵۸ (پاراگرافهای ۱۰-۱۱ خیلی محرمانه
به: مجمع گردآوری خلاصه اطلاعات با اولویت
طبقه بندی: خیلی محرمانه

- ۱- جامعه اروپایی و خاورمیانه: ثبات در میان تشنج: علیرغم تمایل شدید جامعه اروپا به تغییر موضع خود در قبال خاورمیانه، وزیر خارجه ایرلند یعنی اوکندی که به عنوان سخنگوی جامعه اروپا در مجمع عمومی سازمان ملل به تاریخ ۳ مهر ماه شرکت جسته بود، در سخنرانی خود موضع دیرین این جامعه را بار دیگر بدون تغییر نشان داد. نکات اصلی موضع جامعه اروپایی عبارتند از: راه حل استوار بر قطعنامه ۲۴۲ و ۳۳۸ و چهار اصل مطروحه در بیانیه مورخ ۸ تیرماه ۱۳۵۶ گروه ۹ جامعه اروپایی.
- ۲- اوکندی در خطابه خود به سازمان آزادیبخش فلسطین اشاره کرد و گفت که این سازمان نیز باید به عنوان یکی از طرفین چهارچوب اساسی راه حل مسالمت آمیز را بپذیرد. و بالاخص به اورشلیم اشاره کرد و گفت از نظر جامعه اروپایی تضمین دسترسی به تمام اماکن مقدسه شرط اساسی هر گونه قرارداد، باید باشد.

۳- سخنرانی اوکندی نشانگر ضرورت تداوم موضع جامعه اروپا از سال ۱۳۵۲ است. لیکن به جای منعکس ساختن موضع اساساً تغییر نیافته، به عدم توانائی جامعه مذکور در دستیابی به یک توافق همه جانبه و جسورانه گواهی می‌دهد. و تمایل رو به افزایش بسیاری از ۹ عضو گروه اروپایی را در جهت به رسمیت شناختن ساف پنهان می‌سازد.

۴- سالهاست که بر این ۹ عضو فشار وارد شده تا موضع خود را تغییر دهند. تلاشهای اعراب در به حرکت درآوردن این ۹ عضو در اجلاسهای «مذاکرات اروپایی و عربی» در بروکسل به سال ۱۳۵۶ و در دمشق به سال ۱۳۵۷ به خوبی قابل رؤیت بود.

اصرار اعراب بر به رسمیت شناخته شدن ساف توسط جامعه اروپایی منجر به صدور بیانیه‌هایی مشترک در پایان اجلاسهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ گردید که طی آن مواضع جامعه اروپایی و اعراب به طور جداگانه اعلام شد.

۵- در اوائل سال ۱۳۵۸، مخالفت جامعه اروپایی با ساف ظاهراً فرسایش یافته بود. در آن زمان در کمیته گروه کار جامعه اروپایی تغییر موضعها آشکارتر شد. کارمندان این جامعه معتقد بودند که امتناع رؤسا از تغییر موضع جامعه اروپایی، با نپذیرفتن معتدل تر ساف توسط آنها توأم خواهد بود و رفته رفته به حمایت از ساف منجر خواهد شد.

۶- تبلیغات عرفات سرپرست ساف در اروپا طی تابستان جاری شدت یافته و مسئله را بغرنج تر ساخته است. ملاقات عرفات با کرایسکی و ویلی برانت در وین، سفر وی به اسپانیا و توافق ساف به بازگشایی دفتر خود در آنکارا، هم نشانگر قابلیت پذیرش ساف در اروپا می‌باشد. کشورهای عضو گروه ۹ بیانات عرفات در مادرید را که حل تضاد خاورمیانه را با عرضه نفت مرتبط اعلام کرده بود، و نیز بیانیه معتدل تر یمنی وزیر نفت سعودی را در کپنهاک یادآور شده‌اند.

۷- به عنوان بخشی از تغییرات رو به انجام، در مورد نحوه برخورد با مسئله ساف عدم توافقیهای روزافزونی در میان اعضاء جامعه اروپایی پدید آمده است. گنجانده شدن ساف در سخنرانی اوکندی آن هم به عنوان یکی از طرفین، حاصل مذاکرات طولانی و دشوار در میان اعضای جامعه اروپایی بوده است.

۸- گمان می‌رود که فرانسویها محرک اصلی به رسمیت شناخته شدن، ساف بوده باشند، هلندیها که زمانی سرسخت‌ترین مخالف ساف به حساب می‌آمدند، آنقدر موضع خود را تغییر داده‌اند که همراه با انگلیسیها از جمله کسانی به حساب می‌آیند که میانه‌روترین مواضع را اتخاذ کرده‌اند. می‌گویند آلمانیها و بلژیکیها، با تماس رسمی با ساف مخالف هستند، ولی لوکزامبورگ از تأخیر جامعه اروپایی در پاسخ دادن به خواستهای اعراب نگران شده است.

۹- بنابراین می‌توان گفت که پیرامون وضع موجود هنوز تصمیم خاصی اتخاذ نشده است. کشورهای جامعه اروپایی که از یک طرف با فشار کشورهای عربی و خطر نفتی و از طرف دیگر با ملاحظات داخلی و تمایل به دور نشدن از آمریکا مواجه هستند، در واقع با یک معمای عجیب رو به رو شده‌اند.

۱۰- به طور مثال، درست است که فرانسه در اروپای غربی در رأس کسانی قرار گرفته که خواهان مصالحه با ساف هستند، ولی مقامات فرانسوی ترس از آن دارند که مبادا این عمل پدید آورنده تشنج به خصوص در میان گروههای یهودی فرانسه باشد.

نخست وزیر کوسیگا در مردادماه در پارلمان ایتالیا گفت که ایتالیا مدتهاست که ساف را «به عنوان

یک نیروی مهم سیاسی به رسمیت شناخته» و با نمایندگان آن از سال ۱۳۵۳ تماس داشته است.
 ۱۱- (طبقه بندی نشده) مطبوعات ساحل غربی: القدس در تاریخ ۱۰ مهرماه اظهار داشت که منابع دیپلماتیک عرب در یافته‌اند که سوریه می‌خواهد تا قبل از پایان سال جاری نیروهای خود را از لبنان خارج سازد. منابع مذکور می‌گویند علت این خروج احتمالی نیاز روزافزون به تقویت نیروی نظامی این کشور جهت کنترل ناآرامیهای سیاسی داخلی سوریه است. همان روز الفجر، هآرتز را متهم به حمله به شهرداران رام‌الله و هبرون به خاطر ملاقاتشان با مقامات ساف و نیز به خاطر بیانات ضداسرائیلی‌شان، نمود.

۱۲- (طبقه بندی نشده) ساف ترکیه: رادیوی داخلی ترکیه اعلام کرده است که عرفات در تاریخ ۱۳ مهرماه و بنابه دعوت شخص اجویت به ترکیه سفر خواهد کرد.

۱۳- (طبقه بندی نشده) مطبوعات مصر: روزنامه‌های مصری مطالب خود را بر بیانیه سادات که گفته بود، روابط قطع شده، کشورهای عربی با مصر تنها با رعایت شرایط مصری به حالت اول باز خواهد گشت، متمرکز کرده‌اند. سادات اعلام کرد که ابتکار صلح وی به این دلیل پدید آمد تا عدم اتحاد اعراب را از بین ببرد، لیکن اختلافات اعراب ظاهراً شدیدتر از تضاد اعراب و اسرائیل است. در گزارشهای دیگر، مطبوعات مصر از خطر ایران در قبال ثبات کشورهای خلیج فارس یاد کرده و اظهار داشتند که مصر به بحرین در قبال فشارهای اعمالی از طرف ایران پیشنهاد کمک داده است.

۱۴- اسرائیل و سینا: رادیو اورشلیم در تاریخ ۱۰ مهرماه گزارش داد که کابینه اسرائیل نتوانسته است در مورد طرح بازگرداندن سینا که وزیر دفاع و ایزمن و وزیر خارجه دایان در واشنگتن در مورد آن به توافق رسیده بودند، به نتیجه‌ای برسد. منابع دولت اسرائیل گفتند که از این طرح پیشنهادی «انتقاد شدیدی» به عمل آمد و چند وزیر خواستار اصلاح این طرح گردیدند.

۱۵- (طبقه بندی نشده) اردن - آمریکا: روزنامه اردنی الدستور گزارشات خود را بر وخامت اوضاع روابط آمریکا و اردن متمرکز ساخت و آن را ناشی از عوامل ذیل اعلام نمود:
 الف) سیاست کلی خاورمیانه آمریکا و به خصوص قرارداد کمپ دیوید.
 ب) موضع آمریکا که استوار بر حمایت از اسرائیل است.

ج) «تخلف» آمریکا از قرارداد تسلیحات نظامی خود با اردن به خصوص در رابطه با فروش تانکهای ام-۶۰ و هواپیمای اف-۱۶ و

د) افزایش سوءظن ناشی از «توطئه‌گری» آمریکا در شبه جزیره عربی و خلیج فارس.
 ۱۶- (خیلی محرمانه) جسی جکسون - سادات - ساف: سفارت در قاهره و دیگر منابع گزارش داده‌اند که سادات طی ملاقات دوم خود در مهرماه به کشیش جسی جکسون گفته است که اگر سرپرست ساف به روند صلح بپیوندند، وی آماده است که او را «مانند برادری در آغوش بگیرد.» همچنین سادات اظهار داشت که ساف از نظر وی تنها نماینده رسمی مردم فلسطین است. در یک کنفرانس مطبوعاتی دیگر، جکسون گفت که سادات از وی خواسته است که پیامی از طرف وی برای عرفات ببرد، تا ساف عملیات نظامی خود را علیه اسرائیل متوقف سازد.

۱۷- (طبقه بندی نشده) فلسطینیها / اردن / آمریکا: بنابه گزارش آژانس خبری قطر، العال ناجی، مرد شماره ۲ جبهه خلق آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل از اردن خواسته است که روابط دیپلماتیک و

اقتصادی خود را با آمریکا قطع نماید.

۱۸- (خیلی محرمانه) ساف - مجمع عمومی سازمان ملل: نماینده بنگلادش در مجمع عمومی سازمان ملل به سفارت آمریکا در داکا اطلاع داد که نماینده ساف به وی گفته است که ساف معتقد است فعالیت‌های جسی جکسون و دیگر رهبران سیاه‌پوست طرز تفکر آمریکا را در قبال ساف دستخوش تغییر می‌سازد. به همین علت ساف در نظر دارد. کاری کند که در مهرماه سازمان ملل قطعنامه‌ای را تصویب نماید، و در عوض ناظر رویدادهای آتی در طرز تفکر آمریکا باشد.

۱۹- (خیلی محرمانه) لبنان «در نبرد ۱۰ مهرماه در منطقه کوره که ظاهراً بین فالانترها و حامیان رئیس جمهور پیشین یعنی فرنجه در گرفته بود، پنج تن کشته شدند. شبه نظامیان فالانتر در تاریخ ۱۰ مهرماه در نبرد دیگری در یکی از حومه‌های بیروت با اعضای یک گروه ملی نیز درگیر شده بودند. در این نبرد نیز دو نفر کشته و سه نفر زخمی شده بودند. در تاریخ ۱۰ مهرماه نبرد دیگری بین سازمان فتح و سازمان شیعی امل در گرفته بود و تعدادی از افراد طرفین کشته شدند.

۲۰- (طبقه بندی نشده) اجلاس لیبائی و عربستان سعودی: در بیانیه صادره در پایان سفر شاه خالد به لیبی، عربستان سعودی و لیبی عدم پذیرش قرارداد کمپ دیوید «و حمایت» خود را از ساف بار دیگر مورد تأیید قرار دادند. در این بیانیه گفته شده است که خالد و قذافی اجرای قطعنامه‌های مصوبه در اجلاس عربی اسفندماه را که خواستار تحریم اقتصادی، مالی، و دیپلماتیک مصر شده مورد تجدید نظر و بررسی قرار داده‌اند.

۲۱- (خیلی محرمانه) مواضع عراق در مصاحبه مطبوعاتی مورخ ۱۱ مهرماه؛ رویتر به نقل از وزیر خارجه عراق حمادی گزارش داد که کشورهای عربی تولیدکننده نفت در قبال کشورهای عربی که با تقاضاهای سیاسی آنها مخالفت می‌ورزند دست به یک رشته اقدامات تحریم آمیز خواهند زد، بنابه گزارش رادیو بغداد، حمادی در همین مصاحبه گفته است، که عراق در صورت تداوم تورم در کنفرانس آتی اوپک از افزایش قیمت‌های نفتی حمایت خواهد کرد. رادیو بغداد همچنین گزارش داد که بغداد به هیچ وجه با طرح عمان برای امنیت تنگه هرمز موافق نیست. کریستوفر

سند شماره (۲۷)

تاریخ: ۱۸ مهر ۱۳۵۸ - ۱۰ اکتبر ۱۹۷۹
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی به مجمع گردآوری خلاصه اطلاعات، با اولویت

موضوع: خلاصه اطلاعات ۹۱۳ - ۱۸ مهر ۱۳۵۸ پاراگراف‌های ۶-۱ سری است)

۱- عرفات: بیدی که با هر بادی به لرزه در می‌آید: اعلامیه مورخ ۱۳ مهرماه عرفات مبنی بر اینکه ساف آتش بس را در جنوب لبنان رعایت خواهد کرد، اصولاً نشانگر سیاست کلی آغاز شده توسط اوست عرفات ظاهراً تصمیم گرفته است که تلاش‌های خود را در جبهه دیپلماتیک متمرکز سازد و نه جبهه نظامی، لیکن، برای حفظ اعتبار انقلابی خود و فتح مسؤلیت عملیات انجام شده از ساحل غربی را به عهده گرفته است.

۲- معذالک، این اعلامیه حائز اهمیت چشمگیری نیست. تا همین اواخر، عرفات از جنوب لبنان برای حملات خود علیه اسرائیل استفاده می‌کرد. حمله خونین علیه اتوبوس اسرائیلی در بهمن ماه ۱۳۵۷ از

جنوب لبنان آغاز شده بود فتح در چند جنگ با شبه نظامیان حداد و نیروهای اسرائیلی از توپخانه و خمپاره‌انداز استفاده کرده است.

۳- سؤال این است که آیا عرفات در داخل نهضتی که به روشهای دیپلماتیک وی اعتمادی ندارد و میل دارد با ایجاد اشتیاق انقلابی در جهان عرب فلسطین را «بازپس گیرد»، میانه‌روی را به گروههای تندرو فلسطین تحمیل خواهد کرد. علاوه بر این عرفات اعلام داشته است که رعایت آتش‌بس از طرف ساف مشروط به رعایت آتش‌بس از طرف اسرائیل است. انفجار بمبی در اسرائیل که منجر به کشته شدن غیرنظامیان گردد، می‌تواند دور جدیدی از خشونت را در جنوب پدید آورد.

۴- به عرفات فشار بسیاری وارد می‌شود تا به ارتش لبنان اجازه دهد که نظامیان بیشتری در جنوب مستقر سازد. دولت سرکیس مایل است حضور یکی از گردانهای خود را در منطقه نیروهای میانجیگر سازمان ملل گسترش داده و یک گردان دیگر را در منطقه طایر و احتمالاً نبطیه و آرنون مستقر سازد. با وجود سوءظن فداییان نسبت به ارتش لبنان و عدم تمایل آنها به از دست دادن کنترل منطقه مستقل عملیاتیشان عرفات تا حدودی به کاربرد این نیروهای لبنانی رضایت خواهد داد. عواملی که عرفات را وادار به این مصالحه خواهد کرد عبارتند از:

الف) دیدارهای اخیر رهبران حقوق مدنی سیاه‌پوستان.

ب) تمایل عرفات به بهره‌برداری از فرصت قبل از آنکه انتخابات آمریکا به رسمیت شناخته شدن ساف را در اروپای غربی گسترش دهد.

ج) تقاضای وزیر خارجه پطروس در مجمع عمومی سازمان ملل در جهت خودداری و خویشترن داری ساف.

د) تعهد عرفات در تاریخ ۱۵ خرداد مبنی بر اینکه نیروهای ساف از مراکز پرجمعیت جنوب لبنان خارج خواهند شد.

ه) نگرانی شیعیان از اینکه چرا آنها باید خسارات ناشی از عزم راسخ ساف برای ضربه زدن به اسرائیل از خاک لبنان را به جان خریدار شوند.

۵- در چند هفته گذشته عرفات با رئیس جمهور سرکیس، نخست وزیر الحوث، کمال اسد سخنگو و ویکران در مورد ایجاد اثبات در جنوب لبنان ملاقات و گفتگوهایی داشته است. گرچه این ملاقاتها هیچ‌گونه بیانیه رسمی را به دنبال نداشته، ولی در سرتاسر کشور همه توقع دارند. که قدرت دولت مرکزی تا حدودی افزایش یابد. این توقعها نیز با تردیدهای مربوط به شکل ابتکار آمریکایی در قبال لبنان، شدت می‌یابد.

۶- با این وصف چنین به نظر می‌رسد که حتی اگر نظامیان ارتش لبنان وارد پادگانهای طایر شده و اکثر فداییان نیز از آنجا خارج شوند، چریکها باز هم کنترل اوضاع جنوب را در اختیار خواهند داشت آنها قادر به این کار هستند چون در داخل و در اطراف اردوگاههای پناهندگان در طایر مستقر بوده و نظامیان ارتش لبنان نیز اگر به جنوب بروند نخواهند خواست با درگیر شدن با آنها خود را به مخاطره بیندازند.

۷- (طبقه بندی نشده) حزب جدید اسرائیلی: خبرگزاری رویتر در تاریخ ۱۶ مهرماه گزارش داد که یک حزب سیاسی مافوق ناسیونالیستی اسرائیلی جدیداً تشکیل شده که می‌تواند به راحتی به داخل هیئت حاکمه لیکود و شریک مؤتلفه آن یعنی حزب ملی مذهبی رخنه کند، حدود ۳۰۰۰ نفر در اجلاس افتتاحیه

تولد دوباره حزب شرکت جستند. تعدادی از اعضای کنست چون گولا کوهن و موشه شامیر که از لیکود خارج شده‌اند در این اجلاس سینه سخنرانی کردند. حزب تنها خواستار اجراء حقوق و قوانین یهودیت «در تمام جنبه‌های فلسطین توراتی و نیز ساحل غربی و نوار غزه شده‌اند. انتظار می‌رود که گوش امنیوم نیز به این حزب جدید بپیوندد.

۸- (طبقه بندی نشده) سرباز گمشده اسرائیلی: یکی از سخنگویان ارتش اسرائیل در تاریخ ۱۵ مهرماه گزارش داد که جسد یکی از سربازان گمشده اسرائیلی که در گورستان مسلمین در نوار غزه دفن شده بود کشف گردیده است. یک گروه کماندوی فلسطین اعلام کرده بود که این سرباز را در «سرزمینهای اشغالی» قبل از فوت وی به اسارت گرفته بود.

۹- (طبقه بندی نشده) مطبوعات اسرائیلی: مطبوعات مورخ ۱۵ و ۱۶ مهرماه پیرامون تصمیم «یک جانبه» کابینه برای مطلع ساختن آمریکا از اینکه اسرائیل آخرین مرحله خروج از صحرای سینا را در غیاب یک نیروی نظامی به مرحله اجرا درنخواهد آورد، گزارشات خود را متمرکز ساختند. به دنبال تشکیل جلسه کابینه در تاریخ ۱۵ مهرماه، تلویزیون اسرائیل گزارش داد که اسرائیل از آمریکا خواهد خواست که در تضاد بین اسرائیل و مصر بر سر قیمت نفت مصر نقش داور را ایفاء نماید. هآرتز نیز در یکی از مقالات خود به نقل از چند مقام برجسته آمریکا گزارش داده که برخورد با مشکلات خاورمیانه با منزوی ساختن ساف کاری بس دشوار است و آمریکا در نظر دارد با ابتکار جدیدی در مورد جنوب لبنان پای ساف را نیز به میان بکشد.

۱۰- (خیلی محرمانه) نقطه نظرهای دایان در مورد سینا، سفارت آمریکا در تل آویو گزارش داد که دایان در کنفرانس مطبوعاتی ۱۶ مهرماه گفته است که کابینه اسرائیل طرح نظارت بر صحرای سینا را «محتاطانه» پذیرفته و متقاضی هیچ‌گونه تغییری نشده است. وی افزود که اسرائیل از آمریکا می‌خواهد که چند نکته مربوط به قرارداد را «تصریح» نماید.

۱۱- (طبقه بندی نشده) کوبیت قیمت نفت خود را بالا می‌برد: آسوشیتدپرس و رویتر در تاریخ ۱۶ مهرماه گزارش دادند که کوبیت قیمت نفت خود را ۱۰ درصد افزایش داده است، که این افزایش از تاریخ ۱۰ مهرماه مؤثر خواهد بود. قیمت جدید ۲۱/۳۴ دلاری کوبیت هنوز هم کمتر از قیمت ۲۳/۵۰ دلاری تعیین شده توسط اوپک در کنفرانس ژنو در چهارماه گذشته است.

۱۲- (طبقه بندی نشده) کانادا - اورشلیم: نخست وزیر جو کلاک در تاریخ ۱۷ مهرماه علناً «مشروعیت شکوایه‌های فلسطینیها» را به رسمیت شناخت لیکن اعلام کرد که کانادا زمانی با ساف کنار خواهد آمد که این سازمان اسرائیل را به رسمیت بشناسد. در همان مصاحبه کلاک در مقام اعتراف گفت که وی عکس العمل اعراب را در قبال انتقال سفارت کانادا از تل آویو به اورشلیم و نیز مشکلات ناشی از آن را که در رابطه با تجارت کانادا در خاورمیانه به وجود می‌آید درست تخمین نزده بود.

۱۳- (طبقه بندی نشده) ساحل غربی - ساف: بنابه گزارش رویتر، فهد قواسمه شهردار هبرون گفته است که گمان نمی‌کند، ساف نصایح کشیش جسی جکسون را در رابطه با اتخاذ روش فاقد خشونت در قبال مسئله فلسطین را بپذیرد. طبق پیش‌بینی قواسمه، تا زمانی که اهداف فلسطینی تحقق نیافته تروریسم علیه اسرائیل ادامه خواهد یافت.

۱۴- (طبقه بندی نشده) اسرائیل - انتخابات ساحل غربی: در تاریخ ۱۷ مهر آسوشیتدپرس به نقل از

هاآرتز گزارش داد که دولت اسرائیل انتخابات شهرداریها در فروردین ۱۳۵۹ مربوط به مناطق اشغالی ساحل غربی را لغو خواهد کرد. بنابه اظهار هاآرتز کاندیداهای تحت الحمايه ساف از هم اکنون به سازماندهی برای انتخابات فروردین ماه پرداخته اند، تا سمتهای بیشتری را اشغال نمایند. مقامات اسرائیل معتقدند که پیروزیهای بیشتر انتخاباتی کاندیداهای تحت الحمايه ساف (که در سال ۱۳۵۴ در اکثر مبارزات انتخاباتی پیروز شده بودند). یافتن رهبران میانه روی ساحل غربی را که بتوانند در مذاکرات خود مختاری شرکت جویند دشوار خواهد ساخت. پس از درج گزارش هاآرتز یکی از سخنگویان حکومت نظامی در ساحل غربی گفت که در مورد لغو انتخابات هنوز تصمیمی اتخاذ نشده است.

۱۵- (طبقه بندی نشده) انفجار در نزدیکی هبرون: در تاریخ ۱۷ مهر ماه بمبی در هبرون منفجر و منجر به کشته شدن دو جوان عربی شد، که سعی داشتند آن را در نزدیکی مقبره یکی از روحانیون اعظم کار بگذارند.

۱۶- (طبقه بندی نشده) آدم ربایی فالانزها: خبرگزاریها گزارش دادند که در تاریخ ۱۶ مهر ماه فالانزهای - مسیحی ۵۰ تن از غیر نظامی شمال شرقی لبنان را ربوده اند. بنابه گزارش آسوشیتد پرس، ۱۵ تن از آنان آزاد شده اند، لیکن ۳۰ تن از آنان که اکثرشان از جمله حامیان سلیمان فرنجیه رئیس جمهور پیشین هستند، هنوز در اسارت به سر می برند. ونس

سند شماره (۲۸)

تاریخ: ۲۲ مهر ۱۳۵۸ - ۱۴ اکتبر ۱۹۷۹
از: سفارت آمریکا در تهران
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی با اولویت
عطف به: تهران ۱۰۵۱۳ (کتبی)

موضوع: ساف در ایران

- ۱- (تمام متن خیلی محرمانه است).
- ۲- وزیر خارجه یزدی در کنفرانس مطبوعاتی مورخ ۱۸ مهر ماه رسماً اعلام کرد که دولت ایران به ساف اجازه نمی دهد که در دفاتر خود در اهواز و خوزستان عمل کند.
- ۳- یزدی گفت «ما چنین نتیجه گرفتیم که وجود دفتر ساف در اهواز نه به نفع ما و نه به نفع ساف است، چون وضع کشور این گونه ایجاب می کند. ما این موضوع را مورد تبادل نظر قرار دادیم و آنها تصمیم گرفتند که دفتر خود را در آنجا تعطیل نمایند».
- ۴- ورود نماینده ساف به تهران در تاریخ ۲۰ مهر ماه توجه مطبوعات را احتمالاً جلب کرده و موجب پیدایش مطالبی در مورد ساف شده است. هیئت چهار نفره به سرپرستی خلیل وزیر (معروف به ابو جهاد) بنابه گزارش مطبوعات وارد تهران گردید تا در مورد همکاری صمیمانه تر و مثمر تر میان ایران و ساف تبادل نظر نماید. این هیئت با وزیر خارجه یزدی در فرودگاه ملاقات کرد و بنابه گزارش قرار است در طول این سفر با خمینی، یزدی و چمران وزیر دفاع ملاقاتهایی داشته باشد.
- ۵- همان روز، فرمانده سپاه پاسداران یعنی ابوشریف که در گروه امل فلسطین آموزش نظامی دیده است در یک مصاحبه مطبوعاتی ناراضیتی خود را از سیاست خارجی ایران در قبال ساف اعلام کرد. بنابه گزارش شریف گفته است «تا آنجا که به انقلاب فلسطین مربوط است سیاست خارجی ایران بنابه دلایل

شناخته شده برای پیروان این سیاست، انقلابی یا تأثیرگذار نبوده است. وی گفت نکات خاصی وجود دارد که بنابه دلایل تاکتیکی نمی‌توان آنها را فاش ساخت.

۶- در بیانیه مطبوعاتی دیگری به تاریخ ۱۸ مهرماه مجاهدین نیز حمایت خود را از ساف اعلام نموده و از خمینی خواسته‌اند که از نظر مالی به ساف کمک نماید.

۷- اظهار نظر: سفارت معتقد است که سفیر اخیر ساف به ایران تغییری در سیاست اساسی ایران پدید نخواهد آورد، لیکن ما رویدادها را دقیقاً تحت نظر خواهیم داشت.

لینکن

سند شماره (۲۹)

تاریخ: ۲۴ مهر ۱۳۵۸ - ۱۶ اکتبر ۱۹۷۹
از: سفارت آمریکا در تهران
عطف به: تهران ۱۰۹۲۴

به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی

موضوع: ساف در ایران

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است.)

۲- هفتگی نامه انگلیسی زبان «اکسکلوسیو» مورخ ۲۱ مهر در مقاله‌ای اظهار داشت که بخشی از سفر معاون نخست‌وزیر یعنی طباطبائی به لبنان سبب انعقاد قراردادی شد که براساس آن رهبران فلسطینی به پاسداران انقلابی ایران در زمینه نبردهای چریکی کوهستانی، آموزش خواهند داد. در این مقاله گفته شده است که طباطبائی از مستشاران نظامی برای دیدار از ایران دعوت کرده است.

۳- نشریه «اکسکلوسیو» در ادامه می‌گوید که دولت سوریه به طباطبائی اطمینان داده است که «صاعقه» یعنی گروه تندرو فلسطینی در ناآرامیهای خوزستان دخالت نداشته و علاوه بر این سوریه قول داده است که برای جلوگیری از مداخله این گروه در منطقه با جورج حبش وارد مذاکره خواهد شد.

۴- اگر مخاطبها بتوانند اطلاعات بیشتری در این زمینه ارسال دارند موجبات امتنان سفارت فراهم خواهد شد.

لینکن

سند شماره (۳۰)

تاریخ: ۲۸ مهر ۱۳۵۸ - ۲۰ اکتبر ۱۹۷۹
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی
رونوشت: سفارت آمریکا در تهران بیروت

به: سفارت آمریکا در لندن با اولویت

موضوع: ملاقات ساندرز با سفیر انگلستان: گفتگو در مورد لبنان و ایران

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲- هندی‌رسن سفیر انگلستان با ساندرز معاون وزیر خارجه در امور خاور نزدیک در تاریخ ۲۳ مهرماه ملاقات نمود تا در مورد اوضاع لبنان به گفتگو بپردازد. وی علاوه بر این در مورد ایران و شبه جزیره عربی نیز تبادل نظر نمود.

۳- هندی‌رسن با این سؤال که آیا هدف از تلاش لبنان، خارج کردن سوریه‌هاست یا درگیر ساختن فلسطینیها در مذاکره به طور غیرمستقیم آغاز سخن کرد. ساندرز در پاسخ گفت این اهداف ممکن است در

دراز مدت در مد نظر باشد، لیکن هدف اصلی ما ایجاد صلح در لبنان به خاطر خود آن است. میزان خشونت ماههای اخیر در آنجا طاقت فرسا شده و امکان گسترش تضاد را افزایش داده است.

۴- در پاسخ به سؤال مربوط به نحوه اجرا، ساندرز گفت ما هنوز در مرحله تصمیم‌گیری هستیم. در چند روز آینده تصمیم مربوط به نحوه شروع کار اتخاذ خواهد شد. سفیر دین نیز اکنون که به بیروت باز گشته ممکن است. از نحوه اجرا با خبر بوده و به ارزیابی اوضاع مشغول شود. مهمترین حرکت، هم آهنگ‌سازی دولت لبنان و سازمان ملل می‌باشد تا آمریکا نیز بتواند به عنوان «نیروی محرک» عمل کند. همه چیز بستگی به رهنمودها و ارشادهای دولت لبنان دارد. در رابطه با زمان مناسب، سفیر دین در اواخر هفته جاری با رئیس جمهور سرکیس ملاقات خواهد کرد تا پیرامون نکات مهم تفحص به عمل آید. در هفته آینده نیز، سفیر حبیب به منطقه (بیروت، دمشق، تل‌آویو، و احتمالاً ریاض) سفر خواهد کرد تا با لبنانیها و اسد گفتگو نماید. ساندرز خواستار محرمانه ماندن سفر حبیب شد.

۵- هندرسن سؤال کرد که در چه موقع و چگونه به طرز تفکر فلسطینیها پی خواهیم برد. ساندرز گفت ما در حال حاضر با اعراب میانه‌روی که با فلسطینیها رابطه دارند، تماس برقرار کرده‌ایم. می‌دانیم که ساف در پی آن است تا با استفاده از فرصت موجود از اختیارات بهتر سیاسی خود استفاده کند. ساندرز یادآور شد که با قضاوت پیرامون عکس‌العملهای اولیه، می‌توان گفت که اکثر دولتهای عربی به این نتیجه رسیده‌اند که موقع مناسب برای به عمل آوردن اقدامی در مورد لبنان فرا رسیده است، هیچ یک از آنها با اهداف ما مخالف نیستند.

۶- هندرسن خواستار افشاء جزئیات بیشتر شد. ساندرز گفت ما در نظر داریم پیرامون جزئیات با دولت لبنان، سازمان ملل و دیگر طرفین دولت صحبت کنیم. سفیر سعودی در بیروت می‌تواند یکی از این طرفین باشد. طرز تفکر کنونی ما این است که در نهایت به پنج «شاخه» قراردادی دست پیدا کنیم: الف) توافق دو جانبه در میان طرفین موجود در جنوب از جمله اسرائیلیها با این امر که از حمله به یکدیگر دست بردارند. اسرائیلیها نیز باید عملیات حداد را محدود سازند. مهمترین عنصر موجود در این روش این توافق خواهد بود که نیروهای میانجیگری سازمان ملل اصلی‌ترین عامل اجرائی به حساب آیند و در صورت شیوع و یا آغاز تضاد ابتدا باید در جریان گذاشته شوند.

ب) تخلیه طایر توسط ساف، و بازگشت غیرنظامیان به موطنهای قبلی خود در جنوب
ج) خروج نیروهایی چون نیروهای حداد، ساف و چپگرایان لبنان از منطقه نیروهای میانجیگر سازمان ملل.

د) خروج محدود نظامیان سوریه، به خصوص از محدوده بیروت. این امر سبب افزایش قدرت و اختیارات دولت سرکیس شده و هنگام سفرمان به اسرائیل مفید واقع خواهد شد.

ه) تخفیف امکان زد و خورد بین نیروهای اسرائیلی و سوری، به طور مثال، ما امیدواریم که ماهیت شناسایی هوایی اسرائیل را تغییر دهیم. این امر متضمن قراردادهای بی‌قید و شرط به جای قراردادهای رسمی می‌باشد.

۷- هندرسن در مورد ایران به ارائه نظر دولت متبوع خود پرداخت و گفت اوضاع آنجا صریحاً ناآرام است، ولی معلوم نیست که آیا کسی می‌تواند خمینی را به سقوط بکشاند یا خیر. ساندرز نیز گفت که با عقیده وی موافق است، ولی ما در این مورد نقشی نداریم. روحیه انقلابی ایرانی ما را به خاطر بیست سال

حمایت از شاه مخفی کارانی غیر قابل قبول قلمداد می‌کند. ایرانیها گذشته را از بین می‌برند، ولی ما باید اساس آینده را پی‌ریزی کنیم. ولی باید چند اقدام مختلف صورت گیرد تا کمونیستها نتوانند به نحو مؤثری وارد صحنه شوند. در پاسخ به سؤال هندرسن مبنی بر اینکه آیا به نظر او پس از سرکوب کردها روحیه ارتش بالا رفته است یا نه، ساندرز گفت به علت بی‌نظمی کلی این موضوع قابل نتیجه‌گیری نیست.

۸- هندرسن سؤال کرد که آیا به نظر ساندرز نظر عمومی آمریکا در آینده نزدیک متمایل به اعراب خواهد شد یا متمایل به اسرائیل. ساندرز گفت به نظر عموم آمریکاییان شرکت‌های نفتی و دولت آمریکا مسؤل افزایش قیمت‌ها هستند، نه اعراب. وی گفت. تغییر طرز تفکر سیاهان و یهودیان متمایل به بهبود روابط شده است. ساف نیز ظاهراً این نتیجه رسیده است که با روشهای دیپلماتیک بهتر از نظامیگری می‌تواند پیام خود را به جهانیان برساند، ولی نمی‌دانیم که سرانجام چه خواهد کرد.

۹- هندرسن در مورد «نیروی واکنش سریع» مذکور در گزارشات مطبوعاتی سؤال کرد. وی گفت فکر می‌کند که منظور حضور «در افق» باشد تا تشکیل نیرویی که قادر به مداخله عظیم باشد چون مداخله زمینی مشروط بر همکاری دشوار کشورهای منطقه و پایگاههای مستقر در آن می‌باشد. ساندرز گفت به دنبال مطالعات شدید انجام شده در تابستان گذشته، ما به این نتیجه رسیدیم که حضور خود را در افق حفظ کنیم. این امر موجب افزایش تعداد ناوها، و نیز توانائی تهاجمی ما می‌باشد. ارسال هواپیماهای اف-۱۵ به عربستان سعودی در جنگ یمن مقدمه‌ای بر این کار بوده است. در پاسخ به سؤالات دیگر هندرسن، ساندرز گفت این امر افزایش توانایی حمل و نقل ما را در درازمدت ضروری می‌سازد. وی افزود ما در حال بهبود وضع خود در زمینه کاربرد سریع نیروها هستیم ولی هیچ‌گونه «واحد تهاجمی» در رابطه با خاور میانه تشکیل نشده است. گزارش اخیر مندرج در مطبوعات اسرائیل مبنی بر اینکه آمریکا واحدهایی را در اسرائیل مستقر کرده تا در خلیج به کار برده شوند، کذب محض می‌باشد.

کریستوفر

سند شماره (۳۱)

طبقه بندی: خیلی محرمانه

تاریخ: ۱ آبان ۱۳۵۸ - ۲۳ اکتبر ۷۹

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی - سفارت آمریکا در بیروت تل آویو

موضوع: نظریات یزدی در مورد لبنان و فلسطینها

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲- طی ملاقات کاردار و مقام وزارتخانه با وزیر امور خارجه نیروی ما به طور مختصر به تلاشهای آمریکا در جهت ایجاد ثبات در لبنان اشاره کردیم. یزدی گفت که اوضاع شمال لبنان برای شیعیانی که در نظر دارند علیه اسرائیلیها و مسیحیان به فلسطینها بیوندند غیر قابل تحمل شده است. آمریکا باید برای توقف حملات اسرائیل به این دولت فشار آورد.

۳- ما پاسخ دادیم که آمریکا سعی دارد اسرائیل را از این کار بازدارد، لیکن تغییر روش اسرائیل توقف حملات تروریستهای فلسطینی را ایجاب می‌کند. به نظر ما، انقلاب ایران که تمام مردم را به صورت مسالمت‌آمیز به نشان دادن اراده سیاسی واداشت باید نمونه و سرمشق برای فلسطینها باشد. یزدی گفت

که ایرانیها به همین منظور با ساف همکاری می‌کرده‌اند.

ایرانیها از ساف می‌خواستند که از وحدت اسلامی بیشتری در رسیدن به آرمانهای خود استفاده کند. اگر ساف به روش غیر مذهبی خود ادامه دهد. پیروزی تضمین نخواهد شد. اگر ساف یک دولت فلسطینی کاملاً مادیکرا به وجود آورد، فلسطینیهای مارکسیست و تندرو سریعاً قدرت را به دست خواهند گرفت. یزدی ظاهراً فکر می‌کند که ایرانیها بر فلسطینیها تا حدودی تأثیر گذاشته‌اند. وی با صراحت گفت که ایران خود را در قبال آرمان فلسطین متعهد می‌داند: «ما به آنها کمک کرده‌ایم و در آینده نیز آنها را یاری خواهیم داد.»

سند شماره (۳۲)

تاریخ: ۵ آبان ۱۳۵۸ - ۲۷ اکتبر ۱۹۷۹
 از: سفارت آمریکا در دوحه
 به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی
 رونوشت: سفارت آمریکا در تهران
 عطف به: الف - منامه ۲۱۱۸ ، ب - دوحه ۱۲۱۳
 موضوع: نگرانی وزرای خارجه کشورهای خلیج در مورد رابطه ساف با دولت ایران
 ۱- (تمام متن سری است).

۲- سفیر آلمان غربی، هلنر در مورد گفتگوی اخیر خود با وزیر کشور قطر در امور خارجی یعنی شیخ احمد بن سیف الثانی با من صحبت کرد، که گویا شیخ احمد با وی در مورد تبادل نظر اجلاس وزیران خارجه کشورهای خلیج در طائف در تاریخ ۲۴ مهرماه در رابطه با نگرانی آنها از رابطه دولت ایران و ساف که احتمالاً منجر به فرسایش نفوذ آنها در ساف خواهد شد، سخن گفته بود. وابستگی مالی شدید ساف به کشورهای عربی صادرکننده نفت سبب پیدایش میانه‌روی بیشتری در ساف شده که در غیر آن صورت امکان پذیر نبود. اما رژیم جدید اسلامی تهران از منابع مالی سرشاری برخوردار بود و نیز برای اورشلیم در جهان اسلام اهمیت بسیاری قائل است. این امر سبب اعمال نفوذ تهران بر فلسطینیها می‌شود که بنا به گفته سفیر آلمان غربی، مواضع بسیار حساسی را در کشورهای خلیج اشغال کرده‌اند. هلنر گفت علت این گفتگو این بود که شیخ احمد بن سیف از جامعه اقتصادی اروپا خواستار به رسمیت شناختن دیپلماتیک ساف شده بود. منطق و استدلال شیخ در به رسمیت شناختن ساف توسط جامعه اقتصادی اروپا این است که این امر سبب اجتناب ساف از خشونت و پناه بردن آن به دیپلماسی دریافتن راه حلی مناسب برای مسئله فلسطین خواهد شد.

۳- همان‌گونه که در گزارشات پیشین اشاره شد، جمعیت فلسطینی نیرومند ۲۰/۰۰۰ نفره قطر بسیار مرفه و دارای موقعیتهای استراتژیک می‌باشند. فلسطینیهای اینجا طبقه بالای متوسط و عناصر روشنفکر این جامعه عجیب را تشکیل می‌دهند. اکثر آنها نیز از حمایت اقتصادی و سیاسی آرمان فلسطینیها توسط دولت قطر راضی هستند. بنابراین نگرانی قطر و دیگر کشورهای خلیج از ایران اسلامی و اینکه احتمالاً کمک ارائه شونده از سوی ایران بیش از کمک سایر اعراب خواهد بود، بی‌مورد می‌باشد.

کیلگور

سند شماره (۳۳)

تاریخ: ۵ آبان ۱۳۵۸ - ۲۷ اکتبر ۷۹
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی
به: سفارت آمریکا در ابوظبی با اولویت
رونوشت: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: عطیبه مذاکره جامعه اقتصادی اروپا و کشورهای خلیج را به مسئله ساف ربط می‌دهد
خواهشمند است در اولین فرصت با عطیبه تماس گرفته و در مورد بیانات مطبوعاتی وی در مورد
ارتباط حقوق فلسطینیها در تشکیل یک دولت مستقل در ساحل غربی و نوار غزه و مباحثات نفتی
کشورهای خلیج با جامعه اقتصادی اروپا شرح و توضیح بخواهید. در تشریح موضع آمریکا برای او از
تلگرام مرجع وزارتخانه استفاده کنید و مخالفت آمریکا را با گنجاندن هرگونه مسائل سیاسی در مذاکرات
انرژی اعلام نماید.

سند شماره (۳۴)

تاریخ: ۸ آبان ۱۳۵۸ - ۳۰ اکتبر ۱۹۷۹
از: دفتر حفاظت منافع آمریکا در بغداد
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی - سی با اولویت
موضوع: عرفات به عراق سفر می‌کند

۱- (طبقه بندی نشده) سرپرست ساف یاسر عرفات در تاریخ ۵ تا ۷ آبان همراه با عبدالرحیم عمر دبیر
کل جبهه آزادیبخش عربی و سرپرست روابط خارجی فتح یعنی محمد ابومیزر از بغداد دیدار به عمل
آورد، معاون نخست وزیر و سرپرست فرماندهی کل و نبرد مسلحانه فلسطینی یعنی نعیم حداد میزبان
رسمی عرفات و تنها عراقی بود که در ملاقات چهار ساعت و نیمه عرفات با صدام حسین شرکت داشت.
۲- (خیلی محرمانه) عرفات در آبان ۱۳۵۷ برای شرکت در اجلاسیه بغداد و در اسفندماه نیز برای
شرکت در این اجلاسیه در سطح وزراء به عراق رفته بود. ولی پس از سالها این اولین سفری است که به
منظور انجام امور دو جانبه صورت گرفته است. برخلاف سفرهای گذشته، این بار برای اولین بار به جای
فلسطینیهای «رام شده عراقی»، نماینده جبهه آزادیبخش عرب به عنوان عضو هیئت نمایندگی ساف
شرکت جسته بود. با گذاشتن مسؤلیت میزبانی به عهده حداد، دولت عراق از پذیرش عرفات به عنوان
رئیس یک دولت خودداری ورزیده است که به هیچ وجه از دید وی (عرفات - م) پنهان نخواهد ماند.
۳- (خیلی محرمانه) گرچه اطلاعات چندانی در مورد ملاقات صدام و عرفات تراوش نکرده، ولی
مدت غیرعادی آن توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. بیانیهای عمومی بر «هماهنگی» تدارک
اجلاسیه عربی درست مانند بیانیهای صادره در هنگام سفر شاه حسین تأکید داشتند. یکی از موارد
مهمی که باید در مورد آن به تفاهم دست یافته شود، اختلاف سوریه و عراق است که مشکلاتی را برای
عراق (و حتی اردن) در رابطه با منزوی شدن آنها از اجلاس طائف در تاریخ ۲۴ مهرماه پدید آورده است.
۴- (خیلی محرمانه) با مقایسه گزارشات صدای فلسطین و خبرگزاری عراق در مورد مصاحبه
تلویزیونی عرفات متوجه می‌شویم که لبنان یکی از موضوعات مهم بحث و تبادل نظر را تشکیل می‌دهد
است. عراق هنوز هم موضع محدود خود را در مورد برنامه کار اجلاسیه عربی (مرجع ج) مورد تأکید قرار
می‌دهد، اما مروری بر مطالب صدای فلسطین نشان می‌دهد که عرفات نیز در این زمینه شدیداً با عراق

مخالفت می‌ورزد.

۵- (خیلی محرمانه) نگرانی قابل ملاحظه دیگر عراق گرایش کند و غیر قابل قبول عرفات، به میانه‌روی موجود در ابتکار اروپایی است. به همین دلیل بسیاری از همکاران دیپلماتیک ما معتقدند که به طور حتم به عرفات مطالبی در مورد رعایت اصول قطعنامه بغداد گفته شود که همانا حفظ جبهه متحد علیه مشارکت در مذاکرات خاورمیانه است. (و گمان می‌کنیم که عرفات نیز برای نشان دادن اعتبارهای خود در زمینه تندروی نماینده جبهه آزادیبخش عربی را به همراه آورده است. شایعه موجود حاکی از آن است که ملاقاتهای عرفات و شاه حسین با صدام آنها را موظف به تأیید مجدد قطعنامه بغداد در اجلاسیه بعدی و نمایش وحدت عربی علیه قرارداد و پیمان کمپ دیوید کرده است.

۶- (خیلی محرمانه) اظهار نظر: تعمق قابل ملاحظه لیکن کاملاً نامربوطی در مورد مواضع احتمالی عرفات و حسین در زمینه هدف از این مذاکرات در قبال مذاکرات خود مختاری وجود دارد. اکثراً معتقدند که این مذاکره سرانجام موجب پیدایش نوعی فرمول مذاکره اشتراکی خواهد شد، لیکن معتقدند که با عراق مخالفت خواهد شد و وضع و شرایط موجود مذاکرات خود مختاری زمان نامناسبی را برای پیدایش ابتکار اردن و ساف فراهم آورده است. سند ناتمام است.

سند شماره (۳۵)

یک دولت فلسطینی باید تشکیل گردد

هنری اس. سایزر
سفارت آمریکا در مسقط
به علت آنکه یکی از ناظران کوتاه مدت تضاد اعراب و اسرائیل بوده‌ام، از درج مطالب ناچیز خود در گفتگو درنگ می‌ورزم، قطعاً بیش از آنچه که در تلگرامهای محل خدمت کنونی می‌بینیم، رویدادهایی در شرف وقوع است. با این وصف من از بن بست بی‌پایان موجود در امر مسئله خطیر فلسطینیها و تمایل بیانیتهای رسمی آمریکا به حرکت در مسیرهای متناقض در این زمینه رنج بسیار می‌برم. بیانیتهای ما گهگاه طوری طرح‌ریزی می‌شوند که گویا هدف آن اجتناب از مطالعه دقیق موضوع است و گاهی نیز موجب اتخاذ موضعی می‌شود که ظاهراً هدف آن نیز شانه خالی کردن است. نقطه نظرات زیر در رابطه با آن آشفتگی مطرح شده و امید است، تأثیری سازنده داشته باشد.

معمای واشنگتن

اگر نتیجه‌گیری من از بیانیتهای چند سال گذشته و یا مذاکرات فشرده آمریکا درست باشد، سیاست ما در مورد مسئله فلسطین شامل عناصر ابهام آمیز زیر است.
- ما معتقدیم که صلحی مداوم به وجود نخواهد آمد مگر آنکه «مسئله فلسطین و تمام جنبه‌های آن حل شود» و این راه حل باید حقوق مشروع مردم فلسطین را به رسمیت بشناسد. تا اینجا مطلب درست است، لیکن از محتوای چندانی برخوردار نیست. یعنی تنها به ذکر این مطلب پرداخته‌ایم که از نظر ما مسئله فلسطین بخش مهمی از تضاد موجود است. استفاده از عبارت «حقوق مشروع» که به طور جدی تا قبل از روی کار آمدن دولت کارتر از آن اجتناب می‌شد، و اشاره به «مردم» فلسطین خالی از اهمیت نیست لیکن تعریفی از سیاست موجود در این زمینه پدید نیامده است.

- ما معتقدیم که فلسطینیها باید در تعیین سرنوشت آتی خود شرکت کنند، ولی معنی آن چه می‌تواند باشد. این عین مطالب ایراد شده توسط رئیس جمهور کارتر در آسوان بود که کاخ سفید نیز آن را به دقت در پایان سفر سادات تکرار نمود. بنابه گزارش، این لحن محافظه کارانه نشانگر تمایل ما به یافتن یک وسیله مشترک برای مذاکره است و اگر این موضوع صحت داشت باشد، متوجه می‌شویم که چقدر کورکورانه به دنبال یک توافق به راه افتاده‌ایم.

- ما از پیدایش موطن فلسطینی حمایت می‌کنیم. این موضع که اتخاذ آن به اسفند ۱۳۵۶ برمی‌گردد، شبیه به یک موضع واقعی است، اما ممکن است معانی متعددی داشته باشد. این عنوان به اعلامیه بالغور در سال ۱۲۹۶ اشاره دارد که طی سه دهه پر آشوب منجر به پیدایش کشور و دولت اسرائیل شد ما می‌گوییم که «تمامیت» فلسطین را آن طور که طرفین توافق کنند می‌پذیریم، ولی ترجیح می‌دهیم که این تمامیت با اردن مرتبط باشد و چندان مستقل نیز نباشد. هنگام نوشتن این مطلب رئیس جمهور کارتر این رجحان را با گفتن این موضوع که ما هرگز خواستار تشکیل یک دولت مستقل فلسطین نبوده‌ایم و قصد نداریم در این موضع خود تغییری پدید آوریم، تشدید کرده است.

یکی از «تأییدیه‌های» بعدی رسمی در رابطه با بیانات رئیس جمهور نشان می‌دهد که او مطلب جدیدی را عنوان نکرده است، بلکه به وضوح تنفر ابهام‌آمیزمان را از یک حکومت فلسطین نشان داده است. حداقل این است، که این سیاست به رسمیت شناخته می‌شود. ولی، ماهیت «موطن» غیرمستقل فلسطینیها هنوز هم در پرده ابهام مانده است.

- ما اصرار داریم که کسی باید سخنگوی فلسطینیها باشد. مذاکره با نمایندگان ذی صلاح مردم فلسطین عین مطلبی بود که در بیانیه مشترک رئیس جمهور کارتر و چائوشسکو در تاریخ ۲۴ فروردین عنوان گردید. ولی ما هنوز هم از پذیرش مهمترین عامل ایفاء کننده این نقش یعنی ساف امتناع می‌ورزیم. ما رسماً با ساف گفتگو نخواهیم کرد، ولی همیشه علناً اعلام می‌کنیم که هرگاه آنها قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت سازمان ملل را به رسمیت بشناسند که همان به رسمیت شناختن موجودیت اسرائیل است ما نیز با آنها وارد مذاکره خواهیم شد. این سیاست کلی قبل از ریاست جمهوری کارتر پدید آمد و به کرات توسط او و دیگر رهبران دولت مورد تأیید قرار گرفت. این سیاست همیشه با انتقاد شدید نخست‌وزیر بگین روبه‌رو بود، آن هم به خصوص از زمان پیدایش تعریف انعطاف پذیر آن در اواسط سال ۱۹۷۷ کارتر در مرداد ماه گذشته گفت آمریکا با ساف وارد گفتگو خواهد شد حتی اگر تأیید قطعنامه ۲۴۲ و ۳۳۸ را ضروری بداند و این قطعنامه‌ها به خاطر اشاره صرف خود به «پناهندگان» تأثیر چندانی نداشته باشند. ماندل معاون و رئیس جمهور نیز در تلاش اولیه خود برای پدید آوردن این مصالحه در خرداد گذشته گفته بود که ساف باید «نشان دهد که مایل است» در صلح و صفا با اسرائیل زندگی کند. ولی ساف هنوز هم شرایط آمریکا را قبول نکرده و یا بنابه دلایل داخلی نمی‌تواند، این کار را انجام دهد. نتیجه نیز این شد که همه چیز به حالت تعلیق درآمده و طرفین ناراضی شده‌اند.

این سرگشتگی مایوس کننده است، ولی می‌توان به مشکلات دولت کارتر نیز پی برد. رئیس جمهور هدفی بسیار جاه طلبانه را در پیش گرفته که در فرض عالی است، لیکن واقعیتها امکان دستیابی به آن را دشوار می‌سازد. با کنار گذاشتن سیاست گام به گام و محتاطانه کی‌سینجر، کارتر به تنهایی در صدد استقرار صلحی همه جانبه در خاور نزدیک برآمد، وی مانند دیگر سیاستهایش سعی کرد عوامل محدود کننده

گذشته را از میان برداشته و طرز تفکری تازه را پدید آورد. با در نظر گرفتن خطر جدی نهفته در تضاد اعراب و اسرائیل علیه صلح جهانی و پیدایش مناسبترین زمان برای یک راه حل اصیل از آغاز تضاد اعراب و اسرائیل نمی توان دولت آمریکا را به خاطر این تصمیم گیری مقصر دانست، ولی این دولت متوجه نشده است که برای عوامل محدود کننده گذشته نیز دلایل موجهی وجود داشته است. ناگزیری واشنگتن از وادار ساختن اسرائیل و فلسطین در به رسمیت شناختن یکدیگر و یا بهتر است گفته شود عدم تمایلمان به قبول فلسطینیها مهمترین موانع موجود در راه پیدایش یک راه حل است به نظر من، رؤسای جمهوری پیشین به همین دلیل و به خاطر اینکه این موانع را مشاهده کرده بودند، از تغییر سیاست دوری می جستند. رئیس جمهور کارتر، با کنار گذاشتن احتیاط کاریهای گذشتگان با واقعیتهای سختی روبرو گشته است. باید اعتراف کرد که اکثر رهبران فعال فلسطینی افراد تنفرآمیزی بوده و نباید آنان را مؤدبانه به رسمیت شناخت. اگر در این مورد تردیدی وجود داشت، حمله به غیرنظامیان شمال تل آویو در اسفند گذشته می بایست تاکتیکهای فلسطینیها را تحقق می بخشید. تدارک کننده این عمل سازمان فتح یا بزرگترین گروه کماندویی ساف بود. اسرائیل حق دارد که آن را یک سازمان «تروریستی خوانده و با آن به عنوان یک خطر امنیتی برخورد نماید. اسرائیلیها از دست فلسطینیها عصبانی هستند، و حمایت تاریخی آمریکا از اسرائیل نیز موجب خشم آمریکاییها شده است به همین دلیل است که واشنگتن از مذاکره با ساف امتناع می ورزد تا این سازمان نیز دورنمای خود را کاملاً تغییر دهد. این امتناع به خصوص با حرکتهای عجیب ارتدادیون فلسطینی که «میان راهی» چون عرفات به آسانی و بنا به دلایل خاصی نمی توانند از آنها فاصله بگیرند، شدت بیشتری یافته اند، علت این کار عرفات نیز عصبانیت واشنگتن است وضع موجود نیز بسیار اسف بار است، زیرا هیچ یک از طرفین به سوی یکدیگر حرکت نمی کنند، چون طرف دیگر حاضر نیست گام اول را بردارد.

به نظر من، به همین دلیل، تروریسم ساف بن بست کارتر را شدیدتر می سازد. فلسطین مهمترین شکنجه را در طول مذاکرات همه جانبه صلح که وی مجبور به آغاز آن شده بود متحمل شد. ولی حالا که امکان آن از بین رفته، چاره ای ندارد مگر آنکه با آن به طرز واقع گرایانه ای برخورد نماید. خصوصاً آنکه روند این مذاکرات معجزه سفر سادات به اورشلیم را پدید آورده است. من نمی دانم که آیا دولت انتظار چنین رویدادی را داشت یا نه، ولی مسؤلیت اخلاقی آن بر دوش ما گذاشته شده، ما نمی توانیم سادات را تنها بگذاریم. مشاجره اخیر وی با فلسطینیها که ناشی از قتل یوسف صبائی در قبرس بود، در عین آشفتگی ساختن صحنه، تغییری در این امر اساسی پدید نیاورده است.

برای اعراب که این گونه ژستهای عاطفی معانی و مفاهیم بسیاری دارد، عدم پاسخ به سادات قابل قبول نیست. اعراب تندرو می گویند ما قبلاً به شما گفته بودیم و از این خشم عمومی اعراب یک جنجال سیاسی درست خواهند کرد. به همین دلیل سعی خواهند کرد مانع از پاسخگویی به سادات شوند تا پیشگویی آنها درست از آب درآید.

منافع آمریکا همراه با آرمان میانه روی در نقاط دیگر آسیب خواهد دید. ما باید جلو این آسیب را بگیریم. مانند دولود در نمایشنامه مرغزار سبز، آمریکا باید برگردد و معجزه دیگری را پدید آورد تا معجزه اول درست از آب درآید حال بن بست وجود داشته باشد، یا نداشته باشد.

مبارزه با آرمانهای فلسطین

یکی از دیپلماتهای میانه رو عرب که گهگاه با او به صحبت پیرامون اختلاف اعراب و اسرائیل می‌نشینم می‌گوید پیمان ساف برای نابود ساختن اسرائیل مانند تهدیدی است که از طرف یک کودک در قبال یک فرد بالغ عنوان می‌شود، عکس‌العمل اسرائیل نیز توام با رویگردانی فرد بالغ از کودک است: «من با تو درگیر نخواهم شد.» همکار من می‌افزاید، اسرائیل این موضوع را بسیار بزرگ جلوه می‌دهد، ولی در عین حال می‌گوید که با اعراب وارد مذاکره خواهد شد.

باید اذعان داشت که این دیپلمات به نگرانی اسرائیلیها در قبال ساف پی نبرده است. اسرائیل نمی‌پذیرد که نباید مقاصد ساف را چندان جدی گرفت، باید به حمله اخیر اسرائیل به جنوب لبنان فکر کرد تا به عمق نظریه اسرائیل در این خصوص پی برد. مطالب عنوان شده توسط نخست‌وزیر بگین طی ملاقات با وزیر امور خارجه ونس در اورشلیم به تاریخ ۱۸ مرداد نیز موضوع را بیشتر روشن می‌کند: نخست‌وزیر گفت ساف ممکن است ضعیف باشد، اما می‌خواهد اسرائیل را نابود سازد و این درست همان حرفی است که هیتلر در اوائل سالهای ۱۹۳۰ یعنی زمان ضعف خود در مورد یهودیان زده بود. من تا حدودی با این نظریه موافق هستم، ولی فلسطینیها به هیچ‌وجه قابل مقایسه با نازیها نیستند. باید به طرز روشنفکرانه‌ای حقوق فلسطینیها را از خطاهایشان و تواناییهایشان را از مقاصدشان جدا نمود، حتی اگر انجام آن برای اسرائیلیها و یا ضد تروریستهای جهان دشوار باشد. گذشته از آن اسرائیل باید بیش از همه به قدرت خود اعتماد پیدا کند. همان‌گونه که همکار عرب من می‌گوید، اسرائیلیها باید خودشان پی برده باشند که فلسطینیها قادر به سرنگونی آنها نیستند.

علاوه بر این، اسرائیل باید اعتراف کند که در روابط اسرائیل و اعراب تغییرات بسیاری پدید آمده است. یعنی اعراب به طور کلی پذیرفته‌اند که اسرائیل در اینجا خواهد ماند. سفر سادات به اورشلیم نیز نقطه آغاز این تغییر بود. برای آن دسته از ما که شاهد عصیان ملی‌گرایی اعراب در ۱۵ یا ۳۰ سال پیش یعنی زمانی که اسرائیل «غاصب خاک اعراب» شناخته شده بودیم، سفر سادات یک رویداد شگفت‌انگیز به شمار می‌آید. برای اعراب که از دیرباز یکی از طرفین سرسخت این تضاد را تشکیل می‌دادند، این حرکت یک نوع تغییر روانی است.

همراه این تغییر نیز کاهش تدریجی ندای اتحاد عربی بود که ظهور عینی آن پس از جنگ ۱۹۶۷ در موضوع عهده‌دار شدن آرمان توسط فلسطینیها تجلی یافته است. بنابراین آنچه که رئیس‌جمهور مصر در مورد حق حیات اسرائیل می‌گوید خیلی کمتر از زمان ناصر مورد قبول فلسطینیها قرار می‌گیرد با این وصف رابطه پیچیده بین ناسیونالیسم فلسطینی «عربی» نتایج مختلطی داشته است. فلسطینیها نشان داده‌اند که می‌خواهند خودشان سخنگوی خود باشند، ولی نتوانسته‌اند در مورد موضع جدید خود سرمایه‌گذاری کنند. واقع امر این است که آنها نیرومندتر از گذشته نشده‌اند؛ ولی اختلاف موضوع در اینجا است که آنها بیشتر شبه نظامی شده و اهداف و شعارهایشان را تحت کنترل درآورده‌اند.

وابستگی آنها به یک یا چند دولت عربی هنوز کامل است. به همین علت است که می‌توان سفر سادات را نوعی حرکت عربی تصور کرد، و باید از آن طوری بهره‌برداری کرد که بهانه‌ای برای اقلیت اعراب تندرو پیدا نشود. چک و چانه زدنهای تاریخی به رسمیت شناخته شدن اسرائیل و اعراب موفق خواهد شد، در صورتی که اسرائیلیها شکل یا ظواهر امر (یعنی عصیان فلسطینی) را به خاطر محتوای آن (یعنی

انعطاف‌پذیری (اعراب) نادیده بگیرند.

بنابراین امیدوارم متوجه شویم که باید هر کاری را انجام دهیم تا اسرائیل از موضع شدید و سرسختانه خود در قبال خطر فلسطین دست بردارد. می‌دانم که قبلاً نیز ناظران همین موضوع را توصیه کرده‌اند، ولی این بار پویایی تلاش جاه‌طلبانه دولت آمریکا در گروه آن است. ساده‌تر بگوئیم یا باید اسرائیل دست از سیاست سرسختانه‌اش بردارد و یا اینکه روند صلح شکست بخورد، آن هم با نتایج بسیار فاجعه‌آمیز. درست است که باید فلسطینیها نیز حرکتی را در پیش گیرند تا بگین نیز مایل به انجام آن شود، ولی به نظر من تغییر موضع اساسی باید از طرف وی صورت گیرد ما باید این حرکت و چاره را بیابیم و او (بگین - م) نیز آن را به کار خواهد برد.

در رابطه با خودمان، من می‌گویم بهتر است از ساف مصرانه نخواهیم که از ادعای خود مبنی بر نابودسازی اسرائیل دست بردارد تا با آن وارد مذاکره شویم. واقعیت این است که سادات از طرف آنها این کار را کرده است. گرچه به نظر من استدلال علیه این موضع تکرار شده آمریکا بی‌نتیجه است و با ماندل موافقم که باید از ساف خواست که «مایل» به دست کشیدن از اسرائیل بشود، ولی ایدئولوژی ساف رسماً از بین نخواهد رفت، مگر آنکه به عنوان یکی از بخشهای راه‌حل نهائی گنجانده شود. و ارتباط علنی قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ به تغییر مورد نظر ما در ساف، سبب شده است که ما نتوانیم از ساف انتظار داشته باشیم که در پیروی از این سیاستها بیانیه‌ای منتشر سازد، چون همه خواهند گفت که تحت فشار آمریکا این کار را کرده است. به همین دلیل پیشنهاد می‌کنم که به ساف کاملاً فهمانده شود که منظورمان از «نمایش» چیست و قبل از آنکه آن را علناً فاش سازیم منتظر شویم تا خود ساف آن را انجام دهد. در مورد حمایت ساف از ابتکار سادات چه می‌گوئید؟ اگر قرار باشد روند صلح ادامه یابد، به هر حال این حمایت نیز باید نشان داده شود و شاید به طور همزمان. اگر ساف این کار را انجام داد، ما می‌توانیم چنین نتیجه‌گیری کنیم که ساف موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخته و می‌توانیم مذاکره آمریکایی-فلسطینی را که از دیرباز به تأخیر افتاده شروع کنیم. در واقع همین امر سبب می‌شود که بگین نیز به راحتی کنار بیاید.

تلاش فلسطین برای دستیابی به استقلال

مذاکره با فلسطینیها البته یک امر حاشیه‌ای است. موفقیت بستگی به حل مسائل عمده دارد. رمز آن نیز این است که دریابیم فلسطینیها چه می‌خواهند، چون علیرغم ضعف خود آنها قدرت نپذیرفتن راه حل را دارند و یکی از طرفین مهم را تشکیل می‌دهند، که باید ارضا شوند. من نیز اعتراف می‌کنم که فلسطینیها تنها به یک منظور به مبارزه برخاسته‌اند. که همانا دستیابی به یک کشور مستقل است. ولی اگر فکر کنیم که آنها با چیزی کمتر از استقلال راضی می‌شوند، اشتباه کرده‌ایم. البته فلسطینی که چندان مستقل نباشد نیز از جذابیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. تصویرپیدایش یک دولت میانه‌رو فلسطینی در بهترین، شرایط نیز دشوار است. یک نوع تعصب ضدغربی و رعایت جناح تندرو گروه جهان سوم از طریق هرگونه رهبریت احتمالی فلسطین سر خواهد زد، حال معنی آن در رابطه با آراء سازمان ملل و غیره هرچه می‌خواهد باشد. از طرف دیگر شاه حسین اردنی یکی از تحکیم‌کنندگان «مطمئن آراء فلسطین است و به این موضوع این واقعیت را نیز بیفزائیم که زمانی ساحل غربی از آن اردن بود و بسیاری از فلسطینیها خواستار ارتباط با اردن هستند و ما قبلاً این ایده را پیش‌بینی کرده‌ایم.

لیکن به نظر من روند تاریخی به این طرح ضربه‌های وحشتناکی وارد می‌سازد. همان‌گونه که جنبش صهیونیستی در صحنه بین‌المللی در نیمه اول قرن بیستم منجر به تشکیل یک دولت مستقل اسرائیلی شد، منطق نیمه دوم قرن آمرانه حکم می‌کند که یک کشور مستقل فلسطینی نیز پدید خواهد آمد. مسیر ضداستعماری را چه در شکل حقیقی و چه در شکل خیالی آن در سالهای اخیر در نظر بگیرید. کشورهای مستقل پدید آمده روحیه عصر حاضر را نشان می‌دهد. رنگ ضد غربی اکثر آن نیز بخشی از این عصر و نیز عدم توانایی غرب در فرونشاندن این موج به صورت سنتی نیز همین‌طور است. دولت کارتر باید این موضوع را بهتر از دیگران بداند، چون یکی از اصول راهنمای آن به رسمیت شناختن همین روند است. منظور من این است که فلسطینیها نیز به طرزی قابل توجه و برعکس مانند اکثریت سکنه آفریقای جنوبی در جنگ علیه سلطه سفیدپوستان و یا مانند پانامائی که خواستار انعقاد پیمان جدیدی در مورد کانال پاناما هستند، بخشی از این موج را تشکیل می‌دهند، آنها «حق حاکمیت» خود را به دست خواهند آورد ولی سؤال این است که آیا آنها آن را با توافق ما به دست خواهند آورد تا منافع ما نیز حفظ شود یا بدون توافق ما آن را به دست خواهند آورد تا طرز تفکر ضدامپریالیسم آنها نیز به نوبه خود شدت یابد.

به نظر من، علیرغم تمایل احتمال اکثریت سکنه ساحل غربی به پذیرش چیزی کمتر از استقلال کامل با پیوند با اردن، این موضوع روی خواهد داد. بسیاری از فلسطینیها از ساف خشمگین هستند چون این سازمان به هدفی دست نیافته بلکه چند دولت عربی را کاملاً از خود رنجانیده است. ولی در اوضاع سیاسی جاری این حالت روشنگر چیزی نیست. یک اقلیت پر سر و صدا

همیشه سرخ را به دست دارد، در میان فلسطینیها این اقلیت اگر جبهه ارتدادی نباشد، همان سازمان آزادیبخش فلسطین است. این اکثریت نیز امیدوار است تنها قادر به ایجاد یک تأثیر آن هم از نظر تعداد باشد یعنی بتواند پایگاه ساف را به طور جزئی گسترش بخشیده و به تدریج سیاست آن را در جهت خلاف عصبان علیه اسرائیل تغییر دهد. پدید آمدن این گونه تغییر آرزوی همه است، لیکن آنها کنترل شبه نظامیان را بر مردم فلسطین کاهش نخواهند داد. به طور کلی، این اکثریت مانند بازیچه‌های استعمار در انقلاب آمریکایی فاقد کارایی خواهند بود. همان‌گونه که سام آدامز، پاتریک هنری، و تام پین صحنه آمریکا را در یک موقعیت خطیر ۲۰۰ سال قبل به دست گرفتند، افراد کله شق ساف نیز موفق به این کار خواهند شد، و اگر کسی به حرف آنها گوش نداد، ارتدادیون صحنه را به دست خواهند گرفت. تأسف بار است که اشخاصی چون هامیلتون یا جفرسون در رده‌های فرماندهی ساف وجود ندارند، ولی این موضوع حائز اهمیت چندانی نیست. بیایید خدا را شکر کنیم که عرفات جورج حبش نیست.

معجزه «حاکمیت»

می‌توان گفت که «حاکمیت» آن چنان فرضیه فراری است که نمی‌تواند فکر فلسطینیها را به خود مشغول بدارد. در واقع یک فرضیه بسیار عجیب است. یک دولت حاکمه «یک فرد مختار که حاکمیت خود را بر تمام اشخاص موجود در مرزهای خود اعمال می‌کند. آن هم بدون دخالت و کنترل مستقیم یک نیروی بیگانه» تعریف شده است، ولی بر دولتهای حاکمه موجود در جهان محدودیتهای چندی اعمال شده که عبارتند از تضمین بی‌طرفی و محدود ساختن نیروهای نظامی (که اطریش و ژاپن از جمله نمونه‌های بارز عصر حاضر می‌باشند). علاوه بر این در مورد تمام کشورهایی که خود را با منشور سازمان ملل مرتبط

می‌دانند نیز محدودیتهای کلی اعمال می‌شود. گذشته از محدودیتهای عملی و قابل بازگویی دیگری که توسط ماهیت تداخلی جهان مدرن تحمیل می‌گردد.

مهمترین مطلبی که می‌توان در مورد حاکمیت در حقوق بین‌المللی گفت این است که همه نسبت به بعضی از «مشخصات» موجودیت آن معترفند که عبارتند از: یک پرچم، حق ارسال و دریافت دیپلماتها، حق انتقاد پیمان بنام خود، توانایی ارسال هیئتهای نمایندگی به کنفرانسهای بین‌المللی براساس تساوی رسمی با دیگر مشارکت جویان و غیره. گذشته از آن، این فرضیه بیشتر جنبه روانشناسانه دارد: یعنی هنگامی که حق حاکمیت دارید نسبت به آن آگاهید ولی نمی‌توانید بگویید که چیست.

این امر چندان مهم نیست، اما قرن‌هاست که در این زمینه تضادهای پدید آمده و پدید خواهد آمد. گاهی جامعه تصور می‌کند که خود همان «مردم» است و با چنگ و دندان برای رسیدن به حاکمیت بر ملت‌ها مبارزه می‌کند. فلسطینیها نیز هم اکنون در حال انجام همین کار هستند. آنها احتمالاً در مورد یک دولت غیر مذهبی مسلمان، مسیحی و یهودی و یا دیگر ایدئولوژیها سخن می‌گویند، ولی هدف اصلی آنها به دست آوردن قطعه زمینی در فلسطین است تا بتوانند پرچم خود را در آنجا به اهتزاز درآورند. در حالی که آمریکا آنها را «مردمی» خوانده که شایسته داشتن «موطن» هستند، آنها از اینکه در زیر آفتاب به آنها زمین داده نمی‌شود، عصبانی شده‌اند.

بجز تداوم بحران لبنان هیچ عامل دیگر نمی‌تواند تأثیر این تکذیب را بر روحیه فلسطینیها نشان دهد. فلسطینیهای بیشمار لبنان گروهی بی‌خانمان هستند. از آنجا که به آنها حق زندگی در آنجا داده نشده، در جایی که خود و یا والدینشان متولد شده‌اند، بیگانه به حساب می‌آیند. در نتیجه به عنوان یک نیروی مخرب تعادل ظریف و شکننده سیاست لبنان را برهم می‌زنند. اگر یک دولت فلسطین به وجود نیاید که بتواند برای آنها گذرنامه صادر نماید. این مشکل به زودی حل نخواهد شد. تنها در این صورت است که در جهان دارای هویتی خواهند بود و موطنی خواهند داشت که هرگاه بخواهند به آن باز می‌گردند. حتی اگر هزاران فلسطینی موجود در لبنان به حیات خود ادامه دهند باز هم لبنان خواهد توانست مسائل خود را حل کند. بعضیها می‌توانند به صورت شهروندان لبنانی درآیند، ولی اکثر آنها افراد «خارجی» مقیم این کشور به حساب می‌آیند، که این برجسب بدون کلمه «وطن» نمی‌تواند یک مرجع باشد.

به نظر من، ما و اسرائیلیها نباید از این کیفیت عرفانی حاکمیت فلسطینی ناراضی باشیم چون در آن فرصتهای مغتنمی وجود دارد. پس از پیروزی، می‌توان استقلال یک کشور را با اجبارهای متعدد سیاسی محدود کرد ولی تصور حاکمیت باید حفظ گردد، حضور نیروهای حافظ صلح و نیز پیمان اتحاد اقتصادی از همین‌گونه وسایل است. به نظر من اگر اسرائیل درست ایفاء نقش نماید. خواهد توانست، تمام تضمینهای عملی مورد نیاز خود را در رابطه با امتیاز انتزاعی حاکمیت تحصیل نماید. در مورد اردن نیز همین امر صادق است. البته در صورتی که این کشور هم سعی کند به یک ارتباط عملی با ساحل غربی دست پیدا کند. علاوه بر این، من فکر می‌کنم که امتیاز حاکمیت در جنبه‌های دیگر روند راه حل یابی به نتایج شگفت‌آوری منتهی خواهد شد که عبارتند از:

فلسطینیها به محض اینکه حاکمیت خود را به دست آورند، مایل به تغییر مرزهای سال ۱۹۶۷ به نفع اسرائیل خواهند شد، حتی ممکن است که با به دست آوردن ساحل غربی موافقت کرده و نوار غزه را به حال خود بگذرانند، چون امکان پیدایش کشور فلسطینی بیشتر است، آن هم در صورتی که در مناطق

غیربومی از «پاکستانی سازی» ممانعت به عمل آید. ولی این نکته جای بحث بسیار دارد و من فقط از آن به عنوان یک امکان یاد می‌کنم.

- معمای اورشلیم اگر حل نشود، حداقل قابل بحث است. در این موضوع عاطفی نکاتی نهفته است که از حوصله این رساله خارج است، ولی اگر فلسطینیها در ساحل غربی حق حاکمیت خود را به دست آورند، با مسئله اورشلیم با شدت کمتری برخورد خواهند کرد.

- مسائل حساس مربوط به اعراب مقیم اسرائیل و یهودی نشینهای اسرائیل در ساحل غربی نیز می‌تواند از طریق رژیمهای دوجانبه «یهودیان فلسطین» و اعراب اسرائیلی «یعنی جوامع خارجی که از طریق انعقاد پیمانهای از وضع خاصی برخوردار شده‌اند، حل گردد. این اندیشه نیز جای بحث بسیار دارد و ممکن است بر عواطف مربوط به حاکمیت اسرائیل لطمه بزند، ولی به نظر من این کار تنها راه حل مسئله مزبور می‌باشد.

من نمی‌گویم که اگر قول کشوری به فلسطینیها داده شود همه مشکلات حل خواهد شد، و یا فلسطین حاکمه که پس از دستیابی به راه حل معقولانه عمل خواهد کرد. واضح است که حاکمیت حتی اگر به دقت کنترل شود، باز هم از مقداری استقلال سیاسی برخوردار خواهد بود که اگر بخواهد می‌تواند آشوب به پا کند. آنچه من می‌گویم این است که فلسطین غیرحاکمه در مجاورت اسرائیل بسیار خطرناکتر است و نمی‌توان آن را به سهولت وارد جامعه جهانی ساخت.

وجود دو طرف برای آشتی ضروری است

اگر فلسطینیها واقعاً به دنبال به دست آوردن حق حاکمیت هستند، بنابراین تمام فرمولهایی که این موضوع را در نظر نگرفته اند بی‌فایده می‌باشند. به این ترتیب برای اسرائیل فایده ای ندارد که ما با لحن آرامش بخشی از چگونگی کنترل اماکن مقدسه توسط آن سخن بگوییم. البته ممکن است این کار در بعضی مراحل مذاکرات لازم باشد، ولی موضوع اصلی نیست. موضوع این است که پرچم چه کسی باید بر فراز اماکن مقدسه و دیگر سرزمینهای مورد اختلاف به اهتزاز درآید: در اتخاذ تصمیم مربوط به اینکه آیا پرچم فلسطینی باید در آنجا به اهتزاز درآید، ما باید به دقت به خطرهای ناشی از یک فلسطین مستقل در قبال تمامینهای غیرحاکمه مرتبط با اردن یا اسرائیل بنگریم. ارتباط شدید اسرائیل به هیچ وجه آتش فلسطینیها را خاموش نخواهد کرد. و روابط بین کشوری جهان عرب نیز رابطه شدید با اردن را تغییر خواهد داد، حتی اگر رهبران فلسطین این وابستگی را بپذیرند که بعید به نظر می‌رسد. رک و راست گفته شود، سرنوشت سلطنت هاشمی در دراز مدت به هیچ وجه برای اسرائیل خالی از خطر نیست، به خصوص اگر نقش هیئت حاکمه بر فلسطینیهای حساس را نیز عهده دار شود. به هر حال، دورنمای موجود بسیار مبهم است و دلیل ندارد که کنفدراسیونی به سرپرستی اماکن تشکیل نشود که به خاطر امنیت اسرائیل به ساحل غربی مستقل نظارت نداشته باشد. حقیقت این است که امنیت اسرائیل در برابر فلسطینیها در یک فضای خالی قابل تصور نیست، و مانند این است که بگوییم چگونه می‌توان آنها را تحت کنترل درآورد. رغبت کشورهای بزرگتر عربی به خطا کاری به منظور بهره برداری از طرز تفکر فلسطینیها نیز باید به حساب آید. به همین دلیل حمایت از اعراب میانه رو حائز اهمیت است. اعراب به طور کلی موافق با تفویض «حاکمیت» به فلسطینیها هستند، و اگر میانه روها به این هدف نرسند، تدریجاً این کار را خواهند کرد. بدین ترتیب همه

چیز به یک دولت فلسطین ختم می‌شود، و یا حداقل ما و اسرائیلیها باید اعتراف کنیم که ایجاد این دولت بخشی از راه حل نهائی را تشکیل می‌دهد. باید کاری کرد که نخست وزیر بگین در پاسخ به ابتکار سادات این موضوع را پیشنهاد نماید. رهبر اسرائیل در تلاش برای به رسمیت شناخته شدن دو جانبه اعراب و اسرائیل در طول سه دهه گذشته، از طرف اعراب دست دراز کرده است، و اعراب نیز منتظر دراز شدن دست اسرائیل هستند. ولی این انتظار طولانی نخواهد بود. اگر رئیس جمهور کارتر بطور جدی گفته باشد که نباید مانعی بر سر راه حل نهائی و منصفانه قرار گیرد، باید، کاری کند که دو طرف حداقل یکدیگر را به رسمیت بشناسند.

سند شماره (۳۶)

طبقه بندی: سری

فعالیت فلسطینیها در ایران

۱- کوششهای فداییان فلسطین برای به دست آوردن نفوذ در ایران منعکس کننده رقابت بین عناصر میانه روتر به رهبری یاسر عرفات رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین و گروههای رادیکال به ویژه جبهه خلق برای آزادی فلسطین است.

الف: عرفات ظاهراً موفق شده است، در اینکه سازمان خویش یعنی الفتح در فعالیتهای خود در ایران تسلط داشته باشد و او به ممانعت از اینکه گروههای رادیکال نقش مهمی را داشته باشند کمک کرده است. ب: معذالک تماسهایی که اکنون چندین سال است بین سازمانهای رادیکال فلسطین و دست چپهای ایران وجود داشته، همچنان ادامه دارد.

ج: جبهه خلق برای آزادی فلسطین مدت پنج سال با چریکها پیوند داشته و آنها را در پایگاههایی در لبنان آموزش داده است. نمایندگی دو گروه هم در جریان چند ماه گذشته برای بحث درباره همکاریهای بیشتر چندین بار با همدیگر ملاقات کردند.

۱) جبهه خلق برای آزادی فلسطین نیز تماسهایی با سایر چپگرایان ایران به ویژه در خوزستان و شاید با عناصر ضد خمینی (مجاهدین) داشته است.

۲) گزارشهای تأیید نشده ای وجود دارد مبنی بر این که جرج حبش رهبر جبهه خلق برای آزادی فلسطین مخفیانه با چپگرایان در اوایل تابستان در آبادان ملاقات کرده است.

۳) جبهه خلق برای آزادی فلسطین از قرار معلوم عده‌ای از اشخاص و تعدادی اسلحه را به طور مخفیانه به ایران فرستاده و این فعالیتها ظاهراً مرکزشان در خوزستان است. حداکثر تعداد اعضاء جبهه خلق برای آزادی فلسطین که مخفیانه به ایران رخنه پیدا کرده‌اند، احتمالاً از ۲۷۰ نفر تجاوز نمی‌کند و عملاً ممکن است کمتر باشند. مأموریت آنها ظاهراً برانگیختن مردم و سازمان دادن کارگران صنایع نفت و آموزش دادن کاربرد اسلحه و مواد منفجره به کارگران است.

د: مقاصد حبش درباره به کاربردن متحدین و امکاناتش در ایران هنوز کاملاً روشن نیست.

۱) ما معتقدیم که او از هم اکنون درباره برقراری روابط حسنه با چریکها به جای اینکه با خمینی روابط حسنه برقرار کند، نادم است.

۲) حبش امیدوار بود که گروههایی که او از آنها پشتیبانی می‌کرد بتوانند قدرت را به دست گرفته و یا

لااقل در دوران بعد از شاه نفوذ قابل ملاحظه‌ای در دست داشته باشند. از آنجایی که این اهداف کاملاً عملی نشده است، او ظاهراً می‌کوشد نفوذ خود را در صفوف ناراضیان توسعه دهد تا بتواند منافع آن را در صورتی که متفقین دست چپی او موقعیت خود را تحکیم بخشند، به دست آورد.

۳) حبش میل داشت تحویل نفت ایران به غرب بر هم بخورد، ولی احتمال نمی‌رود که اکنون او امکانات خود را در خوزستان برای حمله به تأسیسات نفت به کار برد. او ترجیح می‌داد که ایران راساً قطع تحویل نفت را ترجیح دهد.

۴) معذالک حبش ممکن است متمایل باشد که کمک خود را به ناراضیان خوزستان افزایش دهد در صورتی که این ناراضیان عملیات برجسته ضد دولتی از خود نشان دهند.

۵) همواره این خطر وجود دارد. هر چند در حال حاضر ممکن است خطر حاشیه‌ای باشد، که جبهه خلق برای آزادی فلسطین تصمیم بگیرد امکانات خود را برای انجام عملیات خرابه کارانه به منظور برهم زدن جریان نفت ایران به غرب به کار برد اگر احتمال خطر حملات در ایران زیاد باشد، جبهه خلق برای آزادی فلسطین ممکن است بکوشد تا عمال خود را به طور قاچاقی وارد کشتی کرده تا عملیات خرابه کاری یا کشتی‌ربایی را در دریا انجام دهند.

ه: سه گروه کوچک رادیکال سازمان آزادیبخش فلسطین علاقه فعالانه‌ای نسبت به ایران نشان داده‌اند.

۱) جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین گروهی که نزدیکتر از همه به اتحاد شوروی است و به چپگرایان ایران کمک کرده است. این جبهه ظاهراً با حزب توده و با حزب دموکرات کردستان روابط حسنه دارد. جبهه خلق برای آزادی فلسطین به طور تقریباً یقیناً با چریکها و شاید با مجاهدین تماسهایی دارد.

۲) جبهه آزادی بخش عرب و جبهه مبارزه خلق که هر دو آنها به توسط عراق کنترل می‌شوند و ظاهراً عده معدودی از اعضاء خود را مخفیانه به ایران فرستاده‌اند، ولی ما درباره دامنۀ فعالیت آنها اطلاعات کمی در دست داریم.

کتاب چهل و سوم

فلسطین (۲)

پیشگفتار

(محرمانه) علیرغم تلاشهای پیگیر و متعدد دولتی جهت مقابله با تروریسم، تروریسم هنوز در صحنه بین‌المللی باقی مانده است. از نظر آژانس اطلاعات دفاعی، گروه‌های قابل توجهی هستند که در خارج از حوزه ملی فعالیت کرده، با هم‌تاهای خود در کشورهای دیگر ارتباط برقرار نموده و خطری جدی و بالقوه علیه آمریکا و یا منافع و پرسنل و همپیمانان آن به شمار می‌روند.

(محرمانه) این گزارش که بخشی از تلاش مداوم در جهت درک تروریسم بین‌المللی به صورتی که در اروپای غربی، خاورمیانه، آمریکای لاتین و آمریکاست، به این دلیل در دسترس قرار داده می‌شود تا به عنوان یک مرجع مورد استفاده قرار گیرد.

این گزارش شامل چهار جلد بوده که هر یک مربوط به منطقه‌ای خاص می‌باشد و هر شش ماه یک بار انتشار می‌یابد.

(محرمانه) فلسطین و ایران مناطق مورد مطالعه در این گزارش است. اسامی گروه‌های مربوطه نیز در آن آورده شده و به شرح آنها نیز پرداخته شده است. پس از یک شرح مختصر پیرامون هر گروه، به ارائه اطلاعات پیرامون عناوین زیر می‌پردازیم:

اهداف و تمایلات، نیروی تقریبی، رهبران مهم باسوابق بیوگرافیک در صورت امکان، سابقه (شامل تاریخ معاصر، شاخه‌ها، گروه‌های مقدم و روابط درونی، فنون و روش‌های عملیاتی، سازمان، قرارگاه‌ها و پایگاه‌ها، آموزش، تسلیحات، امور مالی، ارتباطات بین‌المللی، تحلیل رخدادهای و فعالیت‌های چشمگیر - چشمگیر از نظر پیشرفت و تأثیر گروه بر تصورات بین‌المللی - با توضیحاتی پیرامون عملیاتی پیچیده‌تر. (محرمانه) محدودیت‌های چنین کاری به خودی خود مشهود است. چون گروه‌ها اغلب مخفی هستند، همیشه یک نوع شکاف اطلاعاتی ایجاد می‌گردد و بعضی جزئیات عملیات درونی و ارتباط‌های خارجی ناشناخته می‌ماند.

(طبقه‌بندی نشده) از مخاطبین تقاضا می‌شود که در صورت امکان اطلاعاتی را که می‌توانند تکمیل کننده و یا تصحیح کننده این گزارش باشند ارسال دارند. سئوالات و اظهار نظرها باید به طور کتبی به آژانس اطلاعاتی دفاعی ارجاع گردد (توجه: DN-2)، واشنگتن دی. سی. ۲۰۳۰۱.

فلسطینیاها الفتح / سازمان سپتامبر سیاه

شرح مختصر

(طبقه بندی نشده) نماینده جریان اصلی میانه‌رو سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف)، فتح، از ایجاد یک حکومت فلسطینی در ساحل غربی رود اردن و نوار غزه حمایت می‌کند. پس از ابتکار صلح سادات در نوامبر ۱۹۷۷ و پس از انتشار چهارچوب صلح کمپ دیوید در سپتامبر ۱۹۷۸، این گروه حالت نظامی تری به خود گرفت و با تعیین سرنوشت ملت فلسطین بدون حضور خود و یا با حضور دیگر گروه‌های فدایی شبه نظامی مخالفت ورزید.

(سری / در دسترس بیگانگان و همپیمانان قرار داده نشود / هشدار اطلاعاتی) فتح که حدود ۸۰۰۰ تا ۱۰/۰۰۰ عضو دارد تقریباً چهار برابر مهمترین سازمان فلسطینی بعدی بوده و نماینده عمده ساف به شمار می‌رود. دارای هرم سازمانی بسیار پیشرفته‌ای است که یک کمیته مرکزی بسیار نیرومند در رأس آن قرار دارد و اجلاس‌هایی با شرکت اعضای چپی و دست راستی تشکیل می‌دهد. منابع مالی و تسهیلاتی فتح نیز از سایر گروه‌های فدایی چشمگیرتر است. این سازمان دارای برنامه آموزشی وسیع نظامی و سیاسی است که دربرگیرنده انواع آموزشها از نظامی گرفته تا تکاوری و تروریستی می‌باشد. نیز فتح به وسیله بعضی از کشورهای عربی عضو پیمان ورشو در زمینه خلبانی هلیکوپتر، جت‌های جنگنده، عملیات زیرآبی، امنیتی و جاسوسی آموزش می‌بیند. نیروی آتش فتح، که پیچیده‌ترین نوع در نهضت مقاومت فلسطین است، از سلاحهای مختلفی برخوردار است که شامل کلاشینکف، نارنجکهای دستی، توپخانه‌های کشتشی ۱۵۵ میلیمتری، موشکهای زمین به هوا و مواد منفجره احتراق شدید می‌باشد. گزارشات رسیده در سال ۱۹۷۸ حاکی از آن است که سازمان فتح به زودی صاحب هواپیماهای باری و زیر دریاییهای کوچک خواهد شد.

(محرمانه / در دسترس بیگانگان قرار نگیرد) هیچ واقعه تروریستی بین‌المللی به نام فتح صورت نگرفته است. در این گونه عملیات، در اوائل سالهای ۱۹۷۰ از عنوان سازمان سپتامبر سیاه استفاده شده بود و از سال ۱۹۷۵ این عنوان دیگر به هیچ‌وجه مورد استفاده قرار نگرفت. امروزه سازمان فتح بر عملیات درون اسرائیل و سرزمینهای اشغالی متمرکز گردیده است. چون در ماه مارس ۱۹۷۸ حمله اسرائیل به جنوب لبنان، دست فلسطینیها را از شمال لبنان کوتاه کرده بود، سازمان فتح اغلب اوقات به حملات نفوذی خود از طریق دریا دست می‌یازید. عملیات این سازمان بیشتر به منظور گروگانگیری جهت تعویض، با زندانیان فدایی یا کشتار اسرائیلیها و همکاران آنها بود و میزان کشتار نیز بسیار بالا بوده است. اخیراً، سازمان فتح با تأکید بر «مبارزه مشروع مسلحانه» خود سعی در برهم زدن آرامش زندگی روزمره اسرائیلی داشته است. به این هدف نیز به وسیله بمب‌گذارهای کوچک در مکانهای عمومی دست می‌یابد. این عملیات نیز سبب کشته شدن اسرائیلیها و همکارانشان می‌گردد.

اهداف و تمایلات

(طبقه بندی نشده) سازمان فتح مهمترین و نیرومندترین گروه فدایی در سازمان آزادیبخش فلسطین

(ساف) است. (ساف یک پوشش سیاسی - قانونی است که فعالیتها را هماهنگ کرده، در تضادهای عقیدتی میانجیگری می نماید و به عنوان یک دولت در تبعید «بدون استفاده از این عنوان» عمل می کند.) فتح نماینده موضع میانه رو ساف بوده و سعی بر آن دارد تا یک دولت فلسطینی مستقل در ساحل غربی رود اردن و نوار غزه ایجاد نماید. لیکن در نوامبر ۱۹۷۷ پس از ابتکار صلح سادات نظامیگری جدید دیگری از سازمان فتح بروز کرد. در ماه دسامبر، این گروه در اجلاس برخورد و مقاومت در تریپولی شرکت جست و سوگند یاد کرد که اسرائیل را نه به رسمیت بشناسد و نه بر سر میز مذاکره با آنها بنشیند و نه از در صلح با آنها درآید. در همان حال یک اعلامیه اتحاد جداگانه فلسطینی سبب آشتی بین سازمان فتح و گروههای رادیکال تر فلسطینی که در زمره ارتدادیون درآمده بودند گردید.

(طبقه بندی نشده) در سال ۱۹۷۸، کمیته مرکزی فتح بیانیه شدیدالاحن دیگری انتشار داد که در آن خاطر نشان ساخته بود که «رخدادها ثابت کرده اند... (که) بدون زور و مبارزه نمی توان به صلحی عادلانه دست یافت. بلکه سرانجام آن تسلیم خواهد بود» و به دنبال انتشار چهارچوب صلح کمپ دیوید، کمیته مرکزی از همه فلسطینیها خواست تا «این خودمختاری پیشنهادی را به این دلیل اشغال صهیونیسم را محترم شمرده است، رد نمایند، و انتخابات در سرزمینهای اشغالی را تحریم کنند. چون نمایندگان انتخابی حافظ منافع امپریالیسم خواهند بود، و هرگونه سازش و معامله با دشمن صهیونیستی را تحت عنوان کمپ دیوید و تحت نفوذ سادات نپذیرند.»

(طبقه بندی نشده) در همان حال که سازمان فتح اعراب و فلسطینیان را به اتحاد فرامی خواند، سعی بر آن دارد که از سلطه یافتن دولتی عربی و یا گروههای چپگرا بر نهضت مقاومت فلسطین جلوگیری به عمل آورد. ناسیونالیسم بسیار شدید نیز از اصول حاکم بر این نهضت می باشد.

(طبقه بندی نشده) تحت پوشش میانه روی و با استفاده از اسم مستعار سپتامبر سیاه، سازمان فتح به بهره برداری از عملیات تروریستی بین المللی پرداخت. با وجود اینکه این سازمان مسئولیت عملیات انجام شده در اسرائیل و سرزمینهای اشغالی را به عهده گرفته و به عملیات انتقام جویانه خود در عراق مشغول است، هنوز مسئولیت هیچ یک از عملیات بین المللی در خاک بیگانه را تحت عنوان نام خود قبول نکرده است. از زمان پیدایش کمپ دیوید چند تن از رهبران فتح منافع آمریکا در خاورمیانه را مورد تهدید قرار داده اند، ولی عملاً کاری انجام نداده اند.

نیروی تقریبی

(طبقه بندی نشده) ۸/۰۰۰ تا ۱۰/۰۰۰ نفر

(طبقه بندی نشده) سازمان سپتامبر سیاه: در اوج فعالیتهای خود در سال ۷۳-۱۹۷۲ تعداد ۳۰۰ نفر

نیرو داشته است.

رهبران اصلی:

(طبقه بندی نشده) یاسر عرفات (ابوعمار). در سال ۱۹۲۹ در اورشلیم متولد گردید.

(طبقه بندی نشده) عرفات که یکی از اعضای قبیله حسینی و خویشاوند دور مفتی اعظم فقیه است در

جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ شرکت داشت. خانواده او به نوار غزه پناهنده شدند و خود او در

دانشگاه قاهره به تحصیل پرداخت و در همان جا ریاست فدراسیون دانشجویان فلسطینی را به عهده گرفت. رئیس جمهور مصر یعنی ناصر تصمیم گرفت حملات فدائیان را از نوار غزه به داخل خاک اسرائیل تحت کنترل درآورد و به این ترتیب عرفات زندانی گردید. او بعدها آزاد شد و در خدمت ارتش مصر در جنگ سوئز در سال ۱۹۵۶ شرکت جست.

(طبقه بندی نشده) عرفات به کویت رفت و با گروه کوچکی از پناهندگان فلسطینی سازمان فتح را با هسته‌هایی مخفی در جبهه آزادیبخش ملی الجزایر تأسیس نمود. در سال ۱۹۶۴ وی تمام مشاغل دیگر خود را ترک گفت تا تمام زندگیش را وقف انقلاب فلسطین سازد. وی دارای زندگی شخصی نیست. از زمان آغاز به کار در اول ژانویه ۱۹۶۵ عرفات در طرح و هدایت بسیاری از عملیات چریکی فتح دست داشت. به دلیل نبرد مسلحانه فتح و رهبری وی در این هسته بسیار فعال، عرفات توانست نظارت شدیدی بر سازمان ساف که بسیار ضعیف شده بود در سال ۱۹۶۹ اعمال نماید.

(محرمانه / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه) به خاطر استعداد دیپلماتیک و سیاسیش به عنوان رهبر مقاومت فلسطین، عرفات توانسته است جان سالم به در ببرد. تنها معیار مشخص کننده سیاست خارجی او در قبال دیگر ملل برخورد آنها با انقلاب فلسطین است. وی اساساً فردی است فاقد یک ایدئولوژی و بسیار فرصت طلب که سعی دارد با همه کشورهای عربی چه محافظه کار و چه پیشرو روابط حسنه برقرار سازد، تا از حمایت مالی، اخلاقی، دیپلماتیک و تسلیحاتی آنها جهت پیشبرد انقلاب ملی بهره برد. عرفات که میل دارد بین متحدین عربی خود فرقی قائل نشود، به فعالیتهای مستقلی نیز دست زده است که هم‌دیفان خود را بسیار عصبانی کرده است. عرفات که همیشه سعی دارد کاری انجام دهد که فلسطینیها نیز در مراحل صلح و نتایج آن شرکت داشته باشند و سوریها نیز بر نهضت مقاومت و فعالیتهای او نتوانند تسلط پیدا کنند. مدتها بعد از اینکه دیگر اعضای نهضت و دیگر افراد جهان عرب با لحنی تند با سادات و مصر برخورد می‌کردند، وی با لحن و عملی حاکی از احتیاط با این موضوع روبرو می‌شد. وی اعلامیه اتحاد میان فلسطینیها را با این ادعا که وی به عنوان رهبر ساف بالاتر از گروههاست امضا نکرد و این کار وی گویا از لحن تهاجمی اعلامیه علیه تلاشهای سادات سرچشمه می‌گیرد.

(محرمانه / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه) روابط عرفات با سوریه نیز تابع سیاست واقعی است. در مراحل اولیه جنگ ۷۶-۱۹۷۵ لبنان، که در آن سوریه به حمایت از مسیحیان دست راستی علیه مسلمان دست چپی و متحدین فلسطینی شرکت داشت، این طور به نظر می‌رسید که عرفات و حافظ اسد رئیس جمهور سوریه دشمنان آشتی ناپذیر باشند. ولی عرفات با تلاش خود نهضت مقاومت را از صحنه برخورد مسیحی / سوری کنار نگهداشت و با سوریه علیه عراق و گروههای مخالف آن متحد گردید. پیوند منافع عرفات و اسد، سبب مداومت تسلط «محافظه کارانه» عرفات بر ساف شده است.

(طبقه بندی نشده) سفر عرفات به همراه رهبر لیبی معمر قذافی به اردن در سپتامبر سال ۱۹۷۸ سبب بروز نارضایتی دیگر گروههای فلسطینی و همکاران فتح گردید که علت این نارضایتی نیز عدم مشورت با این گروهها بوده است. عصبانیت آنها به این جهت بود که درباره ملاقات با شاه حسین، فردی که مسئول اخراج هزاران چریک فلسطینی در سال ۷۱-۱۹۷۰ بود به آنها اطلاعی داده نشده بود. احیای روابط بین فلسطین و اردن که به صورت یک طرفه از جانب عرفات صورت گرفته بود هنوز هم موضوع مورد اختلاف درون فلسطین می‌باشد.

(سری / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه) در سال ۱۹۷۸، مانورهای سودجویانه عرفات در چند واقعه بعد از جنگ لبنان، مخالفت شدیدی از طرف رفقای افراطی تر وی بروز داد و باعث شد تا وی از شدیدترین بوته‌های آزمایش سیاسی موفق بیرون آید. برای اولین بار عرفات دستور داد تا علیه مخالفین درون سلسله مراتب فتح، عملیات نظامی اجرا گردد. در نتیجه، سازمان فتح به یک سری عملیات تروریستی علیه عراق دست زد. چون این کشور از سازمان ژوئن سیاه قنبری النباء که میان‌روه‌های فتح را مورد حمله قم قرار داد و به تحریک چپ‌های فتح پرداخته بود، حمایت می‌کرد. بنابراین عرفات که مهمترین حامی اتحاد بین اعراب و فلسطینیهاست به خاطر محکم کردن سلطه خود در فتح و نهضت کلی فلسطینیها با اعراب و فلسطینیها به مبارزه پرداخت. موضع رهبری که از مدتها پیش به علت مهارتهای سیاسی وی اشغال شده بود به علت پیشدستی او در به کار گرفتن زور علیه مخالفین کوچکتر محفوظ ماند. (طبقه بندی نشده) در سال ۱۹۷۸ سلسله مراتب تصمیم‌گیری ساف به وسیله دیگر گروه‌های فلسطینی که بیشتر خواهان تصمیم‌گیری به روش همکاری و «دموکراتیک» هستند مورد انتقاد قرار گرفت. با وجود اینکه از عرفات با ذکر نام یاد نشده بود، ولی روشن است که تحمیل روش محافظه کارانه در لبنان و نیز اعمال انضباطی «دیکتاتورمآبانه» او اهداف اصلی مورد انتقاد بوده است. عرفات که خود را تجسم عینی انقلاب فلسطینی می‌داند، منتقدانی را که مخالفت خود را اعلام می‌دارند، نادیده می‌انگارد. (طبقه بندی نشده) عرفات که دائماً در حال سفر است گاهی به نظر می‌رسد که از سفر به عنوان وسیله فرار از مشکلات درونی فلسطین استفاده می‌کند. اعلام رسمیت همه‌جانبه‌ای که در حمایت از ساف شده است. بیشتر مرهون مهارتهای وی در تلاش و روابط عمومی می‌باشد. او تاکنون به عنوان سرپرست یک هیئت فلسطینی چندین بار به شوروی سفر کرده است. در آوریل ۱۹۷۷، وی برای اولین بار به طور رسمی با برژنف ریاست حزب کمونیست شوروی ملاقات نمود. در ماه مه ۱۹۷۸ عرفات از شوروی به عنوان رهبر فتح دیدار نمود. خلاصه اینکه وی فقط در سال ۱۹۷۸ سه بار به مسکو سفر نمود. (طبقه بندی نشده) عرفات از تروریسم بین‌المللی حمایت نمی‌کند، چون آن را عامل مداخله‌گر در تلاش‌های دیپلماتیک برای پیشبرد آرمان فلسطین می‌داند. چون شایع شده بود که وی به هنگام کشتاری که توسط سازمان سپتامبر سیاه در خارطوم در مارس ۱۹۷۳ رخ داد در یک پایگاه مخابراتی فتح حضور داشته است، تا مدتی به شهرتش لطماتی وارد شده بود. با این وصف، عرفات اعلام می‌دارد که عملیات سازمان فتح علیه اسرائیل و مناطق اشغالی بخشی از نبرد مسلحانه مشروع فلسطینی‌هاست و اخیراً پیشنهاد کرده است که در صورتی که فلسطینیها را وادار به پذیرفتن طرح خودمختاری ساحل غربی و نوار غزه نمایند، چریکها منافع آمریکا در خاورمیانه را مورد تهاجم قرار خواهند داد. وی به یک نماینده کنگره آمریکا اطمینان داد که ایجاد یک دولت فلسطینی در قلمرو محدود باعث خواهد شد که در استفاده از روشهای خشونت بار جهت توسعه قلمرو خود محدودیت‌هایی به وجود آورد و علاوه بر این باعث خواهد شد که اسرائیل بی‌قید و شرط به رسمیت شناخته شود. نظریات عرفات و دیگر همکارانش دربارهٔ عملیات احتمالی ملی فلسطینی چندان نیز واضح نیست.

(طبقه بندی نشده) به عنوان رئیس کمیته مرکزی فتح، ریاست کمیته اجرائی ساف، و فرماندهی کل نیروهای انقلاب فلسطین، عرفات نیرومندترین رهبر فلسطینی می‌باشد.

(طبقه بندی نشده) صلاح خلف (ابوایاد). در سال ۱۹۳۳ در شهر یافا متولد شده است.

(طبقه بندی نشده) خلف در سال ۱۹۴۸ اسرائیل را به قصد نوار غزه ترک نمود. پس از آن به دانشگاه قاهره رفت و با عرفات آشنا شد و به عنوان دستیار وی در فدراسیون دانشجویی فلسطینی به فعالیت پرداخت. خلف از اولین پایه گذاران فتح است و کمکهای شایانی در تشکیل اولین هسته‌های مخفی آن نموده است. تا سال ۱۹۶۷ در کویت کار می‌کرد و پس از آن به فعالیت تمام وقت در فتح پرداخت. در سال ۱۹۷۰ خلف در اردن دستگیر شد. لیکن وساطت ناصر، رهبر مصر باعث ممانعت از اعدام وی گردید. (سری / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه / هشدار اطلاعاتی) خلف که معمولاً از او به عنوان دومین شخصیت نیرومند فتح یاد می‌شود. مطمئناً در رأس سازمان قرار دارد و احتمالاً مهمترین رهبر سازمان سپتامبر سیاه که اکنون در خفا به سر می‌برد، بوده است. او به این علت که در وطن فرصت مبارزه نبود، حامی تروریسم بین‌المللی شده بود. نام خلف در رابطه با عملیات سپتامبر ۱۹۷۲ در المپیک مونیخ، توطئه برای سرنگونی شاه حسین اردنی در اکتبر ۱۹۷۴ و تصرف سفارت مصر در مادرید در سپتامبر ۱۹۷۵ برده می‌شود. هرگاه که یکی از فرماندهان مورد اعتماد خلف سفری داشته باشد شایع می‌شود که تروریسم بین‌المللی سازمان سپتامبر سیاه هنوز پایان نیافته است.

(سری / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه و همپیمانان آنها / هشدار اطلاعاتی) خلف عملیات رباط را مستقلاً به عهده گرفت، چون کمیته مرکزی فتح در طول ۶ ماه قبل از آن عملیات وی را فاقد هرگونه نقش در ساف اعلام کرده بود. عرفات به سازمان سپتامبر سیاه دستور داده بود که عملیات خود را در سپتامبر ۱۹۷۴ متوقف سازد. بعضی از دولتهای عربی نیز که به اعتبار چپگرایانه خلف علاقه مند بودند، به قولی اصرار داشته‌اند که وی این عملیات را ادامه دهد. از طریق انجام عملیات رباط، خلف قصد داشته است ثابت کند که در رابطه با نهضت فلسطینی وی دارای قدرتی بی‌چون و چرا می‌باشد. پس از فاش شدن این توطئه و به دنبال آن چند هفته غیبت محتاطانه، خلف دوباره در مرکز ساف با نقشی مهمتر و خطیرتر ظاهر گشت.

(سری / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه و همپیمانان آنها / هشدار اطلاعاتی) خلف نیز مانند عرفات در روابط خود با دولت‌های عربی و گروههای فلسطینی مستقل و با انعطاف پذیری عمل می‌کند. وی اولین شخصیت فلسطینی بود که با رهبر لیبیایی یعنی قذافی تماس برقرار ساخت و چندین بار کمکهای مالی و تسلیحاتی از وی دریافت نمود. پس از کناره‌گیری از قذافی، احتمالاً خلف با عناصر رهبریت مصر ارتباطی برقرار کرده است. پس از آن به اتحاد با سوریه دست زد: وی نقش بسیار مهمی در مذاکرات سوریه و لبنان ایفا کرد و به حمایت از مخالفت سوریه علیه ابتکار (صلح-م) سادات پرداخت و خواستار سرنگونی رئیس جمهوری مصر گردید.

(طبقه بندی نشده) در بهار سال ۱۹۷۸ به هنگام بروز مشاجرات درونی فتح وی رفتار مشابه دیگری نیز بروز داد. اصولاً در ماه آوریل خلف با همکاری با نیروهای سازمان ملل که می‌خواستند عقب‌نشینی اسرائیل را سهولت ببخشند، مخالفت ورزید. ظاهراً وی از چپهای فتح که می‌خواستند به اسرائیل به هنگام عقب‌نشینی حمله نمایند، حمایت می‌کرد. هنگامی که عرفات و دیگر متحدینش با چپها برخورد قاطع نشان دادند، او نیز به جای مخالفت، به تأیید میانه‌روهای مسلط پرداخت و مشکلات فتح را به گردن «عراقیهای خرابکار» انداخت و به طور موقت از لبنان خارج شد و پس از خاتمه طوفان دوباره مراجعت نمود.

(طبقه بندی نشده) اخیراً، خلف در لبنان نقش واسطه یا میانجی را ایفا می‌کرده است: وی برخلاف تمایل رادیکال‌های فلسطینی با نخست وزیر لبنان ملاقات نمود و خواستار تشکیل اجلاسی بین نمایندگان ساف و راست‌گرایان لبنان گردید. خلف اظهار داشت که فلسطینیها و لبنانیها هر دو در این بحران لبنان درگیر هستند و این جنگ نیز به وسیله آمریکا ترتیب داده شده، تا ساف نابود شود.

(طبقه بندی نشده) تمایل خلف به اشاعه افکار و اعمال به طرقي که عرفات «دیپلمات» و یا «سیاستمدار» اصلاً موافق آنها نیست، سبب شده است که عرفات از این وضع کاملاً بهره‌برداری نماید. در اجلاس تریپولی در سال ۱۹۷۷ خلف بود که به جای عرفات اسناد رسمی سازمان فتح را امضاء کرد و به این وسیله خود را از همکاری با مرتدین مبرانمود. ولی چون در سازمان فتح خلف نیز دارای پایگاه قدرت مخصوص به خودش می‌باشد و منابع مالی مخصوص به خود نیز دارد، عرفات سعی دارد به نحوی بر عملیات وی کنترل و نظارت اعمال نماید.

(طبقه بندی نشده) یاداشتهای خلف، به صورت کتابی به نام فلسطینی آواره در فوریه سال ۱۹۷۸ منتشر گردید.

(سری / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه و همپیمانان آنها / هشدار اطلاعاتی) خلف رئیس دفتر امنیتی متحده و نیز عضو کمیته مرکزی سازمان فتح می‌باشد.

(طبقه بندی نشده) خلیل ابراهیم الوزیر (ابوجهاد). در سال ۱۹۳۱ یا ۱۹۴۱ در غزه متولد گردیده است. (?)

(سری / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه) وزیر که مردی است کم سروصدا و معمولاً دور از انظار عموم به سر می‌برد با خواهر عرفات ازدواج کرده است و یکی از مؤسسين اصلی سازمان فتح می‌باشد. وی آموزشهای نظامی خود را در جمهوری خلق چین دیده است و به عنوان کلنل در ارتش آزادیبخش فلسطین خدمت می‌کرده است. وی همیشه عضو یکی از هیئت‌های نمایندگی فتح در سفر به چین بوده و به دیگر کشورهای کمونیستی آسیا نیز سفر کرده است. وزیر در ژوئیه سال ۱۹۷۵ به سرکردگی یک هیأت بسیار نیرومند از طرف ساف به چین سفر کرد تا علاوه بر مستحکم کردن روابط، سلاح و دیگر حمایت‌های لازم را از آنجا به دست آورد.

(سری / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه) علاوه بر همبستگی بسیار نزدیک وی با عرفات، وزیر از جهت نقشی که در عملیات و امور نظامی عهده‌دار است در سازمان فتح دارای اهمیت است. زمانی، وی مسئول گردآوری سلاح و مواد برای فتح بود. بنابه گزارشات رسیده وی در سالهای ۷۳-۱۹۷۲ رهبر مهم سازمان سپتامبر سیاه بوده است. در حال حاضر، وی عضو کمیته مرکزی فتح و رئیس دفتر امور غربی این سازمان که بر عملیات درون اسرائیل و مناطق اشغالی نظارت دارد بوده و نیز فرمانده العاصفه که شاخه نظامی فتح است می‌باشد. وزیر شخصاً مسئول طراحی و نظارت بر آموزش در مورد عملیات هتل ساووی تل آویو در مارس ۱۹۷۵ و تروریسم در جاده بین تل آویو-حیفا در مارس ۱۹۷۸ بوده است.

(طبقه بندی نشده) وزیر که به عرفات وفادار است ظاهراً از مواضع محافظه کارانه ریاست فتح حمایت کرده و از نیروهای العاصفه جهت سرکوب مخالفین فتح در آوریل ۱۹۷۸ استفاده کرد و مسئول تلاشهایی در به وجود آوردن تسلط راست‌گرایان فلسطینی در جنوب لبنان در اواخر همان سال می‌باشد.

(طبقه بندی نشده) در تاریخ دهم اکتبر ۱۹۷۸ یک بمب الکترونیک در کنار جاده‌ای که وی از طریق

آن در حال سفر بود، منفجر گردید و شیشه جلوی ماشین وی را در هم شکست، ولی وزیر از چنگال مرگ گریخت.

(سری / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه) چون پایگاه قدرت وزیر به عنوان بخشی لاینفک از ساخت سازمان فتح نگریسته می شود، همه او را به عنوان دومین شخصیت نیرومند فتح می شناسند و رقیب بالقوه‌ای برای خلف به شمار می رود.

سوابق:

(طبقه بندی نشده) سازمان فتح که در اوائل دهه ۱۹۵۰ توسط تبعید شدگان فلسطینی در کویت تشکیل شد، در سال ۱۹۵۹ وارد صحنه شد و دست به یک سری شیخونهای کماندویی در اسرائیل در تاریخ اول ژانویه ۱۹۶۵ زد. پس از جنگ شش روزه سال ۱۹۶۷، فتح به سرعت رشد یافته دیگر سازمانهای فدائی را تحت الشعاع قرار داد. در سال ۱۹۶۹ یاسر عرفات رهبر سازمان فتح ریاست ساف را نیز به عهده گرفت.

(طبقه بندی نشده) حملات تلافی جویانان اسرائیل باعث شد تا نبرد ۱۹۶۸ در کرامه درگیر شود که در آنجا فتح به مدت ۳ روز با حمایت ارتش اردن با اسرائیل به جنگ پرداخت. لیکن در سال ۱۹۷۰، در نتیجه عملیات تروریستی که همیشه در اردن پایان می پذیرفت اردنیا حضور فلسطینیها را خطری علیه رژیم خود به حساب آوردند. در تابستان ۱۹۷۰ (سپتامبر سیاه) و ۱۹۷۱ همه سازمانهای چریکی فلسطینی به زور از اردن اخراج گردیدند و اکثر دفاتر و فعالیتها به لبنان منتقل گردید.

(طبقه بندی نشده) چون انجام عملیات علیه اسرائیل از درون کشورهای عربی مجاور دچار محدودیت روز افزون شده بود، سازمان فتح در نوامبر ۱۹۷۱ توسط سازمان سپتامبر سیاه با به قتل رساندن نخست وزیر اردن به تروریسم بین المللی دست زد.

(طبقه بندی نشده) پس از جنگ خاورمیانه در اکتبر سال ۱۹۷۳ سازمان فتح اهداف خود را قدری سبک و سنگین نمود و اینچنین به نظر می رسید که این سازمان پذیرفته است که دیگر به هیچ وجه امکان ندارد بتوان تمام منطقه فلسطینی مذکور در قرارداد انگلیسی - فلسطینی را با نبرد مسلحانه همان طور که در منشور ملی فلسطین آمده آزاد ساخت. به رهبری سازمان فتح، ساف به صدور یک دستور کار دست سازد و اهداف زمینی محدود خود را بیان داشت و اظهار نمود که مایل است در کنفرانس صلح ژنو حضور به هم رساند. (آن تعداد از گروههای فدائی که طرح ۱۹۷۴ ساف / فتح را قبول نکرده بودند در زمره ارتدادیون درآمدند.)

(سری / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه و همپیمانان آنها / هشدار اطلاعاتی) پس از جنگ نیز عملیات نظامی فتح علیه اسرائیل محدود به عملیات نفوذی از طریق لبنان گردید و لبنان نیز متحمل عملیات تلافی جویانه اسرائیل گردید.

مشاجرات پیشین فلسطینی لبنانی بر سر چنین عملیاتی نیز به وسیله معاهده قاهره در سال ۱۹۶۹ و پروتکل ملکارت در ۱۹۷۳ تخفیف داده شد. هدف این قراردادها نظم بخشیدن به حضور فلسطینیها در لبنان بود، لیکن سبب شد که لبنانیها نیز از طریق بازگذاشتن مرزهایشان جهت انجام عملیات کماندویی درگیر شوند. به همین جهت، فلسطینیها نیز مدعی هستند که قرارداد قاهره حق آنها در باقی ماندن در

جنوب لبنان را مشروعیت بخشیده است. در نتیجه مشکلات چند برابر شد چون حضور فلسطینیها در لبنان تعادل نظام سیاسی فرقه‌ای لبنانیها را به خطر می‌انداخت و سبب بروز جنگی در آوریل ۱۹۷۵ گردید. سازمان فتح نیز دوشادوش نهضت ملی لبنان (مسلمان، چپی) جنگید، شبه‌نظامیان این نهضت را مسلح کرده آموزش داد و در بعضی از آنها نیز علاوه بر شرکت در مبارزه به رهبری پرداخت. نیروهای امنیتی فتح فرمانده پادگان بیروت را تحریک کردند تا به «کودتا از طریق تلویزیون» در مارس ۱۹۷۶ دست بزنند. در ژوئن ۱۹۷۶ با پیوستن به مسیحیان راستگرا وارد صحنه گردید. فلسطینیها برای حفظ آخرین جبهه‌ای که هم‌مرز وطنشان بود جنگیدند.

در اکتبر ۱۹۷۶، اجلاس عربی ریاض نقش سوریه را مشروعیت بخشید، ولی مانع از آن شد که سوریه در لبنان و در نهضت فلسطین نقش مسلط را داشته باشد. معذالک فلسطینیها وارد شدند تا به دستورات سوری (عربی) تن در دهند.

(سری / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه /.../...) علیرغم آتش‌بس و نیروهای بازدارنده عربی در لبنان، گاه و بیگاه حملاتی نیز رخ می‌داد. گاهی نیز سازمان فتح برای جلوگیری از اعمال تحریک‌آمیز ارتدادیون و در نتیجه اوج گرفتن جنگ دست به عملیاتی می‌زد و زمانی دیگر نیز با ارتدادیون در جنگ علیه شاخه صاعقه و نیروهای بازدارنده تحت فرمان سوریه شرکت می‌جست تا اتحاد و قاطعیت فلسطینیها باقی ماند.

با تداوم جنگ، تضاد بین مسیحیان تحت‌الحمايه اسرائیل و سوریها و نیروهای بازدارنده یا فلسطینیها بسیار آشکار گشت و عملیات فتح، قابل تمایز از عملیات دیگر نهضتهای مقاومت نگردید.

(طبقه بندی نشده) در ژوئیه سال ۱۹۷۷ قرارداد اشتوره جهت آرام ساختن اوضاع از طریق تعیین مدت زمانی جهت اجرای معاهده قاهره ۱۹۶۹ و تنظیم حضور فلسطینیها برای بار دیگر در لبنان منعقد گردید. این طرح خواستار عقب‌نشینی فلسطینیها از نقاط غربی و مرکزی جنوب لبنان و ایجاد یک نوار امنیتی در طول مرز اسرائیل گردید. مشروط بر اینکه این نوار به وسیله نیروهای ارتش لبنان پاسداری شود. ولی تا نوامبر همان سال معلوم شد که قرارداد اشتوره نیز قابلیت کاربرد ندارد. ارتش ناتوان لبنان نمی‌توانست نقش خود را در جنوب ایفا نماید و فلسطینیها نیز از عقب‌نشینی کامل و ایجاد یک خلأ در جبهه امتناع می‌ورزیدند. علاوه بر اینها به علت ابتکارات سادات سوریه نیز از ساختن به همکاری فلسطینیها با توسل به زور خودداری کرد. خشونت‌های مرگباری که تا مارس ۱۹۷۸ ادامه داشت، نشانه وجود یک بن‌بست بود.

(طبقه بندی نشده) ابتکار سادات نیز تأثیراتی بر موضع فلسطینیها در لبنان، وحدت درونی فتح، و روابط فتح با دیگر گروه‌های فلسطینی و دولتهای عربی به خصوص عراق، بر جای نهاد. در اعتراض به ابتکار صلح سازمان ژوئن سیاه در فوریه ۱۹۷۸ سردبیر ال‌ا‌ه‌رام، یوسف الصیبا به را که دوست صمیمی پرزیدنت سادات مصری بود به قتل رسانده، به گروگانگیری دست زد و هواپیمایی را در نیکوزیا در قبرس ربود.

(طبقه بندی نشده) سازمان فتح که مایل نبود دیگر مخالفین ابتکار صلح با عملیات خود، گوی سبقت را از وی بریابند، در مارس ۱۹۷۸ در جاده تل‌آویو - حیفا به یک سری عملیات مبادرت ورزید. به عنوان تلافی نیروهای دفاعی اسرائیل به لبنان هجوم آوردند تا جنوب رودخانه لیطانی را از وجود پایگاه‌های

چریکی پاک سازند. فلسطینیها نیز که منتظر چنین حمله‌ای بودند به عقب‌نشینی منظم مبادرت ورزیده و از نقاط استراتژیک پیشروی اسرائیل را متوقف ساختند. فلسطینیها توانستند نیروهای اسرائیلی را در مدت زمان خیلی بیشتر از آنچه که نیروهای مصری در ۱۹۵۶ و نیروهای مرکب عربی در ۱۹۶۷ توانسته بود متوقف سازند. بنا به گزارشات خسارات فلسطینیها حدود نیمی از آنچه بود که قبلاً پیش‌بینی شده بود. به عبارت دیگر فلسطینیها از نظر خودشان پیروز شده بود.

(محرمانه / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه) حمله اسرائیل سبب به وجود آمدن نیروهای میانجیگر سازمان ملل و قرار گرفتن آنها بین مرز اسرائیل و فلسطینیها گردید. عرفات از ساف خواست تا از تلاشهای نیروهای میانجیگر سازمان ملل که عقب‌نشینی اسرائیل از لبنان را سهولت می‌بخشید، حمایت نمایند. لیکن فلسطینیها مصرانه اعلام می‌داشتند که هیچ یک از قطعنامه‌های سازمان ملل و یا مفاد نیروهای میانجیگر این سازمان قادر به تغییر قرارداد قاهره نمی‌باشد؛ و بنابراین آنها از حق بازگشت خود به جنوب دست برنخواهند داشت. لیکن فلسطینیها بر سر زمان بازگشت به آنجا با یکدیگر به مخالفت برخاستند. چپ‌گرایان سازمان فتح و گروههای ارتدادیون به عملیات علیه نیروهای اسرائیلی در حال عقب‌نشینی دست زدند و سعی کردند همکاری عرفات با نیروهای میانجیگر سازمان ملل را با حمله به نیروهای این سازمان از اعتبار ساقط سازند.

(طبقه بندی نشده) یک هفته قبل از حمله اسرائیل، عرفات سعی کرد علیه مخالفین با تمام قوا اقداماتی انجام دهد. کلنل علی سلیم حمد (ابوسعید) سرکرده گروه ضربتی فتح به نام الثورة (فتح انقلابی) به اتهام تلاش جهت به قتل رساندن عرفات و ربودن یک هواپیمای عربی در ۱۹۷۷ به طور مرموزی به دام افتاد. ابوسعید در مقایسه با دیگران فقط یک حرکت جزئی در برابر محافظه کاران فتح نشان داده بود.

(طبقه بندی نشده) آتش مخالفتهای شدیدتر هنوز در زیر خاکستر پنهان بود. در جنگ لبنان، به فرماندهان فتح قدرت و اختیارات مستقل در واحدهای نظامی شان اعطا شده بود. یکی از چپ‌گرایان فتح به نام محمد داود عوده (ابوداود) سعی کرد تصمیم عرفات در قبال نیروهای میانجیگر سازمان ملل و جنوب لبنان را نادیده گرفته عملیات را تا آن سوی مرزهای اسرائیل ادامه دهد. وی حدود ۱۲۰ تن که اکثرشان عضو سازمان ژوئن سیاه بودند را گرد خود جمع کرد و تصمیم گرفت که به اسرائیلیها حمله نماید. عرفات دستور دستگیری آنها را صادر کرد و مبارزه‌ای در گرفت. محمد صالح (ابوصالح) و مجید ابوشراهه به طور همصدا و صالح خلف به طور ضمنی از داود و متحدش ناجی آلوش اعلام حمایت کردند. عرفات نیز از طرف خلیل الوزير و هایل عبدالحمید حمایت شد و وزیر، حمله به افراد داود را فرماندهی نمود. پس از درگیری یک سری عملیات درون گروهی دیپلماتیک و اجلاسهای پشت سر هم فتح، بیانیه سیاسی کمیته مرکزی در سوم ماه می صادر شد و به چشم‌پوشی از اختلافها ولی مقصر شناختن شبه نظامیان منجر گردید. اکثر دستگیر شدگان آزاد گردیدند.

(طبقه بندی نشده) لیکن عرفات به تلاش خود برای ایجاد نظم و انضباط در سازمان فتح و نهضت مقاومت فلسطین ادامه داد. در ماه می ۱۹۷۸ وی سعی کرد فرماندهان نظامی همپیمان با صالح و خلف را برکنار سازد. با واگذاری مسئولیت تصمیم‌گیری پیرامون شرایط نظامی در لبنان به وزیر از صدور فرامین نظامی مستقل جلوگیری به عمل آورد. در ماه ژوئن، عرفات دستور تشکیل یک اجلاس انقلابی فوق‌العاده را صادر کرد که در طی آن دو تن از فلسطینیها را به جرم خیانت در امور حفاظتی به اعدام محکوم نمودند.

داود این عمل اجلاس را محکوم شمرد و اعلام کرد که آن دو «شهید» از زمره دستگیر شدگان در ماه آوریل بوده‌اند.

(طبقه بندی نشده) با مشاهده مشاجرات درونی فتح، جبهه ارتدادی و جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین بیانیه‌ای مشترک صادر کردند و طی آن حمله به نیروهای داود و مقابله‌های نظامی بین گروه‌های فلسطینی را به این بهانه که دشمن را دلگرم می‌سازد، محکوم نمودند. همین گروه‌ها به تصمیمات عرفات در قبال جنوب لبنان اعتراض کرده و پیشنهاد کردند که فرماندهان کل همه گروه‌ها و نمایندگان کمیته مرکزی فتح و دیگر عناصر ناسیونالیست، رهبریت انقلاب فلسطینی را به دست گیرند. ولی عرفات نیز با یک ضدپیشنهاد مبنی بر اینکه یک ارتش خلقی با فرماندهی مرکزی در لبنان ایجاد شود تا بر اجزاء مختلفه نهضت مقاومت نظم و انضباط حاکم سازد، پیشنهاد آنها را خنثی نمود.

(طبقه بندی نشده) عرفات نه تنها با سازمان فتح و دیگر ارتدادیون فلسطینی، بلکه با رژیم‌های حامی آنها چون رژیم عراق نیز برخورد می‌نمود. پس از ۱۹۷۶ زمانی که عراق به تلاش اجلاس ریاض مبنی بر تحمیل صلح در لبنان اعتراض نمود، وی (عرفات) از بغداد بازدید نمود. عراقی‌ها هرگونه صلح با اسرائیل را رد می‌کنند و خواهان ادامه جنگ علیه دولت یهود از لبنان به هر قیمتی که شده می‌باشند. آنها بخصوص نسبت به کنار آمدن عرفات و حافظ اسد سوری و رژیم رقیب بعثی خود مظنون بودند. در پاییز ۱۹۷۶ عراق با توسل به سازمان ژوئن سیاه دست به یک سری عملیات خرابکارانه علیه سوریه زد. در سال ۱۹۷۸، فرستادگان و دفاتر خارجی ساف / فتح هدف عملیات تروریستی تحت حمایت عراق قرار گرفت و یک سری عملیات با کشتار محافظه کار ساف سعیدحمادی در لندن در ژانویه ۱۹۷۸ آغاز گردید. سازمان فتح و ساف پیرامون ارتباط عراق با این عملیات سکوت اختیار کردند تا اینکه در ژوئن ۱۹۷۸ ریاست دفتر ساف در کویت نیز به قتل رسید. در ژوئیه، کمیته اجرائی ساف یادداشتی به دولت عراق فرستاد و از آن دولت خواست تا البناء رهبر سازمان ژوئن سیاه را تحویل داده، ایستگاه رادیویی وی را تعطیل نماید. ساف «مایل بود که عراق به جای اینکه پایگاهی برای نابودی انقلاب فلسطین باشد، پایگاهی برای استمرار انقلاب فلسطین باقی بماند».

(طبقه بندی نشده) سازمان فتح که دچار تنگنا شده بود، در برابر عملیات و کشتار خرابکارانه تحت حمایت عراق آن کشور را با عملیات تلافی جویانه مورد تهدید قرار داد. در ماه ژوئیه و اوت و سازمان فتح یک رشته عملیات تروریستی را علیه عراق در کشورهای انگلستان گرفته تا پاکستان به مرحله اجرا گذاشت. و همزمان، این سازمان با چند گروه ارتدادی تحت الحمایه عراق از قبیل جبهه آزادیبخش عربی، جبهه پایداری ملی، و جبهه آزادیبخش فلسطین در لبنان برخوردهای شدیدی نمود. سازمان فتح حتی به دفاتر ارتدادیون در لیبی نیز حمله کرد.

(طبقه بندی نشده) سفیر الجزایر در لبنان از طرف رئیس جمهور الجزایر بومدین به وساطت پرداخت. عرفات موافقت کرد که تمام تبلیغات خود را متوقف ساخته، همه عملیات و حملات تروریستی خود را علیه سازمانهای ارتدادی در لبنان پایان بخشیده و به مذاکره مستقیم بین ساف و عراق تن در دهد. پس از انفجار عظیمی که در اواسط ماه اوت در بیروت در یکی از پایگاههای مشترک فلسطینیها صورت گرفت، نمایندگان فتح و نمایندگان همه دیگر گروههای فدائی به اجلاسهای دوجانبه وارد شدند موافقتنامه کمپ دیوید نیز در ماه سپتامبر آشتی میان آنها را تسریع نمود، چون آنها متوجه شدند که ایجاد یک جبهه

متحد عربی جهت مخالفت با صلح مصر و اسرائیل از هر مسئله و مشاجره دیگر ضروری تر می باشد. در سرتاسر پاییز رهبران فلسطینی جهت اتحاد، با یکدیگر ملاقات نمودند و یک حسن تفاهم میان سوریها، عراقیها و فلسطینیها در نتیجه این گردهماییها ظاهر گشت. تنها صدای اعتراض از طرف جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطینی در رابطه با عمل اردن در ماه نوامبر به عنوان مخالفت شدید، بلند شد.

(طبقه بندی نشده) انتظار می رفت که اجلاس شورای ملی فلسطین در ژانویه ۱۹۷۹ «آغازی برای یک اتحاد پر سروصدا» باشد، ولی بیشتر به صورت تلاشی برای کسب قدرت درآمد. برای اولین بار سازمان فتح در این اجلاس شورای ملی فلسطین شرکت جست و در آن حتی یک گروه دیگر فلسطینی با وی متحد نشد، بقیه که در نتیجه اختلافشان علیه فتح متحد شده بود در ساف نقش مسلط یافته بودند. رهنمود گروههای ارتدادی، بخصوص جبهه مردمی آزادیبخش فلسطین به کمیته اجرائی هدف اصلی اجلاس شده بود. ولی فتح هر گونه فرمول دوباره سازماندهی را رد کرده، می خواست به جای عضویت گرفتن نمایندگان ارتدادیون که باعث کاهش قدرتش می شد، تعداد نمایندگان خود را در کمیته اجرائی افزایش دهد. گروههای دیگر نیز مصرانه از پذیرش آن انکار می کردند و در پایان، کمیته اجرائی ترکیب قبل از اجلاس شورای ملی فلسطین را که به نفع فتح بود، حفظ نمود. یکی دیگر از نتایج نافع به حال فتح تصاحب منافع مادی از طریق این اجلاسها بود. چون فتح مایل بود که منابع مادی از طریق نهادهای تحت کنترل ساف توزیع گردد. در حالی که دیگران مایل بودند این توزیع براساس ویژگیهای گروهی انجام گردد. ولی اکنون کمیته اجرائی راهی بین نهادها و سازمانها را اختیار خواهد کرد؛ و سازمان فتح نیز بر این کمیته اجرائی تسلط دارد.

(طبقه بندی نشده) شورای ملی فلسطین، بیانیۀ عرفات به اردن را که از شاه حسین خواسته است که اجلاس بغداد را که در آن ساف به رسمیت شناخته شده و به عنوان تنها نماینده فلسطینها در درون و بیرون از مناطق اشغالی پذیرفته است به دیده احترام بنگرد، مورد تصویب قرار داد. فتح استدلال می کند که گفتگوهای دو جانبه با اردن برای دور نگهداشتن این کشور از قرارداد صلح ضروریست، یعنی دیپلماسی به خاطر دیپلماسی. دیگر گروههای فدائی خواستار نتایج واقعگرایانه تر از قبیل پایگاه، دفاتر و حق عضوگیری در اردن هستند، در حالی که با این نحوه تسلیم آنها معتقدند که فقط از نظر سیاسی چیزهایی به دست خواهند آورد. روابط فلسطینی - اردنی هنوز هم در جوامع فلسطینی، ضد و نقیض است.

(طبقه بندی) به طور کلی، ممکن است فلسطینیها و نیز فتح یک ارزیابی مثبت از اجلاس شورای ملی فلسطین بنمایند. این اجلاس بالاخره سبب شد که گروههای دارای تضاد فلسطینی به تلاشها و مباحثاتی جهت رسیدن به اتحاد دست بزنند. در اواسط فوریه ۱۹۷۹، خطر یک صلح خاورمیانه آرامش را به درون فلسطینیها بازگرداند.

(محرمانه / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه) برای سازمان فتح افکار صلح آمیز می تواند، محرک افکار تروریسم بین المللی باشد. در نوامبر ۱۹۷۸ بنابه گزارشات رسیده به سازمان سپتامبر سیاه دستور داده شده بود تا به تجدید حیات هسته های خود در اروپا بپردازد. عدم کفایت اطلاعات موجود، با این وصف مانع از آن است که بتوان درباره میزان خطرات تروریستی از این منبع نتیجه گیری کرد.

فنون و روشهای عملیاتی

(محرمانه) اصولاً سازمان فتح سعی دارد عملیات خود را در اسرائیل و سرزمینهای اشغالی با نفوذ از خشکی و نفوذ فزاینده از طریق دریا متمرکز سازد. مأموریتهای اصلی آنها اغلب گروگانگیری بود تا آنجا را به موقع با فداییانی که در زندانهای اسرائیل به سر می‌برند معاوضه سازند و کشتار اسرائیلیها نیز شامل این مأموریتها نیز می‌شود.

حملات دراماتیکی که توسط سازمان فتح در اسرائیل صورت می‌گیرد، سبب می‌شود که این سازمان در میان دیگر گروههای چریکی که به خطر شدیدتر درگیری با دشمن در خاک دشمن در مقایسه با حملاتی که در قلمرو بین‌المللی انجام می‌شود واقف هستند، موقعیت بسیار مهم خود را حفظ نمایند. معمول تر از همه مأموریتها این است که نفوذ کنندگان و تروریستهای مناطق اشغالی، اعرابی را که به همکاری با اسرائیلیها پرداخته‌اند، یا مؤسساتی چون تبادل کارگر و وسایط نقلیه‌ای را که کارگران فلسطینی حمل می‌کنند و در رابطه با حاکمیت اسرائیل هستند، مورد حمله قرار می‌دهند. بمب‌گذاری و حملات موشکی بسیار مورد حمایت قرار می‌گیرند، در حالی که بمب‌گذاری در بازارهای شلوغ انجام می‌شود و هدف حملات موشکی نیز یهودی‌نشینهای شمال اسرائیل می‌باشند. در اواخر ۱۹۷۸ تعداد حملات تروریستی علیه یهودی‌نشینهای اسرائیلی ساحل غربی به شدت فزونی یافت. حتی اگر در اثر این حملات مناطق غیرنظامی نیز مورد اصابت قرار گیرد، سازمان مدعی می‌شود که اهداف وی تنها مناطق غیرنظامی بوده و می‌باشد.

(طبقه بندی نشده) سازمان فتح را مسئول اکثر وقایعی که در اسرائیل و مناطق اشغالی رخ می‌دهد می‌دانند و آن را با نام کلی ساف شناسایی می‌کنند.

(محرمانه) با وجود اینکه چند سال است که سازمان سپتامبر سیاه، کاری انجام نداده است، هنوز هم گزارشاتی مبنی بر آغاز عملیات توسط آنها دریافت می‌گردد. سازمان سپتامبر سیاه در روزهای اوج عملیات خود بیشتر از کارهای دراماتیک مرکب از فعالیتهای مختلفی چون کشتار، هواپیماربایی، گروگانگیری و خرابکاری حمایت می‌کرد. در این گونه عملیات مقامات و عمال اسرائیلی در خارج، مراکز تجاری یهودیان، شرکتها و پایگاههای غربی و اردنیها معمولاً اهداف اصلی را تشکیل می‌دادند. طرح مأموریتهای سازمان سپتامبر سیاه به دقت ریخته می‌شد و نیروی انسانی لازم برای انجام این مأموریتها نیز از میان افراد تحصیل کرده‌ای که معمولاً به چند زبان آشنایی داشته و از سلسله مراتب گروههای چریکی مختلف به شمار می‌رفتند و یا از میان هواداران آنها برگزیده می‌شدند. این افراد منتخب آموزشهای ویژه می‌دیدند و اسناد جعل شده‌ای دریافت می‌داشتند و معمولاً از طریق بیروت پس از طی یک مسافرت پیچیده و گمراه کننده به مقصد اعزام می‌شدند. افراد عملیات سازمان سپتامبر سیاه در بعضی موارد حتی نمی‌دانسته‌اند که هدف نهائی آنها کدام است و یا حتی در ابتدای امر واقف نبوده‌اند که به یک مأموریت انفرادی اعزام گشته‌اند. فقط به هنگام رسیدن به مقصد درباره‌ی طرح موجود توجیه می‌شده و به آنها اسلحه تحویل داده می‌شده است.

طبقه بندی نشده

ناظران تروریسم اظهار می‌دارند که مبارزات ضدعراقی سازمان فتح در تابستان ۱۹۷۸ فاقد

پیچیدگی عملیات مربوط به سازمان سپتامبر سیاه بوده است.

سازمان

(محرمانه) کمیته مرکزی با یازده عضوی که هر یک وظیفه‌ای به عهده دارند و عرفات مسئولیت‌هایی به آنها واگذار می‌کند، هفته‌ای یک بار جلساتی تشکیل می‌دهد و ساخت هرم مانند سازمان فتح را تشکیل داده بر کمیته‌های منطقه‌ای موجود در هر یک از اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی نظارت و حاکمیت خویش را اعمال می‌کند. شورای انقلاب که دارای ۱۲۰ عضو می‌باشد، یک هیأت میانجیگر بسیار نیرومند است که کنترل مخارج و نظارت بر کارآیی سازمانهای اداری سازمان فتح را عهده‌دار می‌باشد. شورای عمومی بزرگتر، نوعی پارلمان است که به طور نامنظم اجلاس‌هایی تشکیل می‌دهد. هر منطقه دارای یک واحد مربوط به خود است که هیئت‌های سیاسی و نظامی و مرکز اطلاعات مخصوص به خود را نیز دارا می‌باشد. هسته‌ها در قاعده هرم جای گرفته‌اند که دربرگیرنده هر آردوی آوارگان فلسطینی، دانشگاه‌های شامل دانشجویان فلسطینی و کارخانه‌های دربرگیرنده کارگران فلسطینی می‌شوند. العاصفه، بازوی نظامی سازمان فتح بود و دربرگیرنده هنگ یرموک که به گردان و گروهان تقسیم‌بندی می‌شود و نیز دربرگیرنده نیروهای القسطال و کرامه که به واحدهای عملیاتی تقسیم‌بندی شده‌اند می‌گردد.

(سری / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه) دفتر شماره ۱۷ سازمان امنیتی ویژه عرفات است که مسئولیت آن تأمین امنیت شخصیت‌های مهم سازمان فتح می‌باشد. به عقیده بسیاری، عرفات از دفتر شماره ۱۷ به عنوان یک وسیله جاسوسی درون سازمانی و احتمالاً به عنوان نیروی ضربتی علیه مخالفین سیاسی خود سود می‌جوید.

(محرمانه) عناصر سازمان سپتامبر سیاه معمولاً تشکیل هسته‌های پنج نفره را می‌دادند؛ که چهار نفر آنها مجریان عملیات بوده و نفر پنجم بین هسته‌های خود با دیگر هسته‌های سری رابطه ایجاد می‌کرده است. تنها رهبر سازمان بود که باید رهبران دیگر هسته‌ها را می‌شناخت و یا با آنها تماس می‌گرفت. بسته به شرایط موجود حجم هسته‌ها گسترش یا کاهش می‌یافت. در ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ هسته‌ها و یا تیمهای ۱۵ نفره نیز عملیات را به مرحله اجرا می‌گذارند.

قرارگاهها / پایگاهها

(طبقه بندی نشده) قرارگاه سازمان فتح در غرب بیروت است. فدائین آژانسهای مساعدت مالی و کار سازمان ملل اردوگاههای آوارگان واقع در لبنان و سوریه را تحت کنترل قرار داده و از آنها برای ایجاد دفاتر و دادن آموزش استفاده می‌کند.

(طبقه بندی نشده) منطقه ارغوب که صد میل مربع مساحت داشته و در جنوب لبنان قرار دارد، به عنوان سرزمین فتح مشهور است. هدف اصلی حمله اسرائیل در مارس ۱۹۷۸ این بود که چریکها را از این منطقه و دیگر مناطق مرزی بیرون رانده و به ایجاد یک کمربند ایمنی مرکب از مسیحیان لبنانی در مجاورت مرز اسرائیل مبادرت ورزد. اسرائیلیها موفق شدند مرکز فعالیت‌های چریکی را به منطقه‌ای در شمال بین‌رودخانه ظهرانی و لیتانی بکشانند. در جنوب رودخانه لیتانی فلسطینیها فقط توانستند یک منطقه پیشین خود را که تایر نام داشت، حفظ نمایند. بندر تایر که به وسیله سازمان فتح کنترل می‌شود

مهمترین منطقه‌ای است که فدائیان از طریق آن در لبنان سلاح به دست می‌آورند. (محرمانه / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه) سازمان فتح و دیگر شبه نظامیان فلسطینی که در ۱۱ ماه گذشته نتوانسته‌اند فعالیت چندانی نشان دهند، بیشتر در تلاش بوده‌اند که برای بار دیگر در جنوب لبنان مستقر شوند. این تلاش با افزایش جمعیت اردوگاه‌های آوارگان رشیدیه، برج‌الشمالی، و الباس در اطراف تار همراهِ و آغاز شده است. اسرائیلیها اظهار داشته‌اند که در اردوگاه رشایا الفخار در شرق اردوگاه‌های غنا و صدیقین در غرب فعالیتهای چریکی باز هم تجدید شده است. همان طوری که مشاهده می‌شود فلسطینیها اصرار دارند که مفاد عهدنامه قاهره حق آنها را در دست یافتن به منطقه مرزی تأمین نماید؛ ولی همکاری آنها با نیروهای میانجیگر سازمان ملل در لبنان سبب شده است که آنها نتوانند به این حق خود دست یابند.

(سری / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه و همپیمانان آنها / هشدار اطلاعاتی) فعالیتهای اسرائیلیها در مارس ۱۹۷۸ نابودی بسیاری از پایگاههای فلسطینیها و سازمان فتح از قبیل مناطق آموزشی، پایگاههای فرماندهی مغازه‌ها و دفاتر واقع در دیگر نقاط لبنان را فراهم نیاورد. بلکه احتمالاً موجب تقویت آنها شد تا در آینده به تلافی و جبران شکستهای وارده در جنوب لبنان بپردازند. فلسطینیها در منطقه الدامور و نبطیه فرودگاههای اضطراری و دیگر تسهیلات مربوط به خود را دارا هستند. تسهیلات واقع در این مناطق در برگیرنده قرارگاههای اصلی و محل تمرکز بوده که در آنجا تعداد کارمندان و موشکها در اوائل ۱۹۷۹ افزایش یافته است. در اواخر سال ۱۹۷۸ تغییر مکان توپخانه‌ها در آرنون و حمدیه افزایش یافته بود.

(محرمانه) احتمالاً نیروهای نظامی سازمان فتح در البدوی، الدلهامیه، برج‌الشمالی، الساقی، و الطیبه استقرار یافته‌اند. پایگاهها و تسهیلات دریایی آنها در القاسمیه، العاصیه (همان طور که گزارش شده)، نهر البریه، العقبیه، ادلون و سرافند واقع شده‌اند.

(سری / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه و همپیمانان آنها / هشدار اطلاعاتی) از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ به این طرف حکومت سوریه گاهی محدودیتهای شدیدی را علیه فعالیتهای فلسطینیها در سوریه اعمال می‌داشته است. پس از قرارداد متارکه سوری - اسرائیلی سال ۱۹۷۵ در جنگ لبنان و به خاطر برقراری روابط حسنه بین سوریه و اردن در سالهای ۷۷-۱۹۷۶ و به عنوان یک فشار سیاسی قبل از اجلاس شورای ملی فلسطینی در سال ۱۹۷۷ کنترل شدیدتری برقرار گردید. با وجود این محدودیتهای سازمان فتح توانسته بود دفاتر، پایگاههای لجستیکی، مناطق آموزشی و محلهای بازپرسی اطلاعاتی خود را در محلهای مورد تأیید دور از خطوط آتش بس و مرز اردن حفظ نماید. گاهی هم بعضی از دفاتر و پایگاههای آموزشی تعطیل می‌گردید و بعضی از مقامات این سازمان دستگیر می‌شدند و به افراد کادر سازمان فتح اجازه حمل اسلحه داده نمی‌شد. ولی عملیات سازمان فتح در سوریه هیچ‌گاه به طور کامل متوقف نگردید. دفاتر سازمان فتح در دمشق همیشه باز بوده و مدرسه نظامی این سازمان در القوته افسر بیرون می‌داد. (محرمانه / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه) پس از ابتکارات سادات محدودیتهای علیه فلسطینیهای سوریه کاهش یافت و این روند در سرتاسر سال ۱۹۷۸ ادامه یافت. دیوهای تسلیحاتی و انبارها به سازمان فتح تحویل داده شدند و بنابه گزارش اسرائیلیها دو تا سه پایگاه فلسطینی در جنوب سوریه «مجاورت مرز اردن تشکیل گردید. ایستگاه رادیویی فلسطینیها که در قاهره به حالت تعطیل درآمده بود،

در دمشق جایگاه جدیدی یافت.

(محرمانه / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه) پس از حمله اسرائیل به جنوب لبنان در سال ۱۹۷۸ سوریه اجازه نفوذ بیشتر به درون اردن را داد و از در میان گذاردن اطلاعات مربوط به عملیات چریکهای فلسطینی با اردن امتناع ورزید. شاه حسین نیز اجازه نمی‌دهد که فلسطینیها در اردن پایگاههایی برای خود تأسیس نمایند و امنیت نیز در آنجا به طرز بسیار شدیدی حکمفرماست.

(محرمانه) سازمان فتح که از انقلاب ایران حمایت می‌کند، احتمالاً در سیست زانب / زین (طبق گزارش) در سوریه و برج شمالی لبنان به آموزش دادن ایرانیها می‌پردازد (ارتباط نامعلوم است). (سری / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه / وهم پیمانان آنها / هشدار اطلاعاتی).

موقعیت سازمان فتح در لیبی نیز دستخوش تغییرات بوده است. در ماه می ۱۹۷۷ زمانی که رژیم لیبی که طرفدار جبهه ارتدادیون است، دو اردوی نظامی را به جبهه ملی آزادی فلسطین منتقل نمود ورق به ضرر سازمان فتح برگشت. سازمان فتح بر دو پایگاه دیگر که یکی از آنها در تریپولی بود و دیگری در نزدیکی بن‌غازی می‌باشد، کنترل بسیار شدیدی اعمال نمود.

(محرمانه) به دنبال حمله‌ای که سازمان فتح به یکی از دفاتر سازمان ژوئن سیاه در تریپولی در ژوئیه ۱۹۷۸ نمود، حکومت لیبی تمام فعالیتهای گروهی مقاومت فلسطینی را در دفتر ساف ادغام نمود که در نتیجه یک پیروزی برای سازمان فتح که کنترل کننده آن دفتر است به حساب آمد و اوضاع سازمان فتح در لیبی نیز دستخوش بهبود گشت.

(محرمانه / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه) سازمان فتح در مناطق اشغالی ساحل غربی و نوار غزه هسته‌های بسیار فعالی را داراست. بعضی از هسته‌های مکشوفه ظاهراً از روشها و سلاحهای بسیار پیچیده استفاده می‌کرده‌اند. و بعضی از آنها نیز کارگاههای سلاح‌سازی دارند.

(سری) بنابه گزارشات رسیده العاصفه از طریق کویت عملیات مناطق اشغالی را هدایت می‌کرده است. (محرمانه / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه) در نوامبر ۱۹۷۸ ظاهراً به سازمان سپتامبر سیاه مسئولیت داده شده که به ایجاد هسته‌هایی در انگلیس، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، سوئیس و آلمان غربی بپردازد.

(سری / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه و همپیمانان آنها / هشدار اطلاعاتی) از اوائل دهه ۱۹۷۰ سازمان سپتامبر سیاه در قبرس پایگاهی داشته است. چند گروه فلسطینی این جزیره را به عنوان یک پایگاه لجستیکی و یک نقطه آغاز عملیات خود علیه اسرائیلیها مورد استفاده قرار می‌دهند. سازمان فتح بسیار فعال است و از قبرس تجهیزات، سلاح، غذا و نیروهای انسانی به لبنان فرستاده است و طبق گزارشات واصله این سازمان در نیکوزیا، فاماگوستا، لارناکا و لیماسول انبارهای تسلیحاتی دارد. سازمان فتح سعی دارد جلو فعالیتهای شبیه به فعالیتهای مسیحیان لبنان را در این جزیره بگیرد. (محرمانه / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه) گزارشاتی که پیرامون وجود مراکز آموزشی فداییان در قبرس رسیده هنوز مورد تأیید واقع نشده‌اند.

آموزش:

(طبقه بندی نشده) سازمان فتح برای خرابکاران، آدمکشها و آدم‌ربایان دوره‌های آموزشی عمومی

در مورد فنون نظامی، کماندو و آموزشهای ویژه تروریستی ارائه می‌دهد. آموزش سیاسی نیز در برنامه کار گنجانده شده است. این چهارچوب مرکب از آموزش سیاسی و نظامی به درون اردوگاهها نیز برده می‌شود تا پسران ۱۰ تا ۱۴ ساله را که اشبال یا شیربچه نامیده می‌شوند، در برگیرد.

(محرمانه) مهمترین برنامه آموزشی در لبنان انجام می‌شود. در اینجا کادرهای نظامی به فراگیری ورزیدگی، سازماندهی نظامی، راه رفتن در شب، گماردن محافظ و درگیر شدن، حفر تونلها و گودالها، زندگی در شرایط سخت، آشنایی با سلاحها که شامل استفاده از سلاحهای سنگین و توپخانه نیز می‌شود، می‌پردازند. تروریستهای وابسته به خلیل الوزیر ناظر عملیات درون اسرائیلی و درون مناطق اشغالی آموزشهای مربوط به نحوه استفاده از سلاح، شنا، قایقرانی، فراگیری قطب‌نما و نقشه و نیز نحوه متکی بودن به خود را یاد می‌گیرند.

(محرمانه) پس از انتشار چهارچوب کمپ دیوید، کمیته مرکزی سازمان فتح تصمیم به آموزش ۱۰۰۰ نفر تکاور ویژه گرفت. گروههای منتخب در نوامبر ۱۹۷۸ جهت دریافت دستورات به خارج فرستاده شدند؛ از این گروهها ۲۰ گروه به شوروی ۳۰ گروه به چین، ۳۰ گروه به کوبا، و ۳۰ گروه به ویتنام فرستاده شدند و بجز ۱۰۰ گروهی که قرار شد جهت دریافت برنامه‌ها در الدامور لبنان بمانند بقیه گروهها نیز به الجزایر و عراق روانه گردیدند.

(محرمانه) با وجود اینکه سازمان فتح برای دادن آموزش به گروههای خود تا حدود زیادی به کشورهای دوست متکی است، با این وصف در سال ۱۹۷۳ به ابتیاع دانشکده نظامی مختص خود در دره دمشق پرداخت تا در این رشته نیز کاملاً خودکفا گردد.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر هم‌پیمانان / هشدار اطلاعاتی) یک پایگاه سوری، چند سال قبل پیشنهاد کرد که دوره‌هایی را در رشته جنگ‌افزارهای شیمیایی و بیولوژیکی و نیز نحوه استفاده از خمپاره، سلاحهای ضد تانک و موشکهای زمین به هوا در اختیار آنها قرار دهد. درباره برنامه‌های علمی گزارشات دیگری نرسیده است، ولی احتمالاً برنامه‌های کاملاً نظامی امروزه در دسترس آنها قرار دارد.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر هم‌پیمانان آنها / هشدار اطلاعاتی) فداییان در لیبی در زمینه فنون پیاده نظام، مخبرات، نحوه استفاده توپخانه‌های ضد هوایی، مبارزه تن به تن، نحوه حمل و نقل و فنون مربوط به چتربازی و غواصی آموزش دیده، تعالیم ویژه‌ای نیز در زمینه چگونگی استفاده از موشکهای سام-۷ (استرلا / گریل) دریافت داشته‌اند. در آوریل ۱۹۷۷ اعضای سازمان فتح هنوز هم در لیبی به دریافت آموزشهایی در زمینه خلبانی و هدایت هلیکوپترها و هواپیماهای جنگنده و عملیات زیر آبی مشغول بوده‌اند.

(محرمانه / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه) خلبانان سازمان فتح قادر به پرواز با میگ - ۱۷، ۱۹ و ۲۱ بوده و با هلیکوپترهای سی - ۴ و می ۸ نیز قادر به پرواز می‌باشند.

(طبقه بندی نشده) در بهار سال ۱۹۷۸ نهضت مقاومت فلسطین تعدادی از داوطلبین فارغ‌التحصیل دانشگاهی را به لیبی فرستاده تا آموزشهای هوایی ببینند. عناصر سازمان فتح چند سال قبل نیز در الجزایر به طی دوره مشابه‌ای دست زدند.

(سری / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه - غیر هم‌پیمانان / هشدار اطلاعاتی) متخصصین روسی نیز

قبل از جنگ لبنان پیشنهاد ارائه آموزش در زمینه سلاحهای دفاع هوایی در چند اردوگاه آوارگان را دادند.

(محرمانه) بسیاری از فرماندهان محلی در لبنان نیز معمولاً به مدت ۶ ماه برای دریافت آموزش به شوروی فرستاده می‌شوند و جای آنها را افرادی که تازه از سفر بازگشته‌اند، می‌گیرند. در ماه اوت ۱۹۷۸ بنابه گزارشات رسیده ۳۲ خلبان و ۶۰ مهندس تعمیر و نگهداری دوره‌های آموزشی خود را در شوروی. آلمان شرقی و چکسلواکی طی کرده بودند.

(طبقه بندی نشده) دیگر خلبانان فلسطینی نیز در اوگاندا آموزش دیده‌اند.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) در ماه ژوئیه ۱۹۷۸ بین سازمان ساف و آلمان شرقی یک قرارداد همکاری نظامی و سیاسی همه جانبه منعقد گردید که یکی از شرایط آن آموزش افراد کادر بود.

(سری / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه) کشور یوگسلاوی نیز در سال ۱۹۷۶ قبول کرد که اعضای آن سازمان را جهت طی یک دوره ششماهه خلبانی هلیکوپتر پذیرا گردد. در ماه ژوئیه همان سال کره شمالی مشغول دادن آموزش فنون چریکی به ۱۸۰ نفر عضو فداییان در منطقه پیونگ یانگ بود. کشور رومانی نیز که منحصراً با سازمان ساف معامله می‌کند، قول آموزش در امور اداری را داده است.

(سری / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) فلسطینیها تحت پوشش دانشجویان دانشگاههای غیر نظامی در پاکستان نیز به گذراندن دوره‌های عمومی نظامی می‌پردازند. در پاکستان نیروی هوایی این کشور خلبانان فدائی را آموزش می‌دهد. در تابستان سال ۱۹۷۸ سازمان فتح ۱۵ دانشجوی دانشکده افسری خود را برای طی دوره‌های آموزشی در نیروی دریایی به پاکستان فرستاد، تخصص آنها می‌بایستی دربرگیرنده ناوچه‌های گشتی کوچک، ناوچه‌های بزرگتر و ارتباطات دریایی باشد.

(طبقه بندی نشده) تعداد کمتری از خلبانان فلسطینی در کوبا آموزش می‌بینند. گزارشهایی که درباره استفاده وسیع از آموزش دهندگان کوبایی در لبنان رسیده بود هرگز مورد تأیید قرار نگرفته‌اند.

(طبقه بندی نشده) منابع اسرائیلی گفته‌اند که مصر تا اواخر دسامبر ۱۹۷۸ هم به آموزش غواصان سازمان فتح در پایگاه دریایی اسکندریه مشغول بوده است.

تسلیمات

(محرمانه / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه) سازمان فتح اصولاً متکی به سلاحهای ساخت شوروی و اروپای شرقی است که عبارتند از: نارنجکهای دستی اف-۱، کلت اتوماتیک ۷/۶۲ میلیمتری توکارف، تفنگهای کلاشینکف ۴۷-آکا، مسلسلهای ۷/۶۲ میلیمتری گوربانف، زیو ۲۳ میلیمتری، انواع سلاحهای ضد هوایی، خمپاره‌اندازهای ۶۰ میلیمتری ۸۱ میلیمتری، ۸۲ میلیمتری، و ۱۲۰ میلیمتری توپهای ۱۲۲ میلیمتری، تفنگهای بدون عقب نشینی ۷۳ میلیمتری، موشک‌اندازهای ضد تانک ۳۵ میلیمتری، ۷۵ میلیمتری، ۱۰۶ میلیمتری و تفنگهای تک تیرانداز، توپهای کششی ۱۰۵، ۱۲۲، ۱۳۰ و ۱۵۵ میلیمتری، کاتیوشا و موشک‌اندازهای مرکب ۱۰۲ میلیمتری، موشک‌اندازهای سام-۷ و مهمات مربوط به همه آنها.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) بنابه گزارشهای رسیده در فوریه ۱۹۷۸ سازمان فتح از شوروی موشکهای زمین به هوا با برد ۴/۵، ۷/۵ و ۱۷/۵ کیلومتر را نیز دریافت نموده است. به قولی، سازمان فتح تنها سازمان فلسطینی است که موشک و توپهای هویتزر در اختیار دارد.

(محرمانه / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه) در دسامبر ۱۹۷۸ منابع مورد تأیید قرار نگرفته بیان داشتند که شوروی در حال تحویل دو هواپیمای باری متوسط آنتونوف، مشابه هواپیماهای باری ترانسال سی - ۱۶۰ به سازمان ساف می‌باشد، تا در پایگاهها در یمن جنوبی جهت آموزش مورد استفاده قرار گیرند.

(محرمانه / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه) سلاحها از طریق چند کشور عربی به فلسطینیها و سازمان فتح می‌رسند. تلاش برای ارسال این سلاحها پس از اجلاس وحدت و اشغال جنوب لبنان توسط اسرائیل اصولاً از طریق لیبی و سوریه انجام می‌گرفت. کشتیهای لیبیایی از طریق قبرس به تایر وارد می‌شدند و سازمان فتح که دریافت تمام محموله‌ها را در آنجا تحت کنترل خود داشت سلاحها را دریافت کرده و به دیگر گروههای خود تحویل می‌داد. سوریه نیز علاوه بر تحویل موشک و تفنگ و مواد منفجره کنترل تحویل سلاحهایی را که از طریق شبه جزیره عربی و عراق برای فلسطینیهای لبنان می‌رسید نیز به عهده داشت. با وجود اینکه عراق از محدودیتهای ایجاد شده برای عبور سلاحهای توسط سوریه شکوه می‌کرد، ولی کامیونهای حاوی انواع سلاحهای عراق به لبنان گسیل می‌شدند.

(سری / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) کشور لیبی نفرهای زرهی، لندرو، کامیون، مسلسل و تفنگهای بدون عقب‌نشینی و مهمات در اختیار این سازمان قرار می‌دهد. این کشور همچنین یک گیرنده بیسیم بسیار قوی با قرارگاه رادیویی آن را نیز در اختیار سازمان فتح قرار داد. صالح خلف نیز در طول جنگ لبنان محموله مربوط به خود را که عبارت بود از خمپاره مسلسل و مهمات از لیبی دریافت نمود.

(طبقه بندی نشده) سازمان فتح از طریق کشور لیبی تفنگهای ساخت انگلیس را دریافت نمود و علاوه بر آن این کشور ترتیبی اتخاذ نمود تا هفت تیرهای آمریکایی اسمیت و وسون نیز به دست این سازمان برسد. فلسطینیها در سال ۱۹۷۹ منتظر دریافت یک زیردریایی کوچک از لیبی هستند تا در دریای مدیترانه به کار گرفته شود.

(سری / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) بعضی از توپهای ۱۵۵ میلی‌متری سازمان فتح نیز ساخت کشور فرانسه می‌باشند.

(طبقه بندی نشده) سازمان فتح مدعی است که خود نارنجک انداز ضد تانک آرپی جی ۷ را می‌سازد و به مقدار زیاد از این سلاحها مهمات ضدتانک را در اختیار دارد.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) متخصصین لهستانی در ایجاد یک کارخانه تولید سلاح آرپی جی ۷ و مهمات آن در اردوگاه برج‌الشمالی نظارت داشته و به آموزش کارمندان سازمان فتح در ساخت این سلاحها از سال ۱۹۷۷ به مدت یکسال مشغول بوده‌اند. یکی دیگر از کارخانه‌های زیرزمینی تولید مهمات و سلاح واقع در اردوگاه رشیدیه قرار بود در سپتامبر ۱۹۷۷ تولید را آغاز نماید. درباره وضع این عملیات گزارش نرسیده است، چون ممکن است در اثر حمله اسرائیل

در ماه مارس ۱۹۷۸ این مناطق نیز از بین رفته باشند.

(طبقه بندی نشده) تفنگهای آمریکایی ام-۱۶ نیز در دست فداییان مشاهده شده است. اسرائیلیها اظهار داشته‌اند که تروریستهای جاده تل آویو- حیفا از سلاحهای آمریکایی که علامت ارتش عربستان سعودی را داشته و شامل تفنگهای ام-۱۶، سلاحهای سبک ضدتانک و مواد منفجره می‌شده‌اند استفاده می‌کرده‌اند.

(محرمانه) در ژانویه ۱۹۷۸، عربستان سعودی ۱۵۰ دستگاه جیب توپوتا برای سازمان فتح ارسال داشت. تحویل این سلاحها و وسایل نقلیه از طرف عربستان سعودی نشانگر تغییر در نحوه کمکهای این کشور است که قبلاً فقط شامل حمایتهای مالی و دیپلماتیک می‌گردد.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان) در سپتامبر ۱۹۷۳ گزارش گردید که پایگاههای دریایی سازمان فتح حداقل پنج ناوچه سریع السیر را که مسلح به موشک اندازهای زمین به زمین موشکهای ۱۴۰ میلی متری می‌باشند در تصرف خود دارد.

(طبقه بندی نشده) تروریستهای سازمان فتح برای رسیدن به سواحل اسرائیل از قایقهای فرانسوی زودیاک استفاده می‌کرده‌اند.

(طبقه بندی نشده) تروریستهایی که به عملیاتی در اسرائیل و مناطق اشغالی دست می‌زنند، معمولاً از کلاشینکف، بازوکا، نارنجک دستی، دستگاههای انفجار، موشک، مین و بمب استفاده می‌کنند. بعضی از بمبها در هسته‌های زیرزمینی واقع در مناطق اشغالی ساخته می‌شود. وسایلی که در اوائل ۱۹۷۹ در ساحل غربی به خصوص در داخل و خارج اورشلیم مورد استفاده قرار گرفت به وسیله یک ماده منفجره بسیار خوب و دارای میزان کارایی بالا به نام سیم تکس از چکسلواکی و یک ماده منفجره پیچیده دیگر به نام PDX که هر دو قویتر از دیگر مواد منفجره مورد استفاده می‌باشند، ساخته شده بود.

(طبقه بندی نشده) طبق تأیید وزارت خارجه آمریکا کشورهای چین و کره شمالی نیز سلاح در اختیار فداییان قرار می‌دهند. چینها در جنگ لبنان و پس از حمله اسرائیل سلاحهای سبک به این سازمان تحویل دادند. منابع طبقه بندی شده خاطر نشان ساختند که چین به دنبال یک قرارداد تسلیحاتی در ژوئیه ۱۹۷۵ ممکن است، موشکهای زمین به زمین با برد ۲۵ کیلومتر را نیز در اختیار ساف قرار دهد.

(طبقه بندی نشده) عربستان سعودی، ابوظبی، کویت و عراق نیز از طریق دمشق غذا و دارو ارسال داشته‌اند.

(سری / غیر قابل رویت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) امارات متحده عربی نیز ۷۰ تن دارو، ۲۰ دستگاه وسیله نقلیه نظامی (کامیون) و هفت ماشین (گویا آمبولانس) برای این سازمان فرستاده است.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) در جنگ لبنان کلیسای واتیکان به طرفین مقداری دارو تحویل داد که سازمان فتح از طرف فلسطینیها سهم خود را دریافت نمود. (سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) بین سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۷ سازمان سپتامبر سیاه از پاسپورتهای جعلی مربوط به ۱۶ ملت بهره‌برداری نمود. بسیاری از آنها در اواخر ۱۹۷۲ جعل گردیده بود. با پیدایش دو سند جعلی دیگر در سال ۱۹۷۸ شواهدی مبنی بر توانایی سازمان سپتامبر سیاه در تولید اسناد جعلی مسافرت بدست آمد. بخش اعظم منابع مالی ساف به سازمان فتح اختصاص داده شده است

که این سازمان نیز به نوبه خود آن را میان گروههای عضو ساف توزیع می نماید. سازمان فتح حدود ۷۵ درصد این منبع مالی را در اختیار خود حفظ می نماید.

(طبقه بندی نشده) در سال ۱۹۷۶ بنابه گزارشات رسیده درآمدهای مالی ساف بالغ بر ۹۰ میلیون دلار گردیده بود. قسمت اعظم این پول از طریق دولتهای عربی چه به طور انفرادی و چه به طور مشترک از طریق اتحادیه عربی تأمین می گردید. اتحادیه عربی در سال ۱۹۷۸ یک صندوق هماهنگ شده عربی ایجاد کرد، تا از طریق آن اوضاع ملی، اجتماعی و اقتصادی فلسطینیهای تحت اشغال حمایت شود و از ضمیمه شدن مناطق اشغالی به اسرائیل نیز جلوگیری به عمل آید. برای سالهای ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۲ این حمایت مالی بالغ بر ۱۱۴۷ میلیون دلار می شده که قرار است ۱۸۲/۲۸ میلیون دلار آن در سال ۱۹۷۹ مصرف گردد. سازمان ساف در هیأت حاکمه این صندوق نیز نماینده دارد.

(سری / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) به هنگام جنگ در لبنان ریاست بانک ملی فلسطین دستور انتقال کمک مالی عظیمی را که از طرف ابوظبی به ساف شده بود به حساب سازمان فتح در یکی از بانکهای سوییس صادر نمود. البته ممکن است این عمل چندان هم غیر عادی نباشد.

(سری / غیر قابل انتشار برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) چند مکانیزم جذب منابع مالی نیز وجود دارد. فلسطینیهایی که در امور دولتی و یا بخشهای خصوصی در کشورهای عربی به خصوص در حوزه خلیج فارس کار می کنند باید عوارضی تحت عنوان «مالیات آزادی» بپردازند. با این وصف همه این دولتها این مالیات سرانه را به این سازمان تحویل نمی دهند. کویت دارای یک رابطه بسیار پیچیده با ساف می باشد و این منابع مالی را از طرف ساف نگاهداری می کند و در مواقع حساس از طریق مصرف آن فشارهایی بر این نهضت وارد می سازد. مقامات کویتی به گمان اینکه فلسطینیها می خواهند دست به اقدامات ضد کویتی بزنند، موقتاً به تعلیق کامل این گونه کمکها مبادرت می ورزیده اند. از طرف دیگر، مقامات کویتی تصمیم گرفتند که در گردآوری اعاناتی که از نظر فنی در رابطه با حملات اسرائیل به لبنان جنبه غیر قانونی ممکن است داشته باشد، دخالت ننمایند. در جامعه فلسطینیها آن دست از تجاری که به دفاتر محلی ساف چندان اعتماد ندارند، همیشه ترجیح می دهند که اعانات خود را مستقیماً به لبنان منتقل سازند.

(سری / غیر قابل رویت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) معروف است که دولت دویی عوارضی را که در حمایت از انقلاب فلسطینی جمع آوری می گردید، برای خود به مصرف می رسانده است. در ماه مارس ۱۹۷۸، دولت امارات متحده عربی مبلغ ۱۰/۰۰۰ دلار برای ساف فرستاد، ولی به این شرط که در آنجا تظاهراتی برگزار نشود.

(طبقه بندی نشده) عربستان سعودی مهمترین منبع حمایت مالی ساف می باشد. این کشور سالانه مبلغی بالغ بر ۴۰ میلیون دلار استعانت می کند، که ترکیبی از کمکهای ارائه شده از طرف خانواده سلطنتی و ۵ درصد مالیاتی است که اعضای ساف مقیم در این پادشاهی باید بپردازند.

(سری / غیر قابل رویت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) در ماه اوت ۱۹۷۵ عراق شروع به پرداخت ماهانه مبلغ ۳۰۰/۰۰۰ دلار به سازمان فتح نمود، تا به این ترتیب به عملیات ضد نفوذی سوری در لبنان دست زده باشند. ولی به نظر نمی رسد که سازمان فتح در مرافعه تابستان ۱۹۷۸

از سوی عراق کمکی دریافت کرده باشد. ولی تلاشهایی که در جهت آشتی دادن این دو صورت گرفت ممکن است، سرازیر شدن دوباره کمکهای ارائه شده از سوی عراق را نیز سبب شده باشد. (طبقه بندی) دفاتر سازمان ساف، که گاهی به صورت جبهه‌هایی برای عملیات تروریستی در می‌آید و فرستادگان سازمان فتح نیروی انسانی لازم برای آن عملیات را تشکیل می‌دهند نیز، به وسیله اتحادیه عرب و نیز به وسیله دولتهای میزبان آنها حمایت مالی می‌شود.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) منابع مالی مورد نیاز مربوط به عملیات سازمان سپتامبر سیاه و حملات سازمان فتح به داخل اسرائیل به وسیله سازمان فتح تأمین می‌گردد که آن نیز به نوبه خود پولهایی را دریافت می‌کند، که به طور مؤکد به عملیات تروریستی اختصاص داده شده است. لیبی در زمره این گونه اعانه دهندگان در می‌آید، ولی این کشور در دادن اعانات خود ثابت قدم نیست. در نوامبر ۱۹۷۶ به دنبال اعلام نارضایتی لیبی از روش سازمان فتح که در آن برای پایان بخشیدن جنگ در لبنان به سیاستهای اجلاس ریاض متکی است، مقداری از کمکهای لیبی به این سازمان ساف نیز قطع گردید. لیبی در فوریه ۱۹۷۷ یک میلیون دلار به سازمان ساف کمک کرد، منتهی مشروط بر اینکه این پول توسط سازمان فتح و یا هر سازمان دیگری که تحت سلطه فتح قرار دارد مورد استفاده واقع نشود. در ژوئن ۱۹۷۷، لیبی کمکهای معمول خود به ساف را از سر گرفت.

(طبقه بندی نشده) مشهود است که لیبی در ژوئن ۱۹۷۸ به سازمان فتح، حزب آزادیبخش فلسطین و فرماندهی کل حزب آزادیبخش فلسطین پیشنهاد کرد که حاضر است ۴۰ میلیون دلار کمک نماید تا آنها دست به عملیات مسلحانه در سرزمینهای اشغالی بزنند. و بنابه گزارشات رسیده این کشور گفته است که حاضر است منبع مالی مورد نیاز برای معاملات تسلیحاتی فلسطینیها و آلمان شرقی را نیز تأمین نماید. (سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / هشدار اطلاعاتی) موسسه الشهداء سازمان فتح (بنیاد شهید) برای اینکه بتواند به خانواده‌های آن دسته از فداییان که در عملیات کشته شده‌اند کمکهای مالی بنماید به سرمایه‌گذارهای انتفاعی مبادرت می‌ورزد، این مؤسسه چند صنعت کوچک را در لبنان اداره می‌کند و در زمینه کشاورزی نیز در چند کشور آفریقایی سرمایه‌گذاری کرده است. در سالهای ۷۹-۱۹۷۷ طرحهای زیادی جهت توسعه این تلاشها ارائه گردید.

(محرمانه / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه) در اواسط سال ۱۹۷۸ یک منبع مورد تأیید واقع نشده سرمایه‌گذارهای سازمان فتح را در زمینه و محل‌های زیر تشریح نمود: مزارع گندم و سبزیجات در سوریه؛ مزارع سبزیجات در لبنان؛ باغهای میوه و خرما و کارخانه کنسروسازی در عراق؛ مزارع سبزیجات در الجزایر به مزارع تولید موز و تنباکو و سهام در یک کارخانه تنباکوسازی، چند دامداری و یک کارخانه کنسرو گوشت‌سازی در سودان؛ گندم‌زارها و چند مزرعه سبزیجات در سومالی و موریتانی؛ باغهای میوه و سبزیجات در لیبی مزارع سبزیجات در کشور چاد، کارخانه‌های سلاح‌سازی، مزارع سبزیجات، دامدارها و کارخانه‌های چوب‌بری در اوگاندا؛ مزارع سبزیجات در تونس و مراکش و تصاحب قسمتی از سهام یک کارخانه ساردین‌سازی در مراکش.

(طبقه بندی نشده) دانشجویان کشورهای خاورمیانه‌ای که در آمریکا مشغول به تحصیل هستند بین سالهای ۱۹۷۱. ۱۹۷۶ حدود ۵ میلیون دلار از طریق بیمه‌های مشروع جمع‌آوری کرده، آن را به سازان ساف و دیگر گروههای ناسیونالیستی تحویل دادند.

(طبقه بندی نشده) به روایتی، هدف اصلی قاچاق مواد مخدر از لبنان شمالی به اروپای غربی از طریق بلغارستان تأمین منابع مورد نیاز مالی ساف بوده است. (محرمانه) چند گروه بین‌المللی نیز به ساف کمک می‌کنند.

روابط بین‌المللی:

علاوه بر روابطی که از نظر قرارگاهها، پایگاهها، تسلیحاتی، آموزشی و مالی بین این سازمان و دولتهای خارجی و بیگانگان که در بالا متذکر شدیم وجود دارد، سازمان فتح و ساف روابط بین‌المللی بسیار وسیعتر و پیچیده‌تر نیز دارند.

(طبقه بندی نشده) ساف که به وسیله ۱۰۰ ملت و چند سازمان بین‌المللی به عنوان نماینده بر حق خلق فلسطین به رسمیت شناخته شده، از نظر فیزیکی به نحوی در ۶۱ کشور نمایندگی داشته، حق نظارت در مجمع عمومی سازمان ملل را دارد و در شورای اقتصادی آسیای غربی سازمان ملل که یک کمیته فرعی یونسکو می‌باشد و دیگر ارگانهای و آژانسهای مخصوص سازمان ملل عضو دائمی می‌باشد. ساف همیشه نمایندگانی را به کنفرانسهای بین‌المللی جهت مأموریتهای حسن نیت و جلب کمکها ارسال می‌دارد. و سازمان فتح به عنوان مهمترین و متنفذترین عضو ساف که بخش اعظم نیروی انسانی دیپلماتیک را نیز در اختیار دارد از این گونه روابط بدون شک بهره‌های فراوانی می‌برد.

(طبقه بندی نشده) دفاتر سازمان فتح در کشورهای عربی در زمینه ایجاد ارتباط با رهبران داخلی دولت، احزاب سیاسی، گروههای مخالف و آشوبگران از امتیازات دیپلماتیک خاصی برخوردار می‌باشد. (سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر هم پیمانان / هشدار اطلاعاتی) در کویت سازمان فتح از طریق خانواده خالد و هانی الحسن دو تن از رهبران مهم سازمان فتح دسترسی و نفوذ زیادی که گاهی خالی از اشکال نیز نمی‌باشد به خانواده سلطنتی دارد. از جنگ لبنان به این طرف و درگیری یکی از بخشهای سازمان فتح در ژوئن ۱۹۷۶ در فعالیتهای ضد رژیم و دستگیری چند عضو سازمان فتح در ارتباط با بمب‌گذاریها، همه گروههای فلسطینی در کویت مورد سوءظن و تردید واقع شده‌اند، نحوه استفاده این دولت از اهرم مالی در بالا شرح داده شده بود.

(محرمانه) بنابه روایتی، قطر برای اعضای ساف پاسپورت یا گذرنامه صادر کرده است. بعضی از آنها نیز با در دست داشتن گذرنامه‌های کشور جمهوری عربی یمن به سفر مبادرت می‌نمایند.

(طبقه بندی نشده) پس از کشته شدن رؤسای جمهوری کشورهای جمهوری عربی یمن و کشور جمهوری دمکراتیک خلق یمن سخنگویان سازمان فتح نسبت به قطع روابط با جمهوری دمکراتیک خلق یمن توسط اتحادیه عربی، دست به اعتراض زدند.

(سری) در اوائل سالهای ۱۹۷۰ نیز شایع شده بود که چریکهای ایرانی نیز به سازمان فتح و سپتامبر سیاه در زمینه فراهم آوردن برنامه سفرها، اسناد جعلی و به دست آوردن سلاح کمک کرده بودند تا آنها نیز در عوض به ایشان آموزش بدهند.

(طبقه بندی نشده) در اوایل سال ۱۹۶۸، آیت‌الله روح‌الله خمینی رهبر انقلابی مذهبی ایران نیز حمایت خود از سازمان فتح را اعلام کرده بود و چند مقاله نوشت که در آن اسلام را به انقلاب فلسطین ربط داده بود.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) پس از ورود آیت‌الله به فرانسه در اکتبر ۱۹۷۸ ساف نیز به ایجاد روابط بسیار نزدیک با ایشان پرداخت. پس از پیشرفت دگرگونی‌های ایران، خمینی از شبکه ساف واقع در منطقه خلیج فارس برای ایجاد ارتباط با ایرانیانی که در آن منطقه اقامت داشتند پرداخت، تا از آن طریق کمک مالی مورد نیاز برای نهضت خود را فراهم آورد. (طبقه بندی نشده) خمینی قبل از مراجعه به ایران قول داد که اجازه خواهد داد که ساف در تهران دفتری باز نماید و دیگر اینکه وعده داد که او از تشکیل یک کشور فلسطینی مستقل نیز حمایت خواهد کرد.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / هشدار اطلاعاتی) پس از مراجعت خمینی به ایران، سازمان ساف نقش یک واسطه را بین او و چند کشور عربی ایفا می‌نمود. (محرمانه / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) عرفات نیروهای فلسطینی را به ایران فرستاد تا آیت‌الله را در برخورد با گروه‌های عصیانگر سرسخت یاری دهند. (طبقه بندی نشده) در سال ۱۹۷۸، چاپخانه‌های سازمان ساف در بیروت به چاپ انتشارات حزب توده ایران (کمونیست) پرداخت.

(محرمانه / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه) در نوامبر ۱۹۷۸ گزارش‌های رسیده حاکی از آن بود که کارگران تونس در لیبی پس از طی دوره‌های آموزشی برای جنگ در کنار فلسطینیها به لبنان فرستاده می‌شدند. قذافی سعی دارد هسته مرکزی جبهه آزادیبخش تونس را از همین افراد بسازد.

(سری / غیر قابل رویت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) در ازاء دریافت جواز تأسیس یکی از دفاتر ساف در نیکوزیا، سازمان فتح موافقت کرد که قبرس‌های یونانی را در زمینه فنون تروریستی آموزش دهد. اعضای واسوس لیساریوس از اتحادیه دموکراتیک واحد مرکزی (EDEK) که یک حزب سیاسی سوسیالیستی بود و مأموریت آنها تشکیل گروه‌های مسلح در قبرس در سال ۱۹۷۵ بود، آموزشهای نظامی خود را در سازمان ساف دیده بودند. لیساریوس هنوز هم نزدیکترین حامی (همکار؟) سازمان فتح / ساف در قبرس می‌باشد.

(محرمانه) در سال ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ سازمان فتح دانشجویان رادیکال ترکیه‌ای را آموزش داد که آنها بعدها در خط مقدم گروه‌های چپی خشونت‌گرا در ترکیه وارد عمل شدند.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان) سازمان فتح سلاح نیز در اختیار ارتش آزادیبخش خلق ترکیه و احتمالاً در اختیار فدراسیون جوانان انقلابی ترکیه قرار می‌داده است.

(محرمانه) بنا به روایتی، اعضای ارتش جمهوریخواه مشروط ایرلند نیز در سال ۱۹۷۸ در اردوگاه‌های فلسطینی آموزش می‌دیده‌اند. در سال ۱۹۷۷ اعضای جمهوریخواه ایرلند از سازمان فتح سلاح‌های پیچیده ساخت شوروی، دریافت کرده‌بودند و سخنگویان فلسطینی اعلام داشتند، که انقلاب ایرلند را شبیه انقلاب خودشان می‌دانند.

(سری / غیر قابل رویت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) در تابستان سال ۱۹۷۸ سازمان فتح در لبنان اردویی را ایجاد کرد تا از طریق آن بتواند از کشورهای سوئد، نروژ، هلند، آلمان غربی، فرانسه و ایتالیا جلب کمک نماید.

(محرمانه) دو بخش وابسته به سازمان فتح یعنی اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی و اتحادیه

عمومی کارگران فلسطینی شعبه‌های بسیار وسیعی در آلمان غربی دارند که به عنوان انجمن دانشجویان عرب، کارگران عرب اشتوتگارت، گیسن، فرانکفورت، کارلسروهه یا بن، و غیره عمل می‌نمایند. با کمکهای مالی که از طریق سفارت‌های عربی واقع در بن دریافت می‌دارند، گروه‌های دانشجویی به تبلیغات و ایجاد تظاهرات وسیع دست می‌زنند. اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی در ایتالیا، انگلستان، یونان و فرانسه نیز شعبه‌هایی دارند. یکی از هسته‌های بسیار قوی سازمان فتح در اشتوتگارت فعالیت می‌کند. گروه‌هایی چون فدراسیون جوانان فلسطینی، کارگران، دانشجویان و مراجعت‌کنندگان به انجام فعالیت در میان مهاجرنشینان آلمان غربی می‌پردازند.

(محرمانه) رادیکال‌های آلمان غربی به حمایت اخلاقی و مادی از نهضت مقاومت فلسطینی می‌پردازند و چند گروه تروریستی آلمان غربی از نظر عملیات ارتباطی با چند گروه فلسطینی و نیز سازمان فتح دارند. چپ‌گرایان آلمان غربی به همراه اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی و اتحادیه عمومی کارگران فلسطینی علیه تظاهراتی که پس از کشتار مونیخ برگزار شده بود، به مبارزه پرداختند. اتحادیه ضد امپریالیسم با ساف بی‌ارتباط نیست و اتحادیه کمیته کشورهای کمونیستی خاور نزدیک آلمان غربی نیز از نظر مالی به ساف کمک‌هایی نموده است. نهضت دوم ژوئن از سازمان فتح در زمینه آن دسته از کشورهای عربی که پس از آدم ربایی فوریه ۱۹۷۵ در برلن غربی حاضر به دادن پناهندگی به آنها شده بودند، اطلاعاتی دریافت نمود. یکی از اعضای پیشین حزب کمونیست آلمان / مارکسیست - لنینیستی که با سازمان فتح در ارتباط بوده است، در ماه می ۱۹۷۶ پس از انفجار بمبی که در فرودگاه بن گوریون تل آویو به همراه داشت، به قتل رسید.

(محرمانه) اعضای سازمان تروریستی اسپانیایی مائوئیستی، جبهه ضدفاشیستی و انقلاب وطنی، به انجام تظاهرات به طرفداری از فلسطینیها در آلمان غربی مبادرت ورزیدند. (سری) کمیته صلح و عدالت در خاورمیانه که کمیته بلژیکی فلسطینی نیز عضو آن می‌باشد، که نهضت صلح طلب تحت کنترل کمونیست‌هاست که برای فلسطینیها نیز یک سکو ایجاد کرده است. سازمان اتحاد با انقلاب فلسطینی و خلق عرب در بلژیک نیز طرفدار ساف می‌باشد.

(سری) / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) دفتر ساف در سوئد از فدراسیون اتحادیه تجاری سوئد نیز حمایت مالی دریافت می‌نماید.

(سری) / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) دفتر ساف در رم محل اصلی دریافت اسناد تروریستی در اروپا می‌باشد.

(محرمانه) نهضت دانشجویان ایتالیایی و نیروی کارگران (پرتو اوریو) نیز با ساف در سوئیس و آلمان شرقی ارتباطی داشته‌اند.

(سری) سازمان فتح به دادن آموزش و کمک به جبهه آزادیبخش ملی چاد (فورلینات) نیز می‌پردازد. (طبقه بندی نشده) در اواسط سال ۱۹۷۸ کمیته اجرائی سازمان فتح به روایتی تصمیم گرفت علیه زوال تدریجی موضع سازمانهای آزادیبخش اریتره وارد عمل شده آنها را متحد و هماهنگ سازد. در ژوئیه ۱۹۷۸ محمد صالح به جمهوری دموکراتیک خلق یمن فرستاده شد، تا به بحث پیرامون طرقي که یک سازمان متحد اریتره‌ای می‌تواند به مذاکره با اتیوپی مبادرت ورزد، بپردازد.

(محرمانه) / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه) در تابستان سال ۱۹۷۷ فلسطینیها آنقدر اسلحه در

اختیار داشتند که می‌توانستند آنها را به مقدار زیاد و همزمان با سوریه به جبهه آزادیبخش اریتره و نیروهای آزادیبخش خلقی بفروشد.

(سری / غیر قابل رویت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) سازمان فتح با سومالی نیز روابط بسیار صمیمانه‌ای برقرار کرده است و حدود ۸۰۰ نفر از کارگران فلسطینی را برای کار به آنجا روانه نموده است. فعالیت‌های دیگری از قبیل سرمایه‌گذاری تجاری و کشاورزی در افریقا نیز قابل توجه می‌باشند.

(طبقه بندی نشده) کشور اوگاندا نیز ۲۷ پاسپورت اوگاندایی برای فلسطینیها و نیز یکی از تروریستهای معروف سازمان فتح صادر نموده است.

(سری / غیر قابل رویت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) در آوریل ۱۹۷۸ نیروهای نظامی ساف از لیبی به اوگاندا فرستاده شدند، تا امنیت داخلی را به نفع عیدی امین برقرار سازند. ولی معلوم نیست که در آنجا چقدر مانده بودند. روابط آموزشی اوگاندا با این سازمان نیز در بالا ذکر شده بود.

(طبقه بندی نشده) عرفات در سال ۱۹۷۸ یک قرارداد همکاری نظامی با ابعاد نامعلوم را با فیدل کاسترو رئیس جمهور کوبا منعقد ساخت.

(طبقه بندی نشده) فلسطینیها به مونتونروهای آرژانتینی سلاح و آموزش می‌دهند و در عوض فورمول یک ماده منفجره پلاستیکی جدید را دریافت کرده‌اند. رئیس نظامی مونتونرو، مندیزابل، در ژوئن ۱۹۷۸ به لبنان سفر کرد و با خلیل الوزیر همتای خود ملاقات و پیرامون همکاری با فتح به بررسی پرداخت. در سپتامبر ۱۹۷۸ نیز یک بار دیگر به دعوت ساف همین سفر را انجام داد و با وزیر به گفتگو پرداخت. در آمریکای لاتین تماس‌های بین ساف و مونتونروها در مکزیکوسیتی انجام می‌گرفت.

(سری / غیر قابل رویت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) بنابه گزارش‌های رسیده جوتناهای مسلط بر انقلاب آرژانتین با سازمان فتح ارتباط دارند.

(طبقه بندی نشده) در سال ۱۹۶۵، جمهوری خلق چین مهمترین حامی نهضت ناسیونالیستی فلسطینی‌ها گردید. روابط بین چین و سازمان فتح هنوز هم دوستانه بوده و بعضی از آنها در رابطه با آموزش و سلاح قبلاً تشریح شده است.

(سری / غیر قابل رویت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) در ژوئن ۱۹۷۷ یکی از اعضاء گروه آزادیبخش انقلاب تامیل در لندن با ساف پیرامون در اختیار قراردادن سلاح به این گروه توسط نمایندگان ساف در کلمبو و سریلانکا به بحث و تبادل نظر پرداخت. بنابه روایتی سازمان ساف در ژوئن ۱۹۷۶ تعهد کرده بود که در زمینه مالی، آموزشی و تسلیحاتی به رادیکال‌های تامیل کمک‌هایی بنماید.

(سری / غیر قابل رویت برای ملل بیگانه / هشدار اطلاعاتی) جامعه فلو تینگ کریستانتموم ژاپنی که یک گروه دست راستی است که از سال ۱۹۷۲ با ساف ارتباط برقرار کرده، کمک مالی نیز نموده است. جامعه فرهنگی عرب - ژاپن، جامعه دوستی فلسطین - ژاپن، حزب کمونیست ژاپن و کمیته وحدت آن با خلق فلسطین، مرکز حمایت از خلق فلسطین و جامعه تبادل افکار ژاپن و عرب از مهمترین گروه‌های چپگرا هستند که از نظر تبلیغاتی، ایجاد وحدت، در زمینه مادی و مواد دارویی به ساف یاری می‌دهند. بعضی از گروه‌های ارتش سرخ ژاپن نیز در زمره حمایت کنندگان این سازمان درآمده‌اند.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه) در ژوئن ۱۹۷۳ گزارشاتی مبنی بر وجود مشاورین ویت‌کنگ در اردوگاه‌های سازمان فتح در لبنان و سوریه دریافت گردید.

(سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) واحدهای سری فتح که مرکب از شش تا هشت عضو می‌باشند در الجزیره، مصر، هند، ایتالیا، پاکستان، یوگسلاوی و احتمالاً در گواتمالا به فعالیت مشغول هستند.

(محرمانه) روابطی که بین این سازمان و شوروی، اروپای شرقی، کوبا و جمهوری خلق چین وجود دارد و در بخشهای قبل نیز درباره آنها صحبت به میان آورده شده بود، به طرز بسیار پیچیده‌ای با رخدادهای سیاسی بین‌المللی پیوند دارد، و سبب پیدایش و تکامل سیاستهای فلسطینی و شرایط نظامی موجود شده است. جالب توجه است که سازمان فتح توانسته است، روابط بسیار چشمگیری را با دو کشور شوروی و چین برقرار سازد.

(طبقه بندی نشده) نماینده ساف در شوروی به عضویت کمیته وحدت خلق آفریقا آسیا درآمده است. در مسکو از طرف سازمان فتح یک نماینده مستقل وجود ندارد، ولی رهبریت این سازمان سفرهای مکرری را به آنجا انجام می‌دهد.

تحلیل وقایع:

(طبقه بندی نشده) تا سال ۱۹۷۵ وقایع مربوط به سازمان فتح و سازمان سپتامبر سیاه در چند کشور غیر خاورمیانه‌ای به خصوص اروپایی به این ترتیب بود، که در آنها تروریستها اغلب سلاحهای سبکی از قبیل تفنگ، سلاح سبک دستی، نارنجک دستی به همراه داشتند. در سال ۷۳ - ۱۹۷۲ چند عمل متهورانه و دراماتیک شامل هواپیما ربایی، آدم ربایی، و کشتار صورت گرفت. به موازات اسرائیلیها و منافع آنها منافع غیر اسرائیلی و افراد غیر اسرائیلی نیز هدف این حملات واقع می‌گردیدند. هدف اصلی این عملیات آزادی همکاران تروریستی بود که در زندانهای اروپایی به سر می‌بردند و دست یابی به اهداف سیاسی نیز گاهی منظور این عملیات عنوان می‌گردید. چند واقعه سبب شد که تروریستها بتوانند به چند کشور عربی پناهنده شوند، وقایع دیگر نیز با کشته و یا زخمی شدن تروریستها توسط ضد تروریستهای غیر متخصص پایان یافت.

(طبقه بندی نشده) با فرا رسیدن مارس ۱۹۷۵ وقایعی که طرح آنها به وسیله خلیل الویزر ریخته می‌شد سبب مسلط شدن سازمان فتح بر سازمان سپتامبر سیاه گردید. هدف این طرحها در درون اسرائیل واقع شده بود، و تروریستها از طریق دریا به داخل اسرائیل نفوذ می‌کردند. سلاحهای بسیار پیچیده‌ای از قبیل بازوکا و خمپاره انداز و نیز مواد منفجره بسیار قوی در این عملیات به کار گرفته می‌شد. کسانی که به این عملیات می‌پرداختند، سعی داشتند بیشترین تعداد غیر نظامیان اسرائیلی را کشته و یا بیشترین تعداد تروریستها را از زندانهای اسرائیلی آزاد سازند. پاسخهای ضد تروریستی ویژه نیز بسیار شدید بود. عملیات تروریستی سازمان فتح که در حوزه بین‌المللی در تابستان ۱۹۷۸ به مرحله اجرا در آمد، به طور مختص به هدفهای دولتی عراق می‌پرداخت.

فعالیت‌های ویژه:

(طبقه بندی نشده) در حالی که جزئیات وقایع گروگانگیری، متناوب و آنها که در عنوان مطبوعات منعکس می‌گردد، می‌تواند در بالا بردن چشمداشت‌های فعالیت‌های تروریستی و ایجاد طرح‌های ضد تروریستی مؤثر افتد، ولی امروزه سازمان فتح دیگر مانند گذشته، حامی چنین فعالیت‌هایی نمی‌باشد. تأکید خود سازمان فتح بر «حمله مسلحانه مشروع» علیه دشمن در قلمرو تحت اشغال دشمن می‌باشد. روند کلی این وقایع بر ایجاد اختلال در زندگی روزمره اسرائیلیها و کشتار اسرائیلیها متمرکز است. وقایع دیگری چون بمب‌گذاریهای ناچیز، که به دفعات رخ داده و دارای اهمیت چندانی نیز نمی‌باشند، هسته اصلی تروریسم فلسطینی را تشکیل می‌دهد. این نحوه «جنگ» با افزایش رخدادهای صلح‌ساز که فلسطینیها را از تصمیم‌گیری پیرامون سرنوشت خودشان مستثنی می‌سازد. افزایش و انگیزه می‌یابد. با مبادرت به تروریسم فدیایان سعی دارند یا خودشان را وارد روند ایجاد صلح نمایند و یا اینکه آن را نابود سازند.

ژانویه ۱۹۶۵ - (طبقه بندی نشده) یک ایستگاه پمپ آب اسرائیلی را که به روایتی جهت منحرف ساختن آب رودخانه اردن ایجاد شده بود، منفجر ساختند. (سازمان فتح)

نوامبر ۱۹۷۱ - (طبقه بندی نشده) نخست وزیر اردن وصفی الطال را در قاهره به قتل رساندند. (سازمان سپتامبر سیاه)

دسامبر ۱۹۷۱ - (طبقه بندی نشده) سعی شد تا سفیر اردن در لندن نیز به قتل برسد. (سازمان سپتامبر سیاه)

فوریه ۱۹۷۲ - (طبقه بندی نشده) پنج فرد اردنی را در آلمان غربی به قتل رساندند.

- (طبقه بندی نشده) یک کارخانه در هامبورگ آلمان غربی مورد حمله واقع گردید و یکی از تأسیسات گاز طبیعی در همان شهر منفجر گردید.

- (طبقه بندی نشده) یکی از مناطق صنعتی در هلند هدف تخریب واقع گردید. (سازمان سپتامبر سیاه)
 مه ۱۹۷۲ - (طبقه بندی نشده) یکی از هواپیماهای ال‌عال را که از طریق بروکسل به تل‌آویو می‌رفت ربودند و آن را وادار به فرود اجباری در تل‌آویو نمودند. چهار تروریست مسلح به نارنجک و سلاح‌های دستی سبک ۱۰۱ نفر را گروگان گرفتند. آنها خواستار آزادی ۳۱۷ فلسطینی از زندانهای اسرائیل و اجازه ورود به مصر برای آنها شدند. مذاکراتی انجام شد، مدت زمانی که در ابتدا به وسیله تروریستها تعیین شده بود تمدید گردید. حدود ۲۳ ساعت پس از فرود هواپیما، حدود ۱۲ نفر چتر باز نیروی دفاعی اسرائیل به هواپیما حمله ور شده × تروریستها را شگفت‌زده کردند. دو تن از تروریستها کشته، یک تن زخمی و دو تن دیگر دستگیر شدند. یکی از گروگانها کشته شد و چهارتن دیگر زخمی شدند. (سازمان سپتامبر سیاه)

اوت ۱۹۷۲ - (طبقه بندی نشده) ترمینال نفتی ترانس - آلاین در تریست را تخریب نمودند. (سازمان سپتامبر سیاه)

سپتامبر ۱۹۷۲ - (طبقه بندی نشده) به کشتار و ربودن دسته جمعی ورزشکاران اسرائیل در المپیک مونبخ مبادرت ورزیدند. به این ترتیب که در سپیده دم هشت تروریست مسلح به تفنگهای اتوماتیک و نارنجک‌های دستی محوطه مخصوص اسرائیلی‌ها را در دهکده المپیک اشغال کرده، دو تن از اسرائیلیها را

کشته و ۹ نفر دیگر را گروگان گرفتند. تروریستها خواستار آزادی ۲۰۰ فلسطینی از زندانهای فلسطینی و خروج امن آنها از کشور شدند. مذاکرات آغاز گردید، مقامات آلمان امتیازی ندادند، فقط اعلام کردند که حاضرند یک اتوبوس و چند هلیکوپتر برای بردن تروریستها و گروگانهایشان به فرودگان فورستن فلدبروگ بفرستند، تا از آنجا آنها به مصر فرستاده شوند. این حادثه در ساعت ۳ صبح روز دوم زمانی که پلیس محلی مونیخ تحت حمایت چند نظامی به تروریستها حمله کردند، خاتمه یافت. تک تیراندازها از نقاط استراتژیک مبادرت به تیراندازی کردند ولی علیه هلیکوپترهایی که تروریستها و گروگانهایشان را حمل می‌کرد، هیچ تلاشی انجام نشد. در این اثنا یکی از هلیکوپترها وسیله تروریستها منفجر شد و در نتیجه همه گروگانهای آن نیز کشته شدند. ۵ تن از تروریستها کشته، و سه تن از آنان زخمی و دستگیر شدند. یکی از اعضاء مهاجم آلمانی کشته و یک تن دیگر زخمی گردید.

- (طبقه بندی نشده) مسئولیت ارسال یک نامه حاوی بمب را که منجر به قتل یک دیپلمات اسرائیلی در لندن شد به عهده گرفتند. (سازمان سپتامبر سیاه)

اکتبر ۱۹۷۲ - (طبقه بندی نشده) یک هواپیمای جت لوفت هانزا ربوده شد و اعلام شد که هواپیما با ۲۰ سرنشین آن منفجر خواهد گردید، مگر اینکه تروریستهای متهم به کشتار مونیخ آزاد گردند. دولت آلمان غربی با آزادی زندانیان موافقت نمود و تروریستها نیز به هواپیما اجازه فرود در مونیخ را دادند. حضور تعداد زیادی از افراد پلیس در فرودگاه تروریستها را از این کار منصرف کرد و آنها در عوض به طرف زاگرب در یوگسلاوی پرواز کردند. زمانی که آزادی زندانیان توسط دولت آلمان غربی تأیید گردید، تروریستها و گروگانهایشان به طرف لیبی به پرواز درآمدند، گروگانها نیز سالم آزاد گردیدند. (سازمان سپتامبر سیاه)

دسامبر ۱۹۷۲ - (طبقه بندی نشده) سفارت اسرائیل در بانکوک را اشغال کرده، شش گروگان گرفتند چهار تروریست مسلح به سلاحهای دستی سبک خواستار آزادی ۳۶ فلسطینی از زندانهای اسرائیل شدند و مدت زمانی را نیز برای انجام آن تعیین کردند. سفیر مصر و مقامات تایلندی از آنها خواستند که گروگانها را تهدید به مرگ نمایند و آنها هم در عوض قول دادند که به آنها اجازه دهند به مصر بروند. روز بعد تروریستها و گروگانها به فرودگاه منتقل گردیدند. گروگانها آزاد شدند و تروریستها به همراه سفیر مصر و دو تن از مقامات تایلندی به طرف مصر پرواز کردند. ولی اسرائیل هیچ یک از زندانیان را آزاد ننمود. (سازمان سپتامبر سیاه)

ماه مارس ۱۹۷۳ - (طبقه بندی نشده) سفارت عربستان سعودی در خارطوم را اشغال کرده ۵ دیپلمات را گروگان گرفتند. تروریستها خواستار آزادی تروریستها و جانبانی که در زندانهای اردن، آلمان غربی، اسرائیل و آمریکا بودند و نیز سرهان سرهان شخص متهم به قتل رابرت کندی شدند. روز بعد پس از رد خواسته‌هایشان آنها هم یک دیپلمات بلژیکی و دو دیپلمات آمریکایی را به قتل رساندند. آنها یک دیپلمات سعودی و یک دیپلمات اردنی را تا ۲ روز بعد گروگان گرفتند و سپس آنها را آزاد ساختند. (سازمان سپتامبر سیاه)

ژوئیه ۱۹۷۳ - (طبقه بندی نشده) احتمالاً در قتل یک وابسته نظامی اسرائیل در واشنگتن دی - سی دست داشته‌اند (سازمان سپتامبر سیاه)

ژوئن ۱۹۷۴ - (طبقه بندی نشده) یک خانواده اسرائیلی را در نهاریه اسرائیل به قتل رساندند. سه

تروریست مسلح به نارنجک و سلاحهای سبک دستی آپارتمان آنها را اشغال کرده، خانواده چهار نفره را به گروگان گرفته، سپس آنها را به قتل رسانده‌اند. قبل از حمله نظامیان اسرائیل به ساختمان و کشته شدن سه تن از تروریستها هیچ تقاضایی نشده بود. یکی از اعضاء نیروهای اسرائیلی کشته و ۵ نفر از آنها زخمی شدند. (سازمان فتح)

اکتبر ۱۹۷۴ - (سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) طرح کشتار اجلاس اعراب در رباط ریخته شد، ولی این توطئه خنثی گردید (سازمان سپتامبر سیاه)

مارس ۱۹۷۵ - طبقه بندی نشده) به انجام آدم‌ربایی، حمله و بمب‌گذاری در هتل ساووی تل‌آویو مبادرت ورزیده شد. هشت تروریست با دو قایق پلاستیکی به وسیله یک کشتی در ۲۵ میلی‌تل‌آویو به آب انداخته شد. تروریستها که لباس نظامیان اسرائیلی را به تن داشتند در ساحل به وجودشان پی‌برده شد و یکی از سربازان درحال استراحت اسرائیلی یکی از قایقها را منفجر کرد و کشته شد. تروریستها به خشکی گام نهادند و به مردمی که در حال خروج از سینما بودند، شلیک کردند. در هتل ساووی ۱۰ نفر را گروگان گرفتند.

تقاضاهای آنها عبارت بود از: یک هواپیمای سازمان ملل آنها و گروگانها را به دمشق ببرد، میانجیگری وسیله فرانسویها، یونانیها و یا سفرای واتیکان، آزادی اسقف کاپوچی و دیگر اینکه سفیر فرانسه آنها را همراهی نماید. پلیس اسرائیل اطراف هتل را محاصره کرد منطقه را ممنوع‌الورود اعلام نمودند، ولی تروریستها که مسلح به مواد منفجره و نارنجک دستی و سلاحهای سبک دستی بودند و از پشت بامها به سوی آنها تیراندازی می‌کردند، اجازه نزدیک شدن را به آنها نمی‌دادند. صدها سرباز اسرائیلی دست به کار شدند و ۶ ساعت پس از آغاز این حمله یک واحد به ساختمان حمله برد. پس از اندکی تیراندازی تروریستها انفجاری به راه انداختند. هفت تن از تروریستها سه تن از گروگانها و سه تن از سربازان اسرائیلی کشته شدند. بسیاری نیز مجروح گردیدند، یکی از تروریستها نیز به اسارت گرفته شد. (سازمان فتح)

سپتامبر ۱۹۷۵ - (طبقه بندی نشده) سفارت مصر در مادرید را اشغال کردند. چهار تروریست سفیر، کنسول، وابسته مطبوعاتی و شش تن از کارمندان اسپانیایی سفارت را گروگان گرفتند. گروگانهای اسپانیایی فوراً آزاد گردیدند، ولی سه تن مصری را گروگان نگاه داشتند. تروریستها تهدید کردند که اگر مصر موافقتنامه آتش‌بس صحرای سینا را نادیده بگیرد، آنها گروگانها را به قتل خواهند رساند. آنها به خصوص از مصر خواستند که هیچ‌گونه سندی را امضاء ننماید. و از آن دسته مقاماتی که در مذاکرات ژنو شرکت جسته بودند، خواستند که با صدور یک بیانیه عمومی این موافقتنامه را خیانتی به مصریها و خلق عرب قلمداد نمایند و دیگر اینکه مصر سریعاً اجلاس ژنو را ترک گوید. تروریستها اعلام کردند که در مدخلهای ورودی و پنجره‌های سفارت مواد منفجره کار گذاشته، و خودشان نیز مسلح به مواد منفجره و چاقو می‌باشند. سفرای الجزیره، عراق، کویت و اردن مذاکراتی را آغاز نمودند. صبح روز بعد، تروریستها و گروگانهایشان به همراه سفرای عراق و الجزیره با نظارت پلیس به فرودگاه برده شدند. یک هواپیما آنها را به الجزیره برد و گروگانها نیز در آنجا آزاد شدند. (سازمان سپتامبر سیاه)

ژوئن ۱۹۷۶ - (سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان / غیرهم پیمانان / هشدار اطلاعاتی) گروه جوانان سازمان فتح در مشق اقدام به بمب‌گذاریهای متعدد کردند. (سازمان فتح)

نوامبر ۱۹۷۷ - (طبقه بندی نشده) چند موشک شلیک گردید و به دنبال آن در نهاریه اسرائیل یک نفر کشته و ۵ نفر زخمی گردیدند. (سازمان فتح)

فوریه ۱۹۷۸ - (طبقه بندی نشده) یکی از افراد برجسته ساحل غربی را به اتهام همکاری با اسرائیلیها در رامله به قتل رسانیدند. (ساف)

- (طبقه بندی نشده) در یکی از اتوبوسهای مملو از مسافر در اورشلیم اقدام به بمب گذاری کردند و در نتیجه آن ۲ نفر کشته و ۴۶ نفر زخمی شدند. (ساف)

مارس ۱۹۷۸ - (طبقه بندی نشده) به یک حمله دسته جمعی به جاده تل آویو - حیفا مبادرت ورزیدند. سیزده تروریست که از طریق یک کشتی باری یونانی با استفاده از دو قایق لاستیکی وارد یکی از بنادر ماهیگیری لبنان شده بودند، از آنجا حمله خود را آغاز کردند. به هنگام حرکت یکی از قایقها واژگون شد و دو تن از تروریستها غرق شدند. در ساحل آنها یک زن آمریکایی را دستگیر کرده و درباره موقعیت خود از او سؤالاتی نمودند و سپس او را به قتل رسانیدند. در شاهراه آنها به طرف چند وسیله نقلیه تیراندازی کردند و یکی از تاکسیها را متوقف کرده، راننده آن را به قتل رساندند و به اتوبوسی نیز تیراندازی کردند که آن هم با یک اتوبوس دیگر برخورد نمود. مسافری را در یک اتوبوس گرد آوردند. اکنون آنها روی هم رفته صد گروگان در اختیار داشتند. تروریستها به سلاحهایی از قبیل کلاشینکف، ام-۱۶، آر پی جی، خمپاره انداز ساخت چکسلواکی نارنجک و مواد منفجره مسلح بودند. آنها بر گه‌هایی به همراه داشتند که در آنها خواستار آزادی اعراب زندانی از زندانهای اسرائیل شده بودند. منظور اصلی آنها تصرف یک هتل در تل آویو و سپس مذاکره با سفرای انگلیس و رومانی و مقامات سازمان ملل بود، تا به این ترتیب بتوانند یک هواپیما و ۵ تن از رفقاییشان را که در زندان بسر می بردند، بدست بیاورند. با نزدیک شدن اتوبوس حاوی گروگانها به تل آویو تروریستها بر روی یک جیب پلیس که سعی داشت جاده را مسدود نماید، آتش گشودند. چند قدم دورتر دو واگن پلیس توانسته بودند، جاده را کاملاً مسدود نمایند. با کاهش سرعت اتوبوس پلیس مرزی به طرف چرخهای اتوبوس تیراندازی نمود. در یک نبرد ده دقیقه‌ای نارنجک یکی از فلسطینیها منفجر گردید. خسارات وارده عبارت بودند از: ۳۴ اسرائیلی کشته، ۸۰ نفر زخمی (یک پلیس کشته و ۹ نفر زخمی شدند)، ۹ تن از تروریستها کشته و ۲ تن از آنها دستگیر شدند.

آوریل ۱۹۷۸ - (طبقه بندی نشده) به وسیله یک بمب اتوبوس حامل داوطلبان کیبوتز آلمان غربی را که به سیاحت مشغول بودند، منفجر ساختند، که منجر به کشته شدن یک نفر و زخمی شدن پنج نفر دیگر گردید.

ژوئن ۱۹۷۸ - (طبقه بندی نشده) به وسیله یک خمپاره انداز ۸۱ میلی متری یک اتوبوس را به انفجار کشیدند که منجر به کشته شدن ۵ نفر (شامل یک آمریکایی) و زخمی شدن بیست نفر در اورشلیم شد. (الفتح)

(طبقه بندی نشده) به حمله به یک مجتمع مسکونی اسرائیلی مبادرت ورزیدند. در این حمله چهار تروریست از رود اردن گذشته، پس از پاره کردن سیم خاردار اطراف محوطه با تفنگ و نارنجک به محافظین روستا حمله ور شدند.

(طبقه بندی نشده) بمبی را در بازار مهانه یهودا واقع در غرب اورشلیم منفجر ساختند، که منجر به

کشته شدن دو نفر و زخمی شدن ۳۷ نفر گردید. این واقعه مصادف با سفر ماندیل معاون رئیس جمهور بود. (فتح)

ژوئیه ۱۹۷۸ - (طبقه بندی نشده) با پرتاب یک نارنجک به طرف ماشین حامل سفیر عراق در لندن اقدام به قتل وی نمودند. اما سفیر در آن هنگام در آن ماشین نبود، ولی دو نفر از عابریین زخمی شدند. (فتح) (محرمانه / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) حمله به سفارت عراق در پاریس. دو تروریست وارد سفارت شدند. به محض مواجهه با محافظین سفارت، آنها مسلسل دستی و هفت تیر خود را بیرون کشیده به طرف یکی از محافظین که می خواست، آنها را خلع سلاح نماید تیراندازی کردند. پس از اینکه یکی از عراقیها فرار کرد تا پلیس را در جریان بگذارد، یکی از تروریستها نیز پا به فرار گذاشت. تروریست دیگر در سفارت ماند و پس از انفجار یک نارنجک دستی پنج نفر را گروگان گرفت. او تقاضای یک هواپیما کرد تا بتواند به لندن بگریزد، در ضمن تقاضای آزادی یکی از زنان را که در این رابطه با آنها همکاری کرده بود نمود. تروریست را متقاعد کردند که خود را به پلیس فرانسه تسلیم نماید. هنگامی که این گروه به طرف ماشین پلیس در حرکت بود، محافظ سفارت عراق به روی آنها آتش گشود: یک بازرس پلیس فرانسه کشته و دو پلیس دیگر زخمی شدند، تروریست زخمی شد، یکی از محافظین عراق کشته و دیگری زخمی شد. (فتح)

اوت ۱۹۷۸ - (طبقه بندی نشده) حمله به کنسولگری عراق در کراچی. دو مرد مسلح در حالی که سوار بر موتور سیکلت بودند، سعی کردند به دنبال ماشین سرکنسول وارد محوطه کنسولگری بشوند. یکی از محافظین در محل درب ورودی مانع آنها شد، یکی از آنها محافظ را که توانسته بود با سرنیزه یکی از تروریستها را بکشد، به قتل رساند. یکی از دستیاران اداری که در ماشین کنسول بود مجروح گردید. (طبقه بندی نشده) به انفجار بمبی حاوی میخ و ساچمه های بلبرینگ در بازار کارمل در تل آویو مبادرت ورزیده موجب کشته شدن یک نفر و زخمی شدن ۴۸ نفر گردیدند (ساف و جبهه آزادیبخش خلق فلسطین مسئولیت این انفجار را به عهده گرفتند).

سپتامبر ۱۹۷۸ - (محرمانه) به ارسال نامه های حاوی بمب به نمایندگی های دیپلماتیک عراق در بن، لندن و واشنگتن مبادرت ورزیدند، لیکن هیچ کدام از آنها منفجر نگردید.

سپتامبر ۱۹۷۸ - (طبقه بندی نشده) تلاش برای منفجر ساختن قایقی که ۴۲ موشک ۱۲۲ میلی متری را در ساحل ایالت در خود حمل می نمود کردند. قایقی که ۹ تروریست و مهمات آنها را در خود داشت به دستورات ناوگشتی اسرائیلی در خلیج عقبه حدود ۱۰۰ کیلومتری جنوب ایالات و قعی ننهاد، توقف نکردند. اسرائیلیها بر روی آنها آتش گشودند که منجر به منفجر شدن قایق گردید. در این واقعه دو تن از تروریستها کشته شدند، هفت نفر اسیر شدند که در میان آنها سه نفر نیز زخمی شده بودند. نوامبر ۱۹۷۸ - (طبقه بندی نشده) اتوبوس حامل توریستها و اسرائیلیها را که بین جریکو و اورشلیم در ساحل غربی در رفت و آمد بود، منفجر کردند که منجر به کشته شدن ۴ نفر و مجروح شدن ۴۰ نفر دیگر شد. این واقعه به مناسبت سالگرد سفر سادات به اورشلیم رخ داد.

ژانویه ۱۹۷۹ - (طبقه بندی نشده) بمبی را در پایین شهر نتانیا منفجر ساختند که منجر به کشته شدن دو نفر و زخمی شدن ۵۱ نفر که در میان آنها یک توریست انگلیسی نیز وجود داشت، گردید.

الصاعقه:

الصاعقه که به وسیله بعث سوریه به وجود آمده است در نهضت مقاومت فلسطین دارای اهداف و تمایلاتی است که با منافع ملی سوریه سازگار است. الصاعقه بجز مشارکت در برخورد سوریه و فلسطینیها در لبنان در سال ۱۹۷۶ به طرفداری از سوریه، همیشه نمایانگر یک جریان محافظه کارانه در سازمان آزادیبخش فلسطین بوده است. هدف الصاعقه ایجاد یک کشور فلسطینی در غرب رود اردن و نوار غزه است.

(سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان و همپیمانان) صاعقه با ۲۵۰۰ عضو خود که نیمی از آنها از اعضاء نیروهای مسلح سوریه می باشند، دومین گروه فدائی بزرگ به حساب می آید. سازمان منشعب آن قابل تطابق با سازمان ارتش سوریه می باشد، آنها به وسیله ارتش سوریه و معلمین آنها و مستشاران شوروی آموزش می بینند. سلاحها عبارتند از: سلاحهای روسی و سلاحهای پمان ورشو و نوع سوریه‌ای و در برگیرنده موشکهای سام-۷ و سلاحهای ضد هوایی و ضد تانک می باشند. (طبقه بندی نشده) صاعقه به خاطر روابطش با سوریه به انجام عملیات در اسرائیل و مناطق اشغالی دست نزده است.

تنها عملیات تروریستی بین المللی آن برای جلوگیری از مهاجرت یهودیان شوروی انجام گردید و در اروپای غربی به وقوع پیوست.

اهداف و گرایشها:

(طبقه بندی نشده) این سازمان نقش اسب تروا را برای مانورهای سوریه در نهضت فلسطینی ایفا می نماید. اهداف صاعقه همیشه مطابق اهداف سوریه بوده است. بنابراین با آشنایی در زمینه سیاست سوریه می توان به اهداف و تمایلات صاعقه نیز پی برد. صاعقه و سوریه با حرکت ساف در پذیرفتن یک کشور فلسطینی در ساحل غربی رود اردن و نوار غزه و شرکت آن در کنفرانس ژنو موافق بودند. صاعقه از حملات سوریه به خاک لبنان حمایت کرد و به همین دلیل خود را از بسیاری دیگر از گروههای فلسطینی جدا ساخت. آشتی زمانی بین آنها انجام شد که همگی با ابتکار صلح سادات مخالفت ورزیده، رهبران صاعقه از ارتش مصر خواستند که رئیس جمهور خود را سرنگون کرده یا به قتل رسانند. توافقی که بین سوریه و عراق پدید آمد به بهبود روابط بین صاعقه و گروه فدایی تحت الحمايه عراق به خصوص جبهه آزادیبخش عربی منجر گردید.

نیروی تقریبی:

(طبقه بندی نشده) ۲۵/۰۰۰ نفر

رهبر اصلی:

ظهیر محسن. حدوداً در سال ۱۹۳۶ در تولکوام متولد گردید. (محرمانه) محسن در سنین نوجوانی به حزب بعث پیوست و هنگام ممنوع اعلام شدن حزب بعث در سال ۱۹۵۷، محسن نیز به وسیله مقامات اردنی دستگیر شد. بعدها در یکی از مدارس قطر به تدریس پرداخت، ولی او را به بهانه فعالیت‌های سیاسی

غیرقانونی اخراج نمودند. محسن تا سال ۱۹۶۷ در کویت به سر برد و پس از آن به دمشق رفته در سیاستهای حزب بعث به عنوان حامی صالح جدید فعالیت نشان داد. (محرمانه) محسن به محض تشکیل صاعقه در ۱۹۶۷ بدان پیوست و در سال ۱۹۶۸ رهبر نیروهای صاعقه در لبنان و معاون ریاست شورای ملی فلسطین گردید. (سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) پس از کودتای اسد در سال ۱۹۷۱، محسن سریعاً با رهبر جدید ارتباط برقرار کرده کنترل کامل صاعقه را به دست گرفت. (محرمانه) در سال ۱۹۷۱، او به عضویت کمیته اجرائی ساف درآمد و فرماندهی دپارتمان نظامی را در سال ۱۹۷۱ به عهده گرفت.

(محرمانه) محسن در رابطه با مسائل فلسطین و مسائل خاورمیانه کاملاً مطیع اوامر سوریه است. این رابطه سبب شد که وی به عنوان بازیچه سیاستهای سوریه در لبنان معروف گردد. ولی به خاطر این طرز رفتار همه گروههای فدائی و رهبران آنها (استثناء جبهه آزادیبخش خلق فلسطین و احمد جبرئیل) از او متنفر گشتند. پس از ابتکار صلح سادات، محسن با بسیاری از این رهبران از قبیل عرفات آشتی نمود.

سوابق:

(محرمانه) صاعقه در سال ۱۹۶۶ در نهمین کنگره حزب بعث سوریه به وجود آمد، و به دستور سوریه وارد خاک لبنان گردید تا حضور خود را در آنجا نشان دهد. مهمتر از همه اینکه پس از جنگ ۱۹۶۷ صاعقه عملیات خود علیه اسرائیل را در اواخر سال ۱۹۶۹ آغاز کرد.

(طبقه بندی نشده) در تمام طول جنگ لبنان صاعقه به طرفداری از سوریه پرداخت. و به خاطر همین سیاست بود که از دیگر گروههای فدائی به خصوص گروههای ارتدادی منزوی گردید و برخورد میان آنها تا اوائل سال ۱۹۷۸ ادامه داشت. اولین مرحله آشتی پذیری بین صاعقه و دیگر گروههای فلسطینی پس از قرارداد اشتورا در ژوئیه ۱۹۷۷ صورت گرفت که طبق آن صاعقه به مشارکت در گشتها با سازمان فتح با از یاد بردن خصومتهای دیرین پرداخت. در ماه مه ۱۹۷۸ ظهیر محسن - به همراه دیگر گروههای اتدادی از قبیل جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین با تصمیم گیری «یک جانبه» ساف به مخالفت برخاست و به این ترتیب به جریان اصلی مخالفت در درون فلسطین پیوست.

(طبقه بندی نشده) صاعقه اجلاس شورای ملی فلسطین در ژانویه سال ۱۹۷۹ را مورد ستایش قرار داده از همه اجزاب و طرفین خواست که به گفتگوهای دموکراتیک خود ادامه دهند. این گروه نسبت به آینده اتحاد بین سوریه و عراق و نیز بین تمام کشورهایی که از گروههای فدائی حمایت می کنند، خوش بین است.

تاکتیکها و روشهای عملیاتی:

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) بنا به گزارشهای رسیده پس از انعقاد قرارداد عدم تجاوز بین اردن و سوریه در ژانویه ۱۹۷۶ صاعقه به عملیات خود در درون اردن خاتمه داده عملیات تروریستی را انجام نخواهد داد. حملات تکاورانه آن علیه اسرائیل و دیگر مناطق اشغالی از اهمیت خاصی برخوردار نیست.

به این گروه اجازه انجام هر گونه عملیاتی در خاورمیانه و اروپای غربی داده شده بود و احتمالاً طرحهای این عملیات نیز به وسیله رکن ۲ ارتش سوریه ریخته می شد. عملیات نفرت انگیز صاعقه علیه مهاجران یهودی روسیه و طرحهایی از این قبیل را تحت عنوان «سازمان سری» انجام می دادند.

سازمان:

(سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) صاعقه دارای نوعی فرماندهی نظامی بوده. شاخه های اداری، امنیتی، امور فنی، امور تسلیحاتی و عملیات مخصوص به خود را نیز داراست. اقداماتی در نوامبر ۱۹۷۶ در زمینه دوباره سازمان دهی انجام گرفت که هدف آن محکمتر کردن روابط این گروه با حزب بعث سوریه بوده است.

(محرمانه / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) نظارت بر این گروه از طرف رکن ۲ ارتش سوریه انجام می گردد. و تقریباً ۵۰ درصد افراد سلسله مراتب فرماندهی و ۷۵ درصد افسران، عضو نیروهای ارتش سوریه می باشند.

قرارگاهها و پایگاهها:

(طبقه بندی نشده) صاعقه که در دمشق و بیروت قرارگاههایی مستقر کرده، در اردوگاههای آوارگان لبنانی نیز پایگاههایی دارد، ولی تمرکز نیروهای آن در بیروت و تریپولی می باشد.

(محرمانه / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه) پس از اینکه صاعقه به طور موقت در نتیجه یک برخورد نامناسب بین سوریه و فلسطینیها از بعضی از مناطق لبنان اخراج گشت، دوباره توانست خود را در آنجا مستقر سازد. در اوائل ماه مارس، برای دومین بار وارد اردوگاههای آوارگان طایر شد و دفاتر خود را آنجا بازگشایی نمود. در همان حال بخشهای نیرومند صاعقه را در نزدیکی بنت جبیل و رأس مارون مستقر گردانید. با حمله اسرائیل در اواسط مارس، صاعقه مرکز فرماندهی و نیروهای خود را به شهر نبطیه که تا مدتها یک منطقه تدارکاتی مهم بود، منتقل کرد و پس از آن مقداری از نیروها نیز به سمت زیفنا در جنوب شرقی نبطیه رفتند.

(محرمانه، غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان) پایگاههای نظامی صاعقه در دمشق و ذخیره گاههای آن در سوریه است.

آموزش:

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) فرماندهان دسته و دیگر اساتید ارتش سوریه که در شوروی دوره دیده اند، به اعضای این گروه آموزشهای چریکی داده، آنها را با طرز کار سلاحهای ضد هوایی آشنا می سازد.

سلاح:

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان) دولت سوریه تقریباً همه نوع سلاح در اختیار آنها قرار می دهد، که شامل موشکهای سام-۷ (که به وسیله پرسنل ارتش سوریه کنترل می شوند)

سلاحهای ضد هوایی، موشک اندازهای ۱۲۲ میلیمتری، نارنجک اندازهای آرپی جی ۷، موشکهای هدایت شونده ضد تانک ۳، سلاحهای ضد تانک و منورهای بلژیکی، و موشکهای ضد تانک آلمانی کبرا می باشد. این دولت همچنین کامیونهای رومانی، جیپ، پتو و مواد غذایی و درمانی مناسب نیز در اختیار این گروه قرار می دهد.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) در آوریل ۱۹۷۸ برای مقامات نظامی صاعقه برنامه ای تهیه شد تا به الجزیره رفته سلاحهای روسی دلخواه خود را انتخاب نمایند.

منافع مالی:

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان) اعضای ارتش سوریه و بازنشستگانی که در صاعقه خدمت می کنند، ماهانه حداکثر ۱۳۵ دلار حقوق دریافت می دارند. دیگر اعضای صاعقه و سازمان آن از طرف دولت سوریه کمکهای مالی دریافت می دارند.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان) بنابه گزارشات مختلف بعضی از هسته های امنیتی صاعقه به فروش مواد مخدر مبادرت می ورزند و با دیگران نیز در اقدامات حفاظتی از سوداگران این مواد شرکت می نمایند.

روابط بین المللی:

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) در مورد روابط بین المللی صاعقه اطلاعاتی در دست نیست. سفر پیشنهادی این گروه به الجزیره جهت دریافت سلاح ممکن است آغازی بر این روابط باشد و احتمالاً دیگر اعضا جبهه مقاومت نیز با آن به همکاری خواهند پرداخت. امکان ایجاد روابط با لیبی نیز خیلی زیاد است.

تحلیل وقایع:

(طبقه بندی نشده) تنها عملیات اصلی و مهم

صاعقه که کشف و خنثی نیز گردید، توطئه هایی بود که هدف آنها جلوگیری از مهاجرت یهودیان شوروی به اسرائیل بود. از اوائل سالهای ۱۹۲۹، مسئله مهاجرت، مرکز و هسته تضاد اعراب و اسرائیل بوده است؛ و ظاهراً تنها گروه صاعقه توانسته است به اهمیت آن پی ببرد. مهاجرین تنها منبع تقویت خصومت اسرائیل بوده اند. ولی چون در سالهای گذشته شوروی اجازه داده است که مهاجرت به میزان قابل ملاحظه ای انجام شود، نمی توان انتظار داشت که عملیات صاعقه از سر گرفته نشوند. (طبقه بندی نشده) هدف همیشگی صاعقه قطارها بوده اند.

فعالتهای مهم:

سپتامبر ۱۹۷۳ - (طبقه بندی نشده) سه مهاجر یهودی روسیه ای و یک مقام گمرک اطریشی را از قطاری که از مسکو به طرف وین در حرکت بود، ربودند و به وسیله یک ماشین سواری به طرف فرودگاه

وین رفتند. دو تروریست اعلام کردند که اگر به آنها هواپیمایی داده نشود تا به وسیله آن به یک کشور عربی نامعلوم بروند، خود و همراهانشان را خواهند کشت. آنها همچنین خواستار تعطیل کمپ ترانزیت اطریشی که مخصوص مهاجران یهودی شوروی برپا شده بود، شدند، سرانجام به تروریستها اجازه داده شد که به وسیله یک هواپیمای کوچک کشور را ترک نمایند و آنها هم پس از توقف در یوگسلاوی، سیسیل و ساردنی در لیبی به زمین نشستند. بالاخره دولت اطریش اعلام کرد که به منظور حفظ جان گروگانها آن کشور موافقت کرده است که تسهیلات قلعه شونو را که از طریق آن یهودیان شوروی به اسرائیل می‌رفتند، تعطیل اعلام نماید. دولت لیبی احتمالاً تروریستها را آزاد نموده است.

سپتامبر ۱۹۷۵ - (طبقه بندی نشده) تصمیم گرفتند یک قطار هلندی را برابند و به این ترتیب دولت هلند را وادار نمایند که از حق مهاجرت یهودیان شوروی به اسرائیل حمایت ننماید، ولی این توطئه هرگز به مرحله اجرا درنیامد.

فوریه ۱۹۷۶ - (سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / هشدار اطلاعاتی) دفاتر روزنامه جبهه مخالفت حامی عراق در لبنان را غارت و نابود کردند.

جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین

خلاصه:

(طبقه بندی نشده) جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین یک سازمان مارکسیستی طرفدار شوروی است که خواستار انقلاب طبقه کارگر در خاورمیانه است و در نهضت مقاومت فلسطین به طور مستقل عمل می‌کند. جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطینی را نمی‌توان جزو ارتدادیون دانست، زیرا این گروه تشکیل یک کشور فلسطینی را در هر یک از سرزمینهای آزاد شده پذیرفته است. ولی چون دارای یک چهارچوب ایدئولوژیکی بسیار شدید است و دائماً نیز تظاهر می‌کند که بزرگترین گروه مورد قبول فدائی است و اصولاً از نحوه تصمیم‌گیری ساف و گفتگوی آن با اردن انتقاد می‌نماید، نمی‌توان آن را در زمره گروههای میانه‌رو ساف نیز به حساب آورد.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین که مانند یک حزب کمونیستی. سازماندهی شده و دارای پولیت‌بورو، کمیته مرکزی و هسته‌های مشابه آن می‌باشد، معروف است که دائماً و شدیداً از نظر ایدئولوژیکی خود را مورد انتقاد قرار می‌دهد.

(محرمانه / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) بسیاری از ۵۰۰ یا ۶۰۰ تن از اعضاء این گروه در شوروی، آلمان شرقی، عراق یا کوبا آموزش دیده‌اند. با وجود اینکه در مورد سلاحهای این گروه اطلاعی در دست نیست، ولی می‌توان گفت که سلاحها از طریق منابع کمونیستی به آنها می‌رسد.

(طبقه بندی نشده) تقریباً تمام عملیات تروریستی جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین در اسرائیل و مناطق اشغالی انجام گرفت در سال ۱۹۷۴ به اقداماتی در زمینه گروگانگیری در اسرائیل دست زد و کشتاری نیز انجام داد، و هدف هر دو رخداد بدست آوردن آزادی رفقای اسیر در زندانهای اسرائیل بود. با وجود تلاشهای بعدی نتوانستند آن شاهرکارها را بار دیگر انجام دهند.

جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین (DELDP):

در نشریات پیشین از آن به عنوان جبهه دموکراتیک خلقی برای آزادی فلسطین (PDFLEP) یاد شده بود.

اهداف و تمایلات:

(طبقه بندی نشده) جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین که سر سپرده اصولی مارکسیسم است، معتقد است که جدا از انقلاب طبقه کارگر نمی توان به اهداف ملی فلسطینیها دست یافت. علاوه بر این کادر نخبه گان نیز نباید جدا از توده های مردم به سر ببرند و ابتدا باید سوسیالیزم واقعی را به طبقات پایین آموخت تا آماده مبارزه شوند.

(طبقه بندی نشده) جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین که نه در شمار میانه روها و نه در شمار ارتدادیون قرار دارد، از نوعی تمایلات خاص در خط مشی خود برخوردار است، یعنی سعی دارد تمام تغییر رخدادهای خاورمیانه ای را از طریق چهارچوب از پیش تعیین شده ایدئولوژیکی خود تعبیر و تفسیر نماید.

(طبقه بندی نشده) در اجلاس شورای ملی فلسطین که در بهار سال ۱۹۷۷ تشکیل گردید، جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین به طور کامل از برنامه های ملی فلسطین حمایت نمود و خواستار تشکیل یک کشور فلسطینی در مناطق آزاد شده گردید و تمایل ساف به حضور در کنفرانس صلح ژنورا نیز مورد تأیید قرار داد. پذیرش یک مرحله میان دوره ای در تشکیل یک کشور قبل از دست یابی به هدف نهائی که همانا یک کشور دموکراتیک، متحد در تمام خاک فلسطینی به روایت انگلیس است می تواند، تنها دلیل اختلاف بین جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین و جبهه ارتدادیون باشد، که تحت عنوان جبهه خلقی برای آزادی فلسطین عمل می کنند.

(طبقه بندی نشده) جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین ابتکار صلح سادات را «تسلیم کامل به اسرائیل» نامید و همکاران سادات را تهدید به مرگ نمود. جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین باور ندارد که ساف نمی توانسته است به اقدامات شدیدتری علیه سادات دست بزند و معتقد است که گرایشهای ساف متمایل به منافع عربستان سعودی و اجلاس وحدت و توافق بین سوریه و عراق می باشد.

(طبقه بندی نشده) جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین گفتگوی بین اردن و ساف را مردود می داند، چون معتقد است که این موضوع به شاه حسین اجازه می دهد که به عنوان نماینده مردم فلسطین در کنار ساف وارد عمل شود. آنها فکر می کنند که حسین می خواهد ساحل غربی رود اردن را دوباره پس بگیرد و از فعالیتهای ساف در میان توده های فلسطینی اردن ممانعت به عمل آورده و اجازه انجام فعالیتهای نظامی علیه اسرائیل را از خاک لبنان ندهد - که جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین با همه اینها مخالف است.

(طبقه بندی نشده) جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین به طور مکرر «خصومت و مقاومت خود علیه سیاستهای آمریکا در خاورمیانه را اعلام کرده» از جنبش غیرمتعهدها حمایت می کند و با تمام جنبش های آزادیبخش ملی که علیه امپریالیسم و نژادپرستی مبارزه می کنند نیز اعلام وحدت می نماید. (طبقه بندی نشده) جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین از ساف می خواهد که با «نیروهای یهودی پیشرو و دموکراتیک ضد صهیونیست» رابطه برقرار نماید.

نیروی تقریبی:

(طبقه بندی نشده) ۵۰۰ یا ۶۰۰ نفر

رهبران اصلی:

(طبقه بندی نشده) نایف حواتمه (ابوثوف) متولد در السالت اردن در سال ۱۹۳۱
(طبقه بندی نشده) در سال ۱۹۵۴، حواتمه به جنبش ناسیونالیست عربی که به وسیله جرج حبش که اکنون ریاست جبهه خلقی آزادیبخش فلسطینی را برعهده دارد، ایجاد شده بود، پیوست. در سال ۱۹۵۷، به خاطر فعالیت‌های سیاسی حواتمه در اردن زندانی شد و پس از آن از این کشور اخراج و تبعید گردید. وی به عراق رفت و در آنجا نیز زندانی شد. در سال ۱۹۶۳، پس از آزادی به بیروت رفت و در دانشگاه عربی به هنگام تحصیل به فعالیت خود در زمینه جذب اعضاء پرداخت در سال ۱۹۶۷، حواتمه به جمهوری دموکراتیک خلق یمن که به تازگی استقلال یافته بود رفت تا با رهبران آنها مشورت نماید. و بعدها درباره این تجربه خود کتابی نوشت. در سال ۱۹۶۸ به خاطر یک قرارداد عدم تعارض کلی توانست به وطن خود اردن بازگردد.

(طبقه بندی نشده) حواتمه به جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین که شاخه‌ای از جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین در سال ۱۹۶۸ بود پیوست. وی که یک انقلابی مخلص بود، با رهبران جبهه خلق آزادیبخش فلسطین دارای اختلافات ایدئولوژیک و شخصی بود. در حال حاضر حواتمه دبیرکل جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین است. وی در این سازمان دارای موقعیتی بسیار مهم از نظر تصمیم‌گیری می‌باشد.

(طبقه بندی نشده) «عمر ادیب» عبید رابوح (ابویاسر) متولد در سال ۱۹۴۱.

(محرمانه) رابوح نیز یکی از اعضای جنبش ناسیونالیست عربی بود و بنا به گزارشات متعدد به جرج حبش در تأسیس جبهه خلق آزادیبخش فلسطین در سال ۱۹۶۷ یاری داده بود. ولی در سال بعد او به همراه حواتمه جبهه خلق آزادیبخش فلسطین را ترک گفت تا به تشکیل جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین مبادرت ورزد و در حال حاضر وی معاون دبیر کل این جبهه است.

(محرمانه) رابوح نماینده جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین در کمیته اجرائی فلسطین بود، ریاست اداره اطلاعات ساف را نیز بر عهده دارد. وی در هیأت نمایندگیهای ساف به سفرهای بسیاری رفته است که مهمترین آنها عبارتند از شرکت در اجلاس اعراب در رباط در سال ۱۹۷۴، شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۷۷ و انجام چند مأموریت در شوروی.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیرهمپیمانان / هشدار اطلاعاتی) طریق حمدان نام مستعاری است که رابوح در هنگام امضاء مقالات خبری منعکس کننده نظریات رهبریت جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین استفاده می‌نماید.

سابقه:

(طبقه بندی نشده) جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین در فوریه سال ۱۹۶۹ به وسیله تحصیل‌کنندگان رادیکال از جبهه خلق آزادیبخش فلسطین که از نظر ایدئولوژیکی بسیار خیره بودند،

منشعب و تشکیل گردید.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) در جنگ لبنان، جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین با جنبش ملی لبنان، حزب کمونیست لبنان، و سازمان فعالیت کمونیستی همکاری می نمود. این گروه در جنگ از نظر سیاسی و نظامی نقش مهمی ایفا کرد، و چنین به نظر می رسد که از نظر استعداد های نظامی به چنان کیفیتی رسیده باشد که بتواند بعد از فتح موقعیت گروه بعدی را در ساف به دست آورد. گروه صاعقه سوری در اجلاس شورای ملی فلسطین در مارس ۱۹۷۷ مانع از آن شد که این موضوع واقعی یابد. معذالک جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین به کار کردن با عرفات و سوریه راضی شده است.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) در سال ۱۹۷۷ و اوائل ۱۹۷۸ جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین خواستار حضور نظامی نامحدود فلسطینیها در جنوب لبنان جهت جنگ با اسرائیل و عدم محدودیت تسلیحاتی فلسطینیها در لبنان گردید. پس از حمله اسرائیل در مارس ۱۹۷۸، جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین به مخالفت با عرفات در به میانه روی کشانیدن فعالیت های فداییان جنوب و نیز تلاش وی برای سرکوبی مخالفین خود در سازمان فتح پرداخت. در ماه می، این جبهه بیانیه جبهه ارتدادیون را به عنوان اعتراض به تصمیم گیری «یک جانبه» ساف امضاء نمود. پس از آن هم، به تشکیل اجلاس هماهنگی با جبهه آزادیبخش فلسطین و جبهه مبارزات خلقی مبادرت ورزید. در اجلاس شورای ملی فلسطین در ژانویه ۱۹۷۹ نمایندگان جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین با نمایندگان جبهه خلفی آزادیبخش فلسطین در کمیته اجرائی در یک جناح قرار گرفتند.

(طبقه بندی نشده) برخوردهای مسلحانه ای بین نیروهای فتح و نیروهای جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین در نحرالبارید، البداویه، و صیدا در ژانویه ۱۹۷۹ پیرامون گفتگو با اردن در گرفت.

فنون و روش های عملیاتی:

(طبقه بندی نشده) جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین در قسمت اعظم تاریخچه خود از مبادرت به فعالیت های «تروریستی» اجتناب می ورزید. لیکن در سال ۱۹۷۴ این گروه اقدام به چند عملیات نفوذی در اسرائیل نمود. که در یکی از این اقدامات ۲۳ کودک دبستانی اسرائیل در مالوت کشته شدند، اسرائیل و مناطق تحت اشغال آن هنوز هم از اهداف این گروه به شمار می رود؛ و جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین ممکن است مسئول تعدادی از بمب گذاری های سالهای ۱۹۷۷-۷۹ بوده باشد هسته های جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین در اسرائیل و ساحل غربی سبب شده است که این گروه بتواند به حملاتی علیه اهداف نظامی اسرائیل نیز مبادرت ورزد.

سازمان:

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر هم پیمانان / هشدار اطلاعاتی) جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین به وسیله یک هیئت سیاسی ده نفره و یک کمیته مرکزی با حمایت سازمان های کوچکتر محلی رهبری می گردد. شاخه های محلی گزارشات و اطلاعات سیاسی را از کمیته مرکزی دریافت کرده نظریات و اطلاعات به دست آمده را دوباره به آن ارسال می دارند. هسته های هر منطقه به

تناسب عضوگیری و فعالیت درجه‌بندی شده است. هسته‌ها و نیز گروه‌های زنان و دانشجویان دانشگاهی تحت نظارت کمیته‌ها عمل می‌کنند. رهبران مرکزی نقش‌های عملی نیز برعهده دارند.

قرارگاه‌ها و پایگاه‌ها:

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) دفاتر قرارگاه جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین در لبنان است، در حالی که در جنگ لبنان دفاتر مهم دیگر آن در سوریه تعطیل اعلام گردید. با وجود اینکه این جبهه در نظر داشت به عراق برود، ولی معلوم نیست که این مسئله صورت گرفته باشد و آشتی دوباره سوریه و فلسطینیها ممکن است این نیاز را برطرف کرده باشد. شاخه‌های منطقه‌ای این جبهه در لبنان، سوریه، اردن، کویت، عراق، جمهوری دموکراتیک خلق یمن، قبرس و مناطق تحت اشغال اسرائیل وجود دارند. واحدهای کوچکتر آن مانند شعبه‌های این سازمان دررم و میلان در صحنه بین‌المللی پراکنده است. (محرمانه / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه) جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین یک نیروی اضطراری مرکب از ۱۰۰ عضو در نزدیکی نبطیه در لبنان دارد.

آموزش:

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / هشدار اطلاعاتی) با وجود اینکه آموزش‌دهندگان کشورهای کمونیستی در پایگاه جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین به ارائه آموزش مبادرت می‌ورزند، ولی قسمت اعظم آموزش‌های نظامی در شوروی، آلمان شرقی و عراق انجام می‌گیرد. (طبقه بندی نشده) به طور مثال، در اوائل بهار ۱۹۷۸ ۲۳ تن از کادر این جبهه به شوروی رفتند تا به طی یک دوره ۶ ماهه آموزش پیاده بپردازند. به این دانشجویان قبل از عزیمت در امور لبنان دوره‌های فشرده معارفه ارائه شد. بعضی از این کماندوها در کلاسهای مؤسسه لنین در رشته اقتصاد در شوروی نیز شرکت می‌جویند.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) در ژوئیه ۱۹۷۶، دولت کوبا مخارج مربوط به آموزش اعضای این جبهه را در زمینه تعمیرات و وسایط تقلیه و سلاح در کوبا را تقبل نمود. یک قرارداد آموزشی با کوبا در ژانویه ۱۹۷۷ منعقد گردید. در مورد شرایط آن اطلاعی در دست نیست.

تسلیمات:

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) در مورد سلاح‌های اکتسابی توسط جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین اطلاعی در دست نیست. حواتمه در ژانویه ۱۹۷۷ یک قرارداد در زمینه تأمین سلاح با کوبا منعقد نمود که از جزئیات آن اطلاعی در دست نیست.

امور مالی:

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) عراق و لیبی تنها کشورهای عربی هستند که به این جبهه از نظر مالی کمک می‌کنند. به منظور قردادانی از حواتمه و جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین از برخورد بین لیبی و مصر در تابستان ۱۹۷۷، لیبی کمک ماهانه خود را به ۲۸۰/۰۰۰ دلار افزایش داد. ولی مشهور است که لیبی کمکهای معمول خود را یک ماه یا دو ماه دیرتر از موعد مقرر ارسال می‌دارد. در سال ۱۹۷۷ عراق ماهانه به طور میانگین ۵۰/۰۰۰ دلار به این جبهه کمک می‌نمود. در ژوئیه ۱۹۷۸ به منظور حمایت از گرایش جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین به جبهه ارتدادی و به منظور تشدید انشعابهای درونی ساف، عراق کمکی معادل ۳/۵ میلیون دلار به این جبهه نمود تا به «انقلاب» خود و مخالفت با سازمان فتح ادامه دهد.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین از طریق اعضا، وضع عوارض مخصوص در مورد فروش الحریه (روزنامه این جبهه) و فروش تقویم بنیه مالی خود را تقویت می‌نماید. منابع مالی این جبهه در حسابهای سپرده بانکهای کویت قرار داده شده است.

روابط بین المللی:

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) شاخه‌های بین‌المللی این جبهه در الجزیره، بلژیک، آلمان غربی، فرانسه، یونان، هند، ایتالیا، لیبی، کویت، مراکش، پاکستان، اسپانیا، شوروی، امارات متحده عربی، انگلیس، آمریکا، آلمان غربی و یوگسلاوی عمل می‌کنند.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) نزدیکی ایدئولوژیک، سفر رهبران این جبهه به شوروی و طی دوره‌های آموزش در شوروی و کمکهای آن کشور سبب تقویت روابط بین آنها شده است. جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین در تماس بین شوروی و دولت‌ها و انقلابیون کشورهای خلیج سهولت ایجاد می‌کند. حواتمه بنابه درخواست شوروی به مأموریتی به منظور ایجاد صلح میان سومالی، اتیوپی و جمهوری دموکراتیک خلق یمن و نیز بین دولت یمن و اریتره‌ایها در ژوئن و ژوئیه ۱۹۷۷ مبادرت ورزید.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین متخصصین تسلیحاتی و کماندویی خود را در اختیار ارتش لیبی قرار داد تا در برخورد لیبی با مصر در تابستان ۱۹۷۷، آنها را یاری دهند.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان) جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین با گروههای چپ‌گرای خلیج فارس نیز رابطه خوبی برقرار کرده و خدمات مورد نیازی از قبیل چاپ اعلامیه‌ها در مطبوعات لبنانی، قراردادن دفاتر حریه در اختیار آنها انتشار تبلیغاتی در جهان عرب، و جلب کمکهای مالی و جنسی برای آنها انجام می‌دهد.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان) جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین در ژوئیه ۱۹۷۳ آموزش دهندگانی را برای جبهه خلقی آزادیبخش عمان، آماده نمود. (طبقه بندی نشده) به ابتکار شوروی، نمایندگان این جبهه با یهودیان اسرائیلی ضد صهیونیست، دارای

گرایش‌های کمونیستی در اروپای شرقی ملاقات نمود.

(طبقه بندی نشده) حواتمه با اعضای ملازم آیت‌الله روح‌الله خمینی ایرانی روابط نزدیک داشته سعی داشتند، نهضت انقلابی و مذهبی او را به حزب توده نزدیک سازند. هسته‌های جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین به نام خمینی در میان مهاجران کارگر شیعی در کشورهای عربی خلیج به جمع‌آوری پول مبادرت می‌ورزیدند.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان) چریکهای ترکیه در دوره‌های آموزشی جبهه دموکرات آزادیبخش فلسطینی که در آن مدرسین چین و کره شمالی حضور داشتند شرکت می‌کردند.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) جبهه دموکراتی آزادیبخش فلسطین با حزب کمونیست قبرس که به حمایت از فعالیتهای اداری این جبهه در قبرس در شدیدترین مرحله جنگ لبنان دست زده بود، روابط بسیار نزدیک و صمیمانه برقرار کرده است. (سری / غیر قابل رویت برای ملل بیگانه / غیرهمپیمانان / هشدار اطلاعاتی) جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین با حزب کارگر اسپانیا نیز رابطه دارد.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) پس از ایجاد رابطه نزدیک با حزب کمونیست لبنان، جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین روابط کاری بسیار نزدیکی با هئأت اصلی چپهای فرانسوی به خصوص با رهبریت کمونیست و سوسیالیست آن کشور ایجاد کرد. پس از آغاز جنگ در لبنان کمونیستهای فرانسوی از نظر دارویی و مالی به آن کمک رسانده، اعلامیه‌های این جبهه را در فرانسه پخش می‌کردند.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) برای برقراری هماهنگی سیاسی با حزب کمونیست ایتالیا به طور رسمی تماس حاصل شد. ولی چون سران این جبهه متعصب‌تر از حزب کمونیست ایتالیا در موضع مارکسیست لنینیستی هستند، همکاری شاخه‌ای بین این دو سازمان خیلی کم است.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) با حزب کارگر سوئیس نیز تماسهایی برقرار شده است.

(محرمانه) به ابتکار جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین در شهر کلن آلمان غربی در اوائل سال ۱۹۷۶ یک کمیته خاور نزدیک ایجاد گردید. عضوگیری برای این کمیته توسط اتحادیه کمونیستی آلمان غربی انجام می‌گردد.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / هشدار اطلاعاتی) آلمان شرقی از نظر مالی، آموزشی و سیاسی کمکهای نامعلومی به این جبهه می‌نماید.

(طبقه بندی نشده) در اوائل سال ۱۹۷۶، با جبهه خلق برای آزادی ساقیات الحمراء و ریو دواورو (جبهه پولیساریو) که پایگاه آنها در الجزایر بوده و دارای اهداف ناسیونالیستی در صحرای غربی است رابطه برقرار گردید. جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین با پولیساریو دارای روابط حسنه بوده و امیدوار است بین ساف و پولیساریو نیز این گونه روابط بوجود آید.

(طبقه بندی نشده) دوستی با کوبا در نتیجه تماسها و کمکهای مهمی که به بعضی از آنها در بالا اشاره

شد، شکوفا گشت. کوبا رابطه بین جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین و جبهه آزادیبخش ملی ساندنیست نیکاراگوئه را سبب شد و این دو سازمان حمایت دو جانبه خود را اعلام داشتند.

تحلیل وقایع:

(طبقه بندی نشده) واقعه گروگانگیری عمده در مالوت در ۱۹۷۴ نقطه عطفی در عملیات جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین بود، واقعه‌ای که این گروه بسیار مایل است آن را تکرار نماید. در اوائل سال ۱۹۷۹، عملیات مشابه دیگری در مالوت انجام گرفت. که در آن تعداد کمی از تروریستها (۳) سلاحهای سبک دستی و نارنجک حمل می‌کردند، ولی نگهبانان نیروی دفاعی اسرائیل موفق به دفع آنها شدند. و چون تمام گروههای فلسطینی به عنوان عکس‌العمل در رابطه با قرارداد صلح مصر و اسرائیل مایل به تشدید مبارزات مسلحانه خود هستند، باید انتظار داشت که جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین نیز از موقعیت عالی و تماشایی بهره‌برداری نماید.

فعالتهای چشمگیر:

(طبقه بندی نشده عملیات سال ۱۹۷۴ همچنان به عنوان یک نقطه عطف باقی مانده است، چون تروریستهای جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین قادر به از بین بردن موانعی که نیروهای امنیتی اسرائیل و اردن بر سر راه آنها ایجاد کرده‌اند، نبوده‌اند. بنابراین به جای اینکه به این گونه عملیات مبادرت ورزد، این جبهه از عملیات کم خطرتر از قبیل بمب‌گذاری در مکانهای عمومی استفاده می‌کند: می ۱۹۷۴ - (طبقه بندی نشده) اشغال مدارس و قتل عام در مالوت اسرائیل انجام شد. در این عملیات سه تن از تروریستها در جایی که لباس نظامیان نیروهای دفاعی اسرائیل را به تن داشته، به زبان عبری نیز سخن می‌گفتند، از طریق مرز لبنان وارد اسرائیل گشتند. آنها به کامیونی که زنانی را از حیفا به جای دیگر می‌برد حمله برده، دو تن را کشته و ۶ تن از آنان را مجروح ساختند. به محض ورود به مالوت آنها ابتدا وارد یک آپارتمان شده سه نفر را به قتل رساندند و مدرسه‌ای را که تعدادی از نوجوانان اسرائیلی شب را در آنجا می‌گذرانند، به تصرف درآوردند. تعدادی از کودکان از طریق پنجره‌ها فرار کردند ولی ۸۶ تن از آنان گروگان گرفته شدند. تروریستها که مسلح به سلاحهای سبک و نارنجک دستی بودند، اعلام نمودند که اگر مقامات اسرائیل ۲۰ تا ۲۳ تروریستی را که در زندانهای اسرائیل بسر می‌برند آزاد ننموده و روانه دمشق نمایند، همه نوجوانان را خواهند کشت. سفیران فرانسه و رومانی به عنوان میانجی و تضمین‌کننده عبور امن تروریستها وارد عمل شدند. این سفیران سریعاً به مالوت آورده شدند.

مقامات اسرائیلی اعلام داشتند که به منظور حفظ جان کودکان، آنها با تقاضا موافقت می‌کنند. ولی با نزدیک شدن پایان وقت تعیین شده در مورد انتقال کلمه رمز، پریشانی و مشکلات قابل ملاحظه‌ای به وجود آمد و این طور به نظر می‌رسید که وقت تعیین شده برای پرواز زندانیان به دمشق و انتقال کلمه رمز که نشانگر آزادی آنها می‌باشد، کافی نبوده است. غیر ممکن است که بتوان گفت که چه کسی ابتدا مبادرت به تیراندازی نمود ولی سربازان اسرائیلی که ساختمان را محاصره کرده بودند به طرف ساختمان حمله بردند. ولی این حمله زمانی صورت گرفت که تروریستها سلاحهای خود را متوجه نوجوانان کرده، ۱۶ تن از آنان را کشته و ۷۰ تن از آنان را مجروح کرده بودند. ظاهراً در نتیجه تیراندازی، مواد منفجره تروریستها

آتش گرفته خودشان نیز کشته شده بودند. یکی از اعضاء حمله کننده نیز کشته شده است. نوامبر ۱۹۷۴ - (طبقه بندی نشده) به اردوگاه یهودی نشین بت شین در اسرائیل حمله شد. سه تن از تروریستها در حالی که نارنجک و کلاشینکف و اعلامیه‌هایی به زبان عبری حمل می‌کردند و در آنها خواستار آزادی ۱۶ تروریست فلسطینی از جمله اسقف کاپوچی از زندانهای اسرائیل شده بودند مبادرت به حمله کردند. پس از سه ساعت درگیری ۴ نفر کشته و ۲۳ نفر زخمی که در میان آنها کودک نیز دیده می‌شد. برجای گذاشتند تروریستها گروگان نگرفتند و در آپارتمانی که در محاصره پلیس بود، سنگر گرفته به تیراندازی ادامه دادند تا اینکه یک واحد نظامی مکانیزه به محل وارد گردید. در پوشش تیراندازی پلیس سربازان به طبقه بالا رفته وارد آپارتمان شدند و سه تروریست را به قتل رساندند. اوت ۱۹۷۶ - (طبقه بندی نشده) عضو جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین در توطئه‌ای به منظور به قتل رسانیدن نخست وزیر پیشین جمهوری دموکراتیک خلق یمن در قاهره، محمد علی هیشم، دست داشت.

ژوئیه ۱۹۷۷، (طبقه بندی نشده) به انفجار یک بمب لوله‌ای در بازار سبزی‌فروشان پتاتیکوا در حوزه تل‌آویو مبادرت ورزیده شد، باعث کشته شدن یک نفر و مجروح شدن ۲۰ نفر شدند. (طبقه بندی نشده) در بازار شهرداری بیر شوا بمبی را کار گذاشتند که منجر به مجروح شدن ۲۸ نفر گردید.

(طبقه بندی نشده) بمبهای دیگری نیز در اورشلیم و تل‌آویو کار گذاشتند. دسامبر ۱۹۷۷ - (طبقه بندی نشده) بمبی را در بازار اصلی ناتانیا کار گذاشتند که در نتیجه آن دو نفر کشته و دو نفر مجروح گردیدند.

نوامبر ۱۹۷۸ - (طبقه بندی نشده) مسؤلیت بمب کار گذاشته شده در سوپر مارکت اردوگاه یهودی نشین قیریاط اربع راکه در ساحل غربی و در مجاورت هیرون واقع شده به عهده گرفتند، ولی تلفاتی وارد نیامد.

(طبقه بندی نشده) این جبهه نظامیان اردنی را متهم کرده بود که به هنگام ورود به ساحل غربی از دره شمال اردن یکی از اعضاء این جبهه را کشته و یک تن دیگر را مجروح نموده‌اند.

ژانویه ۱۹۷۹ - (محرمانه غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه) سعی کردند ۲۳۰ تن از غیر نظامیان موجود در یکی از میهمانخانه‌های مالوت رادستگیر نمایند. سه تروریست مسلح به کلاشینکف و نارنجک دستی وسیله یکی از گشتیهای نیروی دفاعی اسرائیل کشته شدند. یکی از زنان اسرائیلی و سه تن دیگر از آنان به هنگام فرار به ترتیب کشته و زخمی شدند.

جبهه خلقی آزادیبخش فلسطینی

خلاصه مطلب:

(طبقه بندی نشده) جبهه خلق آزادیبخش فلسطین که شدیداً طرفدار عقاید مارکسیستی است. انقلاب در نهضت فلسطین را پیش درآمدی بر انقلاب کشورهای عربی می‌داند. این جبهه که مؤسس جبهه ارتدادی است از سازش در مورد آزادسازی تمام وطن فلسطینیها (در قرارداد انگلیس) و یا نابودی اسرائیل امتناع می‌ورزد. ولی رهبران جبهه خلق آزادیبخش فلسطین در سالهای ۷۹-۱۹۷۸ یک سیاست

نظامیگری تدریجی را مد نظر قرار دادند، تا قبل از مبادرت به جنگ علیه اسرائیل، پایگاهها و شرایط لازم برای مبارزه مسلحانه را فراهم آورند.

(طبقه بندی نشده) جبهه خلق آزادیبخش فلسطین اولین گروه فلسطینی بود که به عملیات بین‌المللی مبادرت ورزید. از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۷ به سرپرستی وادی حداد یکی از مهمترین طراحان تروریسم و با همکاری دیگر تروریستهای خارجی، جبهه خلق آزادیبخش فلسطین عملیاتی موفقیت‌آمیز را در زمینه هواپیما ربایی و گروگانگیری در رابطه با اهداف سیاسی ارتدادی و ضد اسرائیلی انجام داد. پس از درگذشت حداد، عملیات تروریستی بین‌المللی این جبهه از پیچیدگی کمتری برخوردار بود و فعالیتهای آن بیشتر در اسرائیل و مناطق اشغالی متمرکز بوده است.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین ۱۰۰۰ عضو داشته، دارای نوعی بافت سازمانی حزبی کمونیستی می‌باشد. عراق و جمهوری دموکراتیک خلق یمن به این جبهه آموزشهای تخصصی ویژه تروریستی می‌دهند و آموزشهای دیگر نظامی در چین، کوبا، و کره شمالی به آنها داده می‌شود. نیروی آتش این گروه مرکب از توپخانه، موشک، موشکهای سام-۷، مسلسل دستی، و مواد منفجره می‌باشد.

اهداف و گرایشها:

(طبقه بندی نشده) جبهه خلق آزادیبخش فلسطین که شدیداً مارکسیستی است انقلاب در نهضت فلسطین را به عنوان پیش درآمدی برانقلاب مارکسیستی در کشورهای عربی می‌نگرد، تداوم خشونت انقلابی در همه سطوح را راهی برای بقای انقلاب فلسطین، آزادی وطن فلسطین (قرارداد انگلیس)، نابودی اسرائیل، و ایجاد یک دولت و جامعه دموکراتیک بر خرابه‌های آن می‌دانند. تروریسم بین‌المللی نیز بخشی از جنگ آزادیبخش ملی به حساب می‌آید.

(طبقه بندی نشده) جبهه خلق آزادیبخش فلسطین به عنوان مؤسس جبهه ارتدادی در سال ۱۹۷۴ موضع «کاپیتولاسیونیستی» ساف را در پذیرش یک دولت و کشور محدود فلسطین در ساحل غربی و نوار غزه رد کرد. ولی در سال ۱۹۷۷، بسیاری از رهبران این جبهه اعلام کردند که آنها نیز ایجاد یک دولت خودمختار فلسطینی را در هر بخش از فلسطین می‌پذیرند. تا به عنوان پایگاه مبارزه مسلحانه علیه اسرائیل از آن استفاده کنند.

(طبقه بندی نشده) هدف همه ابتکارات صلح مشخص کردن و تأمین امنیت مرزهای اسرائیل است، بنابراین جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین با همه آنها مخالفت ورزیده، خواستار وحدت بیشتر در برابر خطری است که ابتکار صلح سادات برای انقلاب فلسطین به وجود آورده است. در دسامبر ۱۹۷۷ در اجلاس مقابله و وحدت تریپولی همه گروههای فلسطینی از سیاست عدم مذاکره، به رسمیت نشناختن اسرائیل، و عدم پذیرش قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل توسط جبهه ارتدادی پیروی کردند.

(طبقه بندی نشده) با وجود اینکه گروههای ارتدادی که جبهه خلق آزادیبخش فلسطین نیز جزو آنهاست، اعلام کرده بودند که اگر جناحهای مقاومت توسط شورای ملی فلسطین در برنامه ملی فلسطین گنجانده نشود آنها نیز به ساف نخواهند پیوست، ولی همه آنها در اجلاس ژانویه ۱۹۷۹ شورای ملی فلسطین که اهداف آن مغایر اهداف آنها بود شرکت نمودند. و جبهه خلق آزادیبخش فلسطین با اعلام

نارضایتی از نتایج حاصله از شورا، به طور کلی از «وحدت» موجود در نهضت فلسطین ستایش نمود. (طبقه بندی نشده) بخشی از تمایلات تدریج طلبانه جبهه خلق آزادیبخش فلسطین یا فرضیه استراتژیک این جبهه که به وسیله رهبر آن جورج حبش توصیف شده، در عکس العمل توأم با میانه روی این جبهه در رابطه با اجلاس شورای ملی فلسطین نشان داده شده است. از او ساف خواسته است که در برنامه تجهیز و برخورد همه جانبه سیاسی اقتصادی، فرهنگی علیه دشمن صهیونیست به سوریه و عراق پیوندد.

ولی در همان حال اعلام می‌دارد که این بدان معنی نیست که همه گروه‌ها نیروهای نظامی خود را متحد کنند تا به یک جنگ فوری علیه اسرائیل مبادرت ورزند. «ما معتقدیم که این جنگ با در نظر گرفتن توانایی عظیم نظامی اسرائیل به نفع اعراب نخواهد بود. مهمترین عنصر این ابتکار این است که یک برنامه برخورد مؤثر را طرح‌ریزی می‌کند.» حبش ضرورت ایجاد پایگاه، شرایط و نیازهای لازم برای یک برخورد انقلابی و استراتژیک را دارای اهمیت بسیار تلقی نمی‌کند. این برنامه دراز مدت به جریان اصلی اعتقادات ساف نزدیکتر است تا نظریات پیشین جبهه خلق آزادیبخش فلسطین.

(طبقه بندی نشده) ولی در دیگر سیاستهای انعطاف ناپذیر جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین تغییراتی بوجود نیامده است، این گروه همکاری با نیروهای سازمان ملل در لبنان را به عنوان مانعی برای ورود به میدان مبارزه محکوم می‌شمارد و مذاکره با اردن را به این بهانه که شاه حسین با برقراری انقلاب فلسطین و عملیات آن در خاک اردن مخالفت می‌ورزد رد کرده، مخالفت وی را با قرارداد کمپ دیوید «بی‌اساس» می‌نامد. پس از قرارداد کمپ دیوید، جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین اعلام کرد که رهبریت کنونی آمریکا به خاطر توطئه علیه انقلاب و مردم فلسطین بهای گزافی را باید پردازد و سوگند یاد کرد که به منافع و پایگاههای آمریکا در همه نقاط جهان حمله نماید.

نیروهای تقریبی:

(طبقه بندی نشده) ۱۰۰۰ نفر

(محرمانه / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین - عملیات ویژه (انتقام آکاالعصب) ۱۰۰ نفر

رهبران اصلی:

(طبقه بندی نشده) جورج حبش (ابوحکیم) در شهر لود فلسطین در سال ۱۹۲۶ متولد گشت. (طبقه بندی نشده) حبش در اواخر سالهای ۱۹۴۰ نهضت ناسیونالیستی عربی را در دانشگاه عربی بیروت تأسیس نمود. این سازمان که اصولاً دارای گرایشهای عربی بود، رفته رفته تمایلات چپگرایانه یافت و به مسائل فلسطین متوجه گردید. در سال ۱۹۶۷ حبش جبهه خلق آزادیبخش فلسطین را تأسیس نمود. وی در سال ۱۹۶۸ در دمشق زندانی گردید و یکی از دلایل زندانی شدن وی اختلاف موجود بین جنبش ناسیونالیستی عربی و ایدئولوژی بعثی بود. وی در یک عملیات متهورانه که طراحی آن به وسیله وادی حداد صورت گرفته بود و از طریق آن به حبیبی که وی را برای بازجویی به دادگاه می‌برد حمله گردید، موفق به فرار گردید. حبش دیگر به سوریه نیامد تا اینکه اجلاس جبهه برخورد و وحدت در

سپتامبر ۱۹۷۸ تشکیل شد و در این زمان حبش با رئیس جمهور سوریه اسد به طور خصوصی گفتگو نمود.

(طبقه بندی نشده) حبش در سال ۱۹۷۲ دچار یک حمله شدید قلبی گردید و مدت یک سال به خاطر تحت معالجه بودن در شوروی و گذراندن دوران نقاهت در بلغارستان از صحنه کنار رفت. در مارس ۱۹۷۳ بار دیگر ظاهر گردید و خواستار وحدت و هماهنگی در نهضت فلسطین گردید، که مدت زیادی دوام نیافت. پس از جنگ اکتبر، مذاکره جهت دستیابی به یک راه حل در خاورمیانه را مردود اعلام نمود و خواستار ادامه جنگ خلقی آزادیبخش برای جلوگیری از نفوذ آمریکا، از طریق سیاستهای پیچیده در جهان عرب گردید. سازش ناپذیری او پیرامون دستیابی به یک راه حل سبب شد که بین او و شوروی در تابستان ۱۹۷۴ اختلافاتی بروز نماید. به هنگام تحت درمان قرار گرفتن او در شوروی که احتمالاً منظوره‌های سیاسی نیز در آن نهفته بود. برخی از این اختلافات از میان برداشته شد. در نوامبر ۱۹۷۸ برای اولین بار پس از دو سال به دعوت سازمان وحدت خلق آسیا و آفریقا از شوروی دیدار به عمل آورد، وی در این سفر با مقامات عالی‌رتبه شوروی ملاقات نمود. به روایتی حبش موافقت کرد تا در عقاید مارکسیستی خود جانب میانه‌روی را اتخاذ نماید، تا بتواند از طرف لیبی کمک دریافت دارد.

(طبقه بندی نشده) در محیطی که سخن وسیله نقلیه قدرت است، حبش به عنوان یک شخصیت با نفوذ یک سخنور برجسته از مهمترین و قدرتمندترین رهبران فلسطین به شمار می‌آید. وی قدرت خود را در بسیاری از مصاحبه‌ها و سخنرانیهای پس از ابتکار صلح سادات نشان داد. با وجود اینکه حبش به مسافرت چندان علاقه ندارد، ولی شخصاً در تمام جلسات وحدت شرکت نمود، در آوریل ۱۹۷۸ به کوبا سفر کرد و به مسکو نیز همان گونه که در قبل اشاره شد سفر نمود. وضع مزاجی او ظاهراً خوب است. (طبقه بندی نشده) محمدتیسیر قبا. متولد در قلیلیا در سال ۱۹۳۸.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) قبا در سال ۱۹۶۷ به جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین پیوست. در همان سال، وی به وسیله اسرائیل دستگیر و به مدت سه سال زندانی گردید. در سال ۱۹۷۲، قبا با وادی حداد طراح فقید تروریسم جبهه خلق آزادیبخش فلسطین در طراحی عملیات همکاری نمود. در حال حاضر وی عضو هیئت مدیره اصلی جبهه گرداننده کمیته عملیات خارجی، مسئول زیربنای خارجی جبهه خلق آزادیبخش فلسطین می‌باشد. قبا به عراق بسیار سفر می‌کند و با حبش در آوریل ۱۹۷۸ و نوامبر ۱۹۷۸ به کوبا و مسکو سفر کرد.

سابقه:

در سال ۱۹۶۷، جبهه آزادیبخش خلق نهضت ناسیونالیستی عربی، قهرمانان رجعت و انتقامجویان جوان در یک گروه‌هایی جبهه خلق آزادیبخش فلسطین را تأسیس نمودند که تا سال ۱۹۷۰ اولین گروه فلسطینی تروریستی بین المللی بحساب می‌آمد.

(محرمانه) پس از جنگ اکتبر ۱۹۷۳، جبهه خلق آزادیبخش فلسطین خواستار تجهیز و مبارزه مسلحانه همه فلسطینیها گردید. در سپتامبر ۱۹۷۴ عضویت خود را در کمیته اجرائی ساف به تعلیق در آورد و یکی از مهمترین اعضاء جبهه ارتدادی گشت. در سالهای ۷۶-۱۹۷۵ به دنبال پیروزی کامل در لبنان به همراه سازمان فتح به کمک جنبش ملی لبنان شتافت. جبهه خلق آزادیبخش فلسطین خواستار

اخراج صاعقه از ساف گردید، چون معتقد بود ه این سازمان همکار سوریه بوده نقش شریانه سوریه در لبنان را ایفا می‌نماید. علی رغم پذیرش قرارداد اشتورا در ژوئیه ۱۹۷۷، این جبهه از تداوم اقامت سلاحهای فلسطین در جنوب لبنان حمایت کرده، با ورود نیروهای میانجیگر سازمان ملل در لبنان به جنوب این کشور مخالفت ورزیده و حتی هنگام به مخاطره افتادن راه‌های نفوذی آنها را مورد هدف قرار می‌داده است.

(طبقه بندی نشده) پس از ابتکار صلح سادات، جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین تلاشهای تحکیم بخش خود را آغاز کرد و با شرکت در اجلاسها به گفتگوی دو جانبه با ساف و رهبران عربی پرداخت. در دسامبر ۱۹۷۷، عرفات در جشن دهمین سالگرد تأسیس این جبهه شرکت کرد و از اینکه پس از ۵ سال برای اولین بار توانسته است به همراه حبش در یک سکو قرار گیرد اظهار شادمانی نمود. در نتیجه حمله اسرائیل در مارس ۱۹۷۸ به لبنان روابط بین جبهه خلق آزادیبخش فلسطین و سوریه نیز دستخوش بهبود گردید. جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین به دنبال حمایت حامیان عراقی خود از سوریه خواسته است که رهبری بلوک ضد اسرائیلی را به عهده داشته باشد.

(طبقه بندی نشده) ولی گویا وحدت نهائی فلسطینیها غیر قابل دسترس است. جبهه خلق آزادیبخش فلسطین که یکی از امضاء کنندگان قرار داد ماه مه ۱۹۷۸ به حمایت از تصمیمگیری جمعی و دموکراتیک در ساف بود، با قدرت نهائی عرفات در سازمان فتح و علیه گروههای ارتدادی مخالفت ورزید و دفتر خود در البدوایه را قبل از اینکه به تصرف سازمان فتح درآید، منفجر نمود. جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین که از خونریزیهای داخلی اظهار تأسف می‌کرد، سعی نمود تا در مسئله مورد اختلاف بین فتح و عراق میانجیگری نماید، که البته از طریق حسن نیت مؤثر الجزیره به آن خاتمه داده شد. این جبهه بیش از جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین و الصاعقه به سازمان فتح نزدیک شده و ظاهراً در حال بوجود آوردن یک بلوک ضد فتح یا (ضد عرفات) در ساف می‌باشد. موضعگیری سازش ناپذیرانه فتح در مورد کمیته اجرائی ساف در اجلاس شورای ملی فلسطین در ژانویه ۱۹۷۹ نشانگر آگاهی از خطری است که این بلوک می‌تواند علیه سلطه آن در ساف به وجود آورد.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / هشدار اطلاعاتی) لیبی کماندوهای جبهه خلق آزادیبخش فلسطین را به استخدام خود درآورد، تا وی را در تضاد با مصر در تابستان سال ۱۹۷۷ یاری دهند. (طبقه بندی نشده) به علت وجود رهبریت متغیر در زمینه های ایدئولوژیک، استراتژیک و تاکتیکی و به علت منازعات درونی مداوم، جبهه خلق آزادیبخش فلسطین در بسیاری از گروههای فلسطینی ریشه دوانده و بر نهضت‌های آزادیبخش عربی نیز تأثیر گذاشته است. این گروهها و نهضتها عبارتند از: جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین، جبهه خلق آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل، جبهه ملی جمهوری دموکراتیک خلق یمن، جبهه خلقی آزادیبخش عمان و نهضت ناسیونالیستی کویتی - عربی .

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان هشدار اطلاعاتی) وادی حداد سالها طراح اصلی عمیات تروریستی جبهه خلق آزادیبخش فلسطین بود. طبق گزارشات رسیده وی در ۲۸ مارس ۱۹۷۸ در اثر بیماری سرطان در آلمان شرقی درگذشت. شایع شده بود که حداد رهبری گروهی مانند گروه جوانان ناسیونالیست عربی آزادیبخش فلسطین در سالهای ۷۴-۱۹۷۳ را به کمک مالی لیبی به عهده داشته است. در سال ۱۹۷۴ حبش دستور داد که به منظور حفظ اعتبار و جلوگیری از اقدامات ضد جبهه

ارتدادی به وسیله دیگر سازمانهای ساف در عملیات تروریستی بین المللی توقیفی پدید آید. پس از عملیات موگادیشو در اکتبر ۱۹۷۷ جبهه خلق آزادیبخش فلسطین اعلام کرد، که حداد را از کمیته مرکزی خود به علت سرپیچی از تصمیم ضد تروریستی اخراج نموده است.

بین سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۷۸ گزارشات بسیاری حاکی از اختلاف در روابط بین حداد و حبش بود. روابط حداد با جبهه خلق آزادیبخش فلسطین از استحکام سابق برخوردار نبود. او کادر تروریستی مخصوص خود را که مرکب از افراد ملل مختلف بود داشته، که تحت عنوان جبهه خلق آزادیبخش فلسطین - عملیات ویژه عمل می کردند. بهره برداری وی از بیگانگان و فلسطینیها در ردیف کارهای کارلوس (ایلچ رامیرز سانچز) قرار داده شد. وقایعی که به وسیله جوانان ناسیونالیست عربی (در بالا ذکر آن رفته است)، گارد انقلابی لبنان، فرزندان مناطق اشغالی، گروه کماندو محمد بودیا، سلاح انقلاب عربی و سازمان مبارزه علیه امپریالیسم جهانی صورت گرفت احتمالاً به وسیله حداد طراحی شده بود. ولی هیچ گاه گزارش یا تأییدی به دست نیامد که بر اساس آن بتوان ادعا کرد که حداد جدا از جبهه خلق آزادیبخش فلسطین عمل می کرده است. بلکه، حداد با رهبران این جبهه دائماً در تماس بود و اجزاء این جبهه از وی حمایت می کرده اند. پس از مرگ حداد، و در رابطه با ابتکار صلح سادات و بن بست لبنان، جبهه خلقی که اکنون به حمایت از عملیات خارجی تن در داده سعی کرده تا یاران و پیروان حداد را در جبهه خلق آزادیبخش فلسطین گرد آورد. در گزارشات مختلف از یک فرد خالص به عنوان جانشین حداد یاد نشده است.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) بنا به گزارشات رسیده، در عراق، حداد با جبهه آزادیبخش فلسطین و سازمان ژوئن سیاه صبری البنا روابط نزدیک برقرار کرده بود.

تاکتیکها و روشهای عملیاتی:

(طبقه بندی نشده) جبهه خلق آزادیبخش فلسطین (حداد) طرفدار اجرای عملیات طرح ریزی شده بسیار دقیق با همکاری ملیتهای مختلف در بسیاری از نقاط جهان بوده است. عملیات بسیار مهم این جبهه شامل هواپیما ربایی، آدم رباییهای جمعی، بمب گذاری و کشتار بوده است.

(محرمانه / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه) حمله به مسافرین ال عال در فرودگاه اورلی در ماه می ۱۹۷۸ اولین عملیات این جبهه پس از مرگ حداد بود و مسلماً از مهارت وی برخوردار نبود. یک گزارش تأیید نشده حاکی از آن بود که این عملیات یک مأموریت انتحاری بوده است، تا به این ترتیب قاتل ملوی، سفیر آمریکا در لبنان، نیز نابود گردد.

(طبقه بندی نشده) پس از قرارداد کمپ دیوید، جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین سوگند یاد کرده که به فعالیتهای خود در اسرائیل و مناطق اشغالی شدت بخشیده «به پروژه های صهیونیستی ضربه کاری وارد سازد» ولی در میزان بمب گذاریهای این جبهه افزایش چشمگیری مشاهده نشده است.

سازمان:

(طبقه بندی نشده) این جبهه دارای بافت سازمانی مشابه با حزب کمونیست شوروی است که یکی

کمیته مرکزی رهبری را به عهده داشته هسته‌های رهبری آن به پایگاهها نیز کشیده می‌شود. عملکرد ادارات شامل عملیات، تبلیغات، مدیریت و جمع‌آوری کمکهای مالی می‌شود. (سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر هم پیمانان هشدار اطلاعاتی) اسرائیلیها گزارش داده اند که یکی از بازوهای نظامی جبهه خلق آزادیبخش فلسطین عملیات خروجی و درون اسرائیلی را در بیروت هماهنگ می‌کند.

قرارگاهها / پایگاهها:

(محرمانه) قرارگاه آن در بیروت بود لیکن در اردوگاههای عین در نزدیکی المنصور در شمال بغداد عراق ایجاد کرده بود و به بیگانگان تحت سرپرستی خود در آنجا تعلیم می‌داد. جلسات آشتی پذیری بین حداد و حبش به روایتی در عراق صورت می‌گرفت. حداد از اردوهای تروریستی واقع در لیبی و جمهوری دموکراتیک خلق یمن که در آن برای بیگانگان نیز برنامه‌هایی تشکیل شده بود استفاده می‌کرد. (سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) گفته شده است که یکی از هسته‌های مخفی جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین در جدّه عربستان سعودی مسئولیت بمب‌گذاری در دفتر هواپیمای مصر را در سپتامبر ۱۹۷۷ به عهده گرفته است. و بسیاری از فلسطینیها نیز هنگامی که سعی داشتند مواد منفجره را به طور قاچاق وارد عربستان سعودی بنمایند، دستگیر شدند مقامات سعودی چنین می‌پندارند که این افراد، یا عضو جبهه ارتدادی بود و یا از عمل‌کنندگان و مزدوران جبهه خلق آزادیبخش فلسطین به شمار می‌روند. (سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر هم پیمانان / هشدار اطلاعاتی) در ژانویه ۱۹۷۷، جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین از قبرس به عنوان پایگاهی جهت انتقال کمکهایی از قبیل تجهیزات غذا، سلاح و داوطلب استفاده می‌کرد. در میزان این بهره‌برداری کاهشی پدید آمده، ولی متوقف نشده است. (محرمانه) به روایتی سفارت الجزیره در بروکسل از هسته‌های جبهه خلق آزادیبخش فلسطین در این شهر و در لاهه و مونیخ و رم حمایت می‌کند.

آموزش:

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر هم پیمانان / هشدار اطلاعاتی) جبهه خلق آزادیبخش فلسطین علاوه بر استفاده از الحلو، بعلبک، برج البراجنه، شتیلا، نحرالبارد، والبلادی نیز مراکز نفوذ و دفاتری دارد. این جبهه در اردوگاههای نوار غزه ساحل غربی و اردن از حمایت زیادی برخوردار بوده و هسته‌های مخفی بسیاری در آنجا مستقر کرده است و در ۱۷ کشور عربی نیز شعبه دارد. (سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) قبل از حمله اسرائیل به جنوب لبنان، جبهه خلق آزادیبخش فلسطین در بخش عظیمی از قسمت جنوب شرقی جنوب لبنان کنترل امور را در دست داشت. علیرغم عقب‌نشینی در برابر اسرائیل، جبهه خلق آزادیبخش فلسطین در ژوئن ۱۹۷۸ بار دیگر در منطقه با ریش در جنوب رودخانه لیطانی مستقر گردید و به عملیات نفوذی ماوراء مرزی خود ادامه داد. (طبقه بندی نشده) جبهه خلق آزادیبخش فلسطین در ژانویه ۱۹۷۹ در دمشق دفتری تأسیس نمود.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر هم پیمانان / هشدار اطلاعاتی) جبهه خلق آزادیبخش فلسطین در عدن و جمهوری دموکراتیک خلق یمن پایگاههایی داشته، در عراق نیز مرکز آموزشی ایجاد کرده است. قبل از رویداد موگادیشو در نوامبر ۱۹۷۷ این جبهه در سومالی نیز مرکزی داشت.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر قابل پیمانان هشدار اطلاعاتی) در ماه می ۱۹۷۷، سازمان فتح کنترل دوازدوی آموزشی جبهه خلق آزادیبخش فلسطین در لیبی را به دست گرفت که یکی از آنها در خومز در شرق تریپولی قرار دارد و دیگری بین جازور و زاویه در غرب تریپولی واقع گردیده است. جبهه خلق آزادیبخش فلسطین در رأس الهلال لیبی نیز یک مرکز آموزشی دارد.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) وادی حداد یک مرکز مخصوص به خود در اردوی انقلاب اردوگاههای پناهندگان به عنوان مراکز آموزشی از منازل مسکونی و روستاهای لبنان به عنوان پایگاههای تخصصی بهره برداری می نماید. قبل از جنگ لبنان، اردوی بعلبک حاوی برنامه های مشترک آموزشی جبهه خلق آزادیبخش فلسطین و ارتش سرخ ژاپن بود. برنامه آموزش این جبهه شامل مبارزه تن به تن، مبارزه خیابانی و نحوه کاربرد مواد منفجره و سلاحهای انفرادی می باشد.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان هشدار اطلاعاتی) عناصر عملیاتی این سازمان در بسیاری از کشورهای عربی همان گونه که قبلاً ذکر گردید و در خارج آموزش می بینند. در نوامبر ۱۹۷۶ اعضاء جبهه خلقی آزادیبخش فلسطینی جهت طی یک دوره زبان خارجی و نظامی به چین عزیمت نمودند. کره شمالی نیز آموزشهایی ارائه نموده است.

(محرمانه / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه) به هنگام بازدید حبش از هاوانا در آوریل ۱۹۷۸، کوبا موافقت کرد که برای ۲۰۰ تن از اعضاء جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین در کوبا و یا یک کشور سوم آموزشهای ویژه تهیه ببیند.

علاوه بر این یک گروه ۱۰ نفره کوبایی در بهار ۱۹۷۸، به عنوان آموزش دهندگان جبهه خلق آزادیبخش فلسطین وارد لبنان گردید.

تسلیمات:

(سری) قبل از حمله اسرائیل در مارس ۱۹۷۸، طبق گزارشات عظیمترین انبار اسلحه در جنوب لبنان از آن جبهه خلق آزادیبخش فلسطین بود. (البته جبهه خلق و سازمان فعالیت کمونیستی لبنان هر دو به طور مشترک از آن استفاده می کردند.) در این انبار موشکهای «گراد» روسی، موشکهای مالیوتکا، توپخانه ۱۲۰ و ۱۵۵ میلیمتری، خمپاره اندازهای ۸۱ و ۸۲ میلی متری، تفنگهای بدون عقب نشینی ۷۲ و ۱۰۶ میلیمتری، مسلسلهای کالیبر ۵۰ مسلسلهای متوسط دگتاریف، کلاشینکفهای آلمان شرقی که نارنجکهای انرجا پرتاب می کنند، موشک اندازهای آر پی جی ۷، انواع دیگر مسلسل دستی، هفت تیر، مهمات و کامیون وجود داشت. در ماههای اول سال ۱۹۷۸ عراق به تجهیز همه جانبه جبهه خلق آزادیبخش فلسطین پرداخت. انبار طایر ممکن است یکی از آثار این تجهیز بوده باشد.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) عراق و لیبی مهمترین تهیه کنندگان اسلحه برای این جبهه می باشند. نیروهای عراقی به هنگام خروج از لبنان به جبهه خلق

آزادبخش فلسطین ۱۸ تن موشک و مهمات و اسلحه سبک و سنگین دادند. لیبی نیز کمیت‌های مشابهی را تهیه می‌نماید؛ سلاح‌های سنگین برای این جبهه ارسال نمود، و تعداد ۲۰/۰۰۰ تفنگ ام-۶ (۱ آمریکایی برای جبهه ارتدادیون تهیه نمود. سلاح‌های استفاده شده در عملیات تروریستی بین‌المللی از قبیل عملیات حمله به فرودگاه اورلی در ۲۰ مه ۱۹۷۸ به وسیله فرماندهی نیروهای مسلح لیبی در سال ۱۹۷۵ خریداری شده بود.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) در دیگر عملیات تروریستی این جبهه از مواد منفجره پلاستیکی و بمب‌های ساخته شده توسط خود که از مکانیزم زمانی پیچیده‌ای برخوردار است استفاده می‌کردند.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) در ماه اوت ۱۹۷۸ یکی از اعضاء اردنی جبهه خلق آزادیبخش فلسطین در حومه آتن به قتل برسید. آپارتمان وی حاوی ۲۰۰ کیلو مواد منفجره بود. در محل اقامت یکی از بستگان وی مقداری دیگر مواد منفجره، سلاح و یک موشک سام-۷ یافته شد.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) ممکن است که الجزیره تجهیزاتی از قبیل کامیون، لندروور و نفربرهای زرهی و سلاح و مهمات در اختیار این جبهه قرار داده باشد. (محرمانه / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه) کوبا مقدار زیادی شکر به سوریه صادر می‌کند و در ازاء پولی که باید پرداخت شود، از سوریه می‌خواهد که مقداری از سلاح‌ها و مهمات ساخت کارخانه‌های کوچک سلاح سازی سوریه را در اختیار جبهه خلق آزادیبخش فلسطین قرار دهد. (طبقه بندی نشده) اسرائیلیها معتقدند که این گروه دارای یک سیستم مرکزی جعل اسناد از قبیل پاسپورت، روادید و گواهینامه رانندگی نیز می‌باشد.

منابع مالی:

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) لیبی مهمترین حامی مالی جبهه خلق آزادیبخش فلسطین است. از بدو تأسیس جبهه ارتدادی این کشور کمک‌های زیادی کرده است.

در سال ۱۹۷۷، کمک معمولی ۳۱۰/۰۰۰ دلاری لیبی ادامه داشت. مهمترین کمک مالی لیبی عبارت بود از یک کمک ۱۰ میلیون دلاری قبل از عملیات اوپک در ۱۹۷۵، تا سپتامبر ۱۹۷۶، عراق ماهانه مبلغ ۲۰۲/۶۰۰ دلار به جبهه خلق آزادیبخش فلسطین کمک می‌نمود. یک روزنامه گردآوری اعانات و صندوقهای کمکی مخصوص برای حبش و حداد در عراق ایجاد گردید. سفارت عراق در بیروت در هنگام جنگ لبنان هزینه‌های استثنایی عملیاتی در اختیار این جبهه قرار داد. ولی در پاییز ۱۹۷۷ روابط بین دولت عراق و جبهه خلق آزادیبخش فلسطین تیره گشت. چون این جبهه از کمبود کمک‌های مالی عراق شکوه می‌کرد و عراق نیز اعلام می‌کرد که قادر نیست در میزان کمک‌های خود افزایشی به وجود آورد. احتمالاً از این زمان به بعد این جبهه بیشتر به لیبی و الجزیره متکی گشته است.

روابط بین المللی:

(طبقه بندی شده درباره شعبه های جبهه خلقی آزادیبخش، فلسطین در میان بسیاری از ملل، روابط آنها با گروه های آزادیبخش، آموزش، تسلیحات و کمک های مالی این جبهه قبلاً یادآوری شده است. (سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) رهبران جمهوری دموکراتیک خلق یمن حبش را یک مبتکر سازمانی و ایدئولوژیکی خلاق به حساب آورده، در امور سیاسی با او مشورت کرده، خواستار میانجیگری او در تضادهای داخلی خود هستند. در عوض او را تحت پوشش دیپلماتیک قرار داده، پناهگاه و دیگر کمک های اساسی برای جبهه خلق آزادیبخش فلسطین هم پیمانان و عناصر عملیاتی خارجی آن فراهم می سازند. پس از هواپیما ربایی ۱۹۷۳، حبش مقداری از پول هنگفت به دست آمده را به جمهوری دموکراتیک خلق یمن داد تا بتواند از بخشی از این کشور به عنوان پناهگاه و مرکز آموزشی استفاده نماید. با وجود اینکه در اوت ۱۹۷۶ فعالیت های حداد توام با محدودیت گردید، ولی این محدودیتها در مورد جبهه خلق آزادیبخش فلسطین عملی نبود. معذالک لیبی از جمهوری دموکراتیک خلق یمن به عنوان مرکز آموزشی و پناهندگی فراتر رفت. پس از تغییر رهبریت یمن در ۱۹۷۸ در روابط بین این جبهه و یمن تغییراتی به وجود نیامد.

(طبقه بندی نشده) در جنگ لبنان میان سوریه و جبهه خلق آزادیبخش فلسطین درگیری هایی پیش آمد. تمایل سوریه به همکاری با همه گروه های فلسطینی موجود در لبنان در نتیجه حمله اسرائیل به لبنان و ابتکار صلح سادات به وجود آمد. با وجود اینکه عدم اعتماد دو جانبه غیر قابل ریشه کن شدن است، ولی پراگماتیسم فزاینده به منافع جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین در رابطه با حامیانش ضرر وارد می سازد. (سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی). اعضای دپارتمان علوم سیاسی دانشگاه کویت احتمالاً از رهبران جبهه خلق آزادیبخش فلسطین در حوزه خلیج فارس می باشند در حالی که رهبران اتحادیه دانشجویان فلسطینی در کویت از اعضای این جبهه به شمار می روند. جبهه خلق آزادیبخش فلسطین در دفاتر روزنامه الطلیعه کویت مکاتبات و سوابق خود را بایگانی می نمایند. اخراج فلسطینیها توسط دولت کویت خطری جدی علیه هسته مرکزی رهبریت این جبهه در کویت به شمار می رفت. اعضای اعلامیه هایی را در اعتراض به سیاست اخراج نهائی منتشر نمودند. بدینی و محدودیت های ایجاد شده توسط رژیم نیز به عنوان موانعی بر سر راه فعالیت های سازمان جبهه خلق آزادیبخش فلسطین به حساب می آید.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) تعداد کمی از پیروان جبهه خلق آزادیبخش فلسطینی مخفیانه در بحرین به سر برده، احتمالاً روابطی با جبهه آزادیبخش ملی بحرین و عناصر متعدد بحرینی طرفدار عراق برقرار کرده اند.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی). جبهه خلق آزادیبخش فلسطین در برلن غربی، مونیخ، ویرتال و دوسلدورف آلمان غربی هسته هایی دارد. اعلامیه های تبلیغاتی این جبهه در سفارت عراق در بن چاپ می گردد.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) جبهه خلق آزادیبخش فلسطینی با گروه های تروریستی آلمان غربی نیز از نظر حمایت و عملیاتی روابطی دارد. در سال ۱۹۷۰، عناصر گروه بادرمانهوف در خاور میانه توسط جبهه خلق آزادیبخش فلسطین آموزش تسلیحاتی

دیدند. بعدها گروه با در ماینهوف اسناد جعلی هویت در اختیار افراد عملیاتی این جبهه قرار دارند. این جبهه (حداد) به حمایت از تقاضاهای بادر ماینهوف (ارتش سرخ) در رابطه با آلمان غربی هواپیمای لوفت هانزارا در اکتبر ۱۹۷۷ بود. در ماه دسامبر ۱۹۷۷ جورج لانک ژ یکی از رهبران مهم گروه بادر ماینهوف (از نسل هاگ) به همراه یکی از مقامات جبهه خلق آزادیبخش فلسطین از بیروت به لیبی رفت. پیروان گروه بادر ماینهوف به وسیله این جبهه در جمهوری دموکراتیک خلق یمن آموزش داده می‌شد. (طبقه بندی نشده) آلمانها مهمترین گروه خارجی را تشکیل می‌دهند که توسط این جبهه آموزش می‌بینند.

(محرمانه) دیگر عناصر «چپ جدید» آلمان غربی به لبنان سفر می‌کنند تا با آوارگان فلسطین گفتگو نموده به وسیله کماندوهای جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین آموزش داده شوند. اتحادیه مائوئیست کارگران انقلابی عرب در برلن غربی با این جبهه رابطه دارد. جنبش دوم ژوئن مستقیماً با حبش تماس گرفت تا مخفیگاههایی را در عمان، سوریه، عراق، لبنان، یا جمهوری دموکراتیک خلق یمن برای آنها ایجاد نماید. به روایتی با پرداخت مبلغ هنگفتی خواستار ایجاد یک منطقه پناهندگی در جمهوری یمن گردید. اعضای جبهه خلق آزادیبخش فلسطین سعی داشتند به گروههای مذهبی اجتماعی آلمانی از قبیل جامعه رفاه عربی اسلامی، انجمن اسلامی آلمان و انجمن حمایت از اعراب نیوایزنبرگ پیوندند تا در آنجاها سکویی برای خود ایجاد نمایند. تروریستهای آلمانی در تعدادی از عملیات جبهه خلق آزادیبخش فلسطین شرکت کردند که حمله به اوپک و هواپیما ربایی که به انتبه ختم گردید از جمله آن عملیات می‌باشد.

(طبقه بندی نشده) نظامیگران ارتش جمهوریخواه ایرلند به همراه جبهه خلق آزادیبخش فلسطین در سالهای ۱۹۶۸ و ۱۹۶۹ در اردوگاههای اردنی آموزش دیدند و این جبهه نمایندگان را جهت شرکت در کنفرانس گروههای چریکی در دوبلین در ماه می ۱۹۷۲ به این کشور اعزام نمود. (طبقه بندی نشده) رادیو اسرائیل گزارش داده است که گروه جنگجویان اسپانیایی پادشاه کریست که یک گروه دست راستی (نئونازی؟) است به کادر جبهه خلق آزادیبخش فلسطین آموزش می‌دهند. (طبقه بندی نشده) در سال ۱۹۶۹، اعضاء جبهه آزادیبخش کوبک در جبهه خلق آزادیبخش فلسطین آموزش دیدند.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) در آمریکای لاتین نیز رابطه و سازمانهایی ایجاد شده است. در آوریل ۱۹۷۴ ارتش انقلابی آرژانتین با فلسطینیها که احتمالاً از همین جبهه می‌باشند، رابطه نزدیک برقرار کرده و در آلمان غربی مبادرت به خرید اسلحه برای ERP نموده‌اند. رابطه بین این جبهه و نهضت انقلابی چپگرای شیلی (که پایگاه آن در آرژانتین است) موجب همکاری دوجانبه در به دست آوردن پاسپورتهای شیلی و پرو و آموزش دیدن اعضای این نهضت توسط جبهه خلق آزادیبخش فلسطین گردید. چند سال قبل، کمیته انقلابی آمریکایی لاتین که پایگاه آن در پاریس بود و آلمان غربی آن را از نظر مالی تأمین می‌کرد و اعضا آن نیز شامل رهبران تبعیدی آمریکای لاتین و برزیل بود، حمایت مخفیانه خود را از جبهه خلق آزادیبخش فلسطین اعلام نمود. اعضا آمریکای لاتین در عملیات تروریستی خارجی به سرپرستی این جبهه و نیز در گردآوری اطلاعات تاکتیکی شرکت نمودند. جوامع فلسطینی و عربی موجود در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین از این جبهه حمایت

می‌کنند.

(طبقه بندی نشده) در آوریل ۱۹۷۸ در پاسخ - دعوت رسمی دولت کوبا، حبش از این کشور دیدار به عمل آورد. در پایان دیدار، بیانیه‌ای مبنی بر تأیید و حمایت کوبا از آزاد سازی فلسطین از طریق مبارزه مسلحانه صادر گشت. و به این ترتیب برای اولین بار یک کشور سوسیالیستی کمونیستی به حمایت از اهداف تندروانه فلسطینیها مبادرت ورزید. دربارهٔ حمایتها و پشتیبانیهای قابل لمس کوبا نیز در بخشهای قبلی اشاراتی رفت.

(طبقه بندی نشده) جبهه خلق آزادیبخش فلسطین سالها از جبهه آزادیبخش اریتره پشتیبانی نمود و احتمالاً بسیاری از اعضای این جبهه را نیز آموزش داده است ولی در ۳۰ آوریل ۱۹۷۸ یکی از سخنگویان نیروهای خلق آزادیبخش اریتره جبهه خلق آزادیبخش فلسطین را متهم به برانگیختن خصومت در سلسله مراتب جبهه اریتره نمود تا به این ترتیب بتواند از مراحم و الطاف رژیم اتیوپی برخوردار گردد. جبهه خلق آزادیبخش فلسطین با دیگر جناحهای اریتره از قبیل جبهه خلق آزادیبخش اریتره و شورای انقلابی جبهه خلق آزادیبخش اریتره روابط صمیمانه برقرار کرده است.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان) در مارس ۱۹۷۸، یکی از افراد کشور چاد که اجدادش فلسطینی بوده‌اند و از سال ۱۹۷۰ با جبهه خلق آزادیبخش فلسطین در رابطه بوده است، طبق گزارشات تصمیم می‌گیرد با حمایت لیبی یک پایگاه عملیاتی در کوههای تیستی ایجاد نماید.

(خیلی محرمانه / غیر قابل رؤیت برای اتباع خارجی) این جبهه با گروههای چپگرای ژاپنی نیز روابطی مستحکم برقرار کرده است. از سال ۱۹۷۴ جناح سرجنینگ ویو، اتحادیه کمونیستی و مرکز اطلاعات جبهه انقلاب بین‌المللی به جبههٔ خلق آزادیبخش فلسطین یاری می‌داده است. مرکز پشتیبانی خلق فلسطین در توکیو در زمینه تبلیغات و از نظر غذایی، مالی و پوشاک کمکهایی ارائه می‌نماید. در پاییز ۱۹۷۸ یک گروه ۱۶ نفره ژاپنی که احتمالاً بسیاری از آنها از هوادارن ارتش سرخ ژاپن بوده‌اند، از تسهیلات موجود در اردوگاههای آوارگان و اردوهای چریکی در لبنان دیدار به عمل آوردند. وابستگان جامعه وحدت فلسطین و سانتاما برای جبهه خلق آزادیبخش فلسطین پیامهایی ارسال داشته است. در ژانویه ۱۹۷۹، روزنامه مردم که یک روزنامه چپگرای ژاپنی است یکی از تقاضاهای جبهه خلق آزادیبخش فلسطین را چاپ و منتشر نمود تا «گزارشها» اعلامیه‌ها و بعضی از عملیات مبارزه آمیز در ژاپن انجام شود؛ پاسخ مربوط به این تقاضا دربرگیرنده انتشارات بیش از ۳۰ گروه ژاپنی بود.

(محرمانه) از سال ۱۹۷۱، جبهه خلق آزادیبخش فلسطین با ارتش سرخ ژاپن نیز رابطه نزدیک برقرار کرده بود. گاهی به این نتیجه می‌رسیم که ارتش سرخ فرانسه یکی از ثمرات یا نتایج جبهه خلق آزادیبخش فلسطین است، که دارای ماهیت و موجودیتی جداگانه است. نقل کامل روابط بین ارتش سرخ ژاپن و جبهه خلق آزادیبخش فلسطین در خلاصه مطلب بخش آسیایی این کتاب آمده است.

(محرمانه) ایلچ رامیرز سانچز (کارلوس ماتینز) که برزیلی و در شوروی تحصیل کرده است، در سال ۱۹۷۱ به استخدام جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین درآمد. بعدها به عنوان وابسته این جبهه با گروههای تروریستی اروپایی همکاری می‌کرد و سرپرست یکی از هسته‌های تروریستی جبهه خلق آزادیبخش فلسطین در پاریس بود. گروههایی که با او در ارتباط بودند عبارتند از: ارتش جمهوریخواه ایرلند، ارتش سرخ ژاپن، بقایای گروه با در ماینهوف، رهبران جنبش دوم ژوئن، رادیکالهای ترکیه عوامل اطلاعاتی کوبا

و آمریکای لاتین.

(سری / غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) احتمالاً جناح حداد در جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین به کارلوس در زمینه‌های ارشادی، گردآوری اطلاعات، طراحی عملیاتی، تسلیحاتی، اسناد سفر و امور مالی و پناهگاه و غیره کمک می‌کرده است، تا هشتم ژانویه ۱۹۷۷ کارلوس در تریپولی تحت حمایت مستقیم معمر قذافی به سر می‌برده است. هنوز هم وی با سازمان اطلاعاتی لیبی در تماس مستقیم است. در نوامبر ۱۹۷۸، بنابه گزارش‌های رسیده وی به عراق رفت و دو تن از پیروان حداد را به استخدام خود درآورد. در ژانویه ۱۹۷۹، وی به مالت رفت. وی هنوز هم روابط وسیع بین‌المللی خود را حفظ کرده است.

(طبقه بندی نشده) گزارشات مطبوعاتی حاکی از آن است که کارلوس به وسیله جراحی پلاستیک چهره خود را کاملاً تغییر داده است.

تحلیل وقایع:

(طبقه بندی نشده) عملیات جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین به سرپرستی حداد از طرح‌های بسیار دقیق برخوردار و دارای انگیزه‌های سیاسی روشن بود. هدف اصلی این عملیات ایجاد تغییر در سیاست‌های دولتهای طرفدار اسرائیل و پیوند دادن دولتهای عربی میانه رو با ارتدادیون بوده است. عملیاتی انجام گرفت تا از طریق آنها هم پیمانان و یا همکاران زندانی آزادی خود را به دست آورند. که تروریستهای اروپایی و ژاپنی با وجود اینکه الزاماً با جبهه خلق آزادیبخش فلسطین همکاری نداشته‌اند در زمره این افراد به حساب می‌آیند، گرچه خود حداد مایل به انتقاد و بهره‌برداری از خارجیها و فلسطینیها نیز بوده است.

در این گونه عملیات به هواپیما ربایی، کشتار در سالنهای انتظار فرودگاهها، و حمله علیه هواپیماهای در حال پرواز مبادرت ورزیده می‌شد. در هنگام هواپیما ربایی، تروریستها تهدید می‌کردند که هواپیما را منفجر خواهند ساخت، تعداد زیادی را گروگان می‌گرفتند و گاهی هم مسافرین هواپیما را با مقامات هواپیمایی و یا دیپلماتها معاوضه می‌کردند. و در بعضی از موارد تروریستها موفق می‌شدند در کشورهای عربی پناهگاه به دست آورده یا آزادی خود را به دست آورند. (طبقه بندی نشده) با وجود اینکه جبهه خلق آزادیبخش فلسطین دیگر به هواپیما ربایی تن در نمی‌دهد، ولی در حوزه بین‌المللی عمل می‌کند. در اعمال خشونت یا اهداف وضوح خود را از دست می‌دهند و یا نوعی پریشانی در درک آن به وجود می‌آورند. ولی پس از مرگ حداد معلوم نیست که همکاران نزدیکش تا چه حد نسبت به او وفادار مانده باشند. اگر هنوز هم در جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین به فعالیت مشغول باشند، بنابراین این نیروی بالقوه را حفظ کرده‌اند و این دوره را می‌توان یک دوره گذار و انتقالی به حساب آورد. و در غیر این صورت باید منتظر بود که یک سازمان تروریستی فلسطینی، بین‌المللی بسیار فعال به وسیله آنها به وجود آید.

فعالتهای مهم:

(طبقه بندی شده) از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۷ جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین بیش از هر گروه تروریستی بین‌المللی دیگر به هواپیما ربایی مبادرت ورزید. در مورد پیچیدگی این عملیات در ذیل سخن

رانده شده است. ولی پس از بیماری و مرگ حداد، جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین نتوانست چنین شاهکارهایی را انجام دهد.

۱۹۷۱ - (طبقه بندی نشده) به طور هماهنگ به ربودن چهار هواپیمای اروپایی و آمریکایی و نابودسازی آنها در اردن پرداخته شد. تروریستها در این واقعه ۳۰۰ نفر را گروگان گرفتند و خواستار آزادی تروریستهای عربی از زندانهای سوئیس، انگلیس و آلمان غربی شدند. با آزاد شدن بعضی از افراد مورد نظر، گروگانها نیز آزاد شدند.

۱۹۷۱ - (سری - غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه) به کشتی تانکر اسرائیلی به نام کورال سی حمله کردند.

می ۱۹۷۲ - (طبقه بندی نشده) طراحی کشتار در فرودگاه لود (اسرائیل) که به وسیله اعضای ارتش سرخ ژاپن به مرحله اجرا درآمد و در نتیجه آن ۲۵ نفر کشته و ۷۶ نفر زخمی گردیدند.

آوریل ۱۹۷۳ - (طبقه بندی نشده) حمله به محل اقامت سفیر اسرائیل و یک هواپیمای اسرائیلی در نیکوزیا و قبرس

ژوئیه ۱۹۷۳ - (طبقه بندی نشده) با همکاری ارتش سرخ ژاپن یک هواپیمای ۷۴۷ خطوط هوایی ژاپن را ربوده و به دوی بردند و پس از ۴ روز آن را نابود ساختند. در این عملیات پنج تروریست شامل یک زن آمریکای لاتین، سه تروریست عرب و یک ژاپنی هواپیما را به همراه ۱۳۷ مسافر و خدمه آن ربودند. پس از سه روز مذاکره، هواپیما به طرف لیبی پرواز داده شد و پس از آنکه تروریستها تهدید کردند که آن را در هوا منفجر خواهند ساخت به آن اجازه فرود داده شد. پس از پیاده کردن مسافری و خدمه هواپیما را منفجر ساختند. درباره انگیزه و تقاضاهای اصلی آنان مطلبی انتشار نیافت، لیکن بعدها هواپیمایی ژاپن اعلام کرد که قبلاً یادداشتی دریافت کرده بود که در آن خواستار ۳۰ میلیون ین ژاپنی و آزادی سه تن از اعضای ارتش سرخ ژاپن از زندانهای این کشور شده بودند. ولی این شرکت به علت کمبود وقت نتوانسته بود این تقاضاها را مطرح نماید و در نتیجه هواپیما نابود گردید.

اوت ۱۹۷۳ - (طبقه بندی نشده) کشتار در فرودگاه آتن. در این عملیات دو تروریست با پرتاب نارنجک و شلیک مسلسل دستی سه نفر را کشتند که دو نفر آنها آمریکایی بودند و ۵۵ نفر را در سالن انتظار فرودگاه آتن زخمی نمودند. پس از آن تروریستها ۳۵ نفر را گروگان گرفتند و دو ساعت بعد خود را به پلیس تسلیم کردند.

نوامبر ۱۹۷۳ - (طبقه بندی نشده) یک هواپیمای ک.ال.ام ۴۳۷ را که از آمستردام عازم توکیو بود به همراه ۲۷۱ مسافر و خدمه آن ربودند. تروریستها از دولت هلند خواستند که در موضع خود در قبال اسرائیل تغییر ایجاد کرده و به یهودیان روسی جهت مهاجرت به اسرائیل مساعدت نماید. در چند نقطه برای سوختگیری توقف شد و بعضی از کشورهای خاورمیانه‌ای به هواپیما ربايان اجازه فرود ندادند. به هنگام توقف در نیکوزیا، قبرس، تروریستها برای رئیس جمهور ماکاریوس یادداشتی فرستاده خواستار آزادی سه تن از رفقای زندانی خود شدند، ولی قبل از اینکه در این مورد اقدامی شود، هواپیما پرواز خود را از سر گرفت. پس از دو روز مسافری و خدمه‌های زن هواپیما را در کشور مالت آزاد ساختند. و در عوض مدیر ک.ال.ام و کاردار مصر در این جزیره را گروگان گرفتند. هواپیما ربايان سرانجام در دوی پس از دریافت امان نامه خود و دیگر گروگانها را تسلیم نمودند.

دسامبر ۱۹۷۳ - (طبقه بندی نشده) کشتار در فرودگاه فومینیکو (رم). پنج تروریست پس از بیرون کشیدن سلاح از محموله‌های خود در سالن انتظار فرودگاه شروع به تیراندازی کردند. پس از به اسارت درآوردن افراد پلیس ایتالیا به طرف یک جت پان آمریکن که آماده پرواز به طرف بیروت بود دویدند و با پرتاب یک بمب آتش‌زا به درون آن موجب کشته شدن ۳۰ نفر شامل چند آمریکایی و چهارتن از مقامات مراکشی شدند. یکی از افراد پلیس نیز هنگامی که سعی داشت از هدایت هواپیمای لوفت‌هانزا توسط تروریستها ممانعت به عمل آورد کشته شد. در این هواپیما ربایی ۱۲ نفر گروگان گرفته شدند. پس از آنکه بیروت به این هواپیما اجازه فرود نداد، به طرف آتن پرواز کردند. هواپیماربايان به مدت ۱۴ ساعت با مقامات یونانی مذاکره کردند تا آزادی دو تن از همکاران خود را که در کشتار ماه اوت دست داشتند، به دست آورده گروگانهای خود را نیز با دیپلماتهای عربی معاوضه نمایند. پس از پایان یافتن زمان تعیین شده، تروریستها ادعا کردند که تعدادی از گروگانهای خود را کشته‌اند، ولی بعداً معلوم شد که این ادعا صحت نداشته است. هواپیما پس از آن در دمشق توقف کرد تا غذا، سوخت، و نقشه تهیه نماید، مقامات سوری نیز نتوانستند تروریستها را متقاعد به آزاد ساختن گروگانها نمایند. سرانجام علیرغم تلاش کویتهها برای ممانعت از فرود، هواپیما در کویت بر زمین نشست تروریستها گروگانها را آزاد ساخته خود را تسلیم نمودند.

ژانویه - فوریه ۱۹۷۴ - (طبقه بندی نشده) بمب گذاری (با همکاری ارتش سرخ ژاپن)، هواپیماربایی، آدم ربایی در مسیر سنگاپور به کویت. دو ژاپنی و دو عرب یک قایق را کرایه کردند تا به منظور ماهیگیری به بندر سنگاپور بروند. پس از نزدیک شدن به جزیره ای که پالایشگاه و انبار شرکت نفت شل در آن قرار داشت یکی از تروریستها با وارد کردن یک ضربه قایقران را بی‌هوش نمود. ولی قبل از آنکه بتوانند به جزیره برسند، قایق با صخره‌های تصادف نمود. یکی از قایقهای مسافری ناآگاهانه به کمک آنها شتافت و آنها را به ساحل جزیره رساند و آنها هم مواد منفجره پلاستیکی را به تانکرهای نفتی متصل کردند. یکی از تانکرها آتش گرفت و در دو تانکر دیگر سوراخهای کوچکی تعبیه گردید. تروریستها پس از آن به طرف لنگرگاه دویده یک قایق مسافربری دیگر را با پنج خدمه آن به کار گرفتند، قایقهای مسلح دولت سنگاپور آنها را به سرعت محاصره کرد. تروریستها خواستار عبور به یک کشور عربی شدند و از سفیر ژاپن خواستند که به همراه یکی دیگر از مقامات ژاپنی ترتیب این کار را داده به جای گروگانها در سفر با آنها همراهی نمایند. مقامات ژاپن و سنگاپور با این تقاضا به منظور حفظ جان گروگانها موافقت کردند. در حالی که در مشرق زمین در مورد این مسئله مذاکره می‌شد، پنج تروریست دیگر در کویت سفیر ژاپن و چند تن از همکاران وی در این کشور را گروگان گرفتند. تقاضای آنها این بود که یک هواپیمای ژاپنی چهارهمکار آنها در سنگاپور را به کویت بیاورد. دولت کویت اعلام کرد که در صورتی که گروگانها را آزاد نمایند به تروریستها در خاک این کشور امان داده خواهد شد، ولی به هیچ یک از هواپیماهای ژاپنی اجازه فرود در خاک کویت را نداد. از طرف دیگر دولت ژاپن اعلام کرد که با تقاضای تروریستها موافق است. و چون کویتهها با یک عمل انجام شده روبرو شده بودند. ژاپنیهایی از هواپیماهای خود را به سنگاپور فرستادند و پس از آزادی گروگانها چهار تروریست را از آنجا به کویت منتقل ساختند. پس از آزاد شدن گروگانها در کویت دولت این کشور نیز با بی میلی اجازه فرود هواپیما را صادر کرد. ۹ تروریست فوراً به طرف عدن پرواز کردند و در آنجا به آنها اجازه داده شد که هر وقت مایل

باشند این کشور را ترک نمایند.

مارس ۱۹۷۴ - (طبقه بندی نشده) یک جت انگلیسی را که از بمبئی عازم لندن بود به همراه ۱۰۲ نفر مسافر آن ریودند و پس از آنکه آتن به آنها اجازه فرود نداد در آمستردام به زمین نشستند. به مسافری و خدمه اجازه داده شد که فرار کنند و پس از آن آتشی ایجاد گردید. پلیس هلند دو تن از تروریستها را که مسلح به تفنگ و نارنجک دستی بودند، در هنگام فرار دستگیر نمود. در تمام طول عملیات فقط یک تیر از طرف تروریستها شلیک شد، ولی در این واقعه کسی آسیب ندید.

مه ۱۹۷۴ - (طبقه بندی نشده) خرابکاری در خطوط نفتی عربی (تاپ لاین).

اوت ۱۹۷۴ ("") بمب‌گذاری در دفاتر روزنامه های فرانسوی طرفدار اسرائیل در پاریس.

سپتامبر ۱۹۷۴ - (سری، غیرقابل رویت برای ملل بیگانه، غیر هم پیمانان) تخریب و نابود سازی یک هواپیمای خطوط هوایی بین المللی.

برفراز دریای ایونی (در آسیای صغیر - م).

دسامبر ۱۹۷۴ - (طبقه بندی نشده) با استفاده از نارنجک به یک سینما در تل آویو حمله برده، موجب قتل دو نفر و زخمی شدن ۳۸ نفر گشتند.

دسامبر ۱۹۷۵ - (طبقه بندی نشده) به اسارت گرفتن اعضای اوپک (سازمان کشورهای صادرکننده نفت) در وین و انتقال آنها به تریپولی (لیبی) و الجزیره. شش تروریست در حالی که مواد منفجره و مسلسل سبک دستی را در کیفهای مخصوص لوازم ورزشی حمل می‌کردند، برای آغاز یک عملیات ده روز وارد ساختمان اوپک شده و در راهرو به تیراندازی پرداخته یکی از افراد پلیس اطیش و یکی از گاردهای امنیتی عراق را به قتل رساندند. و پس از ورود به جلسه وزرا ۶۰ نفر را گروگان گرفتند که در میان آنها یازده نماینده رسمی دیده می‌شد. در مبارزه‌ای که در این حال در گرفت یکی از مقامات نفتی لیبی کشته شد. از طریق یکی از زنانی که به گروگان گرفته شده بودند، تروریستها خواستار دریافت: طناب قیچی و نوار چسب برای بستن گروگانها، و یک اتوبوس پرده دار برای اینکه صبح روز بعد آنها و گروگانها را به فرودگاه برده شدند، در حالی که یک هواپیمای دی سی - ۹ هم منتظر آنها باشد و نیز از سفیر لیبی در اطیش برای انجام مذاکرات دعوت شود. چند ساعت بعد از وزیر منابع ونزوئلا خواسته شد که یک رادیو تهیه نماید. بعداً یکی از اعضاء هیئت نمایندگی عراقی یادداشتی برای پخش از رادیو از طرف تروریستها آورد. در این یادداشت تروریستها تقاضای سیاسی خود را اعلام کردند که عبارت بودند از:

«تأیید مجدد سه اصل مطرح شده در اجلاس عربی خارطوم یعنی عدم مذاکره، عدم توافق، و عدم شناسایی رسمی مهاجم صهیونیست. دیگر اینکه اعضاء اوپک» همه موافقت نامه ها و طرحهای سیاسی را که معادل به رسمیت شناخته شدن موجودیت اسرائیل باشد مردود اعلام نمایند. و دیگر اینکه «خلق عرب و دیگر خلقهای جهان سوم» در مورد منابع نفتی خود نقشی داشته باشند. ساختمان به محاصره ۶۰۰ پلیس اطیش درآمد در حالی که صدراعظم اطیش کرایسکی و وزیر امور خارجه الجزیره بوتفلیکا مذاکره را آغاز کردند.

همان گونه که تقاضا شده بود، به وسیله یک اتوبوس تروریستها به فرودگاه برده شدند. در حالی که ۴۱ تن از گروگانها از جمله وزرا را در اختیار خود نگاه داشته بودند و یکی از همکاران زخمی خود را به یک پزشک اطیشی سپردند تا از وی مراقبت به عمل آورد. هواپیما به الجزیره رفت و تروریستها در آنجا

وزرای اکوادور، گابن، اندونزی، نیجریه، و ونزوئلا را آزاد کردند. وزیر نفت الجزایر برای نشان دادن اتحاد با همکاران خود از هواپیما خارج نشد. پس از آن هواپیما به تریپولی رفت و وزیر نفت الجزایر و لیبی و چند تن دیگر از گروگانها نیز در آنجا آزاد شدند. پس از آنکه با تقاضای آنها مبنی بر قرار دادن یک هواپیما دیگر در اختیار آنها مخالفت گردید و پس از اینکه بغداد و تونس نیز به آنها اجازه فرود نداد، هواپیما به طرف الجزیره رفت و در آنجا بقیه مقامات اوپک را سالم آزاد نمودند. هفته بعد گزارش انتشار یافت که براساس آن دولت الجزیره به تروریستها به عنوان مبارزین انقلاب فلسطین پناهندگی اعطا کرده است. منابع الجزیره ای اظهار داشتند که تروریستها به وزیر امور خارجه الجزایر پیرامون آزادی خود و آزادی گروگانها مذاکره کرده بودند.

ژانویه ۱۹۷۶ - (طبقه بندی نشده) سعی کردند به وسیله موشک به یک هواپیمای ال عال در فرودگاه نایروبی حمله نمایند.

ژوئن ۱۹۷۶ - (سری - غیر قابل رؤیت برای ملل بیگان غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) همکاری و ابستگان لبنانی جبهه خلقی آزادیبخش فلسطینی در ربودن و قتل سفیر آمریکا در لبنان و مشاور اقتصادی و راننده اش.

ژوئن - ژوئیه ۱۹۷۶ - (طبقه بندی نشده) یکی از هواپیماهای هواپیمایی فرانسه را در مسیر تل آویو - پاریس ربوده، آن را ابتدا به بن غازی در لیبی بردند و پس از آن در کشور اوگاندا در فرودگاه انتبه خارج از شهر کامپالا بر زمین نشستند. تروریستها که مسلح به تفنگ، مسلسل دستی و مواد منفجره بودند ۲۷۵ نفر را گروگان گرفته خواستار آزادی ۵۳ تروریست از زندانهای اسرائیل، فرانسه، کنیا، سوئیس، و آلمان غربی شدند و اعلام کردند که تا قبل از اول ماه ژوئیه باید آنها را به فرودگاه انتبه منتقل سازند. پس از چند ساعت، تروریستها و گروگانها را از هواپیما به یک ساختمان قدیمی فرودگاه منتقل ساختند. در آنجا اسرائیلیها و یهودیهای دارای ملیتهای مختلف را از بقیه گروگانها جدا نمودند. در ۳۰ ژوئن هواپیما ربایان ۴۷ زن، کودک، و افراد مریض را آزاد ساختند. روز بعد پس از اینکه دولت اسرائیل اعلام کرد که در سیاست عدم مذاکره خود تغییر ایجاد کرده، حاضر است در مورد آزادی بعضی از تروریستهای زندانی در اسرائیل در ازاء آزادی گروگانها مذاکره کند، زمان تعیین شده تا ۴ ژوئیه تمدید گردید و حدود ۱۰۰ نفر دیگر از گروگانها آزاد گردیدند. مذاکرات اسرائیلیها از طریق دولت فرانسه در اوگاندا انجام می گرفت. سفیر سومالی در اوگاندا که یکی از دیپلماتهای مهم آنجا بود به عنوان نماینده تروریستها وارد عمل شد. در تاریخ ۳-۴ ژوئیه چتربازان و افراد پیاده نظام برجسته اسرائیل به هنگام سپیده دم به حمله دست زدند و گروگانها را آزاد ساختند. حداقل هفت تن از تروریستها و یکی از سربازان اسرائیلی و سه تن از گروگانها در این واقعه کشته شدند. حدود ۲۰ سرباز اوگاندایی در حمله اسرائیلیها کشته و تعداد زیادی از آنها زخمی شدند.

ژوئیه ۱۹۷۶ - (سری - غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی)
دفتر هواپیمایی سوریه در کویت را به وسیله بمب به آتش کشیدند.
ژوئیه - اوت ۱۹۷۶ - (سری، غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان هشدار اطلاعاتی)
بمب گذاری در نمایشگاه بین المللی، هتل مهم توریستی و دیگر مناطق دمشق.
اوت ۱۹۷۶ - (طبقه بندی نشده) حمله مسلحانه به مسافرین هواپیمای ال عال در فرودگاه یسیلکو

استانبول. دو تن از تروریستهای این عملیات که به حبس ابد محکوم شده بودند در ژانویه ۱۹۷۹ از زندان ترکیه گریختند.

سپتامبر ۱۹۷۶ - (طبقه بندی نشده) یکی از هواپیماهای ک. ال. ام را در اروپا ربوده، آن را ابتدا وادار به سوختگیری در تونس و سپس وادار به فرود در قبرس نمودند. در این عملیات سه تروریست ۸۲ مسافر و خدمه هواپیما را گروگان گرفته از اسرائیل خواستند، هشت زندانی فلسطینی را آزاد نماید. آنها تهدید کردند که در صورت مخالفت با تقاضاهایشان هواپیما را منفجر خواهند ساخت. لیکن ۴ ساعت بعد از فرود، گروگانها را آزاد ساخته، خود را با دریافت امان نامه تسلیم مقامات یونانی، قبرس کردند.

اکتبر ۱۹۷۷ - (طبقه بندی نشده) یک هواپیمای لوفت هانزا را در مسیر ماجورکا به فرانکفورت ربوده آن را وادار به فرود در موگادیشوی سومالی کردند. چهار تروریست این عملیات در حالی که به تفنگ، مواد منفجره پلاستیکی و مهمات ماکاروف ۹ میلی متری مسلح بودند ۸۷ نفر را گروگان گرفتند. آنها ابتدا خواستار آزادی ۱۱ زندانی از زندانهای آلمان غربی (همین فهرست وسیله ربایندگان هانس مارتین اشلایر در آلمان غربی ارائه شده بود) و دو تن از همکاران جبهه خلق آزادیبخش فلسطین از زندانهای ترکیه شد. در قبال آزادی گروگانها خواستار دریافت ۱۵ میلیون دلار و امان نامه برای پرواز به یک کشور نامعلوم گردیدند.

برای برآورده شدن تقاضا مدت زمان تعیین گردید. با وجود تماس مقامات با هواپیماریان، امتیازی دریافت نشد و زمان تعیین شده به پایان رسید. یک واحد پلیس ویژه مرزی آلمان فدرال مرکب از ۶۱ نفر به یک ضد حمله دست زد. سه تن از تروریستها کشته و یکی از آنها به اسارت گرفته شد. ۹ تن از گروگانها زخمی، ولی هیچ یک از آنها کشته نشدند. قبل از حمله، خلبان به وسیله تروریستها کشته شده بود. (جناح حداد)

دسامبر ۱۹۷۷ - (سری، غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) بمب گذاری در دفتر هواپیمایی مصر در شارجه.

آوریل ۱۹۷۸ - (خیلی محرمانه - غیر قابل رؤیت برای ملل خارجی) سفیر پیشین لبنان در امارات متحده عربی و کویت را که عضو یکی از خانواده های نیرومند شیعی بود به قتل رساندند. حبس یکی دیگر از اعضاء این خانواده را متهم به قتل یکی از دوستان نزدیک خود در حمله اسرائیل در ماه مارس کرد. می ۱۹۷۸ - (طبقه بندی نشده) سه تروریست مسلح به سلاحهای سبک و نارنجک دستی به طرف مسافری که آماده سوار شدن بر یک هواپیمای ال عال در فرودگاه اورلی خارج از پاریس بودند آتش گشودند.

در هنگام مبادله آتش تروریستها و یکی از اعضاء امنیتی کشته شدند، دو پلیس فرانسوی، یکی از میهمانداران زن و یکی از مسافرین مجروح شدند. بنا به گزارشهای رسیده تروریستها قصد ربودن هواپیما را نداشتند، بلکه می خواستند، مسافرین را به قتل برسانند.

اوت ۱۹۷۸ - چهار نفر با پرتاب نارنجک و تیراندازی با سلاحهای اتوماتیک به طرف اتوبوسی که ۲۱ نفر از خدمه هواپیمایی ال عال را به طرف هتلی در لندن می برد حمله بردند. یکی از زنان میهماندار اسرائیلی کشته، دو تن از آنان مجروح شدند و در این واقعه هفت نفر از عابرین انگلیسی نیز زخمی شدند و یکی از تروریستها در اثر اصابت یکی از قطعات نارنجک کشته شد. دو تن از تروریستها دستگیر و یکی از

آنها موفق به فرار گردید.

نوامبر ۱۹۷۸ - (طبقه بندی نشده) بمب گذاری در یکی از اتوبوسها در نزدیکی جریکو. پس از پرتاب بمب به داخل اتوبوس در یک توقفگاه یک توریست بلژیکی و سه اسرائیلی کشته شدند و بیش از ۳۰ نفر مجروح گردیدند که در میان آنها ۵ نفر سوئدی، ۳ نفر کانادایی و ۲ نفر آمریکایی نیز به چشم می خورد. تروریستها به وسیله اتومبیلی که در آنجا پارک شده بود فرار کردند.

جبهه خلق آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل

خلاصه مطلب:

(طبقه بندی نشده) این جبهه به وسیله احمد جبریل که یکی از استراتژی دانان مهم فلسطین است به وجود آمد، وی گرایشات این جبهه را از نظامیگری مستقل ضد اسرائیلی تغییر داده، آن را متمایل به سیاستهای سوریه نموده است. جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل با ابتکار سادات و اقدامات صلح خاور میانه با سرسختی مخالفت می ورزد.

(خیلی محرمانه، غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه) پشتیبانی جبریل از مداخله سوریه در لبنان در سال ۱۹۷۶ علیه نهضت مقاومت فلسطین سبب شد که در داخل این جبهه منازعاتی در گرفته انشعابی به وجود آید: اعضاء مخالف، جبهه آزادیبخش فلسطین را تشکیل دادند. از آن زمان، در شهرت و نیروی جبهه خلق آزادیبخش فلسطین فرماندهی کل خدشه وارد شد. اعضاء کنونی آن ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر هستند. این جبهه که از نظر سازمانی چندان پیچیده نیست، اصولاً به سوریه در به دست آوردن سلاحهای روسیه متکی بوده و به لیبی نیز در زمینه آموزش کماندو و خلبان وابسته است. و به علت دوستی و صمیمیت بین جبریل و معمر قذافی، کمک های زیادی از طرف لیبی به این گروه می شود.

(طبقه بندی نشده) در سالهای ۶۹-۱۹۶۸ به چند عملیات هواپیمارمایی مبادرت نمود و موفق شد بزرگترین کشتار را در سال ۱۹۷۴ در اسرائیل به وجود آورد. از آن زمان بود در صحنه تروریستی فعالیت چندان نداشته و گمان نمی رود که دیگر خطری داشته باشد.

اهداف و تمایلات:

(طبقه بندی نشده) از سال ۱۹۶۸ تا ژوئن ۱۹۷۶ جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل خود را از سازمانهای چریکی دیگر کنار کشید و مداخله در امور داخلی کشورهای عربی را نپذیرفت و با اجتناب از ایدئولوژی همیشه از یک خط رادیکال نظامی علیه اسرائیل حمایت می کرد. پس از عضویت کوتاه مدت آن در کمیته مرکزی ساف یکی از اعضاء سرسخت و نیرومند جبهه ارتدادی گردید، و راهحلهای سیاسی را در قبال مسئله خاور میانه نپذیرفت، و قرار داد متارکه بین سوریه و مصر را محکوم اعلام کرد و سیاست ساف رامبنی بر پذیرش یک دولت محدود در نوار غزه و ساحل غربی مردود شمرد و خواستار سرنگونی دولتهای عربی دست راستی شد.

(طبقه بندی نشده) پس از مداخله سوریه در لبنان در ژوئن ۱۹۷۶ در جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل انشعاب به وجود آمد. جناحی که از فعالیتهای سوریه حمایت می کرد، نام جبهه خلق

آزادبخش فلسطین - فرماندهی کل را بر خود ابقاء کرد و موافقت خود را با سیاستهای سوریه اعلام نمود. در اجلاس شورای ملی فلسطین در مارس ۱۹۷۷ این جبهه به برنامه ملی فلسطین مورد تأیید سوریه که همانا ایجاد یک کشور فلسطینی مستقل در کرانه غربی رود اردن و نوار غزه و شرکت ساف در کنفرانس صلح ژنو بود، رأی داد. لیکن در ماه می ۱۹۷۷ احمد جبریل رهبر این گروه با مخالفت با «راه حل کاپیتولاسیونیستی و تلاش برای خروج از سرزمینهای عربی» به موضع ارتدادی خود رجعت نمود. و در ماه سپتامبر سوگند یاد کرد که آنقدر به مبارزه ادامه دهد، تا فلسطین به طور کلی آزاد شود. (طبقه بندی نشده) جبهه خلق آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل با خشم تمام با ابتکار سادات برخورد نموده، با تمام مراحل آن بنای مخالفت گذارد.

نیروی تقریبی:

(خیلی محرمانه، غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه، هشدار اطلاعاتی) ۲۰۰-۳۰۰ نفر

رهبران اصلی:

(طبقه بندی نشده) احمد جبریل (ابوجهاد). متولد در رامله در سال ۱۹۳۶.

(طبقه بندی نشده) خانواده جبریل در سال ۱۹۴۸ فلسطین را ترک گفت و در شهر قنبره در سوریه مسکن گزید. در ۱۹ سالگی وی وارد ارتش سوریه شد و در گروه مهندسی به درجه سروانی رسید. جبریل که در اوائل سالهای ۱۹۶۰ با اتحاد بین سوریه و مصر مخالفت می ورزید دستگیر و سه سال در زندان به سر برد. در سال ۱۹۶۳ او به این اتهام که دارای «فعالتهای سوسیالیستی انقلابی و فلسطینی تندرو است» از ارتش اخراج گردید.

(طبقه بندی نشده) جبریل مدعی است که وی اولین گروه کماندویی خود را در سال ۱۹۵۹ به وجود آورده است، ولی تابستان ۱۹۶۴ کسی وی را به عنوان فرمانده چریکی نمی شناخت. در سال ۱۹۶۷ او اعضاء خود را با جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین ادغام نمود. ولی به علت اختلافات مشخص با حبش این ادغام دیری نپایید و جبریل در سال ۱۹۶۸ جدا شد تا فرماندهی کل را تشکیل دهد.

(سری، غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان) جبریل در مبارزه‌ای که در آوریل ۱۹۷۶ بر سر حومه هتل بیروت در گرفت از ناحیه پا مجروح گشت. پس از بهبود به حمایت از سوریه پرداخت و از مداخله این کشور در لبنان در ژوئن ۱۹۷۶ پشتیبانی نمود. اعضاء دیگر این جبهه تحت سرپرستی محمد العباس (ابوالعباس) با سیاست جبریل مخالفت ورزیدند و در سپتامبر ۱۹۷۶ سعی کردند وی را به این اتهام که با همکاری با سوریه علیه نهضت مقاومت فلسطین قیام کرده است، از جبهه خلق آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل اخراج نمایند. پس از پایان این جنگ درونی، جبریل رهبری یکی از جناحهای ضعیف این جبهه را به عهده گرفت.

(طبقه بندی نشده) جبریل که مردی بسیار مرموز است در پاییز ۱۹۷۷ با ظاهر شدن مکرر در انتظار عموم، شرکت در راهپیماییها و ایراد سخنان آتشین در روش های خود تغییراتی ایجاد کرد.

(طبقه بندی نشده) جبریل یکی از بهترین استراتژی دانان نهضت فلسطین به شمار می رود. او مورد احترام آندسته از رهبران عربی است که دارای سوابق نظامی هستند و از دوستان بسیار نزدیک قذافی از

لیبی بشمار می‌رود. در اوائل ۱۹۷۶ او یکی از اولین رهبران تندرو بود که پس از تشکیل جبهه ارتدادی از شوروی دیدار نمود.

(طبقه بندی نشده) طلال ناجی. متولد در سال ۱۹۳۰

(محرمانه) ناجی معاون دبیرکل جبهه خلق آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل، به عنوان اولین نماینده این گروه در کمیته مرکزی ساف در ژوئن ۱۹۷۴ برگزیده شد و بعدها ریاست اداره آموزش عالی ساف را نیز بر عهده گرفت.

(سری، غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان) در اکتبر ۱۹۷۴ ناجی به عنوان یکی از اعضای هیئت نمایندگی ساف در اجلاس رباط شرکت جست، و در نوامبر ۱۹۷۴ به همراه رئیس کمیته مرکزی ساف یعنی عرفات به مسکو سفر کرد.

(محرمانه) به گفته بسیاری ناجی در سالهایی که جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل به جبهه ارتدادی پیوست نیز در کمیته مرکزی ساف فعالیت می‌کرد. او ممکن است به خاطر اینکه یکی از سیاستمداران برجسته نهضت فلسطین بوده است، از مقداری استقلال سیاسی و شخصی در مواضع خود برخوردار باشد.

(سری غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) به هنگام انشعاب در جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین فرماندهی کل، ناجی به طرف گروه طرفدار سوریه جبریل رفت و سخنگوی این جناح گردید. در نوامبر ۱۹۷۶، ناجی به عنوان یک میانجی کوتاه عمل کرد، تا بلکه بتواند دوباره جناحهای سازمان را متحد سازد، ولی موفق نشد.
(محرمانه) ناجی به عنوان مارکسیست شناخته شده است.

سابقه:

(طبقه بندی نشده) همان گونه که قبلاً اشاره شد، جبریل از جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین جدا شد تا جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین فرماندهی کل را تشکیل دهد. تمام فعالیتهای اولیه این گروه علیه اسرائیل انجام می‌شد.

(سری، غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان هشدار اطلاعاتی). گفته می‌شود که این گروه از تخصص نظامی بسیار عالی برخوردار است. مراحل اولیه جنگ در سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ در نهضت ملی لبنان نقش بسیار خطیری را بر عهده داشت. استراتژی دانان آن تلاشهای نظامی را هماهنگ کرده، نا آرامی را در میان شهرنشینان برانگیختند و به طور سازنده لیبی را وارد درگیری نمودند.

(سری، غیر قابل رؤیت برای اتباع بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) مداخله سوریه در لبنان در ژوئن سال ۱۹۷۸ بر جبهه خلق آزادیبخش فلسطین فرماندهی کل تأثیری فاجعه‌آمیز داشت چون نُسبب شد که یکی از جناحهای طرفدار جبریل در برابر یکی از جناحهای طرفدار ابوالعباس قرار گیرد. در آوریل ۱۹۷۷ یا سرعفات تصمیم گرفت که این گروه را رسماً به دو گروه جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل و جبهه آزادیبخش فلسطین تقسیم نماید. ولی تضاد ادامه یافت چون جبریل با کمک الصاعقه و نیروهای ویژه ارتش سوریه سعی داشت، کنترل کامل گروه خود را به دست آورد در حالی که ابوالعباس و همپیمانان ارتدادی‌اش با این تلاشها مخالفت می‌ورزیدند در تابستان ۱۹۷۷ بین طرفین

صلحی ناپایدار به وجود آمد، ولی هنوز هم برخوردهایی به وجود می‌آید. آخرین برخورد که پیرامون یک موضع دریایی در طایر بود در سپتامبر ۱۹۷۸ درگرفت.

(سری) در ژوئن ۱۹۷۸ جبهه آزادیبخش عربی به دفتر جبهه خلق آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل در اردوگاه پناهندگان عین‌الحلوه حمله کرد. نبردی که در این اثناء درگرفت یکی از خونین‌ترین نبردهایی است که بین نمایندگان طرفدار عراق و طرفدار سوریه در نهضت فلسطین به وجود آمد.

(سری، غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) کماندوهای این گروه در لیبی و نیز تعدادی از متخصصین تسلیحاتی و خلبانان این گروه به لیبی در جنگ با مصر در تابستان ۱۹۷۷ کمک کردند، در ژانویه ۱۹۷۸ یک گروه رزمنده از لیبی در لبنان پیاده شدند که تعدادی از آنها عضو سازمان جبریل بوده‌اند. شاید با این عمل می‌خواستند، تعداد اعضاء جبهه خلق آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل را که از نظر تعداد اعضاء و شهرت پس از انشعاب دچار خسران شده بود، افزایش دهند.

فنون و روشهای عملیاتی:

(طبقه بندی نشده) حملات موشکی از مرز لبنان به اسرائیلیها و مناطق اشغالی بیشتر از هواپیما ربابی و خرابکاری هواپیماها حائز اهمیت بود. جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل در مبارزات درونی فلسطینیها در لبنان درگیر بود و به نیروهای فرانسوی و نیروهای سازمان ملل طرفدار فرانسه نیز حمله می‌برد.

سازمان:

(سری، غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه) این گروه هرگز سازمان یافته نبود. عملیات همبستگی را موجب می‌گردد و تداوم این همبستگی نیز بسته به اقتدار شخصی جبریل می‌باشد.

قرارگاهها و پایگاهها:

(سری، غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) این گروه در بیروت، تریپولی (لبنان) و دمشق دفاتری دارد، تا ماه می ۱۹۷۷ جبریل دفاتر جبهه خلق آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل در عین‌الحلوه لبنان را اشغال کرده بود و بعدها برای حفظ آنها به درگیریهای تن در داد. این گروه در سوریه اردوگاه و تسهیلات آموزشی برقرار کرده است. مبارزه بین این گروه و جبهه آزادیبخش فلسطین اصولاً برای به دست گرفتن کنترل پایگاهها در جنوب لبنان آغاز شده بود، لیکن پس از حمله اسرائیل به این منطقه در مارس سال ۱۹۷۸ معلوم نیست بر سر این پایگاهها چه آمد و احتمالاً مقداری از اختلافات تا حدودی از میان رفته است.

(سری، غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه، غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) در نوامبر ۱۹۷۴ به این گروه اجازه داده شد، که در شهر تریپولی، لیبی یک دفتر افتتاح نماید و احتمالاً در سالهای ۷۸-۱۹۷۷ این دفتر تحت تسلط جبریل بود. لیکن در ژوئیه ۱۹۷۸ لیبی تصمیم گرفت که تمام دفاتر فلسطینی را در دفتر ساف ادغام نماید. معلوم نیست که این تصمیم بر این گروه چگونه تأثیری داشته است.

(سری، غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان) در سال ۱۹۷۵ در ایربید، امان و اردن پناهگاهی ایجاد گردید، تا در مورد عملیات ساحل غربی مورد استفاده قرار گیرد. (محرمانه) این گروه احتمالاً در اروپای شرقی مراکز تدارکاتی و ارتباطی ایجاد کرده است. ولی معلوم نیست که کدام یک از جناحهای این گروه این مرکز را تحت کنترل دارد.

آموزش:

(سری، غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) جبهه خلق کماندویی، بعضی از اعضای در لیبی در زمینه خلبانی آموزش یافته‌اند.

تسلیماتی:

(سری، غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه / غیر همپیمانان / هشدار اطلاعاتی) جبهه خلق آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل سلاحهای روسی استفاده می‌کند که با به وسیله سوریه و یا از طریق آن کشور در اختیار آن قرار داده می‌شود. در جنگ لبنان، این گروه مسئول دریافت سلاح و تجهیزات از لیبی و توزیع عادلانه آنها بین گروههای چپگرا بود.

(سری، غیر قابل رؤیت برای ملل بیگانه، غیر هم پیمانان، هشدار اطلاعاتی) این گروه در صیدای لبنان کارخانه‌هایی دارد که در آنها سلاحهای ضد تانک آرپی‌جی ۷ و تفنگ کلاشینکف را مونتاژ کرده سلاحهای ضد یا می‌سازد.

مالی:

سوریه تا حدودی به این گروه کمک می‌کند. در سال ۱۹۷۵ قذافی رهبر لیبی به حمایت از انقلاب ارتدادی ۱۳ میلیون دلار به این جبهه داد. کمکهای لیبی به این گروه به خصوص پس از کمکی که به لیبی در جنگ با مصر نموده، هنوز هم ادامه دارد.

روابط بین‌المللی:

(طبقه بندی نشده) گذشته از کمکهایی که از طرف سوریه و لیبی به این گروه می‌شود، فلسطینیها کویت، و افسران ارتش سوریه که جبریل را از روزهای خدمتش در ارتش می‌شناسند نیز از وی حمایت می‌کنند. (سری) جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل به ارتش آزادیبخش خلق ترکیه، حزب دهقانان و کارگران انقلابی ترکیه کمک کرده و بعضی از اعضاء آن را در اردوگاههای خود واقع در سوریه و یا لبنان آموزش داده است. این گروه هر ماه با این گروهها تماس برقرار می‌کند. ولی در مورد این تماسها و روابط پس از انشعابات رخ داده در این گروه اطلاعاتی در دست نیست.

تحلیل وقایع:

(طبقه بندی نشده) گذشته از هواپیمارمایی سال ۶۹-۱۹۶۸، این گروه مسئولیت هیچ یک از تروریستهای بین‌المللی را به عهده نگرفته است. عملیات ضداسرائیلی در قیریات شموئه بدون شک

دارای اهداف سازمانی بود و مشابه تلاشهای جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین در مالوت می باشد، لیکن عملیات مشابه و قابل مقایسه دیگری از طرف این گروه انجام نگرفته است. ربودن یکی از کلنهای ارتش آمریکا در سال ۱۹۷۵ در نتیجه ایجاب فرصت انجام گرفت و گر نه یک توطئه از قبل طرحریزی شده نبود. علاوه بر این از زمان انشعاب در سال ۱۹۷۶، شایستگی عملیاتی این گروه مورد آزمایش قرار نگرفته و احتمالاً مورد تردید می باشد.

فعالیت‌های مهم:

(طبقه بندی نشده) با بررسی تمام عملیات این گروه که در ذیل آمده، نمی توان به یک الگوی خاص عملیاتی دست یافت ژوئیه ۱۹۶۸ یکی از هواپیماهای ال عال را که از رم به تل آویو می رفت ربودند و آن را وادار به پرواز به طرف اسرائیل نمودند، تروریستها خواستار آزاد شدن ۱۰۰۰ فلسطینی از زندانهای اسرائیل شدند. بجز ۲۱ گروگان بقیه آزاد شدند. ۵ روز بعد ۹ تن دیگر از گروگانها آزاد گردیدند. ۵ هفته بعد الجزیره ۱۲ گروگان باقیمانده را نیز آزاد نمود. در عوض، اسرائیل نیز قول داد که یک عمل «انسان دوستانه» انجام دهد و پس از آن ۱۶ تن از اعراب محکوم را که قبل از جنگ ۱۹۶۷ دستگیر و زندانی نموده بود آزاد کرد. فوریه ۱۹۶۹ - یکی از هواپیماهای ال عال را که در حال حرکت از زوریخ به تل آویو بود به رگبار گلوله بستند.

اوت ۱۹۶۹ - یک هواپیماهای تی - دلیو - آ در راه آتن به تل آویو ربودند و آن را وادار به فرود در دمشق کردند و پس از خارج کردن مسافری این هواپیما را به وسیله یک بمب ساعتی منفجر ساختند. دو نفر از تروریستها ۱۱۳ نفر را گروگان گرفته، اعلام کردند که این عمل آنها در اعتراض به فروش فانتوم به اسرائیل توسط آمریکا صورت گرفته است. همه گروگانها به جز شش نفر به وسیله دولت سوریه آزاد شدند و آن شش نفر به همراه تروریستها تا مدتی قبل از آزاد شدن در زندان بسر بردند.

آوریل ۱۹۷۴ - حمله به روستای قیریات شمنه در اسرائیل. سه تروریست مسلح به تفنگ، مواد منفجره و نارنجک دستی در صبحدم از طریق لبنان وارد این روستا شدند. پس از تیراندازیهای بی هدف خیابانی به یک آپارتمان حمله برده ۱۸ نفر را کشتند و ۱۶ نفر را مجروح گردانیدند. بیانیه های این گروه که از بیروت و دمشق منتشر می گردید، خواستار آزاد شدن ۱۰۰ نفر از فلسطینیها از زندانهای اسرائیل در ازاء گروگانهای قیریات شمنه شدند. نظامیان اسرائیل تروریستها را به مدت ۴ ساعت به تیراندازی مشغول نمودند. تروریستها احتمالاً در نتیجه منفجر شدن نارنجکهای خودشان کشته شدند. و دو تن از نیروهای اسرائیلی نیز در این حمله به هلاکت رسیدند.

ژوئن - ژوئیه ۱۹۷۵ - با همکاری جبهه مبارزات خلقی یک سرهنگ ارتش آمریکا در بیروت را ربودند. این گروه که خود را سازمان فعالیت‌های انقلابی سوسیالیستی می نامید، اعلام کرد که اگر یکی از نقاط فقیرنشین بیروت و غذا و پوشاک توزیع نشود گروگان خود را خواهند کشت.

مدتی گذشت تا اینکه ۲۰ تن مواد غذایی در محل تعیین شده تحویل داده شد. دولت لبنان اظهار داشت که غذا را به عنوان بخشی از تقاضا تهیه نموده است. روز بعد سرهنگ را به یک محل سری آوردند و تحویل یکی از رهبران مذهبی مسلمان دادند و او نیز پس از رفتن به محل اقامت نخست وزیر آزاد گشت. ساف و دولت سوریه سعی کردند با استفاده از نفوذ خود در این گروه موجبات آزادی گروگان را فراهم آورند. روی

هم رفته سرهنگ مدت سه هفته را به عنوان گروگان گذرانده بود.

جبهه آزادیبخش فلسطین

خلاصه مطلب:

(طبقه بندی نشده) جبهه آزادیبخش فلسطین که کاملاً ارتدادی است، هدف محدود ایجاد یک کشور فلسطین در ساحل غربی و نوار غزه را نمی پذیرد. این گروه که متشکل از ۱۰۰ نفر از مخالفین انشعابی از جبهه خلق آزادیبخش فلسطین-فرماندهی کل می باشد، دارای مواضع و فعالیتهایی است که ظاهراً نوعی عکس العمل علیه خصوصیات و تاریخچه جبهه خلق آزادیبخش فلسطین-فرماندهی کل به حساب می آید. این گروه با سوریه که از جبهه خلق آزادیبخش فلسطین-فرماندهی کل، پشتیبانی می کند. شدیداً مخالفت ورزیده، با عراق روابط بسیار مستحکمی ایجاد کرده، از آن کشور در زمینه آموزش و تسلیحات کمک می گیرد. طرح رهبریت جایگزین احتمالاً در پاسخ به تسلط احمد جبریل در گروه خود، درجبهه آزادیبخش فلسطین پیاده شده است.

(محرمانه) تنها عمل تروریستی که تاکنون به وسیله جبهه آزادیبخش فلسطین به اجراء درآمد طرحی بود که این گروه می خواست به وسیله گروگانگیری و کشتار «موفقیت آمیز» جبهه خلق آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل در سال ۱۹۷۴ را تکرار نماید، که البته موفقیتی به دست نیاورد. لیکن، به نظر نمی رسد که این گروه فاقد توانایی و ظرفیت لازم جهت انجام اقدامات موفقیت آمیز نباشد.

جبهه آزادیبخش فلسطین

اهداف و تمایلات:

(طبقه بندی نشده) جبهه آزادیبخش فلسطین کاملاً ارتدادی بوده و با برنامه ملی فلسطین مبنی بر ایجاد یک کشور محدود فلسطینی در ساحل غربی و نوار غزه مخالفت می ورزد. این گروه با سوریه به علت انجام اقدامات ضد فلسطینی در جنگ لبنان و حمایت آن کشور از گروه رقیب خود جبهه خلق آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل ضدیت می ورزد. سخنگویان ساف اعلام داشته اند که جبهه آزادیبخش فلسطین تنها به دستور عراقیها عمل می کند: با وجود اینکه نمی توان به این ادعا بدون شک و تردید نگرست، ولی باید اعتراف کرد که جبهه آزادیبخش فلسطین علاوه بر ایجاد روابط مستحکم با عراق با سیاستهای این کشور نیز موافق است. جبهه آزادیبخش فلسطین با تمام جنبه های ابتکار صلح سادات مخالف است.

نیروهای تقریبی:

(C/NOFORN/WINTEL) ۱۰۰ نفر

رهبران اصلی:

(طبقه بندی) طلعت توفیق (آکا طلعت یعقوب)

(طبقه بندی نشده) توفیق که احتمالاً دبیر کل جبهه آزادیبخش فلسطین است، از طرف این گروه

بیانیه های اجلاس تحکیم وحدت در تریپولی را امضاء نمود.

(طبقه بندی نشده) محمد العباس (ابوعباس).

(طبقه بندی نشده) ابوعباس که قبلاً دومین شخصیت مهم جبهه خلق آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل بود، پس از رهبری جناح مخالف، حمایت احمد جبریل از مداخله سوریه در لبنان، معاون دبیر کل جبهه آزادیبخش فلسطین شده است. از او جهت شرکت در اجلاس شورای ملی فلسطین در سال ۱۹۷۹ به عنوان یک فرد و نه به عنوان نماینده جبهه آزادیبخش فلسطین دعوت گردید، تا در مورد به رسمیت شناختن سازمانی این گروه، بعدها، ساف تصمیم‌گیری نماید.

(طبقه بندی نشده) ابوعباس که همیشه طرفدار نظامیگری است در عملیات ربودن سرهنگ ارتش آمریکا در سال ۱۹۷۵ توسط جبهه خلق آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل دست داشته است.

سابقه:

(طبقه بندی نشده) ابوعباس و تعداد زیادی از اعضاء، جبهه خلق آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل به حمایت احمد جبریل از حمله سوریه به لبنان در ژوئن ۱۹۷۶ مخالفت ورزیدند. در سپتامبر ۱۹۷۶ سعی کردند وی را به اتهام همکاری علیه نهضت مقاومت فلسطین اخراج نمایند و ظاهراً کنترل جبهه خلق آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل را نیز به دست گرفته بودند. در حالی که برای برقراری آتش‌بس در لبنان و جلب مخالفت کشورهای عربی علیه فعالیت‌های سوریه در این کشور تلاش می‌شد، الصاعقه ارتش سوریه سعی کردند کنترل جبهه خلق آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل را بار دیگر به دست احمد جبریل بدهند و جناح ابوعباس را سرکوب نمایند. ابوعباس و هم پیمانان ارتدادی خود علیه این تلاشها مبارزه کردند. در آوریل ۱۹۷۷، یاسر عرفات این گروه را رسماً به دو گروه جبهه خلق آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل و جبهه آزادیبخش فلسطین تقسیم نمود. استمرار فعالیت‌های جبریل علیه ابوعباس و ادامه مخالفت ورزی جبهه آزادیبخش فلسطین علیه الصاعقه و سوریه سبب شد، که این تضاد و مبارزه از بین نرود. (S/NOFORM/NOCON TRACT/WNIN) پس از اعلام آشتی بین ابوعباس و بعضی از رهبران الصاعقه در تابستان ۱۹۷۷ بین طرفین صلحی ناپایدار برقرار گردید.

(طبقه بندی نشده) ادامه آرامش بین این دو جناح احتمالاً نتیجه قرارداد متارکه سوریه و عراق می‌باشد. معذالک برای به دست گرفتن مراکز و تسهیلات درگیریهایی در سپتامبر ۱۹۷۸ داد. و در آن زمان، بر سر یک موضع دریایی در حوزه طایر نزاعهایی به وقوع پیوست.

(طبقه بندی نشده) در سال ۱۹۷۸، اختلاف بر سر سیاستها در جنوب لبنان و در رابطه با نیروهای سازمان ملل، جبهه آزادیبخش فلسطین را رو در روی عرفات و سازمان فتح قرار داد رهبر ساف مصمم به تحمیل میانه‌روی در جنوب شده بود و بر آن بود تا از ایجاد مزاحمت علیه نیروهای میانجیگر سازمان ملل در لبنان ممانعت به عمل آورد. در ماه ژوئیه جبهه آزادیبخش فلسطین تعداد زیادی از سربازان نیروهای میانجیگر سازمان ملل در لبنان را ربود، ولی سازمان فتح موجبات، آزادی آنها را فراهم نمود. مبارزه‌ای که بین این دو گروه بر سر آزادی آنها در گرفت، یکی از خونبارترین درگیریهایی درون - فلسطین بوده است. برخورد میان فتح و جبهه آزادیبخش فلسطین را می‌توان ناشی از اختلاف بین فتح و عراق دانست، که بالاخره موجب شد فتح تصمیم بگیرد گروه‌های تحت‌الحمايه عراق را که این اعمال غیرمسئولانه از آنها سر می‌زند سرکوب نماید.

(طبقه بندی نشده) در ۱۳ اوت، ۱۹۷۸، جبهه آزادیبخش فلسطین در اثر انفجاری که منجر به نابودی ساختمان مرکز فرماندهی این گروه در حوزه فحانی بیروت شد، ۷۵ نفر از مبارزان خود را از دست داد. این انفجار در مدت زمان کوتاهی که در آن گفتگوهای دوجانبه و صلح آمیز بین جناحهای مختلف فلسطین آغاز شده بود. به وقوع پیوست، ولی در نوامبر ۱۹۷۸، درگیریهای دیگری رخ داد، که این بار در نتیجه مخالفت جبهه آزادیبخش فلسطین با گفتگو و مذاکره فتح با شاه حسین اردنی به وجود آمد و در انتها یکی از اعضای جبهه آزادیبخش فلسطین کشته، چهارتن زخمی و ۱۶ نفر از آنها دستگیر شدند.

(طبقه بندی نشده) ولی برای شرکت یافتن در اجلاس شورای ملی فلسطین در ژانویه ۱۹۷۹، بار دیگر آرامش برقرار گردید. در این اجلاس، جبهه آزادیبخش فلسطین نمایندگی خود را در کمیته اجرائی پذیرفت، تا بلکه به این ترتیب بتواند مواضع خود و دیگر ارتدادیون را در این گردهمایی بیان دارد. ولی این سازش نتوانست این گروه را به علت تعداد کم اعضای در برابر گروه فتح قرار دهد. بنابراین جبهه آزادیبخش فلسطین هنوز هم از کمیته اجرائی منزوی است.

فنون و روشهای عملیاتی:

(طبقه بندی نشده) جبهه آزادیبخش فلسطین با وجود اینکه ممکن است، قدرت انجام عملیات تروریستی علیه اسرائیل را داشته باشد، ولی تاکنون به چنین اقدامی مبادرت نورزیده است. عملیات سپتامبر ۱۹۷۸ به پیروی از گروگانگیری ۱۹۷۴ جبهه خلق آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل در قیاریات شموئه را می توان شاخص برای عملیات آتی به حساب آورد.

(S/NOFORN/NOCON/WNINT) جبهه آزادیبخش فلسطین مسئول غارتها و اقدامات تحریک آمیز در لبنان بوده است.

سازمان

(S/NOFORN/NOCON/WNINTEL) در اواخر ژانویه ۱۹۷۸ فرماندهی کل جبهه آزادیبخش فلسطین تصمیم گرفت سمت دبیرکل این گروه را هر شش ماه در اختیار یکی از چهار نفر که دو تن از آنها طلعت توفیق و محمد العباس هستند، قرار دهد. بنابراین رهبر یکی از چهار نفر می تواند باشد، که نیروی مافوق سه نفر دیگر ندارد. علیرغم این تصمیم از توفیق همیشه به عنوان دبیرکل و از ابو عباس همیشه به عنوان معاون وی یاد می شود.

قرارگاهها و پایگاهها:

(S/NOFORN/NOCON/WNIN) جبهه آزادیبخش فلسطین و جبهه خلق آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل در بغداد دارای دفتری مشترک هستند. و اردوی ابو قریب در جنت زوار در غرب بغداد در اختیار پیروان ابو عباس قرار داده شده است.

(C/NOFORN) جبهه آزادیبخش فلسطین احتمالاً در نزدیکی اردوگاه پناهندگان صبرای لبنان نیز پایگاهی دارد.

آموزش:

(طبقه بندی نشده) در این مورد اطلاعاتی در دست نیست: احتمالاً عراق آموزش دهنده اصلی است.

تسلیمات:

(طبقه بندی نشده) جبهه آزادیبخش فلسطین علیه جبهه خلق آزادیبخش فلسطین-فرماندهی کل الصاعقه، و نظامیان ارتش سوریه از سلاحهای سنگین استفاده می کرد. این سلاحها احتمالاً توسط نیروهای عراق که در آن موقع در لبنان بسر می بردند، در اختیار آنها قرار داده شده است. علاوه بر این سلاحهای سبک و نارنجک دستی نیز جهت استفاده در عملیات تروریستی در اختیار دارد

مالی:

(S/NOFORN/NOCONTRACT/WNINTEL) در جنگ لبنان، گروه ابوعباس بانکهای حومه بیروت را تحت کنترل داشت و احتمالاً حدود ۱۶ میلیون دلار از چند بانک دریافت کرده است. (" / " / " / ") کشور لیبی و سفارت عراق در بیروت به جبهه آزادیبخش فلسطین از نظر مالی کمک می کنند.

روابط بین المللی:

(طبقه بندی نشده) گذشته از حمایتهای مالی و تسلیحاتی مذکور اطلاعات دیگری در دست نیست. احتمالاً جبهه آزادیبخش فلسطین با بعضی از روابطهای بین المللی جبهه خلق آزادیبخش فلسطین-فرماندهی کل ایجاد ارتباط نموده است.

تحلیل وقایع:

(طبقه بندی نشده) این عمل ممکن، نیست چون جبهه آزادیبخش فلسطین نتوانسته است به عملیات موفقیت آمیزی مبادرت ورزد، علاوه بر این در صحنه بین المللی نیز به قدرت نمای پرداخته است.

فعالتهای مهم:

ژوئیه ۱۹۷۸ - (طبقه بندی نشده) در طایر ۵۱ سرباز نیروهای میانجیگر سازمان ملل در لبنان را ربود؛ ولی چند ساعت بعد سازمان فتح آن را وادار به آزاد ساختن آنها نمود.
سپتامبر ۱۹۷۸ - (محرمانه) سه تروریست مسلح به سلاح و نارنجک دستی به جنوب اسرائیل نفوذ کرده سعی داشتند، با اشغال شهرداری قیریات شموئه و گروگان گرفتن کارمندان آن آزادی ده تن از همکاران زندانی خود را به دست آورند. دو تن از آنان در نتیجه مداخله یک گشتی ارتش اسرائیل تسلیم گردیدند. نفر سوم پس از درگیری زیاد اسیر گردید.

جبهه آزادیبخش عربی

خلاصه مطلب:

(طبقه بندی نشده) جبهه آزادیبخش عربی یکی از گروه‌های ارتدادی است که به وسیله عراق تشکیل شده، و از منافع عراق در نهضت مقاومت فلسطین حمایت می‌کند. ولی سیاستهای آن چندان با مواضع عراق هماهنگی ندارد، چون به طرز نامعلوم و نامشخصی با حزب بعث عراق وابستگی دارد.

(S/NOFORN/NOCON/WNINT) اعضاء این گروه که مرکب از ۱۰۰ تا ۳۰۰ نفر هستند، به وسیله ارتش عراق و به وسیله آموزش دهندگان تیپ عین جالوت از ارتش آزادیبخش فلسطین در عراق آموزش می‌یابند. عراق سلاحهایی از قبیل تفنگ، مسلسل دستی، نارنجک انداز، توپخانه و موشک در اختیار این گروه قرار می‌دهد.

(طبقه بندی نشده) این گروه که تنها در سال ۱۹۷۵ اقدام به یک عملیات گروگانگیری مهم در اسرائیل نموده بود مسئولیت چند بمب‌گذاری و اقدامات دیگر در اسرائیل و مناطق اشغالی را به عهده گرفته است، لیکن این ادعاها مورد تأیید واقع نشده‌اند.

اهداف و تمایلات:

(طبقه بندی نشده) جبهه آزادیبخش عربی به وسیله عراق و به منظور منافع آن کشور در نهضت مقاومت فلسطین به وجود آمد و تنها به وسیله دولت همین کشور کنترل و ابقاء می‌گردد. این گروه که متمایل به بعثیسم عراق است، خود را وقف مبارزات چریکی تمام عربی نموده است و اظهار می‌دارد که آزادسازی فلسطین نه تنها وظیفه فلسطینیها بلکه وظیفه تمام اعراب است، رنگ عربی زدن به نهضت فلسطین مشخص می‌کند که فلسطین در صورتی که به وجود آید، بخشی از ملیت بزرگتر عربی خواهد بود و نه یک دولت مستقل عربی دیگر.

(طبقه بندی نشده) جبهه آزادیبخش عربی ارتدادی است. ولی در اجلاس شورای ملی فلسطین در مارس ۱۹۷۷ نمایندگان این گروه به برنامه ملی فلسطین که حاکی از میانه روی است رأی داده، حمایت خود را از تشکیل یک کشور فلسطین در ساحل غربی رود اردن و نوار غزه اعلام نموده‌اند. این رأی احتمالاً در رابطه با وضع داخلی عراق یک انحراف موقت بود، چون دیری نگذشت که این گروه بار دیگر مواضع ارتدادی پیشین خود را اتخاذ کرد. جبهه آزادیبخش فلسطین نیز با تمام جنبه‌های ابتکار صلح سادات مخالفت می‌ورزد.

نیروی تقریبی:

(C/NOFORN/WNINT) ۳۰۰ - ۱۰۰ نفر

رهبر اصلی:

(طبقه بندی نشده) عبدالرحیم احمد (ابواسماعیل).

سابقه:

(طبقه بندی نشده) جبهه آزادیبخش عربی در سال ۱۹۶۹ به وسیله عراق تشکیل گردید. در سال ۱۹۷۴، پس از اتخاذ سیاست میانه روی توسط کمیته اجرائی ساف در قبال ایجاد یک کشور «فلسطین» در قلمرو محدود، جبهه آزادیبخش عربی عضویت خود در کمیته اجرائی را به حالت «تعلیق» درآورد و به ارتدادیون پیوست. پس از اجلاس شورای ملی فلسطین در مارس ۱۹۷۷ این گروه موافقت خود را مبنی بر مشارکت در کمیته اجرائی ساف اعلام نمود. ولی جالب اینجاست که این گروه علاوه بر عضویت در کمیته اجرائی در جناح ارتدادیون نیز عضویت دارد.

(طبقه بندی نشده) در جنگ لبنان، اعضاء جبهه آزادیبخش عربی سرسخت ترین فعالان میدان بودند و به نفع دولت عراق اوضاع را گرم نگاه می داشتند و پس از حمله سوریه به لبنان از دولت عراق خواستند، که اقدام به مداخله نظامی مستقیم بنماید.

(S/NOFORN/NOCON/WNINTEL) این گروه که قبلاً تعداد اعضایش به ۱۰۰ نفر از عراقیها و اردنیها می رسید. در لبنان با پیوستن و کمک نیروهای عراقی، عراقیهای پیشین عضو حزب بعث عراق، غیر نظامیان جدیداً آموزش یافته عراقی، و اعضاء جناح لبنانی حزب بعث عراق، در تعداد اعضاء خود افزایش به وجود آورد. در اواخر سال ۱۹۷۶ تعداد اعضای جبهه آزادیبخش عربی بین ۱۳۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر بود. در ژانویه ۱۹۷۷، نیروهای عراق رسماً از لبنان خارج گردیدند و تنها افزایش جزئی در نیروی جبهه آزادی بخش عربی باقی ماند.

(طبقه بندی نشده) با وجود اینکه جبهه آزادیبخش عربی با بی تفاوتی آتش بس اکتبر ۱۹۷۶ لبنان را پذیرفته بود، ولی در زدو خوردهایی که به وسیله الصاعقه سوری و نیروهای بازدارنده عربی در سال ۱۹۷۷ صورت می گرفت، شرکت می کرد.

(C/NOFORN) پس از حمله اسرائیل به جنوب لبنان در مارس ۱۹۷۸، جبهه آزادیبخش عربی بار دیگر تندروری اتخاذ کرد و در زمره اولین گروههایی درآمد که سعی کردند در اواخر آوریل به جنوب لبنان نفوذ نمایند.

(طبقه بندی نشده) به منظور تحمیل میانه روی در قبال اوضاع جنوب لبنان و نیز در قبال نیروهای سازمان ملل در این کشور سازمان فتح با چند گروه تحت الحمایه عراق از قبیل جبهه آزادیبخش عربی درگیریهایی پیدا کرد.

فنون و روشهای عملیاتی

(طبقه بندی نشده) این گروه که اصولاً در جنگهای درون فلسطین و اردن - عربی از طرف شرکت می جسته است، به جرئت می توان گفت که حتی بیش از اسرائیل به نیروهای الصاعقه، جبهه خلق آزادیبخش فلسطین - فرماندهی کل، نیروهای سوریه در لبنان حمله ور شده است، و به چند حمله کماندویی در اسرائیل و مناطق اشغالی دست زده است، که هیچ کدام موفقیتی به همراه نداشت و مسئولیت تعدادی از بمب گذاریها و عملیات را به عهده گرفته است که هیچ یک از آنها نیز مورد تأیید واقع نشده اند. (S/NOFORN / NOCONTRACT / WNINTEL) در مارس ۱۹۷۸ در عملیات جبهه آزادیبخش عربی بصیرتی جدید پدید آمد. یکی از اعضاء این جبهه که از سال ۱۹۶۹ در قطر بسر می برد، دستگیر و از

این کشور اخراج گردید. وی به عنوان یک خوابیده بسر می برده است و منتظر تصمیم گیری عراق و جبهه آزادیبخش عربی برای فعال شدن بود، که وی را شناسایی کرده بودند. بنابراین ممکن است که جبهه آزادیبخش عربی در خرابکاریهای خیلی وسیعتر از آنچه پیش بینی می شد، دست داشته باشد.

سازمان:

(طبقه بندی نشده) بافت سازمان جبهه آزادیبخش، بدون دریافت دستور و تأیید از رژیم عراق عمل نمی کند، و ممکن است بخشی از فرماندهی تمام عربی حزب بعث عراق در نهضت فلسطین و یا حداقل پاسخگو در برابر آنان در اواخر ۱۹۷۵ تغییرات ایجاد شده در حزب بعث عراق سبب شد، که دبیر کل جبهه آزادیبخش عربی نیز تعویض گردد.

(S/NOFORN/NOCONTRACT/WNINTEL) جبهه آزادیبخش عربی در لبنان تا سال ۱۹۷۷ احتمالاً تحت کنترل ارتش خلق عراق که یک نیروی شبه نظامی حزب بعث عراق است قرار داشته است.

قرارگاهها و پایگاهها:

(S/NOFORN/NOCON/WNIN) قرارگاه جبهه آزادیبخش عربی در بغداد است و دفاتری نیز در سفارت عراق در بیروت دارد، علاوه بر این پایگاههایی در جبل منصور و رشید عراق، وادی الاسواد لبنان، یعنی شمال رودخانه لیطانی داشته و دارای مراکز آموزشی در منطقه الدامور لبنان نیز می باشد.

آموزش:

(S/NOFORN/NOCON/WNINTEL) ارتش عراق و تعلیم دهندگان تیپ عین جالوت از ارتش آزادیبخش فلسطین به این گروه در زمینه جنگهای چریکی، فنون واحدهای کوچک، فنون نفوذی، نحوه استفاده از سلاحهای کوچک و مواد منفجره، مبارزه تن به تن و بدن سازی آموزش می دهند. زمانی که در رابطه با جبهه آزادیبخش عربی کار می کنند، در نبردهای نزدیک در لبنان نیز شرکت جستند.

(S/NOFORN/NOCON/WNINTEL) یکی از اعضاء جبهه آزادیبخش عربی که در قطر کشف شد در شوروی دوره هایی را گذرانده بود.

(طبقه بندی نشده) چند سال قبل مطبوعات گزارش نمودند که ۲۰۰ تن از کوباییها در یکی از اردوگاههای عراقی به اعضاء جبهه آزادیبخش عربی در زمینه فنون خرابکارانه آموزش می داده اند.

تسلیمات:

(S/NOFORN/NOCON/WNINTEL) سلاحهای جبهه آزادیبخش عربی مرکب از تفنگهای کلاشینکف، مسلسلهای سبک، موشک، نارنجک اندازهی آربی جی ۷ و تعداد محدودی از خمپاره انداز، توپخانه و موشکهای زمین به زمین ۱۰۷ میلی متر می باشد. احتمالاً در جنگ لبنان نیروهای عراق سلاحهای سنگین را در اختیار جبهه آزادیبخش عربی قرار داده اند.

مالی:

(S/NOFORN/NOCON/WNINTEL) اعضاء جبهه آزادیبخش عربی که در عراق به سر می‌برند حقوق، کمک هزینه تحصیل، مسکن و اتومبیل مجانی دریافت می‌نمایند. در جنگ لبنان به هر عضو جدید ماهانه ۱۰۰ دلار پرداخت می‌گردید. به اعضاء جبهه آزادیبخش عربی که قبلاً در ارتش عراق خدمت می‌کردند، مزایای ارتش آنها نیز پرداخت می‌شود. زنان همکار با این جبهه ماهانه ۱۰۰ دلار دریافت می‌دارند. این گروه ماهانه کمکی جداگانه نیز دریافت می‌دارد.

روابط بین المللی:

(S/NOFORN/NOCON/WNINTEL) جبهه آزادی بخش عربی در کویت اقدام به فعالیتهایی علیه رژیم آن کشور می‌نمود. اعضاء این گروه در کویت عضو حزب بعث عراق بوده، پاسپورت عراقی دارند و در سازمانهای دانشجویی فعالیت دارند. و در آنجا دفتر جداگانه ندارند و همیشه سعی دارند با جامعه در آمیزند.

(S/NOFORN) در ژوئن ۱۹۷۳ گزارشات مختلف حاکی از آن بود که جبهه آزادیبخش عربی با جامعه دانشجویان عرب در شهر پروجیای ایتالیا رابطه برقرار کرده است. (طبقه بندی نشده) درباره فعالیت آموزش دهندگان کوپایی نیز قبلاً صحبت شد:

تحلیل وقایع:

(طبقه بندی نشده) تنها عملیات مهم جبهه آزادیبخش عربی در سال ۱۹۷۵ علیه غیر نظامیان اسرائیلی صورت گرفت، ولی موفقیتی به همراه نداشت و تکرار هم نشد.

فعالتهای مهم (همه عبارات طبقه بندی نشده است):

دسامبر ۱۹۵۴ - بمب گذاری در هانیتای اسرائیل.

ژوئن ۱۹۷۵ - مبادرت به آدم ربایی در کیبوتس کفریووال اسرائیل. چهار تروریست مسلح به کلاشینکف و نارنجک انداز از طریق لبنان نفوذ کرده، این یهودی نشین را مورد حمله قرار داده، یک خانواده را به گروگان گرفتند. دو ساعت بعد از حمله خواستار آزادی ۱۲ زندانی و نیز اسقف کاپوچی از زندانهای اسرائیل شدند. یهودیان مسلح و نیروهای دفاعی اسرائیل خانه‌ای را که گروگانها در آن قرار داشتند، محاصره کردند و نیروی کمکی نیز از راه رسید. نیم ساعت پس از اعلام تقاضا نیروی دفاعی اسرائیل به همراه سرپرست خانواده به محل اقامت گروگانها حمله ور شدند، که در نتیجه سرپرست خانواده کشته شد. سه تن از تروریستها در مراحل اول و یکی از آنها در مراحل بعدی کشته شدند. یکی از زنان اسرائیلی در نتیجه جراحات وارده کشته شد. یکی از سربازان نیروی دفاعی اسرائیل که در مرخصی به سر می‌برد، در حالی که سعی داشت مانع تروریستها بشود و در حالی که اعضای خانواده می‌خواستند خود را پنهان سازند کشته شد.

ژوئن ۱۹۷۷ - سعی کردند رئیس جمهور سوریه، حافظ اسد، را به قتل برسانند.

اوت ۱۹۷۷ - سعی کردند با نفوذ خود به حمله به آشدوت یا کف اسرائیل بپردازند ولی موفق نشدند.

جبهه مبارزات خلقی

خلاصه مطلب:

(S/NOFORN/NOCON/WNINTEL) جبهه مبارزات خلقی که دارای ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر عضو است از گروه‌های غیرفعال ارتدادی به شمار می‌رود و خواستار آزادسازی فلسطین بود. با ایجاد یک کشور کوچک فلسطینی مخالفت است. تعدادی موشک و موشک انداز در اختیار داشته، احتمالاً علاوه بر اتکاء به عراق و سوریه به دیگری سازمانهای جبهه ارتدادی نیز وابسته است.

اهداف و تمایلات:

(طبقه بندی نشده) جبهه مبارزات خلقی که از اولین گروه‌های تشکیل دهنده جبهه ارتدادی است، خواستار مبارزه مسلحانه برای آزاد سازی فلسطین، نابودی اسرائیل، و ایجاد یک دولت دموکراتیک غیر مذهبی در قلمرو یاد شده در قرارداد انگلیس است، و با شدت با ایجاد یک کشور کوچک در نوار غزه و ساحل غربی رود اردن مخالفت می‌ورزد.

نیروی تقریبی:

(C/NOFORN/WNINTE) ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر.

رهبر اصلی:

(طبقه بندی نشده) دکتر سمیر قوشاه (قوش)

(طبقه بندی نشده) دو دبیر کل جبهه مبارزات خلق و دبیر جبهه ارتدادی است.

سابقه:

(طبقه بندی نشده) بهجت ابو غریبه، یکی از فعالان فلسطینی غیر نظامی جبهه مبارزات خلقی را در ژوئیه ۱۹۶۷ با همکاری سرگرد فایز حمدان از ارتش آزادیبخش فلسطین تأسیس نمود (حمدان در حمله هوایی اسرائیل به اسالت اردن در سال ۱۹۶۸ کشته شد) ابو غریبه در هبرون در سال ۱۹۴۸ علیه انگلیس و اسرائیل مبارزه کرده بود و یکی از اعضای اولین رهبریت ساف در سال ۱۹۶۴ بود. بعد از به قدرت رسیدن عرفات در سال ۱۹۶۹ نیز وی در کمیته اجرائی ساف باقی ماند. به دلیل کسالت و به علت عدم تأیید روشی که برای رسیدن به اهداف فلسطین در پیش گرفته شده بود، ابو غریبه فعالیت‌های جبهه مبارزات خلقی و شرکت در کمیته مرکزی را پس از حملات سرکوبگرانه اردن در ۱۹۷۰ به حالت تعلیق درآورد. پس از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ جبهه مبارزات خلقی بار دیگر ابقاء گردید.

(طبقه بندی نشده) در سال ۱۹۷۴، ابو غریبه از فعالیت‌های خود کناره گرفت. و شاه که همکاری نزدیک با نهضت‌های چپگرا و چریکی را حمایت می‌کرد و جبهه مبارزات خلقی را وارد جبهه ارتدادی نمود جانشین وی گردید.

فنون و روش عملیاتی:

(طبقه بندی نشده) جبهه مبارزات خلقی به چند عملیات نفوذی در اسرائیل و مناطق اشغالی مبادرت ورزید و علاوه بر آن مسئولیت بسیاری از عملیات دیگر را نیز به عهده گرفت، لیکن مورد تأیید واقع نشد. ربودن یکی از افسران ارتش آمریکا در سال ۱۹۷۵ ظاهراً اتفاقی بود و از طراحی پیچیده و عمیق برخوردار نبوده است.

سازمان:

(طبقه بندی نشده) در این مورد اطلاعی در دست نیست.

قرارگاهها و پایگاهها:

(C/NOFORN/NOCONTRACT/WNINTEL) قرارگاه جبهه مبارزات خلقی در منطقه طریق الجدیده بیروت قرار داشته و تمام پایگاههای آن نیز در لبنان می باشد. (طبقه بندی نشده) قبل از جنگ لبنان، اعلامیه های جبهه مبارزات خلقی از دمشق منتشر می گردید. تعدادی از هسته های این گروه در شرق اورشلیم کشف گردید.

آموزش:

(طبقه بندی نشده) در این زمینه نیز اطلاعاتی در دست نیست.

تسلیمات:

(S/NOFORN/NOCON/WNINTEL) تا ژانویه ۱۹۷۷، پست فرماندهی جبهه مبارزات خلق در بیروت خمپاره اندازهای ۶۰ و ۸۱ میلی متری، موشک، نارنجکهای تفنگی، و موشکهای ضدتانک بی اس-۷ در اختیار داشت.

مالی:

(طبقه بندی نشده) لیبی و عراق به این گروه کمک مالی می کنند.

روابط بین المللی:

(طبقه بندی نشده) در این زمینه نیز اطلاعاتی در دست نیست.

تحلیل وقایع:

(طبقه بندی نشده) قابل کاربرد نیست.

فعالتهای مهم

ماه می ۱۹۷۵ - بمب گذاری در عین فشاهیکی از مناطق تفریحی اسرائیل.

ژوئن - ژوئیه ۱۹۷۵ - یکی از سرهنگهای ارتش آمریکا را در بیروت ربوده، او را به جبهه خلق آزادیبخش فلسطین فرماندهی کل سپردند. (جزئیات تحت عنوان جبهه خلق آزادیبخش فلسطین فرماندهی کل).

سازمان ژوئن سیاه

خلاصه مطلب:

(طبقه بندی نشده) سازمان ژوئن سیاه که یک سازمان ارتدادی سرسخت است، خواستار این است که تمام تلاشهای اعراب و فلسطینیها در مبارزه مسلحانه علیه دشمن صهیونیست به کار گرفته شده، رژیمهای «ارتجاعی» عرب را نابود ساخته، رهبران میانه رو سازمان آزادیبخش فلسطین را از میان بردارند. این سازمان که اصولاً توسط مخالفین و ناراضیان سازمان فتح به وجود آمده بود (و در حال حاضر ۵۰۰ عضو دارد)، رهبریت سازمان فتح را شدیداً مورد انتقاد قرار داده است. چون به ادعای او این سازمان دیگر از اشتیاق انقلابی برخوردار نبوده، دنبال کننده مبارزه مسلحانه نیز نمی باشد.

(طبقه بندی نشده) پس از مبادرت ورزیدن به یک عملیات تروریستی، یعنی هواپیمارمایی در سال ۱۹۷۴، سازمان ژوئن سیاه به صورت وسیله دست عراق درآمد تا از آن علیه اعراب و فلسطینیها میانه رو استفاده کرده، در حمله به دیپلماتها و سفارتخانه های سوریه و کشتار مقامات ساف از آن بهره برداری نماید. با آشتی سوریه، عراق و فلسطین پس از ماجرای کمپ دیوید، سازمان ژوئن سیاه احتمالاً دیگر روزهای پر جنجال خود را پشت سر گذاشته است.

(S/NOFORN/NOCONTRACT/WNINTEL) عراق در زمینه هواپیمارمایی، تسلیحاتی، و در موارد دیگر به این سازمان آموزش می دهد. سلاحها و وسایل مورد استفاده سازمان ژوئن سیاه در عملیات بسیار پیچیده بوده و شامل تنفگهای تک تیرانداز، دارای دوربین مادون قرمز دید در شب و کیسه های پلاستیکی که سلاحها را از چشم دستگاه اشعه ایکس پنهان می سازد، بوده است. با وجود اینکه در مورد سازمان این گروه اطلاعات چندانی در دست نیست، ولی بسیاری از افراد عملیاتی در هسته ها و یا تیمهای کوچک فعالیت می کرده اند. سازمان ژوئن سیاه از یک سلاح مهم یعنی تبلیغات سرزنش آمیز نیز استفاده می کرد.

اهداف و تمایلات:

(طبقه بندی نشده) سازمان ژوئن سیاه که یک سازمان شدیداً ارتدادی است، با راه حل های سیاسی برای تضاد خاورمیانه مخالف بوده، معتقد است که مبارزه مسلحانه علیه دشمن صهیونیستی باید در سرلوحه اهداف نهضت مقاومت فلسطین قرار گیرد. و نیز به طور همزمان خواهان نابودی رژیمهای حاکمه «ارتجاعی» مصر، اردن، کویت، لبنان، عربستان سعودی و شیخ نشینهای خلیج است و از میانه روی کلی ساف و عدم موجودیت پایگاه و اشتیاق انقلابی آن انتقاد می کند. در نتیجه سازمان ژوئن سیاه معتقد است که از طریق تروریسم درون عربی و درون فلسطینی می توان به آن چنان انقلاب همه جانبه عربی دست یافت که تنها عامل و وسیله آزادسازی فلسطین می باشد.

(طبقه بندی نشده) این سازمان که توسط عراق به عنوان وسیله ای علیه اعراب و فلسطینیهای میانه رو

به کار رفته با حزب بعث عراق و شبکه جاسوسی و اطلاعاتی و سیاستهای دارای اولویت این نهادها مرتبط است.

(S/NOFORN/NOCON/WNINTEL) سازمان ژوئن سیاه که از سازمان فتح ریشه گرفته، خطیرترین نوع رابطه را با این مهمترین گروه فداییان دارد. سازمان ژوئن سیاه سازمان فتح را به این دلیل که از سازمان ۱۹۷۱ در کمیته مرکزی آن انتخابات برگزار نشده، غیر قانونی اعلام می‌کند. علاوه بر این، چون عرفات با مبارزه مسلحانه مخالف بوده و به انقلاب فلسطین خیانت کرده است، باید کشته شود. سازمان ژوئن سیاه از عنوان فتح استفاده می‌کند، شورای انقلاب در بیانیه‌های رادیویی خود اعلام کرده است، که با سازمان فتح رابطه داشته، سعی دارد آن را رادیکالیزه نماید و تفاوت میان خود و میانه‌روی سازمان مادر را اعلام می‌دارد. همچنین این سازمان اعلام می‌کند که چون رهبران غیر قانونی فتح وارد ساف شده‌اند، ساف نیز غیر قانونی است.

نیروی تقریبی:

(طبقه بندی نشده) ۵۰۰ نفر (?)

رهبر اصلی:

(طبقه بندی نشده) صبری خلیل البناء (ابونیدال). متولد در ۱۹۳۸ در یافا.

(طبقه بندی نشده) خانواده البناء، در سال ۱۹۴۸ به اردن گریخت، و او بعدها در انگلیس فارغ التحصیل گشت. در اوائل سالهای ۱۹۶۰ در اردن به سازمان فتح پیوست و نام جنگی ابونیدال را انتخاب کرد و بعدها در سلسله مراتب آنچنان بالا رفت تا به عضویت پارلمانی گروه یعنی شورای انقلاب درآمد. با وجود اینکه گزارشها، حاکی از فعالیت وی در جهازالرصد یعنی متخصص اطلاعاتی فتح است، ولی معلوم نیست که آیا ابونیدال در سازمان سپتامبر سیاه که به وسیله رصد تشکیل شده بود درگیر بوده است یا خیر؟ پس از سرکوب شدن نهضت فلسطین در سال ۱۹۷۰ در اردن وی به حمایت از یک خط رادیکال پرداخت و خواستار استفاده از تروریسم علیه اهداف عربی و بیگانه شد. معلوم نیست در چه زمانی وی از سازمان فتح جدا شد، ولی احتمالاً در آن موقع به عنوان نماینده فتح در بغداد به سر می‌برده است.

(S/NOFORN/NOCONTRACT/WNINT) پس از اتخاذ یک برنامه توأم با میانه‌روی توسط شورای ملی فلسطین در ژوئن ۱۹۷۴ ابونیدال، به مخالفین با این برنامه پیوست و گروهی جداگانه به رهبری وی تشکیل گردید. در اکتبر ۱۹۷۴ دادگاه انقلابی فتح ابونیدال را به اتهام برانگیختن شورش مسلحانه در سازمان و اقدام به قتل مقامات مهم فتح به طور غیابی به مرگ محکوم کرد. از نظر عموم، ابونیدال پس از این محاکمه قرارگاه خود در بغداد را ترک نگفته است.

(طبقه بندی نشده) در ژوئیه ۱۹۷۸، ساف با تسلیم بیانیه‌ای به عراق از این کشور خواست تا ابونیدال را برای محاکمه به این سازمان تحویل داده عملیات وی را خاتمه بخشد. عراق با این بیانیه موافقت نکرد و مشاجره فتح - عراق - سازمان ژوئن سیاه در طول تابستان آن سال ادامه داشت. به دنبال میانجیگری سفیر الجزایر در بیروت بین سازمان فتح و عراق صلح برقرار شد و ابونیدال اعلام کرد که برای جلوگیری از برادرکشی او به اقدامات تلافی جویانه دست نخواهد زد، البته در صورتی که سازمان فتح نیز از اینگونه

اقدامات امتناع ورزد. از آن زمان تاکنون سازمان ژوئن سیاه فعالیتی ننموده است. در دسامبر ۱۹۷۸ یک روزنامه کویتی اعلام نمود که در نتیجه صلح بین عراق و فتح و عدم سلامت البنا و رهبریت خود را در سازمان ژوئن سیاه از دست داده است، ولی این گزارش مورد تأیید قرار نگرفته است.

سابقه:

(S/NOFORN/NOCONTRACT) در تابستان ۱۹۷۴ پس از اتخاذ برنامه توأم با میانه روی توسط شورای ملی فلسطین مخالفین جوان فتح که بعضی از آنها اعضاء العاصفه (شاخه کماندویی فتح) بودند و با رهبریت و اقدامات عرفات برای ایجاد راه حل مسالمت آمیز مخالف بودند، به وسیله ابونیدال تندرو جذب گردیدند. در سپتامبر ۱۹۷۴ پیروان احمد الغفور، ارتدادی مقتول نیز به البنا پیوستند. تعدادی از واحدهای تیپ قادسیه ارتش آزادیبخش فلسطین که پایگاهشان در عراق بود نیز در سال ۱۹۷۶ به این سازمان پیوسته نیروی آن را تقویت نمودند.

(طبقه بندی نشده) این گروه پس از آنکه سالها نام البنا را بر خود داشت، به عنوان یادبود و سوگواری درباره مداخله سوریه به حمایت از مسیحیان راستگرا علیه مسلمانان چپگرا و یاران فلسطینی آنها در ژوئن ۱۹۷۶ عنوان ژوئن سیاه را بر خود گذاشتند.

(S/NOFORN/NOCONTRACT/WNIN) در فوریه ۱۹۷۷، دفتر فرماندهی سیاسی ملی حزب بعث عراق به رهبران سازمان ژوئن سیاه در بغداد اخطار نمود که بدون اطلاع دفاتر اطلاعاتی عراق علیه سوریه و اردن به اقدامات تروریستی مبادرت نورزند. سازمان ژوئن سیاه احتمالاً به خاطر سیاستهای عراق تقریباً در سال ۱۹۷۷ غیرفعال بود.

(طبقه بندی نشده) معذالک، پیروان ابونیدال افزایش یافت و عملیات سازمان ژوئن سیاه علیه میانه‌روهای فلسطینی و میانه‌روی در سال ۱۹۷۸ فزونی گرفت. در ماه آوریل ۱۳۰ چریک به همراه رهبر فتح محمد داود اودا (ابوداود) که قصد داشتند دستورات عرفات را نادیده گرفته در پشت خطوط اسرائیل در جنوب لبنان دست به عملیات بزنند دستگیر شدند. بنابه گزارشات آنها به وسیله ابونیدال فرستاده شده بودند تا علاوه بر تقویت چپگرایان فتح کنترل فتح را نیز از دست عرفات بیورند.

در شش ماه اول ۱۹۷۸ سازمان ژوئن سیاه سه تن از مهمترین میانه‌روهای ساف و هم پیمانان عرفات را به قتل رسانید و این سازمان مهمترین عامل ایجاد تروربین فتح و عراق بود که تا اوت ۱۹۷۸ ادامه یافت. در ژوئیه ۱۹۷۸ شبه نظامیان فتح دفاتر ژوئن سیاه در تریپولی، لیبی را مورد حمله قرار دادند، در پاییز، قرارداد متارکه جنگ توسط عراق و فتح و انتشار چهارچوب صلح کمپ دیوید تفاهم بین عراق، سوریه و ساف را به همراه داشت. این واقعه بر عملیات ژوئن سیاه تأثیری عظیم گذاشت و باعث توقف آنها گردید. بنابراین یک بار دیگر سیاستهای عراق این گروه را وادار به عدم فعالیت نموده است.

فنون و روشهای عملیاتی:

(طبقه بندی نشده) سازمان ژوئن سیاه در سال ۱۹۷۴ اقدام به یک هواپیما ربایی نمود. ابونیدال اعلام کرد که گروه وی دیگر به این گونه عملیات مبادرت نخواهد ورزید، چون جنبه «فردی» داشته و مفید

نمی‌باشند. در عوض این گروه اقدام به حمله علیه نمایندگیهای سوریه، اردن و ساف نمود و به کشتار مقامات فلسطینی و عربی پرداخت پس از ۱۹۷۶، سازمان ژوئن سیاه در تروریسم عربی و فلسطینی تخصص یافت و علیه اسرائیل دشمن هیچ گونه عملیاتی انجام نداد.

(سری) در اوائل سال ۱۹۷۸، سازمان ژوئن سیاه فهرستی از اسامی مقامات ساف را انتشار داده، اعلام کرد که قصد دارد، آنها را به قتل برساند و از دیگر رهبران فلسطینی نیز خواست که به حمایت از مذاکرات اقدامات و یا بیاناتی ایراد نمایند. این معیارها شاخص اهداف این سازمان است.

سازمان:

(طبقه بندی نشده) معمولاً در عملیات بسیار بزرگ از تیمهای ۴ یا ۵ نفره تروریستی استفاده می‌شود، ولی برای کشتارها از یک یا دو نفر از اعضاء ژوئن سیاه استفاده می‌شود.

قرارگاهها و پایگاهها:

(طبقه بندی نشده) سازمان ژوئن سیاه یک سازمان کاملاً زیرزمینی است.

(S/NOFORN/NOCONTRACT/WNINTEL) قرارگاه این گروه در بغداد است و علاوه بر آن در حبانیه، نزدیک رامادی، و در حومه حیت عراق نیز اردوگاه و مراکز آموزشی دارد. علاوه بر این دفتری نیز در کویت دارد.

(طبقه بندی نشده) منابع تأیید نشده مصری گفته‌اند که سازمان ژوئن سیاه دفاتری در الجزیره، بیروت و عدن داشته در نظر دارد، شبکه خود را به عمان، دمشق، کازابلانکا، رم، لندن، پاریس، بلگراد، ژنو و بن گسترش دهد.

(طبقه بندی نشده) پس از مورد حمله قرار گرفتن توسط فتح یکی از دفاتر سازمان ژوئن سیاه به وسیله مقامات لیبی در تریپولی در ژوئیه ۱۹۷۸ تعطیل اعلام گردید.

(طبقه بندی نشده) ابونیدال در انگلیس بیش از هر کشور دیگر اروپایی طرفداران فلسطینی پروپا قرص دارد.

آموزش:

(S/NOFORN/NOCONTRACT/WNINTEL) این گروه در مدت ۴۵ روز در زمینه سیاسی و نیز در مورد نحوه استفاده از سلاحهای کوچک، مین و مواد منفجره آموزش می‌دهد. البته یک دوره ویژه هواپیماربایی نیز تهیه دیده شده بود که در آن آموزش دهندگان ژاپنی، آلمانی کوبایی و عرب در مورد ساختمان هواپیماهای تجاری و هواپیماهای مسافربری و قراردادهای امنیتی هوایی سخنرانی می‌کردند.

(S/NOFORN/NOCON/WNINTEL) تعدادی از پیروان ژوئن سیاه به وسیله پاکستانیها یا در پاکستان تعلیم دیده‌اند.

تسلیمات:

(S/NOFORN/NOCONTRACT/WNINTEL) عراق و لیبی مهمترین عرضه کنندگان سلاح هستند.

سیاهه تسلیحاتی سازمان ژوئن سیاه شامل کلت‌های توکاروف، مسلسل‌های دستی سبک، نارنجک و تک‌تیراندازهای دارای دوربین دید در شب مادون قرمز می‌باشد. عراق کیسه‌های پلاستیکی خاص روسی در اختیار این گروه قرار می‌دهد که می‌تواند سلاح را از دید دستگاه اشعه ایکس مخفی سازد. آتشبار این گروه شامل سلاح‌های ضد تانک و توپخانه سبک است.

(محرمانه) در سال ۱۹۷۸ بنابه گزارشات رسیده اعضاء تیپ قادیسیه نحوه ساختن بمب را به وسیله مواد موجود در داروخانه‌ها، مشروب‌فروشیها و ابزارفروشیها فراگرفتند. کودهای شیمیایی، پودر رنگ، پودر آلومینیوم، گاز اکتان شدیدالاحتراق، توپکهای پنبه‌ای، اسید نیتریک، و مشروبات الکلی خالص، از جمله مواردی است که در ساختن مواد منفجره قوی و یا آتش‌زا استفاده می‌گردد. از باتریهای دوربین و فلاش عکاسی به عنوان نیروی لازم برای انفجار استفاده کرده، از ساعت‌های مچی برای مشخص کردن زمان انفجار و از فیوز و چاشنی هم استفاده می‌گردد.

(طبقه بندی نشده) یکی از تروریست‌های سازمان ژوئن سیاه یک تفنگ دستی کالیبر ۰/۳۲ با خود حمل می‌کرد.

(طبقه بندی نشده) اسناد هویت جعلی به وفور در اختیار آنها قرار دارد.

(طبقه بندی نشده) قبل از آشتی کردن عراق و ساف، سازمان ژوئن سیاه از یک سلاح تبلیغاتی بسیار مهم استفاده می‌کرد. به این ترتیب که ایستگاه رادیویی گروه به پخش تهمتهای ناروا و دروغین می‌پرداخت. و روزنامه‌های دولتی عراق نیز در صفحات اول خود به راست‌گراهای ساف حمله می‌کردند. احتمالاً در حال حاضر اینگونه فعالیت وجود ندارد.

امور مالی:

(S/NOFORN/NOCONTRACT/WNINTEL) اعضاء گروه ماهانه ۱۰۰ دینار عراقی (۳۳۰ دلار آمریکایی) به علاوه کمک‌های خانوادگی ماهانه و مزایای استعلاجی دریافت می‌دارند. (طبقه بندی نشده) ساف ادعا می‌کند که به دانشجویان فلسطینی کمک هزینه برای تحصیل در اروپا می‌دهد، تا بتوانند وارد گروه ابونیدال و سازمان اطلاعاتی عراق بشوند. (طبقه بندی نشده) مصر و لیبی نیز به سازمان ژوئن سیاه کمک می‌کنند.

روابط بین المللی:

(S/NOFORN/NOCONTRACT/WNINTEL) سازمان ژوئن سیاه نمایندگان خود را وارد جوامع فلسطینی قطر و امارات متحده عربی می‌کند. در کویت جایی که سازمان ژوئن سیاه در میان دانشجویان فلسطینی پایگاهی قوی دارد، سلاح به مقدار زیاد ذخیره سازی شده است. این سازمان در میان آن دسته از دانشجویان فلسطینی که در پاکستان تحصیل می‌کنند نیز نفوذ زیادی دارد. این دانشجویان از طرف عراق کمک مالی دریافت کرده به بغداد رفته به استخدام سازمان ژوئن سیاه درمی‌آیند و پس از آن برای تحصیل به پاکستان فرستاده می‌شوند.

(طبقه بندی نشده) رابطه با دانشجویان کشورهای دیگر در شبکه بین‌المللی سازمان ژوئن سیاه در بخش‌های پیشین تشریح گردیده بود.

(S/NOFORN/NOCONTRACT/WNINTEL) کمک نامحدود جمهوری دموکراتیک خلق یمن به میزان کمهایی که از طرف عراق و لیبی به این سازمان می شود می افزاید. (محرمانه) در نوامبر ۱۹۷۶، دو تروریست ایتالیایی در مرز آلمان غربی و هلند دستگیر شدند. آنها نام تعدادی از افراد عملیاتی سازمان ژوئن سیاه را که در رابطه با حمله به سفارت سوریه در بن در اکتبر ۱۹۷۶ به زندان افتاده بودند، همراه داشتند. احتمالاً ایتالیاییها که رابطه شان با این سازمان هنوز مشخص نشده، تصمیم داشته اند فلسطینیها را آزاد سازند.

(طبقه بندی نشده) در آوریل ۱۹۷۸، مقامات مصری یک سازمان تروریستی بین المللی به نام الخال الصحیح الفتح (راه صحیح فتح) را نابود کردند. به گفته مصریها، این گروه بخشی از سازمان ژوئن سیاه بوده است و در نظر داشته به منظور از بین بردن اعتبار قرارداد صلح مصر و اسرائیل به خرابکاری و کشتار دست بزنند. دانشجویان فلسطینی و اردنی اکثریت اعضاء این گروه را تشکیل داده و با آنارشیستهای سوئیس و آلمان غربی در رابطه بوده اند.

(طبقه بندی نشده) در زمان ربوده شدن سیاستمدار ایتالیایی آلدومورو، مطبوعات مطالب واقعی و کاذب را به طرز پیچیده و عمدی با یکدیگر قاطی می کردند. ولی یکی از این روایات که سازمان ژوئن سیاه را به بریگاد سرخ و جریان کنونی با درمانیف و جناح ارتش سرخ ربط می داد، احتمالاً خالی از اعتبار نمی تواند باشد.

(طبقه بندی نشده) مصریها گفته اند که قبل از به قتل رسیدن یوسف الصبایی، ابونیدال، با تروریست بین المللی کارلوس (ایلپج رامیرز سانچز) ملاقات نموده است. با وجود اینکه این روایت مورد تأیید قرار نگرفته است، ولی می توان گفت که به علت روابط کارلوس با جناح حداد از جبهه خلق آزادیبخش فلسطین در بغداد احتمالاً این ملاقات صورت گرفته است.

تحلیل وقایع:

(طبقه بندی نشده) در تنها عملیات هواپیما ربایی که توسط سازمان ژوئن سیاه انجام گرفته، درخواستهای سیاسی اعلام نشد. تروریستها تنها خواستار آزادی دوستان خود شده بودند که با طولانی شدن مدت عملیاتی در تعداد آنها و در تعداد کشورهای محل زندانی آنها افزایش چشمگیر به وجود آمد. هواپیما ربایی و گروگانگیری که در سوریه انجام شد، در اصل کار یک تیم چهار نفره بوده است. تروریستها معمولاً با یک همکار خاص کار می کرده اند.

از سال ۱۹۷۶ همه اقدامات سازمان ژوئن سیاه علیه میانه روهای عربی و فلسطینی انجام می گرفت.

فعالتهای مهم:

نوامبر ۱۹۷۴ (S/NOFORN/NOCONTRACT/WNIN) بودن یک هواپیمای شرکت هوایی خارجی انگلیس در راه دوی به تونس، چهار تروریست مسلح به مسلسل سبک دستی و نارنجک و کلت در حالی که لباس مکانیکها را به تن داشتند از زنده امنیتی فرودگاه بین المللی دوی گذشته سریعاً سوار هواپیما شدند. در هنگام ورود به هواپیما دو نفر مجروح گردیدند. هواپیما با ۴۷ مسافر به طرف غرب پرواز کرد و پس از سوختگیری در تریپولی لیبی به تونس رفت. در ابتدا هدف این هواپیما ربایی مشخص

نمود. پس از فرود به وزیر کشور تونس اطلاع داده شد که در ازاء آزادی هشت تروریستی که در رابطه با به قتل رسانیدن سفیر آمریکا و معاون رئیس نمایندگی سودان در مارس ۱۹۷۳ در مصر زندانی شده بودند و نیز ۵ خرابکار دیگری که یک هواپیمای آمریکایی را در رم در دسامبر ۱۹۷۳ به آتش کشیده بودند، گروه‌گانه و خدمه هواپیما را آزاد خواهند ساخت. علاوه بر این تروریستها خواسته بودند که به آنها اجازه داده شود که به هر جا که می‌خواهند پرواز کنند و نیز تهدید کردند که با گذشتن هر مدت زمان تعیین شده گروه‌گانه را تک تک خواهند کشت. دولت مصر از مذاکره امتناع ورزید. صالح خلف یکی از رهبران سازمان سپتامبر سیاه و فتح به تونس رفت تا به نمایندگی از طرف ساف با تروریستها سخن بگوید. وقتی که او تنها و بدون زندانیهای مورد تقاضا ظاهر شد تروریستها یکی از مسافریین آلمان غربی را کشته بدن او را از هواپیما بیرون انداختند. در هنگام انتظار برای زندانیان رم، دوازده گروه‌گانه زن آزاد گردیدند. و تقاضای دیگری مبنی بر آزاد سازی دو تروریست دستگیر شده توسط هلند در رابطه با ربوده شدن هواپیمای انگلیسی در سال ۱۹۷۳ ارائه گردید. در چهارمین روز حادثه هلندیها این تقاضا را برآورده ساختند. هواپیما ربایان همه گروه‌گانه را به جز سه تن خدمه هواپیما آزاد ساخته، اعلام کردند که اگر دولت تونس به آنها پناهندگی آزاد اعطا نکند هواپیما را منفجر خواهند ساخت، پس از دریافت این اطمینان که به ساف تحویل داده نخواهد شد هواپیما را ترک نمودند. دو هفته بعد، مقامات تونس اعلام کردند که چهار هواپیما ربا به همراه هفت تن از همکاران آزاد شده‌شان، آزاد شده، تونس را ترک گفته‌اند.

سپتامبر ۱۹۷۶ - (طبقه بندی نشده) تصرف یک هتل مجلل در دمشق و گرفتن ۹۰ نفر به عنوان گروه‌گانه. چهار تروریست مسلح به مسلسل دستی و نارنجک دستی خواستار آزادی ۳۵ زندانی (احتمالاً فلسطینی) از زندانهای سوریه شده و بیانیهای اعتراض آمیز در رابطه با عملیات نظامی سوریه در لبنان منتشر نمودند. پس از ورود تروریستها به هتل حدود ۲۰۰ نفر از نیروهای ویژه ارتش سوریه هتل را محاصره کردند، و به ۵۰ تن از آنان دستور حمله به هتل داده شد. درگیری حدود سه ساعت طول کشید، در پایان یک تروریست کشته و سه تن دیگر دستگیر گردیدند. و ۴ گروه‌گانه کشته و ۳۴ نفر مجروح گردیدند، چند تن از نیروهای سوریه نیز مجروح شدند.

اکتبر ۱۹۷۶ - (طبقه بندی نشده) سفارتهای سوریه در رم و اسلام آباد را در یک روز مورد حمله قرار دادند.

نوامبر ۱۹۷۶ - (طبقه بندی نشده) حمله به هتل بین‌المللی عمان

دسامبر ۱۹۷۶ - (طبقه بندی نشده) سعی کردند وزیر امور خارجه سوریه، خدام را به قتل برسانند.

اکتبر ۱۹۷۷ - (طبقه بندی نشده) مسئولیت کشته شدن وزیر امور خارجه امارات متحده عربی را در هنگام تلاش خالی از موفقیت برای کشتن خدام به عهده گرفتند.

ژانویه ۱۹۷۸ - (طبقه بندی نشده) نماینده ساف سعید حمامی در لندن را به قتل رسانیدند. یکی از تروریستها که ظاهراً با این دیپلمات فلسطینی قرار ملاقات داشت، وی را به وسیله یک تفنگ سه بار مورد هدف قرار داد.

فوریه ۱۹۷۸ - (طبقه بندی نشده) یوسف الصبایی دبیر کل سازمان وحدت خلق آفریقا و آسیا و ناشر روزنامه الاهرام و دوست سادات را در نیکوزیا به قتل رسانده، هواپیمایی را ربودند. دو تروریست وارد محل برگزاری جلسه سازمان وحدت خلق آفریقا و آسیا در هتل شده یوسف الصبایی را به قتل رساندند. و

پس از آن وارد جلسه شده ۳۰ نفر را که اکثر آنها نمایندگان کنفرانس بودند به گروگان گرفتند. با ایجاد پایگاهی در یکی از قهوه خانه‌های هتل اعلام کردند که در ازاء یک هواپیمای قبرسی و اجازه عبور از کشور تعدادی از گروگانها را تحویل خواهند داد. هواپیما به همراه ۱۱ گروگان و یک خدمه داوطلب از قبرس به پرواز درآمد، ولی لیبی، کویت، سومالی، اتیوپی، و یمن جنوبی به آن اجازه فرود ندادند. و جیبوتی تنها اجازه سوختگیری به هواپیما داد. هواپیما به فرودگاه لارناکا قبرس بازگشت و در آنجا تروریستها با مقامات بلند پایه قبرسی به مذاکره پرداختند. ظاهراً تروریستها قبول کردند که در ازای دریافت پاسپورت و امان نامه، گروگانها را آزاد سازند. ولی در این موقع یک ضد حمله مصری که با مخالفت قبرسیها روبه رو شد، آغاز گردید. در پایان ۱۵ سرباز مصری کشته و ۱۶ تن از آنان زخمی شدند، شش تن از اعضاء پلیس و گارد ملی قبرس مجروح گردیدند و یک هواپیمای سی - ۱۳۰ مصری نیز نابود گشت. تروریستها خود را به دولت قبرس تسلیم کردند و هنوز هم در توقیف بسر می‌برند.

اوت ۱۹۷۸ - (طبقه‌بندی نشده) نماینده ساف در پاریس عزالدین خالق را به قتل رسانیدند. در این واقعه دو تروریست وارد ساختمان اتحادیه عربی شده، با بیرون کشیدن سلاحهای خود به افرادی که در آنجا منتظر بودند دستور دادند که وارد یکی از اتاقهای آنجا بشوند. پس از آن وارد دفتر خالق شده بطرف وی تیر اندازی کردند. بهنگام ترک آنجا، تروریستها نارنجکی به درون دفتر پرتاب کردند که سبب کشته شدن معاون خالق و مجروح شدن دیگران گردید.

- (طبقه‌بندی نشده) حمله به دفاتر ساف در اسلام‌آباد، پاکستان، چهار تروریست مسلح به مسلسل‌های سبک و نارنجک وارد دفتر ساف شده یک گرداننده رادیویی، دو دانشجوی فلسطینی و یک پلیس محافظ پاکستانی را به قتل رسانیدند. تروریستها موفق به فرار شدند.

کتاب چهل و چهارم

فلسطین (۳)

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، شرق و غرب را به حیرت افکند و آمریکا بیش از پیش به ضعف دستگاه‌های جاسوسی خود که برای تنظیم سیاست‌های خویش و جلوگیری از وقوع انقلابها، بدانها متکی است پی برد. سازمان جاسوسی آمریکا «سیا» با همه پیچیدگی و وسعت امکانات و تجربیات چندین ساله نتوانست تحلیل به موقع و درستی از چگونگی رشد انقلاب اسلامی، تشکیلات آن، نحوه رهبری و چگونگی نفوذ آن در میان مردم ارائه دهد. اتحاد بی نظیر امت و ایمان آنها به پیروزی در پرتو درایت و هوشیاری حضرت امام مدظله، الگوی بی‌مانندی را برای پی‌ریزی و پیشبرد یک انقلاب اسلامی، به جهانیان عرضه کرد. در کتابهای مختلف اسناد منتشره، به وضوح این معنی که آمریکا دچار نوعی غافلگیری در مقابل حرکت انقلاب اسلامی شده بود، دیده می‌شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی آمریکاییها تکانی خورده و به خود آمدند. ظاهراً کلیه کانالهای رسمی آنها شامل مقامات لشکری و کشوری رژیم طاغوت و دوستان قدیمی کارایی خود را از دست داده بودند. دوستان دیگر امثال دار و دسته نهضت آزادی هم که دانسته یا ندانسته انواع و اقسام خبرها را طی ملاقاتها و برخوردهای رسمی و غیررسمی در اختیار آنها قرار می‌دادند، نتوانسته بودند نیازهای جاسوسی آمریکا را برآورده سازند.

دشمنی دیرین و افزایش یافته آنها با اسلام و انقلاب اسلامی لزوم اتخاذ تدابیری برای مقابله با آن را ایجاب می‌نمود و اتخاذ تدابیر و طرح نقشه‌های مدافعه، بیش از هر چیز نیاز به اطلاعات اساسی و جامع درباره کلیت انقلاب داشت.

شناخت شکافهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک در درون صفوف انقلاب، اولین قدم اساسی هر جریان ضد انقلابی است و به همین دلیل سعی اولیه زخم خورده درجه اول انقلاب بر آن بود تا این شکافها و تنشها را شناسایی نماید. این موضوع فقط در مورد انقلاب ما صادق نیست، بلکه هر قیام مردمی در سراسر گیتی با آن مواجه است و قدرتهایی که منافع آنها به واسطه این قیامها در معرض تهدید قرار می‌گیرد، از انجام اقدامات فوق‌الذکر این اهداف را تعقیب می‌نمایند:

الف) شناسایی کامل چهره‌های انقلاب و سپس کسانی که به ظاهر در صف انقلاب قرار داشته، اما طرز فکری غیرانقلابی دارند.

ب) به کارگیری مجموع اطلاعات کسب شده در تمام زمینه‌ها برای طرح و نقشه‌ها و توطئه‌ها در جهت انحراف مسیر انقلاب در تلاشی که به این منظور انجام می‌گیرد. قاعدتاً کسانی که همخوانی و هماهنگی بیشتری با باورهای غرب دارند، امیدهای درجه یک محسوب شده، روی آنها سرمایه‌گذاری زیادی

می‌شود تا مصادر و مناصب اجرائی و کلیدی انقلاب را به عهده گیرند.

ج) استفاده از اطلاعات برای برخوردهای حاد و حذفی با انقلاب که عمدتاً شامل براندازی، تهاجم نظامی و ترور رهبران می‌شود.

د) هدف چهارم جاسوسی، مطلع ساختن متحدین سیاسی قدرتی است که منافع وی در معرض خطر قرار گرفته است. اشتراک منافع و اهداف سیاسی، منجر به ایجاد اتحادهای کوتاه مدت و در بسیاری مواقع بلند مدت، مابین کشورها و قدرتهای مختلف می‌شود. به تبع این اتحاد و تشکیل جبهه واحد بر علیه انقلاب است که نقشه‌ها و توطئه‌های مشترک چیده شده و این طرحها و نقشه‌ها می‌بایست تالی هماهنگیها و وحدت نظر پیشین باشد به منظور کسب این اتفاق، دشمنان اخبار خویش را با یکدیگر در میان گذاشته و دست به تبادل آنها می‌زنند. یکی از اسناد مندرج در این مجموعه بهترین مثالی است که موضوع فوق را روشن می‌کند. این سند مربوط به گزارش یک جلسه توجیهی است که برای شخصی به نام «زیوالون» نماینده موساد (سازمان جاسوسی اسرائیل) برگزار می‌شود. همبستگی نزدیک و تنگاتنگ سیا و موساد و اهداف مشترک آنها در جهت جاسوسی برای نابودی و به انحراف کشانیدن انقلاب فلسطین باعث می‌شود که مرزبندیهای ظاهری میان آمریکا و اسرائیل و آژانسهای جاسوسی هر یک برداشته شده و بسان یک تشکیلات واحد، اجزای مختلف خویش را جهت اجرای یک برنامه هماهنگ نمایند.

یکی از مؤثرترین روشهای جاسوسی از درون یک تشکیلات، داشتن منابع خبری در درون آن می‌باشد. کشف و شناسایی و استخدام منابع یکی از مهمترین و مؤثرترین اقداماتی است که سیا در جهت انجام آن ظرفیتترین و پیچیدهترین شیوه‌ها را به کار می‌گیرد. شناسایی یک منبع بالقوه، معمولاً توسط دیگر جاسوسان و منابع انجام می‌شود و بعد از تحقیقات لازم در مورد پیشینه فرد، اقدامات لازم برای شکار وی به مرحله اجرا درمی‌آید. علائمی هستند که سیا روی آنها حساس بوده و با مشاهده آن در افراد مناسب، نسبت به آنها علاقه‌مند می‌شود. این علائم خود نتیجه و نشانه وجود خصایص و ویژگیهای در افراد مورد بحث هستند، که همینها نیز از طرفی شخص را وامی‌دارند تا اقدام به همکاری با کسانی بنماید که تا دیروز آنها را دشمن و رقیب خود می‌پنداشت. عمده این علائم به قرار زیر هستند:

۱- اشتراکها در عقاید سیاسی، در بسیاری موارد دلایل اساسی و شاید مهمترین آنها برای پیوستن افراد به سیا می‌باشند. اینها که به دلیل دلبستگی به مرام و مسلک سیاسی و طرز تفکر غرب بر آن باورند تا در جهت پیاده کردن آن ارزشها در جامعه خویش قدم بردارند، به عنوان گامی در این راه تن به جاسوسی و خبرچینی برای سیا می‌دهند. از میان افرادی که می‌شناسیم، امیر انتظام عضو و سخنگوی دولت موقت و مقدم مراغه‌ای از این دست افراد بودند که اطلاعات خویش را بیدریغ در اختیار مأمورین سیا می‌گذاشتند.

۲- سرخوردگیهای ایدئولوژیک. افرادی که در طرز فکر سازمان و یا ایدئولوژی خویش اشکالاتی مشاهده می‌نمایند و در صورتی که این اشکالات به حدی برسد که پاسخی برای آن نیابند، جذب قطب مخالف می‌شوند. تعداد زیادی از منابع سیا، کمونیستهای دو آتشی‌ای بوده‌اند، که بعد از بریدن توسط سیا جذب و استخدام شده‌اند.

۳- احتیاجات مالی. کمبودهای مادی و گاهی زیاده‌طلبیها باعث می‌شود که فردی برای رفع این مشکل خویش تن به جاسوسی بدهد. مأموران سیا در برخورد با اکثر منابعشان، حتی آنان کمبود مالی چندانی ندارند، سعی می‌نمایند تا با عادت دادن آنها به گرفتن هدیه و دستمزد، وابستگی مالی بین منبع و

خودشان به وجود آورده و به این ترتیب ضریب اطمینان لازم را برای ادامه همکاری منبع به دست آورند. هرچند موارد بالا، تمامی شگردهای سازمانهای جاسوسی را در بر ندارند، اما زمینه مناسب را برای معرفی کتاب فلسطین (۳) فراهم می‌سازند.

کتاب ۴۴ - فلسطین (۳)

این کتاب مجموعه اسنادی است در ارتباط با یکی از عملیات سیا برای جمع آوری خبر و اطلاعات از درون انقلاب اسلامی. عامل اصلی این قضیه شخصی است که هویت اصلی وی ناشناخته مانده است. اما در تشکیلات سیا به اسم رمز «ام. جی. بارج / ۱»^{*} یا به اختصار «ب / ۱» نامیده شده است. در مجموع، مطالب اسناد حاکی از اطلاعات زیر در مورد وی می‌باشند:

۱- عضویت در سازمان فتح. ب / ۱ در تشکیلات فتح از اعضای بلندپایه بوده و شاید یکی از دلایلی که سیا به شکار نامبرده اقدام نموده است، همین مسئله باشد. تخصص وی در امور آموزش نظامی می‌باشد. در اسناد می‌بینیم:

«ب / ۱ و ام / ۱ قطعاً در مقامی هستند که از هر گونه آموزش نظامی فتح مطلع باشند». ام / ۱ نام اختصاری جاسوس دیگری با اسم رمز «ام. جی. ماریتر / ۱» بوده است که ارتباط وی با ب / ۱ را در قسمتهای بعدی خواهید دید.

۲- تاریخ استخدام نامبرده مشخص نیست اما نوع گزارشها می‌رساند که وی باید یکی از منابع قدیمی باشد. البته لازم به تذکر است که بخش عمده اسناد این کتاب به فعالیت این فرد در ایران اختصاص دارد و مدارک و گزارشهای وی در غیر این زمینه به خاطر آنکه ارتباطی به ایستگاه سیا در تهران نداشته است و به دلیل مرزبندی اطلاعاتی، در ایستگاه تهران وجود ندارد.

۳- چگونگی آمدن بارج به ایران به این قرار است: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، حمایتهای آشکار جمهوری اسلامی از انقلاب فلسطین، موجب همکاریهایی بین انقلاب اسلامی و سازمان آزادیبخش فلسطین گشت. به دلیل وجوب آموزش نظامی پاسداران انقلاب اسلامی و دیگر نیروهای انقلاب، هیئتی از طرف سازمان آزادیبخش فلسطین جهت آموزش نظامی به ایران اعزام می‌شود و در چند نقطه به آموزش پاسداران می‌پردازد. بارج یکی از اعضای بلندپایه این هیئت و احتمالاً مسئول آن بوده است. ۴- در یکی از اسناد آمده است که بارج دارای تعصب ضدکمونیستی می‌باشد. این گرایش وی در بعضی گزارشها قابل مشاهده می‌باشد. البته در اسناد، دلایل این تعصب و اینکه چه عواملی باعث ایجاد این روحیه در نامبرده شده‌اند، وجود ندارد؛ ولی به هر حال می‌توان حدس زد که این مطلب یکی از عوامل مؤثر در غلتیدن وی به دامان سیا بوده است.

۵- حقوق بارج قبل از اول خرداد ۵۸، معادل ۲۰۰۰ لیره لبنانی بوده است. اما به دلیل مشکلات مالی که برای بارج پیش می‌آید، سیا حقوق او را به دو برابر یعنی ۴۰۰۰ لیره لبنانی و معادل ۱۰۰ / ۰۰۰ ریال افزایش می‌دهد، که البته مخارج دیگر وی برای انجام مأموریتهای محوله از طرف سیا پرداخت می‌شده است.

۶- به لحاظ حساسیت فوق‌العاده ارتباط بارج با سیا، با اینکه محل اصلی فعالیت وی در سال ۵۸ ایران

* - در اسناد سیا جاسوسان فلسطینی با کد ام. جی. مشخص می‌شوند. همچنان که جاسوسان ایرانی با کد اس. دی. مشخص می‌گردند.

بوده است، ولی وظیفه ارتباط با بارج به ایستگاه سیا در تهران واگذار نگردیده و ایستگاه بیروت از طریق فرد دیگری ارتباط با بارج را حفظ می‌نموده است. رابط بارج با سیا جاسوس دیگری به نام ام. جی. مارتیر / ۱ بوده است. این شخص گزارشهای بارج را که با ادوات مخفی نویسی و یا دیگر شیوه‌ها نوشته می‌شده است، از وی تحویل می‌گرفته و سپس طی ملاقاتهای حضوری، به مقامات سیا مسترد می‌نموده است.

۷- بارج به دلیل مأموریت مهم خویش و اینکه از اعضای مهم فتح بوده است با سفارت فلسطین در تهران نیز ارتباط داشته است.

۸- ارتباطات کاری بارج باعث می‌شده است که وی با قسمتهای مختلف سپاه رفت و آمد داشته و در همین رابطه اطلاعات مورد نیاز سیا را نیز جمع آوری نماید.

نظری اجمالی بر مطالب اسناد می‌تواند فهرست زیر را از عمده اطلاعات مورد نیاز سیا برای ما فراهم آورد که به فراخور در مورد هر یک توضیح داده می‌شود:

الف - سپاه، سازماندهی آن، تعداد افراد، سلاحها، نوع آموزش، افراد برجسته، خاستگاه اجتماعی و جغرافیایی پاسداران. از آنجا که سپاه به مثابه خط مقدم جبهه انقلاب اسلامی در رویارویی با ضد انقلاب قرار داشته و دارد، هر نیرویی که قصد تهاجم، ضربه زدن و یا هر مقابله دیگری را با انقلاب اسلامی داشته باشد، در اولین مرحله حتی هنگام طرح نقشه، سپاه را چون خاکریزی استوار در مقابل خود می‌یابد و برای گذر از این خاکریز، چاره‌ای نمی‌بیند جز آنکه اطلاعات اساسی در مورد این ساختار را به دست آورد، سیا به عنوان فعالترین جبهه اطلاعاتی ضد انقلاب خارجی هر چه سریعتر می‌خواست درباره این نهاد تازه تأسیس آگاهیهای لازم را کسب نماید.

از این رو فرصت را غنیمت شمرده و از رابطه بارج با سپاه بهره‌برداری می‌نماید. البته اگر بتوان بر اطلاعات مبادله شده و موجود در این اسناد استناد نمود، باید گفت که کند ذهنی بارج، ناآشنایی وی با فرهنگ و روحیات انقلابیون مسلمان و عدم هدایت صحیح وی توسط سیا، باعث شده که سیا آنچنان که روی این جاسوس خویش در این مورد حساب باز نموده بود، نتواند کامیاب شود.

ب - سیستم قدرت و حاکمیت در ایران، اختلافات میان دولت موقت و رهبری انقلاب، نظر روحانیون بزرگ نسبت به امام. ساخت نوبنیاد جمهوری اسلامی و رهبریهای بی‌نظیر امام که باعث تثبیت آن گشت، به همراه آنچه که از سرعت انقلاب و پویندگی عجیب آن در دنیا منتشر شد همواره یکی از مایه‌های بروز شگفتی برای کسانی بوده است که قصد تحلیل این انقلاب را داشته‌اند. این عوامل از یک سو و از سوی دیگر اتحاد و یگانگی شگرفی که امت ما در عرصه‌های مبارزه برای پیروزی انقلاب به نمایش گذاشتند، طراحان براندازی انقلابها را در مورد طرحهای استاندارد و قدیمیشان به تجدید نظر واداشت. به همین خاطر است که تحلیلگران سیا برای سردرآوردن از این کلاف سردرگم خود دست به دامان بارج می‌شوند تا وی به سبب نزدیکی که با محافل انقلابی دارد بتواند دستمایه‌های لازم را برای آنان تهیه نماید. در همین رابطه موضوعاتی که در این بند ذکر شد جزء شرح وظایف اصلی وی قرار می‌گیرد. اما دقت در مطالب مطروحه مؤید این مطلب است که عدم برخورد پویا با رخدادها و تأثیر زیاده از حد دید شخصی بارج، باعث شده است که سیا در این مورد نیز چندان طرفی نیندد.

ج - گزارش عمومی از اوضاع ایران و انقلاب، مسائل خوزستان، اوضاع کردستان.

اگر از مسئله خوزستان که بارچ به لحاظ ارتباط با دفتر ساف در آنجا، به گمان سیما می‌توانسته است مثمر ثمر واقع شود، صرف‌نظر نماییم، موارد دیگر این بند جزء دستور کار عادی ب / ۱ قرار می‌گیرد. زیرا هر فرد مرتبط با سیما قاعدتاً موظف است برداشتهای خود را از محیط فعالیت و آنچه در حول و حوش وی می‌گذرد، گزارش نماید. گزارشهایی که در این باره وجود دارد با توجه به برداشتهای شخصی بارچ از وقایع و رویدادها تنظیم گشته‌اند و اشکالات زیادی در آنها وجود دارد.

تنها موردی را که می‌توان استثنا کرد تحلیلی از فعالیتهای حزب توده است که شاید با توجه به دقت بارچ در این مورد که ناشی از تعصب ضدکمونیستی وی بوده است، بتوان ارزیابی دیگری برای آن ارائه داد.

نگاهی کلی به مسئله:

همان‌گونه که ذکر شد موضوع کلی کتاب «ماجرای جاسوسی یک عضو سازمان آزادیبخش فلسطین، شاخه الفتح، برای سازمان جاسوسی آمریکا است. دقت پیرامون این موضوع به همراه یادآوری شرح فعالیتهای بارچ و مرتبه وی در ساف ذهن را به کند و کاو پیرامون علت اصلی قضیه وامی‌دارد. چرا فردی در شعار و حرف مبارزه با صهیونیزم و حامی آن آمریکا را می‌پروراند، ولی در عمل جاسوسی مستقیم برای آمریکا و غیرمستقیم برای صهیونیزم را پیشه خود قرار می‌دهد؟ تفاوت حرف تا عمل در کجاست؟ مگر صهیونیزم دشمن اصلی ملت فلسطین و غاصب سرزمینهای آنها نیست؟

اگر بخواهیم علاوه بر دلایلی که در ابتدای این مقدمه صحبت آن رفت، کنکاش بیشتری پیرامون موضوع داشته باشیم، محور عمده بحث ما «عمل‌زدگی یک فرد در جریان فعالیتهای بی‌هدفش» خواهد بود. در مقدمه کتاب شماره ۴۲ فلسطین (۱) - و در اسناد آن کتاب عملکرد ساف و طرز فکر حاکم بر رهبریت آن مشاهده شد. سیاست‌زدگی، وابستگی، بی‌هدفی و تلاشهای عبث افراد و گروههای سازشکار حاکم بر رهبری ساف دیده شد که به جای در پیش گرفتن مبارزه مستقیم و رویارو با دشمنان مردم فلسطین به بند و بستهای سیاسی دل خوش کرده و دنباله‌روی از سیاستهای دول مرتجع عرب را در پیش گرفته‌اند.

واقعیت آن است که تا روندهای سیاسی گروههای فلسطینی این‌گونه است، ملت فلسطین باید مطمئن باشد که اینها بزرگترین ضربه را بر انقلاب رهایی‌بخش قدس وارد خواهند ساخت. رخنه سیما و عناصری چون بارچ در رده‌های بالای تصمیم‌گیری این گروهها نتیجه نهایی فقدان ایمان اسلامی در آنهاست. اگر بازنگری و تجدید نظری اساسی از جانب مسلمانان انقلابی فلسطین در مورد گروههای بناحق حاکم بر سرنوشت آنها صورت نگیرد و اگر اقدامی در جهت تصفیه و پالایش اساسی این گروهها صورت نگیرد، ملت فلسطین باید مطمئن باشد که این گروهها لانه‌های امنی برای فعالیت و توطئه عناصر نابابی همچون بارچ و ماریتر باقی خواهند ماند.

در چند سال اخیر ادامه فعالیتهای این‌گونه عناصر تأثیرات بسیار نامطلوبی را بر انقلاب فلسطین به جای گذاشته است. موارد زیر نشانه‌های بارز و آشکار به سازش کشانیده شدن این انقلاب است:

- کنار نهادن تدریجی مبارزه مسلحانه و تن دادن هر چه بیشتر به بازیهای سیاسی
- عدم برخورد قاطع با توطئه کمپ دیوید و منحصر کردن برخورد به سخن پراکنیهای سیاسی
- پذیرفتن طرح فهد به مثابه قبول تلویحی توطئه کمپ دیوید

- مذاکرات نزدیک با عمال مستقیم آمریکا نظیر ملک حسین در مورد تشکیل کنفدراسیون مشترک اردنی - فلسطینی
- ترک بیروت و واگذاری آن به صهیونیستها
- روابط بسیار نزدیک با حاکمیت مصر، امضاء کننده قرارداد کمپ دیوید و واسطه‌گری برای بازگرداندن مصر به جرگه کشورهای اسلامی
- ضدیت با کشورهای مترقی عضو جبهه پایداری
یقیناً ملت فلسطین از نگرش به افق تیره و تاری که این تلاشها برایش تصویر کرده است بسیار دل‌نگران است. ولی بی‌شک وعده نصر خداوند تبارک و تعالی تحقق خواهد یافت و فرزندان دلاور وقهرمانان گمنام این ملت راه واقعی خویش را که به تعبیر امام عزیزمان «استفاده از مسلسل‌های متکی بر ایمان» است، خواهند یافت.

به امید آن روز و به امید پیروزی نهائی اسلام

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

سند شماره (۱)

سری - ۲۱ اردیبهشت ۵۸ اعضا - ۱۱ مه ۷۹

به رئیس رونوشت برای تهران

از بیروت ۵۳۸۹۶

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. ام. جی. بارج - ام. جی. ماریتر

عطف به: الف: بیروت ۵۳۸۲۰، ب: تهران ۵۳۰۰۸

۱ - شب ۲۰ اردیبهشت در ملاقات مختصری که در اتومبیل با ام. جی. ماریتر / ۱ داشتیم مطابق نظر پاراگراف ۱ ب تلگرام مرجع ب از او خواستیم که درباره قوای پاسداران انقلاب (گارد جمهوری) توضیح دهد.

۲ - ام. جی. ماریتر / ۱ با مطابقت اظهاراتش بر مکالماتی که با ام. جی. بارج / ۱ داشته بشرح ذیل درباره اوضاع توضیح داد:

الف: رقم ۵۰۰۰ نفر داده شده در تلگرام مرجع ب به عنوان قوای پیش‌بینی شده گارد جمهوری اشتباه بود. قوای پیش‌بینی شده (پس از تکمیل آموزش پرسنل که دو تا سه سال طول می‌کشد) ۵۰/۰۰۰ نفر است. از این تعداد ۱۰/۰۰۰ نفر حقوق کامل خواهند گرفت و به‌طور دائم حفظ خواهند شد.

ام. جی. بارج / ۱ سعی خواهد کرد در بازگشت به ایران مکانها و قوای پیش‌بینی شده را مشخص کند. ۴۰/۰۰۰ نفر باقیمانده، در حکم نوعی نیروی ذخیره خواهند بود. ام. جی. ماریتر / ۱ آن را «میلیشیایی» دانست که فقط هنگام کفایت نکردن تعداد نیروی دائم در اجرای مأموریت خود، فراخوانده می‌شوند.

ب: مأموریت گارد جمهوری، امنیت داخلی در شهرهای بزرگ ایران می‌باشد. (اسم شهرها را نداریم) نظر خمینی این است که آنها عمدتاً علیه «کمونیستها» و میلیشیای چپ تحت‌الحمايه کمونیستها بکار گرفته شوند. اما این حرف شاید انعکاس دهنده قدری از تعصب ضد کمونیستی ام. جی. بارج / ۱ باشد.

قطعیاً آنها برای مبارزه با کمونیستها و چپها و به گفته ام. جی. ماریتر / ۱ همچنین سایر اقلیتها به کار گرفته خواهند شد. قراراست که گارد جمهوری فقط در شهرها مورد استفاده قرار گیرد و به مشکلات برون شهری کار نداشته باشد.

ج: گاردهای جمهوری آموزش سلاحهای..... را نخواهند دید و آنها را دریافت هم نخواهند کرد. آنها خمپاره خواهند داشت اما فقط تا ۸۲ میلیمتری... سلاحهای ضد تانک PGR (احتمالاً آر.پی. جی - مترجم) خواهد بود. آنها ۱۲/۷ میلیمتری خواهند داشت. آموزش آنها درباره این سلاحها، به علاوه جنگ خیابانی می‌باشد. (بعداً بیشتر درباره آموزش آنها گفته خواهد شد).

۳ - ام. جی. ماریتر / ۱ همچنین گفت که خمینی نه تنها بر گارد جمهوری بلکه بر نیروی هوایی هم احاطه مستقیم دارد. نیروی زمینی تحت کنترل دولت است.

۴ - خواسته‌های تلگرام مرجع ب، به علاوه آنچه در تلگرام رئیس ۴۳۵۱۸۸ آمده، به ام. جی. ماریتر / ۱ داده شد تا به ام. جی. بارج / ۱ برساند. ما آنها را به عربی ترجمه کرده بودیم.

۵ - پرونده: ۹۴۶۹۷۷ - ۲۰۱، ۹۲۱۴۵۱ - ۲۰۱. تا تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سری

سند شماره (۲)

سری ۱ خرداد ۵۸ اعضا - ۲۲ مه ۷۹

به: رئیس تهران

از: بیروت ۵۳۹۴۸

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اطلاعاتی آر. آر. جوس - ام. جی. بارج

عطف به: الف: رئیس ۵۳۸۶۱ ب: تهران ۵۳۰۰۸

۱ - در آخرین ملاقات با ام. جی. بارج / (ب / ۱) ما خواسته‌های اطلاعاتی مطرح شده در تلگرامهای مرجع را... او جدیت خواهد کرد درباره‌ی خواسته‌هایی که نتوانست جواب دهد، خبر جمع‌آوری کند.

۲ - مکانهای آموزش ساف در کجا واقع شده‌اند؟ تیم آموزش ساف در حال حاضر در «اردوگاه ارتش عباس آباد» آموزش می‌دهد. معذالک، این مکان... است و ب / ۱ پیش‌بینی می‌کند که مکان اصلی آموزش بالاخره به یک محل که هنوز مشخص نشده، انتقال یابد.

۳ - وظیفه دفتر ساف در اهواز - خوزستان - چیست؟ ب / ۱ وظیفه دقیق این دفتر را نمی‌داند و علاوه بر آن نمی‌داند که این دفتر در آنجا مشغول چه فعالیت‌های خاصی است یا چه تعداد فلسطینی به آنجا فرستاده شده‌اند. ب / ۱ فقط توانست توضیح کلی درباره‌ی فعالیت‌های فلسطینیها در خوزستان بدهد یعنی گفت که آنها «نقش خوبی» را ایفا می‌کنند. ب / ۱ گفت که بطور کلی کوشش‌های فلسطینیها در خوزستان در این جهت بوده که به عنوان میانجی بین مردم از یک طرف و خمینی و دولت از طرف دیگر عمل کنند. مقصد کوشش‌های فلسطینیها بازداشتن اوضاع خوزستان از رسیدن به «حالت انفجار» بود. ب / ۱ شک داشت که در خوزستان کوششی برای جلب طرفداران ایرانی جهت مبارزه در فلسطین صورت بگیرد. به هر صورت ب / ۱ از هیچ موردی از این قبیل خبر نداشت. معذالک به گفته‌ی ب / ۱ تعداد (کثیری) از ایرانیان به دفتر ساف در تهران روی آورده و داوطلب رفتن به فلسطین جهت مبارزه شده‌اند.

این افراد همگی ثبت نام شده‌اند اما در حال حاضر طرحی برای اعزام آنها به فلسطین وجود ندارد. با وجود این، ساف طرح اضطراری برای استفاده از آنها را تهیه می‌بیند. ب / ۱ تکرار کرد که از طرف ساف هیچ کوشش فعالانه‌ای در ایران جهت استخدام مبارز وجود ندارد بنحوی که وی از آن مطلع باشد. خمینی پیشنهاد حمایت‌های دیگری (بیش از این مشخص نشد) به فلسطینیها داده، اما عرفات نپذیرفته است. ب / ۱ اطلاع جزئی در این خصوص ندارد. ولی گفت که هانی‌الحسن فعالانه تلاش کرده بود که روی خمینی اعمال نفوذ کرده تا مناسبات دیپلماتیک با مصر را قطع کند.

۴ - ب / ۱ نتوانست آن طور که باید و شاید درباره‌ی انتصاب یزدی به سمت وزارت خارجه اظهار نظر کند. با این حال ب / ۱ گفت که یزدی با بازرگان، که دوست خوب نخست وزیر بختیار بوده، نزدیکی دارد و هیچ یک از اینها نزد پاسداران محبوبیت ندارند.

۵ - ب / ۱ گفت که به عقیده چهره‌های دولتی / مذهبی، ترور کنندگان مطهری یا اعضای سابق ساواک یا کمونیستها بوده‌اند. ب / ۱ خبر قابل اتکائی درباره‌ی هویت ایشان نداشت. وی گفت که دولت / خمینی در نظر دارند در مورد این گروهها «اقدام تنبیهی» (بیش از این مشخص نشد) پیش گیرند.

۶ - ب / ۱ می‌گوید که بین خمینی و بازرگان اختلاف‌های جدی وجود دارد، اما وی (ب / ۱) از دامنه‌ی این اختلافها خبر ندارد. به هر حال یکی از اختلاف‌های اصلی بر سر حضور، استفاده و نفوذ پاسداران انقلاب و

کمیته‌های انقلاب بود. بازرگان می‌خواست اینها را کنار بگذارد چون دولت عملاً فاقد قدرت بود. خمینی در این مورد تسلیم بازرگان نمی‌شد همچنین ب / ۱ گفت که بازرگان می‌خواهد نفوذ ساف در بین پاسداران انقلاب و بر خمینی را تقلیل دهد.

بازرگان همچنین می‌خواهد که به ارتش و وظیفه مهمتری بدهد. ب / ۱ می‌گوید در حالی که بازرگان یک حامی پر حرارت ساف نمی‌باشد، ولی مخالف با آن هم نیست.

۷ - بگفته ب / ۱ خمینی به نظر می‌رسد که در سلامتی بسیار خوبی به سر می‌برد. او ظاهراً..... و قوی می‌باشد. ب / ۱ معتقد است که خمینی «مدت مدیدی» عمر خواهد کرد. برنامه غذایی خمینی عمدتاً شامل شیر و گندم و کمی از چیزهای دیگر است. او خیلی کم گوشت می‌خورد.

۸ - ب / ۱ اطلاعی درباره جنبشهای خودمختاری و اقلیتها نداشت. ب / ۱ اظهار داشت که سیاست فعلی ساف مبنی بر جانبداری از خمینی و نه پشتیبانی از اقلیتهاست.

۹ - پاسداران انقلاب اینک در اردوی عباس آباد آموزش می‌بینند. در دانشکده جنگ نیز تعدادی آموزش داده می‌شوند. طرحی جهت احداث یک ناحیه آموزشی برای مشهد در دست تهیه است و عاقبت در سرتاسر ایران مکانهای آموزشی برقرار خواهند شد.

۱۰ - هیچ یک از اعضای تیم آموزش ساف در محوطه حوزه خلیج (محل سابق مستشاری - م) بسر نمی‌برند و ب / ۱ چنین خبری شنیده است. در رابطه با تأسیساتی که وی دیده است (عباس آباد) ب / ۱ اظهار می‌دارد که تمامی دفاتر را (به زور) گشوده‌اند. بعضی از صندوقها هم گشوده شده‌اند، اما اکثر آنها دست نخورده مانده‌اند. اقدام صورت گرفته برای گشودن آنها غالباً با تیراندازی به قفل رمزی بوده است. ب / ۱ سعی خواهد کرد در این مورد بیشتر اطلاع حاصل کند.

۱۱ - تیم آموزش ساف در حال حاضر در سه محل جای داده شده؛ یک گروه در منطقه تجریش به سر می‌برد، گروه دیگری در منطقه شمیران و ویلایی که ستاد این هیئت قرار دارد و ب / ۱ هم در آن زندگی می‌کند، در خیابان فرشته در اول خیابان جردن واقع شده است.

۱۲ - ب / ۱ گفت که ساف به عنوان... نفوذ کلمه‌ای در مورد مأموریت دادن به کارشناسان فلسطینی برای کار در حوزه‌های نفتی ندارد، اما ساف برای کسب چنین نفوذی تلاش می‌کند. آنها پیش‌بینی می‌کنند که خمینی تقریباً در آینده نوعی اختیارات در این مورد بدهد.

۱۳ - ما جزئیات مربوط به آموزش و تشکیلات پاسداران انقلاب را در تلگرام جداگانه‌ای عنوان می‌کنیم.

۱۴ - پرونده. ۹۴۵۹۷۷ - ۲۰۱ تا تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

سند شماره (۳)

از: رئیس ۴۴۳۶۶۵ سری ۱ خرداد ۵۸ اعضا - ۲۲ مه ۷۹

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. آ. آر. جوس - ام. جی. بارج

عطف به: بیروت ۵۳۹۴۹

۱ - پیشنهاد می‌شود که به ترتیب زیر ام. جی. بارج / ۱ را در مضیقه مالی که دارد کمک کنیم:

الف: حقوق وی را در مدت زمانی که در ایران است دو برابر کنیم و به ۴/۰۰۰ لیره لبنانی، تکرار

می‌شود ۴۰۰۰ لیره لبنانی برسانیم. (از زمان اولین ورود وی به ایران محاسبه شود)
ب: ۳۰/۰۰۰ ریالی را (معادل.... / (? دلار آمریکا) که باید از حقوق ماهانه او جبران شود
پیش‌پرداخت کنیم.

ج: به او بگوییم که از حقوق افزایش یافته خود، ضمن اقامت در تهران با نرخ ۲۰۰۰ لیره لبنانی تکرار
می‌شود ۲۰۰۰ لیره لبنانی در ماه پیش حقوق خود را بازپرداخت کند. اگر به طور PCS قبل از پیش
پرداخت از تهران مراجعت می‌کند، شرایط بازپرداخت موازنه پیش حقوق از حقوق عادی ماهانه ۲۰۰۰
لیره لبنانی را مورد مذاکره قرار دهیم.

۲- اگر موارد فوق برای قرارگاه و ام. جی. بارج / ۱ قابل قبول باشد، یادداشت تعهد شفاهی وی را
تصحیح می‌کنیم، تا مطالب فوق در آن منعکس شوند. لطفاً اطلاع دهید.
۳- پرونده: ۹۴۶۹۷۷ - ۲۰۱ تا تاریخ ۱ خرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سری
سری

سند شماره (۴)

سری ۲ خرداد ۵۸ اعضا - ۲۳ مه ۷۹

به: رئیس رونوشت برای تهران

از: بیروت ۵۳۹۵۳

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اطلاعاتی. ام. جی. بارج

عطف به: رئیس ۴۳۵۱۸۸

۱- جوابهای ام. جی. بارج / ۱ (ب / ۱) به خواستهای اطلاعاتی طرح شده در پاراگراف ۲ تلگرام مرجع
در رابطه با فعالیتهای حامیان خمینی در لبنان در زیر عنوان شده است.

آگاهی ب / ۱ درباره این موضوع نسبتاً کم و محدود است.

۲- ب / ۱ اظهار می‌دارد که «جنبش العذار... قه» یک جنبش اسلامی متشکل از پیروان فارسی زبان
خمینی است. او نتوانست در مورد ارتباط این جنبش با «امل» یا تشریح جزئیات حمایتی که از خمینی به
عمل می‌آورد، اطلاعی دهد.

۳- ب / ۱ جز آنکه گفت حسن الحسینی رابطه «خوبی» با خمینی دارد، نتوانست توضیح بیشتری
بدهد.

۴- ب / ۱ می‌گوید که خمینی و شورای انقلاب قصد دارند انقلاب خود را به تمام کشورهای مسلمان
صادر کنند.

ب / ۱ از خمینی شنیده که درباره این موضع صحبت کرده و خمینی از صدور انقلاب، نه تنها به لبنان
بلکه به عراق، هند پاکستان، آفریقا (به طور کلی) و «حتی به فیلیپین» حرف زده است. ب / ۱ نمی‌داند
شناخت خمینی از اوضاع لبنان چگونه است و همین طور از نقشی که خمینی برای شیعیان لبنان در نظر
دارد بی‌اطلاع است.

۵- ب / ۱ گفت که بین فتح و «امل» هماهنگی یا همکاری نظامی کمی وجود دارد. روابط سیاسی بین
این دو البته، کمی قویتر از روابط نظامی است. ب / ۱ نتوانست درباره قدرت «امل» تخمینی بزند، اما
می‌داند که پس از ناپدید شدن موسی صدر این قدرت کاهش چشمگیری یافته است.

۶- ب/۱ فکر می‌کند که شیعیان ایران به طور مستمر به لبنان می‌روند تا اوضاع را بررسی کنند. اما در مورد صحت این مطلب اطلاع قطعی ندارد.

۷- به گفته ب/۱ خمینی هیچ نماینده... رسمی در لبنان ندارد. معذالک، شیعیان لبنان (ب/۱ هویت آنها را نمی‌دانست) درباره اوضاع لبنان به خمینی گزارش می‌دهند. این شیعیان از امل و هم از غیر آن می‌باشند.

۸- موضع خمینی در قبال سوریه چندان موافق نیست، زیرا وی علویان را مرتد به حساب می‌آورد. ب/۱ می‌گویند هانی‌الحسن به وی گفته که مقصود مسافرت احمد اسکندر احمد به تهران در اواسط آوریل، اقدام به بهبود بخشیدن به مناسبات بین سوریه و خمینی بوده است. (حسن برای خوشامدگویی به احمد به فرودگاه رفته بود). ب/۱ نتوانست درباره نتیجه این مسافرت اظهار نظر کند.

۹- ب/۱ همچنین گفت که خمینی از عراق خشنود نیست. این ناخشنودی مبتنی بر همکاری عراق با شاه در چند سال گذشته می‌باشد. خمینی معتقد است که شیعیان عراق تحت تهدید رژیم عراق قرار دارند.

۱۰- ما همچنان ب/۱ را وادار خواهیم کرد سعی کند تا به خواسته‌های اطلاعاتی طرح شده در تلگرام مرجع با تفصیل بیشتری پاسخ دهد.

۱۱- پرونده: ۹۴۶۹۷۷ - ۲۰۱ تا تاریخ ۲ خرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سری
سری

سند شماره (۵)

سری ۳ خرداد ۵۸ اعضا - ۲۴ مه ۷۹

به رئیس رونوشت برای تهران

از: بیروت ۵۳۹۵۷

هشدار. شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. آ. آر. جوس ام. جی. بارج

عطف به: الف: رئیس ۴۴۳۶۶۵، ب: بیروت ۵۳۹۴۹

۱- از پاسخ سریعی که داده شد و پیشنهاد ستاد درباره مسائل مالی ام. جی. بارج (ب/۱) متشکریم. لطفاً تعهدنامه ب/۱ را تصحیح کنید تا پیشنهاد تلگرام مرجع الف که به نظر قرارگاه و ب/۱ قابل قبول‌ترین پیشنهاد است، در آن انعکاس یابد.

۲- در ۳ خرداد ب/۱ گفت که از او خواسته شده است ظرف ده تا بیست روز به تهران بازگردد. قرار بوده ملاقات بعدی ما در ۲۱ خرداد صورت پذیرد و در صورتی که ب/۱ پیش از آن تاریخ عزیمت کند، وی از طرح تماس تلفنی استفاده خواهد کرد. او سعی خواهد کرد سه یا چهار روز پیش از عزیمت تماس بگیرد.

۳- پرونده: ۹۴۶۹۷۷ - ۲۰۱. تا تاریخ ۳ خرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سری
سری

سند شماره (۶)

سری - ۷ مرداد ۵۸ اعضا - ۲۹ ژوئیه ۷۹

به بیروت: رونوشت برای رئیس

از: تهران ۵۳۷۸۴

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. ام. جی. بارج

عطف به: بیروت ۵۴۳۱۴

۱- امکان دارد بعضی از سؤالات ذیل پیش از ورود رئیس فعلی قرارگاه تهران جواب داده شده باشند. در این صورت ممنون می‌شویم که ستاد مرکزی مکاتبات مربوطه را دوباره ارسال کند، از بیروت درخواست می‌شود احتیاجات اطلاعاتی را که تاکنون جواب داده نشده‌اند و مناسب می‌دانید بفرستد. الف) ام. جی. بارج / ۱ با چه کسی در دولت موقت و یا قم سرو کار دارد؟ اگر با هر دو، کدام یک تصمیمات سیاسی تعیین‌کننده را اتخاذ می‌کند؟ با توجه به روابط ب/۱ با مقامات مختلف ایرانی، تلقی او این است که نفوذ کلمه دولت موقت در رابطه با خمینی افزایش می‌یابد یا کاهش؟ در رابطه با کل شورای انقلاب (توجه داشته باشید که چند تن از اعضای شورای انقلاب به مقامات پایین‌تر از کابینه منصوب شده‌اند)؟ در رابطه با پاسداران و کمیته‌های اسلامی استان و محل؟

ب) برنامه آموزش برای پاسداران چیست؟ چقدر موفقیت داشته است؟ تعداد پاسداران چقدر است و قوای انسانی و تسلیحاتی پیش‌بینی شده چقدر است؟ خاستگاه اجتماعی و جغرافیایی آنها کجاست و آیا چهره‌های برجسته در سطح رهبری به عنوان واسطه بین... و خمینی وجود دارند؟ چه کسانی هستند؟ ج) مناسبات بین گروه ب/۱، پاسداران، ارتش، پلیس و ژاندارمری چگونه هستند؟ (تا حدی در پاراگراف ۲ ب تلگرام مرجع جواب داده شده)

د) انضباط بین پاسداران چگونه است و موضع پاسداران در رابطه با اعزام نیرو علیه مخالفان قومی در کردستان و خوزستان چیست؟

ه) هویتها و تکلیفهای تمامی پرسنل ساف که ب/۱ اطلاع دارد در ایران کار می‌کنند، چیست؟

و) عراقیها در خوزستان و کردستان چه می‌کنند؟

۲ - بدون پرونده. تا تاریخ ۶ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سری

سری

سند شماره (۷)

سری ۲۰ مرداد ۵۸ - ۱۱ اوت ۷۹ تلگرام غیر فوری

از: واشنگتن ۴۹۳۳۹۳ به: تل‌آویو رونوشت برای عمان، بیروت، قاره، دمشق، بیت‌المقدس، تهران

موضوع: هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. جلسه توجیهی درباره خاورمیانه

۱ - جلسه توجیهی درباره خاورمیانه به تاریخ ۹ اوت ۱۹۷۹ برای زیو الون نماینده موساد برگزار شد.

از دستورالعمل ارتباط وای. کی / آ۲ / ۸۳۶ / ۷۹ به عنوان مبنای این توجیه استفاده گردید.

۲ - پیش از ملاقات، رئیس بخش خاور نزدیک / اسرائیل به الون توضیح داد که ما می‌خواهیم بحث

قسمت مربوط به مصر و قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل را حذف کنیم، چون این یک امر سیاسی حساسی است

که مقامات دیگر آن را در دست دارند و شایسته نخواهد بود که ما اظهار نظر کنیم.

اخوان المسلمین

۳- در جواب به یک سؤال درباره وجود اخوان المسلمین در ترکیه که از جلسه قبل مانده بود، تحلیلگر مرکز سنجش خارجی کشور گفت که از هیچ راهی نمی‌توان حضور آنها را تأیید کرد. باید توانایی اخوان المسلمین برای حضور در آنجا را با توجه به خود دولت و جمعیت علوی بومی در ترکیه مورد مطالعه قرار داد. از عوامل موجود در آنجا یکی وجود سنی‌هاست که از لحاظ دینی محافظه‌کارند و دوست دارند اخوان المسلمین حضور داشته باشد. به هر حال دولت فعلی دولتی بسیار متزلزل است که برای تأمین پشتیبانی خود به علویان که عقایدشان با عقاید عموم متفاوت است و جهت‌گیری شیعی دارند، اتکا دارد. اگر قرار باشد دولت فعلی ترکیه به اخوان المسلمین پناه بدهد یا به این مطلب اشاره کند، پشتیبانی صمیمی گروه علوی را از دست خواهد داد. علت اینکه علویان این قدر حساسیت دارند این است که وضع حکومت نظامی جاری عملاً بر اثر برخوردهای بین افراطیون سنی دست راستی و علویان در مشرق ترکیه به وجود آمد. اگر دولت فعلی ترکیه سقوط کند و یک دولت محافظه‌کارتر بر سر کار آید، احتمال تأسیس اخوان المسلمین به اندازه سابق ضعیف خواهد بود، زیرا ارتش یک نیروی بسیار غیر دینی است و پشت پرده اعتراضاتی خواهد کرد.

۴- بگفته تحلیلگر مرکز، رئیس جمهور سوریه، حافظ اسد، احساس نموده که برخوردهای واقع در ترکیه به تشنجات سنی علوی در سوریه دامن زده‌اند. علویان ترکیه و علویه (سوریه) بزرگترین عنصر غیر سنی را تشکیل می‌دهند. این امر بسیار مشهود است و اسد از آن غافل نیست. سوریه و ترکیه هر دو دارای اکثریت سنی هستند. تحلیلگر مرکز گفت هر گونه پناهگاه غیر رسمی که ممکن است اخوان المسلمین در ترکیه پیدا کنند، در ناحیه استانهای جنوبی که بلاواسطه با سوریه مجاورت دارند، واقع خواهد بود. قاچاقچیان این ناحیه احتمالاً خود را نه ترک و نه سوری محسوب می‌دارند و احتمال داده می‌شود، آنها گروهی باشند که به اخوان المسلمین پناه دهند.

سازمان آزادیبخش فلسطین

۵- در رابطه با سؤال نماینده، درباره دست داشتن سازمان آزادیبخش در مطرح شدن اقدامات و نظریاتی که در مذاکرات گنجانده شوند، تحلیلگر گفت که ما دخالت فعلی سازمان آزادیبخش را در حوزه وسیعتری می‌بینیم. ما احساس می‌کنیم که ابتکارات سیاسی در سازمان ملل و در اروپای غربی عمدتاً توسط عرفات که مشورت بسیار اندک با سایر رهبران سازمان آزادیبخش داشته، صورت گرفته است. یکی از مقاصد عرفات این است که در جریان صلح حداکثر راه‌های ممکن را پیش رو داشته باشد. اگر چه ابتکار سیاسی در سازمان ملل مقبولیت یافته و قطعنامه به تصویب رسیده‌است، ولی ممکن است که هیچ حرکت بلافاصله‌ای جهت مشارکت در جریان صلح مشاهده نکنیم.

محمّل است که مسائل دیگر، اول حل و فصل شوند. ممکن است نظرگاههای عرفات با آنچه که سایر رهبران سازمان آزادیبخش منظور دارند فرق داشته باشد، اما پیش از آنکه بتوانیم از نظرگاههای سایر مقامات سازمان آزادیبخش اطلاع حاصل کنیم باید صبر نماییم تا قطعنامه عملاً به تصویب برسد.

۶- در ۱۱ اوت شورای مرکزی سازمان آزادیبخش اجلاس خواهد داشت. به گفته تحلیلگر، عرفات واقف است به اینکه پیشنهاد مشارکت سازمان آزادیبخش در گفتگوهای خودمختاری موجب شکاف در

سازمان خواهد شد. ما فکر نمی‌کنیم که این امر اتفاق افتد. ما فکر می‌کنیم که عرفات می‌خواهد راه‌های اضطراری برای پیشبرد حقوق فلسطینیها را پیدا کند، تا در صورت عدم موفقیت گفتگوهای خودمختاری، آنها را به کار گیرد. مقصود عرفات این است که نزد غرب وسیعاً رسمیت یافته و تماسها با غرب افزایش یابند. عرفات با نظر به بن‌بستی که در ماه می در گفتگوهای خودمختاری روی داد دو نتیجه ممکن را در صورت عدم موفقیت گفتگوها در رسیدن به یک توافق قابل قبول برای فلسطینیها، پیش‌بینی می‌کند:

الف) ایجاد یک موضع امتناع قویتر که علیه ایالات متحده نیز جهت‌گیری دارد.
ب) تسلیم شدنی که عرفات را رهبری ضعیف جلوه خواهد داد. به این دلیل عرفات می‌خواهد راه‌های ادامه مشارکت خود و افزایش امکان حاصل شدن یک توافق از راه مذاکره در زمانی دیگر را پیدا کند. به این ترتیب عرفات کوشش می‌کند تا شناسایی ایالات متحده را جلب کند و تماسهای با غرب و سران اروپا را افزایش دهد.

۷- در مورد اقداماتی که سازمانهای مخالف ابتکار عرفات اتخاذ می‌کنند، تحلیلگر مرکز گفت که موضع گروههای مخالف در رابطه با مذاکرات جاری نیست بلکه به قطعنامه ۲۴۲ می‌پردازد. در مورد سؤال مربوط به اینکه چه گروههای مخالفی به عرفات خواهند پیوست، تحلیلگر مرکز گفت که این بستگی خواهد داشت به توافقاتی که غرب در صورت پذیرش قطعنامه ۲۴۲ از جانب عرفات تن در خواهد داد. سوریه و صاعقه کلید پذیرش پیشنهاد عرفات درباره قطعنامه ۲۴۲ در سازمان آزادیبخش خواهند بود. بدون همراهی سوریه و صاعقه، عرفات اکثریت نخواهد آورد. اما اگر سوریه بپذیرد، احتمال اینکه قطعنامه سازمان ملل در سازمان آزادیبخش پذیرفته گردد، قوی است.

۸- در مورد خواستههای حداکثر و حداقل ابتکار عرفات، تحلیلگر گفت که به رسمیت شناخته شدن توسط ایالات متحده یا برقراری قدری گفتگو بین ایالات متحده و سازمان آزادیبخش حداکثر مطلوب است. در محدوده سازمان ملل، به رسمیت شناخته شدن حق استقلال تصمیم‌گیری و ایجاد حکومت مستقل حداکثر مطلوب است. به رسمیت شناخته شدن حق فلسطینیها به استقلال تصمیم‌گیری حداقل خواسته‌است. هر گونه تعبیری که از این کلی‌تر باشد جلب نظر موافق در سازمان آزادیبخش را برای عرفات مشکل خواهد نمود.

۹- تحلیلگر مرکز گفت که در سازمان آزادیبخش یا سایر کشورهای عرب در رابطه با ابتکار سیاسی در سازمان ملل واکنش فراوانی مشاهده نکرده‌ایم. به هر حال، وقوع این اختلاف نظر منطقاً بعید نمی‌باشد. کشورهای محافظه‌کار آن را به منزله چیزی با ارزش به حساب می‌آورند. اما بر سر تعبیرات آن مباحثه زیادی روی خواهد داد. تصور می‌کنیم که عراق موضع امتناع خود را حفظ کند. برای سوریه، لحن آن خطیر خواهد بود. عملاً هیچ احتمالی برای حمایت عراق تصور نمی‌شود، اما امکان حمایت سوریه وجود دارد. به این معنی که سوریه فعالانه با این ابتکار مخالفت نرزد.

ما فکر می‌کنیم که اتحاد شوروی نسبت به ابتکارات عرفات در سازمان ملل در اروپای غربی عکس‌العمل منفی داشته است. شورویها بیم آن دارند که سازمان آزادیبخش بطرف ایالات متحده نزدیکتر شود و آن دسته از اعراب که با پیمانهای کمپ دیوید مخالفت ورزیدند فرسایش یابند عرفات میل دارد که برای ادامه ابتکارات خود حمایت کافی دریافت دارد. بدون اینکه خود را وارد مخاطره ایجاد یک شکاف

کامل در سلسله مراتب سازمان آزادیبخش کند.

۱۰ - الون پرسید واسطهٔ عرفات در سازمان ملل کیست و تحلیلگر مرکز گفت که به احتمال قوی کویتهها هستند، چون آنها عضو شورای امنیت می‌باشند. الون پرسید آیا در این مورد تماسهایی بین سازمان آزادیبخش و مصر صورت پذیرفته؟ تحلیلگر مرکز پاسخ داد که حدس می‌زنیم حداقل به شکل تماسهای غیر رسمی همین طور باشد؛ اما راست بگوییم نمی‌دانیم این تماسها تا چه سلسله مراتبی پیش رفته است.

عراق - سوریه

۱۱ - در رابطه با حوادث اخیر عراق، تحلیلگر مرکز گفت: ما این حوادث را بیشتر یک رو در رویی سیاسی می‌بینیم تا اینکه به عنوان یک طرح کودتا به آنها بنگریم. تأثیر این حوادث تاکنون این بوده‌اند که موجب سردی روابط عراق و سوریه شده‌اند. بر طبق تفسیری که ما از حوادث داریم، فکر می‌کنیم که اینها چندان طول نکشد. رو در رویی سیاسی یک مشکل داخلی است و دخالت سوریه عامل مهمی نخواهد بود. آنچه که تشخیص مشکل است طرز تلقی عراق و خصوصاً صدام حسین از جمهوری سوریه است. تا اکتبر گذشته هر یک از دو کشور در تماس با گروههای مخالف کشور دیگر و حمایت از آنها بود. سوءظنهای قدیمی دیر از بین می‌روند و ما تصور می‌کنیم که حسین می‌پندارد سوریه از گروههای مخالف در عراق حمایت می‌کند. ما تصور نمی‌کنیم که اسد اخیراً مشغول حمایت فعالانه از ناراضیان عراق بوده باشد. اینکه ما برای این امر شاهدهی نمی‌یابیم، ما را وامی‌دارد باور کنیم که تأمین فعالیتهای مخالفین کشورهای یکدیگر با پیدایش روابط حسنه در پاییز گذشته خاتمه یافت. عللی که در پائیز گذشته سوریه و عراق را به یکدیگر نزدیک کرد هنوز وجود دارند، اما این رویداد آخری نشان دهنده شکستگی این رابطه است. باقیماندهٔ خصومت گذشته هنوز وجود دارد. یک شکاف آشکار بین دو کشور به نفع هیچ یک نخواهد بود و عراق ظاهراً با امتناع خود از نام بردن آن عناصر خارجی به این امر واقف است؛ اگر چه هرکسی تصور می‌کند که عنصر خارجی مشخص نشده سوریه است.

۱۲ - تحلیلگر مرکز گفت که هنوز خیلی زود است عواقب دراز مدت را محاسبه کنیم. در مورد عواقب کوتاه مدت محاسبه ما این است: تا زمانی که تشنج جدی بین این دو وجود دارد تشکیل یک گردهمایی نهائی دیگر عرب مشکل خواهد بود.

بنابراین محتمل نخواهد بود که اعراب به اقدامات هماهنگ برای اتخاذ پیشگیریهای جدید مثل تهیه مصوبات بیشتری علیه مصر دست زنند. با این وجود دربارهٔ مصوبات جاری بین اعراب یک اتفاق آراء وجود دارد. کوششهای یکجانبه برای اینکه میانه‌روهای عرب در خط بمانند با هیچ عامل بازدارنده‌ای روبه‌رو نیستند و اینها در صورتی که فشار هماهنگ باشد، احتمالاً دارای همان شبکه خواهند بود.

۱۳ - تحلیلگر مرکز گفت که در میان مدت، محاسبهٔ غیر قطعی ما این است که رویدادهای اخیر عراق تأثیر اندکی بر سیاست بین‌العربی عراق خواهد داشت یا اصلاً بی‌تأثیر خواهند بود. همچنین این رویدادها هیچ تأثیری بر سیاست سوریه در لبنان نخواهد داشت، چون علل ماندن یا عقب نشینی (از آنجا) از روابط با عراق ناشی نمی‌شوند. به همین نحو ما احساس می‌کنیم که رویدادهای عراق تأثیری بر موضع سوریه در قبال مذاکرات سیاسی نخواهند داشت. اگر چه روابط با عراق برای سوریه اهمیت دارد،

اما مسئله پیوستن سوریه به مذاکرات آنقدر مهم است که سوریه (فقط) هنگامی اقدام خواهند کرد که مصالح سوریه اقتضا کند؛ بدون اینکه به مقاصد عراق توجه نمایند.
۱۴ - پرونده: ۸/۶ - ۹۵-۲ تا تاریخ ۱۸ مرداد ۸۸ در بایگانی ضبط شود. سری

سند شماره (۸)

از: تهران؟ ۵۴۱۰
به: فوری بیروت - رونوشت برای رئیس
هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. ام. جی. بارج
عطف به: بیروت ۵۴۸۸۰

۱ - علاوه بر خواسته‌های خیری که تاکنون داده‌ایم، مایلیم بدانیم ام. جی. بارج / ۱ چه اطلاعی درباره حزب کارگران سوسیالیست دارد یا می‌تواند به دست آورد. دوازده نفر که ادعا شده اعضای آن حزیند، در اهواز به مرگ محکوم شده‌اند. آیا این حزب ارتباطی با فلسطینیها، احتمالاً جبهه خلق برای آزادی فلسطین دارد؟ ترکیب اعضا، اهداف و فعالیت‌های آن چگونه است؟
۲ - شنیده‌ایم که دفتر ساف در اهواز در اواخر تیر بسته شد. آیا ب / ۱ می‌تواند این را تأیید کند و شرایط منجر به تعطیلی را توضیح دهد. هیچ احتمالی برای بازگشایی آن وجود دارد؟
۳ - بدون پرونده. تا تاریخ ۱۱ شهریور ۷۸ در بایگانی شود.

تماماً سری
سری

سند شماره (۹)

از: بیروت ۵۴۵۶۳
به: رئیس - رونوشت برای تهران، لندن
هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. پی. ای. افورت

۱ - پی. ای. افورت به ما خبرهایی داده که از هانا بریدی رکن ۲ حزب فالانتر گرفته و به آموزش ایرانیان در جنوب لبنان توسط فلسطینیها مربوط می‌شوند. به گفته بریدی، یک امر بر از جانب سرگرد سعد حداد، رهبر شیعه نظامیان دست راستی در جنوب لبنان در ۲۸ مرداد به شورای نظامی جبهه لبنانی گفت که ۱۵۰ ایرانی نزدیک رود لبتانی تحت آموزش فتح قرار دارند. آن ایرانیها فقط به عنوان طرفدار خمینی توصیف شده بودند.

۲ - ما به دفعات از ام. جی. بارج / ۱، ام. جی. ماریتز / ۱ و ام. جی. بریج / ۱ درباره آموزش فلسطینیها به ایرانیها در جنوب لبنان سؤال کرده‌ایم. هر سه آنها تکذیب می‌کنند که چنین آموزشی جریان داشته باشد. ام. جی. بارج / ۱ و ام. جی. ماریتز / ۱ قطعاً در مقامی هستند که از هر گونه آموزش فتح مطلع باشند و آنها تاکنون از دادن هرگونه خبر درباره ایران، یا درباره آموزش فتح به سایر گروهها اکراه نداشته‌اند. ام. جی. بریج / ۱ هر هفته دو بار به جنوب لبنان مسافرت می‌کند و او می‌گوید که تمام مراکز تعلیمی در جنوب به علت گلوله باران و بمباران اسرائیل در آنجا که از فروردین ادامه داشته، تعطیل بوده‌اند. ام. جی. بریج / ۱ می‌گوید که اگر آموزشی برای ایرانیان در جریان باشد باید محل آن در سوریه یا در جنوب لبنان (مثلاً دره

بقاع) باشد، چون وقوع آن در جنوب فعلاً محتمل نیست.

۳ - صادفانه بگویم ما تردید داریم که خبر پاراگراف ۱ حقیقت داشته باشد.

۴ - پاراگراف ۱ را می توان به سازمان اطلاعات انگلیس رد کرد.

۵ - پرونده: بعداً تعیین می شود. تا تاریخ ۱۴ شهریور ۱۳۷۸ ضبط شود.

تماماً سری
سری

سند شماره (۱۰)

سری - ۱۴ شهریور ۵۸ اعضا - ۲ سپتامبر ۷۹

به: رئیس - رونوشت برای تهران

از: بیروت ۵۴۵۶۵

هشدار: شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. ام. جی. بارج

عطف به: الف - تهران ۵۴۸۸۰ ب - بیروت ۵۴۴۸۰ ج - رئیس ۴۷۵۷۱۴

۱ - در ملاقات ۱۲ شهریور ام. جی. ماریتر / ۱ خبر داد که ام. جی. بارج / ۱ به عنوان نماینده فتح در یک جلسه شورای انقلاب (لیبی) به لیبی رفته است. به همین دلیل ما نمی توانیم همراه با ام. جی. بارج / ۱ پاسخ مکتوب او به سؤالات مندرج در تلگرام مرجع ج را مرور کنیم. برای آنکه بیش از این به امید آنکه ام. جی. بارج / ۱ بتواند درباره جوابهای خود توضیح دهد وقت خود را تلف نکنیم، جوابهایش را در شکل گزارش عملیاتی امروز خواهیم فرستاد.

۲ - طی ملاقات، ام. جی. ماریتر / ۱ گزارشهای مکتوب دیگری درباره رویدادهای ایران را که ام. جی. بارج / ۱ پیش از عزیمت به لیبی تهیه کرده بود به ما داد. ما اینها را هم در شکل عملیاتی ارسال خواهیم کرد.

۳ - ام. جی. ماریتر / ۱ می گوید که ام. جی. بارج / ۱ هنوز پیش بینی می کند که پس از بازگشتش از لیبی، به تهران بازگردد. ما سؤالات مندرج در تلگرام مرجع الف را به ام. جی. ماریتر / ۱ دادیم که به ام. جی. بارج / ۱ برساند.

۴ - پرونده: بعداً تعیین شود. تا تاریخ ۱۴ شهریور ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سری
سری

سند شماره (۱۱)

سری - ۱۴ شهریور ۵۸ اعضا - ۵ سپتامبر ۷۹

به: رئیس رونوشت برای تهران

از: بیروت ۵۴۵۶۶

هشدار: شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. ام. جی. بارج

عطف به: الف - رئیس ۴۷۵۱۴۱۴ ب - بیروت ۵۴۴۸۰ ج - بیروت ۵۴۵۶۵

۱ - متن ذیل پاسخ مکتوب ام. جی. بارج / ۱ (ب/۱) به بعضی از سؤالات مندرج در تلگرام مرجع است.

۲ - مناسبات بین نیروهای سیاسی

الف: در ایران تصمیمات توسط آیت‌الله خمینی و پس از مشورت با آیت‌الله منتظری و سایر آیت‌الله‌های عضو جمع داخلی خمینی اتخاذ می‌شود. به خمینی به دیده پدر روحانی مملکت نگریسته می‌شود و ارتباط بین دولت و خمینی این‌طور است که دولت باید تصمیماتی را که خمینی گرفته اجرا نماید. شورای انقلاب در مقام فرماندهی، بلافاصله پس از خمینی قرار دارد و در اتخاذ تصمیمات شرکت دارد. دولت قدرت تصمیم‌گیری ندارد و موجودیت آن صرفاً برای اجرای تصمیماتی است که خمینی و شورای انقلاب گرفته‌اند.

ب: رابطه بین خمینی و مهدی بازرگان نخست وزیر به جهت عدم توافق در بعضی موارد گاهی نیمه گرم و در سایر موارد خوب است. در مجموع می‌توان گفت که رابطه آنها «بد نیست». موارد عدم توافق بین خمینی و بازرگان عبارتند از:

- (۱) دخالت «روحانیون» در همه امور کوچک و بزرگ.
 - (۲) مخالفت بازرگان با اعدامها که نتیجه محاکمات مستمر روحانیون است.
 - (۳) اعمال عناصری از پاسداران انقلاب (بیش از این مشخص نشده).
 - (۴) اصرار خمینی به اینکه پاسداران انقلاب، تشکیلات مسئول امنیت داخلی هستند.
 - (۵) موضع خمینی در طرفداری از فلسطین، نظریاتش درباره خاورمیانه و نحوه برخورد وی با مصر.
 - (۶) اوضاع ارتش و بازسازی آنجا؛ بازرگان یک عقیده دارد و خمینی عقیده‌ای دیگر.
 - (۷) تصمیمات قاطعی که توسط خمینی اتخاذ می‌شوند و بازرگان آنها را تا حدی ارتجاعی می‌داند.
- ج: ستاد شورای انقلاب در قم واقع است، اما مرکز فعالیتهای آن در تهران است. این شورا در تمام مناطق به نحوی نمایندگی دارد و متشکل از تعداد نامعلومی است، اما به هر حال این تعداد تکافوی نظارت داشتن بر تمام را می‌کند. ریاست آن یا خمینی است. سایر اعضای عالی‌رتبه آن عبارتند از: آیت‌الله منتظری، آیت‌الله (...الیستی؟)، احمدالخمینی، آیت‌الله خلخالی، اشراقی (احتمالاً اشراقی)، سرهنگ (فقید) نامجو، ابوالاحمد منتظری و سایر کسانی که نامشان معلوم نیست. شورای انقلاب بر مبنای اقتضای جلسه تشکیل می‌شود. ماهانه یک جلسه با خمینی برگزار می‌شود.

۳ - خمینی:

الف: پایگاه دائمی خمینی قم است. وی اغلب در مدرسه است. از وی به خوبی محافظت می‌شود و محافظین وی خوب آموزش دیده‌اند. بخش وسیعی از این محافظین کارکنان سابق نیروی هوایی هستند. یک دفتر مدیریت، یک اداره امنیت و یک اداره شکایات در آنجا واقع است.

ب: خمینی همیشه توسط فرزندش - احمد - همراهی می‌شود. دیگر اغلب با خمینی هستند عبارتند از: ملوکورنی (عیناً نقل قول)، منتظری، بهشتی و اشراقی (شراقی) کسان دیگری نیز با او هستند.

ج: فداییان اسلام یک فرقه بسیار افراطی هستند. خلخالی رابطه خیلی محکمی با آنها دارد و ممکن است رهبر آنها باشد. هدف آنها این است که هر کس را که با شاه همکاری کرده تصفیه کنند و خمینی را به «اتخاذ تصمیمات قاطعانه تری» وادارند. تعداد آنها زیاد نیست.

د: رابطه بین خمینی و مرعشی نجفی «خوب نیست». آنها موارد اختلاف نظر بسیاری دارند.

ه: رابطه بین خمینی و مرعشی نجفی «بد نیست».

و: هر آیت‌الله برای خود یک حوزه دارد که در آنجا اقامت می‌کند و مدرسه و طلاب و طرفداران و

نظریات خاص خود دارد. هریک از آنها برای خود محافظ شخصی دارد. بین گروههای مختلف محافظین خصوصیت وجود دارد، ولی این امر به خوبی مخفی نگاه داشته می شود و به آسانی مشخص نمی گردد. ز: خمینی هیئتهای رسمی نمایندگی و ملاقات کنندگان رسمی را در جلسات کوچک می پذیرد. در هر صورت موافقت قبلی باید حاصل گردد و قرار گذاشته شود.

ح: سلامت خمینی «بد نیست». وی ۷۹ سال دارد.

ط: اگر زمانی خمینی ناگهانی بمیرد ضربه شدیدی به مردم و انقلاب وارد خواهد شد. به هر حال، کس دیگری به جای او نخواهد نشست. شورای انقلاب بجای خمینی اختیار امور را به دست خواهد گرفت و انقلاب مسیر فعلی خود را ادامه خواهد داد. آنها که ایفاگر مقامات اصلی خواهند شد عبارتند از:

آیت الله منتظری، آیت الله طالقانی، احمدالخمینی، خلخالی و اشراقی (اشراقی؟)

ی: پایگاه (عیناً نقل قول) پاسداران انقلاب در قم قرار دارد. آنها توسط اعضای پیشین نیروهای مسلح ایران آموزش می بینند.

۴ - مخالفت با خمینی:

الف: شریعتمداری بسیار به بازرگان نزدیک است و از خمینی متمایز است. شریعتمداری یک سیاستمدار زیرک و در حقوق و الهیات خبره است. از جانب شریعتمداری برای دولت خطر بزرگی وجود ندارد، زیرا وی از رو در رویی می ترسد. وی ماجراجویی (عیناً نقل قول) را نمی پسندد و اهل خشونت نیست.

ب: طالقانی چپی نیست ولی با چپها همراهی می کند. فرزندان او اعضای سازمانهای چپی هستند. جناح چپ از مواضع طالقانی بهره برداری می کند.

ج: فعالیتهای و طرحهای ضد انقلابی از برگزاری تظاهرات و پخش اعلامیه و چند ترور گاه و بیگاه تجاوز نمی کند.

د: حزب کمونیست ایران (توده) مشغول تلاشهای متعدد و پیچیده ای است. آنها در حال نفوذ اعضای توده به تمام سازمانهای چپی و صفوف کارگران و دانشجویان هستند. آنها همچنین مشغول رخنه کردن به میان اقلیتها، خصوصاً کردها و عربها و صفوف ارتش هستند. در ارتش تلاش آنها حول افشاندن تخم نارضایتی و استخدام افسران و درجه داران متمرکز است. حزب توده هر گاه که فرصت می یابد، مشغول اتحاد با تمام گروههای چپ می شود. حزب توده مواضع و مقاصد متعددی دارد که مهمترینشان دگرگون کردن اوضاع فعلی تا آنجاست که ایران علناً در کنار چپ بین الملل و اتحاد شوروی بایستد. اعضای توده تمام انواع اسلحه خصوصاً سلاحهایی را که ساخت بلوک شرق می باشند، آموزش می بینند. تعداد نامعلومی از اعضای توده در کشورهای سوسیالیست مشغول تعلیم هستند. آنها توسط سفارتخانه ها در تهران و از طریق مرزهای عراق و افغانستان با حزب خود در ایران ارتباط سری دارند.

۵ - کمیته های انقلاب:

الف: کمیته های انقلاب پل ارتباطی بین شورای انقلاب و مردمند. کمیته ها نظارت و تنظیم امور امنیتی ایران را بر عهده دارند و به حل مشکلات مردم کمک می کنند.

ب: بین کمیته ها سلسله مراتب وجود ندارد. رابطه بین کمیته های مختلف رابطه هماهنگی است. هر کمیته به کمیته اصلی در تهران متصل است که از آن طریق تمام کمیته ها به هم متصل می شوند.

ج: بخشی از هر کمیته‌ای را اعضای تمام وقت تشکیل می‌دهند و اینها حقوق ماهانه دریافت می‌دارند. تمام رؤسای کمیته‌ها به کمیته مرکزی تهران مربوط می‌شوند و از طریق آن می‌توانند پس از اقدام از طریق شورای انقلاب با خمینی ارتباط برقرار کنند. تمام کمیته‌های انقلاب نهایتاً به خمینی مرتبط می‌شوند. د: خمینی علیرغم آنکه تصمیمات نامقبول فراوانی برای اکثر مردم داشته، هنوز قویترین عاملی است که در توده‌های ایرانی نفوذ دارد. علیرغم رفتارهایی که (بیش از این مشخص نشد) بعضی افراد برای ایجاد مسئله داشته‌اند اختلافات بین کمیته‌ها سطحی است و به سطوح بنیادی نمی‌رسد. این افراد شامل عوامل سابق ساواک و چپ می‌شوند و آنها اشتباهات را بزرگ می‌کنند و مسائل را «می‌ترکانند» برای آنکه برای انقلاب مسئله ایجاد کنند (توضیح: منع تظاهرات یک قدم اولیه در جهت رام کردن (عیناً نقل قول) چپ در ایران است).

۶- هر گونه انتشار (این گزارش) به ستاد واگذار می‌شود.

۷- پرونده: بعداً تعیین می‌شود. تا تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سری
سری

سند شماره (۱۲)

سری - ۱۴ شهریور ۵۸ اعضا - ۵ سپتامبر ۷۹

به: رئیس رونوشت برای تهران

از: بیروت ۵۴۵۶۷

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - ام. جی. بارج

عطف به: بیروت ۵۴۵۶۵

۱- ام. جی. ماریتر / ۱ در اوائل شهریور گزارش مکتوب ذیل را درباره ایران از ام. جی. بارج / ۱ به ما داد.

۲- متعاقب انتخابات اخیر و پیروزی کاندیداهای طرفدار خمینی نیروهای مخالفین که شامل جناح چپ، حزب توده، بعضی اعضای طبقه روشنفکر و عناصر طرفدار شریعتمداری بودند (که مورد حمایت بعضی سیاستمداران... از جمله بازرگان که هنوز موضع آشکاری نگرفته، می‌باشند)، تظاهرات پرخشوتی را در ایران به راه انداختند. نیروهایی که این تظاهرات را اداره کردند با کردها نیز هماهنگی کردند و از آنها خواستند که حرکت کنند. هدف آنها این بود که قدرت حاکمه، خصوصاً خمینی را که هنوز نیروی برتر ایران محسوب می‌شود، تحت فشار قرار دهند و آن را تضعیف کنند.

۳- در نتیجه این تحولات خمینی به سرعت جنبید و به پاسداران انقلاب دستور داد که با تظاهرات کردها مقابله کنند. پاسداران انقلاب آن گاه به دفاتر چپ در تهران که مراکز عمده نارضایتی علیه انقلاب ایران به حساب می‌آیند، حمله بردند.

پاسداران انقلاب در این دفاتر اعلامیه، مطبوعات و اسلحه به چنگ آوردند. سپس دستوراتی صادر شد که تظاهرات را منع می‌کرد و پاسداران انقلاب را مأمور می‌ساخت با هرگونه تظاهرات با خشونت مقابله کنند.

۴- خمینی نیروی زمینی را هم مأمور ساخت تا شورش کردها را «به هر قیمت» سرکوب کند. مرزهای مشترک با عراق بسته شد تا از ورود کسانی که از ایران می‌گریزند به آن کشور و همچنین از قاچاق اسلحه توسط عراق به کردها جلوگیری کند. (عیناً نقل قول)

۵- محاسبه فتح در مورد اوضاع ایران آنست که خمینی قویترین عامل در ایران می ماند و شورش و چپ را نیز اگر اصرار داشته باشند که موجب ناراحتی وی باشند، در هم خواهد شکست. فتح همچنین فکر می کند که اگر عراق حمایت از کردها را ادامه دهد، خمینی از جمعیت شیعه عراق خواهد خواست که علیه دولت عراق حرکت کنند. شورش در سندج نیز سرکوب خواهد شد. خمینی از حرکات اقلیت عرب در عربستان واهمه دارد. اما فتح حسابش این است که خمینی هنوز از محبوبیت وسیعی در بین توده ها برخوردار است که او را قادر می سازد مقابل تمام «طرحها و رویدادها» بایستد.

۶- ام. جی. ماریتر / ۱ در همان زمان که گزارش حاوی پاراگرافهای ۲ تا ۵ را رد کرد، گزارش مکتوب دیگری به ما داد که حاوی خبرهای گزیده ذیل درباره ایران بود:

الف: یک سازمان جدید موسوم به سازمان عشرویوار ۱۷ تل زعتر، توسط عناصری که سابقاً در یک جبهه پایداری بودند که بعدها به حزب توده پیوست تشکیل شده است. این سازمانی است که عملیات ایجاد رعب، خشونت، ترور انجام می دهد و اخیراً هم سعی نمود دادستان انقلاب را بکشد.

ب: بین اعضای مطبوعات و ناشرین خشم و اعتراض علیه حجت الاسلام علی کاداموس (قدوسی - مترجم) که در حال بستن روزنامه ها و مجلات است جریان دارد. وی احتمالاً ترور خواهد شد.

ج: طبقه تحصیل کرده طرفدار شریعتمداری است. آنها بختیار را نیز می خواهند. معهدا این گروه اقدام صریح و قاطعی انجام نخواهد داد. بلکه خاموش خواهد ماند. در رأس این طبقه شریعتمداری قرار دارد که به خشونت به عنوان چاره حل مسائل اعتقاد ندارد.

د: یک تیمسار (بیش از این مشخص نشد) طرفدار خمینی اخیراً جایگزین فرمانده نیروی هوایی ایران شده است.

ه: افراد بسیاری از افغانستان در لزون (لویزان - مترجم) واقع در شمال تهران تحت آموزش کادرها و متخصصین نیروی زمینی ایران که سابقاً در انقلاب فلسطین بوده اند (عیناً نقل قول) قرار دارند. این متخصصین شامل جیوارا، ابوشریف، ابوالقاسم و دیگران می شوند.

و: همچنین در تمام مناطق ایران افسران جزء از نیروی زمینی ایران مشغول تعلیم عناصری از پاسداران انقلاب می باشند. فقط تعداد کمی از مریبان فلسطینی در ایران باقی می مانند. اما ام. جی. بارج / ۱ فکر می کند که تعداد آنها به زودی افزایش خواهد یافت.

ز: اوضاع در اهواز آرام نیست و ممکن است از هم بپاشد. این نظر را سرگرد محمد ثابت افسر مسئول دفتر سازمان آزادیبخش در اهواز اظهار کرد.

۷ - هر گونه انتشار گزارش را به ستاد واگذار می کنیم.

۸ - نام ثابت در فهرست ثبت شود.

۹ - پرونده: بعداً تعیین شود. تا تاریخ ۱۴ شهریور ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سری

سری

سند شماره (۱۳)

سری - ۱۵ شهریور ۵۸ اعضا - ۶ سپتامبر ۷۹

به: رئیس رونوشت تهران

از: بیروت ۵۴۵۷۲

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - ام. جی. بارج

عطف به: بیروت ۵۴۵۶۵

۱- متن زیر ترجمه گزارش ام. جی. بارج / ۱ درباره ایران است که ام. جی. مارتیر / ۱ در ۱۲ شهریور به ما داد.

۲- بنا بر خبرهایی که فتح در اختیار دارد عراق از شورشیان کرد در کردستان که برای کسب خودمختاری مبارزه می‌کنند، حمایت می‌کند. نه تنها صدام حسین مستقیماً به نحوه عملیات نظارت دارد، بلکه عراق افسران عالی‌رتبه‌ای را همراه با سایر افسران از پستهای خود برداشته (عیناً نقل قول) و آنها را مأمور فعالیت با شورشیان کرد کرده است. افسران جزئی هم مأمور راهنمایی قوای کرد شده‌اند.

۳- آیت‌الله روح‌الله الخمینی یک دعوت عام برای سرکوب شورشیان صادر کرد، و نیروی زمینی ایران و پاسداران انقلاب در بیشتر مناطق کردنشین وارد شدند تا «طناب دور گردن کردها را محکم کنند». تعداد کثیری از کردها کشته و مجروح شدند و اعدامهای متعددی صورت پذیرفت. مابقی شورشیان به کوهها و سایر مناطق دور از دسترس گریختند و از آنجا با پشتیبانی عراق یک جنگ پارتیزانی را از سر خواهند گرفت.

۴- برای نجات بقیه کردها بعضی از «عاقله مردها» و سران مذهبی آنها با آیت‌الله طالقانی تماس گرفتند و آیت‌الله طالقانی هم با خمینی تماس گرفت. در نتیجه این تماسها کمیته ویژه‌ای از افراد مشخص عالی‌رتبه که به خمینی نزدیکی دارند، به منطقه جنگ اعزام شدند. این کمیته توانست اوضاع منطقه را با دادن این قول که پس از قطع کامل درگیری، خواستهای کردها فوراً مورد تجدید نظر قرار خواهند گرفت آرام کند.

۵- آیات منتظری، خلخالی، طباطبایی (عیناً نقل قول) و اشراقی (عیناً نقل قول) نقش عمده‌ای در آرام کردن اوضاع کردستان ایفا نمودند. معهدا، خمینی (با اقداماتش) بار دیگر تأکید نمود که قویترین فرد در ایران و رهبر اصلی است. وی به تنهایی می‌تواند بدون ترس با تمام ورقها بازی کند (عیناً نقل قول)

۶- اما نیروهای چپ تحت رهبری حزب توده و فداییان خلق ایران، مشغول نظم دادن به امور نظامی و تشکیلاتی خود هستند. این کار در خفا صورت می‌پذیرد و آنها اکنون از ترس ضربه خوردن و سرکوب شدن توسط خمینی به فعالیت زیرزمینی رو می‌آورند.

۷- تغییرات فراوانی (بیش از این مشخص نشد) در ارتش و در سطوح کشوری و دولتی صورت خواهد پذیرفت. فرماندهی انقلاب پیش‌بینی می‌کند مشکلاتی در عربستان پیش آید و فکر می‌کند که عراق هم این رویدادها را «پشتیبانی» خواهد کرد.

به هر حال، اوضاع ایران هنوز مستلزم کار مبتنی بر مطالعه اوضاع و برنامه‌ریزی دقیق برای آینده می‌باشد چون اوضاع هنوز پوشیده و در ابهام است.

۸- وضع سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) در ایران خیلی خوب است و مناسبات با فرماندهی در قم خیلی قوی است. آخرین نامه (بیش از این مشخص نشد) (رئیس کمیته اجرایی ساف یاسر) عرفات به

خمینی تأثیر بسیار خوبی داشت و به آرام کردن اوضاع کردستان کمک نمود. ملاقات نماینده ساف با طالقانی و بعد با خمینی مقدار فراوانی به توقف درگیری کمک کرد و با رضایت کردها روبه‌رو شد. بنابراین ساف قادر است نقش مهمی در رویدادهای جاری در ایران ایفا کند و می‌تواند «نقشه‌های نقاشانی را که دائماً برای ضربه زدن به انقلاب ایران و فلسطین، فعالیت می‌کند بر آب کند. (عیناً نقل قول).

۹- فتح، خبرهای ذیل را نیز دریافت داشته است.

الف: شریعتمداری دست‌اندرکار تماسهای فشرده‌ای با تمام نیروهای است که در وقایع دست دارند و یا خمینی نیستند، می‌باشد.

ب: (نخست وزیر پیشین) بختیار در تماس با شریعتمداری می‌باشد و آنها مشغول هماهنگ کردن اقدامات خود می‌باشند. آنها با بعضی عناصر ارتشی (بیش از این مشخص نشد) هم ارتباط دارند. با این وجود فتح حدس می‌زند که خمینی از «این چیزها» (الف و ب) اطلاع دارد و پیش از آنکه آنها حرکت کنند، سرکوبشان خواهد کرد. فتح این را باور دارد چون خلخالی در اواخر مرداد ماه طی گفتگو با نمایندگان فتح (بیش از این مشخص نشد) گفت که ما «کارگردها را تمام خواهیم کرد، اما مسائل دیگری پیش خواهد آمد. فکر این هم شده و ما هر توطئه و توطئه‌گر را درهم خواهیم شکست». هنگامی که درباره تجدید فعالیت بختیار سؤال شد، خلخالی گفت که بختیار «فقط زبان دارد و نخواهد توانست کاری بکند چون اکثریت مردم ایران با انقلابند»

۱۰- هرگونه انتشار گزارش را به رئیس واگذار می‌کنیم.

۱۱- پرونده: بعداً تعیین شود. تا تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سری

سند شماره (۱۴)

سری - ۲۰ شهریور ۵۸ اعضا - ۱۱ سپتامبر ۷۹

به: رئیس رونوشت برای تهران، تریپولی

از: بیروت ۵۴۶۰۶

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - ام. جی. بارج

۱- در ملاقات خیلی مختصری که شب شهریور با ام. جی. بارج (ب / ۱) در اتومبیل داشتیم ب / ۱ گفت که در ۲۱ شهریور عازم تهران خواهد شد. او حدس می‌زند که در اواسط مهر (اوائل اکتبر) به بیروت باز گردد. ب / ۱ پیش از مراجعت به بیروت به جمهوری دموکراتیک یمن و اسپانیا مسافرت خواهد کرد. ۲- ب / ۱ به تازگی از لیبی بازگشته بود. وی گفت هنگامی که در آنجا بود از مقدار تسلیحات پیشرفته‌ای که دیده شگفت‌زده شده بود. او می‌گوید که شخصاً نه میگ - ۲۷ و همچنین تعداد کثیری میگ - ۲۵ و میگ - ۲۳ به علاوه موشکها (بیش از این مشخص نشد) و مقادیر فراوانی تانکهای تی - ۷۲ مشاهده کرد.

به علاوه ب / ۱ از تعداد کوباییهایی که در لیبی دیده بود متعجب شده بود. هنگامی که به وی اصرار شد تعداد آنها را ذکر کند فقط توانست بگوید: «خیلی،...» وی گفت در آنجا هم مستشار و هم «کارشناسان» نظامی کوبایی هنوز حضور داشتند.

ب / ۱ می‌گوید که کوباییها عمیقاً دست‌اندرکار آموزش آفریقاییها در لیبی هستند.

ب/۱ می‌گوید که رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح لیبی به او گفته که ۳۰۰۰۰ آفریقایی در لیبی تحت آموزش نظامی هستند. به گفته ب/۱ این رقم شامل.... از اوگاندا، زیمبابوه، صحرای اسپانیا و امپراطوری آفریقای مرکزی می‌شود.

۳- ب/۱ همچنین به ما گفت که فتح اینک به ۲۵ ایرانی در لبنان در تسهیلات آموزش کماندویی برج البراجنه آموزش می‌دهد. ایرانیها در معیت یکی از یاران خمینی به نام (رفیق) منتظر بودند (خویشاوند آیت‌اللهی که همین نام را دارد نیست). منتظر به گفته ب/۱ با خمینی در پاریس بوده و به آیت‌الله خیلی نزدیک است، به ب/۱ گفته که خمینی.... که نخست‌وزیر بازرگان مجبور خواهد شد برود؛ در این مورد اطلاعات بیشتری در اختیار نداریم.

۴- پرونده: ۹۴۶۹۷۷ - ۲۰۱. تا تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سری
سری

سند شماره (۱۵)

سری - ۲۱ شهریور ۵۸ اعضا - ۱۲ سپتامبر ۷۹

به: رئیس، تهران

از: بیروت ۵۴۶۲۴

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - ام. جی. بارج، ام. جی. ماریتر

عطف به: بیروت ۵۴۶۰۶

۱- ام. جی. ماریتر / ۱ در بغداد ۲۰ شهریور به ما خبر داد که ام. جی. بارج در ۲۱ شهریور عازم تهران خواهد شد. سرتیپ سعد سایل (ابولید)،.... اتاق عملیات (نظامی فتح) همراه ام. جی. بارج / ۱ خواهد بود. آنها باید یک هفته تا ده روز در آنجا بمانند.

۲- ام. جی. ماریتر / ۱ همچنین گزارشهای مکتوب ام. جی. بارج / ۱ را از سفرش به لیبی و درباره ایران به ما داد. ما مشغول.... آنها هستیم.

۳- پرونده: ۹۴۶۹۷۷ - ۲۰۱. تا تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سری
سری

سند شماره (۱۶)

سری - ۲۹ شهریور ۵۸ اعضا - ۲۰ سپتامبر ۷۹

به: تهران، رونوشت برای رئیس، تریپولی

از: بیروت ۵۴۶۸۸

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. ام. جی. بارج

عطف به: تهران، ۵۴۲۳۶

۱- حداکثر سعی خود را به عمل خواهیم آورد تا «منتظر» را دقیقتر شناسایی کنیم. معهداً مأمور مربوطه‌ای که اطلاعات را از ام. جی. بارج / ۱ (ب/۱) گرفت تا حدود ۲۳ مهر در قرارگاه نخواهد بود. طی این مدت به اقتضای چندین عامل، منجمله عدم تمایل ب/۱ به ملاقات با یک مأمور موقت در این ماه ممکن است که ما ملاقات حضوری با وی نداشته باشیم. سوالات ما برای ب/۱ به صورت مکتوب از

طریق ام. جی. ماریتیر / ۱ رد خواهد شد.
قرار است که ملاقات آینده با ام. جی. ماریتیر / ۱ در ۳ مهر صورت پذیرد. شما را در جریان خواهیم گذارد.
۲ - بدون پرونده. تا تاریخ ۲۹ شهریور ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

سند شماره (۱۷)

سری - ۱۲ مهر ۵۸ اعضا - ۴ اکتبر ۷۹

به: تهران رونوشت برای رئیس

از: بیروت؟ ۵۴۷۸

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - ام. جی. بارج

عطف به: الف - تهران ۵۴۲۳۶ ب - بیروت ۵۴۶۸۸ ج - بیروت ۵۴۷۸۳

۱ - همان‌طور که در تلگرام مرجع ج مطرح شد ام. جی. بارج / ۱ (ب/۱) از آخرین دیدار خود از تهران بازگشت. در جواب به درخواست ما برای خبرهای دیگری درباره «منتظر»، ب/۱ گزارش مکتوب کوتاهی تهیه کرد که قدری... جزئیات است. شاید برای گیرندگان این تلگرام مطلب ذیل در شناسایی این شخصیت صعب‌الوصول مفید باشد.

۲ - منتظر، شیخ محمد منتظری که به ابوالاحمد هم معروف است و پسر آیت‌الله حسینعلی منتظری می‌باشد، نیست. منتظر به نام «منتظری» شناخته نمی‌شود. منتظر از بخش T.TIGRI تهران است. او فقیر و... می‌باشد. در رژیم شاه وی بیش از دوبار به زندان رفت او یک مبارز سرسخت، و یک مؤمن و از نزدیکان خمینی است. او نزد انقلابیون و... آیت‌الله‌های ایران فردی مشهور است. او در... پاریس مدت مدیدی همراه خمینی بود و با او به ایران بازگشت. او یکی از شاعران انقلاب به حساب می‌آید.

سند شماره (۱۸)

سری - ۱۸ مهر ۵۸ اعضا - ۱۰ اکتبر ۷۹

به: رئیس، تهران

از: بیروت ۵۴۸۳۶

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - اس. دی. ولید

عطف به: الف - رئیس ۵۲۸۷۲۵ ب - تهران ۵۴۴۰۷

۱ - اگر اصفهانی یاد شده در تلگرامهای مرجع از ۹ مهر به لبنان آمده، او فعالیت خیلی کمی داشته است. تا آنجا که ما می‌دانیم تاکنون در مطبوعات خبری از آن جناب درج نشده است (توضیح مترجم: عنوان مندرج در متن معمولاً برای اشاره به کاردینالها به کار می‌رود). در ملاقات ۱۸ مهر از ام. جی. بریج / ۱ سؤال کردیم؛ او از اصفهانی چیزی نشنیده بود. ام. جی. بریج / ۱ تحقیق خواهد کرد تا اطمینان حاصل شود که فرصت ملاقات را از دست نخواهیم داد.

۲ - دیدار دکتر صادق طباطبایی معاون نخست وزیر که ۱۵ مهر وارد لبنان و ۱۷ مهر عازم شد در مطبوعات انعکاس چشمگیری داشته است. ما منابع ذخیره مناسب را موظف کرده‌ایم که هر گونه تحولات مهم غیرعلنی در رابطه با این دیدار را گزارش کنند و در صورت به دست آوردن نتایج، آن را در اختیار مخاطبین قرار خواهیم داد.

- ۳- لطفاً اطلاع دهید آیا تهیه خلاصه فعالیت‌های علنی طباطبایی در اینجا به شما کمک خواهد کرد.
 ۴- بدون پرونده. تا تاریخ ۱۸ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

سند شماره (۱۹)

سری - مورخ ۲۰ مهر ۵۸

به:.....

از: رئیس.....

۱/.....

اما فقط جهت سابقه به مرکز تحلیلهای خارجی کشور ارسال می‌شود.... پیشنهاد می‌کند که قرارگاه به تهیه تلگرامهای زی. آر. واهو برای تمام گزارشهای ب/۱ ادامه دهد و علت ذکر شده در آنها را برای بررسی ستاد به مناسبت ارتباط مفاد گزارش با کشور ثالث ذکر کند.

۲- نظرمان در رابطه با تلگرام مرجع به تفصیل در زیر آمده.

راجع به پاراگراف شش: اگر چه دولت موقت قصد خود را به اینکه اصول انقلاب اسلامی را با وسعت هر چه تمامتر گسترش دهد روشن ساخته، و اگر چه معمر قذافی رهبر لیبی نیز بسیار علاقه مند به تبلیغ ایدئولوژی اسلامی است ما خبری در تأیید این ادعا که ایران و لیبی وارد یک «همکاری تنگاتنگ» در جهت اشاعه افکار اسلامی شده‌اند در دست نداریم و همچنین نمی‌توانیم تأیید کنیم که غرض دیدار محمد منتظری از لیبی در اواخر خرداد ۱۳۵۸ این بوده است. در واقع، به قول تلگرام سفارتخانه تریپولی شماره ۱۰۷۷ مورخ ۱۴ تیر ۱۳۵۸ «منتظری فراوان سخن راند، اما چندان چیزی نگفت».

راجع به پاراگراف نه: ما همچنان شایعات کمک ایران.... را دنبال می‌کنیم.....

۳- خبر درباره اوضاع ایران.... اداره مراجعات مرکزی بخصوص بابت خبر داده شده.... چمران تشکر داشت. تهیه هر اطلاع بیوگرافی بیشتر درباره او موجب امتنان خواهد بود.

۴- با تثبیت دسترسی ب/۱ به چهره‌های بلند پایه مذهبی، منجمله آیت‌الله خمینی، پیشنهاد می‌شود که قرارگاه از خواسته‌های اطلاعاتی ذیل که با تجدید نظر مرکز تحلیلهای خارجی کشور تهیه شده بنا به مناسبت استفاده جوید.

الف - مناسبات بین خمینی و شریعتمداری در چه وضعی است؟

اکنون که به نظر می‌رسد ماده ۵ قانون اساسی رهبری حکومت به دست روحانیون را تثبیت می‌کند، آیا شریعتمداری با فعالیت بیشتری به حمایت از یک گروه میانه‌رو به مخالفت خواهد پرداخت؟ در حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان شریعتمداری با چه کسی کار می‌کند؟ آیا شریعتمداری با بختیار تماس دارد؟ نظرش نسبت به فعالیت‌های بختیار چیست؟

ب - تأثیر فوت طالقانی بر جامعه روحانی چگونه بود؟ آیا اکنون کشمکشهای بین دار و دسته آیت‌الله‌های عالی‌رتبه قم (شریعتمداری، گلپایگانی، مرعشی نجفی) و دار و دسته خمینی علنی تر است؟

ج - آیا آنها مصمم هستند که پراگماتیستهای غیر مذهبی تر، میانه‌رو و... مثل نژی را ناچار به ترک دولت کنند و خود به اداره امور بپردازند؟ اگر آری، سران روحانی بلند پایه مثل شریعتمداری چه عکس‌العملی در نظر دارند؟

د - خمینی سایر رهبران روحانی (به غیر از شریعتمداری) را تحت چه نوع فشارهایی قرار داده است؟

مثلاً تغییر مقام طالقانی پیش از فوتش چه بوده است؟
ه - آیا خمینی با تامل سعی دارد مردم را متقاعد کند که امام زمان است؟
۵ - درخواست می‌شود که قرارگاه تلگرام مرجع الف را در شکل اطلاعاتی و همراه با هر گونه توضیح یا نکات اضافی که ام. جی. ماریتر / ۱ می‌تواند در ملاقات ۲۱ مهر بدهد مجدداً ارائه کنید.
۶ - پرونده: ۹۴۶۹۷۷ - ۲۰۱. تا تاریخ ۲۰ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

سند شماره (۲۰)

از: بیروت ۵۴۹۶۵ به: فوری رئیس رونوشت برای عمان، دمشق، تل‌آویو، تهران
هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - ام. جی. بارج
جزئیات تکمیلی: زی. آرواهو برای تصویب حذف محل دستیابی و تصویب توصیف منبع
اقدام عملیاتی: آ. آر. بلیت. منبع: ام. جی. بارج / ۱ به گزارش بیروت ۵۴۹۶۴ که در حوزه انتشار نیست مراجعه کنید. (یکجانبه). به دست آمده توسط باناسکو.
هدف: دی - ۱ به سازمان دیگر داده نشود. بدون نام. تعیین حوزه انتشار نظامی به رئیس واگذار می‌شود. طبقه‌بندی توسط ۰۳۸۴۶۴ شماره حوزه فعالیت ۱۸۹۶۲ - NLB شماره پرونده: بعداً تعیین می‌شود.

توضیح: این تلگرام در رابطه با گزارش خیری بعدی است و توضیحاتی درباره نکات فنی و عملیاتی آن می‌دهد. آنچه در مجموع از متن فوق دریافت می‌شود این است که در گزارش مذکور محل اخذ گزارش و توصیفی که معمولاً برای گزارشهای این منبع (ام. جی. بارج / ۱) درج می‌شده حذف و تغییر داده شده. این گزارش ام. جی. بارج / ۱ و فعالیت وی با سازمان اطلاعاتی کشور میزبان مطرح نشده (یک جانبه است). نام رمز مأمور مربوطه او باناسکو بوده است. در این گزارش نام خاصی برای ثبت در بایگانی نبوده و پخش این گزارش به مراکز نظامی را باید مرکز تعیین کند. شماره گزارش ۱۸۹۶۲ - NLB است.

سند شماره (۲۱)

سری
هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. غیر قابل رؤیت برای اتباع بیگانه. غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا پیمانکاران مشاور و پخش و اقتباس اطلاعات تحت نظر تهیه کننده است.
پخش: انحصاراً برای مخاطبین که در پاراگراف آخر ذکر شده‌اند. کشور: ایران
منبع: یک افسر نظامی عرب که گزارشهایش در سایر زمینه‌ها اغلب مورد تأیید قرار گرفته‌اند.
موضوع: اظهارات آیت‌الله خمینی درباره انتقال سیستمهای سلاحهای پیشرفته از ایران به کشورهای عرب (تاریخ اطلاعات: اوائل مهر ۱۳۵۸)

۱ - در اوائل مهر پس از نبرد هوایی ۲ مهر بر فراز لبنان بین هواپیماهای سوری و اسرائیلی، رهبر دینی ایران آیت‌الله روح‌الله خمینی درباره امکان انتقال هواپیماهای پیشرفته، منجمله هواپیماهای اف - ۱۴ و اف - ۱۶ ساخت آمریکا از ایران به سوریه یا کشورهای عرب دیگری که رو در روی اسرائیل هستند اظهار نظر

کرد. خمینی گفت مادامی که مسئله کردها در ایران باقی است، نمی توان انتقال چنین هواپیماهایی را در نظر آورد، چرا که ایران خود به هواپیماها نیاز خواهد داشت. معهداً خمینی افزود همین که مسئله کردها تمام شد، آن گاه وی درباره این انتقال «فکر خواهد کرد». خمینی همچنین گفت که اگر هواپیما انتقال داده شود، این حرکت شامل خلبان، پرسنل پشتیبانی زمینی و نگهداری خواهد بود.

۲ - به دست آمده در (۲ آبان ۱۳۵۸) (۲۴ اکتبر ۱۹۷۹)

۳ - انتشار از حوزه فعالیت: فرستاده شده به عمان، دمشق، تل آویو، تهران (فقط برای رؤسای هیئتهای نمایندگی و وابستگان دفاعی)

۴ - انتشار از واشنگتن: به وزارت خارجه. منحصراً برای رئیس اداره اطلاعات و تحقیقات به سازمان اطلاعات دفاعی منحصراً برای رئیس سازمان اطلاعات دفاعی.

طبقه بندی گزارش: سری. هشدار: شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. غیر قابل رؤیت برای اتباع بیگانه.

غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا پیمانکاران مشاور - اقباس و پخش اطلاعات تحت نظر تهیه کننده است.

سند شماره (۲۲)

سری ۸ آبان ۵۸ اعضاء - ۳۰ اکتبر ۷۹

به: رئیس رونوشت برای تهران

از: بیروت ۵۵۰۱۳

هشدار: شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است - ام. جی. بارج

۱ - در ملاقات ۷ آبان خود با ام. جی بارج / ۱ (ب/۱) درباره کمک ایران به سازمان فتح و ساف پرسیدیم ب/۱ با آنکه اطلاع دقیقی نداشت گفت ایران موافقت کرده بود مقداری سلاح به فلسطینیها به عنوان کمک بدهد. او از تفنگ ۱۰۶، مین و مواد انفجاری در این کمک یاد کرد. در جواب به سؤال ما اظهار داشت ایران قصد ندارد اسلحه پیشرفته مثل تانک، نفربر یا موشک به فتح بدهد و افزود که توپخانه سنگین هم نخواهند داد. او گفت فتح ذخیره چشمگیری از اسلحه در اختیار دارد و آنچه می خواهد برای افزایش ذخیره تسلیحاتی خود است. وی همچنین گفت که در فتح تقریباً هیچ کس دوره اسلحه غربی ندیده و تهیه قطعات یدکی این گونه سلاحها در صورتی که به زرادخانه فلسطینیها راه یابند، خود مشکلی خواهد بود.

۲ - ب/۱ افزود که تا به امروز کمک مالی چشمگیری از ایران به فتح نشده و حداقل تا آینده نزدیک هم چنین چیزی مطرح نیست.

۳ - شماره پرونده بعداً تعیین می شود. تا تاریخ ۹ آبان ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سری

سری

سند شماره (۲۳)

سری - ۹ آبان ۵۸ تلگرام غیرفوری. ۳۱ اکتبر ۷۹

به: واشنگتن رونوشت برای بیروت

از: تهران ۵۴۶۳۵

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است

موضوع: هیئت نمایندگی اعزامی سازمان آزادیبخش به ایران

۱ - فهرست کامل اسامی اعضای هیئت نمایندگی اعزامی سازمان آزادیبخش در اواخر مهر (نیمه اکتبر) هیچ‌گاه در اینجا انتشار نیافت.

اس.دی. ترمپ / ۱ در ۷ آبان این فهرست را در اختیار گذارد که جهت ضبط در سوابق ارسال می‌شود:

ابوجهاد، نفر دوم در فرماندهی پس از عرفات

ابولید، که به عنوان دفتر عملیات نظامی «انقلاب فلسطین» از او نام برده شده.

ضحار ابونظار که به عنوان هیئت مدیره فتح، مسئول عملیات نظامی در جنوب لبنان و صف شده.

سرهنگ فخرالحسینی که به عنوان یکی از فرماندهان صاعقه از او نام برده شده.

هانی الحسن، نماینده سازمان آزادیبخش در تهران.

۲ - ت / ۱ گفت که خبرنگار وفا در تهران به وی گفت که خمینی در تهیه کمک مالی به سازمان

آزادیبخش مساعدت نموده است (بیش از این مشخص نشد).

۳ - بدون پرونده. تا تاریخ ۹ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سری

سری

سند شماره (۲۴)

سری - ۱۰ آبان ۵۸ اعضاء - ۱ نوامبر ۷۹

به: بیروت رونوشت برای تهران

از: رئیس ۵۴۴۵۲۹

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - ام. جی. بارج

عطف به: بیروت ۵۴۹۶۵ NLB-18692

۱ - می‌خواهیم به مناسبت به دست آوردن گزارش مرجع به باناسکو تبریک بگوییم. این گزارش

درباره موضوعی است که بسیار مورد علاقه است و بسیار به موقع بود. این گزارش در یادداشتهای

صبحگاهی مدیر اطلاعات مرکزی در یک یادداشت به مدیر مرکز تحلیل خارجی کشور و در یک ضمیمه

توجیه روزانه رئیس جمهور به کار رفت. به این گزارش یک نمره «۱۰» داده خواهد شد. نیازی به گفتن

ندارد که از ادامه تهیه گزارش درباره این عنوان استقبال می‌شود.

۲ - پرونده: ۹۴۶۹۷۷ - ۲۰۱. تا تاریخ ۱۰ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سری

سری

سند شماره (۲۵)

توزیع: ۱۰ آبان ۱۳۵۸ - اول نوامبر ۷۹

این یک گزارش خبری است که مورد سنجش نهائی اطلاعاتی قرار نگرفته است. طبقه‌بندی گزارش: سری.

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - غیر قابل رؤیت برای اتباع بیگانه - غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران مشاور - پخش و اقتباس اطلاعات تحت نظر تهیه کننده می‌باشد.

کشور: ایران / لیبی / ممالک غربی

موضوع: مشاهداتی از اوضاع ایران (تاریخ اطلاعات اواخر شهریور - اوائل مهر ۱۳۵۸)

منبع: یک افسر نظامی غیر ایرانی که گزارشهایش در سایر زمینه‌ها عموماً مورد تأیید بوده‌اند. او این خبرها را در مکالماتش با مقامات ایرانی در مشاهده شخصی خود به دست آورده.

۱ - اوضاع داخلی ایران آنقدر که وسایل ارتباط جمعی مخالفین وصف می‌کنند بی‌قرار نیست. به استثنای کردستان در مابقی نقاط کشور امنیت برقرار شده است. به نظر ایرانیها ناآرامی آن منطقه در نتیجه حمایت صدام حسین، رئیس جمهور عراق، از کردهاست. ایرانیها او را تنها آشوبگر اوضاع کردستان می‌دانند.

۲ - بعضی ایرانیها اظهار داشته‌اند که ممکن است در آینده نزدیک بسیاری از مقامات دولت ایران عوض شوند و نخست وزیر مهدی بازرگان ممکن است در بین آن مقامات باشد. این ایرانیها پیش‌بینی می‌کنند فضای (سیاسی) قدری تغییر کند، اما این تغییر پیش از همه به نفع آیت‌الله روح الله خمینی خواهد بود که قویترین فرد ایران است. یک مقام ایرانی اظهار داشت که در هفته‌های اخیر دولت ایران از «کثرت امور شگفت‌انگیز» اطلاع پیدا کرده است. بنابراین ایرانیها انتظار دارند که ماههای آتی پردردسر و دشوار باشند؛ اما در انتها به نفع ایران، توده‌های آن و جنبش انقلابی تمام شود.

۳ - مقامات ایرانی درباره ارتباط بین نخست‌وزیر پیشین شاهپور بختیار، آیت الله سید کاظم شریعتمداری و کانون وکلای رادیکال که رئیس پیشین شرکت ملی نفت یکی از اعضای آن است، اظهار نگرانی کرده‌اند که ایرانیها عزم آن را دارند که این ارتباط را در هم بشکنند و هم اکنون برای چنین اقدامی دست به کار شده‌اند. ایرانیها همچنین قصد دارند که حضور کمونیستها را در ایران و سایر کشورهای مسلمان ریشه کن کنند.

ایرانیها به سختی مشغول تصفیه ارتش و تجدید سازمان آن می‌باشند. وزیر دفاع جدید دکتر مصطفی چمران یک فرد غیر نظامی است که سابقاً در آمریکا بوده است. چمران در سال ۱۳۵۰ به لبنان رفت و به پیروان امام موسی صدر پیوست. در سازمان امل صدر وی به عنوان یک مقام نظامی منصوب شد و با آن جنبش تا هنگام پیروزی انقلابیون ایران ماند. او فعالانه در انقلاب شرکت جست و به پیروزی آن مدد رساند. هنگامی که در لبنان بود، وی در یک مدرسه در تیره درس می‌داد. ایرانیها او را زیرک، صادق و دارای ملاکهای روحی بالا می‌دانند. وی یک کارگر بدون خستگی است و شکایات کمی ابراز می‌کند. او حدوداً ۴۷ ساله، قد بلند، سبزه و کمی طاس است. اگر که شرایط و زمان اجازه دهد انتظار زیادی از فعالیت او در ارتش می‌رود.

۵ - ایرانیها لیبی را یک زرادخانه تسلیحات به حساب می‌آورند آنها از حضور کوباییها، شورویها،

بلغاریها، یوگسلاویها، ترکها و اتباع سایر کشورها و در اکثریت بودن کوباییها و شورویها اطلاع دارند. در لیبی تعداد زیادی هم آفریقایی هستند که آموزش می‌بینند و پیش از بازگشت به کشورهای خود اسلحه دریافت می‌دارند. (توضیح ستاد: لیبیاییها به فلسطینیها و احتمالاً آمریکای جنوبیها و اروپاییها هم آموزش می‌دهند.) ما از حضور پرسنل نظامی کوبایی در آنجا خبری نداریم. با این وجود، تقریباً ۳۰۰ نفر پرسنل پشتیبانی درمانی و تعدادی کارگر ساختمانی کوبایی ممکن است در آینده به آنجا بیایند.

۶- به دست آمده در (۲۵ مهر ۱۳۵۸)

۷- انتشار از حوزه فعالیت: فرستاده شد به امان، بیروت، قاهره، دمشق، بیت المقدس، جده، کویت، تهران، تل آویو، کابل، تریپولی، منامه.

طبقه‌بندی گزارش: سری

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است

غیرقابل رؤیت برای بیگانگان / غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار

پخش و اقتباس خبر: تحت نظر تهیه کننده

تا تاریخ ۱۰ آبان ۷۸ در بایگانی ضبط شود. طبقه‌بندی توسط مأمور گزارشگر. تمام اجزاء گزارش

حاوی طبقه‌بندی و قیود کل سند می‌باشند.

کتاب چهل و پنجم

پاکستان (۱)

پیشگفتار

با شروع مبارزات آزادیخواهانه مردم شبه قاره هند علیه کمپانی هند شرقی و انگلیس و دوام این مبارزات و نیاز به تأسیس دولتی مستقل جهت پشتیبانی از مصالح مسلمین بر پایه فرهنگ اسلامی و تبلیغ و گسترش این طرز تفکر توسط بزرگانی چون علامه اقبال لاهوری، بالاخره در سال ۱۳۲۶ شمسی کشور پاکستان تأسیس گردید.

بعد از فوت محمدعلی جناح، رهبر پاکستان، این کشور صحنه مبارزات سیاسی شد تا سال ۱۳۴۹ که ژنرال یحیی خان مقدمات انتخابات عمومی را فراهم آورد و در نتیجه آن «ذوالفقار علی بوتو» در پاکستان غربی و «مجیب الرحمن» در پاکستان شرقی به پیروزی رسیدند. به دنبال جنگ هند و پاکستان (۱۳۵۰) و استقلال بنگلادش یحیی خان در مقابل فشار افکار عمومی زمام امور را به بوتو واگذار نمود. در سال ۱۳۵۲ قانون اساسی پاکستان به تصویب رسید و بوتو از ریاست جمهوری کناره‌گیری کرد و سمت نخست وزیر را به عهده گرفت.

تقلب وی در انتخابات سال ۱۳۵۶ منتهی به شورش سراسری مردم و تقاضای اسلامی کردن حکومت، گردید که نهایتاً منجر به کودتای نظامی ژنرال ضیاءالحق شد.

۹۷ درصد از جمعیت ۸۰ میلیونی پاکستان را مسلمانان تشکیل می‌دهند. اقتصاد این کشور متکی بر کشاورزی است به طوری که ۶۰ درصد نیروی کار این کشور از کشاورزان تشکیل شده است. این رقم در بخش صنعت به ۱۶ درصد می‌رسد که عمدتاً در بخشهای نساجی پنبه، تهیه مواد غذایی، تنباکو، مهندسی، شیمیایی، گاز طبیعی و... مشغول به کارند.

اسناد مندرج در این کتاب از نظر زمانی محدود به سالهای ۱۳۵۶ تا ۷ آبان ۱۳۵۸ که عمدتاً شامل تجزیه و تجزیه و تحلیل اوضاع اقتصادی، سیاسی، امنیتی و روابط خارجی حکومت ضیاءالحق و شرح دیدارها و ملاقاتهای مسئولین کشوری یا سران احزاب و گروههای فعال در پاکستان با کارمندان سفارت آمریکا در پاکستان و مسئولین حکومتی آمریکاست.

با توجه به اسناد مندرجه، مشکلات و اهم مطالب مربوط به پاکستان در چند محور زیر خلاصه می‌شود:

مسائل اقتصادی، سیاست خارجی، اوضاع اجتماعی و سیاست داخلی حکومت ژنرال ضیاءالحق

مسائل و مشکلات اقتصادی

اقتصاد بیمار پاکستان که متکی بر وامهای خارجی است، نقش و ماهیت کشورهای وام‌دهنده به

پاکستان، همچنین کسری بودجه عظیم و برنامه بودجه سال ۸۰-۷۹ از اهم مسائل مطرح شده در بعد اقتصادی اسناد است. به طور کلی پاکستان در جبهه اقتصادی با چندین مشکل روبروست که مهمترین عامل آن کسری بودجه عظیم دولت است که ناشی از سوبسیدهای عظیم مواد مصرفی و بودجه سنگین نظامی و گسترش بافت بوروکراتیک دولت می‌باشد و همین امر علت عمده وابستگی شدید اقتصاد پاکستان به وامهای خارجی است.

التقاط دیدگاههای مبتنی بر سرمایه‌داری و اسلام در بعد اقتصادی و ارائه آن تحت عنوان اسلامی کردن اقتصاد پاکستان، نتوانسته و نخواهد توانست اقتصاد بیمار این کشور را نجات دهد. عدم شناخت و اعتقاد برنامه‌ریزان اقتصادی این کشور به اصول اسلام به ویژه اصول اقتصادی اسلام، عدم دخالت و طرد مسلمانان انقلابی و آگاه، وابستگی فرهنگی و اعتقادی آنان به غرب موانع اصلی در جهت رسیدن به یک اقتصاد سالم هستند. ارائه برنامه‌های اقتصادی تحت عنوان اسلامی کردن اقتصاد پاکستان را نیز می‌توان ناشی از تلاش حکومت در استفاده از احساسات اسلامی مسلمانان این کشور در جهت همکاری و همگامی با دولت برای جبران کسری بودجه تلقی کرد. البته وخامت اوضاع فعلی اقتصاد تنها مربوط به دوران حکومت ضیاء نبوده و مشکل مبتلا به پاکستان در خلال زمامداری حاکمان مختلف بوده است؛ ولی برخورد و ارائه روشهای غلط در مقابله با این مشکلات نیز نجات‌بخش اقتصاد وابسته به وامهای خارجی این کشور نخواهد بود. به بیانی دیگر فرهنگ و ایدئولوژی متکی به غرب، اقتصادی مستقل و سالم به بار نخواهد آورد.

سیاست خارجی

موقعیت خاص جغرافیایی پاکستان یعنی همسایگی با چین، افغانستان، ایران و هندوستان و همسایگی با واسطه با روسها و اقیانوس هند به سیاست خارجی این کشور ویژگی خاصی بخشیده که به تبع این ویژگی روابط و برخوردهای پاکستان با کشورهای دیگر و به ویژه ابرقدرتها و همسایگانش از جهات گوناگون مورد توجه قرار می‌گیرد.

روابط پاکستان با آمریکا و شوروی با توجه به اسناد مندرجه شامل مطالب زیر است:

روابط با آمریکا

اختلافات دیرینه بین هند و پاکستان از دیرباز این دو کشور را در مقابل هم قرار داده و به خاطر نوع روابط هند با شوروی، پاکستان به طرف آمریکا سوق داده شده است. همچنین تجاوز روسها به افغانستان و حمایت از رژیم دست‌نشانده کابل به اضافه علایق و کششهای قلبی و اعتقادی زمامداران پاکستان زمینه‌ساز و بهانه ارتباطات بسیار نزدیک با آمریکا بوده‌اند. حضور آمریکا در صحنه‌های سیاسی و اقتصادی پاکستان نیز متضمن منافع این جنایتکار در منطقه و در این کشور می‌باشد، لیکن مشکل به ظاهر عمده در از سرگیری روابط حسنه و عالی با حکومت ضیاء ظاهراً گسترش تسلیحات هسته‌ای از سوی پاکستان می‌باشد که این سیاست از زمان بوتو شروع شده و رئیس‌کلی این سیاست توسط حکومت ضیاء حفظ گردیده است. مخالفت آمریکا با سیاست هسته‌ای پاکستان به عنوان جلوگیری از گسترش تسلیحات هسته‌ای به عنوان بهانه‌ای برای عدم فروش تجهیزات و تسلیحات نظامی و واگذاری وام به این کشور

قلمداد می‌شد و ارسال وسایل و واگذاری وامها را در حد پایینی محدود کرده بود. البته عامل اصلی امتناع آمریکا از کمک به پاکستان را می‌توان ترس آمریکا از عدم امکان بازپرداخت وجوه تجهیزات و وامها به خاطر اوضاع بد اقتصادی این کشور، یافتن امکان مناسب برای اعمال نفوذ مستقیم‌تر در امور داخلی پاکستان و بروز حوادث غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل کنترل نظیر آنچه در ایران واقع شده بود دانست.

پاکستانیها نیز نیاز خود به بمب و سلاحهای اتمی را این‌گونه توجیه می‌کردند که مجهز بودن به یک نیروی هسته‌ای نه تنها ثبات منطقه را به هم نمی‌زند بلکه ثبات را در منطقه افزایش می‌دهد. البته پاکستانیها هرگز صراحتاً نیاز خود را به بمب اتمی بیان نمی‌کردند و تداوم کار تأسیسات مربوط به تسلیحات هسته‌ای را با نیاز به استفاده صلح‌آمیز از نیروی اتمی توجیه می‌کردند، ولی همه اینها در اصل مقابله و برابری بود با تسلیحات و قدرت تهاجمی و دفاعی هندوستان. فرانسه نیز که یکی از طرفهای قرارداد و دخیل در ایجاد و راه‌اندازی این تأسیسات بود، ظاهراً تحت فشار آمریکا از انجام این قرارداد سرباز زده بود و در این رابطه تعدادی از اسناد این مجموعه به گفتگوهای طرفهای فرانسوی و آمریکایی در جلوگیری پاکستان از ادامه کار مجتمع هسته‌ای و امکان ادامه کار این مجتمع به وسیله خود پاکستانیها مربوط است. پاکستان نیز طبق اسناد ادامه کار مجتمع را با خرید لوازم و دستگاههایی از ایتالیا ادامه داده بود و در طول زمان همراه با تهیه مقدمات لازم برای خرید وسایل در منطقه‌ای بنام کاهوتا اقدام به ساختن دستگاه غنی‌سازی اورانیوم در جهت تکمیل پروژه و راه‌اندازی مجتمع هسته‌ای نموده بود.

پاکستانیها در اکثر ملاقاتها با مقامات آمریکایی با اصرار و شدت زیاد خواستار تضمینهای امنیتی از جانب مقامات آمریکایی و سلاحهای پیشرفته و استراتژیک بودند، تا علیه تهاجم هند خود را مجهز نمایند، این امر با تهاجم روسها به افغانستان و استقرار رژیم وابسته به شوروی در کابل شدت بیشتری پیدا کرد. به طور کلی هندوستان و سیاستهای متخذه از طریق دولتهای مختلف هندی یکی از قویترین عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی پاکستان به خصوص در رابطه با نیازهای تسلیحاتی سیاست خارجی پاکستان بخصوص در رابطه با نیازهای تسلیحاتی آن کشور بوده است. تأکید پاکستان بر گرفتن تضمینهای امنیتی از آمریکا تکیه و استناد به قرارداد دوجانبه پاکستان و آمریکا بود که بر مبنای آن در صورتی که پاکستان از طرف یک کشور کمونیست یا یک کشور وابسته به کمونیستها مورد تهاجم قرار می‌گرفت آمریکا ملزم به عکس‌العمل نظامی بر علیه کشور مهاجم می‌گردید. البته پاکستان مدعی بود که در صورتی که پاکستان از طرف یک کشور غیر کمونیستی (چون هند) نیز مورد هجوم قرار گیرد آمریکا بایستی طبق مفاد قرارداد دوجانبه عکس‌العمل مناسب نشان دهد که آمریکاییها اظهار می‌داشتند که قرارداد دوجانبه ۱۹۵۹ هیچ‌گونه تعهدی را در قبال تضاد هند و پاکستان برای ما پدید نمی‌آورد.

روابط با شوروی

کمکهای نظامی اقتصادی به هند که مهمترین دشمن پاکستان قلمداد می‌شود، از عوامل عمده روی آوری پاکستان به سمت آمریکا بوده است، ولی به خاطر سرخوردگی پاکستان از آمریکا بر سر مسائل ذکر شده و احتمالاً به عنوان چراغ قرمز به آمریکا، حرکت مبنی بر سازش با شوروی که از زمان بوتوشو شروع شده بود در دوران حکومت ضیاء ادامه یافت. تجاوز شوروی به افغانستان و روانه شدن سیل پناهندگان و

آوارگان افغانی به پاکستان و مشکلات امنیتی و سیاسی ناشی از این امر، عامل دیگری بود که ترس دیرینه پاکستان را که از امیال و آرمانهای شوروی در جهت دستیابی به اقیانوس هند از طریق پاکستان ناشی می‌شد، شدت بخشید. بدین جهت پاکستان سعی می‌نمود که از یک طرف حمایت آمریکا مبنی بر گرفتن تضمین‌های امنیتی در قبال تجاوزات روسها یا کشورهای متحد آن به دست آورد و از طرف دیگر به خاطر وضع بد اقتصادی و عدم حمایت کامل مالی و لجستیکی آمریکا و اعلام سرخوردگی خویش از آمریکا، زمامداران پاکستانی هیئتهایی را روانه شوروی نمود؛ از جمله هیئتی شامل آقاشاهی که توانست نظر مثبت روسها را مبنی بر کمک بیشتر شوروی در زمینه راه‌اندازی کارخانه ذوب آهن کراچی به دست آورد و وامی به مبلغ ۲۲۰ میلیون دلار برای هزینه‌های این پروژه دریافت دارد. پاکستانیها موضع مثبت شوروی را از دو جنبه تحلیل می‌کردند: یکی به عنوان عاملی در جهت خنثی‌سازی نگرانیهای پاکستان در رابطه با مقاصد و اقدامات شوروی در افغانستان و دیگر نگرانی شوروی در مورد راستگرا شدن کشورهای آسیای جنوب غربی چون هند (در زمان موراجی دسای)، پاکستان، بنگلادش و سریلانکا.

مسئله آوارگان افغانی پناهنده شده به پاکستان نیز از مواردی بود که پاکستان را با افغانستان و به بیانی با روسها درگیر می‌ساخت. مشکلات اقتصادی که این آوارگان به وجود می‌آوردند از طریق توسل پاکستان به سازمانهای بین‌المللی تا حدودی مرتفع می‌شد. در ضمن پاکستان از بهره‌برداری از گروههای افغانی که این کشور را محل تجمع مکانی برای دایر کردن دفاتر سیاسی خویش نموده بودند، جهت مقاصد سیاسی غافل نبود و علیرغم اختلاف نظر مقامات مختلف این کشور مبنی بر همکاری، از کمک به گروههای همفکر و هم‌عقیده با خودش خودداری نمی‌ورزید و به عنوان کانالی که از طریق آن کمکهای عربستان سعودی و کشورهای دیگر به گروههای خاص افغانی می‌رسید عمل می‌نمود و در این میان خود نیز بی‌نصیب نمی‌ماند.

سیاست و امنیت داخلی

پیچیدگیهای سیاست داخلی پاکستان را می‌توان ناشی از نقش عناصر متناقض و گوناگون ملی در این کشور دانست و بررسی اجمالی وضع اجتماعی این کشور می‌تواند ریشه‌آشفته‌گیها و پیچیدگیهای مرتبط به سیاست داخلی را روشن کند.

ملت پاکستان با ۱۷٪ باسواد، در کل مردمی مستضعف و رشد نایافته هستند که اکثراً مسلمان و اهل سنت می‌باشند. گرایش به اسلام، هر چند اسلام سنتی، نقش فعالی در تشکیلات و گروههای سیاسی بازی کرده و اکثر احزاب موجود تحت رهبری افرادی با وجهه و شخصیت مذهبی هستند و مبنای تشکیل نیز ظاهراً اعتقادات مذهبی است. دولتمردان و حاکمان پاکستان نیز از این احساس کلی مردم غافل نبوده، لهذا سعی نموده‌اند که با تظاهر به اسلام و تظاهر به گسترش احکام اسلام در امور حکومتی از جمله گرفتن زکات و تأسیس بانکهای بدون بهره به اضافه یک سری اصلاحات رفرفی، خود را با تفکر و اعتقاد کلی مردم هماهنگ نشان دهند. همین امر یعنی تظاهر به اسلام و رابطه بین دولتمردان (به خصوص ضیاء) و رهبران احزاب مذهبی وابسته به آنان مانع از رشد تفکر صحیح اسلامی و نگرشی پویا و انقلابی به اسلام و احکام اسلام در این کشور بوده و این تنها منحصر به برادران اهل سنت نیست بلکه توجه به ظواهر و آداب و رسوم در بین شیعیان به مراتب رشدی قویتر از توجه به محتوای عمیق قرآن و درکی صحیح از احکام

اسلام داشته است و همین سطحی‌نگری و توجه به ظواهر، درگیریه‌ها و برخوردهای شیعه و سنی را رواج داده که این درگیریه‌ها هم باعث تداوم تمسک به ظواهر است و هم برآورنده اهداف استعمار مبنی بر تفرقه بین مسلمین.

گذشته از ویژگیهای مذهبی، بافت قبیله‌ای و عشیره‌ای پاکستان و پیوند این قبایل با جریانات سیاسی داخلی و خارجی بر شدت پیچیدگی سیاست داخلی پاکستان افزوده است. به عنوان مثال ایالت بلوچستان پاکستان با توجه به تعدد قبایل، سوابق نفوذ شوروی، افزایش فعالیت حزب خلق بوتو بعد از اعدام وی، حضور پناهندگان افغانی، بافت خان‌خانی و تأثیر آن بر عامه مردم این ایالت و مسائلی دیگر، به صورت یکی از آسیب‌پذیرترین ایالات و از جمله مشکلات مبتلا به حکومت ضیاء است. کودتای نظامی و روی کار آمدن ژنرال ضیاء و به دنبال آن تشکیل حکومت نظامی، مشکلات متعددی را برای این کشور به وجود آورد.

علیرغم قول ضیاء مبنی بر برگزاری انتخابات آزاد تا مدت‌ها چنین امری به وقوع نپیوست. عدم برگزاری انتخابات از سویی باعث بی‌اعتباری و بی‌حیثیتی ضیاء و دولت وی می‌شد و از سوی دیگر ضیاء را وادار به اعمال انفعالی در مقابل واکنشهای جامعه، احزاب و مطبوعات می‌نمود و سیاست دولت را هر چه بیشتر به سوی نظامیگری و اعمال زور سوق می‌داد.

احزاب وابسته یا مخالف رژیم و کشمکشها و درگیریه‌های آنان با یکدیگر، بوتو، اعدام وی و فعالیت‌های حزب خلق بوتو و نقش همسر و دختر وی، نقش مطبوعات و رسانه‌های گروهی و برخورد حکومت نظامی با آنها، فعالیت‌های سیاسی دانشجویان، به اضافه مشکلات و مسایل مرقوم و به ویژه مشکلات و بحران اقتصادی، سیاست داخلی این کشور را با عدم ثبات و بحران شدید روبرو ساخته بودند. مطالب مندرج در اسناد در مجموع تشریح مطالب فوق است.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

سند شماره (۱)

پاکستان

خشکی

۸۰۳۰۰۰ کیلومتر مربع (شامل بخش پاکستانی جامو - کشمیر)، ۴۰٪ قابل کشت، شامل ۲۴٪ زمینهای کشت شده، ۲۳٪ نامناسب برای زراعت، ۳۴٪ دارای وضع نامشخص که احتمالاً لم یزرع می باشد، ۳٪ پوشیده از جنگل.

طول مرزهای خشکی: ۵۹۰۰ کیلومتر

آبها

محدوده قلمرو آبی (طبق ادعا): ۱۲ میل دریایی (محدوده ماهیگیری ۲۰۰ میل دریایی، به اضافه ۱۰۰ میلی دریایی منطقه حفاظت شده فراتر از قلمرو دریایی)، منطقه انحصاری اقتصادی ۲۰۰ میل دریایی. طول خط مرزی ساحلی: ۱۰۴۶ کیلومتر

مردم

جمعیت: ۸۰۱۷۱۰۰۰ نفر به استثنای جوناگاد، ماناواد، گیلگیت بالتستان و منطقه مورد اختلاف جامو - کشمیر، (ژوئیه ۱۹۷۹). میانگین میزان رشد سالانه: ۳٪ (جاری).

ملیت: نام - پاکستان، صفت - پاکستانی.

مذهب: ۹۷٪ مسلمان، ۳٪ مذاهب دیگر.

زبان: اردو زبان رسمی است، کل زبانهای محاوره‌ای - ۷٪ اردو، ۶۴٪ پنجابی، ۱۲٪ سندھی، ۸٪ پشتو، ۹٪ زبانهای دیگر، انگلیسی زبان مشترک به حساب می آید.

سطح سواد: حدود ۱۷٪

نیروی کار: ۲۲ میلیون نفر (آمار ۱۹۷۸)، ۶۰٪ کشاورزی، ۱۶٪ صنعت، ۷٪ تجارت، ۱۵٪ خدمات، ۲٪ بیکار.

نیروی کار سازمان یافته: ۵٪ نیروی کار

دولت

نام قانونی: جمهوری پاکستان

نوع: جمهوری فدرال پارلمانی، ارتش در ۱۴ تیرماه ۱۳۵۶ قدرت را به دست گرفت و موقتاً بعضی از مفاد قانون اساسی را به حالت تعلیق درآورد.

پایتخت: اسلام آباد.

تقسیمات فرعی سیاسی: ۴ ایالت - پنجاب، سند، بلوچستان، و ایالت مرزی شمال غربی - و قلمرو پایتخت یعنی اسلام آباد و مناطق قبیله‌ای تحت کنترل حکومت مرکزی. پاکستان مدعی است که منطقه آزاد کشمیر به دنبال حل اختلاف پاکستان و هند مستقل است، لیکن در حقیقت تحت کنترل پاکستان می باشد.

نظام حقوقی: استوار بر قانون عوام انگلستان، مقررات اجباری دادگاه بین‌المللی را با حفظ بعضی اختیارات می پذیرد، حکومت ضیاء دادگاههای اسلیاریا (Sliaria)ی اسلامی را به محاذات دادگاههای غیرنظامی تأسیس کرده و برای جرایم جنبه مجازاتهای قرآن را در نظر می گیرد.

روز تعطیل ملی: روز پاکستان، ۳ فروردین ماه.

رهبر دولت: رئیس جمهور و رئیس حکومت نظامی ژنرال محمد ضیاء الحق.

شرکت در انتخابات: برای تمام افراد از ۱۸ سال به بالا آزاد است.

انتخابات: مخالفت با تحریف انتخابات در فروردین ۱۳۵۶ منجر به کودتای نظامی گردید. ارتش قول داد که انتخابات جدید ملی و ایالتی را در مهر ماه ۱۳۵۶ برگزار نماید، لیکن بعدها آن را به تعویق انداخت و اکنون تاریخ برگزاری انتخابات را ۲۶ آبان ۱۳۵۸ اعلام کرده است.

احزاب و رهبران سیاسی: حزب خلق پاکستان، جناح حامی بوتو، خانم ز، الف، بوتو؛ جناح میانه رو، مولانا کوثر نیازی؛ طریق استقلال، اصغر خان؛ حزب ناسیونال دموکرات، شریازماری (در سال ۱۳۵۴ توسط اعضای حزب غیرقانونی ملی عوام، عبدالوالی خان که رهبر بی قید و شرط حزب ناسیونال دموکرات است تأسیس گردید).

جمعیت العلمای پاکستان، مولانا شاه احمد نورانی؛ اتحاد ملی پاکستان ائتلاف از شش حزب شامل اتحادیه مسلمان پاکستان - گروه پیراگارا، جمعیت اسلامی، طفیل محمد، جمعیت العلمای اسلام، مفتی محمود.

کمیونستها:

تعداد اعضای حزبی بسیار ناچیز است، لیکن هواداران آنها حدود چند هزار نفر برآورده شده اند.

دیگر گروههای سیاسی یا جوساز: ارتش مهمترین نیروی سیاسی به حساب می آید.

عضو سازمانهای زیر می باشد:

بانک عمران آسیایی، طرح کلمبو، سازمان مواد غذایی و کشاورزی، قرارداد عمومی تعرفه و تجارت، گروه ۷۷، آژانس انرژی اتمی بین المللی، بانک بازاری و عمران بین المللی، ICAC، سازمان بین المللی کارگر، سازمان مشاوره دریایی بین دولتین، صندوق بین المللی پول، اتحادیه تجاری بین المللی، شورای غله بین المللی، سازمان همکاری و عمران منطقه ای، سازمان ملل، یونسکو، اتحادیه پست جهانی، سازمان بهداشت جهانی، سازمان هواشناسی جهانی، WSG, WTD اقتصادی

تولید ناخالص ملی: (برآورد مربوط به سال مالی ۱۹۷۸) ۱۵ میلیارد دلار، تولید ناخالص سرانه ۲۰۰ دلار، میانگین رشد واقعی سالانه ۴٪ (۱۹۷۰-۷۸)

کشاورزی: بهره ور از سیستم آبیاری وسیع، محصولات اصلی: گندم، برنج، پنبه؛ کمبود مواد غذایی، ۲/۳ میلیون تن در سال مالی ۱۹۷۹ وارد کرده است.

ماهگیری: میزان صید ۱۹۷۵۵۰ تن (برآورد سال ۱۹۷۸)

صنایع مهم: نساجی پنبه، تهیه مواد غذایی، تنباکو، مهندسی شیمیایی، گاز طبیعی.

نیروی برق: ۳۴۹۵۰۰۰ کیلووات ظرفیت (۱۹۷۸) به ۱۵/۹ میلیارد کیلووات ساعت تولید شده (۱۹۷۸)، ۲۰۵ کیلووات ساعت سهم تولید سرانه برق.

نیروی برق

صادرات: ۱۳۴۲ میلیون دلار (با احتساب هزینه حمل تا مقصد در سال ۱۹۷۸)، شامل پنبه خام و

صنعتی، برنج.

واردات: ۲۷۳۸ میلیون دلار با احتساب هزینه کالا و بیمه در سال ۱۹۷۸، حبوبات، روغن خوراکی، نفت خام، ماشین آلات، تجهیزات ترابری، مواد شیمیایی.

طرفهای مهم تجاری: آمریکا، انگلستان، ژاپن، آلمان غربی.

کمکها (شامل بنگلادش قبل از سال ۱۹۷۲): اقتصادی - آمریکا (سالهای مالی ۷۷-۱۹۷۰) ۱/۵ میلیارد دلار (به استثنای آنچه اکنون بنگلادش نامیده می شود)، شوروی (۷۷-۱۹۷۰) ۴۹۵/۸ میلیون دلار، چین (۷۷-۱۹۷۰) ۷ میلیون دلار، چین (۷۷-۱۹۷۰) ۳۵۲ میلیون دلار، اروپای شرقی (۷۷-۱۹۷۰) ۱۹ میلیون دلار، کمک اقتصادی اوپک (۷۸-۱۹۷۴) ۱/۶ میلیارد دلار (سری/غیرقابل رؤیت برای بیگانگان).

بودجه: مخارج، سال مالی ۱۹۷۸ - مخارج جاری، ۲۰۴۸/۷ میلیون دلار، هزینه سرمایه ۱۷۱۷/۲ میلیون دلار.

نرخ تبدیل ارز: ۹/۹ روپیه = یک دلار آمریکا (از فوریه ۱۹۷۳)

سال مالی: اول ژوئیه = ۳۰ ژوئن.

شبکه های ارتباطی

راه آهن: جمعاً ۸۸۱۶ کیلومتر (۱۹۷۹)، ۴۴۶ کیلومتر با وسعت ریل استاندارد (۱ متر)، ۷۷۵۸ کیلومتر ریل پهن (۶۷۶/۱ متر)، ۶/۲ کیلومتر ریل باریک (۷۶۲/۰٪ متر)؛ ۱۰۲۲ کیلومتر ریل مضاعف ۲۸۶ کیلومتر راه آهن برقی. راه آهن این کشور دولتی می باشد.

شاهراهها: جمعاً ۸۷۴۷۲ کیلومتر (۱۹۷۸)، ۲۶۸۵۵ کیلومتر آسفالت، ۱۹۵۰۰ کیلومتر شوسه، ۳۱۰۰ کیلومتر خاکی هموار، ۳۸۰۱۷ کیلومتر خاکی ناهموار.

راههای آبی داخل خشکی: ۱۸۵۰ کیلومتر.

خطوط لوله: ۲۳۰ کیلومتر خط لوله نفت خام، ۱۹۳۱ کیلومتر خط لوله گاز طبیعی.

بنادر: یک بندر بزرگ، ۵ بندر کوچک.

ناوگان تجاری: شامل ۴۹ کشتی (با تناژ ثبت شده ناخالص ۱۰۰۰ یا بیشتر) بالغ بر تناژ ثبت شده ۴۳۵۴۰۰، تناژ کلی ۵۹۹۲۰۰ شامل ۴۷ کشتی باربری، یک کشتی باربری غول آسا، یک تانکر.

(خیلی محرمانه)

هواپیمایی کشوری: ۲۷ هواپیمای بزرگ ترابری

فرودگاهها: جمعاً ۱۰۸ فرودگاه دارد که ۱۰۱ فرودگاه آن قابل استفاده است. ۶۳ فرودگاه باند ثابت، یک فرودگاه با باند ۳۶۶۰ متری ۲۵ فرودگاه با باندهای فرود و پرواز ۳۶۵۹-۲۴۴۰ متری، ۴۷ فرودگاه با باندهای فرود و پرواز ۲۴۳۹-۱۲۰۰ متری.

شبکه ارتباط از راه دور: سرویس ارتباط رادیویی بین المللی خوب میکروویو و ماهواره ای، ارتباط رادیویی داخلی چندان خوب نیست، سرویس انتشاراتی آن بسیار خوب است، ۳۰۰۰۰۰ تلفن (تقریبی) دارد (۰/۴ تلفن برای هر ۱۰۰ نفر)، ۲۷ ایستگاه ا-ام، فاقد ایستگاه اف-ام، ۱۶ ایستگاه تلویزیون، و ۴ ایستگاه تقویت کننده و یک ایستگاه ماهواره زمینی نیز دارد.

دفاع

نیروی انسانی نظامی: مذکر ۴۹-۱۵ ساله، ۱۷۸۱۴۰۰۰ نفر، ۱۰۵۹۱۰۰۰ نفر مناسب برای خدمات

نظامی، سالانه ۹۵۴۰۰۰ نفر در سن ۱۷ سالگی آماده خدمت در ارتش می‌شوند.
پرسنل: ۴۰۸۰۰۰ نفر نیروی زمینی، ۹۹۰۰ نفر نیروی دریایی، حدود ۱۷۶۰۰ نفر نیروی هوایی (۵۵۰ خلبان) ۷۱۸۰۰ نفر نیروهای مسلح شهری (سری).

مهمترین واحدهای نیروی زمینی: ۶ قرارگاه سپاه، ۱۶ لشکر پیاده، ۲ لشکر زرهی، ۴ تیپ مستقل پیاده، ۶ تیپ توپخانه، ۴ تیپ مستقل زرهی، ۶ هنگ زرهی شناسایی (با استعدادگردانی)، ۲ تیپ توپخانه پدافند هوایی، ۶ اسکادران موشکهای سام، و یک گروه خدمات ویژه و یک جناح هوا نیروز (خیلی محرمانه).

کشتیهای نظامی: یک ناو سبک کرویزر، ۶ ناو از نوع مخرب، گشتی ساحلی، ۷ ناو جنگ افزار مین، ۳ ناو کمکی (سری).

هواپیماهای نظامی: ۵۸۵ فروند (۳۶۴ جت جنگنده، ۱۴ فروند هواپیمای توربین ملخدار، ۱۰۱ هواپیمای ملخی، ۱۰۶ فروند هلیکوپتر) دارای آمادگی عملیاتی (سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان). تدارکات: تسلیحات پیاده نظام و مهمات مورد نیاز را تا کالیبر ۱۰۶ میلیمتر تولید می‌کند. آمریکا و اروپای غربی تا سپتامبر ۱۹۷۵ مهمترین منابع تدارکات نظامی به شمار می‌آمدند. از آن زمان به بعد چین و پس از آن فرانسه به صورت مهمترین منابع درآمده‌اند. در مارس ۱۹۷۵ مذاکراتی با آمریکا آغاز شد؛ در سالهای اخیر تسلیحات و مهمات پیاده‌نظام را چین و ترکیه در اختیار این کشور قرار می‌داده‌اند؛ چین تانک و توپخانه متوسط، کره شمالی توپخانه و مهمات، ایران نفربرهای زرهی و خدمات تعمیراتی تانکها، چین، فرانسه، سوئد و انگلستان هواپیما، شوروی، آمریکا، فرانسه هلیکوپتر، چین، شوروی، ایران و چکسلواکی وسائط نقلیه ترابری، فرانسه ۳ زیر دریائی، ۸۵ فروند جت جنگنده میزبان به این کشور داده است، چین بیش از ۲۰۰ جت جنگنده و آموزشی، ۱۲ قایق گشتی از نوع شانگهای دوم، ۲ ضد زیر دریایی هانیان، و ۴ ناوچه اژدرانداز هوچان به این کشور داده است. اخیراً پرتغال نیز یک زیر دریایی به این کشور داده است. دیگر ناوهای نیروی دریایی آن از طریق انگلستان و آمریکا تأمین گردیده است (سری). بودجه نظامی: ۱/۱۵ میلیارد دلار برای سال مالی که در ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹ پایان می‌یابد، که حدود ۲۸٪ بودجه دولت مرکزی را در برمی‌گیرد.

امنیت و اطلاعات

اداره اطلاعاتی نیروهای مسلح، نظامی، داخلی و خارجی، دفتر اطلاعاتی پاکستان، داخلی/خارجی، آژانس تحقیقات فدرال - داخلی، آژانس تحقیقات جنایی - داخلی (سری) / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان).

سند شماره (۲)

اداری - غیر رسمی
 سفارت آمریکا در تهران ایران چارلز دبلیو. ناس سرپرست بخش امور ایران
 وزارت امور خارجه
 چارلی عزیز
 تاریخ: ۱۲ دی ۱۳۵۶ - ۲ ژانویه ۷۸
 سری
 واشنگتن، دی. سی

در اجلاس اخیر رؤسای نمایندگیها که اخیراً در نپال برگزار شده بود، ما متشأ نگرانیهای پاکستان را در مورد روابط خود با آمریکا مورد بحث قرار دادیم. در آن گفتگو آرت هومل خاطر نشان ساخت که پاکستانیها معتقدند که در درگیری نظامی اخیر میان هند و پاکستان، ما پاکستانیها، را تنها گذاشته ایم. بنا به گفته هومل، در نتیجه این واقعیت که تضمینهای آمریکا بسیار فراتر قرارداد دو جانبه پاکستان و آمریکا در سال ۱۹۵۹ می رود این احساس تشدید شده است. همان طور که به یاد دارید این قرارداد دو جانبه (که شاید قرارداد دو جانبه آمریکا و ایران است) مشخص می سازد که عکس العمل نظامی ما تنها زمانی صورت خواهد گرفت که پاکستان از طرف یک کشور کمونیست و یا کشوری که از «الهام کمونیستی» برخوردار است مورد تهاجم قرار گرفته باشد.

طبق گفته هومل، به سفیر والتر مک کاناهی در طول خدمتش در پاکستان اجازه داده شده بود که به این کشور اطلاع دهد که در صورتی که پاکستان از طرف یک کشور غیر کمونیستی (چون هند) نیز مورد حمله واقع شود، آمریکا طبق مفاد قرارداد دو جانبه عکس العمل مناسبی را نشان خواهد داد. ظاهراً این روند رویدادها این احساس را در میان پاکستانیها پدید آورده است که هنگام بروز حمله واقعی هند، ما قول خود را زیر پا گذاشته ایم.

تمام ما که در اجلاس نمایندگیها، از جمله اسپایک دابز، حضور داشته ایم از این تفسیر تاریخی در شگفت فرو رفتیم. اگر صحت داشته باشد، این موضوع نشانگر امتداد تضمینهایی است که در مقایسه با ایران برای پاکستان هیچ سودی به همراه نداشته است. علاوه بر این، در گفتگو پیرامون ماهیت تعهدات خود در قبال پاکستان با شاه، من دائماً یاد آور شدم که قرارداد دو جانبه ۱۹۵۹ هیچ گونه تعهدی را در قبال تضاد هند و پاکستان برای ما پدید نمی آورد. اگر در این مورد به خطا رفته ام و یا شاه به طریقی از تضمینهای ارائه شده توسط مک کاناهی به پاکستان آگاه شده باشد، آشکارا موجبات شرمساری اینجانب فراهم شده است.

هنگامی که همگی با هرمل در مورد گفته هایش بحث کردیم. وی پیشنهاد کرد که با وزارت خارجه مشورت کرده و مخصوصاً متن یادداشت تهیه شده توسط دفتر مشاور حقوقی را در مورد اتهامات مطروحه توسط بوتو در بهار سال ۱۹۷۷ مبنی بر اینکه دولت آمریکا به پاکستان خیانت کرده است، بدست آوریم. به روایتی این یادداشت متن کامل گفتگوهای مک کاناهی و مجوزهایی را که از واشنگتن قبل از گفتگو در پاکستان دریافت کرده، در بردارد.

به همین ترتیب، سپاسگزار خواهم شد اگر شما با «ال» تماس بگیرید و یک نسخه از یادداشت مزبور را دریافت کرده و مطالب مربوطه را برای اینجانب ارسال دارید. در عین حال، بد نیست اگر ببینید که آیا در همان زمان و یا موقعی دیگر آمریکا به ایران نیز تضمینهای مشابهی داده است. البته چون شاه با من در این مورد صحبت کرده است، فکر نمی کنم این کار صورت گرفته باشد. ولی، علیرغم آماده سازیهای وی در دو

ملاقات خود با رئیس جمهور، احساس می‌کنم که در آینده وی در مورد نگرانیها و ثبات ما تردید خواهد کرد و امیدوارم آنقدر آماده باشم که بتوانم به موقع با آنها برخورد نمایم.

نیازی نیست گفته شود، که سفر اخیر رئیس جمهور، همراه با سفر شاه به واشنگتن در ماه نوامبر، در مورد ماهیت پیمان «ترنزل نا پذیرمان» وی را متقاعد ساخته است. معذالک، لازم است گاهی معالجه ادامه یابد.

ارادتمند

ویلیام اچ. سولیوان

خیلی محرمانه

۱۲ دی ۱۳۵۶

تضمین امنیتی آمریکا به پاکستان

تقریباً در تمام ملاقاتهای مقامات عالی‌رتبه پاکستان و تصمیم‌گیرندگان آمریکایی نسل گذشته، پاکستانیها تلاش کرده چه به طور پنهانی و چه با صدور بیانییه‌های مشترک ناشی از این مقامات از آمریکا تضمینهای امنیتی به دست آورند. علیرغم عدم تجانس موجود در جلسه‌ای که ظاهراً به بحث پیرامون مداخلات و توطئه‌های آمریکا در جناح مخالف اختصاص یافته بود. وزیر امور خارجه گویا روش قدیمی را دنبال خواهد کرد و خواستار جلب تضمینهای امنیتی خواهد شد. از اوایل سالهای ۱۹۶۰ ما چیزی به تضمینهای امنیتی رسمی و غیر رسمی خود در قبال پاکستان اضافه نکرده‌ایم ولی به جای آن در بیانییه‌ها فرمول‌بندیهای گوناگونی را در مورد اهمیت استقلال امنیت و تمامیت ارضی پاکستان برای آمریکا گنجانده‌ایم.

با خروج پاکستان از پیمان سیتو تنها تکلیف قانونی ما در قرارداد ۱۹۵۹ پا برجا مانده است که مربوط به سنتو بوده و از طریق نظریه آیزنهاور محدود به مواردی است که در آن کشور پاکستان از طرف کمونیست‌ها مورد تهاجم قرار گیرد در اینگونه موارد ما متعهد هستیم که اقدامات متناسب از قبیل کاربرد مورد توافق دوجانبه نیروهای مسلح خودمان را به عمل آوریم و طبق قطعنامه مشترک، صلح و ثبات را در منطقه خاورمیانه ارتقاء دهیم.

در اصل، این موضوع نوعی تعهد است که تنها باید مورد مشورت قرار گیرد و بس. در سال ۱۹۷۰، دولت به کنگره اطلاع که به نظر وی قطعنامه مشترک مربوط به ارتقای صلح و ثبات در خاورمیانه که در رابطه با بحرانی خاص پدید آمده، اعتبار کافی را برای کاربرد نیروهای مسلح آمریکا به وجود نمی‌آورد. این جنبه قطعنامه خاورمیانه مورد تأیید قطعنامه ۱۹۷۳ قدرتهای جنگی قرار گرفته است. پاکستان بیشتر خواستار جلب تضمینهای امنیتی علیه تهاجم هند بوده است تا علیه تهاجم کشورهای کمونیستی. نمایندگان این کشور چند تضمین شفاهی و کتبی از ما دریافت داشته و همیشه با دقت بسیار آنان را متذکر می‌شوند.

سند اصلی مورد تذکر آنها یک یادداشت کمکی است که توسط آمریکا در تاریخ ۵ نوامبر به پاکستان داده شده است و اظهار می‌دارد که... آمریکا تضمینهای پیشین خود را تأیید می‌کند که در صورت تهاجم هند علیه پاکستان به کمک پاکستان خواهد شتافت.

لیکن، بیانییه عمومی آمریکا در تاریخ ۱۷ نوامبر ۱۹۶۲ خاطر نشان می‌سازد که آمریکا به هند و پاکستان اطمینان داده است که اگر کمکهای ما توسط یکی از این دو کشور به درستی مورد استفاده قرار

نگرفت و یا در تجاوز علیه دیگری به کار رفت، آمریکا سریعاً بر طبق اختیارات قانونی اقدامات ضروری را در داخل و خارج از سازمان ملل به منظور متوقف ساختن تهاجم به کار خواهد گرفت. از طریق تبادل بیانیه در تواریخ ۱۹ و ۲۸ نوامبر ۱۹۶۲ تضمینهای ۵ نوامبر صریحاً با بیانیه عمومی ۱۲ نوامبر مرتبط گردید. بدین ترتیب، این تضمین که به هر حال تعهد خاصی را در قبال وضعی که دیگر وجود ندارد و طی آن آمریکا به هند کمک نظامی داده بود، پدید نمی آورد. با تغییر مهم این وضع سیاسی، تضمینهای ۱۹۶۲ ما در روابط با تهاجم هند تأثیرات حقوقی خود را از دست داد. آنچه در ذیل می آید خلاصه‌ای است از سوابق رسمی تضمینهای ما:

سابقه رسمی - تضمینهای امنیتی آمریکا به پاکستان در اسناد ذیل مطرح شده است:
 - امنیت دو جانبه: قرارداد کمک پشتیبانی دفاعی که در کراچی به تاریخ ۱۱ ژانویه ۱۹۵۵ منعقد گردید. با ذکر علاقه دو جانبه در گسترش توان پاکستان در حفظ استقلال و امنیت خود بر اساس مقررات و منابع مالی موجود، آمریکا را متعهد می سازد که تجهیزات، خدمات و دیگر کمکهای مورد نیاز دولت پاکستان و معتبر شناخته شده توسط دولت آمریکا را در اختیار دولت پاکستان قرار دهد.
 - عضویت آمریکا در کمیته‌های مهم سنتو، و مشارکت ما در تمام فعالیتهای و تمرینهای مهم سنتو، نشانگر تعهد بیشتر آمریکا در دفاع از پاکستان است (ولی تنها بر علیه تهاجم کشورهای کمونیستی).
 - یادداشت ۱۵ آوریل ۱۹۶۲ ما را موظف ساخته است تا در صورت تهاجم مسلحانه به طرزی سریع و مؤثر به کمک پاکستان بشتابیم که با اشاره به نظریه آیزنهاور، قرارداد سنتو و منشور سازمان ملل نیز یکی از شرایط این کار شناخته شده است. علاوه بر این ما اظهار داشتیم که هر گونه تهدید علیه تمامیت و استقلال پاکستان از نظر آمریکا بسیار با اهمیت تلقی خواهد شد. (وزیر خارجه وقت دالس در گفتگوهای خصوصی خود با مقامات پاکستانی این شرایط را نادیده می گرفت).
 - یادداشت کمک ۵ نوامبر ۱۹۶۲ و بیانیه ۱۷ نوامبر ۱۹۶۲ در رابطه با تهاجم از طرف هند، نیز در بالا ذکر گردیده است.

- تبادل بیانیه‌های ۱۹ نوامبر و ۲۸ نوامبر ۱۹۶۲ نیز که در بالا مطرح شد، یادداشت کمکی را نوعی تضمین علیه کاربرد غلط کمک نظامی آمریکا توسط هند مطرح ساخت.
 علیرغم تفسیرات پاکستانیها از این اسناد و شکوه‌های علنی گهگاه بوتو، آمریکا توسط هیچ یک از این قراردادهای و یا تفاهم‌نامه‌های دیگر موظف نیست که در ازای دریافت وجه نقد و یا به طور نسبی سلاح در اختیار پاکستان قرار دهد.

فرمولهای بیانیه

به دنبال سفر بوتو به آمریکا در سال ۱۹۷۳، ما امنیت پاکستان را زیربنای سیاست خارجی آمریکا توصیف کردیم. بیانیه مشترک صادره به مناسبت توقف کیسینجر وزیر خارجه در اسلام‌آباد در سال ۱۹۷۴ متذکر می شود که بنا به گفته رئیس جمهور آمریکا به حمایت از حاکمیت و تمامیت ارضی... پاکستان... ادامه خواهد داد...، بیانیه مشترک صادره پس از سفر ماه فوریه بوتو به آمریکا یادآور شده که بنا به گفته رئیس جمهور فورده، حمایت از استقلال و تمامیت ارضی پاکستان مهمترین اصل سیاست خارجی آمریکا را تشکیل می دهد. در اوت ۱۹۷۶ در خاتمه سفر کیسینجر به پاکستان، فرمول «مهمترین

اصل» بار دیگر به کار برده شد.

سند شماره (۳)

تاریخ: ۲۰ بهمن ۱۳۵۶ - ۹ فوریه ۷۸
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد به: وزارت امور خارجه در واشنگتن. دی - سی با اولویت
موضوع: توقف شاه ایران برای صرف نهار

۱- خلاصه: در طول توقف پنج ساعته در اسلام آباد در تاریخ ۱۶ بهمن ماه، شاه با ژنرال ضیاء در مورد گفتگوهای خود با هند صحبت کرد و طرح بازار مشترک خود را عنوان نمود. لیکن در مورد آن پافشاری چندانی نمود و پس از آن با رهبران مهم سیاسی حزب خلق پاکستان ملاقات کرد و به آنها و (ژنرال ضیاء) اطلاع داد که به تمامیت ارضی پاکستان علاقه مند است. پاکستانیها ظاهراً از نتایج این سفر خوشحالند. لیکن در مورد روابط دراز مدت ایران و هند و تأثیر آن بر منافع پاکستان اظهار نگرانی کرده‌اند. پایان خلاصه).

۲- شاه ایران در ساعت ۱۱ صبح روز ۱۶ بهمن ماه از دهلی وارد پاکستان شد و قبل از ترک آنجا در ساعت ۱۶ با رئیس جمهور، رئیس حکومت نظامی ژنرال ضیاء ملاقات نمود و در ضیافت نهار رئیس جمهور شرکت کرد. قبل از نهار وی به مدت پنج دقیقه با رهبران سیاسی از قبیل ولی خان و رهبران بلوچ که بسیاری از آنها به نهار دعوت شده بودند گفتگو کرد.

۳- شاه با ضیاء گفتگویی خصوصی داشت که وزارت خارجه در مورد این گفتگوها کاملاً توجیه نشده است. در همان حال، تیم ایرانی به رهبری وزیر خارجه خلعتبری با مقامات پاکستان از جمله آفشاهی، وزیر خارجه پاکستان ملاقات نمود. بر اساس گزارش مطبوعات و گفتگوهای ما در سفارت ایران و وزارت خارجه ظاهراً عناوین ذیل در هر دو ملاقات مطرح گردیده است.

-- توجیه در مورد سفر به هند: بنا به گزارش، شاه در بخش اعظم ملاقات خود با ضیاء به توجیه (و مطمئن سازی) وی در مورد گفتگوهایش با رهبران هندی پرداخته بود. موضوعات مورد بحث عبارت بودند از: اقیانوس هند، کمک ایران به چند پروژه در هند، و دور نمای تجاری ایران و هند.

-- بازار مشترک: بنا به گزارش، شاه طرح بازار مشترک خود را با بی تفاوتی با ضیاء در میان گذاشت. موضع وی که در گفتگوهای خلعتبری و آفشاهی منعکس شده، حاکی از آن است که همکاری بیشتر اقتصادی به نفع تمامی منطقه است، دولت پاکستان نباید فکر خود را بسته نگاه دارد فقط باید در مورد نحوه نیل به همکاری بیشتر بررسی نماید.

-- تسهیلات ترانزیت: وزارت خارجه اظهار داشت که مسئله ترانزیت به صورت کلی در بحث پیرامون بازار مشترک مطرح گردید.

تلگرام جداگانه پیرامون امکان حمایت ایران از بهبود بیشتر نظام ترابری پاکستان گزارش می‌دهد.
-- گفتگو با رهبران سیاسی: شاه با بسیاری از رهبران سیاسی غیر از رهبران حزب خلق پاکستان، ملاقات کرد و با هر یک از آنها به مدت پنج دقیقه قبل از نهار گفتگو نمود. بنا به گزارش وی شخصاً تحت تأثیر ولی خان قرار گرفته بود، ولی این تأثیر به حدی نبود که تمایلات «جدایی» ولی خان را از یاد وی ببرد. در گفتگو با هر یک شاه گفته بود که تمامیت ارضی پاکستان برای ایران اهمیت قابل ملاحظه‌ای دارد.

-- کمک ایران به پاکستان: معاون ریاست سفارت ایران اظهار داشت که شاه به ضیاء گفته است که اگر پاکستان از ایران انتظار کمک بیشتری دارد باید عملکرد اقتصادی خود را بهبود بخشد.

-- برنامه ریزی دوباره: دبیر کل وزارت خارجه (افغانستان ایران، ترکیه) امیر عثمان بما می گوید که شاه توافق کرده است، بازپرداخت وام ۵۸۰ میلیون دلاری را دو سال دیگر به تأخیر بیندازد. قرار بود اولین بازپرداخت توسط پاکستان در سال جاری صورت گیرد. وزارت خارجه و سفارت ایران اظهار می دارند که گذشته از این تعویق دوساله در دیگر شرایط وام تغییری پدید نیامده است.

-- وام سیتی بانک: عثمان گفت که وام ۳۰۰ میلیون دلاری سیتی بانک که توسط ایران تضمین شده است، هنوز به قوت خود باقی است. شاه به ضیاء در طول آخرین سفر خود به تهران گفته بود که این وام تصویب خواهد گردید و در گفتگوی خصوصی اخیر آنها نیز این امر تأیید گردید. ولی عثمان یاد آور شد که در «سطح کاری» در رابطه با «پیچیدگیهای فنی» وام، مشکلاتی پدید آمده است. مهمترین مشکل، تقاضای سیتی بانک است که معادل ۱/۶ درصد هزینه مدیریت می باشد که این امر خود مورد قبول دولت ایران نیست. عثمان گفت نمی داند این مسائل در چه زمانی حل خواهد شد.

۴- اظهار نظر: دولت پاکستان از اینکه سفرهای و جپازی و شاه به خوبی صورت گرفت و موجب قطع روابط پاکستان با دو همسایه بزرگ خود نشد آسوده خاطر شده است. بسیاری از افراد موجود در دولت پاکستان نگران از این بودند که مبادا ایران و هند طی توطئه ای در مورد بازار مشترک و مسئله ترانزیت در طول این سفرها به اسلام آباد فشار وارد آورند. گسترش تبلیغات دهلی بر ترس آنها در این مورد افزوده بود. بعضی از دیپلماتهای اینجا معتقدند که دولت پاکستان به مطبوعات خود دستور نشان دادن عکس العمل شدید را داده بود تا ثابت کند که آرای عمومی پاکستان این طرح دهلی و شاه را نخواهد پذیرفت.

۵- به نظر وزارت امور خارجه، پاکستان از این دو بازدید بدون برخورد و رویارویی بیرون آمد. ترس دراز مدت پاکستان، ناراحتیها و سوءظن از این امر که مبادا ایران و هند به ضرر پاکستان به همکاری بپردازند هنوز از بین نرفته است و عکس العمل پاکستان را در قبال پیشنهادات مطروحه توسط دو کشور شکل خواهد داد.

سند شماره (۴)

تاریخ: ۱ اردیبهشت ۱۳۵۷ - ۲۱ آوریل ۷۸
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن. دی - سی

به: سفارت آمریکا در پاریس - فوری

موضوع: مسئله مجتمع هسته ای پاکستان

۱- سؤالی که شما در مورد همین موضوع در پاراگراف ۶ تلگرام مرجع الف مطرح کرده بودید مورد تفحص بسیار از سوی ما قرار گرفته است.

واضح است که اگر فرانسه بخواهد قرارداد را لغو نماید، ما نیز مایل هستیم از تصمیم پاکستان برای اجرای قرارداد، به طور یکجانبه چه مخفی و چه آشکار جلوگیری نماییم. اصلاحیه گلن در مورد تمام کشورهای که تجهیزات و تکنولوژی این مجتمع را از خارج دریافت می دارند صادق است، لیکن اگر پاکستان بر آن شود که این تأسیسات را به تنهایی احداث نماید، ما قطعاً در سیاستهای خود در رابطه با

روابط آتی از قبیل کمکهای اقتصادی و فروش تسلیحات با مشکلاتی روبرو خواهیم شد.
 ۲- در صورتی که رژیم ضیاء به فشارهای وارده از طرف آمریکا و فرانسه تن دهد، از نظر سیاسی مورد تهاجم گروههای سیاسی داخلی قرار خواهد گرفت. بنابراین به احتمال بسیار دولت ضیاء سعی خواهد کرد سریعاً اعلام نماید که کشورش در نظر دارد (بدون در نظر گرفتن نتایج احتمالی) کار احداث مجتمع را به تنهایی آغاز نماید. در این رابطه اگر استدلال فرانسه را مد نظر قرار ندهیم، تردید خواهیم داشت که دولت پاکستان بتواند کار احداث این مجتمع را به تنهایی جهت عملیات بازرگانی آغاز کرده و یا بتواند از یک منبع خارجی دیگر در این راه کمک بگیرد. معذالک، پاکستانیها ممکن است با احداث یک کارخانه کوچک و غیر مجهز جهت تولید پلوتونیوم خالص کار خود را آغاز نمایند، که هدف آن نیز بر همه روشن است.

۳- با در نظر گرفتن این مسئله، در نظر داریم با همکاری فرانسه راهی بیابیم تا از طریق آن بتوانیم دولت پاکستان را از اتخاذ تصمیم عجولانه در صورت لغو قرارداد توسط فرانسه بازداریم. ما به مشکلات موجود در زمینه هماهنگ سازی تاکتیکیها با فرانسویها قبل از اتخاذ تصمیم در مورد قرارداد توسط آنها به خوبی واقف هستیم. معذالک در این مرحله بهتر است که شما با فرانسویها در مورد نحوه کناره گیری از قرارداد گفتگو نمایید تا به اتفاق و یا به طور جداگانه، بر طبق مطالب مندرج در پاراگراف ۱- ج تلگرام مرجع بتوانیم انگیزه های مهمی را در برابر دولت پاکستان قرار دهیم تا به تنهایی کار احداث مجتمع را آغاز ننماید.

۴- عکس العمل شما نسبت به مطالب بالا مورد امتنان خواهد بود. کریستوفر

سند شماره (۵)

تاریخ: ۱ اردیبهشت ۱۳۵۷ - ۲۱ آوریل ۷۸
 از: سفارت آمریکا در پاریس
 به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. فوری

موضوع: مسئله مجتمع هسته ای پاکستان

۱- به نظر ما، در صورتی که ژیسکار به این نتیجه رسیده باشد که راههای پیشنهادی در برنامه فرانسه - آمریکا که در پاراگراف اج مرجع درج شده، خواهد توانست دولت پاکستان را از تصمیم خود مبنی بر احداث مجتمع منصرف نموده و نشان دهد که این فعالیتها درگیری و روابط همزمان فرانسه آمریکا را با پاکستان ایجاب خواهد کرد، وی خواهد توانست تصمیم لغو قرارداد مربوط به این کارخانه را اتخاذ نماید.
 ۲- فرانسویها: ژاکومت می گوید که در صورت خروج فرانسویها، پاکستان خواهد توانست این کارخانه را به نحوی تا چند سال آینده به پایان برساند، بنا به گفته ژاکومت، دو مهندس فرانسوی در حال حاضر در محل احداث کارخانه کمکهای فرانسوی را ارائه می کنند و او گزارش می دهد که این کارخانه طبق مشخصات لازم با چند ماه تأخیر احداث خواهد شد. بنابر این ژاکومت معتقد است که اگر دولت فرانسه قرارداد را لغو نموده و دولت پاکستان به تنهایی کار را ادامه دهد، کارخانه به نحوی عملیات خود را آغاز خواهد کرد که تحت کنترل فرانسه نخواهد بود و ضربه عظیمی به اهداف عدم تکثیر اتمی وارد خواهد آمد. فرانسه از پاکستان خارج خواهد شد و به اعتبار آن کشور در برابر دیگر مشتریان تجهیزات هسته ای لطماتی وارد خواهد شد. بنابراین لغو قرارداد نفعی به همراه نخواهد داشت بلکه خساراتی را نیز پدید

خواهد آورد.

۳- در جلسه توجیه NYE در مورد احتمال همکاری آمریکا فرانسه در ۳۱ مارس که با ژاکومت صورت گرفت (مرجع د)، ژاکومت به ادامه این بحث و تبادل نظر علاقه بسیاری نشان داد. وی در «رساله راه چاره» خود جهت گزارش به ژیسکار د که احتمالاً در دو یا سه هفته آتی تهیه خواهد گردید توجه بسیار مبذول خواهد داشت.

۴- در صورتی که وزارتخانه توافق نماید و اطلاعات بیشتری را در مورد تاکتیکها و انگیزه‌های احتمالی در اختیار ما قرار دهد، ژاکومت از آنها استقبال خواهد کرد و علاوه بر این در گفتگو با ژاکومت و دیگران در وزارت امور خارجه در مورد خصوصیات کلی این فنون و انگیزه‌ها نیز دولت آمریکا را یاری خواهد داد. آنها احتمالاً در چند روز آینده راههای چاره این مورد را بررسی خواهند کرد «تا همین راههای حل» که برای ژیسکار گزارش خواهند شد تمام منافع و علایق دولت فرانسه را نیز در عین حال تأمین نمایند. این سناریو ممکن است سبب شود که فرانسویها قبل از اعلام علنی تصمیم توسط ژیسکار از آمریکا بخواهند که در مورد آن تضمین قطعی بدهد. بد نیست مسئله این مجتمع پاکستانی را در برنامه کار گفتگوی تلفنی (یا ملاقات) ژیسکار و کارتر در آمریکا در اواخر ماه مه بگنجانیم و قبلاً از وزارت خارجه فرانسه بخواهیم که «رساله راههای حل» را قبل از موعد ملاقات به دست ژیسکار برسانند. گامون

سند شمار (۶)

تاریخ: ۵ اردیبهشت ۱۳۵۷ - ۲۵ آوریل ۷۸
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد به: وزارت امور خارجه در واشنگتن. دی سی. - فوری

موضوع: مسئله مجتمع هسته‌ای پاکستان

۱- اینجانب با پیشنهاد مطروحه در تلگرام مرجع (الف) مبنی بر تهیه طرحی در مورد نحوه همکاریمان در صورت توافق و تطابق تصمیم پاکستانیها با خواسته‌های ما (یعنی در صورتیکه فرانسویها تصمیم بگیرند قرارداد مربوط به کارخانه را لغو نمایند) موافق بوده، و با تلگرام مرجع (ب) نیز در ارتباط با وارد کردن فرانسویها در این طرح قبل از اتخاذ تصمیم در مورد لغو با پاکستان دو چیز است:

الف: ما می‌خواهیم در دراز مدت مطمئن شویم که پاکستانیها چه با همکاری فرانسویها و چه به تنهایی (در صورت ادعای فرانسویها) و یا با همکاری منابع دیگر کار احداث کارخانه را از سر نخواهند گرفت. ما تنها بر آن نیستیم که بر سر راه تولید تسلیحات هسته‌ای توسط پاکستان موانعی ایجاد کنیم؛ ما می‌خواهیم اصولاً حق این کار را از آنها بگیریم.

ب: در کوتاه مدت نیز می‌خواهیم مانع از آن شویم که دولت پاکستان علناً اعلام نماید که می‌خواهد به تنهایی کار احداث مجتمع را به پایان برساند، چون در غیر این صورت روابط آمریکا و پاکستان پیچیده‌تر شده و دولت پاکستان نخواهد توانست به آسانی حرف خود را پس بگیرد.

۳- گفتگوهای فرانسه و آمریکا با پاکستانیها باید به تنهایی و به طور جداگانه صورت پذیرد. این عمل نه تنها بحث در مورد محتوای روش ما را ممکن خواهد ساخت، بلکه سبب خواهد شد که به موقع از اخطار دولت پاکستان به فرانسویها مطلع شده و سریعاً در صدد ممانعت از عکس‌العمل نابجا و پر دردسر پاکستان برآییم.

- ۴- ما از ارائه وعده و وعید حتی به طور ضمنی نیز باید خودداری کرده، طبق توان خود قول بدهیم. علاوه بر این نباید به کمکهای آمریکا بیش از آنچه در ذهن پاکستان شکل گرفته ارزش و بها بدهیم.
- ۵- لازم است قبل از آنکه من بتوانم با ژنرال ضیاء صحبت کنم فرانسویها ابتدا به ژنرال ضیاء در مورد لغو قرارداد اطلاع خواهند داد و به وی پیشنهاد همکاری در زمینه احداث یک راکتور نیروی دیگری را ارائه خواهند کرد. نکات مورد نظر اینجانب می تواند مسائل زیر را در برگیرد:
- الف: ما متوجه هستیم که دیگر نباید نگران کاربرد مقررات اصلاحیه گلن باشیم.
- ب: ما امیدواریم که روابط صمیمانه تری از سر گرفته شود. ما به سهم خود آماده ایم تا:
- ۴۰ تا ۴۵ میلیون دلار باقیمانده از برنامه کمکهای سالانه گذشته را ارائه کرده، و مقادیر دیگری را نیز از سال مالی جاری تأمین نماییم.
- طرح بهره برداری از برنامه حدوداً ۱۰۰ میلیون دلاری آتی خود را سریعاً آغاز نماییم.
- قراردادهای دیگر ۴۰-PL را نیز مورد بررسی قرار دهیم.
- با پاکستان گفتگو کرده و تقاضاهای این کشور را در مورد نیاز مشروع دفاعی در رابطه با ناوها و هواپیماهای مدرن مورد بررسی قرار دهیم.
- برنامه IMET را از قبیل گسترش معتدل برنامه ای مشابه حداقل هزینه تورم ادامه دهیم.
- با دولت پاکستان در مورد تضمینهای امنیتی دولتهای موافق عدم تکثیر تسلیحات هسته ای گفتگو نماییم.
- گفتگوهای خود با دولت پاکستان را به زمینه هایی بکشانیم که دولت پاکستان از طریق آنها میل دارد روابطمان از صمیمیت بیشتر برخوردار گردد.
- ج: توانایی ما در بررسی تمام این مسائل و انجام اقدامات مثبت جهت بهبود همکاری دو جانبه و روابط فی مابین، البته به تمایل پاکستان در پذیرش تصمیم فرانسه و عدم گسترش تا تکمیل مجتمع هسته ای در پاکستان بستگی دارد.
- ۶- نکته دیگر این است که راه حلی طرح شود تا به پاکستانیها نشان داده شود که ما آماده ایم به کشور در زمینه رفع نیازهای انرژی هسته ای کمک نماییم تا همکاری آنها با آمریکا در رابطه با عدم تکثیر هسته ای، آنها را از منابع تکنولوژی هسته ای با مقاصد صلح آمیز محروم ننماید.
- ۷- در گفتگو با فرانسویها، ما باید تا آنجا که ممکن باشد منافع بازرگانی فرانسوی در اینجا را نیز در نظر بگیریم. ما ممکن است نتوانیم در رابطه با قراردادهای کامیون ساویم و اتوبوس هوایی الف - ۳۰۰ که بنا به گفته پاکستانیها با لغو قرارداد مجتمع قربانی خواهند شد فرانسویها را یاری دهیم. مثلاً هر چند مدعی باشیم که ما از فرصتهای موجود در رابطه با محصولات آمریکایی و به خصوص هواپیماهای آمریکایی بهره برداری نخواهیم کرد، فرانسویها آن را به آسانی نخواهند پذیرفت.
- مهمترین راه برای متقاعد ساختن فرانسه به لغو قرارداد این است که آمریکا گسترش برنامه فروش راکتور به پاکستان را مورد حمایت قرار دهد. ما می توانیم فرانسه را در تأمین هزینه های مالی چه از طریق منابع دولت آمریکا و چه منابع اوپک چون ایران و عربستان سعودی یاری دهیم.
- ۸- یادآور می شوم که بعضی از تلگرامهای مربوط به تهران ارجاع شده ولی بعضی دیگر ارسال نشده است. پیشنهاد من این است که تلگرامهای اخیر به بیل سولیوان داده شود تا او نیز در مورد نقش شاه از

نتایج حاصله از افشای سناریوی بالا بتواند نظریات خود را ارسال دارد. هومل

سند شماره (۷)

تاریخ: ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۷ - ۱۷ می ۷۸
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی.

موضوع: پاکستان، ایران و مجتمع هسته‌ای

۱- ما در مورد مسائل مطروحه در پاراگراف سوم تلگرام الف نظریات و نتایج متفاوتی داریم. پاکستان به هیچ وجه به لغو قرارداد مجتمع هسته‌ای از طرف فرانسه تن نخواهد داد. در حقیقت دولت پاکستان در مورد پیمان شکنی فرانسویها و غیرمنصفانه بودن فشارهای وارده از طرف آمریکا به فرانسه و پاکستان جنجال بسیاری به پا خواهد کرد. سرنوشت بوتو هر چه باشد، دولت کنونی می خواهد به پاکستانیها بفهماند که به هیچ وجه مایل نیست این قرارداد لغو گردد.

۲- همان طور که گفته ایم برنامه کمک اقتصادی و احتمالاً نظامی پیشنهاد آمریکا می تواند دو هدف تاکتیکی را دنبال کرده باشد: (الف) کاهش خشونت عکس العمل پاکستان تا حد ممکن، و (ب) حصول اطمینان از این مسئله که دولت پاکستان سریعاً اعلام نخواهد کرد که آماده است به تنهایی کار احداث کارخانه را ادامه دهد؛ چون اعلام این مطلب موانع بسیاری را بر سر راه تواناییمان در ادامه کمک قرار خواهد داد. برنامه کمکها طوری طرح ریزی نخواهد شد که دولت پاکستان را به «توافق» به لغو قرارداد که به نظر ما غیرممکن است وادار سازد. هومل

سند شماره (۸)

تاریخ: ۱۷ تیر ۱۳۵۷ - ۸ ژوئیه ۷۸
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی سی
به: سفارت آمریکا در تهران، فوری

موضوع: تضمین وام بانکی تجاری به پاکستان توسط ایران

نسخه ذیل از مطالبی که در رابطه با تضمین وام بانکی تجاری به پاکستان توسط ایران برای معاون وزیر نیوسام تهیه شده جهت اطلاع در اختیار شما گذارده می شود.
زمینه قبلی:

در دو سال گذشته بین پاکستان و سندیکای بانکهای خصوصی به (ریاست سیتی بانک) مباحثات بسیاری پیرامون امکان اعطای ۳۰۰ میلیون دلار وام بانکی تجاری صورت گرفت. موعد پرداخت این وام ۶ تا ۷ سال دیگر خواهد بود و ایران آن را تضمین خواهد کرد. به خاطر ناامنیهای سیاسی و اقتصادی پاکستان و مشکلات مربوط به حل جنبه های فنی این وام، بانکهای خصوصی در پرداخت وام تأخیر روا داشته اند. در نتیجه پاکستان شروع به گردآوری قروض کوتاه مدت (یکساله و یا کمتر) کرد تا هزینه یا سرمایه مورد نیاز خود را به این طریق گردآوری نماید.

ظاهراً در ماههای اخیر دولت پاکستان با دولت ایران در مورد ۳۰۰ میلیون دلار وام مورد نیاز وارد مذاکره شده است؛ لیکن دولت ایران نیز با خونسردی از اتخاذ تصمیم تا حل شدن مسئله بوتو امتناع می ورزد. معذالک، مشکلات مربوط به موازنه بازپرداختهای پاکستان کاهش یافته است، که دلیل اصلی

آن ارسال پول توسط کارگران از خارج می‌باشد. (ارسال پول از خارج کارگران از ۶۰۰ میلیون دلار در سال مالی ۱۹۷۷ به ۱/۲ میلیارد دلار در سال مالی ۱۹۷۸ رسید). مذاکرات بین صندوق بین‌المللی پول و دولت پاکستان نشانگر نیاز موجود جهت کاهش قروض جدید است. دولت پاکستان در نظر دارد قروضی را که موعد بازپرداخت آنها کمتر از ۵ سال است ممنوع اعلام کرده (وامهای مربوط به وارد کردن مواد غذایی از این قاعده معاف می‌باشند) و وامهایی را که مدت بازپرداخت آنها نیز کمتر از ۱۵ سال است محدود خواهد نمود. طبق اظهارات ستاد صندوق بین‌المللی پول، طبق ملاحظات کنونی وام بانکی تجاری ۳۰۰ میلیون دلاری نیز ممنوع خواهد بود. پاکستان از نتایج نشست ماه ژوئن کنسرسیوم کمکی بانک توسعه و بازسازی بین‌المللی بسیار ناراحت بود، چون کنسرسیوم اعلام کرده بود که وضع بازپرداختهای پاکستان سبب شده است که این بانک نتواند بهترین وام را در اختیار این کشور قرار دهد. دولت پاکستان نیز معتقد است که در حال حاضر قادر است آنقدر ارز خارجی به دست آورد که بتواند هزینه واردات سنگین غیرمنتظره، از قبیل حدود دو میلیون تن گندم، در ۱۲ ماه آتی را بپردازد.

(کنسرسیوم اعتباردهندگان، بی‌ثباتی وضع بازپرداختی پاکستان را به رسمیت شناخته و قول داد که نیاز این کشور را به وام در نظر داشته باشد). دولت پاکستان به صندوق بین‌المللی پول یادآور شده است که در نظر دارد در قوانین و مقررات مربوطه جرح و تعدیلهایی را به وجود آورد تا در صورت توافق کنسرسیوم با شرایط آنان نیز مطابقت داشته باشد. شاید دولت پاکستان به این نتیجه رسیده است که باید موضوع وام ۳۰۰ میلیون دلاری را بار دیگر مطرح سازد. معذالک بانکهای خصوصی، تا زمانی که مقاصد ایرانیان روشن نشود، به این مسئله توجه بیشتری نخواهند کرد.

وضع و دورنمای اقتصادی پاکستان افزایش قروض تجاری عمده را توجیه نمی‌کند. اقتصاد آن تا سرحد امکان باید متکی به کمکهای امتیازی باشد. تنها سود عاید از این وام تجاری می‌تواند بازپرداخت قروض عمده کوتاه مدت یا جایگزین ساختن وامهای دشوارتر (چون وام CCC) باشد. به هر حال، بهبود وضع بازپرداختی موقتی پاکستان و تلاش صندوق بین‌المللی پول در محدود کردن وابستگی این کشور به وامهای تجاری نشان می‌دهد که دولت آمریکا نباید ایران را به شرکت در مسئله این وام در زمان حاضر ترغیب نماید.

تذکر: اولین قسط (۸۵ میلیون دلاری) از وام ۵۸۰ میلیون دلاری سال ۱۹۷۴ ایران به پاکستان توسط ایران به تعویق افتاد (لیکن لغو نگردید). انتظار می‌رفت که قسط دوم (۸۵ میلیون دلاری) که می‌باید در ۳۰ ژوئن ۱۹۷۸ پرداخت شود نیز به تعویق افتد. ایرانیان امیدوار بودند که بانک توسعه و بازسازی بین‌المللی در اجلاس ماه ژوئن با پرداخت این وام در صورت عدم ارائه وام از طرف کنسرسیوم، موافقت نمایند. (قرض پاکستان به کنسرسیوم با شرایط امتیازی بیشتری در مقایسه با شرایط وام ایران به پاکستان تمدید شده است). تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۷، میزان قروض پاکستان به کنسرسیوم دارای یک عنصر اعطایی ۶۱ درصد بود که طی آن به میزان ۶۴ درصد به آمریکا مقروض می‌شد. در حالی که عنصر اعطایی و مهم ایران تنها ۳۲ درصد بود.

بعضی از گزارشات حاکی است که قسط مذکور ۵۸ میلیون دلار بوده نه ۸۵ میلیون دلار.

سند شماره (۹)

از: سفارت آمریکا در پاریس
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی سی. برای اداره اطلاعات و پژوهشها پودلر، ساندرز، جری
اسمیت
تاریخ: ۲۷ تیر ۱۳۵۷ - ۱۸ ژوئیه ۷۸

موضوع: اداره اطلاعات عالی مجتمع هسته‌ای پاکستان

ای کسانی که کم ایمانید، بدم نمی آید که (در مرخصیهای تابستانی) به من بگویید که چه چیز عجیبی سبب شد که فکر کنید فرانسویها این کار را انجام نخواهند داد. می دانم که هیچ یک از شما فکر نمی کنید که آقای دوپان یک فرد ایده آلیست نگران بشریت است، لیکن آیا اطلاعات ما نیز بر این گونه ذهنیات استوار است؟
هارتمان

سند شماره (۱۰)

تاریخ: ۱۳ مرداد ۱۳۵۷ - ۴ اوت ۷۸
از: سفارت آمریکا در مسکو
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی سی.

موضوع: سفر اسحاق خان و آقا شاهی به مسکو

خلاصه: مقام سفارت پاکستان اظهار می دارد که اسحاق خان و آقا شاهی در سفر خود به مسکو موفق شدند جهت کارخانه ذوب آهن کراچی از طرف شوروی کمکهای بیشتری تأمین نمایند. وی این مورد را موضع مثبت دیگر شوروی در قبال پاکستان عنوان کرده است. شاید علت آن نیز تمایل شوروی به برطرف ساختن نگرانیهای پاکستان در مورد مقاصد روسیه در افغانستان باشد و یا شاید نشانگر نگرانیهای پاکستان در مورد مقاصد روسیه در افغانستان باشد و یا شاید نشانگر نگرانی شوروی از راستگرا شدن بسیاری از کشورهای آسیایی چون، پاکستان، هند، بنگلادش و سریلانکا، بوده باشد. (پایان خلاصه)
۱ - کمال، دبیر سفارت پاکستان در مورد سفر وزیر دارایی، برنامه ریزی و هماهنگی ایالتی، اسحاق خان (که در تاریخ ۱ مرداد ماه وارد مسکو شد) و وزیر کشور در امور خارجی یعنی آقا شاهی (که در تاریخ ۴ مرداد ماه وارد مسکو شده بود) با مقام سفارت گفتگو کرد. هر دوی آنها در تاریخ ۸ مرداد ماه مسکو را به قصد پاکستان ترک نمودند.

۲ - کمال اظهار داشت که مذاکرات خان بر نیاز پاکستان برای کمک مالی بیشتر شوروی در زمینه کارخانه ذوب آهن کراچی متمرکز بود. کمال گفت وضع بسیار تأسف بار اقتصادی پاکستان، وزارت دارایی را به این نتیجه رساند که پاکستان قادر نیست هزینه های محلی لازم برای پروژه را تأمین نماید. در این مذاکرات روسها توافق کردند که ۲۲۰ میلیون دلار کمک اضافی تأمین نمایند که چهل درصد آن به صورت وام بدون بهره، ۴۰ درصد آن به صورت وام تجاری با پنج درصد نرخ بهره (کمال گفت روسها معمولاً برای وامهای خود شش درصد نرخ بهره دریافت می دارند) خواهد بود که باید در عرض شش سال بازپرداخت گردد و بیست درصد باقیمانده از اعتبارات استفاده نشده ارائه شده توسط شوروی به پاکستان مورد استفاده قرار خواهد گرفت. وی گفت مهم این است که شوروی تعهد کرده است که تولید مازاد بر احتیاج پاکستان توسط کارخانه ذوب آهن را به صورت بازپرداخت وامهای پرداختی خریداری نمایند.
۳ - کمال گفت آقا شاهی با باکولف ملک معاون وزیر خارجه شوروی به مدت شش ساعت گفتگو کرد.

شاهی بخش اعظم گفتگوها را انجام داد و نظر پاکستان را در مورد مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی ارائه کرد. ملک در تمام مدت گوش می‌داد ولی در مورد مواضع یا مقاصد شوروی سخنی به میان نمی‌آورد.

۴ - کمال گفت شوروی توافق کرده است که:

(الف) شرایط تعیین شده در اولین سفر وزیران پاکستان به مسکو از زمان سقوط بوتو، را بپذیرد، و (ب) کمک بیشتری در اختیار کارخانه ذوب آهن کراچی قرار دهد که نشانگر «موضع» مثبت شوروی در قبال پاکستان می‌باشد. وی گفت «مواضع» دیگر شوروی نیز مشابه قرارداد پیشین شوروی و پاکستان در ماه مارس (تلگرام مرجع) است و نشان می‌دهد که شوروی میل دارد یک نیروگاه نیز در پاکستان احداث نماید (که گویا نیروگاه حرارتی گونرو می‌باشد).

۵ - در پاسخ به یک سؤال، کمال خاطر نشان ساخت که مواضع شوروی می‌تواند بر نگرانیهای کلی شوروی در زمینه گرایش راستگرایانه تعدادی از کشورهای آسیای جنوبی چون هند، پاکستان، بنگلادش و سریلانکا استوار بوده باشد. این نگرانیها نیز ممکن است ناشی از تشدید فعالیت گروههای محافظه کار اسلامی چون گروه برادری و اخوت اسلامی باشد. کمال گفت شورویها ارائه کمک بیشتر در زمینه کارخانه ذوب آهن را عاملی در جهت خنثی‌سازی نگرانیهای پاکستان در رابطه با مقاصد شوروی در آسیای جنوبی به دنبال کودتای افغانستان به حساب می‌آورند.

سند شماره (۱۱)

تاریخ: ۲ شهریور ۱۳۵۷ - ۲۴ اوت ۷۸
از: سفارت آمریکا در پاریس
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. - فوری
موضوع: آشکار شدن مسئله مجتمع هسته‌ای فرانسه - پاکستان

۱ - از نقطه نظر فرانسه و آمریکا، اولین روز گزارش مطبوعات فرانسوی در مورد مکاتبه بین سیا و ژیسکارد مثبت بوده است. روزنامه‌های لوموند و لوفیگارو با تأکید بر ارزش تصمیم فرانسه در رابطه با عدم تکثیر هسته‌ای اعلام داشته‌اند که به همین دلیل است که این کشور میل دارد در مورد قرارداد مذاکره نماید. عنوان صفحه اول لوفیگارو در تاریخ ۲ شهریور ماه مدعی بود که ژیسکارد در جهت عدم تکثیر هسته‌ای گامی دیگر برمی‌دارد. در صفحه اول لوموند آمده است که بیانات ضیاء نشانگر پایان یک تاریخ طولانی است؛ لوموند محکومیت آن را پیروزی شعور حسنه نامید. هر دو روزنامه یادآور شده بودند که پاکستان تنها به منظور تهیه پلوتونیوم خالص جهت بهره‌برداری نظامی خواستار ایجاد و تأسیس این مجتمع بوده است.

۲ - کاخ الیزه در غروب روز یکم شهریور ماه اعلام داشت که:
-- هدف نامه ژیسکارد به ضیاء این بوده است که پاکستان چگونگی تطابق مفاد عدم تکثیر هسته‌ای را با اجرای قرارداد ۱۹۷۶ مورد بررسی قرار دهد.

-- فرانسویها میل دارند جهت تجدید نظر در قرارداد مذاکرات خود را آغاز نمایند.
-- فرانسه پیشنهاد کرده است که یک مجتمع مشترک عاری از عدم تکثیر هسته‌ای در پیش گرفته شود و معتقد است که این مسئله می‌تواند شرایط عدم تکثیر هسته‌ای را با حق همه کشورها در استفاده از تکنولوژی هسته‌ای با مقاصد صلح‌آمیز تطابق دهد.

۳- در رابطه با آمریکا، مطبوعات فرانسه اصولاً از فشار وارده از طرف آمریکا به فرانسه سخنی به میان نیاوردند. فیگارو یادآور شد که سیاست عدم تکثیر هسته‌ای فرانسه در سال ۱۹۷۶ و قبل از ریاست جمهوری کارتر اعلام شده بود. لوموند به نگرانی آمریکا در مورد این قرارداد و فشار آمریکا به پاکستان (نه فرانسه) اشاره‌ای داشت. لوموند یادآور شد که آمریکا و فرانسه در مورد عدم تکثیر قطعاً به توافق دست خواهند یافت. همچنین یادآور شد که پایان مسئله پاکستان - فرانسه بار دیگر بین واشنگتن و بن در مورد قرارداد احداث مجتمع هسته‌ای در برزیل

۴- طبق پیش‌بینی ما، گلیستها نیز صدماتی به دولت فرانسه وارد خواهند کرد. لیکن ژیسکارد خواهد توانست آنها را به سهولت ترمیم نماید. این واقعیت که این مسئله در تعطیلات ماه اوت فاش شده به قوت خود باقی است. بد نیست بدانیم که فیگارو که گرایشهای گلیستی دارد به تصمیم فرانسه با نظر موافق می‌نگرد. ولی معلوم نیست که دولت پاکستان این اشارات دولت فرانسه را که در مطبوعات منعکس شده و گویای آن است که پاکستان می‌خواسته از این کارخانه به منظور تولید سلاحهای اتمی بهره برداری نماید. هارتمان

سند شماره (۱۲)

تاریخ: ۸ شهریور ۱۳۵۸ - ۳۰ اوت ۷۸
از: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد

به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: عکس‌العمل مطبوعات و دولت پاکستان نسبت به لغو

قرارداد احداث هسته‌ای به‌طور شگفت‌آوری ملایم بوده است.

۱- خلاصه: تا به حال عکس‌العمل نسبت به تصمیم فرانسه مبنی بر لغو قرارداد نیروگاه هسته‌ای خود با پاکستان و نسبت به فشارهای وارده از طرف آمریکا که در رابطه با اقدام فرانسه مؤثر بوده، به طرز شگفت‌آوری ملایم بوده است. عکس‌العمل رسمی نسبت به لغو این قرارداد (که هرگز به رسمیت شناخته نشده است) محدود به بیانات ژنرال ضیاء در یک کنفرانس مطبوعاتی در ۲۳ اوت (مرجع ب) و بخشهایی از سخنرانی طویل مشاور وزارت امور خارجه آقاشاهی در مورد عدم تکثیر هسته‌ای در ۲۹ اوت بوده است.

سفارت دریافته است که مقامات دولت پاکستان در حال تهیه بیانیه‌ای در روشن کردن موضع رسمی خود می‌باشند، ولی الزاماً نباید چنین فکر کرد که آنها موضع تهاجمی‌تری را اتخاذ خواهند نمود. تفاسیر و تعابیر بخش خصوصی توسط مقالات و نقدهای سردبیری نشان داده شده که در آنها مداخله آمریکا و فرانسه در ایجاد بی‌توجهی نسبت به این مسئله محکوم شمرده شده است. مطبوعات الهام گرفته از طرف مقامات رسمی (اگر تحت کنترل آنها نباشد) جنبه‌های تأسف آمیز تنها ماندن و جدا شدن پاکستان از دوست بزرگ پیشین خود (آمریکا) را مورد تأکید قرار داده و از نقش ما در این مسئله و محکومیت آن حرفی به میان نیاورده است. لیکن همه مطبوعات موجود اعلام کرده‌اند که ملت پاکستان همیشه مورد بدرفتاری و بی‌مهری از سوی قدرتهای بزرگ واقع شده که این بار نیز به صورت ممانعت از گسترش نیروی هسته‌ای آن جلوه‌گر شده است. ولی تا به حال از سوی مقامات رسمی بیانیه‌ای مبنی بر تدارک دیدن ظرفیت هسته‌ای منتشر نشده است. (پایان خلاصه)

۲ - سفارت دقیقاً مراقب عکس‌العمل مطبوعات پاکستانی و نیز محافل رسمی نسبت به تصمیم فرانسه مبنی بر لغو قرارداد مجتمع هسته‌ای پاکستان بوده است. تا به حال عکس‌العمل تمام بخشهای عمومی و خصوصی به طرز شگفت‌آوری معتدل و ملایم بوده است. عکس‌العمل رسمی دولت پاکستان محدود به کنفرانس مطبوعاتی ژنرال ضیاء در ۲۳ اوت (گزارش مرجع ب) و سخنرانی ۲۹ اوت مشاور وزارت امور خارجه آقاشاهی در مجمع فدرالیستهای پاکستان بوده است. در هیچ یک از این بیانات مطلبی نیست که نشان دهد پاکستان تصمیم گرفته است به «تنهایی» پروژه مجتمع را به پایان برساند و یا تکنولوژی لازم را از منابع خارجی دیگر تأمین نماید.

۳ - بیانیه رئیس‌جمهور: ژنرال ضیاء در پاسخ به سؤال مطروحه در کنفرانس مطبوعاتی ۲۳ اوت در رابطه با احتمالاً کمک در زمینه این مجتمع گفت که پاکستان با هیچ‌یک از منابع خارجی دیگر در مورد احتمال تحصیل تکنولوژی لازم مذاکره نکرده است. در پاسخ به یک سؤال مستقیم دیگر مبنی بر اینکه آیا پاکستان در نظر ندارد این مجتمع را تکمیل نماید، ژنرال ضیاء مطلب را در یک جواب طولانی به این شرح روشن ساخت: پاکستان تصمیم گرفته است که در زمینه تکنولوژی هسته‌ای پیشرفت نماید. پاکستان به جامعه بین‌المللی اعلام کرده است که با تکثیر هسته‌ای و سوء استفاده از انرژی هسته‌ای مخالف است. -- با وجود اینکه تا به حال نتوانسته‌ایم نسخه کامل بیانات ۲۳ اوت رئیس‌جمهور را به دست آوریم (و گمان می‌کنیم که دولت پاکستان توزیع این‌گونه نسخ را ممنوع کرده باشد) ولی ترجمه نسبی ما از گزارشات رسیده نشان می‌دهد که ضیاء در سه مورد نظر دارد لیکن در مورد تکنولوژی لازم برای مجتمع سخنی به میان نیآورده است.

-- در کنفرانس مطبوعاتی ۲۳ اوت نقش آمریکا در وارد کردن فشار بر فرانسه نیز محکوم اعلام نشده است.

۴ - سخنرانی آقاشاهی: تنها بیانیه رسمی منتشره دیگر، سخنرانی مشاور وزارت خارجه آقاشاهی در ۲۹ اوت بوده است. آقاشاهی در کراچی و در مجتمع فدرالیستهای جهان، از یک سیاست وسیع در جهت عدم تکثیر هسته‌ای و انتقال سلاح و منطقه‌عاری از سلاحهای هسته‌ای صحبت کرد. او با عصبانیت از عهدشکنی بعضی از کشورهای دارای ظرفیت هسته‌ای و همپیمانانشان (؟) که مانع از انتقال تکنولوژی هسته‌ای به منظور استفاده در راههای در جهان سوم... سخن گفت. آقاشاهی به حضار خود اطمینان داد که پاکستان اصول عدم تکثیر هسته‌ای را رعایت کرده و به امنیت بین‌المللی به‌طور کامل سرسپرده است. پس از آن وی به نقاط کور قدرتهای بزرگ در عدم کاربرد صحیح سیاست عدم تکثیر اشاره کرد که نیروی هسته‌ای را به‌طور یکسان در اختیار تمام کشورها قرار نمی‌دهند (و در این زمینه از آفریقای جنوبی و اسرائیل نام برد).

-- آقاشاهی بخش اعظم سخنرانی خود را به بحث پیرامون تمام جنبه‌های عدم تکثیر هسته‌ای اختصاص دارد که عبارتند از: اقیانوس هند به عنوان یک منطقه‌عاری از سلاحهای هسته‌ای، حمایت از پیشنهاد سازمان ملل به منظور بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در سطح بین‌المللی، و تلاش برای محدود ساختن تسلیحات قراردادی. مشاور از آمار و ارقام عظیمی در این زمینه استفاده کرد (مثلاً گفت که مقدار پول مصرف شده توسط سازمان بهداشت جهانی برای ریشه‌کن کردن مالاریا بوده است) تا نشان دهد که با مسابقه تسلیحاتی موجود در جهان مخالف است و قول داد که پاکستان سعی خواهد کرد منابع

محدود خود را در زمینه‌های سازنده‌تری به کار برد.

۵- بیانیه رسمی آتی: سفارت از طریق منابع موثق دریافته است که دولت پاکستان در حال آماده کردن بیانیه‌ای رسمی در رابطه با مسئله مجتمع است. ما دریافته‌ایم که مشاور آقاشاهی، وزیر خارجه شهناز و نیاز نایک دبیر دیگر از تهیه پیش‌نویس امتناع ورزیده‌اند. تهیه پیش‌نویس بیانیه در این مرحله به عهده منیر اکرم رئیس امور سازمان ملل در وزارت خارجه گذاشته خواهد شد. هنوز معلوم نیست که این بیانیه در چه زمانی انتشار خواهد یافت.

۶- عکس‌العمل‌های نیمه رسمی: عکس‌العمل مطبوعات نسبت به لغو قرارداد مجتمع می‌تواند به دو طبقه تقسیم گردد. مهمترین طبقات نظریه نیمه رسمی مطبوعات ملی تحت کنترل دولت پاکستان است. موضعتر است مطبوعات ملی به رهبری «تایمز پاکستان» تا به حال معتدل بوده و از بر پا کردن جنجال ورزیده‌اند. «تایمز پاکستان» در سر مقاله خود هر گونه شک و شبهه را در مورد ماهیت واقعی نامه ژیسکارده به ضیاء با بیان این مطلب که «گذشته از تعارفات و ابهامات دیپلماتیک این (نامه) بدین معنی است که پاریس می‌خواهد به تعهدات پیشین خود عمل نماید.» همین سر مقاله از «دستپاچه شدن فرانسه در برابر فشارهای وارده از طرف آمریکا» اظهار تأسف می‌کند.

-- تایمز و دیگر روزنامه‌های تراست به طرز غریبی از ایراد سخنان انتقادآمیز در رابطه با فرانسه و آمریکا خودداری کرده و از اقدامات تلافی‌جویانه دولت پاکستان نیز سخنی به میان نیاورده‌اند.

۷- عکس‌العمل مطبوعات مستقل: مطبوعات مستقل موجود در پاکستان نشانگر بعد وسیعی از منافع سیاسی، فرهنگی و اقتصادی هستند. لیکن در محکوم نمودن لغو قرارداد از سوی فرانسه جنجال زیادی به راه نینداخته‌اند. تلخی و اشتیاق هر یک به انتقاد کردن در این زمینه متفاوت و در نوسان است. بسیاری از نشریات متوسط طوری وانمود کرده‌اند که معنی آن این است که ما می‌دانستیم که این اتفاق رخ خواهد داد. -- نشریات مسلمانان سنت‌گراور است افراطی جنبه ضد اسلامی و حمایت از اسرائیل لغو قرارداد را مطرح کرده‌اند. ولی این انتقاد نیز چندان شدید نبوده است.

-- مهاجم‌ترین منتقدین این تصمیم - همکاری آمریکا فرانسه - نشریات جناح چپ بودند که بسیاری از آنها حامیان سرسخت رئیس‌جمهور اسبق بوتو می‌باشند. کمیته اجرایی حزب خلق بوتو در ۲۷ اوت تصمیم گرفت از ژنرال ضیاء بخواهد که جزئیات قرارداد مربوط به مجتمع هسته‌ای را منتشر سازد. طبق این تصمیم خواسته شد که اسناد مربوط به گفتگوهای بوتو و نحوه برخورد ژنرال ضیاء با وزرای خارجه و سفیران آمریکا در ارتباط با این مجتمع منتشر گردد. این تصمیم توجه چندان زیادی را از طرف مطبوعات حامی حزب خلق بوتو برنینگخته است.

۸- تذکر: هیچ‌گاه انتظار نداشتیم که در خارج از سفارت شاهد اجتماع تظاهر کنندگان در پاسخ به همکاری آمریکا و فرانسه در لغو این قرارداد باشیم؛ لیکن فکر نمی‌کردیم که احساس اضداد نیز اینگونه تحریک گردد. عناصر مختلف بخش خصوصی عکس‌العمل‌های کش و قوس‌دار نشان داده و دولت پاکستان نیز در بیانات رسمی خود اشاراتی به این مطلب کرده است. آمریکا و فرانسه (و نیز ژنرال ضیاء) مورد انتقادهای شدید به خاطر برقراری حکومت نظامی قرار گرفته‌اند لیکن هیچ‌یک از ما در این زمینه متنبه نشده است. اعتدال کلی عکس‌العمل نشانگر ماهیت ضدجوی اعلامیه و این واقعیت است که مقداری از این خشونت در رابطه با تعلیق کمک‌های آمریکا نشان داده شده است. ضیاء این خبر را زمانی اعلام نمود

که کابینه جدید خود را اعلام می‌کرد و این به نفع ما بود. گفتگوهای خصوصی ما با دولت پاکستان نشان می‌دهد که این دولت برای ارائه پاسخ به فرانسه با آرامی و با احتیاط هر چه بیشتر حرکت می‌کند. با گذشت حرارت وحدت اولیه عکس‌العمل، دولت پاکستان می‌تواند پاسخ دقیق و سنجیده‌ای به دولت فرانسه بدهد. رهبریت دولت پاکستان از تأثیر گفته‌های خود بر محافل بین‌المللی آگاه بوده و احتمالاً با در نظر گرفتن نتایج احتمالی پاسخ خود را عرضه خواهد داشت.

این خبر که موضع رسمی دولت به وسیله یک مقام رسمی متوسط رتبه که از نظر ما یک دیپلمات ذیصلاح است تهیه می‌شود نیز ارائه احتمالی پاسخی معتدل را محتمل‌تر می‌سازد. به نظر ما احتمال ندارد که ژنرال ضیاء پیمان‌شکنی فرانسه و مداخله آمریکا را مورد عتاب و سرزنش قرار دهد. از طرف دیگر، انتظار نداریم که در این بیانیه اعلام شود که پاکستان در پیشبرد اهداف هسته‌ای خود از مجتمع چشم خواهد پوشید. مسئله مجتمع و نقش دولت آمریکا در آن، تا مدتها نقش یک فوتبال سیاسی را خواهد داشت و روابط پاکستانیها با آمریکا را نیز مشخص خواهد کرد. لیکن وضع می‌توانست بدتر از اینها نیز هومل باشد.

سند شماره (۱۳)

تاریخ: ۲۸ شهریور ۱۳۵۷ - ۱۹ سپتامبر ۷۸
از: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: بازدید ریاست بخش اتمی پاکستان از ایتالیا

۱- در گفتگو با همکار خود در سفارت ایتالیا، مقام سیاسی سفارت مطلع شد که منیرخان، سرپرست کمیسیون انرژی اتمی پاکستان برای تاریخ ۱۳ سپتامبر از این سفارت رواید سفر به ایتالیا دریافت داشته است. منیر به ایتالیا بیها گفت که در این سفر سعی دارد در زمینه همکاری انرژی هسته‌ای «خریدهایی» انجام دهد.

۲- منیر نگفته است که در ایتالیا با چه کسی ملاقات خواهد کرد. لیکن سفارت فکر می‌کند که وی با سازمانهای انرژی و احتمالاً شرکتهای خصوصی نشستهایی خواهد داشت. ولی این مسئله تنها در سطح حدسیات باقی مانده است.

۳- منیرخان در اصل یک رویداد محدودالمدت دریافت کرده بود؛ لیکن وی پاسپورت خود را به سفارت ایتالیا ارجاع داده و طی یادداشتی خاطر نشان ساخته بود که میل دارد رویداد چهارساله دریافت دارد چون به خاطر اهداف و مقاصد رسمی مجبور است مرتباً به ایتالیا سفر کند. ویزای دراز مدت نیز صادر گردید.

۴- در مورد سفر منیر مطلبی اعلام نشده است. کنستابل

سند شماره (۱۴)

تاریخ: ۱۴ مهر ۱۳۵۷ - ۱۶ اکتبر ۷۸
از: سفارت آمریکا در پاریس
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
موضوع: از سرگرفته شدن کمکهای آمریکا به پاکستان

۱- ما مشاور عدم تکثیر هسته‌ای وزارت امور خارجه، یعنی ژاکومت را در ۱۴ مهر در مورد محتوای تلگرام مرجع الف توجیه نمودیم.

ژاکومت از ظرفیت نحوه اداره مشاورتهای کنگره قدردانی کرد و گفت لازم نبوده است که از ابراز اطمینانهای فرانسه صحبتی به میان آورده شود. علاوه بر این وی گفت که آمریکا در آغاز برنامه کمکی به سرعت عمل کرده است و همین امر سبب خواهد شد که پاکستان خیال احداث مجتمع راز سر بیرون کند. ۲- ژاکومت با اشاره به مقاصد پاکستان گفت که پاکستانها در تلاش برای به دست آوردن تجهیزات مربوط به مجتمع از چند منبع اروپای غربی و ژاپن با استقبال گرمی روبرو نشده بودند. وی به طور محرمانه به ما گفت که تکنیسینهای فرانسوی موجود در پاکستان به دولت فرانسه اعلام کرده‌اند که بدون تجهیزات مورد لزومی که فرانسه از ارسال آنها امتناع ورزیده است پاکستانها نخواهند توانست این مجتمع هسته‌ای را به پایان برسانند.

۳- ژاکومت گفت که ضیاء هنوز هم به برنامه ژیسکارد پاسخی نداده است. طبق نتیجه گیری فرانسویها، آقاشاهی در آینده نزدیک به فرانسه خواهد آمد و پاسخ ضیاء را نیز به همراه خواهد آورد.

۴- ما در مورد گزارشات مطبوعاتی بیانیۀ بوتو قبل از سقوط خود که گفته بود پاکستان با خرید این مجتمع از فرانسه ظرفیت نیروی اتمی خاصی را کسب خواهد کرد صحبت کردیم (تلگرام مرجع ب). ژاکومت که این مطلب را خوانده بود، گفت که این امر می تواند به عنوان دلیلی دیگر برای تلاش پاکستان در جهت ساختن سلاحهای اتمی، کار دولت را در آرامتر ساختن اوضاع ناشی از لغو قرارداد در داخل فرانسه سهولت بیشتری ببخشد. هارتمان

سند شماره (۱۵)

تاریخ: ۲۹ مهر ۱۳۵۷ - ۲۱ اکتبر ۷۸
از: سفارت آمریکا در پاریس
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
موضوع: نقطه نظرات سفیر پاکستان در فرانسه در مورد مجتمع هسته‌ای

۱- اقبال احمد آخوند سفیر پاکستان (لطفاً منبع حفاظت شود) روز قبل به من گفت که پاکستان در نظر دارد مجتمع هسته‌ای را به تنهایی تکمیل کند. وی گفت اگر دولت فرانسه کمک نکند احداث آن بیشتر طول خواهد کشید، لیکن دولت پاکستان مصمم است که این کار را انجام دهد. وی گفت تکمیل احداث این مجتمع توسط پاکستان مغایر با قانون آمریکا (یعنی اینکه اصلاحیه گلن تنها در مورد انتقال تجهیزات، مصالح یا تکنولوژی بین کشوری مصداق دارد) نمی باشد. وی گفت آمریکا شیفته عدم تکثیر اتمی شده و به مسائل با بیطرفی نمی نگرد. او با صراحت اعتراف کرد که منظور از احداث این مجتمع رسیدن به یک هدف نظامی بوده است تا مردم پاکستان، هند و دیگران به قدرت و توانایی نظامی پاکستان واقف شوند. لیکن وی به توجیه برنامه به نحوی دیگر پرداخت و مصرانه گفت پاکستان مسئله عدم تکثیر اتمی را به خوبی درک

می‌کند. وی گفت از نظر پاکستان اوضاع هند و افغانستان نیاز پاکستان را به توانایی و کسب تسلیحات اتمی ایجاب می‌کند. این نباید به آن معنی باشد که پاکستان می‌خواهد بمبی را منفجر سازد، ولی معنی آن این است که پاکستان باید این قدرت و نیرو را در اختیار داشته باشد.

۲- در پاسخ به تمامی اینها من اظهار داشتم که بهترین راه برای حفظ امنیت پاکستان جلب نظر دوستانش است. گفتم اگر پاکستان بخواهد به تنهایی این کار را ادامه دهد آمریکا به آسانی نخواهد توانست رابطه دوجانبه خود را در حراست از امنیت پاکستان حفظ نماید. من همان طور که در واشنگتن، نیویورک و اسلام‌آباد گفته شده بود، گفتم در صورت تکمیل این مجتمع توسط پاکستان با در نظر گرفتن اصلاحیه گلن نخواهیم توانست به پاکستان کمک نماییم.

سند شماره (۱۶)

تاریخ: ۱ آبان ۱۳۵۷ - ۲۳ اکتبر ۷۸
از: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد
به: سفارت آمریکا در پاریس
خیلی محرمانه

موضوع: مقاصد پاکستان در رابطه با انرژی اتمی

۱- من طی یک عملیات گام به گام به دولت پاکستان نشان خواهم داد که ما از فعالیتها و مقاصد آن دولت در رابطه با انرژی اتمی مطلع بوده و آنان را نسبت به خطرات و مجازاتهای موجود واقف خواهم ساخت.

۲- تلگرام شما خواستار آن است که ما سفیر آخوند را به عنوان منبع حفاظت نماییم. ولی به نظر من بد نیست در گفتگوهای خصوصی سطوح بالا از بیانات وی نیز صحبتی به میان کشیده شود، البته ضرورتی ندارد. تا نظر شما چه باشد.

سند شماره (۱۷)

تاریخ: ۲۸ آذر ۱۳۵۷ - ۱۹ دسامبر ۷۸
از: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. با اولویت
سری

موضوع: (سری) گفتگو با مقام فرانسوی پیرامون مسائل انرژی اتمی

۱- ژان فورلوت، دبیر اول سفارت فرانسه که از مدتها قبل با وی در مورد مسائل انرژی هسته‌ای صحبت می‌کرده‌ایم، با مشاور سیاسی در ۲۸ آذر تماس گرفت تا پیرامون چند مسئله، از جمله احداث ساختمانی «بسیار عجیب» و «با سرعت بسیار» در روستای کاهوتا در جنوب شرقی اسلام‌آباد که در هنگام تجزیه نقش عظیمی در کشتار هندوها داشته، صحبت کند.

۲- فورلوت گفت وی حدود شش ماه قبل به این منطقه که گویا با انرژی اتمی بی‌ارتباط نیست، سرزده است و از آن موقع تا به حال ۱۰ ساختمان شامل یک ساختمان مثلثی شکل بسیار عظیم با سرعت بی سابقه‌ای آغاز شده است. در اطراف این منطقه نرده‌کشی شده، لیکن علائم مشخصه پروژه در هیچ نقطه آن نصب نگردیده است.

پس از تفحص بیشتر، فورلوت گفت که فرانسویها دریافته‌اند که یکی از شرکتهای کراچی قرارداد تهویه این پروژه را به ارزش ۵ میلیون دلار در اختیار گرفته است. او چند قطعه عکسی را که خودش و معاونت

نمایندگی استرالیا از منطقه برداشته بودند (مشابه عکسهایی که استرالیاییها به مقام سفارت داده و به قرارگاههای سیا ارسال شده است) نشان داد. وی خاطر نشان ساخت که ممکن است این نقطه محل تأسیسات غنی سازی اورانیوم باشد. سفیر فرانسه به فورلوت گفت که فکر کردم بهتر است قبل از ارسال آنها جهت تجزیه و تحلیل از طریق کانال وابسته نظامی به پاریس آنها را به ما نیز نشان بدهد.

۳- در پاسخ به یک سؤال مشاور سیاسی گفت که در مورد احداث این ساختمان در کاهوتا چیزهایی شنیده است ولی اعتراف کرد که اطلاعات وی بسیار محدود است. وی از اینکه فورلوت عکسها و نقطه نظرات خود را به وی ارائه کرده است قدر دانی نمود.

۴- فورلوت در رابطه با مجتمع گفت که از دو تکنسین فرانسوی مقیم پاکستان، تکنیسین شیمیدان، در تاریخ ۲ ژانویه به فرانسه باز خواهد گشت؛ لیکن همکاری که یک مهندس ساختمان بود هفته گذشته به کشورش بازگشته است. مهندس مزبور گفته است که اگر فرصتهای کاری در فرانسه جذاب نباشند سعی خواهد کرد از طریق بخش خصوصی به پاکستان برگردد. ولی فورلوت فکر نمی کند که این مهندس به پاکستان برگردد، چون همسر و فرزندانش در اینجا احساس ناراحتی بسیاری می کردند و سوگند خوردند که به اینجا بازنگردند. مهندس ناظر پروژه که بین فرانسه و پاکستان در آمد و شد بود، ماه گذشته در کراچی به سر می برد و قرار نیست به این زودی باز گردد. تنها یک فرانسوی دیگر مقیم در لاهور وجود دارد که متخصص اتمی «نیست ولی یک مهندس مشاور ساختمانی است که از طرف شرکت» S.E.E به پاکستان فرستاده شده است. فورلوت گفت که وی نیز در این پروژه کار می کرده و گاهی در مورد مسایل ساختمانی مورد مشاوره قرار می گیرد و ظاهراً در پاکستان خواهد ماند.

۵- فورلوت گفت که به نظر وی پاکستانیها کار احداث پروژه را به تنهایی ادامه خواهند داد، ولی مدتهای مدیدی طول خواهد کشید، و با صرف هزینه های زیاد شاید نتیجه ای به دست دهد. فورلوت در مورد محتوای صحبت های منیرخان با مقامات فرانسه چیزی نگفت.

سند شماره (۱۸)

تاریخ: ۲۹ آبان ۱۳۵۷ - ۲۰ نوامبر ۷۸
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: اقتصاد اسلامی: تکامل نه انقلاب

۱- پروفیسور خورشید احمد وزیر فدرال آمار و معاون جدید کمیسیون برنامه ریزی در کنفرانس مطبوعاتی اخیر خود گفت که پاکستان به صورت تکاملی و نه به صورت انقلابی به اقتصاد اسلامی روی خواهد آورد. (رئیس جمهور ضیاء رئیس کمیسیون برنامه ریزی است، لیکن معاون وی سرپرست روزانه کمیسیون است.) خورشید احمد گفت هدف اقتصاد اسلامی تأکید بر رفاه مردم، در صورت لزوم، به قیمت از دست رفتن مقداری از رشد اقتصادی است.

۲- پروفیسور احمد در نظر دارد برنامه پنجساله پاکستان را که قبل از فرا خوانده شدن وی پس از پنج سال تدریس در انگلستان جهت ریاست کمیسیون برنامه ریزی صادر شده بود، به عنوان چهارچوب انتقالی تکامل اسلامی مورد بهره برداری قرار دهد. پروفیسور احمد یاد آور شد که در کمیسیون برنامه ریزی حدود ۲۰ کمیته وجود دارند که هر یک به مطالعه جنبه ای از برنامه پرداخته تا نحوه اجرای بانک بدون

بهره، زکات (مالیات بر ثروت اسلامی)، و عشر (مالیات کشاورزی اسلامی) را طرح ریزی نمایند. وی در ادامه گفت که جهت ادامه این اقدامات تاریخ خاصی معین نشده است، لیکن در پاسخ به یک سؤال وی گفت که این امور در سال تقویمی جاری تحقق نخواهد یافت.

۳- در رابطه با سیستم بانکی بدون بهره، پروفیسور احمد گفت پاکستان به آرامی در جهت اقتصادی استوار بر تساوی اقتصادی گام بر خواهد داشت و از اقتصاد وامی کناره خواهد گرفت. لغو بهره و ربا در سه مرحله صورت می‌گیرد: ابتدا در مورد وامهای مصرفی، سرمایه‌گذاری و نهادهای سرمایه‌گذار، ثانیاً در مورد بانکهای تجاری به طور کلی و در نهایت، در مورد وامهای بین‌المللی. با این وصف وی تأکید کرد که پاکستان به تمام قراردادهای خارجی خود عمل خواهد کرد.

۴- تذکر: در حال حاضر ظاهراً پروفیسور احمد سخنگوی دولت پاکستان در اقتصاد اسلامی است. وی یکی از اساتید رشته اقتصاد است که به مدت ده سال در لستر انگلستان در مورد مسائل اسلامی تدریس می‌کرده است. ظاهراً مراجعت وی به پاکستان مصادف شده است، با اعلام تمایل دولت به اینکه پاکستان را به صورت یک جمهوری واقعاً اسلامی درآورد.

۵- در سخنرانی یکی از مقامات اقتصادی سازمان عمران اقتصادی در اوایل هفته گذشته، وی در مورد بسیاری نکات مطروحه در کنفرانس مطبوعاتی به طور کلی و فیلسوف مآبانه سخن گفت. بسیاری از کسانی که با وی صحبت کرده‌اند، می‌گویند پروفیسور احمد به نظامی مصطفی و سیستم بانکی بدون بهره بسیار علاقه‌مند است. وی در این مورد چند رساله منتشر ساخته و با صراحت معترف است که مشکلات اداری مربوط به سیستم بانکی بدون بهره، زکات و عشر بسیار زیاد است ولی در همان حال معتقد است که بالاخره حل خواهند شد.

۶- ما نسخه‌هایی از پوشش مطبوعاتی و حداقل یکی از مقالات نوشته شده توسط پروفیسور احمد را در مورد اقتصاد اسلامی برایتان ارسال می‌داریم. هومل

سند شماره (۱۹)

تاریخ: ۲۸ اسفند ۱۳۵۷ - ۱۹ مارس ۷۹
به: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد اقدام‌کننده: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: روابط ایران و پاکستان، سنتو و سازمان همکاری و عمران منطقه‌ای

۱- تمام متن خیلی محرمانه است.

۲- خلاصه: در گفتگو با رحیم (حفاظت شود) از سفارت پاکستان در تاریخ ۲۸ اسفندماه، تامست مقام سیاسی به تفسیر سفر هفته گذشته آقا شاهی به ایران، خروج پاکستان از پیمان سنتو و موضع پاکستان در قبال تداوم و گسترش احتمالی سازمان همکاری و عمران منطقه‌ای پرداخت. (پایان خلاصه)

۳- رحیم گفت سفارت وی در حدود تابستان گذشته متوجه شده بود که برنامه آزادی مورد نظر شاه برای ایران و مخالفتهایی که علیه وی ابراز می‌شد ایران را به صورت جدیدی در خواهد آورد که کشورش نیز باید با آن سر و کار داشته باشد. آنها هرگز فکر نمی‌کردند پایان رژیم پهلوی به این زودی فرا رسد؛ و بختیار به جای وی نشانده شود و سرانجام دولت موازی تحت سرپرستی بازرگان تشکیل شود؛ این خود برخلاف تجارب آنها در بنگلادش بود (که در آن رحمان توانسته بود بخش اعظم تجهیزات دولتی را سالم

به دست بیاورد). در نتیجه، سفارت از طرف اسلام‌آباد تأییدیه‌ای مبنی بر به رسمیت شناختن حکومت بازرگان را به دست آورد و در همان موقع رویداد ۲۲ بهمن‌ماه در دوشان تپه موجبات سقوط نهایی رژیم پهلوی را فراهم آورد.

۴- سفارت پاکستان در دست در روبروی پادگان جمشیدیه واقع شده است. هنگامی که در ۲۳ بهمن ماه پس از یک درگیری مختصر در ساعت ۱۰ صبح این پادگان سقوط کرد، از رحیم خواسته شد که به قرارگاه بازرگان در مدرسه رفاه رفته و اعلام دارد که حکومت متبوع وی دولت بازرگان را به رسمیت می‌شناسد. وی گفت هنگام ورود وی حتی بازرگان نیز باور نکرده بود که پیروز شده است. (در واقع بازرگان با صراحت به رحیم گفته بود که فکر نمی‌کرد پایان واقعه این گونه باشد.) به بازرگان توضیح داده شد که پاکستان رابطه خود با ایران را، رابطه بین دو ملت می‌داند تا بین دو حکومت. رحیم گفت به رسمیت شناختن به موقع این دولت از طرف پاکستان، راه را برای سفر شاهی به این کشور در چند هفته بعد هموار کرده بود.

۵- رحیم در رابطه با خروج پاکستان از سنتو گفت که دولت متبوع وی و دولت بازرگان چنین نتیجه گرفته بودند، که مدتهاست که این پیمان منافع اعضای منطقه‌ای را در نظر نگرفته است. بلکه برعکس، ادامه عضویت در این سازمان و ارتباط آن با رقابت بین شوروی و غرب تا آنجایی که به دیگر کشورهای رو به رشد و غیر متعهد مربوط است مسؤلیتهایی را متوجه پاکستان می‌سازد. وی گفت عضویت در این سازمان برای پاکستان به عنوان «پرچم سرخی» در برابر دیگر کشورها می‌ماند که اگر این پرچم نباشد پاکستان می‌تواند با آنها روابط صمیمی برقرار سازد. رحیم در ارتباط با روابط پاکستان و آمریکا و انگلستان گفت که خروج از سنتو نباید به معنی کاهش علاقه کشورش به همکاریهای صمیمانه تلقی گردد. برعکس، پاکستان به این نتیجه رسیده بود که این همکاری از طریق روابط دوجانبه بهتر انجام می‌گیرد.

۶- در مورد امکان گسترش سازمان همکاری و عمران منطقه‌ای، رحیم گفت که پاکستان نیز مانند ایران معتقد است که اعضای دیگر می‌توانند جذب این سازمان شوند، لیکن به سرعت اضافه کرد که دولت وی معتقد است که اقتصاد کشورهای عضو تقریباً باید همان باشد.

پاکستان میل دارد افغانستان را «به دلایل ژئوسیاسی» در این سازمان بپذیرد و حال آنکه می‌داند اقتصاد آن کشور خیلی بدوی‌تر از اقتصاد اعضای کنونی سازمان و یا دیگر اعضای احتمالی چون عراق می‌باشد. مع الوصف، پاکستان این امتیاز را به هند نخواهد داد. رحیم یادآور شد که اقتصاد هند علیرغم فقر آن یکی از پیچیده‌ترین و نیرومندترین اقتصادهای جهان است و به همین دلیل در صورت عضویت آن، اقتصاد دیگر کشورهای عضو به ناگزیر تحت سلطه اقتصاد هند در خواهد آمد.

۷- رحیم گفت از نظر پاکستان منطقی نیست که عضو سازمانی باشد که هدف آن پرورش همکاری اقتصادی با هند است، در حالی که اختلافات سیاسی بسیار عمیق نیز بین دو کشور وجود دارد. وی گفت ابتدا باید این اختلافات را از میان برد و پس از آن به همکاری عظیم‌تر اقتصادی پرداخت.

۸- رحیم گفت آمریکا باید در متکی بودن به اعضای به اصطلاح «ذینفوذ منطقه‌ای» در گسترش سیاست‌های امنیتی خود رعایت کمال احتیاط را بنماید. وی گفت احمقانه است که بگوییم هند نیرومند نیست ولی در عین حال همسایگان هند را وادار کنیم تا با هند ارتباط برقرار کنند که این کار به ثبات منطقه کمک نخواهد کرد. هند نمی‌تواند بدون همکاری تمام کشورهای منطقه نقش پلیس منطقه را ایفا کند و اگر

آمریکا غیر از این فکر می‌کند سخت در اشتباه است. علاوه بر این، آمریکا با این فکر که می‌توانست با امتیازاتی که به شاه داده بود سیاستهای هند را معتدل‌تر سازد، نهایت ساده‌اندیشی را نشان داده است. وی مدعی است که سیاستهای هند بر منافع ملی هند بخصوص برداشت هندو از مادر هند که در غرب زیاد به آن پرداخته نمی‌شود استوار است. وی گفت که امیدوار است که آمریکا از طریق دولت جدید ایران نیز مانند رژیم شاه همان سیاستها را در قبال هند ادامه ندهد، لیکن هند را به صورتی که هست بپذیرد و مستقیماً با آن معامله کند.

۹- رحیم به طور خلاصه گفت که از نظر پاکستان گسترش همکاری منطقه‌ای امکان‌پذیر و مورد علاقه است؛ لیکن مرز شرقی سازمان گسترش یافته همکاری و عمران منطقه‌ای نباید فراتر از مرز هند و پاکستان برود. سولیوان

سند شماره (۲۰)

تاریخ: ۲۲ فروردین ۱۳۵۸ - ۱۱ آوریل ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: پروتکل تجاری پاکستان و شوروی برای سالهای ۵۹ - ۱۳۵۸

۱- در هفته ۵ فروردین ۱۳۵۸ در اسلام‌آباد، معاون وزارت بازرگانی خارجی شوروی آی. تی. گریشین و مقام دولت پاکستان پروتکل تجاری پاکستان و شوروی برای سالهای ۱۳۵۸-۵۹ را منعقد ساختند.

قبل از امضای این پروتکل به مدت دو هفته (از ۲۰ اسفند تا ۱ فروردین) بین دولت پاکستان و یک هیئت نمایندگی شش نفره روسی گفتگو به عمل آمد تا جزییات پروتکل تجاری جدید پایاپای مشخص گردید. توافق جدید مطابق توافق سال قبل است و روندهای جدیدی در آن مشهود نیست.

۲- گرچه جزییات چندانی از این قرارداد جدید پایاپای فاش نشده، در تاریخ ۲۰ فروردین ماه مقام سفارت با آقای اعتزازالدین وزیر مشاور وزارت بازرگانی (حفاظت شود) پیرامون شرایط کلی قرارداد جدید گفتگوهایی انجام داد.

پروتکل بازرگانی ۱۳۵۸-۵۹ از یک سقف ۲۶ میلیون دلاری در زمینه تبادل کالاها در طول ۱۲ ماهه آتی برخوردار است. گرچه ارزشها و هزینه‌های شرایط از طرف دولت پاکستان طبقه‌بندی شده اعلام گشته است، ولی براساس شرایط جدید بخش اعظم خریدهای پاکستان را ماشین‌آلات و مواد خام بخش کشاورزی تشکیل خواهد داد. مهمترین موارد موجود در زمینه فهرست واردات پاکستان عبارت است از: تراکتورهای کشاورزی (به پاراگراف ۵ پایین مراجعه شود) و «۷ میلیون دلار» بابت خرید کود شیمیایی اوره، و قطعات یدکی ماشین‌آلات کشاورزی و ماشین‌آلات مربوطه دیگر، دیگر موارد مهم عبارتند از ماشین‌آلات مربوط به کارخانه ذوب آهن کراچی (که گویا قسمتی از آن از طریق «اعتبار» و قسمتی دیگر به صورت «خرید مستقیم» تأمین می‌گردد)، تجهیزات و قطعات یدکی مربوط به کارخانه توسعه گاز و نفت (این کارخانه از کمک فنی شوروی و ماشین‌آلات ساخت این کشور بهره‌برداری می‌کند)، نفت، الیاف پنبه نسوز، تجهیزات راه‌سازی و ساختمان‌سازی، فولاد، و خرید کمی ابزار و تجهیزات تعمیرگاهی ماشین‌آلات، ورق شیشه و رادیو و تلویزیون.

۳- پاکستان نیز محصولات سنتی خود را مانند گذشته در اختیار شوروی قرار خواهد داد که عبارتند از: پنبه، منسوجات، جامه‌های کشفای، نخ بافندگی، پوشاک، فرش، محصولات چرمی رنگ شده مانند کفش، وسایل جراحی، قاب عینک، کارهای دستی و غیره.

۴- دولت پاکستان اظهار داشته است که میل دارد قراردادهای لجستیکی موجود در این توافق را سهولت بخشد و این برنامه در مذاکرات آتی آنها با روسها گنجانده خواهد شد. در سفر هیئت نمایندگی روسی، در زمینه رادیو و تلویزیون و آموزش و پرورش و انعقاد قراردادهای جداگانه بحث شد. (در تاریخ ۵ فروردین، امضای قرارداد دوساله همکاری و تبادل نظر بین کمیته رادیو و تلویزیون شوروی و تلویزیون پاکستان توسط مطبوعات اعلام گردید.)

۵- در تاریخ ۱۰ فروردین مطبوعات پاکستان اعلام داشتند که مقام بازدید کننده روسی، میشکوف یعنی رئیس موسسه صادرات تراکتور شوروی با شرکت تراکتور پاکستان قراردادی را منعقد ساخته است تا از طریق آن ۴۵۰۰ تراکتور و ۳۰۰ دستگاه خیش طبق قرارداد تجاری ۱۳۵۸-۵۹ تحویل پاکستان داده شود. آقای میشکوف در مصاحبه‌ای یادآور شد که ارزش بازرگانی تراکتورها ۲۰ میلیون دلار است. (در این مقاله یادآوری شده است که شوروی در سال ۱۳۵۷ تعداد ۴۰۰۰ تراکتور به پاکستان تحویل داده است.)

سند شماره (۲۱)

تاریخ: ۲۹ فروردین ۱۳۵۸ - ۱۸ آوریل ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی.سی.

موضوع: دولت پاکستان از سازمان ملل خواستار کمک در زمینه پناهندگان افغانی شده است
۱- روزنامه تایمز پاکستان در تاریخ ۲۸ فروردین ماه با گزارشی مختصر اظهار داشت که دولت پاکستان رسماً از سازمان ملل خواستار کمک در رابطه با هزاران پناهنده افغانی که از طریق مرز وارد پاکستان شده‌اند، گردید. این مقاله یادآور شده است که خبرنگار بی.بی.سی در پاکستان تعداد پناهندگان را ۴۵۰۰۰ نفر برآورد کرده، در حالی که برآوردهای غیررسمی تعداد آنها را خیلی بیش از این می‌دانند.
۲- (طبقه‌بندی نشده) تا آنجا که سفارت می‌داند، این اولین باری است که دولت پاکستان در رابطه با پناهندگان افغانی از سازمان ملل تقاضای کمک کرده است.

۳- (خیلی محرمانه) منبع اطلاعاتی بیگانه - لطفاً حفاظت شود: در مشورت با کمیسیون عالی پناهندگان، سازمان ملل تقاضای کمک دولت پاکستان را مورد بررسی قرار خواهد داد. معاون سرپرست کمیسیون عالی پناهندگان در بخش اسکان اظهار داشت، که این کمیسیون به زودی یکی از نمایندگان خود را جهت ارزیابی وضع پناهندگان به پاکستان گسیل خواهد داشت. معاون سرپرست برنامه عمرانی سازمان ملل که در اسلام‌آباد اقامت دارد در تاریخ ۲۸ فروردین ۱۳۵۸ گفت که کمیسیون عالی سازمان ملل و سفیر پاکستان در ژنو اخیراً در مورد نحوه گفتگو کرده‌اند. برداشت مقام سفارت در نتیجه ملاقات با نماینده برنامه عمران سازمان ملل در اسلام‌آباد و ملاقات انجام شده ملل در پاکستان محدود خواهد بود به ادامه کمک به پناهندگان از قبیل ارسال مواد مورد نیاز، ولی اسکان دوباره پناهندگان در کشورهای ثالث را در بر نخواهد گرفت. پایان (محض اطلاع شما)

سند شماره (۲۲)

تاریخ: ۳ اردیبهشت ۱۳۵۸ - ۲۳ آوریل ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی.سی.
موضوع: تأثیرات اقتصادی - بعد از بوتو

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲- خلاصه: با گذشتن بیش از دو هفته از اعدام بوتو، آرامش نسبی به پاکستان بازگشته است، و ما هیچ‌گونه گزارشی در مورد ناآرامیهای داخلی که بر فعالیت اقتصادی تأثیر شدید بگذارد، دریافت ننموده‌ایم. هنوز موقع آن نرسیده است که به مقاصد تجاری دوران بعد از بوتو پی ببریم، لیکن خروج وی از صحنه بر موضع سرمایه‌گذاران داخلی تأثیری مثبت خواهد داشت، چون آنها می‌ترسیدند که وی بار دیگر به قدرت برسد و بر سر سرمایه‌های آنها بلایی بیاورد. البته عواملی دیگر نیز وجود دارد که تردیدهایی را در میان سرمایه‌گذاران پدید آورده است که عبارت است از عدم قاطعیت و اطمینان در مورد نوع برنامه‌های اسلامی و اصلاحیه‌های اقتصادی ضیاء و تردید در مورد سیاستهای اقتصادی یک دولت در نهایت منتخب. این نگرانیها ممکن است در تلاشهای انتخاباتی نهفته باشد. این که ضیاء در چه زمانی و به چه نحو متقاعد کننده‌ای آغاز روند سیاسی را مجاز خواهد شمرد، نیز اهمیت دارد. سهولت نسبی که رئیس‌جمهور ضیاء از طریق آن اداره و قایع فاحش ۱۵ فروردین را به عهده گرفت ظاهراً اعتماد وی را نسبت به تواناییش در اداره کشور و اتخاذ تصمیمات اقتصادی افزایش بخشیده است. توانایی ضیاء در حفظ قانون و نظم پس از یک دوره آزمایش قدرت عزم راسخ وی را در اتخاذ اقدامات دشوار مربوط به بودجه تقویت نموده است.

دولت پاکستان قیمت جیره گندم را افزایش داده است که گویا در حال حاضر توانسته است کاهش سوبسید عظیم گندم داخلی را سبب شود، و کاهش دیگر سوبسیدها را نیز احتمالاً به دنبال خواهد داشت. این حرکات گرچه برای ثبات اقتصادی دراز مدت پاکستان ضروری است ولی نارضایتی عمومی را فراهم آورد. اجرای زکات و عشر که مهمترین عنصر سیاست اسلامی سازی دولت پاکستان است، چندان تحت تأثیر واقع نخواهد شد. از نظر بین‌المللی نارضایتی مربوط به اعدام، ظاهراً به صورت تشنجهای اقتصادی در نخواهد آمد. نارضایتی اعراب ممکن است بر زمان ارائه کمکها تأثیر بخشد، ولی به طور کلی در این زمینه تأثیری منفی نخواهد داشت. (پایان خلاصه)

۳- با گذشتن بیش از دو هفته از اعدام رئیس‌جمهور سابق ذوالفقار علی بوتو، کشور نسبتاً آرام است و فعالیت اقتصادی به نحو حادی قطع نگشته است. دولت پاکستان دارای «وضع عادی» است و وضع غذا، صنایع و قانون و نظم نیز طبیعی است. در مورد اعتصابات عمومی و یا دیگر مشکلات صنعتی گزارشی دریافت ننموده‌ایم و چنین به نظر می‌رسد که اغتشاشات مربوط به اعدام از نظر قانونی پایان یافته است. جامعه تجاری نیز نسبت به اعدام بوتو عکس‌العمل علنی نشان نداده است. ولی ظاهراً ترس از ملی سازی دوباره که در جان جامعه تجاری مأوا داشت، همراه با جسد بوتو به گور سپرده شده است. آنچه را که همه مانع اصلی بر سر راه سرمایه‌گذاری در پاکستان به حساب می‌آورند، اکنون از بین رفته است، ولی به نظر ما در کوتاه مدت عوامل بسیار باید حل شود تا سرمایه‌گذارهای داخلی به جریان افتند. تأثیر جمعی افزایش قیمتها بر طرز تفکر عمومی در نتیجه کاهش سوبسید، احساسات کنونی ضد دولتی و عکس‌العمل ضیاء در

قبال آزادسازی فعالیتهای سیاسی هنوز ابهام‌آمیز است و در مورد اوضاع نظم و قانون تردیدهایی را پدید آورده است.

علاوه بر این سیاستهای اقتصادی وسیله فعالیت احزاب سیاسی تحت‌الشعاع قرار خواهد گرفت و سیاستهای کابینه جدید ضیاء (اسلام‌آباد ۴۵۷۳) منبع تردید دیگری خواهد بود که سرمایه‌داران را به احتیاط کاری در برنامه‌های آتی کشور وا خواهد داشت. بالاخره مقررات بیش از حد دولت بر فعالیت تجاری مانع از آن خواهد شد که سرمایه‌داران تصمیم به سرمایه‌گذاری را اتخاذ نمایند.

۴- پایان مسئله بوتو و آرامش نسبی بعدی ظاهراً ضیاء را مطمئن ساخته است که می‌تواند مشکلات اقتصادی موجود در برابر دولت را با نزدیک شدن آن به مرحله فرمول‌بندی بودجه سال ۱۳۵۸-۵۹، از میان بردارد. گرچه ماجرای بوتو هنوز ادامه دارد، ولی مقامات وزارت دارایی به ما گفته‌اند که پیشنهاد آنها مبنی بر اصلاح کسری بودجه در حال رشد از طرف سطوح عالی دولتی با موانعی روبرو می‌گردد. ولی، حتی دو هفته پس از اعدام، دولت گامی برداشت که به نظر بسیاری از نظر سیاسی خیلی حساس بود، چون دولت قیمت جیره گندم را که بیشتر توسط شهرنشینان استفاده می‌شد، ۴۰ درصد افزایش داد. این کار سوبسید بیش از حد گندم داخلی را حذف کرد و کسری بودجه را به مقدار یک میلیارد روپیه در سالهای ۱۳۵۸/۵۹ کاهش خواهد داد. گزارش مطبوعات و گفتگو با مقامات دولت پاکستان نشان می‌دهد، که قرار است روغن خوراکی و کود نیز تحت کنترل درآید.

۵- درست است که کاهش سوبسید غذایی مهمترین و مشکلترین بخش استراتژی بودجه‌ای دولت پاکستان را تشکیل می‌دهد، ولی اقدامات دیگری در راه است تا منابع داخلی بودجه به حرکت درآمده و مخارج سوبسیددار و غیرسوبسیددار نیز کاهش یابند. اما امیدواریم که این اقدامات تحقق یابند چون فشار مربوط به کسری بودجه آنقدر شدید است که می‌تواند فشارهای سیاسی بعد از بوتو (و قبل از انتخابات) را خنثی سازد. در کوتاه مدت، هرگونه مقررات جدید مالیاتی، که احتمالاً تا دو ماه دیگر وضع نخواهد شد، بر صنعتگران متمول تأثیر خواهد گذارد و ممکن است اقداماتی نیز در جهت تشدید تأثیر افزایش قیمت جیره گندم بر شهروندان صورت پذیرد.

۶- عکس‌العمل اصلی اقتصادی منفی در جامعه بین‌المللی ممکن است از طرف کشورهای اسلامی بروز کند. شایع شده است که کمکهای نفتی عربی تا مدتی به سوی پاکستان سرازیر نخواهد شد، ولی در نهایت نصیب پاکستان خواهد شد. در حقیقت گزارش مطبوعاتی از بغداد (اسلام‌آباد ۴۳۸۱) حاکی از آن است که دولتهای عربی توافق کرده‌اند که جای خالی کمکهای عمرانی آمریکا به پاکستان را پرکنند. زکات احتمالی سعودی و امارات متحده عربی که معادل یک کمک ۲۰۰ میلیون دلاری است، هنوز به پاکستان داده نشده، ممکن است تحت تأثیر بسیاری واقع گردد. لیکن اشتیاق اسلامی سعودی و رابطه اساسی سعودی و پاکستان احتمالاً بر تأسّف ناشی از مرگ بوتو خواهد چربید. عکس‌العمل خصمانه ایران نسبت به این اعدام نیز می‌تواند بر برنامه‌ریزی دوباره و امهای پاکستان تأثیر بخشد. درست است که ایران کمکهای جدیدی به پاکستان نخواهد داد، ولی ممکن است راهی برای عدم اصرار در بازپرداخت وام پاکستان یافته شود.

هومل

سند شماره (۲۳)

تاریخ: ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۸ - ۶ می ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی.سی.

موضوع: انتخابات هیئت‌های محلی: طوفان سیاسی بعدی؟

۱- (خیلی محرمانه) خلاصه: علائم مربوط به برگزاری انتخابات محلی قبل از انتخابات ملی ماه نوامبر توسط دولت پاکستان فاش شده است. مطبوعات ۲۶ آوریل نیز حاوی مطالبی در حمایت از انتخابات محلی از طرف دو وزیر فدرال و روزنامه معتبر تایمز پاکستان بوده است. سیاستمداران پاکستان که شخصاً با انتخابات محلی قبل از موعد مخالف هستند با مطبوعات درگیر شده‌اند. ضیاء الحق نیز مانند گذشته گویا می‌خواهد در این زمینه بار دیگر حرف خود را به کرسی بنشاند. دلایلی که رئیس جمهور در این مورد مطرح کرده این است که وی مایل است قبل از آغاز انتخابات ملی با برگزاری انتخابات محلی برای تجربه دموکراسی پاکستان یک پایگاه مستحکم پدید آورد، لیکن مخالفین معتقدند که ضیاء می‌خواهد به این ترتیب میزان حمایت ملی را در به تعویق افتادن انتخابات محلی دریابد. (پایان خلاصه)

۲- (طبقه‌بندی نشده) علائم پیدایش یک طوفان سیاسی در پاکستان نشانگر این است که بار دیگر یک تضاد بزرگ سیاسی پدید خواهد آمد: معلوم نیست که انتخابات هیئت‌های محلی «بدون در نظر گرفتن اساس غیرحزبی در ماه اوت یا سپتامبر قبل از انتخابات کاملی ملی ماه نوامبر برگزار شود.

۳- (طبقه‌بندی نشده) نظریه برگزاری انتخابات محلی و شهری قبل از برگزاری انتخابات ملی و مجالس ایالتی سال گذشته از طرف رئیس جمهور ضیاء (مراجع - ب، ج) مطرح شده بود. این پیشنهاد ضیاء قبل از تعیین کرسیهای کابینه اتحاد ملی پاکستان در سپتامبر و حتی پس از آن تضادهایی را به وجود آورد.

۴- (طبقه‌بندی نشده) رئیس جمهور ضیاء شدیداً حامی برگزاری انتخابات محلی قبل از انتخابات ملی است. وی در طول دو سال گذشته حکومت خود و حتی در زمان انتصاب کابینه جدید خود در ۲۱ آوریل (مرجع الف) بارها به نظریه خود مبنی بر برگزاری انتخابات ملی، در مطبوعات اشاره کرده است.

۵- (طبقه‌بندی نشده) به دنبال تذکرات ضیاء در نشست کابینه، انتخابات محلی ضربه دیگری خورد. یکی از مقالات مهمی که در روزنامه اردوزبان نوای وقت در ۲۶ آوریل منتشر شده و اعضای مطبوعات نیز با آن به خوبی آشنا هستند اعلام داشته است که انتخابات محلی در ماه اوت ۱۹۷۹ برگزار خواهد شد. در این مقاله گفته شده بود که نباید ترس از آن داشت که انتخابات محلی بر برنامه انتخابات عمومی تأثیر بگذارد.

۶- (طبقه‌بندی نشده) سیاستمداران کشور بار دیگر با قدرت تمام به مخالفت با این نظریه پرداختند و از ضیاء مصرانه خواستند که به پیمان خود وفادار بوده و انتخابات ملی را طبق برنامه برگزار نماید. وزیر فدرال ف. الف. چیشتی که هنگام عهده‌دار بودن ریاست بخش انتخابات کابینه در دوره قبل موجب پیدایش این نظریه شده بود، در تاریخ ۳۰ آوریل به مطبوعات گفت دولت به برگزاری انتخابات محلی قبل از انتخابات ملی اهمیت بسیار می‌دهد، تا به این ترتیب پایه و اساس دموکراسی در کشور استحکام بیشتری یابد. چیشتی گفت که سیاستمداران کشور نباید از انتخابات محلی ترسی به دل راه دهند. چون ۱۷ نوامبر تاریخی است که توسط رئیس جمهور برای برگزاری انتخابات محلی تعیین شده است. بیانات

چیشتی نیز در ۲ ماه مه توسط وزیر فدرال میر علی احمد تالپور که گفته بود انتخابات محلی «عامل اصلی استحکام دموکراسی» است بار دیگر انعکاس بیشتری یافت. روزنامه دولتی تایمز پاکستان نیز در تاریخ ۴ ماه مه حمایت خود را از انتخابات اعلام داشت.

۷- (خیلی محرمانه) اظهار نظر: احتمالاً سیاستمداران کشور در چند روز آتی به حمایت‌های اعلام شده از انتخابات محلی حمله‌ور خواهند شد و خواهند گفت که انتخابات ملی تنها راه خروج شرافتمندانه دولت نظامی و اعاده تمام بافتها و تصمیمات حکومتی اساسی به یک دولت منتخب می‌باشد. سیاستمدارانی که دارای حافظه قوی هستند در این حرکت تجربه ایوب خان را در به اصطلاح دموکراسی به یاد می‌آورند که در آن نظام انتخاباتی در سطوح محلی آغاز می‌شد، و در سطوح بالاتر انتخابات غیر مستقیم را به دنبال داشت. رهبران نظامی که تماماً دوستان ایوب خان از افسران متوسط‌الرتبه بودند، به خوبی می‌دانند که سیاستمداران به آنها اعتماد ندارند، چون حرکات آتی آنها به هیچ وجه قابل پیش‌بینی نمی‌باشد. واگذاری تصمیم‌گیری به سیاستمداران در مورد برگزاری انتخابات محلی نیز سبب عدم برگزاری انتخابات شده است. هیئت‌های محلی در اختیار افراد منصوب، سرسپرده و نسبتاً فاقد کفایت مانده است تا جایی که دولت پاکستان از همان اوان به یک دولت مسئول نیاز داشته ولی از آن محروم بوده است.

۸- (خیلی محرمانه) در رابطه با اصرار ضیاء (و همکارانش در کابینه) در مورد برگزاری انتخابات محلی حمایت و مخالفت بسیار مشاهده می‌شود:

- حامیان ضیاء، از قبیل چیشتی و تالپور، معتقدند که دموکراسی تنها با وجود یک پایگاه قوی می‌تواند رشد کند و درست نیست که در کشوری که تجارب دموکراتیک آن محدود است، تلاش شود تا دموکراسی از راه‌های بالا به جامعه تزریق شود. ضیاء و حامیانش معتقدند که برای جلوگیری از بروز احساسات وطن‌پرستانه بهتر است انتخابات محلی به صورت غیرحزبی برگزار گردد.

- براساس یک فرضیه دیگر، ضیاء که بشدت مراقب شهرت خود در بنگلادش است مایل است موجبات بازگشت بنگلادش را فراهم آورد، که وسایل این بازگشت نیز انتخابات محلی، رفراندوم و انتخابات ملی است تا منجر به حکومتی دست‌نشانده در آن کشور گردد. بسیاری نیز یادآور می‌شوند که ضیاء‌الحق که بسیار سیاستمدار است (علیرغم تکذیب‌هایش) ممکن است بخواهد از ضیاء‌الرحمن در بنگلادش پیروی کند تا مانند او یک مجلس ملی را به وجود آورد تا با تمایل کامل ریاست جمهوری و حکومت نظامی وی را مشروعیت بخشد. - مخالفین نیز معتقدند که ضیاء می‌خواهد انتخابات هیئت‌های محلی را بهانه کرده و یا انتخابات ملی را لغو و یا به تعویق اندازد و می‌گویند اگر انتخابات محلی با موفقیت برگزار شود، ضیاء خواهد توانست ادعا کند که حکومت نظامی باید تا چندی دیگر پابرجا بماند. ولی اگر انتخابات با موفقیت توأم نباشد، و یا اگر قرار باشد اعضای حزب خلق پاکستان که توسط نخست وزیر پیشین بوتو ایجاد شده، انتخاب شوند، ضیاء می‌تواند ادعا کند که کشور آماده قبول انتخابات ملی متضمن «اهداف مثبت» مورد نظر وی نمی‌باشد.

سند شماره (۲۴)

تاریخ: ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۸ - ۶ می ۷۹

از: سفارت آمریکا در اسلام آباد فاس به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی - با اولویت
موضوع: نمایندگان پاکستان در کنفرانس فاس

۱- نجم الثاقب (Najmus sapib) وزیر مشاور وزارت خارجه به مشاور سیاسی در هنگام صرف شام در سوم ماه مه گفت که پاکستان نمایندگان خود را جهت شرکت در کنفرانس فاس تعیین کرده است. آفشاهی مشاور وزارت خارجه که سرپرستی گروه را به عهده خواهد داشت، به وسیله نایب نایک نماینده دایمی پاکستان در سازمان ملل، س.ا. پاشا دبیرخانه و فضل مقدم خان سفیر پاکستان در قاهره (سرلشگر بازنشسته)، سفیر پاکستان در جده و دو مقام وزارت خارجه در سطح دبیر همراهی خواهد شد. سفیر پاکستان در رباط یعنی س. غیاث الدین احمد نیز احتمالاً سرپرستی هیئت نمایندگی را به عهده خواهد داشت.

۲- ثاقب - سفیر اسبق پاکستان در کویت - از این نشست هواداری چندانی نمی کند و متذکر مشکلاتی می شود که مسائل عربی برای کشورهای اسلامی غیر عربی پدید می آورند. وی گفت در هفته جاری از اندونزی و مالزی به وی تلفن شده است و ضمن آنها سؤال شده که با وجود این فشارها پاکستان چگونه می تواند دست خود را رو کند. وی نگفت که پاسخ وی به آنها چه بوده ولی از بسیاری از آنها که مایل بودند این اجلاس به تعویق افتد طرفداری کرده است. وی اکنون با ناراحتی اظهار می دارد که دیگر وقت برای به تعویق انداختن آن باقی نمانده است.

۳- ثاقب گزارش داد که س.ا. پاشا نیز در اوایل و یا اواسط ماه ژوئن پس از کنفرانس فاس و یکی دو هفته مرخصی کار خود را در قاهره از سر خواهد گرفت. وی گفت پاکستان در حال حاضر در قاهره علاوه بر حراست از منافع مصر، بحرین و احتمالاً یمن جنوبی، نماینده عربستان سعودی، اردن و بحرین نیز خواهد بود. وی گفت از منابع پاکستانی حداکثر استفاده برای انجام این وظایف مازاد به عمل خواهد آمد.
(معاف) هومزر

سند شماره (۲۵)

تاریخ: ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۸ - ۷ می ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی - با اولویت

موضوع: وقایع پس از بوتو: نزدیک شدن چهلمین روز

۱- اوضاع نظم و قانون علیرغم ناآرامی موجود توأم با آرامش است. اغتشاشات جزیی با شرکت جناح چپ، عناصر دانشجویی طرفدار بوتو و سرسختانه محافظه کار اسلامی «جماعت اسلامی» به وقوع پیوست و دولت پاکستان به آرامی بسیاری از پیروان حزب خلق پاکستان را که مؤسس آن نخست وزیر اسبق فقید بود، از حبس آزاد می کند. دولت آماده مبارزه با تجدید احتمالی اعتراضات است، که تاریخ احتمالی برگزاری اعتراضات در حمایت از بوتو و مخالفت با رژیم روز عزاداری سنتی اسلامی معروف به چهلم است که با چهلمین روز فوت وی مرتبط می گردد.

۲- در مورد نخست وزیر پیشین بوتو، چهلم روز دوشنبه ۱۴ ماه مه خواهد بود، لیکن خانواده اش اعلام

کرده‌اند که میل دارند روز چهارم درگذشت وی روز جمعه ۱۱ مه باشد که در آن روز تعداد زیادی از مردم در مساجد تجمع می‌کنند. مهمترین تظاهرات ضد رژیم دو روز پس از اعدام نخست وزیر اسبق در روز جمعه ششم آوریل برگزار گردید.

۳- مراسم روز ۱۱ مه قرار است شامل فاتحه‌خوانی و به نمایش گذاشتن عزاداری عمومی باشد. قرار است تظاهرکنندگان شور و حال خود را از مساجد به خیابانها کشانیده و مقامات مجبور خواهند بود در برابر بعضی از عزاداران و آنها که با اهداف سیاسی میل دارند از این امور و نشان دادن ضدیت خود با رژیم و یا حزب خلق پاکستان بهره‌برداری کنند، قدرت‌نمایی بکنند.

۴- همسر و دختر بوتو در زندان سپهسالار در خارج از راولپندی به سر می‌برند و گویا تا آخر ماه مه در آنجا خواهند ماند. آنها عزاداری چهارم را به صورت خصوصی برگزار خواهند کرد.

۵- رهبر حزب خلق پاکستان در پنجاب از ادامه زندانی شدن همسر و دختر بوتو (افزایش میزان عطا (ATTA) انتقاد کرده است، لیکن از چهارم و یا عزاداری دیگر محاکمه یادی ننموده است دیگر رهبران حزب از قبیل ممتاز بوتو و حافظ پیرزاده به خاطر ترس از توقیف دوباره حرفی نمی‌زنند و به طور کلی رهبریت حزب دچار بی‌نظمی و آشفتگی شده است. بند ۱۴۴ قانون جزا که تجمع بیش از ۵ نفر را ممنوع اعلام می‌کند در سرتاسر سند (شامل منطقه اطراف محل سکونت خانواده بوتو و مقبره وی در لارخانه) به اجرا گذارده شده و ممکن است تجمع خانواده‌ها را در بزرگداشت این حادثه در برنگیرد.

۶- به نظر ما تلاشی در جهت ایجاد آشوب و برگزاری تظاهرات صورت خواهد گرفت؛ لیکن نه ما و نه دولت پاکستان منتظر تبدیل چهارم به یک آشوب و بی‌نظمی عظیم در پاکستان نیستیم. معذالک از آمریکاییها می‌خواهیم از وارد شدن در اجتماعات و گردهماییهای عمومی در روز جمعه ۱۱ ماه مه خودداری ورزند.

سند شماره (۲۶)

تاریخ: ۱۸ اردیبهشت ۱۵۸ - ۸ می ۷۹
از: سفارت آمریکا در مسکو
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی.سی
موضوع: (خیلی محرمانه) دیپلمات پاکستانی به بحث پیرامون روابط شوروی و پاکستان و اوضاع افغانستان می‌پردازد

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲- یک دیپلمات پاکستانی (حفاظت شود) در مورد روابط پاکستان و شوروی و اوضاع افغانستان در گفتگو با مقام سفارت مطالب زیر را بیان نمود:

۳- در مورد روابط پاکستان و شوروی وی گفت:

-- سفیر خان اخیراً از طرف ژنرال ضیاء نامه‌ای برای کاسیگین برده است. پس از تقدیم پیام، خان با استفاده از این ملاقات گفت که پاکستان میل دارد با شوروی و افغانستان روابط حسنه برقرار سازد. وی گفت که کشورش آوارگان افغانی رانمی‌خواهد و حتی آنها را دعوت نیز نکرده است. اگر آوارگان به موطن خود بازگردند، پاکستان بسیار خوشحال خواهد شد. شوروی و افغانستان در داخل خاک افغانستان می‌توانند برای ممانعت از ورود آوارگان به پاکستان هر کاری انجام دهند و حتی یک دیوار بین دو کشور

ایجاد کنند. وی گفت علت: این گونه مهاجرتهای دسته جمعی تنها اوضاع داخلی افغانستان است و پاکستان مسئول پیدایش آن نیست. پاکستان فقط یک وظیفه انسانی و بشردوستانه دارد و آن این است که به آوارگان غذا و دیگر مایحتاج آنها را برساند.

-- پاسخ کاسیگین بسیار «معتدل» بود. وی گفت ادعای افغانها خلاف چیزهایی است که سفیرخان مطرح کرده است. وی گفت، اگر علل نگرانیهای افغانها از بین برود وضع بهتر خواهد شد.

-- سفیر شوروی در اسلامآباد با صراحت بیشتری سخن گفته است. در پاسخ به ادعای همکاری پاکستان با فعالیتهای مخالفین ضد جمهوری دموکراتیک افغانستان که از اردوگاههای آوارگان سرچشمه سرچشمه می‌گیرد، وی گفت دولت پاکستان سلاح در اختیار آوارگان گذاشته، و بازنشستگان ارتش پاکستان را به آموزش دادن آوارگان گمارده، و تبلیغات «رسمی» پاکستان نیز دائماً به انتقاد از جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌پردازند.

-- با وجود عدم تمایل به گرفتن نتیجه مشخص، سفارت پاکستان در مسکو معتقد است که مسکو هنوز هم به برقراری روابط حسنه با اسلامآباد علاقه‌مند است و ممکن است مانع از آن شود که کابل در مرز پاکستان مشکلات مرزی به وجود آورد. در همان حال، سفارت نگران این است که مبادا با تغییر اوضاع در افغانستان موضع شوروی نیز تغییر پیدا کند.

-- گذشته از این موارد، روابط دوجانبه بهبود بسیار یافته است. در رابطه با مراسلات و قراردادهای کنسولی مذاکراتی صورت گرفته است. همکاری در زمینه کارخانه ذوب آهن روسی به خوبی ادامه دارد. یک قرارداد در زمینه آموزش و پرورش در پایان ماه مه یا آغاز ماه ژوئن منعقد خواهد شد.

۴- در مورد افغانستان، منبع پاکستانی اظهار داشت:

-- مقامات جاسوسی پاکستان از طریق بوروکرات‌های پایین‌رتبه افغانی مطلع شده‌اند که مقامات مهم جمهوری دموکراتیک افغانستان به دنبال سفر ژنرال یلیشیف روحیه توأم با اعتماد بیشتری یافته‌اند. ولی جزئیات مربوط به این سفر فاش نشده است. یلیشیف تنها با دو یا سه مقام برجسته دولتی ملاقات کرده است. نتایج این ملاقاتها بسیار مخفی نگهداشته شده است.

-- بعید به نظر می‌رسد که افغانها از هلیکوپترهای اخیر برای سرکوب ناآرامی جلال آباد استفاده کرده باشند، چون از ورود این هلیکوپترها به کابل دیری نمی‌گذرد. احتمالاً خلبانان آنها روسی بوده‌اند.

سند شماره (۲۷)

تاریخ: ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۸ - ۱۴ می ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلامآباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: «چهلیم» بوتو بدون رخداد خاصی سپری می‌گردد

- ۱- جمعه ۱۱ مه - روز منتخب توسط خانواده بوتو به مناسبت پنجاهمین روز درگذشت (چهلیم) نخست وزیر پیشین پاکستان - با گزارش مربوط عزاداریهای متعدد لیکن فاقد خشونت سپری شد.
- ۲- در منطقه اسلامآباد راولپندی، چند همکار در مراسم فاتحه خوانی شرکت جست، و به دنبال آن به مساکین غذا داده شد. شعارهای حمایت از رهبر فقید شامل کلماتی چون شهید بود که با کاربرد آن بوتو شناخته می‌شود. گرچه این عزاداریها نشانگر تخلف فنی از برقراری مقررات منع عبور و مرور یا تجمعهای

سیاسی بود، لیکن در مورد درگیری پلیس و یا دستگیری افراد در منطقه پایتخت گزارشی نشده است.

۳- در مقبره خانوادگی بوتو در نائودرو در سند تعداد کثیری از وفاداران و پیروان بوتو و بسیاری از شخصیت‌های حزب خلق پاکستان که در زندان به سر نمی‌بردند، در صبح روز ۱۱ ماه مه گرد آمدند تا احترامات لازم را در برابر مؤسس فقید حزب بجای آورند. گروه بزرگتر ولی آرامتری در اطراف منزل بوتو در کلیفتون کراچی گرد آمدند و احترامات فائقه را بجا آوردند و در اواسط روز متفرق گردیدند. همه رهبران با صراحت اعلام داشتند که نگوم نصرت بوتو که در زندان سپهسالار در پنجاب به سر می‌برد باید آزاد شود، و واتو دبیر کل حزب خلق پاکستان نیز در نوادرو تأیید کرد که بیوه بوتو رهبر حزب می‌باشد.

۴- در نقاط دیگر پاکستان نیز برگزاری مراسم «چهلیم» بدون خشونت بود، در حالی که دولت پاکستان نیز به مقدار کم به نمایش قدرت پرداخته بود.

۵- اظهار نظر: برداشت ما این است که با وجود گذشت توأم با آرامش «چهلیم» که باعث خشنودی خاطر دولت پاکستان شده، نوعی نارضایتی در میان اعضای حزب خلق پاکستان وجود دارد که ناشی از عدم تجلی حس انتقامجویی در عزاداری بوده است.

سند شماره (۲۸)

طبقه‌بندی: ۳ تیرماه ۱۳۴۸ - ۲۴ ژوئن ۷۹

از: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: ضیاء در مصاحبه با رادیو بی‌بی‌سی گفت امیدوار است انتخابات در ماه نوامبر برگزار شود

۱- (طبقه‌بندی نشده) در مصاحبه رادیویی که قبلاً جهت انتشار در ۲۰ ژوئن توسط بی‌بی‌سی ضبط شده بود، رئیس جمهور ضیاء الحق گفت تصمیم دارد پاکستان را به دست یک دولت غیر نظامی بسپارد. بنا به گزارش، رئیس جمهور گفته است وی هنوز امیدوار است که انتخابات عمومی در ۱۷ نوامبر برگزار گردد.

۲- (طبقه‌بندی نشده) مطبوعات انگلیسی‌زبان در صفحات اول خود در ۲۱ ژوئن به انعکاس مصاحبه ضیاء الحق در لندن پرداختند که وی گفته بود امیدوار است که انتخابات موجبات پیدایش دولتی را فراهم آورد، که حداقل در کوتاه مدت بتواند کشور را با رعایت اصول دموکراسی اداره کند.

۳- (طبقه‌بندی نشده) در مورد مسائل دیگر بنا به گزارشهای رسیده ضیاء گفته است که با نخست‌وزیر پیشین قبل از مجازات بدرفتاری نشده و او نیز از بوتو معذرت‌خواهی نکرده است، چون نمی‌خواست کسی بدون مجازات از ارتکاب جنایت فرار کند. وی گفت در تصمیم‌گیری در مورد بوتو وی هیچ‌گونه تردیدی به خود راه نداده است. ضیاء از معارفه اصول اسلامی به کشورش دفاع کرده و گفت به علت عدم سرسپردگی دولت پیشین به اسلام و قبول نفوذ غریبه‌ها توسط آنها مملکت از همبستگی کافی برخوردار نبوده است.

۴- در پاسخ به یک سؤال ضیاء گفت که به نفع پاکستان است که به کشورهای مشترک‌المنافع بپیوندد، لیکن وی اضافه کرد که این پیوستن باید شرافتمندانه باشد. طبق اظهارات مقاله وی این مسئله را زیاد بزرگ نشان نداده است.

۵- (محرمانه) اظهار نظر: به نظر بعضی از ناظران رئیس جمهور ضیاء موضع پیشین خود را در مورد

برگزاری انتخابات ماه نوامبر تخفیف کرده است. ولی نظریه واقعگرایانه تر این است که ضیاء موضع مبهم پیشین خود را صراحت بخشیده است و به عبارت دیگر اعلام کرده است که اگر وضع احزاب اوضاع سیاسی مناسب باشد انتخابات برگزار خواهد شد. لیکن راههای مورد نظر وی بسیار است (مرجع، مصاحبه بی بی سی را برای سفارت تهیه کند. در صورتی که موفق نشود آیا سفارت آمریکا در لندن می تواند متن مصاحبه رادیویی ضیاء با بنایزیر را برای ما تهیه و ارسال دارد؟

سند شماره (۲۹)

تاریخ: ۳ تیر ۱۳۵۸ - ۲۴ ژوئن ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: نظم و قانون در بلوچستان - افزایش نگرانیها در مورد بحران افغانستان

۱ - تمام متن خیلی محرمانه است.

۲ - خلاصه: هجوم اخیر آوارگان افغانی به بلوچستان موجبات افزایش نگرانی را در مورد جنگ موجود در آن سوی مرز فراهم آورده است. مشاجره و مناظره در مورد آن چه حکومت نظامی انجام می دهد و باید در قبال افغانستان انجام دهد موجب شده است که در داخل ایالت و بین ایالت و دولت مرکزی اختلافاتی پدید آید. در همین مشاجرات، خود آوارگان نیز یک مسئله خاص را تشکیل داده اند. البته با آغاز انتخابات بعید به نظر می رسد که بحران موجود در افغانستان، بروز خشونت در بلوچستان را ممکن سازد. عمده این امر نیز بستگی به درک صحیح از تعهد آمریکا در قبال پاکستان دارد.

عامل تشدیدکننده بحران

۳ - پنج ماه قبل از انتخابات ملی، گفتگوهای ما با رؤسای بلوچستان نشانگر نگرانی بیش از حد آنها نسبت به مسئله پناهندگان افغانی بود و در رابطه با انتخابات اظهار نگرانی نمی کردند. وقایع آن سوی مرز واقعی و محسوس است لیکن انتخابات ۱۷ نوامبر از نظر آنها وعده و وعیدهای مشکوکی به نظر می رسد. در ورای نگرانی مردم این اعتقاد به چشم می خورد که درگیری پاکستان در افغانستان می تواند عامل تشدید کننده بحران در بلوچستان به علت عدم ثبات داخلی این استان باشد.

هجوم پناهندگان

۴ - تا قبل از بهار کنونی، موج پناهندگان از شمال و غرب خط دوراند وارد شمال غربی این استان مرزی می شدند. پس از آن در ماههای آوریل یا مه، سیل پناهندگان در جنوب راه دیگری یافتند که احتمالاً نشانگر تغییر جغرافیایی نبردها در منطقه مرزی می باشد.

بنا به گزارشها در یک روز تنها ۱۲۰۰۰ نفر پناهنده از مرز گذشته و وارد بلوچستان شدند. استاندار این ایالت اظهار می دارد که در حال حاضر در مرز و در استان بلوچستان حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر پناهنده جای گرفته اند. دیگران رقمی پایین تر لیکن عمده را در مورد بلوچستان به کار می برند.

۵ - هجوم پناهندگان افغانی با اختلاف نظر فزاینده در مورد نقش دولت در برخورد با شورشیان مصادف گردید. در مورد آنچه که اسلام آباد انجام می دهد و باید انجام دهد، سلیقه و نقطه نظرهای متفاوتی

وجود دارد. این مشاجرات و مناظرات منعکس‌کننده و تشدیدکننده اختلاف درون ایالتی و بین ایالت و دولت مرکزی می‌باشد.

اختلاف نظرها

۶- اختلاف نظرها ظاهراً از الگوی چپ به راست تبعیت می‌کند. اعضای حزب خلق پاکستان و حزب ملی پاکستان در بخش مترقی قلمرو سیاسی، معتقدند که حکومت نظامی به مجاهدین در مبارزه‌شان برای سرنگونی رژیم کابل یاری می‌دهد. یکی از رؤسای اسبق شهری و حزب خلق پاکستان گفت. اگر حکومت نظامی در تکذیب حمایت خود از شورشیان صادق باشد، باید با جدیت تمام مرز را مسدود نماید. وی می‌گوید دولت می‌تواند اردوهای پناهندگان را به پنجاب یا سند منتقل نماید تا آنها نتوانند به صورت یک نیروی محرک برای کابل عمل کنند. نقطه نظر مخالف این است که حکومت نظامی به مجاهدین کمک می‌کند، لیکن این کمک کافی نیست؛ که این نظر اعضای اتحاد ملی پاکستان و احزاب محافظه‌کار این کشور است. به طور مثال، دستیار شخصی رئیس حزب طریق استقلال، اصغر خان، از ما سؤال کرد که چرا سازمان سیای آمریکا علیه تره‌کی کودتایی را سازمان نداده است.

تفرقه و سوابق تاریخی آن

۷- بخشی از تفرقه ایجاد و تشدید شده توسط افغانستان ریشه‌ای تاریخی دارد. گرچه هنوز کسی مستقیماً از ایجاد یک بلوچستان بزرگ با ما صحبت نکرده است، لیکن استاندار پیشین بلوچستان اکبر خان بوگتی و دیگران به ما گفته‌اند که بسیاری از بلوچها هنوز با جاه‌طلبی بسیار میل دارند بلوچستان ایران، افغانستان و پاکستان و احتمالاً سند را به صورت یک ملت واحد درآورند. بوگتی می‌گوید این افراد معتقدند که انقلاب افغانستان موضع آنها را تقویت کرده و آنها به طور پنهانی یا آشکار از رژیم ترکی کمک خواهند گرفت و سعی خواهند کرد از ناآرامیهای سیاسی موجود در پاکستان در مبارزه علنی خود علیه حکومت نظامی این کشور بهره‌برداری کنند. بلوچهای دیگری که مایلند از طریق قانونی و مشروع خودمختاری بیشتری برای بلوچستان کسب کنند، به ما گفته‌اند که حکومت نظامی پاکستان با کمک خود به شورشیان افغانستان موجبات اقدامات تلافی‌جویانه شوروی در بلوچستان را فراهم آورده است. بسیاری از آنها معتقدند که این استان به صورت میدان مبارزه ابرقدرتها در خواهد آمد. چون خودبینی و بی‌منطقی شدیداً حکمفرماست، این اشخاص میل ندارند ورود لشگرهای تانک و پیاده‌شوروی به کوئته را برای رسیدن به بنادر موجود در آبهای گرم به زیر سؤال بکشند.

عوامل جامعه‌شناسی

۸- تفرقه‌های دیگر از نوع مربوط به جامعه‌شناسی است. بلوچستان یک جامعه قبیله‌ای است که با خطر تغییر رو به روست. از یک طرف ما با رهبران قبیله‌ای صحبت کردیم که می‌گویند نبرد موجود در افغانستان جهاد در راه حفظ اسلام و یک سبک زندگی است؛ از طرف دیگر، با اشخاصی صحبت کردیم که از حکومت غیر عادلانه رهبران و رؤسای قبیله‌ای ابراز انزجار کرده و تلاشهای دولت ترکی را در از بین بردن قبیح‌ترین جنبه‌های نظام قبیله‌ای در افغانستان می‌ستودند. آنچه واضح است، این است که مردم

بلوچستان از این برخورد نیز معلول طرز فکر آنها در قبال بافت اجتماعی موجود در بلوچستان است.

عوامل نژادی

۹- با وجود مبهم بودن شواهد، ما در نتیجه گفتگوهای خود در کراچی و کوئته به این نتیجه رسیده ایم که علیرغم مسائل مطروحه انقلاب افغانستان نیز سبب تفرقه میان نژاد بلوچ و پتان شده است. در گفتگوهای مذکور رقابت بین این دو گروه نژادی موجود در این استان آشکار می‌گردد. در میان ۵۰ درصد جمعیت بلوچ این استان میزان حمایت از تره‌کی خیلی بیشتر از ۴۰ درصد جمعیت پتان این ایالت است. جالب توجه اینکه، بیشترین تمرکز پناهندگان در بخش شمالی استان یعنی در ناحیه پتانها قرار گرفته است. چون پناهندگان برای سیدن به بخش بلوچی این استان هجورند، از یک‌کویر غیر قابل عبور می‌گذرند.

احتیاطات دولتی

۱۰- دولت می‌داند که در برخورد علنی با شورشیان در افغانستان باید احتیاط بسیار به خرج دهد. وزیر اسبق فدرال هیئتهای محلی خان محمد زمان خان آقاقاضی به ما گفت که حکومت نظامی تاکنون به بهترین وجه ممکن عمل کرده است. در این رابطه وی به کمکهای بشر دوستانه محدود به مداخله دولت اشاره کرد. ولی بسیاری از مخالفان حکومت نظامی، به ما گفته‌اند که مطمئن نیستند موضوع به این ترتیب باشد. آنها می‌گویند رئیس جمهور ضیاءالحق که از خانواده مولوی‌هاست، از نظر عقیدتی به عصیانگران اسلامی کمک می‌کند و ارتش پاکستان زمانی که فرصت برای از بین بردن یک رژیم متخاصم همجوار موجود است نمی‌تواند دست روی دست گذاشته و کاری انجام ندهد.

مسئله پناهندگان

۱۱- در رابطه بین دولت و مردم بلوچستان مسئله پناهندگان نیز به صورت مشکلی درآمده است. با وجود تشکیل اردوگاههای خاص بسیاری از افغانها در خارج از اردوگاههای خود به سر می‌برند. حیوانات احتیاج به چراگاه دارند و پناهندگان هر چه بیشتر بز و گوسفند داشته‌اند با خود به این سوی مرز منتقل کرده‌اند. زندگی آنها در خارج از اردوگاهها سبب پیدایش این شک و تردید شده است که دولت نمی‌خواهد آنان را کنترل نماید، چون در این صورت کنترل آنها نیز کاری بس دشوار است. علاوه بر این بین پاکستانیها و افغانها در مورد چراگاهها نیز اختلافاتی به وجود آمده است. چراگاههای موجود در این منطقه قادر نیست کفاف ساکنین اصلی آن را بدهد. تا به حال میهمان‌نوازی بومیان بر رنجش خاطر آنها غلبه کرده است، لیکن اگر تعداد آنها افزونتر و مدت اقامت آنها طولانی‌تر شود، دولت مجبور است جهت اسکان آنها در مناطق وسیعتر اقداماتی به عمل آورد.

سریچی از انتخابات

۱۲- امکان تبدیل شدن افغانستان به صورت عامل ایجاد خشونت در بلوچستان با آغاز انتخابات کاهش خواهد یافت. بازرس کل پلیس استان در گفتگو با ما بی‌پرده گفت اگر انتخابات به تعویق افتد نظم و قانون در این استان بهتر برقرار خواهد شد. بیانات اخیر میرغوث بوکس بیزنجو رهبر حزب ملی پاکستان

نشانگر نوع بیاناتی است که می‌تواند محرک خشونت باشد. در اجتماع حزب ملی پاکستان در یکم ژوئن بیزنجو گفته است در صورتی که ضد انقلابیون از اقدامات خود دست برندارند، مترقیان و دموکراتهای پاکستانی به دفاع از انقلاب خلق افغانستان قیام خواهند کرد. خیربوکس مری، رهبر قبیله مهم مردی که گویا خود را چه‌گواری بلوچستان می‌داند، از رهبران مهم شورش چریکی به شمار می‌آید. نارضایتی اقتصادی نیز می‌تواند موجبات پیدایش شورشها را فراهم آورد. ولی این استان تا به حال آرام بوده است.

آمریکا

۱۳ - پیدایش اغتشاش در بلوچستان به درک افراد عصیانگر از شدت تعهدات آمریکا نسبت به پاکستان بستگی دارد. این باور که آمریکا، پاکستان را به حال خود رها کرده است، افرادی چون بیزنجو را ترغیب می‌کند که با شوروی وارد پیمان شوند. متأسفانه بسیاری از کسانی که ما با آنها در بلوچستان صحبت کرده‌ایم فکر می‌کنند که آمریکا دوستان خود را تنها گذاشته است. دلایل ارائه شده توسط آنها نیز فقدان حمایت آمریکا از پاکستان در سال ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱، شکست آمریکا در برابر شوروی در حمایت از آنگولا، اتیوپی و افغانستان و مخالف آمریکا با مسلمانان جهان و قطع کمک به پاکستان می‌باشد.

۱۴ - علیرغم این انتقادات، همه نسبت به آمریکا حسن نیت دارند. بخش اعظم جامعه بلوچستان ادامه ارتباط حسنه با آمریکا را ترجیح می‌دهند. این افراد عبارتند از مقامات دولتی (اکثراً اهل پنجاب) بازرگانان و رؤسای قبایل. آنها با وجود انتقاد از اقدامات اخیر آمریکا امیدوارند که در صورت حمله و یا تحریک به خرابکاری توسط شوروی، آمریکا به یاری پاکستان بشتابد. اثبات این قضیه که آمریکا به تمامیت ارضی، استقلال و ثبات پاکستان علاقه دارد، بدون اینکه به حکومت نظامی پاکستان وابسته باشد کاری است بس دشوار. این کار با تلاشهای دولت ضیاء در نشان دادن طرفداری خود از آمریکا و مذاکرات آن برای ورود به نهضت غیر متعهدها دشوارتر می‌گردد؛ دشوار از این جهت که حکومت نظامی پاکستان حمایت ما را رد می‌کند و دیگر اینکه مشکلات موجود در روابط ضیاء با ما سبب شده است که بسیاری از آنها فکر کنند ما با تعویض و جایگزین شدن این رژیم موافق هستیم. مهمترین ضربه در دراز مدت عدم تواناییمان در کمک به پاکستان طبق قرارداد دوجانبه ۱۹۵۹ خواهد بود. اگر پاکستانیها دستشان رو شده باشد، آمریکا نخواهد توانست اقدامی به عمل آورد.

سند شماره (۳۰)

تاریخ: ۳ تیر ۱۳۵۸ - ۲۴ ژوئن ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد

به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
موضوع: بازدید فرماندهی نیروهای آمریکا در خاورمیانه
منعکس کننده حمایت شدید نیروهای نظامی از روابط آمریکا و پاکستان

۱- تمام متن خیلی محرمانه است

۲- در پایان ساموئل اچ. پیکر، فرمانده نیروها در خاورمیانه در تاریخ ۲۰-۱۶ ژوئن به بازدید تودیدی از پاکستان پرداخت. این بازدید چهار روزه در سطوح عالی نشانگر صمیمیت و احترام شدید رؤسای نظامی پاکستان نسبت به ارتش آمریکا به طور کلی و به ویژه نیروی دریایی آمریکا بود.

۳- پیکر از کراچی به اسلام آباد، لاهور و پیشاور در طول اقامت خود بازدید نمود و در هر مرحله از طرف نظامیان این کشور مورد استقبال قرار گرفت. وی توسط سه دریابد عالیرتبه نیروی دریایی پاکستان و رؤسای نیروی دریایی پذیرایی شد. در ضیافت‌های شام رؤسای نیروی دریایی شخصیت‌های مهم غیرنظامی پاکستان چون دریابان جانجوآ، وزیر عدلیه شرکت داشتند. در این ضیافتها، فرماندهان نیروی دریایی از روابط گرم و صمیمانه بین نیروی دریایی پاکستان و آمریکا یاد کرده و در رابطه با تداوم آن اظهار امیدواری کردند.

۴- در گفتگوهای خصوصی با پیکر، فرمانده نیروی دریایی دریابد نیازی از احتیاج مبرم نیروی دریایی به ناوهای جنگی گیرینگ صحبت کرد و گفت بدون چهار ناوی که طبق قرارداد به نیروی دریایی پاکستان داده خواهد شد، این نیروی دریایی تنها به دو بخش عملیاتی رزمی سطحی تبدیل خواهد شد. خنده آور اینجاست، که دو ناو تحویل داده شده از نوع گیرینگ می‌باشند. رؤسای نیروی دریایی پاکستان به پیکر، گفتند که از نظر عملیاتی ورود ناوهای آمریکا به آبهای پاکستان می‌تواند ادامه یابد، لیکن از نظر دولت پاکستان افزایش این دید و بازدیدها توأم با مشکلات بسیاری می‌باشد. ولی معلوم نشده است که منظور آنها مشکلات سیاسی است یا مشکلات فیزیکی که به بندرو تأسیسات کراچی تحمیل می‌گردد. ۵- در رابطه با مسئله نیروی هسته‌ای، مقامات مهم نیروی دریایی پاکستان از تصمیم آمریکا با تأسف و «ناخشنودی» یاد می‌کردند پیکر و مقامات سفارت گفتند که این مسئله نه تنها در نتیجه تصمیم آمریکا بلکه در نتیجه تصمیم دولت پاکستان به کسب ظرفیت هسته‌ای پدید آمده است؛ در حالی که در ارتباط با آنها مخالفت و خطرات زیادی برای آمریکا وجود دارد که سبب شده است آمریکا در زمینه کمکهای خود تصمیمی اتخاذ نماید. نیازی نیز مانند دیگر افراد تصمیم‌گیرنده پیرامون مسئله اتمی (مانند بسیاری از رابطها) اظهار داشت که آمریکا می‌تواند در برابر پیروزیهای شوروی در اینجا و آنجا منطقه از نگرانیهای خود در رابطه با عدم تکثیر تسلیحات هسته‌ای چشم‌پوشی نماید.

۶- اظهار نظر: این بازدید از نظر انعکاس حسن نیت نیروی دریایی پاکستان بسیار قابل ملاحظه بود. در ظاهر آنها مایل به دریافت ناوهای گیرینگ هستند، ولی خواسته‌های آنها عمیقتر گردیده است. رابطه نیروهای دریایی دو کشورمان اصولاً نیرومند و پایدار است. حتی در این مرحله، تلویزیون و رادیوهای پاکستان برای اولین بار در شش ماه گذشته پیرامون این بازدید اخباری منتشر ساختند.

- نیروی دریایی و ارتش به طور کلی درباره سخنان ضیاء در ضیافت اخیر روز ملی مان که در مورد رابطه بین آمریکا و پاکستان و تداوم آن اظهار امیدواری کرده بود چندان حساب نمی‌کنند. کینگ

سند شماره (۳۱)

- تاریخ: ۵ تیرماه ۱۳۵۸ - ۲۶ ژوئن ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
موضوع: (خیلی محرمانه) تبادل نظر دولت پاکستان و سفارت آمریکا در مورد چاد
۱ - تمام متن خیلی محرمانه است.
۲ - شرم‌ن مقام سفارت در مورد محتوای مرجع ب مورخ ۲۶ ژوئن با سرپرست بخش آفریقایی

وزارت خارجه، معین جان نعیم (شدیداً حفاظت شود) گفتگو کرد. نعیم که از گزارش صورت وضعیت بسیار قدردانی می‌کرد دربارهٔ پیش‌نویسی که برای رئیس‌جمهور ضیاء در دست تهیه دارد با ما صحبت کرد.

۳- محتوای گزارش وزارت امور خارجه در مورد چاد، بر دو نگرانی مهم پاکستان در آن منطقه تأکید داشت: (۱) نگرانی از خطری که علیه نظامیان و غیرنظامیان پاکستانی در لیبی در صورت درگیر شدن آنها در جنگ وجود دارد، (۲) نارضایتی بیشتر آنها از مداخلات لیبی در آفریقای غربی-مرکزی و تأثیر آن بر روابط پاکستان در آفریقا.

- در مورد نکتهٔ اول، نعیم گفت که در گزارشش نیز منعکس شده است) دولت پاکستان هر روز منتظر و نگران است که گزارشاتی مبنی بر درگیر شدن افراد خود در چاد و یا به طور ناخواسته طبق برنامهٔ لیبیا در ریافت دارد. نعیم گفت که اخیراً در طول مدت تسویه حساب نیروهای ایمن در اوگاندا، وزارت خارجه پاکستان چند شب را بدون استراحت سپری کرد. وی گفت ترس از آن بود که ممکن بود چند پاکستانی به وسیله نیروهای مهاجم تانزانیایی کشته شده باشند. (تذکر: نعیم گفت پاکستان به لیبی رسماً اجازه نداده بود که از پاکستانیها در اوگاندا استفاده کند و علاوه بر این وزارت امور خارجه نیز از شرکت آنها در این نبرد بی‌اطلاع بود.)

- در مورد نکتهٔ دوم، نعیم با لحن شدیدی چه در گفته‌ها و چه در گزارش خود بدرفتاری قذافی را در را در منطقه نشان داده است. وی رهبر لیبی را «مردی دیوانه» می‌خواند که اعتبار و حیثیت خود را در آفریقای مادون صحرا به قیمت از بین رفتن حیثیت ما از دست داده است. نعیم نقشه‌ای را که در اواسط سال ۱۹۷۰ توسط لیبیا چاپ شده بود و نشانگر یک لیبی بزرگتر شامل، چاد، نیجر، بخشهایی از دلتای علیا، بخشهایی از الجزایر، تونس و صحرای اسبق اسپانیا بود به ما نشان داد. نعیم گفت هدف قذافی از مداخله در چاد رسیدن به این هدف بزرگ است.

۴- نعیم به یادآوری مشکلات وزارت خارجه در به دست آوردن اطلاعات دقیق در مورد رویدادهای چاد پرداخت. وی گفت ارتباط عادی تنها از طریق سفارت پاکستان در خارطوم که مسئول انجام آن نیز هست صورت می‌گیرد. ولی سفیر پاکستان حدود یکسال است که نتوانسته است به چاد سفر کند و سفیر چاد در خارطوم نیز، بنا به گفته نعیم، در همین مدت با پایتخت در تماس نبوده است. نعیم معتقد است که به مقامات سفارت چاد در خارطوم اصلاً حقوقی پرداخت نمی‌شود و دولت سودان از آنها حمایت می‌کند. چاد در سال گذشته در هیچ‌یک از کنفرانسهای اسلامی و در جلسات غیر متعهدانه نماینده‌ای نداشته است. دولت پاکستان نیز بنا به گفته نعیم نتوانسته است به علت عدم شرکت چادها در جلسات سازمان ملل با آنها تماس حاصل کند و آنها با سازمان ملل جداگانه ارتباط برقرار می‌کنند.

۵- اظهار نظر: کاربرد عبارت «مرد دیوانه» توسط نعیم برای توصیف قذافی و تشریح نگرانیهای دولت پاکستان مشابه اظهارات مقامات دیگری است که در رابطه با لیبی هستند. مقامات پاکستانی، با اعتراف به منافع اقتصادی حاصله از این تماس و ارتباط، ظاهراً نگران خطرات احتمالی موجود علیه روابط خارجی دولت پاکستان هستند. به خصوص آنها میل دارند از مجروح شدن و یا درگیری پاکستانیهای موجود در لیبی ممانعت به عمل آورند. علاوه بر این، آنها می‌ترسند که مبادا در اجلاسهای آتی سازمان ملل و غیر متعهدانه آنها نیز به همراه قذافی به یک خطا متهم شوند.

کینگ

سند شماره (۳۲)

تاریخ: ۶ تیر ۱۳۵۸ - ۲۷ ژوئن ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد

موضوع: سفر سردبیر ریدرز دایجست، ویلیام گریفیث به پاکستان

- ۱ - (طبقه‌بندی نشده) پیام حاضر نیاز به اقدام مقتضی دارد.
- ۲ - (محرمانه) اطلاع حاصل کرده‌ایم که سردبیر نشریه ریدرز دایجست ویلیام ئی. گریفیث در تاریخ ۱۰ - ۶ ژوئیه به پاکستان سفر خواهد کرد و با وی در آنجا به عنوان یک شخصیت مهم رفتار خواهد شد و وی خواهد توانست با مقامات عالی‌رتبه دولت پاکستان ملاقات نماید. ما نیز در همین رابطه اقدام مقتضی را به عمل خواهیم آورد.
- ۳ - (محرمانه) در صورتی که به سفارت پاکستان در واشنگتن در سطح بالا در مورد این سفر و سوابق گریفیث اطلاع داده شود تا آن سفارت نیز به نوبه خود از طریق ارسال تلگرام، دولت پاکستان را در جریان امر قرار دهد، ما خواهیم توانست با مقامات عالی‌رتبه این کشور با سهولت بیشتر تماس حاصل نماییم. (معاف)

سند شماره (۳۳)

تاریخ: ۷ تیر ۱۳۵۸ - ۲۸ ژوئن ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد

موضوع: ضرب و شتم دیپلماتهای فرانسوی در نزدیکی مجتمع اتمی

- ۱ - تمام متن خیلی محرمانه است
- ۲ - خلاصه: سفیر فرانسه در اسلام آباد، لوگوریرک و دبیر اول خود (سیاسی) ژان فورلوت هنگام رانندگی در نزدیکی دهکده کاهوتا در غروب روز ۵ تیرماه از طرف عده‌ای مورد حمله قرار گرفتند. فورلوت، که در طول این حمله بیهوش شده بود، می‌گوید این حمله توسط دولت پاکستان ترتیب داده شده بود تا خارجیها از سفر به اطراف مجتمع غنی‌سازی هسته‌ای در کاهوتا منصرف گردند. (پایان خلاصه)
- ۳ - ژان فورلوت به مقام سفارت در هفتم تیرماه توضیح داد که در تاریخ پنجم تیر حدود ساعت ۶/۴۵ دقیقه بعد از ظهر او و سفیر فرانسه لوگوریرک که از مسافرت به کاهوتا (حدود ۳۰ میلی‌اسلام آباد) باز می‌گشتند توسط چند چماق به دست متوقف و مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. فورلوت قبلاً نیز در سال ۱۳۵۷ به این منطقه سفر کرده بود و همکار استرالیایی وی از مجتمع احتمالی هسته‌ای این منطقه عکسبرداری نموده بود. (مرجع الف) فورلوت و سفیر در مورد این مجتمع در ملاقات با سفیر جامعه اروپا در هفته گذشته که موضوع اصلی مورد بحث مقاصد دولت پاکستان در زمینه تسلیحات هسته‌ای بود گفتگو کرده بودند. فورلوت داوطلب شده بود که سفیر را به این منطقه ببرد تا خود عیناً مجتمع را و حتی مناظر زیبای آنجا را نیز ببیند. فورلوت یادآور شد که این جاده برای استفاده عموم است و در کتاب جهانگردی اسلام آباد نیز از آن به عنوان یک جاده خوش آب و هوا یاد شده است.
- ۴ - این گروه کوچک در حدود ساعت ۴ اسلام آباد را به قصد کاهوتا ترک گفت و در مناطق خوش‌منظره توصیه شده نیز توقف نمود. آنها دوربین عکسبرداری به همراه نداشته و از ماشین نیز پیاده

نشده بودند. هنگام مراجعت از کاهوتا به قصد اسلام‌آباد، فورلوت (که در ماشین خودش با نمره سرکنسولگری رانندگی می‌کرد) متوجه شد که یک ماشین ژاپنی زرد رنگ با چهار سرنشین در تعقیب آنهاست. او از سرعت ماشین کم کرد تا آنها بتوانند عبور کنند.

در نقطه‌ای خلوت بین کاهوتا و سیهالا، او بار دیگر همان ماشین را دید که کمی جلوتر توقف کرده است. کامیونی نیز در جهت مخالف درست به موازات همان ماشین توقف کرده و جاده را به طرز مؤثری مسدود کرده بود. فورلوت توقف کرد و می‌خواست با استفاده از دنده عقب جهت ماشین را تغییر دهد که دو نفر سوار بر موتور سیکلت از پشت سر راه فرار را بر آنها بستند.

۵- چهار نفر از داخل ماشین و دو نفر موتور سوار به ماشین نزدیک شده و سعی کردند در ماشین را باز کنند و موفق شدند سرنشینان ماشین را پیاده کنند. فورلوت می‌گوید که توسط یک ضربه بیهوش شده بود. او تنها به خاطر می‌آورد که مهاجمین شلوار به تن داشتند (لباس سنتی) و آنقدر قوی نبودند. چون چند نفر از آنها سعی کرده بودند سفیر مسن و مریض حال را از ماشین بیرون بکشند، و به هیچ وجه از اسلحه استفاده نکردند. فورلوت می‌گوید که آنها ظاهری «نظامی» نداشتند ولی شباهت بسیاری به «راهزنها» داشتند. ۶- در توضیح ضرب و شتم وارده به خودش و سفیر، فورلوت گفت که آنها ظاهراً مهاجمین حرفه‌ای بودند، چون ضربات خود را به نقاطی از بدن وارد می‌ساختند که خسارت ظاهری نداشته باشد. یکی از دندانهای سفیر شکسته و چند جای بدنش کبود شده است ولی فورلوت علاوه بر نقاط کبود شده مجموعه‌اش نیز شکسته است.

۷- فورلوت می‌گوید پس از ده دقیقه به هوش آمد و متوجه شد که مهاجمین رفته‌اند و سفیر مشغول مراقبت از زخمهایش است. عینک فورلوت از بین رفته بود ولی به ماشین خسارتی وارد نیامده بود. آنها سوئیچ را از نقطه‌ای که مهاجمین آن را پرتاب کرده بودند یافته و به طرف اسلام‌آباد رانندگی کردند. از محل اقامت فرانسویها آنها از پلیس دعوت کردند تا این واقعه را گزارش نماید. پلیس با آنها اظهار همدردی کرده و اظهار داشت که به تحقیقات کامل مبادرت خواهد ورزید. سرپرست پروتکل و رئیس جمهور ضیاء تلفناً با سفیر در مورد این رویداد اظهار ناخشنودی کردند.

۸- گذشته از این بیانیه‌های دولت پاکستان و پوشش مطبوعاتی در رابطه با شکار مهاجمین، فورلوت معتقد است که یکی از مقامات دولت پاکستان این افراد شرور را به سراغ آنها فرستاده است. وی می‌گوید که مهاجمین فریاد می‌زدند: «خارجیها! در اینجا چه می‌کنید؟» و «خارجیها! گم شوید» و به این ترتیب انتخابی بودن خود را نشان می‌دادند. این افراد شرور پس از بیهوش کردن یک فرد جوان و نیرومند و رو به رو شدن با یک فرد مسن و ضعیف پا به فرار گذاشته بودند. آنها چیزی ندزدیده و به اتومبیل خسارتی وارد نیاوردند. از نظر فورلوت آنها فقط مأموریت داشتند همین کار را انجام داده و مانع از سفر بیگانگان کنجکاو جهت بازدید از مجتمع کاهوتا که بنا به گزارش مطبوعات نقش مهمی در برنامه کلی هسته‌ای پاکستان ایفا می‌کند، شوند.

۹- فورلوت گفت در مجتمع کاهوتا از زمان سفر گذشته‌اش تغییرات بسیاری ایجاد شده است. به طور مثال، تابلوی تعمیرگاه اساسی نظامی بر روی آن نصب شده، علاوه بر این، مجتمع توسط وسایط نقلیه غیر قابل استفاده نظامی محصور شده است تا نشان داده شود که نیاز به تعمیر دارند. لیکن به جای سیم خاردار یک دیوار سنگی ساخته خواهد شد تا کسی نتواند مجتمع را از طریق جاده رؤیت نماید.

۱۰- اظهار نظر: اگر دولت پاکستان می‌خواست ورود خارجیها و دیپلماتها را به منطقه کاهوتا محدود نماید کافی بود که آن را به لیست مناطق ممنوعه (بلوچستان، منطقه روستایی سند و غیره) اضافه کند. ضرب و شتم دیپلماتها و ایجاد وقایعی که پای دیپلماتها در آن به میان کشیده شود افراطی‌گری است. به نظر ما دولت پاکستان نمی‌تواند فرانسوی‌ها را به عنوان افراد مورد ضرب و شتم انتخاب نماید. یک تشریح احتمالی این است که مؤسسات امنیتی دستور داشته‌اند که در حراست از تأسیسات کاهوتا طوری عمل می‌کنند که مخالفت مطبوعات در رابطه با برنامه هسته‌ای پاکستان مطرح نشود. در انجام این کار احتمالاً یک افسر بسیار علاقه‌مند پا را از اختیارات خود فراتر گذاشته و دستور اجرای این نقشه را صادر کرده است.

سند شماره (۳۴)

تاریخ: ۱۰ تیرماه ۱۳۵۸ - ۱ ژوئیه ۷۹
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. به: وزارت سفارت آمریکا در اسلام‌آباد

موضوع: نظم و قانون در بلوچستان - افزایش نگرانی و تشنج در مورد افغانستان

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲- به خاطر دریافت گزارش اندیشمندان و مطلع سازنده در مورد بلوچستان متشکریم. این گزارش حاوی نکاتی جدید و تحریک کننده پیرامون تأثیر اوضاع افغانستان و هجوم پناهندگان بر اوضاع داخلی بود.

۳- باید گفته شود که ما گمان نمی‌کنیم که انفجار بلوچستان بستگی به نحوه تفکر آشوبگران در رابطه با مقدار حمایت آمریکا از پاکستان داشته باشد. ناآرامیهای گذشته صرفاً ناشی از اوضاع سیاسی و اقتصادی داخلی این ایالت بوده و تعهدات آمریکا در این زمینه نقشی نداشته است.

۴- یادداشت بیوگرافیک، بیانیه و پاراگراف ۱۰ که در آن گفته شده، ضیاء فرزند مولوی است برای ما بسیار جالب است. JNR/ OIL/B سعی کرد این موضوع را دنبال کند، ولی نتوانست شواهدی دال بر آن بیابد. پرونده‌های ما نشان می‌دهد که ضیاء به مدارس غیر مذهبی رفته است و پدرش یعنی محمد اکبر نیز احتمالاً یکی از کارمندان دون‌رتبه دولتی بوده است. در صورتی که سفارت و یا ادارات تابعه آن بتوانند اطلاعات بیشتری در این زمینه به ما بدهند بسیار ممنون خواهیم شد چون JNR/OIL/B می‌خواهد بیوگرافی کاملتری را از ضیاء منتشر سازد.

۵- بار دیگر از ارسال گزارش قبلی بسیار متشکر هستیم. خوانندگان شما در واشنگتن به بلوچستان علاقه و توجه خاص مبذول می‌دارند. کریستوفر

سند شماره (۳۵)

تاریخ: ۱۰ تیرماه ۱۳۵۸ - ۱ ژوئیه ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: بودجه پاکستان برای سالهای مالی ۱۹۷۹/۸۰، چندان تفاوتی نداشته است.

۱- وزیر دارایی، غلام اسحاق خان در سخنرانی خود در مورد بودجه در ۲۸ ژوئیه از دولت کنونی

طوری صحبت کرد که با هفت سال مدیریت نادرست اقتصاد روبرو بوده و با مبارزه با تمام مشکلات درصد است، وضع پاکستان را از نظر اوضاع مالی در داخل و خارج بهبود بخشد. غلام اسحاق در توصیف مشکلات اقتصادی از چند چیز به درستی یاد کرد، لیکن در این زمینه از ارقام مربوط به بودجه استفاده نکرده است. اسناد بودجه مربوط به سالهای مالی ۱۹۷۹/۸۰ کل دریافتیهای قابل پیش‌بینی را ۴۱ میلیارد روپیه (۹/۹ روپیه معادل یک دلار آمریکا) و هزینه‌ها یا مخارج را معادل ۵۲/۱ میلیارد روپیه نشان می‌دهد که کسری بودجه نیز معادل ۱۱/۱- میلیارد روپیه خواهد بود. در حالی که ارقام بودجه‌ای تجدید نظر شده سال گذشته کل دریافتی را ۳۹/۲ میلیارد روپیه و مخارج را ۴۶/۳ میلیارد روپیه و کسری بودجه را ۷/۱ میلیارد روپیه نشان داده بود، و حال آنکه برخلاف کسری بودجه اعلام شده ۲/۳ میلیارد روپیه‌ای، کسری بودجه واقعی ۵ میلیارد روپیه بیشتر می‌باشد. قرار است عوارض لازم برای سال جاری حدوداً از ۵/۱ میلیارد روپیه به ۴۶/۱ میلیارد روپیه افزایش و کسری بودجه را به ۶ میلیارد روپیه تقلیل دهد.

۲- غلام اسحاق در کنفرانس مطبوعاتی گفت دولت پاکستان سعی خواهد کرد با جذب منابع مالی بیشتر خارجی از کشورهای کنسرسیوم دیگر کشورهای دوست و در صورت لزوم بازار سرمایه بین‌المللی، شکاف ۳ میلیارد روپیه‌ای بودجه خود را کمتر کند. در صورت جذب این سرمایه، قروض جدید، وامهای جدید، علاوه بر تأمین دوباره مالی ۳ میلیارد روپیه‌ای برای وامهای کوتاه مدت، توانایی پاکستان را در اداره و بازپرداخت قروض خارجی سالهای آتی مشکلتر خواهد نمود.

۳- علت وجود کسری بودجه عظیم سال گذشته و کسری بودجه سال جاری مخارج و درآمدهای بودجه است. غلام اسحاق اعتراف کرد که پس‌انداز داخلی پاکستان و مالیات تولید ناخالص ملی کمترین میزان را در سطح جهانی داشته ولی مخارج دولت در بودجه سالهای ۱۹۷۹/۸۰ که به گفته او تا حد امکان کاهش یافته، نشانگر افزایش مطلق در زمینه وسیعی است و از مبالغی که ممکن است در نتیجه افزایش مالیاتها گرد آید فراتر رفته است. با در نظر گرفتن درآمد اضافی ۸/۱ میلیارد روپیه‌ای در نتیجه کمکها و مالیاتهای جدید، دریافتیها به سطح ۲۱/۵ میلیارد روپیه بیش از ۴۰/۴ میلیارد روپیه سال ۱۹۷۸/۷۹ بالغ خواهد شد در حالی که مخارج ۲۲ درصد بیش از ۴۲/۷ میلیارد روپیه ژوئیه ۱۹۷۸ افزایش خواهد داشت.

۴- در برآورد بودجه سال جاری، مخارج بیش از بودجه ۱۹۷۸/۷۹ افزایش می‌یابد و بیشتر در زمینه دفاعی (از ۱/۵ میلیارد روپیه، به ۱۱/۷ میلیارد روپیه) خدمات وامی (از ۱/۱ میلیارد روپیه به ۷/۵ میلیارد روپیه)، سوبسید (از ۱/۵ میلیارد روپیه به ۳/۹ میلیارد روپیه) است در حالی که سوبسید گندم ۱ میلیارد روپیه کاهش یافته است و مخارج عمرانی هیئت‌های خودمختار چون ذوب آهن کراچی و کارخانه‌های سیمان و کود (از ۱/۳۶ میلیارد روپیه به ۱۰/۹ میلیارد روپیه) افزایش یافته است، سوبسیدها، خدمات دامی و بودجه دفاعی و ذوب آهن کراچی و بندر قاسم سبب شده‌اند که مخارج بالا برود و تقریباً نیمی از بودجه عمرانی را به خود اختصاص داده‌اند. مخارج بخش اجتماعی مردمی، بهداشت، آموزش و پرورش، عمران روستایی و رفاه اجتماعی هنوز هم ۵ درصد بودجه دولتی یا کمتر از ۲/۵ درصد کل مخارج را مانند سال گذشته در برمی‌گیرد.

۵- مالیاتهای اضافی ۵/۱ میلیارد روپیه‌ای قرار است از طریق جیره‌بندی بافت مالیات بر درآمد (که

براساس آن بعضی از پرداخت کنندگان مالیات بر درآمد کم درآمدترین سود خواهند برد) و افزایش قیمت برق، کرایه قطار و چند محصول سوبسیددار مانند روغن نباتی و محصولات نفتی تأمین گردد. بخش کشاورزی تقریباً به خاطر ورود زکات و عشر چندان تغییر نکرده است لیکن بعدها در سال مالی جاری تغییراتی ایجاد خواهد شد گرچه جمع آوری این مالیاتها مستقیم با بودجه مرتبط نخواهد شد.

۶- این بودجه به طور کلی برای همه و حتی کشورهای کمک کننده، نازاحت کننده است که در کنسرسیوم پاریس نیز این نگرانی نشان داده شده است و از طرف احزاب سیاسی نیز مورد انتقاد قرار گرفته و آن را بودجه ای «بی روح و بوروکراتیک» نام نهاده اند. اتحاد ملی پاکستان می گوید اگر در انتخابات پیروز شود، مالیاتهای جدید را لغو خواهد کرد.

۷- ما چند نسخه از اسناد بودجه را به همراه سخنرانی مربوط به بودجه به طور خلاصه و مفصل برای واشنگتن ارسال می داریم؛ تحت گزارش سالیانه. کینگ

سند شماره (۳۶)

تاریخ: ۱۴ تیر ۱۳۵۸ - ۵ ژوئیه ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: پیدایش طوفان در مورد نقش زن در سیاست

۱- در آغاز مشاجره در مورد مشخص نمودن شکل سیاسی آتی کشور که با زمان تعیین تاریخ انتخابات مصادف شده است، ظاهراً در مورد نقش زن در سیاست طوفانی بر پا شده است. این گزارش نوعی پاورقی برای تلگرام مرجع وضع زنان در پاکستان و اظهار نظری بر رنجهای فزاینده ناشی از اسلامی سازی و نگرانی خاص در مورد نقش آتی همسر و دختر بوتو در سیاست می باشد.

۲- در تاریخ ۲ ژوئیه مولانا مفتی محمود ریاست اتحاد ملی پاکستانی ضد بوتو که خود علاوه بر اینکه یک رهبر مذهبی است، ریاست جمعیت علمای اسلامی محافظه کار را نیز بر عهده دارد این مسئله را در سخنرانی خود مطرح کرد. طبق معمول مخاطب سخنان مفتی حزب خلق پاکستان و نخست وزیر پیشین بوتو بودند. او با تأکید بسیار از ضربات و خسارات وارده توسط نخست وزیر فقید بر کشور سخن گفت و اعلام داشت که از تورم تا تولید رو به کاهش و کلاً هر مشکلی که کشور با آن دست به گریبان است، ناشی و نتیجه سالها حکومت بوتو بوده است.

۳- وی پس از آن با اشاره به انتخابات ماه نوامبر گفت که امکان ندارد حزب خلقی پاکستان پیروز شود. وی با استناد به قرآن گفت پیغمبر با صراحت رهبریت و حکومت زنان را رد کرده است. معذالک حزب خلق پاکستان به رهبری نصرت بوتو همسر بوتو (و یا احتمالاً دختر بوتو، به نام بی نظیر) نخواهد توانست در انتخابات پیروز گردد. وی با کمال خشونت گفت: این حزب یک اسب مرده است. و مردها امکان بازگشت ندارند.

۴- در رد تعابیر ارتجاعی مفتی، رئیس نشریه طریق استقلال در پنجاب، ملک وزیر علی توجه مولانا را به قانون اساسی سال ۱۹۷۳ پاکستان معطوف داشت که خود مفتی نیز بر آن صحنه گذاشته و در آن هیچ زنی را که شهروند و مسلمان باشد از مقامات دولتی و حتی اشغال بالاترین مقام در دولت منع نمی کند. علاوه بر این، او به مفتی خاطر نشان ساخت که تمام احزاب دوستدار اسلام پاکستان از دوشیزه فاطمه

جناح برای رسیدن به ریاست جمهوری در هنگام مخالفت با رئیس جمهور ایوب خان در سال ۱۹۶۴ حمایت کرده بودند.

۵- اظهار نظر: با نزدیکتر شدن دوران ماقبل انتخابات بخصوص اگر حزب خلق پاکستان در رهبریت خود تغییراتی داده و زنان بوتو رهبریت را به دست گیرند از این گونه مسائل بسیار خواهیم شنید. در میان اسلامیهای محافظه کار، پیام مفتی در مورد زنان از اهمیت بسیار برخوردار است. قانون اساسی سال ۱۹۷۳ و نظریات معتدلانه تر افرادی چون وزیر علی تأثیری نخواهد داشت. عملاً تنها مانع برای رسیدن زنان بوتو به ریاست جمهوری، سن بی نظیر بوتو می باشد. در سن ۲۵ سالگی وی نمی تواند رئیس جمهور (۴۵) استاندار (۳۵) یا سناتور (۳۰) شود، معذالک او با این شرایط سنی می تواند در هر مجلسی - چه ملی و یا استانی - شرکت نموده و چون غیر از آن شرط دیگری برای نخست وزیر نیست، وی می تواند به عنوان رهبر منتخب اکثریت مؤتلفه حزبی نخست وزیر کشور گردد.

سند شماره (۳۷)

تاریخ: ۱۷ تیر ۱۳۵۸ - ۸ ژوئیه ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: اختلافات سنی - شیعه پیرامون اسلامی ساختن کشور،
دولت پاکستان را با مشکلات و خطراتی روبرو ساخته است

۱ - تمام متن خیلی محرمانه است.

۲ - خلاصه: اقدامات دولت جهت تبدیل جامعه پاکستانی به یک الگوی اسلامی (نظامی اسلامی / نظام مصطفی) موجبات افزایش تضاد و تشنج بین جامعه اکثریت سنی و اقلیت شیعی در این کشور را فراهم کرده است. البته در جامعه سنی نیز اختلافات درونی در مورد این موضوع وجود دارد؛ لیکن زمینه یک توافق اساسی بین سنی ها و شیعیان که از تعابیر مختلف شریعت الهام می گیرند، به هیچ وجه وجود ندارد. تعهدات دولت مبنی بر محترم شمردن حقوق شیعیان با اتخاذ تصمیمات سیاسی، یا اقدامات و بیانیه های رهبران سنی ها که از نظر جامعه شیعه چیزی نیست، مگر تحمیل نظر اکثریت سنی در زمینه شریعت بر تمام مسلمانان کشور، دائماً تضعیف می گردد.

۳ - راه حل موقتی پیشنهادی توسط دولت در ماه مه (تلگرام مرجع الف) در مدت یک ماه با بیانیه نیرومند سرپرست اتخاذ ملی پاکستان (و سخنگوی سنی ها) مولانا مفتی محمود که گفته بود قانون پاکستان نمی تواند بر دو تعبیر (سنی و شیعه) شریعت استوار باشد و باید تنها بر تعابیر اکثریت سنی / حنفی قائم باشد، اعتبار خود را از دست داد. رابطه نزدیک اتحاد ملی پاکستان و مفتی با ژنرال ضیاء بیانیه وی را از آنچنان اعتبار خاصی برخوردار ساخت که خشم جامعه شیعه را برانگیخت. خشم مفتی در ۲۴ ژوئن با اعلام بافت پنجگانه دولتی جهت جمع آوری مالیاتهای رفاهی زکات و عشر که عوارض مزاد بودجه ای بود و تنها برنامه دولت را در سوق دادن پاکستان به سوی نظام اسلامی نشان می دهد، ظاهر گردید (تلگرام مرجع ب) اختلافات اساسی شیعه در مورد زکات و عشر در پیشنهادات دولت مورد ملاحظه قرار نگرفته بود و شیعیان گمان می کردند که بار دیگر دولت برخلاف گفته خود عمل کرده است.

۴ - مسئله مربوط به جامعه و عدم همبستگی لازم در دولت می باشد. ضیاء رهبری دولتی را به عهده

دارد که اغلب بیش از تواناییهای خود وعده و وعید می‌دهد و در رابطه با مسئله سنی و شیعه نیز همین مطلب صادق است. سنی‌ها بر این روند سلطه داشته و سعی نیز سعی خواهند کرد ضیاء را وادار کنند که به تعهدات خود در زمینه رعایت حقوق هر دو مذهب عمل کند. لیکن شیعیان اعتقاد و ایمان خود به ضیاء را از دست داده‌اند. آنها سعی دارند در این بازی وقفه‌ای ایجاد کنند و به آینده چشم دوخته‌اند تا دولتی بر سر کار آید که در جامعه اسلامی پاکستان از نظریات فرقه‌گرایی کمتر و مادی‌گرایی بیشتری بهره‌برداری کند. با این وصف، در پاییز جاری احتمال بروز خشونت بین سنی و شیعه وجود دارد. (پایان خلاصه)

۵- حکومت نظامی رئیس‌جمهور ضیاء‌الحق در فرمول‌بندی پیشنهادات مربوط به ایجاد یک سبک جدید زندگی اسلامی (نظام اسلامی) در پاکستان به خاطر اختلافات فرقه‌ای بین اکثریت (۷۵-۸۰ درصد) سنی و اقلیت (۲۵-۲۰ درصد) شیعی با مشکلاتی روبه‌رو شده است و جامعه شیعی نیز گمان نمی‌کند رئیس‌جمهور ضیاء بتواند، به تعهد خود مبنی بر محترم شمردن سنتها و عقاید آنها عمل کند.

آنچه مشخص نیست، این است که آیا می‌توان راهی یافت که از طریق آن دو نوع قانون اسلامی در این کشور اجرا شود. یعنی، آیا نظام اسلام می‌تواند در برگزیده تعابیر مختلف اسلامی باشد؟ یا سنی‌ها سعی خواهند کرد با استفاده از نظام اسلامی در پاکستان تعابیر خود را از سنت شریعت بر اقلیت شیعه تحمیل کنند، و در این راه نه تنها شرایط تاریخی که بافت جامعه پاکستانی را در نظر بگیرند؟

۶- آتش‌بس بین دو جامعه که در ماه مه (تلگرام مرجع الف) گزارش شده بود، در اصل موقتی بود. اختلاف دیرین بین دو مذهب برجسته در مورد شکل جامعه اسلامی پاکستان بار دیگر به زخمی تاریخ مبدل شده است که گویا حکومت نظامی تحت سلطه سنی‌ها و احزاب سیاسی موجود بر آن نمک می‌پاشند.

۷- در تاریخ ۱۰ ژوئیه، عدم اتفاق با شیعیان طیف سیاسی، در بیانیه عمومی مولانا مفتی محمود، سرپرست اتحاد ملی پاکستان که گفته بود قانون عمومی پاکستان باید بر فقه حنفیه سنی استوار باشد «چون اکثریت پاکستانیها پیرو این مذهب هستند» نشان داده شد. وی گفت امکان ندارد که بتوان دو نوع قانون را در این کشور (تلگرام مرجع الف) به مرحله اجرا گذارد.

۸- این بیانیه - که توسط یک رهبر حزبی (و مذهبی) برجسته نزدیک به حکومت نظامی ایراد شده بود - جامعه شیعی را خشمگین نمود. اتهاماتی از قبیل «گاو‌بندی» و بدتر، از طرف سخنگویان دین اقلیت به وی وارد گردید.

آقا مرتضی پویا، ناشر روزنامه «سلمان» که یکی از مهمترین میان‌روهای شیعه است، با انتشار دو مقاله از افراطی‌گرایی بیانیه مفتی سخن گفت. پویا و دیگران پیش‌بینی کردند که این گونه محدودیت فکری سنی‌ها به رؤیای ایجاد یک نظام واقعی اسلامی، - یعنی نظام اسلام که پاکستانیها بدان دل بسته‌اند، به طرز فلاکت‌باری پایان خواهد داد.

۹- در همین حال، دولت ضیاء‌الحق به شیعیان (حداقل به طور پنهانی) اطمینان داد که بیانیه مفتی به هیچ‌وجه نمایانگر سیاست دولت پاکستان نیست. ضیاء به رهبران شیعه گفت مسئله نظام قضایی به وسیله کمیته‌ای که قبلاً و در مذاکرات اولیه منصوب شده بود (تلگرام مرجع الف) مورد بررسی است و هنوز در مورد آن تصمیمی اتخاذ نشده است؛ لیکن این تعهد دولت پاکستان علناً اعلام نشده است و گویا دولت از عکس‌العمل جامعه سنی این کشور هراسناک است.

۱۰- در تاریخ ۲۴ ژوئن پس از اعلام رسمی بافت پنجگانه عوارض جدید اسلامی «زکات» و «عشر» (تلگرام مرجع ب) توسط دولت پاکستان، این مصالحه با ضربه دیگری مواجه گردید. طبق برداشت حکومت نظامی، این مالیاتها با سنت شیعه کاملاً اختلاف دارند - لیکن در برنامه جدید بر همه باید تحمیل می شد و دولت نیز سعی نکرده بود شیعیان را از این قاعده مستثنی سازد.

۱۱- عکس العمل شیعیان در این رابطه توأم با خشونت و افراط بود. مفتی جعفر، یکی از رهبران برجسته جامعه شیعی، از اعضای فرقه خود خواست که پولهای خود را از بانکها بیرون کشیده و «زکات» و «عشر» را نپردازند. ولی پاسخگویی به ندای وی بسیار محدود بود و جعفر در درخواست خود اعتدال را پیشه کرد. در تاریخ ۲ ژوئیه، وی اعلام کرد که چون دولت به وی اطمینان داده بود که از کسر نمودن مالیاتهای حسابهای بانکی به طور مستقیم خودداری خواهد کرد، وی نیز درخواست خود را برای بیرون کشیدن پولهای بانکی پس گرفته است.

با این وصف جعفر در سخنرانی دوم ژوئیه خود بار دیگر اعلام کرد که جامعه اش مصمم است در برابر تحمیل نظام اجتماعی - اقتصادی سنی مقاومت به خرج دهد. علاوه بر این جعفر اعلام کرد که جناح رادیکال وی در جامعه شیعه به تحریک فعالیتهای کمیته فرعی شورای ایدئولوژی اسلامی که تلاش می کند روش مصالحه بین فرقه ها را بیابد، ادامه خواهد داد.

۱۲- عناصر معتدل تر شیعه، به رهبری پویا، به طرز سنجیده تری در رابطه با اعلامیه ۲۴ ژوئن عکس العمل نشان دادند. پویا در خفا خاطر نشان می سازد که او و دیگر رهبران از طرف دولت پاکستان اطمینان یافته اند که اجرای طرح «زکات» و «عشر» به طور اجباری و کورکورانه تحمیل نخواهد شد. پویا در ۲ ژوئیه به مقام سفارت گفت که او شخصاً به این نتیجه رسیده است که حکومت نظامی ضیاء الحق بر نحوه اجرای نظام اسلامی در پاکستان تأثیر نخواهد گذاشت. وی معتقد است که این پیشنهادات «عالیه و ظریف» از حکومت نظامی ناشی می شود؛ لیکن به نظر وی تغییرات چندانی پدید نخواهد آمد. پویا می گوید: «هیچ پیشرفت حقیقی برای رسیدن به یک سبک زندگی اسلامی موفق نخواهد شد، مگر آنکه یک دولت منتخب مردمی روی کار بیاید.» (وی پیش بینی می کند که حتی در آن موقع نیز نمایندگان واقعاً اسلامی در مجلس ملی در اقلیت قرار خواهند گرفت و گمان نمی کند که چنین هیئتی بتواند در ایجاد مدینه فاضله مورد نظر ضیاء سرعت عمل داشته باشد. وی یاد آور شد که هیچ یک از هیئتهای سیاسی موجود در تاریخ، آزادانه به سبک زندگی اسلامی تن نداده است. از جمله مناطقی که نظام اسلامی غالب است، می توان کشورهای را نام برد که شعائر اسلامی را از رده های بالا بر جامعه و از طریق یک حاکم موروثی تحمیل می کنند (مانند عربستان سعودی کویت، و غیره) در حالی که تحمیل این شعائر به وسیله رژیمهای نظامی (چون عراق، لیبی و غیره) نوعی تقلید در پیاده کردن نظام اسلامی به حساب می آید. پویا معتقد است که عناصر آرایشی «نظام واقعی» برای جامعه به هیچ وجه کافی نیست.

۱۳- عکس العمل دو لبه جامعه شیعه نسبت به این رخدادها از نظر بسیاری یک مانور هماهنگ است. مقاومت رادیکال جعفر (که تا به حال موفقیت آمیز نبوده است) که تلاش در تحریک جامعه دارد با میانه روی و منطقی پویا معتدل می گردد. ولی نتیجه آن ازدیاد فشار وارده بر حکومت نظامی ضیاء الحق می باشد که اگر ادامه یابد، مانع از اجرای این موارد قبل از انتخابات ماه نوامبر خواهد گردید. طبق گفته پویا ممکن است در نتیجه این امر از بدترین لحظه ها، بهترین بهره برداری شود (البته به طور ضمنی). یعنی همه

متقاعد شوند که به جای قبول نظامی دارای گرایشات سنی تحمیلی بهتر است هیچ‌گونه «نظام» خاصی نداشته باشند.

۱۴- رهبریت سنی به سرکردگی سیاستمدارانی چون مفتی محمود به طرز غیرتشکیلاتی سعی دارد قبل از انتخابات نوعی «نظام» خاص را تدوین نماید. آنها ترس از آن دارند که مبادا حضور سیاسیشان در یک دولت آزادانه انتخاب شده کمتر از حضور کنونی‌شان و یا «همکاری‌شان» با حکومت ضیاء باشد.

۱۵- اظهار نظر: پویا در گفتگو با مقام سفارت به خوبی نظر خود را در مورد مشکلات موجود در برابر منافع فرقه‌ای جهت تغییر سبک زندگی در پاکستان ابراز داشت و گفت: «احزاب مذهبی نمی‌توانند اعتقادات فرقه‌ای خود را بدون پذیرفتن برداشت عمومی مادی‌گرایی بقبولانند.»

درست است که هیچ‌یک از احزاب در دستیابی به این هدف موفق نشده‌اند، ولی شیعیان در برابر سنی‌ها که از نظر سیاسی در احزابی چون جمعیت اسلامی، جمعیت‌العلمای پاکستان و جمعیت علمای اسلام مفتی سازمان یافته‌اند، موفقیت بیشتری خواهند داشت؛ چون خسارات بیشتری به آنها وارد خواهد شد. فلسفه شیعی نیز در این کشور بهتر با جنبه مادی برخورد می‌کند چون از افراد عامی کشور توقع چندانی ندارد. ۱۶- تضاد ادامه خواهد داشت. شیعیان وعده‌های ضیاء را برای دستیابی به یک راه حل جهت کاربرد هر دو سیستم قضایی به وی گوشزد خواهند کرد، تا هیچ‌یک از آنها به سلطه مورد نظر دست پیدا نکنند. سنی‌ها نیز تقاضاهای برحق خود را در مورد نظام اسلامی مورد نظر خود به رخ خواهند کشید و به دولت فشار وارد خواهند کرد، تا قبل از انتخابات به وعده‌های خود در مورد نظام اسلامی عمل نماید.

۱۷- دولت ضیاء با یک مشکل واقعی رو به روست. با قرن‌ها تضاد سنی‌ها که از گذشته به آنها به ارث رسیده، به شیعیان در مورد این مسئله که به گمان آنها بنیادی است فشارهایی وارد می‌گردد. آنان نیز با سرسختی به تلاش خود ادامه خواهند داد و به دولت نظامی فشار وارد خواهند آورد تا به تعهدات خود در مورد نظام اسلامی عمل کند. با ادامه روند اسلامی‌سازی، رهبران شما نیز در هر فرصت سعی خواهند کرد موانع موجود بر سر راه خود را از میان بردارند. در نتیجه این اقدامات سرعت سیر روند کاهش خواهد یافت، لیکن رنج و عذاب ضیاء که به گمان بسیاری ابعاد مسئله را درک می‌کند و به گمان بسیاری دیگر سعی دارد با حربه دو دوره بازی به شیعیان حيله زده و اکثریت سنی را راضی نگه دارد، طولانی‌تر خواهد شد. برای کسانی که به ضیاء شک دارند این توهم پیش می‌آید که وی بیش از توانایی خود، وعده و وعید می‌دهد و نخواهد توانست راه حلی را بیابد.

میان‌روی وی در مورد این مسئله از حمایت عمومی برخوردار است، لیکن رهبریت سنی قادر است جامعه را در این مورد تحریک نماید.

۱۸- رابطه میان این دو جامعه در پاکستان نیز مانند دیگر کشورها توأم با تضاد بسیار است. معمولاً در پاکستان در ماه رمضان که در ماه اوت آغاز می‌گردد. احساسات فرقه‌ای تحریک می‌گردد و در ماه محرم که در پایان نوامبر سال جاری انشاءالله بسته به رؤیت ماه آغاز خواهد شد، تشنج بین سنی و شیعه به اوج خود خواهد رسید. با این وصف فرارسیدن انتخابات نیز به این تشنجات دامن خواهد زد. شیعیان دیگر به ضیاء و حکومت نظامی به عنوان حافظ منافع خود ایمانی ندارد. آنها سعی دارند تصمیم‌گیری مربوط به اجرای نظام اسلامی را تا زمانی که یک دولت منتخب قدرت را در دست نگرفته با تأخیر و تعویق روبرو سازند. ولی سنی‌ها نیز که گمان می‌کنند که حکومت نظامی تحت سلطه تسنن از آنها حمایت می‌کند، ممکن

است کاسه صبرشان لبریز شده و به اقدامات مستقیم تر و یا حتی خشونت بار متوسل شود. همین امر ممکن است تأثیر عمیق بر رابطه سنی و شیعه داشته باشد و بر آینده نظام اسلام، آینده حکومت نظامی و در واقع به آینده پاکستان خساراتی بزند.

سند شماره (۳۸)

تاریخ: ۱۷ تیر ۱۳۵۸ - ۸ ژوئیه ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. - با اولویت

موضوع: (سری) اظهار نظر مقامات وزارت خارجه در مورد

سفر دوست (شاه محمد دوست - م) و روابط افغانستان و پاکستان

۱- (سری) تمام متن: اطلاعات کشور بیگانه حفاظت شود.

۲- مقامات سفارت در هفتم ژوئیه فرصتی داشتند تا درباره سفر هفته گذشته محمد دوست، معاون وزیر خارجه افغانستان به پاکستان و ملاقات وی با امیر عثمان دبیر کل امور افغانستان، ایران و ترکیه که در گفتگوها شرکت داشت بحث و تبادل نظر نمایند. صحنه گفتگو ضیافت شامی بود که وسیله کاردار در رابطه با پرفسور ویلیام گریفیت استاد دانشگاه فلتچر ترتیب داده شده بود.

۳- عثمان گفت که دولت پاکستان در رابطه با سفر دوست توقعهای بسیاری نداشت و به همین دلیل از نتایج معتدل حاصله از این ملاقات چندان ناراحت نیست. دوست یک مقام حرفه‌ای بود و یکی از چهره‌های انقلابی نمی‌باشد. گفتگوها صمیمانه و عاری از مشاجرات لفظی بود و با تأکید بر مسائل ناشی از فرار ۱۰۰۰۰۰ پناهنده افغانی به پاکستان، نوعی تبادل نظر را شامل می‌گردید. مهمترین انتقادی که دوست در رابطه با متهم ساختن پاکستان به مداخله در امور افغانستان مطرح کرد اشاره کلی تحت عنوان «مداخله خارجی» بود.

۴- عثمان گفت که گفتگوهای بین دوست و وزیر خارجه شهنواز راه را برای «ادامه مذاکرات» بین مقامات عالی‌رتبه «هموار» کرده است. وی به دعوت مشاور وزارت خارجه آقاشاهی (که هم اکنون در رباط به سر می‌برد) برای سفر به کابل و تکرار دعوت از سوی تره‌کی برای سفر رئیس جمهور ضیاءالحق به افغانستان اشاره کرد. عثمان گفت که امکان دارد آقاشاهی قبل از ماه رمضان به کابل سفر کند، لیکن وی گفت که در مورد زمان دقیق این سفر با مشاور وزارت امور خارجه صحبت نشده است.

۵- مسئله اصلی مورد بحث در اسلام آباد، پناهندگان افغانی بود که دوست از آنها در پاکستان با عنوان «فراری» یاد کرده است. فرستاده افغانی سؤال کرده است که چرا دولت پاکستان قادر به کنترل تبعیدشدگان نیست تا آنها نتوانند علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان تبلیغات به راه بیندازند و یا در حمایت از شورشیان وارد افغانستان شوند؟

با استفاده از استدلالهای جاری، دولت پاکستان به تکالیف مسلمانان در ارائه کمکهای بشردوستانه به پناهندگان و مشکلات موجود دولت پاکستان در بستن مرزها برای جلوگیری از ترک افغانستان و ورود آنها به مناطق قبیله‌ای این سوی مرز اشاره کرد. وزیر امور خارجه این اتهام را که دولت پاکستان تسلیحات و آموزش در اختیار پناهندگان شورشیان قرار داده تکذیب کرد و گفت حاضر است به هر یک از افراد مورد نظر جمهوری دموکراتیک افغانستان اجازه دهد که از اردوگاههای آوارگان و مناطق این سوی مرز بازدید

به عمل آورد. پاسخ دوست به این پیشنهاد فاش نشده است.

۶- دولت پاکستان جمهوری دموکراتیک افغانستان را مسئول مشکلات پناهندگان دانست. وزیر خارجه گفته بود که جمهوری دموکراتیک افغانستان آنچنان شرایطی را در افغانستان به وجود آورده که افغانستان هزار هزار به کشور همجوار یعنی پاکستان می‌گریزند و بسیاری از آنها نیز دارای پیوندهای قبیله‌ای هستند و تنها دولت جمهوری دموکراتیک افغان است که می‌تواند شرایطی را فراهم آورد که موجب بازگشت پناهندگان و تبعیدشدگان به افغانستان گردد. اگر جمهوری دموکراتیک افغانستان بخواهد می‌تواند با کمک دولت پاکستان مرزها را مسدود نماید؛ گرچه مشکلات دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان نیز با مشکلات دولت پاکستان یکسان خواهد بود.

۷- وزیر خارجه به مشکلات مربوط به اذیت و آزار کارمندان سفارت پاکستان توسط جمهوری دموکراتیک افغانستان و حملات تبلیغاتی آن علیه پاکستان اشاره کرد و گفت که هر دو طرف می‌توانند به این بازیها ادامه دهند. دولت پاکستان مخصوصاً توجه افغانها را به قرارداد ۱۹۷۶ که بین دو کشور جهت از بین رفتن تبلیغات خصمانه منعقد شده بود جلب نمود.

۸- در مورد کارمندان سفارت، عثمان یادآور شد که شرایطی که تحت آن به سفارت دولت پاکستان در کابل اجازه داده شده که با کارمندان پاکستانی که طبق ادعای جمهوری دموکراتیک افغانستان خواستار پناهنده شدن در افغانستان هستند، مصاحبه کند کاملاً رضایت بخش نبوده است. دولت پاکستان به تلاشهای خود در زمینه آزادسازی کارمندی که بنا به گفته عثمان از قبیله پتان و احتمالاً ختاک اهل کوهات است ادامه خواهد داد. عثمان گفت علاوه بر این دیپلمات افغانی که به اینجا پناهنده شده است (مرجع ج) یک نفر دیگر نیز در راه است که به خاطر سفر دوست و امید آزاد شدن کارمندان پاکستانی در کابل درباره آن تبلیغاتی صورت نگرفته است. وی اضافه کرد که مسئله پناهندگی در پاکستان واقعیت دارد و در رابطه با آدم‌رباییهای موجود در کابل صحنه سازی نشده است.

۹- عثمان یادآور شد که تبلیغات ضد پاکستانی به محض توافق در مورد بازدید دوست از پاکستان کاهش یافت. و باید دید که پس از مراجعت دوست به کابل نیز این کاهش تبلیغات ادامه خواهد یافت یا خیر. (باید گفته شود که روزنامه اردوزبان جنگ در مقاله خود در ۱۶ تیر عنوان کرده است که تبعیدشدگان افغانی سفرای خود را نزد پادشاه پیشین افغانستان یعنی ظاهر شاه فرستاده و از وی خواسته‌اند که فرماندهی تبعیدشدگان را در دست بگیرد.)

۱۰- در پاسخ به سؤال گریفیث عثمان یادآور شد که جمهوری دموکراتیک افغانستان با مشکلات بسیار حادی رو به روست و مسکو اقدامات لازم را تا حد تعویض تره‌کی و یا ارسال نظامیان انجام خواهد داد تا منافع شوروی حفظ گردد (گرچه این اقدامات تا به حال مشکلات مالی و خونریزی‌های زیادی را از طرف مسکو به همراه داشته است). با این وصف وی خطری جدی را برای رژیم کابل پیش‌بینی نمی‌کند و معتقد است که شورش ادامه خواهد یافت و بسته به هوا، محصول، پول، وضع تسلیحاتی و فشارهای وارده از طرف جمهوری دموکراتیک افغانستان در شدت وحدت آن کاهش و افزایش پدید خواهد آمد کینگ

سند شماره (۳۹)

تاریخ: ۲۰ تیر ۱۳۵۸ - ۱۱ ژوئیه ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
موضوع: (طبقه بندی نشده) پاکستان و ضیاء الحق در پایان حکومت دو ساله
۱- (تمامی متن سری)

۲- (خلاصه): اکنون در روزهای اولیه سال سوم حکمرانی خویش ژنرال محمد ضیاء الحق می تواند با
غرور و افتخار به بسیاری از کارهای انجام یافته خویش به عنوان رئیس حکومت نظامی و رئیس
جمهوری بنگرد. این کارها ممکن است شامل جلوگیری از بروز جنگ داخلی در این کشور ۸۰ میلیون
نفری و حفظ صلح (و خونسردی) در داخل و خارج در جریان دورانی از بلا تکلیفی های فزاینده در منطقه
و فراهم کردن یک حکومت صلاحیت دار و مسئول در پاکستان باشد. معذالک کشور در آشوب به سر
می برد و به همان ترتیب پاکستان به سوی انتخابات پیش می رود که ضیاء الحق برای ماه نوامبر تعیین کرده
است، چشم انداز بعد از آن در مورد واگذاری امور به یک حکومت انتخابی و میراث کلی سالهای حکومت
ضیاء جنبه های مختلفی دارد. «شکستهای» ضیاء ظاهراً به نظر ما (و به نظر بسیاری از دیگران) بر
«موفقیتها» او می چربد. این پرونده می کوشد تا پرونده ضیاء را در انتهای دو سال حکومت وی
صورت بندی کرده و موقعیت وی و روحیه ملی پاکستان را ارزیابی کند و نظری نیز به آینده بیفکند. این
گزارش به چنین نتیجه ای می رسد که آینده پاکستان چندان درخشان نیست و بلا تکلیفهای معمولی که با
هر گونه دوران انتخاباتی ارتباط دارد، در حال حاضر بزرگتر جلوه گر شده و در پاکستان با عوامل زیر
ارتباط پیدا کرده است:

(الف) تاریخ اسفناک انجام انتخابات در این کشور تاکنون، (ب) سوء ظن وسیع در مورد اینکه
انتخابات سرانجام به تعویق خواهد افتاد، (ج) فقدان ایمان به فرایند انتخابات و ترس از نتایج محتمل و
رویدادهای حاصله از برگزاری انتخابات، (د) تشدید بحران اقتصادی که کشور را به سوی ورشکستگی
ملی سوق می دهد، (ه) نگرانی فزاینده و جنون آمیز درباره تهدیدهای قریب الوقوع نسبت به امنیت
پاکستان، (و) نگرانی توأم با خشم و نفرت از بیگانگان ناشی از رویارویی پاکستان بر سر مسئله مجتمعی
هسته ای یا ایالات متحده که قدیمی ترین حامی آن به شمار می آید، (ز) فقدان فزاینده ایمان و اعتقاد از
سوی مردم این کشور و عناصر ترکیبی منطقه ای و سیاست آن به طور کلی در توانایی پاکستان برای به
حرکت انداختن آن به عنوان یک ملت. با توجه به مراتب فوق انتخابات حتی اگر هم طبق برنامه انجام گیرد
ممکن است به صورت یک تمرین تو خالی پایان پذیرد. (پایان خلاصه)

۳- محمد ضیاء الحق ۵۲ ساله رئیس ستاد و اجرا کننده حکومت نظامی و وزیر بهداری و وزیر امور
خارجه و از مرداد سال ۱۳۵۷ به بعد رئیس جمهور پاکستان. در تاریخ ۱۴ تیر ۱۳۵۸ دوران دو ساله خود
را که بر مسند قدرت بود به پایان رسانده است. هنگامی که ژنرال ضیاء الحق و توطئه کنندگان نظامی
همرزم او تصمیم گرفتند ذوالفقار علی بوتو را که سابقاً نخست وزیر بود، به منظور اجتناب از جنگ داخلی
در تیرماه ۱۳۵۶ از کار برکنار کنند، انتظار نداشتند که به مدت دو سال بر مسند قدرت تکیه زنند. اگر ضیاء
طبق وعده هایی که داده است انتخابات را که برای ۲۶ آبان ۱۳۵۸ پیش بینی شده و ۲۰ هفته بیشتر به انجام
آن باقی نمانده، برگزار کند، این آخرین سالگرد ضیاء الحق و همزمان او بر مسند قدرت و این ارزیابی

شش ماهه نیز آخرین ارزیابی درباره حکومت وی خواهد بود.

۴- ما در این تجزیه و تحلیل در نظر داریم، پاکستان و حکومت نظامی ضیاء الحق را در پایان حکومت دو ساله او در آستانه آنچه که ممکن است منجر به تفویض قدرت به یک حکومت منتخب و یا تصمیم تعمدی برای تجدید دوران حکومت نظامی بشود، مورد مطالعه قرار دهیم. بیشتر آنچه که برای گفتن درباره ضیاء الحق به عنوان رهبر و سیاستمدار و یک شخصیت داریم، قبلاً در گزارشهای شش ماهه قبل و نظرگاههای متعدد ما درباره برنامه کار و مشکلات و باند او گفته شده است. ما قصد داریم در پایان دو سال، سیاهه‌ای از موجودی او تنظیم کنیم و این سیاهه البته هم در مورد کوتاهی‌ها (نکات منفی) و هم مزادها (نکات مثبت) خواهد بود و شکستها و موفقیت‌های او را نیز در برخواهد گرفت. آن گاه به طور مختصر به پایگاه قدرت او و نیروهای مخالف نگاه خواهیم کرد و خواهیم کوشید تا درباره آینده او قضاوت‌هایی انجام دهیم.

۵- سیاهه برداری:

(الف) جنبه‌های مثبت سالهای حکومت ضیاء: محمد ضیاء الحق افسر سپاه زره پوش، نرم زبان که در جولووندور به دنیا آمده و در مدارس نظامی آمریکایی تحصیل کرده و در جریان دو جنگ با هند و انجام وظیفه با اردنیها از سوی ذوالفقار علی بوتو به ریاست ستاد ارتش تعیین شده بود زیرا بوتو او را خطری علیه حکومت غیرنظامی (که توسط بوتو اداره می‌شد) به حساب نمی‌آورد در جریان این دو سال به شکل یک سیاستمدار زیرک و حيله‌گر و روی هم‌رفته خوش اقبال درآمده است. ضیاء الحق خود را با روحیه ملی تطبیق داده و رژیم خود را که حوزه انتخاباتی اساسی او می‌باشد پرورش داده و آنهایی را که ممکن بود علیه او ائتلاف کنند، با وعده‌های بازگشت به حکومت منتخب مشغول کرده است. این وضع اکنون اندکی تغییر کرده است، زیرا واقعیت‌های اقتصادی و تقاضاهای سیاست انتخاباتی دست به دست یکدیگر داده و دامنه پشتیبانی از او را تنگ‌تر کرده و کار او را دشوارتر ساخته است. اگر همه این عوامل را در یک جمله خلاصه کنیم، موفقیت‌های ضیاء بسیار چشمگیر به نظر می‌رسد، زیرا کاملاً منصفانه می‌شود گفت که در ظرف دو سال اخیر ضیاء الحق:

-- کشور را از یرتگاه جنگ داخلی نجات داده و نظم و قانون را اعاده کرده است.

-- با موفقیت‌های مختلفی کوشیده است تا بدترین هرج و مرج را که بر اقتصاد کشور مستولی شده بود، بی‌اثر کند.

-- بر روندی از «محکوم شمردن» به منظور افشا و مجازات خطا کارهای سالهای حکومت بوتو، و خطا کارهای خود نخست وزیر پیشین نظارت نموده است.

-- با اتحادیه ملی پاکستان یک ائتلاف بی‌سر و صدا تشکیل داده، و مخالفان خود را دچار تفرقه کرده و اطمینان حاصل نموده که در هنگام ممانعت از تخفیف دادن میزان مجازات بوتو این تنها ارتش نیست که در کنار او مانده است.

-- به حالت عصیان و اشغال ایالت بلوچستان توسط ارتش پایان داد.

-- یک مبارزه قاطع برای ساختن یک جامعه جدید اسلامی که به عقیده او از لحاظ اخلاقی سالم بوده و پایگاه بالقوه ناسیونالیسم جدید می‌باشد به راه انداخت.

-- با اندکی موفقیت فرآیند متارکه خصوصت منطقه‌ای در آسیای جنوبی را حفظ کرد و هنگامی که

انقلاب آوریل ۱۹۷۸ در کابل نزدیک بود این فرآیند را از هم بپاشد، او توانست نیروهای خود را نگهداری کرده و با اوضاع امنیتی که برای پاکستان در داخل منطقه و قسمتهای غربی آن خطرناک بود دست و پنجه نرم کند.

-- پس از شکستهای موقت و چشمگیر ناشی از خطرهای مفروض و حقیقی از طرف حامیان بوتو علیه نظم و قانون و حقوق بشر در پاکستان توانسته است، سانسور مطبوعات را از بین برده، و تمام افراد بوتو و اکثر زندانیان سیاسی طرفدار وی را آزاد سازد.

-- از طریق تدارک طومارهای رأی دهندگان و تعیین حدود و حوزههای انتخاباتی و سرانجام تعیین تاریخ، فرآیند انتخابات جدید را به راه انداخت.

-- مقررات و دستورات جدیدی وضع کرد و سیستم جدیدتری از انتخابات هیئتهای محلی به منظور برقراری دموکراسی در پایین ترین سطح قدرت در این کشور را به مورد اجرا گذارد.

-- رئیس کلی سیاست خارجی دوران نخست وزیر بوتو را که از جمله شامل دوستی بسیار صمیمانه با اعراب و چینیه، خروج از پیمان سنتو، عضو شدن در نهضت غیر متعهدها، سرخوردگی از ایالات متحده، سازش با اتحاد جماهیر شوروی و گسترش یک سیاست مستقل هسته ای بود، حفظ کرد. این مطالب را نمی توان موفقیتهای ناچیزی برای یک رهبر کشور جهان سوم که فاقد تجربه سیاسی و مشروعیت در ظرف یک مدت دوساله بود به حساب آورد.

(ب) نکات منفی سالهای حکومت ضیاء: ناکامیهای ضیاء جدی تر است هر چند تعداد آنها ممکن است کمتر از موفقیتهای او باشد. بیشتر این ناکامیها البته ناشی از محدودیتهایی است که پاکستان برای جولان دادن به عنوان یک کشور فقیر جهان سوم، صرف نظر از اینکه چه کسی آن را انجام می دهد یا مسئله بر سر چیست، دارد. ناکامیهای دیگری از قبیل آنهایی که مدافعین او می خواهند گوشزد کنند، نتیجه درهم ریختگی عظیمی است که او هنگام به دست گرفتن قدرت در دو سال پیش با آن مواجه بود، و این استدلال اندکی نیز حقیقت دارد. بعضی از دشواریهای او منعکس کننده عوارض جنبی نامطلوب سیاستهایی است که به طور کلی در ستون موفقیتهای او قرار گرفته است. بسیاری از ناکامیهای او تنها به خود او مربوط است و نتیجه محدودیتهای او به عنوان یک رهبر یا محدودیتهای گروه تابع او به عنوان مدیران و طراحان و مأموران اجرایی می باشد. اگر بخواهیم اینها را خلاصه کنیم منصفانه می توان گفت که او:

-- نتوانسته است شالوده نهادهای ثابت دمکراتیک را فراهم آورد تا بتواند چهارچوب ضروری برای برقراری یک حکومت واقعاً منتخب و ایجاد ثبات در کشور را پدید آورد.

-- او باعث شده است که پاکستان با نیازهای فراتر از امکانات خود زندگی کند و بدین ترتیب پاکستان را به لبه پرتگاه ورشکستگی از طریق تأکید مداوم بر طرحهای بسیار گران و جلب کننده سرمایه، رسانده است (هر چند به وعدههای خود وفا کرده و پروژههای جدیدی را آغاز نکرده است).

-- عامل زمان بیشتر را نادیده گرفته است و به اخطارهای خشمگینانه جوامع کمک دهنده مبنی بر اینکه از تأمین مالی صرف و اسراف به جای رشد، به جان آمده است توجه ننموده است.

-- احساس تسلط خواهی پنجابی را به جای آنکه کاهش دهد، تشویق کرده و ساکنان مناطق غیر پنجابی را از خود بیگانه کرده است که شاید این امر اثر اساسی بر بافت و ترکیب ملی داشته است.

-- نتوانسته است یک حالت روحی اعتماد و اطمینان را نسبت به آینده ایجاد کند.

-- با نهایت بی‌پروایی از یک سیاست مستقل گسترش تسلیحات هسته‌ای به قیمت از بین رفتن مناسبات خود با آمریکا که هنوز هم مهمترین حامی پاکستان به شمار می‌آید پیروی کرده است.
-- در نتیجه یک چنین سیاستی بعضی از قسمتهای نیروهای مسلح خود را با اتکاء بر تجهیزاتی که بد نگهداری شده و اغلب کهنه شده نسبت به خود دلسرد کرده است.

-- علاوه بر این ممکن است توانایی نیروهای مسلح خود را در انجام وظایف اولیه دفاعی خویش زیان رسانده باشد و این به علت درگیری نیروهای مسلح در انجام وظیفه حکومت نظامی و پراکنده شدن این (رو به فساد کشیده شدن) نیروها می‌باشد (ODPR). در این مورد متوجه شده است که حتی در میان افسران ارشد ستاد ارتش یک نوع حالت آسودگی خاطر و کوتاهی در گرفتن تصمیم از سوی نیروهای مسلح به وجود آمده است. همچنین بسیاری از افسران ظاهراً قادر نیستند اقداماتی بسیار ابتدایی بدون بررسی نزدیک از سوی پرسنل اطلاعاتی به عمل آورند و افسران ارشد نیروی دریایی و هوایی در انجام وظایف مربوط به حکومت نظامی شرکت ندارند، و ظاهراً این افراد مشمول محدودیتهای حکومت نظامی قرار نگرفته‌اند).

-- هیچ‌گونه اثری بر بار سنگین فساد در این جامعه نداشته است و حکومت نظامی پاکستان قشرهای جدید و شبکه‌های تازه‌ای را به بازیگری قدیمی افزوده است که در نتیجه آن به میزان بدبینیهای جامعه‌ای که قبلاً نیز دچار این خصیصه بدبینی بوده افزوده است.

-- نتوانسته است مشکلات موجود سیاسی و مربوط به قانون و نظم عمومی را که به وسیله پیروان عصبانی و سرخورده نخست وزیر فقید پاکستان به وجود آمده بدون توسل به دستگیریه‌ها و بازداشتیهای به مقیاس وسیع، هر چند کوتاه مدت و گاهی نیز با اعمال سانسور مستقیم و اغلب غیرمستقیم و محدود نمودن آزادی بیان و اجتماعات و احزاب از میان بردارد.

-- در کوششهای مکرر خود نتوانسته است به نحوی حکومت نظامی را از نظر سیاسی تحت کنترل درآورد تا قدرت سیاسی و درایت آن افزایش یابد و در صورت از بین رفتن حکومت نظامی فرصتی پیش آید تا یک رهبریت سیاسی دیگر قدرت را به دست گیرد.

-- مجازاتهای سنتی خشن از قبیل قطع عضو بدن یا سنگسار کردن و شلاق زدن را به عنوان عواملی در مسیر اسلامی کردن کشور به کار بسته است. ولی بیش از همه بزرگترین شکست ضیاء در این فهرست، عدم توانایی وی در فراهم آوردن زمینه برای پیاده شدن خود و همکارانش از پشت ببری است که از سال ۱۳۵۶ بر آن سوار بوده‌اند. ضیاءالحق مورد اعتماد نیست. او اغلب حرفهایی می‌زند که بعداً آن را تغییر می‌دهد. او نتوانسته است سوءظنی را که مردم این کشور به او دارند برطرف کند و سوءظن مردم از این بابت است که او تمایلی برای رها کردن زمام قدرت ندارد و بسیاری فکر می‌کنند که او تعمداً صحنه را برای تعویق مجدد انتخابات فراهم می‌کند. بسیاری از پاکستانیها انتظار دارند که او را در پایان سال ۱۹۷۹ و فراتر از آن تا ماه ژوئیه ۱۹۸۰ سوار بر مسند قدرت ببینند.

۶- این سوءظن در تجربه ۳۲ ساله خودمختاری پاکستان ریشه دوانده است و در این مدت مشاهده نشده است که هیچ یک از رهبران پاکستان به میل خود از مقام خود کناره‌گیری کنند و معمولاً این وضع به معنای نوعی فرمانروایی خودکامانه یا حکومت نظامی و متکی بر ارتش برای حفظ اوضاع و اداره کشور بوده است.

۷- این سوءظن همچنین در شک و تردید مربوط به نتایج حاصله از انتخابات سال ۱۹۷۹ ریشه دوانده است. رهبری سیاسی در ورطه‌ای از مسائل نامربوط شناور است و علت آن نیز عدم تماس وی با مردم و گرفتاری فکری بیش از حد او به کسب سمت و اختلافات ناچیز فرقه‌ای می‌باشد. سیستم سیاسی که هم اکنون در این کشور وجود دارد، ظاهراً قادر نیست یک اجماع آرای حاکم را با به کار بردن مقررات اساسی فرآیندهای غربی و پارلمانی دمکراتیک سازمان بدهد و بیشتر بازیگران آن اشخاص طرفدار افراد برگزیده‌ای هستند، که صراحتاً نسبت به اراده مردم که به وسیله رأی‌گیری همگانی به دست می‌آید، بی‌اعتماد می‌باشند.

۸- علاوه بر سوءظن مربوط به کناره‌گیری داوطلبانه ضیاء از قدرت و عدم ایمان به توانایی این نظام در ارائه نتیجه‌ای مستحکم، کسانی نیز هستند که در پایان ممکن است با انتخابات مخالفت ورزند، چون فکر می‌کنند که حزب خلق پاکستان به رهبری همسر و دختر بوتو پیروز خواهد شد، و آنها نیز در نهایت به خاطر اعدام یا کشتار رهبر، همسر و پدرشان مسیر انتقامجویی را در پیش خواهند گرفت.

۹- به طور کلی، به عنوان نمونه این نیروهای ضد بوتو می‌توان از جماعت اسلامی محافظه کار که مهمترین عضو ضد بوتو اتحاد ملی پاکستان و حامی سرسخت حکومت نظامی قبل و حتی بعد از ائتلاف حکومت نظامی و اتحاد ملی مسلمانان در مرداد ۱۳۵۷ تا اردیبهشت ۱۳۵۸ بود، نام برد. در صورت روبه‌رو شدن با آشفتگی سیاسی و یا بدتر از آن یعنی پیروزی حزب خلق پاکستان، جماعت اسلامی - که از اسلامی سازی ضیاء، سیاست مستقل خارجی و مسائل اتمی و دلبستگی آن به سرمایه گذاری آزاد و نظم و ترتیب حکومت نظامی شدیداً حمایت می‌کند - حاضر خواهد بود رهبریت ضیاء و عدم موفقیت‌های سیاست‌هایش و حيله گریهای گهگاه و اقدامات نیم‌بند اقتصادی وی را توجیه نماید و جماعت اسلامی نیز احتمالاً از آن چنان نظم و ترتیب سازمانی و نیروی خیابانی برخوردار است که خواهد توانست با تحریک و یا بدون تحریک شدن از طرف حکومت نظامی بی‌نظمی لازم را به وجود آورده و خواستار تجدید نظر در انتخابات گردد. یک حکومت نظامی، که با کمبودهای مالی شدیدی روبه‌روست و متقاعد شده است که تنها از طریق اصلاحات سیاسی بسیار سریع می‌تواند کشور را نجات دهد، با وجود اینکه این اقدامات را ممکن است بین زمان حال و نوامبر انجام ندهد، ممکن است از به تعویق افتادن انتخابات استقبال کند (و یا آن را ترغیب نماید) تا بتواند تصمیمات اکیدی را که یک ائتلاف ضعیف و یا حتی حزب خلق پاکستان محبوب خواهد توانست اتخاذ نماید، خود بدان دست یابد. ولی این آمریکا حکومت نظامی مصممتر از آن چیزی را می‌خواهد که در دو سال گذشته شاهد آن بوده‌ایم.

۱۰- پایگاه قدرت ضیاء: چند ماه قبل ما تصور می‌کردیم که به محض اینکه لحظه اعدام بوتو بگذرد، ضیاءالحق ممکن است خود را در معرض خطر ببیند. منطقی ما آن نبود که حزب خلق پاکستان به قدرت خواهد رسید تا ضیاء را سرنگون کند، بلکه آن بود که ائتلاف ضد بوتو که ضیاءالحق در رأس آن قرار گرفته و اکنون ۲۱ ماه است آن را در دست دارد، به محض اینکه احساسات ضد بوتو که آنها را به هم پیوند می‌داد ضعیف تر شود، از هم خواهد پاشید. ما معتقد بودیم که برای ضیاءالحق اهمیت خواهد داشت که هر چه زودتر تاریخی برای انتخابات تعیین کرده و خود را پای‌بند به انجام آن بداند تا کانون توجه را به چیزی غیر از حکومت نظامی معطوف کند. ولی ضیاءالحق یک گام پیشتر رفت و حتی قبل از اعلام تصمیم در مورد بوتو خود را متعهد به انجام انتخابات در ۲۶ آبان قلمداد کرد و به سرعت تصمیم گرفت و اکنش عمومی را

در قبال اعدام بوتو از طریق بازداشت هزاران تن از رهبران حزب خلق پاکستان و کارگران آن و «اشغال» موقت منطقه سند که موطن بوتو می‌باشد، به وسیله ارتش مهار کند.

۱۱- او همچنین به مرور زمان اجازه داد که سیاست‌بازی به نحو فعالانه‌ای صورت گیرد و خود او نیز دست به سیاست‌بازی زد و سانسور را برچید و به کرات تعهد خود را درباره‌ی کناره‌گیری پس از انتخابات وعده داده شده در ماه آبان اعلام داشت. این عدم کنترل شدید اوضاع اثرات خود را بخشید، و جو صف‌بندی‌های سیاسی بعد از بوتو و موضع‌گیری‌های قبل از انتخابات به نحو محسوس‌ی آزاد و بی‌نظم و ترتیب گردید. نیروهای امنیتی (و وضع فکری که آنها در آن خلاصه می‌شوند) موجودیت دارند و همان‌طوری که یک روزنامه‌نگار گفته است ضرب و شتم غیرمسئولانه و بی‌معنی خبرنگار خارجی و دیپلمات‌های خارجی که به محل مجتمع هسته‌ای بسیار نزدیک شده بودند، تنها نشان‌دهنده‌ی نوع خشونت مأمورین پلیس است که پاکستانیها باید لاقلاً به نحو بالقوه تمامی وقت با آن روبرو باشند.

۱۲- پیام ضیاءالحق برای انتخابات محلی (مثلاً شهرداریها و کمیته‌های بخش) قبل از برگزاری انتخابات عمومی که قرار است در ماه نوامبر انجام گیرد، شاید از اشتباهات جزیی وی می‌باشد. همان‌طوری که ما در گزارش خود خاطر نشان کرده‌ایم سیاستمداران از آن سوءظن دارند که رأی‌دهندگان در معرض رفتار کنترل نشده قرار گیرند و آنها همچنین نسبت به انگیزه‌های ضیاءالحق ظنین هستند و از آن بیم دارند که ضیاءالحق انتخابات عمومی را پس از اتمام انتخابات محلی لغو کند.

هدف ضیاء این است که دمکراسی در پایین‌ترین سطح خود آغاز شود و ما معتقدیم که ضیاء قصد دارد جریانهای انتخاباتی را آزمایش کند تا ببیند آنها را به رهبری حزب خلق پاکستان وابسته هستند چگونه رفتار خواهند کرد. ولی ضیاء گویی یک لائت‌زنبور را علیه این اقدام به عنوان اعتراض برانگیخته است، به طوری که همه سیاستمداران اعم از اینکه با این حزب ارتباط داشته یا نداشته باشند با او درافتاده‌اند. معذالک ما معتقدیم اعم از اینکه انتخابات محلی عملاً قبل از انتخابات عمومی انجام بگیرد یا نگیرد، اقدام اصلی هنوز صورت نگرفته است و پیشنهادهای ضیاء در میان رأی‌دهندگان عادی استقبال مثبت داشته است.

۱۳- تصمیم ضیاء در رابطه با لغو سوبسید گندم در مغازه‌های جیره‌بندی که بابت بالا رفتن میزان کمک دولت به اشخاص عادی شده و با تورم همراه بوده است و همچنین مالیات‌های جدیدی که او وضع کرده (تلگراف جداگانه) که در یکی از روزنامه‌ها به عنوان «آخرین بودجه حکومت نظامی» توصیف شده است، همچنین مشکلی را ایجاد کرده است که ضیاء نسبت به آن در تنهایی قرار گرفته و بقیه طیف سیاسی در برابر او صف‌بندی کرده‌اند.

۱۴- ولی پایگاه اصلی قدرت او لایتغیر مانده است و مهمترین سمت او عبارت است از ریاست ستاد ارتش و اگر سنت وفاداری به این مقام رعایت شود، این همان نهادی است که قدرت واقعی او از آن ناشی می‌شود. در حالی که در آغاز او برجسته‌ترین فرد در میان هم‌رتبه‌های خود در دو سال قبل بود به مرور زمان او بیشتر برجسته شده است ولیکن هرگز نسبت به هم‌قطاران نظامی خود چندان فاصله‌ای نگرفته است که آنها را وادار کند علیه او متحد شوند. ظرف دو سال گذشته او عملاً همه افسران ارشدی را که در دوران حکومت بوتو با آنها ارتباط داشته است تغییر داده یا بازنشسته کرده است، سران نیروی هوایی و دریایی و اعضای همکار در شورای نظامی به استثنای بازیگران غیر جوی حکومت نظامی جا به جا شده و

درجه‌ها به سه ستاره کاهش یافته‌اند. بیشتر فرماندهان سپاه در سال ۱۳۵۶ تغییر یافته (بعضیها بازنشسته شده‌اند)، و همه فرماندهان سپاه اکنون سمتهای مهم غیرنظامی نیز دارا می‌باشند و دو نفر از آنها به عنوان وزیران فدرال انجام وظیفه می‌کنند و چهار نفر دیگر فرمانداران ایالات هستند. همچنین تغییر دیگری که ممکن است قریب‌الوقوع باشد مربوط به سپهد جیلانی است که اکنون وزیر دفاع است و از قرار معلوم به ریاست کمیته ستاد نیروهای مشترک که سمتی معادل ژنرال چهار ستاره است درخواهد آمد. این سمت حائز چندان قدرت و اختیاراتی برای صاحب آن نیست و چنین به نظر می‌رسد که سپهد اقبال کلید احتمالی هر حرکتی از درجات ارشد برای از جا برکنار کردن ضیاء در سمت خودش به عنوان نایب رئیس ستاد ارتش منصوب شود. هر چند ضیاء از قرار معلوم از اوایل سال می‌کوشید تا او را به سمت دیگری منصوب کند، چنین به نظر می‌رسد که اقبال از سمت خود راضی است و تا آن اندازه که ما اطلاع داریم او به «رئیس خود» مانند افسران دیگر در سمتهای بالا از قبیل سپهد چیشتی که از همکاران جولوندوری است، وفادار مانده است.

۱۵- رحیم‌الدین خان فرمانده سپاه در کوئته و فرماندار بلوچستان که اکنون از طریق سببی قوم و خویش ضیاء‌الحق شده است چنین به نظر می‌رسد که از آنهایی است که در دایره داخلی دستگاه قدرت در پاکستان وارد خواهد شد و در ضیافتی که ضیاء‌الحق به افتخار کنستابل وزیر مختار آمریکا که مدت مأموریتش تمام شده و عازم کشورش بود ترتیب داده بود در سمت راست ضیاء قرار گرفته بود.

۱۶- به علت فعالیتهای دولت پاکستان به منظور ممانعت از دسترسی ما و به منظور حصول اطمینان از آنچه در آنجا می‌گذرد، ما نتوانسته‌ایم با سطوح پایین‌تر نظامی تماس چندانی برقرار سازیم. تنها چیزی که می‌توانیم بگوییم این است که از نظر ما تلاش مهمی علیه ضیاء در این سطوح انجام نگرفته است، تنها نشانه‌های موجود نارضایتی بعضی از آنها در رابطه با تصمیم ضیاء مبنی بر اعدام بوتو بود که آنها با ایجاد تغییراتی در سطوح افسران دو ستاره خاموش شد. تا آنجا که ما می‌دانیم ارتش در رابطه با تعهد او در برگزاری انتخابات از وی حمایت می‌کند، بیشتر افراد ارتش می‌خواهند از اداره امور و انجام وظیفه دستگاه حکومت نظامی برکنار باشند. این امر لاقلاً نشان‌دهنده اندیشه متعارفی در اسلام‌آباد است و هر چند در قابلیت دسترسی ما به مقامات بالاتر شکافهایی وجود دارد، ما درباره مدعی بالقوه جدی در برابر ضیاء یا همکاران ارشد بلافصل او که معتقد به ادامه حکومت ارتش یا از کار برکنار کردن ضیاء در آینده نزدیک باشند اطلاعی نداریم.

۱۷- معذالک همه از قرار معلوم درباره اثرات انتخاب یک عنصر انتقامجو از حزب خلق پاکستان نسبت به سمتهای خویش نگرانند و از قرار معلوم بسیاری حاضر خواهند بود، در پشتیبانی از اقدامات ضیاء از قبیل ممنوع کردن حزب خلق پاکستان یا محروم کردن رهبران عمده آنها به عنوان عنصر واجد شرایط و جلوگیری از آنچه که ممکن است اتفاق بیفتد با ضیاء همکاری کنند. در صورتی که احساس کنند که چنین عواقبی در انتظار آنهاست، ممکن است حتی حاضر باشند که بپذیرند انتخابات به تعویق بیفتد و یا اصلاً لغو شود.

۱۸- تا آنجایی که ما اطلاع داریم سیاست ضیاء‌الحق نسبت به نیروی اتمی مسئله‌ای نیست که ضیاء را از ارتش و کارمندان غیرنظامی ارشد یا مردم به طور کلی جدا کند، سیاست هسته‌ای ضیاء‌الحق که ما او را متهم به پیروی از آن می‌کنیم ضیاء را در موضع مساعدی از سوی مردم یعنی هر چه بااداباد قرار می‌دهد.

۱۹- پایگاه قدرت ضیاء الحق فراتر از قلمرو نظامی نسبت به آنچه قبلاً تقریباً هر کس را که تمایلات ضد بوتو داشت در برمی گرفت، کاهش یافته است و به همان سرعتی که سیاستمداران و مردم عادی آماده می شوند تا حکومت نظامی را در رابطه با مشکلات پاکستان مقصر اعلام کنند این پایگاه قدرت نیز کاهش می یابد. سروصدای جاری درباره بودجه (تلگراف جداگانه) یکی از موارد محسوس است. اگر ضیاء هم اکنون اعلام می کرد که انتخابات عمومی به تعویق می افتد پشتیبانی از او در میان مردم به اندازه قابل ملاحظه ای کاهش می یافت. یک موج عمومی دامنه دار علیه ضیاء الحق پیرامون این مسئله اگر همراه با خشونت باشد ممکن است به صورت عاملی درآید که سران نظامی پاکستان را وادار کند تا جانشینی برای ضیاء از میان خودشان انتخاب کنند. ما اکنون تصور می کنیم که تقریباً هر جانشین دیگری از قبیل اقبال یا چیشتی یا جیلانی یا عباسی یا حتی رحیم الدین به نحو چشمگیری از یک سیاست مشابه پیروزی خواهند کرد و تمایل آن را خواهند داشت تا قدرت را به یک حکومت غیر نظامی به محض اینکه امکان آن پیش آید واگذار کنند. این هم بار دیگر یک نوع خرد متعارفی است ولی خردی است که از شالوده کمی برای حدس در مورد راههای چاره دیگر برخوردار است.

۲۰- جناح مخالف: اکثر احزاب سیاسی موجود را با تشدید تب انتخاباتی می توان در جناح مخالف طبقه بندی کرد. البته حزب خلق پاکستان مهمترین مخالف ضد حکومت نظامی، ضدارتش و ضد ضیاء به حساب می آید. پیروزی حزب خلق پاکستان در انتخابات احتمالاً سبب فرار ضیاء و خانواده اش از کشور خواهد شد. احزاب دیگر و حتی آنهایی که علناً با ضیاء متحد شده اند و یا از تلاشهای ضیاء حمایت کرده اند نیز سعی دارند بین خود و حکومت نظامی فاصله ایجاد کنند. حتی جماعت اسلامی نیز که خواستار به دور انداخته شدن بودجه بوده است، شدیداً به انتقاد از ژنرال نپر داخته است.

۲۱- ضیاء به مذاکرات بی پایان خود با رهبران ادامه می دهد و گهگاه شایع می گردد که طرح جدیدی پدید آمده است تا مثلاً شخصی مانند ولی خان (و یا دیگری) به سمت نخست وزیری حکومت مؤتلفه منتخب و یا کمک حکومت نظامی درآید و احتمالاً ضیاء به عنوان رئیس جمهور منتخب بر سر قدرت بماند تا به هدف خود در مستقیماً مرتبط ساختن ارتش با رئیس جمهور در قانون اساسی آتی دست یابد. ولی گذشته از حزب خلق پاکستان بقیه احزاب از کارآیی لازم برخوردار نیستند، چون رهبران آنها یا به صورت بازیچه درآمده، یا از مردم دور شده و یا به هر دو صورت می باشند. لیکن در زمان حاضر تنها اتحاد ملی پاکستان که در سرتاسر طیف سیاسی دارای قدرت است، می تواند خطری علیه ضیاء به حساب آید، ولی تا زمانی که در انظار عموم متعهد به برگزاری انتخابات عمومی نشان داده شود، این گونه اقدامات از طرف این حزب حتی علیه بودجه نیز صورت نخواهد گرفت. احزاب چپگرا نیز تجزیه شده و فاقد کارآیی در امور خویش هستند، ولی امکان دارد به عنوان «نیروهای مترقی» با حزب خلق پاکستان ائتلاف نمایند.

۲۲- آینده: آینده پاکستان در این برهه از زمان چندان درخشان به نظر نمی آید و گویا زمانه بر ضد حکومت نظامی پاکستان کار می کند. البته زمانه تقریباً علیه هر حکومتی در اسلام آباد کار می کند و بیشتر علیه حکومتی که چشم انداز کوتاه مدت را در نظر گرفته و فاقد مشروعیت است می باشد. زمانه همچنین ممکن است در صورتی که ائتلاف منافی که ضیاء الحق را سرپا نگه داشته است فرو بپاشد، علیه ضیاء نیز

کار بکند و آن در صورتی است که ضیاء به نحو فزاینده‌ای به عنوان مظهر همه چیزهایی که به زیان پاکستان است درآمده باشد. اگر ضیاء به وعده انتخاباتی خود، همچنان پای بند باشد، ما هیچ‌گونه تهدیدی نسبت به توانایی او برای نگه داشتن خود بر مسند قدرت تا زمانی که انتخابات انجام بگیرد و زمام قدرت را به یک حکومت انتخاب شده واگذار کند - البته در صورتی که اوضاع و احوال انجام چنین انتخاباتی را اجازه داده و رأی دهندگان یک نتیجه به هم پیوسته و به اندازه کافی ایجاد کنند که تشکیل حکومت را ممکن سازد - نمی‌بینیم.

۲۳- مشکلاتی که پاکستان و ضیاء با آنها مواجه هستند از قرار زیر است:

-- برای پاکستان به طور کلی یک بحران بزرگ اقتصادی پدیدار شده است. ناشکیبایی جامعه و ام‌دهنده بین‌المللی و خشم داخلی بر سر تأییدات بودجه جدید فدرال تنها عکس‌العملهایی است که در نتیجه مشکلات ناشی از ادامه حیات پاکستان فراتر از امکانات خود پدید آورده است. مهمترین عوامل تشدیدکننده این عکس‌العمل میزان زاد و ولد این کشور است که در جهان بیسابقه است و سطح زندگی این کشورها هنوز هم در سطح بسیار پایینی قرار دارد.

-- در روابط پاکستان با قدیمیترین حامی او یعنی ایالات متحده بر سر مسئله سلاحهای هسته‌ای بحرانی آغاز شده است. این دشواری هیچ‌گونه علائمی مبنی بر حل مشکلات یا کاهش آن نشان نمی‌دهد، در حالی که نیروی غیرقابل مقاومت سیاست اشاعه سلاحهای هسته‌ای پاکستان در عمل با سیاست آمریکا در مورد سیاست عدم اشاعه نیروی هسته‌ای آمریکا در تضاد شدید قرار می‌گیرد.

-- بی‌ثباتی در منطقه رو به افزایش است و این یکی از نتایج فرعی انقلاب در ایران و ادامه اقدامات ضد شورشی در افغانستان (و قدرت فزاینده) هند می‌باشد. پاکستان بنابه ضرورت در برابر این شرایط تنها مانده است و اگر قرارداد ۱۹۵۹ را در نظر نگیریم این تنهایی پاکستان ناشی از سیاست سرسختانه عدم تکثیر سلاحهای هسته‌ای از طرف ما و پیگیری سلاحهای هسته‌ای از طرف پاکستان است که به نظر ما آنها قادرند احساس ناامنی آنها را تخفیف دهند.

این احساس «تنهایی» نیز ناشی از عدم توانایی آن در کسب سلاحهای مدرن، بی‌اعتمادی به دوستان عرب و فشار سازش‌ناپذیر شوروی، و میزان محدود کمکها و تضمینهای چین می‌باشد؛ البته اگر در این زمینه گزارش مربوط به ارسال ۲۰ فروند میگ ۱۹ را نادیده بگیریم.

-- در داخل کشور هیچ‌گونه راه حلی در چشم‌انداز نیست و هیچ‌گونه پیشرفت واقعی در راه انسجام ملی حاصل نشده است.

هر چند عصیان و شورش در بلوچستان در جریان نیست، این استان مانند همیشه در وضع سرخوردگی به سر می‌برد و اگر افغانستان وضع خود را جمع و جور کند این استان در معرض مداخله افغانستان قرار خواهد گرفت.

محاكمه طولانی بوتو و تشنجات در ایالت پنجاب و طرفداران ضد پنجاب در کشور و دست حکومت نظامی پاکستان در یورش سنی‌ها در ایالت پنجاب بسیار سنگین بوده است و باعث مزاحمت غیر پنجابیها و اهل تشیع و دیگران بوده است. همچنین علاوه بر اقدامات برنامه‌ریزی انتخاباتی هیچ‌گونه پیشرفتی در راه سیر تکامل اجماع آراء درباره شکل آینده نهادهای ایجاد شده در نتیجه انتخابات و یک سیستم فدرال که بتواند منافع و فشارهای منطقه‌ای را سر و سامان دهد و نوعی احساس هویت ملی که انتقال به یک

حکومت جدید مشروع را تضمین کند و به امید توانایی انجام وظیفه بدون ایجاد بی ثباتی و بی نظمی و فرمانروایی حکومت نظامی، به وجود نیامده است. بدون فرمانروایی حکومت نظامی حتی اگر هم انتخابات طبق برنامه پیش بینی شده انجام گیرد و همان طوری که ضیاء وعده داده است آزاد باشد یک تمرین بسیار توخالی و بی ثبات کننده خواهد بود.

۲۴- این ارزیابی با اعضای مربوطه گروهی که بر روی این کشور کار می کنند تطبیق شده و تصویب آنها را به دست آورده است.

سند شماره (۴۰)

تاریخ: ۲۰ تیر ۱۳۵۸ - ۱۱ ژوئیه ۷۹
از: کنسولگری آمریکا در لاهور

به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: برنامه اضطراری و تخلیه افراد: تعداد تقریبی افراد تخلیه شونده

و آمریکاییهای غیردولتی مقیم خارج

بخش اول: تعداد تقریبی تخلیه شدگان

۱- پرسنل وزارت دفاع

۲- وابستگان پرسنل وزارت دفاع

۳- دیگر پرسنل دولت آمریکا

۴- وابستگان دولت آمریکا

۵- آمریکاییان مقیم

۶- جهانگردان آمریکایی:

فصل سوم

فصل چهارم

فصل اول

فصل دوم

۷- دیگر تخلیه شوندگان احتمالی

(همسران پاکستانی شهروندان آمریکایی)

۸- جمع ۳۱۱ نفر

الف) تا اکتبر ۱۹۷۹ بخش اعظم برنامه کمکها در پاکستان متوقف خواهد شد و پرسنل دولت آمریکا به ۱۳ نفر و وابستگان آنها به ۲۵ نفر تقلیل خواهند یافت. در صورت توقف برنامه تسلیحات هسته ای دولت پاکستان، زمینه برای از سر گرفته شدن کمکهای آمریکا در پاکستان فراهم و تعداد پرسنل آمریکایی و وابستگان آنها افزایش خواهد یافت.

لیکن این مسئله در سالهای ۸۰-۱۹۷۹ تحقق نخواهد یافت.

ب) در واقع ۱۷۶ آمریکایی ثبت نام کرده اند.

پایان بخش محرمانه

آغاز بخش طبقه بندی نشده

بخش دوم: آمریکاییان غیردولتی مقیم خارج

الف: بازرگانان ۶

ب: کارمندان ۴

ج: دانشجو (۱۸ ساله به بالا) ۵

د: میسیونر ۵۵

ه: وابستگان بالا ۴۰

و: بازنشستگان و وابستگان نشان ۰

ز: دیگران ۱۰۵ (ج)

ح: جمع ۲۱۵

ط: ۷۵ تن از آنها همسران و فرزندان شهروندان پاکستانی هستند.

کتاب چهل و ششم

پاکستان (۲)

سند شماره (۴۱)

تاریخ: ۲۱ تیر ۱۳۵۸ - ۱۲ ژوئیه ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد

موضوع: دانشجویان در مرکز نشریه «مسلمان» به تظاهرات می پردازند

۱- (طبقه بندی نشده) روزنامه جدید و دارای صراحت لهجه انگلیسی زبان «مسلمان» در صفحه اول خود گزارش داد که قربانی حمله فعالان دانشجویی مرتبط با جمعیت طلاب محافظه کار اسلامی شده است. طبق اظهارات مقاله، ۱۰۰ دانشجوی دانشگاه قائد اعظم توسط یکی از اتوبوسهای متعلق به دانشگاه در تاریخ ۱۰ ژوئیه (روز تعطیل که تنها معدودی از کارمندان کار می کردند) از راه رسیدند. دانشجویان شعارهای اعتراض آمیزی را تکرار می کردند و به یکی از گزارشگران زن توهین کرده و پس از آن به زور وارد طبقه اول مرکز این روزنامه شدند.

۲- (طبقه بندی نشده) به نقل از مقاله، این گروه در دفاتر روزنامه «مسلمان» به مدت ۳۰ دقیقه ماندند و سعی کردند وارد بخش سردبیری شوند. در تمام مدت یک جیب حامل پلیس در محل متوقف بود لیکن برای ممانعت از دانشجویان اقدامی به عمل نیاورد. این مقاله گزارش می دهد که دانشجویانی که به زور وارد مقر روزنامه «مسلمان» شده بودند همان دانشجویانی هستند که در برابر سفارت های آمریکا و هند تظاهرات می کردند (مرجع الف).

۳- (محرمانه) اظهار نظر: صبح روز ۱۲ ژوئیه پیرامون این «حمله» توسط روزنامه های اردو و انگلیسی زبان مطالبی منتشر نشد (در تاریخ ۱۱ ژوئیه نیز به علت روز TG روزنامه ای منتشر نشده بود) روزنامه «پاکستان تایمز» تحت کنترل دولت پاکستان نیز مطلبی پیرامون تظاهرات ضد آزمایشگاه فضایی در سفارت آمریکا در دهم ژوئیه نوشته بود لیکن به ادامه تظاهرات اشاره ای نکرده بود.

- این حمله در روزی صورت گرفت که رهبران شیعه آن را به خاطر «بدرفتاری» علیه خود از طرف اکثریت سنی (مرجع ب) «روز اعتراض» نامیده بودند. به نظر ما تصادفی نیست که جمعیت طلاب دارای گرایشات شدید سنی در این روز متعلق به شیعیان به یک روزنامه تحت کنترل آنها حمله کنند. نکته جالب این است که روزنامه «مسلمان» نتوانسته بود در گزارش خود این دو موضوع را به یکدیگر ربط دهد، و شاید علت آن نیز این بوده است که در تحریک فرقه ای، نفعی عایدش نمی شده است. کینگ

سند شماره (۴۲)

تاریخ: ۲۴ تیر ۱۳۵۸ - ۱۵ ژوئیه ۷۹
از: کنسولگری آمریکا در کراچی

موضوع: برنامه های اضطراری و تخلیه افراد: تعداد تقریبی تخلیه شوندگان

احتمالی و آمریکاییهای مقیم خارج. (گزارش و- ۷۷)

بخش اول: تعداد تقریبی تخلیه شوندگان

- ۱- پرسنل وزارت دفاع ۱۰
- ۲- وابستگان پرسنل وزارت دفاع ۹
- ۳- دیگر پرسنل دولت آمریکا ۵۲

۱۰۰	۴- وابستگان پرسنل دولت آمریکا
۳۹۵	۵- آمریکاییان مقیم
	۶- توریست‌های آمریکایی
۱۵۰	فصل سوم
۱۷۰	فصل چهارم
۲۰۰	فصل اول
۲۱۵	فصل دوم
۳۵	۷- دیگر تخلیه‌شوندگان احتمالی
۷۷۱	۸- جمع
	بخش دوم: آمریکاییان بخش خصوصی مقیم خارج
۱۱	الف - بازرگانان
۳۵	ب - کارمندان
۵	ج - دانشجویان (۱۸ ساله و مسن‌تر)
۴۱	د - میسیونرها و روحانیون
۶۰	هـ- وابستگان افراد بالا
۰	و- بازنشستگان و وابستگان آنها
۶۰	ز - غیره
۲۱۲	ح - جمع شهروندان بخش خصوصی در این منطقه
	بریمز

سند شماره (۴۳)

تاریخ: ۲۴ تیر ۱۳۵۸- ۱۵ ژوئیه ۷۹
 از: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد
 به: وزارت امور خارجه در واشنگتن. دی. سی

موضوع: ۲۵۰۰۰ نفر دیگر به پناهندگان افغانی افزوده می‌گردد

۱- (طبقه‌بندی نشده) دولت پاکستان در مورد تعداد پناهندگان افغانی موجود در پاکستان ارقام جدیدی را منتشر کرده است تعداد پناهندگان در حال حاضر ۱۲۵۰۰۰ نفر و رو به افزایش است. در رابطه با استانها این رقم به صورت زیر سرشکن می‌گردد: بلوچستان ۳۹۶۱۶ نفر، ایالت شمال غربی مرزی ۸۵.۶۸ نفر. افزایش تعداد آنها نشانگر این واقعیت است که هجوم پناهندگان به نسبت ۵۰۰۰ نفر و بیشتر در هفته‌های ماه مه ۱۹۷۹ هنوز هم ادامه دارد.

۲- (خیلی محرمانه) رابط مطلع بلوچ در کنسولگری کراچی به معاون مقام ریاست و مشاور سیاسی در کراچی در ۱۴ ژوئیه گفت که دولت پاکستان در نظر دارد حدود ۲۵۰۰۰ نفر از پناهندگان افغانی در بلوچستان را از این ایالت به طور کامل خارج سازد. وی گفت پناهندگان در اردوگاهی در غرب پنجاب اسکان خواهند یافت، که برای ما خبری جدید است لیکن به بررسی بیشتر آن خواهیم پرداخت.

کینگ

سند شماره (۴۴)

تاریخ: ۲۶ تیر ۱۳۵۸-۱۷ ژوئیه ۷۹
از: سفارت آمریکا در دهلی نو- فوری

موضوع: عکس العمل پاکستان نسبت به سقوط دولت موراجی دسای
۱- عکس العمل پاکستان نسبت به رخداد های دهلی نو به انتظار توأم با دقت شباهت دارد، که در آن در مورد دگرگون شدن ناگهانی وقایع و سرنگون شدن دولت غیر خصمانه دسای هیچ گونه نگرانی نشان داده نمی شود، لیکن برای تصمیم گیرندگان سیاست های آمریکا یک علامت سؤال جدید پدید آورده است. هیچ یک از سخنگویان دولت پاکستان در این زمینه اظهار نظر نکرده و احتمالاً نخواهد کرد.
۲- پوشش مطبوعاتی در دهلی بسیار وسیع و واقعگرایانه است؛ ولی در آنها از هیچ یک از نامزدها- جاگجیوان رام یا چاران سینگ - به عنوان جانشین احتمالی دسای یاد نشده است تا به منافع پاکستان یا دوستی پاکستان و هند لطمه ای وارد نشود. در مورد عناصر جاناتا چون جاناسانگ و غیره نیز مطلبی گفته نشده است.

۳- جنگ و نوای وقت - دو نشریه اردوزبانی که همیشه بیش از مطبوعات انگلیسی زبان، نسبت به وقایع هند حساسیت نشان می دهند - در سرمقالات خود علت حساسیت خود را این می دانند که اکثر افرادی که در سال ۱۹۴۷ به پاکستان آمده بودند به زبان اردو صحبت می کنند. جنگ در کتاب نیز جنگ است معتقد است که با وجود «لکه دار شدن حیثیت» دولت دسای به خاطر شورش هندوها و مسلمانان، دوران حکومت دسای در دهلی دوران افزایش همکاری های دوجانبه بین هند و پاکستان بوده است. جنگ در ادامه می نویسد نخست وزیر بعدی هند نیز باید «سیاست های دسای را در قبال پاکستان ادامه دهد»، و در این رابطه کلمه «انشاءالله» را که همراه این گونه بیانات می آید حذف کرده است.

۴- نوای وقت نیز از دوران حکومت دسای به خوبی یاد کرده و اظهار امیدواری می کند که جانشین دسای نیز سیاست های وی را دنبال کند. احتمالاً با اشاره به اتحاد ملی پاکستان که معادل سیاسی جاناتا در هند است، نوای وقت می نویسد سقوط دولت دسای نشان می دهد که «اتحاد استوار بر اقتضای سیاسی همیشه کوتاه عمر است و سرانجام شکست می خورد».

سند شماره (۴۵)

تاریخ: ۲۸ تیر ۱۳۵۸-۱۹ ژوئیه ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد

موضوع: (سری) تلاش و تبلیغات روابط عمومی پاکستان در مورد مسئله تسلیحات هسته ای
۱- (تمام متن سری است)

۲- شواهد موجود در نقاط بسیار پراکنده (مراجع الف و ب) تکذیب اتهامات در مورد برنامه تسلیحات هسته ای و تلاش برای «راست و ریست کردن امور»، اولین تجلیات تصمیم گیری دولت پاکستان است که در کنفرانس یک هفته ای رؤسای نمایندگی های پاکستان به ریاست رئیس جمهور ضیاء الحق در اسلام آباد در اوایل ماه ژوئیه اتخاذ شده بود (مرجع ج) سرودا و جنجالها تا مدتها به طول خواهد انجامید.
۳- گزارش حساس سیا در مورد کنفرانس رؤسای نمایندگی حاکی است که تصمیم اتخاذ شده صریحاً

توسط سخنگوی دولت اعلام خواهد گردید و با وجود اینکه بسیاری از رؤسای نمایندگیها در اختفا از خط واقعی دولت پاکستان اظهار تردید می‌کردند، معدودی نیز نگران برنامه‌های هسته‌ای پاکستان بوده‌اند. هومل

سند شماره (۴۶)

تاریخ: ۲۸ تیر ۱۳۵۸ - ۱۹ ژوئیه ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: (خیلی محرمانه) ضیاء الحق، انتخابات و اوضاع هند

۱- (طبقه‌بندی نشده) تمام روزنامه‌های انگلیسی‌زبان صبح امروز مقالاتی در مورد مکالمه کوتاه تلفنی رئیس جمهور ضیاء الحق در مصاحبه اخیر خود با خبرنگار نیوزویک تونی کلیفتون نوشته‌اند. مسائل مطروحه در این مصاحبه عبارتند از انتخابات ملی و هیئتهای محلی همسر و دختر بوتو، حزب خلق پاکستان، و آینده شخصی ژنرال.

۲- (طبقه‌بندی نشده) ضیاء در پاسخهای خود:

- تصمیم گرفته است در سال جاری انتخابات عمومی را برگزار نماید، حتی اگر به قیمت به تعویق افتادن انتخابات محلی و شهرداری تمام بشود (مرجع الف).

- وی اعتراف کرد که البته شرایطی چون بی‌نظمی داخلی و با خطرات خارجی می‌تواند بر روی برنامه انتخابات تأثیر بگذارد، لیکن وی گفت که در حال حاضر وی رویداد چنین شرایطی را پیش‌بینی نمی‌کند. - وی بار دیگر وفاداری و ایمان خود را نسبت به سیستم انتخابات هیئتهای محلی ابراز داشت و گفت به این ترتیب دموکراسی در اعماق جامعه عمل خواهد کرد، لیکن از مخالفت اکثریت سیاستمداران ملت یاد کرد و گفت به نظر او آنها می‌خواهند ابتدا در سطوح ملی انتخاب شوند تا بتوانند بر نتیجه انتخابات هیئتهای محلی تأثیر بگذارند.

- وی گفت حزب خلق پاکستان با آزادی تمام خواهد توانست در انتخابات شرکت نماید و ادعا کرد که تفوق و برتری قانون را در کشور پیاده کرده است و در ادامه گفت اگر کسی او را خیانتکار یا غاصب می‌داند می‌تواند آزادانه وی را محاکمه و حتی اعدام نماید.

- وی گفت آزاد شدن نصرت، همسر بوتو و بی‌نظیر، دختر بوتو به معنی «تبرئه شدن» آنها نیست. وی علیه بی‌نظیر اتهاماتی را مطرح نکرد، ولی گفت نصرت به علت عدم استفاده صحیح از قدرت در اقدامات نادرستی شرکت داشته است.

- پیش‌بینی کرد که پس از انتخابات بازنشسته خواهد شد. لیکن گفت که قانوناً می‌تواند به عنوان رئیس ستاد ارتش تا پایان مارس ۱۹۸۰ به کار خود ادامه دهد. لیکن به نظر وی بهتر است که دولت منتخب، رئیس ستاد ارتش خود را نیز منصوب نماید.

۳- (خیلی محرمانه) اظهار نظر: ما تاکنون متن کامل گزارش نیوزویک را ندیده‌ایم ولی چون مطبوعات رسمی آن را جهت رؤیت پاکستانیها منتشر کرده‌اند، برای شما نیز آن را ارسال می‌داریم. حرفهای ضیاء همان حرفهای گذشته است، بنابراین اظهار نظرها نوعی اطمینان به عموم است و تنها مورد استثناء تزلزل وی در مورد انتخاب هیئتهای محلی است.

۴- (خیلی محرمانه) طبق شواهد اخیر رئیس جمهور در نظر دارد به بهترین وجه موضع بسیار حساس پیشین خود را در مورد انتخاب هیئتهای محلی اتخاذ نماید. گفته شده است که وی احتمالاً حاضر است در ازای نرمتر شدن فشارهای سیاستمداران در مورد مسأله بودجه از برگزاری انتخابات محلی دست بردارد (مرجع ب) که این حالت دائماً تخفیف می یابد. این معامله چه صورت بگیرد و چه نگیرد، سیاستمداران تمایل وی را در دست کشیدن از انتخابات محلی به خاطر همان دلایلی که ضیاء اشاره می کند مورد بهره برداری قرار خواهند داد. (مرجع ج)

۵- (خیلی محرمانه) آنچه باید مورد ارزیابی قرار گیرد تأثیر وقایع هند بر صحنه سیاسی اینجاست. همه هشیار و مراقب هستند، همه از سقوط موراجی دسای غمگین شده اند، که توأم با نگرانی در مورد تأثیرات سقوط وی و رضایت از این امر است که هند نیز بالاخره مشکلاتی دارد. اگر همان گونه که از مقامات مطبوعاتی اینجا برمی آید، رئیس جمهور هند نشان دهد که هیچ رهبر دیگری نمی تواند قبل از تصمیم گیری پیرامون انتخابات میان دوره ای رأی اکثریت را به دست آورد، تأثیر آن بر انتخابات اینجا نیز مهم خواهد بود. اکثر رابطهای ما معتقدند که تصمیم هند جهت رفتن به پای صندوقهای رأی در ۸ هفته آتی، سبب خواهد شد که رئیس جمهور ضیاء الحق یا همکاران و حامیان سیاسی وی بدون در نظر گرفتن نتایج انتخابات در هند، نتوانند به سهولت انتخابات ملی پاکستان را با تأخیر روبه رو سازند.

سند شماره (۴۷)

تاریخ: ۱ مرداد ۱۳۵۸ - ۲۳ ژوئیه ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی
موضوع: برنامه های اضطراری و تخلیه افراد: تعداد تقریبی تخلیه شوندگان احتمالی و شهروندان آمریکایی بخش خصوصی مقیم خارج (سال مالی - ۱۳۵۸)

بخش اول: تعداد تقریبی تخلیه شوندگان احتمالی

۲۵	۱- پرسنل وزارت دفاع
۳۴	۲- وابستگان پرسنل وزارت دفاع
۸۹	۳- دیگر پرسنل دولت آمریکا
۱۶۲	۴- وابستگان پرسنل دولت آمریکا
۳۳۹ (افراد مقیم ثبت شده ۲۹۲)	۵- آمریکاییان مقیم
	۶- جهانگردان آمریکایی:
۲۰	فصل سوم
۸	فصل چهارم
۸	فصل اول
۸	فصل دوم
۲۰	۷- دیگر تخلیه شوندگان احتمالی
۶۸۹	۸- جمع

پایان بخش محرمانه / آغاز بخش طبقه بندی نشده:

بخش دوم: آمریکاییان بخش خصوصی مقیم خارج

۱۹	الف - بازرگانان
۱۴	ب - کارمندان
۰	ج - دانشجویان (۱۸ ساله و مسن تر)
۴۰	د - میسیونرها
۱۰۴	هـ - وابستگان افراد بالا
۷۲	و - بازنشستگان و وابستگان آنها
	ز - افراد دیگر ۹۰ (معلمین مدارس و وابستگان آنها، و وابستگان ثبت نشده تبعه پاکستان)
۳۳۹ هومل	ح - جمع

سند شماره (۴۸)

تاریخ: ۲ مرداد ۱۳۵۸ - ۲۴ ژوئیه ۷۹
 از: سفارت آمریکا در اسلام آباد
 به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
 موضوع: (خیلی محرمانه) سفر شاهی به کابل احتمالاً قبل از سپتامبر صورت نخواهد گرفت
 ۱- (خیلی محرمانه) تمام متن، اطلاعات کشور بیگانه، حفاظت شود.
 ۲- در ملاقات ۲۳ ژوئیه و گفتگو پیرامون اوضاع افغانستان، وزیر خارجه شهنواز متن گفتگوی خود را با معاون وزیر خارجه افغانستان، دوست، که قبلاً توسط مدیرکل وزارت امور خارجه امیر عثمان در اختیار ما گذاشته شده بود، تأیید نمود. وی گفت علت آنکه آنها نتوانسته‌اند بیانیه‌های خود را منتشر سازند عدم توافق آنها پیرامون نحوه بیان عبور ۱۴۰ هزار افغانی است که بنا به ادعای وی از آوریل ۱۹۷۸ از مرز گذشته و وارد پاکستان شده‌اند. دوست اصرار داشت که برای تشریح آنها از کلمه «فراریان» استفاده شود. پاکستان نیز نمی‌توانست این کلمه را بپذیرد و در نتیجه دوست تمام فرمول‌بندیهای پیشنهادی را رد کرد. وزیر خارجه به دوست گفته بود مهم نیست که شما آنها را چه می‌نامید، آنها از افغانستان گریخته‌اند، تعدادشان بسیار است و باری بر دوش پاکستان هستند.
 ۳- وزیر خارجه گفت سفر آقاشاهی به افغانستان قبل از ماه رمضان صورت نخواهد گرفت و خاطر نشان ساخت که آقاشاهی از اول سپتامبر درگیر اجلاس جنبش غیرمتعهدها خواهد بود. به همین دلیل آقاشاهی وقت نخواهد داشت که به کابل سفر کند و سفر وی تا اواسط یا اواخر سپتامبر به تعویق خواهد افتاد.

سند شماره (۴۹)

تاریخ: ۲ مرداد ۱۳۵۸ - ۲۴ ژوئیه ۷۹
 از: سفارت آمریکا در اسلام آباد
 به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
 موضوع: رئیس جمهور ضیاءالحق در اجلاس جنبش غیرمتعهدها در هاوانا شرکت خواهد جست
 ۱- (خیلی محرمانه) تمام متن، اطلاعات کشور بیگانه، حفاظت شود.
 ۲- در ملاقات خود با وزیر خارجه شهنواز در تاریخ یکم مرداد ۱۳۵۸ پیرامون مسائل دیگر IBN-#

۳- وزیر خارجه یمن گفت پاکستان همان گروهی را که به کلمبو فرستاده بود، یعنی سفیر آخوند، نایک، و ثاقب را در سطح رسمی در اواخر اوت و مشاور خارجی آقاشاهی را در حدود یکم سپتامبر برای اجتماع وزیران خارجه، به هاوانا گسیل خواهد داشت. وی پس از آن گفت رئیس جمهور ضیاءالحق از چهارم تا هفتم سپتامبر در این کنفرانس شرکت خواهد کرد.

۴- در رابطه با این سؤال من، که آیا در مورد حضور ضیاء تصمیم قطعی گرفته شده یا نه، وزیر خارجه با کمال سادگی لبخندی زده و گفت اکنون که ما به عضویت کامل جنبش عدم تعهد درآمده ایم او «حتماً» باید در آن شرکت نماید. وی گفت به زودی یکی از وزیران کوبایی همراه با دعوتنامه رسمی وارد این کشور خواهد گردید.

۵- اظهار نظر: طبق اطلاع وزارتخانه، همسر و دو دختر ضیاء به علت معالجات پزشکی مورد نیاز دختر جوانتر در واشنگتن به سر می‌برند. آنها در اواسط ژوئیه برای صرف مدت ۴۵ روز یعنی تا اول سپتامبر وارد واشنگتن شدند. گفته می‌شود که ممکن است ضیاء بخواهد آنها را در آمریکا ملاقات نماید. به نظر من به احتمال قوی ضیاء در مسیر سفر خود به هاوانا یا جهت دیدار با خانواده اش (و احتمالاً مقامات آمریکایی) یا برای آنکه آنان را به همراه خود به هاوانا ببرد به واشنگتن وارد خواهد شد.

سند شماره (۵۰)

تاریخ: ۳ مرداد ۱۳۵۸- ۲۵ ژوئیه ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: خورشید احمد بودجه سالهای مالی ۱۹۷۹/۸۰ را مورد بررسی قرار می‌دهد

۱- در تاریخ یکم مردادماه، پروفیسور خورشید احمد سرپرست و معاون اسبق ریاست کمیسیون برنامه‌ریزی و سرپرست کنونی مؤسسه جدید انستیتوی مطالعات خط‌مشی‌ها، تحلیل و توصیه‌های خود را در مورد بودجه سالهای ۱۹۷۹/۸۰ علناً اعلام کرد. گزارش پروفیسور خورشید نشانگر افکار وی به عنوان یک اقتصاددان و نظریات بنیادگرایانه اسلامی او می‌باشد.

با حمایت از ایجاد یک استراتژی جدید اقتصادی برای پاکستان که بر رشد و تساوی حاصل از توزیع دوباره ثروت، رجعت به سبک زندگی توأم با صرفه‌جویی بیشتر، و تأکید بر رفاه اجتماعی و تأمین نیازهای اساسی انسانی استوار باشد، وی انتقادهای قابل درک‌تر و نظریات مفهوم‌تری را در رابطه با این بودجه مطرح می‌سازد. وی این بودجه را در رابطه با مخارج عادی سنگین اعلام کرد و گفت که بودجه کنونی ادامه سیاستهای رژیم گذشته در مخارج عمرانی و سیاست مالیاتی و وارداتی کهنه بوده و نمی‌تواند مصرف کالاهای تجملاتی را کاهش داده و بیشترین فشار را بر کسانی وارد می‌آورد که قادر به پرداخت هزینه‌ها نیستند. در رابطه با اصول اسلامی، گزارش بودجه مزبور را «نقطه اوج اعلامیه دوازدهم ربیع‌الاول» می‌خواند (اعلام نظام اسلامی در پاکستان) که بخصوص در رابطه با زکات و عشر که بنا به اعتقاد خورشید در نظام مالی یک دولت دارای گرایشات اسلامی و سیستم بانکی بدون بهره که در بودجه کنونی عنوان نشده باید جای داشته باشد. توصیه‌های مطرح‌شده در گزارش به مخارج ناشی از این بودجه توجه داشته، و نشانگر خواست خورشید در کاهش یافتن قسمت‌های به هدر رفته بودجه و عدم توزیع

صحیح مصارف می‌باشد. او میل دارد که میزان کاهش برابر با ۶ میلیارد روپیه شود و با استفاده از بخشهای خصوصی شکاف مالی ۱۱/۱ میلیارد روپیه‌ای به ۲/۵ - ۲ میلیارد روپیه کاهش پیدا کند.

۲- خورشید احمد توصیه می‌کند که مخارج غیر عمرانی (مخارج عادی) از ۲۹/۱ میلیارد روپیه به ۲۷/۱ میلیارد روپیه کاهش پیدا کند، لیکن با وجود اینکه به اهمیت دفاع واقف است، توصیه می‌کند که مخارج دفاعی حدود ۴۰ درصد مخارج عادی را تشکیل داده و حدود ۲ درصد (۲۳/۵ میلیون روپیه) کاهش پیدا کند تا نشان دهد که ارتش نیز مایل است که مخارج به طور کلی کمتر شود. وی مایل است که تمام موارد دیگر نیز ۱۰ درصد کاهش یابند تا ۲۷۵ میلیون روپیه صرفه جویی شود. وی ۷۲۶ میلیون روپیه نیز در سوبسیدها و منجمله سوبسید گندم و حذف سوبسید کشاورزی در مورد مزارع کمتر از ۲۵ هکتار، کاهش توصیه کرده است. وی در رابطه با سوبسیدها می‌گوید: در پاکستان از نظر اقتصادی و اجتماعی سوبسیدها قابل توجیه نیستند. با این وصف وی از جرح و تعدیل سوبسید کود شیمیایی در بودجه عمرانی مانند سوبسیدهای مخارج عادی حمایت می‌کند که تا ۹۷ میلیارد روپیه کاهش پیدا کند (معدالک گذشته از شایستگی نظام قیمت‌گذاری دوگانه، مشکلات مربوط به مدیریت تفویض سوبسید کشاورزی به کشاورزان کوچکتر بسیار زیاد بوده و احتمالاً عمل نخواهد شد). علاوه بر این وی یادآور می‌شود که مدیریت مدنی به عنوان درصدی از هزینه‌های تولید ناخالص ملی دو برابر مدیریت مدنی هند و چند برابر مدیریت کشورهای رو به رشد است.

۳- وی توصیه می‌کند که سطح مخارج عمرانی معادل ۱۹ میلیارد روپیه سال گذشته شود، یعنی ترکیبی از: ۱) کاهش یکسان ۵ درصدی یا ۱/۱ میلیارد روپیه‌ای، ۲) کاهش ۲ میلیارد دلاری چند پروژه از قبیل ذوب آهن و کارخانه سیمان و کود شیمیایی و پروژه‌های دیگری که همچون مجتمع ورزشی اسلام‌آباد و چند ساختمان دیگر ضرورت چندانی ندارند و ۳) کاهش سوبسید کود شیمیایی که در بالا گفته شد. در کنفرانس مطبوعاتی ۲۲ ژوئیه، پروفیسور خورشید احمد گفت با بهبود مدیریت پروژه‌ها و بدون ضربه زدن به پیشرفت پروژه‌ها می‌توان کاهش‌های پیشنهادی وی را عملی کرد. وی گفت که در زمان ریاست کمسیون برنامه‌ریزی، شاهد آن‌گونه مصارف و فسادهایی بوده است که بالاخره دریافته است که با کنترل دقیق پروژه‌ها از به هدر رفتن پولهای زیادی می‌توان جلوگیری به عمل آورد.

۴- پروفیسور خورشید تأثیر کلی تورم ناشی از نظام مالیاتی بودجه کنونی را حدود ۳۰-۲۵ درصد برآورد کرده و می‌گوید: «در انتخاب این مفادی که مالیات در مورد آنها وضع شده، طراحان بودجه بر کالاها و خدماتی انگشت گذاشته‌اند که بر افراد عامی تأثیر می‌بخشد.» وی سیاست دولت را در مورد واردات (اسلام‌آباد ۷۵۱۰) محکوم کرده و می‌گوید که این سیاست نمی‌تواند مصرف کالاهای تجملی را محدود نماید و علاوه بر این اعلام می‌دارد که بودجه جدید وابستگی پاکستان را به کمکهای خارجی افزایش می‌دهد، در حالی که این کشورها روزبه‌روز از تمایلشان به افزایش کمکها به پاکستان کاسته می‌گردد. او هیچ‌گونه توصیه کمی را در رابطه با کاهش مربوط به مشکلات منابع مطرح نمی‌سازد ولیکن می‌گوید که باید به بخش خصوصی اجازه داده شود تا از پاکستانیهای مقیم خارج پولهای بیشتری را جذب نموده و تحرک بخشند. اگر وجود مالیاتهای جدید ضرورت یابد، سیاست کلی مالیاتی باید اصلاح گردد تا ارزیابیها دقیق تر و مالیاتها مترقی تر گردد. ولی گزارش وی اصلاً به مطرح کردن مالیات بر درآمد کشاورزی که می‌تواند تا حدودی شکاف موجود یعنی کمبود منابع را پر سازد نمی‌پردازد.

۵- اظهار نظر: گزارش وی همان چیزهایی را مطرح می‌کند که جامعه بین‌المللی از مدت‌ها قبل در مورد مخارج و هزینه‌های سنگین دولتی، سوبسیدهای بسیار و وابستگی بیش از حد به منابع خارجی به دولت پاکستان گوشزد می‌کرده است. توصیه‌های مطروحه در گزارش در مورد مخارج به پروژه‌های خاصی می‌پردازد که عملی نیستند. در رابطه با منابع، او به جزئیات نمی‌پردازد. خورشید نیز مانند بسیاری از منتقدین بودجه خواستار بودجه فاقد افزایش مالیات (بخصوص افزایش بودجه‌ای که بر فقرا و تهیدستان یعنی تقریباً همه افراد کشور فشار وارد می‌آورد) می‌باشد، لیکن پیشنهادات وی که بر ترغیب بر سرمایه‌گذارها استوار است برای رسیدن به این هدف آنقدر قانع‌کننده نیست، که بتواند منابع موجود بخش خصوصی را با عدم اطمینان موجود در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی تحرک بخشد.

۶- نسخه‌هایی از خلاصه گزارش ۳۵ صفحه‌ای خورشید به بخشهای خاور نزدیک / دفتر روابط عمومی، روابط بین‌المللی EB/ OMA/ REC و خزانه‌داری، OASIA (مک فادن) ارسال می‌گردد.

سند شماره (۵۱)

تاریخ: ۳ مرداد ۱۳۵۸ - ۲۵ ژوئیه ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
موضوع: ادامه مقاومت اقلیت شیعه در برابر اسلامی شدن به سبک مذهب تسنن

۱- مطبوعات اردو زبان پاکستانی دوم مرداد گزارش می‌دهند که مالیاتهای اجتماعی «زکات» و «عشر» که پیروان مذهب تسنن به جمع‌آوری آن معتقد هستند (تلگرام مرجع الف) به علت مقاومت جامعه اقلیت شیعه در آینده نزدیک جمع‌آوری نخواهد شد.

۲- اظهار نظر: این گزارش نشان می‌دهد که برنامه مقاومت شیعیان (حداقل به طور موقت) در برابر اسلامی شدن کشور براساس مذهب تسنن تا حدودی موفقیت‌آمیز بوده است.

۳- بنا به گفته منابع شیعه برنامه زکات و عشر به وسیله شورای ایدئولوژی اسلامی دولت پاکستان بار دیگر مورد بررسی قرار گرفته و پیشنهادات آن برای بررسی مجدد به کابینه ارجاع خواهد شد. این روند ممکن است تغییر عمده‌ای پیدا نکند، ولی یک وسیله بازدارنده مؤثر است تا موقع برگزاری انتخابات. با کاملتر شدن روند سیاسی، شیعیان گویا احساس می‌کنند که پیشنهاد سنی‌ها یک مسئله حساس سیاسی را به وجود خواهد آورد که مجلس آن را جدی نخواهد گرفت. ولی موفقیت‌آمیز بودن نهایی این تاکتیک شیعیان بعداً معلوم خواهد شد؛ ولی در حال حاضر از نظر تعویق زمانی موفقیت لازم را به دست آورده است. (پایان اظهار نظر)

سند شماره (۵۲)

تاریخ: ۷ مرداد ۱۳۵۸ - ۲۹ ژوئیه ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
موضوع: سفر وزیر کوبایی

۱- (طبقه‌بندی نشده) آنتونیو اسکيوال، وزیر صنایع شیمیایی و فرستاده ویژه کاسترو در تاریخ ۵ مرداد وارد پاکستان شد. اسکيوال در همان روز با مشاور وزارت خارجه آقاشاهی ملاقات و عصر همان روز

رهسپار اسلام آباد شد.

۲- (طبقه بندی نشده) آقاشاهی پس از ملاقات با اسکیوال به مطبوعات گفت که گفتگوهای آنها بر برنامه کار اجلاس هاوانا و روابط دوجانبه کوبا و پاکستان متمرکز بود. تنها موضوع خاص مورد تبادل نظر این بود که وزیر کوبایی خواستار کسب پذیرش برای سفیر کوبا در پکن شده بود تا وی بتواند هم زمان سفیر کوبا در پاکستان نیز باشد.

۳- (طبقه بندی نشده) آقاشاهی به مطبوعات گفت وی در آخرین هفته ماه اوت رهسپار هاوانا خواهد شد.

۴- (طبقه بندی نشده) اسکیوال در تاریخ ۶ مرداد ماه در راولپندی با رئیس جمهور ضیاء الحق شام صرف کرد و بنا به گزارشها به ضیاء اطمینان داد که کوبا از عضویت پاکستان در جنبش غیرمتعهدها حمایت خواهد کرد. وی نامه کاسترو را که در مورد محتویات آن اطلاعی در دست نیست، ولی گویا همین پیمان را با پاکستان بسته است، به ضیاء تقدیم کرد.

۵- (محرمانه) اظهار نظر: پاکستان شدیداً تصمیم گرفته است که به عضویت کامل نبش غیرمتعهدها درآید و ورود قبل از موعد آقاشاهی به هاوانا نیز نشانگر آن است که این کشور مصمم است مقدمات احتمالی ورود به این گروه را فراهم آورد.

۶- (محرمانه) سفر هیئت نمایندگی کوبایی بنا به گفته یکی از مقامات وزارت خارجه به طور ناگهانی صورت گرفت و این مقام در تاریخ ۵ مرداد به مقام سفارت گفت که تنها چند ساعت قبل از ورود اسکیوال و چهار کوبایی دیگر مقدمات مربوط پروتکل فراهم آمده بود. (پایان اظهار نظر)

سند شماره (۵۳)

تاریخ: ۷ مرداد ۱۳۵۸ - ۲۹ ژوئیه ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: ضیاء بودجه را کمی تغییر می دهد.

۱- رئیس جمهور ضیاء الحق در سخنرانی وعظ گونه خود پیرامون بودجه مورد انتقاد در ۵ مرداد، به دفاع از بودجه وزیر دارایی خود پرداخت و از ملت خواست که به پاکستان کمک کنند تا بتواند مدیریت بد اقتصادی رژیم گذشته را جبران نماید و بدون پرداختن به جزئیات در میزان مالیاتها و مخارج کاهشی پدید آورد (البته در یک مورد در مخارج افزایشی ایجاد کرد). وی گفت باید از حاکمیت پاکستان و ظاهراً عملیات اتمی آن (مرجع ب) با کاهش وابستگی آن به کمکهای خارجی حراست شود. رئیس جمهور ضیاء افزایش قیمت نفت و گاز طبیعی مصرفی منازل را لغو کرد و مالیات شیرخشک وارداتی را بالا برد. وی همچنین در میزان مالیات بر ثروت، کاهشی پدید آورد و شهروندان اصلی را از پرداخت مالیات معاف نمود و به حقوق کارمندان دولتی که ماهانه ۱۵۰۰ روپیه یا کمتر دارند ۴۰ روپیه مزایای زندگی اضافه کرد. طبق شواهد مقدماتی، تأثیر خالص این اقدامات، بخصوص افزایش دستمزدها، سبب افزایش کمی در کسری بودجه خواهد شد.

۲- بدون پرداختن به جزئیات، وی اعلام کرد که در مخارج غیر عمرانی (عادی) حدود ۵۰۰ میلیون روپیه (یا ۲ درصد) کاهش، و در بودجه عمرانی نیز ۸۰۰ میلیون دلار (یا ۳/۵ درصد) کاهش پدید آورده

است. دکتر اچ.ام. قاضی، عضو کمیته بررسی بودجه به ما گفته است که کاهش پدید آمده در مخارج عادی نزدیک به ۶۵۰ میلیون روپیه نسبت به کاهش بودجه پیشنهادی توسط کمیته بوده است، که بودجه دفاعی را نیز در بر می گیرد. کاهشهای اعلام شده در مخارج عمرانی پیشنهاد ۲ میلیارد روپیه ای کمیته را که سبب کاهش هزینه های دولتی و بعضی پروژه ها به استثنای هزینه های مربوط به ذوب آهن کراچی، بندر قاسم، کارخانه های تهیه کود شیمیایی و یا کاهش سوبسید کود شیمیایی می شد، در بر نمی گیرد. هنوز از نحوه توزیع این کاهشها اطلاعی نداریم، ولی فکر نمی کنیم که این کاهش بر پروژه های مذکور تأثیری بگذارد.

۳- ضیاء گفت به منظور کاهش هزینه های دولتی، پاکستان تلاش خواهد کرد تعداد سفارتخانه های خود در خارج از کشور را کاهش دهد (مرجع ب). وی علاوه بر این ممنوعیت استخدام دولتی، منع وارد کردن ماشین آلات رسمی دولتی بالغ بر ۱۶۰۰ سی سی را اعلام کرد و از تمام آژانسهای دولتی خواست که در انجام وظایف خود کمال سادگی را رعایت نمایند.

۴- جزئیات مربوط به این کاهش بودجه هنوز افشا نشده است ولی به محض دسترسی این اطلاعات را برای شما ارسال خواهیم داشت.

سند شماره (۵۴)

تاریخ: ۹ مرداد ۱۳۵۸ - ۳۱ ژوئیه ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
موضوع: بودجه مخارج، بودجه مربوط به سوبسید، دفاع و قروض بخش عمده ای را در بر می گیرند

۱- خلاصه: علیرغم اقدامات جدید و افزایش مالیاتها به منظور افزایش عوارض مالیاتی از ۱۳ درصد به کمتر از ۱۴ درصد تولید ناخالص ملی، کسری بودجه پاکستان باز هم دو برابر کسری بودجه سال قبل خواهد بود؛ چون در مخارج عادی و عمرانی افزایش چشمگیری ایجاد شده است. رقم ۱۳ درصدی ما بیشتر از رقم ۱۲ درصدی مورد استفاده توسط غلام ایشاو در سخنرانی بودجه ای خود می باشد، چون او از رقم تجدیدنظر شده در بودجه ۱۹۷۸/۷۹ استفاده کرده، ولی ما برآورد بودجه اصلی را به کار گرفته ایم. رقم مورد استفاده ما در رابطه با تولید ناخالص ملی در سالهای ۱۹۷۹/۸۰ با در نظر گرفتن نرخ تولید ناخالص ملی حدود ۱۴ درصد رشد را نشان می دهد. بخش اعظم افزایش بودجه عمرانی به سوبسید کود شیمیایی، هزینه های مربوط به مؤسسات دولتی مانند کارخانه ذوب آهن کراچی و پروژه های آب و برق اختصاص یافته است. (پایان خلاصه)

۲- تحرک و تجهیز منابع در رابطه با بودجه سال جاری، ظاهراً عظیمترین تلاش در تاریخ پاکستان است. در نتیجه مالیاتها جدید و افزایش یافته، مالیاتها بودجه طوری تعیین شده که ۲۴ درصد افزایش یابد، که اگر این رقم تحقق یابد قطعاً از نرخ جاری تولید ناخالص داخلی فراتر خواهد رفت. دیگر درآمدها طوری برنامه ریزی شده تا ۱۱ درصد کاهش یابد و علت آن نیز دریافت کمتر کمک خارجی است تا بدین ترتیب جمع درآمدها تنها ۹ درصد بیش از بودجه اصلی سال گذشته باشد.

حجم عظیم مالیاتها بشدت تنفر پاکستانیها را برانگیخته است، لیکن می بایست تلاشی باشد، در جهت ادامه حیات پاکستان نسبت به استطاعت خود آن کشور که امری است که همیشه از طرف جامعه کمک دهنده توصیه می شود. مع الوصف و متأسفانه، افزایش بودجه در بخش مخارج تأثیرات خیرخواهانه

(ناپسند داخلی) را بیش از حد از میان برداشته است. در این بودجه مخارج ۲۱ درصد افزایش خواهد داشت تا کسری بودجه در مقایسه با کسری بودجه اولیه (که به طرز کاذبی میزان کسری آن پایین بود) سالهای ۱۹۷۸/۷۹ دو برابر شود. این پیام افزایشهای عمده را مشخص می‌کند و اساس آن نیز بودجه‌ای است که در ۲۸ ژوئن ارائه شده است. تغییرات پیشنهادی رئیس جمهور ضیاء در ۲۷ ژوئیه هنوز تحت بررسی است، و بر نتیجه این پیام تأثیر چندانی نخواهد داشت.

۳- رشد مخارج در بودجه عادی بیشتر از بودجه عمرانی است و علیرغم افزایش اخیر در نرخ‌گندم در حیره‌گاهها، بخش اعظم افزایش کسری بودجه حاصل سوبسیدهای زیاده از حد است. قروض بیشتر در زمینه خدمات مربوط به وامها (۱۷ درصد)، مخارج دفاعی (۱۵ درصد) و سوبسید (۶۱ درصد) حدود چهار پنجم افزایش کلی غیرعمرانی را در بر می‌گیرد. (رقم مربوط به سوبسید دربرگیرنده سوبسید کود شیمیایی که در بودجه عمرانی گنجانده شده، نمی‌باشد) در حالی که درصد افزایش بودجه دفاعی کمتر از درصد افزایش کل بودجه بوده است. معذالک حدود ۱۵۰ میلیون روپیه یعنی بیشترین افزایش موجود در بودجه را شامل می‌گردد. در رابطه با نیازهای نظامی، و آمادگی ارتش پاکستان، رقم مذکور بدون شک معتدل است. افزایش مخارج مربوط به نیروهای مسلح غیرنظامی و پناهندگان افغانی هزینه‌های امنیتی را برابر با ۲۲۰ میلیون روپیه خواهد نمود.

۴- در حالی که افزایش بودجه دفاعی و قروض بر استحکام بودجه تأثیر می‌گذارد، رقم عظیم سوبسید نشانگر بیماریهای اقتصاد پاکستان است. حدود ۶۵ میلیون روپیه در رابطه با صدور منسوجات کنار گذاشته شده تا رقابت در این زمینه افزایش یابد، در حالی که مقدار مشابهی نیز به منظور سوبسید صادرات پنبه خام کنار گذاشته شده است. ۳۲ میلیون روپیه برای جبران اقدام بانک‌هایی که با نرخ بهره کمتری به تجارت پیشگان وام می‌دهند به عنوان انگیزه یا وسیله ترغیب کنار گذاشته شده است. سوبسید روغن خوراکی برای پایین نگه‌داشتن قیمت آن به ۳۲۴ میلیون روپیه بالغ شده است.

۵- یک پنجم باقیمانده افزایش در مخارج عادی یعنی ۹۰۰ میلیون روپیه در رابطه با مواردی از قبیل انتقال هزینه دانشگاهها و دانشکدهها از ایالات (۲۲۴ میلیون روپیه) به دولت مرکزی، افزایش کمک دولت به شرکتهای ملی نفتی (۹۵ میلیون روپیه)، مخارج بخش لجستیک ملی که توزیع‌کننده واردات گندم و کود (۱۶۶ میلیون روپیه) می‌باشد و انرژی اتمی (۱۳ میلیون روپیه) و زمینه‌های دیگر (۴۰۰ میلیون روپیه) پدید آمده است.

۶- مخارج عمرانی، برابر با ۲۳ میلیارد روپیه در رابطه با بودجه اولیه سالهای ۱۹۷۸/۷۹، ۲۱ درصد افزایش یافته است. حدود نیمی از ۴ میلیارد روپیه افزایش مربوط به افزایش سوبسید کود (۷۳ درصد)، مخارج قدیمی و جدید تأسیسات دولتی (۳۰ درصد) و پروژه‌های آب و برق (۳۶ درصد) می‌باشد. مهمترین افزایش در بخش بودجه عمرانی در رابطه با سوبسید کود است که بالغ بر ۷۰۰ میلیون روپیه بوده است. مخارج مربوط به کارخانه ذوب آهن کراچی حدود ۲۵۰ میلیون روپیه یا ۸ درصد و مخارج مربوط به پروژه‌های دیگر مربوط به آن مانند بندر قاسم به سطح ۲۹۰ میلیون روپیه رسید که ۳۰ درصد افزایش یافته است. دیگر مخارج عمده صنعتی در رابطه با مؤسسات گسترش گاز و نفت حدود ۵۰ درصد افزایش و به ۷۵۰ میلیون روپیه بالغ گشته و ادامه اکتشاف و گسترش منابع و شرکتهای راهسازی از ۵۰ میلیون روپیه سال گذشته به ۲۹۰ میلیون روپیه بالغ شده، که علت آن نیز احتمالاً نیاز به خرید اتوبوسهای جدید

برای جایگزین شدن اتوبوسهای قدیمی بین شهرهای بزرگ پاکستان بوده و حدود ۱۰۰ میلیون روپیه نیز برای هریک از کارخانه‌های کود فوجی و مؤسسه اتومبیل‌سازی پاکستان اختصاص یافته است. افزایش پروژه‌های آب و برق ۳۰۰ میلیون روپیه در رابطه با برق‌رسانی به ۲۰۰۰ دهکده و ۱۲۳ میلیون روپیه نیز در رابطه با پروژه‌های کنترل پیشرفت نمک و بازسازی زمینها اختصاص یافته است.

سند شماره (۵۵)

پاسخ به: مسعود اکرم، مشاور اقتصادی

تاریخ: ۱۰ مرداد ۱۳۵۸ - ۱ اوت ۷۹

به: داگلاس بی. آرچارد، مدیر

موضوع: تظاهرات اسلامی در دانشگاه پیشاور

تظاهرات سه روزه جمعیت طلبه‌های اسلامی Jamiat Tolaba از ۳۰ تیر ۱۳۵۸ در محوطه دانشگاه پیشاور به رهبری حزب شاخه استان مرزی شمال غربی برگزار گردید. اقدامات بسیاری انجام گرفت تا نمایندگان تظاهرات، که از سرتاسر کشور از راه می‌رسیدند، در تظاهرات مزبور پذیرفته شوند. هریک از کارکنان هوادار جمعیت طلاب دانشگاه پیشاور اقداماتی در زمینه تهیه وسایل حمل و نقل و غذاخوری و محل سکونت به عمل آورده‌اند. مشکل بتوان تعداد شرکت‌کنندگان خارج از شهری را در تظاهرات برآورد کرد. برآوردها از ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر در نوسان است. نمایندگان مزبور یک هیئت نمایندگی بیست نفره از عربستان سعودی را نیز در بر می‌گرفت. جمع حضار در بعضی از جلسات بالغ بر ۳۰۰۰ نفر بود.

بنا به گفته شبیر احمد دانشجوی پزشکی دانشگاه پیشاور، و ارشاد الحق بازرگان، که هر دو از هواداران جماعت اسلامی بوده و در تظاهرات شرکت کرده‌اند، هدف از تظاهرات تزریق روحیه اسلامی در جوانان پاکستانی و آماده کردن نسل جوان برای اداره و بر عهده گرفتن یک جامعه اسلامی می‌باشد. به همین منظور، علمای اسلامی آگاه و رهبران جماعت اسلامی در جلسات مختلف به سخنرانی پرداخته و جلساتی نیز برای قرائت و تفسیر قرآن ترتیب داده شده بود. نمایشگاهی نیز از تاریخ انقلاب در ایران، پاکستان و افغانستان برگزار شده بود.

در این تظاهرات پیام حسن نیت مولانا مودودی مؤسس جماعت اسلامی قرائت گردید که در آن رستاخیز و برتری نهایی اسلام را پیش‌بینی کرده بود. تعدادی از رهبران برجسته جماعت اسلامی نیز در تظاهرات سخنرانی‌هایی ایراد کردند. این رهبران عبارت بودند از پروفیسور غفور، پروفیسور خورشید، میان طفیل محمد، قاضی حسین احمد و دیگران. از جمله رهبران برجسته دانشجویی می‌توان لیاقت بلوچ، شبیر احمد، ارباب آفریدی، و ظفر جمال بلوچ را نام برد. عملاً تمام رهبران جماعت اسلامی در سخنرانیهای خود به سه نکته اساسی پرداختند: (۱) عظمت اسلام در حل مسائل امروز جهان بخصوص پاکستان، (۲) وضع اقتصاد ملی نابسامان پاکستان، و (۳) جهاد و رستاخیز اسلامی.

به طور مثال، پروفیسور خورشید گفت که اسلام تنها دینی است که همه چیز را تحت الشعاع قرار داده و به انسان درس انقلابی زیستن را می‌دهد. وی گفت هر پاکستانی حدود ده هزار روپیه مقروض است. وی سعی کرد مسئولیت تهیه بودجه جدید دولت فدرال را از دوش اتحاد ملی پاکستان بردارد. سرپرست جماعت اسلامی افغانستان، پروفیسور برهان‌الدین ربانی و سرپرست حزب اسلامی افغانستان، گلبدین حکمتیار نیز در این تظاهرات سخنرانی کردند. ربانی از انقلاب اسلامی ایران تجلیل بسیار به عمل آورد.

وی تلاش پاکستانیها را در وارد کردن نظام اسلامی در کشور مورد ستایش قرار داد. او بر اهمیت وقف زندگی در راه دین و مذهب تأکید کرد و گفت این تلاشها همیشه مثمر ثمر واقع می‌گردد. ربانی به تشریح بدرفتاریهایی که با علمای مذهبی و مؤمنین افغانی توسط دولت تره‌کی می‌شود پرداخت. حکمتیار سخنان خود را به تشریح انقلاب اسلامی در افغانستان محدود نمود، و گفت که مردم افغانستان فداکاریهای بسیاری به خرج می‌دهند تا دین خود را در برابر کمونیسم حفظ کنند. وی تلاش جمعیت طلاب اسلامی را در راه خدا و اسلام ستود.

گنجدوست کاردار ایران، نمایشگاه مربوط به مبارزات انقلاب اسلامی در ایران، افغانستان و پاکستان را افتتاح کرد. وی انقلاب اسلامی اخیر ایران را تشریح کرد و اسلام را تنها نظامی خواند که قادر است با مشکلات امروز دست و پنجه نرم کند. وی گفت هیچ کس نمی‌تواند مانع از انقلاب و رستاخیز اسلامی بشود.

یکی از اعضای برجسته دانشگاه پيشاور در گفتگو با من در مورد تظاهرات با انزجار گفت که این تظاهرات محوطه دانشگاه را کثیف کرده است. وی گفت تعداد کمی از دانشجویان محلی در این تظاهرات شرکت کرده‌اند. وی گفت اکثر حضار مرکب از افراد طبقه چهار (یعنی زارعین و دهقانها) و جوانان روستاهای مجاور بوده‌اند که به خاطر دریافت غذای مجانی در تظاهرات شرکت کرده بودند. وی گفت طرز برخورد کلی دانشجویان جماعت اسلامی شبه نظامی است. وی گفت این افراد در سیاستهای دانشگاه پيشاور نقشی ندارند، چون دانشجویان حزب خلق پاکستان و پشتو مهمترین و نیرومندترین گروههای دانشجویی اینجا هستند.

سند شماره (۵۶)

تاریخ: ۲۱ مرداد ۱۳۵۸ - ۱۲ اوت ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. - با اولویت
موضوع: (طبقه‌بندی نشده) شایعه توافق با آمریکا جهت نجات بوتو و متوقف نمودن برنامه هسته‌ای
۱- (طبقه‌بندی نشده) تایمز پاکستان روزنامه تحت کنترل دولت در تاریخ ۲۰ مرداد در سرمقاله خود تحت عنوان «قرارداد بی نظیر با آمریکا» گزارش کرده است که بی نظیر بوتو، دختر نخست‌وزیر فقید «با آمریکا به توافق رسیده است که در ازای حمایت آن کشور (در دنباله مبارزات اعتدالی پدرش) مانع از ادامه پیشرفت توانایی کشورش در زمینه تسلیحات هسته‌ای گردد».

۲- (طبقه‌بندی نشده) در این سرمقاله آمده است: «استراتژی اتخاذ شده به وسیله دوشیزه بی نظیر قرار بود آمریکا و جهانیان را متقاعد سازد که پاکستان در نظر دارد یک بمب اتمی تولید کند، تا پس از به صدا درآوردن این زنگ خطر، بتواند حمایت دولت آمریکا را بر طرفداری از بوتو جلب نماید.» این مقاله به عنوان شاهدهی بر این مدعا از نامه‌ای یاد می‌کند که بی نظیر به برادرش مرتضی پس از متهم شناخته شدن پدرش و محکوم شدن وی به مرگ توسط دادگاه لاهور، نوشته بود.

۳- (طبقه‌بندی نشده) این مقاله می‌گوید دولت آمریکا باید دیوانه باشد که به این قرارداد تن در دهد، چون نخست‌وزیر بوتو به طرز غیرقابل بخششی به آن «حمله‌ور» شده بود و آن را متهم به طرح توطئه‌های شیطانی... برای سرنگونی خود کرده بود... و گفته بود تنها زمانی دولت آمریکا می‌تواند پیروز بشود که

دلیل قاطعی ارائه کند. تمایل خانواده بوتو به چشم‌پوشی از قرارداد مجتمع غنی‌سازی هسته‌ای فرانسوی برای به دست آوردن یک نفع دیگر پدید آمده است.

۴- (طبقه‌بندی نشده) این مقاله در ادامه می‌نویسد، این طرح نتوانست بوتو را نجات دهد، لیکن «قطعاً تبلیغات غربی» را علیه پاکستان پیرامون مسئله اتمی تجهیز کرده است نویسندگان این مقاله تقاضای آمریکا را برای جلوگیری از اعدام بوتو و توطئه سکوت بوتو را در مورد فشارهای آمریکا علیه تلاش پاکستان برای دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای، شواهدی دیگر بر این مدعا می‌خوانند.

۵- (طبقه‌بندی نشده) این مقاله در پایان رابطه آمریکا را با خانواده سوموزا در نیکاراگوئه نمونه‌ای از تمایل آمریکا به انعقاد قرارداد با یک خانواده متنفذ می‌نامد.

۶- (طبقه‌بندی نشده) سفارت راهنمایی مطبوعاتی زیر را برای تمام واحدهای خود ارسال می‌دارد تا در صورت مورد پرسش واقع شدن در این زمینه از آن استفاده نمایند. ما نمی‌توانیم در مورد ماهیت وجودی این نامه بین بی‌نظیر بوتو و برادرش طبق ادعای مقاله ۱۱ اوت تایمز پاکستان اظهار نظر کنیم، ولی آنچه که می‌توانیم بگوییم این است که در مورد این گونه برقراری ارتباط با دولت آمریکا هیچ گونه اطلاعی نداریم و با قطعیت می‌توانیم بگوییم که بین دولت آمریکا و هیچ یک از اعضای خانواده بوتو چنین توافقی پدید نیامده است.

۷- (خیلی محرمانه) اظهار نظر: این مقاله ضربه سنگین و تندی است که ابتدا علیه خانواده بوتو و ثانیاً علیه آمریکا به کار رفته است. از نظر ما، این یک تلاش ناپخته از طرف حکومت نظامی پاکستان است تا حیثیت بی‌نظیر و مادرش (سرپرست حزب خلق پاکستان که در روز چهاردهم از حالت عزاداری خارج خواهد شد) را با استفاده از بن‌بست هسته‌ای حاصله با آمریکا لکه‌دار نماید. البته این کار به تلاش بسیاری نیازمند است و شکاف موجود در نقل وقایع و منطق مقاله تأثیر آن را کاهش می‌دهد. از زمان پیدایش و انتشار این مقاله روزنامه‌های دیگر در مورد آن کنجکاوی به خرج نداده‌اند و حتی روزنامه راستگرای اردوزبان نوای وقت نیز اعلام داشته است که پس از استماع توضیحات بی‌نظیر در این مورد اظهار نظر خواهد کرد.

۸- (خیلی محرمانه) با این وصف این مقاله حاکی از تلاش شدید علیه بوتو در زمانی بود که دیوان عالی قضایی پژوهش حکم دادگاه لاهور را مورد بررسی قرار می‌داد. این امور تنها حاکی از آن است که حکومت نظامی سعی دارد با شدت بسیار علیه حزب خلق پاکستان و به خصوص زنان بوتو یا خانواده‌اش در هفته‌های اخیر اقداماتی به عمل آورد، تا انتخابات مانع از بازگشت حزب خلق پاکستان به قدرت گردد. هومل

سند شماره (۵۷)

تاریخ: ۲۲ مرداد ۱۳۵۸-۱۳ اوت ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
موضوع: (خیلی محرمانه) انتخابات ۱۹۷۹: آیا حزب خلق پاکستان در انتخابات شرکت خواهد کرد؟
۱- (تمام متن خیلی محرمانه است).

۲- خلاصه: بیگم نصرت بوتو، بیوه نخست وزیر پیشین بوتو، در سی و دومین سال بزرگداشت استقلال

پاکستان، در تاریخ ۱۴ اوت ۱۹۷۹ (۲۲ مرداد ۱۳۵۸) عزاداری خود را پایان خواهد بخشید. نصرت که در طول مدت عزاداری خود به عنوان رئیس حزب خلق پاکستان که مؤسس آن شوهر فقیدش بود، برگزیده شد و با این گوشه‌گیری خود ادعای را در مورد «جانشینی خانوادگی» تقویت نمود و در همان حال از جناح‌بندیهای موجود در مورد آینده، برنامه و رهبریت ثانی حزب اجتناب ورزید.

۳- طبق شواهد موجود تلاش جهت تقویت ادعای جانشینی خانوادگی با موفقیت روبرو شده است. با وجود گذشت چهار ماه از مرگ نخست‌وزیر پیشین، هنوز هم در رابطه با رهبریت و نام او موجی از احساسات و عواطف برانگیخته می‌شود. اصطلاح «پدیده بوتو» تحت عنوان شهادتی آمیخته با صوفیگری، اندوه و بازیهای سیاسی، به خصوص در منطقه روستایی سند واقعیت یافته است. با برگزاری جلسات متعدد، زنان بوتو، یعنی بی‌نظیر دخترش در جبهه مقدم و مادرش نصرت در پشت صحنه نقش مهمی در متحد ساختن حزب در دوران هیجان‌زدگی و یأس و نوامیدی پس از محاکمه بوتو بازی کرده‌اند. آنها در هدایت حزب در ماههای خطیری که در پیش است و در برابر فشارهای وارده از طرف حکومت نظامی و دیگر احزاب (تلگرام سپتامبر) و تفرقه‌های حقیقی درون حزبی و نیاز حزب به رهبریتی نیرومند و انجام دادن کار سازمانی، وظیفه بسیار دشواری را بر عهده دارند. لیکن در این مرحله همه و حتی حکومت نظامی نیز حزب خلق پاکستان را حزبی توسری‌خور به حساب آورده و همین امر می‌تواند حزب خلق پاکستان را به صورت پیشگام‌ترین حزب در زمانی درآورد، که انتخابات پاکستان برگزار خواهد شد. (پایان خلاصه)

۴- حزب خلق پاکستان امروزی: این حزب در حالی که بیگم نصرت بوتو در ۱۴ اوت رهبری آن را فعالانه به عهده خواهد گرفت، می‌داند که محبوبیتش رو به افزایش است و با وجود امیدواری که به انتخابات ماه نوامبر دارد با دو مسئله بسیار مهم روبرو می‌باشد:

- اولاً، «پدیده بوتو» که ظاهراً سبب همبستگی و وحدت حزب شده، ممکن است زودگذر و موقتی باشد. قبل از ماه آوریل، گمان نمی‌رفت که خانواده بوتو بتواند عناصر مختلف حزبی را متشکل نماید. محبوبیت و هواداری توأم با گوشه‌گیری خانم بوتو ظاهراً سبب شده است که زنان بوتو رهبریت حزب را در دست بگیرند. لیکن هنوز نتایج قطعی آشکار نشده است. آینده نشان خواهد داد که کنترل رهبر حزب یعنی بیگم بوتو تا چه حد قادر است نظام درهم شکسته حزبی را همبسته نگهدارد. تا به حال ظاهراً بی‌نظیر، توانسته است به طرز مؤثری از حیثیت مادرش جهت به دست گرفتن رهبریت حزب بهره‌برداری کند، معذالک گزارشهای موجود حاکی از آن است که بین رادیکالها و «محافظه‌کاران» در داخل حزب تفرقه ایجاد شده است. کارگران حزبی «وفادار» نیز که در زمان زندانی شدن بوتو به مقاومت در برابر حکومت نظامی پرداخته بودند بسیار نیرومند بوده، و با «زمین‌داران فتودال فرصت‌طلب» که در این اواخر به حزب خلق پاکستان بوتو پیوسته‌اند، مخالفت می‌ورزند. ولی فتودالها در کمیته مرکزی حزب نمایندگان خود را جای داده‌اند.

- ثانیاً، حزب با مسئله چگونه فعال کردن خود برای انتخابات بدون درگیری مستقیم با حکومت نظامی که می‌تواند منجر به ممنوعیت حزب و بر باد رفتن حیثیت رهبریت حزب گردد روبه‌روست. ظاهراً فرماندهی کل حزب خلق پاکستان تصمیم گرفته است تا فرارسیدن انتخابات حرکات دقیقی را انجام دهد که شالوده آن را «فتودالها» پی‌ریزی کرده‌اند و این کار احتمالاً تا ماه سپتامبر ادامه خواهد یافت تا

محدودیت‌های موجود بر سر راه حزب از میان برداشته شود. زنان بوتو و رهبران رده‌های بالای حزبی میل ندارند روزهای ناراحت‌کننده قبل از اعدام بوتو را که در آن، حکومت نظامی چندین بار با برکنار کردن صدها تن از رهبران حزب به طور موقت موجبات فلج موقت حزبی را پدید آورده بود به دست فراموشی بسپارند. به منظور ممانعت از برخورد و فراموش نکردن محبوبیت حزب، باید از طرف بی‌نظیر و مادرش اقدامات متوازن‌کننده دقیق لیکن ممکن، در چند ماه آتی صورت پذیرد، ولی این گونه محافظه‌کاری به هیچ وجه با روحیه تندروها و خود بی‌نظیر سازگار نیست.

۵- ماه‌های آتی: با نزدیک شدن ماه نوامبر، باید تصمیمات مهم سازمانی و تاکتیکی اتخاذ گردد. پس از ۲۳ مرداد معلوم خواهد شد که با وجود عناصر ایدئولوژیکی ناامید حزب و به خصوص در صورتی که رهبریت بیگم بوتو مورد سؤال قرار گیرد، آیا باز هم بیگم بوتو و بی‌نظیر خواهند توانست حزب را متحد نگهدارند یا خیر؟ تمایل به درگیریهای کوچک در مورد استراتژیهای داخل سازمانی و یا مبارزاتی در صورت بی‌نصیب ماندن ائتلاف قدیمی ملاکین روستایی و شهری می‌تواند منجر به تضعیف حزب گردد. فرصت طلبی در سیاستهای پاکستان به ترتیبی است که اگر زنان بوتو محبوبیت را از دست ندهند، احتمالاً خواهند توانست تا بعد از انتخابات وحدت حزب را حفظ کنند.

زمین‌داران، که نفعشان در این است که همیشه با برندگان باشند، به بی‌نظیر و مادرش احتیاج دارند چون فقط آنها قادرند طرفداران بوتو را به پای صندوقهای رأی بکشانند. زنان بوتو نیز به ائتلاف قدیمی احتیاج دارند تا نظام حزبی سالم بماند، تا حداقل بتوانند محبوبیت خود را حفظ کرده و توازن ایدئولوژیکی درون حزبی را حفظ نمایند.

۶- بی‌نظیر و مادرش نیز باید سعی کنند عنصر چپگرایی درون حزب را به اعتدال بکشند. ولی هنوز معلوم نیست که آیا حزب خلق پاکستان (آن طور که شایع شده است) نظریات چپگرایانه‌ای را اقتباس کرده است یا خیر؟ با این وصف، ندای «همکاری با همفکران حزبی» ظاهراً در مورد راستگرایان حزبی به کار نرفته است و بخش اعظم مذاکرات با چپگرایان حزب صورت گرفته است.

«تندروها» از برخورد فعالانه‌تر با حکومت نظامی حمایت کرده و خواستار آنند که تا دیر نشده چپگرایان نیز با آنها متحد شوند. لیکن میانه‌روها به خاطر ترس از اقدامات تلافی‌جویانه دولت و نارضایتی خود از چپگرایان در برابر این خواست مقاومت نشان می‌دهند. اگر بی‌نظیر به پنجاب سفر کند همه چیز روشن خواهد شد. گزارش مطبوعات حاکی از آن است که این سفر صورت خواهد گرفت، لیکن سرکنسولگری کراچی از طریق رابطهای خود دریافته است که سفر بی‌نظیر به این استان احتمالاً صورت نخواهد گرفت. چون وی نمی‌خواهد بهانه‌ای برای حکومت نظامی به وجود آورد تا یا سبب به تعویق افتادن انتخابات یا توقیف شدن بی‌نظیر گردد.

۷- انتخابات و بعد از آن: در پاکستان هم در مورد انتخابات پیش‌بینی‌هایی می‌کنند، لیکن همه در یک چیز مشترکند و آن این است که انتخابات چه به نحو حاضر اجرا شود و چه به صورت انتخاب نمایندگان به نسبت جمعیت باشد، حزب خلق پاکستان اکثریت کرسیهای پارلمانی را به خود اختصاص خواهد داد. اگر آنها پیروز شوند و او از رهبریت حزب برکنار نشود و یا فاقد شرایط لازم برای آن شناخته نشود، بیگم بوتو نخست‌وزیر جدید پاکستان خواهد بود. لیکن اگر بیگم بوتو فاقد شرایط لازم اعلام شود و بی‌نظیر وارد معرکه شود، مسئله سن وی مانعی برای نخست‌وزیر شدنش نخواهد بود، لیکن جوانی و بی‌تجربگی وی

می‌تواند شانس وی را کاهش دهد.

۸- گذشته از اینکه در صورت پیروزی حزب خلق پاکستان چه کسی نخست‌وزیر خواهد شد، موانع دیگری نیز وجود دارد. یکی از منابع نزدیک به بی‌نظیر، به سرکنسولگری کراچی گفته است که این حزب انتقامجویی را پیشه نخواهد کرد. بی‌نظیر نیز به نیوزویک گفته بود: «ژنرالها نباید از چیزی بترسند.» این شاخه زیتون ضعیف می‌تواند علامتی باشد برای برگزاری مذاکرات صلح جویانه با ارتش در جهت انتقال قدرت. حزب خلق پاکستان به هیچ وجه با ضیاء وارد مذاکره نخواهد شد، بنابراین باید ترتیب دیگری برای این کار داد. (واقعیت جالب توجه این است که تیمسار تیکاخان که یکی از هواداران برجسته حزب خلق پاکستان بود، زمانی فرمانده چهره‌های مهم حکومت نظامی چون تیمسار چیشتی و جیلانی بوده است.)

۹- یک مشکل جدی‌تر و درازمدت‌تر توانایی حزب خلق پاکستان در حکومت بر ملتی است که با مشکلات دیرین اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دست به گریبان بوده است. آنها انتظارات بسیاری دارند و این انتظارات را نمی‌توان به سهولت برآورده ساخت. انتخاباتی سختی که باید صورت گیرد تا بحرانهای اقتصادی کنترل شود به یک رهبری سرسخت نیاز داشته، و می‌تواند موجبات تفرقه‌ایدئولوژیکی حزبی را فراهم آورد. بسیاری از ناظران معتقدند که حزب خلق پاکستان به صورت کنونی قادر نیست تا پس از انتخابات دوام بیاورد. ولی این گونه نظریه‌ها بسیار ضعیف هستند. واضح است که هدف اصلی حزب خلق پاکستان به دست گرفتن قدرت است. مسئله چگونگی و توانایی آن در حکومت پس از انتخابات معلوم خواهد شد؛ ولی به نظر ما حزب خلق پاکستان در موضعی است که خود می‌تواند این سؤال را مطرح نماید. ۱۰- مراجع الف تا ۳ نشانگر تلاش مهم کنسولگری‌هایمان در لاهور و کراچی در تهیه این گزارش می‌باشد.

سند شماره (۵۸)

تاریخ: ۲۳ مرداد ۱۳۵۸- ۱۴ اوت ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. - فوری
موضوع: عکس‌العمل مربوط به مقاله نیویورک تایمز در مورد مسئله تسلیحات هسته‌ای و خیم‌ترمی‌گردد

- ۱- تمام متن خیلی محرمانه است.
- ۲- جشنهای استقلال ملی طبیعتاً موقعیتهای مناسبی برای ابراز احساسات شدید ناسیونالیستی می‌باشد و مقاله ریچارد برت در نیویورک تایمز پیرامون مسئله تسلیحات هسته‌ای که بر خطر اقدام یکجانبه نظامی آمریکا علیه تأسیسات غنی‌سازی پاکستان تأکید نموده بود نیز، محتوای اصلی سخنرانی ۳۰ ثانیه‌ای متحدکننده و به موقع بزرگداشت استقلال را در بر می‌گرفت.
- ۳- نشریه رسمی تایمز پاکستان تکذیب مختصر سخنگوی وزارت امور خارجه را مبنی بر اینکه هیچ‌گونه «اقدام مخفیانه‌ای» طرح‌ریزی نشده است، در یکی از مربهای کوچک صفحه اول منعکس نمود. لیکن بخش باقیمانده روزنامه مملو از سخنان تند و پرخاشگرانه چهره‌های برجسته پاکستانی در ارتباط با «تهدید» مطرح شده در مقاله روزنامه نیویورک تایمز می‌باشد. عامل متحدکننده این است که باید در

برابر این گونه فشارهای خارجی حتی اگر از طرف ابرقدرتها اعمال شود، ایستادگی کرد. تنها معدودی از چهره‌های مردمی از این موقعیت در به رخ کشیدن «عهدشکنیهای» گذشته آمریکا در مورد پاکستان با اشاره به سالهای ۱۹۶۲/۳، ۱۹۶۵، و ۱۹۷۱ یعنی نمونه سالهایی که در آن آمریکا به انجام تعهدات دوستی و اتحاد خود با پاکستان پایدار نبود، بهره‌برداری نکرده‌اند.

۴- با مروری بر اظهارنظرها شاهد نگرانیهایی هستیم که مربوط است به رابطه بین «تهدید» مطرح شده در مقاله برت و سیل گزارشهای ارسالی از واشنگتن، پیرامون طرح دولت آمریکا در مورد افزایش حضور نظامی خود در این نقطه از جهان و تدارک یک نیروی ضربتی متحرک عظیم که بتواند به سرعت در این منطقه درگیر شود. در همین زمینه تلاش ظریفی به کار رفته است تا تهدید برت با گزارش پیشین قرارداد دولت آمریکا و بی‌ظنیر، پیرامون تسلیحات هسته‌ای ربط داده شود و علاوه بر زنده نگهداشته شدن این شایعه، حیثیت حزب خلق پاکستان نیز لکه‌دار شده و همین حزب مسئول فشارهای کنونی وارده از طرف آمریکا شناخته شود.

۵- (اسلام‌آباد ۹۲۱۰) نمونه‌ای از عکس‌العملهای گزارش شده در مطبوعات ۲۳ مردادماه به شرح زیر است:

- در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران در مورد مقاله نیویورک تایمز، تالپور وزیر دفاع تأیید کرده است که پاکستان در برابر اعمال فشارهای خارجی مقاومت خواهد کرد و کاملاً آماده است از منافع حیاتی خود دفاع نماید.

- رئیس حزب ناسیونال دموکرات شرباز مزاری با یادآوری «نتایج خطرناک ناشی از این گونه اقدامات احمقانه» گفته است: «روزهای دیپلماسی جبر تسلیحاتی به پایان رسیده است.» مزاری با اشاره به «شوکی» که در نتیجه خواندن مقاله به او دست داده به طور مبهم به شکست و عدم موفقیت آمریکا در خلیج خوکها و غیره اشاره کرد، و گفت که اقدامات آمریکا در این منطقه تنها به نفع «یهودیان» است و بس. - رهبر طریق (و دریابد پیشین پاکستان) مظفر حسن گفت: «حرکت گزارش شده بسیار تأسف بار و اضطراب‌آور است... (و منجر به) به غیرقانونی بودن و توطئه‌های بین‌المللی می‌گردد.»

سند شماره (۵۹)

تاریخ: ۲۴ مرداد ۱۳۵۸ - ۱۵ اوت ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. - با اولویت
موضوع: عکس‌العملهای منفی در رابطه با پیشنهاد ژنرال ضیاء مبنی بر
انتخاب نمایندگان به نسبت جمعیت آشکار می‌گردد

۱- (خیلی محرمانه) خلاصه: با به پایان رسیدن ۲۳ مرداد یعنی آخرین مهلت تعیین شده توسط ژنرال ضیاء در رابطه با برگزاری انتخابات نمایندگان به نسبت جمعیت هر منطقه (مرجع الف)، تقریباً تمام سیاستمداران پاکستان به نحوی از انحاء با این نظریه وی مخالفت خود را نشان داده‌اند. علیرغم تلاش حکومت نظامی در جهت اطمینان دادن به هیئت سیاسی از اینکه انتخاب نمایندگان به نسبت جمعیت موجب به تأخیر افتادن انتخابات ملی و یا اصلاح قانون اساسی نخواهد شد، پیشنهاد ضیاء تنها براساس همین دلایل و نه به خاطر محتوای نظریه، پذیرفته نشده است. (پایان خلاصه)

۲- (طبقه‌بندی نشده) همان گونه که انتظار می‌رفت، پیشنهاد رئیس جمهور ضیاء الحق مبنی بر برگزاری انتخابات آتی به سبک آلمانی، یعنی انتخاب نمایندگان به نسبت جمعیت موجب بروز تناقض قابل ملاحظه‌ای شده است. تنها یکی از احزاب معروف پاکستان به نام جماعت اسلامی از نظریه رئیس جمهور حمایت کرده است و حتی این حمایت نیز در نتیجه تصمیم اتحاد ملی پاکستان که جماعت اسلامی عضو آن است لگدمال شد و سبب شد که این تصمیم پذیرفته نشود.

۳- (طبقه‌بندی نشده) احزاب مخالف با این نظریه عبارتند از: اتحاد ملی پاکستان، یعنی ائتلافی که در ابتدا برای مخالفت با نخست‌وزیر پیشین پدید آمده بود، حزب ناسیونال دموکرات شرباز مزاری، و میر غوث بیزنجو و حزب ملی پاکستان، حزب دموکراتیک پاکستان، حزب طریق استقلال اصغر خان، و طبق انتظار حزب خلق پاکستان نخست‌وزیر پیشین بود که تصمیم گرفته است، به درخواست کتبی رئیس جمهور مبنی بر اظهار نظر پیرامون این نظریه پاسخ ندهد.

۴- (خیلی محرمانه) اظهار نظر: مخالفت با نظریه انتخاب نمایندگان به نسبت جمعیت که از طرف رئیس جمهور ضیاء مطرح شده، تمام محافل سیاسی پاکستان را از احزاب چپ‌گرا، محافظه‌کار، و نیز احزاب ملی و منطقه‌ای در بر می‌گیرد، تلاش دولت برای جلب حمایت عموم (مرجع ب) نیز با اعلام مطالبی چون انتخابات ملی به تأخیر نخواهد افتاد و نیازی به اصلاح قانون اساسی نیست، و تغییرات لازم در مورد حوزه‌های انتخاباتی نیز می‌تواند به سرعت انجام گیرد، با موفقیت چندانی روبرو نبوده است.

۵- (خیلی محرمانه) اکثر احزاب نه به جهت صحت این پیشنهاد و یا تأثیر احتمالی آن بر امتیازات خود، بلکه به علت نگرانی آنها از این امر که اجرای این نظریه ممکن است انتخابات را به تعویق اندازد با آن به مخالفت پرداخته‌اند. ثانیاً، همه نگران از این هستند که دولت نظامی ممکن است قانون اساسی ۱۹۷۳ را متحمل فرسایش بیشتری نماید. اظهار نظر مطبوعات نیز با وجود تحلیل متفکرانه و عمیق نقش نمایندگی به نسبت جمعیت در نظام سیاسی پاکستان، تأثیر آن را بر برنامه انتخابات و مشروعیت آن مورد سؤال و تردید قرار داده‌اند. رئیس جمهور ضیاء بار دیگر با موانع شدید و بار دیگر با هیئت سیاسی بسیار مرددی روبرو شده است. در همین حال، مقدمات انتخابات آماده می‌گردد (مرجع ج)، و موانع موجود بر سر راه فعالیتهای سیاسی به طور نسبی از میان برداشته خواهد شد و برنامه انتخابات حدود سه ماه دیگر آغاز خواهد شد. (پایان اظهار نظر)

سند شماره (۶۰)

تاریخ: ۲۹ مرداد ۱۳۵۸ - ۲۰ اوت ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد
موضوع: ضیاء الحق سپهبد اقبال را در غیاب خود به عنوان معاون خود برگزیده است.
سری

۱- (تمام متن سری است)

۲- رئیس جمهور ضیاء الحق در حرکتی که باعث شگفت‌زدگی ناظران گردید، معاون خود در ستاد ارتش یعنی سپهبد محمد اقبال را به عنوان معاون خود انتخاب کرد تا در مدتی که وی در تاریخ ۲۱-۱۹ اوت در عربستان سعودی به سر می‌برد به رتق و فتق امور بپردازد.

۳- علت این حرکت نیز ظاهراً عدم توانایی رئیس قوه قضائیه پاکستان، که از نظر قانون اساسی

جانشین منصوب رئیس جمهور است، به بازگشت به پاکستان می‌باشد. چون وی در حال حاضر در انگلستان به سر می‌برد تا معالجات سرطانی همسرش به پایان برسد. چون سرپرست دیوان عالی قضایی نیز یک فرد غیرمسلمان است، طبق قانون اساسی نمی‌تواند به عنوان رئیس جمهور خدمت کند. ضیاء به سرعت قانون اساسی را اصلاح کرد تا او بتواند معاون خود را به سرعت انتخاب کند. طبق اصلاحیه ۱۹۷۸ ضیاء به عنوان رئیس حکومت نظامی اختیار دارد خود و یا فرد دیگری را پس از استعفای رئیس جمهور وقت به عنوان رئیس جمهور اعلام نماید.

۴- تعیین اقبال به عنوان معاون رئیس جمهور بسیاری را به این فکر انداخته است که در رده‌های بالا احتمالاً تغییراتی به وجود خواهد آمد. اقبال یکی از دو یا سه ژنرال عالی‌رتبه‌ای است، که در اخراج ذوالفقار علی‌بو تو با ضیاء در ژوئیه ۱۹۷۷ همکاری داشته و همه معتقدند که اگر رهبریت ارتش تصمیم به تعویض ضیاء بگیرد، وی حتماً به عنوان جانشین وی عمل خواهد کرد.

۵- علاوه بر این شایع شده بود که احتمالاً یک «دولت ملی» به ریاست یک مقام نظامی عالی‌رتبه به غیر از ضیاء منصوب خواهد شد تا در دوران انتخابات امور را در دست بگیرد. شایعات دیگری نیز ساخته شده که حکایت از آن دارد که ضیاء می‌خواهد با توسل به همکاران خود در ارتش کشور را رها سازد، ولی در عین حال آن را به دست یک رهبریت غیرنظامی نسپارد. بعضی خبرنگاران نیز گزارش‌های تأیید نشده‌ای را ذکر می‌کنند که طی آنها ضیاء املاکی را در ساکرامنتوی کالیفرنیا خریداری و قبل یا بعد از انتخابات به همراه خانواده‌اش به آنجا خواهد گریخت.

۶- البته همیشه در مورد رهبران پاکستان این گونه شایعات رواج می‌یابد، لیکن در این زمان و در حالی که همسر و دختران ضیاء در آمریکا به سر می‌برند، انتصاب اقبال به سمت معاونت ریاست جمهوری این شایعات را اعتبار و قوت بیشتری می‌بخشد.

۷- از طرف دیگر، ما (با استفاده از منابع خود) توضیح رسمی رضایتبخشی را در مورد تعیین اقبال به عنوان معاون رئیس جمهور و معاون رئیس حکومت نظامی دریافت کرده‌ایم. در سفرهای قبلی ضیاء به خارج از کشور، وی همیشه رئیس دیوان قضائی را به عنوان جانشین ریاست جمهور و مهمترین عضو شورای نظامی را به عنوان معاون خود در حکومت نظامی برمی‌گزید. به عنوان معاونت ستاد ارتش، اقبال عالی‌رتبه‌ترین مقام نظامی پاکستان است و با وجود غیبت رئیس دیوان قضایی وی مناسبترین شخص برای احراز معاونت ریاست جمهور و معاونت حکومت نظامی می‌باشد.

۸- سفر ضیاء به عربستان سعودی نیز گویا بسیار مهم است و نمی‌تواند به تعویق افتد علاوه بر انجام فرایض عمره، وی گویا می‌خواهد با کمک پولهای عربستان سعودی مشکلات اقتصادی کنونی پاکستان را از بین ببرد. سعودیها هنوز ۲۰۰ میلیون دلاری را که قرار بود به عنوان زکات به پاکستان بدهند، تأمین نکرده‌اند. وی اگر می‌توانست سفر خود را به تعویق اندازد حتماً این کار را می‌کرد و تمام اختیارات را به فردی که می‌تواند آنان را تحت کنترل داشته باشد نمی‌داد. لیکن هنگامی که لازم باشد برای یک مدت ۱۰ روزه به هاوانا برود، باید تصمیم دیگری را اتخاذ نماید.

۹- به نظر ما مسئله انتصاب جانشین تنها یک مسئله موقتی است و موضوع دیگری نمی‌تواند باشد.

سند شماره (۶۱)

تاریخ: ۳۰ مرداد ۱۳۵۸ - ۲۱ اوت ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: مطبوعات «قرارداد اتمی» بی نظیر بوتو را منتشر می‌کنند

۱- (طبقه‌بندی نشده) مطبوعات بین‌المللی پاکستان در تاریخ ۲۹ مرداد نسخه‌ای از سندی را که (به NEA/PAB ارسال شده) گویا نامه بی نظیر بوتو با تاریخ ۲۶ مارس ۱۹۷۸ به برادرش می‌باشد، منتشر کرده‌اند. وی در این نامه به برادرش پیشنهاد کرده است که برای جلب حمایت آمریکا به خاطر پدرشان قدرت اتمی پاکستان را به معامله بگذارد (مرجع الف).

بخشی از این نامه در صفحه اول روزنامه دولتی تایمز پاکستان مورخ ۲۹ مرداد نیز به چاپ رسیده است. بیگم نصرت بوتو مادر بی نظیر بوتو قبلاً ماهیت وجودی این نامه را تکذیب کرده بود و از مطبوعات بین‌المللی پاکستان خواسته بود که اگر آن را در اختیار دارند منتشر سازند (مرجع ب).

۲- (طبقه‌بندی نشده) مهمترین بخش این نامه حاکی از آن است که بی نظیر از مرتضی بوتو خواسته است، که با تلاشهای خود در زمینه روابط عمومی و دیپلماتیک سعی کند موجبات حمایت از نخست‌وزیر پیشین ذوالفقار علی بوتو را فراهم آورد. در این نامه بی نظیر اظهار داشته است که می‌ترسد که دیوان عالی قضایی نیز بر تصمیم دولت مبنی بر اعدام بوتو صحنه بگذارد. بی نظیر در ادامه می‌نویسد که چون به قوه قضائیه اعتماد ندارد، فشارهای بین‌المللی و به خصوص آمریکا را علیه رئیس جمهور ضیاء تنها عامل نجات بوتو می‌پندارد.

۳- (طبقه‌بندی نشده) در این پیام طولانی بخشهایی از نامه که قبلاً در (مرجع الف) مطرح شده در مطبوعات دولتی نیز منتشر گشته و مدعی هستند که بی نظیر با آمریکا به توافق رسیده است. خطوط «اصلی» تنها عبارت از چهار یا پنج جمله در نامه دوازده صفحه‌ی می‌باشد.

۴- (خیلی محرمانه) اظهار نظر: در نامه بی نظیر به هیچ وجه یادی از مسئله اتمی نشده است. معذالک از «سیاست بوتو به هنگام نخست‌وزیریش» سخن به میان آمده است... که «بر ضد آمریکا نبود لیکن آمریکایی‌ها فکر می‌کردند که بر ضد آنهاست». البته، بوتو در سال ۱۹۷۱ و قبل از پیدایش موضوع تسلیحات اتمی نخست‌وزیر شده بود. به نظر ما محتوای مطلب این است که حزب خلق پاکستان براساس آنچه منتشر شده حاضر است در قبال جلب حمایت آمریکا مسئله تسلیحات هسته‌ای را کنار بگذارد.

۵- دولت به اهداف تبلیغاتی خود دست یافته است. چون بیگم نصرت بوتو وجود این نامه و رابطه با آمریکا را قبلاً تکذیب کرده بود. نمی‌توان گفت که نسخه منتشره در مطبوعات بین‌المللی پاکستان معتبر است، لیکن ظاهراً نامه‌ای واقعی است و دست خط آن نیز شناخته شده است. بنابراین زنان بوتو در دامی گرفتار آمده‌اند که می‌تواند در تبلیغات ضد حزب خلق پاکستان توسط دولت مورد بهره‌برداری بیشتر قرار گیرد.

سند شماره (۶۲)

تاریخ: ۳۰ مرداد ۱۳۵۸ - ۲۱ اوت ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. با- اولویت
موضوع: سفر معارفه / مشاوره در مورد استفان آر. گرومان

- ۱- تمام متن خیلی محرمانه است.
- ۲- ما از سفر گرومان به پاکستان به گرمی استقبال کرده و امیدواریم که انشاءالله بتواند برنامه‌ای ارائه کند که نیازهای مطروحه در نامه جورج گریفیت در تاریخ ۱۸ ژوئیه خطاب به هاگرتی مشاور سیاسی برآورده گردد. مقام کنترل سفر گرومان افسر سرویس خارجی دیولش خواهد بود.
- ۳- سفارت باگرومان در راولپندی ملاقات و وی را یاری خواهد داد و وسایل راحتی و آسایش وی در آپارتمانهای موقتی محوطه سفارت فراهم آمده است. امیدواریم گرومان دعوت ما را در مورد اقامت آپارتمان هاگرتی در ۴ سپتامبر بپذیرد؛ این کار سبب خواهد شد وی بتواند با بسیاری از شخصیت‌های دیپلماتیک، دولتی و سیاسی راولپندی / اسلام‌آباد ملاقات نماید. آقا مرتضی پویا، سرپرست نشریه مسلمان احتمالاً با گرومان ملاقات خواهد کرد. ما در وزارت خارجه ملاقاتها و قرارهای دیگری نیز تدارک می‌بینیم.
- ۴- سرکنسول آمریکا در لاهور نیز برای روز ششم سپتامبر برای ملاقات رهبران شیعه با لوئیس دوپری و دیگران وقت تعیین می‌کند، در حالی که سرکنسول فولر، ایزنبراون DPO، و مشاور سیاسی در این مدت در اینجا نخواهند بود. ایزنبراون روز ششم به اینجا خواهد آمد و صبح روز بعد با گرومان ملاقات خواهد کرد. راننده سرکنسول نیز با وی ملاقات خواهد کرد و وی را یاری خواهد داد. علاوه بر این وی را در مورد برنامه گرومان در لاهور توجیه خواهیم کرد. در مورد تهیه وسایل آسایش وی در هتل نیز اقداماتی در دست انجام است.
- ۵- با وجود اینکه کنسول آرچارد در تاریخ ۹-۷ سپتامبر در پیشاور نخواهد بود، ولی فکر می‌کنم بروس فلاتین معاون ریاست نمایندگی‌مان در کابل در پیشاور در روز هشتم در محل اقامت آرچارد به سر خواهد برد. آرچارد امیدوار است که گرومان از محل اقامت وی استفاده کند. اگر برنامه به هم نخورد، گفتگو با فلاتین امکان پذیر خواهد بود.
- مشاور سیاسی کنسولگری برنامه ملاقاتهای محلی را تهیه می‌کند. کنسول نیز گرومان را در فرودگاه ملاقات خواهد کرد.
- ۶- سرکنسولگری آمریکا در کراچی نیز ساعت ۹ صبح را برای ملاقات آقای گرومان و سرکنسول، آقای آر.ا. آخوند، وزیر مشاور در برنامه‌ریزی و عمران در ساعت ۱ بعد از ظهر و با آقای م. جی. م اختر سرپرست عمران صنعتی پاکستان در ساعت ۱ بعد از ظهر دوشنبه ۱۰ سپتامبر تعیین کرده است. علاوه بر این آنها در نظر دارند ترتیب ملاقات وی را با منور علی خان عضو کمیته انتخاباتی سند، علامه طالب جوربی و رهبران سیاسی برجسته بلوچ چون بیزنجو، مزاری، و منگال بدهند. در این مدت DPO بریمز، گرومان را همراهی خواهد کرد. بریمز نیز از گرومان خواسته است تا به محل اقامت وی بیاید. وی گرومان را در فرودگاه ملاقات خواهد کرد.
- ۷- به محض ورود برنامه به طور مفصل در اختیار وی قرار داده خواهد شد.

سند شماره (۶۳)

تاریخ: ۳۱ مرداد ۱۳۵۸ - ۲۲ اوت ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
موضوع: اجلاس غیرمتعهدها در هاوانا - مسئله صهیونیسم و نژادپرستی

- ۱- تمام متن خیلی محرمانه است.
- ۲- در ملاقات با وزیر خارجه دولت پاکستان شهناز در تاریخ ۳۱ مردادماه، من با وی در مورد لحن پیش نویس کوبا در رابطه با صهیونیسم و نژادپرستی گفتگو کردم. من نکات مطروحه در تلگرام مرجع را ارائه نموده و توضیح دادم که در گفتگوهای پیشین خود با وزیر مشاور ثاقب در مورد پیش نویس کوباییها (تلگرام مرجع ب) این نگرانیها را یادآور شده بودم.
- ۳- شهناز با کلی گرای گفت که نمایندگان دولت پاکستان پیش نویس کوباییها را به دقت مطالعه کرده و از نقایص آن در بسیاری موارد آگاه هستند. وی گفت «هر کاری از ما برآید انجام خواهیم داد»، «البته زمانی که بحث و تبادل نظر پیرامون پیش نویس آغاز گردد». وی گفت مسئله صهیونیسم و نژادپرستی در رابطه با پاکستان از حساسیت خاصی برخوردار است چون این کشور نمی خواهد که در سیاستهایش که در کنفرانسهای اسلامی مطرح شده تناقضی دیده شود. وی به جزئیات بیشتری نپرداخت.
- ۴- با ناراحتی گفتم که سفیر یوگسلاوی در حال حاضر در اینجا نیست وگرنه او می توانست در مورد غیر متعهدها به طور کلی و در مورد پیش نویس کوباییها بالاخص، مطالبی را مطرح نماید. شهناز عمیقاً با نگرانیهای من موافق است، لیکن می گوید که کاردار یوگسلاوی تنها منعکس سازنده نقطه نظرات دولت یوگسلاوی می باشد.
- ۵- موضوع جدید: برنامه مسافرت ضیاء به جنبش غیر متعهدها: آخرین خبری که از وزارت خارجه به دست آورده ایم، حاکی از آن است که ضیاء الحق در ساعت ۱۶/۳۰ دقیقه بعد از ظهر یکم سپتامبر به وسیله هواپیمای مخصوص وارد نیویورک خواهد شد. او از نیویورک احتمالاً برای دیدن همسر و فرزندانش در ساعت ۱۰ به تنهایی به واشنگتن خواهد رفت و پس از آن با یک پرواز مستقیم در دوم سپتامبر در ساعت ۱۰ صبح به تنهایی به هاوانا خواهد رفت. برنامه های او برای بعد از اجلاس هاوانا فاش نشده است.

سند شماره (۶۴)

سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران و مشاوران پیمانکار
۲ شهریور ۵۸ - ۲۴ اوت ۷۹
پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده
(طبقه بندی نشده) دورنمای کوتاه مدت پاکستان
خلاصه

(سری) شانس رئیس جمهور ضیاء الحق در به پایان رسانیدن سال جاری به عنوان رهبر پاکستان توأم با تردید است.
او تاریخ ۲۶ آبان ماه را به منظور برگزاری انتخابات اعلام کرده است، ولی جای تعجب نخواهد بود اگر آن را به تأخیر و یا تعویق بیندازد. البته با این کار وی در معرض خطر قرار خواهد گرفت، چون حکومت نظامی محبوبیت چندانی ندارد و او با ناآرامیهای فزاینده ای روبه رو خواهد گردید.

(سری) تشنج مابین استانها تلاش ضیاء را در پدید آوردن توافق ملی در مورد نوع حکومت مورد نیاز پاکستان خنثی خواهد نمود. تا پایان سال ۱۳۵۸ در اوضاع آشفته پاکستان بهبودی پدید نخواهد آمد. از طرف دیگر، ضیاء نیز راههای بسیاری در پیش رو ندارد، و ارتش نیز حداقل تا زمانی که اوضاع کشور آرام باشد از وی پیروی خواهد کرد.

(خیلی محرمانه) در جبهه اقتصادی، پاکستان با چند مشکل روبه‌روست. میزان کسری موازنه پرداخت، سبب شده است که پاکستان به دوباره برنامه‌ریزی وامهای خود روی آورد.

(خیلی محرمانه) مسائل خارجی نیز مشکلاتی را در برابر ضیاء به وجود آورده است. او مایل است از آمریکا به عنوان یک وزنه علیه شوروی استفاده کند، لیکن تصمیم وی مبنی بر تکمیل مجتمع غنی‌سازی اتمی، روابط اسلام‌آباد و واشنگتن را دچار تیرگی ساخته است. برنامه اتمی کنونی پاکستان ممکن است سرانجام سبب وخامت روابط یهود یافته آن با هند شود، در حالی که در تاریخ اخیر این روابط به بهترین نحوی برقرار شده است. بالاخره، رابطه پاکستان با افغانستان نیز توأم با آشفتگی و تشنج بسیار خواهد گردید.

مشکلات سیاسی ضیاء

(خیلی محرمانه) فقدان رهبریتی قاطع بر مردم پاکستان تأثیری عمیقاً منفی به جای گذاشته است. گرچه ضیاء چندان مورد تنفر نیست و حکومت نظامی وی نیز چندان سخت نمی‌باشد، ولی معمولاً وی را فردی می‌شناسند که قادر نیست خود و یا کشورش را از معضلات جاری برهاند. در میان طبقات بالا و متوسط فرار سرمایه و مغزها رایج است که برای آینده سیاسی و ثبات اقتصادی پاکستان چندان خوشایند نخواهد بود.

(طبقه‌بندی نشده) مهمترین مخالفت سیاسی علیه ضیاء از جانب حزب خلق پاکستان نخست‌وزیر اسبق بوتو، که در ماههای گذشته ثابت کرده که قادر است سازمان‌یافته‌ترین حزب سیاسی تاریخ پاکستان را به تحرک درآورد، اعمال می‌گردد. رهبران حزبی با وجود ضربه‌ای که در نتیجه اعدام بوتو به آنها وارد شده مطمئن هستند، که در صورت برگزاری انتخابات منصفانه در پاکستان به پیروزی خواهند رسید. (خیلی محرمانه) بنا به گزارشها، استراتژی آنها در رسیدن به این هدف اجتناب از جنجال و برخورد با حکومت نظامی و ارائه دادخواستهای خود به ملت می‌باشد. در همان حال که حزب در رابطه با رهبریت خود دچار مشکلاتی شده، ولی همسر بوتو اعلام کرده است که رهبری آن را به عهده خواهد گرفت. او ممکن است بتواند وحدت مورد نیاز حزبی را برای رقابت در انتخابات فراهم آورد، لیکن رهبریتش بیشتر جنبه سمبلیک خواهد داشت.

(طبقه‌بندی نشده) ضیاء از طرف بعضی از حامیان گذشته خود نیز با مخالفت روبه‌رو شده است. ائتلاف نه چندان نیرومند احزابی که منجر به سرنگونی بوتو در سال ۱۳۵۶ گردید، حمایت خود را از حکومت نظامی جانشین وی اعلام کرد. لیکن، این احزاب در منازعه خود با ضیاء پیرامون مسائل مختلف دچار تفرقه گردیدند، که درست یک ماه پس از اعدام بوتو، منجر به خروج کامل همکاران سیاسی غیر نظامی از حکومت ضیاء گردید. در حال حاضر آنها به حزب خلق پاکستان پیوسته و با مخالفت با حکومت نظامی خواستار برگزاری انتخابات شده‌اند.

(طبقه‌بندی نشده) جناح‌گرایی و فقدان رهبریت قاطع گروه‌های سیاسی پاکستان را دچار فاجعه ساخته است. یکی از سازمان‌های پیشین مخالف نیرومند، یعنی حزب ناسیونال دموکراتیک دارای پایگاه قبیله‌ای اخیراً بر سر تضاد موجود پیرامون شخصیتها و میزان اختیارات ایالتی مورد نظر به تجزیه دچار گردید.

مسئله انتخابات

(خیلی محرمانه) هنوز معلوم نیست که ضیاء انتخابات را برگزار نماید. تا اواخر ۲۲ ژوئیه، وی می‌گفت که انتخابات در ماه نوامبر برگزار خواهد شد. لیکن وی مایل است که اکثریت کرسیها نصیب احزاب مرکزی و راست‌گرا شود، تا بتواند یک حکومت مؤتلفه را تشکیل دهند، که نیروی نظامی بسیار قدرتمندی نیز به عنوان ناظر نظم لازم را برقرار سازد. لیکن پیروز شدن حزب خلق پاکستان آزادی فردی ضیاء را به خطر خواهد انداخت و سیاستهایی را تقویت خواهد کرد که به نظر وی در گذشته موجب ورشکستگی اخلاقی و اقتصادی کشور شده بود.

(خیلی محرمانه) پس از جرح و تعدیل انتخابات که مخالفت را به ضعف خواهد کشید، ضیاء ممکن است به برگزاری انتخابات بپردازد. وی اعلام کرده است که نه تنها قدرت را به دولت منتخب خواهد داد، بلکه از ریاست ستاد ارتش و فعالیتهای عمومی نیز کناره‌گیری خواهد کرد. ولی گمان نمی‌رود که او خود را به طور کامل از زندگی عمومی کنار بکشد.

(خیلی محرمانه) علیرغم اظهار اطمینانهای وی مبنی بر برگزار شدن انتخابات، بعید نیست که ضیاء به خاطر ترس از تقویت ناگهانی جناح مخالف عقیده‌اش را تغییر دهد. و بنا به دلایل دیگر از قبیل ناآرامیهای قبل از انتخابات، و یا حتی بنا به اعتقاد دیگران، برای ماندن در موقعیت کنونی می‌تواند انتخابات را لغو نماید.

(سری) در صورتی که ضیاء به وعده خود مبنی بر برگزاری انتخابات عمل نکند، باید انتظار بروز ناآرامیهای فزاینده عمومی را داشت. حزب خلق احتمالاً رهبری جناح مخالف را برای سرنگون ساختن وی به دست خواهد گرفت. او از داخل ارتش نیز تحت فشار است. چند تن از ژنرالهای وی احساس می‌کنند که حکومت نظامی بیش از حد درگیر اداره کشور شده است و اگر انتخابات را به زودی برگزار نکنند، ممکن است او را وادار به کناره‌گیری نمایند. ولی احتمالاً ضیاء خواهد توانست در برابر این فشارها مقاومت به خرج دهد؛ البته در صورتی که به طور هم‌زمان با ناآرامیهای شدید داخلی روبه‌رو نباشد.

(خیلی محرمانه) مشکلات اقتصادی

دورنمای تأسف بار اقتصادی پاکستان منعکس‌کننده فقدان رهبریتی نیرومند است. با وجود اینکه بی‌اعتمادیهای سیاسی مانع از سرمایه‌گذاریهای بخش خصوصی می‌شود، ولی تولید صنعتی از رکود دوران بوتو بیرون آمده است. عملکرد کشاورزی نیز مختلط است. تولید گندم بیسابقه بوده و سطح تولید برنج نیز دائماً رو به افزایش بوده است. از طرف دیگر، پنبه هم که از نظر نساجی داخلی و هم از نظر صادرات نقشی حیاتی دارد، با رکود تولیدی بیسابقه‌ای روبه‌رو شده است. رشد کلی تولید ناخالص داخلی در سالهای ۵۸-۱۳۵۷ حدود ۶ تا ۷ درصد در طول دو سال متوالی بود، در حالی که میزان رشد آن در سال

آخر حکومت بوتو ۲- تا ۳- درصد بود.

در همان حال، پاکستان به سرعت وارد یک بحران مالی می‌شود و رهبران آن بار دیگر خواستار برنامه‌ریزی دوباره و امه‌های خود شده‌اند. مهمترین، کسری بودجه عظیم دولت است که ناشی از سوسپید عظیم مصرفی و مخارج سنگین پروژه‌های صنعتی نامناسب عمومی، برنامه اتمی، و بودجه دفاعی عظیم می‌باشد.

در نتیجه این امور میزان تورم افزایش یافته و موازنه پرداخت مسئله‌ای حاد را به وجود آورده است. در سال گذشته تنها ارسال پول توسط کارگران پاکستانی مقیم خارج از کشور مانع از بروز بحران موازنه پرداخت گردید. در همین حال، سرویس قروض خارجی به سرعت افزایش می‌یابد و سبب فرسایش شدید جریان کمک‌های خارجی می‌شود، احتمالاً در سال آینده لازم خواهد بود که قروض خارجی دوباره جزء برنامه بعدی شود، لیکن اعتباردهندگان رسمی پاکستان نمی‌خواهند به پاکستان امتیاز مالی خاصی بدهند، تا دولت نشان دهد که مصمم است در محدوده تواناییهای خود به حیات خود ادامه دهد.

معادله خارجی

(S/ NF/ NC/ NO) روابط توأم با آشفتگی پاکستان و آمریکا فکر رهبران پاکستان را به خود مشغول کرده است، ولی ضیاء نخواهد توانست اختلافات موجود را تا حدود زیادی از بین ببرد. در عوض، وی به تبلیغات ضد آمریکایی دامن خواهد زد تا از بروز انتقادات داخلی علیه خود ممانعت به عمل آورد. (S/ NF/ NC/ NO)^(۱) مسئله برنامه اتمی پاکستان مهمترین موضوع مورد اختلاف با آمریکاست. امکان دارد که اسلام‌آباد مخفیانه در تلاش به دست آوردن تسلیحات انفجاری اتمی باشد. و ظاهراً می‌خواهد این تلاش خود را با عنوان «عمران و تحقیقات» ادامه دهد. پاکستانیها نیز گویا می‌خواهند با وارد مذاکره شدن با آمریکا و دیگر کشورهای غربی فرصت بیشتری برای دانشمندان خود به وجود آورند. گزارشهای ضد و نقیضی در مورد زمان آماده بودن این آزمایش از نظر فنی رسیده است. بعضی از گزارشها حاکی از آن است که اسلام‌آباد ممکن است تا اوائل پاییز جاری بمبی را منفجر سازد. ولی پاکستان مانند سال گذشته، در سال جاری نیز نخواهد توانست این توانایی را به دست آورد. (خیلی محرمانه) یکی دیگر از مشکلات موجود در رابطه آمریکا و پاکستان عدم کنترل کشت خشخاش در مناطق قبیله‌ای پاکستان و در مجاورت مرز افغانستان است. سال گذشته میزان بازده این منطقه پاکستان حدود ۴۰۰ تن بود. اگر تولید منطقه مجاور افغانستان را نیز به حساب آوریم، کل تولید این منطقه بیش از تولید «مثلث طلایی»^(۲) خواهد بود. قدرت پالایشی پاکستان نیز بسیار پیچیده و پیشرفته شده است. (خیلی محرمانه) اقتدار پاکستانیها که در مناطق قبیله‌ای چندان نیرومند نبوده است، در حال حاضر در کنترل تولید تریاک و قاچاق آن به خاطر شورش موجود در مرز افغانستان ضعیفتر شده است. علاوه بر این، با تصویب قانون اسلامی و منع مواد مخدر در ماه فوریه وسایل کنترل مواد مخدر با از بین رفتن مکانیزمهای اجرائی و فقدان روشهای جدید در هم ریخته شد.

۱- حروف S/ NF/ NC/ NO مخفف کلماتی است که ترجمه آنها به ترتیب عبارت است از:

سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران و مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده - مترجم.

۲- مثلث طلایی به فلات صعب‌العبور و کوهستانی شای که از شمال شرقی برمه تا تایلند، لائوس و چین ادامه دارد اطلاق می‌گردد.

(خیلی محرمانه) در شش ماه آتی افغانستان مهمترین مشکل سیاست‌گذاری خارجی پاکستان را تشکیل خواهد داد. تا به حال، اسلام‌آباد در رابطه با فشار حدود ۱۴۰۰۰۰ پناهنده افغانی در داخل مرزهای خود، تبلیغات خصمانه از طرف کابل و مسکو و رویدادهای مرزی از قبیل پرواز جت‌های جنگنده و بمباران گهگاه، خونسردی نشان داده است. اصرار اسلام‌آباد برای کمک به مخالفین در سرنگون کردن رژیم متخاصم تره کی / امین ممکن است بیشتر شود، لیکن با وقوف به این واقعیت که افغانها و روسها با مداخله در بلوچستان می‌توانند مشکلات بسیاری برای پاکستان به وجود آورند، از این کار اجتناب خواهند ورزید.

(خیلی محرمانه) پاکستان احتمالاً به دنبال اجلاس غیرمتعهدها در سپتامبر در هاوانا موفق خواهد شد به این جنبش به پیوندد. اسلام‌آباد تلاشی وسیع و مؤثر به خرج داده است تا به عضویت سازمان مزبور پذیرفته شود. حتی با وجود مخالفت افغانستان، پاکستان به عضویت جنبش درخواهد آمد، البته افغانها تهدید کرده‌اند که به مخالفت خود ادامه خواهند داد. پس از انحلال پیمان سنتو در اوائل سال جاری هند نیز مخالفت خود را با پیوستن پاکستان به این جنبش کنار گذارد.

(خیلی محرمانه) روابط این کشور با هند تنها نقطه امیدوارکننده در اوضاع جاری پاکستان است. در ۳۳ سال گذشته از ماهیت جداگانه این کشور این روابط بهتر از پیش بوده است. نه تنها روابط کنونی و دیپلماتیک بلکه روابط هوایی، مخابراتی و تجاری نیز برقرار شده است. مسئله لاینحل کشمیر نیز گویا کنار گذاشته شده، و هر یک از این دو کشورها، گویی تصمیم گرفته‌اند در امور داخلی و خارجی یکدیگر مداخله نمایند. رهبریت پاکستان با مشاهده خونسردی هند در برابر اعدام بوتو بسیار راضی شده است. با وجود عدم اعتماد اسلام‌آباد به دهلی‌نو به خاطر روابطش با رژیم تره کی در کابل، پاکستان به نحوی از انحاء به هند به عنوان یک منبع پشتیبانی می‌نگرد.

(سری) لیکن این هماهنگی و همزیستی ادامه نخواهد یافت. خروج دسای و جانشین شدن چاران سینگ قطعاً سبب به قدرت رسیدن یک دولت ایده‌الیست و ناسیونالیست در هند خواهد گردید. سیاستهای هند به هیچ وجه با پاکستان خصومت‌آمیز نیست، لیکن حساسیت هند در مورد تسلیحات اتمی ممکن است این خصومت را بار دیگر پدید آورد. اگر دهلی‌نو متوجه شود که پاکستان در تأمین تسلیحات اتمی جدی است، روابط دو کشور قطعاً به تیرگی خواهد گرایید. با آماده شدن هند برای برگزاری انتخابات در ماه نوامبر، دولت سینگ هیچ گونه اقدامی که منجر به قطع روابط شود انجام نخواهد داد، گرچه در بعضی از قسمتهای سخنرانی انتخاباتی مجبور خواهد بود به «بمب» پاکستانی نیز اشاره‌هایی بنماید.

تهیه کننده: کارن لنگه تیگ

تصویب‌کننده: جورج هاریس

سند شماره (۶۵)

تاریخ: ۲۵ شهریور ۱۳۵۸ - ۲۷ اوت ۷۹
 از: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد
 به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی.سی.
 موضوع: فشرده اطلاعات دولت پاکستان برای کدل ولف

۱- جلسه سه ساعته در وزارت خارجه در تاریخ ۱۶ اوت به صورت بحث و توجیه سپری شد:

توجیه‌کنندگان از سوی دولت پاکستان عبارت بودند از سپهبد اختر، رئیس اطلاعات، غلام اسحاق خان، وزیر دارایی و آقاشاهی مشاور رئیس جمهور در وزارت امور خارجه (وزیر خارجه بدون قید و شرط)، شاهی ریاست این هیئت را به عهده داشت. بخشهای توجیهی کامل، و تبادل نظرها با خوشحالی صورت گرفت.

۲- توجیه اطلاعاتی: اطلاعات ارائه شده توسط سپهبد اختر عبارت بود از خطراتی که از طرف همسایگانش یعنی هند و افغانستان امنیت پاکستان را تهدید می‌کند و نیز نقش شوروی در اوضاع جاری افغانستان. وی یادآور شد که انقلاب آوریل ۱۹۷۸ کابل سبب شد که شوروی با یک جهش از اوکسوس به خیبر برسد. وی پس از آن به شرح وقایع پس از آن پرداخت و اوضاع شورشها در ۲۴ و ۲۸ استان و جزئیات سلاحهای ارسالی شوروی را تشریح نمود. اختر از هند به عنوان یک قدرت «برجسته» منطقه‌ای یاد کرد، رابطه هند و شوروی را با تضاد شوروی و چین مرتبط دانست و بر برتری نظامی هند نسبت به دیگر همسایگان خود تأکید نمود، و پاکستان را یک «مانع کوچک» در برابر «غور هند» و نقش آن در منطقه که مورد تأیید آمریکا و شوروی است، دانست. در مورد تواناییهای نظامی و صنعتی هند، بدون اشاره به مقاصد آن صحبتها و سخنان زیادی ایراد گردید.

۳- اطلاعات ارائه شده توسط شاهی: مشاور وزارت خارجه آقاشاهی در سخنان خود سعی کرد نشان دهد که در طول سالها در روابط آمریکا و پاکستان نقاط اصطکاک وجود داشته است، لیکن در رابطه با روابط آتی اظهار امیدواری کرد و گفت پاکستان در نظر ندارد قدرت اتمی برای خود پدید آورد.

۴- با مروری مختصر به وقایع تاریخی، شاهی به مطالب زیر پرداخت. (الف) کمک نظامی آمریکا به هند در سال ۱۹۶۲، (ب) عدم نارضایتی آمریکا از صمیمانه تر شدن روابط بین چین و پاکستان در سالهای ۱۹۶۰؛ (ج) اقدامات آمریکا در درگیری پاکستان و چین در سال ۱۹۶۵ و تحریم تسلیحاتی که ادعا کرد (به خطا) که تا سال ۱۹۷۵ ادامه یافته بود. (د) عدم نارضایتی پاکستان در رابطه با پیمان سنتو و عملکرد کمکهای نظامی و اقتصادی آمریکا (در مقایسه با تعهدات سال ۱۹۵۴ و توافقات ۱۹۵۹)؛ (ه) رد تقاضای مربوط به A-۷؛ (و) تضاد ایجاد شده در مورد قرارداد مجتمع هسته‌ای فرانسه در پاکستان (که بنا به گفته وی به خاطر اصرار آمریکا لغو گردید در حالی که آمریکا اعلام کرده بود که قراردادهای منعقد در مورد تارپور هند به قوت خود باقی است)؛ و، (ز) کاربرد کنونی اصلاحیه سیمینگتون در مورد غنی‌سازی هسته‌ای (و یادآور شد که این معیاری مضاعف در مقایسه با ادامه فروش سوخت غنی شده به هند توسط امریکا است که خود باعث منفجر شدن تأسیسات هسته‌ای گشته است). در این رابطه، شاهی با صراحت تمام گفت «که پاکستان جدیداً تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم را تأمین کرده است». در پاسخ به این سؤال کدل که چرا با وجود نیاز صلح‌آمیز پاکستان به اورانیوم غنی شده، این تأسیسات تأمین شده است؟ شاهی گفت پاکستان تصمیم گرفته است سوخت کامل را تهیه کند تا از فشارهای خارجی وارده از کانوپ و کاناداییها مصون بماند. وی با صراحت گفت «پاکستان در نظر ندارد بمبی تولید کند».

۵- شاهی گفت پاکستان حاضر است کارخانه فرانسوی خود و پلوتونیوم حاصله از آن را در کنترل جامعه بین‌المللی قرار دهد. او به تلاشهای پاکستان در زمینه فراهم آوردن یک منطقه عاری از تسلیحات هسته‌ای براساس منطقه‌ای، شامل سانوفز آن و پیشنهاد آن به هند جهت بررسی دوجانبه اشاره کرد. وی گفت پاکستان با وجود هند «یعنی خطر قدیمی» و افغانستان یعنی «خطر جدید»، «و ابرقدرتهایی که با ما

مخالف هستند» در منطقه کاملاً تنهاست. وی گفت: «اما پاکستان مغرور است»، «تلاشهای ملامت آمیز مطبوعاتی آمریکا موجب پیدایش دوستانی در اینجا نخواهد شد.» شاهی گفت احتمال دارد که پاکستان به شوروی نزدیک شود، چون بسیاری از روشنفکران با آن موافق هستند.

۶- پیرامون شایعات بمب اسلامی، شاهی گفت: «ما تکنولوژی لازم برای ساختن بمب را در اختیار نداریم. ما نه درخواست کمک کرده ایم و نه در برنامه اتمی خود از دیگر کشورهای مسلمان کمک گرفته ایم. نیل به هدف مورد نظر در پاکستان در برنامه (مسالمت آمیز) یک هدف مهم برای پاکستان بوده و پاکستان را به صورت یک عرضه کننده در بازار در خواهد آورد. ما قصد نداریم سلاح بسازیم.» چندی بعد، شاهی به طور ضمنی پرسید که آیا آمریکا می تواند ثابت کند که پاکستان از لیبی و یا کشورهای دیگر در رابطه با برنامه اتمی پول دریافت کرده است؟» وی گفت که این نظریه که لیبی ممکن است بخواهد از یک بمب غیر مجرب پاکستانی برای جهاد علیه یهودیان و مسیحیان استفاده کند تنها «جنبه تخیلی» دارد و بس.

۷- سرپرست ولف، با اعلام اینکه مقاله برت «نادرست» بوده است، گفت هیئت نمایندگان خود در کنگره با «کماندوهای صلح» نامگذاری کرده است، که به روابط درازمدت با پاکستان علاقه مندند و نمی خواهند که عامل پیوندشان تنها دشمنان مشترک باشد. او اظهار داشت که تنها به «ثبات منطقه» که به نفع پاکستان و آمریکا است، توجه دارد. وی گفت مسئله اتمی در منطقه اختلافات و تشنجهایی را پدید خواهد آورد. وی به صحبت پیرامون طرز فکر کنگره در مورد عدم تکثیر اتمی پرداخت، و از اصلاحیه سیمینگتون حمایت کرد و سعی کرد موارد استفاده روشهای مختلف را در کشورهای گوناگون بسته به مراحل اتمیشان برای ما توضیح دهد.

۹- ولف بر نیاز به اعتماد در روابط پاکستان و آمریکا تأکید کرد و یاد آور شد که قراردادهای ۱۹۵۴ و ۱۹۵۹ به قوت خود باقی است (و آنها را مردود نشمرد)، و از نیاز به چشم پوشی از مقالات نادرست که هدفشان تنها به فروش رفتن روزنامه است سخن گفت، و به شاهی اطمینان داد که آمریکا در نظر ندارد در امور داخلی پاکستان مداخله نماید و گفت که آمریکا میل دارد به هر طریق که شده به پاکستان کمک نماید. ولی وی به محدودیتهای موجود در قوانین (و سیاستهای) آمریکا اشاره کرد و گفت که شخصاً متعهد شده است، که تکثیر تسلیحات اتمی را تحت کنترل در آورد.

۱۰- دیگر اعضای کنگره در همان حال که اختلاف نظرات موجود پیرامون این مسئله را بین خود مطرح می کردند، در گفتگوهای خود نیز از موضع ولف حمایت می نمودند. بون و لارگو ماریسینو از دولت پاکستان می خواستند که به آمریکا کمک کند تا این وضع را پشت سر بگذارد. گایر بر نیاز به پیشرفت اقتصادی تأکید می کرد و استارک و دورنان نیز از پاکستان می خواستند. که در برنامه های خود پیرامون تأمین توانایی اتمی تجدیدنظر نماید.

۱۱- غلام اسحاق در پاسخ به ولف خاطر نشان ساخت که پاکستان در نظر دارد «مهارت لازم برای تولید سوخت اتمی» را به دست آورد، تا بتواند نیاز آتی خود را در زمینه انرژی تأمین نماید؛ وی گفت، این امر بین ۵ تا ۱۰ سال طول خواهد کشید. وی گفت کارخانه های بعدی پاکستان عبارت خواهند بود از راکتورهای مولد که حتماً به سوخت غنی شده نیاز خواهند داشت. وی در ادامه گفت: «ما کشوری فقیر و کوچک هستیم، ولی غیر مشمول نیستیم. پاکستان در یک جنگ اتمی کاملاً محو خواهد شد.»

۱۲- گفتار غلام اسحاق خیلی مختصر بود؛ غلام اسحاق خان وزیر دارایی به کرات از مواضع استاندارد دولت پاکستان پیرامون اوضاع اقتصادی یاد می‌کرد. او گفتار خود را با ذکر این مطلب که دولت کنونی یک اقتصاد «آشفته» را به ارث برده و در دو سال گذشته اقدامات بسیاری در جهت نجات آن انجام داده است، آغاز کرد.

وی گفت: نتیجه آن دو سال رشد اقتصادی مولد در بخشهای تولیدی بوده است، که کاملاً با هفت سال قبل که در همه بخشها به استثنای بخش خدمات توأم با رکود بود، مغایرت دارد. دولت نیز سعی کرده است با مسئله بودجه با قوت تمام برخورد نماید، که حاصل آن را می‌توان در انتقاد شدید از افزایش مالیاتها مشاهده کرد. مدتی نیز طول خواهد کشید تا وضع موازنه پرداخت بهتر شود. برای به دست آوردن فرصت بیشتر، دولت پاکستان در دو اجلاس اخیر کنسرسیوم کمک به پاکستان، خواستار برنامه‌ریزی دوباره دیون خود گردید. وی گفت هدف «دستیابی» به ۷۵٪ درصد تولید ناخالص ملی بر DCS برای کمکهای خارجی است. وی گفت که آمریکا بیش از ۲۰٪ تولید ناخالص ملی را به کمک خارجی اختصاص نداده است. در نتیجه عدم درک صحیح از رویدادهای کنسرسیوم، اسحاق مدعی است که هر دو بار تقاضای پاکستان در کنسرسیوم توسط آمریکا رد شده است. وی گفت که اگر پاکستان کمک بیشتری دریافت نکند و یا وامهای آن دوباره برنامه‌ریزی نشود، پیشرفت آن متوقف و بیچارگی ملت پاکستان رو به فزونی خواهد گذاشت، معذالک وی چنین وانمود نکرد که علت آن ناشی از بحران موازنه پرداخت بوده است. به نظر ما وی می‌خواسته است در برابر این حضار منطقی باشد و حالت تهدیدکننده نداشته باشد.

۱۳- گزارش مربوط به گفتگوهای هیئت نمایندگان کنگره پیرامون مواد مخدر در تلگرام جداگانه مطرح خواهد گردید.

۱۴- این گزارش، تکرار می‌کنم به وسیله نمایندگان کنگره مشاهده نشده است.

سند شماره (۶۶)

تاریخ: ۱۹ شهریور ۱۳۵۸ - ۱۰ سپتامبر ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
موضوع: مطبوعات پاکستان وام ۲۰۰ میلیون دلاری عربستان سعودی به پاکستان را تأیید می‌کنند
۱- (طبقه‌بندی نشده) روزنامه پاکستان تایمز در شماره ۹ سپتامبر خود گزارش داده است که پاکستان اکنون موافقتنامه‌ای را با عربستان سعودی جهت یک وام بدون بهره ۲۰۰ میلیون دلاری که به اقساط در جریان سال مالی کنونی بازپرداخت خواهد شد، منعقد ساخته است. این مقاله همچنین حاکی از آن است که ۱۰۰ میلیون دلار از این وام در هفته آخر ماه جاری و ۱۰۰ میلیون دلار دیگر در ماه ژوئن آینده پرداخت خواهد شد. در این مقاله گزارش شده است به این وام بهره‌ای تعلق نخواهد گرفت و ظرف یازده سال پس از یک مهلت چهارساله معافیت از پرداخت، بازپرداخت خواهد شد.

۲- (محرمانه) اظهار نظر: این مقاله که به قلم اسلام شیخ یک روزنامه‌نگار معمولاً قابل اعتماد در مورد مسائل اقتصادی نوشته شده است، تأییدکننده شایعاتی است که ما شنیده‌ایم، مبنی بر اینکه آفتاب، وزیر اقتصاد در جریان سفر اخیر خود به عربستان سعودی این قرارداد را امضاء کرده است و مقامات بانکی و وزارت دارایی گفته‌اند که انتظار دارند اولین ۱۰۰ میلیون دلار این وام در ماه سپتامبر دریافت گردد. این

وام کمک مؤثری به اصلاح موازنه بازرگانی پاکستان خواهد کرد. (پایان اظهارنظر)
 ۳- (طبقه‌بندی نشده) نسخه‌هایی از این گزارش به وزارت امور خارجه ارسال می‌گردد.

سند شماره (۶۷)

- تاریخ: ۲۸ شهریور ۱۳۵۸ - ۱۹ سپتامبر ۷۹
 از: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد
 به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
 موضوع: (طبقه‌بندی نشده) سفر فرمانده نیروهای آمریکا در خاورمیانه (خیلی محرمانه)
- ۲- در یابد رابرت دبلیو. چونینگ فرمانده نیروهای خاورمیانه‌ای در تاریخ ۱۹-۱۵ سپتامبر (۲۸-۲۴ شهریور) از پاکستان بازدید به عمل آورد. در این مدت چونینگ سه روز در اسلام‌آباد به سر برد و با مقامات نظامی و غیرنظامی دولت پاکستان ملاقات کرد. این گزارش محتوی ملاقاتهای در یابد با مشاور وزارت خارجه آقاشاهی و وزیر خارجه شهناز است. ملاقاتهای وی با رئیس جمهور ضیاء‌الحق در تلگرام سپتامبر گزارش شده است.
- ۳- در یابد چونینگ در صبح روز ۲۶ شهریور ماه به وزارت امور خارجه رفت تا با وزیر خارجه شهناز ملاقات نماید. به محض ورود به وزارتخانه، شهناز گفت که آقاشاهی مشاور وزارت خارجه با وی گفتگو خواهد کرد، و او نیز در این گفتگو شرکت خواهد کرد. مقام سفارتی نیز به عنوان منشی وی را همراهی می‌کرد.
- ۴- آقاشاهی ظاهراً می‌خواست در مورد نقل و انتقالات کشتیهای شوروی و MTER PICTIVITY در اقیانوس هند گفتگو نماید. وی از در یابد چونینگ سؤال کرد که آیا ناوهای شوروی دائماً ناوهای آمریکایی را تعقیب کرده و با آنها در تماس هستند. وی همچنین در مورد فعالیت‌های شوروی در بنادر اقیانوس هند چون سوکوترادو دماغه کامراهن سؤالاتی را مطرح کرد. در رابطه با دماغه کامراهن وی گفت چینیها معتقدند که شوروی یک پایگاه دریایی در آنجا ایجاد کرده و در رابطه با مقاصد شوروی در آسیای جنوب شرقی و اقیانوس هند این نقطه از اهمیت استراتژیکی برخوردار است.
- ۵- در یابد چونینگ گفت این شایعه که شاهزاده رشید در ابوظبی یک پایگاه دریایی می‌سازد تا توسط آمریکا مورد استفاده قرار گیرد و آقاشاهی نیز آن را شنیده است، صحت ندارد. وی همچنین در مورد فعالیت‌های نیروی دریایی شوروی در منطقه توضیحات مفصلی به آقاشاهی داد و گفت با وجود رفت و آمد مکرر ناوهای شوروی به بنادر اقیانوس هند، شواهدی وجود ندارد که بتوان گفت آنها تأسیساتی در این بنادر دایر کرده‌اند. وی پیرامون تأسیسات و ناوهای فرماندهی نیروهای آمریکا در خاورمیانه به آقای شاهی توضیح داد و نیروهای خود را با نیروهای شوروی در منطقه مقایسه نمود.
- ۶- در پاسخ به مشاور وزارت خارجه آقاشاهی، در یابد چونینگ به تشریح کلی ترکیب نیروهای آمریکا در سطح جهان و تشریح نقطه مسئولیت هر ناوگان پرداخت. بنا به درخواست آقاشاهی وی گفت که ایران ناوهای جنگی مورد درخواست خود را به آمریکا پس داده است. شاهی ظاهراً از نحوه تشریح در یابد در مورد تکنولوژی ناوهای اسپروآلن در شگفت مانده بود و به نحوی معتدل موضوع ناوهای نوع گیرینگ پاکستان را مطرح نمود. در یابد چونینگ بدون صحبت از تحویل احتمالی آتی (و یا فقدان تحویل) ناوهای گیرینگ گفت دو ناو تحویل داده شده مناسب با نیاز پاکستان می‌باشند. شاهی در همین جا به

موضوع خاتمه داد.

سند شماره (۶۸)

تاریخ: ۲۸ شهریور ۱۳۵۸ - ۱۹ سپتامبر ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. - با اولویت
موضوع: پیش‌بینی موازنه پرداخت‌های جدید - سالهای مالی ۱۹۷۹/۸۰

خلاصه: ما پیش‌بینی ماه مارس موازنه پرداخت‌های سال مالی ۱۹۷۹/۸۰ (مرجع الف) را دوباره بررسی کرده و آن را با پیش‌بینی موازنه پرداخت جاری وزارت دارایی مقایسه نموده‌ایم. با وجود تغییرات، نتیجه خالص، ناچیز ولیکن در همان حال عمده است، که نوعی شکاف خالی از منابع مالی به حساب می‌آید و علت آن نیز این است که انتظار داریم در کوتاه مدت در میزان قروض کاهش پدید آید. گمان نمی‌کنیم که افزایش قیمت نفت تأثیر چندانی بر آن داشته باشد، چون قدری صرفه‌جویی در رابطه با پروژه‌های عمرانی به عمل آمده است، طبق برآورد ما، میزان صادرات برخلاف پیش‌بینی دولت پاکستان که ۱/۹۵ میلیارد دلار بوده است، حدود ۲ میلیارد دلار خواهد بود که البته بستگی به عملکرد خوب صادرات پنبه و برنج دارد. واردات، به خاطر افزایش قیمت نفت و قیمت کالاهای دیگر حدود ۴ میلیارد دلار خواهد بود. برآورد دولت پاکستان ۴/۲ میلیارد دلار است، لیکن از نظر ما این روش واردات بخش عمومی را بیش از حد برآورد نموده است. مازاد حساب نامریی حدود یک میلیارد دلار خواهد بود و علت آن نیز ارسال حدود ۱/۶ میلیارد دلار پول توسط کارگران از خارج خواهد بود. دولت پاکستان کسری بودجه جاری را ۱/۲ میلیارد دلار برآورد کرده، ولی به نظر ما این کسری بیش از یک میلیارد دلار نخواهد بود. طبق برآورد ما جریان سرمایه خالص در درازمدت پس از کسر بازپرداختها حدود ۵۴۰ میلیون دلار خواهد بود، در حالی که دولت آن را ۵۷۷ میلیون دلار اعلام کرده است. پیش‌بینی اولیه ما در مورد کسری بودجه ۴۳۸ میلیون دلار بود که کمی کمتر از برآورد دولت پاکستان بوده و علت آن نیز اختلاف موجود در واردات بوده است. علاوه بر این، در سال گذشته وامی معادل ۲۸۵ میلیون دلار دریافت شده که باید بازپرداخت گردد. دولت پاکستان در نظر دارد با استفاده از ۱۷۵ میلیون دلار ارز وارده در کوتاه مدت حدود ۴۶۰ میلیون دلار وام کوتاه مدت و اعتبار عرضه کنندگی به دست آورد. به نظر ما آنها در این زمینه موفقیت چندانی نخواهند داشت و رقمی معادل ۴۰۰ میلیون دلار را در نظر دارند، که بسیار زیاد و سنگین است. البته در پیش‌بینیهای خود رقم ۹۰ میلیون دلاری را که پاکستانیها قرار است از صندوق بین‌المللی پول وام دریافت دارند، وارد نکرده‌ایم. با اضافه کردن وامهای کوتاه مدت صندوق بین‌المللی پول، وامهای کمکی (از ایران، انگلستان و غیره) شاهد یک شکاف فاقد منابع مالی ۲۱۹ میلیون دلاری خواهیم بود که دولت پاکستان آن را ۲۹۴ میلیون دلار اعلام کرده است.

۲۰۰ میلیون دلار وام زکات عربستان سعودی را نیز به علت عدم اطمینان در مورد دریافت و حتی زمان دریافت آن در برآوردهای خود وارد نموده‌ایم. در صورتی که پاکستان ۱۰۰ میلیون دلار را در ماه سپتامبر و ۱۰۰ میلیون دلار دیگر را در ماه ژوئن دریافت کند، وضع مالی آن کشور تا مدتی بهبود خواهد یافت. (پایان خلاصه)

۱- ما پیش‌بینی و برآوردهای خود را در مورد موازنه پرداخت‌های سال مالی ۱۹۷۹/۸۰ تجدید و آن را

با برآوردهای وزارت دارایی مقایسه کرده‌ایم. این برآوردها به چند سؤال مطروحه اخیر توسط واشنگتن (تلگرام مرجع ب) پاسخ می‌دهد. طبق برآورد ما میزان رشد صادرات بیش از واردات خواهد بود، ولی سرعت آن به قدری نخواهد بود که بتواند کسری تجاری را جبران نماید. برآورد ما در مورد صادرات ۲ میلیارد دلار یعنی ۱۷ درصد بیش از ۱/۷ میلیارد دلار مشروط سال مالی ۱۹۷۸/۷۹ می‌باشد و کمی بیش از برآورد ۱/۹۵ میلیارد دلاری دولت پاکستان است. به علت علائم خوب مربوط به برداشت پنبه گمان می‌کنیم که میزان صادرات پنبه خام و برنج بیشتر از برآورد پیشین ما باشد.

۲- برآورد ما در مورد واردات ۴ میلیارد دلار یا ۱۰ درصد بیش از برآورد سالهای مالی ۱۹۷۸/۷۹ که ۳۶۷۵ میلیون دلار بود، می‌باشد. کسری تجارت سالهای ۱۹۷۹/۸۰ حدود ۲ میلیارد دلار است که کمی بیش از سال گذشته است، ولی در عین حال کمتر از برآورد ۲/۲ میلیارد دلاری دولت پاکستان است. ۳- علت اختلاف موجود بین ارقام ما و ارقام دولت پاکستان در واردات بخش عمومی نهفته است. از نظر ما دولت پاکستان واردات بخش عمومی را به خصوصی در حالی که دولت سعی دارد کسری بودجه را با کاهش هزینه‌های عمرانی و کاهش پیشرفت پروژه‌های موجود جبران سازد، بیش از حد برآورد کرده است.

۴- ارسال پول نقد توسط کارگران مقیم خارج در سالهای ۱۹۷۸/۷۹ حدود ۱/۴ میلیارد دلار، یعنی ۲۰ درصد بیش از سال مالی ۱۹۷۷/۷۸ بوده است. این روند سیر نزولی دارد و به نظر ما حدود ۷ درصد افزایش خواهد داشت و با در نظر گرفتن ۱۰۰ میلیون دلار ارزش آرسالی حدود ۱/۶ میلیارد دلار خواهد شد. طبق برآورد ما دیگر ارقام نامربی (هزینه بیمه و حمل کالا، نرخ بهره، هزینه سفر، هزینه‌های دولتی و غیره)، حدود ۵۶۰ میلیون دلار کسری به بار خواهد آورد و بالغ بر یک میلیارد دلار خواهد گردید. در این رابطه ما نیز با دولت پاکستان هم عقیده هستیم که کسری جاری ۹۸۰ میلیون دلار در مقایسه با ۱/۲ میلیارد دلار کسری برآورد دولت می‌باشد.

۵- ورود سرمایه در درازمدت (کمک و سرمایه‌های بخش خصوصی) حدود یک میلیارد دلار، و کمی پایین‌تر از برآورد ۱/۰۵ میلیارد دلاری دولت پاکستان خواهد بود. اختلاف موجود نیز مربوط به برآورد زیاده از حد دولت پاکستان در مورد واردات کمکی است. رهن وامهای درازمدت، از قبیل بازپرداخت وامهای نفتی صندوق بین‌المللی پول، ۳۷۵ دلار در برآورد ما و دولت پاکستان است.

بنابراین برآورد ما در مورد سرمایه‌های درازمدت ۵۴۲ میلیون دلار و در برآورد دولت پاکستان ۵۷۷ میلیون دلار می‌باشد. با جمع‌بندی حساب سرمایه‌ای و جاری کسری موازین حدود ۴۳۸ میلیون دلار است، در حالی که موازنه پرداخت دولت پاکستان نسبت به سال گذشته حدود ۲۸۵ میلیون دلار افزایش یافته است. دولت امیدوار است بتواند ۴۶۰ میلیون دلار پول از طریق اعتبار عرضه‌کنندگی، وامهای بانکی حاصله از طریق اقدامات بانکهای خارجی و پاکستانی فراهم آورد. به نظر ما این مقدار پول فراهم نخواهد آمد و تنها حدود ۴۰۰ میلیون گردآوری خواهد شد، که آن هم در رابطه با ناراحتیهای جامعه بانکداران نسبت به پاکستان بعید به نظر می‌رسد.

۷- دولت پاکستان با امتیازات خاص برداشت می‌تواند از صندوق بین‌المللی پول ۹۰۰ میلیون دلار دریافت دارد، ولی فکر نمی‌کنیم که دولت پاکستان بتواند شرایط مورد نیاز صندوق بین‌المللی پول را در انجام «تلاش معقول و منطقی» برای ثابت نگه‌داشتن اقتصاد داخلی تأمین کند، و بنابراین این رقم را در

برآوردهای خود وارد نموده‌ایم. با اضافه کردن موازنه اصلی، قراردادهای صندوق بین‌المللی پول، وام‌های کوتاه‌مدت و قروض احتمالی (از ایران، انگلستان، سوئیس و غیره) برخلاف برآورد ۲۹۴ میلیون دلاری دولت پاکستان طبق برآورد ما شکاف مالی فاقد منابع پولی، ۲۱۹ میلیون دلار خواهد بود.

۸- ما ۲۰۰ میلیون دلار زکات عربستان سعودی را به علت عدم اطمینان مقامات دولت پاکستان در مورد دریافت آن در برآوردهای خود به حساب نیاورده‌ایم، ولی اگر ۱۰۰ میلیون دلار آن در سپتامبر دریافت شود، شکاف مالی فاقد منابع پول به ۱۱۹ میلیون دلار تقلیل خواهد یافت و اگر ۱۰۰ میلیون دلار دیگر نیز در ماه ژوئن دریافت گردد، این شکاف فقط به ۱۹ میلیون دلار تقلیل خواهد یافت. با اینوصف، ارزش خارجی دولت پاکستان حتی قبل از دریافت ۱۰۰ میلیون دلار ثانی به پایان خواهد رسید.

۹- پیش‌نویس ما با پیش‌نویس صندوق بین‌المللی پول و پیش‌نویس دولت پاکستان مطابقت دارد. اطلاعاتی دقیق‌تر سبب شده است که ما بتوانیم وام‌های درازمدت و بهره و سرویس وام‌های کوتاه مدت را در زیر خط موازنه اصلی قرار دهیم.

۱۰- برآورد ما در مورد بازپرداخت به همراه برآوردمان در ماه مارس به منظور مقایسه در سه جدول آمده است.

الف - جدول موازنه پرداخت، ب - حساب تجاری، ج - منابع مالی کوتاه مدت. در ستون جداگانه جدیدترین برآورد وزرای دارایی را نیز وارد کرده‌ایم. توضیحات لازم در مورد هر جدول نیز داده شده است. به علت تجدیدنظر در مورد پیش‌نویس، تمام ارقام مربوط به پیش‌بینی «ماه مارس سفارت» مستقیماً با ارقام مرجع الف قابل مقایسه نخواهد بود.

جدول الف

سال مالی ۱۹۷۹/۸۰ برآوردهای مربوط به موازنه پرداخت
(تمام ارقام به میلیون دلار آمریکا)

برآورد دولت پاکستان	برآورد سفارت در ماه سپتامبر	برآورد سفارت در ماه مارس	
-۲۲۵۰	-۲۰۰۰	-۱۸۴۰	موازنه تجاری (جدول ب)
-۴۰۰	-۴۰۰	-۳۶۵	خارجی به علاوه داخلی
۱۶۰۰	۱۶۰۰	۱۴۰۰	انتقال سرمایه‌های خصوصی
۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	غیره بهره (شامل نرخ بهره صندوق بین‌المللی پول)
-۳۰۰	-۳۰۰	۵۸۸	نامرتبی
۱۰۲۰	۱۰۲۰	-۹۸۵	موازنه حساب جاری
-۱۲۳۰	-۹۸۰	۵۲	سرمایه‌های بخش خصوصی
۳۲	۵۲	۹۸۵	سرمایه‌های بخش دولتی
۱۰۲۰	۹۶۵	(۶۸۵)	(پیشنهادی)
(۷۴۰)	(۶۸۵)	۳۰۰	غیربروزهای
۲۸۰	۲۸۰		

-۴۰۰	-۴۰۰	-۴۰۰	وامهای محدود (اصلی)
			حساب مالی نفتی-
-۷۵	-۷۵	-۵۹	صندوق بین‌المللی پول
۵۷۷	۵۴۲	۵۸۷	حسابهای سرمایه‌ای درازمدت
-۶۵۵	-۴۳۸	-۴۰۷	موازنه اصلی
			منبع تأمین:
۹۰	-	۵۰	صندوق بین‌المللی پول
۳۴	۳۴	-	اختصاص به امتیازات ویژه برداشت
۶۳	۶۳	۶۳	برنامه‌ریزی دوباره وامها
-۱۷۲	-۱۲۲	۰	کوتاهمدت خاص (جدول ج)
-۲۹۴	-۲۱۹	-۲۹۴	شکاف فاقد منابع مالی

جدول ب

سال مالی ۱۹۷۹/۸۰ موازنه پرداخت - حساب تجاری
(تمام ارقام به میلیون دلار آمریکا)

دولت پاکستان	سفارت سپتامبر	سفارت مارس	گندم
۱۳۲	۱۳۰	۱۶۰	روغن خوراکی
۲۴۷	۲۳۰	۲۲۰	کود شیمیایی
۲۱۹	۲۱۵	۱۷۰	نفت بخش عمومی
۸۵۴	۸۵۵	۷۰۰	بخش خصوصی
۱۲۷۸	۱۴۰۰	۱۴۰۰	بخش عمومی
۱۴۷۰	۱۱۷۰	۱۰۰۰	کل واردات
۴۲۰۰	۴۰۰۰	۳۶۵۰	پنبه خام
۱۱۰	۱۱۵	۱۱۰	نخ
۲۳۰	۲۴۰	۲۵۰	پارچه
۲۲۰	۲۲۰	۲۲۰	برنج
۴۰۰	۴۰۰	۲۸۶	غیره
۹۹۰	۹۸۵	۹۵۰	کل صادرات
۱۹۵۰	۲۰۰۰	۱۸۱۰	موازنه تجاری
۲۲۵۰	۲۰۰۰	۱۸۴۰	

جدول ج

سالهای ۱۹۷۹/۸۰ برآورد موازنه پرداخت - منابع مالی خالص
کوتاه مدت

تمام ارقام به میلیون دلار آمریکا
دولت پاکستان

سفارت		
۱۲۲	۱۷۲	خالص کوتاه مدت
۲۸۶	۲۸۵	قروض مهم (بازپرداخت)
۵۵	۵۵	وام گندم سیٹی بانک
۱۳۶	۱۳۶	اعتبار عرضه کنندگی
۸۰	۸۰	اعتبار مربوط به کود
۱۵	۱۵	بانک عمران اسلامی
۴۰۸	۴۸۵	منابع پول احتمالی
۷۵	۱۰۰	سیٹی بانک
۷۵	۱۰۰	ICCD
۱۰۰	۱۰۰	اعتبار مربوط به کود
۵۳	۵۳	اعتبار عرضه کنندگی
۴۰	۴۰	بانک عمران اسلامی
۶۵	۶۵	بانکهای پاکستانی

۱۴- توضیحات مربوط به واردات

گندم: به علت وضع جاری محصول گندم دولت پاکستان ۰/۷۵ میلیون تن گندم را با نرخ ۱۷۴ دلار برای هر تن به خارج صادر خواهد کرد، در حالی که گمان می کردیم این مقدار ۱ میلیون تن با نرخ ۱۶۰ دلار هر تن باشد.

روغن خوراکی: انتظار داریم که ارقام دولت پاکستان در رابطه با روغن خوراکی ثابت بوده و قیمت هر تن آن نیز ۶۰۰ دلار باشد.

کود: واردات دولت پاکستان در زمینه کود مطابق با برآورد کمک دولت بوده و قیمتها کمی بیشتر خواهد شد یعنی ۵/۰۰۰/۰۰۰ تن به قیمت تنی ۲۳۰ دلار ۲۰۰/۰۰۰ تن کود نیتروفسفات به قیمت تنی ۲۱۵ دلار، و ۱۹۰/۰۰۰ تن کود اوره به قیمت تنی ۱۷۰ دلار وارد خواهد کرد. این ارقام خیلی دقیقتر از ارقام مورد استفاده در برآورد مارس (۱ میلیون تن به قیمت هر تن ۱۷۰ دلار) می باشد.

نفت بخش عمومی: ما برآوردهای دولت پاکستان را پذیرفته ایم. واردات بخش خصوصی: صرفه جویی کلی ناشی از کمبود ارز خارجی، حدود ۱۰۰ میلیون دلار از برآورد قبلی را از بین خواهد برد.

واردات بخش عمومی: گرچه ما برآورد قبلی خود را کمی بالا برده ایم لیکن کند شدن و کاهش یافتن

پروژه‌های عمران واردات این گونه‌ای را کمتر از برآورد دولت پاکستان نشان خواهد داد.
 ۱۵- توضیحات مربوط به صادرات: پنبه خام: شواهد موجود که حاکی از خوب بودن محصول است نشانگر آن است که ۸۰۰/۰۰۰ جوال پنبه، به جای برآورد ۶۰۰/۰۰۰ جوال پیشین ما صادر خواهد شد، به قیمت حدود هر پوند ۰/۵۵ دلار، در صورتی که میزان برداشت بیش از ۸۰۰/۰۰۰ جوال باشد ما برآورد خود را نیز بعداً تغییر خواهیم داد.

نخ پنبه: برآورد زیاده از حد سال گذشته ارقام مربوط به آن را کاهش داده است.
 برنج: قیمت برنج در فصل آخر سال ۱۹۷۸/۷۹ بیشتر تقویت خواهد شد و میزان صادرات را به ۳۴۰ میلیون دلار بالغ خواهد کرد.

غیره: تورم نیز نسبت به برآوردهای گذشته مان افزایش خواهد یافت.
 ۱۶- توضیحات مربوط به مواد نامرئی: هزینه حمل کالا و بیمه: مانند برآورد قبلی است یعنی ۱۰ درصد کل واردات را در بر می‌گیرد.
 انتقال سرمایه بخش خصوصی: انتقال این سرمایه‌ها کاهش خواهد یافت و حدود ۱۰۰ میلیون دلار خواهد بود.

بهره: ارقام ارائه شده توسط دولت در مقایسه با برآوردهای قبلی ما تغییر نکرده است.
 دیگر موارد نامرئی: ما استنباط‌های خود را بر روند پنج‌ساله استوار کرده‌ایم. چون قبلاً از طریق کاربرد نادرست ارقام، رقم مربوط به دیگر موارد نامرئی برابر با صفر بوده و حال آنکه پس از تجدید نظر مثبت و حدود ۱۰۰ میلیون دلار می‌گردد.

۱۷- توضیحات مربوط به حساب سرمایه: سرمایه‌های بخش دولتی: ارقام اخیر دولت پاکستان در مورد کمک‌های غیر پروژه‌ای دقیقتر از ارقام آن در ماه مارس است. لیکن بهره‌برداری از کمک‌های غیر پروژه‌ای دولت کمتر از پیش خواهد بود.

تأسیسات نفتی صندوق بین‌المللی پول: رقم ماه مارس به دلار تبدیل نشده است.
 امتیازات ویژه برداشت: دولت پاکستان اختصاص یافته‌های جدید را دریافت خواهد کرد.
 وام‌های کمکی: تنها وام‌های کمکی قطعی را در برآوردها به حساب آورده‌ایم. هومل

سند شماره (۶۹)

تاریخ: ۲۹ شهریور ۱۳۵۸ - ۲۰ سپتامبر ۷۹

از: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: اجلاس غیرمتعهدها- دو نظریه پاکستانی

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲- ضیاء رئیس جمهور پاکستان، در یک ملاقات تشریفاتی با دریا سالار چونینگ، به همراه سفیر، مطالب زیر را در مورد اجلاس غیرمتعهدها مطرح ساخت. ضیاء گفت که شدیداً در رابطه با خبرگی لجستیکی کوباییها، بخصوص در زمینه تأمین وسایل آسایش، و نقل و انتقال مردم و وسایط نقلیه تحت تأثیر قرار گرفته است. با این وصف از لفاظیهای همه و استفاده دائمی از کلماتی چون امپریالیسم، استعمارگری، سوسیالیسم و غیره به ستوه آمده بود. ضیاء گفت عدم تعهد برای توصیف این جنبش که از

اهداف اصلی خود دور شده است، عنوان صحیحی نیست. ضیاء گفت احتمالاً هریک از کشورهای شرکت‌کننده از کمکهای آمریکا برخوردار است، لیکن چون نان را به نرخ روز می‌خورند نخواسته‌اند از آمریکا به خوبی یاد کنند. او با لحنی ملایم و سرزنش‌بار گفت که آمریکا پیشاهنگ جهان آزاد است و به همین دلیل این کشور باید در سیاستهای خود تجدیدنظر کند تا در حمایت از دوستانش نقش نیرومندتری را ایفا نماید.

۳- آقای اقبال بوت، سرپرست وزارت اطلاعات که همراه ضیاء به کوبا رفته بود نیز در یک گفتگوی خصوصی با سفیر همان مطالب را مطرح نمود. بوت می‌گوید این کنفرانس برای روسها حدود ۱۰۰ میلیون دلار خرج برداشته و سرمایه‌گذاری خوبی بوده است، چون جنبش به طرف آنها متمایل شده است. با این وصف بوت برای نقش پاکستان و دیگر میان‌روها در مقابله با افراط‌گرایی بلوک کمونیسم قدری اعتبار قائل است، لیکن با نظریه سفیر مبنی بر اینکه کوباییها و روسها با اتخاذ یک موضوع افراطی غیر قابل تحقق به هدفی که می‌خواسته‌اند دست یافته‌اند نیز، مخالف نیست. سفیر گفت، تا حدودی امکان جدا کردن جنبش از تمایلات روسی آن به وجود آمد، لیکن این عمل به هیچ وجه نتوانست موجبات نارضایتی کوباییها را فراهم آورده و این حرکات قوی نبود که بتواند جنبش را واقعاً غیر متعهد بنمایاند.

۴- اظهار نظر: ضیاء و بوت البته چیزهایی را که می‌خواهیم بشنویم به ما می‌گویند. در همان حال هردوشان با ما رفتاری صمیمانه دارند و به نظر ما ضیاء ناراحت است از اینکه بالاخره پس از این همه تلاش و کوشش، در چنین سازمانی پذیرفته شده است. مشاور وزارت خارجه آقاشاهی گذشته از وابستگی به آمریکا، از دیرباز مایل به پیوستن به این جنبش و سازمانهای چندجانبه بوده است. ما امیدواریم که ضیاء و مقامات عالی‌رتبه‌اش با تجربه‌ای که از عدم توافقات و تفرقه‌های موجود در جنبش داشته‌اند، بیش از آقاشاهی در سیاستهای دولت پاکستان واقعگرایی به خرج دهند.

سند شماره (۷۰)

تاریخ: ۷ مهرماه ۱۳۵۸ - ۲۹ سپتامبر ۷۹
 سرکنسولگری آمریکا خیلی محرمانه
 کراچی، پاکستان صورت مذاکرات مکان: دفتر اقبال در کوئته
 شرکت‌کنندگان: فیض اقبال، سردبیر بلوچستان تایمز. جان اس. بریمز، مقام سیاسی / اقتصادی، کراچی
 موضوع: بو قلمون صفت؛ پس از سقوط تره‌کی، بلوچها نفسی به راحتی می‌کشند. تغییر در ایران توافق مری (MARRI) با حکومت نظامی پاکستان؟، بیگم بو تو در بورخه (لباس سنتی زنان پاکستان - م) تلاش برای جلب وفاداری هیئتهای محلی منتخب، ارجحیتهای ضیاء؛ بوروکراتها - نقاط ضعف ضیاء
 نسخه‌های ارسالی برای: اسلام‌آباد (۲)، لاهور، پيشاور، کابل، تهران.

بو قلمون صفت

فیض اقبال طوری رفتار می‌کند که گویا همه را می‌شناسد و به طرز صمیمانه لیکن توطئه‌گرانه‌ای نظریات خود را در تطابق با نظریات افراد مورد اعتمادش بیان می‌کند و مهم نیست که این افراد چه کسانی باشند، به هر حال او نظریات آنها را در برابر نظریات تمام دیگر افرادی که می‌شناسد، مطرح می‌کند. اگر او در برابر افرادی که با آنها اختلاف نظر و سلیقه دارد قرار گیرد، آن چنان در برابر آنها تعظیم می‌کند که گویی

فاقد ستون فقرات است. خلاصه اینکه او فردی چاپلوس، به طرز نامطلوب و غریبی چرب زبان است. با این وصف فردی دوست داشتنی است و با وجود اینکه بعضی از حرفهایش خیالی به نظر می‌رسد، ولی منبع اطلاعاتی خوبی است.

بلوچها پس از سقوط ترکی نفس راحتی می‌کشند، تغییر در ایران.

فیض گفت پس از سقوط نورمحمد تره‌کی در افغانستان و به این علت که کودتا پایگاه انقلاب خلق را متزلزل کرده است، اوضاع کنونی کوئته بسیار آرام شده است. فیض به عنوان منبع اطلاعاتی خود از قول یکی از سرهنگهای ارتش افغان گفت که سقوط تره‌کی سبب به وجود آمدن تفرقه در ارتش شده است. فیض به زور تأیید آنچه که دیگران به من گفته بودند اظهار داشت که پس از رویدادهای ۲۳ شهریور ماه در کابل طرز فکر و طرز برخورد بلوچهای کمونیست نیز تغییر کرده است. به طور مثال، وی گفت که رئیس حزب ملی پاکستان یعنی غوث بکس بیزنجو، دیگر کورکورانه به توجیه اقدامات جمهوری دموکراتیک افغانستان نمی‌پردازد. گویا تمام امیدهای بیزنجو در مورد آینده در دریایی نامتلاطم محو و نابود شده‌اند. فیض گفت بلوچها از به ضعف کشیده شدن افغانستان بسیار خوشحال هستند. حامیان پتان نیز بنا به گزارشات رسیده از اقدامات امین که نوعی بی‌احترامی غیرقابل بخشش در برابر یک رهبر بزرگ است، بسیار عصبانی شده‌اند.

رویدادهای بلوچستان ایران نیز بد نبوده است. می‌گویند بلوچها از طریق جبهه دموکراتیک بلوچها با آیت‌الله خمینی قراردادی بسته‌اند، تا استان بلوچستان ایران از مقداری خودمختاری بهره‌مند باشد. فیض گفت در شش ماهه گذشته در بلوچستان حتی یک رویداد به وقوع نپیوسته است. تمام عوامل ساواک از این استان خارج شده‌اند. بلوچها موقعیتهای مهمی را اشغال کرده‌اند. همه این اقدامات سبب آرام شدن مرز بلوچی ایران و پاکستان و آرامتر شدن رهبریت بلوچها شده است.

عدم موفقیت شوروی در ایجاد ناآرامی در بلوچستان ایران و در واقع حمله ضربتی علیه بلوچهای متمایل به کمونیسم سبب شده است که بسیاری به این سوی مرز پاکستان بگریزند. یکی از افراد تازه از راه رسیده شاعر بلوچ جمعه‌خان است که حامی نهضت بلوچستان آزاد می‌باشد.

در همین حال، مهاجرت و فرار عظیم پناهندگان افغانی ادامه دارد. از تاریخ ۲۴ شهریور تنها ۲۵/۰۰۰ نفر با استفاده از جیب، واگنهای تراکتور و یا پیاده وارد بلوچستان شده‌اند. بسیاری از آنها از ترس امین، و بسیاری دیگر به خاطر فرا رسیدن زمستان یا به فرار گذاشته‌اند.

توافق مری و حکومت نظامی پاکستان؟

فیض گفت که رئیس جمهور ضیاء اعتبار و شهرت خود را از دست داده و علت آن نیز اصلاح مکرر قوانین و مقررات انتخاباتی و بدبینی آشکار وی در رابطه با سیاست است.

فیض در تاریخ ۴ مهرماه به منظور صرف قهوه بعد از شام با ضیاء ملاقات کرده بود. ضیاء از فیض خواسته بود که در مورد اوضاع بلوچستان و به خصوص طرز تفکر و برخورد بیزنجو و خیر بکس مری ارزیابیهای خود را به وی ارائه دهد.

فیض به من گفت که به نظر وی ضیاء با مری به توافق رسیده است. وی مدعی است که نزدیکترین

دوست ضیاء، یعنی رحیم الدین استاندار بلوچستان در رابطه با مری نقش سرکوبگرانه‌ای دارد و قبل از استقلال نیز هردوی آنها با تجزیه و جدایی بلوچستان مخالفت می‌ورزیدند. فیض خاطر نشان ساخت که مری حدود یک هفته قبل پس از دریافت اجازه خروج از پاکستان از طرف حکومت نظامی به لندن رفته است، و نماینده او یاشر محمد مری («ژنرال شروف») که اصطلاحاً به چه گواری پاکستان معروف است) نیز منتظر کسب اجازه خروج از کشور می‌باشد. خروج آنها از کشور مصادف با برگزار شدن انتخابات خواهد بود. ظاهر امر این است که مری‌ها با حکومت نظامی پاکستان معامله کرده‌اند. فیض گفت که در حال حاضر قبیلۀ مری در وضع خوبی به سر می‌برد. فیض گفت که یکی دیگر از نشانه‌های این فرضیه این است که بین خیر بکس مری و از طرف دیگر بین بیزنجو و عطاءالله منگال عضو حزب ملی پاکستان جدایی افتاده است. فیض معتقد است که مری هیچ‌گاه به بیزنجو اعتقاد نداشته است، چون همیشه او را یک فرد عامی به حساب می‌آورده است.

بیگم بوتو در بورخه (لباس سنتی زنان پاکستانی - م)

فیض پرسید که آیا خبر دارم که بیگم بوتو جهت شرکت در کمیته اجرایی مرکزی حزب خلق پاکستان در اواخر اوت به طور ناشناس به کوئته آمده است؟ او با پوشیدن لباس بورخه و با هواپیما وارد آنجا شده بود. همان روز عصر وی با عدم موفقیت در ملاقات خود با خیر بکس مری از وی خواسته بود که در بلوچستان شورشی را به راه اندازد. (من این مطلب را به عنوان شایعه با استاندار اسبق اکبرخان بوگتی در میان گذاشتم، او اظهار داشت که شایعه بسیار مضحکی است. وی گفت دبیر کل حزب خلق پاکستان فرخ لاقاری با مری ملاقات کرده بود. بوگتی گفت مری یک هفته قبل به لندن نرفته است و در تأیید این مطلب گفت که در تاریخ ۹ مهر ماه شام را با مری صرف کرده بود.)

تلاش برای جلب وفاداری هیئت‌های محلی منتخب

فیض با اشاره به انتخابات محلی گفت که در این انتخابات تقلب شده است، ولی این کار توسط ارتش صورت نگرفته است.

وی گفت بوروکراتها و سردمداران صندوقهای رأی با احزاب سیاسی و یک یک کاندیداها دست به دست داده بودند تا نتیجه دلخواه را به دست آورند.

به عقیده فیض حزب خلق پاکستان تنها ۱۰ تا ۱۵ درصد کرسیهای بلوچستان را به خود اختصاص داده است، در حالی که تعداد کرسیهای انتخاباتی رپوده شده در سند به ۶۰ تا ۷۰ درصد و در پنجاب به ۴۵ درصد می‌رسد. علیرغم پیروزیهای چشمگیر حزب خلق پاکستان در اکثر نقاط، این حزب نخواهد توانست به افرادی که تحت حمایتش کرسیها را رپوده‌اند، متکی باشد. تمام افراد تحت‌الحمايه حزب خلق پاکستان جوان هستند. آنها تحت حمایت خانواده بوتو به قدرت رسیده‌اند، لیکن از طریق ضیاء آن را حفظ خواهند کرد.

ضیاء امیدوار است که با تفویض قدرت آنها را به خود مشغول دارد. ولی اگر انتخابات عمومی برگزار نشود طرح ضیاء بسیار مؤثر واقع خواهد شد، چون قدرت مجالس ملی و ایالتی از هیئت‌های محلی سرچشمه می‌گیرد.

ارجحیتهای ضیاء

فیض با استنباط از گفتگوهایشان اظهار داشت که ضیاء از طریق استقلال، اتحادیه مسلمان پاکستان و جماعت اسلامی طرفداری می‌کند. ضیاء به وی گفته است که برای اصغر خان احترام زیادی قائل است. علاوه بر این، ضیاء از پیر پاگارا و قیوم خان نیز به خوبی یاد کرده است. ضیاء به طور کاملاً محرمانه نظریات خود را با فیض در میان گذاشته است. رئیس جمهور با مبالغه گفته بود که وی راههای زیادی در پیش رو دارد که یکی از آنها این است که در صورت ضعف احزاب در حکومت، خواهد توانست انتخابات را ملغی اعلام کند.

بوروکراتها - نقاط ضعف ضیاء؟

فیض معتقد است که بوروکراسی ممکن است ضیاء را تنها بگذارد. وی قبلاً نیز به کمک بوروکراتها به حزب خلق پاکستان در برگزاری انتخابات محلی اشاره کرده بود. وی گفت که ضیاء با متحد شدن با بوروکراتها و تحریک آنها از طریق انتصاب نظامیان به شغلها و موقعیتهای غیرنظامی، خود را در معرض خطر قرار می‌دهد. فیض گفت به عنوان مثال حدود ۳۲ سرتیپ ارتشی به عنوان کمیسیونر در پاکستان عمل می‌کنند. از ۱۱ کمیسیونر موجود در بلوچستان شش نفر آنها سرتیپ هستند.

سند شماره (۷۱)

تاریخ: ۱۶ مهر ۱۳۵۸ - ۸ اکتبر ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
موضوع: انتخابات سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸)؛ قرارداد اتحاد ملی پاکستان و حکومت نظامی این کشور در مورد انتخابات؛ اتحاد ملی پاکستان در انتخابات شرکت خواهد کرد، تاریخ آن نیز به تعویق خواهد افتاد
۱- خلاصه: مفتی محمود، سرپرست اتحاد ملی پاکستان در تاریخ ۱۵ مهر به مقام سفارت گفت که وی با رئیس جمهور ضیاء الحق معامله‌ای کرده است که طی آن اتحاد ملی پاکستان نیز، مجاز به شرکت در انتخابات عمومی خواهد بود. خبر مطبوعاتی دولت در تاریخ ۱۵ مهر با تبلیغ پیرامون برنامه جدید ماقبل انتخابات، جزئیات این قرارداد را مورد تأیید قرار داده است. مفتی گفت: این توافق سبب می‌گردد که اتحاد ملی پاکستان بتواند از ثبت نام «غیردموکراتیک» تحمیلی ضیاء استفاده نماید. احزابی که توانسته‌اند نیازهای مالی لازم را تأمین کنند، تنها با پاسخگویی به یک پرسشنامه ساده می‌توانند به انتخابات راه یابند. مفتی خاطر نشان ساخت که این قراردادها سبب خواهد شد که تأخیر ناچیزی در انتخابات روی دهد و با وجود اینکه می‌توان آن را در اواخر دسامبر برگزار کرد، وی ترجیح می‌دهد که انتخابات در مارس ۱۹۸۰ برگزار شود. «این قرارداد» برای حزب ممنوعه خلق پاکستان، حزب دموکراتیک ملی، و حزب ملی پاکستان نفعی در بر ندارد. (پایان خلاصه)

۲- مقام سفارت در تاریخ ۱۵ مهر با رئیس اتحاد ملی پاکستان مولانا مفتی محمود چند ساعت قبل از انتشار گزارش مطبوعاتی در مورد قرارداد بین اتحاد ملی پاکستان و حکومت نظامی که سبب می‌گردد، اتحاد ملی پاکستان به ثبت نرسیده، بتواند در انتخابات ماه نوامبر شرکت نماید، ملاقات کرد.
۳- به گفته مفتی، اتحاد ملی پاکستان تصمیم گرفته است به پرسشنامه کمیسیون انتخاباتی پاسخ دهد.

این پرسشنامه که خود نوعی «ثبت نام» است اساس قرارداد یا توافق مفتی با رئیس جمهور را تشکیل می‌دهد. ضیاء که تلاش می‌کرد به طریقی مشارکت در انتخابات را گسترش دهد، در همان حال به حزب خلق پاکستان اجازه نداد که در آن شرکت جوید. پرسشنامه برای تمام احزابی که بیانیه مالیشان مورد تأیید دولت پاکستان قرار گرفته، ارسال خواهد شد (مرجع ح).

۴- مفتی گفت که بین توافق جدید و روش ثبت نام پیشین یک تفاوت ظریف وجود دارد، و آن نیز اختلاف بین «تقاضا برای دریافت اجازه مشارکت از دولت» و صرفاً تسلیم سوابق اساسی حزبی می‌باشد. وی گفت روش کسب «مجوز» غیردموکراتیک است، چون دولت هرگاه بخواهد، می‌تواند آن را لغو نماید. لیکن روش پرسشنامه‌ای هر حزبی را که دارای حداقل شرایط باشد، مجاز به مشارکت می‌داند. مفتی گفت ضیاء به وی اطمینان داده است که هر پرسشنامه‌ای که دارای بیانیه مالی باشد، مورد تصویب قرار خواهد گرفت. ولی وی نتوانست بگوید که آیا این روش برای احزاب غیر از اتحاد ملی پاکستان نیز تأثیر خواهد بخشید یا خیر. تنها ۱۶ حزب از ۵۶ حزبی که خواستار ثبت نام شده بودند مورد تصویب قرار گرفته‌اند.

۵- مفتی محمود گفت که ضیاء به وی قول داده است که دوران مبارزات انتخاباتی را به ۶۰ روز افزایش دهد (که قبلاً ۳۰ روز بوده است). مقام سفارت گفت این امر سبب خواهد شد که تاریخ انتخاباتی یعنی ۱۷ نوامبر به قوت خود باقی نباشد.

مفتی گفت: «گرچه ضیاء در تئوری خواهد توانست انتخابات را در ۱۷ نوامبر برگزار کند، لیکن احزاب چند روز دیگر نیز فرصت خواهند داشت که پرسشنامه‌ها را تکمیل نمایند، و بنابر این مقداری تأخیر پیش خواهد آمد.» مقام سفارت یادآور شد که مطبوعات اظهار داشتند که انتخابات در اواخر دسامبر ممکن است برگزار شود. مفتی گفت روند جدید و دوره ۶۰ روزه مبارزات انتخاباتی می‌تواند در پایان دوره عزاداری ماه محرم (سومین هفته یا غیره) پایان یابد. وی پس از آن گفت به علت هوای سرد برگزاری انتخابات در ماه دسامبر کار درستی نیست. وی با تعمق گفت به نظر وی مارس ۱۹۸۰ بهترین موقع برای برگزاری انتخابات می‌باشد. مفتی گفت در تاریخ ۸ یا ۱۹ اکتبر رئیس جمهور ضیاء تاریخ دقیق انتخابات را اعلام خواهد کرد.

۶- مقام سفارت سؤال کرد که آیا پیشنهاد مفتی مبنی بر اینکه کاندیداهای مستقل دارای اکثریت آراء نیز باید حق شرکت در انتخابات را داشته باشند، هنوز به قوت خود باقی است؟ وی گفت که ضیاء این بار به تعهدات پیشین خود عمل خواهد کرد. وی اضافه کرد که اعضای حزب خلق پاکستان (و یا هر حزب به ثبت نرسیده دیگر) در صورت تعلق داشتن به حزب دو ماه قبل از تصویب اصلاحیه از شرکت در انتخابات به طور مستقل ممنوع خواهند بود. (مرجع ط) لیکن وی گفت اگر آنها بخواهند حتی بعد از تصویب اصلاحیه با پیوستن به حزبی دیگر در انتخابات شرکت نمایند، مانعی برای آنها وجود ندارد. وی گفت به طور مثال اگر کاندیداهای حزب خلق پاکستان بخواهند به حزب مترقی خلق (کوثر نیازی) بپیوندند مانعی بر سر راه آنها وجود ندارد.

۷- مقام سفارت سؤال کرد که آیا قرارداد مفتی با ضیاء برای حزب خلق پاکستان، حزب دموکراتیک ملی و حزب ملی پاکستان «ممنوعه» حقوق و امتیازاتی به همراه دارد؟ وی گفت: «بگذار خودشان نزد ضیاء بروند، دلیلی ندارد که من به جای آنها مبارزه کنم.» وی تأیید کرد که جماعت اسلامی از اتحاد ملی پاکستان جدا شده و بین آنها آشتی صورت نخواهد گرفت.

۸- در تاریخ ۱۶ مهر روزنامه‌های بامداد به نقل از خبر مطبوعاتی حکومت نظامی، مطالب مربوط به توافق مفتی - ضیاء را که دیروز به ما گفته شده بود گزارش کرده‌اند. متن پرسشنامه منتشر شده و شامل سؤالات ساده‌ای چون نام، تاریخ تشکیل حزب و فهرست مقامات حزبی و غیره می‌باشد. خبر مطبوعاتی حکومت نظامی ۱۵ مهر نیز اعلام داشته است که انتخابات احتمالاً به تأخیر خواهد افتاد، لیکن «در سال ۱۳۵۸» برگزار خواهد شد.

۹- اظهار نظر: ظاهراً ضیاء توانسته است به هدف خود یعنی مشمول نمودن اتحاد ملی پاکستان در انتخابات برسد. انجام این کار نیز به قیمت تأخیر در انتخابات تمام شده است و این تأخیر با انتقاد روبرو خواهد شد، ولی اقدامات خشونت‌باری به همراه نخواهد داشت. رهبران حزب دموکراتیک ملی پاکستان و حزب خلق پاکستان این قرارداد را که تنها به نفع اتحاد ملی پاکستان است، مورد انتقاد قرار داده‌اند. برنامه تجدیدنظر شده به احزاب «اخراجی» وقت بیشتری می‌دهد، تا استراتژیهای خود را یا برای شرکت (مثلاً به طور مستقل) و یا بر هم زدن روند انتخابات پیش‌بینی کنند. ضیاء و حکومت نظامی نیز در این میان قدری از اعتبار خود را از دست داده‌اند، ولی تا به حال گویا مصمم هستند تا در صورت امکان، از طولانی شدن تأخیر در به راه انداختن انتخابات خودداری ورزند. (پایان اظهار نظر)

سند شماره (۷۲)

تاریخ: ۱۷ مهر ۱۳۵۸ - ۹ اکتبر ۷۹

از: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: مشورت‌های پاکستان - آمریکا در واشنگتن

۱- تمام متن خیلی محرمانه است. در مورد این پیام اقدام مقتضی به عمل آید.
 ۲- بشیرخان بابر، مدیر کل (بخش آمریکا) وزارت امور خارجه به ما گفته است که سرپرستی هیئت نمایندگی پاکستان در تاریخ ۱۶-۱۵ اکتبر در آمریکا به عهده مشاور وزارت خارجه آقاشاهی خواهد بود شامل سبهد محمد جیلانی دبیر کل دفاع، آقای اس. شهنواز وزیر خارجه، آقای طریق مصطفی یکی از سرپرستان وزارت دفاع (تولیدات دفاعی) و دو سه تن دیگر از وزارت خارجه خواهد بود. بشیر که قرار است به عنوان سفیر به کانادا برود در این مذاکرات شرکت نخواهد کرد. لیکن نجم‌الدین شیخ که سرپرست کل بخش آسیای جنوبی است و قرار است به عنوان سفیر پاکستان در واشنگتن جای حیات مهدی را بگیرد، در همان جا از هیئت نمایندگی جدا خواهد شد.

۳- بشیر از مشاور سیاسی در ۱۹ مرداد سؤال کرد که آیا وزارت خارجه میل ندارد در مورد این مذاکرات خبر مطبوعاتی ارسال دارد؟ وی علاوه بر این سؤال کرد که آیا در آمریکا مردم نیز از این مذاکرات خبر دارند یا خیر؟ وی گفت وزارت خارجه یک خبر مطبوعاتی اضطراری در آن زمینه تهیه کرده است. لیکن متن آن هنوز مورد تأیید نهایی قرار نگرفته و هنوز تصمیمی گرفته نشده است که آیا باید در این باره خبری در مطبوعات درج گردد یا خیر. وی گفت قبلاً همه میل داشتند که این موضوع پنهان بماند. مشاور سیاسی گفت آقا شاهی علناً گفته است که با ونس ملاقات خواهد کرد و تا آنجا که می‌داند پیرامون این موضوع نه سؤالی مطرح شده و نه خبری در مطبوعات منتشر شده است. مشاور سیاسی از بشیر خواست که به محض تصویب خبر مطبوعاتی یک نسخه از آن را در اختیار وی بگذارد.

۴- اظهار نظر: البته تا مدتها می دانستیم که پاکستان قصد دارد جیلانی را نیز در این هیئت قرار دهد، چون اهمیت جیلانی در وزارت دفاع مانند اهمیت آقاشاهی در وزارت خارجه است، یعنی وی یکی از وزرای بی قید و شرط این وزارتخانه است. کار شهناز چندان روشن نبوده است، چون قرار بود به عنوان یک سفیر برجسته منصوب گردد. همه فکر می کردند که او به جای سفیر آخوند به پاریس خواهد رفت، لیکن سفیر فرانسه هفته قبل به سفیر هومل گفت که امکان این امر بعید به نظر می رسد.

۵- اضافه شدن طریق مصطفی به این هیئت چیز تازه ای است. در پنتاگون و محافل دیگر مصطفی را فردی می شناسند که از همه افراد دیگر در زمینه نیاز تسلیحاتی پاکستان مطلع تر است. حداقل با در نظر گرفتن حضور وی در این هیئت، برداشت ما این است که، آنها سعی دارند طرفهای آمریکایی خود را با نیازهای تسلیحاتی دیرین پاکستان آشنا سازند. (پایان اظهار نظر)

۶- اقدام مقتضی: آیا وزارتخانه می خواهد یک خبر مطبوعاتی در مورد مشاورتهای پاکستان- آمریکا منتشر سازد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا وزارتخانه متن آن را با متن پاکستانیها هماهنگ خواهد کرد؟

سند شماره (۷۳)

تاریخ: ۱۸ مهر ۱۳۵۸- ۱۰ اکتبر ۷۹
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
به: سفارت آمریکا در اسلام آباد- فوری
موضوع: مشورتهای پاکستانیها و آمریکاییها در واشنگتن

- ۱- تمام متن خیلی محرمانه است.
- ۲- در نظر نداریم در مورد مشورتهای آمریکا پاکستان در مطبوعات مطلبی منتشر کنیم. گفتگوها در مورد مطالب عمومی است و احتمالاً در هفته آتی راهنمای مطبوعاتی را تهیه خواهیم کرد. ما راهنمای مطبوعاتی خود را در مورد سفارت پاکستان در واشنگتن هماهنگ کرده و از طریق تلگرام فوری شما و دیگر نمایندگان را در جریان امر قرار خواهیم داد.

سند شماره (۷۴)

تاریخ: ۲۲ مهر ۱۳۵۸- ۱۴ اکتبر ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. - فوری
موضوع: انتخابات سال ۱۳۵۸: برهم خوردن توافق حکومت نظامی و اتحاد ملی پاکستان

- ۱- (طبقه بندی نشده) خلاصه: توافق بین سرپرست اتحاد ملی پاکستان مفتی محمود و رئیس جمهور ضیاء الحق که هفته گذشته، ظاهراً سبب ورود اتحاد ملی پاکستان به روند انتخابات احتمالی و برگزاری آن شده بود، در پایان هفته برهم خورد. تاریخ ثبت نام ۱۳ اکتبر برای کاندیداهای جدید بدون ورود کاندیداهای عناصر اتحاد ملی پاکستان و بدون هیچ گونه حرکتی از طرف حکومت نظامی در تأیید برگزاری انتخابات در ۱۷ نوامبر و یا تاریخی دیگر، سپری شد.

۲- (خیلی محرمانه) به دنبال آن بین حکومت ضیاء و حزب پریهاهو و ضعیف، از نظر سیاسی، اتحاد ملی پاکستان فاصله افتاد و دولت و احزاب قدری از اعتبار و شهرت خود را از دست دادند و امکان دارد که

انتخابات فراتر از پایان سال جاری به تعویق افتد. حکومت نظامی و اتحاد ملی پاکستان هر کدام سعی دارند دیگری را مسئول وقایع جاری بدانند و ضیاء نیز با ژنرالهای خود در تدارک یک سخنرانی برای اواسط هفته است و نحوه برخورد ضعیف وی در ارتباط با وقایع ممکن است سبب تضعیف موقعیتش به عنوان رئیس ستاد ارتش و حکومت نظامی شده باشد. (پایان خلاصه)

۳- (طبقه بندی نشده) تمدید مدت ارائه مدارک کاندیداهای جدید برای عضویت احزاب جدیداً تأیید شده، جهت شرکت در روند انتخابات در ۱۳ اکتبر بدون پیوستن نامزدهای جدید عضو اتحاد ملی پاکستان سپری شد. در این تاریخ حکومت نظامی نیز بیانیه ای مبنی بر تعیین تاریخ انتخابات ایراد نمود. مفتی محمود سرپرست اتحاد ملی پاکستان به مطبوعات اظهار داشت که وی به همپیمانان خود دستور داده است که از تسلیم مدارک نامزدی خود امتناع ورزند، چون حکومت نظامی از تأیید تاریخ ۱۷ نوامبر یا تاریخی دیگر جهت برگزاری انتخابات خودداری کرده است.

۴- (خیلی محرمانه) بنابراین توافق بین اتحاد ملی پاکستان و... ژنرال ضیاء در هفته گذشته که متضمن شرکت اتحاد ملی پاکستان در انتخابات شده بود به ثمر نرسید و احتمال برخورد دیگری بین حکومت نظامی و احزاب سیاسی پیش آمد و احتمال برگزاری انتخابات نیز بعید به نظر می رسد.

۵- (خیلی محرمانه) در همین حال، گزارش شده است که رئیس جمهور ضیاء و فرماندهان لشکرها و استانداران در آخر هفته به ارزیابی اوضاع سیاسی و نظم و قانون پرداختند. این فرمول بندی که به کرات استفاده شده، نشانگر آن است که دولت سعی دارد به دنبال تصمیمهای غیر مردمی تأثیرات آنها را بر نظم و قانون ارزیابی کند. در گزارش مطبوعاتی این گردهمایی درباره انتخابات چیزی گفته نشده، لیکن احتمالاً ضیاء در اواسط هفته - یا هفدهم ماه جاری - برنامه های خود را قرار است اعلام کند. روزنامه دولتی پاکستان تایمز که گویا می خواست نشان دهد که وی در چه زمانی سازش خواهد کرد، امروز صبح در یک سرمقاله عمیق و طولانی تحت عنوان «راه حل چیست؟» اظهار داشت که برگزاری انتخابات چندان نیز مورد پسند نیست.

۶- (طبقه بندی نشده) این سرمقاله خاطر نشان می سازد که انتقال قدرت به یک حکومت غیر نظامی، در زمانی که تعداد احزاب شرکت کننده بسیار محدود است و نظریات عمومی نیز در آن به طرز محدودتری منعکس می گردد، تنها می تواند موجب بروز اغتشاش بشود. که پیامد آن شبیه همان وضعی است که دو سال قبل علت به قدرت رسیدن حکومت نظامی گردید.

احزاب قدرتمند نخواهند توانست اوضاع را کنترل نمایند و ارتش نیز از انجام وظایف خود و حفظ نظم خودداری نخواهد کرد. این سرمقاله در ادامه اظهار می دارد. «بنابراین موقع آن رسیده که با واقعیات صریحاً روبرو شده و اعتراف نماییم که روند سیاسی هنوز آنقدر پخته نیست که بتواند به صورت یک شکل مثبت درآید.» در ادامه پیشنهاد می کند که تنها راه «خروج از این آشفتگی در پیش گرفتن آغازی جدید و متفاوت است تا نظام سیاسی متناسب با نبوغ ملی پدید آید.» گذشته از این پیشنهاد که این نظام باید با اسلام هماهنگی داشته باشد، در مورد جزئیات این نظام سخنی به میان نیامده است.

۷- (خیلی محرمانه) اظهار نظر: انتخابات به موقع سال جاری - ظاهراً قربانی اصلی تضادهای سیاسی در هفته گذشته بوده است. قربانیهای دیگر عبارتند از: شهرت و اعتبار رئیس جمهور، نظام حزبی و روند انتخاباتی که از زمان اعلام تاریخ آن توسط ضیاء در مارس گذشته، ملت بدان چشم دوخته بود.

۸- (خیلی محرمانه) ضیاء در حالتی قرار گرفته که گویا می‌خواهد تصمیم حیاتی خود را بگیرد و احتمالاً همان گونه که قبلاً گفته بود، حکومت نظامی خود را برای مدتی نامعلوم تمدید نماید، تا رهبریت نظامی بار دیگر سعی نماید راهی بیابد و یک حکومت معتبر و مسئول غیر نظامی را به وجود آورد.

سند شماره (۷۵)

تاریخ: ۲۵ مهر ۱۳۵۸- ۱۷ اکتبر ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. - فوری
موضوع: (خیلی محرمانه) حکومت نظامی مقررات منع عبور و مرور شدیدتری را در پیش می‌گیرد
۱- (خیلی محرمانه) تمام متن، تنها پاراگراف ۱۰ دارای طبقه‌بندی غیر قابل رؤیت برای بیگانگان می‌باشد.

۲- خلاصه: در طول هیجده ساعتی که از اعلام تصمیم رئیس جمهور ضیاء مبنی بر به تعویق افتادن انتخابات ۱۷ نوامبر برای مدت نامعلوم و تشدید کاربرد مقررات منع عبور و مرور گذشته، اقدامات دولت وی بسیار سریع و دراماتیک بوده است. بسیاری از رهبران سیاسی در منازل در توقیف به سر می‌برند و حداقل دو روزنامه تعطیل گردیده عکس‌العمل عمومی تا به حال آرام بوده است.

۳- سخنرانی ضیاء و اجرای سریع تغییرات اعلام شده، ظاهراً مدت حکومت نظامی ضیاء را نامحدود کرده است. در مرحله بعدی اقدامات شدیدتری اتخاذ خواهد شد. (پایان خلاصه)

۴- حکومت نظامی رئیس جمهور ضیاء‌الحق سریعاً به اجرای اقدامات اعلام شده در سخنرانی ۱۶ اکتبر رئیس جمهور مبادرت ورزید. عکس‌العمل عمومی آرام و توأم با شگفتی در قبال ماهیت همه‌گیر اقدامات حکومت نظامی بوده است.

۵- توقیف سیاستمداران: درست پس از سخنرانی ضیاء ظاهراً عملیات گردآوری رهبران سیاسی از تمام طیفهای سیاسی آغاز شده و بسیاری از آنها برای مدتی حدود سه ماه در محل سکونت خود در توقیف به سر خواهند برد. اصغر خان سرپرست حزب طریق استقلال حدود نیمه شب در لاهور دستگیر و به محل سکونت خود در ABBOTTABAD منتقل گردید. بیگم نصرت بوتو و دخترش بی‌نظیر و رهبران دیگر حزب خلق پاکستان در کراچی و لاهور در منازل خود در توقیف به سر می‌برند. با دیگران نیز رفتار مشابهی شده است: میان طفیل امیر جماعت اسلامی، نوابزاده نصرالله خان، معاونت اتحاد ملی پاکستان، مولانا مفتی محمود رهبر اتحاد ملی پاکستان، و حنیف رامی از حزب موسوی. هنوز معلوم نشده است که برای سیاستمداران مهم دیگر از قبیل پیر پاگارا رهبر مسلم لیگ پاکستان، میرغوث بیزنجو رهبر حزب ملی پاکستان و رهبران حزب ناسیونال دموکراتیک چه رخ داده است.

۶- تعطیل روزنامه‌ها: با ترس از خطر سانسور، روزنامه‌های غیروابسته مانند «روزنامه مسلمان» اسلام‌آباد در تاریخ ۱۷ اکتبر سرمقاله «ملایمی» را منتشر نمود. در یک حرکت ناگهانی دیگر، حکومت نظامی اقدام به تعطیل دو روزنامه دیگر حزب خلق پاکستان با نامهای «مساوات» و «صداقت» در لاهور و کراچی نمود. دیگر روزنامه‌های مخالف با حکومت نظامی در تاریخ ۱۷ اکتبر منتشر شدند، لیکن قرار است روزنامه‌های بیشتری تعطیل گردد.

۷- تعطیل دفاتر احزاب سیاسی: بنا به گزارشهای رسیده، در شبهای ۱۶ و ۱۷ اکتبر حکومت نظامی

اقدام به تعطیل دفاتر احزاب سیاسی و مصادره نمودن اموال حزبی در سرتاسر کشور نمود.

۸- تشنجات ماقبل سخنرانی: ساعاتی قبل از ایراد سخنرانی توسط ضیاء، مقام سفارت با ژنرال و (وزیر فدرال) فیض علی چیشتی و سرپرست مسلم لیگ پاکستان پیر پاگارا گفتگو کرد. ژنرال چیشتی به سرپرست وابسته نظامی آمریکا که در حال عزیمت از آن کشور بود گفت که ضیاء قانون اساسی را به حالت تعلیق درخواهد آورد، که ظاهراً اشاره‌ای بود به تشکیل دادگاههای نظامی با تفوق در امور قضائی، دیگر نکات مطروحه نیز در تلگرام مرجع (الف) و سخنرانی ضیاء آمده است. چیشتی گفت او در تهیه پیش نویس سخنرانی ضیاء کمک کرده بود، و گفت که حکومت نظامی «انعطاف بسیاری» از خود نشان داده و این اقدامات می‌بایستی مدتها قبل صورت می‌گرفت. چیشتی گفت که در تاریخ ۱۷ اکتبر با ضیاء در مورد تغییرات انجام شده در حکومت نظامی ملاقاتی خواهد داشت.

۹- در ملاقات صبح روز قبل (۱۶ اکتبر) پیر پاگارا به مقام سفارت گفت که او نیز مانند دیگران منتظر لغو انتخابات به دستور ضیاء بوده است. وی گفت به نظر او ضیاء بالاخره تصمیم به تشکیل یک «حکومت ملی» خواهد گرفت، تا بر کشور تا زمان رسیدن موقع مناسب برای برگزاری انتخابات (اواخر سال ۱۹۸۱ یا ۱۹۸۲) حکومت کند. وی گفت اعضای این حکومت ملی احتمالاً عناصر مرکزی طیف سیاسی چون خودش به صورت یک حزب خواهند بود. پاگارا پیش‌بینی کرد که ضیاء در تاریخ ۱۶ اکتبر برنامه تشکیل حکومت ملی را اعلام نخواهد کرد، چون به گفته وی، ضیاء جرئت ندارد تمام برنامه‌های خود را به یکباره اعلام نماید.

۱۰- اظهار نظر: تحلیل تأثیرات حرکات دراماتیک ضیاء در تلگرام سپتامبر خواهد آمد. در حال حاضر هدف تقویت حکومت نظامی و ایجاد یک نظم تحمیلی به دنبال آشفتگی و عدم اطمینان چند هفته و چند ماه اخیر است. پیش‌بینی پیر پاگارا در مورد تشکیل احتمالی حکومت ملی توسط ضیاء در گزارشهای سازمان سیا (و دیگران) منعکس شده است، که نشانگر احتمال عقب‌نشینی سمبلیک حکومت نظامی در موضع قدرت و یا خروج افرادی چون ضیاء از ارتش برای اداره حکومت جدید خواهد بود.

۱۱- واضح است که مرحله اول حکومت نظامی دوران مابعد از بوتو که یک رژیم واسطه یا میان‌دوره‌ای بود، علیرغم ۲۸ ماه حکومتش به پایان رسیده است. سپیده دم مرحله دوم نیز با آغاز کار جمعیت ۷۵ میلیونی پاکستان به طرز عادی در صبح روز ۱۷ اکتبر شروع شده است. هنوز گزارشی حاکی از وجود اغتشاشات نرسیده است، لیکن هنوز معلوم نیست که اگر کسی بخواهد به این اقدامات غیر قانونی بپردازد آیا با دولت نظامی مصمم‌تر و خشن‌تر از گذشته درگیر خواهد شد. گذشته از انتخابات واقعی، مرحله دوم از استبداد بیشتری برخوردار خواهد بود، و آنها که کنترل امور را به دست دارند می‌خواهند آنقدر بر اریکه قدرت باقی بمانند تا بتوانند بر صحنه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این کشور فقیر و ناامن تغییراتی را تحمیل نمایند.

سند شماره (۷۶)

تاریخ: ۲۵ مهر ۱۳۵۸ - ۱۷ اکتبر ۷۹
از: کنسول آمریکا در کراچی
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
موضوع: نظم و قانون در بلوچستان، تخفیف جزئی در تشنجات بر سر مسئله افغانستان
۱- (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲- خلاصه: نگرانی در بلوچستان بر سر اختلاف مرزی به دنبال سرنگون شدن نورمحمد تره کی به طور کلی تخفیف یافته است. گفته می شود، باصطلاح ترقیخواهان از پشتیبانی آشکارا از کابل دست برداشته اند معذالک همه معتقد نیستند که در دسرهای شوروی در افغانستان دستهای اتحاد جماهیر شوروی را خواهد بست.

۳- نتیجه گیریهای دیگری که از دیدار اخیر در بلوچستان به دست آمده عبارتند از: (۱) انتخابات محلی این ایالت را به دو قسمت تقسیم کرده که یک قسمت حزب خلق پاکستان است که علم عصیانگری برافراشته و قسمت دیگر سردارها که هنوز قدرت را در دست دارند. هرچند که سردارها به عنوان یک نهاد ممکن است ضربه کاری خورده باشند. (۲) ضیاءالحق رئیس حکومت نظامی ظاهراً مردم بلوچستان را از لحاظ روانی جهت به تعویق انداختن یا لغو انتخابات آماده کرده است. ولی این مردم درباره اینکه عدم اجرای انتخابات منجر به رویارویی با حکومت نظامی پاکستان خواهد شد موافق نیستند (۳) علیرغم کاهش ظاهری تشنجات بر سر افغانستان موضعگیری مردم نسبت به ایالات متحده همچنان توأم با عصبانیت است.

۴- ما درباره دیدار از اردوگاههایی که آوارگان و چریکهای افغانستان در آن اسکان داده شده اند جداگانه گزارش خواهیم داد. (پایان خلاصه)

جو توأم با آرامش

۵- سه ماه قبل خطر افغانستان تحت سلطه شوروی باعث بروز تشنج در بلوچستان شد (تلگرام مرجع). ما اکنون دریافته ایم که این نگرانی تخفیف یافته و این امر منعکس کننده ناکامیهای است که شوروی و همپیمانان خلقیشان در این دوران متحمل شده اند. این یکی از نتیجه گیریهای است که ما پس از مذاکره با طبقات مختلف مردم در کوئته و پشین و چمن در روزهای ۲۹ سپتامبر تا ۳ اکتبر به دست آورده ایم.

۶- در حالی که اوضاع قبل از کودتا در افغانستان تفرقه بین دو گروه مهم در جمعیت این ایالت یعنی بلوچها و پتانها و همچنین بین چپگرایان و راستگرایان را تشدید کرده بود، ولی چنین به نظر می رسد که اکنون این مسئله تفرقه انگیز تخفیف بسیاری یافته است.

۷- پتانها به ما گفتند که از قتل تره کی سخت خشمگین شده اند. (آنها مرگ تره کی را پذیرفته اند). یک نفر از افراد پتان توضیح داد که در حالی که پتانها اغلب بدون مجازات شدن اعضای خانواده های خود را به مرگ می رسانند، به ندرت اتفاق می افتد که آنها قتل یک رهبر مورد احترام را نادیده بگیرند. از سویی دیگر بلوچها به طور ساده ظاهراً عوامل جدید را در نتیجه سرنگون شدن تره کی به حساب آورده، نتیجه گرفته اند که سیر سیاست آینده افغانستان به امواج دریاها نامتلاطم سپرده شده است. رهبر حزب ملی

دموکراتیک در بلوچستان حتی دربارهٔ متلاشی شدن افغانستان نیز پیش‌بینی می‌کرد.

۸- ما همچنین از چندین منبع دریافتیم که به اصطلاح ترقیخواهان شامل غوث بخش بیزنجو، رهبر حزب ملی پاکستان از پشتیبانی علنی خود از کابل صرف نظر کرده است. (اینها مطالبی است که یکی از نزدیکان بیزنجو اخیراً به ما گفته و سفارت نیز طوری وانمود کرد که این مطالب را باور کرده است).

احتیاط مداوم

۹- معذالک همهٔ آنهایی که ما با ایشان صحبت کرده‌ایم معتقد نیستند که ددرسه‌های شوروی در افغانستان دست و پای اتحاد جماهیر شوروی را خواهد بست. سرهنگ عبدالرئوف خان، وزیر کشور گفت که اگر آسودگی‌هایی از تشنج دربارهٔ افغانستان پدید آید تنها در نتیجهٔ مرور زمان خواهد بود. مردم به این واقعیت که شوروی آن طرف مرز قرار گرفته عادت کرده‌اند و معتقدند که باید با وجود این واقعیت به زندگی خود ادامه دهند. او و سایرین معتقدند که شوروی گذشته از موفقیت یا شکست خود در جاهای دیگر به فعالیت خود در بلوچستان ادامه خواهد داد، و او شخصاً حفیظ‌الله امین را خطرناکتر از تره‌کی به حساب می‌آورد. وزیر کشور گفت در حالی که بلوچستان در آرامش به سر می‌برد برای بعضی از عناصر در این ایالت «پول نامرئی» می‌رسد. معذالک او معتقد است که این مشکل قابل حل است. داودجان خان کلات، گزارش ویژه‌ای از قاچاق اسلحه به ما داد. او گفت که گروهی از اعضای چپ‌گرای قبیلهٔ مری و عده‌ای بیگانه که ظاهراً باید از اروپای شرقی باشند از طریق سراوان و جهالاوان و کلات در تابستان امسال گذشته‌اند، و کلاشینکف و سایر سلاحها و مواد منفجرهٔ پلاستیکی و پول و آذوقه توزیع کرده‌اند. گویا این مسافران پیش‌بینی می‌کردند که در آیندهٔ نزدیک بین افغانستان و پاکستان جنگ شروع خواهد شد. به آنهایی که اسلحه می‌دادند توصیه می‌کردند تا زمان آغاز عملیات خصمانه این سلاحها را پنهان کنند و آن گاه این سلاحها را علیه خطوط تدارکاتی پاکستان به کار ببرند.

حزب خلق پاکستان شکافی در بلوچستان ایجاد می‌کند

۱۱- نتیجه‌گیری دیگر از مذاکرات ما در بلوچستان این است که انتخابات هیئتهای محلی که در ۲۷ سپتامبر در این ایالت انجام گرفت، این ایالات را به دو قسمت بین حزب عصیانگر خلق پاکستان و سردارهایی که هنوز قدرت را در دست دارند تقسیم کرد. هرچند بعضی از ناظران مدعی هستند که سردارها به عنوان یک نهاد عملاً ضربهٔ کاری خورده‌اند.

۱۲- به طور کلی پذیرفته شد که حزب خلق پاکستان کاری را که در دوران زندگی ذوالفقار علی بوتو نتوانست انجام دهد، انجام داد و در بلوچستان به نحو قابل احترامی اظهار وجود کرد. حتی مخالفان حزب خلق پاکستان گفتند که اعضای آن حدود ۱۵ عدد از کرسیها را به دست آورده‌اند (خود حزب خلق پاکستان مدعی بود که حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد کرسیها را به دست آورده است که قابل تردید است). موفقیت‌های این حزب که بیش از همه دربارهٔ آن صحبت شده در حوزه‌هایی بوده که قبلاً در قلمرو رهبران حزب ملی پاکستان بوده است و حزب خلق پاکستان اکثریت کرسیها را در مکران (زادگاه بیزنجو) و لسبلا (حوزه عطاءالله منگال) به دست آورده است.

۱۳- نیروی سردارها در سرزمینهای متعلق به قبیله‌های مری و بوگتی ظاهر شده است و در آنجا به

مردم به طور کلی اجازه نداده‌اند که اخذ آراء صورت بگیرد. در مناطق قبیله‌ای که در آنجا اخذ آراء صورت گرفت گروهی از سردارهای مهم (از قبیل داودخان سرک‌زایی و بنی‌بوکس زهری و شیخ عمر، و تاج محمد جمالی و نواب‌زاده شیر علی خان) که از حکومت نظامی پشتیبانی می‌کنند، شرکت فعالانه داشته‌اند و کاندیداهای آنها تعداد قابل ملاحظه‌ای از کرسیها را نصیب خود نمودند.

۱۴- برندگان واقعی در انتخابات محلی را شاید بتوان افراد ناشناسی نامید که بر چهره‌های صاحب نام و نشان و یا نامزدهای آنان عملاً در هر گوشه‌ای از ایالت فائق شده‌اند. بسیاری از این چهره‌های جدید به حزب خلق پاکستان متعلق هستند و انتظار می‌رود ضیاء‌الحق رئیس حکومت نظامی پاکستان بکوشد با اعطای اختیارات و نفوذ به آنها، وفاداری آنها را به حزب خلق پاکستان خنثی کند. ولی حزب خلق پاکستان برای اجتناب از چنین امکانی کاندیداهایی را برگزیده است، که از دستگاه حکومت نظامی پاکستان متضرر شده‌اند.

۱۵- چندین نفر خاطر نشان ساخته‌اند که پیروزی این همه اشخاص ناشناس ضربه‌ای است که بر سردارها به عنوان یک نهاد وارد آمده است، زیرا در موارد متعدد قبایل علیه رهبران خود رأی داده‌اند. خان کلات گفت که نسل جدیدی از ناسیونالیستها پا به عرصه وجود می‌گذارند و از ناکامیهای دستگاه رهبری قبلی بیزار شده و حاضرند برای کمک به منابع خارج از این قبایل متوسل شوند. او خاطر نشان ساخت که در گزارشی در مورد گروهی که در پاکستان سفر می‌کرد و اسلحه توزیع می‌نموده چیزی که اهمیت داشت این بود، که اشخاصی که گروه با آنها تماس داشت چپگرایان سرشناس مانند «ژنرال» شیرواف مری نبودند بلکه افراد ساده قبیله‌ای بودند. او معتقد است که کنار گذاشتن رهبران خطرناکتر است زیرا برای حکومت جمع‌آوری اطلاعاتی در مورد فعالیت‌های قبایلی که در مناطق وسیع سکنی دارند بسیار دشوارتر از زیر نظر داشتن فعالیت افراد برجسته است.

مسئله انتخابات...

۱۶- ضیاء‌الحق درست دو روز قبل از ورود ما به کوئته از این شهر دیدن کرده بود. به طوریکه گفته می‌شود با بیش از پنجاه شهروند برجسته ایالت بلوچستان علناً یا به طور خصوصی دیدار کرده، و نظرات پرجنبال خود را در رابطه با تردید در مورد برگزاری انتخابات با آنها در میان گذاشته است. (اسلام‌آباد ۱۱/۳۶)

اعضای این گروه که از سوی ساکنان محلی به عنوان اشخاص سرشناس نام گرفته‌اند، بیشترشان از پشتیبانان برگزیده حکومت نظامی پاکستان می‌باشند. از بیست نفری که اجازه داشتند از ضیاء‌الحق سؤال کنند نوزده نفرشان از ضیاء خواسته بودند که انتخابات را لغو کرده و بر مسند قدرت باقی بماند.

۱۷- در جریان یک مکالمه محرمانه با فیض اقبال سردبیر روزنامه تایمز بلوچستان، ضیاء از اقبال خواسته بود که با توجه به تأکید بر موضع بیزنجو و خیربوکس مری اوضاع بلوچستان را ارزیابی کند. اقبال در پایان گفت که ضیاء با قبیله مری زدوبند کرده و برای تأیید این فرضیه خود این حقیقت را عنوان کرده است که حکومت نظامی پاکستان اخیراً به خیربوکس مری و ژنرال شراوف اجازه داده است که کشور را ترک کنند. هاشم غلیظی رئیس حزب دمکراتیک ملی در پاکستان مدعی شد، که ضیاء سازمان دانشجویان بلوچستان را که بسیار رادیکال می‌باشند با دادن امتیازات به سوی خود جلب کرده است.

او گفت که سازمان اطلاعات فدرال پاکستان هشت نفر از اعضای سازمان دانشجویان بلوچستان را اجیر کرده است و حکومت ایالتی یک ماه قبل، سازمانی را تأسیس کرده تا برای دانشجویان بلوچی کارها و مشاغلی دست و پا کند.

۱۸- اعم از اینکه ضیاء چنین زدوبندهایی کرده باشد یا خیر چنین به نظر می‌رسد که ضیاء مردم بلوچستان را از لحاظ روانی بر این اعلام تعویق یا حتی لغو انتخابات آماده کرده است. بیشتر اشخاصی که ما با آنها صحبت کرده‌ایم، گفته‌اند که انتخابات صورت نخواهد گرفت. معذالک همه آنها معتقد نیستند که این امر موجب بروز زدو خورد بین استان و حکومت نظامی پاکستان خواهد شد.

... و رویارویی

۱۹- رهبران قبیله سلحشور هزاره که بخش مهمی از جمعیت کوئته را تشکیل می‌دهند، معتقد بودند که عدم مشارکت حزب خلق پاکستان و حزب ناسیونالیست دمکرات پاکستان و همچنین حزب ملی پاکستان عملاً حق رأی‌دهندگان بلوچستانی را برای رأی دادن ضایع خواهد کرد. به طوری که اگر انتخابات تنها با شرکت احزاب کنونی انجام گیرد مردم بلوچستان دست به عصیان خواهند زد. نواب اکبرخان بوگتی فرماندار سابق بلوچستان گفت که مردم از حکومت نظامی این کشور به تنگ آمده‌اند و اگر کوششی برای تمدید آن صورت گیرد، واکنش شدیدی نشان خواهند داد. غلام سرورخان یک عضو سابق حزب خلق پاکستان که اخیراً بدون برخورد با مخالفت، به عضویت شورای محلی در پیشین انتخاب شده بود، معتقد بود که اگر انتخابات صورت نگیرد احزاب به خیابانها سرازیر خواهند شد. ۲۰- آنها بیکه معتقد بودند که هیچ‌گونه رویارویی روی نخواهد داد استدلال کرده‌اند که افراد قبیله‌ای که بار سنگین عصیان در مقابل ذوالفقار علی بوتو را از سال ۱۹۷۳ تا سال ۱۹۷۷ به دوش کشیده‌اند، به اندازه کافی صدمه دیده و خسته‌تر از آن هستند که به مخفیگاههای خود در کوهستانها بازگردند. خود بوگتی در تأیید عدم موفقیت رویارویی گفت اتحاد ملی پاکستان که مخالفت خود را با بوتو به طرز موفقیت‌آمیزی در بهار سال ۱۹۷۷ نشان داده بود، این بار به خیابانها نخواهد ریخت، چون سرنگونی حکومت نظامی تنها به نفع گروه مخالف اتحاد ملی پاکستان یعنی حزب خلق پاکستان بوتو خواهد بود. محمد صالح مندخل یکی از همکاران دیرین ولی خان و معاون دبیر کل حزب دموکراتیک ملی گفت که حزب او به احزاب دیگر در رویارویی با دستگاه حکومت نظامی نخواهد پیوست. زیرا حزب دموکراتیک ملی مخالف ضیاء که برخلاف بوتو کاری علیه حزب دموکراتیک ملی انجام نداده، نیست. سرانجام بیشتر اشخاصی که ما تماس گرفتیم درباره توانایی حزب خلق پاکستان در سازمان دادن یک اعتراض مؤثر شک داشتند.

۲۱- ما نیز با آنهایی که معتقدند در بلوچستان خطری جدی حکومت نظامی را تهدید نمی‌کند موافق هستیم؛ چون استدلال آنها نیرومندتر از اظهارات افرادی است که تنها می‌گویند رویارویی صورت خواهد گرفت. مقصود ما این نیست که خشونت رخ نخواهد داد، بلکه منظور این است که دستگاه حکومت پاکستان قادر خواهد بود آن را مهار کند.

موضعگیری در قبال آمریکا

۲۲- علیرغم کاهش ظاهری تشنجات بر سرافغانستان موضعگیری نسبت به ایالات متحده همچنان گزنده است. مردم آمریکا همچنان از دوستی و همدردی اکثریت مردمی که ما با آنها صحبت کردیم، برخوردارند. لیکن اقدامات اخیر کارتر رئیس جمهوری آمریکا برای اعمال یک حضور نیرومندتر در اقیانوس هند و خاور نزدیک نتوانسته است این اعتقاد را تقویت کند، که ایالات متحده در رقابت با اتحاد جماهیر شوروی زمینه را باخته است. مثلاً وزیر کشور که یک سرهنگ سابق و مسئول امنیت بلوچستان است، ایالات متحده را به خاطر ناتوانی در پیش بینی تغییرات در افغانستان و ایران و عدم اقدام برای خنثی کردن این تغییرات مورد انتقاد قرار داده است. او و دیگران از مخالفت آمریکا با توسعه تکنولوژی هسته‌ای پاکستان که به طرز مبهمی آن را صلحجویانه می خواندند عصبانی هستند، و در همان حال از ما می پرسند که چرا ما آمریکا بیها نمی خواهیم که پاکستان بمب اتمی داشته باشد. عمرخان افریدی دبیر برنامه ریزی و عمران در ایالت بلوچستان از بی ثباتی شبه قاره هند ناراحت است و از اینکه با وجود قرار گرفتن شوروی در موضع تعرض، آمریکا از خود عدم قاطعیت نشان می دهد، ابراز نگرانی کرده است. بوگتی درباره کوتاهی آمریکا در پشتیبانی از متحدین خود به ما درس می داد.

۲۳- معذالک دریافتیم که بسیاری از انتقادهای براساس سوء اطلاعات بوده است و هنگامی که انتقادکنندگان در مقابل واقعیات قرار می گرفتند، آنها به اشتباهات خود اعتراف می کردند. مثلاً نقش ایالات متحده در مذاکرات صلح خاورمیانه مورد رضایت کلی آنها بود و حتی این شرط که سازمان آزادیبخش فلسطین باید اسرائیل را به رسمیت بشناسد، برای آنها خوشایند بود. در حالی که بعضیها تصور می کردند که ایالات متحده باید از مجاهدین افغانستان علیه رژیم مستقر در کابل پشتیبانی کند، دیگران معتقد بودند که خودداری از مداخله کار عاقلانه تری است. تنها پیشنهاد ویژه‌ای که ما درباره کمک آمریکا دریافت کردیم، از برنده کرسی شورای ملی در پیشین بود. او مصرأ تقاضا داشت که مساعدت اقتصادی خود را متوجه عمران مناطق قبیله نشین کنیم، تا جذابیت حکومت افغانستان را در راه تشکیل پشتونستان بزرگ تضعیف کند. این یک پیشنهاد متواضعانه از منبعی بود که تنها در فکر منافع و مصالح خود بود.

سند شماره (۷۷)

تاریخ: ۲۵ مهرماه ۱۳۵۸ - ۱۷ اکتبر ۷۹
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی.سی.
به: سفارت آمریکا در امان - فوری
موضوع: جلسه کنفرانس مطبوعاتی وزرای امور خارجه - ۲۵ مهرماه
س. آیا در مورد تأخیر انتخابات و سرکوب احزاب، اتحادیه‌ها و مطبوعات سیاسی توسط رهبریت پاکستان نظری دارید؟

ج. آمریکا در موارد مختلف اظهار داشته که ما امیدواریم که انتخابات دموکراتیک هرچه زودتر برگزار شود و یک حکومت غیر نظامی بر این کشور حاکم گردد. به همین علت از اینکه ژنرال ضیاء انتخابات را برای مدت نامعلومی به تعویق انداخته و فعالیتهای سیاسی را تحت کنترل نظامی درآورده نگران هستیم. پاکستانیها نیز از این موضوع به خوبی آگاه هستند. ما این موضوع را به آنها گوشزد کرده‌ایم.
س. در کجا؟ در حین گفتگوهای دیروز؟

- ج. بگذارید بگویم که این موضوع را فقط به آنها گوشزد کرده‌ایم. اضافه می‌کنم که کاردار ما در پاکستان نیز نقطه نظرهای ما را به سمع دولت آن کشور رسانیده است.
- س. آیا این موضوع بر تقاضاهای تسلیحاتی و یا دیگر تقاضاهای آن کشور نیز تأثیر خواهد بخشید؟
- ج. خیر، همان طور که می‌دانید آمریکا هیچ گونه کمک جدید عمرانی در اختیار پاکستان قرار نداده است، نمی‌خواهم پیرامون موارد مطروحه صحبت کنم، چون اصلاحیه سیمینگتون را از فروردین گذشته به مرحله اجرا گذارده‌ایم. ما هنوز هم برای مردمان گرسنه مواد خوراکی ارسال می‌داریم. با کمال صراحت می‌گویم که این کار را ادامه خواهیم داد.
- در رابطه با کمکهای نظامی گمان نمی‌کنم که چیزی به پاکستان ارائه شود.
- س. آیا این کار نوعی دخالت در امور داخلی یک کشور بیگانه به حساب نمی‌آید؟
- ج. خیر، چون پاکستان نیز همواره با چند کشور دیگر اسنادی را امضاء کرده است، می‌توان گفت از جمله مسئولیتهای ما اظهار نظر در این امور است.
- س. در مورد این گفتگوها که گویا امروز به پایان خواهد رسید، آیا...
ج. درست است جیم این گفتگوها امروز پایان می‌رسد.
- س. دیروز به ما گفته شد که ملاحظات امنیتی پاکستان مورد بحث قرار گرفته است. آیا این ملاحظات شامل درخواست کمک نظامی از آمریکا نیز بوده است؟
- ج. اجازه دهید بگویم در رابطه با نتایج این ملاقاتها مطلب دیگری ندارم که بگویم و نمی‌خواهم مطالب مندرج در گفتگوها را برای شما بازگو نمایم. شاید بعدها و یا در پایان این ملاقاتها در بعد از ظهر امروز این کار را انجام دهم.
- س. آیا تصمیم دولت پاکستان در رابطه با برقراری حکومت نظامی بر تصمیمات آمریکا در زمینه ملاحظات امنیتی تأثیر خواهد بخشید؟
- ج. نمی‌توانم در مورد مسئله‌ای که از وقوع آن اطمینان ندارم، اظهار نظر نمایم. یعنی تقاضای خاصی مطرح نشده است؟ سؤال خوبی است، ولی بهتر است پس از پایان ملاقاتها مطرح گردد، تا بتوانیم به نتایجی دست پیدا کنیم. در این مورد در حال حاضر نمی‌توانم مطلبی ارائه دهم.
- س. آیا شما می‌خواهید بگویید که استدلال دولت پاکستان را در مورد ادامه حکومت نظامی و تعویق انتخابات قبول ندارید؟
- ج. خیر، نمی‌خواهم در مورد منطق نهفته در مسئله تعویق سخن بگویم، موضوع مشخص است.
- س. آیا شواهدی در دست دارید که بر طبق آنها بتوان گفت کار نیروگاه هسته‌ای پاکستان اخیراً متوقف شده است چون ما در مطبوعات این طور گفته‌ایم؟
- ج. در این باره اطلاعی ندارم. خیر.
- س. آیا چین به خاطر پاکستان و در مورد تقاضای کمک نظامی آن کشور میانجیگری کرده است؟
- ج. در مورد گفتگوهای دیپلماتیکمان نمی‌توانم چیزی بگویم.
- س. شما در اطراف پاسخهای خود چهارچوبی قرار می‌دهید و می‌گویید که نمی‌توانید در مورد منطق اقدام پاکستان حرفی بزنید. عکس‌العمل آمریکا نیز قطعاً دارای پارامترهایی می‌باشد، بنابراین بگویید در رابطه با آنچه در پاکستان رخ می‌دهد عکس‌العمل آمریکا چه بوده است؟

ج. پارامترهای مورد نظر همان چیزهایی است که گفته‌ام. باز هم تکرار می‌کنم، از زمان تصرف حکومت پاکستان توسط نظامیان ما امیدوار بوده‌ایم، که در کشور حکومتی دموکراتیک به سرعت روی کار آید. واضح است که تعویق تاریخ انتخابات و تحمیل مجدد حکومت نظامی و سرکوب احزاب سیاسی برای ما کاملاً غیرمنتظره بوده است.

س. آیا معنی آن این است که بنا به اعتقاد دولت آمریکا اوضاع پاکستان منجر به پیدایش یک حکومت دموکراتیک خواهد شد؟

ج. معنی آن این است که دولت آمریکا شدیداً نگران اعلام این مطلب است. معنی آن این است. س. آیا می‌توانید بگویید که تأثیر این رویداد و عکس‌العمل شما بر مذاکرات جاری چگونه بوده است؟ ج. خیر. نمی‌خواهم در این مورد چیزی بگویم. مذاکرات هنوز ادامه دارد. قرار است امروز بعد از ظهر نیز جلساتی تشکیل شود.

س. آیا جو موجود به نحوی تغییر کرده است؟

ج. من در مذاکرات شرکت نداشته‌ام ولی می‌توانم آن را برای شما توصیف کنم. مذاکرات کاملاً عمیق بوده است.

س. آیا مذاکرات بیش از این به طول خواهد انجامید؟

ج. خیر.

س. امروز شنیدم که قرار بود مذاکرات امروز صبح خاتمه یابد.

ج. خیر. تا آنجایی که من می‌دانم برنامه شامل ملاقات با وزیر در بعد از ظهر امروز نیز بوده است. س. شنیده‌ام که وزیر امور خارجه وارن کریستوفر و نیوسام امروز صبح ملاقاتی خارج از برنامه با شاهی داشته‌اند.

ج. این ملاقات نیز در ادامه گفتگو با او بوده است.

س. ولی در برنامه وزیر خارجه ذکری از آن به میان نیامده.

ج. درست است، ولی بسیاری از مطالب در برنامه ذکر نمی‌شود. مذاکرات با او پیوسته ادامه داشته است.

س. می‌دانیم که طبق گزارش علی بوتو، کیسینجر به وی گفته بود که اگر طرح‌های هسته‌ای صلح‌آمیز را رها کند، مقادیر زیادی تسلیحات مرسوم به وی خواهد فروخت. علی بوتو با این پیشنهاد توافق نکرد و همه از پیامدهای آن نیز باخبر هستیم. چندی پیش از کمیته ویژه ژوارد سی. اسمیت گزارشی در مورد نحوه برخورد با نیروگاه‌های هسته‌ای پاکستان دریافت نمودیم. یعنی آنها هم حاضر شده بودند، در همین رابطه پیشنهاد مشابهی را مطرح سازند. البته این سؤال با گفتگوهای کنونی ارتباطی ندارد ولی می‌توانید بگویید که این امر یکی از موارد گفتگو توسط کمیته ویژه بوده است؟ آیا در این مورد می‌توانید چیزی بگویید؟

ج. من آن گزارش را تأیید یا تکذیب نمی‌کنم، چون هدف اظهار نظر پیرامون آن نیست.

س. چرا در رابطه با نیروی صحرای سینا تعللی پدید آمده؟ در آنجا چه می‌گذرد؟

ج. تعللی پدید آمده؟

س. ما فکر کردیم که اورون و ونس حدود یک هفته قبل می‌بایست ملاقات کرده باشند، ولی بولتن

برنامه‌های شما چیزی در این مورد نشان نمی‌دهد.

ج. فکر نمی‌کنم که در این مورد مشکلی وجود داشته باشد.

س. در مورد فروش سلاح به مراکش می‌توانید چیزی بگویید؟

ج. خیر.

س. یزدی وزیر خارجه ایران گفت که شرایط موجود در رابطه تسلیحاتی آمریکا غیر قابل قبول بوده و

تهدید کرده است که از نفت به عنوان یک سلاح استفاده خواهد شد، آیا در این مورد نظری دارید؟

ج. خیر. گزارشی دیده‌ام که براساس آن سفیر اشتراوس در اواخر ماه جاری به لندن خواهد رفت، تا با

نخست‌وزیر خلیل ملاقات نماید. هنوز معلوم نیست که اسرائیلیها نیز در این ملاقات حضور داشته باشند،

در حالی که گویا قرار است پیشرفت مذاکرات خودمختاری پس از شش ماه مورد بررسی قرار گیرد.

س. آیا در این مورد نظری دارید؟

ج. فقط می‌توانم بگویم که دلیلی برای مخالفت با آن نمی‌بینم.

س. آیا این ملاقات چندجانبه است؟ آیا اسرائیلی‌ها هم در آن شرکت خواهند نمود؟

ج. فکر می‌کنم بهتر باشد که بعداً در این مورد گفتگو کنیم.

س. آقای اشتراوس امروز صبح این موضوع را در برنامه کار خود قرار داده است؟

ج. اگر این طور است آن را به یاد خواهیم سپرد ولی می‌گویم که سه طرف مورد نظر در هفته آتی ملاقات

خواهند کرد، آنها فقط به بررسی وضع موجود خواهند پرداخت. این ملاقات چندان مهم نیست و

نمی‌خواهند که پیرامون آن سر و صدایی برپا شود. به هر حال این مقدمات در لندن صورت خواهد گرفت

چون نخست‌وزیر خلیل قبلاً ترتیب ورود خود به این نقطه را داده بود.

س. شرکت‌کنندگان دیگر چه کسانی هستند؟

ج. شرکت‌کنندگان معمول در این سطوح.

س. منظور این است که از طرف اسرائیل دایان شرکت خواهد کرد؟

ج. بستگی دارد. این تداوم مذاکرات خودمختاری است بنابراین آقای بورگ حتماً شرکت خواهد کرد.

س. آقای بورگ؟

ج. بلی دکتر بورگ.

س. بنا به گزارش رسیده از امان تالکوت سیلیه سفیر آمریکا در دمشق به مدت ۴۵ دقیقه با یکی از

چهره‌های مهم ساف یعنی محمود عباس گفتگو داشته. می‌توانید این گزارش را تأیید کنید؟

ج. این ملاقات در چه زمانی صورت گرفته است؟

س. در حین سفر جسی جکسون به سوریه.

ج. چند هفته پیش؟

س. تقریباً حدود دو هفته پیش.

ج. او دریافت که چنین شخصی حضور دارد. او با آن شخص به مدت ۴۵ دقیقه گفتگو نکرده است. این

موضوع از قبل طرح ریزی شده بود و یکی دو نشریه نیز پیرامون آن تبلیغاتی به راه انداختند. ولی گفتگویی

صورت نگرفت و تماس نیز جنبه رسمی نداشت. حتی قرار نبود که به طور غیر رسمی نیز صورت بگیرد.

س. متشکرم.

ونس

سند شماره (۷۸)

تاریخ: ۲۶ مهر ۱۳۵۸ - ۱۸ اکتبر ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد

به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. - فوری

موضوع: تشدید قوانین منع عبور و مرور

۱- (خیلی محرمانه) خلاصه: با آغاز دومین روز اعلام مقررات منع عبور و مرور توسط دولت ژنرال ضیاء الحق، شدت کنترل این قانون در پاکستان نیز بیشتر می شود. هیچ اقدام خشونت باری گزارش نشده، و اوضاع نظم و قانون آرام است. بسیاری از اشخاص و چهره های سیاسی یا در اختفا یا در حال بازداشت در محل سکونت یا در زندان به سر می برند. دفاتر اکثر احزاب ممنوعه سیاسی نیز مهر و موم شده است. دادگاه های نظامی ویژه تشکیل شده و متهمین بار دیگر در ملأعام تنبیه و تأدیب می گردند. رئیس جمهور ضیاء شخصاً چند سفیر (و نیز کاردار) را در روز ۱۷ اکتبر در مورد سخنرانی خود در روز ۱۶ اکتبر و دلایل موجود برای این تصمیم گیری خود توجیه کرده است. (پایان خلاصه)

۲- (طبقه بندی نشده) روز اول تشدید قانون منع عبور و مرور شاهد چند نمونه از طرز برخورد رژیم ضیاء با احزاب، سیاستمداران و مطبوعات بود:

- حکومت های ایالتی اعلام کرده اند که طبق قانون منع عبور و مرور (۱۲) ۵۰ نفر در ایالت سند و ۴۰ نفر در ایالت شمال غربی مرز به خاطر فعالیت های مضر برای برقراری نظم عمومی بازداشت شده اند. رهبر حزب خلق پاکستان یعنی جی. ام. جاتویی نیز از این جمله است. آمار رسمی مربوط به پنجاب و بلوچستان منتشر نشده است، لیکن گمان می کنیم که حدود دستگیر شدگان این دو ایالت ۲۰۰ نفر شامل رهبران و کارگران از جمله تیکاخان یکی از دبیران حزب خلق پاکستان باشد، که هنگام پیاده شدن از هواپیمای پاکستان در راولپندی دستگیر گردیده است.

- حکومت ایالت پنجاب در مورد دستگیری میان طفیل، مفتی محمود و نواب زاده نصرالله خان رهبران جماعت و اتحاد ملی پاکستان توضیحاتی داده است، گویا همه آنها آزاد شده اند و گزارشات مطبوعاتی مربوط به دستگیری آنها تکذیب شده است.

- پاکستان با تصحیح کلمه «ممنوع» نشان داده است که استفاده از این کلمه در تاریخ ۱۷ اکتبر در مورد اقدامات حکومت نظامی علیه احزاب سیاسی نتیجه ترجمه نادرست از زبان اردو به زبان انگلیسی بوده است. این روزنامه می نویسد احزاب «منحل» شده اند. شواهد دیگر دال بر این مسئله کلمه «مرده یا متوفی» است که در مطبوعات در برابر هر حزب به کار رفته است.

دو روزنامه کوئته ممنوع اعلام شده است.

۳- (طبقه بندی نشده) حکومت نظامی سعی کرده است وسایل کنترل نظم عمومی خود را شدیدتر نماید.

- امریه هایی منتشر شده تا مردم سلاح های غیر قانونی و غیر مجاز خود را به مقامات حکومت نظامی تحویل دهند، کیفر عدم همکاری بسیار شدید است، و به تیم های تجسسی اجازه داده شده است که سلاح های این گونه ای را بیابند.

- مقامات حکومت نظامی ایالت پنجاب و بلوچستان نیز با صدور بیانیه های تند (در صفحات اول تایمز پاکستان) اعلام داشته اند که احتکار، گرانفروشی، رباخواری و دیگر جنایات دارای مجازات های

بسیار شدیدی خواهند بود.

- در راولپندی دادگاههای بسیاری ایجاد شده که به سرعت متهمین را محاکمه و به مجازات می‌رسانند. گزارشهایی نیز در مورد این دادگاههای نظامی رسیده که شخصی را پس از متهم شدن در همان نقطه و در انتظار عموم شلاق می‌زنند.

۴- (خیلی محرمانه) سرکنسولگری کراچی گزارش داده است که عکس‌العمل عمومی نسبت به اقدامات شدید اخیر در ۱۷ اکتبر بجای شورش توأم با نوعی بی‌تفاوتی و رضا بوده است. رؤسای بخشهای تجاری از اولویتهای جدید اقتصادی رئیس جمهور تمجید کرده و تایمز پاکستان نیز اظهارنظرات موافق رئیس اتاق بازرگانی و صنایع را در ۱۷ اکتبر به چاپ رسانیده بود. لیکن در رابطه با سیاستمداران آزاده، یا آنها با مطبوعات سخن نمی‌گویند و یا مطبوعات از انتشار مطالب سیاسی امتناع می‌ورزند. سرکنسولگری کراچی گزارش داد که رابطه‌های وی از به تعویق افتادن انتخابات چندان متعجب نشده‌اند لیکن ممنوعیت فعالیتهای سیاسی آنها را شگفت‌زده کرده است. طبق گزارش پیشاور شبانگاه در محوطه دانشگاه پوسترهای ضد رژیم چسبانده شده است و در شب ۱۷ اکتبر نیز در خوابگاه دانشجویان شعارهای ضد دولتی بگوش می‌رسید.

۵- (محرمانه) سرکنسولگری لاهور گزارش داد که امروز کارها به نحو عادی از سر گرفته شد و دیروز نیز آرام بود. در گفتگوهای محرمانه «نسبت به بازیهای آشکار ضیاء با روند سیاسی و اینکه حکومت نظامی در درازمدت به جای آرام نمودن سبب تشدید تشنجهای سیاسی خواهد شد، با عصبانیت سخن گفته می‌شود». گزارش کنسولگری در ادامه اظهار می‌دارد: «مردم از افزایش قیمتها، فساد اداری و وقوع جنایتهای خشونت‌بار در مورد انتخابات نگران بوده، و همه ترس از آن دارند که اگر حکومت نظامی ضیاء نتواند این مشکلات اقتصادی و اجتماعی را از میان بردارد، درست مانند سالهای ۱۹۶۰ که حکومت نظامی ایوب‌خان شورش و حتی جنگهای داخلی را پدید آورده بود، در این زمان نیز وقوع یک انفجار سیاسی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.»

۶- (خیلی محرمانه) علاوه بر کاردار کینگ، رئیس جمهور شخصاً سفرای شوروی، چین، هند و انگلستان، کانادا، ژاپن، عربستان سعودی، و فرانسه را در رابطه با تصمیمات خود توجیه نمود. همه کسانی که ما با آنها صحبت کرده‌ایم ژنرال ضیاء را مردی شکست خورده توصیف می‌کنند. یکی از سفرها بعدها به مشاور سیاسی گفت که ضیاء به طور محرمانه به وی گفته است که جماعت اسلامی قبل از سخنرانی از وی خواسته بود که بدون در نظر گرفتن اقدامات و تدارکات عمومی این جماعت، انتخابات را لغو نماید.

۷- (طبقه‌بندی نشده) عکس‌العمل مطبوعات نسبت به سخنرانی و اقدامات اجرایی طبق پیش‌بینی محتاطانه بوده است. روزنامه‌های اردوزبان نوای وقت و جنگ که هر دو آنها غیر دولتی و دارای تیراژ انتشاراتی وسیع می‌باشند، با اشاره به اینکه اقدامات ضیاء غیر منتظره بوده‌اند از ایراد انتقادات خودداری می‌ورزند، لیکن هر دو آنها در کمال استغاثه خواستار اینند که مدت برقراری مقررات منع عبور و مرور تا حد امکان کوتاهتر بشود. روزنامه دولتی تایمز پاکستان نیز در سرمقاله خود (که متن آن به طور جداگانه برای وزارتخانه و دیگران ارسال شده است) به عذرخواهی در قبال اقدامات دولت و به خصوص ضیاء پرداخته و از استقامت و تلاشهای مصرانه وی در جهت برگزاری انتخابات قبل از اتخاذ «تصمیم اجتناب‌ناپذیرش» قدردانی می‌کند. این سرمقاله پس از این تعظیم و تکریمها یادآور می‌شود که ممنوعیت

احزاب و غیره در این زمینه کافی نیست، و این امر تنها یک «صلح و آرامش موقتی» را پدید می‌آورد که «پاکستان آن را بارها تجربه کرده» لیکن پس از آن «طوفان» آغاز می‌شود. این روزنامه از دولت و مردم مصرانه می‌خواهد که با تلاش یکدیگر «برای پدید آوردن سیاستی مناسب با نبوغ ملی از این فرصت موجود استفاده کنند»، که قبلاً نیز این روزنامه همین فرمول‌بندی را به کار برده است.

سند شماره (۷۹)

تاریخ: ۲۹ مهرماه ۱۳۵۸ - ۲۱ اکتبر ۷۹
از: سفارت آمریکا در تهران
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. - فوری
موضوع: ۴۸۰ PL منع صدور از طرف پاکستان

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲- با کمال امتنان میل داریم از نقطه نظرات سفارت در اسلام‌آباد در مورد تصمیم ایران مبنی بر خرید بذر گندم از منابع بازرگانی به جای خرید از دریافت‌کنندگان ۴۸۰ PL مطلع شویم. با این وصف قبل از رد تقاضای پاکستان برای ابطال صدور، لازم است جنبه‌هایی از اوضاع و شرایط موجود مورد بررسی قرار گیرد.

۳- بنا به دلایل سیاسی دولت کنونی ایران ترجیح می‌دهد طوری عمل کند، که نشانگر کاهش وابستگی ایران به غرب و بخصوص به آمریکا باشد. با این حال، رژیم جدید این امر را وظیفه دشواری می‌یابد، و فکر می‌کند که ما عواملی را به وجود می‌آوریم تا تلاش‌های آنها به نتیجه نرسد.

۴- در همین رابطه دولت ایران میل دارد بذر گندم خود را از پاکستان خریداری کند. با تأیید این فروش ما با اهداف انقلاب همدردی کرده‌ایم، حال آنکه ما را متهم به این می‌کنند که تمام وقت حرف زده‌ایم و عمل نکرده‌ایم. با این کار در واقع چیزی را از دست نداده‌ایم.

۵- با رد کردن و نپذیرفتن این فروش ما بهانه‌ای برای آنهایی که دائماً ادعا می‌کنند ما در ادعای خود جهت همکاری با رژیم جدید صادق نیستیم فراهم کرده‌ایم. دولت کنونی ایران بالاخره خواهد فهمید که گرچه منبع فروشنده آمریکا نبوده است، لیکن عامل ممانعت‌کننده از فروش ما بوده‌ایم. هیچ کس قبول نخواهد کرد که علت آن این بوده است که پاکستان بذر گندم را با شرایط غیر بازرگانی خریداری می‌کند و نباید آن را بار دیگر به فروش برساند.

سند شماره (۸۰)

تاریخ: ۲۹ مهر ۱۳۵۸ - ۲۱ اکتبر ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد
به: سفارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
موضوع: روزنامه‌نگار می‌گوید ضیاء تصمیم دارد پس از به فراندوم گذاشتن حکومت اسلامی یک حکومت ملی را تشکیل دهد.

۱- (خیلی محرمانه) م. الف. منصوری، خبرنگار روزنامه «سپیده‌دم» اسلام‌آباد که از جمله مطلع‌ترین و معتبرترین روزنامه‌نگاران شهر است... در تاریخ ۲۷ مهر به شرم‌ن مقام سفارت گفت که رئیس‌جمهور ضیاء‌الحق در نظر دارد در اوائل سال جدید در پاکستان یک «حکومت ملی» به وجود آورد. منصوری

گفت روش دستیابی به این هدف این است که طی یک انتخابات مقدماتی از رأی دهندگان پاکستان خواسته خواهد شد، که یا به حکومت اسلامی و یا به یک حکومت غیراسلامی رأی دهند. منسوری این انتخابات را «انتخاباتی با نتیجه از پیش معلوم» توصیف کرد و گفت همین طور که آمریکاییها نمی توانند از شیرینی کیک سبب چشم پوشی کنند، پاکستانیها نیز قادر نیستند علیه اسلام رأی بدهند.

۲- (خیلی محرمانه) منصور گفت پس از پایان فراندم، رئیس جمهور ضیاء خواهد توانست ادعا کند که برای تشکیل یک دولت، رأی اکثریت را در اختیار دارد. پس از آن رهبران سیاسی و نظامی را گرد هم خواهد آورد تا «حکومت ملی» مورد نظر خود را تشکیل دهد.

۳- (خیلی محرمانه) منسوری اظهار داشت که ضیاء از قبل توافق رهبریت نظامی را برای این اقدام خود جلب کرده است و برای جلب حمایت ژنرالهای عالیرتبه در خصوص لغو انتخابات عمومی ۲۴ مهر به آنها «باچ» داده است. ولی ژنرالها مصرانه از وی خواسته اند (و توافق خود ضیاء را نیز به دست آورده اند) که از اعضای حکومت ملی بخواهد که روابط خود را با ارتش مستحکم نمایند. منسوری گفت این توافق خود ضیاء را که باید از مقام خود به عنوان ریاست ستاد ارتش کناره گیری کند، نیز در بر می گیرد. طبق گزارش ضیاء نیز موافقت کرده است، مشروط بر اینکه فرمانده ستاد ارتش را خود منصوب نماید، که البته الزاماً نباید از نظر رتبه نظامی پایین تر از او باشد. منسوری گفت ضیاء می خواهد ریاست ستاد ارتش را به بهترین دوست خود، یعنی سیهید رحیم الدین که در حال حاضر استاندار بلوچستان و فرماندار لشکر دوم در کوئته است (و پدر همسر فرزند ضیاء نیز می باشد) واگذار نماید.

۴- (خیلی محرمانه) منسوری گفت نشانه ای مربوط به برنامه فراندوم در ملاقات ضیاء با سردبیران پاکستان در تاریخ ۲۶/۲۷ مهر ماه آشکار گشته است. او پیشنهادات مربوط به این مسئله را از طریق منابع نزدیک به حکومت نظامی کسب کرده و می گوید که جزئیات برنامه حکومت ملی نیز از طریق همان منبع فاش شده است.

۵- (طبقه بندی نشده) روزنامه «سپیده دم» در تاریخ ۲۸ مهر ماه در مورد ملاقات ضیاء با سردبیران گزارش داده است. در آن از برنامه فراندوم در متن بیانات ضیاء که گفته است «او از مردم رأی خواهد گرفت» تا اقدامات لازم جهت حراست از نظام جدید ۲۴ مهر ماهس فراهم آید، سخن به میان آورده است.

۶- (خیلی محرمانه) اظهار نظر: منسوری گفت که بقیه مقاله را چاپ خواهد کرد، چون قوانین سانسور و افزایش شلاق زندهای مردم در سرتاسر کشور بسیار حساس شده است. (تا آنجا که می دانیم تا به حال هیچ یک از روزنامه نگاران شلاق نخورده اند. معذالک مطبوعات صبح امروز گزارش کردند که سه مأمور امنیت به خاطر دریافت رشوه در ملاً عام شلاق خورده اند.)

۷- (خیلی محرمانه) اطلاعات ارائه شده توسط منسوری در مورد تشکیل حکومتی ملی از نوع جدید، با اطلاعات دریافتی مان از منابع دیگر مطابقت دارد (مرجع ب). ضیاء و دیگران علاقه زیادی به این نوع حکومت غیر حزبی نشان داده اند و در گذشته نیز او حکومتی مانند حکومت اداره کننده انگلستان، در طول جنگ جهانی دوم را در نظر داشته است. تلاش وی برای تشکیل یک حکومت ملی در مذاکرات درازمدت با احزاب در سال ۱۳۵۷ با موفقیت روبرو نشد.

۸- (خیلی محرمانه) ضیاء به سهولت نخواهد توانست از ریاست ستاد ارتش کناره گیری نماید. ارتش واقعی ترین حامی و مهمترین پایگاه قدرت وی به حساب می آید. او همیشه سعی خواهد کرد در مقام

ریاست ستاد ارتش رقیبی برای خود پدید نیاورد، که اگر سپهدهای عالی‌رتبه را به این مقام منصوب دارد، این مشکل برای او به وجود خواهد آمد. چون خود او نیز هنگامی که در سال ۱۳۵۴ به سمت ریاست ستاد ارتش از طرف نخست‌وزیر وقت بوتو انتخاب گردید، از آنها ارشدتر نبود. رحیم‌الدین و ضیاء به یکدیگر نزدیک هستند و رابطه خانوادگی آنها مانند رابطه خانوادگی ایوب‌خان و فرمانده نظامی اش ژنرال حبیب‌الله همان قدر که برای ضیاء خوشایند است، برای دیگران ناراحت‌کننده است. البته امکان دارد که در این زمینه مصالحه شود، لیکن حدس این است که اگر وی بخواهد این کار را انجام دهد، عجله‌ای به خرج نخواهد داد. (پایان اظهار نظر)

۹- (طبقه‌بندی نشده) در همین حال شایعاتی پیرامون انجام تعویض‌هایی در کابینه در گرفته است و روزنامه اردوزبان نوای وقت نیز اظهار داشته است که تعداد مقامات نظامی در کابینه دور جدید کمتر خواهد بود (ولی مستثنی نخواهد شد). انتصاب استناداران غیر نظامی نیز گویا به زودی آغاز خواهد گشت.

سند شماره (۸۱)

تاریخ: ۲ آبان ۱۳۵۸ - ۲۴ اکتبر ۷۹
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
به: سفارت آمریکا در اسلام‌آباد با اولویت
موضوع: مذاکرات آمریکا و پاکستان: مسائل منطقه

۱- تمام متن خیلی محرمانه است

۲- خلاصه: بیش از نیمی از گفتگوهای نمایندگان پاکستان و آمریکا در تاریخ ۲۵-۲۴ مهر در واشنگتن مربوط به مسائل منطقه می‌شد. ارزیابی‌هایمان در مورد افغانستان مشابه بود، لیکن آنها خطر را جدی‌تر از ما تلقی می‌کردند. پاکستانیها در مورد وضع روابط خود با هند نسبتاً خشنود هستند، لیکن هنوز هم هند را خطر اصلی در درازمدت می‌دانند. در مورد ایران، شاهی بر اهمیت برقراری توازن شخصی با خمینی تأکید داشته و اظهار داشت که پاکستان سعی دارد علیرغم مخالفت ایران، سازمان همکاری و عمران منطقه‌ای را حفظ نماید. آمریکا بر حمایت خود از امنیت پاکستان بار دیگر تأکید کرد. لیکن اظهار داشتیم که به علت اختلافاتمان بر سر مسائل انرژی اتمی میزان حمایتمان در عمل محدود خواهد گردید. آمریکا همچنان اعلام داشت که در صورت تهاجم افغانستان قرارداد دوجانبه ۱۹۵۹ قابلیت کاربرد خواهد داشت (تلگرام سپتامبر). گفتگوهای مربوط به مسائل انرژی اتمی، چین و اقیانوس هند در تلگرامهای جداگانه مطرح گردیده است. (پایان خلاصه)

۳- اولین روز گفتگوها بین نمایندگان آمریکا و پاکستان در وزارت خارجه (۲۴ مهرماه) معطوف به مسائل منطقه بود. در بخش پاکستانی، گفتگوها توسط آقاشاهی، و دبیر وزارت خارجه شهنواز، و با کمک دبیرکل وزارت دفاع سرلشکر غلام جیلانی خان انجام می‌گرفت. در بخش آمریکا وزیر امور خارجه بیانات افتتاحیه را ایراد (تلگرام الف) و در بسیاری از بخشهای گفتگو شرکت داشت. معاون وزیر نیوسام به طور کلی در مورد منافع آمریکا در منطقه گفتگو کرد.

۴- افغانستان: دو هیئت نمایندگی به مبادله ارزیابیهای خود پیرامون اوضاع داخلی افغانستان و خطر آن علیه امنیت پاکستان پرداختند. شاهی گفت که انقلاب افغانستان بر پاکستان تأثیری ژرف داشته است.

دیگر پاکستان نقش دافع تاریخی خود را دارا نیست و از نظر آمادگی و تجهیزاتی قدرت مقابله با این خطر نظامی را ندارد. پاکستان انتظار یک حمله آنی را ندارد، ولی عمیقاً نگران امکان خرابکاریهای نفوذی مرزی در درازمدت است.

۵- اوضاع داخلی: شاهی گفت که رژیم مارکسیستی کابل در برابر تداوم شورش و اختلافات درون حزبی و درون ارتش قادر به حفظ «تعادل» خود نیست، و به دنبال کودتای داخلی توسط امین، پایگاه سیاسی رژیم لرزان تر شده است. با این وصف قدرت سیاسی و نظامی شوروی در افغانستان شدیدتر و رو به افزایش است. شوروی برای تحکیم انقلاب فعالیت کرده و به شخصیتها اهمیتی نمی دهد. پوزانف سفیر شوروی به پیراشا سفیر پاکستان که در حال ترک افغانستان بود گفته بود که پاکستان باید سیاست خود را در قبال افغانستان تغییر دهد، چون شوروی تصمیم گرفته است که از انقلاب آن دفاع نماید. پوزانف گفته بود که شوروی تا بهار آینده یک «ارتش نوین افغانی» را پدید خواهد آورد، تا بتواند مبارزات نظامی مؤثری را علیه شورشیان به راه اندازد.

۶- شاهی استدلال می کرد که اگر رژیم مزبور موقعیت خود را مستحکم نماید، استعداد جدید نظامی خود را متوجه پاکستان خواهد ساخت. پاکستان با در نظر گرفتن روند تحکیم داخلی افغانستان خطر مزبور را با یک یا دو سال دورتر می پندارد، ولی در حال حاضر باید اقدامی علیه آن انجام داد.

۷- پاکستانیها اظهار داشتند که فرمانروایی یک تنه امین، بیش از حکومت رژیم پیشین آنها را نگران کرده است. با وجود اینکه امین احتمالاً بنا به دستور شوروی در بیانیه های عمومی خود خواستار بهبود در روابط شده بود، ولی در بعضی مواقع عکس آن را نیز مطرح کرده بود. پاکستانیها بخصوص از حضور رهبر ناسیونالیست تبعیدی پشتوها در کابل یعنی اجمل اخاتک نگران هستند که در یک مجمع عمومی جهت طرح قانون اساسی به او نیز مقام نمایندگی دیپلماتیک اعطا شده بود. شهناز رژیم کابل را مخلوطی از میهن پرستی پشتووار و اشتیاق ایدئولوژیک میسیونری که یک خطر مضاعف را علیه منافع پاکستان به وجود می آورد توصیف کرد.

۸- پاکستانیها به گفتگوهای دیپلماتیک خود با افغانستان چندان امیدوار نبودند، لیکن اعلام داشتند که به تلاش خود ادامه خواهند داد. شاهی گفت که نمی داند که آیا دعوت از وی برای دیدار از کابل تجدید خواهد شد یا خیر. به هر حال، گویا این مذاکرات بیشتر به نفع افغانستان است تا پاکستان. افغانیها می خواستند پاکستان را وادار کنند که پناهندگان را از مرزهای خود به عقب بازگرداند. شهناز به طور خصوصی گفت که افغانها در واقع میل دارند که پاکستان رهبران شورشی را اخراج کند، و در مورد گفتگو پیرامون مسائل دیگر آمادگی جدی نداشتند. آنها می خواهند با یک تیر دو نشان بزنند. ابتدا با این کار می خواهند با از بین بردن مسئله پناهندگان پاکستان با شورشیان به نحو بهتری مبارزه کنند، ثانیاً می خواهند وضعی را پیش آورند که در آن به عنوان قهرمان ناسیونالیزم پشتو قد برافرازند. اگر آنها موفق شوند پاکستان را مجبور به رها کردن پناهندگان کنند، اعتبار پاکستان از بین خواهد رفت و افغانستان در درازمدت خواهد توانست با قبایل مختلف هم پیمان گردد.

۹- وزیر خارجه سؤال کرد که آیا به نظر پاکستان خطر افغانستان نوعی خرابکاری درازمدت یا نوعی تهاجم نظامی مستقیم می باشد؟ شاهی گفت که هر دوی آنها مورد نظر است، ولی به تفضیل در مورد جنبه خرابکارانه آن سخن گفت. وی گفت، افغانها امید خود را نسبت به نسل کهنسال تر پشتوهای ناسیونالیست

از دست داده و تلاشهای خود را بر نسل جدیدی از جوانان ناسیونالیست پشتو و بلوچ که دارای گرایشات مارکسیستی هستند متمرکز ساخته است. انحراف روشنفکرانه مردم پاکستان نشانه‌هایی از موفقیت را به همراه دارد و بسیاری از پاکستانیها به سوی افغانستان گرایش پیدا کرده‌اند. هنگام وقوع کودتا در افغانستان، در پاکستان از کمک به پناهندگان و یاری رساندن به شورشیان شدیداً حمایت می‌شد. لیکن در حال حاضر بسیاری به این نتیجه رسیده‌اند که باید با افغانستان و شوروی از طریق افغانستان «مصالحه‌ای» صورت گیرد، چون نتوانسته است حمایت خارجی کافی را جلب نماید. بسیاری از قبایل معتقدند که وظیفه پاکستان است که علیه رژیم ضد اسلامی و مارکسیستی کابل مبارزه کند. لیکن اگر در انجام این کار از روسها می‌ترسد باید با شوروی از در صلح درآید. رهبران پاکستانی گفتند اگر افغانستان بخواهد در اوضاع کنونی به پاکستان فشار وارد آورد (مثلاً از طریق سیاست تعقیب شدید مرزی، توزیع سلاح در بلوچستان و یا تحریک شورشیان)، پاکستان در موقعیت سختی قرار خواهد گرفت.

۱۰- سؤال کردم که آیا پاکستان فکر می‌کند که نظامیان شوروی نیز مستقیماً جهت سرکوب شورشیان پا به صحنه خواهند گذاشت؟ شهنواز گفت در این باره نمی‌تواند پاسخ قطعی و دقیقی ارائه کند. وی گفت شوروی هرگونه کمک لازم را از قبیل کمک نظامی در اختیار افغانستان قرار خواهد داد. وی معتقد است که روسها سعی خواهند کرد مشارکت نظامیان خود را محدود به سطوح مستشاری و لجستیکی نمایند. سؤال شد که آیا پاکستانیها شاهدی مبنی بر استفاده از نظامیان آسیای مرکزی شوروی همراه با نظامیان افغانستان یافته‌اند؟ شهنواز یادآور شد که شوروی این توانایی را دارد. وی گفت بعید به نظر می‌رسد که شوروی از کوباییها در افغانستان استفاده کند، چون آنها نظامیان آسیای مرکزی خود را که از نظر فرهنگی نیز با افغانها وجوه تشابه دارند در اختیار دارند.

۱۱- سؤال شد که آیا به نظر پاکستانیها چین در محدود کردن نفوذ شوروی در افغانستان نقش مهمی را ایفا می‌کند؟ شاهی به این سؤال جواب منفی داد. در چند مورد آنها با چینیه‌ها پیرامون افغانستان گفتگو کرده بودند. لیکن چینیه‌ها با استفاده از تحلیلهای ایدئولوژیک می‌گفتند که خلق افغانستان بالاخره پیروز خواهند شد. چینیه‌ها در این رابطه از سیاست عدم مداخله پیروی کردند. شایعه شده بود که شورشیان از چین اسلحه دریافت می‌کنند، لیکن پاکستان شاهدهی برای اثبات آن نداشت.

۱۲- هند: تبادل نظرهای پیرامون هند شامل نکات شگفت‌انگیزی نبود. پاکستانیها در مورد مقاصد هند در درازمدت نیز اظهار نگرانی می‌کردند، و اظهار می‌داشتند که هنوز هم هند را خطر اصلی در برابر امنیت پاکستان به حساب می‌آوردند، گذشته از آنکه مشکلات بیشتری در کوتاه مدت در رابطه با افغانستان دارند.

۱۳- شاهی گفت که روابط پاکستان و هند بیش از گذشته «عاری از تشنج» است. آنها از نخست‌وزیر پیشین دسای به خوبی یاد می‌کردند، و به‌خصوص از مقاومت دسای در برابر برژنف و کاسیگین در مسکو که از وی خواسته بودند که در رابطه با افغانستان فشار بیشتری بر پاکستان وارد کند، قدردانی می‌کردند. شاهی گفت این وضع نشانگر یک «بهبود در روابط سالم» بود. لیکن پاکستانیها در مورد سیاستهای دولتی که در انتخابات بعدی هند پیروز خواهد شد، اظهار نگرانی می‌کردند.

۱۴- شهنواز گفت که پاکستان در ماههای اخیر تلاش کرده بود، که در رابطه با افغانستان روابط خود با هند را تا حد امکان حسنه نگهدارد. وی گفت در سفر خود به دهلی‌نو در ماه مه، وی برای اولین بار با

مقامات هند به بحث و تبادل نظر همه‌جانبه پرداخت. مقامات هندی در اظهار نظر پیرامون مسائل هند بیشتر جانب احتیاط را می‌گرفتند، تا مبدا نظراتشان با نظرات شوروی مطابقت یابد. شهنواز گفت هندیها احتمالاً از پیشرفتهای شوروی در افغانستان نگران شده‌اند و از اینکه افغانستان در حال حاضر حائلی بین آنها (هند و شوروی) نیست ناراحت هستند. معذالک تبادل نظر پاکستان و هند در این مورد تأثیراتی داشته است. سؤال شد که آیا هند نگرانی خود در مورد افغانستان را به شوروی گوشزد کرده است؟ و شهنواز گفت که به نظر او این کار را نکرده‌اند، ولی با مقامات در برابر درخواست شوروی مبنی بر فشار وارد کردن پاکستان نگرانیهای خود را به شوروی نشان داده‌اند.

۱۵- پاکستانیها اظهار داشته‌اند که با مقامات هند به طور کامل و صریح در مورد مسئله اتمی گفتگو کرده‌اند و هند مقاصد صلح‌جویانه اتمی پاکستان را ظاهراً پذیرفته است. شاهی به گفتگوهای خود با وزیر خارجه هند مشیرا در هاوانا و نیویورک اشاره کرد، که در این گفتگوها وی گفته بود در صورت تردید هند نسبت به برنامه اتمی پاکستان، این کشور حاضر است هرگونه تضمین لازم را به هند بدهد. شاهی گفت که از بیانیه چاران سینگ در ردفورتن نیز ابراز نگرانی کرده است. طبق گزارش میشرای به وی پاسخ داده بود که این امر تنها در محتوای فرضی برنامه تسلیحاتی اتمی پاکستان می‌گنجد. شاهی گفت که میشرای از ابراز اطمینانهای پاکستان خشنود بوده است.

۱۶- شهنواز گفت که بیانیه ردفورتن تنها چند روز پس از سخنرانی سناتور پرسی در کلکته در رابطه با خطری که متوجه شهرهای هند از یک بمب پاکستانی است، ایراد شده بود. (گرچه وی به نتیجه‌گیری صریح در این مورد پرداخت، لیکن وی ظاهراً می‌خواست به طور ضمنی بگوید که آمریکا مسئول خشمگین شدن چاران سینگ می‌باشد).

۱۷- شهنواز به تفصیل در مورد گفتگوهای خود با رهبران هند از قبیل نخست‌وزیر پیشین دسای پیرامون مسئله اتمی در ماه مه گذشته سخن گفت. وی گفت که دسای با یک بیانیه صریح و بی‌پرده گفته بود که از ابراز اطمینانهای پاکستان بسیار خشنود شده است. شهنواز به مکاتبات ضیاء-دسای در همین مورد اشاره کرد که در آن ضیاء پیشنهاد کرده بود که یک بیانیه مشترک در محکوم شمردن تسلیحات اتمی منتشر نمایند و دسای نیز گفته بود که انتشار یک بیانیه یک‌جانبه نیز مانند انتشار یک بیانیه مشترک می‌باشد. شهنواز گفت علت خشنودی هندیها این بوده است که دسای و ضیاء اعلام کرده بودند، که به هیچ وجه قصد ندارند تسلیحات اتمی تولید نمایند.

۱۸- ایران: نیوسام گفت که آمریکا تلاش کرده است به دولت جدید به فهماند که ما انقلاب را پذیرفته‌ایم. وی گفت که ما هنوز به طور مستقیم با خمینی تماس نگرفته‌ایم. پذیرفته نشدن سفیر ما از سوی ایران مشکلات جدیدی بر سر راه ایجاد ارتباط به وجود آورد و ادامه اعدامها نیز در مسائل مربوط به روابط عمومیان موانعی ایجاد کرده است. نیوسام گفت که روابط شوروی و ایران «توأم با تشنج» است. ۱۹- در پاسخ شاهی بر اهمیت ایجاد یک توازن شخصی با خمینی و امتناع سرسختانه آیت‌الله در زمینه ادامه برنامه‌ها یا سیاستهای شاه تأکید کرد. وی معتقد است که ارسال یک هیئت نمایندگی نزد خمینی تنها راه بهبود بخشیدن به روابط آمریکا و دولت کنونی ایران است، لیکن وی اعتراف کرد که این امر می‌تواند از نظر عموم آمریکاییان مشکلاتی را فراهم آورد.

۲۰- شاهی گفت سوءظن دولت کنونی ایران نسبت به هرچیزی که توسط شاه ایجاد شده، سبب شده

است که آنها مبادرت به لغو سازمان همکاری و عمران منطقه‌ای کنند. وی گفت پاکستان سعی داشت این سازمان را نجات دهد. پاکستان به ارزیابی نقش سازمان همکاری و عمران منطقه‌ای پرداخته و سعی داشت به ایرانیها نشان دهد، که سازمان همکاری و عمران منطقه‌ای در پیشبرد همکاریهای اقتصادی منطقه‌ای می‌تواند مفید واقع گردد.

۲۱- در پاسخ به یک سؤال، شاهی گفت ایجاد یک نهاد اقتصادی منطقه‌ای دیگر آسان نخواهد بود. شیخ نشینهای خلیج فارس که حتماً در سازمان جدید گنجانده خواهند شد، در رابطه با انقلاب ایران نگران هستند و بنابراین از هر سازمانی که سبب شود ایران در آن باشد و یا از موضع رهبری در آن برخوردار شود اجتناب خواهند ورزید.

۲۲- پاکستان: با آغاز گفتگو پیرامون نیازهای امنیتی پاکستان، نیوسام گفت ما می‌خواهیم بدانیم که از نظر دولت پاکستان چگونه خواهیم توانست این کشور را یاری دهیم. «در صورتی که بتوانیم مسائل موجود خود را از میان برداریم» نیوسام خاطر نشان ساخت که از نظر آمریکا نیازهای امنیتی پاکستان به سه بخش تقسیم می‌گردد:

(الف) گسترش یک هیئت سیاسی سالم و تلاش برای ایجاد توازن در عمران اقتصادی در رابطه با امنیت کشور اهمیت بسیار دارد. واضح است که تنها پاکستانیها می‌توانند در این باره تصمیم بگیرند، لیکن کشورهای دیگر نیز قادرند برای تحقق این اهداف کمکهای اقتصادی و فنی ارائه نمایند.

(ب) «بنیه دفاعی و نظامی کافی» برداشت ما از کلمه تا حدودی با برداشت شما تفاوت دارد، لیکن ما نیز معتقدیم که تجهیزات موجود باید به سرعت مدرن شده و کارایی آنها بالا برود. لیکن این نیازها باید در برابر نیاز به عمران اقتصادی صحیح نیز سبک و سنگین شود.

(ج) در صحنه دیپلماتیک، کشوری چون پاکستان که منابعش محدود است، می‌تواند با ابقای شبکه‌ای از روابط خارجی در حفظ توازن نیروهایی که با منافع پاکستان حالتی خصمانه دارند، امنیت خود را به طرز چشمگیری گسترش دهند. در طول سالها پاکستان الزاماً اختلاطی از دیپلماسی رادیکال را در محدود کردن رویارویی با همسایگانش و تلاش برای جلب حمایت دیپلماتیک نیروهای خارجی دنبال می‌کرده است.

۲۳- گرچه در بعضی از نقاط پاکستان مجبور است تنها به منابع موجود خود متکی باشد، ولی آمریکا نیز در گذشته سعی کرده است در تمامی این سه مورد آماده پاسخگویی باشد. تا جایی که کل روابطمان اجازه دهد ما در هر یک از این نکات که یاد شده به حمایت خود ادامه خواهیم داد.

۲۴- با اشاره به اقدامات «مختلط» نظامی و دیپلماتیک، شاهی سؤال کرد که آمریکا در نظر دارد برای افزایش بنیه دفاعی پاکستان چه اقداماتی را در پیش گیرد؟ نیوسام به محدودیت‌های قانونی برنامه‌های کمکی و مشکلات موجود در رابطه با فروشهای عمده نظامی که به رضایت و توافق کنگره وابسته است اشاره کرد. پاکستانیها خاطر نشان ساختند که هند هنوز تهدیدکننده اصلی علیه پاکستان به شمار می‌آید و پاکستان باید بنیه دفاعی خود را در برابر آن تقویت کند، و توصیه کرد که در غیاب هوایماهای جنگنده خوبی چون اف - ۱۶ ضعف دفاعی آنها بسیار مشهود خواهد بود. در گفتگو پیرامون عناصر امنیتی دیپلماتیک پاکستان، آمریکاییها تأکید نمودند که پاکستان باید منافع خود را در روابط خود با قدرتهای شبه قاره آسیا در نظر بگیرد. ما علاوه بر این اظهار داشتیم که از نفوذ خود در دهلی نو بهره‌برداری خواهیم

کرد تا موجبات همکاری و تعاون هند و پاکستان فراهم آید. در مورد افغانستان ما گفتیم که از تمام اهرمهای موجود خود در کابل استفاده خواهیم کرد، تا از اقدامات افغانستان علیه پاکستان ممانعت به عمل آوریم، و سعی خواهیم کرد به شوروی نشان دهیم که باید استقلال افغانستان را محترم شمرده و از مداخله در امور داخلی آن اجتناب ورزد. طرف آمریکایی اظهار داشت که در صورت آغاز تهاجم از سوی افغانستان آمریکا قرارداد دوجانبه ۱۹۵۹ پاکستان را محترم خواهد شمرد. (گفتگوی کامل پیرامون این موضوع در تلگرام جداگانه مطرح شده است.)
ونس

سند شماره (۸۲)

تاریخ: ۷ آبان ۱۳۵۸ - ۲۹ اکتبر ۷۹
از: سفارت آمریکا در اسلام آباد
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: علنی شدن شرایط وام ایرانی

۱- شرایط برنامه ریزی دوباره وام ۵۸۰ میلیون دلاری ایران، علناً اعلام شده است. طبق شرایط اولیه وام می بایست پس از سه سال به صورت ۱۰ قسط سالانه بازپرداخت گردد. مدت سه سال اکنون به پنج سال تبدیل شده و در دسامبر ۱۹۷۹ به پایان خواهد رسید و برنامه بازپرداخت جدید نیز شامل ۲۲ قسط سالانه می باشد.

۲- این شرایط همان شرایطی است که قبلاً (تلگرام مرجع الف) در جریان آن قرار گرفته بودیم و توسط اطلاعاتی که دولت پاکستان در اختیار ما گذاشته بود آن را در حساب قروض و پیش بینی موازنه پرداخت وارد کرده ایم (تلگرام مرجع ب).

۳- با استفاده از برنامه بازپرداخت جدید و نرخ بهره ۲/۵ درصد، هر قسط بازپرداختی سالانه حدود ۳۰/۳ میلیون دلار خواهد بود.

هومل

کتاب چهل و هفتم

شوروی
«شرق تجاوزگر»
بخش اول (۱)

مقدمه

حاصل ۲۵ سال روابط حکومت شاه با آمریکا، کشوری به غارت رفته بود با منابعی تهی، خرمنهای سوخته و پلاسیده، دشتهایی لم یزرع و بی حاصل، ارتشی تا بن دندان مسلح و بی اراده، صنایعی مونتاژ و وابسته و جامعه‌ای لبریز از مصرف، فساد و تباهی. آمریکا در تار و پود رژیم شاه ریشه دوانده بود و به تبع آن ملت را همسان ارزشهای خویش از خود بیگانه ساخته و با اتکاء بر بریدگی مردم از اعتقادات و شرافتهای انسانی - اسلامیشان به غارت و چپاول این کشور مشغول بود.

شیوه‌های نفوذ، طرق اعمال قدرت و خلاصه روشهایی که آمریکا جهت یغمای ایمان، شرافت و ذخایر این ملت به کار می برد در مجموعه‌های قبل به کرات ذکر شده است. کنکاش در این شیوه‌ها راهنمایی است بر درک حرص و آز سیری ناپذیر انسان که در پی کمال به بیراهه رفته و گم شده، جهالت به انحراف کشیده و لجاجت به قساوتش واداشته است. در این بیراهه هر کس، یافته را کمال پنداشته و با تمام واژه‌ها به توجیه نشسته تا قساوت و سودجویی را لعاب رأفت و خیرخواهی و جهالت و سرمایه‌اندوزی را لباس علم و شرافت بپوشاند و چون این پنداشته‌ها نقش کمال پذیرفته، کبر و برتری طلبی تقدس یافته و به دنبال آن به خاطر سرمایه‌اندوزی سرمایه‌داران، نان گرسنگان به غارت رفته (و می رود) و منابع خداداد به چپاول. انسان و تفکر انسان به بردگی کشیده شده (و می شود) و... نهایتاً تمام اسباب و وسایل با تمام توجیهاات و فریبا به کمین نشسته‌اند تا حرص پایان‌ناپذیر انسان گمراه را ارضاء کنند.

امپریالیسم و کمونیسم دو واژه به ظاهر متضاد، جدای از مفاهیم کلامیشان دو نمود از یک انگیزه‌اند و برای یک هدف تلاش می‌کنند و آن قطع انسانیت از انسان است و هدایت به وادی حیوانیت. هر دو افکار را به بردگی خود و بریدگی از خدا می‌کشند و تفاوتی نمی‌کند که این بردگی، بردگی آمریکا باشد یا شوروی، بردگی امپریالیزم یا بردگی کمونیسم.

همسانی هدف دو ابرقدرت شرق و غرب مبنی بر به غارت بردن هر چه بیشتر منابع جهان زمینه‌ساز رقابتی عظیم بین آنها شده و این دو در انظار جهانیان با توجیهاات و فریبا اصطلاحاً «ایدئولوژیک» کوشیده‌اند این رقابت را جنگ صلح‌ناپذیر بین دو نگرش به جهان سوسیالیزم و سرمایه‌داری قلمداد کنند و ظاهراً هر کدام در پی رهنمونی انسانی به بهشت خیالی خود هستند. اما اساساً این امر وسیله‌ای است تا این رسولان فقر و فساد با ساختن مترسکی زمینه نفوذ در کشوری را فراهم نمایند. طلسم آمریکا یعنی مترسک کمونیسم در کشورهای تحت سلطه‌اش عاملی است که از طریق آن نه تنها حضور خود بلکه تمام جنایتها، سرکوبها، پیمانها و فروشهای نظامی را نیز توجیه می‌کند و دقیقاً مشابه همین عمل از سوی شوروی نیز در اقمارش به وقوع می‌پیوندد. در تکاپوی این تبلیغات و ضد تبلیغات بودجه‌های عظیم

کشورهای تحت سلطه است که بازار زرادخانه و کالاهای این دو ابرقدرت را گرم نگه میدارد و کوخهای مستضعفان این کشورهاست که برای آبادانی کاخهای ابرقدرتها ویران تر می شود.

در این کشمکش هر جا که منافع اقتضا کند برای تقسیم غنائم بر سر میز مذاکره می نشینند و نرد عشق می بازند و در حالیکه کشورهای تحت سلطه انبار مهمات و سلاحهای اتمی و غیر اتمی می شود دم از خلع سلاح می زنند. آنچه به ظاهر جنگ بین دو ابرقدرت و در اصل رقابت بین آنها نامیده می شود نظاره این امر است که استکبار اساساً رقیب بردار نیست و هر کدام می خواهد که بر سر خوان نعمت دنیا دیگری را نبیند و در به غارت بردن جهان شریکی نداشته باشد.

با توجه به دیدگاههای مذکور و تأمل در اسناد این مجموعه ها به راحتی می توان دریافت که امیال و مقاصد شوروی و عملکرد آن در قبال ایران و حوادث آن از چهارچوب مباحث مربوط به حضور ۲۵ ساله آمریکا خارج نمی شود.

قطب بندیها و بلوک بندیهای جهان، ایران را در کنار آمریکا و در همسایگی شوروی به نحوی قرار داده که نه تنها ایران تبدیل به یک پایگاه نظامی - تجاری آمریکا شده بود بلکه عمده عملیات جاسوسی آمریکا علیه شوروی از طریق ایران انجام می گرفت. با وجود این مراتب و ماهیت رژیم شاهنشاهی و در محدوده بلوک بندیهای جهان، شوروی مطلقاً ایران را با تمام مسائل و مصائبش به عنوان یک کشور مترقی و رو به رشد و در آستانه تمدن بزرگ پذیرفته بود و می خواست بر سر این خوان نعمت بدون کوچکترین گوشه چشمی به اصول بنیادین مارکسیسم و خدشه بر ماهیت رژیم به یغما بنشینند و در عین حال و به عنوان یک کار جنبی به کسب اطلاعات و تا حدی پرورش و رشد جناح طرفدار خود بپردازد. امام درباره وضعیت ایران در زمان شاه و اهداف دو ابرقدرت شرق و غرب فرمودند: ما یک مملکتی داریم برای خودمان می خواهیم، ما نمی خواهیم آمریکا سرپرستان باشد، ما نمی خواهیم همه منافع ملت به آمریکا برود، همه منافع را مملکت شوروی ببرد، گاز را شوروی ببرد و نفت را آمریکا، یک سفره باز باشد تا هر کس هر چه بخواهد، بخورد. ما نمی خواهیم این طور باشد. امام با این بیان نه تنها خط مشی و سیاست خارجی را مطرح میکند بلکه موضع گیری این دو ابرقدرت در قبال ایران را نیز تشریح می کنند.

مترقی بودن رژیم نیز توجیه مارکسیستی می شد و ارتباط و وابستگی صریح و آشکارش به امپریالیسم آمریکا نیز به عنوان واقعیتی که باید پذیرفت مطرح می گشت. این همه مقدماتی بودند که کانال نفوذی ایجاد کنند و اهداف و مقاصد سودجویانه خویش را برآورده کنند. در این تلاشها شوروی چندان هم بی نصیب نمی ماند و یک سری قراردادهای نظامی و اقتصادی نیز ره آورد این تلاشها بود. جنایات و آدمکشیهای رژیم توسط بلندگوهای تبلیغاتی شوروی به عنوان از بین بردن مرتجعین و کوتاه فکران مخالف ترقی قلمداد می شد. امام در پاسخ خبرگزاری رویتر که پرسیده بود «شما درباره شوروی چه فکر می کنید؟ فرموده بودند: «شوروی از رژیم شاه حمایت می کند، حتی نمایندگانش در سازمان ملل از شاه دفاع کرده اند. شوروی چون آمریکا و انگلیس برای بلعیدن سرمایه های ایران دست به هر جنایتی زده و می زند». تداوم این سیاستها یعنی فداکردن مصالح ملتها و خلقها در قبال سودجویی صرف و ایجاد سلطه در قلمرو کشورهای اسلامی و جهان سوم تمام حیثیت روسها و ادعاهای طرفداری از خلقهای تحت سلطه را به زیر سؤال می برد و چهره پلید و استعمارگر آنها را بر جهانیان روشن می کند. امام در برابر سؤالی در مورد تعویض لحن مطبوعات شوروی در مور اینکه اوضاع ایران به وضوح بهم خورده به

صراحت پرده از سیاستهای فرصت طلبانه شوروی برداشته و روش آنها را در قبال اوضاع ایران و سیاست کلی روسها بیان می‌کنند و می‌فرمایند:

«شوروی با سیاستهای فرصت طلبانه خود در بسیای از جاها حیثیت خود را از دست داده است و او به خیال این است که همیشه می‌توان از آب گل آلود استفاده کرد. ما دست سودجویان شوروی را از ایران قطع خواهیم کرد... شوروی با روشی که در پیش گرفته است و ملل مسلمان را به زیر سلطه خویش درآورده است، دیگر حتی شایستگی دعوی طرفداری از مظلومیت و مخالفت با استثمار را نیز ندارد.»

با شروع تظاهرات و آغاز حرکت‌های کوبنده است مسلمان بر علیه حضور آمریکا و ماهیت ضداسلامی رژیم، ایران از دو سو کانون عمده توجه خارجی قرار گرفت. یکی آمریکائیه‌ها که در جهت بقای خویش مذبحخانه تلاش می‌کردند و دیگر روسها که می‌خواستند از این میان آنچه بهتر منافع آنان را تأمین می‌کند برگزینند. عدم شناخت صحیح از ماهیت انقلاب اسلامی همان گونه که آمریکا را تا مدت‌های مدید در گنجی و بلانکلیفی و عدم ارائه تحلیل صحیح از اوضاع کشاند روسها را نیز در محمصه‌ای قرار داد که حتی تا حوالی ۲۲ بهمن نیز قادر به موضع‌گیری مشخص در برابر جریان‌ات موجود در ایران و نقش عظیم مذهب در انقلاب و رهبری سازش‌ناپذیر امام نبودند، ولی در زمستان ۵۷ چون دیدند که حزب روسی توده به خاطر یک عمر خیانت و جنایت در ایران اعتبار خود را از دست داده و گروه پیشرفته سیاسی دیگری نیز وجود ندارد که بتواند تشکیلات سیاسی منسجمی که قادر به مقابله با توده مسلمان و رهبری آن و آماده کار با روسها باشد ایجاد نماید، به ناچار تصمیم گرفتند به ظاهر انقلاب را بپذیرند و مواضع ضدامپریالیستی آن را تأیید کنند البته به این امید که با فرصت‌طلبی در آینده بتوانند با اتکاء بر این موضع‌گیری جای پای برای خویش باز کنند. سیر وقایع و برخوردهای قاطع رهبر انقلاب در مواجهه با سیاستهای ابرقدرتها اعم از شرقی و غربی که تداوم شعار امت مسلمان بود و همچنین تضاد آشفتنی‌ناپذیر اسلام با استکبار در تمام چهره‌هایش باعث شد که شوروی در ظاهر تحت پوشش مخالفت با دولت موقت و ایجاد روابط با آمریکا و در باطن به خاطر احساس خطری که از گسترش تفکر اسلامی داشت میزان حمایت زبانی و تبلیغاتی خود را تحت شرایط و اوضاع روز به نوسان درآورد.

با استقرار جمهوری اسلامی و قطع دست امپریالیسم و ایادی آن از میهن اسلامی، عظیم‌ترین پایگاه‌های جاسوسی آمریکا که بر علیه شوروی از خاک ایران فعالیت می‌کردند برچیده شد و شبکه عظیم سیا در ایران که بخش عمده‌ای از آن به فعالیت‌های ضدروسی می‌پرداختند از بین رفت. در پی این فرصت گرانبها، شوروی که در طی قرون متمادی آرزوی دستیابی به آبهای خلیج و منابع سرشار ایران را در سر می‌پروراند با اتخاذ سیاستهای مذذب و در ظاهر طرفداری از جمهوری اسلامی سعی بر آن داشت تا گروه‌های وابسته به مسکو را رشد داده و در موقع مقتضی با استفاده از تاکتیکهای خاص خویش آنها را به حاکمیت برساند. از وفادارترین گروه‌های طرفدار مسکو حزب توده با سابقه طولانی خیانت بود که برخلاف اکثر نیروهای چپ که متناسب با شرایط سیاسی و اجتماعی شیوه‌ها و تاکتیکهای گوناگون اتخاذ می‌کردند، همواره از یک موضع‌گیری سیاسی و تبلیغاتی استفاده می‌کرد که از سوی کرملین انشاء می‌شد. با اتخاذ سیاست همگانی با جمهوری اسلامی، این گروه گذشته از پیروی از سیاستهای کرملین در پی آن بود که ازدگی و نفرت مردم را نسبت به اعمال این حزب و کمونیستها کاهش دهد.

با وجود دسایس و فریبکاریها از جانب استکبار جهانی و ابرقدرتها، انقلاب اسلامی، پویا و پرتوان به

پیش می‌رود و نقاب تزویر از چهره تمام سیاستهای به ظاهر خیرخواهانه و در اصل غارتگرانه ابرقدرتها برمی‌دارد و بانگ رهایی خلقها را از سلطه شرق و غرب سر می‌دهد و می‌رود تا نویدبخش مستضعفانی باشد که برای رهایی خویش از سلطه ابرقدرتها راه استقلال و آزادی را برگزیده‌اند و امید به حمایت شرق و غرب را از افکار خویش زدوده‌اند.

پیش از آنکه به تشریح اسناد این مجموعه پرداخته شود بخشی از پیام امام به طبقات مختلف مردم در ۱۳ صفر ۱۳۹۳ آورده می‌شود تا همانگونه که چراغی فرا راه آینده این ملت شد نوری باشد روشنگر راه رهایی مستضعفان تحت سلطه از چنگال استعمارگران.

«بیدار شوید و خفتگان را بیدار کنید، زنده شوید و مردگان را حیات بخشید و در تحت پرچم توحید برای درهم پیچیدن دفتر استعمار سرخ و سیاه خود فروختگان بی‌ارزش فداکاری کنید. این نفتخواران بی‌شرف و عمال بی‌حیثیت آنها را همانند زباله از کشورهای اسلامی بیرون ریزید، از جشنهای پایان‌ناپذیر آنها که در حقیقت چراغهایی است که در گورستان می‌افروزند دوری نمائید. امید است شما عزیزان من مرگ استعمار و عمال آن را به زودی بگیرید، اگر ما پیران نبینیم شما جوان‌ها ببینید...»

اسناد مربوط به شوروی در چند جلد تدوین شده که شامل ۴ بخش عمده است.

بخش اول مشتمل است بر:

۱- گزارشات و اطلاعات بیوگرافیک در مورد شخصیت‌های سیاسی و مأموران دیپلماتیک شوروی: هدف عمده از جمع‌آوری این بیوگرافیک کسب اطلاعات راجع به افراد روسی مأمور بهکار و ارزیابی نقاط قوت و ضعف آنها و در صورت امکان بکارگیری و رشد آنها در جهت مقاصد اطلاعاتی و جاسوسی و یا بهره‌برداری سیاسی است.

۲- شرح ملاقاتها و مذاکرات مأمورین سفارتخانه‌های آمریکا و شوروی. اهداف عمده این ملاقاتها صرف‌نظر از جنبه تهیه بیوگرافی، ارزیابی و به دست آوردن مواضع روسها نسبت به مسائل جاری ایران و جهان و همچنین کسب اطلاعات راجع به مسائل داخلی شوروی و رخدادهای دیپلماتیک می‌باشد. نکته نهفته در این ملاقاتها جدای از محتوای سیاسی مورد گفتگو واقع شده وقاحت در پرونده پوشی، دروغ‌گویی و نادیده گرفتن مصائبی است که از سیاستهای استعمارگرانه این دو ابرقدرت بر ملل محروم وارد می‌شود و تمام جنبه‌های انسانی را در چهارچوب روابط فیما بین و توجیحات سیاسی به مسخره می‌گیرد.

۳- مسائل و درگیریهای امنیتی رژیم پهلوی با شوروی و عملیات جاسوسی آنها در ایران و ارسال اطلاعات از وی آمریکا در مورد جاسوسان روسی شغال در ایران به ساواک و شاه

۴- بررسی و ارزیابی تحولات اقتصادی و نظامی و سیاسی بین ایران و شوروی قبل و بعد از انقلاب اسلامی و موضع ایران نسبت به این تحولات

۵- تشریح وضعیت سلطه سیاسی و نظامی شوروی در جهان و به ویژه اقیانوس هند و اطلس. این اسناد بیشتر به تشریح تلاشها، موفقیتها و ناکامیهای شوروی در عرصه رقابت با آمریکا می‌پردازد. از جمله این اسناد، سندی است با موضوع «موضع شوروی در جهان سوم» که به بررسی وضعیت شوروی، میزان نفوذ و مشارکت نظامی - سیاسی آنها در کشورهای آفریقائی (موزامبیک، اتیوپی و آنگولا)، عراق، افغانستان، خلیج فارس و غیره می‌پردازد. محتوی این سند تشابه هدفهای امپریالیستی روسها با آمریکاها را نشان

می‌دهد، البته سند مربوط به وضعیت روسهاست ولی آگاهی ملتهای جهان سوم از میزان تسلط آمریکا بر کشورهایشان راهنمای این مقایسه است.

۶- تأثیر انقلاب اسلامی بر روند تفکرات و موضعگیریهای روسها نسبت به ایران و تأثیر این امر بر ملیتهای مسلمان شوروی

بخش دوم شامل ۳ قسمت است:

۱- نگرشی بر صنعت نفت و گاز و خطوط لوله گاز شوروی: این اسناد حاصل فعالیتهای اطلاعاتی جاسوسان سیا در بخشهای مربوط به تکنولوژی و صنایع است که تحولات صنعتی و تکنولوژیکی شوروی را زیر نظر دارد. جزوهای فوق مشتمل بر وضعیت نفت، گاز، کیفیت محصولات، نیازهای تکنولوژیکی و تجهیزاتی، کمبودها و نقصانهای روسها در راهاندازی این صنایع می‌باشد.

۲- گسترش اقتصادی سیبری: این جزوه نیز حاصل تلاش جاسوسان سیا برای دستیابی به اطلاعات صنعتی و تکنولوژیکی است و شامل وضعیت منابع طبیعی سیبری و کیفیت و وضعیت صنایعی که در این رابطه در سیبری فعالیت می‌کند می‌باشد.

۳- تعدادی اسناد در رابطه با روابط ایران و شوروی و همچنین کشورهای بلوک شوروی در ابعاد اقتصادی، نظامی و مبادلات آموزشی و فرهنگی است.

بخش سوم - این بخش نیز به طور عمده شامل سه قسمت است:

۱- یکی جزوه که توسط سیا گردآوری شده تحت عنوان «عملیات اطلاعاتی شوروی علیه آمریکائیا» که به طور کلی بیانگر تلاشهای اطلاعاتی شوروی برای بدست آوردن اطلاعات مخفی از طریق بکارگیری آمریکائیا و رخنه در تأسیسات آمریکا در خارج و ذکر شواهد و مثالهایی از این گونه فعالیتهای می‌باشد. شیوه و عمل و روشهایی که روسها در کسب اطلاعات به کار می‌برند همچنین هدفها و آماجهای آمریکایی و تشریح وضعیت کلی شهروندان آمریکا در خارج از آن کشور در این جزوه مورد بحث قرار گرفته است.» سند دیگری مشابه سند قبل نیز تحت موضوع «توجیه‌های امنیتی - خلاصه پرونده‌های اخیر و مهم SAS» وجود دارد که ذکر شواهدی است از عملیات اطلاعاتی روسها علیه آمریکائیا.

۲- چند سند در رابطه با دستورالعملها. ضوابط امنیتی و شغلی است که از سوی مقامات آمریکایی برای تماس و نحوه آن با مأموران دیپلماتیک یا غیر دیپلماتیک شوروی و کشورهای بلوک کمونیست تهیه شده است.

۳- سه پرونده از اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی (یعنی تنها واحدی از وزارت دفاع آمریکا در ایران که کار تحقیقاتی امنیتی انجام می‌داد و مسئول امنیت نظامیان آمریکایی و تهیه پوشش ضداطلاعاتی دفاعی برای شرکتهای آمریکایی پیمانکار پروژه‌های نظامی و کمک ضدتروریستی به آنها بوده است) می‌باشد. این پرونده‌ها متعلق به اشخاصی به نام بیل کرین، لاری جیل و چند نمونه دیگر می‌باشد که کلاً متضمن مطالبی در شرح فعالیتهای جاسوسان آمریائی برای بکارگیری اطلاعات افراد روسی و ارتباط این اداره با سیا است. همچنین چند سد رشته بازسازی شده می‌باشد که متعلق به بخش سیا در سفارت

آمریکا بوده و شامل اطلاعات متفرقه‌ای است که سیا در مورد افراد روسی و اطلاعات اخذ شده از آنان تهیه کرده است. در ضمن سند دیگری با عنوان شوروی و اروپای شرقی موجود است که شرح تلاش‌های ماهواره‌ای جاسوسی آمریکا و اطلاعات نظامی بدست آمده از این تلاش می‌باشد.

بخش چهارم - این بخش شامل ۲ قسمت عمده است

۱- تعاریف مصطلح و اهداف عملیاتی به نام پناهندگان خارجی. این اسناد پرده از چهرهٔ پرفریب و سالوس ابرقدرتها به ویژه آمریکا در رابطه با پناهندگان سیاسی و تبلیغات و ریاکاریهای این رژیمها برای فریب مردم خود و مردم جهان برمی‌دارد. ایجاد انگیزه در مأموران و صاحب منصبان و تبعه‌های کشورهای کمونیست یعنی چین، شوروی و بلوک شوروی برای بهره‌برداری اطلاعاتی در درجه اول و استفاده روانشناسانه و به بیانی دیگر بهره‌برداریهای تبلیغاتی و سیاسی در مرحله دوم و کلیه روشها و دستورات عملیاتی که بر اساس آن واژه‌ای به نام پناهندگی شکل گرفته در این اسناد منعکس است.

۲- دستورهای اجرایی، فرمها و مکالمات کتبی مورد لزوم به زبانهای انگلیسی، چینی و روسی و ابلاغ و ارسال آنها به واحدهای مربوطه مستقر در سفارتخانه‌های آمریکا برای برخوردی حساب شده و جذب کننده با پناهندگان و همچنین روشهای ایجاد تماسهای اضطراری اعم از کاربن نویسی یا مکالمات تلفنی یا ملاقاتهای مخفی از جمله مواد مندرج در این بخش از اسناد است.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

سند شماره (۱)

شوروی

خشکی

۲۲۲۷۴۰۰۰ کیلومتر مربع، ۹/۳٪ زیر کشت، ۳۷/۱٪ جنگل و بوته‌زار، ۲/۶٪ شهری، صنعتی و ترابری، ۱۶/۸٪ مراتع و یونجه‌زارهای طبیعی، ۳۴/۲٪ کویر، باتلاق و یا لم‌بزرع. طول مرزهای خشکی ۲۰۶۱۹ کیلومتر.

آبها

محدوده قلمرو آبی: ۱۲ میل دریایی (محدوده ماهیگیری ۲۰۰ میل دریایی). خط ساحل: ۴۶۶۷۰ کیلومتر (شامل ساخلین)

مردم

جمعیت: ۲۶۳۸۱۸۰۰۰ نفر (ژوئیه ۱۹۷۹)، میانگین میزان رشد سالانه ۰/۹٪ (جاری)

ملیت: نام - روسی، صفت - روس

تقسیمات نژادی: ۷۴٪ اسلاو، ۲۶٪ متشکل از ۱۷۰ گروه نژادی مختلف.

زبان: بیش از ۲۰۰ زبان و لهجه وجود دارد که (حدود ۱۸ تای آنها هر یک بیش از یک میلیون سخنگو دارد)، ۷۶٪ گروه زبان اسلاوی، ۸٪ دیگر گروه‌های هند - اروپایی، ۱۱٪ آلتیک، ۳٪ اورالیایی، ۲٪ قفقازی.

سطح سواد: ۹۸/۵٪ جمعیت (سنین ۹-۹۴)

نیروی کار: غیرنظامی ۱۳۸ میلیون نفر (اواسط سال ۱۹۷۸)، ۲۵٪ کشاورزی، ۷۵٪ صنعت و دیگر حوزه‌های غیر کشاورزی، میزان بی‌کاری گزارش نشده است، کمبود کارگران متخصص و ماهر.

دولت

نام حقوقی: اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی

نوع: حکومت کمونیستی

پایتخت: مسکو

تقسیمات فرعی سیاسی: ۱۵ اتحادیه جمهوری، ۲۰ جمهوری خود مختار، ۶ کری، ۱۲۱ اوبلاست و ۸ اوبلاست خود مختار.

نظام حقوقی: نظام مدنی حقوقی توسط تئوری حقوق کمونیستی تغییراتی یافته است، قانون اساسی تجدید نظر شده در سال ۱۹۷۷ تصویب گردید، لوایح قانونی اساسی تجدید نظر شده در سال ۱۹۷۷ تصویب گردید، لوایح قانونی مورد بررسی حقوقی قرار نمی‌گیرد، تحصیلات حقوقی در ۱۸ دانشگاه و ۴ مؤسسه حقوقی امکان‌پذیر است. مقررات اجباری دادگاه بین‌المللی را نپذیرفته است.

روز تعطیلی ملی: ۷ نوامبر روز انقلاب اکتبر

شعبات: شورای وزیران (مجریه)، دیوان عالی شوروی (مقننه)، دیوان عالی قضائی شوروی (قضائیه). رهبران دولت: لئونید آی. برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و رئیس پرزیدیم دیوان عالی شوروی. آلکسی ان. کاسیگین، سرپرست شورای وزیران شوروی.

شرکت در انتخابات: برای تمام افراد ۱۸ ساله به بالا و مستقیماً و به طور مساوی آزاد است.

انتخابات: انتخابات دیوان عالی شوروی (قوه مقننه - م) هر پنج سال یک بار برگزار می‌گردد که در سال ۱۹۷۹ برای همین دیوان ۱۵۰۰ نماینده انتخاب گردیدند که ۷۱/۷٪ آن اعضای حزبی هستند. حزب سیاسی: حزب کمونیست شوروی تنها حزب مشروع کشور می‌باشد. قدرت آراء (انتخاب سال ۱۹۷۹): ۱۷۴۹۴۴۱۷۳ نفر دارای سنین بالای ۱۸ سال، ظاهراً ۹۹/۹۹٪ رأی داده‌اند. کمونیستها: حدود ۱۶ میلیون نفر عضو حزبی.

دیگر گروه‌های سیاسی یا جو ساز: کومسومول، اتحادیه‌های تجاری و دیگر سازمانهایی که کنترل و نظارت کمونیستی را سهولت می‌بخشند. عضویت در سازمانهای بین‌المللی: شورای کمک اقتصادی دو جانبه، کنفرانس خلع سلاح ژنو، آژانس انرژی اتمی بین‌المللی، سازمان هواپیمایی بین‌المللی مدنی، شورای بین‌المللی اکتشاف دریایی، سازمان بین‌المللی کار گروه تحقیق بین‌الملل سرب و زینک، سازمان مشاوره دریایی بین دولتی، اتحادیه پست جهانی، سازمان تحقیقات استاندارد بین‌المللی ITC، اتحادیه تجاری بین‌المللی، کمیسیون بین‌الملل صید نهنگ، شورای غله بین‌الملل، سازمان ملل، یونسکو، اتحادیه جهانی پست، پیمان ورشو، سازمان بهداشت جهانی WPIO، سازمان جهانی هواشناسی، WTO. اقتصاد

تولید ناخالص ملی: ۱۰۶۶/۵ میلیارد دلار (۱۹۷۸) با در نظر گرفتن قیمت‌های آمریکا (در سال ۱۹۷۷)، ۴۰۸۰ دلار تولید ناخالص سرانه، درصد سهام در سال ۱۹۷۸ عبارت بودند از ۵۶٪ مصرف، ۳۴٪ سرمایه‌گذاری، ۱۰٪ بخشهای دولتی و غیره، شامل دفاع (بر اساس تولید ناخالص ملی سال ۱۹۷۰ به روبل)، میانگین میزان رشد سالانه واقعی (۷۷-۱۹۷۱) ۳/۸٪ میانگین میزان رشد سالانه (۷۸-۱۹۷۶) ۳/۶٪.

کشاورزی: محصولات غذایی عمده - غله (به خصوص گندم)، سیب‌زمینی، مهمترین محصولات صنعتی - قند، پنبه، تخم آفتابگردان و الیاف کتان به میزان خودکفایی، بستگی به نوسانات برداشت محصول دارد. کالری مصرفی ۳۲۵۰ کالری روزانه برای هر نفر در سالهای اخیر. ماهی‌گیری: میزان صید ۹/۷ میلیون تن (۱۹۷۷)، صادرات ۴۰۳۸۰۰ تن (۱۹۷۷)، واردات ۳۲۵۰۰ تن (۱۹۷۷).

صنایع مهم: صنایع تولید سرمایه بسیار پیشرفته و متنوع، صنایع کالاهای مصرفی در مقایسه چندان پیشرفته نیست.

کمبودها: لاستیک طبیعی، بوکسیت و آلومینیوم، تانتالیم، قلع، تنگستن، فلورواسپار، و مولیبدن. فولاد خام: ۱۶۳ میلیون ظرفیت تولید تا یکم ژانویه ۱۹۷۹، در سال ۱۹۷۸ معادل ۱۵۱ میلیون تن تولید گردیده، که سهم تولید سرانه ۵۷۸ کیلوگرم می‌باشد. نیروی برق: ۲۴۹۵۰۰۰۰۰ کیلووات ظرفیت (۱۹۷۸)، ۱۲۰۲، میلیارد کیلووات ساعت تولید شده (۱۹۷۸)، ۴۵۸۰ کیلووات ساعت سهم سرانه.

صادرات: ۵۲۳۹۲/۶ میلیون دلار (با احتساب هزینه حمل تا مقصد، ۱۹۷۸)، سوخت (به خصوص مواد نفتی و مشتقات آن)، فلزات، محصولات کشاورزی (الوار، غله)، و انواع کالاهای پیش ساخته (به خصوص کالاهای صنایع سرمایه‌ای).

واردات: ۵۰۷۹۴/۸ میلیون دلار (با احتساب هزینه حمل تا مقصد ۱۹۷۸)، ماشین‌آلات و تجهیزات ویژه

و پیچیده، الیاف نساجی محصولات مصرفی، محصولات محصولات فولاد، (به خصوص لوله‌های قطور) و هرگونه کمبود در تولید داخلی (از قبیل، گندم وارداتی پس از برداشت محصول نه چندان خوب داخلی). طرفهای مهم تجاری: ۱۰۳/۲ میلیارد دلار (کل منافع سال ۱۹۷۸)، ۶۰ درصد تجارت با کشورهای کمونیستی، ۲۸٪ با کشورهای صنعتی غرب و ۱۲٪ با کشورهای رو به رشد.

کمک: اقتصادی - ۳۷۰۷ میلیون دلار کل کمکهای اقتصادی ارائه شده به کشورهای رو به رشد (۱۹۷۸)، کل کمکهای اقتصادی (۷۸-۱۹۵۷)، ۱۷/۱ میلیارد دلار: نظامی - کل کمکهای ارائه شده (۱۹۷۸)، ۱/۸ میلیارد دلار.

نرخ رسمی تبدیل ارز: ۰/۶۸۱۱ روبل = یک دلار آمریکا (میانگین تبدیل در سال ۱۹۷۸). سال مالی: سال تقویمی.

ارتباطات

راه آهن: جمعاً ۱۴۰۵۰۴ کیلومتر؛ ۱۳۸۶۷۱ کیلومتر ریل پهن (۱/۵۲۴ متر)؛ ۱۸۳۳ کیلومتر ریل باریک (۰/۷۵۰ متر)؛ ۱۱۰۰۱۵ کیلومتر ریل پهن تک ریل؛ ۴۰۹۴۱ کیلومتر راه آهن برقی؛ این آمار خطوط راه آهن صنعتی را در برنمی‌گیرد (۱۹۷۸).

شاهراهها جمعاً ۱۵۶۴۰۰۰ کیلومتر؛ ۳۲۲۰۰۰ کیلومتر آسفالت‌ه بتونی و یا بلوکهای سنگی، ۳۷۲۰۰۰ راههای آبی داخل خشکی، ۱۴۶۴۰۰ کیلومتر به استثناء دریای خزر (۱۹۷۹).

خطوط لوله: ۵۷۰۰۰ کیلومتر نفت خام؛ ۱۳۰۰۰ کیلومتر محصولات - پالایش یافته؛ ۱۱۵۰۰۰ کیلومتر گاز طبیعی.

بنادر: ۵۲ بندر بزرگ (که مهمتر از همه؛ لینگراد، مورمانسک، اودسا، نووروسیک، ایلی شوسک، ولادی وستوک، ناخودکا، آرخانگلسک، ریگا، تالین، کانسیگراد، لیباجا، ونتسپلیز، نیکولایف، سواستوپول)؛ ۱۱۶ بندر کوچک منتخب. مهمترین بنادر داخل: روستوف، ولگوگراد، گورکیف، خاباروسک، کیف و مسکو (۱۹۷۹).

میزان بار حمل شده: راه آهن - ۳۷۵۸ میلیون تن، ۳۴۲۶ میلیارد تن بر کیلومتر (۱۹۷۸)؛ شاهراهها - ۲۲/۷ میلیارد تن ۳۸۰ میلیارد تن بر کیلومتر (۹۷۷۰٪)؛ راههای آبی - ۵۲۰ میلیون تن، ۲۳۱ میلیارد تن بر کیلومتر به استثناء دریای خزر که دارای ۱۶۰۰۰ وسیله باربری آبی به ظرفیت ۷۰۰۰/۰۰۰ میلیون تن می‌باشد (۱۹۷۸).

ناوگان تجاری: ۱۷۳۷ کشتی (۱۰۰۰ تن ثبت شده و بیشتر) و با تناژ ثبت شده کلی ۱۳۵۰۴۸۰۰ و تناژ کامل ۱۸۶۷۶۴۰۰، شامل ۶۹ کشتی مسافربری، ۱۲۰۱ باربری، ۱۹ کانتینر، ۳۶ باربری غول آسا، ۲۹۱ تانکر، ۸ کشتی مخصوص حمل گاز مایع، ۹۳ کشتی باربری بزرگ ۸ کشتی مخصوص حمل نفت / سنگ آهن، ۱۲ کشتی هواپیما بر ویژه، ۶۴۶ کشتی تجاری در دریای سیاه، ۳۹۲ کشتی در دریای بالتیک، ۴۴۵ کشتی در بخش خاور دور و شوروی، و ۲۴۴ کشتی دربارنتس / دریای سفید مستقر شده است (خیلی محرمانه).

هواپیمایی کشوری: ۱۲۵۱ هواپیمای بزرگ حمل و نقل (۱۹۷۷) سرتی.

فرودگاهها: جمعاً ۳۵۳۵ فرودگاه، ۷۶۵ فرودگاه دارای باند پرواز دائمی، ۵۵ فرودگاه با باندهای بیش از ۳۵۰۰ متر، ۳۸۷ فرودگاه با باندهای ۳۴۹۹-۲۵۰۰ متر، ۱۰۷۸ فرودگاه با باندهای ۲۴۹۹-۱۰۰۰ متر،

۲۰۱۵ فرودگاه با باندهای کمتر از ۱۰۰۰ متر، ۳۷ فرودگاه مخصوص هلیکوپتر (سری).
ارتباط راه دور: سیستم ارتباط داخلی و بین‌المللی نسبتاً مدرن جهت استفاده دولت، ۱۹/۳ میلیون
شماره تلفن، حدود ۳۷۰۰۰ تبدیل تلفن، ۸۳۱۰۰ دفتر تلگراف اصلی و شعبه‌ای، حدود ۱۳۵ شبکه انتشار
رادیویی ۱/ ام، ۲۸۰ ایستگاه اف-ام و ۴۰۰۰۰ ایستگاه انتشاراتی با سیم، ۵۹/۸ میلیون رادیو و ۵۶
میلیون گیرنده رادیویی با سیم، ۱۶۲۰ ایستگاه تلویزیونی و ایستگاه رله تلویزیونی، ۵۵ میلیون گیرنده
تلویزیونی (خیلی محرمانه)

نیروهای دفاعی (سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان)
نیروی انسانی نظامی، مذکر، ۱۵-۴۹ ساله، ۶۷۹۸۲۰۰۰ نفر، ۵۴۲۲۰۰۰۰ نفر مناسب برای خدمت
نظامی، ۲۳۶۷۰۰۰ نفر سالانه در سن ۱۷ سالگی آماده خدمت در ارتش می‌شوند. (خیلی محرمانه)
پرسنل: (تقریبی تا مارس ۱۹۷۹) ۲۴۵۳۴۰۰ نفر نیروی زمینی، ۴۲۴۱۰۰ نفر نیروی دریایی (به
استثناء گارد مرزی دریایی)، ۵۱۳۲۰۰ نفر نیروی هوایی، ۳۴۴۶۰۰ نفر نیروهای موشک
انداز استراتژیک، ۶۲۵۷۰۰ نفر نیروهای پدافند هوایی، ۴۷۰۲۰۰ نفر نیروهای شبه نظامی، توزیع این
نیروها به ترتیبی که با برنامه دفاعی آمریکا به جای بافت نظامی شوروی تطابق داشته باشد، به شرح زیر
است:

تخمین کل نیروهای نظامی و شبه نظامی (سری)

۱۳۰۷۳۰۰	فرماندهی و پشتیبانی عمومی
۱۶۹۳۰۰۰	نیروهای زمینی ویژه
۳۰۸۳۰۰	نیروهای دریایی ویژه
۲۹۷۸۰۰	نیروهای هوایی ویژه
۲۶۷۴۰۰	نیروهای تهاجمی استراتژیک
۴۹۸۹۰۰	نیروهای دفاعی استراتژیک
۱۵۹۵۰۰	نظامیان مرزی
۲۹۹۰۰۰	نظامیان داخلی
۴۸۳۱۲۰۰	جمع

تخمین کل نیروهایی که در ۵ سال گذشته به صورت ذخیره درآمده‌اند. (سری)

۲۴۱۵۰۰۰	فرماندهی و پشتیبانی عمومی
۳۲۱۰۰۰۰	نیروهای زمینی ویژه
۵۰۰۰۰۰	نیروهای دریایی ویژه
۵۶۵۰۰۰	نیروهای هوایی ویژه
۵۶۰۰۰۰۰	نیروهای تهاجمی استراتژیک
۹۲۵۰۰۰	نیروهای دفاعی استراتژیک
۲۹۵۰۰۰	نظامیان مرزی
۵۱۰۰۰۰	نظامیان داخلی
۸۹۸۰۰۰۰	جمع

واحدهای مهم نیروی زمینی: نیروهای زمینی ویژه - ۲۴ ارتش، ۱۰ سپاه، ۱۷۳ لشکر، به اضافه ۱۲ لشکر توپخانه، ۱۵۰ تیپ، ۲۵۰ هنگ و بسیاری واحدهای پشتیبانی رزمی دیگر (سری) ناوهای نظامی: زیر دریایی، ۷۰ زیر دریایی اتمی حامل موشک‌های، بالستیک، ۱۶ زیر دریایی حامل موشک‌های بالستیک، ۴۴ زیر دریایی اتمی موشک‌انداز، ۲۴ زیر دریایی تهاجمی موشکی، ۴۵ زیر دریایی اتمی تهاجمی، ۱۴۴ زیر دریایی تهاجمی، ۴ زیر دریایی ساحلی، یک زیر دریایی کمکی، ۴ رادارای، ۴ زیر دریایی آموزشی.

ناوهای جنگی سطح آب: ۲ ناو هواپیما بر VTDL دارای موشک‌های هدایت‌شونده، ۲ ناو حامل موشک‌های هدایت‌شونده، ۲۵ ناو حامل موشک‌های هدایت‌شونده دوربرد، ۱۰ ناو حامل موشک‌های سبک دوربرد، ۳۲ ناو شکن حامل موشک‌های هدایت‌شونده، ۳۶ ناو شکن، ۲۴ ناوچه حامل موشک‌های هدایت‌شونده، ۱۰۴ ناوچه سبک، ۱۲۳ ناوچه گشتی رزمی، ۹۶ ناو جنگی دوزیستی، ۱۶۲ ناو مین‌یاب، ۴۴ ناوچه کشتی ساحلی و رودخانه‌ای، ۸۲ ناوچه ضد جنگ افزارهای دوزیستی، ۲۳۸ ناوچه مین‌یاب، ۸۴ ناو دافع، ۶۶ ناو پشتیبانی، ۱۳۵ ناو پشتیبانی ناوگان، ۴۵۷ ناو کمکی دیگر (سری)

هواپیماهای نظامی: ۱۵۱۲۵ واحد عملیاتی، تعداد هواپیما نسبت به هر نیرو به شرح زیر است: هواپیماهای دور برد ۸۶۹ فروند (۲۳۹ بمب افکن دوربرد، ۶۳۰ بمب افکن میان برد). بخش هوایی دفاع هوایی، ۲۶۵۳ جنگنده، ۹ بخش هشدار دهنده و نظارت هواپرد، بخش هوایی تاکتیکی شوروی، ۴۵۳۸ هواپیمای رزمی (۳۷۵۰ جنگنده، ۱۰۶ بمب افکن برد متوسط، ۶۳۳ هواپیمای شناسایی، ۴۹ هواپیمای جنگ‌های الکترونیک). بخش هوایی نیروی دریایی، ۱۱۲۱ بمب افکن، ۵۱۱ بمب افکن / تانکر / شناسایی میان برد، ۷۱ فروند جنگنده و بمب افکن جنگنده، ۳۷۵ فروند هواپیمای ضد زیر دریایی شامل ۲۰۳ هلیکوپتر، ۷۷ هواپیمای مختلف آموزشی، نیروی پشتیبانی هوایی: ۵۹۳۵ هواپیمای ترابری و هلیکوپترها: (ترابری: ۱۶۳۵ فروند است که ۱۱۹ فروند آن دو برد و ۹۰۵ فروند آن میان برد، و ۶۱۱ فروند آن کوتاه برد می‌باشد) هلیکوپترها: ۴۳۰۰ فروند (۲۰۳۳ رزمی تهاجمی، ۲۲۶۷ اداری و رابط) (سری) موشک‌های دفاعی: تاکتیکی - حدود ۳ گردان سام - ۲، ۳۷ گردان سام - ۳، ۱۳۵ گردان سام - ۴، ۴۰، ۴، ۱۳، ۶، ۸ در نیروهای رزمی شوروی و نیروهای آن در آلمان شرقی، چکسلواکی، مجارستان، لهستان و مغولستان به کار گرفته شده است. در هنگ مائوری نیز حدود ۲۲۵ واحدهای سام - ۹ و ۲۰۰۰۰ واحد موشک‌های سام - ۷ موجود است. بعضی از این سیستم‌های سام می‌توانند نیروهای ملی پدافند هوایی را در موقع بروز بحران تقویت نماید. استراتژی کل نیروی موشکی دفاعی عبارت است از ۹۹۹ سکوی موشکی زمین به هوا (۱۲۱۷۲ ریل پرتاب)، ۵۶ سکوی پرتاب سام - (۳۲۴۲ ریل پرتاب) که تنها در مسکو مستقر گردیده است ۴۸۱ سکوی سام - (۲۸۸۶ ریل پرتاب) دفاع از اهداف استراتژیک و موانع دفاعی کشور را ممکن می‌سازد. ۳۳۷ سکوی سام - (۶۲۸ ریل مضاعف و ۷۲۰ ریل چهار گانه) و ۴۱۳۶ ریل پرتاب نیز برای پوشش دفاع هوایی کم ارتفاع به کار گرفته شده است.

۱۲۵ مجتمع سام - (۱۹۰۸ ریل پرتاب) دفاع از موانع و مناطق حیاتی دفاعی سرتاسر شوروی را به عهده دارند. ۸ سکوی موشک ۱- ABM (۶۴ سکوی پرتاب) نیز در اطراف شهر مسکو مستقر گردیده است. (سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان)

موشک‌های تهاجمی استراتژیک: حدود ۱۴۰۰ موشک انداز ICBM و حدود ۶۰۰ موشک انداز

MR/IRBM (سری) تسلیحات اتمی: نیاز اصلی نیروهای شوروی را تأمین می‌کند. (خیلی محرمانه)
تدارکات: نیاز داخلی خود را به طور کامل تأمین می‌کند و انواع جنگ افزارها را نیز جهت صدور تولید می‌نماید. کشورهای عضو پیمان ورشو بخش اعظم کشتیهای دوزیستی و کمکی و نیز آموزشی و هواپیماهای سبک را تأمین می‌نمایند.
بعضی از نفربرهای زرهی سبک به عنوان یک اقدام اقتصادی از کشورهای اروپایی شرقی تأمین می‌گردد. (خیلی محرمانه)

بودجه نظامی (اعلام شده): برای سال مالی که در ۳۱ دسامبر ۱۹۷۹ پایان می‌یابد تنها رقم ۱۷/۲ میلیارد روبل منتشر شده است. این رقم به دلایل سیاسی تحریف شده و تنها میزان ناچیزی از بودجه نظامی را در بر می‌گیرد، هزینه کل فعالیتهای نظامی به استثناء مستعمره‌ها در سال ۱۹۷۸ معادل ۱۴۶/۵۵ میلیارد دلار بوده است (با در نظر گرفتن نرخ تبدیل دلار در سال ۱۹۷۸). (سری)
امنیت و اطلاعات:

کمیته امنیتی دولت (کا.گ.ب): داخلی / خارجی، سرپرست اداره اطلاعات، ستاد عمومی وزارت دفاع، مجمع گردآوری اطلاعات در خارج، نیروی ارتشی نیز عناصر اطلاعاتی جهت گردآوری اطلاعات رزمی دارند، وزارت امور داخلی، آژانس پلیس عمومی، نظامیان داخلی، نیروهای آتش نشانی، زندانها و اردوگاهها. (سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان)

سند شماره (۲)

پست هوایی سری ۲۰ مارس ۱۹۵۰ - ۲۹ اسفند ۱۳۲۸ تهران ۳۱۱

اطلاعات بیوگرافیک درباره دانیل سیمونوویچ کومیساروف

طبق اطلاعات موجود در نامه هوایی وزارتخانه به شماره ۶۳-۸ و به تاریخ ۲۲ فوریه ۱۹۵۰، آنچه در ذیل آمده در حال حاضر تنها اطلاعات موجود در این سفارتخانه درباره دانیل سیمونوویچ کومیساروف دبیر اول سفارت شوروی، می‌باشد.

سن: حدود ۴۲ سال.

ظواهر فردی: بلند قد، نیمه تاس، رنگ موی قهوه‌ای تیره، رنگ چشم آبی تیره، خوش‌برخورد. شخصیت: ظاهراً دوستانه و خوش‌برخورد است. ایرانیها وی را خیلی دوست دارند می‌گویند در کار خود بسیار تیزهوش، سنگدل و بسیار دقیق است.

شغل قبلی: در جنگ گذشته به عنوان وابسته مطبوعاتی به سفارت شوروی آمد و به طور کلی در امور مربوط به روزنامه و تبلیغات خیلی ماهر است. در مراحل تشکل حزب دموکرات و حکومت ملی آذربایجان وی در تبریز به سر می‌برد. بعداً برای مدتی در رضاییه به عنوان کنسول کار کرد. بنا به گزارشات رسیده در ناحیه رضاییه در میان قبایل کرد کار می‌کرده است.

فعالیتهای کنونی: عنوان شغلی او دبیر اول سفارت در امور مطبوعاتی می‌باشد. ولی واقعیت این است که وی در سلسله مراتب سفارت شوروی موقعیت مهمتری را دارد. بنا به گزارشات رسیده وی در حال مذاکره با مقامات ایرانی ناشناس بوده است تا بلکه بتواند روابط بین ایران شوروی را بهبود بخشد. گفته می‌شود که وی در تجدید سازمان مخفیانه حزب توده دست داشته است.

نکته مهم: وی بدون لهجه به فارسی سخن می‌گوید. جان. سی. وایلی

سند شماره (۳)

تاریخ: ۴ ژوئن ۱۹۶۳ - ۱۴ خرداد ۴۲
از: وزارت امور خارجه
محل کسب اطلاعات: بغداد، مسکو

موضوع: سفیر شوروی در ایران اطلاعات زیر نباید در اختیار ملل بیگانه قرار داده شود.
در پاسخ به تلگرام مرجع، اطلاعات زیر درباره گریگوری تیتوویچ زایتسف که مطبوعات ایران اعلام کرده‌اند قرار است به زودی به جای ن-م پیگف سفیر شوروی در ایران بشود ارسال می‌گردد. زایتسف از سپتامبر سال ۱۹۶۱ تاکنون ریاست بخش کشورهای خاورمیانه‌ای وزارت امور خارجه شوروی را عهده‌دار است و از وی غالباً به عنوان یک دانشمند امور عربی، متخصص در امور اقتصادی، و خبره در قوانین بین‌المللی یاد می‌کنند. وی از سال ۱۹۴۴ در وزارت امور خارجه به سر برده است و به عنوان رئیس هیئت شوروی به انگلیس و جمهوری عراق، و به عنوان سفیر شوروی در هلند انجام وظیفه نموده است. به استثناء سفر اخیر وی بقیه کارهای او در وزارت امور خارجه در امور عربی انجام شده است.
زایتسف که در سال ۱۹۰۲ در مسکو متولد شده بود بنا به گزارشها در انستیتو اقتصاد و انستیتو مطالعات شرق در مسکو به تحصیل پرداخت و در سال ۱۹۳۳ فارغ التحصیل گردید. وی در سالهای ۳۴-۱۹۳۳ بدون تعیین سمت به تهران اعزام گردید. در اوایل ۱۹۳۰ وی در چند کنفرانس اقتصادی شرکت کرد و بعدها در بخش تجارت خارجی خلق شوروی به کار مشغول شد، تا اینکه در سال ۱۹۴۴ به وزارت امور خارجه منتقل گردید و در بخش مربوط به شرق در موقعیت مهمی به کار مشغول گردید. در اواخر همان سال زایتسف به عنوان وزیر به کشور پادشاهی عراق رفت و تا اوت ۱۹۴۸ در آنجا ماند.
بنا به گزارشات رسیده وی در این دوران در گروههای خرابکار عراق به فعالیت پرداخت. همچنین وی علیه اعدام کمونیستهای محلی توسط دولت آشکارا دست به اعتراض زد و اعلام نمود که مقامات شوروی حالت خصمانه حکومت عراق را تحمل نخواهند کرد. زمانی که در اواسط ۱۹۴۸ نام زایتسف را به عنوان وزیر جدید شوروی به مصر ارائه دادند، دولت مصر از قبول تقاضا نامه وی به این دلیل که او در عراق «در دسر درست می‌کرده است» سر باز زد. مسکو نیز مجبور شد به بهانه کسالت شدید از فرستادن زایتسف امتناع ورزد. زایتسف گویا به مسکو بازگشت تا در وزارت امور خارجه به کار مشغول گردد و در دسامبر ۱۹۴۸ عنوان وزیر درجه اول را دریافت نمود. در ۱۹۴۹ زایتسف به سمت سفیر در هلند منصوب گردید و در آنجا به تبلیغ پرداخت و به موازات آن به آزاد سازی زندانیان جنگی هلندی از روسیه پرداخت. در تابستان ۱۹۵۳ هلند را ترک کرده ریاست وزارت امور خارجه در بخش دیارتمان کشورهای خاور نزدیک و میانه را عهده‌دار گشت. در همین مقام زایتسف به همراه شپیلف وزیر امور خارجه در ژوئن ۱۹۵۶ به مصر و سوریه سفر کرد. در اوت همان سال و در کنفرانس لندن پیرامون مسئله سوئز شرکت جست و در اکتبر ۱۹۵۶ به عنوان عضو نمایندگی شوروی در شورای امنیت سازمان ملل جهت شرکت در بحث پیرامون بحران سوئز شرکت نمود. کمی پس از بازگشت به مسکو وی به ریاست بخش کشورهای خاور نزدیک یکی از دو شعبه پادگان کشورهای خاور نزدیک و میانه، به هنگام سازمان دهی دوباره در

۱۹۵۷ رسید. در ژوئیه ۱۹۵۸ وی سفیر شوروی در جمهوری عراق گردید که اولین سفیر شوروی در دولت جدید عراق و رئیس هیئت دیپلماتیک شوروی به این کشور نیز محسوب می‌گردید. زایتسف به فعالیت شدید در امور عراق پرداخت که در آن کارمندان سفارتی بسیار زبده در امور منطقه و عملیات اطلاعاتی وی را یاری دادند. زایتسف تا سال ۱۹۶۱ در عراق بود و پس از بازگشت وی سمت حاضر را دریافت کرد، در دسامبر ۱۹۶۲ وی به عنوان عضو هیئت نمایندگی شوروی به ایران سفر کرد و به مبادله اسناد در رابطه با قرارداد مرزی بین ایران و شوروی با نمایندگان دولت ایران پرداخت. زایتسف که در ظاهر بسیار حرفه‌ای است به عنوان یک فرد خوش سخن و نسبتاً منطقی تعریف می‌شود. دانش او درباره زبان انگلیسی بسیار محدود است ولی او زبان عربی، آلمانی و فرانسه می‌داند و زبان فارسی را خیلی خوب می‌داند. همسرش کلاودیا، دارای شخصیتی اجتماعی و دوستانه و قدری شوخ طبع است؛ او به زبان فارسی و انگلیسی خوب صحبت می‌کند. پسرشان یوری که وارد بیستمین سال شده است در مسکو تحصیل می‌نماید.

سند شماره (۴)

تاریخ: ۶ ژوئن ۱۹۶۳ - ۱۶ خرداد ۴۲

از: هنری آل. دیویس به: دفتر حفاظت منافع و سفارت آمریکا

موضوع: اظهار نظر درباره گریگوری زایتسف

آنچه در ذیل می‌آید گزارشی است از گفتگویی که در تاریخ ۵ ژوئن ۱۹۶۳ بین آقای رضا امینی مشاور روابط عمومی دفتر حفاظت منافع آمریکا و وابسته مطبوعاتی پیشین ایران در مسکو، آقای بهرام بوشهری پور که به اصرار دولت شوروی در سال ۱۹۶۲ مجبور به ترک این کشور گردید صورت گرفته است:

آقای بهرام بوشهری پور امروز صبح به دفتر من آمد تا یک رونوشت از سخنرانی پرزیدنت کندی را که در ۱۱ آوریل ۱۹۶۲ در ضیافت شامی که به افتخار شاهنشاه در کاخ سفید ایراد شده بود دریافت نماید. آقای بوشهری پور درباره مأموریتش در مسکو دارد کتابی تحت عنوان «در شکم خرس» می‌نویسد. این کلمات به وسیله پرزیدنت کندی در اثناء همین ضیافت برای تشریح شرایط سختی که شاه ایران همیشه تحت آن به سر برده است، استفاده شده بود. پرزیدنت گفته است «ما خودمان نیز در شرایط آسانی به سر نمی‌بریم ولی در شکم خرس هم زندگی نمی‌کنیم. ولی او (اشاره به شاه) سالهاست که در شکم خرس به سر می‌برد ولی کشورش هنوز آزاد است».

چون بوشهری پور اطلاعات زیادی درباره فعالیت‌های شوروی در ایران دارد از او پرسیدم که درباره گریگوری زایتسف که می‌گویند سفیر جدید شوروی به ایران است آیا چیزی می‌داند؟ آقای بوشهری پور گفت که او را به خوبی می‌شناسد چون در حین خدمت به عنوان وابسته مطبوعاتی در مسکو چندین بار با وی صحبت کرده است. او چند قطعه کاغذ از جیب خود بیرون کشید و چند تاریخ و اظهار نظر به من داد: گریگوری تیتویویچ زایتسف در سال ۱۹۴۴ وارد وزارت امور خارجه گردید. البته به عنوان وزیر و کار خود را به عنوان معاون رئیس بخش خاورمیانه آغاز کرد. آقای بوشهری پور در ادامه گفت: «چون او صاحب نظر در امور خاورمیانه است و نیز از دانشکده امور باختری دانشگاه مسکو فارغ‌التحصیل شده

بود با سمت وزیر کار خود را آغاز کرد، و گر نه مانند دیگران به عنوان وابسته کارش را شروع می‌کرد». زایتسف در سال ۱۹۴۹-۱۹۴۵ یعنی سالهایی که در آن حزب توده کاملاً متشکل و فعال شده بود در ایران خدمت می‌کرد. در هنگام اقامتش در ایران او ریاست واقعی سفارت شوروی را به عهده داشت و با روشنفکران و روزنامه نگاران منتقد ایران هم تماسهایی چند برقرار کرده بود. زایتسف در سال ۱۹۴۹ به مسکو بازگشت تا به کار خود در بخش خاورمیانه وزارت امور خارجه ادامه دهد تا اینکه در سال ۱۹۵۱ به عنوان سفیر شوروی روانه هلند گردید. در سال ۱۹۵۳ وی ریاست بخش خاورمیانه‌ای را عهده دار گشت. در هنگام عهده‌دار بودن این تصدی وی از مصر، سوریه و لبنان بازدید کرد. در همه مذاکرات بین شوروی و کشورهای عربی شرکت داشت. او همراه شپیلف به مصر رفت و به مذاکره درباره کمکهای شوروی پیرامون سد آسوان پرداخت. بوشهری پور گفت: رفیق زایتسف ید طولانی در تشکل بخشیدن به احزاب سیاسی و ایجاد آشوب دارد. پس از کودتایی که در ۱۹۵۸ منجر به به قدرت رسیدن قاسم در عراق شد، زایتسف نیز به عنوان سفیر شوروی در رژیم جدید به عراق رفت. مأموریتش این بود که یک حزب نیرومند کمونیستی را در عراق ایجاد کند و موفق هم شد. در سال ۱۹۶۱ او به شغل قبلی‌اش یعنی ریاست بخش خاورمیانه بازگشت. در همین حال با ترتیب دادن ضیافت‌های حداقل هفته‌ای یک بار توانست با دیپلمات‌های کشورهای خاورمیانه تماس برقرار سازد. بوشهری پور اظهار داشت: «زایتسف در روسی به معنی مادر خرگوش است ولی او واقعاً یک مارد... است. پس از ورود او به ایران باید منتظر بروز مشکلات و ناراحتی‌هایی باشیم چون او به عنوان یکی از اعضای کومسومول (سازمان جوانان کمونیست) خیلی خوب می‌داند که چگونه افراد ناراضی را یکجا جمع کند و آنها را به صورت یک نیروی مخرب علیه ایران درآورد».

سند شماره (۵)

تاریخ: ساعت ۱۰ صبح ۱۱ سپتامبر ۱۹۶۳ - ۲۰ شهریور ۴۲
از: سفارت آمریکا در تهران
محرمانه
صورت مذاکره
به: وزارت امور خارجه
مکان: دفتر سفیر هولمز
شرکت‌کنندگان: سفیر آمریکا، جان ا. آرمیتاژ - دستیار ویژه سفیر آقای تورینوف - مترجم سفیر شوروی (گریگوری زایتسف)

موضوع: ملاقات دوستان سفیر شوروی

سفیر جدید شوروی آقای گریگوری زایتسف همراه مترجم خود رأس ساعت ۱۰ صبح جهت یک ملاقات دوستانه حضور به هم رسانیدند. حدود ۴۰ دقیقه در اینجا ماند که از این مدت حدود ۳۵-۳۰ دقیقه فقط او صحبت می‌کرد و مدت کوتاهی مکث می‌نمود تا سفیر هولمز پاسخ کوتاهی بتواند ارائه نماید. زایتسف اکثر اوقات به روسی حرف می‌زد و سعی می‌کرد از مترجمش استفاده کند ولی ظاهر قضیه این بود که وی از بسیاری از گفته‌های سفیر هولمز به انگلیسی چیزهایی می‌فهمید. صحبت‌های زایتسف پیرامون چند موضوع دور می‌زد. وی ابتدا پیرامون امضاء قرار داد منع آزمایش‌های هسته‌ای گفتگو کرد و اینکه او نیز در مسکو پیرامون این مذاکره سهیم بوده است. او گفت که این قرارداد گامی مثبت در جهت بهبود روابط آمریکا و شوروی است که امیدوار است بهتر از این هم بشود. و این نکته

را چندین بار در طول صحبت‌های خود تکرار کرد. سفیر هولمز نیز درباره بهبود روابط صحبت کرد و گفت که او نیز تجاری در مذاکرات خلع سلاح دارد و گفت که بهبود واقعی در کاهش تسلیحاتی، مسئله بازرسی دو جانبه را پیش می‌کشد که مسئله‌ای بسیار ضروری است؛ اگر هدف کنترل تسلیحاتی باشد. سفیر شوروی این موضوع را دنبال نکرد و در عوض درباره ضرورت گام‌های میانجی‌گرانه عملی صحبت کرد. وی درباره استفاده از قراردادی در زمینه کاهش یا عدم افزایش بودجه نظامی سخن راند. سفیر زایتسف گفت: تضادهای بین آمریکا و شوروی آن چنان مستقیم نیست که منجر به یک فاجعه بین این دو شود، بلکه این تضاد از جنبه‌های وسیع و کلی برخوردار است. او برای بشریت سخن گفت و اظهار داشت که بودجه را می‌توان به جای استفاده در مقاصد نظامی به منظوره‌های بهتر استفاده کرد.

سفیر شوروی گفت که او و سفیر هولمز البته در وهله اول علاقه‌مند به اوضاع ایران هستند. وی اظهار داشت که امیدوار است، بهبود در روابط آمریکا و شوروی در اینجا هم منعکس شود و دیگر اینکه آمریکا نباید نسبت به بهبود روابط شوروی و ایران حسادت ورزد و به سفیر اطمینان داد که این بهبود روابط «نتایج بدی به همراه» نخواهد داشت. با وجود اینکه، چندین بار سفیر هولمز اظهار داشت که آمریکا خواهان ایجاد روابط بد بین ایران و شوروی نیست و اصلاً نگران بهبود روابط بین شوروی و ایران نمی‌باشد، ولی سفیر شوروی چندین بار این موضوع را تکرار کرد. سفیر شوروی گفت که شوروی خوشحال می‌شود که تداوم و یا افزایش کمک‌های آمریکا به ایران را شاهد باشد، چون باعث می‌شود که مخارج شوروی در ایران کمتر بشود. وی خاطر نشان ساخت «ما جاهای دیگر برای پول خرج کردن داریم.»

سفیر شوروی گفت امیدوار است وی و سفیر هولمز بیشتر یکدیگر را ملاقات کرده به تبادل عقاید و نظرات بپردازند. ممکن است این عقاید و نظریات یکسان نباشند ولی برای ایجاد تفاهم دو جانبه مفید است. سفیر هولمز نیز اظهار داشت که چنین ملاقات‌هایی سودمند و دلخواه می‌باشد.

در مورد مثبت بودن کاهش مخارج نظامی، سفیر زایتسف گفت این گونه کاهش‌های بودجه می‌تواند آمریکا را در مورد مشکل خروج طلای خود یاری دهد، چون این امر نمی‌تواند تا ابد ادامه یابد. سفیر هولمز سعی کرد نظریه سفیر شوروی را مبنی بر اینکه مخارج نظامی مسبب اصلی مشکل خروج طلای آمریکا است، تصحیح نماید و گفت که برای آمریکا مهم نیست که این مشکل حل نشود. ولی سفیر شوروی درباره نظریه خود پافشاری می‌کرد.

در یک نقطه از بحث، سفیر هولمز سهواً به روابط بین شوروی و چین اشاره کرد و سفیر شوروی داوطلبانه به ارائه پاسخ پرداخت. وی گفت برخوردهای سختی بین دو دولت در نظر گرفته است، هر کس هم که قدری شعور داشته باشد این موضوع را می‌فهمد. این برخوردها سبب شده است تا دو دولت مواضع سیاست خارجی خود را روشن سازند. حالا حتی آنها که فکر می‌کرده‌اند که سیاست «همزیستی مسالمت‌آمیز» شوروی تنها یک مانور سیاسی بوده است، باید قبول کنند که برعکس، اساس و پایه سیاست خارجی شوروی را تشکیل می‌دهد.

سفیر شوروی اظهار داشت که شوروی اصرار داشته است که حتی اگر به قیمت از بین رفتن روابط کمونیستی بین چین و شوروی هم تمام بشود این خط مشی را در سیاست خود دنبال نماید. بنابراین دنیا هم باید آگاه باشد که شوروی اهمیتی اساسی برای سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز خود قائل است. در پاسخ به سؤال سفیر هولمز، سفیر شوروی گفت که پکف سفیر پیشین شوروی در اینجا هنوز هم در

مرخصی به سر می‌برد و معلوم نیست به کجا فرستاده شود. زایتسف گفت برژنف در ۱۵ نوامبر به ایران خواهد آمد و شش روز در اینجا به سر خواهد برد. سفیر هولمز گفت در نظر داشته در این تاریخ به مرخصی برود، ولی سعی دارد برنامه خود را تغییر داده حداقل دو روز اول بازدید برژنف از ایران را در اینجا بماند. سفیر شوروی گفت که او کمی با زبان فرانسوی آشناست و در زمان تصدی وی به عنوان ریاست بخش کشورهای خاور نزدیک و میانه در وزارت امور خارجه زبان فارسی را نیز می‌آموخت، ولی فرصت تمرین پیدا نکرده است. ظاهراً او کمی با انگلیسی آشناست ولی درک وی از این زبان بسیار وسیع است.

سند شماره (۶)

تاریخ: ۵ می ۱۵-۶۴ اردیبهشت ۱۳۴۳
از: سفارت آمریکا در تهران
به: وزیر امور خارجه در واشنگتن
در عرشه بن هوم ریچارد، در دوم ماه مه، شاه درباره گفتگویی که با سفیر شوروی انجام داده بود با من صحبت کرد. شاه صحبتش را با انتقاد شدید از ناصر، جاه طلبیها و فعالیتهايش که موجب به خطر افتادن صلح در خاورمیانه بود و خطر جدی را متوجه منطقه می‌ساخت آغاز کرده بود. وی شورویها را به خاطر حمایت از چین فرد در دسرسازی که به عنوان رئیس جمهور جمهوری متحده عربی مسئولیت سرش نمی‌شود به باد انتقاد گرفت. شاه به زایتسف گفت که به نظر وی ناصر مسئول همه تبلیغات عرب علیه ایران است. سفیر شوروی در پاسخ گفته بود که احتمالاً مسئول، ناصر نیست بلکه شرکتها نفتی ممکن است مسئول باشند. شاه گفت که این اظهار نظر «کاملاً بی ربط» است. وی ظاهراً خوشحال بود از اینکه توانسته است با این لحن با سفیر شوروی حرف بزند. هولمز

سند شماره (۷)

تاریخ: ۲ مارس ۱۹۶۶ - ۱۱ اسفند ۱۳۴۴
از: GTE
سری
به: تمامی پستهای دیپلماتیک و کنسولی

موضوع: مربوط به گزارش بیوگرافی مقامات بلوک شوروی

موضوع این بخشنامه بسط دادن دستورالعملهایی می‌باشد که در مآخذ گنج‌نیده شده است و این به خاطر تأکید دوباره بر سر مهم بودن جمع‌آوری بیوگرافیهای گزارش شده در رابطه با مقامات بلوک شوروی می‌باشد. دستورالعملهای مختلف قبلی تأکیدشان بر سر ارزش تماس با مقامات بلوک شوروی بود. این مطلب چندین بار تکرار شده است که این چنین تماسهایی به وسیله کارمندان حوزه‌ای اگر بر مبنای انتخابی باشد و سپس گزارش شود و به طور مرکزی به وسیله پست حوزه‌ای مورد کنترل قرار بگیرد، می‌تواند یک منبع مهم و با ارزش اطلاعاتی باشد. علاوه بر مفید بودن در زمینه‌های اطلاعاتی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و بقیه زمینه‌های مربوط خصوصاً خیلی مهم خواهد بود که به طور کامل از این تماسها استفاده گردد، تا از این فرصتی که دست می‌دهد برای جمع‌آوری اطلاعات بیوگرافی مقامات بلوک شوروی استفاده بشود. به خصوص این نوع اطلاعات در بیشتر قسمتها در منابع اسنادی مورد دسترسی نمی‌باشد در حالی که بیشتر گزارشهایی که نتیجه این تماسها می‌باشد و در گذشته دریافت گردیده است، اطلاعات بیوگرافی مفیدی را در برداشته خیلی از کارمندان سعی در محصور نمودن گزارششان فقط در

رابطه با مطالب مورد مذاکره می‌نمایند و فراموش می‌نمایند که مطالب بیوگرافی را که در تمام طول ملاقات اتفاق می‌افتد ذکر نمایند. اطلاعات اصلی بیوگرافی که مورد علاقه ما می‌باشد شامل مطالبی است از قبیل: تاریخ و محل تولد، سن تخمینی، شرح اوضاع بدنی و طبیعی شخص، خانه و محیط کودکی، خانواده و تحصیلات و افراد با نفوذی را که با او در تماس می‌باشند. به علاوه، مسائل مشاهده شده به وسیله کارمند گزارش دهنده در مورد شخصیت طرف گفتگو کننده که از بلوک شوروی است، علائق که او نشان می‌دهد یا استعدادها مشخصه او یا حالت طبیعی او در حال خیانت مورد علاقه ما می‌باشد. بر اساس همین گزارش تقاضا می‌گردد که تلاش مخصوصی برای گنجاندن چنین اطلاعاتی در آینده وقتی چنین تماسهایی عملی می‌گردد بشود. اگر تماس با همان یک شخص برای مدتی ادامه یابد کارمند تماس گیرنده باید یک ارزشیابی شخصیت بر اساس تجربیات تماسهای گذشته‌اش با مقام بلوک شوروی ارائه بدهد.

راسک

سند شماره (۸)

خیلی محرمانه

صورت مذاکره

شرکت کنندگان: ویکتور جی. اوزی پف، دبیر دوم سفارت شوروی در تهران، والتر جی. رمزی، دبیر دوم سفارت آمریکا
 زمان: ۹ آوریل ۱۹۶۶ - ۲۰ فروردین ۴۵
 مکان: سفارت آمریکا، تهران

آقای اوزی پف به درخواست خودش با من ملاقات کرد. آخرین بار وی را در ضیافت روز ملی مجارستان که در سفارت این کشور در تهران در ۴ آوریل برگزار شده بود، مختصراً ملاقات کرده بودم و در آنجا او از من خواست که زمانی تعیین شود تا به تلافی ملاقات من با او در ۱۲ فوریه در سفارت شوروی، دوباره با من ملاقات نماید. گفتگوی ما حدود ۵۰ دقیقه به طول انجامید و کاملاً به فارسی صورت گرفت. نکات زیر در این گفتگو مطرح گردید:

۱- پس از تعاریفهای معمول، به اوزی پف گفتم که چون ما در اینجا اتاق پذیرایی خاصی تهیه ندیده‌ایم مجبورم از وی در یکی از دفاتر استفاده شده (اتاق بایگانی شماره ۱۰۵) پذیرایی نمایم. این موضوع باعث شد که چند دقیقه‌ای هم درباره هنرهای معماری به کار رفته در سفارت شوروی که به سبک قدیمی ساخته شده و با ساختمان مدرن سفارت آمریکا فرق دارد صحبت کنیم. اوزی پف از من پرسید که آیا به «کلوپ» شوروی رفته‌ام. پس از سؤال و جوابی که در نتیجه آن معلوم شد منظورش کدام کلوپ است (کلوپ ویژه کارمندان سفارت شوروی در خیابان استالین)، من گفتم که یک بار حدود یک سال قبل برای دیدن یک فیلم لهستانی به آنجا رفته بودم. اوزی پف پرسید که آیا مایلم بار دیگر به آنجا سری بزنم. من جواب مشخص ندادم او هم در این باره اصرار نورزید.

۲- بیست و سومین کنگره حزب کمونیست: پرسیدم که آیا سفیر زایتسوف به تهران بازگشته است و گفتم که گمان می‌کنم که وی نماینده بیست و سومین کنگره حزب کمونیست در مسکو بوده است. اوزی پف نمایندگی ما در کنگره را تأیید کرده گفت که وی به علت ادامه بحث پیرامون مسائل اقتصادی و غیره در مسکو، تا چند روز دیگر باز نخواهد گشت. به نرمی اظهار تعجب کردم چون کنگره در روز قبل خاتمه یافته بود. اوزی پف شرح داد که «گفتگوها»ی نمایندگان کنگره، تا چند روز بعد، به خصوص پیرامون مسائل

اقتصادی ادامه خواهد داشت و محدود به امور داخل شوروی نیز نمی‌شود. شوروی مصمم است به همه کشورهای سوسیالیستی «که برای استقلال خود مبارزه می‌کنند» کمک نماید و این شامل ویتنام نیز می‌شود. بمباران ویتنام شمالی توسط آمریکا خطر تشدید برخوردها را به همراه دارد و ممکن است موجب رویارویی نیروهای آمریکا و شوروی گردد.

وی گفت خوشبختانه نیروهای شوروی و آمریکا مستقیماً با یکدیگر درگیر نشده‌اند و بهتر است وضع به همین منوالی باقی بماند. در ادامه گفت که به نظر او آمریکا فقط جهت حفظ «حیثیت» خود به جنگ در ویتنام ادامه می‌دهد (در اینجا از کلمه انگلیسی استفاده کرد) حال آنکه اگر از ویتنام خارج شود «بر حیثیت» خود افزوده است.

به اوزی پف گفتیم که اگر فکر می‌کند که آمریکا صرفاً به خاطر حفظ و حراست از آبروی خود در ویتنام درگیر است کاملاً اشتباه می‌کند و واقعیت دارد که آمریکا باید به ویتنام جنوبی در جهت حفظ استقلال خود یاری دهد تا نشان بدهد که ما در آینده نیز بر معاهدات خویش خواهیم ماند. نکات مهم عبارتند از: الف - تصمیم ما مبنی بر اینکه به ویت‌کنگ‌ها نباید اجازه داده شود که برای رسیدن به یک راه حل به زور متوسل شوند.

ب - دیگر اینکه همه ویتنام نباید در حوزه نفوذ چین کمونیست قرار گیرد. در رابطه با بمباران ویتنام شمالی توسط آمریکا به اوزی پف گفتیم که ۳۹ روز است که ما بمباران‌هایمان را متوقف کرده‌ایم و تلاشهای زیادی به خرج داده‌ایم تا جهت مذاکره پیرامون مشکلات ویتنام راهی گشوده شود. از طرف ویتنام شمالی ذره‌ای علاقه به حل و فصل مسائل از طریق مسالمت‌آمیز ندیده‌ایم. به همین دلیل دیگر نمی‌توان به آمریکا گفت که به مذاکره بپردازد. آمادگی ما برای مذاکرات در گذشته نیز نشان داده شده است.

اوزی پف باز هم به تشدید بحران اشاره کرد و گفت که آیا سخترانی مارشال مالینوسکی در بیست و سومین کنگره حزبی راشنیده‌ام. وقتی که جواب منفی مرا شنید به توضیح خلاصه توانایی‌ها و آمادگیهای شوروی در همه جوانب صنایع نظامی پرداخت.

برای عوض کردن موضوع، از اوزی پف پرسیدم که آیا رضا رادمنش هم به عنوان نماینده حزب توده به کنگره راه یافته است. با خنده جواب مثبت داد ولی گفت که او در مجمع به ایراد سخترانی پرداخته است و اضافه کرد که این کنگره متشکل از احزاب سیاسی بوده، نه دولتها. بنا بر این عادی است که حزب توده نیز نماینده‌ای به آن گسیل دارد.

اوزی پف دفعتهاً به بحث یکجانبه‌ای درباره پیشرفتهای اقتصادی و افزایش بنیه صنعتی شوروی پرداخت. از آغاز برنامه ۵ ساله در ۱۹۲۸ تولید آهن شوروی در سال گذشته از ۱۲ میلیون تن به ۸۱ میلیون تن افزایش یافته و تولید نفت نیز به ۲۵۰ میلیون تن رسیده است. در حالی که تولید کلی ملی شوروی به میزان ۸ تا ۱۰ درصد در سال افزایش می‌یابد تولید کلی ملی آمریکا فقط ۲ درصد است. که البته در مورد رقم آخر من رقمی را که او داده بود تصحیح کردم.

در اینجا من بحث را قطع کرده‌ام گفتیم از آنجا که هر دویمان در ایران به سر می‌بریم، بهتر است درباره ایران صحبت کنیم. از او پرسیدم که حالا که روابط بین ایران و شوروی عادی‌تر شده است آیا دولت شوروی در نظر ندارد از ایرانیها بخواهد که محدودیتهای خود را علیه حزب توده کاهش دهند؟ اوزی پف در جواب

گفت «نه»، در ادامه از او پرسیدم که به نظر او مردم شوروی درباره دولتشان که کمکهای اقتصادی به یک دولت سلطنتی که مخالف حزب کمونیستی داخلی آن است می دهد چگونه فکر می کنند. در جواب گفت که مردم شوروی از اینکه کشورشان با ایران که به رهبری شاه سریعاً در حال پیشرفت است روابط خوبی برقرار کرده خوشحال هستند. وی خاطر نشان ساخت که با وجود اینکه هر دو کشور ایران و افغانستان سلطنتی هستند ولی شوروی خوشحال می شود که به آنها از نظر اقتصادی کمک نماید. دولت متبوع وی درباره حزب توده ایران صحبتی نخواهد کرد به این دلیل که (۱) روابط شوروی با ایران بر اساس اصول سیاسی و اقتصادی است نه بر اساس اصول ایدئولوژیک، (۲) برای شاه و دیگر احزاب سیاسی مانند حزب توده قابل تحمل نیست، بنابراین این فایده ای ندارد.

به هنگام خداحافظی، اوزی پف گفت که امیدوار است باز هم با یکدیگر ملاقات کرده به تبادل نظریات مفید بپردازیم. وی گفت که ممکن است برای یک سفر کوتاه مدت در چند روز آینده به کرمان برود و بنابراین بعد از آن با یکدیگر ملاقات خواهیم کرد. ولی بعد از آن فوراً حرف خود را پس گرفت و گفت که سفری به «خارج از تهران» خواهد کرد. و از من پرسید که آیا می توانم برایش تمبرهای پستی باطل شده چه آمریکایی و چه مربوط به دیگر کشورها را تهیه کنم تا برای کلکسیون فرزندش بفرستد. گفتم سعی می کنم این کار را انجام دهم. کاملاً سعی داشتم طوری رفتار کنم که گویا مایل به ملاقات دوباره وی نیستم. نظریات: مطالعه مطالب بالا بایستی در رابطه با مشکلات موجود در زمینه ارتباطی صورت پذیرد. زبان فارسی مقام گزارشگر خیلی خوب نیست و فارسی صحبت کردن اوزی پف با وجود اینکه لغت زیاد می داند بین بد و نامفهوم نمره می گیرد. اوزی پف سعی داشت موضع خودش یا شوروی را در قبال ویتنام مشخص سازد و اگر من هم با او در ادامه بحث در این باره همراهی می کردم حتماً تمام بحث ما پیرامون ویتنام دور می زد. ولی او به هنگام بیان نظریات خود به هیچ وجه خشن و دارای حالت تهاجمی نبود بلکه نکات مطرح شده را با شوخ طبعی مورد بحث قرار می داد. فکر نمی کنم که اوزی پف می خواست با بحث پیرامون ویتنام و بیاناتش مرا تحت تأثیر قرار بدهد، بلکه فکر می کنم که او بیشتر مایل به ملاقات با من و ادامه «تماس» خود بوده است و پس از اینکه موفق به ملاقات شد چنین تصمیم گرفت که با اعلام عدم توافق بر سر ویتنام می تواند بحث را به پیش ببرد و از مطرح شدن هرگونه بحث دیگری که سخت باشد جلوگیری به عمل آورد.

سند شماره (۹)

کشور: ایران. شوروی
سری - غیر قابل انتشار برای بیگانگان
منبع و ارزیابی: یک سرویس رسمی ایرانی
تاریخ: ۹ آوریل ۱۹۶۶ - ۲۰ فروردین ۱۳۴۵
محل و تاریخ: ایران، تهران (۱۲ آوریل ۱۹۶۶)

موضوع: اخراج سه دیپلمات روسی از ایران

۱- در ۹ آوریل ۱۹۶۶ سازمان امنیت و اطلاعات ملی (ساواک) فیکرت اسفندیار اقلی افندیوف وابسته کنسولی شوروی را در تهران، در یک ملاقات مخفیانه با یک جاسوس ایرانی که کارمند دولت بود دستگیر نمود. ساواک افندیوف را به وزارت امور خارجه برد و در آنجا او را بازرسی نمودند. آنها دریافتند که او حامل ۱۵۰۰۰ ریال و ۳ پاسپورت است که به نامهای جاسوس ایرانی و خانواده اش صادر شده بود.

دفتر وزارت امور خارجه، کاردار شوروی پاول پتروویچ زوتف را احضار نمود و اعلام کرد که آفندیوف پرسونا نان گراتا باید ایران را ترک کند. او همچنین در نظر دارد که نامه‌ای به سفارت شوروی بفرستد و درخواست اخراج ویکتور نیکلایویچ اسپیل نیکوف دبیر اول و اسماعیل مرتضی اقلی علیوف دبیر سوم را به خاطر عواقب ماجرای بالا، بنماید. آفندیوف درخواست خروج در تاریخ ۱۲ آوریل نمود (اظهار نظر حوزه‌ای: آفندیوف، اسپیل نیکوف و علیوف هر سه نفر مأموران کا.گ.ب می‌باشند. زوتف پک مأمور در اداره اطلاعات ارتش سرخ شوروی GRU می‌باشد).

۲- ساواک به طور نزدیک ماجرا را از سال ۱۹۶۲ و وقتی که اسپیل نیکوف برای اولین بار این جاسوس را ملاقات نمود و شروع به کار کردند تحت نظر داشت. او کارش را در سال ۱۹۶۴ به علیوف و سپس در اواسط سال ۱۹۶۵ به آفندیوف واگذار نمود و این در وقتی بود که آن جاسوس به طور رسمی برای دادن اطلاعات در مورد ساواک استخدام شده بود. بر طبق دستورالعمل ساواک این جاسوس اطلاعات کنترل شده‌ای را به روسها می‌داد تا اینکه مقامات ایرانی با اجازه شاه تصمیم به خاتمه دادن به ماجرا و دستگیر نمودن افراد بالا نمودند.

۱۵۰۰۰ ریال پیدا شده در جیب علیوف پولی بود که می‌بایستی به جاسوس مربوطه پرداخت گردد. پاسپورت‌های ذکر شده به خاطر حفاظت او در موقعی که ساواک موضوع را دریابد تهیه شده بود.

۳- وزارت امور خارجه به سفیر ایران در مسکو، احمد میرفندرسکی دستور داده است که یک نامه اعتراض آمیز در مورد این موضوع به وزارت امور خارجه شوروی ارسال دارد.

۴- اظهار نظر حوزه‌ای: این موضوع هنوز روشن نشده است که آیا اخراج این سه دیپلمات روسی در مجامع عمومی ذکر می‌شود یا نه. نعمت‌الله نصیری، رئیس ساواک تمایل به افشای این موضوع در مجامع عمومی دارد و احتمالاً در تاریخ ۱۴ آوریل این تمایلش را به شاه سفارش خواهد نمود.

۵- حوزه پخش: (بخش پرسنلی) نیروی هوایی و دریایی کشوری CINCMEAFSA، CINCOSOUTH، CINCUSNAREUR به لندن نیز فرستاده شده است.

سند شماره (۱۰)

کشور: ایران - شوروی
منبع: یکی از مقامات ایرانی ساواک

سری - غیر قابل انتشار برای بیگانگان
تاریخ: ۱۶ آوریل ۱۹۶۶ - ۲۷ فروردین ۴۵

موضوع: نگرانی مقامات درباره تبلیغات شفاهی روسها در ایران

۱- مقامات برجسته سازمان ساواک ایران از شایع نمودن اخبار بی اساس در طبقات مختلف مردم تهران توسط روسها اظهار نگرانی نموده‌اند. از نظر آنها این یک تلاش هماهنگ از طرف شورویهاست بر اینکه بتوانند با ایجاد سوء ظن و نارضایتی در افکار مردم ایران به روابط ایران و غرب خدشه وارد سازند.

۲- دو تن از فعالترین مقامات روسی شناخته شده در این تلاش عبارتند از فدور الکسیویچ سالچنکف، مشاور سفارت و ویکتوریا کفلویچ اوزی پف، دبیر دوم سفارت شوروی. تلاشهای این دو پیرامون دو موضوع متمرکز گردیده است. الف - امروز دیگر پیمان سنتو بی فایده است و ایران باید از آن خارج گردد. به عنوان دلیل نیز از عدم مساعدت سنتو به پاکستان در جنگ بین پاکستان و هند یاد می‌نمایند.

ب - بین شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیوم نفتی اختلافات زیادی وجود دارد و کنسرسیوم در نظر ندارد

میزان تولید نفت را به مقدار دلخواه دولت ایران افزایش دهد. قرارداد بین ایران و کنسرسیوم به هیچ وجه سودمند نیست و در این میان فقط کنسرسیوم و شرکت‌های نفتی غرب از آن بهره می‌برند.

۳- اظهار نظر حوزه - گمان می‌رود که سالچنکف یک مقام اطلاعاتی شوروی و اوزی پف یکی از افسران سازمان جاسوسی کا.گ. ب باشد.

سند شماره (۱۱)

تاریخ: ۱۹ آوریل ۱۹۶۶ - ۳۰ فروردین ۱۳۴۵
 صورت مذاکره
 مکان: محل اقامت آقای ی. ساهنی، دبیر اول سفارت هند
 شرکت کنندگان: گرانت و سکانیان، دبیر اول سفارت شوروی
 و سکانیان در یک گفتگوی ۳۰ دقیقه‌ای نظرات زیر را ابراز داشت که من هم پس از ارائه پاسخ مناسب به طور فشرده و مختصر در اختیار شما قرار می‌دهم:

۱- ایران: در حالی که شوروی در زمینه اقتصادی و دیگر جنبه‌های مفید به یاری ایران پرداخته است، آمریکا فقط این کشور را مجهز به تسلیحات نظامی از قبیل اف - ۵ می‌نماید.

۲- اتحادیه سنتو: و سکانیان فکر می‌کند که این به اصطلاح اتحادیه در حال نابودی است و حداکثر تا دو سال دیگر دوام نخواهد داشت. وی گفت «بالاخره ایرانیها متقاعد شده‌اند که خطر حمله‌ای از طرف شوروی آنها را تهدید نمی‌کند» (وی سعی داشت مرا وادار سازد که درباره اجلاس اخیر کمیته نظامی سنتو در تهران و نیز موارد مطروحه در کنفرانس وزیران در ترکیه صحبت کنم. من نیز صرفاً باحالت تمسخر به او جواب دادم که همان طور که او نیز می‌داند این موضوعات «سری» بوده و او نیز صد درصد می‌داند که چرا من نمی‌توانم درباره آنها صحبتی به نمایم. او نیز دیگر این موضوع را پیش نکشید).

۳- معاهده اسلامی: در این باره وی به توضیح پیرامون خط شوروی پرداخت، ولی من گفتم که فکر نمی‌کنم اتحادی در پیش باشد بلکه فقط جنبه یک اجلاس را داشته است و گفتم که حملات تبلیغاتی کمونیستی باید به نفع اجلاس تمام شده باشد و ممکن است خیلیها را که حتماً به فکر انعقاد چنین معاهده اسلامی نیفتاده بودند به فکر آن بیندازد. وی مصراً اظهار می‌داشت که این توطئه ظریف است که از طرف شما انگلیسیها طرح ریزی شده است.

۴- ویتنام: آمریکا هر چه زودتر باید خود را از شر این مشکل رها سازد و در صورتی که مایل به ترک ویتنام باشد باید مسئله آبرو و حیثیت را کنار بگذارد. فرانسویها نیز نه تنها هند و چین بلکه الجزیره و دیگر نقاط آفریقا را ترک کردند، ولی حیثیت آنها بر باد نرفته است. آمریکا نباید تصمیم شوروی را مبنی بر مقابله در جنگ ویتنام نادیده بگیرد.

۵ - پارلمان ایران: وی گفت که مرا در جلسات مجلس و سنا در هفته‌های اخیر ندیده است. فکر نمی‌کنم موضوعات مورد علاقه چندانی در آنها مطرح شده باشد. مثل اینکه در ادامه گفت که جذب نمایندگان مجلس نمی‌تواند فایده چندانی در برداشته باشد.

اخیراً یکی از نمایندگان مجلس به نام عبدالله والا و چند تن دیگر به دعوت شوروی از این کشور بازدید به عمل آوردند. ولی و سکانیان گفت والا نمی‌تواند دوست ما باشد، چون هنوز هم در روزنامه‌اش به حمله علیه ما ادامه می‌دهد. (اظهار نظر: والا عضو حزب مردم و ناشر مجله تهران مصور می‌باشد).

۶- موارد دیگر: فکر می‌کنم با مطرح کردن بحث پارلمانی که از طریق رادیو پیک ایران (۱۲ آوریل) شنیده بود، و سکانیان را حسابی ناراحت کردم، این موضوع درباره نحوه برخورد شوروی با روشنفکران سیناوسکی و دانیل بود که و سکانیان گفت که این دو به عنوان شایعه‌پردازان در خارج به سزای اعمال خویش رسیده‌اند و این حقیقتی است چون همسران دیپلماتهای شوروی اجازه خروج همراه آنها را ندارند.

۷- اظهار نظر: تقریباً نیمی از مباحث ما به بحث پیرامون فلسفه آزادی اختصاص یافت که برای هر دویمان جالب بود و سکانیان گفت که بهتر است در یک موقع مناسب به بحث درباره آن پردازیم. به او گفتم که هر جا و هر زمانی را که انتخاب نماید من نیز آماده هستم. بخش سیاسی: سی - ان، راسیاس

سند شماره (۱۲)

سری

ژانویه ۱۹۶۸ - بهمن ۴۶

ولادیمیر یاکولویچ یروفیف سفیر شوروی

در تعدادی از تغییرات دیپلماتیک شوروی که در ژانویه ۱۹۶۸ صورت پذیرفت ولادیمیر یاکولویچ یروفیف به عنوان سفیر شوروی در ایران انتخاب گردید، که این پس از انتصاب وی به عنوان ریاست نمایندگی شوروی در قاهره از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۵ اولین انتصاب وی در خارج می‌باشد. یروفیف که قبلاً متخصص امور انگلیس بود، پس از اشتغال به کار وی به عنوان ریاست وزارت امور خارجه در بخش کشورهای خاورمیانه‌ای در سال ۱۹۵۸ به کار پیرامون خاورمیانه پرداخت. در همان حال با حفظ سمت در وزارت امور خارجه نمایندگی شوروی را در چند کنفرانس و سازمانهای بین‌المللی نیز عهده‌دار بوده است.

یروفیف در ۲۴ مه ۱۹۰۹ در مسکو متولد گردید و تحصیلات عالی خود را در انستیتو ماشین آلات مسکو دریافت کرد و به پایان رساندن سه واحد در سال ۱۹۳۸ نائل آمد.

پس از خدمت به عنوان معاون ریاست و بعدها ریاست امور کنسولی بخش کمیسری امور خارجه خلق در ۱۹۳۹ و ۱۹۴۰ و کنسول سفارت شوروی در ترکیه از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۲ گردید و در همان سال به قسمت معاونت ریاست بخش دوم اروپا (انگلیس و کشورهای مشترک المنافع) وزارت امور خارجه انتخاب و آن مقام را تا سال ۱۹۴۸ حفظ نمود. از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۴۹ برای مدت کوتاهی به عنوان رئیس وزارت امور خارجه در بخش کشورهای آمریکای لاتین انتخاب گردید. به هنگام سفری که به عنوان مشاور سفیر شوروی در لندن از ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۲ نمود یروفیف حداقل یک بار در غیاب سفیر شوروی در این کشور به عنوان کاردار عمل نمود. در اوت ۱۹۵۲ انتصاب وی به عنوان سفیر شوروی در اوروگوئه موجب بروز اختلافات سیاسی و داخلی در آن کشور گردید. گفته می‌شد که وی یک دیپلمات کار کشته نبوده و فقط به منظور تشدید بحران و تبلیغات به آنجا فرستاده شده بود. وی دیگر نتوانست آن مقام را حفظ نماید. بعدها به عنوان مشاور سفیر در امور فرهنگی سفارت شوروی در پاریس از ژانویه ۱۹۵۴ تا اوایل ۱۹۵۵ به کار مشغول شد. در اوت ۱۹۵۵ وی به سمت ریاست بخش دوم کشورهای اروپایی انتخاب شد و تا اواخر سال ۱۹۵۸ در آن پست باقی ماند و پس از آن به عنوان رئیس بخش خاور نزدیک وزارت

امور خارجه انتخاب گردید.

یروفیف در کنفرانسهای بین المللی بسیاری نیز شرکت جسته است. وی از ماه مه تا اوت ۱۹۴۶ به عنوان مشاور در کنفرانس صلح پاریس و از اکتبر تا دسامبر همان سال به عنوان مشاور هیئت نمایندگی شوروی در اولین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل شرکت یافت. در مارس همان سال به عنوان معاون دبیر کل هیئت نمایندگی شوروی در شورای وزرای امور خارجه مسکو و نیز در کنفرانس وزرای امور خارجه لندن در نوامبر و دسامبر ۱۹۴۷ شرکت جست. در سپتامبر ۱۹۴۸ وی ریاست هیئت نمایندگی شوروی در سومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در پاریس را عهده دار بود. یروفیف در اوایل ۱۹۵۴ ریاست نمایندگی شوروی در اجلاس وزرای خارجه چهار ابر قدرت در برلین را به عهده داشت و در ژوئیه ۱۹۵۵ نیز در کنفرانس ژنو همان سمت را عهده دار بود. در اواخر همان سال در کنفرانس وزرای امور خارجه در ژنو نیز حاضر شد. در سال ۱۹۵۵ وی نماینده دائمی شوروی در سازمان آموزشی علمی و فرهنگی سازمان ملل (یونسکو) گردید.

مهمترین انتصاب یروفیف تا حال حاضر انتصاب وی به عنوان سفیر در جمهوری متحده عربی بوده است. (در قسمتی از این دوران - اوت ۱۹۵۹ تا ژوئیه ۱۹۶۲ - وی با حفظ سمت به عنوان ریاست نمایندگی شوروی در یمن نیز فعالیت می کرد).

به هنگام کار در قاهره، یروفیف مجبور بود با محافظه کاری بسیاری میان دو خط مخالفت شوروی با برنامه های اتحاد جمهوری متحده عربی و خط حمایت محافظه کارانه این جمهوری از سوسیالیسم فعالیت نماید. با وجود اینکه پس از قرارداد ۱۹۶۰ شوروی در مرحله دوم سد آسوان کمکهای اقتصادی جدیدی را عرضه نداشت ولی کمکهای نظامی شوروی به قاهره پس از مداخلات جمهوری متحده عربی در یمن در ۱۹۶۳ بشدت افزایش پیدا کرد. در ژوئن ۱۹۶۵ یروفیف از پست خود فراخوانده شد گویا به این دلیل که می خواستند وی به وزارت امور خارجه باز گردد؛ گرچه از آن زمان تا انتصاب کنونی در باره فعالیت های وی چیزی در دست نیست.

یروفیف و همسرش تامارا ایوانوا، دارای دو دختر هستند که یکی از آنها در ۱۹۴۰ و دیگری در ۱۹۵۴ متولد شده است. یکی از آنها یعنی اوکسانا به همراه والدینش به قاهره رفت. یروفیف به زبان انگلیسی به خوبی مسلط است و قدری هم فرانسه می داند. وی دارای قدی متوسط، موهای تیره و کم پشت و چشمانی آبی است. در ۱۹۴۵ وی مدال کار پرچم سرخ را در قبال خدمات زمان جنگ نسبت به دولت شوروی دریافت نمود.

سند شماره (۱۳)

تاریخ: ۱۲ فوریه ۱۹۷۰ - ۲۳ بهمن ۱۳۴۸
شرکت کنندگان: سرگئی اسمولیناکف، کنسول سفارت شوروی، نیکولاس جی. تاچر، معاون ریاست نمایندگی ویلیام دبلیو. لهفلد، مشاور سفارت در امور اقتصادی

موضوع: پیشرفت پروژه های اقتصادی شوروی در ایران

آقای اسمولیناکف که برای یک دیدار غیر رسمی نزد من آمده بود گفت که حدود یک ماه قبل به طور کلی به منظور در دست گرفتن امور اقتصادی سفارت شوروی وارد تهران شده است. وی اضافه کرد که

مسئولیت‌های وی در برگیرنده جنبه‌های سیاسی امور اقتصادی است. چون روسها در تهران دارای یک نمایندگی اقتصادی هستند، که اصولاً خارج از سفارت واقع شده و با نظارت عمومی بر اموری چون ساختمان کارخانه ذوب آهن، پروژه بندارس و دیگر پروژه‌های اقتصادی شوروی در ایران سروکار دارد. آقای اسمولیناکف اظهار داشت که در اوایل دهه ۵۰ نیز در ایران خدمت می‌کرده است و نیز قبل از ورود به تهران در سفارت شوروی در بانکوک مشغول به کار بوده است. در اواخر دهه ۵۰ نیز در افغانستان عهده‌دار کارهایی بوده است. آقای تاجر در باره پیشرفت کلی پروژه‌های مهم شوروی در ایران سؤال نمود. آقای اسمولیناکف با وجود اینکه اعتراف می‌کرد که هنوز نتوانسته است از آنها بازدید مکانی به عمل آورد ولی در این باره راضی است. لیکن دو مشکل مهم بر سر راه این کارها وجود دارد: مشکل اول کندی ایرانیها در تهیه ریه‌های لازم جهت پرداخت هزینه مستقیم تحت مسئولیتشان است و مشکل دیگر پیدا کردن ایرانیهای مجرب و ایجاد برنامه‌های آموزشی برای تربیت متخصصین فنی است که در به کار انداختن پروژه وجودشان ضروری می‌نماید. وقتی که از او پرسیده شد که آیا روسها در نظر دارند با فرستادن تعداد بیشتری از ایرانیان جهت دریافت آموزش به روسیه این مسئله را حل نمایند یا نه؟ وی در جواب گفت که در حال حاضر هم تعداد ایرانیانی که برای آموزش به شوروی رفته‌اند خیلی کم است و ایران در نظر ندارد تعداد بیشتری از آنها را به آنجا بفرستد. با لحنی که حاکی از اطمینان کامل نبود اسمولیناکف گفت که به نظر وی کارخانه ذوب آهن به موقع به پایان خواهد رسید. وقتی که درباره خط لوله گاز صحبت به میان آورده شد وی قاطعانه تأیید کرد که کارها به خوبی به پیش می‌رود. البته در آن قسمت از پروژه که مربوط به شوروی می‌شود و قطعاً طبق برنامه به پایان خواهد رسید. مشکلاتی که در ساختمان آن بخش از این پروژه که مربوط به ایرانیان می‌شود وجود دارد بی‌شمار مربوط به هزینه سرسام آور موادی است که از منابع غربی دریافت می‌دارند. اسمولیناکف درباره فعالیت‌های اقتصادی آمریکا در ایران پرسید و به وی گفته شد که ما در سفارت دارای یک بخش اقتصادی هستیم، که با امور تجاری سروکار دارد و دیگر اینکه دارای یک سازمان منفک اقتصادی نیستیم؛ چون دو سال قبل پس از تعطیل نمایندگی کمک‌های این سازمان نیز حذف گردید. کمک‌های اقتصادی دولت آمریکا به ایران بیشتر به صورت وام‌هایی است که به وسیله بانک صادرات و واردات واشنگتن داده می‌شود.

اظهار نظر: شایان توجه است که این دومین مقام مهم سفارت شوروی است که در سه ماه گذشته به ملاقات غیر رسمی با مشاور سفارت پرداخته است. ملاقات وزیر مختار شوروی در اواسط نوامبر ۱۹۶۹ صورت پذیرفت ولی در چهار سال قبل چنین ملاقات‌هایی اصولاً صورت نمی‌گرفت. اسمولیناکف نسبتاً به زبان انگلیسی مسلط است. او بر عکس بسیاری از مقامات روسی به سهولت و به طور عادی با خارجی‌ها ایجاد رابطه می‌کند. مشکل است که پس از یک مصاحبه اینقدر کوتاه بتوان میزان هوش و ذکاوت وی را در مورد قضاوت قرار داد. چون گفته‌های وی نشانگر هیچ موضوع غیر عادی نبود، او قد کوتاه بوده دارای موهای بلند که به سفیدی گراییده است می‌باشد. چند دندان طلا، صورتی رنگ پریده و لهجه‌ای خوشایند دارد. تقریباً در پایان مصاحبه یک سؤال بسیار استعراهای را مطرح نمود: چرا گاهی شوروی و آمریکا در سیاست‌های مبنی بر همکاری و به موازات هم به خوبی باهم کنار می‌آیند و بعد یکباره با عدم توافقیها و اختلاف‌های جدید از هم جدا می‌شوند؟ آقای تاجر سعی کرد به آن جواب دهد ولی اشاره به موضوعات دیگر بحث را منحرف نمود ولی اسمولیناکف به هنگام عزیمت با خنده قول داد که در آینده‌ای نزدیک این

سؤال را باز هم با ما در میان بگذارد.

سند شماره (۱۴)

تاریخ: ۲۰ اوت ۱۹۷۰ - ۲۹ مرداد ۴۹ (تهران، ایران)
صورت مذاکره
خیلی محرمانه

شرکت کنندگان: اچ. ای. ولادیمیر یروفیف سفیر شوروی، سفیر داگلاس مک آرتور دوم یروفیف سفیر شوروی امروز با من ملاقات کرد تا به قول خودش، قبل از اینکه برای یک مرخصی ۴۵ روزه به شوروی بروم به پاس ملاقاتی که با من به هنگام ورودتان به تهران داشتید با شما ملاقات نمایم. با وجود اینکه یروفیف مشهور است به اینکه در مذاکرات و مباحثات خود با مقامات مهم ایرانی و اعضای کابینه بسیار تندرو است ولی به نظر من بسیار ضعیف می‌رسد.

وی ابتدا از من پرسید که آیا درباره گزارش مطبوعات مبنی بر اینکه ۴ ابرقدرت در نیویورک به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد سازمان ملل اجلاسی تشکیل خواهند داد تأییدیه‌ای به دست آورده‌ام یا نه؟ پاسخ دادم که گذشته از شایعات و گزارش مطبوعات در این باره چیزی نشنیده‌ام. وی گفت که او نیز همین وضع مرا دارد و دیگر اینکه، این گونه موضوعات در شوروی تا زمانی که تأییدیه رسمی به دست نیامده کاملاً به طور محرمانه حفظ می‌شود.

با اشاره به اجلاس ۴ ابرقدرت، وی اصل و ایجاد شورای وزیر امور خارجه در ۱۹۴۵ را خاطر نشان ساخته و گفت که در آن زمان تنها شوروی به حضور نماینده چیانگ کای چک در جلسه تصمیم‌گیری شورا در لندن اعتراض کرده بود. یروفیف با لبخندی ادامه داد اکنون مائوتسه تونگ هم برای ما همان مشکلات چیانگ کای چک را ایجاد کرده است.

بعداً به بحث درباره سفر وی به نقاط مختلف ایران پرداختیم متذکر شدم که در ماه ژوئن من در آذربایجان شرقی و غربی سفرهای زیادی انجام دادم و او نیز حتماً به این منطقه آشناست. وی گفت که فقط دو روز در تبریز اقامت کرده بود و به نقاط دیگر آذربایجان سفر نکرده بود چون به قول خودش مردم آن منطقه از ایران ما را زیاد دوست ندارند. (که اشاره‌ای به تلاش شوروی در روی کار آوردن و ایجاد یک جمهوری سوسیالیستی دست‌نشانده آذربایجان در سال ۱۹۴۶ بوده است.)

یروفیف گفت که در اواسط اکتبر به ایران باز خواهد گشت تا در جشن افتتاحیه آغاز کار لوله‌های گاز ایران به شوروی شرکت نماید. وی گفت با وجود اینکه گاز در اصل در ماه سپتامبر به سوی شوروی سرازیر خواهد شد، دکتر اقبال (ریاست شرکت ملی نفت ایران) به وی قول داده است که جشن افتتاحیه در اکتبر برگزار گردد. پس از آن مدتی نیز به گفتگو درباره مشکلات در زمینه اتصال خطوط لوله و مشکلات در زمینه جور در آوردن تجهیزاتی که شوروی تا مرز خود کشیده است، با تجهیزاتی که غربیها در اختیار ایران قرار داده‌اند، پرداخت.

یروفیف به مشکلاتی چون انقلاب جوانان و الکلیسم که جهانگیر هستند نیز پرداخت. وی فکر می‌کند که مشکل جوانان این است که آن محدودیت و نظم و انضباط پیشینیان خود را نداشته‌اند و بنابر این دست به اعتراض و ایجاد مشکلات می‌زنند. وی متذکر گردید که گرچه مسئله مواد مخدر در غرب مشکل اصلی است ولی در شوروی این چنین نیست. ولی در شوروی مشکل الکلیسم وجود دارد و بسیاری از کارگران

در شوروی تمایل به مشروب خوری پیدا کرده‌اند که نتیجه آن عدم حضور به موقع در محل کار و کارایی خیلی بد می‌باشد.

سند شماره (۱۵)

یادداشت برای: بخش سیاسی
از: CAS (منبع کنترل شده آمریکایی)
موضوع: نظرات وابسته مطبوعاتی سفارت شوروی سیرویتزکین پیرامون روابط ایران و شوروی
اطلاعات زیر از یک منبع موثق به دست آمده و فقط جهت اطلاع و استفاده شماست و لازم نیست به CAS نسبت داده شود:

سیرویتزکین وابسته مطبوعاتی سفارت شوروی پیرامون روابط ایران و شوروی به اظهار نظر پرداخت. وی سیاستهای تبلیغاتی دولت ایران را شدیداً مورد انتقاد قرار داده و گفت: وزارت اطلاعات ایران در اصل شاخه‌ای از بخش اطلاعات آمریکا بوده و خطوط کلی سیاستهای تبلیغاتی این وزارتخانه به وسیله آن دسته از مقامات ایرانی که در دفتر حفاظت منافع آمریکا کار می‌کنند، طرح ریزی می‌شود. اطلاعات و اخبار مربوط به شوروی و کشورهای بیطرف به نحو خصمانه‌ای در مطبوعات منتشر می‌گردند، در حالی که اخبار مربوط به آمریکا و کشورهای غربی با تزئینات خاص تحویل مردم می‌گردند. سیرویتزکین خاطر نشان ساخت که اخیراً یک کنفرانس ضد کمونیستی در توکیو برگزار شده بود، که نمایندگی ایران در این کنفرانس را رحیم زهتاب فرد، ناشر اداره آذربایجان و یک فرد دیگر عهده‌دار بودند. روزنامه اطلاعات نیز بیانات خواهر فیدل کاسترو را که حمله‌ای بی‌مهابا به کمونیسم بود و در این کنفرانس ایراد شده بود چاپ کرده است.

وی در ادامه گفت نمی‌توان درباره هدف این روزنامه‌ها در چاپ این‌گونه مطالب تحریک آمیز نتیجه‌گیری کرد، مگر اینکه بگوییم که کار خرابکاران آمریکایی است که به روزنامه‌های ایرانی پول می‌دهند تا چنین مقالاتی را به چاپ برسانند.

پس از آن سیرویتزکین به صحبت در مورد انتشار کتابی پیرامون اوضاع روستاهای ایران پرداخت که کتاب ممنوع‌الانتشار اعلام شده و نویسنده نیز دستگیر گردیده است. یکی دیگر از نویسندگان مشهور که نام مستعارش به آذین است ولی نام اصلیش محمود اعتمادزاده می‌باشد، در مقاله به تحسین کتاب مزبور پرداخته و محتوای این کتاب را تأیید نموده است و او نیز دستگیر شده است.

در ادامه گفتگوها، سیرویتزکین درباره سفر شاپچیکف رئیس کمیته دولتی شوروی در امور اقتصادی خارجی و اختتام برنامه ۱۵ ساله قرارداد همکاری فنی و اقتصادی بین ایران و شوروی صحبت کرد. سیرویتزکین گفت آینده توسعه روابط بین دو کشور بسیار درخشان و امیدوارکننده است و در پایان چنین نتیجه‌گیری کرد که حتی ما هم نمی‌توانستیم انتظار داشته باشیم، به چنین موفقیت‌هایی در زمینه اقتصادی ایران دست پیدا کنیم.

سند شماره (۱۶)

خیلی محرمانه تاریخ: ۲۰ آوریل ۱۹۷۲ - ۳۱ فروردین ۱۳۵۱ قابل توجه کاردار: آقای هک رونوشت برای: آقای مک کاسکیل مأمور سیاسی جهت بیوگرافی آقای هالا، رایزن اقتصادی آقای اسکودرو گفتگو با ولادیمیر و لاسوف دبیر اول سفارت شوروی

۱- جوانان شوروی و مواد مخدر: همسر و لاسوف قرار است در پایان ماه مه برای ترتیب دادن ورود فرزندانش به دانشگاه در مسکو عازم اتحاد جماهیر شوروی شود. من از او پرسیدم که آیا او از آن نگران نیست که فرزندانش با مواد مخدر آلودگی پیدا کنند و یا وارد جریانهای افراطی سیاسی شوند هنگامی که این همه مدت از خانه و خانواده خود دور هستند؟ او در پاسخ گفت که هرچند آنها با والدین بزرگ خویش زندگی می کنند او درباره آنها نگرانی دارد، همان طوری که والدین دیگر نیز ممکن است داشته باشند. او اظهار داشت که تنها اقلیت ناچیزی از دانشجویان شوروی با مواد مخدر آلودگی پیدا کرده اند و این امر او را ناراحت نمی کند، زیرا احتمال اینکه چنین آلوده گی دامنگیر فرزندان او بشود بسیار بعید است. معذالک او تا اندازه ای نگران است از اینکه فرزندانش ممکن است افکار عجیب و غریبی در دانشگاه کشف کنند و یادآور شد هرچند که او یک فردی با افکار منزله ممکن است نباشد ولی مایل نخواهد بود که فرزندان او در معرض افکار ناباب قرار گیرند.

۲- روسیه در خلیج (فارس): و لاسوف درباره اثرات پیمان اخیر شوروی و عراق در ایران و برداشت ایران از هدفهای شوروی در خلیج (فارس) کاملاً نگران بود. او گفت که سفیر شوروی قبل از ناآرامیهای اخیر مرزی بین ایران و عراق با خلعتبری وزیر امور خارجه ملاقات کرده است تا به او توضیح دهد که پیمان شوروی و عراق به هیچ وجه متوجه ایران نیست و اینکه اتحاد شوروی مایل است دو کشور (مقصود ایران و عراق) اختلافات خود را به نحو دوستانه حل و فصل کنند. وزیر امور خارجه ایران از این خبر بدون هیچ گونه شور و شوقی استقبال کرد و گله کرد از اینکه به نظر می رسد ایرانیان حتی در وزارت امور خارجه دامنه تماسهای مأمورین سفارت شوروی را محدود کرده اند (او در این باره نیز قبلاً گله کرده بود). او خاطر نشان ساخت که اکنون ۳ ماه است در تهران به سر می برد و تاکنون فقط یک بار با رئیس بخش مسئول اتحاد شوروی و کشورهای بلوک شوروی ملاقات کرده است. او بار دیگر از من پرسید که آیا ما نیز مشکلات مشابهی داریم یا خیر؟ و من متأسفانه هنگامی که به او گفتم که ما عملاً با عده بسیار زیادی از مأمورین ایرانی آشنایی داریم و اغلب از آنها در خانه خود پذیرایی می کنیم یا آنکه خودمان در خانه آنها پذیرایی می شویم، حسرت او را برانگیختم.

او خاطر نشان ساخت که اعدام اخیر مارکسیستهای ایرانی تا اندازه زیادی خدعه آمیز بوده است و اظهار نظر کرد که این اقدام را به عنوان پاسخی به شورویها و عراقیها تلقی می کند و اینکه شورویها درباره شکاف ایدئولوژیک موجود بین ایران و شوروی کاملاً تسلیم شده اند معذالک او اظهار عقیده کرد که ایرانیان ممکن است روزی به سوی شوروی متمایل شوند و از غرب دوری کنند و از من پرسید که اگر چنین اتفاقی روی دهد نظر من چه خواهد بود؟ من گفتم به عقیده من چنین پیشامدی رخ نخواهد داد، زیرا ایرانیان درباره تاریخ دیرینه جاه طلبیهای شوروی در منطقه خلیج فارس آگاهی کامل دارند و آن گاه درباره نمونه هایی در این باره به بحث پرداختیم که از زمان سلطنت پطر کبیر می شود (او ظاهراً از موادی که در پیمان منعقد با آلمان نازی زمان هیتلر وجود داشت اطلاعی نداشت). همسر و لاسوف پذیرفت که

من یک امتیاز از او گرفتم و موضوع صحبت را تغییر دادم.

او بار دیگر از من پرسید که آیا من تصور نمی‌کنم که رقابت ایران و عربستان سعودی ممکن است یک روز آرامش منطقه خلیج را برهم بزند؟ من بار دیگر پاسخ دادم که به عقیده من ایران و عربستان سعودی بیشتر با توجه به دشمن مشترک خودشان - عراق - احتمال می‌رود که با یکدیگر همکاری کنند. او همچنین پرسید که آیا دیدار نیکسون رئیس جمهوری آمریکا از ایران در حالی که از عربستان سعودی قصد دیدار ندارد اختلاف نظر بین دو کشور را تیره تر نخواهد کرد. من در پاسخ گفتم که من دلیلی نمی‌بینم که چنین باشد زیرا نیکسون صرفاً انجام دهنده قوی است که از مدت‌ها قبل در پاسخ به دیدار شاه از ایالات متحده داده است. و لاسوف آن گاه پرسید که آیا این دیدار جنبه تشریفاتی خواهد داشت یا مسائل مهمی مورد بحث قرار خواهد گرفت؟ من در پاسخ گفتم که اطلاعی ندارم که برنامه مذاکرات او چه خواهد بود ولی افزودم که هر موضوعی که مورد علاقه متقابل باشد جهت بحث بین دو رئیس کشور مناسب خواهد بود. و لاسوف آن گاه پرسید که آیا در مورد میزان رسوخ شوروی در منطقه خلیج فارس که ما آن را اجازه بدهیم حدودی وجود دارد یا خیر و پرسید که خط این رسوخ فرضی در کجا قرار خواهد گرفت؟ من گفتم که از نظر من احمقانه خواهد بود اگر بگویم که ما درباره رسوخ شوروی در یک چنین منطقه حیاتی نگرانی نشان ندهیم. ولی مناسبات کشورهای خلیج فارس با اتحاد شوروی یا یک کشور دیگری مربوط به خودشان است و من نمی‌توانم بگویم که ما به چه تریبی مداخله خواهیم کرد؛ او اظهارات مرا باور نکرد. ویتنام: او از من پرسید که درباره اوضاع کنونی در ویتنام نظر من چیست و من در پاسخ گفتم که مایه شرمساری است که ویتنام شمالی به ویتنام جنوبی حمله برده است، زیرا ما و ویتنام جنوبی اکنون لازم می‌دانیم آنها را به تعداد زیاد بکشیم و این امر به زیانهای قابل ملاحظه‌ای برای ویتنام شمالی نیز منجر می‌شود. او اظهار نظر کرد که مهاجمین در واقع ویت‌کنگها هستند ولی من گفته‌ام او را رد کردم و آن گاه او پرسید برای اینکه ما از ویتنام به میز مذاکرات بازگردیم چه چیزی لازم است؟ او گفت که اگر مذاکرات از سر گرفته شود بهتر خواهد بود که درباره مسائل مشخص یک به یک بحث شود بی آنکه طرفین یکدیگر را به تجاوز متهم کنند.

او آن گاه از من پرسید که مردم آمریکا نسبت به تجدید بمباران ویتنام شمالی چه احساسی دارند و من در پاسخ به این سؤال از او پرسیدم که مردم روسیه درباره چکسلواکی در سال ۱۹۶۸ چه احساسی داشتند. او گفت که بجز یک اقلیت کوچکی همه مردم روسیه از اقدام شوروی پشتیبانی می‌کنند. آن گاه او اظهار نظر کرد که تعیین زمان شورش یک نوع اشتباه - خیر نه یک اشتباه بلکه شاید یک محاسبه غلط - بوده است زیرا ارتش سرخ بایستی قبل از اینکه اوضاع به چنین مرحله برسد وارد چکسلواکی می‌شد. تعاونی (تعاونی سفارت - م): و لاسوف از من درباره کارتهای اعتبار پرسید و پس از اینکه من توضیح دادم این کارتها چگونه به کار برده می‌شود و از کاتالوگ چگونه برای سفارش استفاده می‌شود از او پرسیدم که آیا او هم از این مزایا برخوردار است؟ او در پاسخ گفت در مغازه‌های شوروی اشیاء نسبی فروخته می‌شود ولی چنین تسهیلاتی برای آنهايي که خارج از اتحاد شوروی هستند داده می‌شود. شورویها در تهران تعاونی ندارند و اقلام از مسکو با هواپیما به فواصل زمانی به تهران می‌رسد و آن گاه به اعضای سفارت فروخته می‌شود. من درباره تعاونی خودمان (یک نوع کارپردازی. م) به او توضیحاتی دادم و (طبق پیشنهاد هالا) به او پیشنهاد کردم که او از اقلام گنجانده شده در تعاونی یا چیزهایی که از

آمریکا سفارش داده می‌شود در صورتی که مورد نیازش باشد استفاده کند. او چندان علاقه‌ای به این موضوع نشان نداد.
شخصی:

ولاسوف یک اتومبیل جدید از نوع دوج دارت به رنگ سفید که داخل آن آبی است دارد. او از این اتومبیل خوشش می‌آید ولی هنوز به دستگاه اتوماتیک آن عادت نکرده است.
همسر ولاسوف هنوز هم دچار مشکلات جزئی در بیمارستان شوروی است. حجم کار بیش از حد مورد انتظار است و او همه نوع موارد بیماری را می‌پذیرد بدون آنکه قبلاً درباره این بیماریها مشورت به عمل آورده باشد. در اتحاد جماهیر شوروی او به عنوان متخصص اعصاب تنها بیمارانی را می‌پذیرفت که قبلاً نزد پزشک عمومی مراجعه کرده و موضوع بیماری آنها مورد بحث قرار گرفته بود. ولی کارهای هفتگی آنها با یکدیگر متفاوت است و روزهای مرخصی آنها با یکدیگر فرق می‌کند به طوری که آنها فقط عصرها یکدیگر را می‌بینند.

ما بار دیگر در روز ۴ ماه مه برای صرف شام در آپارتمان من با یکدیگر ملاقات خواهیم کرد. ولاسوف می‌خواهد که همسر او نیز همراه او باشد ولی از آنجایی که همسر او روسی و فرانسه (زبان اخیر را نه چندان خوب) صحبت می‌کند او امیدوار است که همسر او و همسر من خواهند توانست با یکدیگر کنار بیایند. همسر من زبان فرانسه را به طور ضعیف صحبت می‌کند و فارسی بهتر بلد است. بنابراین من پیشنهاد کردم که یک نفر دیگر را که همسرش در زبان فرانسه یا روسی مهارت داشته باشد دعوت کنم. این ملاقات در رستوران چینی در خیابان پهلوی نزدیک آریامهر صورت گرفت و برای ولاسوف یکهزاروپنجاه و پنج ریال خرج برداشت، ولاسوف انعام‌دهنده دست و دل‌بازی نیست. او فقط بیست ریال روی میز گذاشت.

سند شماره (۱۷)

تاریخ: ۱۳ ژوئن ۱۹۷۲ - ۲۳ خرداد ۱۳۵۱
از: استان اسکودرو مأمور سیاسی
رونوشت به: آقای توسایننت مأمور سیاسی

موضوع: گفتگو با ولادیمیر ولاسوف دبیر اول سفارت شوروی.
چنین به نظر می‌رسید که ولاسوف امروز برای اینکه جذاب به نظر برسد کوشش زیادی به خرج می‌داد. او با یک دنیا تظاهر از من خواست تا او را ولادیمیر خطاب کنم و از من پرسید که آیا او می‌تواند مرا استان خطاب کند. بعداً او دعوت پرآب و تاب خود را برای دیدار از او در محل اقامت خود در محله بیلاقی سفارت شوروی پس از بازگشت من از بلوچستان تکرار کرد.
در گفتگوی بین ما که دامنه بسیار وسیعی داشت ولاسوف ظاهراً سه موضوع عمده در گفتگوهای خود تأکید کرد بدین ترتیب: دیدار پرزیدنت نیکسون از ایران، سفر قریب الوقوع شاه به بریتانیای کبیر و مناسبات بین کشورهای خلیج (فارس) با یکدیگر.
درباره موضوع اول ولاسوف مستقیماً پرسید که آیا ایران در جریان دیدار نیکسون از اینجا خواستار وام‌گیری جدیدی از آمریکا شده بود یا خیر و اینکه آیا مسئله کمک‌های اضافی نظامی یا فروش اسلحه به ایران مورد بحث قرار گرفته یا خیر؟ او همچنین اطلاع نداشت آیا ملاقاتهای بین نیکسون و شاه در حضور

مشاوران بوده است یا اینکه کاملاً به طور خصوصی. من درباره همه این مسائل اظهار بی‌اطلاعی کردم. ولاسوف (و به طور کلی می‌توان گفت که شورویها) به آن مظنون هستند که یکی از مقاصد دیدار اخیر رئیس‌جمهور آمریکا از ایران این است که شالوده یک نوع ترتیبات غیر رسمی باشد که به موجب آن بین ایالات متحده و بریتانیا و ایران توافق حاصل شود که ایران ثبات منطقه خلیج فارس را تأمین کند در حالی که ایالات متحده و بریتانیا مشترکاً دفاع از اقیانوس هند و به ویژه راه‌های ورود به خلیج فارس را تضمین کنند. به عقیده ولاسوف این یکی از دلایل عمده سفر قریب‌الوقوع شاه به بریتانیا است. ولاسوف استدلال کرد که کمتر مسائل اقتصادی برای بحث بین آنها وجود دارد. بجز مواضع دو کشور درباره ملی کردن داراییهای شرکت نفت عراق، اگر دلایل مهم سیاسی برای این سفر وجود نمی‌داشت شاه به دنبال مقالات انتقادی از وی از قبیل مقالاتی که اخیراً در نشریه‌های اکونومیست و تایمز مالی منتشر شده است اقدام به سفر به انگلستان نمی‌کرد.

من در پاسخ گفتم که به عقیده من شاه و حکومت او بین اظهارات یک حکومت غربی و مندرجات نشریات آن تفاوت قایل هستند و من درباره توافقاتی مورد بحث او اطلاعی ندارم و با توجه به محیط سیاسی کنونی در ایالات متحده من شخصاً شک دارم از اینکه فرصتی برای تحمل چنین توافقی از سوی کنگره آمریکا وجود داشته باشد. من در عین حال از او پرسیدم که به فرض چنین توافقی حاصل شده باشد موضعگیری شوروی در قبال آن چه خواهد بود.

ولاسوف در پاسخ گفت که اتحاد جماهیر شوروی ترجیح می‌داد که چنین توافقی درباره امنیت خلیج فارس بین همه کشورهای ساحلی آن و به ویژه عراق منعقد شود و من در پاسخ گفتم که از لحاظ امکانات عملی آماده کرده چنین ترتیباتی باید دشوار باشد. او اظهار موافقت کرد، ولی خاطر نشان ساخت که یک چنین سازمان امنیت منطقه‌ای دسته‌جمعی با اصل اعلام شده از سوی برژنف جهت سازمان امنیت دسته جمعی کشورهای آسیایی تطبیق می‌کند و اینکه گروه‌های کوچکتر مشابه شاید در آسیای جنوبی و آسیای جنوب شرقی تشکیل شود و شاید بعداً همه این ترتیبات به صورت یک سازمان واحد دربیاید. ولاسوف آن‌گاه خاطر نشان ساخت که اظهارات راجرز وزیر امور خارجه آمریکا در پایان اجلاس ستنو دلالت بر آن می‌کند، که ایالات متحده در نظر دارد حضور خود را در خلیج فارس و اقیانوس هند تقویت کند. او این امر را به عنوان یک پشتیبانی از تز زدو بند سه قدرت در منطقه تلقی می‌کند. من پاسخ دادم که وزیر امور خارجه آمریکا درباره افزایش سطح قدرت صحبت نکرده است، بلکه درباره جایگزین کردن کشتیهای جدید به جای کشتیهای قدیم و تکمیل سایر فعالیتهایی که در جریان است صحبت کرده است و افزودم که تا آنجایی که اطلاع دارم وارد کردن عناصر جدیدی در میان نیست.

ولاسوف آن‌گاه پرسید که من درباره موضعگیری ایران نسبت به ملی کردن شرکت نفت عراق چه فکر می‌کنم. من گفتم از آنجایی که اوپک از عراق پشتیبانی می‌کند من می‌توانم تصور کنم که ایران نیز به عنوان عضو اوپک از این تصمیم پشتیبانی خواهد کرد. او در پاسخ اظهار توافق کرد که این امر به عنوان یک اصل عمومی حقیقت دارد، ولی آیا من تصور نمی‌کنم که ایرانیان برداشت خود را به منظور بهره‌برداری از خلأ حاصل از کنار کشیدن عرضه نفت عراق به وجود آمده افزایش نخواهند داد. من در پاسخ گفتم که نفت در حیطة کارشناسی من نیست، ولی معلوم نیست که مشکلات فنی مربوط به افزایش برداشت نفت به مقادیر زیاد به مرور زمان از میان برود و امکان بدهد که ایرانیان خلأ به وجود آمده از سوی عراق را پرکنند، حتی

اگر هم بخواهد چنین کاری بکنند.

من آن گاه از او پرسیدم که آیا او با این اصل موافق نیست که عراقیها از زمانی که دو قرارداد با اتحاد شوروی امضا کرده‌اند طرز رفتارشان تغییر کرده است؟ او موافقت کرد که چنین است و آن گاه من پرسیدم که آیا او می‌تواند یک نسخه از قرارداد بازرگانی اخیر بین اتحاد شوروی و عراق یا لااقل آن قسمتهایی از این قرارداد را که ممکن است منتشر شود به من بدهد. او در پاسخ گفت که حتماً چنین کاری خواهد کرد ولی از آنجایی که او هنوز مدارک مربوطه را درباره گزارش تحولات در این باره از مسکو دریافت نکرده است این موضوع تا بازگشت من از بلوچستان به تأخیر خواهد افتاد و آنگاه او امیدوار است چیزی را که من می‌خواهم در اختیار خواهد داشت.

ضمن بحث درباره اوضاع امارات متحده عربی و لاسوف اظهار نظر کرد که ایرانیان حتماً از عملکرد شیخ زائد (بن سلطان آل نهیان) رئیس امارات متحده عربی ناراضی هستند. ولی او یقین نداشت که آیا ایرانیان برای جایگزینی او به وسیله شخص دیگری کاری عملی انجام می‌دهند یا خیر؟ معذالک او معتقد بود که شیخ فجیره به عنوان رهبر امارات متحده عربی بیشتر مورد قبول حکومت ایران است. درباره امکان یک انقلاب سوسیالیستی در یکی از کشورهای ساحلی خلیج فارس و لاسوف گفت که اتحاد جماهیر شوروی ناگزیر خواهد بود از شورشیان چه از لحاظ معنوی و چه از لحاظ مادی پشتیبانی کند و خاطر نشان ساخت که چنین موضعی یکی از دلایلی است که چرا او و همکاران او مورد پذیرایی بهتری در ایران قرار نمی‌گیرند. من پرسیدم که اگر چنین شورشی روی دهد در یکی از کشورهایی که وابسته به سازمان امنیت دسته‌جمعی که او پیش‌بینی کرده است چه رخ خواهد داد به ویژه اگر این سازمان امنیت دسته‌جمعی همچنان که مورد انتظار است اعلام بدارد که مایل به حضور یک قدرت بزرگ در قلمرو آن نیست. و لاسوف در پاسخ گفت که بهتر خواهد بود اگر مسئله امور داخلی حکومت‌های عضو یک چنین سازمان امنیت دسته‌جمعی موضوع بحث در میان سایر کشورهای عضو نباشد، بلکه هر کشور انفرادی عضو ترتیبی بدهد که خود مایل باشد (به عبارت دیگر اتحاد شوروی در صورتی که در برابر چنین اوضاعی قرارگیرد کاری را که تصور می‌کند می‌تواند انجام دهد و مقرون به عقل باشد و انحراف از اصول آن نباشد انجام خواهد داد - اظهار نظر من).

ولاسوف بقیه فصل تابستان را تنها در ایران به سر خواهد برد و آن گاه در اوایل پاییز به همسر خود در مسکو ملحق خواهد شد آنها در نظر دارند تعطیلات خود را در کالواری که یک چشمه آب معدنی در کشور چکسلواکی است بگذرانند و سپس به ایران بازگردند.

ما با یکدیگر موافقت کردیم که روز چهارشنبه ۲۸ ژوئن در رستوران یونانی با یکدیگر ملاقات کنیم. شما مبلغ ۸۰۰ ریال بابت نهار و سلف سرویس در رستوران مکزیکی به من مدیون هستید.

سند شماره (۱۸)

تاریخ: ۲۵ اکتبر ۷۲-۳ آبان ۱۳۵۱
مکان: رستوران مهاراجه به هنگام صرف نهار
شرکت کنندگان: ولادیمیر ولاسف، دبیر اول سفارت روسیه. استانیلی اسکودرو، مقام سفارت
موضوع: بازدید شاه از روسیه. اوضاع داخلی روسیه. ایستگاه رادیویی روسیه در باکو،
وقایع داخلی سفارت روسیه در تهران، اطلاعات بیوگرافیک

۱- سفر شاه به روسیه

ولاسف تأیید کرد که موضوع عراق در ملاقات بین شاه و رهبران روسیه مطرح نگردید. او از اینکه شاه این موضوع را مطرح نکرده است اظهار تعجب کرد، ولی فکر می‌کند که این موضوع به خاطر حفظ روند دوستانه مذاکرات حذف شده است. وی گفت که مقامات شوروی نیز اجباری در طرح مسئله نداشته‌اند. ولاسف معتقد است که شاه نمی‌خواهد از روسها در مسئله عراق کمک بگیرد تا به این ترتیب به همسایه شمالی خود مدیون شود. ولاسف می‌گوید که ایران دارد نقش یک ملت نیرومند را ایفا می‌کند که در روابط خود با قدرتهای بزرگ جهان یکسان برخورد می‌کند. نمونه این برخوردها عبارت است از سفر شاه به انگلستان، چین، شوروی و سفر نیکسون به ایران. تقاضای کمک از روسیه تصویر یکسان برخورد کردن در روابط را از بین می‌برد.

برای مذاکرات بین رهبران دو کشور یک برنامه سه‌روزه ترتیب داده شده بود، ولی همه موارد مهم در دو روز خاتمه یافت و در روز سوم بحث پیش کشیده نشد. بقایای اقامت شاه در شوروی به بازدید از مناظر و آثار تاریخی صرف گردید.

تمام روز اول را شاه صرف این کرد که توضیحاتی درباره پیشرفت و گسترش داخلی در ایران بدهد، ولی در روز دوم برژنف خواستار آن شد که درباره مسائل بین‌المللی مورد علاقه دو کشور صحبت نمایند. شاه می‌خواست بداند که آیا منظور مناطقی است که در آنها سیاستهای متفاوتی اتخاذ شده ولی برژنف اظهار داشت که می‌خواهد درباره مسائل بین‌المللی مورد علاقه دوجانبه بحث نماید. در این مرحله از مذاکرات هر دو طرف توافق کردند که اوضاع در منطقه باید آرام گردد و مسائل خلیج فارس نیز باید بدون دخالت قدرتهای خارجی حل شود.

ولاسف گفت که درباره مفاد ۵ و ۶ معاهده ۱۹۲۱ دوستی بین روسیه و ایران اصولاً بحث پیش کشیده نشد. (اظهار نظر: ما اطلاعاتی موثق داریم که عکس این موضوع را ثابت می‌کند).

به ابتکار شاه این معاهده ۱۵ ساله پیش کشیده شد. ولاسف از اینکه این معاهده در این برهه از زمان منعقد شده بود اظهار شگفتی کرده و گفت که وی فکر می‌کرده است که این موضوع مورد بررسی بیشتر قرار خواهد گرفت، و بنابه پیشنهاد شاه به این سند عنوان معاهده به جای قرارداد داده شد، تا از اهمیت ویژه سیاسی نیز برخوردار باشد. به گفته ولاسف روسها درباره ویتنام و ایجاد یک کنفرانس امنیت آسیایی صحبت کردند. شاه پیشنهاد دوم را استقبال کرد ولی گفت که با وجود اینکه از نظر اصولی این موضوع بسیار شایسته است ولی زمان را مناسب برای این کار نمی‌داند. علاوه بر اینها شاه فکر می‌کرد که قبل از آنکه خود کنفرانس به طور جدی مورد بحث قرار گیرد بعضی از مسائلی که باید در برنامه کار آن مطرح

گردد باید مورد ملاحظات جدی قرارگیرد.

در رابطه با دعوت از پادگورنی برای سفر به ایران، ولاسف گفت که پادگورنی تا به حال چندین سفر به ایران داشته و زیاد سفر کردن از اهمیت موضوع خواهد کاست. وی فکر می‌کند که کسی دیگر به جای پادگورنی دعوت را قبول نماید که شاید کاسیگین باشد. به هر حال، شخص مزبور برژنف نخواهد بود چون دعوت از ریاست حزب کمونیست به جای یک مقام دولتی از نظر سیاسی مشکلاتی را به همراه خواهد داشت.

۲- اوضاع داخلی در روسیه

پس از توضیح پیرامون وخامت اوضاع کشاورزی در شوروی، ولاسف اظهار داشت که کاهش محصول گندم به موقعیت برژنف به عنوان مرد نیرومند شوروی صدمه وارد نخواهد کرد. علیرغم خروشچف که از طریق کشاورزی و روابط بد با چین صدمات زیادی دید، برژنف شخصیت خود را در انظار عموم شبیه به شخصیت استالین ارائه نداده است. کار آخر در رابطه با خروشچف بیشتر از خسارات کشاورزی به سقوط وی کمک کرد.

۳- ایستگاه رادیویی شوروی در باکو

همانگونه که انتظار می‌رفت، ولاسف وجود یک ایستگاه رادیویی در باکو را که برای ایران برنامه‌هایی پخش می‌کند انکار کرده گفت: چنین کاری تلاشهای دقیق چندساله را که در جهت بهبود روابط با ایران انجام شده بود به هدر می‌دهد. وی اظهار داشت که علیرغم گفته‌های مقام سفارت که چنین برنامه‌هایی دائماً از خلیج عرب یاد می‌کنند، سیاست رسمی شوروی این آنها را به عنوان خلیج فارس می‌شناسد.

۴- وقایع داخلی سفارت شوروی در تهران

معاون وابسته نظامی (نامش معلوم نیست) که در طبقه پنجم آپارتمانی در سفارت روسیه در پایین شهر به سر می‌برد از نظر شغلی ترفیع گرفته است. او و ولاسف دوستانی صمیمی هستند چون ولاسف در طبقه زیرین به سر می‌برد.

یک متخصص زبان فارسی به نام خارساروف (?) اخیراً به سفارت آمده است. این سومین باری است که وی به ایران می‌آید و او زبان فارسی را آن چنان خوب صحبت می‌کند که مترجم شخصی پادگورنی در سفر اخیرش به ایران شده بود.

هیچ کدام از سفارت‌هایی که ولاسف در آنها خدمت می‌کرد حتی سفارت شوروی در تهران پرونده‌های بیوگرافیک از کارمندان ندارند. یک چنین اطلاعاتی زمانی در اختیار قرار می‌گیرد که کتباً از مسکو درخواست شود که از طریق وزارت امور خارجه و یا دیگر مؤسسات تحقیقاتی متعدد در اختیار گذاشته می‌شود. ولاسف به سفیر خود چند بار پیشنهاد ایجاد یک چنین پرونده‌هایی را داده و گفته است که حاضر است یک بایگانی مانند بایگانی آمریکا در سفارت خود ایجاد کند او از مقام گزارشگر که (برحسب اتفاق هماهنگ کننده اطلاعات بیوگرافیک سفارت آمریکا است) خواست تا نمونه‌ای از پرونده‌های بیوگرافیک را برای او بیاورد تا او نیز به سفیر خود برای آغاز کار نشان بدهد. ولی ولاسف جواب قطعی در این باره

دریافت نکرد.

۵ - سوابق بیوگرافیک

همان طور که انتظار می‌رفت در امتحانات ورودی دانشگاه دختر و لاسف با نمرات عالی قبول شد. او حالا نگران پسرش است که به خوبی دخترش درس نمی‌خواند. در صورتی که نمرات پسرش برای ورود به دانشگاه خوب نباشد و لاسف او را در سالهای بین فارغ‌التحصیلی از دبیرستان و ورود به خدمت در ارتش به کارخانه‌ای برای کارآموزی خواهد فرستاد.

همسرش از شوروی برگشته است و اینک در تهران به سر می‌برد. آنها تعطیلات خود را در ماه اکتبر برای رفتن به شوروی به تعویق انداخته‌اند و امیدوارند بعد از جشنهای ماه نوامبر به وطن بازگردند. و لاسف اصلاً ناراحتی خود را از کار در ایران مخفی نمی‌کند. وی یک بار دیگر از مشکلات خود در ایجاد ارتباط با ایرانیها سخن گفت و اظهار داشت که با تغییراتی که در اداره دوم سیاسی صورت گرفته باید همه چیز را از اول آغاز کند. وی ادعا می‌کند که با گروههای دیپلماتیک تماسهایی برقرار کرده است. وی یک بار دیگر به مقام گزارشگر پیشنهاد کرد که به هنگام مراجعت به آمریکا در شوروی با وی ملاقات کند. موافقت شد که پس از پایان تعطیلات یعنی هفتم نوامبر و لاسف با وی تماس حاصل نماید.

سند شماره (۱۹)

تاریخ: ۹ آوریل ۱۹۷۳ - ۲۰ فروردین ۱۳۵۲

خیلی محرمانه

صورت مذاکرات مکان: رستوران مکزیکی جهت صرف نهار

شرکت کنندگان: ولادیمیر و لاسف دبیر اول سفارت شوروی - استانی اسکودرو، مقام سفارت

موضوع: ۱- تجهیز تسلیحاتی ایران ۲- روابط بین ایران و شوروی و بازدید کاسیکین

۳- روابط بین سفارت شوروی و دولت ایران ۴- روابط بین آمریکا و سفارتخانه‌های

شوروی ۵- اطلاعات بیوگرافیک

۱- تجهیز تسلیحاتی ایران

موضوع اصلی بحث مطروحه توسط و لاسف موضع هند در قبال پیشرفت سریع در تجهیز ایران از نظر تسلیحاتی بود. به همان نحوی که توسط کاردار هند پراکاش شاه ابراز شده بود و قبلاً نیز در (تلگرام مرجع الف) گزارش شده بود و لاسف نیز اظهار می‌دارد که قطعاً ایران نیز نقش اسب تراوا را برای آمریکا بازی خواهد کرد که در شکم آن به جای سرباز، اسلحه جهت توزیع به دیگر دولتهای منطقه وجود خواهد داشت. به و لاسف گفته شد که دریافت کنندگان اسلحه چون ایران مجاز نخواهند بود که اسلحه‌های دریافتی از آمریکا را به کشور سومی بدهند، مگر اینکه قبلاً این اجازه توسط دولت آمریکا به آنها داده شده باشد. ولی و لاسف ابراز داشت که ایفای یک چنین نقشی توسط ایران نه تنها موافقت بلکه تأیید و تشویق آمریکا را نیز به همراه داشته و دارد. از نظر او این نقشه بسیار منطقی است چون گسیل داشتن مخفیانه سلاح از طریق ایران به خصوص برای پاکستان، آمریکا را قادر خواهد ساخت تا در حالی که به حفظ روابط حسنه با هند می‌پردازد به تجهیز متحد آسیای شمالی خود نیز ادامه دهد. مقام گزارشگر اظهار

داشت که ارسال هرگونه تجهیزات آمریکایی به پاکستان چه در زمان حال و چه در آینده (که اینگونه تجهیزات حتماً خالی از خطر خواهد بود) در نتیجه تماس مستقیم آمریکا و دولت پاکستان صورت خواهد گرفت و دیگر اینکه نقشه و لاسف گرچه غیر منطقی نیز به نظر نمی‌رسد، ولی به دلایل مشروحه زیر عملی نمی‌باشد: ما اصولاً نمی‌توانیم از ایران بخواهیم دست به عملی بزنند که موجب تیره شدن روابط بین ایران و هند و در نتیجه موجب وخیم تر شدن روابط بین آمریکا و هند می‌شود. برنامه تجهیز تسلیحاتی قابل اختفا نبوده و هرگاه که هند از وجود یک چنین برنامه‌ای آگاه شود به تیره شدن روابط ما منجر خواهد شد، با وجود شرایط سیاسی کنونی مرز پاکستان و ایران اصولاً ممکن نیست که بتوان محموله‌های عظیم تسلیحاتی را در اختفا از ایران به پاکستان منتقل نمود، بالاخره از همه مهمتر آمریکا خواستار حل و فصل صلح آمیز اختلافات در منطقه است و در شرایط کنونی، تجهیز همه‌جانبه پاکستان از نظر تسلیحاتی نمی‌تواند ما را در نیل به این هدف یاری دهد.

پس از آن و لاسف به استفاده از سلاحهای ایرانی در خلیج فارس پرداخت و بیان داشت که در حالی که هم جده و هم تهران می‌خواهند نقش فعالی در خلیج فارس داشته باشند به وجود آمدن رقابت میان این دو اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. شیخ نشینها از افزایش قدرت ایران می‌ترسند و همان طور که پیشنهاد شوروی مبنی بر ایجاد یک امنیت جمعی در آسیا به عنوان سلطه شوروی برداشت شد. پیشنهاد ایران در همین زمینه برای دولت‌های خلیج نیز او نظر شیخ نشینها تلاشی است برای تأمین برتری و تسلط ایران در منطقه. لیکن، با وجود اینکه بسیاری از امارات و سلطان نشینها از شاه ایران دل خوشی ندارند، ولی نسبت به شاه فیصل نیز اصلاً اعتماد ندارند چون او به آنها نزدیکتر و خطری حتمی تری می‌باشد. هر حرکت تحریک آمیز از طرف جده شیخ نشینها را به طرف ایران جهت جلب حمایت خواهد کشاند و زمینه را برای بدتر کردن روابط بین ایران و عربستان سعودی آماده کرده و به تشدید تضادهای طبیعی بین این دو قدرت منطقه کمک خواهد کرد. نگرانی در مورد مقاصد ایران و عربستان سعودی آنقدر زیاد است که وقتی که کویت با خطر حمله نظامی عراق رو به رو گردید به جلب کمک از هیچ کدام از این دو کشور نپرداخت.

مقام گزارشگر ابراز داشت که موارد اختلاف بین ایران و عربستان سعودی آنقدر ناچیز است که به راحتی می‌توان آنها را در صورت بروز خطری جدی برای هرکدام از دولت‌های خلیج از طرف سازمانهای چون PFLOAG و شورشیان ظفار و یا از طرف عراق، برطرف و حل و فصل نمود. علاوه بر اینها هیچ‌گونه عملی از طرف ایران و عربستان سعودی باعث نخواهد شد که به ایجاد سازمانی برای برقراری امنیت در خلیج فارس منجر شود. معذالک در صورتی که شوروی معتقد به تضاد طبیعی بین این دو کشور است، به نظر ما بهترین راه حل، کاهش کمک شوروی به سازمانهای خرابکار می‌باشد که در نتیجه فرصت می‌یابیم منتظر وقوع حوادثی باشیم که به وخیم تر شدن روابط میان دولتهای خلیج کمک می‌کند. در رابطه با برخورد میان عراق و کویت، در صورتی که تمام اعراب اعمال عراق را محکوم نمایند و اعلام دارند که نه عربستان سعودی و نه ایران می‌توانند اجازه دهند که عراق کویت را به تصرف خود درآورد باعث خواهد شد که دیگر کسی برای جلب حمایت یکی از این دو اقدامی ننماید.

بنا به اظهارات و لاسف میزان نفوذ چینیهها در این سازمانهای چریکی باعث می‌شود که شوروی نتواند حمایت خود را حتی اگر لازم هم باشد بقدر کافی کاهش دهد. در حقیقت نفوذ چینیهها از طریق پاکستان در خلیج فارس رو به افزایش است. و لاسف اظهار داشت که دولت متبوع وی و دولت هند از این پیشرفتهها

بسیار نگران هستند ولی گویا ایران اصلاً ناراحت نبوده و حضور چینها را به عنوان حرکتی در برابر هند تلقی می‌کند. اظهار نظر: همان طور که در گزارشات پیشین به اطلاع رسید، موضوع امکان رقابت بین ایران و عربستان سعودی موضوعی است که بسیار مورد علاقه و لاسف است. تکرار مکرر این موضوع توسط او آدم را به این فکر می‌اندازد که نکند شوروی می‌خواهد از شیخ‌نشینها جهت ایجاد تفرقه بین ایران و عربستان سعودی استفاده کند.

۲- روابط بین ایران و شوروی و بازدید کاسیگین

در پاسخ به یک سؤال، ولاسف اظهار داشت که اعمال اخیر عراق خطوط تیره‌ای را در روابط بین ایران و شوروی به وجود آورده است. او نمی‌داند که آیا دولت ایران واقعاً با این نظر موافق است که روسیه سعی دارد توسط عراق و هند این کشور را به محاصره درآورد. وقتی که مقام گزارشگر گفت که احتمالاً دولت ایران یک چنین عقیده‌ای دارد، ولاسف گفت که تمام این موضوع به وسیله مقاله‌ای که در اکونومیست به چاپ رسیده بود به وجود آمد.

به هر حال اوضاع آن چنان وخیم شده بود که تصمیم گرفته شد که نخست وزیر کاسیگین برای بازدید کارخانه ذوب آهن اصفهان به ایران بیاید، تا بلکه بتواند بعضی مسائل را با شاه حل و فصل نماید. (ظاهراً ولاسف می‌خواست بگوید که سفر کاسیگین قبلاً برنامه‌ریزی شده بود ولی بعداً به تعویق افتاده بود). ولاسف که می‌گفت به موضوعات مورد بحث در این ملاقات واقف نبوده است اظهار داشت که گفتگو در محیطی بسیار دوستانه انجام گرفت، لیکن روسها نمی‌دانند که چه مقدار از حرفهایی که شاه به کاسیگین زده است صادقانه بوده و یا در زمره تعارفات فارسی به شمار می‌آید.

۳- روابط بین سفارت شوروی در ایران با دولت ایران

ولاسف گفت که روابط شخصی بین کارمندان سفارت شوروی و مقامات ایرانی بسیار محدود گشته است. او و همکارانش جهت انجام مذاکرات تجاری با مقامات مربوطه در وزارت امور خارجه دسترسی دارند ولی در ساعات غیر اداری تماسهای شخصی غیرممکن است. وی از مقام گزارشگر خواست که نام او را نیز برای ضیافتهای کوکتل در فهرست اسامی اضافه کند.

ولاسف برای بار دوم از ما خواست که به او کمک کنیم تا با هر مز چمن‌آرا که یکی از مقامات وزارت امور خارجه شاغل در بخش سازمان‌های بین‌المللی است ملاقاتی به عمل آورد. چون بنا به ادعای او این شخص می‌خواهد درباره موضع ایران پیرامون عبور آزاد ایران از تنگه‌های بین‌المللی قبل از وضع قانون کنفرانس دریاها به بحث بنشیند.

مقام گزارشگر گفت که این شخص دیگر در بخش مذکور مشغول به کار نبوده و نیز با این پیشنهاد ولاسف که ممکن است چمن‌آرا با یکی از مقامات آمریکایی تماس بگیرد موافقت اعلام کرد.

۴- روابط بین آمریکا و سفارتخانه‌های شوروی

ولاسف از وقعه‌ای که در انجام ملاقاتهایمان پیش آمده بود عذرخواهی کرد و تأخیر را مربوط به

تعطیلات نوروز دانست. مقام گزارشگر توجه کرده است که روابط بین آمریکا و مقامهای شوروی بسیار کاهش یافته است. زمانی بود که ما اغلب در ملاقات اجتماعی شرکت می‌کردیم لیکن از زمان عزیمت آقای نکراسف دعوتنامه‌های ما مورد قبول واقع نشده است. آیا تغییری در سیاستها پیش آمده است؟ ولاسف گفت ممکن است که دعوتنامه‌ها به شخص مورد نظر ارسال نشده باشد، چون مشکل است گفته شود که چه کسی جانشین نکراسف شده است. سه تن از مشاورین که دو تن از آنها سیاسی و یک تن اقتصادی بودند، تعویض و به جای آنها سه مشاور سیاسی وارد شده است، تا کارها بتواند بین آنها تقسیم گردد. امور اقتصادی سفارت شوروی در حال حاضر توسط یک دبیر اول (مجهول الهویه) صورت می‌پذیرد که در بازدید اخیر کاسیگین نقش مترجم را ایفا می‌کرد. به هر حال ملاقاتهای ما به هنگام صرف نهار باید ادامه پیدا کند و بنابه پیشنهاد ولاسف ۲۳ آوریل به عنوان روز برگزاری جلسه بعدی ما انتخاب گردید. اظهار نظر: اینکه ولاسف نمی‌داند چه کسی جایگزین نکراسف شده خالی از اغراق نیست، چون نکراسف رئیس محلی ولاسف بود. وی چنین وانمود کرد که دعوتنامه‌های ارسالی جهت ملاقاتهای روسی آمریکایی با امتناع رو به رو خواهد گردید.

۵- سوابق بیوگرافیک

ولاسف درباره کار در یک کشور با ثبات سخن به میان آورد و گفت مهم نیست که فرد چقدر زحمت بکشد چون به هر حال وزارت امور خارجه از گزارشات او حتماً انتقاد به عمل می‌آورد. مقام گزارشگر خاطر نشان ساخت که از اینکه ولاسف به ایران بازگشته بسیار در شگفت شده است چون به نظر او ولاسف سعی داشت خود را به جای دیگر منتقل نماید. در پاسخ لبخندی حاکی از تمسخر زده شد و اظهار شد که این کار در وزارت امور خارجه شوروی به آسانی صورت پذیر نیست. الین، دختر او از عهده وظایفش در دانشگاه به خوبی برآمده و پس از خاتمه کلاسها و امتحانات نهایی انتظار می‌رود که همراه یک گروه باستان‌شناس جهت حفاری به نزدیکیهای نوگاردیا کریمه اعزام گردد. پسرش که دانشجوی خوبی نیست دارد خود را برای امتحانات آماده می‌کند که نتیجه این امتحانات نشان خواهد داد که آیا او قادر به ادامه تحصیل هست یا خیر. در ۴ ماه مه همسر ولاسف به شوروی خواهد رفت تا در این موقعیت خطیر با فرزندش باشد.

سند شماره (۲۰)

تاریخ: ۲۸ آوریل ۱۹۷۳- ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۲
 مکان: رستوران چاتانوگا به هنگام صرف نهار
 شرکت کنندگان: ولادیمیر ولاسف، دبیر اول سفارت شوروی - استانلی اسکودرو، مقام سفارت
 موضوع: ۱- کنفرانس رؤسای نمایندگیهای آمریکا ۲- روابط ایران / هند ۳- برخوردهای بین عراق و کویت

۱- کنفرانس رؤسای نمایندگیهای آمریکا

ولاسف طبیعتاً سؤالات بسیاری را در رابطه با کنفرانس رؤسای نمایندگیهای آمریکا در تهران مطرح ساخت لیکن مقام گزارشگر از جواب دادن به آنها طفره رفت و اظهار داشت که او تنها در زمینه ستادی و

تهیه و تدارک لوازم و شرایط مورد نیاز مأموریت داشته و از محتوای این اجلاس خبری ندارد. ولاسف اظهار داشت که شاید این کنفرانس تصمیماتی در زمینه خط مشی سیاسی اتخاذ کرده باشد، ولی حتماً توصیه‌ها و پیشنهادهای به واشنگتن نموده است. وی خاطرنشان ساخت که سفارت شوروی در تهران پیشنهادهای چند برای کشور متبوع خود فرستاده است، تا بلکه کنفرانسی از سفرای روسها در خاورمیانه تشکیل گردد. محل برگزاری این کنفرانس نیز به جای تهران یا مسکو خواهد بود و یا یکی دیگر از پایتختهای خاورمیانه‌ای. ولاسف و سفیرش از این نظریه حمایت می‌کنند، لیکن دیگر سفرای روسی همان روش جاری یعنی مشاورتهای فردی در هنگام بازگشت به شوروی جهت مرخصی و یا تعویض مأموریت را ترجیح می‌دهند. تاکنون از طرف وزارت امور خارجه شوروی درباره برگزاری یک چنین کنفرانسی خبری دریافت نشده است.

۲- روابط ایران و هندوستان

امکان رقابت بیشتر بین ایران و هند قبلاً توسط ولاسف مطرح شده بود، لیکن او در این اندیشه است که ادامه روابط بین این دو قدرت منطقه‌ای در آینده چگونه خواهد شد. اصولاً او این دو کشور را به صورت دو رقیب می‌نگرد، ولی بعداً با مقام گزارشگر موافقت نمود که بهتر است آمریکا و شوروی ایران و هند را وادار به همکاری نمایند. وی خاطرنشان ساخت که هند نگران تجهیز روزافزون نظامی ایران است و به نظر او هندیها درباره ماجراجوییهای ایران در عمان نیز حتماً نگران خواهند شد. به نظر ولاسف شرکت ایران در عمان بیشتر جنبه سیاسی دارد تا جنبه نظامی. یعنی آزمایشی است از توانایی نظامی ایران و نیز زمینه‌ای است برای آموزش عملی نظامیان سلطنتی، لیکن به نظر او تهران این مداخله را به عنوان یک حرکتی می‌نگرد که می‌تواند نشانگر بعد حرکت آنها باشد، بدون اینکه انتقاد دهلی و یا دیگر پایتختهای عربی را علیه خود برانگیزد. او به طور مختصر گفت که ایرانیانی که درباره پایگاه کوچکی در خلیج فارس نزدیکیهای عمان و در تنگه هرمز توسط او مورد سؤال قرار گرفته‌اند پاسخ داده‌اند که این پایگاه چیزی نیست مگر یک محل سوختگیری کشتیها که در آنجا نظامیان جدید پیاده شده و نظامیان دیگر را برای مراجعت به ایران سوار می‌کنند. به ولاسف گفته شده است که تهران سربازان خود را بیش از ۶ هفته یا دو ماه در عمان نگاه نمی‌دارد، به همین دلیل عملیات جایگزین‌سازی مکرر، بسیار ضروری می‌گردد.

در همین رابطه، ولاسف از رابطه بین ایران و پاکستان سخن به میان آورد. ولاسف که همه چیز را توطئه می‌داند چنین فرض کرد که آقایان روش و سیسکو پس از صحبت با شاه به پاکستان خواهند رفت تا با پرزیدنت بوتو به گفتگو بنشینند و نقطه نظرهای شاه و نتایج کنفرانس تهران را با این کشور مورد بحث و بررسی قرار دهند. او تقریباً داشت به این نتیجه می‌رسید که ممکن است در آینده بین شاه و بوتو قراردادی امضاء شود تا در صورتی که خصومت‌های دیرینه بین ایران و پاکستان دوباره بروز کند ایران کمک‌هایی ارسال دارد. وی اظهار داشت که اکنون ایران مانند یک قدرت بزرگ عمل می‌کند، بنابر این ما باید منتظر یک چنین حرکتی باشیم. او بیان داشت که از نظر ژئوپلیتیک (که او همیشه براساس ژئوپلیتیک سخن می‌گوید) این موافقتنامه بسیار منطقی خواهد بود، چون این دو کشور به این ترتیب خواهند توانست نه تنها خلیج فارس بلکه دریای عمان و بخشی از دریای عربی را نیز کنترل نمایند. لیکن ولاسف نمی‌داند که آیا شاه حاضر است خود را در موقعیتی قرار دهد که باعث شود خصومت‌های هند نسبت به او تحریک شود یا

خیر. لیکن توضیح نداد که منظور او از حاضر بودن شاه آمادگی نظامی بوده و یا شرایط سیاسی داخلی.

۳- برخورد بین عراق و کویت

در رابطه با اوج مشاجرات مرزی عراق و کویت، ولاسف تعجب کرده است که چرا ایران طرف کویت را نگرفته است. چون به نظر او سخنانی اخیر نخست‌وزیر هویدا در لندن به این معنی بود که کویت می‌تواند از ایران کمک بخواهد. اینکه کویتهای این کار را نکرده‌اند نشانگر عمق عدم اعتماد آنها نسبت به ایرانیهاست، ولی ممکن است که آنها تصمیم گرفته باشند به این اختلافات با عراق از طریق مذاکره پایان بخشند. طبیعی است که ولاسف حضور کشتیهای جنگی روسی را در بنادر عراق در رابطه با حمله عراق نمی‌داند. وی در واقع اصرار داشت که اعمال عراقیها در نظر شوروی بسیار شرم‌آور بوده است. استانی اسکودرو

سند شماره (۲۱)

تاریخ: ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۳ - ۴ مهر ۱۳۵۲
 صورت مذاکره
 مکان: کلوب تهران برای صرف نهار
 شرکت کنندگان: ولادیمیر ولاسف، دبیر اول سفارت شوروی - استانی اسکودرو، مقام سفارت
 موضوع: ۱- ارتباط درونی سفارت شوروی ۲- نفوذ چین در پاکستان ۳- امور داخلی ایران
 ۱- ارتباطات داخلی سفارت شوروی

در بحث پیرامون اوضاع افغانستان، ولاسف اظهار داشت که سفارت او در تهران اطلاعات زیادی در دست ندارد. چون سفارت شوروی در کابل تمام گزارشات مربوطه را به مسکو ارسال می‌دارد و وزارت امور خارجه تصمیم می‌گیرد که چه اطلاعاتی باید به دیگر سفارتها ارسال شود. بنا به گفته وی، حتی در مواقع اضطراری نیز تماس مستقیم بین سفارتخانه‌های شوروی برقرار نمی‌گردد. ولاسف این طریقه را بسیار منطقی می‌داند چون وزارت امور خارجه تمام اطلاعات لازم را در اختیار دارد و در صورت لزوم آنها را به صورت گزارشات تحلیلی به نقاطی که باید در جریان باشند ارسال می‌دارد.

۲- نفوذ چینی‌ها در پاکستان

ولاسف با خوشحالی اظهار داشت که آمریکا تقاضای رئیس‌جمهور پاکستان بوتو را در طول بازدیدش از واشنگتن مبنی بر کمک تسلیحاتی به این کشور رد کرده است. در تکرار موضوعی که قبلاً نیز بیان شده بود، وی اظهار داشت که شاید آمریکا به این ترتیب به چینها چراغ سبز نشان داده است تا نیازهای تسلیحاتی پاکستان را برآورده سازند. من در جواب گفتم که ما اصولاً چنین رابطه‌ای با پکن نداریم و نمی‌خواهیم در این گونه کشورها با مسابقات تسلیحاتی رو به رو شویم. ولی او پاسخ داد که نیاز این کشور به سلاح امری است بسیار مسلم و قطعی و چین نیز می‌تواند برآورنده منطقی این نیاز باشد.

۳- امور داخلی ایران

در بحثی که پیرامون بیانیه اخیر حزب غیرقانونی توده (کمونیست) که در آخرین کنگره این حزب در عراق منتشر شده بود، پیش آمد ولاسف اظهار داشت که حزب توده در نظر دارد به ایران بازگشته، به عنوان

یک حزب مشروع عمل کند ولی شاه این موضوع را نمی پذیرد. در رابطه با تولد حزب مردم، ولاسف خاطر نشان ساخت که سفارت او دقیقاً اعمال مخالفین را تحت نظر دارد. به نظر مقامات شوروی شاه می خواهد از حزب مردم به عنوان ناظر بر اعمال نخست وزیر هویدا و حزب ایران نوین او استفاده کند تا در صورت لزوم بتواند از آن به عنوان یک ضربه قطعی علیه هویدا و حزب ایران نوین استفاده نماید.

سند شماره (۲۲)

تاریخ: ۲ ژوئن ۱۹۷۴ - ۱۲ خرداد ۱۳۵۳
از: الف. ی. کالاهان

سری

یادداشت به: سفیر

موضوع: انتقال گزارشات

نوشتار حاضر رونوشتی از گزارشات پیرامون حضور شوروی و سازمان جاسوسی آن کشور در ایران است که به شاه، ساواک، رکن ۲ و پلیس ملی ارائه داشته ایم. نکته بسیار جالب این است که در ۲۹ ماه مه هنگامی که من با ژنرال نصیری از ساواک ملاقات کردم تا نسخه مربوط به او را به او بدهم متوجه شدم که شاه یک رونوشت از گزارشی را که در همین زمینه در ۲۸ ماه مه به او داده بودم در اختیار ایشان گذاشته است.

یک رونوشت از این گزارش را نیز برای هاوک میلز می فرستم.

ضمیمه:

۱- گزارش یا اعلامیه

توجه: آقای میلز ملاحظه فرمایند. سری

حضور سازمان جاسوسی روسیه در ایران

الف: حضور کلی

۱- اطلاعاتی که تا ماه مه ۱۹۷۴ به دست ما رسیده حاکی از آن است که حدود ۵۰۰۰ شهروند روسی در ایران اقامت دارند. این رقم در برگیرنده اقوام و بسیاری از متخصصین اعزامی در کوتاه مدت (یکسال یا کمتر) می باشد. در این گروه ۶۷ نفر به عنوان مأموران اطلاعاتی (جاسوسی - مترجم) شناسایی شده اند.
۲- مهمترین مراکز محل تجمع روسها را می توان تهران و اصفهان نام برد که این رقم به ۱۰۰۰ نفر به (همراه خانواده هایشان) در هر شهر می رسد. اکثر روسهایی که در اصفهان به سر می برند به نحوی در ارتباط با کارخانه ذوب آهن آریامهر می باشند.

۳- تأسیسات تجاری و نمایندگی دائمی دیپلماتیک شوروی و دیگر تأسیسات این کشور در تهران عبارت است: سفارت (که در برگیرنده دفتر نیمه مستقل کنسول اقتصادی نیز می باشد). نمایندگان تجاری، بیمارستان شوروی، دفتر هواپیمائی اروفلوت، دفتر خبرگزاری تاس، شرکت بیمه شوروی، بانک ایران و روس و شرکت حمل و نقل ایران و شوروی.

علاوه بر اینها، در رشت و اصفهان کنسولگریهای روسی نیز وجود دارد و دفاتر بسیار محدودی در تبریز، مشهد، بندر پهلوی و جلفا نیز ایجاد شده است. روی هم رفته در کل این نمایندگیهای دائمی ۳۰۰ کارمند شوروی به کار مشغول هستند.

۴- دفتر مشاور اقتصادی شوروی در تهران از کمیته دولتی روابط اقتصادی خارجی (GKES) در مسکو تبعیت می‌نماید. این دفتر بر همه کمکهای اقتصادی و نظامی روسیه در ایران نظارت می‌نماید. به سرپرستی این دفتر حدود ۱۰۰ نفر از افسران روسی در قرارگاههای واقع در تهران در ارتباط با مؤسسه ملی آهن ایران و سازمان ملی گاز ایران و دیگر سازمانهای مربوطه عمل می‌نمایند، اینها کارهای متخصصین روسی در سرتاسر این کشور را زیر نظر دارند.

۵- ۶۷ افسر متخصص امور نظامی روسی معمولاً در حومه و یا منطقه تهران به کار گرفته شده‌اند.
۶- در خارج از تهران، متخصصین روسی مختلفی در رابطه با شرکت شیلات شمال در بندر پهلوی، کارخانه ماشین سازی اراک، در چند معدن زغال سنگ از امتداد خطوط گاز ایران، در کارخانه ذوب آهن آریامهر و پروژه‌های ساختمان آریاشهر به کار مشغول هستند. عده‌ای دیگر نیز در زمینه تجسسی معادن، در پرورش خاویار، در ایجاد سردخانه‌ها و سیلوهای گندم و دیگر پروژه‌های مربوطه کار می‌کنند.

ب: اعضای اطلاعاتی (جاسوسی - م) روسیه

۷- بنابه گزارشات اطلاعاتی رسیده ۶۷ تن از افراد روسی که در ایران به کار مشغول هستند احتمالاً و یا مطمئناً از افسران اطلاعاتی (جاسوسی - م) کا. گ. ب و یا جی. آر. یو. (G.R.U) می‌باشند. به منظور رعایت امور امنیتی این افسران در کلیه مؤسسات روسی در ایران پراکنده شده‌اند.

مؤسسه	تعداد عناصر اطلاعاتی شناخته شده
سفارت:	
ریاست	۲۷ نفر
کنسولگری در تهران	۴ نفر
دفتر وابسته نظامی	۸ نفر
دفتر مشاور اقتصادی	
(کمیته روابط اقتصادی خارجی و SMAP)	۵ نفر
کنسولگری اصفهان	۳ نفر
کنسولگری رشت	۲ نفر
نمایندگی خبرگزاری تاس	۱ نفر
دفتر هواپیمایی روسی اروفلوت	۱ نفر
شرکت بیمه شوروی (تهران، تبریز، مشهد)	۱ نفر
بانک ایران و روس	۱ نفر
نمایندگی تجاری روسیه	۱۱ نفر
بیمارستان شوروی	۳ نفر
جمع	۶۷ نفر

۸- با این حال نباید رقم ۶۷ را به عنوان تعداد قطعی عناصر جاسوسی شوروی در ایران قبول داشت. بنا به اطلاعات ما بسیاری از عناصر اطلاعاتی روسی که به ایران مأمور شده‌اند بنا به دلایل بسیار در آنها

درگیر عملیاتی فنی چون ایجاد اختلالات رادیویی در داخل روسیه بوده، بعضی دیگر مأمورین امنیتی هستند که مواظب دیگر اتباع روسی هستند. عده‌ای دیگر نیز عبارتند از عناصر بسیار جوانی که اولین سفر آشنائی با کار خود را در ایران می‌گذرانند که البته این کشور توسط شوروی همیشه برای شروع کار مأموران اطلاعاتی خود مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

۹- بسیار جالب است بدانید که تعداد مقامات روسی در کنسولگری اصفهان ۱۶ نفر می‌باشد که از این عده ۳ تن به عنوان عناصر جاسوسی شناسایی شده‌اند که باید به جمع و جور کردن امور مربوط به حدود ۱۰۰۰ فرد روسی مشغول به کار در آنجا پردازند.

سند شماره (۲۳)

خیلی محرمانه

صورت مذاکره

شرکت کنندگان: دکتر گنادی کازانکین، دبیر دوم سفارت روسیه - جان دی. استمپل، مقام سیاسی

زمان و مکان: ۱۴ آوریل ۱۹۷۶ - ۲۵ فروردین ۱۳۵۵، رستوران پیتزاروما

موضوع: رابط روسی - موضوعات سیاسی مختلف

کازانکین حدود ۵ روز قبل مرا به نهار دعوت کرده بود. اوامر به رستوران پیتزاروما در خیابان کریمخان زند نزدیکیهای بیمارستان شوروی که قبلاً در آنجا بود، برد. در طول بحثها یمان به نکات زیر پرداختیم:

۱- قطع روابط دیپلماتیک بین ایران و کوبا

کازانکین پرسید چرا ایران روابطش را قطع کرده است؟ گفتم حتماً به خاطر ناراضی‌ت‌ی شاه از فعالیتهای کوبا در آنگولا و ظفار بوده و به طور کلی ایران می‌خواسته نشان بدهد که مداخله دنیای کمونیست در امور دیگران برای ایران قابل قبول نیست. نظر روسیه در این باره چه بوده است؟ وی گفت (با اعتماد کافی) به هنگام دیدار هویدا از عربستان سعودی ایران روابط خود با کوبا را قطع نمود تا به عربستان سعودی نشان بدهد که لجبازترین ضد کمونیست خلیج فارس است. کازانکین گفت ایرانیها می‌خواهند نشان دهند که برای عربستان سعودی منزوی ساختن ایران از امور خلیج فارس کاری است بسیار احمقانه. او اضافه کرد می‌دانی، سعودیها بر سر نام خلیج عرب مشکلات زیادی را دارند ایجاد می‌کند. وقتی که گفتم که ایجادکنندگان اصلی مشکلات عراقیها هستند، وی گفت عراقیها نمی‌توانند از این مسئله نفعی ببرند، بلکه این سعودیها هستند. گفتم که عقیده‌اش بسیار خام است و موضوع را به همین جا خاتمه دادیم.

۲- لبنان

نظریات کازانکین درباره لبنان چه بود؟ به نظر او شرایط بسیار پیچیده است و راه حل ساده‌ای به نظر نمی‌رسد وجود داشته باشد. گفتم که انتظار داشتم توضیحات بیشتری بشنوم چون روسها و سوریهها دوستان بسیار نزدیکی هستند. وی گفت حتی سوریهها نیز نمی‌دانند چه اتفاقی در حال رخ دادن است.

۳- سفر راکفلر

کازانکین که متوجه دگمه سردستهای معاون ریاست جمهوری من شده بود (که مخصوصاً آنها را آورده بودم) گفت که منظور راکفلر از سفر به جزیره کیش چه می تواند باشد؟ گفتم که یک سفر حسن نیت است و نه چیز دیگر. معاون ریاست جمهور به شاه اطمینان داد که علیرغم اختلاسهایی که در (پرداخت پول سلاحها) صورت گرفته آمریکا دوست دیرین ایران است. پس از آن کازانکین با اشاره به بعضی شایعات - در حالی که صدایش را مانند یک توطئه گر پایین آورده بود - گفت که شاه قرار بود از راکفلر تقاضای وام نماید. گفتم که چرا ایرانیها باید نیاز به وام داشته باشند و اضافه کردم که شاید شاه درباره قیمت نفت با راکفلر گفتگو کرد باشد. کازانکین گفت شایع شده است که راکفلر از شاه خواسته است که سلاحهای ایرانی به مصر بدهد. خندیدم و گفتم ممکن نیست چون یک چنین توافقی باید به تصویب کنگره آمریکا برسد و با مشاجرات زیادی که بر سرش محموله اسلحه در گرفته فکر نمی کنم کنگره انتقال این سلاحها را تصویب نماید.

۴- سلاحهای روسی به مصر

به همان روش مشابه از او سؤال کردم که چرا روسها انتقال لوازم یدکی هندی به مصر را تصویب نکردند تا بهانه ای برای قطع روابط از طرف سادات باشد. کازانکین گفت که این شاید یازدهمین یا دوازدهمین دلیل برای این کار بوده باشد. چه دلایل دیگری وجود داشت؟ کازانکین جواب داد همه می دانند که آمریکایی ها می خواهند کاری کنند که مصریها روسها را بیرون کنند. هر دو خندیدیم.

۵- روابط ایران و آمریکا

در جواب سؤال وی درباره مشکلات موجود در روابط آمریکا گفتم به جز مشکلات کوچکی که بین دو کشور بسیار صمیمی وجود دارد، مشکل اصلی دیگری دیده نمی شود. او مصرانه از من جواب خواست و من گفتم تعداد آمریکاییها در ایران زیاد است و مشکلاتی را در بین ایرانیها به وجود آورده است همان نوع مشکلاتی که در رابطه با روسیه در مصر وجود داشت. با افسردگی لبخندی بر لب آورد و سعی کرد که یک بار دیگر موضوع را مطرح کند ولی من شانه خالی کردم.

۶- تروریسم

کازانکین می خواست بداند که در رابطه با تروریستها آیا مشکلی برایمان پیش آمده است. گفتم در دو ماه گذشته همه چیز آرام بود ولی ما هنوز هم نگران هستیم. اینکه نظر او درباره کمک ساف به تروریستهای ایران چیست؟ وی گفت این حقیقت ندارد گرچه تعدادی از ایرانیها در مراکزی در خارج آموزش می بینند. کازانکین اعتراف کرد که نمی داند این مراکز در کجا هستند. او نظر من را درباره حمله به اوپک و اینکه آیا می دانم کارلوس چه کسی است جو یا شد. گفتم که کارلوس یک فرد اهل ونزوئلا است که شدیداً در کنترل لیبی است. کازانکین گفت که فکر می کرده است که قدرتهای غربی از آدم ربایی کارلوس در اوپک حمایت می کرده اند تا وحدت اوپک را از هم بپاشند. با خنده گفتم اصلاً باورکردنی نیست چون هیچ چیز بهتر از این عمل نمی توانست وحدت اوپک را بیشتر کند. به نظر من تمام عملیات از حمایت لیبی برخوردار بود و با

زیرکی گفتم اگر سازمان کا.گ.ب. و سیا می خواهند کار مفیدی انجام دهند بهتر است علیرغم خواست کنگره این مزاحمها را از بین ببرند. کازانکین خندید و در کمال تعجب موافقت خود را اعلام نمود.

۷- شخص کازانکین

در نتیجه یک عمل جراحی جهت مداوای خونریزی داخلی، نصف معده کازانکین برداشته شده بود. عکس العمل معده اش در برابر پیتزای مخصوصی که سفارش داده بود بسیار آشکار بود. حالت بازی معده اش به خاطر فلفل و ادویه جات زیاد پیتزا حاکی از فعل و انفعالات شدید بود. وی گفت که همسرش یلینا در ویتنام تحصیل کرده و در روزهای قبل از آن در لائوس به سر می برده است. ۱۶ سال پیش هر دوی آنها در مؤسسه امور خارجه مسکو تحصیل می کردند که منجر به ملاقات و ازدواج آنها گردید. آنها یک دختر ۱۳ ساله دارند که در ژوئن آینده به ایران خواهد آمد و یک پسر ۸ ساله و یک کودک ۸ ماهه دارند. کازانکین خیلی اصرار داشت که یک بار دیگر با هم نهار بخوریم و با هم تاریخ ۲۸ آوریل را انتخاب کردیم. او دو بروشور حاوی سخنان برژنف و کاسیگین را به مناسبت بیست و پنجمین کنگره CPSU به من داد. ظاهراً من جایگزین اسکودرو به عنوان رابط بین سفارت شوروی و سفارت آمریکا شده ام. جان دی. استمیل

سند شماره (۲۴)

سرّی / غیر قابل انتشار برای بیگانگان
شرکت کنندگان: دکتر گنادی کازانکین دبیر دوم سفارت روسیه - جان دی. استمیل، مقام سیاسی زمان و مکان: ۲۸ آوریل ۱۹۷۶ - ۸ اردیبهشت ماه ۱۳۵۵، رستوران تیفانی و استیک هاوس تهران

موضوع: تبادل نظر پیرامون موضوعات سیاسی

کازانکین که در خارج از سفارت منتظر من بود، اظهار داشت که اشتباهاً کلید ماشین را در داخل ماشین گذاشته و درب آن را قفل کرده است و نمی تواند آن را باز کند. او از من خواست که به جای اینکه به سفارت تلفن بزنم تا کلید اضافی را بیاورند از مکانیک سفارت خودمان بخواهیم که درب ماشین را باز کند. پس از بررسی با OR از مکانیک خودمان خواستم که درب ماشین را باز کند. چون متخصص آنها برای صرف نهار رفته بود، کازانکین و من به رستوران تیفانی رفتیم. بعداً مکانیک درب ماشین را باز کرده بود و آن را به پارکینگ سفارت آورده بود و کلید را برایمان در آنجا گذاشته بود. در حالی که سوار ماشین می شد به او گفتم که حتماً ماشین مورد بازرسی دقیق قرار خواهد گرفت. او با خنده گفت حتماً.

کازانکین در طول نهار بسیار عصبی و دچار حواس پرتی شده بود. بعداً پیشنهاد کرد که پس از صرف نهار به استیک هاوس تهران رفته یک فنجان قهوه صرف کنیم. از آنجایی که من صورت حساب نهار را پرداخته بودم فکر می کنم او هم می خواست رسیدی به دست آورد تا عذری موجه برای بیرون ماندنش از ماشین داشته باشد. به هنگام جدایی، او با دقت تاریخ ۱۲ ماه مارس را به عنوان روز ملاقات بعدی تعیین کرد و با خنده گفت که این بار حتماً کلیدش را به همراه خواهد آورد. فکر نمی کنم که او داوطلبانه به سفارت خودش بگوید که چرا ماشینش از پارکینگ ما سر درآورده است. نهار به خوبی صرف شد و صحبت با گفتگو درباره زندگی در تهران آغاز گردید. کازانکین از من پرسید

که چه موقع از تعطیلاتم استفاده خواهم کرد و من گفتم در اواخر ماه اوت. وی گفت که در ماه سپتامبر به روسیه خواهد رفت تا دو فرزند بزرگتر خود را در مدرسه بگذارد. بعد از اینکه فهمید که ما می‌خواهیم با قطار از ترکیه و اروپا بگذریم پیشنهاد کرد که حتماً سری هم به مسکو بزنیم. از او پرسیدم که چقدر خرج برمی‌دارد او گفت که قطار درجه یک از مسکو به تهران ۵۰ روبل هزینه برمی‌دارد و پیشنهاد کرد که با آژانس مسافرتی گلف که برای توریست‌ها جا رزرو می‌کند مشورت کنم. گفتم بد نیست این کار را بکنم ولی ما بیشتر مایلیم ترکیه را ببینیم. واضح بود که کازانکین می‌خواست پیرامون دو موضوع مهم در طول نهار گفتگو کند.

الف: کنفرانس اخیر عمران منطقه‌ای در از میر

کازانکین دربارهٔ ارزیابی ما از اجلاس اخیر کنفرانس عمران منطقه‌ای پرسید. جواب دادم که این کنفرانس جو خوبی را ایجاد کرده است ولی از محتوای مهمی برخوردار نیست. ظاهراً همبستگیهای متقابل میان سه کشور عضو زیاد بوده است ولی این سازمان نتوانسته است قدمهای جدیتری در جهت محکمتر کردن روابط بردارد. گفت که نظر روسها نیز همین است و پرسید که آیا موافقتهای نظامی جدیدی نیز از این کنفرانس حاصل شده است.

جواب دادم که شخصاً فکر نمی‌کردم و فکر نمی‌کنم که یک چنین چیزی وجود داشته باشد. گفتم که سه کشور عضو مایل هستند باهم متحد باشند و حاضر نیستند گامهای جدیتری بردارند مگر آنکه تهدیدی متوجه آنها باشد. شاید از طرف یک همسایه بزرگتر. کازانکین لبخندی زده موضوع را رها ساخت.

ب: آینده ایران

در پایان صرف قهوه در استیک هاوس تهران، کازانکین دربارهٔ آینده روابط ایران و آمریکا سؤال کرد و بعد پرسید که در صورتی که شاه برود در ایران چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ گفتم که روابط ایران و آمریکا خوب است و به نظر ما خوب خواهد بود و اضافه کردم که ایران بدون شک آمریکا را وزنه‌ای در برابر نفوذ خارجیها در ایران می‌بیند. کازانکین گفت اما این شما آمریکاییها هستید که در ایران نفوذ دارید و به شاه می‌گوئید که چه باید بکند. باخنده گفتم که آیا او جداً این طور فکر می‌کند. با شرمساری گفت گاهی این طور به نظر می‌رسد. چون ایران پس از حمله شفاهی پرزیدنت فورد به کوبا ظرف دو روز روابط خود با کوبا را قطع کرد. گفتم که این صرفاً یک تصادف بوده است ولی به نظر من این عمل غیرمنطقی نیز نیست، چون ایران از حضور خارجی کوباییها در مناطقی که منافع ایران در آنها تهدید می‌شود. نگران است.

بعد کازانکین به آیندهٔ ایران پرداخت. گفتم که اطمینان زیادی وجود ندارد که پس از ترک شاه چه اتفاقاتی در ایران رخ می‌دهد. کازانکین گفت: نه، نه، منظورم این است که اگر در صورت یک رخداد شاه از صحنه خارج شد چه اتفاقی خواهد افتاد. جواب دادم بسته به شرایط است. گفتم در صورتی که سوءظنی وجود نداشته باشد شهبانو و شورای سلطنتی زمام امور را به دست خواهند گرفت. آمریکا نیز جانشین مشروع بر تاج و تخت را مورد حمایت قرار خواهد داد.

کازانکین حرفم را قطع کرد و گفت: آیا شما در حال حاضر خودتان را آماده برای گام بعدی نکرده‌اید؟

جواب: البته که نه، ما آمریکاییها خیلی پراگماتیست هستیم. به عبارت دیگر آیا این مارکسیست - لنینیست‌ها نیستند که برنامه‌های دراز مدت را برای آینده تهیه می‌کنند؟
کازانکین پرسید که آیا به نظر ما شهبانو فرح قدرت کافی برای کنترل امور را دارد. گفتیم که فرح بسیار مستعد است و اخیراً نیز بسیار در انظار عموم ظاهر می‌شود ولی نقش نهایی او بسته به شرایط است. در حقیقت مسئله جانشینی بیش از هر کشور دیگری با ابهام و پیچیدگی رو به روست.
در جواب به سؤال من در مورد نظر روسیه در باره آینده ایران کازانکین گفت شوروی می‌خواهد که مردم خودشان فرم حکومتی دلخواه خودشان را انتخاب کنند. من هم گفتیم: «حتماً با کمی کمک از طرف کوباییها؟ کازانکین: «نه، ما مطمئن هستیم که اراده مردم در اتفاقات نقش تعیین کننده دارد.» وی اضافه کرد که شوروی واقعاً نمی‌داند چه اتفاقی خواهد افتاد. به نظر من جواب وی بسیار تکراری به نظر می‌رسید.

کازانکین در کمال آرامش به مقاله گزارش شده توسط آسوشیتد پرس دربارهٔ دپارتمان کشتار کا.گ.ب. پرداخت، وقتی که دربارهٔ حقیقت داستان از او پرسیدم و نیز خواستم بدانم که چه تعداد نفرات در واقع به این مأموریتها اعزام می‌شوند، کازانکین با آرامش (گویی جواب انکارآمیز قبل مورد تمرین قرار گرفته بود) گفت که البته یک چنین دپارتمانی در سازمان کا.گ.ب. وجود ندارد. از او پرسیدم که آیا می‌توانم به سفیرمان اطمینان بدهم که گفته او حقیقت دارد؟ وی پرسید که آیا من تمام ملاقاتهایمان را به سفیر گزارش می‌کنم. گفتیم نه، گزارش به خصوصی نیست ولی مختصر گزارش برای به وجود آوردن یک بایگانی دیپلماتیک تهیه می‌شود تا در صورتی که با سفارت روسیه تماس گرفتیم بدانم با چه کسی صحبت کرده‌ام. کازانکین مثل همیشه فوراً این جواب را پذیرفت و گفت که او نیز از اطلاعات حاصله در گزارشات مختلف در مواردی چون «کنفرانس عمران منطقه ای» استفاده می‌کند و بالاخره موافقت کردیم که بله این کار از نظر دیپلماتیک بسیار عادی و معمولی است.

کازانکین گفت که از صرف نهار با من بسیار لذت برده است چون رابطهای او چندان خوب نبوده‌اند: «ایرانیها نمی‌خواهند با ما صحبت کنند و شما با داشتن گروههایی مانند انجمن ایران و آمریکا کارتان بسیار ساده شده است.» گفتیم از آنکه روسیه از این انجمنهای دوستانه در ایران ندارد تعجب می‌کنم چون اکثر کشورها از این گونه مؤسسات دارند. کازانکین گفت ایرانیها به این گونه انجمنها علاقه ندارند.

اظهار نظرات اضافی مختلف

در طول گفتگوهایمان، کازانکین موارد زیر را ارائه نمود:

الف: حدود ۵۰ خانواده روسی در محوطه سفارت روسیه و حدود ۱۰ خانواده خارج از محوطه زندگی می‌کنند و تعداد کمی از همسران کار می‌کنند.

ب: کازانکین و همکارانش اغلب اوقات در استیک هاوس تهران غذا صرف می‌کنند. او خدمتکاران و غیره را می‌شناسد و در جواب به سؤال من گفت که اغلب به اینجا می‌آید.

ج: او یک نسخه از کتاب CPSU را به من داد: مراحل تاریخ (CPSU)، یکی از انتشارات آژانس مطبوعاتی نوشتی است که بر موفقیت‌های حزب کمونیست از دیدگاه کنگره حزبی مروری دارد. از او پرسیدم که آیا وی یک حزبی فعال است و یا یک عضو معمولی. وی گفت او یک عضو عادی است چون

کارهای دیپلماتیک وقتی باقی نمی‌گذارد، و از من پرسید که آیا من در آمریکا عضو حزبی هستم. گفتم مفهوم «عضویت» در آمریکا فرق می‌کند چون صورت اسامی رسمی اعضاء در آنجا وجود ندارد و در موارد مختلف هم به عنوان یک دموکرات و هم به عنوان یک جمهوریخواه ثبت نام کرده‌ام تا در انتخابات ایالتی ایندیانا رأی بدهم. او پس از چند لحظه مکث پرسید چه کسی در انتخابات آینده آمریکا پیروز خواهد شد. گفتم هنوز نمی‌توان پیش‌بینی کرد ولی کارتر کاندید حزب دموکرات است و گفتم که به نظر فرقی نمی‌کند که کارتر و یا همفری از حزب دموکرات پیروز شوند ولی مسلم است که انتخابات نزدیک است.

سند شماره (۲۵)

- تاریخ: ۶ ژوئن ۷۶-۱۶ خرداد ۵۵
 از: ریچارد ماکس مک کارتی از طریق: گوردون وینکلر
 به: آقای هاوتون او. میلز
 موضوع: بازدید مطبوعات روسی
- دبیر دوم سفارت روسیه و وابسته مطبوعاتی ولادیمیر فنوتوف به عنوان «بازدید دوستانه» به دفتر من در سرویس خبری ایالات متحده در ساعت ۳ بعد از ظهر ۲۳ ماه مه در حالی که همسر من نیز حضور داشت آمدند. فنوتوف که مردی سیاه مو و عینکی و اهل لنینگراد است با یک پزشک ازدواج کرده و فرزندی ندارند. او آزادانه پیرامون بعضی از مسائل منطقه اظهار نظر کرد:
- ۱- برای او مشکل است که از ایرانیها بخواهد که از مؤسسات خبری روسیه و دیگر مطبوعات منتشره روسی استفاده کنند.
 - ۲- او مطبوعات روزانه محلی را از نظر گذرانده ترجمه می‌کند و در آنها «تحریف»های بسیار مشاهده می‌کند. او علت این موضوع را ناشی از این حقیقت می‌داند که مطبوعات ایرانی عمدتاً از نسخه‌های سرویس تلکس خبری آمریکا استفاده می‌کنند.
 - ۳- همان طور که خانم گاندی گفته است: «ما پایگاهی در اقیانوس هند نداریم و برای سوخت‌گیری از سومالی استفاده می‌کنیم.»
 - ۴- او از رادیوهای مخفی که در ایران کار گذاشته سخن گفت.
 - ۵- روسها از قیام موجود در آنگولا حمایت می‌کنند چون «نهضتی» است با پایه وسیع.
 - ۶- نیروهای مخالف در ایران آنقدر وسیع و گسترده نیستند که بتوان بر آنها عنوان «نهضت» را گذاشت.
 - ۷- وقتی که از او پرسیدم که در صورتی که عناصر مخالف به صورت آنچه که آنها آن را «نهضت» می‌نامند درآید آیا شوروی از آن حمایت خواهد کرد؟ چند جواب نامفهوم ایراد کرده و جواب روشنی نداد.

سند شماره (۲۶)

خیلی محرمانه

صورت مذاکره

شرکت کنندگان: دکتر گنادی کازانکین، دبیر دوم سفارت روسیه - جان دی. استمپل، دبیر اول زمان و مکان: ۱۶ ژوئن ۱۹۷۶ - ۲۶ خرداد ۵۵ رستوران شبهای شیراز (در زرگنده) موضوع: کشتار مذهبی اصفهان، روابط عراق و روسیه، بازدید سادات از ایران. طبق معمول من در خارج از سفارت سوار ماشین کازانکین شدم. همراه او دو فرزندش بودند که صبح در محوطه سفارت روسیه بازی می‌کردند که یکی از آنها بوریس ۹ ساله و دیگری ناتاشا ۱۳ ساله است. آنها را به خانه‌شان در محوطه تابستانی سفارت روسیه در خیابان زرگنده بردیم و خودمان برای صرف نهار به یکی از رستورانها در همان نزدیکیها رفتیم. گذشته از خوش و بش‌ها، موضوعات زیر مورد علاقه ما بود:

کشتار مذهبی در اصفهان

کازانکین می‌خواست نظر مرا درباره قتل آیت‌الله شمس‌آبادی (مراجعه شود به گزارش تهران شماره الف - ۱، ۱ - ۱۹۷۶) و تشنجی که به دنبال دستگیری قاتلین به وجود آمده بدانند. او سه یا چهار بار به این موضوع پرداخت، در حالی که می‌دانست من هفت روز در اصفهان به سر برده‌ام، گفتم که مایه تعجب است که اصلاً این موضوع چندان مورد توجه واقع نشده چون اکثر اصفهانیها فکر می‌کنند که مسببین اصلی این جنایت دستگیر شده‌اند. در جواب به سؤال من که او چه چیزهایی را شنیده است، وی گفت که بسیاری از چهره‌های مذهبی مخالف دولت هستند. گفتم که چگونه است که داستان به طور کامل فاش نشده، ولی بیشتر به آن پرداختم. وی اضافه کرد که مبارزه شدیدی بین رهبران مذهبی و دولت در گرفته است که چه بسا به طور مخفی است. گفتم که البته نارضايتهايي از تغيير تاريخ اسلامي به تاريخ پارسي وجود دارد ولي از او خواستم که به جزئیات بیشتری بپردازد. وی گفت که علایم ناراحتی در قم دیده شده و هر دو موافقت کردیم که در صورتی که این علامات در مشهد نیز دیده شود دارای اهمیت فوق‌العاده خواهد بود. (مشهد، قم و اصفهان مرکز حمیت و سازمان مذهبی در ایران هستند).

روابط روسیه و عراق

کازانکین اصرار می‌کرد نظر «سفارت ما را» درباره روابط روسیه و عراق بدانند. گفتم که زیاد علاقه‌ای به این موضوع نداریم فقط می‌خواهیم که شوروی در تجهیز بغداد میان‌روتر باشد. گفتم که دفعه بعد با تحلیل بهتری از این موضوع نزد او خواهم آمد.

بازدید سادات از ایران

بحث ما بالاخره به بازدید رئیس جمهور مصر سادات از ایران کشیده شد. پس از صحبت و جواب درباره اینکه آیا روسیه و یا آمریکا دوست واقعی مصر است، کازانکین گفت که سادات به ایران آمده است تا کمک اقتصادی و نظامی از ایران دریافت نماید. جواب دادم تقاضای کمک اقتصادی منطقی است ولی تقاضای کمک نظامی از طرف مصر از ایران فکر نمی‌کنم صورت پذیرد. چون شاه در حال بازسازی

نیروهای خودش می‌باشد. کازانکین با خنده گفت: «خوب، آیا فکر نمی‌کنید که مصریها از طریق معامله‌ای بین شما و ایران این کمک نظامی را دریافت دارند؟» گفتم که کنگره آمریکا هیچگاه از این طریق کمکی نخواهد کرد و درباره مشکلات تحویل ۶ فروند هواپیمای سی - ۱۳۰ صحبت کرد. او فهمید و به علامت مثبت سری تکان داد.

در جواب این سؤال من که ایران در صورت کمک نظامی به مصر چه سودی خواهد برد، کازانکین گفت حمایت سیاسی دولتهای عربی را کسب خواهد کرد. مصر از نفوذ خود در سیاست خلیج فارس ایران استفاده خواهد کرد و عراق را وادار خواهد کرد که به طرفداری از این سیاست بپردازد. گفتم به نظر من ایده خوبی است ولی در صورتی که به سود ایران نباشد ایرانیان به مصر کمکی نخواهند کرد. کازانکین گفت آمریکا «بدون شک به شاه خواهد گفت» که به مصر کمک نماید. گفتم که ممکن است روسیه از آن طریق با کشورهای اروپای شرقی کار کند، ولی در رابطه با ناراضیاتی ایرانیها از قیمتهای نفت و میزان فروش حتی اگر ما بخواهیم یک چنین کاری بکنیم عملی نیست.

موارد مختلف (بیوگرافیک و غیره)

کازانکین موافقت کرد که خانواده‌اش را برای صرف نهار در هفتم ژوئیه به منزل من بیاورد، ولی صرف نهار در رستوران ما در سفارت آمریکا را قبول نکرد و خواستار «محل بی طرفی» برای ملاقات شد. وقتی که گفتم که می‌توانم او را با ماشین از مقابل سفارت روسیه به محل صرف نهار ببرم امتناع ورزید و گفت که «ایرانیها همیشه در تعقیب ما هستند.» دختر او انگلیسی را خیلی خوب صحبت می‌کند ولی خجالتی است. او در داخل ماشین به زبان روسی به پدرش گفت که انگلیسی صحبت کردن او همراه با «لهجه‌ای کاملاً روسی است.» کازانکین در مورد اعمال تروریستها این بار برخلاف دفعه قبل علاقه‌ای نشان نداد (مراجعه شود به یادداشت مکالماتی من در ۱۲ ماه مه) و تأیید کرد که در ۲۷ اوت به مدت چند هفته جهت گذراندن تعطیلات به روسیه خواهد رفت. فشار خون او پایین آمده بود و می‌توانست ودکای خود را همراه با آبجو بنوشد. به هنگام بازگشت به سفارت کازانکین اظهار داشت که صحبت کردن با من برایش بسیار راحت بوده است در حالی که اصلاً نمی‌توانست با مشاور اسکوتزکو (که در خانه‌اش من با کازانکین آشنا شدم) به این راحتی سخن بگوید که به نظر او اسکوتزکو «خیلی جدی است.» گفتم: «اسکاتی به نظر من این طور نیست» و به موضوع خاتمه دادیم.

سند شماره (۲۷)

تاریخ: ۱۲ ژوئیه ۱۹۷۶-۲۱ تیر ۱۳۵۵
 صورت مذاکره
 مکان: استیک هاوس تهران
 شرکت‌کنندگان: دکتر گنادی کازانکین، دبیر دوم سفارت اتحاد جماهیر شوروی - جان دی. استمپل، دبیر اول سفارت آمریکا

موضوع: علاقه شوروی در مورد دیدار احتمالی کیسینجر و سایر امور سیاسی
 بر سر میز نهار امروز کازانکین به نحو غیر عادی لحن استقبال کننده داشت و بیشتر آمادگی داشت که درباره مسائل مختلف بحث کند که در گذشته وضع چنین نبود. این امر ممکن بود بدان جهت باشد که برنامه

این نهار ده روز به تأخیر افتاده بود و او چند نکته ویژه داشت که می‌خواست در میان بگذارد. ما دربارهٔ مطالب زیر بحث کردیم:

دیدار احتمالی کیسینجر از ایران

کازانکین در مورد گزارش روزنامه رستاخیز در شماره اول ژوئیه مبنی بر اینکه کیسینجر وزیر امور خارجه آمریکا قرار است به ایران بیاید بسیار کنجکاو می‌نشان داد. من در پاسخ گفتم که ما هم این شایعات را شنیده‌ایم ولی هنوز مطلب قطعی درباره این دیدار احتمالی در دست نداریم. کازانکین مدت چند دقیقه مراسم سؤال و پاسخ کرد و پرسید که اگر کیسینجر به ایران بیاید برای چه منظوری می‌آید؟ من در پاسخ گفتم او اگر به ایران بیاید این یک دیدار ساده برای نشان دادن حسن نیت خواهد بود زیرا ما مسائل عمده‌ای در مناسبات ایران و آمریکا نداریم.

دیدار حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه از ایران

کازانکین پرسید که آیا من اطلاعی درباره دیدار قریب‌الوقوع اسد از ایران دارم؟ من در پاسخ گفتم که حتی چیزی در این باره نشنیده‌ام. او با کمال اطمینان گفت اسد ظرف ۵ یا ۶ روز آینده به ایران خواهد آمد. در پاسخ به پرسش من در مورد «به چه منظوری؟» «کازانکین گفت اسد در پی دوستانی می‌گردد تا در لبنان به کمک او بشتابند. من به کازانکین گفتم او باید پاسخ این پرسش را بداند زیرا اتحاد شوروی و سوریه دوستان خوبی هستند و سلاحهای شوروی در لبنان به کار برده می‌شود. او یک واکنش دفاعی از خود نشان داد و گفت اسد در مورد سیاستش در لبنان با اتحاد شوروی مشورت نکرده است. او افزود که شورویها از جنگ سوریه علیه فلسطینی‌ها چندان دل خوشی ندارند. او همچنین از مرگ ملوی سفیر اظهار تأسف کرد.

معامله نفتی ایران با اکسیدنتال

معامله نفتی پیشنهادی اکسیدنتال با ایران مورد توجه کازانکین قرار گرفت. او از من خواست تا نظر خود را در این باره بگویم (چنین چیزی معمولاً به نشانه یک پرسش آمده شده است). من گفتم سفارت دربارهٔ این مطلب اعم از اینکه مثبت یا منفی باشد مطالب کمی شنیده است. چنان که او بدون شک دربارهٔ معامله نفتی اکسیدنتال و شوروی آگاهی داشت. آرماند هامر به طور کلی به تنهایی کار می‌کند. من ندیده بودم دربارهٔ این معامله مخالفت علنی شده باشد هرچند این امر در حیطهٔ فعالیت من قرار نگرفته است. تا آنجایی که من اطلاع دارم این معامله رسماً تصویب شده بود. کازانکین گفت که این نخستین بار است که غیر از ایران با اتحاد شوروی حقوق اکتشافی در منطقه دریای خزر به دست می‌آورد و می‌خواستم بدانم که آیا این موضوع اهمیت دارد یا خیر؟ من گفتم این یک معامله صرف است و فاقد هر گونه اهمیت سیاسی است.

کشته شدن یک راننده روسی

در پاسخ به سؤالی از سوی کازانکین درباره «اوضاع در ایران» من اظهار خشنودی کردم از اینکه این

همه تروریست دستگیر شده‌اند. کازانکین در پاسخ گفت که به عقیده او «تهدید به اصطلاح تروریستی» همچنان ادامه خواهد داشت و با یک لحن حاکی از اینکه به عقیده او این یک امر مسلم است به مرگ یک راننده شوروی در نزدیکی قزوین در حدود ۱۰ روز یا دو هفته قبل اشاره کرد. جسد این راننده پیدا شده و هیچ گونه نشانه مشهودی از اینکه برای سرقت بار کامیون حامل کشمش کوشش شده است وجود نداشت. حدس شورویها این است که آنها یا راهزنان یا تروریستها بوده‌اند.

متفرقه

هنگامی که ما صورت حساب رامی پرداختیم کازانکین از من پرسید که حکومت آمریکا چه مبلغ پول برای پذیراییها به من می‌دهد. من در جواب گفتم که موارد فرق دارد ولی حدود ۱۲۵ دلار در هر سه ماه می‌باشد. هر چند من همیشه بیشتر از این مبلغ خرج می‌کنم. کازانکین گفت او کمتر از این مبلغ دریافت می‌دارد، ولی تقریباً همیشه بیشتر پول را از جیب خود خرج می‌کند. او همچنین کنجکاو به نظر می‌رسید از اینکه چرا من سه عدد مداد در جیب خودم دارم (من معتقدم به اینکه او همیشه تصور کرده است که یکی از این مدادها نقش «استراق سمع» را ایفا می‌کند). من (۱) قلم خودکار (۲) مداد مکانیکی دولت آمریکا که ارزش یک شیء آنتیک دارد (۳) قلم ماژیک صلیب شکل خود را به آن نشان دادم و توضیح دادم که چرا سه مداد به کار می‌برم. کازانکین ممکن بود تردستی مرا مورد تحسین قرار داده باشد. ولی هنوز به نحو قطعی متقاعد نشده بود و فکر می‌کرد که حمل سه مداد یک امر مضحکی است. جی. دی. استمپل

سند شماره (۲۸)

صورت مذاکره
 شرکت کنندگان: دکتر گنادی کازانکین دبیر دوم سفارت شوروی - جان دی. استمپل، مأمور سیاسی
 مکان و تاریخ: استیک هاوس تهران، ۱۸ اکتبر ۱۹۷۶-۲۶ مهر ۱۳۵۵
 موضوع: مسائل مختلف سیاسی

کازانکین که یک هفته قبل پس از مرخصی ۵۰ روزه در اتحاد شوروی بازگشته بود سرحال بود. او بخشی از تعطیلات خود را در یک تندرستی‌گاه گذرانده بود و این امر به او امکان داده بود که زخم معده‌اش کاملاً معالجه شود و فشار خونسش پایین بیاید. او این فرصت را با سفارش دادن ودکا «برای نخستین بار از ماه ژوئن» جشن گرفت. در جریان گفتگو ما درباره مطالب زیر بحث کردیم:

دیوید راکفلر

کازانکین درباره دیدار اخیر دیوید راکفلر از تهران کنجکاو و ویژه‌ای نشان داد. من توانستم فقط این موضوع را به او بگویم که به عقیده من راکفلر مدت کوتاهی در اینجا بود و حالا دیگر رفته است کازانکین در جریان صرف نهار ۳ بار به این موضوع اشاره کرد (ظاهراً این موضوع برای دستگاه اطلاعاتی شوروی از اولویت برخوردار است). من درباره پذیرفتن ارتباط سنتی مارکسیستی بین سرمایه بزرگ و حکومت بزرگ او را سرزنش کردم، و او در پاسخ با همان حالت انبساط خاطر کلمات معمولی پدر مآبانه خود را درباره اینکه آمریکاها هرگز از ارتباط «بنیادی» بین سرمایه بزرگ و حکومت آگاهی ندارند تکرار کرد.

من گفتم که راکفلر فقط از این کشور عبور می‌کرده است. کازانکین دوبار از من پرسید که آیا راکفلر شاه را دیده است؟ من به او گفتم که درباره این دیدار بیش از این واقعیت که راکفلر در اینجا بوده است و من هنگامی که شب گذشته به خانه می‌رفتم در یک مکالمه تصادفی از این امر اطلاع یافتم، اطلاعی دیگری در این باره ندارم.

دیدار ژیسکار دستن

کازانکین همچنین درباره نتایج دیدار رئیس جمهوری فرانسه کنجکاوی نشان می‌داد. علیرغم اظهارات من مبنی بر اینکه همه چیز در جراید منعکس شده است یک و ۲ یا ۳ مرتبه به این موضوع بازگشت در مرتبه سوم توجه او معطوف به مسئله عمل آوردن سوخت هسته‌ای بود. (او درباره اصطلاح دقیق آگاهی نداشت و هنگامی که من «غنی کردن مجدد مواد زائد هسته‌ای» را به کار بردم او با این اصطلاح آشنایی پیدا کرد.) من تصور می‌کنم فرانسویان از بحث اساسی با ایران درباره این مسئله اجتناب کرده و موافقت کرده‌اند که فقط ۲ راکتور هسته‌ای به ایران بفروشند. من یادآوری کردم که براساس یک اظهار نظر رسمی فرانسه در روزنامه هرالد تریبون چند روز بعد گمان می‌کنم که فرانسویان درباره کنترل مواد زائد هسته‌ای به موضع ما در این باره نزدیک تر شده‌اند.

مناسبات ایران و شوروی

از آنجایی که کازانکین مدتی خارج از ایران بود او همچنان از من می‌پرسید که در اینجا چه وقایعی رخ داده است؟ من از این فرصت استفاده کرده به تیرگی مناسبات شوروی و ایران و از جمله مقاله روزنامه تهران جورنال درباره فروش اسلحه شوروی به عراق اشاره کردم و خواستار واکنش او شدم. کازانکین روابط شوروی و ایران را «نه خوب و نه بد» توصیف کرد. او اظهار داشت که مناسبات اقتصادی همچنان ادامه دارد و همچنین گفت در نتیجه دیدار وزیر بازرگانی شوروی یک موافقتنامه جدید اقتصادی ۵ ساله که تقریباً ۲ برابر سطح کنونی داد و ستد ایران و شوروی است منعقد خواهد شد. (یادداشت: این مطلب در روزنامه بامدادی روز بعد منعکس شده بود). کازانکین درباره ترکیب این داد و ستد اظهار بی‌اطلاعی کرد ولی در ضمن گفت که این موافقتنامه شاید صرفاً توصیه ترتیبات موجود باشد.

در نتیجه پرسشهای من کازانکین پذیرفت که روسها در مورد معاملات مربوط به اسلحه ایران با ایالات متحده نظر انتقادی دارند و از من پرسید که چرا به عقیده من ایران نیاز به سلاحهای پیشرفته و پیچیده دارد. من در پاسخ گفتم که ایرانیان معتقدند که این سلاحها را برای دفاع از خودشان در برابر عراق که سلاحهای پیچیده از شوروی دریافت می‌کنند لازم دارند. کازانکین در برابر این پرسش پاسخی نداشت و به مهارت به موضوع دیگری پرداخت. (قبلاً او از این عقیده دفاع کرده بود که عراق چندان توانایی حمله به ایران را ندارد ولی این بار او این موضوع را به طور ساده کنار گذاشت.)

سیاست داخلی ایران

ضمن یک بحث کلی درباره امور سیاسی ایران کازانکین گفت که سفارت شوروی به موضوع انتخابات شوراهاى محلى توجهی نکرده است زیرا به عقیده سفارت شوروی این انتخابات فاقد اهمیت هستند. او

این نظر را ابراز داشت که هویدا همچنان نخست‌وزیر باقی خواهد ماند و خاطر نشان ساخت که فریدون مهدوی به احتمال زیاد دبیرکل حزب رستاخیز خواهد شد. من استدلال کردم که مهدوی یک کاندیدای جدیدی است، ولی گفتم من نام چند نفر دیگر را شنیده‌ام. او پذیرفت که نامهای مجیدی و باقری را به عنوان کاندیداهای احتمالی شنیده است، ولی داوطلب ذکر نامهای دیگر نشد. کازانکین گفت به عقیده سفارت شوروی در اوایل ماه نوامبر تغییراتی در کابینه رخ نخواهد داد و اظهار نظر کرد که اگر قرار باشد کس دیگری به جای هویدا منصوب شود انصاری به احتمال به این پست گماشته خواهد شد. من با او اظهار موافقت کردم که احتمال نمی‌رود کس دیگری جای هویدا را بگیرد، ولی گفتم که به عقیده من نه انصاری و نه آموزگار به جانشینی هویدا در صورتی که هویدا کنار رود منصوب نخواهند شد. زیرا چنین کاری به منزله جانبداری از یک جناح حزب در مقابل جناح دیگر خواهد بود. کازانکین اهمیت جناحها را مورد تمسخر قرارداد و گفت این جناحها درباره انتصابات آینده و یا سیاست به طور کلی هیچ گونه اثری نخواهند داشت.

یادداشت: کازانکین مسئله پناهندگی سیاسی احتمالی زاسیموف، خلبان هوایمی پستی شوروی را در آمریکا که از ۲۴ سپتامبر در دست ایرانیان است به هیچ وجه در میان نگذاشت. او حتی ذکری هم از این مسئله نکرد در صورتی که من انتظار داشتم که او لااقل به مسئله اشاره کند. جی. دی. استمپل

سند شماره (۲۹)

تاریخ: ۱۵ نوامبر ۱۹۷۶-۲۴ آبان ۱۳۵۵
ریاست عملیات نیروی دریایی
سری - قابل رؤیت فقط برای دریاسالارها

موضوع: نامه خبری دریاسالارها

۱- اخیراً از تصمیم خود مبنی بر ایجاد نامه خبری دریاسالاری که از طریق آن می‌توانم اخبار را برسانم با شما مشورت کردم. این یادداشت در ادامه همان مشاوره‌هاست.

۲- در ۲۹ اکتبر ۱۹۷۶ سرهنگ ویکتور بلنکو خلبان میگ ۲۵ روسی که به آمریکا پناهنده شده بود، از کشتی استقلال آمریکا بازدید به عمل آورد. این بازدید تأثیر بسیار بر سرهنگ بلنکو داشت و همراهی افسر نیروی هوایی آمریکا از وی نشانگر اهمیت اقامت وی در آمریکا می‌باشد.

۳- فکر کردم که شاید شما علاقه داشته باشید اظهار نظرات سرهنگ بلنکو را پیرامون عملیات و زندگی در دریا بدانید بنابراین نکات مهم اظهارات وی را برایتان ارسال می‌دارم.

۴- چون هر دو نکته گویای این حقیقت هستند که بلنکو از ناو آمریکایی بازدید کرده است لذا این اطلاعات با عنوان حساس طبقه‌بندی شده‌اند. به همین جهت من نیز تصمیم گرفتم این اطلاعات را با عنوان قابل رؤیت فقط برای دریاسالارها برایتان بفرستم. لیکن در صورتی که شما نیز مایل باشید به نظر من اشکالی ندارد که بعضی از مطالب را به صورتی طبقه‌بندی شده و شفاهی به بعضی از زیردستان خود انتقال بدهید.

جی. ال. هالوی سوم

دریاسالار نیروی دریایی آمریکا

نکاتی مهم از اظهارات سرهنگ بلنکو

- بلنکو رو بهم رفته از تماشای سرعت و هماهنگی فعالیتها در از سرگیری و آغاز عملیات لذت می برد وی اظهار داشت: «آنچه که من هم اکنون شاهد آن بوده‌ام بسیار عالی است و گویا من از یک سیاره دیگر بازدید می‌کنم. این مهمترین اجرای حرفه‌ای است که تاکنون دیده‌ام. هرکس به کار خودش وارد است و بدون اینکه یک مقام بالاتر به او دستوری بدهد کار خودش را انجام می‌دهد. من تعجب می‌کنم که این همه آدم در چند نقطه مربوط به پرواز فعالیت می‌کنند بدون اینکه فریاد بزنند و یا با یکدیگر بحث کنند. شرط می‌بندم که روسها حاضرند همه چیز را بدهند و آنچه را که من دیده‌ام آنها نیز ببینند.»

پس از صرف شام، بلنکو را به مرکز عملیات بردند و به او نشان دادند که چگونه می‌توان یک هواپیما را دنبال کرد. او عملیات پروازهای شبانه را از کابین کاپیتان مشاهده کرد. در تمام طول مشاهدات وی از میزان کارایی، انضباط و مهارت کافی در اداره سیستمهای ناوی و هوایی در شگفت بود. او چند بار اعلام کرد که تا به حال چنین مهارت و کارایی را ندیده است.

- بلنکو وقتی فهمید که تمام تعمیرات و بازدیدهای هواپیما در روی عرشه ناو هواپیما بر انجام می‌شود اظهار تعجب کرد: «منظورتان این است که شما هیچ هواپیمایی را برای تعمیر به کارخانه نمی‌فرستید؟ قابل قبول نیست - کاملاً باورنکردنی است. من با جهانی کاملاً متفاوت مواجه شده‌ام اگر من بتوانم شما را به کشورم ببرم و نشان بدهم طرز کارمان را و اینکه چگونه سازمان داده شده‌ایم و اینکه چگونه با افراد رفتار می‌کنیم شما حرفهای مرا باور نخواهید کرد، همان طور که من آنچه را که می‌بینم باور نمی‌کنم. ولی می‌دانم که آنچه را که می‌بینم یک اجرای نمایشی نیست. می‌بینم که ۴۵۰۰ نفر در هماهنگی کامل به کار مشغول هستند، حرفه‌ایهایی که شغل خود را به خوبی وارد هستند و همه کارشان را با اعتماد کامل انجام می‌دهند.»

- غذا یکی از موضوعات جالب توجه او در ناو بودن در سالن مخصوص افسران، بلنکو نگران مقدار غذایی بود که می‌توانست بخورد. وقتی که به او گفتند که محدودیتی وجود ندارد، او بشقاب خود را پر از غذا کرد. وقتی که علامت ۷۵ دلار را روی دیوار دید به او توضیح داده شد که صورتحساب ماهانه غذایی افسران ۷۵ دلار است. «یک سرهنگ چقدر درآمد دارد؟» حدود ۱۲۰۰ دلار و شما می‌گویید که یک افسر از این مبلغ هنگام فقط ۷۵ دلار برای غذای می‌پردازد؟» دیگر موارد موجود در سالن نیز اصولاً برای بلنکو قابل درک نبود. علاوه بر لذتی که از کیفیت و مقدار غذا برد از اینکه می‌شنید که سالن هیچ‌گاه تعطیل نبوده و افسران حتی به هنگام عملیات نیز می‌توانند برای صرف غذا به اینجا بیایند تعجب کرد. او با شتاب موضوع را پیگیری می‌کرد.

در آخرین صبح اقامتش، پناهنده عملیات سوخت‌رسانی را مشاهده کرد، یکی از هواپیماها را که به محوطه پرواز آورده می‌شد، نگاه کرد و از قسمت لباسشویی، PX، بخش دریاگرفتگی، محوطه استراحت و سالن دریانوردان نیز بازدید کرد. پس از مشاهده سالن دریانوردان گفت که انواع غذا در اینجا بیشتر و متنوع‌تر از انواع غذا در سالن افسران است.

وقتی که از او پرسیده شد که در طول بازدید چه چیزی بیشتر بر او تأثیر گذاشته بود، بلنکو گفت: «تخصص، آگاهی از کار، حالت اجرای کار و سرسپردگی افراد دیگر». بلنکو دائماً می‌گفت که وی هرگز مهارت و کارایی موجود مشابه در ناو استقلال را در جای دیگر ندیده است.

سند شماره (۳۰)

تاریخ: ۳ فوریه ۱۹۷۷-۱۴ بهمن ۵۵
یادداشت جهت: کاردار
مأمور سیاسی از: SRF (سیا - م) سری
موضوع: ولادیمیر میخائیلویچ وینوگرادوف، سفیر جدید شوروی در ایران
به پیوست یک خلاصه از شرح زندگی ولادیمیر میخائیلویچ وینوگرادوف همراه با نسخه ای از
بیوگرافی ضبط شده وینوگرادوف که در سال ۱۹۶۷ تهیه شده ارسال می‌شود.^(۱)

سری - غیر قابل دسترسی برای بیگانگان

ولادیمیر میخائیلویچ وینوگرادوف

معاون وزارت امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی

وینوگرادوف که یک اقتصاددان و کارمند با تجربه بازرگانی است، در آوریل ۱۹۶۷ پس از بیش از ۴ سال خدمت به عنوان سفیر شوروی در ژاپن به معاونت وزارت امور خارجه شوروی منصوب شده است. تا انتصاب قبلی، او هرگز در وزارت امور خارجه سمتی نداشته هرچند مسئولیتهای بازرگانی او مستلزم سفرهای مکرر به خارجه بوده است. وینوگرادوف که یک مرد نسبتاً جوانی است ظاهراً در عملکرد اخیرش در توکیو دستگاه رهبری شوروی را تحت تأثیر قرار داده است.

وینوگرادوف در تاریخ اوت ۱۹۲۱ در شهر وینیتسا واقع در جمهوری اوکراین به دنیا آمده است. اندکی پس از اتمام تحصیلات در آکادمی بازرگانی خارجی اتحاد شوروی در سال ۱۹۴۸ وارد بازرگانی خارجی شد. از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۲ وینوگرادوف به عنوان رئیس بخش پژوهش تجارت اقتصادی وزارت بازرگانی خارجی و سپس به عنوان کفیل نماینده بازرگانی در سفارت شوروی در لندن خدمت می‌کرد. سپس او به ترتیب در سمتهایی از قبیل کفیل ریاست اداره صادرات و رئیس اداره بازرگانی با کشورهای غربی در وزارت بازرگانی خارجی از سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۶ انجام وظیفه کرده است. او تا سپتامبر سال ۱۹۶۲ در این سمت باقی بود و آن گاه به ریاست سیاسی شوروی در توکیو منصوب شد. وینوگرادوف در کشورهای غربی به کرات سفر کرده است. در سال ۱۹۵۴ از کشورهای آرژانتین و اوروگوئه و دانمارک دیدن کرد و پس از اینکه مناسبات شوروی و یوگسلاوی از سر گرفته شد، ریاست نخستین هیئت نمایندگی شوروی در یوگسلاوی را به عهده گرفت. سفرهای دیگر از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۶ شامل مأموریتهای بازرگانی به مکزیک، اطریش، فرانسه بود. وینوگرادوف به عنوان اقتصاددان و شخصیت شماره دو در هیئت بازرگانی شوروی در سال ۱۹۵۶ قرارداد داشت. این گروه مرکب از کارشناسان صلاحیت دار عالی منطقه ای بود. در سال ۱۹۵۹ او همراه ان. اس. خروشچف (زامامدار شوروی قبل از برژنف - م) به ایالات متحده رفت، و برای مأموریتهای رسمی به نروژ و ایتالیا سفر کرد. وینوگرادوف در سال ۱۹۶۱ به همراهی خروشچف به وین رفت و در همان سال در رأس یک هیئت نمایندگی به ایتالیا سفر کرد. جدیدترین سفر او در مارس و آوریل ۱۹۶۷ بود، هنگامی که او همراه کوزنتسوف معاون وزارت امور خارجه شوروی به یک سفر موقتی مأموریتی به واشنگتن و سازمان ملل متحد در نیویورک رفت. انتصاب وینوگرادوف به عنوان سفیر شوروی در ژاپن ظاهراً به معنای تمایل شوروی به تسریع

۱- به خاطر تشابه شرح زندگی با بیوگرافی ضمیمه شده از چاپ خلاصه شرح زندگی صرف نظر شد. - م

بازرگانی در این کشور و در عین حال خنثی کردن دشواریهای بالقوه در این منطقه با بازار مشترک و اروپا بوده است. روش خوشایند و توانایی ماهرانه او در مذاکرات، درست در نقطه مقابل برداشت استهزاآمیز سلف او بود که ژاپنی‌ها را مطلقاً از خود دور کرده بود. تماسهای وینوگرادوف با رهبران حکومتی و بازرگانی راه را برای یک موافقتنامه ساله که در فوریه ۱۹۶۳ بین اتحاد جماهیر شوروی و ژاپن امضا شد، هموار نموده بود. علیرغم تأثیرات مساعدی که در نتیجه فعالیت‌های علنی وینوگرادوف ایجاد شده بود فعالیت‌های پشت پرده او با گروه‌های دست چپی ژاپن باعث شد که بعضی از ناظران غربی معتقد شوند که وینوگرادوف یک مأمور اطلاعاتی است. به هر صورت دوران خدمت او در ژاپن مملو از کارایی فزاینده و فعالیت‌های ارتباطی مکرر از سوی کادرهای سفارت بود.

وینوگرادوف که یک مرد درشت اندام، با نگاه‌های نافذ می‌باشد دارای موی قهوه‌ای رنگ و چشمان آبی و رنگ خوشایند پوست صورت است. وینوگرادوف به عنوان شخصی خوش مشرب توصیف شده است و شهرت دارد که در مذاکرات همه جوانب را رعایت می‌کند، ولی در عین حال مذاکرات را به طول و تفصیل می‌کشاند. او انگلیسی را به روانی صحبت می‌کند و دانش محدودی درباره زبان ژاپنی دارد و از قرار معلوم اندکی اسپانیولی بلد است. همسر او یلنا آنا تولیونا که در سال ۱۹۱۹ به دنیا آمده است زبان ژاپنی را روان تکلم می‌کند. این زوج یک دختر دارند به نام یلنولادیمیرونا. ۱۴ ژوئیه ۱۹۶۷

سند شماره (۳۱)

خیلی محرمانه

صورت مذاکره

زمان و مکان: چهارشنبه ۱۴ دسامبر ۱۹۷۷-۲۳ آذر ۵۶، استیک هاوس تهران
شرکت کنندگان: گنادی کازانکین، دبیر اول سفارت روسیه - جان. دی. استمپل، دبیر اول سفارت آمریکا، تهران

موضوع: خاورمیانه، شاخ آفریقا، سفر پرزیدنت کارتر و اعضای کنگره، گسترش مخالفتها،
توطئه‌ها و موضوعات مختلف.

پس از مراجعت از وطن در ماه سپتامبر این دومین باری است که کازانکین را ملاقات می‌کنم. در رابطه با وقایع اخیر (پرواز غیرمشروع روسیه بر فراز اتیوپی و منفی جلوه دادن مواضع خاورمیانه‌ای آمریکا توسط پراودا و غیره) از او سؤالاتی کرده و عدم نارضایتی خود را از سیاست کنونی روسیه بدون اینکه مستقیماً توهینی کرده باشم ابراز داشتم. گفتگوها در رابطه با موضوعات در زیر خلاصه شده است:

خاورمیانه

بدون مقدمه از او پرسیدم که آیا روسیه می‌داند که بر سر صلح در خاورمیانه دارد چه می‌آورد. در جوابم گفت ظاهراً آمریکا بی‌جاها اجلاس قاهره را خوب به پیش برده‌اند. جواب من این بود که تشکیل آن به درخواست دو طرف بود نه فقط به خواست آمریکا و درباره بدگونه جلوه دادن بیانات آقای ونس توسط پراودا حمله کردم (مسکو ۱۷۸۷۰). با بی میلی گفت: «من چیزی در این مقال نمی‌دانم» و من صحبت در این موضوع را با «بهتر است بدانی، چون دولت شما در این باره اصلاً کمک کننده نیست. بهتر است از بد جلوه دادن مواضع ما دست بردارید». خاتمه دادم.

سفر کارتر به ایران

کازانکین می‌خواست بداند که پریزیدنت درباره چه چیزی می‌خواهد با شاه گفتگو نماید. گفتم که سفر بسیار کوتاه است و تنها رؤسا می‌دانند که درباره چه چیزی بحث خواهند کرد. کازانکین گفت که بازدید شاه از واشنگتن خیلی بد برگزار شد که مربوط به تظاهرات می‌شد و من گفتم که برعکس فرصت بسیار خوبی برای دو رهبر بود تا با هم نشستند و به تبادل نظر عقاید شخصی که در واشنگتن ایجاد شده بود پردازند. کازانکین گفت: «پس همه چیز رو به راه است؟» گفتم: «ظاهراً که این طور است.»

گسترش مخالفت

کازانکین زحمت بسیار کشید و درباره تظاهرات و سخنرانیهای اخیر و غیره به صحبت پرداخت. به آرامی به او گفتم که حتماً همانطور که گفته شده او نیز به من خواهد گفت که این تظاهرات به وسیله قدرتهای بیگانه تشکیل شده است.

با صدایی حاکی از پارسایی و رنجش خاطر، او از هرگونه ارتباط با تظاهرات و تظاهرکنندگان امتناع ورزیده گفت که اینها ممکن است نشانگر «اراده مردم» و یا شاید «طرح شده به وسیله شما» باشد. من خندیدم و با سربیزی از روند بحث عبارت «شما بهتر می‌دانید» را تحویل دادم. ظاهراً فعالیتهای اخیر محوطه دانشگاه روسها را شگفت‌زده کرده بود و چون کازانکین درباره جزئیات تظاهرات حتی از طریق مطبوعات نیز چیزی نمی‌دانست، من نیز سعی در مطلع ساختن او نمودم.

سفر اعضای کنگره

علاوه بر سفر کارتر و فعالیتهای مخالفین، ظاهراً کازانکین علاقه دارد درباره «گزارشهایی» که درباره سفر نمایندگان کنگره به ایران شده چیزهایی بداند. او گفت که قرار بود یک سفر قبل از کریسمس صورت بگیرد. گفتم: «نه این طور نیست.» ولی با حالتی حاکی از عدم اطمینان گفتم که ممکن است «چند» نفر بعد از کریسمس بیایند. وقتی که در این باره از شخصی به نام زابلوکی نام برد گفتم بعد از سفر پریزیدنت قرار است دو یا سه سفر ترتیب داده شود ولی درباره جزئیات دقیق آن چیزی نمی‌دانم. (اظهار نظر: کازانکین دیگر درباره اختلافات بین قوه مجریه و مقننه سؤال نکرد، ولی مسلم است که به عنوان شاخصهای اختلاف بین کاخ سفید و کنگره آنها مایل به دانستن چیزهای زیادی درباره سفر اعضای کنگره هستند.)

توطئه‌های نظامی

کازانکین از شایعه‌ای مبنی بر یک توطئه نظامی به منظور سرنگونی رژیم و متعاقب آن دستگیری ۲۵-۲۶ افسر ارتش که شنیده بود سؤال کرد. گفتم که در این باره چیزی نمی‌دانم ولی او به طور مداوم سؤال می‌کرد که آیا می‌دانم چه افسر یا افسرانی در رابطه با جاسوسی دستگیر شده‌اند؟ گفتم که در این زمینه شایعاتی شنیده‌ام ولی هنوز نتوانسته‌ام درباره آنها تحقیق کنم.

اظهار نظر: در ۱۵ دسامبر یک روزنامه فارسی گزارش کرد که سرهنگ مقربی به جرم جاسوسی «برای یک قدرت خارجی» محاکمه شد، ولی نه در دنباله و نه بعداً درباره این حقیقت که وی جاسوس روسها بود چیزی نوشته نشد.

پروازهای غیرقانونی روسیه بر فراز اتیوپی

تقریباً در پایان نهار گفتم که از یک چیز دیگر بسیار ناراحت شده‌ام و آن این است که نمی‌دانم روسیه بر سر صلح در شاخ آفریقا چه می‌خواهد بیاورد. وی گفت که روسیه اصرار دارد که اتیوپیاییها در برابر تهاجمات سومالیاییها ایستادگی نمایند. گفتم که این هفته ظاهراً هفته خوبی برای روسها نیست چون اول درباره بیانات وزیر امور خارجه دروغ‌پردازی کرده‌اند و حالا هم به طور غیرقانونی بر فراز کشورها پرواز می‌کنند تا ابتکارات صلح منطقه از طریق سازمان وحدت آفریقا را به انحراف بکشانند. گفتم نمی‌دانم این کارها بر دتانت آمریکا و شوروی در درازمدت چه اثری خواهد داشت. با خاطر نشان ساختن این موضوع که اینها فقط نظرات شخصی من و بسیاری از افراد دولت من است، گفتم که درباره این پروازها چیز زیادی نمی‌دانم ولی بهتر است که او در این باره اطلاعاتی به دست آورد، و به همکارانش نیز اطلاع دهد که آمریکاها احتمالاً کشورهای دیگر خیلی خوشحال نیستند و احتمالاً بد نخواهد بود اگر «روسیه تجاوز به حریم هوایی یک کشور دیگر را به منظور پیشبرد اهداف توسعه طلبانه خود کنار بگذارد». کازانکین که از این جواب من در رابطه با پرچم سرخش خوشش نیامده بود با بی‌اعتنایی گفت: «خوب، این نظر توست ولی نظر من کاملاً فرق می‌کند.» ما بحث را با اظهار نظر من مبنی بر اینکه بهتر است که روسیه نیز حرکات خود را با احتیاط بیشتر انجام داده و از به هم زدن روند ابتکار صلح سازمان وحدت آفریقا خودداری کند به پایان بردیم. با کمال تعجب کازانکین در این باره نظری اظهار نکرد.

موضوعات مختلف

در طول صرف نهار، کازانکین از اینکه با اعضای بیشتری از سفارت آمریکا آشنا نیست اظهار ناراحتی کرد. من گفتم که کارمندان ما در چند شیفیت کار می‌کنند و او فوراً درباره ولادیمیر اسکوترکوور برت لژارد سؤال کرد. گفتم که آنها اینجا را ترک کرده‌اند و جایگزین آنها از راه خواهند رسید. به هنگام صرف نهار قبلی کازانکین مرا به حمام سونای کمیسیون تجاری سفارت روسیه دعوت کرده بود. من طفره رفته بودم ولی با تکرار این دعوت گفتم که تا پایان دیدار پرزیدنت از اینجا امکان پذیر نیست. ضمناً نمی‌دانم هدف از این دعوت به سونا چیست. او با حالت تدافعی گفت: «اگر می‌ترسی می‌توانی یکی از افرادت را نیز با خودت بیاوری.» در جواب گفتم که آیا برای آمدن به رستوران ما در سفارت آمریکا اجازه گرفته است و اگر بخواهد می‌تواند یکی از «مأمورین امنیتی خود را همراه بیاورد.» کازانکین خندید و گفت: «تنها می‌آیم.» من هم گفتم سال بعد وقتی که او به رستوران ما آمد و غذا خوردیم من هم به حمام سونای آنها خواهم رفت. او زیر لب گفت که ترتیب این برنامه داده خواهد شد. (اظهار نظر: کازانکین اصولاً آماده این تندروی از طرف من نبود و حتی برخلاف معمول نتوانست در برابر عملهای من عکس‌العملی فوری نشان دهد. در پایان نهار، شدیداً عرق می‌ریخت (ممکن است زخم معده‌اش عود کرده باشد) و فراموش کرد که وعده‌ای برای نهار دیگر بگذارد که قبلاً همیشه قرار را می‌گذاشت. کلاً با یک نیمه لبخند و حالتی حاکی از رنجش و یا خشم توأم با ادب علیه دولت روسیه برخورد می‌کردم بدون اینکه به شخص کازانکین توهینی کرده باشم. ولی رفتارم حاکی از این بود که وی یک مقام سیاسی بسیار ضعیفی است، چون راجع به موضوعاتی که من درباره آنها بحث می‌کردم، چیزی نمی‌دانست.

کتاب چهل و هشتم

شوروی
«شرق تجاوزگر»
بخش اول (۲)

کتابچه بیوگرافی

غیرقابل رؤیت برای بیگانگان
ایالات متحده آمریکا
اتحاد جماهیر شوروی، ضمیمه شماره ۴
استفاده غیرمجاز باعث محکومیت جنائی خواهد بود
مقدمه:

برنامه کتابچه بیوگرافی، که توسط اداره مرکزی مراجعات دنبال می‌شود، هدفش این است که در مورد هر کشوری از زندگینامه و بیوگرافی اشخاص مهم کتابچه‌ای تهیه کند که به طور مستمر تجدید نظر گردد. اهمیت زندگی جاری اشخاص تنها دلیل برای آوردن ایشان در کتابچه است. بسته به اهمیت منافع آمریکا در آن کشور مورد نظر، تعداد اشخاص نام برده شده متفاوت است. مثلاً در مورد شوروی و چین حدود ۲۰۰ شخصیت را نام برده‌ایم که بیشترین رقم می‌باشد.

چنانچه امکانات پرسنلی داشته باشیم هر ۳ سال یکبار کلیه کتابچه را تعویض خواهیم کرد. ضمناً ضمیمه‌هایی هم هرچند وقت یکبار اضافه خواهند شد که بسته به شرایط خاص یا تغییر و تبدیل شخصیت‌ها می‌باشد، به هنگام تجدید نظر کلی بسته به وضع شخصیتها در کشور مورد بحث بعضی شخصیتها حذف، بعضی‌ها تجدید نظر، و بعضی کلاً اضافه می‌گردند. اشخاصی که از این گزارشات استفاده می‌کنند بسته به فکر خودشان می‌توانند گزارشات قدیمی را نگهداری کنند یا از بین ببرند معذالک اداره مرکزی مراجعات پرونده‌های کلیه اشخاص را نگهداری می‌کند.

این ضمیمه از ۲۱ شخصیت برجسته شوروی گزارشی داده است که به صورت ترتیب الفبایی منظم شده‌اند. در انتهای این نشریه یک فهرست اعلام نیز وجود دارد. استفاده کنندگان چنانچه اطلاعات بیشتر یا بهتری دارند یا اشخاصی برای الحاق در این گزارش به نظرشان می‌رسد گزارش کنند تا اقدام شود. فهرست مطالب:

ویکتور گریگوریویچ افاناسیف. سردبیر پراودا
آندره میخایلوویچ الکساندرف - آگنتف. سرمنشی برژنف و آجودان حزب کمونیست شوروی (CPSU)
ولادیمیر سرجیویچ آلیخیموف. رئیس هیئت مدیره بانک دولتی.
آلکسی کنستانتینویچ آنتونوف. وزیر کارخانجات و صنایع برقی
ادوارد آساتوریچ آیکازیان. رئیس کمیته دولتی برای علوم و تکنولوژی، مدیریت روابط خارجی، قسمت آمریکا.

ایوان ایوانویچ بودیول. منشی اول کمیته مرکزی حزب کمونیست مولداویا.
کنستانتین اوستینویچ چرننکو منشی کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی (CPSU) رئیس اداره کل کمیته مرکزی (CPSU) حزب کمونیست شوروی.
نیکولای تیموفیویچ گلاشکوف. رئیس کمیته دولتی قیمتها.
الکساندر اکیموویچ ایشکوف. وزیر صنایع شیلات
لئونید ویتالویچ کافتوریچ. رئیس دانشکده مدیریت اقتصاد ملی.
قسمت آزمایشگاه ریاضی - اقتصادی و تحقیق عملی.

میخائیل استپانویچ کاپیتسا. رئیس اداره خاور دور، وزارت امور خارجه
 گریگوری آرکادیویچ کاراویف. وزیر ساختمان
 گریگوری مارکویچ کورننکو. معاون وزارت خارجه
 آلکسی نیکلایویچ مانژلو. معاون وزارت بازرگانی خارجی
 ایگور دیمتریویچ مانژلو. معاون اول کمیته دولتی نیروی اتمی
 ویکتور نیکلایویچ پولیاکوف. وزیر صنایع متحرکه.
 یاکوف پترویچ ریابوف. منشی کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی. (CPSU)
 ادوارد آموروسیویچ شواردنازه. منشی اول کمیته مرکزی حزب کمونیست گرجستان
 کیریل استپانویچ سیمونوف. رئیس اداره ارتباطات و ترابری، کمیته مرکزی (CPSU)
 نیکلای ایوانویچ اسمیرنوف. معاون اول فرمانده نیروی دریایی.
 سمن کوزمیچ تسویگون. معاون اول رئیس کمیته دولتی امنیتی.

خیلی محرمانه

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
 ویکتور گریگوریویچ افاناسیف
 سردبیر پرودا

نامبرده از سال ۱۹۷۶ سردبیر پرودا بوده است. پرودا ارگان رسمی حزب کمونیست شوروی است. او پس از اینکه میخائیل زیمیانین به سمت عضو کمیته مرکزی معاونت که بالاترین مقام اجرائی حزب کمونیست است ارتقاء یافت، به این سمت رسید. افاناسیف سابقاً سمت سردبیری جریده توری حزب کمونیست را به نام کمونیست از سال ۱۹۷۴ داشته است. شغلی که بعد از ۶ سال کار زیر نظر زیمیانین با سمت معاون سردبیر به دست آورد. در سال ۱۹۷۶ افاناسیف به عنوان یک عضو رأی دهنده حزب کمونیست شوروی، کمیته مرکزی، درآمد. پس از زیمیانین به سمت رئیس هیئت مدیره اتحادیه روزنامه نگاران شوروی درآمد.

پاداش اعتدال و میانه روی

اگرچه از نظر شغلی افاناسیف هیچ ارتباطی با هیچ یک از هیئت‌های رهبری شوروی ندارد، ولی وی احتمالاً در بین ایشان چندین بدگو و افترازن دارد. وی در سالهای اخیر استوار و پابرجا بوده و عقایدش با توافقات رسمی دولتی هماهنگ بوده است. این هماهنگی یا به علت عقاید شخصی وی و یا به علت پی بردن به حقایق سیاسی می باشد. یک نمونه از روش متعادل وی، استفاده از تکنولوژی در اقتصاد کشور می باشد. از جمله، وی شدیداً از نظریه استفاده از کامپیوتر در مدیریت حمایت می کند و معتقد است که تکنسینهایی که این کامپیوترها را اداره می کنند باید از نزدیک زیر نظر حزب کار کنند. وی همچنین نویسنده کتاب درسی اصول علم فلسفه که یک کتاب مارکسیستی است می باشد. از دیگر نوشته های وی رسالاتی است تحت عنوان: اداره علمی جامعه، مشکلات کمال در فلسفه و بیولوژی، کمونیسم علمی. او از سال ۱۹۷۲ یک عضو مکاتبه ای آکادمی علمی شوروی و یک عضو هیئت تحریریه ارگان همان آکادمی به نام سؤالات فلسفه بوده است.

سوابق حرفه‌ای و زندگی

وی در ۱۸ نوامبر ۱۹۲۲ در روستای آکتانیش در جمهوری خودمختار تاتار متولد شد. او از ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۳ در خدمت ارتش شوروی بود و در سال ۱۹۵۰ از مؤسسه آموزش و پرورش کودکان به نام چیتا فارغ‌التحصیل شد. بعد از فراغت از خدمت در ارتش، معلم مؤسسه آموزش کودکان به نام چلیا بینسک گردید. در سال ۱۹۶۰ به مقام معاونت مؤسسه رسید و از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۸ وی به عنوان رئیس قسمت کمونیزم علمی آکادمی علوم اجتماعی حزب کمونیست شوروی مشغول کار بود. در سال ۱۹۶۸ او معاون سردبیر پرودا برای سؤالات تئوری گردید؛ مقامی که ظاهراً فقط برای او به وجود آمده بود و سپس به مقام معاون اول سردبیر ارتقاء یافت.

مسافرتها

وی در سال ۱۹۷۰ و ۱۹۷۵ به ایتالیا و در ۱۹۷۱ و ۱۹۷۶ به فرانسه سفر کرده است. در ۱۹۷۵ جهت شرکت در سمینار بین آمریکا و شوروی که درباره برنامه‌ریزی بود به آمریکا آمد.

مشخصات فردی

بنابر گفته بوریس استرلینکوف، ناقد پرودا در امور آمریکا، افاناسیف سر زبانها است. طرز لباس پوشیدن، رفتار با زنان، سلیقه در غذا، رفتار کلی و... سایر مشخصات وی نقل مجالس است. بوریس در عین حال اضافه کرد که وی سردبیر بسیار قابل‌ای است. ۱ آوریل ۱۹۷۷

خیلی محرمانه

آندره میخایلوویچ الکساندرف آگنتوف

آجودان دبیر کل حزب کمونیست شوروی (برژنف) می‌باشد و رئیس مشاورین برژنف در امور سیاست خارجی است. ضمناً یکی از پنج آجودان شناخته شده برژنف است. وی همچنین به عنوان یکی از برجسته‌ترین سخنرانی نویسهای برژنف است و در اکثر سفرهای خارج همراه وی است. از سال ۱۹۷۱ به بعد الکساندرف در کلیه سفرهای برژنف به آمریکا، به انضمام کنفرانس سال ۱۹۷۳، وی را همراهی کرده است. الکساندرف تقریباً ۱۵ سال از نزدیک با برژنف کار کرده است و یک ناظر، این رابطه را جمع بین ضدین می‌داند. برژنف از فطرت آرام و متواضعی برخوردار است و الکساندرف خیلی مؤدب و مدل یک دیپلمات قرن ۱۹ است.

در شبی که از تقسیم کار بین آجودانهای برژنف به دست آمده است، الکساندرف ظاهراً به مسائل و امور آمریکا و مسائل بزرگتر بین شرق و غرب، به انضمام محدودیت سلاحها می‌پردازد. وی به عنوان رئیس مشاورین برژنف در امور سیاست خارجی، همچنان کلیه اطلاعات واصله از سازمانهای مختلف شوروی را هماهنگ می‌نماید. این سازمانها که به نحوی کارشان به سیاست خارجی مربوط می‌شود عبارتند از: وزارت امور خارجه، K.G.B، مؤسسه مطالعات خارجی و بعضی از سازمانهای مرکزی حزب کمونیست شوروی. نظر به اینکه وی در زمینه‌های وسیعی قدرت و اختیار دارد، به ناچار اصطکاکهایی بین وی و سایر مقامات وزارت خارجه به وجود آمده است. از جمله یکی از مقامات بالای سابق وزارت

خارج لهستان گفته است که وی برای خود دشمنان زیادی درست کرده است. ولی در عین حال موقعیت وی نزد برژنف همچنان مستحکم و استوار است. مضافاً اینکه در ماه مارس ۱۹۷۶ وی توسط برژنف به مقام (عضو بدون حق رأی) کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی ارتقاء یافت.

سوابق زندگی و حرفه‌ای

وی در ۱۶ آوریل سال ۱۹۱۸ در آلتای کرای سیبری متولد شد و زبان آلمانی و اسکاندیناوی را در دانشگاه ایالتی لنینگراد آموخت. سپس در سال ۱۹۴۲ به وزارت خارجه ملحق شد. وی خدمت دیپلماتیک را در استکهلم آموخت. استاد وی الکساندرا کلوتنای یکی از همکاران سابق لنین و اولین زن دیپلمات در شوروی بود. او از سال ۱۹۵۰ تا سال ۱۹۵۸ یعنی زمانی که وی به عنوان یک مشاور و متخصص در کنفرانسهای مختلف بین‌المللی شرکت می‌کرد، مأمور به سازمان شماره ۳ اروپا (اتریش و آلمان) در وزارت خارجه شد. به عنوان مثال در سال ۱۹۶۰ در کنفرانس بی‌نتیجه بین شوروی و آمریکا در پاریس شرکت کرد و سپس به همراه نخست‌وزیر وقت شوروی - خروشچف - به آمریکا جهت شرکت در اجلاس عمومی سازمان ملل سفر کرد.

ملحق شدن به باند برژنف

الکساندرف مانند کنستانتین چرنکو، که یکی از یاران قدیمی برژنف می‌باشد، هنگامی که در سال ۱۹۶۰ برژنف به عنوان صدر هیئت رئیسه شوروی انتخاب شد، وی یکسال بعد از انتخاب برژنف به عنوان معاون هیئت رئیسه درآمد. در سال ۱۹۶۳ وقتی که برژنف به عنوان معاون دبیر کل حزب انتخاب شد، الکساندرف را به عنوان آجودان شخصی خود انتخاب کرد. در سال ۱۹۶۶ پس از بیست و سومین اجلاس حزب کمونیست شوروی، نام الکساندرف به عنوان یک عضو کنگره به مردم شناسانده شد. در اجلاس بعدی حزب در سال ۱۹۷۱ الکساندرف به عضویت کمیسیون مرکزی بازرسی حزب درآمد.

مشخصات فردی

الکساندرف ظاهراً شبیه به یک دانشمند ریاضت کشیده است ولی در باطن یک مصاحب ورزیده و خوش برخورد می‌باشد. او به زبانهای آلمانی، فرانسه و انگلیسی و سه زبان اسکاندیناوی بدون عیب و نقص صحبت می‌کند و از باله لذت می‌برد. وی متأهل است. همسرش آنا واسیلیونا یک کارمند وزارت خارجه است که متولد ۱۹۲۰ می‌باشد. آنها ۲ دختر دارند که به ترتیب در سالهای ۱۹۴۵ و ۱۹۵۳ متولد شده‌اند. دختر جوانتر ویکتوریا نام دارد که در مؤسسه بین‌المللی حرکات کارگران تحقیق می‌کند. وی سمت راهنمای جوانان شوروی که از آمریکا در سال ۱۹۷۳ بازدید کردند را بر عهده داشت. در سال مشغول نوشتن یک تر در مورد اتحادیه‌های تجاری آمریکا بوده است. ۱ آوریل ۱۹۷۷

ولادیمیر سرجیویچ آخیموف

رئیس هیئت مدیره بانک دولتی است و یک شخصیت مهم در وزارت بازرگانی خارجی برای بیش از

ده سال می‌باشد. وی در سال ۱۹۷۶ به این سمت منصوب شد. این انتصاب برای بعضی از مقامات شوروی و بعضی مقامات تجاری بین‌المللی تعجب‌آور بود. زیرا آنها انتظار داشتند که وی به جای وزیر تجارت خارجی - نیکولای پاتولیچف - یا معاون اول وزارت تجارت خارجی - میخائیل کوزمین - انتصاب شود. وی علاوه بر نظارت بر اداره ارز خارجی و بانک تجارت خارجی به عنوان معاون وزارت تجارت خارجی از سال ۱۹۶۷ مسئول جنبه‌های بین‌المللی تجارت خارجی بوده است.

وی همچنین نقش مهمی در سال ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ در اعطای اعتبار به ژاپن و کشورهای اروپای غربی داشته است.

طرفدار روابط آمریکا - شوروی

آلخیموف رئیس انجمن اقتصادی و بازرگانی آمریکا - شوروی و عضو کمیسیون مشترک بازرگانی آمریکا - شوروی بوده است. وی یک فرد معتدل است و همیشه هوادار روابط گسترده بازرگانی با آمریکا بوده است. او به یک مقام بازرگانی آمریکایی گفته است که مهمترین مسئله در سال ۱۹۷۵ اعتباراتی است که به شوروی داده می‌شود و چند ماه بعد گفته است که شوروی با جلوگیری از مهاجرت مردم چیزی عایدش نمی‌شود و این قانون باید برداشته شود.

وی هم در مسکو و هم در آمریکا با مقامات رسمی آمریکا طرف بوده است. او در ماههای مه و ژوئن ۱۹۷۳ به آمریکا آمد تا مقدمات سفر دبیرکل حزب کمونیست شوروی - برژنف - را فراهم سازد. در همان زمان در مذاکراتی شرکت کرد که منجر به امضای عهدنامه‌های مالیاتی بین دو کشور شد و نتیجتاً بانک صادرات و واردات آمریکا ۱۸۰ میلیون دلار اعتبار به شوروی داد. او دوبار در سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ از واشنگتن به عنوان رئیس انجمن تجارت و اقتصاد شوروی - آمریکا از واشنگتن بازدید کرده است، در سپتامبر و اکتبر ۱۹۷۵ او در یک تیم مذاکراتی شوروی شرکت داشت که با مقامات آمریکایی در مسکو مقالات کرد و منجر به یک معاهده ۵ ساله بازرگانی شد. مجدداً در ژوئن سال ۱۹۷۶ در لندن در مذاکرات بیمه کالاهای دریایی با مقامات آمریکایی ملاقات کرد. در نوامبر سال ۱۹۷۶ با وزیر دارایی وقت آمریکا، ویلیام سیمون، قبل از شروع مذاکرات انجمن اقتصادی و بازرگانی در مسکو ملاقات کرد.

سوابق حرفه‌ای و زندگی

آلخیموف در ۲۵ اکتبر سال ۱۹۱۹ در سمولنسک ابلاست در جمهوری روسیه متولد شد. او در سال ۱۹۳۸ از مدرسه فنی اقتصادی و مالی سمولنسک فارغ‌التحصیل شد و سپس به مؤسسه اقتصادی و مالی لنینگراد رفت و تا شروع جنگ جهانی دوم آنجا بود. در طول جنگ به عنوان افسر توپخانه در جبهه‌های مختلف جنگید و در سال ۱۹۶۵ قهرمان شوروی شناخته شد.

پس از جنگ خواست که سمتی در بازرگانی خارجی داشته باشد. نتیجتاً در آکادمی بازرگانی خارجی ثبت‌نام کرد و در سال ۱۹۵۰ فارغ‌التحصیل شد. سپس به مدت ۷ سال به عنوان مؤسسه علمی برای تحقیقات بازاریابی وزارت بازرگانی خارجی مشغول کار بود. در سال ۱۹۵۶ به عنوان یک طرفدار تغییر سیستم قیمت‌گذاری شوروی، یک مقاله به چاپ رساند که باعث شد اذهان عمومی متوجه این مسئله شود. در همان زمان بود که وی تز دکترایش را درباره سیستم بانکی در انگلستان نوشت. در طول سال

۱۹۵۶ وی همچنین به عنوان یک عضو هیئت تحریریه روزنامه روسی به نام «اقتصاد جهان و روابط بین الملل» بود.

آلخیموف در بازرگانی خارجی شوروی دخالتی نداشت تا اینکه در دسامبر ۱۹۵۷ به عنوان سفیر تجاری شوروی به واشنگتن فرستاده شد. پس از مراجعتش از آمریکا به عنوان رئیس مدیریت ارز خارجی وزارتخانه منصوب شد (سال ۱۹۶۰). در سال ۱۹۶۳ او به انجمن بانک تجارت خارجی ملحق شد.

آلخیموف که در حیطه کارش بسیار مسافرت می‌کند، در جلسات مختلف تجارت خارجی سازمان ملل شرکت کرده است. او نوشته‌های زیادی در ارتباط با تجارت جهانی دارد و اخیراً در یک مقاله‌اش تکیه زیادی بر روشهای جدید تجارت خارجی و روابط اقتصادی نموده است.

مشخصات فردی

آلخیموف بسیار باهوش است و حافظه خوبی دارد. ضمناً خوش برخورد و خوشمزه هم می‌باشد. در ضیافت‌های ناهار و شام خیلی کم مشروب می‌خورد و کلیه مذاکرات را دقیقاً دنبال می‌کند. مقامات آمریکایی معتقدند که وی از آنچه که به آن معتقد است شدیداً طرفداری و حمایت می‌کند. وی متأهل است. همسرش - آنتونیا - و خودش انگلیسی را به راحتی صحبت می‌کنند. آنها دو دختر و یک نوه دارند. ۱ آوریل ۱۹۷۷

خیلی محرمانه

آلکسی کنستانتینویچ آتونوف

وزیر صنایع و تجهیزات برقی. از سال ۱۹۶۵ وی به عنوان وزیر صنایع و تجهیزات برقی برای این قسمت از صنایع شوروی که مرتباً در حال توسعه و گسترش نیز می‌باشد، بوده است. یک مدیر قابل احترام با تجربه در رشته مهندسی است. کلیه امور مختلف وزارتخانه را زیر نظر دارد. مخصوصاً در قسمتهای تولید و انتقال نیروی برق. مقالات وی در رابطه با مدیریت وزارتخانه در مطبوعات شوروی به چاپ رسیده‌اند. وی به عنوان شخص مسئول در امور موفقیت آمیز و همچنین نارساییهای وزارتخانه شناخته می‌شود. وی از سال ۱۹۴۰ عضو حزب کمونیست شوروی بوده است و از سال ۱۹۷۱ یک عضو با حق رأی در کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی بوده است.

وزارت صنایع برق در اقتصاد شوروی نقش مؤثری دارد. پیشرفت این وزارتخانه در زمینه‌های توسعه و تولید و به مقدار زیاد وسایل و تجهیزات برقی نقش مؤثری در پیشرفت صنایع مخصوصاً در مناطق سیبری و آسیای مرکزی دارد. تحت ریاستهای آتونوف پیشرفت روشهای سنتی در صنایع برقی ادامه دارد. همچنان که تحقیقات در زمینه‌های جدید و مدرن نیز رو به جلو می‌رود. ارزیابی واقع بینانه آتونوف از رقابت و استعداد و توانایی صنایع برق شوروی باعث شده است که وی با شرکتهای غربی تماس نزدیکی داشته باشد تا بتواند احتیاجات وزارتخانه‌اش را تأمین کند.

سوابق حرفه‌ای و زندگی

وی در ۸ ژوئن ۱۹۱۲ در گروندو در بلوروسیا متولد شد. فرزند یک معلم بود. در اوایل دهه ۱۹۳۰ وی به عنوان یک مکانیک مشغول کار بود. در سال ۱۹۳۵ از مؤسسه فنی لنینگراد فارغ‌التحصیل شد. از سال ۱۹۳۷ تا ۱۹۵۷ به ترتیب مشاغل زیر را در کارخانجات صنایع هواپیمایی عهده‌دار بود: مهندس، رئیس آزمایشگاه، معاون رئیس طراحان، رئیس کارگاه تولید و یک سرمهندس. هنگامی که نخست‌وزیر سابق، نیکیتا خروشچف در سال ۱۹۵۷ اکثر وزارتخانه‌ها را تعطیل اعلام کرد تا شوراهای محلی اقتصاد ملی تشکیل یابند، آنتونوف به عنوان سرپرست شورای مشهور لنینگراد منصوب شد. او در آنجا با عنوان زیر خدمت کرد: سرمهندس (سال ۵۹ - ۱۹۵۷)، معاون رئیس (۶۱ - ۱۹۵۹) و رئیس (۶۵ - ۱۹۶۱). او همچنین در سالهای ۶۱ تا ۱۹۶۴ یک عضو دایره حزب کمونیست لنینگراد ابلاست و از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۱ یک عضو بدون حق رأی کمیته مرکزی حزب کمونیست بود. پس از مرگ خروشچف، جانشینان وی در سال ۱۹۶۵ دوباره نظام وزارتخانه‌ها را روی کار آوردند و آنتونوف به شغل فعلیش گمارده شد. در سال ۱۹۷۴ آنتونوف به عنوان رئیس انجمن بین‌المللی سازمانها برای تحقیقات علمی و اقتصادی در صنایع برق انتخاب شد.

مسافرتها

از زمانی که وی در سال ۱۹۶۵ وزیر شد، رئیس هیئتهای نمایندگی شوروی به بلغارستان، چکسلواکی، آلمان شرقی، مجارستان، لهستان و رومانی بوده است. خارج از بلوک شرق او از هندوستان (سال ۶۹ و ۱۹۶۴) فرانسه (۱۹۶۷)، ژاپن (۱۹۷۵)، بازدید کرده است. وی فقط یک مرتبه به آمریکا مسافرت کرده است (۱۹۷۰)؛ زمانی که در صدر یک هیئت روسی از تأسیسات برقی دیدن به عمل آورد.

مشخصات فردی

مشخصه‌های فردی وی نقش مهمی در موفقیتهای شغلی وی داشته است. مطمئن، پرنرژی، بر قدرت با ظاهری سالم و سرحال است. یکی از مقامات سفارت آمریکا ذکر کرده است که وی در صحبت کردن آتشی و مختصر است. وی متأهل است و به نظر نمی‌رسد که انگلیسی صحبت کند. از جوایزی که وی برده است، جایزه درجه سوم استالین است. در سال ۱۹۵۰ به مناسبت ساختن لوازم جدید و اتوماتیک اندازه‌گیری، دیگر از مدالهای وی در سال ۱۹۵۷ مدال افتخار، در سال ۱۹۷۶ مدال لنین و مدال انقلاب اکتبر است. وی از سال ۱۹۶۲ به عنوان معاون شورای عالی شوروی بوده است.

۱ آوریل ۱۹۷۷

خیلی محرمانه

ادوارد آساتوریچ آیکازیان

رئیس قسمت آمریکا در اداره روابط خارجه، از کمیته دولتی برای علوم و تکنولوژی. وی در سال ۱۹۷۲ به این قسمت ملحق شد. در سالهای ۷۳ - ۱۹۷۲ به عنوان معاون رئیس بود و اکنون به عنوان رئیس قسمت آمریکا می‌باشد. وی به عنوان رابط هیئتهای علمی و بازرگانی آمریکایی که به شوروی می‌روند

می‌باشد. او یک مذاکره‌کننده بسیار ماهری است و مسئول کلیه مدیریتها و تحولات روزانه بین آمریکا و شوروی که قرارداد همکاری در سال ۱۹۷۲ در این زمینه بسته‌اند می‌باشد. وظایف وی طیف وسیعی دارد، از مسائل پیش‌افتاده مثل رزرو هتل برای هیئتهای آمریکایی گرفته تا مذاکره در مورد خرید وسائل و تجهیزات پیچیده آمریکایی.

غالباً وی به عنوان میانجی و متعادل‌کننده خوبی در از بین بردن موانع و قوانین دست‌وپاگیر اداری در تبادل هیئتهای روسی و آمریکایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بسیار مشتاق است که روابط اداری و شغلی خوبی با همتاهاى آمریکایی داشته باشد و مصمم است که کاغذبازی و موانع اداری را از جانب روسها از بین ببرد و همیشه موقعی که آمریکاییها درخواست بازدید از تأسیسات تحقیقاتی روسها را کرده‌اند، سریعاً و بی‌درنگ پاسخ داده است.

روابط سطح بالا

در طول خدمتش در قسمت آمریکا به عنوان رئیس، وی روابط نزدیک نفوذی و شغلی و شخصی خوبی با معاون رئیس کمیته دولتی برای علوم و تکنولوژی برقرار کرده است. این شخص ژرمن گیوشیانی نام دارد که داماد نخست‌وزیر شوروی - آلکسی کاسیگین - است. گیوشیانی نقش مهمی در ایجاد موافقتهایی بین شوروی و آمریکا در امور بازرگانی و فنی داشته است. بنابر اظهارات مقامات آمریکایی آیکازیان مرتباً از جانب مریش به قدرت و اقتدار بیشتری دست می‌یابد و معمولاً قبل از مذاکرات رسمی خلاصه نامه‌هایی برای گیوشیانی تهیه می‌کند.

آیکازیان همیشه از جزئیات و ریزه‌کاریهای مذاکرات مذاکرات فنی با اطلاع است. وی همیشه با زرنگی خاص از طرح سؤالاتی که موقعیت چانه‌زانه شوروی را به خطر اندازد خودداری می‌کند و معمولاً بدون موافقت مقامات بالاتر، از طرح زمینه‌های خاص همکاری جدید خودداری می‌کند. وی به خوبی از خط‌مشی و تولیدات کمیته دولتی مطلع است و به سرعت خاطر نشان می‌سازد که کمیته نقش مؤثری در انتخاب پروژه‌های همکاری و تبادل موافقتنامه‌ها دارد. او خاطر نشان می‌سازد که همکاری، زیر چنین چتری بدون تأیید کمیته دولتی برای علوم و تکنولوژی امکان‌پذیر نیست.

سوابق حرفه‌ای و زندگی

آیکازیان در ۱۷ اکتبر ۱۹۲۸ در شهر لنیناکان در ارمنستان متولد شد. از ابتدای زندگی شغلیش چیز کمی می‌دانیم. وی یک مهندس شیمی تجربی است و مقالات متعددی درباره الکتروشیمی از دانشگاه ایالتی مسکو (۵۹-۱۹۵۴) و مؤسسه شیمی آلی در ایروان (۶۵-۱۹۶۰) نوشته است. او کاندیدای مدرک علوم شیمی است. در ژانویه ۱۹۶۷ وی به عنوان مشاور هیئت نمایندگی بازرگانی شوروی در لندن، وارد خدمت دیپلماتیک خود شد. معذالک خدمت وی در انگلستان در سپتامبر ۱۹۷۱ پایان یافت. زمانی که وی به همراه گروه زیادی از مقامات رسمی شوروی به عنوان جاسوس از انگلستان اخراج شد، وی پس از مراجعت به پایتخت شوروی به کمیته دولتی برای علوم و تکنولوژی ملحق شد. وی در ملاقاتهای کمیسوینهای همکاری بین شوروی و آمریکا در زمینه‌های علوم و تکنولوژی از سال ۱۹۷۳ شرکت داشته است. در همان سال بود که وی به همراه ولادیمیر تراپزینکوف معاون اول کمیته دولتی برای علوم و

تکنولوژی جهت شرکت در اولین جلسه کمیسیون همکاری به آمریکا سفر کرد. از آن تاریخ به بعد وی سه بار به آمریکا سفر کرده است که آخرین بارش در آوریل ۱۹۷۵ بود؛ زمانی که در جلسه انجمن اقتصادی و بازرگانی آمریکا - شوروی در نیویورک شرکت نمود.

مشخصات فردی

وی متأهل است و نام همسرش آدینا کاروپتوونا می باشد. مقامات آمریکایی تشخیص داده اند که وی چشمش به دنبال خانمهاست. انگلیسی را به راحتی صحبت می کند. اگرچه در بحثهای ثقیل سیاسی وی وانمود می کند که زبان را خوب نمی داند. ۱ آوریل ۱۹۷۷

ایوان ایوانویچ بودیول

دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست مولداویا.

ایوان بودیول که متخصص در رشته کشاورزی است از ماه مه سال ۱۹۶۱ دبیر اول حزب کمونیست مولداویا بوده است. از نظر حرفه ای او و لئونید برژنف، دبیر کل حزب کمونیست شوروی، در سالهای ۱۹۵۰ زمانی که برژنف دبیر اول حزب کمونیست مولداویا بود و بودیول ریاست یکی از کمیته های حزبی محل را عهده دار بود، بین آنها همکاری و آشنایی نزدیک پیش آمد. امروزه بودیول به عنوان یکی از سرسخت ترین حامیان دبیر کل شناخته شده است و این اعتبار در سال ۱۹۷۱ زمانی که وی برژنف را به عنوان «رهبر حزب کمونیست و دولت» توصیف نمود، فزونی گرفت (در حالی که نیکولای پادگورنی ریاست هیئت دولت را عهده دار بود).

مبتکر در رشته کشاورزی

مولداویا اصولاً دارای مدرک اقتصادی کشاورزی است و بودیول علیرغم محافظه کاریهایی که در مناطق دیگر به خرج داده است، یکی از مبتکرترین رهبران شوروی در امور کشاورزی به حساب می آید. در سال ۱۹۶۹ وی پیشنهاد کرد که به جای بوروکراسی کشاورزی کنترل شده از مرکز، یک شورای منتخب محلی زراعی تولیدی در مولداویا ایجاد شود که این شورا از همان زمان در مولداویا مشغول به کار است. در سالهای ۱۹۷۰ به منظور بالا بردن میزان هماهنگی در بین شرکتهای مختلف کشاورزی وی به سازماندهی مجتمعهای کشاورزی - صنعتی شوراها تولیدی جمعی و زراعت کاریهای دولتی دست زد. در سال ۱۹۷۳ مقامات کنجکاو مناطق دیگر به بازدید از مولداویا پرداختند تا به بررسی و مطالعه شوراها جمعی زراعی این جمهوری و دیگر ابتکارات کشاورزی بپردازند. بودیول نیز شاد از اینکه ابتکارات وی توجه ملی را جلب کرده اند آنها را همراهی می کرد. در ژوئن ۱۹۷۶ ابتکارات این جمهوری بسیار شایان توجه واقع گردید و کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی به سازمانهای دولتی و حزبی دستور داد که هرچه سریعتر به ایجاد مجتمعهای کشاورزی - صنعتی و مؤسسات میان زراعی همت ورزند در این دستور از جمهوری بودیول به عنوان اولین منطقه از مناطق چندگانه ای که در آنها این گونه تجارب به آزمایش گذاشته شده است نام برده شده است.

محافظه کار از نظر ایدئولوژیک

در مقایسه با تندرویهایش در زمینه کشاورزی، نظریات بودیول پیرامون موارد دیگر خالی از ابتکار و ابداع است. او کومسومول (سازمان جوانان کمونیست - م) را متهم به کم‌کاری در زمینه آموزشهای سیاسی جوانان کرد و از آن خواست تا وطن پرستی روسی را با تلاش بیشتر در آنها به وجود بیاورد. بودیول نویسندگان لیبرال را نیز شدیداً مورد انتقاد قرار می‌داد، به طوری که در سال ۱۹۶۶ وی اظهار داشت که درست است که هنرمندان ادبی شوروی حق دارند به خلق آنچه که مایلند بپردازند، ولی سازمانهای حزبی و دولتی هم باید حق داشته باشند که به آنچه که مجاز می‌دانند اجازه چاپ بدهند.

مسئله بساراب

علاوه بر مسائل دیگر، این رئیس حزب مولداویا خود را ملزم به دفاع از هستی جمهوری خود می‌بیند. مولداویا که در قرن نوزدهم متصل و متعلق به شوروی شده، در سالهای ۴۰-۱۹۱۹ یکی از ایالات رومانی به حساب می‌آمد و زمانی که قرارداد عدم تهاجم بین آلمان و شوروی (۴۱-۱۹۳۹) منعقد گردید، شوروی این بخش را به عنوان یک منطقه مورد معامله از نازیها تصاحب نمود. امروزه رهبران رومانی عدم مشروعیت این عمل نازیها را در این معامله متذکر می‌شوند، ولی بودیول همیشه به شرح روابط بین مولداویا و خلق شوروی و دولت شوروی پرداخته است.

ناظران خارجی غالباً از تکرار این نکات به وسیله او درباره این موضوع حساس به تغییر میزان تشنج در روابط شوروی و رومانی پی می‌برند.

سوابق حرفه‌ای و زندگی

ایوان ایونویچ بودیول در ۳ ژانویه ۱۹۱۸ در اوکراین متولد شد. پدرش اهل مولداویا و مادرش اهل روسیه بود. او از یک مدرسه کشاورزی فارغ‌التحصیل گردید و بعدها در یک کارخانه ماشین و تراکتورسازی به عنوان آگرونومیست (خاک‌شناسی کشاورزی - م) مشغول به کار گردید. پس از ورود به ارتش شوروی در سال ۱۹۳۸، از یکی از آکادمیهای دامپزشکی نظامی فارغ‌التحصیل شد و به عنوان سرپرست خدمات دامپزشکی چند واحد بزرگ ارتشی مشغول به کار گردید. بودیول زمانی که در این آکادمی به سر می‌برد به حزب کمونیست شوروی پیوست. پس از خاتمه خدمت نظام در سال ۱۹۴۶، بودیول معاون مدیر کشاورزی در شورای وزیران مولداویا شد. بعدها به عنوان نماینده جمهوری مولداویا در شورای امور جمعی زراعی شوروی (که اکنون منحل شده است) که سازمانی است که فعالیتهای همه آژانسهای دولتی را که در رابطه با زندگی و زراعتهای جمعی کار می‌کنند هماهنگ می‌کند، شرکت جست. بودیول کار تمام وقت حزبی خود را از سال ۱۹۵۱ آغاز کرد. از ابتدا به عنوان دبیر اول تعدادی از کمیته‌های حزبی مولداویا فعالیت کرد. در سال ۱۹۵۸ او از مدرسه حزبی عالی مسکو در رشته علوم فلسفی، یک درجه تحصیلی کسب کرد و از عضویت در کمیسیون حسابرسی حزب مولداویا به عضو رأی‌دهنده در کمیته مرکزی ارتقاء یافت. سال بعد پس از آنکه مدت کوتاهی در یکی از دپارتمانهای نامعلوم کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی تدریس نمود، بودیول به عنوان دبیر دوم و عضو هیئت مدیره کمیته مرکزی حزبی مولداویا برگزیده شد و در سال ۱۹۶۱ یکی از اعضای دارای حق رأی در کمیته

مرکزی حزب کمونیست شوروی گردید و از سال ۱۹۵۸ وی معاونت ریاست دیوان عالی شوروی کمونیستی را عهده‌دار بوده است.

سفرها و سوابق شخصی

بودیول متأهل است. همسرش کلاودیا پترونا در دسامبر ۱۹۲۵ متولد شده است. خانم بودیول بنا به یکی از گزارشها بسیار زیباست و خیلی جوانتر از همسرش به نظر می‌رسد و به زبان انگلیسی نیز نسبتاً مسلط است. خانواده بودیول دارای دو فرزند دختر هستند. مقاماتی که به جمهوری بودیول مسافرت کرده‌اند، این دبیر اول را مدیری بسیار هراس‌انگیز و رعب‌آور توصیف می‌کنند و معتقدند که شباهت زیادی به یک «گروه‌بان مشقی امریکایی» دارد. او بسیار سخت‌کوش است و علاقه دارد نتایج مثبت مشاهده نماید. بودیول به زبان روسی و رومانی صحبت می‌کند ولی هیچ‌کس ندیده است که او انگلیسی صحبت کند. بودیول در اروپا مسافرت‌های زیادی نموده است، او از کانادا، مراکش، شیلی و برمه نیز بازدیدهایی به عمل آورده است. او چند جایزه نیز دریافت کرده که عبارتند: از دو ستاره سرخ، نشان افتخار و مدال لنین.

کنستانتین یوستینویچ چرننکو

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی، رئیس دپارتمان عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی.

کنستانتین چرننکو که یکی از نزدیکان دبیر کل لئونید برژنف است، از ماه مارس ۱۹۷۶ سمت دبیری کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی را عهده‌دار بوده است. وی در ژوئیه ۱۹۶۵ ریاست دپارتمان عمومی کمیته مرکزی را نیز به عهده داشته است. مسئولیتهای چرننکو در سلسله مراتب ریاست حزبی در تعریف نمی‌گنجد ولی انتخاب وی در این هیئت احتمالاً اهمیت و اختیارات دپارتمان عمومی را که شاخص اصلی در ترکیب فرماندهی حزب کمونیست شوروی است افزایش داده است.

تسریع در اخذ تصمیمات در زمینه سیاستها

چرننکو به عنوان ریاست دپارتمان عمومی بر همه ارتباطات و مکاتباتی که از طریق هیئت سیاسی حزب کمونیست شوروی و دیگر سازمانهای مهم حزبی انجام می‌شود نظارت دارد. یکی از مهمترین مسئولیتهای او هماهنگ کردن یادداشتها، تهیه سخنرانیها و دیگر اسناد مهم از طریق مکانیزم تصمیم‌گیری حزبی است که البته در نظامی که تصمیمات اصولاً به مقامات بالا ارجاع می‌شود کاری آسان نیست. دپارتمان چرننکو چند عمل حساس دیگر نیز انجام می‌دهد که عبارتند: از ارسال شکوائیه‌های شهروندان به مقامات بالای حزبی، صدور و حفظ کارت عضویت حزبی، و نگهداری و حراست از مواد آرشیوی حزب کمونیست شوروی.

مورخ حزبی

در سالهای اخیر چرننکو نقش مهمی در انتشار اکثر مجموعه اسناد رسمی حزب کمونیست شوروی

ایفا کرده است. او مهمترین عضو هیئت سردبیران نشریه راهنمای کارگران حزبی (یک نشریه مرجعی مهم است که اسناد مهم دولتی و حزبی فهرست وار در آن آورده می شود) از ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۹ بود تا اینکه مسئولیت های او به معاون اولش - کلاودی بوگولیوبو - محول گردید. یکی از دلایلی که برای این تغییر مسئولیت وی می آورند، ظاهراً این است که در سال ۱۹۷۰ چرننکو به پتر فدوسیف رئیس وقت انستیتوی مارکسیسم - لنینیسم پیوست تا با وی در نشر قطعنامه ها، تصمیمات کنگره ها و کنفرانسها و صورت جلسه های کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی که یک نشریه غول آسای چند جلدی و مجموعه ای از اسناد منتشره حزبی از سال ۱۸۹۸ می باشد پردازد. در سال ۱۹۷۴ چرننکو را «مسئول انتشار» یک جلد از سخنرانی های برژنف دانستند که معمولاً به وسیله یاران شخصی برژنف این کار انجام می شد و در ژوئیه ۱۹۷۵ وی با برژنف به هلسینکی رفت تا ظاهراً به ضبط جلسه نهایی کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا پردازد.

سوابق حرفه ای و زندگی

کنستانتین یوستینویچ چرننکو در ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۱ در محلی که امروزه به نام کراسنویارسک شناخته می شود متولد گشت. در سن ۱۸ سالگی به کومسومول (سازمان جوانان کمونیست) پیوست و مدتی نگذشت که ریاست بخش را در رده های پایین سازمانی عهده دار شد. چرننکو در سال ۱۹۳۱ به حزب کمونیست شوروی پیوست. بنابه آنچه در یک بیوگرافی روسی آمده است، او منشی سازمان حزبی با تجارب نظامی مرزی در سالهای ۱۹۳۰ بود و بعدها به عنوان رئیس بخش یکی از رده های پایین کمیته حزبی برگزیده شد. در سال ۱۹۴۳ چرننکو به مسکو رفت تا در مدرسه عالی سازماندهی حزبی کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی شرکت جوید. پس از فارغ التحصیلی در سال ۱۹۵۴ به عنوان دبیر کمیته حزبی پنزا و بلاست انتخاب گردید. در آن زمان فدورکولاکف عضویت دفتر سیاسی و سرپرستی دپارتمان کشاورزی او بلاست را عهده دار بود.

روابط او با برژنف

در سال ۱۹۴۸ او رئیس دپارتمان تبلیغات و تظاهرات کمیته مرکزی حزب مولداویا شد و تا سال ۱۹۵۶ همان سمت را حفظ نمود و احتمالاً روابط او با برژنف نیز از همین زمان آغاز گردید. چون برژنف از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۲ دبیر اول کمیته مرکزی حزب مولداویا بود، در سال ۱۹۴۹ چرننکو به عنوان یک عضو دارای حق رأی در کمیته مرکزی انتخاب شد و تا سال ۱۹۵۶ نیز به وسیله کنگره حزبی دوباره انتخاب گردید. در همان زمان که در مولداویا به سر می برد از انستیتو پداگوژیکی (تعلیم و تربیتی - م) کیشیف نیز فارغ التحصیل گردید.

در ۱۹۵۶ چرننکو به عنوان رئیس بخش در دپارتمان تبلیغات و تظاهرات کمیته مرکزی به مسکو منتقل گردید و احتمالاً برژنف که خود چندی قبل در همان سال به عنوان دبیر و عضو پرزیدیم حزب کمونیست شوروی به مسکو رفته بود، او را برای این کار انتخاب کرده است. چرننکو در سال ۱۹۶۰ دستیار برژنف در امور اجرائی در دستگاه اداری عالی شوروی گردید و در فوریه سال بعد به همراه یک هیئت نمایندگی به سرپرستی برژنف به گینه، مراکش و غنا سفر کرد. در ژوئیه ۱۹۶۵ کمتر از یکسال پس از

انتخاب برژنف به عنوان دبیر اول حزب کمونیست شوروی، چرننکو رئیس دپارتمان عمومی کمیته مرکزی شد و در سال ۱۹۶۶ به عنوان عضو فاقد حق رأی در کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی و در سال ۱۹۷۱ به عنوان عضو دارای حق رأی این کمیته برگزیده شد.

سفر به آمریکا

چرننکو یکی از معدود رؤسای دپارتمان‌های کمیته مرکزی است که به آمریکا سفری داشته است. او در آوریل ۱۹۷۴ به عنوان یکی از اعضای هیئت نمایندگی شوروی در جلسه ویژه مجمع عمومی سازمان ملل به این کشور وارد شد. در زمان اقامتش به وزارت خارجه رفت تا از مراحل اداری، نحوه مدیریت سیستم اتوماتیک گردآوری اطلاعات و سوابق بازدید به عمل آورد. آن دسته از مقامات امریکایی که با چرننکو در آن زمان ملاقات کردند او را فردی متوجه محیط و خیلی ساده که حاضر است به صحبت‌های جزئی نیز پردازد، یافتند. او به زبان انگلیسی صحبت نمی‌کند.

پادشاه و جوایز

چرننکو از سال ۱۹۶۶ معاونت ریاست دیوان عالی شوروی را عهده‌دار بوده است. در سال ۱۹۴۹ و ۱۹۵۷ نشان کار پرچم سرخ و در سال ۱۹۷۱ نشان لنین را دریافت کرد. در مارس ۱۹۷۶ - یعنی چند روز قبل از انتخاب وی به عنوان دبیر حزب کمونیست شوروی - به خاطر «زحماتی که برای حزب کمونیست و دولت شوروی متحمل شده بود» دومین نشان لنین، مدال طلای داس و چکش و عنوان قهرمان کار سوسیالیستی را دریافت نمود.

لئونید ویتالویچ کانتورویچ

رئیس آزمایشگاه مسائل روشهای اقتصادی - ریاضی، انستیتو مدیریت اقتصاد ملی

لئونید کانتورویچ آکادمیسین که در صحنه بین‌المللی به عنوان یک نابغه خلاق در امور ریاضیات و کاربرد کامپیوتر الکترونیک در امور اقتصادی شناخته شده از سال ۱۹۷۱ در انستیتو اقتصاد ملی به کار مشغول بوده است.

از ۱۵ سالگی درگیر تحقیقات در امور ریاضی پیشرفته بوده است. وی در ۱۹۳۹ برنامهریزی مستقیم یا خطی را که یکی از مهمترین ابداعات وی در مدیریت اقتصادی در قرن بیستم است اختراع نمود. کانتورویچ بخش اعظم زندگی خود را صرف مبارزه‌ای کرد تا از طریق آن بتواند فرضیه انقلابی خود را در زمینه بوروکراسی اقتصادی و آکادمیک شوروی مورد قبول واقع سازد؛ تا سال ۱۹۶۵ که کانتورویچ جایزه لنین را برای کارهایش دریافت نمود. مقامات کشورش نتوانسته بودند ارزش برنامهریزی مستقیم یا خطی را در امور اقتصادی شوروی دریابند. در اکتبر ۱۹۷۵ نیز پس از اینکه کانتورویچ جایزه نوبل را در اقتصاد به همراه تی‌سی‌کوپمان، اقتصاددان امریکایی هلندی‌الاصل که همان فرضیه وی را به طور مستقل چند سال بعد از کانتورویچ کشف کرده بود دریافت نمود، دنیای بین‌الملل توانست ارزش او را بشناسد.

کانتورویچ علاوه بر تحقیق ریاضیاتی‌اش مستقیماً در تلاش بوده است تا طرح بهتری برای

کامپیوترهای دیجیتال سریع‌العمل ارائه نماید که البته می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که انگیزه چنین تلاش وی نیاز شوروی به کامپیوترهای بهتر در حل مسائل عظیم مطروحه اقتصادی بوده است.

انستیتو مدیریت اقتصاد ملی

انستیتو اقتصاد ملی بدین جهت تأسیس گردید تا به آموزش مدیران صنعتی و اقتصادی در روشهای مدرن مدیریت، سازمانهای تولیدی و استفاده از روشهای ریاضی - اقتصادی و طرح‌ریزی به وسیله کامپیوتر پردازد.

نخست‌وزیر آلکسی کاسیگین و آندره کیریلنکو دبیر حزب در گشایش این انستیتو در ۱۹۷۱ شرکت جستند تا اهمیتی را که دولت شوروی و حزب در کاربرد فنون مدیریت مدرن در رابطه با طرح‌ریزی اقتصادی و مدیریت صنعتی شوروی قائل هستند بیشتر نمایانگر سازند.

مختصری درباره برنامه‌ریزی مستقیم یا خطی

برنامه‌ریزی مستقیم یا خطی یک روش حل مسئله ریاضی است که سعی دارد مولدترین نحوه استفاده از منابع کمیاب و نادر را پیدا کند. در رابطه با کاربرد آن در کامپیوتر در زمینه مشکلات اقتصادی مناسب است و در غرب که مطالعه اقتصادی از همان ابتدا، مطالعه چگونگی تقسیم و توزیع منابع کمیاب بوده است، برنامه‌ریزی مستقیم یا خطی از اوایل سالهای ۱۹۵۰ مورد استفاده بوده است.

در شوروی تا مدتها چنین می‌پنداشتند که فرضیه ندرت اقتصادی تنها در مورد ساختمان طبقه‌بندی شده سرمایه‌داری و نه در جامعه شوروی، قابل کاربرد است. کانتورویچ تلاش خود را بر آن داشت تا به رهبریت شوروی عکس این قضیه را ثابت سازد. علیرغم موفقیت ظاهریش هنوز هم روش او دارای مخالفین بسیار نیرومند است. اینها همان مقاماتی هستند که در رابطه با بوروکراسی برنامه‌ریزی اقتصادی کار می‌کنند و ترس از آن دارند که استفاده همه‌جانبه از روشهای مدرن در شوروی در زمینه تصمیم‌گیری اقتصادی این کشور، مقام و موقعیت آنها را به خطر افکند.

الطاف رسمی

کانتورویچ از قوم یهود است، لیکن ارزش او برای دولت شوروی آنقدر زیاد است که او در حرفه‌اش حتی در دوران اوج احساسات ضدیهودی رسمی توانست محبوبیت به دست آورد. به طور مثال در ۱۹۴۹ او در قبال «کار در زمینه آنالیز عملی» جایزه استالین را دریافت کرد.

بنابر یک گزارش به هنگام بروز یک بحران اقتصادی ضدیهود در ۱۹۶۸، کانتورویچ به عنوان مشاور طرح‌ریزی اقتصادی در «رتبه‌های بالای رهبریت شوروی» انتخاب گردید.

مانند همه آکادمیسین‌های شوروی کانتورویچ از امتیازات مخصوص اعضای مهم جامعه شوروی برخوردار است. آپارتمان او در مسکو مملو از لوازم بسیار گرانبها، چینی‌های زیبا و یک دستگاه تلویزیون بزرگ است و بیشتر شبیه عکسهایی است که در مجله‌های دکوراسیون منازل مشاهده می‌شود.

کانتورویچ خیلی سعی دارد که موقعیت و امتیازات خود را به خطر نیندازد. به هنگام ملاقات با امریکاییها در شوروی در سخن‌گفتن و در عمل کردن وی نوعی احتیاط و عصبيت مشاهده می‌شده است؛

ولی در ۱۹۷۳ و ۱۹۷۵ او در زمره آکادمیسین‌هایی بود که از امضای فرمان صادره از طرف آکادمی حزبی مبنی بر محکومیت فیزیکدان مخالف - آندره ساخاروف - امتناع ورزیدند.

مراحل اولیه زندگی

لئونید ویتالویچ کانتوروویچ که فرزند یک دکتر است، در ۱۹ ژانویه ۱۹۱۲ در سن پترزبورگ (لنینگراد کنونی) متولد گشت. در ۱۹۲۶ در سن ۱۴ سالگی در دیپارتمان ریاضیات دانشکده فیزیک ریاضی دانشگاه دولتی لنینگراد به تحصیل پرداخت، و یک سال بعد، اولین کار تحقیقاتی خود را آغاز کرد. در سال ۱۹۳۰ پس از فارغ‌التحصیل شدن، کانتوروویچ جوان به تدریس در انستیتو مهندسی ساختمان صنعتی لنینگراد پرداخت. در ۱۹۳۲ به دانشگاه دولتی لنینگراد بازگشت تا در آنجا نیز به تدریس بپردازد. در عرض ۲ سال او به درجه پروفیسوروی رسید و در ۱۹۳۵ بدون اینکه مجبور به دفاع از تز خود باشد، درجه دکترا را در رشته فیزیک در ریاضیات دریافت نمود. تا آن زمان (در سن ۲۳ سالگی) ۴۰ نشریه حرفه‌ای به نام او چاپ شده بود.

به استثناء سالهای ۴۴ - ۱۹۴۱ کانتوروویچ تا سال ۱۹۶۰ در دانشگاه دولتی لنینگراد به تدریس مشغول بود. ولی در همان دوران با سازمانهای دیگری نیز وابستگی پیدا کرد. او در ۱۹۳۹ انستیتوی مهندسی ساختمان صنعتی لنینگراد را ترک گفت تا ریاست دیپارتمانی را در مدرسه عالی فنی - مهندسی ایمنی پومان مسکو عهده‌دار شود. تا سال ۱۹۴۸ در آن سمت باقی ماند. وی در یکی از شعبه‌های انستیتو ریاضیات ایمنی استکلف در لنینگراد وابسته به آکادمی علوم شوروی در سالهای ۱۹۴۰ و ۱۹۴۱ نیز تدریس می‌کرد. در سال ۱۹۴۵ وی ریاست دیپارتمان محاسبات تقریبی انستیتو استکلف را متقبل شد. در سال ۱۹۶۰ یعنی همان سالی که دانشگاه لنینگراد را ترک گفته بود، به همراه یک گروه از اقتصاددانان ریاضی که خود آنها را در لنینگراد آموزش داده بود، انستیتو استکلف را نیز ترک گفت و به نووسی بیرسک رفت.

کانتوروویچ تا سال ۱۹۷۱ در نووسی بیرسک به عنوان دستیار مدیر انستیتو ریاضیات دیپارتمان آکادمی علوم سیبری و به عنوان رئیس این مؤسسه در دیپارتمان اقتصادی - ریاضی به کار مشغول گشت. او همچنین به عنوان رئیس دیپارتمان ریاضی ارقامی دانشکده ریاضیات و مکانیک دانشگاه دولتی نووسی بیرسک انجام وظیفه می‌نمود. تا زمانی که به موقعیت کنونیش رسید، کانتوروویچ حدود ۲۰۰ نشریه تولید کرده بود.

کانتوروویچ در سال ۱۹۵۸ به عنوان عضو مسئول آکادمی علوم شوروی و به عنوان یک عضو فعال در ۱۹۶۴ انتخاب گردید. وی که رسماً یکی از اعضای دیپارتمان ریاضیات این آکادمی است، در کار دیپارتمان اقتصاد نیز شرکت می‌جوید.

سفرها

کانتوروویچ آکادمیسین، در چند اجلاس بین‌المللی اروپا در زمینه اقتصاد و ریاضیات شرکت جست که عبارتند: از اجلاسهای بوداپست (۱۹۶۳)، لندن (۱۹۶۶ و ۱۹۶۴) و ورشو (۱۹۶۶). در سال ۱۹۷۵ دولت شوروی به وی اجازه داد تا برای دریافت جایزه نوبل به استکهلم سفر نماید. ولی

از آمریکا هیچ‌گونه بازبینی به عمل نیاورده است.

سوابق شخصی

کانتورویچ به زبان انگلیسی بسیار مسلط نیست و هنگام ملاقات با آمریکاییها به یک مترجم متکی است. او متأهل است. همسرش ناتالیا ولادیمیروفنا که در ۱۹۱۰ متولد شده یک پزشک است. علاوه بر جوایز لنین و استالین، کانتورویچ چند مدال و نشان دیگر نیز دریافت کرده است که شامل نشان لنین در سال ۱۹۶۷ در قبال تلاش وی برای بهبود بخشیدن به دپارتمان سیبریایی آکادمی علوم در نووسی بیرسک می‌شوند. او چند درجه دکترای افتخاری نیز از چند دانشگاه خارجی دریافت داشته است و عضو افتخاری آکادمی علوم مجارستان (بوداپست) و آکادمی هنر و علوم آمریکا (پوستون) می‌باشد.

الکساندر آکیموویچ ایشکف

وزیر صنایع ماهی‌گیری

الکساندر ایشکف یکی از مهمترین مدیران صنایع ماهیگیری شوروی از سال ۱۹۳۹ بوده است. وی در مقام وزارت و یا نظیر آن مدت ۳۰ سال باقی مانده است. در اکتبر ۱۹۶۵ برای سومین بار به عنوان وزیر صنایع ماهیگیری انتخاب شد. ایشکف از انتقادات عمومی بسیاری جان سالم بدر برد و هنوز ریاست صنعتی را عهده‌دار است که دارای یک نیروی کار انسانی ۷۰۰/۰۰۰ نفری و ۱۸/۰۰۰ دستگاه کشتی می‌باشد.

از سال ۱۹۵۶ یکی از اعضای فاقد حق رأی کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی بوده است.

توسعه عملیات

در دهه گذشته، صنعت ماهیگیری شوروی حوزه عملیات خود را دائماً توسعه و گسترش بخشیده است. بخشی از این توسعه مرهون قراردادهایی است که با کشورهای کمتر پیشرفته بسته شده است که مسکو در ازای امتیازاتی که در زمینه کشتیرانی و ایجاد پایگاههای تعمیراتی دریافت کرده به آن کشورها و امها و اعتباراتی می‌دهد. این‌گونه اقدامات به شوروی اجازه داده است که وارد آبهای جدید و به خصوص در نیمکره جنوبی شود. در حالی که قراردادهای مناطق اقتصادی ۲۰۰ میلی و حفاظتی سعی بر آن دارد که فعالیت‌های شوروی را محدود به مناطق ماهیگیری سنتی نماید.

زندگی اولیه

الکساندر آکیموویچ ایشکف در ۳۰ اوت ۱۹۰۵ در شهر استاوروپول که بین دریای سیاه و دریای خزر واقع شده متولد گردید. در ۱۴ سالگی او به عنوان شاگرد در یک فروشگاه الکتریکی به کار مشغول و بعدها به مقام دستیار سرپرست کارگران رسید. در سالهای ۳۰ - ۱۹۲۴ ایشکف به عنوان دبیر اداره تبلیغات و تظاهرات یک کمیته حزبی محلی و به عنوان دبیر کمیته کومسومول (سازمان جوانان کمونیست) برگزیده شد.

ماهگیری به عنوان یک حرفه

اطلاعات مفصلی درباره حرفه‌های اولیه ایشکف در دست نیست ولی بیوگرافی‌های روسی حاکی از آنند که وی در سال ۱۹۳۰ در سن ۲۵ سالگی علاقه خود را به کار حزبی از دست داد و شروع به کار در صنعت ماهگیری کرد. معلوم نیست که چطور شد که او به این رشته علاقه‌مند گردید شاید مسئولیت‌های حزبی و کومسومولی او در منطقه‌ای در مجاورت دریا به عهده او گذاشته بود. بهرحال، در سالهای ۱۹۳۰ در سازمان‌های محلی و اتحادیه‌ای صنعت ماهگیری کار کرد و مدیریت چند تراست ماهگیری را به عهده گرفت. او در منطقه دریای سیاه و شاید کراسنودارگری به همه موقعیت‌های اولیه مدیریتی دست یافت؛ به عنوان معاون رئیس اتحادیه ماهگیران شمال قفقاز، مدیر اتحادیه ماهگیران کوبان، رئیس تراست اصلی ماهگیری دریای آزو - سیاه و سرانجام به عنوان مدیر تراست ولگا - کاسپین کار کرد.

ایشکف نیز مانند بسیار دیگری از جوانان آن دوره که ظاهراً در وفاداریشان نسبت به نخست‌وزیر استالین نمی‌شد شک کرد، وارد یک بوروکراسی دولتی شد که ضداستالینی‌ها به دفع آن پرداختند. در سال ۱۹۳۹ او به سمت معاون کمیسر صنایع ماهگیری خلق در مناطق غربی دست یافت. یک سال بعد ایشکف ۳۵ ساله، به مقام کمیسری خلق که اصولاً یکی از مهمترین پست‌های مدیریتی دولتی در صنعت ماهگیری و نظیر مقام کنونیش می‌باشد، دست یافت. او در جنگ دوم جهانی نیز در همین سمت باقی ماند و هنگامی که پست‌های کمیسری خلق به نفع وزرا ملغی گردید، ایشکف نیز به عنوان وزیر صنایع ماهگیری در مناطق غربی انتخاب گردید.

بین سالهای ۱۹۴۸ و ۱۹۴۶ دو وزارت صنایع ماهگیری وجود داشت، ولی پس از ادغام این دو وزارتخانه در ۱۹۴۸ ایشکف باز هم به وزارت رسید. احتمالاً به علت گزارش عدم موفقیت وزارتخانه وی در تولید کافی در سال ۱۹۵۰ ایشکف به سمت معاونت وزیر در این صنایع پایین آورده شد. به دنبال فوت استالین در سال ۱۹۵۳ یک سازمان دولتی دیگر نیز وجود داشت که به حذف صنایع ماهگیری پرداخت. در اینجا ایشکف به سمت معاونت اول وزارت صنایع غذایی رسید. پس از آنکه وزارت صنایع ماهگیری برای بار دیگر در سال ۱۹۵۴ گشایش یافت دیگر کسی نتوانست با ایشکف به رقابت برخیزد. بین همان سال و ۱۹۶۵ به ترتیب در چند سازمان دولتی دیگر نیز کار کرد و در سه پست او احتمالاً وظایف مشابهی را دارا بوده است: وزارت صنایع ماهگیری (۵۷ - ۱۹۵۴)، سرپرستی اداره ماهگیریهای کمیته ژ دولتی (۶۲ - ۱۹۵۷)، و سرپرستی کمیته دولتی صنایع ماهگیری (۶۵ - ۱۹۶۲)، و در اکتبر ۱۹۶۵ دوباره به سمت کنونیش دست یافت.

انتقادهای عمومی

ایشکف از سال ۱۹۴۱ توانسته است از دست انتقادهای عمومی جان سالم به در ببرد. از او انتقاد شده است که نتوانسته است طرح‌های پیش‌بینی شده را جامه عمل بپوشاند و در همان حال متخصصین حفاظت محیط زیست و ماهگیران شوروی وی را به نابودسازی منابع طبیعی در آب‌های شوروی متهم کرده‌اند. در ۱۹۷۰ مطبوعات شدیداً به انتقاد از ایشکف پرداختند چون او ۵۰ میلیون روبل را برای ساختن بزرگترین کشتی ماهگیری روسی به نام وستوک که ۶۰۰ خدمه دارد، صرف کرده بود. با این پول روس‌ها می‌توانستند ۱۵ یا ۱۶ کشتی عظیم دیگر تولید کنند که بهتر از وستوک نیز به صید بپردازند.

سبک مذاکرات

بازرگانان امریکایی که با ایشکف در سالهای ۱۹۶۰ ملاقات کرده‌اند، او را یکی از مؤثرترین سخنگویان شوروی - توانا، دارای قابلیت تهاجمی، مطمئن و رک‌گو توصیف کرده‌اند. در سال ۱۹۷۳ چنین به نظر می‌رسید که ایشکف به جای اینکه ابتکار به خرج دهد در زمینه خط‌مشی‌ها تنها یک اجراکننده است. به هنگام مذاکراتش با مقامات خارجی اغلب او یک موضوع را کنار می‌گذاشت و می‌گفت که چون دارای یک جنبه سیاسی است، بنابراین در شایستگی و صلاحیت او نیست که درباره آن تصمیم بگیرد.

سوابق شخصی و سفرها

ایشکف به شرابه‌های گئورگیا علاقه دارد و ظاهراً می‌تواند به مقدار زیاد مشروب بنوشد بدون اینکه دچار ناراحتی شود. او متأهل است و سه فرزند دارد که شامل دو دختر و یک پسر می‌باشد. در سال ۱۹۶۵ ایشکف دچار یک حمله قلبی ملایم شد و در اواخر ۱۹۷۲ در بیمارستانی به خاطر یک بیماری فاش نشده بستری گردید.

در اوایل ۱۹۷۳ هنگامی که در حال بازدید از پایگاه‌های ماهیگیری شوروی بود، به علت بیماری مجبور شد سفر به اسپانیا را به تعویق بیندازد. به عنوان یکی از مذاکره‌کنندگان شوروی دربارهٔ قراردادهای متعدد ماهیگیری شوروی، ایشکف مجبور بوده به سفرهای زیادی مبادرت ورزد تا با همتاهای محض در کشورهای دیگر ملاقات نماید. او سه بار به آمریکا سفر کرده است که دو بار در ۱۹۵۸ و یک بار در سال ۱۹۷۱ به هنگام سفر بین شیلی و کانادا بوده است. ۱ آوریل ۱۹۷۷

میخائیل استپانویچ کاپیتسا

رئیس اداره اول خاور دور، وزارت امور خارجه

میخائیل کاپیتسا از سال ۱۹۷۰ رئیس اداره اول خاور دور در وزارت امور خارجه و نیز عضو هیئت طرح‌ریزان سیاست در این وزارتخانه بوده است. او که متخصص مهم در امور چین است، تجارب خود را در امور آسیایی در نتیجه بیش از بیست سال کار دیپلماتیک تحصیل نموده است. قبلاً او ریاست اداره امور آسیای جنوب شرقی وزارت امور خارجه را عهده‌دار بود (۷۰ - ۱۹۶۶) و در طول ۶۱ - ۱۹۶۰ سفیر شوروی در پاکستان بود.

کاپیتسا در حال حاضر مسئول بخش چین، کره و مغولستان است.

به عنوان عضو هیئت مذکور، وی به هماهنگی مسائل سیاست عمومی که به وسیله سه اداره آسیایی دیگر وزارت امور خارجه اداره می‌گردد، می‌پردازد.

دانشمند و دیپلمات حرفه‌ای

کاپیتسا که بیش از هر یک از مقامات دیگر شوروی قابلیت ایجاد ارتباط دارد و دارای سبک شخصی خود است، سعی می‌کند بیش از موضع رسمی کشورش را بیان کند. از نظر جسمانی بسیار بزرگ است - حدود ۲ متر قد دارد - و دارای حالتی مختار و پرخاشگر است. وی که از اعتماد به نفس بسیار بالا

برخوردار است، اغلب در مباحثات خود با مقامات آمریکایی به هنگام ارائه نظریات خود پیرامون چین و مسائل مربوط به چین دیدی وسیع و پرجنجال دارد. به گفته مقامات خارجی، کاپیتسا یکی از مهمترین متخصصین امور آسیایی شوروی، بسیار پرحرف و احساساتی است که ارزش دارد حرفهای شنیده شود.

کاپیتسا که دکتر علوم تاریخی است، کار دیپلماتیک خود را با حرفه آکادمیک خود آمیخته است؛ در سال ۱۹۶۱ او پروفیسور انستیتوی زبانهای شرقی در دانشگاه دولتی مسکو گردید. او در هیئت سردبیری مجله مشکلات خاور دور خدمت می‌کند و کتابها و مقالات زیادی در مورد چین نوشته است. کاپیتسا تحت نامهای مستعاری که یکی از آنها «ام. یوکرانتسف» است به نگارش می‌پردازد. در سال ۱۹۶۸ اثری به نام «سمت چپ شعور جاری» نوشت که پیشرفتهای خط مائوئیستی را از سال ۱۹۴۹ بررسی می‌کند. در آن نشریه او به توصیف موضع دائماً رو به تزاید ضد شوروی در رهبریت چین پرداخت و اظهار داشت که چین مهمترین مشکل اتحاد جماهیر شوروی است. در ۱۹۶۹ کاپیتسا تحت عنوان «PRC: دو دهه، دو خط مشی» به حمله شدیدی علیه چین دست یازید. کاپیتسا چندبار نامزد عضویت مسئول آکادمی علوم شوروی شد، ولی هیچ‌گاه انتخاب نگردید.

سوابق حرفه‌ای و زندگی

میخائیل استپانوویچ کاپیتسا در ۵ نوامبر ۱۹۲۱ در یورکوفتسی (که امروز موگیلف - پودولسکی است) اوکراین متولد گشت. او از انستیتو زبانهای خارجی در ۱۹۴۱ فارغ‌التحصیل گردید و دو سال بعد وارد کارهای دیپلماتیک شد. از حدود سال ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۶ به عنوان دبیر دوم سفارت شوروی در چین به کار مشغول و در یک دانشگاه چینی تحصیل کرد. کاپیتسا در سال ۱۹۴۸ از مدرسه عالی دیپلماتیک مسکو فارغ‌التحصیل گردید. احتمالاً در ۶ سال بعدی در وزارت امور خارجه در زمینه امور آسیایی به کار مشغول بوده است. در سال ۱۹۵۴ پس از اینکه به عنوان یک فرد متخصص در هیئت نمایندگی شوروی در کنفرانس ژنو پیرامون آسیا شرکت جست به درجه دبیر اول ارتقاء یافت. کاپیتسا در دپارتمان خاور دور وزارت امور خارجه، حداقل از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۰ و به عنوان معاون رئیس دپارتمان در ۶۰ - ۱۹۵۶ مشغول به کار بوده است. در ۱۹۵۷ و ۱۹۵۸ به آمریکا سفر کرد تا در مجمع عمومی سازمان ملل متحد شرکت جوید.

سفیر شوروی در پاکستان

انتصاب بعدی کاپیتسا به عنوان سفیر در پاکستان بسیار کوتاه (۱۹۶۱ - ۱۹۶۰) ولی واقعه برانگیز بود. به محض ورود از چشم دولت میزبان خود افتاد؛ چون در یک کنفرانس مطبوعاتی به وزیر امور خارجه پاکستان حمله نمود. در یک برخورد بعدی با وزیر امور خارجه، او از معذرت‌خواهی امتناع ورزید و هنوز یک هفته از اقامت وی در آن کشور نگذشته بود که تقریباً پذیرش وی در حال لغو شدن بود. در طول یک سال و نیم بعدی او سعی کرد بین خود و مقامات پاکستانی صمیمیتی ایجاد کند، ولی اکثر پیشنهادات وی در زمینه کمک اقتصادی مورد قبول واقع نشد و سفر او در داخل پاکستان نیز با محدودیتهایی روبرو گردید. هنگام اقامت در کراچی کاپیتسا سعی کرد دیپلماتهای آمریکایی را به کارگیرد. چون آنها او را علیرغم

مانورهایش فردی جالب می‌یافتند.

در مراجعت به مسکو، کاپیتسا در یک حرفه دوگانه آکادمیک - دیپلماتیک، عضو انستیتو زبانهای خاوری و مشاور وزارت امور خارجه در دپارتمان خاور نزدیک به کار مشغول شد. در سال ۱۹۶۶ به عنوان رئیس دپارتمان آسیای جنوب شرقی برگزیده شد. در ۵ سال بعدی چند سفر تحقیقی از آسیای جنوب شرقی به عمل آورد و در سپتامبر ۱۹۶۹ با آلکسی کاسیگین به پکن رفت تا با چوئن لای ملاقات نماید. در سال ۱۹۷۰ دپارتمان خاور دور وزارت امور خارجه دوباره سازماندهی شد تا به توسعه روابط شوروی با ژاپن پردازد. کاپیتسا به عنوان رئیس اداره اول خاور دور که امور مربوط به چین، کره و مغولستان را اداره می‌کند، انتخاب گردید.

سوابق شخصی

سفیر به زبان فرانسه، انگلیسی و چینی مسلط است. او به ورزش علاقه دارد. در طول اقامتش در کراچی اکثراً به شنا و ماهیگیری می‌پرداخت. در آوریل ۱۹۷۰ گزارش شد که او دچار یک حمله قلبی شده و بستری گردید، چون تا آن زمان کاپیتسا زیاد مشروب می‌خورد و سیگار می‌کشید. کاپیتسا متأهل است. همسرش لیدیا یلینیچنا اهل ازبکستان است که در اوائل ۱۹۶۰ به عنوان کسی توصیف شده که بسیار اجتماعی است و به سبک غربی لباس می‌پوشد. خانواده کاپیتسا یک فرزند پسر دارند که در سال ۱۹۴۹ متولد شده و دارای یک فرزند دختر به نام لاریسا هستند که در سال ۱۹۴۴ متولد گشته است. لاریسا از انستیتو روابط بین‌الملل در ۱۹۶۷ فارغ‌التحصیل گشت و در سال ۱۹۷۰ به قاهره رفت تا پیرامون رساله خود تحت عنوان «اقتصاد کشورهای عربی» به تحقیق پردازد.

نیکولای تیموفویچ گلوشف

رئیس کمیته دولتی قیمتها

نیکولای گلوشف که قبلاً مدیر صنایع فلزات غیر آهنی شوروی بود، در اوت ۱۹۷۵ به ریاست کمیته دولتی قیمتها برگزیده شد. چون ولادیمیر استنن در اواسط ۱۹۷۴ از کار برکنار شده بود، لذا این سمت حدود یک سال توسط کسی اشغال نشده بود. گلوشف احتمالاً از طرف ولادیمیر دولگیخ که یکی از دبیران حزب کمونیست شوروی در صنایع سنگین بود و با او در منطقه کراس‌نویارسک شوروی در سالهای ۱۹۶۰ خدمت می‌کرد، حمایت و پشتیبانی می‌شد.

این کمیته دولتی مسئول تعیین قیمتها با هماهنگی با کمیته طرح‌ریزی دولتی (گوسپلان) در مورد تولیدات اصلی صنایع سنگین، غذاها و پوشاک اصلی، و چند کالای مصرفی دیگر می‌باشد. این کمیته در سال ۱۹۶۵ در رابطه با یکی از اصلاحیه‌های ملی اقتصادی که سعی داشت علاوه بر چیزهای دیگر بر قیمتها به عنوان یکی از انگیزه‌های کارایی بهتر اقتصادی، بهبود تکنولوژیک و کیفیت کالا و تولیدات متکی باشد به وجود آمد.

کمیته دولتی قیمتها که قبلاً وابسته به گوسپلان بود، در اواخر ۱۹۶۹ تحت فرمان شورای وزیران درآمد.

کار در سیبری

در حال حاضر درباره میزان تحصیلات و کارهای اولیه و حتی سن گلوشفکف نیز اطلاعاتی در دست نیست. برای اولین بار مطبوعات شوروی در سال ۱۹۶۱ از وی به عنوان معاون ریاست کراس نوپارسک (سیبری مرکزی) شورای اقتصاد ملی که بخشی از یک نظام ناظر اقتصادی منطقه‌ای است - که در سالهای ۱۹۵۷-۶۵ وجود داشت - نام بردند. گلوشفکف حداقل تا سال ۱۹۷۴ در کراس نوپارسک سونارخوز به سر برد تا اینکه به سمت معاونت اول در این سازمان رسید. احتمالاً او در همین زمان با دولگیخ که بعدها در منطقه کراس نوپارسک به عنوان مدیر مجتمع معدنی و فلزات نوریلسک به کار مشغول شد، همکاری می‌کرده است.

تا سال ۱۹۶۸ گلوشفکف به مسکو رفته بود و به عنوان رئیس اداره اصلی طرح‌ریزی اقتصادی وزارت فلزات غیر آهنی انتخاب گردید. در سال ۱۹۷۴ وی به سمت معاون وزیر رسید. در این مقام او حداقل سه بار با نمایندگان کارخانه‌های امریکایی برای مذاکره پیرامون پروژه‌های فلزی در شوروی شرکت نمود. این پروژه‌ها شامل پیشنهاد ایجاد کارخانه آلومینیوم‌سازی در شمال قزاقستان یا در شبه جزیره کولایک، محل ذوب آلومینیوم در نزدیکیهای کراس نوپارسک و ایجاد یک کارخانه کاهش‌دهنده میزان SO2 در کارخانه ذوب مس نوریلسک بود. ۱ آوریل ۱۹۷۷

گئورگی مارکویچ کورنیینکو

معاون وزیر امور خارجه

در اکتبر ۱۹۷۵ گئورگی کورنیینکو که از سال ۱۹۶۶ رئیس اداره مربوط به آمریکا در وزارت امور خارجه بود و حداقل از سال ۱۹۶۸ عضو هیئت پایه‌گذاران سیاست این وزارتخانه بوده است، به مقام معاونت وزارت امور خارجه ارتقاء یافت و یکی از ده معاون این وزارتخانه است. ولی هنوز هم با امور مربوط به آمریکا سروکار دارد و دلیل این ارتقاء او نیز ظاهراً اهمیتی است که رهبریت شوروی در مورد روابط او با واشنگتن قائل بوده و می‌خواهد اهمیت نقش کورنیینکو را بالا ببرد.

ولادیمیر سیمینوف معاون وزیر امور خارجه، سرپرست هیئت نمایندگی شوروی در مذاکرات محدودیت سلاحهای استراتژیک (سالت)، کورنیینکو را مردی «مبارز» که نفوذی بیش از مقام خود به عنوان ریاست این اداره دارد توصیف کرده است. می‌گویند که رهبران کمیته مرکزی و دفتر سیاسی حزب کمونیست به خاطر نحوه تفکر صحیح کورنیینکو در امور مربوط به آمریکا او را بسیار ستایش می‌کنند. بنابر گزارشات، کورنیینکو در تصمیم‌گیریهای درونی شوروی پیرامون مذاکرات محدودیت سلاحهای استراتژیک نقش فعال داشته است.

کورنیینکو که به زبان انگلیسی خیلی خوب صحبت می‌کند، از زمان تصدی سفارت شوروی در واشنگتن در سالهای ۶۵-۱۹۶۰ با مقامات امریکایی سروکله می‌زده است. او از سال ۱۹۷۲ در همه اجلاسهای ناگهانی بین آمریکا و شوروی حضور داشته و به کرات در ملاقاتهای بین وزیر امور خارجه شوروی، آندره گرومیکو و وزیر امور خارجه وقت آمریکا، هنری کیسینجر شرکت داشته است. همکاران روسی اظهار داشته‌اند که از نظر کورنیینکو روابط بین آمریکا و شوروی حاکی از یک رقابت شدید است که در آن تغییر سیاستها تحت الشعاع منافع ملی بوده و هر کشور سعی دارد بدون دادن امتیازی یکجانبه

موقعیت و وضع خود را بهبود بخشد.

کورنیینکو مردی هوشیار و منطقی است و قدرت تمیز اطلاعات و تحلیلهای باارزش را دارد. در سال ۱۹۶۹ زمانی که کورنیینکو به عنوان سرپرست هیئت نمایندگی شوروی در مذاکرات «سالت» انتخاب شد، آناتولی دوبرینین سفیر شوروی در آمریکا او را مردی کم حرف توصیف کرد که بیانات همتهای آمریکایی خود را پیرامون «سالت» به خوبی درک می‌کند.

چه بفهمد و چه نفهمد باید گفت که کورنیینکو یک مذاکره کننده سرسخت است، مقامات آمریکایی پس از مذاکراتی طولانی که با او در سال ۱۹۷۴ داشتند او را فردی توصیف کردند که بر سر بعضی از مسائل «سرسختی معمولی خود را» حفظ کرده است.

سوابق حرفه‌ای و زندگی

گئورگی مارکوویچ کورنیینکو در ۱۳ فوریه ۱۹۲۵ متولد گشت. در سالهای ۴۷-۱۹۴۳ در ارتش شوروی خدمت کرد و احتمالاً در موطن خود اوکراین نیز مبارزه کرده است. از سال ۱۹۴۷ زمانی که به وزارت امور خارجه پیوست تا زمانی که به واشنگتن به عنوان کنسول سفارت در سال ۱۹۶۰ فرستاده شد، درباره حرفه‌های او اطلاعاتی در دست نیست. او به عنوان مشاور هیئت نمایندگی شوروی در کنفرانس ژنو پیرامون آسیا (۱۹۵۴) و در چهاردهمین جلسه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک (۱۹۵۹) شرکت یافت. کورنیینکو می‌گوید که در دانشگاه دولتی مسکو قبل از انتصاب در آمریکا در رشته قانون نیز تحصیل می‌کرده است.

کورنیینکو در طول ۵ سال اقامتش در واشنگتن به مقام وزارت رسید و در غیاب سفیر دوبرینین، در نقش کاردار انجام وظیفه می‌نمود (رئیس سابق او یعنی دوبرینین در حال حاضر مسئول ارسال گزارشات پیرامون آمریکا به معاون وزیر امور خارجه، کورنیینکو می‌باشد). اولین کار او در سفارت این بود که به امور مربوط به کنگره آمریکا و امور کلی داخلی این کشور بپردازد. ولی تا سال ۱۹۶۲ او ظاهراً یکی از متخصصین سفارت در امر خلع سلاح گردیده بود. اغلب به نقاط مختلف آمریکا برای گفتگو سفر می‌کرد. کورنیینکو در سال ۱۹۶۵ به مسکو بازگشت تا به عنوان معاون وزارت امور خارجه در اداره مربوط به آمریکا انجام وظیفه نماید و در اوایل ۱۹۶۶ به ریاست این اداره رسید.

از سال ۱۹۶۹ کورنیینکو سمت سفیر را حفظ کرده است. او یکی از نمایندگان اصلی در مرحله اول اجلاس مقدماتی «سالت» که در ماههای نوامبر و دسامبر ۱۹۶۹ در هلسینکی برگزار گردید، بود. در سال ۱۹۷۳ او به عنوان یک عضو هیئت نمایندگی شوروی به کنفرانس پاریس پیرامون مسئله ویتنام رفت. اغلب به آمریکا می‌آمد تا در جلسات مجمع عمومی سازمان ملل شرکت جوید.

سوابق فردی

حداقل از سال ۱۹۶۷ وضع مزاجی سفیر چندان قابل تعریف نبوده است، در همان سال او بیمار گردید و یکی از همکاران گفت که او از فشار خون و یک مرض قلبی رنج می‌برد. فشار خون بالا و سنگ کلیه باعث شد که کورنیینکو، هلسینکی را در دسامبر ۱۹۶۹ ترک گوید و شرکت پیش‌بینی شده خود را در اجلاسهای بعدی «سالت» به تعویق بیندازد.

در اوایل ۱۹۷۶ نیز به مدت چند هفته به علت بیماری در سر کار خود نتوانست حاضر شود، و مشکلات مربوط به وضع سلامت وی احتمالاً مانع از آن خواهد شد که به خارج از شوروی فرستاده شود. علاوه بر تخصص وی در امور مربوط به آمریکا کورنیینکو یک مدیر مجرب است. او در روابط اجتماعی خود با آمریکاییها دچار نوعی ناراحتی می‌شود و برایش مشکل است که در صحبت‌های جزئی بخصوص با زنها درگیر شود.

سفیر متأهل است. همسرش لنینا نیکولایونا، در اواسط سالهای ۱۹۶۰ مریض شد و احتمالاً دچار خردشدگی عصبی شده بود. خانواده کورنیینکو دارای دو فرزند پسر هستند که یکی از آنها الکساندر است که در سال ۱۹۵۳ متولد شده و دیگری آندره که در سال ۱۹۶۱ در واشنگتن متولد گشته است.

گئورگی آرکادیویچ کاراوایف

وزیر ساختمان

گئورگی کاراوایف که یک بوروکرات حرفه‌ای در امر ساختمان‌سازی است، از سال ۱۹۶۷ وزیر ساختمان بوده است. کاراوایف ابتدا در اوایل سالهای ۱۹۵۰ در سمت معاون وزیر و بعدها دوبار (۱۹۶۷-۱۹۶۳ و ۱۹۵۳-۶۱) به عنوان مرد شماره ۲ کمیته دولتی در امور ساختمانی (گوستروی) انجام وظیفه نمود. او که از سال ۱۹۴۰ عضو حزب کمونیست شوروی بود، در سال ۱۹۷۶ به عنوان یکی از اعضای دارای حق رأی کمیته مرکزی حزب برگزیده شد.

کاراوایف که بر یک نیروی کار نیم‌میلیون نفری سرپرستی دارد، در ضعیف‌ترین و بی‌کفایت‌ترین بخش اقتصادی کشور مشغول به کار است. صنعت ساختمان‌سازی شوروی مملو از مشکلاتی از قبیل پروژه‌های به تأخیر افتاده، کمبود مهارت مدیریتی، بی‌توجهی در کار، مواد دارای کیفیت ضعیف، و عرضه کالاهای ساختمانی به مناطق به طور نامنظم می‌باشد. رکود سازمانی محل کار، مشکلات این سازمان را چند برابر کرده است. علاوه بر وزارتخانه کاراوایف، هشت وزارتخانه دیگر (وزارت ساختمان صنعتی، وزارت ساختمان صنایع سنگین، وزارت ساختمان روستایی، وزارت ساختمان صنایع نفت و گاز، وزارت راه و ترابری، وزارت نیرو و برق، وزارت کارهای ساختمانی ویژه و پایگاهها، وزارت زمین و منابع آبها) نیز در اجرای صنعت ساختمان‌سازی شرکت دارند. وظیفه گوستروی هدایت و هماهنگ‌سازی کار این وزارتخانه‌هاست.

نحوه تقسیم کار و مسئولیت میان آژانسهای مختلف ساختمانی شوروی بسیار پیچیده است. به طور مثال وزارت ساختمان، وزارت ساختمانی صنعتی، وزارت ساختمانی روستایی هر سه سیلوی گندم هم می‌سازند. وزارت ساختمانی صنعتی خانه‌های مسکونی می‌سازد، بیمارستانها به وسیله وزارت راه و ترابری ایجاد شده‌اند، معادن زغال‌سنگ و سیله وزارت ساختمان و بالاخره کودکانها نیز به وسیله ساختمانی صنعتی نفت و گاز ساخته شده‌اند.

در محیطی چنین وسیع از نظر برخوردهای درونی بوروکراتیک و ایجاد ساختمانی عظیم و علیرغم کمبودهای این صنعت، کاراوایف توانسته است حداقل پست و مقام خود را به مدت یک دهه حفظ نماید. در سال ۱۹۷۱ زمانی که به عنوان یک عضو فاقد حق رأی کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی برگزیده شد اولین مسئولیتهای حزبی را نیز بدوش گرفت. دو سال بعد در شصتیمین سال تولدش و در قبال

«خدماتش به دولت شوروی» نشان لنین را دریافت نمود.

سوابق حرفه‌ای و تحصیلی

گئورگی آرکادیویچ کاراوایف در سوم آوریل ۱۹۱۳ در شهر سن پترزبورگ (لنینگراد کنونی) متولد گشت، در سن ۱۶ سالگی به کار مشغول شد. پس از فارغ‌التحصیل شدن از انستیتو مهندسی حمل و نقل آب لنینگراد، در سال ۱۹۳۵ وارد کار ساختمانی شد. بین ۱۹۳۷ و ۱۹۵۱ در یک تراست ساختمانی مجهول‌الهویه به عنوان سرپرست کارگری مشغول به کار شد و تا سمت مدیریت این تراست ارتقاء درجه یافت.

در ۱۹۴۰ کاراوایف، به حزب کمونیست که در تلاش بود لنینیست‌های وفادار را به درون حزب جذب نماید ولی در اثر بحران سالهای ۱۹۳۰ موفق نشد، پیوست. فعالیتهای وی در طول جنگ جهانی دوم حائز اهمیت نبود ولی در بیوگرافی رسمی روسی او اشاره به آن نشده است که آیا در کار و حرفه ساختمانی وی انقطاع به وجود آمده است یا نه.

در سال ۱۹۵۱ کاراوایف در وزارت ساختمان صنایع سنگین ریاست اداره اصلی ساختمان‌سازی صنعتی در مناطق جنوبی را عهده‌دار شد.

در سال بعد او به سمت معاونت وزیر رسیده بود. در ۱۹۵۴ او معاون وزیر در بخش ساختمانهای فلزی و مواد شیمیایی شد. در همان سال وی به ورشو فرستاده شد تا در کار ساختمان قصر فرهنگی و علمی ایوسیف استالین نظارت داشته باشد که پس از اتمام منتقدان غربی این بنا را مخوفترین نمونه سبک «استالینی» معماری شوروی دانستند.

وظایف منطقه‌ای: ارتباط احتمالی با کیریلنکو

در ۱۹۵۷ کاراوایف شغل خود را ترک گفت تا پس از وزارت‌های ساختمانی، معاونت ریاست امور ساختمانی اسوردلوفسک سونار خوز (شورای اقتصاد ملی) را که یک سازمان ناظر اقتصادی منطقه‌ای و بخشی از چنین سازمانهای ملی است، در سالهای ۶۵-۱۹۵۷ عهده‌دار شود. کاراوایف ۲ سال در این شغل باقی ماند و امکان دارد که در همین زمان با آندره کیریلنکو رئیس کمیته حزبی اسوردلوفسک اوبلاست در ۶۲-۱۹۵۵ ارتباطهایی برقرار ساخته باشد. کیریلنکو در حال حاضر دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی و جانشین مسلم دبیر کل حزب کمونیست شوروی لئونید برژنف می‌باشد.

مراجعت به مرکز

کاراوایف در سال ۱۹۵۹ به مسکو بازگشت تا معاون اول ریاست گوستروی شود. در اواخر ۱۹۶۱ او به عنوان ریاست بانک «آن یونیون» انتخاب شد تا در زمینه صنایع مادر به تزریق سرمایه بپردازد، پس از این مقام او به وزارت رسید. در ۱۹۶۳ او دوباره به سمت معاون اول ریاست گوستروی برگزیده شد. در ۱۹۶۵ دولت شوروی عنوان وزیر را از کسانی که مستقیماً در وزارتخانه‌ها کار نمی‌کردند (از قبیل کاراوایف) گرفت، ولی در سال ۱۹۶۷ با ارتقاء یافتن به مقام وزارت ساختمانی، عنوان وزارت خود را دوباره دریافت نمود. کاراوایف از سال ۱۹۷۰ عضو دیوان عالی شوروی بوده است.

آلکسی نیکولاویچ مانزولو

معاون وزیر تجارت خارجی

الکسی مانزولو از سال ۱۹۷۰ معاون وزیر تجارت خارجی بوده است. وی قبلاً از سال ۱۹۶۲ در این وزارتخانه به عنوان رئیس اداره تجارت با کشورهای غربی کار می‌کرده است. او که یکی از ده معاون این وزارتخانه است، بر امور تجاری مربوط به اروپای غربی، آفریقا، آمریکای جنوبی و شمالی و سازمان بین‌المللی اقتصادی نظارت دارد. وی همچنین مسئول نظارت بر قراردادهای تجاری دوجانبه با کشورهای سرمایه‌داری است. به علت داشتن مسئولیتی این چنین وسیع از نظر جغرافیایی، مانزولو بارها به کشورهای مختلف جهان سفر کرده است.

روابط او با آمریکائیا

تلاشهای مانزولو در زمینه بالابردن روابط بین آمریکا و شوروی از سال ۱۹۵۹ آغاز گردید که در آن سال او سرپرست یک نمایشگاه علمی و فرهنگی شوروی در شهر نیویورک بود و شخصاً پرزیدنت آیزنهاور را در این نمایشگاه مربوط به شوروی همراهی می‌کرد. چهار سال بعد، مانزولو در یک هیئت نمایندگی شوروی جهت خرید گندم از آمریکا وارد این کشور گردید. در سال ۱۹۷۲ وی در جلسات گروه ویژه قراردادهای تجاری بین آمریکا و شوروی شرکت جست و در همان سال (در ماه ژانویه و دسامبر) دوبار به آمریکا سفر کرد تا با مقامات دولت آمریکا مذاکراتی انجام دهد.

در فوریه ۱۹۷۵ مانزولو به عنوان رئیس هیئت نمایندگی شوروی در اولین اجلاس «گروه ویژه قراردادهای تجاری بین آمریکا و شوروی» که در سال ۱۹۷۴ ایجاد شده بود تا همکاری اقتصادی، صنعتی و فنی بین دو کشور را ممکن سازد، در مسکو شرکت جست. دو ماه بعد او وزیر خزانه‌داری ویلیام سیمون را که به شوروی رفته بود در اجلاس بازرگانی مشترک همراهی نمود. در ماه اوت مانزولو در آمریکا با مقامات شرکت تجارت آمریکا و شوروی (ساترا) که یک شرکت آمریکایی برای بهبود وضع تجاری با شوروی است ملاقات نمود. معاون وزیر در جلسات مجمع عمومی سازمان در آوریل ۱۹۷۴ و سپتامبر ۱۹۷۵ شرکت جست.

نظریات پیرامون تجارت بین آمریکا و شوروی

یکی از بازرگانان آمریکایی در سال ۱۹۷۵ مانزولو را مردی توصیف کرد که بسیار مایل است روابط تجاری با غرب برقرار گردد. در آوریل ۱۹۷۶ مانزولو مقاله‌ای در *soviet skaya ro* تحت عنوان «تحقق دتانت» نوشت که در آن به دفاع از گسترش روابط و افزایش روابط اقتصادی با کشورهای سرمایه‌داری پرداخته بود. در این مقاله او به شکوه از محدودیت‌های اعتباری «بانک واردات و صادرات آمریکا» و عدم اعطای امتیاز مهمترین ملت به روسیه پرداخته است، ولی گفته است که «تحقق گسترش روابط نیاز مهم زمان ما است و کشور ما با صبر و پافشاری سعی خواهد کرد راههای جدیدتری بیابد» تا آن را بیشتر ممکن سازد.

زندگی اولیه

الکسی نیکولایویچ مانزولو در ۱۵ سپتامبر ۱۹۱۳ در لوکانسک که در حال حاضر اوکراین است متولد گردید. بنا بر گفته خودش والدین او کارگران کارخانه بودند و حتی قبل از انقلاب بلشویک در نوامبر ۱۹۱۷ عضو حزب کمونیست بوده‌اند. پدرش در سال ۱۹۴۱ فوت کرد. درباره زندگی اولیه مانزولو اطلاعات واضحی در دست نیست. او به دیپلماتهای غربی گفته است که هنگام برداشت محصول در ۱۹۲۹ او روی یک تراکتور جان دیر رانندگی می‌کرد. او در سال ۱۹۳۶ از انستیتو مهندسی مسکو فارغ‌التحصیل گردید و پس از آن در مسکو به عنوان یک مهندس ماشین آلات مشغول به کار گردید. به هنگام جنگ جهانی دوم به آکادمی تجارت خارجی وارد شد و زبان انگلیسی را فرا گرفت.

حرفه او در تجارت خارجی بعد از جنگ جهانی

در سال ۱۹۴۵ مانزولو به همراه یک کمیسیون خریدار روسی از طریق آلاسکا به آمریکا فرستاده شد. سه انتصاب خارجی دیگر نیز به وی واگذار گردید که عبارتند از: معاون نماینده تجاری در انگلیس در سالهای ۵۱-۱۹۴۸، نماینده بازرگانی در بوینس آیرس از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۷، و کارمند نمایندگی تجاری شوروی در هاوانا از اوایل سال ۱۹۶۱ تا ژوئیه ۱۹۶۲. در زمان بین این سفرها او در مقر وزارت تجارت خارجی در مسکو به عنوان معاون رئیس یک اداره مجهول‌الهویه (۵۳-۱۹۵۱) و به عنوان معاون رئیس اداره ویژه تجارت با کشورهای که مردمشان دارای مرام دموکراسی هستند، کار می‌کرد (۱۹۶۱-۱۹۵۷).

سوابق فردی

یکی از مقامات امریکایی مانزولو را فردی بسیار خوش‌برخورد و پیچیده توصیف کرده است. دیگر نمایندگان امریکا معتقدند که او مذاکره‌گری قابل اعتماد و مؤثر است. در خارج از خانه او دوست دارد به شکار، ماهیگیری و کوهنوردی بپردازد. او به موسیقی یونانی خیلی علاقه دارد و هوادار هنر بیشتر یونانی ملینا مرکوری است. مانزولو دوبار ازدواج کرده است. همسر اولش برتا در سال ۱۹۵۵ به هنگام وضع حمل فوت نمود. از آن ازدواج یک دختر به نام مارینا باقی مانده است که در سال ۱۹۴۵ در نیویورک متولد شده است. نادرثا همسر کنونی مانزولو که یک پزشک است به ندرت در محافل دیپلماتیک مسکو دیده می‌شود. این دو دارای فرزند پسر هستند که در سال ۱۹۶۵ متولد شده است. مانزولو به زبان انگلیسی و اسپانیایی کاملاً مسلط است و قدری فرانسه هم می‌داند. ۱ آوریل ۱۹۷۷

ایگور دیمیترویویچ موروخوف

معاون اول ریاست کمیته دولتی بهره‌برداری از انرژی اتمی

ایگور موروخوف که دارای درجه دکترا در علوم فنی است، یکی از مهمترین اداره‌کنندگان و سخنگوی اصلی برنامه‌های شوروی در زمینه انرژی اتمی داخلی و بین‌المللی است. وی از سال ۱۹۶۰ معاون اول ریاست کمیته دولتی بهره‌برداری از انرژی اتمی بوده و از سال ۱۹۶۶ به عنوان یکی از نمایندگان شوروی در هیئت مدیره، «آژانس انرژی اتمی بین‌المللی» شرکت داشته است.

موروخوف که ۱۵ ماه بیشتر از رئیس کمیته دولتی بهره‌برداری انرژی اتمی - آندرونیک پتروسیانتس - با این کمیته سروکار داشته، دارای منافع و مسئولیتهای بسیار وسیعی در امور مربوط به انرژی اتمی می‌باشد وی در غیاب پتروسیانتس به عنوان رئیس این کمیته فعالیت می‌کند. مسئولیتهای مهم او عبارتند: از طرح و به اجرا درآوردن قراردادهایی در زمینه بهره‌برداری مسالمت‌آمیز از انرژی اتمی با حکومت‌های خارجی که شامل مواردی چون انفجارات هسته‌ای مسالمت‌آمیز، عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای و محافظت از اطلاعات و مواد اتمی می‌باشد. او در برنامه‌های هسته‌ای شوروی دارای آن چنان نقش مهمی است که همکاران وی در شوروی او را «آقای انرژی اتمی» می‌نامند.

با وجود اینکه موروخوف علاقه‌مند به عدم تکثیر و محدودیت در ساختن سلاح‌های هسته‌ای است، ولی یکی از حامیان سرسخت استفاده مسالمت‌آمیز از انرژی اتمی که شامل استفاده از انفجارات اتمی برای حفر کانال‌های جدید و ایجاد شکاف‌های زباله‌دانی اتمی در مخازن یا ذخایر عظیم نمک می‌باشد. بنابه عقیده‌ای، بسیاری از نظریات پیرامون امور هسته‌ای که به وسیله موروخوف ارائه می‌شود، تحت نام الیاس. آی دیمتریف در مطبوعات شوروی به چاپ می‌رسد. نظریات و بیانات شخصی موروخوف احتمالاً یک معیار بسیار دقیق را در مورد موضع کرملین پیرامون اکثر امور هسته‌ای به دست می‌دهد، وی به هنگام بحث پیرامون سیاست‌های انرژی اتمی کاملاً از خط مسکو پیروی می‌کند و بدون شک خود او نقش مهمی در ایجاد آن سیاستها دارد.

مذاکره گر ماهر

یکی از مهمترین کارهایی که موروخوف تا به امروز انجام داده این است که وی به عنوان رئیس هیئت نمایندگی شوروی در مذاکرات «قرارداد منع آزمایش‌های هسته‌ای» و «قرارداد انفجارات هسته‌ای صلح‌آمیز» بین آمریکا و شوروی که در ماه مه ۱۹۷۶ پس از ۱۸ ماه مذاکرات وسیع در مسکو منعقد گردید، شرکت داشت. وی در حال حاضر مسئول مشارکت شوروی در مذاکراتی است که در لندن و وین میان تولیدکنندگان انرژی هسته‌ای به اصطلاح کلوب لندن - جریان دارد تا شاید بتوان به یک قرارداد چندجانبه در مسائلی چون عدم تکثیر، حفاظت فیزیکی، بهره‌برداری دوباره از سوخت، مراکز سوخت منطقه‌ای، و مدیریت بین‌المللی پلوتونیوم دست یابد. با این حال موروخوف به مقامات آمریکایی گفته است که با وجود اینکه درگیر مذاکرات بین‌المللی است، باید به انجام وظایف خود در کمیته دولتی بهره‌برداری انرژی اتمی بطور تمام‌وقت نیز ادامه دهد، و معتقد است که این مذاکرات علاوه بر فراهم آوردن یک زمینه آموزشی مفید، باعث شده است که چیزهای زیادی را درباره سبملها و زمینه‌های فنی و ریاضی جدید نیز فراگیرد. موروخوف که یک مذاکره‌گر بسیار ماهر است، بر دیگر اعضای گروه خود گذشته از رتبه و موقعیتشان تسلط کافی اعمال می‌کند. وی همیشه تأکید می‌کند که لحن و نحوه بحث آنها با همتاهای خارجی خود باید دوستانه و سازنده باشد و اغلب نظریات خود را حتی درباره موضوعاتی که در برنامه رسمی مطرح نشده نیز اعلام می‌نماید.

به دنبال خاتمه مذاکرات «منع آزمایش‌های هسته‌ای» و «قرارداد انفجارات هسته‌ای صلح‌آمیز» او از اینکه روابط کاری آنچنان صمیمانه بین آمریکا و شوروی به وجود آمده بود قدردانی کرد. در مناسبت‌ها و موارد دیگر نیز اظهار داشته است که باید در زمینه مسائل اتمیک مشورت‌هایی بین آمریکا و شوروی انجام

گیرد و این تمایل خود را با این گفته نشان داده است که «با وجود اینکه با یکدیگر هماهنگی نداریم ولی معلوم است که همیشه تفاهم داریم.»

ناظران آمریکایی معتقدند که موروخوف متوجه زمینه سیاسی چنین مذاکرات فنی مهمی است. در طول مذاکرات منع آزمایش هسته‌ای و انفجارات صلح‌آمیز وی گفته است که جنبه سیاسی این مذاکرات مهمتر از جنبه فنی آنهاست و بهتر است میزان تبلیغات کاهش داده شود تا رهبران سیاسی هردو ملت در انعقاد قرارداد نهایی فرصت کافی داشته باشند.

سوابق علمی

موروخوف علاوه بر مهارت در زمینه مذاکرات، مقامات آمریکایی را با اطلاعات دقیق و مفصل خود درباره تکنولوژی هسته‌ای نیز تحت تأثیر قرار داده است. ظاهراً تخصص وی در این رشته بیشتر از طریق تجربه کاری حاصل شده تا از طریق آموزشهای رسمی. با یک سری اطلاعات کلی در رشته مهندسی موروخوف کار خود را در انستیتو هوائی مسکو آغاز کرد و در موتورهای جت متخصص گردید. هنگامی که شوروی برای اولین بار برنامه‌های انرژی اتمی خود را آغاز نمود، افراد با استعداد از رشته‌های مختلف بسیاری انتخاب شدند تا این برنامه را به راه بیندازند.

احتمالاً موروخوف نیز به همین ترتیب در طول جنگ جهانی دوم انتخاب شده بود. درباره فعالیت‌های ابتدایی او در زمینه انرژی اتمی اطلاعاتی در دست نیست، ولی احتمالاً در تأسیسات طبقه‌بندی شده منطقه سبیری و اورال، قبل از انتخاب به عنوان معاون ریاست کمیته دولتی بهره‌برداری از انرژی اتمی در سال ۱۹۶۰، کار می‌کرده است.

در حال حاضر دکتر علوم فنی و پرفسور نیمه‌وقت (احتمالاً در انستیتو انرژی اتمی ایمنی کورچانف مسکو) است. موروخوف در اموری چون، تکنولوژی راکتور، جداسازی ایزوتوپها، عکس‌العمل ترمو هسته‌ای کنترل شده، هیدرودینامیک و مراحل سوخت هسته‌ای تخصص می‌بیند.

سوابق فردی

ایگور دیمتروویچ موروخوف در ۱۹ اوت ۱۹۱۹ در ایوانف متولد گردید. علاوه بر سفرهای متعدد وی به وین به منظور شرکت در اجلاس آژانس انرژی اتمی بین‌المللی وی اغلب به عنوان رئیس هیئت نمایندگی انرژی اتمی شوروی به کشورهای غربی و بلوک شوروی سفر می‌کند. تنها سفر وی به آمریکا در ژوئیه ۱۹۷۱ برای شرکت در سومین اجلاس مذاکرات فنی شوروی و آمریکا درباره انفجارات صلح‌آمیز هسته‌ای که در واشنگتن انجام شد صورت گرفت.

موروخوف که حتماً دیدش در اثر سفرها و روابط خارجی و سمت‌هایش در «آژانس انرژی اتمی بین‌المللی» در وین وسیعتر شده بنابر گفته بسیاری از مقامات غربی یک فرد مغایر با همه بوروکراتهای روسی است.

او قدری شوخ طبع است گرچه همیشه در زمینه مذاکرات فنی جدی و راستگو بوده است. او بیش از حد شراب می‌نوشد ولی گویا اصلاً تحت تأثیر واقع نمی‌شود. احتمالاً در حدود ۱۹۶۰ موروخوف دستخوش یک حمله قلبی شده بود. او به عکاسی خیلی علاقه دارد او و همسرش دو دختر و یک پسر

دارند. مورخوف تا حدی آلمانی و تا حد خیلی کمی انگلیسی می‌داند ولی به هنگام مذاکرات رسمی احتیاج به مترجم دارد.

ویکتور نیکولایویچ پولیاکوف وزیر صنایع ماشین‌آلات

ویکتور پولیاکوف یک‌ماه پس از مرگ الکساندر تاراسف وزیر پیشین به وزارت صنایع ماشین‌آلات در ژوئیه ۱۹۷۵ منصوب گردید. پولیاکوف که مدت ۱۰ سال به عنوان معاون وزیر خدمت می‌کرد، درست قبل از درگذشت تاراسف به سمت معاون اول وزیر ارتقاء یافت. شاید وی مهمترین نقش را در زمینه طرح‌ریزی، سازماندهی و هدایت کارخانه وسیله نقلیه موتوری ولگا در تولیاتی داشته باشد که در سال ۱۹۷۰ به تولید ماشینهای سواری پرداخت. در سال ۱۹۷۴ وی مدیر کل مؤسسه تولید ولگا که عبارت از مجموعه‌ای از شرکتهای ماشین‌آلات روسی و نیز کارخانه تولیاتی است گردید.

اتکا به تکنولوژی غربی

پولیاکوف ریاست وزارتخانه‌ای را عهده‌دار است که به طور عمده‌ای در چند سال گذشته متکی به تکنولوژی غربی در زمینه ایجاد تسهیلات تولیدی مدرن بوده است. به عنوان مدیر کارخانه ولگا وی در ایجاد طرح و فرضیه‌های تولیدی ایتالیایی وسیله شرکت فیات نظارت داشته است. مقامات این وزارتخانه با شرکتهای آمریکایی در مورد خرید تکنولوژی و تجهیزات کارخانه‌های عظیم وسیله نقلیه موتوری کاما در نبرژنیه چلنی مذاکره کرده‌اند. تزریق فنون غربی منجر به افزایش عجیب تولید اتومبیل شده است، طرحهایی در پیش است تا به وسیله آنها یک ماشین روسی به نام ژیگولی در بازارهای امریکا به معرض فروش گذاشته شود.

سوابق حرفه‌ای

ویکتور نیکولایویچ پولیاکوف در تامسک - سیبری مرکزی - در تاریخ ۳ مارس ۱۹۱۵ متولد گردید. او که یک مهندس آموزش دیده است، در ژانویه ۱۹۵۴ ریاست اداره تحقیق و طرح‌ریزی را در کارخانه وسیله نقلیه استالین موتور در مسکو عهده‌دار گردید. در سالهای ۵۷-۱۹۵۴ مطبوعات شوروی پولیاکوف را به عنوان مهمترین طراح کارخانه کوچک وسیله نقلیه موتوری که امروزه به نام کارخانه وسیله نقلیه موتوری مسکوئیچ معروف است معرفی کردند. او که به عنوان مدیر کارخانه مسکوئیچ جانشین وی. پی ایوانف شده بود، از سال ۱۹۶۰ به مدت ۴ سال تولید اتومبیل مسکوئیچ را اداره نمود. در اوایل ۱۹۶۴ پولیاکوف به طور موقت در شورای اقتصاد ملی مسکو (سونارخوز) که یکی از هیئتهای ناظر اقتصادی منطقه‌ای است که به وسیله نخست‌وزیر وقت نیکیتا خروشچف تأسیس شده بود، به کار اداری پرداخت. وی که به عنوان معاون اول رئیس سونارخوز مسکو به کار مشغول شده بود یک سال بعد ریاست آن را بر عهده گرفت که احتمالاً سبب شد وی نقش مهمی را در سیاست اقتصادی منطقه داشته باشد. وی در اواخر ۱۹۶۵ شوراهای اقتصادی وسیله جانشین خروشچف ملغی گردید و پولیاکوف به کار تمام وقت در کار اداری صنایع ماشین‌آلات پرداخت در سال ۱۹۶۶ وی به سمت معاون وزیر در صنایع

ماشین آلات دست یافت و مسئولیتهایی به عنوان مدیر کل کارخانه وسیله نقلیه موتور و لگان نیز بر دوش وی نهاده شد.

سفرها

پولیاکف در رابطه با وظایف خود سفرهای زیادی انجام داده است. در سالهای ۱۹۶۰ حداقل چهاربار از کارخانه اتومبیل سازی فیات واقع در تورین ایتالیا بازدید نمود. او در آوریل ۱۹۷۵ برای بازدید از تسهیلات تولیدی ماشین سازی و یک نمایشگاه ماشین آلات در نیویورک به آمریکا سفر نمود. پولیاکف از کشورهای اروپای غربی نیز چند بار دیدار کرده است.

نشریه‌ها و جوایز

پولیاکف در نشریات فنی شوروی درباره خصوصیات و عملکرد موتور اتومبیل مسکوئچ چند مقاله نوشته است. وی عنوان قهرمان کار سوسیالیستی را دارا می‌باشد. و ظاهراً به زبان انگلیسی قادر به مکالمه نیست.

یاکوف پتروویچ ریابف

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی

یاکوف ریابف پس از آنکه از ژانویه ۱۹۷۱ به عنوان دبیر اول حزبی در اسورلوسک او بلاست که یکی از مناطق مهم صنعتی دارای سازمان‌های حزبی وسیع شوروی است خدمت کرده بود، در اکتبر ۱۹۷۶ به عنوان دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی انتخاب گردید. ظاهراً از وظایف ریابف در سمت دبیری حزبی نظارت بر صنایع دفاع می‌باشد. با انتخاب وی تعداد دبیران حزبی، به یازده نفر بالغ می‌شوند در حالیکه ریابف که متولد در سال ۱۹۲۸ است جوانترین آنها می‌باشد.

پس از انتخاب ریابف به عنوان دبیر حزب باید او را دقیقاً زیر نظر داشت. چون او نه تنها یکی از اعضای والارتیه حزبی در هیئت اجراییه است، بلکه یکی از دست‌پروردگان عضو دفتر سیاسی یعنی آندره کیریلنکو است که به نظر بسیاری جانشین لئونید برژنف به عنوان رهبر حزب کمونیست شوروی خواهد بود. خود کیریلنکو نیز در حزب اسوردلوسک او بلاست به عنوان یکی از اعضای فاقد حق رأی حزب خدمت کرده است و هنوز هم با این منطقه در رابطه است.

روابط ریابف با کیریلنکو هرچه باشد وی به عنوان یک رهبر مستعد و توانا در مکان خود اعتباری به هم زده است. ریابف از طریق مدیریت مؤثر شرکتهای صنعتی اسوردلوسک میلیونها روبل صرفه‌جویی کرده است. او یکی از نویسندگان مهم پیرامون مواردی از قبیل مولد بودن کار، بهبود فنی، طرحهای مرکزی در مقابل طرحهای منطقه‌ای، مؤسسات تولیدی، و نقش سازمانهای حزبی در بازسازی صنایع شوروی می‌باشند.

وی از آوریل ۱۹۷۱ یکی از اعضای دارای حق رأی کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی بوده است.

ابتکارات صنعتی و نظریات اقتصادی

در سالهای اخیر ریابف در رابطه با برنامه‌ای که برای افزایش تولیدات صنعتی از طریق تعویض مدل، و توسعه کارخانه‌های موجود با حداقل سرمایه‌گذاری داشته شهرت زیادی کسب کرده است. کیریلنکو این فعالیتها را در مقاله‌ای که در مارس ۱۹۷۵ در مجله کمونیست (که بوسیله کمیته مرکزی منتشر می‌گردد) مورد قدردانی قرار داد و خاطر نشان ساخت که ابتکارات ریابف از طریق یکی از فرامین کمیته مرکزی مورد تأیید قرار گرفته‌اند. در مصاحبه‌ای که ریابف با پراودا در سال ۱۹۷۶ انجام داد اظهار داشت که برنامه او در او بلاست باعث شده است که در مدت ۵ سال با تغییر مدل کارخانه‌ها به جای ایجاد کارخانه‌های جدید ۶۰۰ میلیون روبل صرفه‌جویی شود.

ریابف پیرامون امور اقتصادی در نشریات مقاله‌های بسیار معتبری را منتشر ساخته است. یکی از برداشتهایی که از نوشته‌های اخیر وی می‌شود این است که مداخله حزبی در امور اقتصادی محلی در مقایسه با مدیریت دولتی تأثیر بیشتری دارد. مثلاً در سال ۱۹۷۵ او مقاله‌ای را در اکونومیچسکایا گازتا پیرامون تغییر مدل چند شرکت کشاورزی و صنعتی بچاپ رساند که در آن چند وزارتخانه خاص را مورد انتقاد قرار داده بود. یک سال بعد ریابف در حالیکه از بیست و پنجمین کنگره حزبی سخن می‌گفت آشکارا به انتقاد از گوسپلان و وزارتخانه‌های مرکزی پرداخت که در مقایسه با کار مؤثر حزب، کار دولت در امور اقتصادی بسیار رضایتبخش نبوده است.

سوابق حرفه‌ای و زندگی

یاکوف پتروویچ ریابف در ۲۴ مارس ۱۹۲۸ متولد شد. او اکثر زندگی‌اش را به کار در اسوردلوسک او بلاست پرداخت. در اواخر سال‌های ۱۹۴۰ و اوایل ۱۹۵۰ در کارخانه موتورهای توربینی اسوردلوسک به عنوان یک طراح کار می‌کرد و شبها در انستیتو پلی تکنیک اورال به تحصیل اشتغال داشت. در سال ۱۹۵۲ از انستیتو فارغ‌التحصیل و در کارخانه ابتدا به عنوان مهندس، و به عنوان رئیس فروشگاه و پس از سال ۱۹۵۷ به عنوان دبیر کمیته حزب مشغول به کار گردید. در سال ۱۹۶۰ ریابف یکی از دبیران حزبی اوردزونیکو ایدزاسوردلوسک او بلاست شد و از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۶ به عنوان دبیر کمیته حزبی شهر اسوردلوسک انتخاب شد و کار کرد. ریابف بخشی از اوقات خود را به کار با آندره کیریلنکو که از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۲ دبیر اول حزب اسوردلوسک او بلاست بود می‌گذراند. پس از رفتن کیریلنکو به مسکو، ریابف نیز زیر نظر جانشینی کیریلنکو یعنی کنستانتین نیکولایف پیشرفت کرد. نیکولایف چند روش و برنامه جدید را در رشته اقتصادی ایجاد کرد و ریابف نیز که به عنوان دبیر دوم او بلاست از ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۱ خدمت می‌کرد، ظاهراً مطالب زیادی از وی آموخت.

در اواخر ۱۹۶۰ ریابف بکرات درباره استفاده تجربی خود از یک برنامه در او بلاست به منظور سازماندهی علمی کار سخن گفت. در ۱۹۷۰ او یک برنامه تجربی بسیار مهم را تحت بررسی قرار داد که با منطقه شبنیکو رابطه داشت و در آن از کاهشهای تدریجی در نیروی کار کارخانه برای پرداخت به بقیه کارگرها به منظور افزایش تولید استفاده می‌شد. ریابف همچنین در کاربرد و به وجود آوردن مؤسسات تولیدی که یکی از تجارب اقتصادی مهم دیگر می‌باشد نیز سهمی به سزا داشته است. بنابراین پس از بازنشست شدن نیکولایف و انتخاب وی به عنوان جانشین او در او بلاست در سال ۱۹۷۱ اسوردلوسک

در آن چنان برنامه ابتکاری و پیشرفتهای اقتصادی سرگرم بوده است که نظیر آن فقط در لنینگراد که یک منطقه دارای نفوذ سیاسی است دیده شده است. از سال ۱۹۷۱ تا زمانی که در اکتبر ۱۹۷۶ به عنوان دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی انتخاب گردید ریابف به روشهای ابتکاری خود در اسوردلوسک ادامه داد و او بلاست به همین دلیل به رقابت با لنینگراد پرداخت. در اکتبر ۱۹۷۶ پس از انتخاب وی به سمت دبیری حزب، نشان لنین را در ازای کار خود در اسوردلوسک بخصوص به خاطر کمکهایش در دست یافتن به اهداف برنامه پنجساله دریافت نمود.

سوابق فردی و سفرها

ریابف متأهل است. او عضو یا رئیس چند هیئت نمایندگی حزب کمونیست شوروی به کشورهای خارجی بوده است. در ۱۹۷۱ همراه برژنف به چکسلواکی و همراه کیریلنکو به مغولستان سفر کرد. در ۱۹۷۲ همراه دبیر حزب میخائیل سوسلو به فرانسه رفت و در سال ۱۹۷۳ به عنوان سرپرست یک هیئت نمایندگی حزب کمونیست شوروی به بلژیک سفر نمود. در سال بعد ریابف به همراه همسرش به گذراندن تعطیلات در ایتالیا پرداخت، ظاهراً ریابف انگلیسی نمی‌داند.

این اسناد ترجمه نشده است

ادوارد آمورسیویچ شواردنادزه

دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست گئورگیا

ادوارد شواردنادزه که یکی از جوانترین رهبران حزب منطقه‌ای شوروی است. در سپتامبر ۱۹۷۲ در سن ۴۳ سالگی دبیر اول حزب کمونیست گئورگیا گردید. وی که قبل از تصدی این سمت ۷ سال به عنوان وزیر این جمهوری در امور داخلی مسئولیت حفظ نظم و قانون را بر عهده داشت. در سلسله مراتب حزبی گئورگیا یک تازه وارد است. تجربه شواردنادزه به عنوان یک مدیر پلیس می‌تواند دلیل اصلی ارتقاء یافتن وی به سمت کنونی باشد.

در شوروی، گئورگیا به عنوان منطقه‌ای شناخته شده است که در آن سطح زندگی بسیار بالا بوده و روبل نیز از ارزش خوبی برخوردار است. مهمترین فعالیت اقتصادی گئورگیا که تولید شراب است، یکی از قدیمی ترین و دوست‌داشتنی ترین بخش کشاورزی این منطقه است. اهالی گئورگیا مردمی آزادی پرست و فردگرا هستند و برخلاف دیگر ملل روسیه آنها قانون را چندان محترم نمی‌شناخته‌اند، چون اولاً نخست‌وزیر پیشین آیوسف استالین (که خود نیز اهل گئورگیاست) آنها را این‌گونه بار آورده بود و ثانیاً به خاطر اینکه این روش از دیرباز در آنجا جا افتاده بوده است.

فردی منظم در یک جمهوری نامنظم

شواردنادزه رئیس پلیس پیشین که همه او را به صورت فردی مصمم و منظم می‌شناسند (گئورگیانی‌ها او را رئیس صدا می‌زنند)؛ از سال ۱۹۷۲ سعی داشت عادت سرسری گرفتن مسائل، فساد سیاسی، سرمایه‌داری زیرزمینی و مشروبخواری بی‌حد و حصر توسط نسلها را تغییر دهد. ولی اهالی گئورگیا به

آسانی دستخوش تغییرات نمی‌شوند. تلاش شوارندادزه جهت پاکسازی، اوایل با بی میلی روبه‌رو شد و در اولین سال رهبری وی در حزب گئورگیا وی با مخالفت بوروکراتیک زیادی روبرو شد. در مجمع حزبی در اوت ۱۹۷۳ سخنگویان اشاره به بی‌نظمی شدید عمومی کردند و شایعاتی مبنی بر وجود خطر علیه شوارندادز و خانواده‌اش در تمام طول سال ۱۹۷۳ به گوش می‌خورد.

اخیراً چند واقعه حاکی از آن است که تلاش شوارندادزه در جهت پاکسازی در گئورگیا، بسیار شدید، وسیع و مستمر بوده است. یکی از نشریات زیرزمینی شوروی که در سال ۱۹۷۵ ظاهر شده بود، ادعا می‌کرد که در دو سال گذشته ۲۵۰۰۰ نفر توقیف شده‌اند. (یکی از افراد شوروی که به گئورگیا در سال ۱۹۷۴ سفری داشته بود گزارش داده است که ۱۳۰۰۰ عضو حزبی و کومسومولی بازداشت شده بودند.) علاوه بر اینها آلبرت چرکین دبیر دوم این جمهوری نیز در آوریل ۱۹۷۵ به دلایل خطاها و اشتباهات فاحش اخراج گردید.

در سال ۱۹۷۶ نیز به دنبال استمرار تلاش همه‌جانبه شوارندادزه علیه فساد، ناسیونالیسم و انحرافات ایدئولوژیکی در جمهوری، یک سری آتش‌سوزی و بمب‌گذاری انجام شد. ممکن است که با این حملات می‌خواسته‌اند ثابت کنند که شوارندادزه قادر نیست شرایط و اوضاع گئورگیا را تحت کنترل خود درآورد، شایعاتی نیز پخش شده بود که دبیر اول به علت این بی‌نظمی‌ها در حال اخراج است. گزارش تند و طویلی که در ژوئیه ۱۹۷۶ توسط شوارندادزه ارائه شد، نشان داد که علیرغم این آشوبها و هنوز هم آنجا را تحت کنترل دارد؛ ولی او که اغلب یادآور می‌شد که مقامات مسکو تلاشهای وی را تأیید نموده‌اند، سبب شد که در مورد قدرت وی در جمهوری قدری نگرانی پیش بیاید.

نظریات در مورد کشاورزی

در سال ۱۹۷۵ زمانی که گئورگیا نیز از کمبود محصولات عمومی شوروی رنج می‌برد، شوارندادزه چند ایده جدید را در مورد کشاورزی مطرح نمود، در گزارشی که به یک اجلاس حزبی محلی تسلیم داشت وی به حمله به برنامه موجود برای ساختن تسهیلات دامداری مکانیزه پرداخت - این پروژه مورد علاقه شدید مقامات مهم کشاورزی شوروی است - و پیشنهاد کرد که به جای آن بهتر است بخشی از بودجه و مواد برای ایجاد بهبود در اساس غذایی این منطقه مصرف گردد. شوارندادزه چند پیشنهاد نیز به منظور تقویت مواضع افراد زارع ارائه نمود. به طور مثال پیشنهاد کرد که تضمین شود به فردی که دامدار است، حتماً علیق لازم رسانده خواهد شد، و آن قسمت از زمین (زمینهای باتلاقی و صخره‌ای) که دلخواه نیست همراه با کمکهای فنی و کودهای لازم به مردم داده شود و دیگر اینکه زارعین، یک مؤسسه تعاونی ایجاد نمایند. از سال ۱۹۷۵ در مورد این پیشنهادات چیزی شنیده نشد، ولی همین پیشنهادات حاکی از سبک پراگماتیک رهبری شوارندادزه است که در برابر مشکلات سیاسی روزافزون در این جمهوری می‌تواند باعث بقای وی شود.

سوابق حرفه‌ای و زندگی

ادوارد آمورسیویچ شوارندادزه در ۲۵ ژانویه ۱۹۲۸ در گئورگیا متولد گردید. وی فرزند یک معلم بود و در یک انستیتو پداگوژیکی به عنوان یک مورخ تحصیل نمود، ولی در سال ۱۹۴۶ کار خود را در

کومسومول آغاز نمود. او پله‌های ارتقاء رتبه را سریعاً پیمود و در دسامبر ۱۹۵۷ به عنوان دبیر اول کمیته مرکزی کومسول گئورگیا برگزیده شد و در سال ۱۹۵۸ شواردنازه به عنوان عضو فاقد حق رأی هیئت کمیته مرکزی حزب گئورگیا انتخاب شد، و سه سال بعد عضو دارای حق رأی کمیته مرکزی تمام متحد کومسومول گردید.

شکست سیاسی و بهبود

شواردنازه در سال ۱۹۶۱ از سمت خود به عنوان رئیس کومسومول در هیئت حزبی بدون هیچ‌گونه توضیحی برکنار شد. وی که در سیاست شکست خورده بود مدت سه سال در موقعیت حزبی بسیار کم‌اهمیت در تبلیسی پایتخت گئورگیا به کار مشغول گردید. در سال ۱۹۶۵ رجعت سیاسی خود را با انتصاب به عنوان وزیر حفظ نظم عمومی در گئورگیا که بعدها این عنوان به وزیر امور داخلی تغییر داده شد، آغاز کرد.

ممکن است این رجعت مرهون رابطه وی با الکساندر شلپین که در آن زمان یکی از اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی بود، باشد.

زمانی که شواردنازه رئیس کومسومول گئورگیا شد، شلپین دبیر اول تمام متحد کومسومول بود و هنگامی که شواردنازه به وزارت رسید شلپین در اوج نفوذ خود در مسکو به سر می‌برد.

در ژوئیه ۱۹۷۲ شواردنازه به عنوان یک عضو دارای حق رأی هیئت حزبی این جمهوری و دبیر اول کمیته حزبی شهر تبلیس برگزیده شد. شواردنازه هنوز مدت زیادی به عنوان دبیر اول خدمت نکرده بود که پس از دو ماه به عنوان رئیس حزب گئورگیا برگزیده شد. وی از سال ۱۹۷۴ نماینده دیوان عالی شوروی بوده است.

سفرها

زمانی که شواردنازه دبیر اول کومسومول بود برای شرکت در چند کنفرانس جوانان سفرهایی به بلژیک، تونس و فرانسه نمود. و از زمان اشغال تصدی دبیر اولی جمهوری روابط خود با مقامات خارجی را از طریق سفرها و بازدیدهای رسمی گسترش بخشیده است. در سال ۱۹۷۴ وی به عنوان رئیس هیئت نمایندگی شوروی به کنگره حزب کمونیست اطریش رفت و در ضیافت شامی که در مسکو توسط لئونید برژنف به مناسبت ورود رئیس‌جمهور فرانسه ترتیب داده شده بود، شرکت یافت.

با سناتور ادوارد کندی در گئورگیا ملاقات نمود و با عضو دفتر سیاسی یعنی نیکلای پادگورنی به صوفیا سفر نمود. وی در مارس ۱۹۷۵ به همراه برژنف در کنگره حزبی مجارستان شرکت جست. شواردنازه برادری به نام ایپوکرات دارد که در حزب گئورگیا بسیار فعال بوده است. در مورد شواردنازه اطلاعات دیگری در دست نیست.

نیکولای ایوانویچ اسمیرنف

معاون اول فرمانده نیروی دریایی

در یاسالار نیکولای اسمیرنف به عنوان معاون اول فرمانده نیروی دریایی شوروی در اکتبر ۱۹۷۴

انتخاب شد. به عنوان دومین شخصیت فرماندهی، اسمیرنف وظایف روزانه را نظارت می‌کند و بسیاری از تصمیمات عملیاتی را اتخاذ می‌نماید. اسمیرنف که در امور زیردریایی متخصص، است از سال ۱۹۶۹ تا سال ۱۹۷۴ به عنوان فرمانده ناوگان اقیانوس آرام نظارت و سرپرستی عظیم‌ترین ناوگان رودریایی و دومین ناوگان زیردریایی عظیم شوروی را بر عهده داشت. بسیاری از ناظران غربی معتقدند که پس از بازنشست شدن دریاسالار - شوروی سرگتی گورشکف - وی جانشین او خواهد گردید.

سوابق حرفه‌ای و زندگی

اسمیرنف که در یک خانواده روستایی روسی در دهم سپتامبر ۱۹۱۷ متولد گردیده بود، در سال ۱۹۳۷ به نیروی دریایی پیوست. وی در سال ۱۹۳۹ از مدرسه عالی نیروی دریایی ایمنی فرونز (آکادمی نیروی دریایی شوروی) فارغ‌التحصیل گردید و به انجام وظایف در خط مقدم که عبارت بود از فرماندهی زیردریایی در ناوگان اقیانوس آرام در جنگ جهانی دوم، پرداخت. او در سال ۱۹۴۲ به حزب کمونیست شوروی پیوست. درباره محل‌های خدمت وی پس از جنگ جهانی دوم اطلاعی در دست نیست. بین او و یک کاپیتان دوم (به نقل از معاون فرمانده دریایی آمریکا) با همان نام که در ناوگان دریای سیاه شوروی در سواستپول در ژوئیه ۱۹۴۷ خدمت می‌کرد شباهت زیادی وجود دارد. بیوگرافی روسی اسمیرنف حاکی از آن است که وی پس از جنگ در ناوگان‌های دریای سیاه و بالتیک سمت فرماندهی داشت و از سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۷ از سمت فرماندهی یک زیردریایی به سمت رئیس ستاد یک واحد زیردریایی ارتقاء یافته است. مقاله‌ای که در یک روزنامه استونیا در سال ۱۹۶۶ به چاپ رسیده بود از وی به عنوان عضو پیشین شورای نظامی «جبهه بالتیک» که در هنگام جنگ به دفاع از شهر پایتختی تالین مشغول بود، نام برده است.

اسمیرنف احتمالاً در سالهای ۱۹۵۰ در یک آکادمی عمومی ستادی (یک دانشکده جنگ خدمات مشترک با دوره دوساله در آموزشهای مقدماتی و کلی) در مسکو به تحصیل مشغول بوده است. در حدود سال ۱۹۶۰ به عنوان ریاست ستاد ناوگان دریای سیاه منصوب گردید، وی زمانی که گواهینامه فوت افسری را که فرمانده این ناوگان بود امضاء کرد به فرماندهی این ناوگان برگزیده شد. اسمیرنف تا سال ۱۹۶۴ در ناوگان دریای سیاه باقی ماند تا اینکه به عنوان معاون دریاسالار به پایگاه ستادی نیروی دریایی در مسکو فراخوانده شد، تا احتمالاً به عنوان معاون عملیاتی به کار پردازد. او تا ماه مه ۱۹۶۶ در پایگاه ستادی نیروی دریایی باقی ماند تا اینکه مطبوعات شوروی از او به عنوان فرمانده کل ناوگان اقیانوس آرام در خاباروسک یاد کردند. اسمیرنف در سال ۱۹۷۰ به درجه دریاسالاری و در نوامبر ۱۹۷۳ به درجه دریاسالاری ناوگان ارتقاء یافت. او تا سال ۱۹۷۴ در ناوگان اقیانوس آرام باقی ماند تا اینکه به سمت معاون فرمانده کل نیروی دریایی شوروی منصوب گردید.

یک دریاسالار سیاسی

نوشته‌ها و بیانات اسمیرنف بیشتر جنبه کلی، تاریخی و تبلیغاتی دارند تا اینکه به تاکتیکها و استراتژی‌های خاص نیروی دریایی پردازد. در سال ۱۹۷۰ به عنوان نماینده دیوان عالی شوروی انتخاب شد و در سال ۱۹۷۱ هنگامی که فرماندهی ناوگان اقیانوس آرام را بر عهده داشت به عنوان عضو فاقد حق

رأی کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی انتخاب گردید. در کنگره حزبی بعدی اسمیرنف به هنگام تصدی امور به عنوان معاون فرمانده کل نیروی دریایی دیگر به عنوان عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی برگزیده نشد. (معمولاً افرادی که در موقعیت او قرار دارند به عضو کمیته مرکزی حزب در نمی آیند در حالی که فرمانده ناوگانها برای عضویت انتخاب می گردند).

سفرها

گذشته از سفرهای دریایی، اسمیرنف به ندرت به خارج از شوروی سفر کرده است. او در سال ۱۹۶۷ به عنوان عضو هیئت نمایندگی نیروی دریایی شوروی به یوگسلاوی سفر کرد و با وزیر دفاع وقت آندره گرچکو در مارس ۱۹۶۹ به پاکستان و هند سفر نمود. اسمیرنف در ماههای آوریل و مه ۱۹۷۲ در یک مأموریت حسن نیت از سری لانکا دیدار به عمل آورد.

سوابق فردی

بنا به گزارش وابسته نظامی آمریکا در مسکو، اسمیرنف دارای قدرت ابتکاریه ای است که وی را از فرماندهان دیگر شوروی متمایز می سازد. در سال ۱۹۶۵ هنگامی که در پایگاه ستادی نیروی دریایی در مسکو به سر می برد بسیاری از وابستگان نظامی خارجی او را فردی خوش برخورد، تیزهوش و قابل اعتماد توصیف کرده اند؛ یکی از دریا سالارهای وقت شوروی از او به عنوان یک جوان مطلع یاد کرده است.

وابستگان نظامی آمریکایی که توانسته اند با وی گفتگوهای انجام دهند معتقدند که او درباره سوسیالیزم شوروی قدری ایده آلیست است، ولی علیرغم کم حرفی و انزواطلبی اش بسیار رک گو و خوش برخورد می باشد. او ظاهراً آمریکایی ها را دوست دارد و به آنها به دیده احترام می نگرد. اسمیرنف بسیار تنومند و دارای بدنی مستحکم است. او متأهل است و یک دختر دارد. به زبان انگلیسی نیز نمی تواند صحبت کند.

سمن کوزمیچ تسویگون

معاون اول ریاست کمیته امنیت دولتی

سرهنک تمام سمن تسویگون که یک مقام اطلاعاتی است، از سال ۱۹۶۷ معاون اول ریاست کمیته امنیت دولتی یعنی ک. گ. ب. بوده است. به عنوان مهمترین معاون رئیس ک. گ. ب. - یوری آندروپف - او فرمانده دوم سازمانی است که مسئول امنیت داخلی (شامل پلیس مخفی) و فعالیتهای جاسوسی خارجی می باشد. از سال ۱۹۷۱ تسویگون عضو فاقد حق رأی کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی بوده است که بسیاری از پیشینیان او نتوانستند این عضویت را دارا شوند.

جانشین آندروپف؟

بسیاری از ناظران معتقدند که تسویگون جانشین مسلم آندروپف رئیس ک. گ. ب. می باشد. تسویگون که یکی از «افراد مورد علاقه برژنف می باشد (چون از نظر شغلی و احتمالاً از نظر خانوادگی با

دبیرکل لئونید برژنف وابسته است)، در غیاب آندروپف به عنوان رئیس ک.گ.ب. فعالیت می‌کند و معمولاً به عنوان یک مقام ک.گ.ب. در ضیافت‌های عمومی شرکت می‌کند و حتی اخیراً به نوشتن کتاب نیز دست زده است. ولی برخلاف معمول تسویگون ارتقاء نیافت، چون آخرین رئیسی که برای ک.گ.ب. از میان این سازمان انتخاب گردید یعنی لاورنتی بریا به خاطر جاه‌طلبی‌های سیاسی در سال ۱۹۵۳ اعدام گردید. همبستگی ظاهری تسویگون با برژنف نیز می‌تواند مانع از این انتخاب شده باشد. اگر رهبری جمعی خواهان آن بوده باشد که مقامات مهم ک.گ.ب. از نظر سیاسی خنثی باقی بمانند.

رمان‌نویس و ناظر

تسویگون که در میان مقامات مهم ک.گ.ب. به نگارش علاقه بسیار دارد در نوشته‌هایش تنها از یک روش طرفداری می‌کند. چالاکي در برابر خرابکارهای داخلی و خارجی. گرچه دیگر مقامات این سازمان نیز طرفدار این آهنگ هستند ولی گویا و بیشتر و با عدم تردستی آنرا اعلام می‌کند. در سالهای اخیر تسویگون کمک بسیاری در نشر یک مجله حزبی به نام liticheskoye - Samoobrazovaniye (خودآموز سیاسی)، آشوبگر و کمونیست نموده است. او مؤلف دو کتاب با نامهای My Vernemysya (ما باز خواهیم گشت) در سال ۱۹۷۱ و یک کتاب نیمه اتوبیوگرافیک درباره جنگ پارتیزانی در اوکراین و کتاب Tainny Front (جبهه مخفی) در سال ۱۹۷۳ که گویای عملیات جاسوسی غرب علیه شوروی است می‌باشد. در سال ۱۹۷۱ یکی از مخالفین در مسکو هنگام توصیف آندروپف به معنی «لیبرال» با استانداردهای ک.گ.ب. درباره تسویگون گفت: «جانشین آندروپف چیز دیگری است... اگر او جانشین شود یک جو شدیدتر به وجود خواهد آمد.»

سوابق حرفه‌ای و زندگی

سمن کوزمیچ تسویگون در ۲۷ سپتامبر ۱۹۱۶ در اوکراین متولد گشت. پس از فارغ‌التحصیل شدن از انستیتو تعلیمی آموزشی اودسا در سال ۱۹۳۷ مدّت کوتاهی به عنوان دبیر و مدیر یک دبیرستان در اودسا اوبلاست - قبل از اشتغال به کار اطلاعاتی در سال ۱۹۳۹ - پرداخت. تسویگون در سال ۱۹۴۰ به حزب کمونیست شوروی پیوست. گذشته از خدمت در ارتش شوروی (۴۵-۱۹۴۱) درباره فعالیت‌های دیگر وی در دهه بعد اطلاعی در دست نیست.

بین سال ۱۹۵۱ و ۱۹۶۷ تسویگون در سه جمهوری شوروی موقعیتهای اطلاعاتی مهمی را اشغال نمود. از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۵ به عنوان معاون ریاست اطلاعاتی مولداویا (که هم‌مرز رومانی است) کار کرد در حالی که سال اول، دبیر اول حزبی این جمهوری برژنف بود.

تسویگون بعدها پس از آنکه برژنف دبیر حزب کمونیست شوروی در مسکو گردید و به حمایت او در مولداویا پرداخت به عضویت هیئت حزبی مولداویا درآمد. تسویگون در سال ۱۹۵۵ به عنوان رئیس ک.گ.ب. به جمهوری تاجیکستان (هم‌مرز افغانستان و چین) رفت و دو سال بعد سمت ریاست را بدست آورد. در سال ۱۹۶۳ تسویگون رئیس ک.گ.ب. در آذربایجان هم‌مرز ایران شد و تا سال ۱۹۶۷ همین سمت را حفظ کرد تا اینکه به مسکو رفت تا به سمت معاونت آندروپف درآید. در نوامبر ۱۹۶۷ تسویگون معاون اول ریاست این سازمان گردید.

جوایز و پاداشها

تسویگون از سال ۱۹۶۶ نماینده دیوان عالی شوروی بوده است. او دو جایزه دریافت کرده است: یک مدال کار، که در سال ۱۹۵۷ زمانی که وی معاون ریاست ک.گ.ب در تاجیکستان را عهده‌دار بود به او داده شد، و یک تقدیرنامه که در سال ۱۹۶۶ در پنجاهمین سالگرد تولدش به وی داده شد.

سوابق خانوادگی

بنابه گزارشات تأیید نشده، تسویگون یکی از خویشاوندان سببی همسر برژنف می‌باشد. او و همسرش روزامیخایلوونا دو فرزند دارند: که یکی از آنها دختری است به نام ولا و دیگری پسری است به نام میخائیل که ازدواج کرده است. این پسر که حدوداً در سال ۱۹۴۴ متولد شده بود و در سال ۱۹۶۸ از دانشکده روابط بین‌المللی دانشگاه دولتی مسکو فارغ‌التحصیل شده بود. به عنوان وابسته و مترجم در سفارت شوروی در بیروت در سالهای ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۲ خدمت می‌کرده است.

کیریل استپانویچ سیمونف

رئیس اداره حمل و نقل و ارتباطات، کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی
کیریل سیمونف پس از آنکه ۲۰ سال در راه‌آهن شوروی کار کرد؛ به ریاست اداره حمل و نقل و ارتباطات کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی در ژوئن ۱۹۶۲ رسید؛ وی که در اوایل سالهای ۱۹۴۰ یک مهندس و سرپرست ایستگاه بود، در میان محققین و مدیران راه‌آهن شوروی، با فرارسیدن سالهای ۱۹۶۰ اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. سیمونف در موقعیت کنونی به عنوان یک کانال حزبی در پیاده کردن سیاست حزبی در زمینه خطوط دریایی، راه‌آهن، حمل و نقل خشکی و دریایی و سیستمهای ارتباطی چون رادیو، تلفن و تلویزیون عمل می‌کند. او که از سال ۱۹۴۳ عضو حزب کمونیست شوروی بوده است، در سال ۱۹۶۶ به عضویت کمیسیون حسابرسی مرکزی درآمد.

کارهای اولیه در راه‌آهن

کیریل استپانویچ سیمونف در ۱۷ آوریل ۱۹۱۷ در پتروگراد (که اکنون لنینگراد است) متولد گردید. بنابه گزارشها در سال ۱۹۳۹ در جنگ بین روسیه و فنلاند او یک افسر سیاسی بوده است، ولی محتمل‌تر این است که او در آن زمان در انستیتو راه‌آهن لنینگراد که از آن در سال ۱۹۴۰ فارغ‌التحصیل شده بود، مشغول تحصیل بوده است. سال بعد برای کار عازم راه‌آهن اکتبر همان شهر گردید و حرفه خود را در زیر بمبارانهای زمان جنگ فراگرفت. در سال ۱۹۴۷ رئیس قسمتی از راه‌آهن شده بود. کمی بعد از وزارت راه‌آهن، یک پست اداری را اشغال نمود. وی که در سال ۱۹۴۹ جهت دیدن آموزشهای بیشتر انتخاب شده بود، از آکادمی حمل و نقل راه‌آهن مسکو در سال ۱۹۵۱ فارغ‌التحصیل گردید و درجه علوم فنی و عنوان استادیار را دریافت کرد. سیمونف در سال ۱۹۵۱ به وزارت راه‌آهن بازگشت. یک سال بعد به عنوان رئیس بخش انستیتو تحقیقات مرکزی علمی این وزارتخانه انتخاب شد. در سال ۱۹۵۵ وی سرپرست مهندسين اداره مرکزی ترافیک راه‌آهن گردید.

گسترش نفوذ

در ۱۹۵۷ کار سیمونف در وزارت راه آهن بالا گرفت. او ابتدا به عنوان معاون رئیس و کمی بعد در همان سال به عنوان معاون اول رئیس در شورای فنی و علمی وزارتخانه انتخاب شد. در همان زمان به سفرهای رسمی خارجی پرداخت. در یکی از همین سفرها یکی از همکاران اعلام داشت که نفوذ سیمونف بیشتر از موقعیت شغلی اوست و او را «شخص شماره ۳» وزارت راه آهن که مسئول انستیتوهای آموزش عالی در زمینه تربیت و آموزش مهندسين راه آهن و انستیتو تحقیقات علمی این وزارتخانه و صدها آزمایشگاه تحقیقاتی و تجربی راه آهن می باشد، توصیف نمود. نوشتارهای سیمونف در آن زمان نیز حاکی از حوزه وسیع نفوذ اوست.

در ۱۹۵۸ و ۱۹۶۰ مقالاتی درباره سیستم راه آهن انگلیس و سوئد نوشت و کارهای مهمی در زمینه مشکلات سازمانی ترافیک راه آهن در ۱۹۶۱ انجام داد.

در کار حزبی

در سال ۱۹۶۱ سیمونف بدون هیچ گونه توضیحی از وظایف وزارتی خود برکنار شد و به عنوان رئیس راه آهن گورکی انتخاب شد که مسئولیتهای سنگینی را متوجه او می ساخت که امتیازات موقعیت پیشین او در مسکو را دارا نبود، ولی در سال بعد پیشرفت از طریق دیگری حاصل شد و سیمونف به عنوان معاون ریاست اداره حمل و نقل و ارتباطات در کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی به پایتخت فراخوانده شد، و کمی بعد ریاست همین اداره را عهده دار شد. پیشرفت سریع سیمونف خیلی عجیب است، چون او هیچ گاه به عنوان رئیس یک وزارتخانه یا معاون وزیر عمل نکرده بود ولی یک سال پس از آنکه مسئولیت یک شبکه راه آهن ایالتی را عهده دار شد او ناظر حزبی در کل سیستم حمل و نقل و ارتباطات شوروی گردید که شامل وزارت راه آهن، صنایع اتومبیل سازی، ناوگانهای دریایی، ارتباطات و ناوگانهای رودخانه‌ای می باشد.

چنین پیشرفتهایی اکثراً از طریق خویشاوندی با یکی از اعضای مهم گروه رهبری حاصل می شود، در حالی که سیمونف دارای چنین امتیازی نیست.

سفر و سمتهای

سیمونف به عنوان عضو نمایندگی راه آهن شوروی در نوامبر و دسامبر ۱۹۶۰ از آمریکا بازدید کرد و از کانادا در سال ۱۹۶۷ دیدار نمود. در اوایل سالهای ۱۹۷۰ سیمونف به مغولستان رفت تا کارهای حزبی را مطالعه نماید (۱۹۷۱) و ریاست هیئت نمایندگی حزب کمونیست شوروی به مجارستان را نیز بر عهده داشت (۱۹۷۲). اخیراً وی به همراه دبیر اول حزب پترماشروف از بلوروسیان برای شرکت در کنفرانس اروپایی وحدت با دموکراتهای شیلی به پاریس رفت. (۱۹۷۴)

وی که یکی از نمایندگان دیوان عالی شوروی و پارلمان از سال ۱۹۶۷ بوده است، به عنوان عضو کمیسیون حمل و نقل و ارتباطات از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۵ نیز عمل می کرده است.

یک بورکرات فعال

ناظران سیاسی با سیمونف برخورد زیادی نداشته‌اند. یکی از میزبانان آمریکاییش در سال ۱۹۶۰ او را فردی مطلع، مدیری با استعداد و دارای نیروی محرکه قوی توصیف کرده است. سیمونف در آن زمان خیلی به گفتگو تمایل نشان می‌داد گرچه درباره خودش حرفی نمی‌زد. او قدری انگلیسی می‌دانست و خیلی زود دچار هیجان می‌شد و گاهی هم صدایش را بلند می‌کرد. یکی از مقامات که با سیمونف به زبان آلمانی صحبت کرده بود گفت: «تکلم خوب وی به این زبان باید حاصل اقامت طولانی وی در آلمان بوده باشد».

سیمونف و همسرش، که معلم زبانهای انگلیسی و آلمانی در سال ۱۹۶۰ بود، یک دختر دارند که در سال ۱۹۴۴ متولد شده است.

سند شماره (۳۲)

خیلی محرمانه زمان و مکان: چلوکبابی برادران در امیراتابک، ۹ ژانویه ۱۹۷۸، ۱۹ دی ۱۳۵۶
شرکت‌کنندگان: گوانادی کازانکین، دبیر اول سفارت روسیجان. دی. استمپل از سفارت آمریکا در تهران
موضوع: بازدید ریاست جمهور از ایران و مذاکرات خاورمیانه
بازدید رئیس‌جمهور کارتر از ایران

پس از ضیافت اولین روز سال نو، این اولین باری بود که کازانکین را ملاقات می‌کردم. او از دیدار رئیس‌جمهور بسیار خوشحال و نسبت به آن علاقه‌مند بود. او با اظهار این موضوع که انتظار داشتیم چه چیزهایی کسب کنیم ولی در واقعیت نتایج چه بود بحث را آغاز کرد. با خنده به او گفتم که بهتر است فهرستی از سؤالات مورد علاقه‌اش را در اختیارم بگذارد، چون در آن صورت بهتر خواهم توانست به آنها پاسخ دهم، او ظاهراً خجلت زده شد و گفت که دیگر سؤالی ندارد. به او گفتم که بازدید رئیس‌جمهور یک موفقیت زودرس بود و کل سفر ایشان بخصوص به لهستان نتایج بسیار چشمگیری برای دولت به همراه داشت.

مذاکرات صلح خاورمیانه

نکته شگفت‌آور این است که کازانکین در مورد مذاکرات بین پرزیدنت کارتر و شاه حسین اصلاً به سؤال نپرداخت. او به صحبت درباره اجلاس آسوان پرداخت و من از روی لاقیدی از او درباره شایعه (کاذب) پرواز قذافی رهبر لیبی به آسوان سؤال کردم. کازانکین گفت که در این باره چیزی که نمی‌داند هیچ بسیار گنج هم شده است. هر بار که سعی می‌کرد درباره نقش آمریکا در مذاکرات کنونی خاورمیانه سؤالی به میان بکشد، من در جواب سؤال می‌کردم که نقش قذافی چه خواهد بود و حتی پیشنهاد می‌کردم که حافظ‌اسد از سوریه ممکن است پنهانی به «اجلاس» بپیوندد. پس از تکرار این سؤالات برای بار سوم او تقریباً داستان را باور کرده بود و باورش تا آن اندازه بود که از دیگران درباره آن حتماً سؤال خواهد کرد.

سوابق بیوگرافیک

در طول گفتگو کازانکین گفت که در ماه مه یا ماه ژوئن ۱۹۷۹ ایران را ترک خواهد گفت. وقتی که از او

درباره محل کار آینده‌اش سؤال کردم، جواب داد که نمی‌خواهد در هیچ‌جا خارج از وطنش کار کند. او امیدوار است بتواند در «مؤسسه روابط خارجی» به کار مشغول شود تا اینکه بتواند تحصیلات خود را در بخش دکترا به پایان برساند. وی گفت که در این زمینه فقط امیدوار است چون اخذ درجه دکترا مستلزم آن است که شخص کتابی را که حاوی عقاید جدید شخص باشد انتشار دهد و به تدریس، به قول معروف «شاگردان خود نیز پرداخته باشد». ما بابتی تفاوتی درباره معادل بودن این دکترا با همان درجه در آمریکا به سخن پرداختیم. نتیجه این بود: که با هم تفاوت دارند. وی اظهار داشت که یلنا همسرش نیز مایل است به روسیه برگردد، او مایل است شغل روزنامه‌نگاری خود را از سر بگیرد. به گفته وی همسرش برای نشریات مختلف نگارشهایی داشته که از آن جمله است مجله لایف روسی (زنان روسی) که به زبان انگلیسی نیز منتشر می‌گردد.

وقتی که از او رسماً دعوت کردم که در رستوران کاروانسری سفارت آمریکا با هم غذا بخوریم، (برای اولین بار) قبول کرد، بنابراین روز ۵ فوریه موقع نهار را انتخاب کردیم، و من نیز در عوض موافقت کردم که در حمام سونایی که در کمیسیون بازرگانی روسیه، دایر است (سیاست عرق‌ریزی؟) شرکت نمایم.

سند شماره (۳۳)

خیلی محرمانه

صورت مذاکره

شرکت کنندگان: گواننادی کازانکین، سفارت روسیه جان دی. استمپل، سفارت آمریکا
زمان و مکان: ۵ فوریه ۱۹۷۸ - ۱۶ بهمن ۵۶، رستوران کاروانسرا، و کمیسیون بازرگانی روسیه، تهران - ایران

موضوع: نظریات روسیه درباره خاورمیانه، شاخ آفریقا و تظاهرات اخیر قم و حمام سونای جدید روسی کازانکین و من در رستوران کاروانسرا در سفارت آمریکا نهار خوردیم و بعد به کمیسیون بازرگانی روسیه رفتیم تا حمام سونای جدیداً تأسیس شده را آزمایش کنیم. روسها از حمام جدید سونایی که احداث کرده‌اند و در آن از چوبهای فنلاندی در داخل و چوبهای روسی برای اتاقهای انتظارورختکن استفاده کرده‌اند بسیار احساس غرور می‌کنند. کازانکین گفت که کمیسیون بازرگانی روسیه این حمام را احداث کرده است و از سفیر فنلاند و آلمان شرقی دعوت کرده است تا برای استفاده آن بیایند. ساختمان حمام سونا کاملاً تمام شده است، لیکن استخر کوچک ورودی آن هنوز ناتمام است. کازانکین خیلی سعی داشت مرا به آن حمام سونا دعوت کند ولی من نپذیرفتم تا اینکه دعوت مرا در مورد صرف نهار در رستوران کاروانسرا پذیرفت.

علاوه بر مورد مربوط به روابط آمریکا و شوروی کازانکین درباره سه موضوع صحبت به میان آورد.

تضاد میان اتیوپی و سومالی

ما تا حدی راجع به شاخ آفریقا بحث کردیم. من از نقل و انتقالات هوایی روسیه در آنجا انتقاد کردم و کازانکین اصرار داشت که این کار انجام نگرفته است. کازانکین دوبار از من سؤال کرد که آیا ایران به سومالی کمک خواهد کرد. من گفتم که در این باره چیزی نمی‌دانم ولی حتماً بستگی به ادامه کمک روسیه به اتیوپی دارد. وی گفت که روسها به اتیوپی به منظور حراست از مرزشان کمک می‌کنند و در صورتی که آنها وارد مرز سومالی شوند ما به سومالیاییها نیز برای دفاع از مرزشان کمک خواهیم کرد. من ناباوری

خود را از این گفته ابراز کردم و گفتم بهترین راه برای حل این مسئله حمایت از سازمان وحدت آفریقا (OAU) می باشد.

وضعیت در خاورمیانه

کازانکین اصرار داشت که صلح در خاورمیانه ممکن نیست مگر اینکه همه در ژنو به مذاکره بنشینند. من سؤال کردم که آیا روسیه مایل است درباره مذاکرات سادات و بگین در ژنو به مذاکره بنشیند و وی گفت امکان مذاکره درباره هر چیزی هست ولی مهم رفتن به ژنو است. این موضع او از یک ماه پیش خیلی شدیدتر شده است.

تظاهرات در قم

تنها مورد در رابطه با اوضاع داخلی که ظاهراً مورد علاقه کازانکین بود، همان تظاهرات ۹-۷ ژانویه در قم بود. او از نظر من در این باره پرسید و من گفتم همه آنها مربوط به عکس العمل بیش از حد پلیس است، در جواب این سؤال من که به نظر او چه کسی رهبری کننده این تظاهرات است، وی گفت که احتمالاً متعصبین مذهبی این کار را می کنند. او یا نمی دانست و یا نمی خواست بیشتر از این جواب بدهد و ظاهراً این طور معلوم می شد که روسها درباره کارکرد داخلی وضعیت قم چیزی نمی دانند. او چندبار از من پرسید که چطور افرادی به نظر من در این تظاهرات شرکت دارند و من گفتم که ظاهراً رهبران مذهبی هستند ولی گفتم که درباره اصول اعتقادی آنها چیزی نمی دانم.

کازانکین گفت که سفارت روسیه چند اعلامیه از «اتحادیه نیروهای جبهه ملی» دریافت کرده است. در جواب سؤالات من به توضیح درباره اعلامیه ها پرداخت که ظاهراً همانهایی هستند که سفارت ما نیز دریافت داشته است. من خاطر نشان ساختم که ما اصلاً درباره این گروه چیزی نشنیده ایم و ظاهراً او باید خیلی سعادتمند باشد که این اخبار را از طریق پست بدست آورده. او خندید.

نکات بیوگرافیک

در طول دو ساعتی که در حمام سونا صرف کردیم او اطلاعات زیر را درباره خودش و چند کارمند دیگر روسی در اختیار من گذاشت.

کازانکین یک بازیگر بسکتبال بود ولی از زمانی که به خاطر جراحی در سال ۱۹۷۵ از تیم انستیتو وزارت خارجه کنار رفته بود دیگر بازی نکرده است زمانی که میچ پایش شدیداً در رفته بود با همسرش یلنا آشنا شد و سه سال قبل از ازدواج در ۱۹۶۰ با او دوست بود. او از ملاقاتهایش با عبارت انگلیسی «جور در آمدن» یاد کرد که سبب شده بود مقدمات را به خوبی پشت سر بگذارند. کازانکین دوباره اظهار امیدواری کرد که به روسیه برگردد و در انستیتو خارجه این وزارتخانه تحصیلات خود را در رشته دکتری به پایان برساند. او اصلاً مایل نیست که در خارج از روسیه خدمت کند و از کار فعلی خود نیز بسیار ناراضی است. او از اظهار نظر پیرامون ازدواجش امتناع ورزید، و با وجود اینکه فرصتی چند پیش آمد ولی من اصرار زیادی نکردم.

با وجود اینکه کمیسیون بازرگانی روسیه این حمام سونا را ایجاد کرده، ولی سفیر شوروی زیاد به آن

اهمیت نمی‌دهد. کازانکین گفت که این حمام سونا به وسیله کارمندان سفارت در اوقات بیکاری ساخته شده است. (جالب است! ما هم باید از یک چنین کار داوطلبانه استفاده کنیم)، کمیسیون بازرگانی در محوطه خود چند زمین والیبال و یک زمین کهنه استفاده نشده تنیس و فضای سبز زیادی دارد. و در شمال بازار در کوچه باریکی به نام پورمداری در محوطه‌ای که سفارت روسیه در آن قرار داشت واقع شده است. تا اینکه سفارت جدید در سال ۱۹۶۵ ساخته شد. ج. دی. استمپل

سند شماره (۳۴)

صورت مذاکره
شرکت‌کنندگان: جان دی. استمپل مقام سیاسی سفارت آمریکا، گواننادی کازانکان (کازانکین - م)
سفارت روسیه، تهران
زمان و مکان: ۱۹ مارس ۱۹۷۸ - ۲۸ اسفند ۱۳۵۶، چلوکبابی برادران، خیابان امیراتابک
از پنجم فوریه به بعد این اولین باری بود که با کازانکان ملاقات می‌کردم. او یکبار به علت سرماخوردگی از ملاقات امتناع ورزید. گذشته از صحبت‌های معمولی، نکات زیر از اهمیت و علاقه‌ای برخوردار بود.

پایگاه‌های اتمی آمریکا در ایران

کازانکین بسیار کنجکاو بود شرایط فروش این کارخانه‌های انرژی اتمی آمریکا به ایران را بداند. وی گفت که شنیده است موافقت‌نامه‌های مربوطه قرار است در آخر مارس به امضاء برسد و خواستار ارائه جزئیات بیشتر شد. من به طور مشروح از بی‌خبری خود از این موضوع سخن گفتم و درباره تصویب لایحه عدم تکثیر پایگاه‌های اتمی در آمریکا اشاره کردم و گفتم که بنابراین راه برای از بین رفتن اگرها و اماها باز است.

شایعات در تهران

کازانکان و من به بحث درباره شایعات رایج در تهران درباره حمله‌هایی که علیه ایرانیها و خارجی‌ها در ۲، ۳ هفته گذشته شده پرداختیم. به کازانکان درباره داستان گزارش شده وسیله خبرگزاری تاس مبنی بر مورد تجاوز قرار گرفتن سه آمریکایی گفتم، او حالت تدافعی گرفته گفت که چنینها این اخبار و شایعات را ایجاد می‌کنند. گفتم ممکن است این طور باشد ولی من درباره تعریف این داستان از طریق خبرگزاری تاس از چند نفر شنیده‌ام. از او خواستم که درباره آن تحقیق کرده از آنها بخواهد که این کارها را نکنند. هر وقت من این طور مسائل را پیش می‌کشم او فوراً جواب می‌دهد که کار، کار چنینهاست.

شاخ آفریقا

ما خیلی مختصر درباره شاخ آفریقا گفتگو کردیم. من از موضع اصلی آمریکا که عبارت بود از ماندن «ارتش روسی - کوبائی» در بخش اتیوپیائی مرز برایش گفتم، و او از اینکه رویه صحبت بنابه دلخواهش پیش می‌رود خشنود بود گفت که چنینها شایعاتی در مورد مداخله شوروی در آنجا پخش کرده‌اند.

دولت آموزگار

کازانگان عقیده‌ام را نسبت به دولت آموزگار سؤال کرد. من نظر او و اینکه چرا می‌خواهد نظر مرا بداند سؤال کردم. وی گفت که سفارت (شوروی - م) مروری بر امور داخلی ایران دارد ولی به نظر ما هنوز موقع این کار نرسیده است. انتظار داشتم که وی بگوید که آموزگار عامل امریکاست ولی او اصلاً اشاره‌ای به این موضوع ننمود.

ج. دی. استمپل

سند شماره (۳۵)

صورت مذاکره

خیلی محرمانه

شرکت‌کنندگان: ویکتور کازاکف، از سفارت شوروی، تهران رالف بولیس، سفارت امریکا، تهران
زمان و مکان: ۳ آوریل ۱۹۷۸ - ۱۴ فروردین ۵۷، چاتانوگا خیابان خردمند

سوابق:

کازاکف جوانی است بسیار جسور، از اعضای سازمان ک.گ.ب که حدود دو یا سه سال است که در ایران بسر می‌برد. او سی ساله بوده و با همسرش (که در شوروی معلم زبان آلمانی بود) و یک فرزند سه‌ساله در اینجا بسر می‌برد. او از سال ۱۹۵۵ در سازمان خدمات خارجی روسیه به کار مشغول بود تا اینکه در سن ۱۸ سالگی به انستیتو امور بین‌المللی مسکو پیوست. قبل از اینجا در کابل به کار مشغول بوده است.

ما در ضیافت نهار ماه مارس کنسولگری با هم آشنا شدیم. در آن موقع، او پیشنهاد کرد که در ایام نوروز با هم ملاقات کنیم. حدود یک هفته بعد، او به خانه‌ام تلفن زد (در ساعت ۱۱ بعدازظهر) و خواست که قراری برای صرف نهار بگذاریم. ما تاریخ ۲۷ مارس در چاتانوگا قبول کردیم، لیکن در ساعت مقرر حاضر نشد. دو روز بعد او (از یک تلفن عمومی) با من تماس گرفت و عذرخواهی کرد. ظاهراً تلفنهای سفارت روسیه از کار افتاده بود و به همین جهت نتوانسته بود مرا از اینکه نمی‌تواند در نهار شرکت کند، آگاه سازد. او مصراً عذرخواهی می‌کرد و بالاخره قرار گذاشتیم که در همان زمان و مکان در سوم آوریل با یکدیگر ملاقات نماییم.

برای اینکه ثابت کند که خیلی از این سر وقت حاضر نشدن قبلی ناراحت است یک شیشه ودکای استولیچنایا را که به صورت هدیه بسته‌بندی کرده بود برایم آورد. علیرغم معرفتیش به حالت تهاجمی، وی در آن جلسه بسیار متواضع بود و من در اکثر موارد سکان بحث و گفتگو را هدایت می‌کردم.

ناآرامی در ایران

پس از مقایسه کوتاهی از خدمات خارجی و بحث مسکو و واشنگتن و مشکلات انتصابی دیپلماتها، ما به صحبت پیرامون ناآرامی در ایران پرداختیم. من از او خواستم تا تحلیلی از این ناآرامیها بدهد، و وی از توضیحات کتابهای رایج یعنی قیام توده‌های مظلوم برای به انهدام کشیدن و دوراندختن زنجیرهای اسارتشان و غیره سخن گفت. من در جواب گفتم که ایران آن‌طور هم که او تصور می‌کند محیطی آکنده از ظلم نیست و درباره دوستان ایرانی صحت کردم که به خانه‌ام می‌آیند و بالاخره به انتقاد از شاه

می‌پردازند. اگر ترس از ساواک آن‌طور که ویکتور می‌ساخت و می‌پرداخت در همه جا وجود داشت چرا آنها در خانه یک دیپلمات خارجی به انتقاد دست می‌زدند.

دیپلماتهای روسی در ایران

بالاخره بحث به مشکلاتی کشید که دیپلماتهای روسی با آن در ایران برخورد می‌کنند او از محدودیتهایی که دربارهٔ مسافرت در داخل ایران وجود داشت، و عدم حمایت دولت ایران (مثلاً، مسئله کارنکردن تلفن در سفارت روسیه) تفتیش به وسیله مأمورین ساواک، و غیره سخن گفت. او از اینکه می‌شنید که دیپلماتهای آمریکایی حتماً لازم نیست از حرکاتشان در داخل ایران وزارت امور خارجه را باخبر سازند، ظاهراً بسیار تعجب می‌کرد.

روابط ایران و آلمان شرقی

سپس درباره خروج سفیر ایران از آلمان شرقی صحبت کردیم. ویکتور گفت که «اوباش» ایرانی توسط آلمان غربی به برلین شرقی فرستاده شده بودند تا روابط بین ایران و آلمان شرقی را تیره و قطع سازند. وی این روش خلاف «دئانت» را محکوم نمود. از او پرسیدم که آیا وجود جاسوسهای آلمان شرقی در رده‌های بالای حکومت آلمان غربی مغایر با «دئانت» نیست. وی از این داستان جاسوسی به عنوان وسیله‌ای در منحرف ساختن افکار عمومی آلمان غربی توسط دولت این کشور از تورم و بیکاری نام برد. علاوه بر اینها وی گفت، در صورتی که یک مقام دولتی بخواهد با ارائه بعضی از اسناد پولی در بیابورد این مسئله «فقط مربوط به خود اوست».

ویکتور صورتحساب را پرداخت و قبل از جدا شدن قرار گذاشتیم که در دهم آوریل در غذاخوری کنسولگری با یکدیگر مقالات نماییم. آر. ال. لويس

سند شماره (۳۶)

صورت مذاکره
شرکت‌کنندگان: گوانادی کازانکان (کازانکین) از سفارت روسیه در تهران - ایران جان. دی. استمپل
سفارت امریکا در تهران - ایران

زمان و مکان: ۱۶ می ۱۹۷۸ - ۲۶ اردیبهشت ۵۷، چلوکبابی برادران

موضوع: کودتا در افغانستان و اختلالات موجود در ایران

نهار امروز تقریباً باعجله برگزار شد، ولی خیلی راحت بود و اصلاً آثاری از ناراحتی و فشار عصبی در او دیده نمی‌شد. تنها سؤال او مربوط به ناآرامی‌های اخیر در ایران بود. من جوابهای بسیار ساده‌ای به او دادم و از نفوذ مذهب و این امکان که عمال آموزش یافته روسیه در آن شرکت دارند، چیزی به میان نیاوردم. کازانکین اظهار داشت که شوروی کاملاً خود را کنار کشیده است، چون دقیقاً تحت کنترل است. وقتی که درباره خروج دیپلماتهای روسی بحث به میان کشیدم او با یک حالت تدافعی گفت که اینها نقل و انتقالات عادی هستند، و خیلی سریع اظهار داشت که نمی‌خواهد اسامی افراد مشخصی را به بحث بکشند.

افغانستان

وقتی که از او به این دلیل که حکام افغانستان به وسیله روسها شناخته شده‌اند، درباره اتفاقات افغانستان سؤال کردم، جواب داد که «آنها افراد حزبی هستند» و قطعاً تحت کنترل روسیه قرار ندارند (اظهار نظر: ما هم باور کردیم!). کازانکین با خاطرنشان ساختن این نکته که ترکی برای سفارت آمریکا کار می‌کرده به صحبت ادامه داد و حتی گفت او «عامل شماس» است. ما از این بیهودگی سخن هر دو به خنده افتادیم. کازانکین (در سالهای ۱۹۶۵-۶۷ در افغانستان خدمت می‌کرد). گفت که فکر می‌کرد افغانها قدری ناسیونالیست باشند و امیدوار بود که روابط بین روسیه و افغانستان بهتر باشد. از نکات مسخره‌ای که به میان می‌آورد معلوم بود که وقایع اخیر افغانستان به دلخواه کرملین بوده است.

کارمندان سفارت روسیه

کازانکین نمی‌دانست که آیا مقام سفارتی روسیه کاپیشین اینجا را ترک کرده است یا نه ولی فردی آقای پلاختی را که یک مشاور سیاسی روسی بود معرفی کرده. کازانکان بدون توضیح گفت که سه مشاور سیاسی روسی در حال حاضر در اینجا حضور دارند و آنقدر مبهم صحبت کرد که بالاخره نتوانستم بفهمم این پلاختی یک مقام سازمان ک.گ.ب است یا خیر. کازانکان اعتراف کرد که از شنیدن این لغت بسیار حیرت زده شده است و وقتی که به خصوص درباره رهبر ک.گ.ب سخن به میان آوردم ظاهراً از تعجب نزدیک بود شاخ در بیاورد و حالت بسیار خنده‌داری بخود گرفت.

کازانکان پیشنهاد کرد بهتر است قبل از اینکه او برای تعطیلات تابستانی اینجا را ترک کند. یکبار دیگر یکدیگر را ببینند ولی زیاد هم اصرار نداشت. ما درباره رفتن به حمام سونا به همراه همسرانمان صحبت کردیم ولی باز هم در این مورد زیاد پافشاری به خرج ندادیم. جی. دی. استمپل

سند شماره (۳۷)

خیلی محرمانه غیرقابل رویت برای بیگانگان
تاریخ و محل: ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۸ - ۲۷ تیر ۵۷.
شرکت‌کنندگان: گوانادی کازانکین - سفارت شوروی، تهران جان دی. استمپل - سفارت امریکا، تهران
موضوع: حقوق بشر، افغانستان و امور سیاسی داخلی ایران
نیت از نهار هنگامی که استمپل از کازانکین دعوت کرد تا اسچارانسکی را به عنوان یک میهمان اضافی همراه خود بیاورد کاملاً تعیین شد.
کازانکین پرسید اسچارانسکی کیست و استمپل گفت او خوشوقت خواهد بود در سر میز نهار این موضوع را به او بگوید. در جریان ملاقات نکات زیر مورد توجه قرار گرفت.

حقوق بشر

استمپل بلافاصله دست به حمله نیمه محتاطانه‌ای درباره سیاست شوروی نسبت به ناراضیان زد. چرا اتحاد شوروی تا این اندازه از روی تعمد موجبات تحریک را فراهم می‌کند؟ آیا کازانکین درک می‌کند که محاکمات اخیر شوروی تا چه اندازه پوچ و بی‌معنی بوده و نتایج معکوسی داشته است؟ کازانکین کوشید

که با یک پاسخ به اندازه کافی محکم سیاسی حمله استمپل را خنثی کند و بگوید که این طرز رفتار شوروی است و آنگاه به سرعت موضوع را به اظهارات اندرویانگ (سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد - م) درباره زندانیان سیاسی در ایالات متحده کشاند. پس از مقدار قابل ملاحظه‌ای بحث ضد و نقیض صحبت درباره حقوق بشر تقریباً محو شد. کازانکین در ایجاد ارتباط بین اظهار نظرهای اندرویانگ و انتقاد آمریکاییان از فعالیتهای مخالفان در شوروی مهارت فوق العاده‌ای از خود نشان داد.

افغانستان

کازانکین که در اواخر سالهای دهه ۱۹۶۰ در افغانستان خدمت کرده بود گفت شورویها یک روش صبر و انتظار نسبت به رژیم جدید (افغانستان) در پیش گفته‌اند، هنگامی که استمپل با لحن خشکی پرسید که آیا مأمور کردن مستشاران شوروی در وزارتخانه‌ها حتی تا سطح نظافتچیهای توالتها یک روش صبر و انتظار است. کازانکین گفت اینها همه کارشناسان فنی هستند و مستشار نیستند. استمپل در مقابل استدلال او قیام کرد و از او خواست تا درباره حدود ۲۴ موافقتنامه اقتصادی که شورویها با حکومت جدید افغانستان امضاء کرده اظهار نظر کند. کازانکین گفت شورویها به افغانستان کمک می‌کنند زیرا آنها احساس می‌کنند که این حکومت بیش از حکومتهای قبلی برای مردم افغانستان کار می‌کند. او گفت مناسبات شوروی با دو رژیم قبلی افغانستان نیز عالی و خوب بوده است.

استمپل خاطر نشان ساخت که در بیشتر محافل درباره فعالیت شورویها در افغانستان مقدار زیادی سوء ظن وجود دارد. کازانکین درباره کسب نظر ایران نسبت به این موضوع پافشاری کرد. استمپل تنها این نکته را گفت که ایرانیان ظنین هستند. کازانکین برنامه حکومت جدید افغانستان را به عنوان یک برنامه خوب (بورژوازی دمکراتیک) توصیف کرد و در مقابل حملات استمپل درباره نفوذ کمونیستی در افغانستان با ناراحتیهای جزئی مقاومت کرد.

سیاست داخلی ایران

در چندین مرحله کازانکین جویای نظریات استمپل درباره صحنه سیاست داخلی ایران شد. استمپل با پیش کشیدن این عذر که اخیراً از مرخصی بازگشته است، تنها این موضوع را گفت که سیستم سیاسی در ایران بازتر می‌شود. کازانکین اظهار نظر او را به عنوان یک استدلال مسخره تلقی کرد و گفت، «اگر تا سال دیگر شاه در میان باشد در همه چیز از سوی دولت تقلب خواهد شد.» استمپل کلمه «اگر» را مورد استناد قرار داده و پرسید کازانکین خبرهایی دارد که طور دیگری تعبیر شود، او گفت آیا شورویها نقشه‌ای درباره ایران طرح کرده‌اند؟ کازانکین گلوی خود را پاک کرده و این شایعه را به استمپل گوش زد کرد که شاه از قرار معلوم دچار سرطان یا یک بیماری دیگر خونی است (این شایعه در بسیاری از محافل رخنه کرده و ممکن است از شوروی الهام گرفته شده باشد).

کازانکین گفت که او شنیده است که ایلات متحده می‌کوشد تا دکتر علی امینی را بار دیگر به نخست‌وزیری برساند. استمپل این موضوع را با یک خرخر استهزائی تکذیب کرد و گفت که ایالت متحده خوشوقت است از اینکه سیستم سیاسی ایران بازتر می‌شود، ولی ایالات متحده کاندیدایی که ترجیح دهد، ندارد.

دیدارکنندگان

استمپل و کازانکین درباره دیدارکنندگانی از کشورهای خود از ایران به بحث پرداختند و این امر بین آنها به صورت مراسم عادی درآمد بود. کازانکین خاطر نشان ساخت که رئیس اتاق بازرگانی شوروی در اواسط ماه ژوئیه به ایران آمده و ایران و اتحاد جماهیر شوروی موافقت کرده‌اند یک اتاق بازرگانی مشترک شوروی و ایران افتتاح کنند. کازانکین ظاهراً درباره دیدار نیوسام معاون وزارت خارجه آمریکا چندان علاقه‌ای نداشت و همچنین درباره اقامت کوتاه مدت یوجین روستوف در ایران. (اظهار نظر: شاید دستگاه اطلاعاتی شوروی درباره حوادث اخیر چندان وارد نبوده است و از سوی دیگر شاید آنها احساس می‌کنند که هرچه را درباره این دیدار لازم دارند، می‌دانند. بی‌علاقگی کازانکین نسبت به این دو دیدار غیر عادی بود).

یادداشت بیوگرافیک

کازانکین قرار است روز دوم اوت برای گذراندن مرخصی به روسیه برود. او خانواده استمپل را برای یک ضیافت نهار و شنا در تاریخ ۲۷ ژوئیه دعوت کرد. (اظهار نظر: مأمور گزارشگر خاطر نشان می‌سازد که این یک اقدام غیر عادی است زیرا کمتر مأمور آمریکایی تاکنون به زرگنده که محوطه تابستانی شورویها است دعوت شده است)، کازانکین همچنین برای دیدن مقالات روز نشریه‌های آمریکایی مانند... (سیاست خارجی) که درباره ایران و خاورمیانه بحث کرده است اظهار علاقه کرد، استمپل قول داد که چند شماره از این نشریه را فراهم کند.

سند شماره (۳۸)

تاریخ: ۷ سپتامبر ۱۹۷۸ - ۱۶ شهریور ۵۷
 از: سفارت آمریکا در تهران
 به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی
 خلاصه: شورویها از بازدید هوا از ایران اظهار نگرانی کرده، امکان قراردادهای نظامی اعلام نشده بین ایران و چین را پیش بینی می‌کنند.

موضوع: اظهار نظر سفارت شوروی پیرامون بازدید هوا از ایران

۱- مقام سیاسی عامل در سر میز شام به همراه یک مقام سیاسی روسی دیگر به نام ولادیمیر گولوفانف (که یک افسر شناخته شده کا.گ.ب است) در ۶ سپتامبر در محل اقا به نام دار فنلاند نشسته بود. پس از گفتگوهای معمولی پیرامون کشورهای درگیر در آشوبها، گولوفانف اصرار داشت نظرات آمریکا را درباره بازدید هوا از ایران در ۲۹ اوت تا اول سپتامبر بداند. مقام سفارت اظهار داشت که این فقط یک گردهم آیی عادی بین دو کشور در رابطه با فعالیت دیگران در منطقه می‌باشد. به نظر ایران روابط با چین می‌تواند به عنوان وزنه‌ای علیه فشارهای احتمالی شوروی و درگیریهایی وی با مخالفین در ایران باشد. گولوفانف نیز موافق بود که بازدید خیلی خوب پیشرفته است و اظهار داشت که روابط با چین می‌تواند وزنه‌ای علیه نفوذ آمریکا در ایران نیز باشد. گولوفانف بعداً پرسید که آیا به نظر یک مقام سفارتی قراردادهای نظامی بین ایران و چین صورت گرفته است یا خیر؟ مقام سفارت جواب منفی داد و گفت که با شرایط کنونی امکان چنین کاری خیلی کم است.

گولووانف پافشاری بیشتری به خرج داده و گفت که ایران ممکن است قدری از صنایع پیشرفته آمریکا را جهت دریافت کمک در ساختن سلاحهای هسته‌ای به چین بدهد. مقام سفارت موضوع این معامله را رد کرد و گفت که موضع ایران در قبال انرژی هسته‌ای تغییرناپذیر است. گولووانف این پا و آن پا کرد و گفت که روسیه از «ایران نمی‌ترسد حتی اگر این کشور ۱۲۰ بمب اتمی» داشته باشد ولی خود ایرانیها ممکن است احتیاج به یک بمب داشته باشند. مقام سفارت این عقیده را غیرممکن اعلام کرده و موضوع عوض شد.

۲- همسر گولووانف که یک زن زیبای بلوند است نیز در ضیافت حضور داشت و انگلیسی را نسبتاً خوب به کار می‌برد. آنها یک فرزند ۱۲ ساله دارند که در حال حاضر در مسکو در حال تحصیل است. خانواده گولووانف پس از صرف دو سال در لبنان و یک سال در شوروی اکنون یک سال و نیم است که به ایران آمده‌اند. قبل از آنها پنج سال را در ایران گذرانده بودند. گولووانف به زبان انگلیسی خوب مسلط است و فارسی را به نحو احسن صحبت می‌کند.

سولیوان

سند شماره (۳۹)

صورت مذاکره
شرکت‌کنندگان: گواننادی کازانکین، سفارت شوروی - تهران جان دی استمپل، سفارت آمریکا - تهران
تاریخ و محل: ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۸ - ۲۰ شهریور ۵۷، رستوران بریج هتل

موضوع: حوادث اخیر در ایران

کازانکین یک هفته قبل پس از بازگشتن از مرخصی در روسیه، دو هفته قبل از موعد به من تلفن کرده بود. او می‌خواست که ما هرچه زودتر با یکدیگر ملاقات کنیم «برای شنیدن نظریات شما» ولی من این ملاقات را یک هفته عقب انداخته بودم.

او از من خواست تا درباره تحولات در زمانی که او «غایب» بوده است گزارش دهم. من به سبک نگارش یک روزنامه حوادث را برای او تا زمان تغییر دولت و اعلام حکومت نظامی شرح دادم. او چندین بار با اصرار هرچه بیشتر جوای نظریات من درباره اوضاع جاری شد و من در پاسخ گفتم که از قرار معلوم دولت با حکومت نظامی خود اوضاع را تحت کنترل دارد. من آنگاه اعلامیه آسوشیتدپرس را درباره پیام تلفنی کارتر به شاه به او دادم و این امر اثر انفجار یک بمب در او را داشت، او دچار وضع نامعلومی شده بود و هنگامی که من از او پرسیدم که برژنف چه وقتی در نظر دارد چنین پیام تلفنی به او بدهد با حالتی طنزآمیز به من پاسخ نداد.

او در حالی که می‌کوشید عواقب پیام کارتر را به دقت مورد توجه قرار دهد گفت شورویها شاه را کلید اوضاع می‌شمارند و معتقدند که مخالفان «چندان قدرتی را تشکیل نمی‌دهند» در پاسخ به پرسش من درباره دست داشتن کا.گ.ب در آشوبهای اخیر او خندید و گفت اینهم نظیر شایعاتی است که درباره مداخلات سیا در دولت پخش می‌شود. او گفت ما قبول داریم که شاه نیرومند است به ویژه اکنون که شما از او پشتیبانی می‌کنید» (اظهار نظر: اشاره او حاکی از آن بود که مکالمات تلفنی بین کارتر و شاه یک موضوع غافلگیرکننده بود و اینکه آنها قبلاً متوجه شده بودند که ما پشتیبانی رسمی از آنها نمی‌کنیم).

کازانکین چنان عجله داشت به سفارت برگردد که ما صرف نهار را اندکی زودتر به پایان رساندیم،

یعنی قبل از آنکه او درباره کنفرانس سران کمپ دیوید سؤالاتی کرده باشد. معذک او پرسید که علی امینی، وزیر دربار خواهد شد یا خیر و آنگاه به شوخی گفت که شاه باید آیت‌الله خمینی را به این سمت تعیین کند. من با صراحت اعلام داشتم که علی امینی یک کاندیدای منطقی برای وزارت دربار نیست. هنگام خداحافظی کازانکین اظهار ناراحتی کرد از اینکه من در این ملاقات ۱۵ دقیقه دیرتر از وقت آمده‌ام و چندین بار به من اصرار کرد که قرار ملاقاتی را برای ۲ یا ۳ هفته بعد بگذارم.

من بالاخره موافقت کردم که بار دیگر در تاریخ دوم اکتبر با او ملاقات کنم و در صورتی که دلیلی برای اینکه این کار را نکنم وجود نداشته باشد، این ملاقات را لااقل یک یا دو هفته به تعویق خواهم انداخت. جی. دی. استمپل

سند شماره (۴۰)

صورت مذاکرات
شرکت‌کنندگان: گواننادی کازانکین - سفارت شوروی، تهران جان. دی. استمپل - سفارت آمریکا، تهران
تاریخ و محل: ۱۳ نوامبر ۱۹۷۸ - ۲۲ آبان ۵۷، رستوران بریج استریت
موضوع: اوضاع ایران

کازانکین نسبت به دفعات گذشته اندکی افسرده‌تر بود شاید به علت آنکه به تازگی از بیمارستان خارج شده و دچار فشار خون و تپش قلب بوده است. موضوعات جالب زیر در میان گذاشته شدند:

اوضاع کنونی ایران: ما با یکدیگر توافق داشتیم که حکومت نظامی ظاهراً نظم و قانون را مجدداً مستقر کرده است، کازانکین گفت اتحاد شوروی امیدوار است اوضاع ایران به وضع ثابتی برسد. تحویل گاز طبیعی از طریق خط لوله به علت اعتصاب متوقف شده بود. او آنگاه این نظریه رسمی شوروی را عنوان کرد که ایالات متحده برای کمک به شاه به اندازه کافی کار نمی‌کند. من در مقابل از او پرسیدم که شورویها برای مهار کردن حزب توده که در آشوبهای اخیر فعالیت داشته است چه کاری انجام داده‌اند. او با یک قیافه جدی گفت که سیاست سفارت این است که هیچ‌گونه تماس رسمی با حزب توده نداشته باشد. هنگامی که او می‌خواست در یاسالار ترنر رئیس سیا را به خاطر اینکه شوروی را به مداخله در ایران متهم کرده بود مورد حمله قرار دهد من به زحمت جلوی خنده خود را گرفتم. من به مدت سه دقیقه به حرفهای او که به شدت دیگر پخار از زبان او خارج می‌شد گوش کردم و گفتم دشوار است از اینکه درباره دخالت شوروی با توجه به آنچه که در هفته قبل اتفاق افتاده بود ظنن نشویم. ما با توافق متقابل این موضوع را کنار گذاشتیم. کازانکین جوایب نظریه ایالات متحده درباره اوضاع کنونی با ارتباط به قیمت نفت او یک شد و من اعلام داشتم که چیزی در این باره نمی‌دانم ولی حدس می‌زنم که قیمت نفت او یک بین پنج تا هشت درصد بالا رود. کازانکین به طور روشنی در پی اطلاعات درباره مخالفان رژیم می‌گشت ولی هیچ‌گونه پاسخی از من نشنید، معذک هنگامی که او نام خمینی را برد، من خاطر نشان ساختم که آیت‌الله، اتحاد شوروی و همچنین انگلیس و ایالات متحده را مورد حمله قرار داده است. او ظاهراً در این باره علاقه زیادی نشان داد و از من پرسید که آیا می‌توانم گزارشی از اخبار درباره فعالیت‌های خمینی به او بدهم.

موقعیت روسها در ایران

کازانکین گفت که حوادثی بر ضد روسها در ایران اتفاق نمی‌افتد، هرچند بعضی از آنها در خیابانها اوراق ضد شاه و ضد خارجی بدست آورده بودند. مدرسه روسها همچنان باز است، هرچند کارمندان شوروی از اینکه در خیابانها در جریان اعتصابات دیده شوند نگرانند. در پاسخ به سؤال من او گفت در ایران ۵۰۰۰ نفر از اتباع شوروی که شامل خانواده‌های آنها نیز می‌شود وجود دارند. او ظاهراً درباره نشنیدن حوادث ضدآمریکایی علاقه نشان می‌داد ولی من وارد جزئیات نشدم و صرفاً گفتم که آمریکاییان مانند دیگران اوراق ضد خارجی دریافت کرده‌اند.

دیدارکنندگان آمریکایی

وقتی که نهار داشت تمام می‌شد، کازانکین قطعه روزنامه‌ای درباره دیدار اخیر دونکان معاون وزارت دفاع و کوپر معاون وزارت امور اقتصادی به من نشان داد و درباره این دیدارها از من پرس و جو می‌کرد. من در پاسخ گفتم که دیدار دونکان برای آن بوده است که ما درباره نقشه‌های ایران جهت بدست آوردن سلاحهایی در آینده اطلاع حاصل کنیم. او به طور وضوح می‌خواست نتایج مذاکرات را بداند و همچنان مرا تحت فشار قرار داده و می‌پرسید بعد چه شد؟ من در پاسخ گفتم که از جزئیات اطلاع ندارم ولی معتقدم که خرید بعضی از اقلام به تأخیر خواهد افتاد. او حواس خود را جمع کرد و می‌خواست بداند که آیا «آواکس» هم جزء آنها هست یا خیر ولی از من جوابی نشنید. در مورد دیدار کوپر من به او گفتم که این دیدار فرصتی بود برای مبادله نظریات درباره مسائل مالی جهانی و هیچ‌گونه برنامه‌ای یا قراردادی از این مذاکرات حاصل نشده است. او با این بیان «که من حقیقت را نمی‌گویم» درباره سخن اظهار شک کرد و من تنها به گفتن این نکته اکتفا کردم که «گوانتادی آیا من به شما دروغ می‌گویم؟».

هنگامی که پس از صرف نهار وارد خیابان شادیم تعداد زیادی از اتومبیلها به ما نزدیک شدند و کازانکین گفت برای او در جریان تظاهرات کار بسیار آسان است و او می‌تواند داد بزند «شوروی». من از او پرسیدم که آیا این بدان معنی است که او را خواهند بوسید یا به او لگد خواهند زد. او کمی خندید و به من نگاه کرد. گویی من چیزی را می‌دانستم که او نمی‌داند ولی چیزی نگفتم. جی. دی. استمپل

سند شماره (۴۱)

۱۴ نوامبر ۱۹۷۸ - ۲۳ آبان ۵۷

سری

حضور شوروی در ایران

۱- مجموعه موقعیتهایی که توسط دولت ایران برای پرسنل آژانسهای حکومت شوروی ایجاد شده بود به ۳۲۵ فقره بالغ می‌گردد. لیکن برآوردهایی شده که نشان می‌دهد در سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۷۷ این موقعیتهای به تعداد ۲۵ فقره افزایش یافته است و چون این رقم شامل وابستگان نمی‌شود، ۳۵۰ نفر به عنوان همسر و ۱۰۰ نفر به عنوان فرزندان این پرسنل باید در نظر گرفته شوند که در نتیجه رقم کلی را به ۸۰۰ می‌رساند. جدول زیر با در نظر گرفتن محل آژانس گسترش حضور مقامات شوروی در ایران را نشان می‌دهد.

تهران

سفارت شوروی
دفتر سفارت ۷۳ نفر
بخش کنسولی ۷۰ نفر
دفتر وابسته نظامی ۸ نفر
دفتر کنسول اقتصادی ۲۶ نفر
نمایندگی تجاری شوروی ۶۶ نفر
بیمارستان شوروی ۶۶ نفر
خبرگزاری تاس ۲ نفر
هوایمای اروقلوت ۴ نفر
اینگستراخ (شرکت بیمه حکومت شوروی ۵ نفر
بانک ایران و روس ۵ نفر
ایرسات (شرکت سهامی ایران و روسیه) ۹ نفر
جمع حاضر در تهران ۲۷۱ نفر

آستارا

نمایندگی تجاری روسیه ۳ نفر
شرکت سهامی ایران و روسیه ۲ نفر

اصفهان

سرکنسولگری شوروی ۱۳ نفر
بانک ایران و روسیه ۲ نفر

رشت

سرکنسولگری شوروی ۱۰ نفر
نمایندگی تجاری شوروی ۱ نفر
اینگستراخ ۱ نفر

مشهد

اینگستراخ ۱ نفر

بندر پهلوی

موروفلوت (آژانس تجاری دریایی) ۳ نفر
شرکت سهامی ایران و روسیه ۷ نفر

نمایندگی تجاری روسیه ۲ نفر

جلفا

شرکت سهامی ایران و روسیه ۷ نفر

نوشهر

شرکت سهامی ایران و روسیه ۲ نفر

جمع کل افراد در خارج از تهران ۵۴ نفر

جمع کل افراد در ایران ۳۲۵ نفر

۲- وظیفه برنامه کمک نظامی شوروی در ایران این است که به ایرانیان در مورد استفاده و تعمیر توپخانه، وسایل حمل و نقل و تجهیزات مهندسی که از طریق شوروی در اختیار نیروهای ایران قرار داده می شود آموزش داده شود. در حال حاضر احتمالاً حدود ۱۲۰ متخصص نظامی تحت این پروژه به مناطقی از ایران از قبیل کارخانه بابک (تعمیر و نگهداری وسایل نقلیه در حومه تهران)، مرکز توپخانه اصفهان، و گروه لجستیکی نیروی زمینی سلطنتی، به کار مشغول هستند. تحت پوشش همین پروژه گروهی از متخصصین خانه های پیش ساخته نیز در تهران، کرمانشاه، اهواز، و جلفا اسکان داده شده اند.

۳- دفتر کنسول اقتصادی، که ظاهراً وابسته به سفارت شوروی است ولی در حقیقت تابع کمیته دولتی روابط اقتصادی خارجی GKES در مسکو می باشد، دفتر ناظر بر تمام پروژه ها (اقتصادی و نظامی شوروی) در ایران است. کنترل همه متخصصین و پروژه های روسی در ایران از طریق یک گروه مدیریتی در GKES (تهران) که حدود ۱۰۰ نفر کارمند روسی (که شامل ۲۶ نفر عضو سفارت نیز هست) دارد، صورت می گیرد. پروژه های تحت نظارت این دفتر فعالیت وسیع ایران و روسیه را که شامل بانکداری، بیمه، کارخانه ذوب آهن، گاز و نفت، نیروگاهها، اکتشافات معادن و منابع، معادن زغال سنگ، شیلات، سیلوهای گندم، سردخانه، برقی کردن راه آهن، پروژه خانه های پیش ساخته، و مراکز آموزشهای حرفه ای می باشد دربر می گیرد. فهرست زیر نشانگر ارقام پرسنلی طرحهای شوروی و تغییرات و توسعه آنها از زمان تهیه آخرین گزارش (الف ۱۷۵ نوامبر ۱۹۷۷، ضمیمه الف) می باشد.

کارخانه ماشین آلات اراک: حدود ۴۵ نفر متخصص روسی در اینجا به کار مشغول هستند. دو کارخانه دیگر نیز قرار است احداث شود که سبب افزایش تعداد پرسنل روسی می گردد. معادن زغال سنگ: تا دسامبر ۱۹۷۵ پرسنل روسی مشغول به کار در معادن زغال سنگ بالغ بر ۴۱۰ نفر بود.

سردخانه ها

تا ژانویه ۱۹۷۶ تعداد ۷۶ متخصص روسی در ۵ سردخانه مشهور به کار مشغول بودند و گمان نمی رود که در تعداد آنها تغییری داده شده باشد.

شیلات

۴۴ نفر متخصص روسی در شیلات ایران و روسیه به کار مشغول هستند.

خط لوله گاز و نفت

در دسامبر ۱۹۷۵ یک قرارداد در رابطه با گاز توسط ایران، آلمان غربی و روسیه به امضاء رسید، برای احداث خط لوله احتیاج به ۲۰۰ نفر از پرسنل روسی بود، تا این تاریخ هنوز معلوم نشده است که چند نفر جهت احداث این خط لوله که شامل هشت ایستگاه خط لوله گازی است که به کار مشغول هستند.

سیلوهای گندم

در سال ۱۹۷۵ چهار سیلوی گندم افتتاح گردید (نیام، شاهگرد، داراب، و بردیجان) سه سیلوی دیگر در حال ساختمان است (ساری، سمنان و فسا)، و سه نقطه دیگر نیز انتخاب شده است. تنها رقم مربوط به متخصصین روسی مشغول به کار در این طرحها که موجود است رقم ۲۵ می باشد.

پروژه‌های خانه‌سازی

در سپتامبر ۱۹۷۶ حدس زده می شد که ۱۵۰ متخصص روسی در کارگاههای خانه‌های پیش ساخته که بزرگترین آنها پروژه خانه‌های پیش ساخته آریاشهر در اصفهان است، به کار مشغول باشند. متخصصین نظامی روسیه نیز در پروژه‌ای برای ایجاد خانه‌های پیش ساخته برای نیروهای مسلح ایران در تهران کار می کردند. در اواخر ۱۹۷۶ یا اوایل ۱۹۷۷ قرار بود پروژه‌هایی در اهواز و تبریز دنبال شود، که سبب می شود رقم متخصصین شوروی در این زمینه به ۲۰۰ برسد.

معادن

تعداد متخصصین روسی که به عنوان مشاور و تکنسین در صنعت معادن یا محققین منابع یا جستجوگر به کار مشغول هستند به ۱۸۰ نفر می رسد.

نیروگاهها

علاوه بر نیروگاهی که در اهواز وجود دارد، ساختمان یک نیروگاه در اصفهان نیز آغاز شده است. پروژه دوم گویا بعد از شش سال تکمیل خواهد شد. تنها رقم موجود پرسنل روسی در رابطه با این پروژه ۲۲۹ نفر می باشد.

راه آهن

به طور تقریبی مجموع ۱۵۲ متخصص روسی در تبریز و مرند اسکان یافته اند، حدس زده می شود که سرانجام به منظور تکمیل همین پروژه حدود ۵۰۰ نفر پرسنل روسی به اینجا وارد شوند.

کارخانه ذوب آهن

کارخانه ذوب آهن آریامهر اصفهان بیشترین رقم متخصصین روسی را به خود جذب کرده است که رقم ۱۵۸۶ می‌باشد. در اوایل ۱۹۷۸ بررسی برای توسعه کارخانه انجام گرفت که این رقم را به ۱۶۴۰ نفر می‌رساند

مراکز آموزش حرفه‌ای

تعداد ۷۰ نفر متخصص روسی در ۱۶ مدرسه آموزش حرفه‌وفن که به طور مشترک به وسیله شوروی و وزارت آموزش و پرورش ایران اداره می‌شود وجود دارد.
۴- باید خاطر نشان ساخت که تعداد متخصصین شوروی در ایران دائماً دستخوش تغییر است. با این وصف با استفاده از ارقام موجود و یا تعداد تقریبی پرسنل روسی در پروژه‌های متعدد نظامی و اقتصادی جمع کل افراد به ۳۵۰۰ متخصص روسی می‌رسد. در صورتی که این رقم را با در نظر گرفتن همسران دو برابر کرده و تعداد پرسنل رسمی شوروی یعنی ۸۰۰ نفر را نیز به آن اضافه کنیم جمع کل افراد روسی حاضر در ایران قریب ۸۰۰۰ نفر می‌شود. در حالی که این رقم بسیار محافظه کارانه ارائه شده، ولی بیانگر افزایش تعداد پرسنل نسبت به سال قبل می‌باشد.

سند شماره (۴۲)

تاریخ: ۲۲ نوامبر ۷۸ - ۱ آذر ۵۷
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن
به: سفارت آمریکا در تهران با اولویت

موضوع: نامه برژنف

مطالب مطبوعاتی زیر در ۱۹ نوامبر تهیه گردیده است. در جلسه توجیه ظهر استفاده نشده است. پایگاه به هر نحو که بخواهد می‌تواند از آنها استفاده نماید.

سؤال: آیا آمریکا طرحی اضطراری در صورت سقوط دولت شاه دارد؟ جواب - هر یک از سفارت‌های آمریکا طرح‌های اضطراری جهت حراست از آمریکایی‌های مقیم در خارج در صورت بروز اتفاقات دارند. یک چنین طرحی نه تنها در تهران بلکه در هر یک از دیگر پایتخت‌های جهان وجود دارد. ما هنوز اقدامی در جهت به کار گرفتن چنین طرحی در ایران انجام نداده‌ایم.

سؤال: ولی آیا آمریکا طرحی اضطراری در دست دارد که بتواند از طریق آن بقای شاه را تضمین نماید؟ جواب: همانگونه که رئیس‌جمهور ابراز داشته‌اند، ما در نظر نداریم که در امور داخلی هیچ‌یک از کشورها مداخله کنیم. ما خاطر نشان می‌سازیم که شاه در یکی از مصاحبات مطبوعاتی اخیر خود گفته است که از کشورهای دوست می‌خواهد که در امور داخلی به خاطر او مداخله نکنند.

سؤال: از مداخله شوروی در ایران چه می‌دانیم؟

جواب: رئیس‌جمهور در ۱۳ نوامبر به این سؤال پاسخ داد. وی گفت: «ما دلیلی در دست نداریم که نشان بدهد که روسها مایل به سرنگونی سازمان حکومتی کنونی ایران و یا منبع خشونت در این کشور باشند.» به نظر من آنها می‌دانند که دارای مرزی مشترک و طولانی با ایران هستند و یک کشور با ثبات با هر رهبری که باشد برایشان خیلی مهم است. «ممکن است این وضع تغییر یابد. در صورتی که روشن شود که

شاه سقوط خواهد کرد و نیروهای دیگری قدرت را به دست خواهند گرفت. روسیه نیز ممکن است موضع خود را تغییر بدهد. ولی برداشت کنونی ما این است.»

سؤال: بیانیه درباره اعطای آزادی در ایران سخن نمی‌گوید بلکه از حمایت از تلاش شاه برای ایجاد نظم و آرامش در داخل صحبت می‌کند. آیا این نشانگر تغییر در سیاست آمریکاست؟

جواب: حمایت ما از تلاش شاه برای اعطای آزادیهای سیاسی در ایران شهرت دارد. در مواقع مختلف رئیس‌جمهور و وزیر خارجه ونس به کرات درباره این موضع سخن گفته‌اند. بیانیه وزیر خارجه در ۱۹ نوامبر نشان‌دهنده تغییر در سیاست آمریکا نیست.

سؤال: آیا بیانیه آمریکا درباره ایران با بیانیه برژنف ایراد شده بود؟ جواب: بله.

سؤال: آیا از خط مستقیم استفاده شده است یا اینکه رئیس‌جمهور به طریقی دیگر با برژنف درباره ایران تماس گرفته است؟ جواب: درباره وسایل ارتباطی رئیس‌جمهوری نباید اظهار نظر کرد.

سؤال: چرا در آن موقع برژنف این بیانیه را ابراز داشته است؟

جواب: ما صلاحیت نداریم که درباره اقدامات شورویها اظهار نظر نماییم.

سؤال: برای حفظ منافع خود در ایران، آمریکا در نظر دارد چه اقداماتی را «انجام داده و دنبال کند»؟

جواب: بیانیه روشن می‌کند که ما مشکلات ایران را یک موضوع داخلی می‌دانیم. بدون اینکه در امور داخلی ایران مداخله کنیم، سعی داریم همکاری و تعاون خود را به میزان وسیعی با ایران حفظ کرده، گسترش دهیم. این منافع دربرگیرنده برنامه‌های رسمی همکاری، در زمینه سیاسی و دفاعی و نیز در رابطه با تعداد زیادی پروژه‌هایی است که شرکتهای خصوصی آمریکایی در ایران دارند. کریستوفر

سند شماره (۴۳)

تاریخ ۲۳ نوامبر ۷۸ - ۲ آذر ۵۸

سری

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن به: همه قرارگاههای دیپلماتیک خاور نزدیک و آسیای جنوبی

موضوع: ارزیابی موضع‌گیری و مقاصد شوروی درباره اوضاع ایران

۱- مطالب زیر یک تجزیه و تحلیل اطلاعاتی و پژوهشی درباره موضع‌گیری و مقاصد شوروی نسبت به اوضاع ایران است. شما می‌توانید در مکالمات خود با حکومت‌های میزبان در صورت اقتضاء از این تجزیه و تحلیل سود بجوید. شما در بحث‌های خود باید ارزیابی و نظرات حکومت میزبان را درباره انگیزه‌ها و برداشتهای شوروی جویا شوید.

۲- آغاز متن. مقدمه اظهارات برژنف درباره ایران در روز یکشنبه تأکید بر نگرانی فزاینده اتحاد شوروی نسبت به حوادث ایران و بلا تکلیفی درباره تدابیری که ایالات متحده ممکن است در نظر گرفته باشد، دارد. تعیین زمان اظهارنظرهای برژنف این عقیده را القاء می‌کند که این اظهارات برای خنثی کردن بازیهای مطبوعاتی اخیر غربی درباره دخالت‌های شوروی در کوبا بوده است و منعکس‌کننده حساسیت شوروی درباره هرگونه اظهار عقیده‌ای است که اتحاد جماهیر شوروی در آشوبهای کنونی ایران دست دارد. ما احساس می‌کنیم که در حالی که شورویها ممکن است وسوسه شوند تا مداخله کنند، آنها دچار بی‌تصمیمی هستند و احتمالاً همچنان به دفع‌الوقت مشغولند.

۳- اظهارات برژنف. ما معتقدیم که اخطار برژنف منعکس‌کننده نگرانی واقعی شوروی بر سر اوضاع

ناپایدار که در مرزهای جنوبی آن حاکم است و همچنان ادامه دارد، نیست. این اخطار ممکن است یکنوع هشدار نه چندان زیرکانه به واشنگتن باشد مبنی بر اینکه اتحاد جماهیر شوروی مانند ایالات متحده منافع مشروع امنیتی در مرزهای جنوبی خود دارد، ولی از لحاظ سنتی خویشتن‌داری قابل ملاحظه‌ای نشان داده است و انتقادهایی از درگیریهای ایالات متحده در ایران نشان داده است و این امر برخلاف روش ایالات متحده نسبت به کوبا است. تأکید بر ژنرال بر این نکته که آشوبهای ایران یک امر داخلی بوده و اتحاد شوروی با مداخله یک قدرت خارجی در امور داخلی یک کشور دیگر مخالف است؛ شاید به منزله کوششی از سوی شورویها برای فاصله گرفتن علنی از اوضاع باشد تا بدین ترتیب از اتهامات مبنی بر درگیری شورویها بکاهد.

۴- واکنش شوروی در مورد آشوبها. تا همین اواخر ما از بی‌سروصدایی شوروی درباره آنچه که در ایران اتفاق می‌افتد در حیرت فرو رفتیم. تا اواخر اکتبر انعکاس مسائل مربوط به ایران در رسانه‌های گروهی شوروی محدود به اظهارات ملایم حاکی از همدردی نسبت به مخالفان و وضع فلاکت‌بار ایرانیان متوسط‌الحال و بحثهایی درباره مشکلات اجتماعی و اقتصادی ایران بوده است. تنها مورد مهم استثنایی، مصاحبه روزنامه پراودا با رئیس حزب توده بوده است، ولی حتی این مصاحبه نیز در انتهای بحث دیگری قرار گرفته و تقصیر حوادث ایران به گردن ساواک و ناراضایی عمومی نسبت به سیاستهای شاه گذارده شده است. از اواخر ماه اکتبر در رسانه‌های گروهی شوروی مسئله پشتیبانی آمریکا از شاه مورد بحث قرار گرفته و از حکومت نظامی در ایران انتقاد شده است. تفسیر شوروی حادثه و انتقاد آمیزتر شده است. معذالک رسانه‌های گروهی شوروی هنوز به شاه حمله نکرده و از مخالفان او علناً پشتیبانی نکرده‌اند. ما معتقدیم که این خویشتن‌داری در ابتدا در نتیجه اعتقاد شوروی به این امر بوده است که با توجه به ماهیت چند پارچه مخالفان شاه و پشتیبانی دستگاه نظامی و ایالات متحده شاه خواهد توانست بقای خود را حفظ کند ولی اخیراً لحن خشن‌تر شورویها این اندیشه را القا می‌کند که موقعیت شاه ناامن‌تر شده است. ۵- پشتیبانی از مخالفان. ما هنوز مدرکی در دست نداریم، تا از نسبتها و اتهامات حجیمی مبنی بر اینکه شورویها از مخالفان مذهبی یا چپ‌گرایان حمایت می‌کنند، پشتیبانی کنیم. گزارشهای مربوط به نقش و انتقالات سربازان شوروی در مرز ایران و حمل قاچاق اسلحه به ایران براساس شواهدی که در دست داریم مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. ما در این باره از نزدیک مراقب اوضاع هستیم. ما شواهدی مبنی بر اینکه مسکو می‌کوشد تا آشوبهای ایران را از طریق حزب توده تشدید کند در دست نداریم، هر چند با توجه به قبول حزب توده از سوی دانشجویان ایران این حزب، ممکن است هوس چنین کاری را داشته باشد. رهبری حزب توده همچنان در آلمان شرقی مستقر است و چنین تصور می‌شود که تقریباً تماماً تحت کنترل شوروی است. معذالک ما درباره دامنه کنترل رهبران تبعیدی حزب توده بر اعضای خود که هنوز در ایران هستند اطلاعی نداریم، ولی معتقدیم که این کنترل برای اینکه به میزان مطلق برسد راه طولانی در پیش دارد. اگر مسکو تصمیم گرفته باشد که شیوه‌ای با مشارکت حزب توده اتخاذ کند، در این صورت اتحاد شوروی ممکن است خویشتن‌داریهای سابق را در مورد حزب توده کنار بگذارد و تا آن اندازه پیشروی کند که همکاری حزب توده را با خمینی و سایر رهبران مخالف تشویق کند، تا از عنوان شدن شیخ خطر سرخ در ایران اجتناب کند. مسکو ممکن است امیدوار باشد که حزب توده در آینده راهی برای نفوذ پیدا کند.

۶- مقاصد شورویها. اوضاع ایران شوروی را بر سر یک دو راهی قرار داده است؛ الف - ادامه ناآرامی یا سقوط شاه ممکن است فرصتهای جدیدی را برای اتحاد شوروی در خلیج فارس ایجاد کند.

ب - ولی اتحاد جماهیر شوروی نمی‌خواهد در مرزهای آن بی‌ثباتی حکم فرما شود؛ مبادا این بی‌ثباتی به آسیای میانه شوروی سرایت کند و بدین جهت شوروی جانشینان احتمالی شاه را به ویژه اگر نظامیان محافظه کار یا حکومت اسلامی باشند، به عنوان یک عامل ایجاد خطر در مناسبات کاری و جاری بین مسکو و تهران که ظرف ۱۰ سال اخیر به وجود آمده و شامل واردات گاز از ایران و سایر پیوندها است، تلقی می‌کند.

روی هم رفته ما معتقدیم که آنچه که شوروی ترجیح می‌دهد این است که یک سلطنت مشروطه ضعیف در ایران لاقلاً برای آینده کوتاه مدت برقرار شود. این تا اندازه‌ای ثبات را تأمین خواهد نمود، ولی جاه‌طلبی‌های نظامی شاه را محدود خواهد کرد و بدین ترتیب راه‌گشای نفوذ شوروی در ایران و منطقه شاید از طریق حزب قانونی توده خواهد بود.

به هر صورت شورویها همچنان به استفاده از احساسات ضدآمریکایی چه در جناح راست و چه در جناح چپ خواهند پرداخت. به غیر از این مطلب ما انتظار داریم که شورویها دست به بازی صبر و انتظار بزنند و ما شک داریم که شورویها در حال حاضر هرگونه درگیری مستقیم را به علت خطرات و هزینه‌ای که ممکن است در بر داشته باشد در نظر بگیرند. ونس

سند شماره (۴۴)

فعالیت نیروی دریایی شوروی در اقیانوس هند

۱- یگان دریایی روسی مستقر در اقیانوس هند مرکب است از ۲۱-۱۸ کشتی که شامل یک زیردریایی، سه یا چهار ناو جنگی دریایی، یک کشتی دارای قابلیت تهاجمی زیاد، و یک یا دو کشتی مین جمع‌کن و ۱۲-۸ کشتی پشتیبانی می‌باشد (جدول ۱: حضور جنگی نمونه شوروی).
- اکثر این کشتیها از نیروی دریایی شوروی در ولادی وستوک اقیانوس آرام به اینجا آورده شده‌اند تا مدت ۵ یا ۶ ماه به انجام وظیفه در اقیانوس هند بپردازند.

- علاوه بر اینها، بعضی از کشتیهای نیروی دریایی روسیه در غرب برای مدت زمانی خاص به این یگان می‌پیوندند و با کشتیهای اقیانوس آرام تعویض می‌شوند، در این مورد کشتی وی/استول مینسک که به این یگان به همراه سه کشتی مربوط به خود پیوسته بود در بهار امسال به مدت چند هفته انجام وظیفه بنماید صدق می‌کند. کشتی مینسک از آن زمان سفر خود به ولادی وستوک را به پایان رسانده است. (سری)
۲- در سال ۱۹۶۸ نیروی دریایی شوروی حضور مداوم خود در اقیانوس آرام را آغاز کرد. این حضور به تدریج تا سال ۱۹۷۲ افزایش یافت که به طور میانگین تعداد ناوهای این کشور بین ۲۱-۱۸ بالغ می‌گردید که حتی در مواقع عادی نیز این رقم پایین نرفته است.

- عملکرد این یگان در منطقه در رابطه با عملیات مخصوص به طرز فاحشی افزایش یافته است، مثلاً در جنگ هند و پاکستان در سال ۱۹۷۱ این یگان در جمع‌آوری مینها و عملیات خرابکارانه در بندر چیتاگونگ بنگلادش شرکت داشت. علاوه بر اینها تعداد ناوهای این یگان در طول جنگ خاورمیانه در

۱۹۷۳ افزایش یافت و پس از آن به گردآوری مینهای اسرائیلی در کانال سوئز پرداخت. در یک برهه از زمان در اوایل سال ۱۹۷۸، زمانی که تجهیزات نظامی گسترده‌ای به اتیوپی در جنگ علیه سومالی جهت کنترل اوگادن فرستاده می‌شد تعداد ناوهای این یگان در اقیانوس هند به رقم ۳۱ ناو رسید. (سری)

۳- به دلیل جنگ بین اتیوپی و سومالی ناوهای شوروی در سال ۱۹۷۸ از نظر مدت زمانی ۱۸ درصد بیشتر از ۱۹۷۷ در اقیانوس هند ماندند. همانطور که در این جدول آمده (جدول ۲ را نشان دهید): مدت زمانی که در سال ۱۹۷۴ ناوهای شوروی در اقیانوس هند ماندند بیشترین میزان را داراست که بیشتر به خاطر اشتغال این یگان در جمع‌آوری مینها و عملیات خرابکاری در بنگلادش و سوئز می‌باشد.

۴- همانطور که این جدول نشان می‌دهد (جدول شماره ۳ را نشان دهید)، مدت زمانی که ناوهای شوروی در خارج از حوزه خود اقامت داشتند، نیروی دریایی شوروی ۵۰۰۰۰ روز ناوی را در هر سال خارج از شوروی صرف می‌کند. (ما هر ناو نیروی دریایی شوروی را که از آبهای شوروی خارج شود یک روز ناوی حساب می‌کنیم) به طور کلی تعداد روزهای مصرف‌شده در سال ۱۹۷۸، ۴ درصد بیش از سال ۱۹۷۷ بوده است. (سری)

۵- همچنین متوجه خواهید شد که اقیانوس هند از نظر حضور نیروی دریایی روسیه در آن رتبه سوم را در میان مناطق جهان کسب کرده است. بیشترین تعداد ناوها که حدود ۴۵ ناو است در هر روز در دریای مدیترانه به کار مشغول هستند. تعدادی از ناوها نیز به آبهای شمالی و مرکزی آتلانتیک و اقیانوس هند و اقیانوس آرام گسیل می‌شوند. تعداد کمتری نیز به آبهای آفریقای غربی فرستاده می‌شوند که حدود ۷ تا ۵ ناو را تشکیل می‌دهد گرچه در حال حاضر تعداد ۱۲ ناو در این مناطق دیده شده است. (سری)

۶- قسمت اعظم یگان اقیانوس هند در حال حاضر در دریای سرخ و خلیج عدن مستقر می‌باشد. بعضی از این کشتیها به حمل تجهیزات نظامی به اتیوپی کمک می‌کنند ولی این یگان قسمت اعظم اوقات خود را در لنگرگاهها صرف می‌کند. (سری)

۷- روسها دسترسی به تسهیلات بندری در تعدادی از کشورهای واقع در حوزه اقیانوس هند داشته‌اند که از مهمترین آنها می‌توان بنادر تشکیل شده در سومالی از سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۷ را نام برد (جدول شماره ۴ را نشان دهید: نقشه اقیانوس هند).

- از زمان اخراج از سومالی، یگان دریایی شوروی اغلب اوقات به استفاده از عدن، جنوب یمن، جزیره ضحک از کشور اتیوپی و یک لنگرگاه در مجاورت یمن جنوبی به نام جزیره سوکوتورا پرداخته است. - علاوه بر این، این ناوها اکثراً به بندری از قبیل: ام‌قصر در عراق، ماپوتوو ناسالا در موزامبیک، بندر لوئیس در موریتوس، و ویکتوریا در سی‌شلز به سر می‌برند.

- در اقیانوس هند نیروی دریایی روسیه مانند دیگر مکانها از نظر لجستیکی متکی به ناوچه‌های رابط و کشتیها تجاری مربوطه می‌باشد. به خاطر پیگیری از چنین سیاست است که بیش از نیمی از یگان مستقر در اقیانوس هند مرکب از کشتیهای نفتکش، کشتیهای بادی، کشتیهای تعمیرگاه و دیگر کشتیهای پشتیبان می‌باشد. (سری)

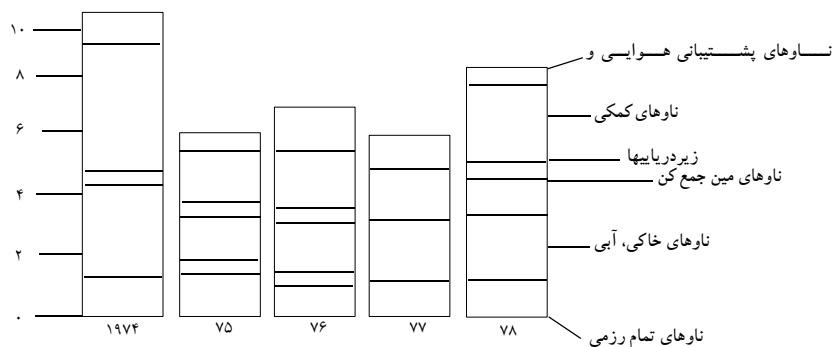
۸- از اواخر سال ۱۹۷۸، هواپیماهای شناسایی نیروی دریایی روسیه سه بار به عدن و یمن جنوبی رفته‌اند تا از طریق آنها به پروازهای شناسایی بر فراز اقیانوس هند اقدام نمایند. (سری)

جدول ۱ - حضور رزمی عادی شوروی مدیترانه*

	Mediterranean	اقیانوس هند	افریقای غربی
زیردریاییهای مجهز به سلاحهای هدایت شونده	(۲) —		
زیردریاییهای اژدر افکن	(۶) ●	●	●
ناوهای رزمی با ظرفیت بیش از ۱۰۰۰۰ تن	■	■	
ناوهای رزمی با ظرفیت ۱۰۰۰۰ - ۳۱۰۰ تن	(۳) □	□	□
ناوهای رزمی ۳۰۰۰ تنی	(۲) ※	(۲) ※	
ناوچه‌های مین یاب	(۲) ○	(۲) ○	○
ناوهای خاکی، آبی	□	□	□

این گونه ترکیب عادی است. تعداد دائماً در تغییر است، مثلاً تعداد ناوهای مستقر در دریای مدیترانه در طول زمستان کمتر از تابستان است، و یگان اقیانوس هند شش ماه از سال را به گشت می‌پردازد. در بقیه سال دو جنگنده ۱۰۰۰۰ - ۳۰۰۰ تنی در اقیانوس هند به گشت می‌پردازد. سری

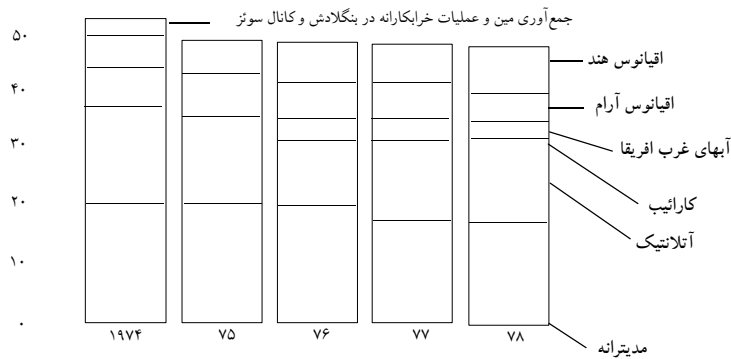
جدول ۲ - روزهای ناوی در اقیانوس هندی
واحد روزهای ناوی (به هزار)



ارقام حاصله در سال ۱۹۷۴ شامل ۲۷۲۷ روز است که صرف جمع‌آوری مین و عملیات خرابکارانه در بنگلادش و کانال سوئز شده بود که این اعمال در بخش رزمی و مین یابی طبقه‌بندی می‌شود. سری

*- توضیح: ۱. علامت — نشاندهنده زیردریاییهای مجهز به سلاحهای هدایت شونده است. ۲. علامت ● نشاندهنده زیردریاییهای اژدرافکن است. ۳. علامت ■ نشاندهنده ناوهای رزمی با ظرفیت بیش از ۱۰۰۰۰ تن است. ۴. علامت □ نشاندهنده ناوهای رزمی با ظرفیت ۱۰۰۰۰ - ۳۱۰۰ تن است. ۵. علامت ※ نشاندهنده ناوهای رزمی ۳۰۰۰ تنی است. ۶. علامت ○ نشاندهنده ناوچه‌های مین یاب است. ۷. علامت □ نشاندهنده ناوهای خاکی، آبی است.

جدول ۳ - انجام وظیفه ناوها در خارج از آبهای روسیه
واحد روزهای ناوی (به هزار) برای هر منطقه



سند شماره (۴۵)

سری غیرقابل رویت برای بیگانگان

موضوع: شوروی در جهان سوم

۱- روسها در روابط خود با آمریکا و جمهوری خلق چین دچار ناکامیهایی شده، و شکافهای ایجاد شده در پیمان و نهضت کمونیستی را نتوانسته اند ترمیم نمایند، لیکن در جهان سوم، به خصوص آفریقا، خاورمیانه، آسیای جنوبی و جنوب شرقی به امتیازاتی دست یافته اند. بعضی از این امتیازات کم اهمیت بوده است، لیکن اگر با مهارت مورد بهره برداری واقع شود، حتماً سبب نیل به پیروزیهای بزرگتری خواهد شد.

۲- در سالهای اخیر، میزان و حدود مداخله و درگیریهای شوروی در آفریقا چشمگیری یافته است. الف: شمار مستشاران روسی - چه نظامی و چه غیرنظامی در ۲۹ کشور آفریقایی، هم اکنون بالغ بر ۸۰۰۰ نفر، و شمار مستشاران کوبایی قریب به ۵۰۰۰۰ نفر است.

ب: شوروی با آنگولا، اتیوپی و موزامبیک پیمانهای دوستی منعقد ساخته است - لیکن در همین دوران یکی از همین پیمانها توسط سومالی در سال ۱۹۷۷ ملغی اعلام گردید.

ج: شوروی تنها حامی دولتهای آنگولا و اتیوپی به شمار می آید، و عمیقاً با جبهه وطن پرستان رودزیایی که یک نهضت چریکی است همکاری می نماید.

۳- البته عظیمترین موفقیت مسکو در آفریقا، در اتیوپی تحقق یافته است.

الف: بدون ارشاد، کمک فنی، و حمایت لجستیکی شوروی، منگیستو هرگز نمی توانست به موقعیت نظامی خود در اوگادن و پیروزی محدودتر خود در اریتره دست یابد. جنگ اوگادن نیز تنها به وسیله یک افسر عادی روسی طراحی و هدایت می شد، که خود نشانگر مداخلات شوروی در جهان سوم است، و حدود ۱۵۰۰۰-۱۲۴۰۰ نظامی کوبائی مسلح به تجهیزات روسی نیز در آن شرکت داشتند.

۱- روسها تقریباً ۲۰۰۰ مستشار نظامی و غیرنظامی در اتیوپی مستقر ساخته و انعقاد پیمان دوستی میان شوروی و اتیوپی در ماه نوامبر نیز نشانگر آن است که مسکو در نظر دارد مدتهای مدیدی در این

کشور بماند.

۲- احتمال دریافت امتیازات مربوط به ایجاد پایگاههایی جهت جایگزین شدن پایگاههای از دست رفته در سومالی.

الف: جزیره ضحک با اسکله و کرجی های شناور،

ب: لیکن اتیوپی هنوز مستقل است و متکی بر خصوصیات قومی خود. اگر در روابط موجود چند مورد اختلاف پدید آید روسها مجبور خواهند شد همان گونه که مصر را ترک گفتند اینجا را نیز به حال خود رها سازند.

۱- قراردادهای اقتصادی حکایت از آن دارد که روسها تلاش بسیاری را برای آوردن نیازهای مهمتر اتیوپی به کار خواهند برد، تا حضور مسکو در درازمدت تضمین گردد.

۴- روابط بین مسکو و آنگولا نیز خوب است و نشانه ای از اختلافات سیاسی حاد در آن به چشم نمی خورد.

الف: پیمان دوستی شوروی - آنگولا زمینه را برای تقویت همکاری نظامی «براساس قراردادهای منعقد» هموار ساخته است، که خود یک فرمول بندی عجیب در پیمان دوستی شوروی است. (۱۰۰۰ مستشار نظامی روسی، ۲۶۰۰۰ - ۱۹۰۰۰ نظامی کوبایی).

۱- تا به حال مهمترین وسیله باارزش نظامی شوروی در آنگولا را یک خط ارتباطی ساحلی بین قرارگاههای نیروی دریایی در مسکو و لوآندا تشکیل می داده است. بنابر گزارشهای رسیده روسها پایگاه دریایی لوآندارا طوری اداره می کنند که کشتی های ماهیگیری، تجاری و نیروی دریایی آنها هرگاه که بخواهند وارد و یا از آنجا خارج می گردند. یک کشتی تعمیرگاه از نوع امور در این پایگاه مستقر شده و تا به حال چند ناو روسی و زیردریایی های گشتی دیزلی منطقه را تعمیر کرده است. از سال ۱۹۷۷، هواپیمای دوربرد تی یو - ۹۵ روسی مرتباً وارد فرودگاههای لوآندا شده تا عملیات شناسائی خود را بر روی جنوب آتلانتیک و اطراف دماغه امید انجام دهد.

۲- ناو هواپیمابر مینسک نیز اخیراً وارد آنگولا و موزامبیک گردید.

ب: کمک نظامی اساس نفوذ شوروی در آنگولاست، لیکن روسها سعی کرده اند نفوذ خود را در وزارتخانه های مهم بازرگانی و دارایی نیز محسوس نمایند.

ج: گزارشاتی مبنی بر وجود اصطکاک میان آنگولایی ها، روسها و کوبایی ها در سطوح مختلف کاری رسیده است، لیکن تا به حال این امور منجر به پیدایش اختلافات حاد بین دو دولت نشده است.

۵- روسها مایلند در رودزیا نیز نقش متنفذتر و مهمتری را عهده دار شوند، چون بر این باورند که حکومت های اکثریتی که از طریق مبارزات نظامی به قدرت می رسند بیشتر به شوروی متکی خواهند بود و نفوذ غربی را کمتر پذیرا خواهند شد.

الف: به منظور نیل به این هدف روسها:

۱- از جبهه وطن پرستان خواسته اند که عملیات نظامی خود را علیه رودزیا گسترش دهند.

۲- افزایش تجهیزات نظامی ارسالی به جبهه وطن پرستان و افزایش تعداد مستشاران روسی و کوبایی را در زامبیا و موزامبیک پیشنهاد کرده اند.

۳- جناح های مهم جبهه وطن پرستان را به متحد ساختن سازمانهای خود و تشکیل یک دولت در تبعید

تشویق و ترغیب کرده‌اند.

۴- مراسمات نظامی خود به زامبیا و موزامبیک را نیز گسترش و افزایش داده‌اند.

ب: لیکن، کشورهای خط مقدم و جبهه وطن پرستان، هر دو به انگیزه‌های شوروی به دیده تردید می‌نگرند.

ج: تاکنون ثابت شده است که کمک نظامی کلید موفقیت‌های شوروی در آفریقا بوده است، لیکن ضعف عملکرد اقتصادی احتمالاً منجر به از بین رفتن این موفقیتها و کاهش چشم‌اندازهای شوروی در نیجریه و گینه یعنی نقاطی که در آنها به کمکهای نظامی اولویت کمتری داده شده، خواهد شد. توزه (سکو توره-م) حضور شوروی را به طرز قابل ملاحظه‌ای کاهش داده است.

۱- نیجریه نیز به خصوص از عملکرد اقتصادی شوروی ناراضی است.

۶- تمایل رئیس جمهور سادات به انعقاد یک قرارداد جداگانه با اسرائیل می‌تواند فرصتی را در اختیار روسها قرار داده باشد تا عملکرد توام باناخشنودی اخیر خود را در خاورمیانه تغییر دهند.

الف: در سالهای اخیر، روسها شاهد موارد ذیل بوده‌اند.

۱- زوال کامل روابط خود با مصر - یعنی کلید اسبق موضع شوروی در جهان عرب.

۲- وخامت روابط شوروی و سوریه به علت مداخله سوریه در لبنان علیه یکی دیگر از موکلین شوروی یعنی ساف.

۳- افزایشی انعطاف‌پذیری عراق که مهمترین نشانه‌های آن انجام خریدهای اقتصادی و نظامی در غرب و اعدام مهمترین افراد کمونیست در عراق بوده است.

ب: علاوه بر این، روندهای موجود در منطقه به نفع روسهاست:

۱- هم‌اکنون آمریکا و اروپای غربی با قیمت‌های گران‌تر نفت که به نفع مسکو می‌باشد، روبرو هستند.

۲- موکلین شوروی در منطقه - به خصوص لیبی تندرو، یمن جنوبی مارکسیست و فلسطینی‌های بی‌وطن - به عنوان واسطه یا حداقل سخنگویان شوروی عمل می‌کنند.

۳- تارهای قدرت ایجاد شده توسط دولتهای منطقه شکننده‌تر شده و با محدودتر شدن پایگاه قدرت فرصت، بهره‌برداری توسط روسها بیشتر می‌شود.

۴- انقراض سنتو.

ج: روسها مجبورند برای بهره‌برداری از این فرصت‌های جدید محتاطانه‌تر عمل کنند، چون دولتهای مهم عربی نسبت به گسترش نفوذ شوروی در منطقه هشیاری بسیار یافته‌اند. به طور مثال، عدم امنیت سعودی و عراق در نتیجه رویدادهای زیر تشدید شده است:

۱- سرنگونی دولت غیرمتعهد افغان در آوریل ۱۹۷۸ توسط یک ارتش آموزش دیده توسط شوروی و معدودی از کمونیست‌های محلی.

۲- کشته شدن رئیس‌جمهور یمن شمالی توسط یک فرد از یمن جنوبی، و کودتای یمن جنوبی در ژوئن ۱۹۷۸ که منجر به به قدرت رسیدن رهبریت متمایل به رهبریت شوروی گردید.

۳- حمایت لجستیکی شوروی از یمن جنوبی در حمله اخیر جمهوری دموکراتیک خلق یمن علیه یمن شمالی.

د: روسها نیز سعی خواهند کرد از مقاومت اعراب در برابر انعقاد یک قرارداد جداگانه بین مصر و

- اسرائیل به خصوص در میان سوریه، عراقها و لیبیایی‌ها بهره‌برداری نمایند.
- ۱- حتی عربستان سعودی نیز ایده‌تماسهای دیپلماتیک با شوروی را در سر می‌پروراند، چون نفوذ وسیع شوروی را در منطقه به رسمیت شناخته است.
- ۷- علاقه مسکو به آسیای جنوبی کمتر از علاقه آن به خاورمیانه است لیکن این منطقه به شوروی نزدیک است و روسها نمی‌خواهند که از آنها به منظور انجام عملیاتی علیه روسیه بهره‌برداری شود.
- الف: دولت افغان همیشه به حمایت سیاسی، نظامی و اقتصادی شوروی نیاز داشته است، لیکن افزایش صمیمیت روابط با مسکو استقلال افغان و آزادی عمل رئیس‌جمهور ترکی را مورد تهدید قرار داده و سبب افزایش ناراضی‌های مردمی خواهد گردید. تعداد مستشاران روسی از زمان وقوع کودتای ترکی احتمالاً دو برابر و به ۳۵۰۰ تن با در نظر گرفتن ۱۲۰۰ مستشار نظامی رسیده است.
- ۱- رژیم تحت‌الحمایه روسی ترکی با مخالفت شدید انقلابیون مسلمان که مسکو را وادار به مداخله مستقیم در روی کار نگاهداشتن دولت کرده‌اند، روبرو شده است.
- ۲- مستشاران نظامی شوروی به نیروهای دولتی کمک کرده‌اند تا با شورشیان در شرق افغانستان به مبارزه بپردازند، و بنابر گزارشهای رسیده خلبانان روسی هلیکوپترهای توپدار سی - ۲۴ را در طول مرز افغانستان و پاکستان به پرواز درآورده‌اند.
- ۳- احتمالاً مستشاران روسی در بمباران اخیر مواضع شورشیان در هرات شرکت داشته‌اند، و چند مستشار نظامی و غیرنظامی روسی نیز توسط چند نیروی ضد دولتی به قتل رسیده‌اند.
- ۴- تلاش شوروی جهت حراست از منافع خود در افغانستان ممکن است سبب پیچیدگی روابط شوروی با هند و پاکستان شده، و حتی امکان تأیید و تصویب سنا را در مورد قرارداد سالت ۲ به مخاطره افکند.
- ۸- به دنبال ترک خصومت چین و ژاپن، عادی شدن روابط چین و آمریکا و لغو پیمان دوستی چین و شوروی توسط پکن، شوروی بر آن شده است تا مواضع خود در آسیا را تقویت نماید. روسها ظاهراً باور کرده‌اند که موضع نیرومندتر نظامی در منطقه در درازمدت می‌تواند ملتهای آسیای شمالی را وادار کند تا منافع شوروی را نیز در نظر داشته باشند.
- الف: تکان‌دهنده‌ترین حرکت‌های شوروی در اقیانوس آرام صورت گرفته است.
- ۱- هم‌اکنون روسها ناو هواپیمابر مینسک را در ناوگان اقیانوس آرام مستقر ساخته‌اند.
- ۲- نیروهای شوروی در طول مرز چین و شوروی تقویت شده، و در اوایل سال جاری، روسها وسیعترین تمرین نظامی بی‌سابقه را در طول مرز انجام دادند.
- ۳- بنابه گزارشات رسیده ژنرال پتروف به سمت فرماندهی کل قرارگاه فرماندهی خاور دور منصوب و در مانور نظامی مزبور شرکت جسته است.
- ب: تداوم افزایش نیروهای شوروی در آسیا موجبات موفقیت فعالیت فشرده دیپلماتیک شوروی در منطقه را فراهم نخواهد آورد.
- ۱- حضور شوروی در ویتنام سبب رنجش خاطر دیگر کشورهای آسیای جنوب شرقی و پیچیده‌تر شدن روابط دوجانبه شوروی و آنها خواهد گردید.
- ۲- فعالیت شوروی در قلمروهای شمالی به مزاق ژاپنی‌ها سازگار نخواهد آمد، چون آنها از آن نقاط به

منظور توجیه افزایش بودجه نظامی و همکاری دفاعی صمیمانه تر خود با آمریکا بهره برداری می کرده اند. ۳- موضع خصمانه شوروی در مرز چین، احتمالاً در رابطه با مذاکراتی که قرار است در اواسط سپتامبر در مسکو برگزار شود، نتیجه خوبی به همراه نخواهد داشت.

الف: به طور مثال ممکن است در رابطه با شرایط چین جهت خروج شوروی از مغولستان، آرایش قوای شوروی در طول مرز چین شوروی-مغولستان، در مراحل اولیه مذاکرات موانع بی چون و چرایی را پدید آورد.

ب: رویداد مرزی اخیر بین چین و شوروی نیز می تواند منجر به، به تأخیرافتادن مذاکرات گردد. ج: بنابراین، فعالیت شوروی می تواند برخلاف میل مسکو منجر به افزایش شتاب همکاری میان چین - آمریکا و ژاپن گردد.

سند شماره (۴۶)

طبقه بندی: سری
غیر قابل رویت برای بیگانگان - هشدار اطلاعاتی
۱- (طبقه بندی نشده) کشور: ایران / شوروی*
۲۲- جزئیات:

الف: (طبقه بندی نشده) این گزارش حاوی اطلاعات ارزیابی نشده است. به همین دلیل نباید براساس آن طرح و یا سیاستهایی را پی ریزی و یا جرح و تعدیل نمود.

ب: (سری غیر قابل رویت برای بیگانگان) منبع ارائه کننده فهرست دیپلماتهای روسی مستقر در ایران گفت: «این فهرست صرفاً مربوط به زمان حال نیست چون کسب اطلاعات مربوط به خروج و ورود افراد روسی از ساواک بسیار دشوار است»، ولی این سند آخرین محصول قابل انتشار است. (تاریخ کسب: بهمن ۱۳۵۷، تاریخ و محل کسب اطلاعات: ۵ بهمن ۱۳۵۷، تهران ارزیابی سند - ۲ منبع: ۷۲۰۰ (CALL- IED) ساترین اولویس حومه ۷۲).

ج: (سری / غیر قابل رویت برای بیگانگان) بررسی این فهرست در مقایسه با بایگانی AFOSI مطالب زیر را فاش ساخت.

۱- (سری / غیر قابل رویت برای بیگانگان - هشدار اطلاعاتی) افرادی که قبلاً به عنوان افسران اطلاعاتی شناسائی نشده بودند:

گورباچف، م. الف - سفارت (تاریخ و محل تولد: ۱۷ اکتبر ۱۹۲۴ استکتوزاود)،

پروف، جی، پی. KES (تاریخ و محل تولد: ۱۹۲۶، لنینگراد).

(۲)- (سری - غیر قابل رویت برای بیگانگان - هشدار اطلاعاتی).

افرادی که قبلاً به عنوان مقامات خبری شناسایی نشده بودند، برعکس این سند:

فونپتوف، وی. جی. سفارت (احتمالاً عضو سازمان کا.گ.ب).

پولونین آی. اف. سفارت (دارای کد شناسایی سازمان کا.گ.ب.).

زوبکوف آی. ا. سفارت (احتمالاً عضو کا.گ.ب).

*- این سند از اینجا به بعد تا انتهای مطلب B ترجمه نشده است.

دیاتلوف وی. آی. کنسولگری تهران (احتمالاً عضو کا.گ.ب خط ک.آر).
 اوزبیوف، وی. ای کنسولگری اصفهان (احتمالاً عضو کا.گ.ب).
 واژنیک ا.ان، کنسولگری اصفهان (احتمالاً عضو کا.گ.ب).
 ریابوفالوف، دی. آی. TORGPREDSTOV (احتمالاً عضو سازمان جی، آر، یو).
 موسین، آر. ا، تاس (احتمالاً عضو جی. آر. یو).
 (۳) - (سری - غیر قابل رویت برای بیگانگان - هشدار اطلاعاتی)
 قبلاً در فهرست افراد مستقر در ایران بوده‌اند ولی این کشور را ترک گفته‌اند.
 براترسکی وی. ا. سفارت، (تاریخ عزیمت: ۲۳ مارس ۱۹۷۸) (براترسکی یکی از عمال ضد جاسوسی بوده
 که موقتاً پس از موضوع مقربی به ایران آمده و گمان می‌رفت که به طور دائمی در اینجا خواهد ماند)،
 پاتوشکف وی. بی. سفارت (تاریخ عزیمت: نوامبر ۱۹۷۷).
 ۴ - (سری - غیر قابل رویت برای بیگانگان - هشدار اطلاعاتی).
 افرادی که ایران را ترک کرده و لیکن نام آنها هنوز هم در فهرست آمده است:
 رامکف، ا، م، بیمارستان (اس اسولیان).
 د: (سری - غیر قابل رویت برای بیگانگان - هشدار اطلاعاتی).
 با منبع بار دیگر تماس گرفته شد و تاریخ عزیمت و تولد مقامات اطلاعاتی که ایران را ترک کرده‌اند و
 نیز افرادی که به تازگی به ایران وارد شده‌اند در اختیار وی قرار داده شد. منبع افزود یکی از علل نقایص
 موجود در پاراگراف ج، سانسور اسامی موجود در فهرست می‌باشد که ناشی از نحوه توزیع گزارش به
 دفاتر خاص است که هر یک باید شامل اسامی افراد خاص اطلاعاتی باشد. علاوه بر این منبع گفت که
 اخبار اخیر عمدتاً مقامها و پستهای اطلاعاتی افراد ذیل را مشخص ساخته است:
 فادیف، آی. ا، سفارت (رئیس کا.گ.ب)،
 اوستروفنکو، وای. سفارت (قبلاً گمان می‌رفت که رئیس کا.گ.ب باشد ولی اکنون سمت معاونت را
 دارا است)،
 سلیمانوف، وای. تی.، سفارت (معاون ریاست بخش گذرنامه‌ای کا.گ.ب).
 (تاریخ کسب اطلاعات: ژانویه ۱۹۷۹، تاریخ و محل ورود ۱۹۷۹/۲/۴ تهران،
 ارزیابی: الف - ۲؛ منبع: (۱) CAC - IE - ۷۲۰۰۰، س اترنس. جی. اولیس، حومه ۷۲).
 اظهار نظر مستخرج: (طبقه‌بندی نشده) این گزارش به منظور تصحیح اطلاعات حضور ۴۳۶ نفر در
 ایران تهیه شده است.

سند شماره (۴۷)

خیلی محرمانه
 از: سفارت آمریکا در مسکو
 تاریخ: ۱۲ ژانویه ۷۹ - ۲۲ دی ۵۷
 به: وزارت خارجه واشنگتن
 موضوع: یک مقام دانشگاهی شوروی درباره ایران سخن می‌گوید.
 ۱ - (تمام متن خیلی محرمانه است)
 در تاریخ ۱۰ ژانویه مأمور سفارت بایوری گنکفسکی، رئیس قسمت آسیای میانه در انستیتو اورینتال

(مؤسسه خاورشناسی) ملاقاتی انجام داد تا با وی مسائل مربوط به افغانستان را مورد بحث قرار دهد. گنکفسکی که معمولاً به تنهایی با مأمور سفارت به گفتگو می‌نشیند (این بار) توسط یکی از «محققین» روسی مؤسسه مزبور همراهی می‌شد که نکات مورد گفتگو را یادداشت می‌کرد.

۲- پیدا بود که به گنکفسکی دستور داده شده بود نظرات آمریکا را در مورد ایران جویا شود. وی به سرعت جهت مکالمه را از افغانستان برگرداند و جویای ارزیابی و محاسبات آمریکا در مورد امکان وقوع یک کودتای نظامی در ایران و دورنمای احتمالی بقای دولت بختیار گردید. مأمور سفارت پاسخ داد که به اعتقاد آمریکا این تنها ایرانیها هستند که قادرند مسائل خود را حل و فصل نمایند و دولت آمریکا برای دولت بختیار که بر طبق مراحل مندرج در قانون اساسی ایران در حال شکل‌گیری است آرزوی پیروزی کرد.

۳- مأمور سفارت در ادامه این پاسخ از شدت روزافزون اتهامات مطروحه توسط رسانه‌های گروهی شوروی در زمینه دخالت آمریکا در ایران انتقاد کرد و در این مورد توضیح خواست. گنکفسکی نیز اتهامات مشابهی را مطرح ساخت که در مطبوعات آمریکا درباره اتحاد شوروی منتشر می‌شود. وی همچنین «دیدار یک ژنرال امریکایی» از ایران و اعزام کشتیهای نیروی دریایی آمریکا به اقیانوس هند را عنوان کرد.

۴- گنکفسکی اظهار داشت که، در عین حالی که پیش‌بینی آینده و سرنوشت تلاش بختیار غیرممکن است، بقای دولت وی را نمی‌توان تضمین کرد و وقوع یک کودتای نظامی را نباید غیرممکن انگاشت. وی خاطر نشان ساخت که بختیار خود هفت بار به دست شاه زندانی شده است و به همراه سایر رهبران «لیبرال» جبهه ملی از قبیل سنجابی، مسئول (برنامه) توقف کار در ایران بوده است. تاکتیکهایی که جهت ایجاد توقف کار (یا دست کشیدن از کار) به کار برده شده مبتنی بر اعمال زور بوده است، کارگران را تهدید می‌کنند که در صورت عدم همکاری با اعتصاب‌کنندگان مورد آسیب بدنی قرار گرفته یا منازل آنان به آتش کشیده خواهد شد.

۵- گنکفسکی اعتراف کرد که (حزب) توده در ایجاد تشنج تشریک مساعی می‌کند. وی اظهار داشت که البته تنها چیزی که خوشنودی (حزب) توده را فراهم می‌سازد، (بروز) در دسر برای شاه است. مع الوصف همانند سایر روسها، وی تأکید کرد که (حزب) توده «بسیار ضعیف» بوده و برای کسب قدرت در ایران به عنوان یک مبارز جدی به حساب نمی‌آید. (تمام متن خیلی محرمانه)

سند شماره (۴۸)

تاریخ: ۱۳ ژانویه ۷۹ - ۲۳ دی ۵۷

از: سفارت آمریکا در مسکو

به: وزیر امور خارجه در واشنگتن دی - سی فوری ۱۴۸۴

موضوع: گفتگوی متخصص امور ایران در وزارت خارجه شوروی در مورد ایران

- آغاز خلاصه (خیلی محرمانه): به هنگام ملاقات مأمور سفارت با متخصصین امور ایران در وزارت

خارجه شوروی موارد زیر مورد بحث قرار گرفت.

- عکس‌العمل مطبوعات شوروی پیرامون سیاست آمریکا در قبال ایران در پاسخ به مأمور سفارت که

گفته بود این مقالات اصلاً در شرایط بسیار جدی کنونی «مفید نیستند»، مقام روسی توافق خود را مبنی بر

اینکه اینگونه مقالات نسبت به آمریکا بسیار سختگیری می‌کنند اعلام کرده گفت: آنها منعکس‌کننده نگرانی شوروی درباره اعمال واشنگتن و گزارشهایی است که از واشنگتن درباره طرحهای اضطراری آمریکا در ایران می‌رسد.

خیلی محرمانه

- قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی. مقام روسی به دفاع از قابلیت کاربرد این قرارداد پرداخت و گفت که دولت ایران هرگز آن را ملغی اعلام نکرده است. وی گفت که اشاراتی که در مطبوعات درباره این معاهده شده به این معنی نیست که شوروی می‌خواهد در ایران مداخله نماید.

- شاه. مقام روسی در حالی که با عبارت «بین خودمان باشد» شروع می‌کرد گفت که مأمور سفارت نیز حتماً موافق است که شاه دیگر نقشی ندارد و یا اگر داشته باشد این نقش آنقدر محدود و کوچک است که نمی‌توان آنرا به عنوان یک ضریب تعیین‌کننده در آینده به شمار آورد.

- دولت بختیار. مقام روسی خاطر نشان ساخت که انتقاد شوروی از بختیار و تلاشهایش جهت تشکیل یک دولت جدید به طور «غیر مستقیم» انجام گرفته ولی قبول دارد که این انتقاد بسیار شدید و به طور مداوم صورت گرفته است. وی در خاتمه گفت، بختیار شانس باقی ماندن ندارد.

- توقف ارسال گاز به شوروی. مقام روسی اذعان داشت که گاز ایران در مناطقی از شوروی که از آن استفاده می‌کرده‌اند «اشکالاتی چند» به وجود آورده است.

- شایعه صف‌آرایی نظامی شوروی در منطقه مرزی جنوب. وقتی که درباره شایعات موجود درباره حرکت نظامیان شوروی در ناحیه مجاور مرز ایران سؤال شد، وی پاسخ داد که وی درباره چنین عمل غیر عادی اطلاعی در دست ندارد. پایان خلاصه.

۱- (تمام متن خیلی محرمانه) در دوازدهم ژانویه طبق معمول مأمور سفارت با مشاوران آی. کوزیرف متخصص امور ایران در وزارت خارجه شوروی ملاقات نمود. در این جلسه اشخاص دیگری حضور نداشتند که از سخنان آنها یادداشت‌برداری نمایند و مأمور سفارت و کوزیرف به یکدیگر اطمینان دادند که ملاقات آنها «غیر رسمی» بوده و بنابه دستور نمی‌باشد. قبل از آغاز بحث اصلی، مقام سفارتی یک نسخه از بیانات و نظرات سخنگوی وزارت امور خارجه در دهم ژانویه پیرامون تحویل اف ۱۵- به عربستان سعودی و نیز یک نسخه از بیانات وزیر امور خارجه در کنفرانس مطبوعاتی یازدهم ژانویه را به کوزیرف تسلیم نمود. در مورد مطلب دوم مقام سفارت به خواندن کلمه به کلمه آن موضوع در رابطه با ایران پرداخت تا مطمئن شود که کوزیرف مطلب را هم به انگلیسی و هم به روسی به خوبی فهمیده است. به هنگام بحث موارد زیر مورد گفتگو قرار گرفت.

برخورد وسایل ارتباط جمعی شوروی با سیاست آمریکا در قبال ایران

۲- مأمور سفارت اظهار داشت که از نکات هیستریک موجود در مقالات اخیر مطبوعات شوروی پیرامون سیاست آمریکا در ایران به خصوص مقالاتی که به وسیله نویسنده معتبر ویتالکی کوبیش در دهم ژانویه در نایاگازتا چاپ شده و مقاله دیگری که شاید تحت نام مستعار الف. پتروف در یازدهم ژانویه در پروادا منتشر شده و نیز مقاله‌ای که به وسیله پیتروینو گرادوف در یازدهم ژانویه در کراسنایا زوزدا منعکس گردیده، بسیار متأسف شده است. این مقالات در شرایط بسیار حساس کنونی «اصلاً مفید» نبوده و

نمی‌توانند در کاهش تشنج بین آمریکا و شوروی در اوضاع کنونی مفید واقع گردند.

۳- کوزیرف در جواب گفت در همان حال که مطبوعات شوروی منعکس‌سازنده سیاست شوروی هستند ولی نمی‌توان گفت که الزاماً با آن متشابه هستند. وی گفت «خودمانی‌تر بگوییم، مقالات اخیر نسبت به آمریکا خیلی سختگیری» کرده‌اند و خالی از اغراق نیز نبوده‌اند.

مطبوعات شوروی می‌خواهند مردم این کشور را نسبت به اوضاع کنونی خطرناک ایران مطلع ساخته، سعی در منعکس ساختن «سیل» مقالاتی دارند که در آمریکا و اروپای غربی منتشر می‌شود. آن مقالات که بعضی‌هایشان ظاهراً معتبر نیز هستند، مملو از گزارشاتی مبنی بر طرح‌های اضطراری آمریکا در ایران می‌باشند. در همین رابطه، مطبوعات آمریکایی و اظهارنظرهای دولتی نیز درباره طرح‌های شوروی بسیار مضر بوده و مطبوعات شوروی باید برای آنها پاسخی داشته باشند.

۴- مأمور سفارت به طور مؤکد درباره تبلیغات مطبوعات شوروی پیرامون «مداخله» آمریکا در ایران سخن گفت. او گفت آیا بعضی از ناظران حاضر در مسکو چنین باور نخواهند کرد که این تبلیغات خود می‌تواند مؤید «مداخله» شوروی در آینده به نحوی نامعلوم باشد. کوزیوف گفت که به نظر وی عکس قضیه کاملاً درست است، یعنی اینکه آمریکا سعی دارد «خطر شوروی» را تبلیغ کند تا در آینده فعالیتهای خود را جامه تأیید بیوشانند. وی اضافه کرد که با وجود اینکه آمریکا اذعان داشته است که درباره مداخله شوروی شهادی در دست ندارد، ولی شوروی شاهد افزایش کارمندان سفارت آمریکا در تهران، تحرک کشتیهای آمریکایی در منطقه، بازدید ژنرال‌هایزر از ایران، تحویل اف ۱۵- به عربستان سعودی، و دیگر درگیریهای ذهنی آمریکا با ایران از قبیل تشکیل اجلاس پیرامون ایران که در آن رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه وزیر دفاع براون، و برژنفسکی مشاور امنیت ملی شرکت داشته‌اند، بوده است. وی تأکید کرد که موضع شوروی در این باره کاملاً روشن است. همان‌طور که برژنف در ۱۹ نوامبر به خبرنگار تاس «جواب» داد شوروی مایل است که هیچ‌کس در امور ایران مداخله ننماید.

معاهده ۱۹۲۱ ایران و شوروی

۵- مأمور سفارت درباره اهمیت اشارات مطبوعات شوروی به تداوم کاربرد معاهده ۱۹۲۱ ایران و شوروی سؤال کرد. کوزیرف گفت که نباید این اشارات را به عنوان تأییدیه‌ای بر احتمال مداخله شوروی طبق مفاد بند ۵ و ۶ این معاهده به حساب آورد. او در ادامه گفت که این اشارات مطبوعات به معنی زنگ خطر نبوده است؛ بلکه برای این بوده است که به ایران و آمریکا خاطر نشان بشود که همان‌طور که آمریکا با ایران قراردادهایی در زمینه نظامی و غیره دارد شوروی هم قراردادهایی دارد و بنابراین منافی وجود دارد که باید در همه حال نظر گرفته شود.

۶- مأمور سفارت خاطر نشان ساخت که در ایران این فکر تعمیم پیدا کرده است که هم‌زمان و هم قراردادهای دیگر گوی سبقت را از معاهده ۱۹۲۱ را بوده‌اند. کوزیرف اعتراف نمود که مطبوعات ایران و نیز دفتر وزارت امور خارجه ایران گاه و بی‌گاه کارآیی معاهده ۱۹۲۱ را مورد سؤال قرار داده‌اند، ولی در ادامه گفت که دولت ایران این معاهده را هیچ‌گاه ملغی ننموده است. بنابراین مانند همه دیگر قراردادهای بین‌المللی به قوت خود باقی است. او همچنین به تبادل تلگرام‌های شاه و پادگورنی به مناسبت پنجاهمین سالگرد این معاهده در ۲۶ فوریه ۱۹۷۱ اشاره کرد.

نقش شاه

۷- با تأکید بر اینکه «این حرف بین خودمان باشد» کوزیرف از مأمور سفارت پرسید که آیا وی نیز معتقد است که نقش شاه در ایران پایان یافته و شاه یا ایران را ترک خواهد کرد و یا اینکه نقش سیاسی آنچنان محدودی به وی داده خواهد شد که فقط جنبه سمبلیک داشته باشد. مأمور سفارت اظهار داشت که با وجود اینکه واضح است که شاه دیگر نخواهد توانست آن نقش پیشین را ایفا نماید، ولی وی اطلاعات دیگری در دست ندارد و بنابراین نمی‌تواند پیرامون این موضوع به اظهار نظر بیشتر پردازد.

دولت بختیار

۸- مأمور سفارت از اینکه مطبوعات شوروی از بختیار و تلاش وی برای تشکیل حکومتی جدید انتقاد می‌کنند، اظهار تعجب کرد. کوزیرف گفت که تاکنون انتقادهای به صورت غیرمستقیم انجام شده است ولی قبول دارد که مسکو نسبت به بختیار خوشبین نیست و احساس می‌کند که وی از حمایت توده مردم در ایران برخوردار نمی‌باشد. وی در توضیح گفت آنچه بختیار در حال انجام آن است این واقعیت است که وی سعی در جذب بورژوازی ملی و عناصر مذهبی می‌نماید و در همان حال در تلاش است تا کارگران تندرو و چپی‌ها را منزوی سازد. او گفت مسکو چگونه می‌تواند از چنین سیاستی حمایت به عمل آورد، و در ادامه گفت به هر حال نقش شاه هنوز بر پیشانی بختیار وجود دارد، جبهه ملی (که یک گروه بورژوازی ملی است) از وی حمایت نمی‌کند، و مهمتر از همه خمینی هم با او مخالف است.

توقف ارسال گاز به شوروی

۹- در پاسخ به سؤال مأمور سفارت کوزیرف گفت که توقف ارسال گاز ایران در آن بخش از شوروی که از این گاز استفاده می‌کرده‌اند «اشکالاتی چند» را به وجود آورده است. وقتی که مأمور سفارت از کوزیرف پرسید که آیا این اشکالات نگرانی دولت شوروی را افزایش داده است وی فقط پاسخ داد «ما چه کاری می‌توانیم انجام بدهیم؟».

شایعات مربوط به صف آرابی نظامی شوروی

۱۰- مأمور سفارت از کوزیرف پرسید که درباره شایعات موجود در مسکو و دیگر نقاط جهان مبنی بر اینکه شوروی در حال انجام اقداماتی نظامی در منطقه نزدیک به مرز ایران است چه می‌گوید. کوزیرف گفت «رک بگویم» فکر نمی‌کنم در این رابطه عمل «غیرعادی» رخ داده باشد. او گفت که مقداری از فعالیتهای نظامی در مرزی که حدود ۱۲۰۰ کیلومتر طول آن است امری عادی است و به نظر وی کسانی این شایعات را پراکنده می‌کنند، می‌خواهند حرکات نظامی خودشان را توجیه نمایند. مأمور سفارت گفت که اگر منظور کوزیرف آمریکا است، مطمئناً اشتباه می‌کند.

کتاب چهل و نهم

شوروی
«شرق تجاوزگر»
بخش اول (۳)

سند شماره (۵۰)

تاریخ: ۳ فوریه ۷۹ - ۱۴ بهمن ۵۷
از: وزیر امور خارجه در واشنگتن

خیلی محرمانه

به: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: تبادل نظر با شورویها درباره ایران

۱- ماگومد (شکل روسی اسم محمد) عثمانف دبیر سوم سفارت شوروی به تقاضای خود بار دیگر با مأمور وزارت امور خارجه آمریکا در امور خاور نزدیک و ایران در تاریخ اول فوریه برای تبادل نظر درباره اوضاع ایران ملاقات کرد. مأمور وزارتخانه تقاضای عثمانف را برای اظهار نظر درباره نتایج احتمالی بحران جاری در ایران رد کرد. او به عثمانف توضیح داد که ایالات متحده بدون اینکه در امور داخلی ایران مداخله کند کوشیده است تا همه طرفهای درگیر را به برقراری تماس با یکدیگر به منظور نیل به یک راه حل قابل قبول برای مردم ایران از طریق مشورتها و مذاکرات به جای رفتن به خیابانها تشویق کند. مأمور سفارت افزود که ایالات متحده همچنین کوشیده است تا همه طرفهای درگیر را درباره لزوم خویشترداری و اجتناب از تحریکات تحت تأثیر قرار دهد، تا راه‌حلهایی از طریق یک روند قانونی منطبق بر قانون اساسی به دست آید.

۲- عثمانف در پاسخ به پرسشی درباره تغییر جهت گیری جزئی به نفع خمینی در رسانه‌های گروهی شوروی اظهار عقیده کرد. رسانه‌های گروهی شوروی اکنون در تجزیه و تحلیل تحولات در ایران «بی‌نظیرتر و عینی‌تر» است. او گفت شورویها به این نتیجه رسیده‌اند که خمینی نماینده گرایشهای «ترقی خواهانه» می‌باشد و این نتیجه از پشتیبانی قاطع اکثر مردم ایران آشکار می‌شود. عثمانف در عین حال افزود که اتحاد شوروی می‌کوشد تا در برابر خمینی یک روش «بیطرفانه» اتخاذ کند، زیرا شورویها درباره خمینی تردیدها و قیود احتیاطی زیادی دارند.

شورویها امیدوارند که به محض اینکه خمینی با طرز فکر پیروان اصلی و بستگانش در ایران مواجه شود، بعضی از نقطه نظرها و مواضع خود را ملایمتر خواهد کرد. در عین حال شورویها درباره تحولات در ایران بسیار نگرانند و از آن بیم دارند که اوضاع در این کشور به مبارزه مسلحانه و جنگ داخلی منجر شود. علیرغم این نگرانی که عثمانف آن را به عنوان یک نگرانی «مشروع» با توجه به اینکه ایران با اتحاد شوروی هم مرز است قلمداد کرد، شورویها احساس نمی‌کنند که راه دیگری بجز صبر و مشاهده تحولات داشته باشند. عثمانف همچنین داوطلبانه پذیرفت که شورویها نیز معتقدند که ایالات متحده دارای منافع مشروع مهمی در ایران است.

۳- عثمانف درباره اوضاع کنونی تأسیسات خبرگیری سمعی اطلاعاتی آمریکا در ایران و محل احتمالی این تأسیسات از نظر آمریکا در آینده پرس و جو کرد. مأمور وزارتخانه درباره این دو موضوع کاملاً اظهار بی‌اطلاعی کرد. عثمانف آن گاه اظهار عقیده کرد که شاید این تأسیسات به اتحاد شوروی منتقل شود. هنگامی که مأمور وزارتخانه به او گفت که او درباره این امور کارشناسی ندارد، معذالک افزود که نظریات عثمانف ممکن است با ارزش باشد، عثمانف بلافاصله گفت منظور او تنها یک مزاح بوده است.

۴- مأمور وزارتخانه به عثمانف گفت که در حالی که نگرانی حکومت ایالات متحده نسبت به حملات رسانه‌های گروهی شوروی علیه نقش ایالات متحده در ایران مورد توجه سطوح عالی مقامات شوروی قرار گرفته است، او در عین حال قصد دارد اثرات منفی و خطرناک اینگونه حملات را درباره ایمنی

آمریکاییهای مقیم ایران مورد تأکید قرار دهد. عثمانف مدعی شد که نگرانی ما در این زمینه کاملاً قابل توجیه است و قول داد که این مسئله را به مقامات بالاتر از خود اطلاع دهد. او گفت که همه افراد خانواده‌های مأمورین شوروی از ایران به خارج منتقل شده‌اند و بیشتر رایزنان شوروی در زمینه‌های مختلف ایران را ترک کرده و تعداد مقامات رسمی شوروی در ایران کاهش یافته است.

۵- مأمور وزارتخانه به عثمانف تأکید کرد که باید از هرگونه سوء تفاهمی درباره سیاستها و اقدامات دو حکومت شوروی و آمریکا اجتناب کرد، و بنابراین ادامه تماسها و مطرح کردن نگرانیهای احتمالی به نفع هر دو حکومت است. عثمانف موافقت کرد و پیشنهاد کرد که این تماس حفظ شود.

سند شماره (۵۱)

تاریخ: ۹ آوریل ۷۹ - ۲۰ فروردین ۵۸
از: سفارت آمریکا در تهران
سری
به: وزیر امور خارجه، واشنگتن
موضوع: نامه تهدید آمیزی که احتمالاً از تحریکات شوروی ناشی می‌شود

۱- (تمام متن سری است).

۲- در تاریخ هشتم آوریل مشاور سیاسی نامه‌ای دریافت کرد که حاوی هشدار آشکاری بود درباره دوستی بین چین و آمریکا و اینکه «متجاوزین آمریکایی» و «متجاوزین چینی» بدون استثناء مورد «تنبیه شدید» قرار خواهند گرفت. نامه دارای حاشیه سیاه رنگی بود که در آن اسامی حدود ۳۶ پایتخت از کشورهای دنیا، در اروپا، آسیا و آمریکای لاتین، به چشم می‌خورد و در بالای نامه سرخط: «سازمان جهانی و سری مجازات» نوشته شده بود که از قرار معلوم نام سازمان تهدید کننده را مشخص می‌کرد. نامه مزبور از وین و به نام مشاور سیاسی فرستاده شده بود، لیکن مقام وی در متن آدرس ذکر نشده بود. تاریخ پست شدن نامه در مبدأ ۶ مارس و رسیدن آن از طریق پست به اینجا ۶ آوریل می‌باشد.

۳- از آنجایی که روابط چین با آمریکا کوچکترین اهمیتی برای هیچ یک از گروههای تروریستی در ایران ندارد، (لذا) نامه مذکور فقط می‌تواند از منابع شوروی الهام گرفته باشد. این نامه جهت تحقیقات و بررسیهای دقیق تر از طرق دیگر به واشنگتن ارسال شده است. این حقیقت که نامه مزبور به عنوان مشاور سیاسی در اینجا فرستاده شده، یکی از نکاتی است که این سؤال کلی را مطرح می‌سازد که آیا سفارت شوروی در تهران مدتها نقش هماهنگ کننده مبارزات تهدیدآمیز علیه عده‌ای از آمریکاییهای دستچین شده را به عهده نداشته، یا (حداقل) در آن دست نداشته است؟ که این عمل خود می‌تواند در زمره سایر تلاشهای شوروی در جهت ایجاد رعب در افراد دیگر قرار گیرد، که شرح آن جداگانه گزارش شده است.

سری

سند شماره (۵۲)

(طبقه‌بندی نشده)
خیلی محرمانه
خلاصه
غیر قابل رویت برای بیگانگان
(طبقه‌بندی نشده) مهاجرت یهودیان شوروی: روند، فشار، دورنما
حرکت مسکو در جهت همکاری در زمینه لایحه جکسون - وانیک در رابطه با لایحه تجاری ۱۹۷۴

مسئله تأثیر عدم تصویب لایحه را بر سیاست مهاجرت شوروی مطرح می‌نماید. در هفت ماه گذشته مقامات شوروی سطح مهاجرت یهودیان را به میزان ۴۰۰۰ نفر در ماه حفظ کرده‌اند که در سال ۱۳۵۸ تعداد مهاجرین ۴۸۰۰۰ نفر بوده است. این رقم در مقایسه با ۱۷۰۰۰ نفر سال ۱۳۵۶، ۳۰۰۰۰ نفر سال ۱۳۵۷ و ۳۴۰۰۰ نفر سال ۱۳۵۲ بالاترین رقم مهاجرت به حساب می‌آید. (خیلی محرمانه) دورنمای تداوم مهاجرت با میزان بالا تا پایان سال ۱۳۵۹ خوب است. عدم تصویب این اصلاحیه نیز ظاهراً در این دوره بر روند مهاجرت تأثیری منفی نخواهد داشت.

(طبقه‌بندی نشده) این نتیجه‌گیری بر ملاحظات ذیل استوار است:

تصمیم شوروی مبنی بر مجاز دانستن مهاجرت یهودیان ناشی از فشارهای داخلی بود. در اواسط دهه ۱۳۳۰ یهودیان شوروی بازگشت به هویت خویش را شدیداً احساس کردند، جنبش جهت کسب امتیاز مهاجرت از پویایی بسیاری برخوردار شد.

ولی، هنگامی که آمریکا موضوع مهاجرت را یکی از شرایط مذاکره پیرامون مسائل مربوط به «تشنج‌زدایی» اعلام کرد، ملاحظات مربوط به سیاست خارجی نیز به صورت عوامل مهمی درآمد. با به بازی گرفتن میزان مهاجرت یعنی افزایش آن به منظور جلوگیری از تصویب اصلاحیه جکسون-وانیک، و کاهش آنها به عنوان اقدامی تلافی‌جویانه در قبال تصویب این لایحه رهبران شوروی دریافتند که مسئله مهاجرت بر کل روابط آنها با آمریکا تأثیر می‌بخشد و نمی‌توان آن را صرفاً با لایحه مرتبط دانست. پس از قطع مهاجرت در سالهای ۵۴-۱۳۵۳، ملاحظات سیاست خارجی و نیز فشارهای داخلی مسکو را بر آن داشت تا میزان مهاجرت را به سطوح قبلی بازگرداند.

مقامات شوروی در بررسی سیاست مهاجرتی خود فوائد و هزینه‌های افزایش میزان مهاجرت را متعادل می‌نمایند:

- تعداد یهودیان شوروی که خواستار مهاجرت بودند در اواخر سال ۱۳۵۷ افزایش یافت و به هیچ‌وجه سیر نزولی پیدا نکرد.

- ثابت نگاهداشتن مهاجرت - حتی معادل سطوح افزایش یافته جاری - - صف متقاضیان را فشرده‌تر خواهد کرد. این افراد از نظام موجود بیگانه شده و موجبات نارضایتی دیگر یهودیان را فراهم می‌آورند، لیکن ایجاد تساوی بین مهاجرت و متقاضیان نیز مسائل و دشواریهایی را پدید می‌آورد:

- حزب و بوروکراسی دولت با افزایش مهاجرت مخالف است، چون آن را انعکاس نارضایتی از نظام شوروی تلقی می‌کند.

- کاهش گروه‌کاردان و فنی نیروی کار در زمانی پیش می‌آید که کمبود نیروی انسانی در بخشهای اروپایی شوروی بسیار مشهود است.

- افزایش مهاجرت یهودیان می‌تواند دیگر گروههای نژادی و مذهبی را تحریک نماید تا در صدد کسب امتیاز و حق مهاجرت برآیند.

- گرچه اکثر یهودیان شوروی هنوز هم مایل به اقامت در شوروی به عنوان شهروندان این کشور هستند، ولی افزایش مهاجرت می‌تواند در نهایت سبب مهاجرت عمده و گروهی یهودیان گردد.

در نحوه برخورد با ضد یهودیگری، مقامات شوروی عامل شکست و عدم موفقیت خود هستند. آنها از این امر برای نشان دادن خصومت خود با یهودیان مهاجر استفاده می‌کنند، لیکن نمی‌دانند که همین امر

تنها موجب افزایش فشار مهاجرت می‌گردد.

به همین علت، رهبران شوروی دلایل قاطعی برای احتیاط کاری در اداره سیاست مهاجرت خود دارند. میزان مهاجرت کنونی نشانگر تصمیم واضح آنها در متعادل ساختن ملاحظات داخلی و خارجی است.

(خیلی محرمانه) افزایش اهمیت نقش مناظره پیرامون سیاست مهاجرت شوروی و تأثیر لایحه جکسون-وانیک از طرف اعضای جامعه ممنوع‌المهاجرت شوروی (یعنی آن دسته از یهودیان شوروی که اجازه ندارند از این کشور مهاجرت کنند) به رسمیت شناخته شده است. آنها این لایحه را تنها عامل بالا برنده میزان مهاجرت یهودیان شوروی دانسته، و به شدت با عدم تصویب آن مخالفت می‌ورزند. ولی به خاطر بالا رفتن مهاجرت و تبدیل آن به صورت یکی از شرایط اساسی در روابط آمریکا و شوروی این استدلال آنها ارزش خود را از دست داده است. مقامات شوروی با قطع مهاجرت نخواهند توانست به آسانی پاسخگوی عدم تصویب اصلاحیه باشند، چون شوروی مطمئن است که این عمل اقدامی تلافی‌جویانه آمریکا را به همراه خواهد داشت.

*** **

(طبقه‌بندی نشده) میزان مهاجرت یهودیان از شوروی از ۱۷۰۰۰ نفر در سال ۱۳۵۶ به ۳۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۵۷ افزایش یافت. مقایسه میزان مهاجرت ماهانه ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ نشان می‌دهد که سال ۱۳۵۸ بیشترین رقم مهاجرت را همراه خواهد داشت که احتمالاً معادل ۵۰۰۰۰ نفر می‌باشد. در نتیجه مقایسه در می‌یابیم که در سال ۱۳۵۲ حدود ۳۴۸۰۰ نفر از یهودیان شوروی را ترک گفته‌اند که تا به حال بیشترین رقم مهاجرت سالانه به حساب می‌آید.

(خیلی محرمانه) امکان ادامه مهاجرت به میزان نسبتاً زیاد تا سال ۱۳۵۹ خوب است. فشار وارده بر مقامات شوروی در حفظ و تداوم مهاجرت به میزان بالا ظاهراً ناشی از ملاحظات داخلی و خارجی است، ولی ممکن است توأم با نوساناتی نیز باشد.

چرا مهاجرت؟ علل و هم‌ربطی‌ها

(طبقه‌بندی نشده) تصمیم شوروی مبنی بر مجاز شمردن مهاجرت یهودیان شوروی ناشی از فشارهای داخلی بود. در سالهای ۱۳۳۰، یهودیان روسی - که شاید بتوان آنها را از متشکل‌ترین اقلیتهای شوروی به حساب آورد - در نتیجه چند عامل احیای مجدد «هویت» یهودی خود را به شدت تجربه کردند: کشش مغناطیسی اسرائیل، آزادی‌های دوران بعد از استالین، و پیدایش سیاستهای ضد یهودی در سیاستهای شوروی و طرز تفکر مردم این کشور. در اواخر دهه ۱۳۳۰، مقامات شوروی در برابر تلاش همه جانبه یهودیان شوروی به منظور کسب حق مهاجرت تسلیم شدند.

(طبقه‌بندی نشده) در اوایل سالهای ۱۳۴۰ مسکو پیگیری «تشنج‌زدایی» را آغاز کرد و متوجه شد که آرای عمومی آمریکا که توسط کنگره منعکس می‌گردد مهاجرت را یکی از شرایط تشنج‌زدایی به حساب می‌آورد، و به همین دلیل ملاحظات سیاست خارجی نیز نقش مهمی در این زمینه به عهده گرفت، در حالی که، مقامات شوروی به اعتراض اعراب در قبال هجوم یهودیان شوروی به اسرائیل وقعی نمی‌نهادند. (خیلی محرمانه) رهبران شوروی به دنبال تجربه‌ای که از اصلاحیه جکسون-وانیک بدست آوردند،

آموختند که نادیده گرفتن ارتباط مهاجرت و تشنج‌زدایی می‌تواند منافع مهم شوروی را به مخاطره افکند و بر روابط دو جانبه تأثیری منفی بگذارد. علاوه بر این، بازی با میزان مهاجرت، ابتدا به عنوان عامل محرک و پس از آن به عنوان یک اقدام تلافی‌جویانه، عدم توانایی مسکو در حفظ موضوع خود و عدم کارآیی استفاده از مهاجرت به عنوان یک سلاح در مسائل دوجانبه، را نشان داد.

پس از کاهش شدید مهاجرت در سالهای ۵۴-۱۳۵۳ دیگر فشارهای تعیین‌کننده مسکو را سریعاً بر آن داشت تا میزان مهاجرت را به وضع اولیه برگرداند.

(طبقه‌بندی نشده) پس از کاهش در سال ۱۳۵۴، مهاجرت تا حدودی در سال ۱۳۵۵ افزایش و در سال ۱۳۵۶ سرعت بیشتری پیدا کرد و در سال ۱۳۵۷ تقریباً دو برابر شد. نکاتی که بر سیاست مهاجرتی شوروی در این سه سال و سنگینی نسبی آنها تأثیر می‌بخشید به دقت قابل‌سنجش نمی‌باشد. لیکن بعضی از هم‌ربطی‌های موجود میان رویدادهای داخلی و خارجی و میزان مهاجرتها حاوی مطالب بسیاری می‌باشد.

(طبقه‌بندی نشده) هنگام تشکیل کنفرانس بلگراد در فروردین ماه ۱۳۵۷ سیر صعودی مهاجرت به هیچ‌وجه دستخوش تغییر منفی نشد در حالی که مسکو می‌توانست با افزایش بیشتر آن توجه کنفرانس را به خود معطوف نماید. در نتیجه مهاجرت در سال ۱۳۵۷ به ۳۰۰۰۰ نفر بالغ و آن را به صورت بهترین سال پس از سال ۱۳۵۲ درآورد.

(طبقه‌بندی نشده) هم‌ربطی بین کنفرانس بلگراد و شدت سرکوب مخالفت سازمان یافته، توسط شوروی الگوی متفاوتی را ظاهر می‌سازد، آغاز کنفرانس نیز سبب شد که مقامات شوروی در مبارزات مخالفین خود که از اواخر سال ۱۳۵۵ آغاز شده بود وقفه‌ای پدید آورند. ولی این وقفه تنها تا پایان اجلاس کنفرانس دوام یافت. یعنی درست یک روز پس از اختتام کنفرانس، مبارزه و سرکوب با قدرت هرچه تمامتر از سر گرفته شد. اختلاف در روند مهاجرت در تابستان ۱۳۵۷ بیش از همیشه مشهود بود، یعنی با وجود محاکمه علنی فعالترین اعضای حقوق بشر، مهاجرت دائماً رو به افزایش بود.

(طبقه‌بندی نشده) بدین ترتیب واضح است که مقامات شوروی سیاست مهاجرتی و سرکوب مخالفین خود را طبقه‌بندی کرده و در رابطه با هر یک اقدام متفاوتی را بکار می‌گرفته‌اند.

رابطه میان تشنج‌زدایی، مهاجرت و مخالفت

(خیلی محرمانه) زمانی که روابط دو جانبه آمریکا و شوروی به دنبال مداخله شوروی در آفریقا، حقوق بشر و دیگر موارد، رو به وخامت نهاد، روسیه به این فکر افتاد که مبادا روی‌گردانی آمریکا از تشنج‌زدایی مذاکرات محدودیت تسلیحات استراتژیک (سالت - م) را به مخاطره افکند و واشنگتن را به چین نزدیکتر سازد.

(خیلی محرمانه) این فشارها که در سال ۱۳۵۴ شدت یافته بود در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ افزایش بیشتری پیدا کرد. مقامات شوروی که با قطع سیل مهاجرت به اقدام تلافی‌جویانه علیه اصلاحیه جکسون - واینیک دست زده بودند، دریافتند که اقداماتشان در جهت حفظ منافع گسترده‌تر شوروی نیست. از آنجا که بازگرداندن میزان مهاجرت به سطوح قبلی نشانه‌ای از پذیرش شکست تلقی می‌شد، روسها در سالهای

۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ میزان مهاجرت ماهانه را بالا و پایین می‌بردند.^(۱) پس از آن نیز کنفرانس بلگراد سبب شد که سیر مهاجرت را افزایش دهند. با پایان گرفتن کنفرانس، نگرانیهای مربوط به تشنج‌زدایی تا آنجا شدت یافته بود که مسکو متوجه شد که وضع موجود به افزایش مهاجرت نیازمند است و نه کاهش آن. (طبقه‌بندی نشده) اگر مهاجرت برای رهبران شوروی مسئله‌ای شده بود که می‌توانستند از طریق آن امتیازاتی را از دست بدهند، مخالفت سیاسی سازمان یافته چنین کاری را ایجاب نمی‌کرد. علیرغم مقیاس معتدل آن (که از نظر غربیها بسیار ناچیز است)، مقامات شوروی با این‌گونه مخالفتها به عنوان یک خطر جدی علیه انحصار قدرت خود برخورد می‌کردند. تبدیل یکی از مسائل حقوق بشر چون مهاجرت یهودیان توسط آمریکا به عنوان یکی از ضرائب تعیین کننده سیاست آمریکا در قبال شوروی، برای رهبران شوروی مشکل بسیار ظریف و حساسی را ایجاد نمود. آنها که میل نداشتند تغییر عمده‌ای در طرز برخورد و سیاست خود پدید آورند، صرفاً به تدابیر روبنایی و آرایشی متوسل شدند که عبارتند از:

- جرح و تعدیلهای موقتی تاکتیکی (مانند زمان تشکیل کنفرانس بلگراد).
- ضد حمله‌های تبلیغاتی (که شوروی را مدافع حقوق بشر، و آمریکا را مهاجم به آن قلمداد می‌کرد)،
- توسل به منافع عظیم تر مشترک (که در آن سیاست حقوق بشر آمریکا را ناقض رابطه تشنج‌زدایی عنوان می‌کرد).

- ژستهای به دقت محاسبه شده (یعنی، تعیین مجازاتهای شدید لیکن کمتر از حداکثر برای ناراضیان محکوم یا اجازه مهاجرت به افراد ممنوع‌المهاجرت یا مخالفین در پاسخ به عکس‌العمل آمریکا).

(طبقه‌بندی نشده) سیاست برخورد جداگانه با مهاجرت یهودیان و ناراضیان داخلی در سال ۱۳۵۶ و به خصوص طی محاکمات شدید مخالفین در بهار و تابستان آن سال مشهود نبود. این محاکمات^(۲) ناراضیاتی شدیدی را در آمریکا و اروپای غربی برانگیخت. و این واقعیت که بعضی از محاکمه‌شوندگان یهودی بودند نیز خشم خارجیها را نسبت به ضدیهودی‌گرایی تحریک می‌کرد و وجه منافع مسکو را به مخاطره می‌افکند، لیکن با تداوم مهاجرت یهودیان و حتی افزایش میزان آن در طول محاکمات شوروی، این عکس‌العمل خصمانه را خنثی می‌نمود. میزان مهاجرت حتی پس از محاکمات نیز افزایش یافت و نشان داد که با در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی دیگر از جنبه تبلیغاتی آن حداکثر بهره‌برداری می‌شود.

فشارهای داخلی

(طبقه‌بندی نشده) بدون شک یهودیان شوروی در اواخر ۱۳۵۶ به تعداد روزافزون خواستار مهاجرت شده بودند؛

- دوران کنفرانس بلگراد (آبان ۱۳۵۶ تا اسفند ۱۳۵۷) از نظر بسیاری از یهودیان موقعیتی مناسب به

۱- گمان نمی‌رود که این نوسانات منعکس‌سازنده کار دفاتر مهاجرت منطقه‌ای متعدد با رعایت یک الگوی درهم ماهانه پاسخ به تقاضا نامه‌ها باشد. با وجود حساسیت شوروی در مورد سیاست مهاجرت، نمی‌توان گفت که میزان مهاجرت ماهانه و سالانه به طور اتفاقی تعیین شده است. این موضوع احتمالاً حاصل سهمیه بندی OVIR ها می‌باشد. OVIR نام اداره روادید و ثبت احوال وزارت کشور شوروی یعنی اداره مسؤول امور مهاجرت است.

۲- این محاکمات شامل محاکمات پرچنجال یوریواریف (گروه هلسنیکی مسکو)، از دیاد گام‌خوردیا (گروه هلسنیکی گتورگیا)، اناتولی شارانسکی (یهودی ممنوع‌المهاجرت شوروی و عضو گروه هلسنیکی مسکو)، الکساندر گینزپرگ (گروه هلسنیکی مسکو و مدیر صندوق مالی سولژنستین)، الکساندر پودرانییک (عضو گروه پیشگیری سوءاستفاده روانی) و بسیاری از چهره‌های کمتر شناخته شده دیگر.

حساب می‌آمد.

- شایع شده بود که میزان مهاجرت افزایش یافته و سیر صعودی خود را دنبال می‌کند، به همین دلیل بسیاری از یهودیان تقاضای مهاجرت نمودند.

- محاکمات سیاسی ۱۳۵۷، تلاش شدید رسمی علیه «صهیونیزم» و رنگ ضد یهودی‌گرایی مقامات در زمینه استخدام و آموزش و پرورش احتمالاً بسیاری از یهودیان شوروی را متقاعد ساخته بود که آنها در شوروی آینده‌ای ندارند.

- مذاکرات نهایی سالت ۲ از نظر یهودیان شوروی یکی از عواملی بود که سبب پیدایش انعطاف‌پذیری مقامات در تأیید تقاضای مهاجرت یهودیان می‌شد.

(طبقه‌بندی نشده) به هر حال، گزارشات رسیده از شهرهای مختلف مبین صفوف طولانی متقاضیان و صحنه‌های پر تنش در برابر ادارات روادید و ثبت احوال می‌باشد. مقامات شوروی نیز به فشار ناشی از متقاضیان با مدرنیزه کردن دفاتر روادید و ثبت احوال در بعضی از شهرها و گشایش دفاتر جدید برای برآورد خواست متقاضیان رو به افزایش پاسخ داده‌اند.

(طبقه‌بندی نشده) اما اگر مقامات شوروی میزان مهاجرت را به خاطر تأثیر آن بر ملاحظات سیاسی تعیین می‌کنند، چگونه است که تعداد روادید خروج صادره از نوسانات موجود در میزان متقاضیان تأثیر می‌پذیرد؟

(طبقه‌بندی نشده) واضح است که ملاحظات راهنمای یهودیان شوروی در اتخاذ تصمیم به مهاجرت یا عکس آن و انتخاب بهترین موقعیت برای مطرح ساختن تقاضاهای خود با ملاحظات مورد نظر مقامات مبنی بر افزایش و یا کاهش مهاجرت در یک زمان خاص، مطابقت ندارند. متقاضی احتمالی سعی می‌کند مقاصد مقامات را قبلاً پیش‌بینی کند، وی علاوه بر این تحت تأثیر روندهای اخیر مهاجرت و تجویزات سیاسی خود قرار دارد.

(طبقه‌بندی نشده) مقامات می‌توانند مهاجرت را افزایش و یا کاهش دهند، آن هم با در نظر گرفتن میزان متقاضیان جاری و توانایی اداره روادید و ثبت احوال در راه اندازی آنها. عملاً میزان مهاجرت را می‌توان به طرق زیر به بازی گرفت:

- مداخله در امر ارسال دعوت نامه‌ها از طریق پست شوروی.

- طولانی کردن و دشوار ساختن روند تقاضاها.

- مرعوب ساختن متقاضیان احتمالی با نتایج ممکنه اقدامات خود و

- کنترل مطابق نیاز و میزان تقاضانامه‌های ردی.

(طبقه‌بندی نشده) هنگام صدور جواز خروج، مقامات شوروی اولویت را به یهودیانی می‌دهند که از تحصیلات کمتری برخوردار و بخصوص ساکن نواحی یهودی نشین باشند. اکثر متقاضیانی که در حال حاضر روادید خروج دریافت می‌دارند، یهودیان ساکن اوکراین غربی و جنوبی، گئورگیا، و آسیای مرکزی هستند. یهودیان تحصیل کرده‌تر، یهودیان شهرنشین ساکن مسکو و لنینگراد به این ترتیب و با رعایت تساوی روادید خروج دریافت نموده‌اند.

(طبقه‌بندی نشده) افزایش ناگهانی و شدید میزان متقاضیان، مقامات را با مشکلی عجیب روبرو می‌سازد. بعضی از سخنگویان جامعه یهودیان شوروی می‌گویند که مقامات شوروی تنها با چند روش

غیرقانونی قادر به کاستن از تعداد متقاضیان هستند، آن هم حد و حدودی دارد. یعنی اداره روادید و ثبت احوال قادر نیست با عدم توسل به اقدامات تند مانع از هجوم سیل آسای متقاضیان گردد. سخنگویان مزبور مدعی هستند که اگر مقامات درصدد ایجاد شکافی عظیم بین میزان مهاجرت و میزان تقاضانامه‌های روی هم انباشته شده باشند، با شرایط و وضع دشواری روبه‌رو خواهند بود. (طبقه‌بندی نشده) شهروند شوروی وقتی تصمیم به مهاجرت می‌گیرد که برای او همه درهای بازگشت بسته باشد، یعنی وی به نقطه‌ای از شکست روانی می‌رسد که در آن بی‌تفاوتی به رد آشکار نظام شوروی تبدیل می‌گردد. در این حالت مقامات شوروی وی را طرد شده و آشوبگر و فردی غیرقابل تطابق با جامعه سوسیالیستی به حساب می‌آورند. مجاز شمردن پیدایش تشکل این گروه عظیم ناراضی در میان شهروندان شوروی عوامل زیر را پدید خواهد آورد:

- گسترش از خود بیگانگی

- پیدایش بازگشت به خویشتن یهودی در میان یهودیانی که می‌توانند بدون نیاز مبرم به مهاجرت از جمله شهروندان شوروی به حساب آیند و

- ترغیب احساسات ضدیهودیت و کمک به پیدایش فشارهای صعودی مهاجرت.

(خیلی محرمانه) برای نشان دادن مشکلات موجود در برابر مقامات، یهودیانی که حق مهاجرت ندارند گزارش می‌دهند که یهودیانی که در مسکو متقاضی مهاجرت هستند کمتر با از دست دادن شغل خود روبه‌رو می‌شوند. بنابه گزارشهای رسیده، گریشین رئیس حزبی مسکو به مقامات محلی حزب دستور داده است که از اخراج یهودیانی که خواستار مهاجرت هستند خودداری ورزند مگر آنکه سمت آنها حساس باشد. علت؟ آنها با یافتن شغلی دیگر مخالفت خود را گسترش خواهند داد.

(طبقه‌بندی نشده) بدین ترتیب، مقامات باید فواید و هزینه‌های بالا رفتن مهاجرت را متعادل سازند. (طبقه‌بندی نشده) یهودیان فاقد حق مهاجرت یک مشکل ویژه را به وجود آورده‌اند. اینها یهودیانی هستند که بنابه دلایلی چون حفظ امنیت دولت، و یا ناراضی ساختن مقامات به عللی دیگر و یا تحت تأثیر ابهامات موجود در بوروکراسی شوروی از حق مهاجرت محروم شده‌اند. مهمترین بخش آن نیز احتمالاً گروه کوچکی متشکل از هزار نفر از افراد حرفه‌ای شهری و نیز دانشمندان می‌باشد.

(طبقه‌بندی نشده) رفتار مکرر توأم با ناراضی و عدم قضاوت صحیح مقامات شوروی با یهودیان فاقد حق مهاجرت نشان می‌دهد که نظام شوروی از این یهودیان به عنوان یک راه فرار استفاده می‌کند و خشم خود را بر سر آنها فرود می‌آورد:

- این یهودیان درس عبرتی می‌شوند برای یهودیان تحصیل کرده دیگر تا از تقاضای مهاجرت چشم‌پوشند.

- علاوه بر این با استفاده از آنها نشان داده می‌شود که شوروی به فشارهای بیگانه پاسخ نمی‌دهد و حاکمیت خود را در تعیین سیاست مهاجرت اعمال می‌نماید.

(طبقه‌بندی نشده) در همین حال، یهودیان فاقد حق مهاجرت در جامعه یهودیت نقشی بسیار حیاتی ایفا می‌کنند:

- یعنی رهبریت جامعه را به عهده گرفته.

- منابع و ابتکارات مربوط به تجدید هویت فرهنگ یهودیت را در میان یهودیان شوروی گسترش

می‌دهند.

– و به عنوان یک سازمان غیررسمی لیکن بسیار موثر در زمینه انتشار اخبار و بالا بردن منافع یهودیان در داخل شوروی و خارج از آن عمل می‌کنند.
بسیاری از همین یهودیان فاقد حق مهاجرت با دریافت مجوز خروج ناگهانی و یا اسارت در اردوگاه‌های کار اجباری دور افتاده تأثیر و کارایی خود را نشان داده‌اند.

گناه مهاجرت

(طبقه‌بندی نشده) صرفاً پیدایش میل به مهاجرت با غرایز مقامات شوروی مخالف است. حتی زمانی که مهاجرت به عنوان یک واقعیت نپذیرفته شده بود نیز بوروکراسی اداره روادید و ثبت احوال به کندی عمل می‌کرد. دامهای متعدد ایجاد شده در روند مهاجرت طوری طرح‌ریزی شده بود تا نهادهای متعدد بتوانند یک متقاضی خاص را رد نمایند، ولی همین امر نشانگر خصومت کلی نهادها با کسانی است که می‌خواهند از سوسیالیسم بگریزند. موضوع دیگر مورد انزجار مقامات شوروی این است که یهودیان پس از خروج از کشور، از حقوقی برخوردار می‌شدند که هیچ‌یک از گروه‌های روسی از آن برخوردار نیستند. (طبقه‌بندی نشده) مهاجرت مهمترین عاملی است که نشان می‌دهد هزاران تن از شهروندان شوروی زندگی در این کشور را بر خلاف بهشت گونه توصیف شدن آن، دوست ندارند. در نتیجه، تمایل به مهاجرت نوعی عدم وفاداری تلقی می‌گردد. به عنوان مثال، این شرط که تقاضانامه‌های مهاجرت باید همراه با اسناد و استشهاد نامه‌های مهم (یعنی اسپرودکی مشهور) باشد، بدین معنی است که متقاضی باید مورد لطف و مرحمت مقامات مهم لیکن مرعوب در نظام قرار گیرد. آنها نیز از صدور سندی در این رابطه امتناع می‌ورزند تا نشان دهند که آنها به یک خائن به ایدئولوژی کمک نکرده‌اند.

(خیلی محرمانه) این‌گونه طرز برخورد‌های موجود در بوروکراسی راه‌اندازی تقاضانامه‌های مهاجرت را آنقدر محدود می‌کند تا مقاصد مقامات بالاتر نیز بی‌اثر گردد، ناظران گفته‌اند که بعضی از دفاتر اداره روادید و ثبت احوال (که معمولاً در مناطقی مستقر هستند که احساسات ضدیهودیت شدید است) به خاطر تعداد زیادی تقاضانامه‌های مهاجرتی پذیرفته نشده شهرت عجیبی پیدا کرده‌اند، ولی دفاتری که در ایالات بالتیک مستقر هستند به لیبرال بودن نسبی معروف شده‌اند.

(خیلی محرمانه) اگر تنوع و گوناگونی منعکس سازنده روحیه مقامات محلی با کنترل مرکزی اعمالی از طریق امریه‌ها و تحلیل سهمیه‌ها متناقض باشد، با واقعیات مهمتر زندگی شوروی کاملاً تطابق دارد. در شوروی، روش بوروکراسی برای منحرف ساختن سیاست‌های ناشایست معمولاً یک مرحله جلوتر از روش‌های مورد استفاده توسط تصمیم‌گیرندگان است. مقامات دفاتر اداره روادید و ثبت احوال منطقه‌ای نیز در تخلف از امریه‌های مرکز مانند مدیران شرکتهای اقتصادی شوروی که با اهداف تعیین شده تولیدی بازی می‌کنند، عمل می‌نمایند.

(خیلی محرمانه) در حقیقت، مقامات برجسته بر اجرای سیاست مهاجرتی خود نه تنها به خاطر تأثیر آن بر ملاحظاتی مربوط به سیاست خارجی نظارت دارند، بلکه می‌دانند که این امر با ارزشها و روش عملکرد نظام شوروی مغایرت دارد و در صورتی که به جلو رانده شود متوقف خواهد شد.

یهودیان شوروی به عنوان جوسازان و متخصصین تاکتیک

(طبقه‌بندی نشده) اعضای برجسته جامعه یهودیت شوروی به ملاقات مقامات آمریکایی، اعضای کنگره، دانشمندان و دیگر افراد برجسته آمریکا با خود در سفرهایشان به مسکو عادت کرده‌اند. آنها با نمایندگان جامعه یهودیان آمریکا و روزنامه‌نگاران و دیپلماتهای آمریکایی در مسکو تماس دارند. به این ترتیب آنها از نقش مسائل یهودیت در سیاستهای داخلی آمریکا به خوبی آگاه می‌شوند، لیکن سعی می‌کنند با ارائه نظرات خود به تصمیم‌گیران سیاسی و آرای عمومی سیاست آمریکا را تحت نفوذ قرار دهند. این نظریات گهگاه به صورت بیانیتهای کتبی ناشی از مباحثات طولانی در می‌آید که اعضای عالی‌رتبه یهودیان فاقد حق مهاجرت نیز بر آن صحنه گذاشته‌اند.

(خیلی محرمانه) سالهاست که یهودیان فاقد حق مهاجرت شوروی به حمایت از لایحه جکسون - وانیک به عنوان مؤثرترین اقدام در وادار ساختن روسها به مجاز شمردن مهاجرت یهودیان پرداخته‌اند. امکان جرح و تعدیل و یا عدم پذیرش این لایحه توسط کنگره نگرانی آنها را برانگیخته است. در نامه‌ای به تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، ۶۸ تن از برجسته‌ترین یهودیان فاقد حق مهاجرت شوروی از کنگره خواسته‌اند که این لایحه را تصویب نماید و برای بیان علت نیز گفته‌اند که «این لایحه تنها مصوبه قانونی است که حداقل تا حدودی، مانع از بروز ستم لجام‌گسیخته مقامات شوروی در سیاست مهاجرتی آنها می‌گردد». (طبقه‌بندی نشده) لیکن با بالا رفتن میزان مهاجرت، این موضع روشنفکران نیز فرسایش یافته است. یهودیان فاقد حق مهاجرت، علت افزایش مهاجرت را از یک طرف افزایش میزان تقاضا نامه‌های دانند که به نظر آنها از طرف مقامات شوروی قابل کنترل نیست. ولی دفاع آنها از لایحه جکسون - وانیک نیز بر این فرضیه استوار است که مقامات شوروی اگر بخواهند می‌توانند بنابه میل خود در میزان مهاجرت افزایش یا کاهش را پدید آورند.

(طبقه‌بندی نشده) در نامه مورخ ۲۲ بهمن ماه این تضاد به رسمیت شناخته شده، لیکن حل نشده است: «در حین مباحثات پیرامون لایحه و پذیرش آن در تعداد مجوز خروجهای صادره و نیز اقدامات سرکوبگرانه کاهش و افزایش وجود داشت و لیکن ما که تمام زندگیمان را در این کشور گذرانیده و سالهاست که تغییرات ناشی از تندبادهای سیاسی رهبران این کشور را برگرده خود حس کرده‌ایم، شدیداً پی برده‌ایم که لایحه جکسون - وانیک نقش مهم و مثبتی را در جلوگیری و ممانعت از بروز شدیدترین و سرکوبگرانه‌ترین اقدامات از طرف مقامات شوروی ایفا کرده، می‌کند و امیدواریم در آینده نیز همین نقش را داشته باشد».

(طبقه‌بندی نشده) استدلال یهودیان فاقد حق مهاجرت به یک نکته منفی غیرقابل اثبات می‌رسد، یعنی در عین حال که لایحه جکسون - وانیک ممکن است به بهبود اوضاع کمک نکرده باشد، ولی از وخامت بیشتر آن جلوگیری کرده است. بسیاری از یهودیان شوروی معتقدند که عدم تصویب لایحه جکسون - وانیک کاهش شدید مهاجرت یهودیان را به دنبال خواهد داشت و رهبران شوروی به محض دستیابی به اهداف خود نیازی به افزایش میزان مهاجرت نخواهند داشت. منطق نهفته در این طرز استدلال مشکوک به نظر می‌رسد. گمان نمی‌رود که مسکو بخواهد به یک امتیاز مورد نظر آمریکا طوری پاسخ دهد که اقدام تلافی‌جویانه آمریکا را به همراه داشته باشد.

(طبقه‌بندی نشده) تضاد موجود پیرامون لایحه جامعه یهودیان فاقد حق مهاجرت را شدیداً دچار

تفرقه نموده است. بعضی از اعضاء این جامعه نامه مورخ ۲۲ بهمن ماه را امضاء نکردند چون به نظر آنها لحن نامه مناسب حال کنگره آمریکا نیست.

بعضی از آنها نیز معتقدند که نگرانی مربوط به مهاجرت باید در قوانین و قراردادهای بین‌المللی گنجانده شود، نه در لوایح قانونی که بر روابط دو جانبه تأثیر می‌بخشد.

(طبقه‌بندی نشده) به هر حال، این واقعیت که سخنگویان جامعه یهودیت شوروی دیگر میزان مهاجرت را معیار اصلی قضاوت پیرامون عملکرد شوروی نمی‌دانند، سبب شده است که آنها توجه خود را بر روش مهاجرت معطوف نمایند. در نامه مورخ ۹ دیماه ۱۳۵۷ به رئیس جمهور کارتر، کنگره آمریکا و «تمام مردم خوش طینت» عضو جامعه یهودیان فاقد حق مهاجرت و گروه هلسنیکی گئورگیا یعنی آیسای گلدمن استدلال کرده است:

«معیار اصلی نتیجه‌گیری پیرامون سیاست و روش مهاجرت نباید تعداد واقعی مجوز خروجهای صادره باشد، بلکه معیار اصلی باید توقف صدور ستمگرانه و مستبدانه جواز خروجها و پایان اذیت و آزاد تقاضا کنندگان باشد».

(طبقه‌بندی نشده) اصلاحیه‌های پیشنهادی یهودیان فاقد حق مهاجرت عموماً عبارت از موارد ذیل است:

- تجدید نظر در روش امتناع از صدور روادید که بیشتر در برگیرنده نهادهاست و نه کسی که از صدور آن امتناع ورزیده است.

- تدوین قوانین و مقررات مربوط به تمام جنبه‌های روند مهاجرت.

- ایجاد طبقه‌بندی امتناعها به دلایل امنیتی که مدت زمان امتناع هر یک از طبقات را مشخص سازد.

- انتصاب افراد نظامی متقاضی مهاجرت به سمتهای غیر مرتبط با اطلاعات طبقه‌بندی شده، تا امکان

امتناع از صدور روادید خروج از بین برود.

(طبقه‌بندی نشده) تأکید کنونی بر اصلاح روشها برای یهودیان فاقد حق مهاجرت که در نهایت قربانی استبداد شده‌اند حائز اهمیت بسیار است. تبلیغات و فشارها ممکن است، به موقع، موفق به کاهش بعضی از سوءاستفاده‌ها در روشهای مهاجرت شوروی گردد، ولی دستیابی به اصلاحات کار دشواری است، چون استبداد از جمله عناصر اصلی و متشکله نظام شوروی می‌باشد، و حذف آن حتی در یکی از بخشهای نظام، موجب پیدایش ضرورت اصلاح در خود رژیم می‌گردد.

(طبقه‌بندی نشده) در این مرحله، یهودیان شوروی به یک چهارراه تاکتیکی می‌رسند که در آنجا منافع آنها با منافع اعضای فعال حقوق بشر شوروی ادغام می‌گردد. روابط بین این دو گروه صمیمانه و حاکی از حمایت متقابل بوده است، گرچه تاکتیکهای آنها به خاطر اختلاف اهداف ضرورت تفاوت را ایجاد کرده است. چون یک گروه سعی دارد نظام شوروی را تغییر دهد و گروه دیگر سعی دارد خود را از سلطه آن رهایی بخشد. این موضوع از دیرباز توسط افراد فعال یهودی مورد بحث بوده و بعضی از آنها خواستار اقدام مشترک با فعالان حقوق بشر بوده‌اند و بعضی دیگر از افراد گفته‌اند که بهتر است از اعضاء حقوق بشر فاصله بگیرند تا موجبات خشم غیر ضروری مقامات را نسبت به خود برنینگیزند. بعضی از یهودیان فاقد حق مهاجرت چون شاکارانسکی - عضو گروه هلسنیکی مسکو - خود را عضو هر دو گروه می‌دانند. دیگر یهودیان برجسته شوروی احساس می‌کنند که یهودیان فاقد حق مهاجرت برجسته توجه بسیاری به

مسئله مهاجرت معطوف داشته و منافع یهودیانی را که مایلند در شوروی بمانند؛ البته در صورتی که از حقوق شهروندان شوروی در ابراز و حفظ هویت گروهی برخوردار باشند، نادیده گرفته‌اند. (طبقه‌بندی نشده) بعضی از یهودیان فاقد حق مهاجرت نیز در مورد ارزش درازمدت و ادار ساختن رهبران غربی به تلاش در مورد افراد ویژه و یا گروهی از افراد ویژه احساس بدبینی می‌کنند. به نظر آنها، این گونه تلاشها هیچ اثری در جهت کاهش استبداد روسها در تصمیم‌گیری یا بهبود وضع کلی یهودیان فاقد حق مهاجرت و مهاجران احتمالی ندارد. با پاسخگویی به فشارهای غربی در موارد خاص، مقامات شوروی زندگی فرد فرد متقاضیان مهاجرت را به بازی می‌گیرند. (محرمانه) مقامات شوروی از مداخله خارجی به خاطر افراد ناراضی، چه به صورت فشار عمومی توأم با تبلیغات باشد و چه از طریق مذاکرات خالی از جنجال دو جانبه خوششان نمی‌آید. لیکن اگر آنها بخواهند از دو فشار بالا یکی را بپذیرند، پذیرش روش دوم را غیرمعتراضانه‌تر می‌یابند. آنها می‌دانند که برآوردن خواهش یکی از بازیدکنندگان مهم می‌تواند وجهه آنها را بالا ببرد. با تشویق زیرکانه مقامات خارجی به پذیرش کارایی دیپلماسی آرام، رهبران شوروی می‌توانند امید جلوگیری از تلاشهای عمومی را داشته باشند چون این کار برای آنها موجب شرمساری بسیار بوده و مقاومت در برابر آن دشوار خواهد بود.

تاکی؟

(طبقه‌بندی نشده) در ادواری که طی آنها میزان مهاجرت کاهش یافته بود، رسانه‌های شوروی اغلب ذکر می‌کردند که این کاهش نشانگر خروج اکثر یهودیان متقاضی و کم شدن تعداد تقاضا نامه‌ها می‌باشد. با پیدایش این مطالب یهودیان نگران شدند که مبدا مقامات می‌خواهند با کاهش تدریجی میزان مهاجرت آن را خاتمه داده و علت را نبودن متقاضی عنوان کنند. شایعات سال ۱۳۵۷ مبنی بر اینکه مهاجرت در تاریخ ۱۱ دیماه ۱۳۵۷ خاتمه خواهد یافت، سبب شد که در اواخر سال ۱۳۵۷ تعداد متقاضیان افزایش بسیاری یابد که این امر بر فشار تقاضانامه‌ها در اوایل سال ۱۳۵۸ تأثیری نگذاشت. (خیلی محرمانه) نگرانی موجود مبنی بر اینکه مهاجرت تحت تأثیر بازیه‌های المپیک ۱۳۵۹ شوروی واقع خواهد شد قابل قبول نیست، فشار وارده بر وسائط نقلیه و دیگر تسهیلات ممکن است عامل تعیین کننده در این زمینه باشد، ولی شواهد موجود حاکی از آن است که مقامات در نظر دارند مسکو و دیگر مناطق المپیک را از وجود فعالان یهود و دیگر مخالفین پاکسازند آن هم برای مدت بازیه‌ها. (طبقه‌بندی نشده) حدود ۱۸۰۰۰۰-۱۷۵۰۰۰ نفر از یهودیان از شوروی مهاجرت کرده‌اند، لیکن آمار سال ۱۳۴۹ شوروی تعداد یهودیان مهاجر را ۲/۱ میلیون نفر عنوان نمود، نتایج آمار دی ماه ۱۳۵۷ هنوز منتشر نشده است.

طبق یکی از برآوردها، حدود ۱/۹ میلیون نفر از تعداد یهودیان شوروی کاسته شده است. این رقم نمی‌تواند قابل اطمینان و اعتماد باشد، چون نه تنها نشانگر تأثیر مهاجرت است بلکه می‌تواند نشانگر تغییر هویت پاسخ دهندگان به آمار باشد. اینکه چه بخش از این رقم کلی دربرگیرنده مهاجرین است، نه تنها توجه ناظران غربی و مقامات اسرائیلی، بلکه بدون شک توجه مقامات شوروی را نیز به خود معطوف داشته است.

(طبقه‌بندی نشده) با این وصف نیروی موج مهاجرت تحلیل نرفته، بلکه رو به گسترش بیشتر است. خانواده‌هایی که کشور را ترک گفته و در خارج اسکان می‌یابند، وابستگان و دوستان خود را نیز به این کار ترغیب می‌کنند. ترسها و عدم اطمینان‌های یهودیان شوروی که ناشی از آینده آنها پس از مهاجرت می‌باشد، با نفوذ اخبار مربوط به زندگی و فرصتهای موجود در غرب از میان می‌رود.

(طبقه‌بندی نشده) ولی تعداد یهودیانی که علاقه به مهاجرت نداشته و ترجیح می‌دهند به عنوان شهروند شوروی در این کشور بمانند مشروط بر آنکه بتوانند بدون تبعیض و یا کیفر به زندگی و کار پردازند هنوز هم زیاد است. طرز فکر آتی آنها اصولاً با تجارب شخصی و برداشت آنها از روندهای جاری، شکل خواهد گرفت و بخصوص ارزیابی آنها در مورد امکان از بین رفتن و یا تشدید تنفر ضدیهودی در شوروی که ناشی از تمایل آنها به مهاجرت است نیز به همین ترتیب شکل خواهد گرفت. با قضاوت پیرامون عملکرد گذشته، مقامات شوروی به فشارهای ناشی از مهاجرت خواهند افزود و آن را تقلیل خواهند بخشید.

معمای ضدیهودیت

(طبقه‌بندی نشده) طرز برخورد و فکر مقامات شوروی در قبال یهودیان بدون شک نوعی عقدۀ مملو از ابهامات و تضاد است. در حقیقت هر مشکلی با ضریب دائمی ضدیهودیت تشدید می‌گردد.

(طبقه‌بندی نشده) شناخت دوگونه ضدیهودی‌گری شوروی مفید است، گرچه وجه تمایز موجود قابل رؤیت نیست و گهگاه به هیچ‌وجه نمی‌توان به آن پی برد. اولین گونه آن توسط مقامات شایع می‌گردد و نشانگر تنفر ایدئولوژیکی آنها از «صهیونیزم» و خصومت آنها در قبال یهودیان مهاجر است. این طرز فکرها به ناچار سبب سوءظن و تبعیض علیه تمام یهودیان می‌شود و عملاً از نوع دوم ضدیهودی‌گری که از نوع مردمی است قابل تمیز نیست. اقدامات رسمی اغلب به بهره‌برداری یا انعکاس طرز فکرهای ضدیهودی‌گری خلقی حساب شده و یا ناشی از ابراز نظر ضدیهودی‌گری شخصی در اقدامات رسمی خود می‌پردازند. در همان حال، مقامات از ضدیهودی‌گری خلق و ماهیت انفجارگونه آن خسته می‌شوند، چون این‌گونه اعمال به هیچ‌وجه نشانگر طرز فکر همزمان خلقی نیست.

(طبقه‌بندی نشده) مقامات شوروی باید بعضی از مقررات را نیز رعایت کنند، چون قانون شوروی ابراز خصومت ملی و یا نژادی را ممنوع کرده است. علاوه بر این، ضدیهودی‌گری آشکار در خارج از کشور خشم مردم را برمی‌انگیزد و وجهه شوروی را لکه‌دار می‌سازد. دولت به دقت وانمود می‌کند که یهودیان شوروی فرهنگ ملی خود را گسترش داده و عمداً شواهد دال بر درخشش فرهنگ یهودیان را به نمایش در داخل و خارج می‌گذارد.

(طبقه‌بندی نشده) در عمل مقامات متوجه می‌شوند که اقدامات و طرز فکر آنها نتایج مخالف نتایج مورد نظر آنها را تولید کرده است.

(طبقه‌بندی نشده) دولت امیدوار است مهاجرت را با متقاعد ساختن یهودیان به اینکه زندگی در شوروی بهتر از زندگی در خارج است کاهش دهند. ولی روشهای متقاعدسازی مورد استفاده آن، روشهای مخرب تبلیغاتی، ارباب و تهدید است. در نتیجه رهبران شوروی با امکان مهاجرت توده‌ای یهودیان روبه‌رو هستند.

(طبقه‌بندی نشده) علیرغم روشهای مخرب، دولت دلایل قاطعی برای جلوگیری از مهاجرت توده‌ای دارد: - براساس درصد جمعیت، یهودیان شوروی کمک مهمی به فرهنگ، علم، و اقتصاد شوروی کرده‌اند، و ذوق و استعداد آنها به رسمیت شناخته شده است.

- آنها به طور پراکنده در طبقات فنی، اقتصادی و حرفه‌ای نیروی کار شوروی به کار مشغولند. - با در نظر گرفتن کمبود نیروی انسانی مجرب شوروی بخصوص در مناطق اروپایی آن و امکان وخامت بیشتر آن در دهه آتی، خروج یهودیان از نیروی کار می‌تواند تأثیری جدی بر طرحهای عمرانی و اقتصادی و افزایش تولید داشته باشد.

- در نهایت، مهاجرت توده‌ای یهودیان ممکن است سبب تحریک دیگر گروههای ملی و مذهبی شود تا درصد کسب امتیاز و حقوق مهاجرت برآیند.

- (طبقه‌بندی نشده) برای متوقف ساختن سیر صعودی مهاجرت، مقامات مجبورند اقداماتی به عمل آورند که گویا هنوز ضرورت و یا قابلیت پذیرش آن را حس نکرده‌اند:

- ابراز اطمینان به یهودیان شوروی که در زمینه کار، فرصتهای شغلی، ارتقاء و آموزش شامل آموزشهای تخصصی عالی در مورد آنها تبعیض قائل نخواهد شد و اعمالی حاکی از آنکه تبعیض کنونی خاتمه خواهد یافت.

- محکوم شمردن علنی ضد یهودی‌گری و اجرای قوانین موجود در منع آن.

- مجاز شمردن تجدید حیات و تداوم هویت فرهنگی یهودیت با ارائه حقوق و فرصتهایی مساوی با دیگر ملیتهای روسی، شامل کاربرد یهودیت و استفاده از تدریس زبان عبری و یدیش.

(طبقه‌بندی نشده) چند اقدام اخیر، لیکن غیر مکفی، نشانگر این واقعیت است که مقامات به ضرورت این گونه اقدامات پی برده‌اند. این اقدامات عبارتند از سازماندهی یک گروه تئاتر موزیکال یهودی سیار (دربرویدژان) که پیرامون آن تبلیغات زیادی شده است و انتشار یک رمان که از تجارب یهودیان شوروی در طول جنگ جهانی دوم با همدردی یاد می‌کند، گونه‌های حمایت از زبان یدیش در انتقاد از زبان عبری به عنوان یکی از زبانهای بیگانه و وارداتی (صهیونیستی) و ظهور مقالات مطبوعاتی که گویا توسط یهودیان «وفادار» تدوین شده و به شرح فرهنگ یهودیان شوروی و درخشش آن می‌پردازد. گرچه این اقدامات نتوانسته فراغ خاطر یهودیان شوروی را فراهم آورد، ولی در خارج پیرامون آنها تبلیغات زیادی شده است.

یک دورنمای بسیار دور

(طبقه‌بندی نشده) آنچه باید توسط آینده روشن شود این سؤال است که رویدادهای خاورمیانه بر مهاجرت یهودیان چه تأثیری خواهد داشت. (محرمانه) اگر قرارداد صلح مصر و اسرائیل منجر به عادی شدن تدریجی روابط اعراب و اسرائیل شود و اسرائیل را به صورت مقصدی جذاب‌تر درآورد، تعداد یهودیانی که مایل به عزیمت به آنجا هستند افزایش چشمگیری خواهد یافت. در حال حاضر، حدود ۶۵ درصد یهودیان شوروی که بارواید اسرائیل وارد وین می‌شوند، مسیر خود را عوض می‌کنند. اکثر آنها می‌دانند که این کار را انجام می‌دهند نیز به آمریکا می‌روند. افراد این گروه، مدعی هستند که وابستگی‌شان در آمریکا به سر می‌برند. (طبقه‌بندی نشده) ولی اگر ثبات خاورمیانه نیز منجر به برقراری روابط شوروی و

اسرائیل گردد، تأثیر آن هم بر مهاجرت شدید خواهد بود امکان مهاجرت مستقیم به اسرائیل نیاز یهودیان شوروی به مسافرت به وین را از بین خواهد برد. این عمل نیز به نفع اسرائیل و شوروی خواهد بود، لیکن به نفع آن دست از یهودیان شوروی که می‌خواهند مهاجرت کنند اما میل ندارند به اسرائیل بروند نیست. (طبقه‌بندی نشده) در حال حاضر، به این مهاجرین در وین کمک می‌شود تا به هر جا که می‌خواهند بروند؛ وضع آنها دشوارتر خواهد شد اگر الزاماً مجبور به مهاجرت به اسرائیل شوند و نخواهند توانست به محض ورود به اسرائیل از رتبه پناهندگی برخوردار شوند. از مقامات اسرائیل نیز نمی‌توان انتظار داشت که به تمایل آنها به ادامه سفر پاسخ دهند. بنابه قوانین اسرائیل، اگر آنها در موقع ترک اسرائیل تأخیر نمایند به طور اتوماتیک به شهروندی اسرائیل در می‌آیند.

تهیه شده توسط: آی. بلویویچ ۲۹۲۰۴×

تصویب شده توسط: آر. باراز ۲۹۱۹۴×

ضمیمه

آمارهای مهاجرت:

(خیلی محرمانه / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) موجودیت دو روش اساسی در تخمین تعداد اتباع روسی که شوروی را با روادیدهای اسرائیلی ترک می‌گویند، پدید آورنده نقائص آماری ناشی از منابع مختلف است. دولت شوروی آمارهای دوره‌ای را در رابطه با روادیدهای خروج صادره به مقصد اسرائیل منتشر نمی‌سازد، ولی تعداد روادیدهای اسرائیلی صادره توسط سفارت هلند به عنوان نماینده منافع اسرائیل در مسکو این موضوع را به طور کلی نشان می‌دهد. تشخیص سفارت هلند به عنوان منبع این آمار و نیز خود آمار، در صورتی که دارای اعداد اعشاری نباشند، طبقه‌بندی شده به حساب می‌آیند.

(طبقه‌بندی نشده) از آنجا که تمام دارندگان روادید اسرائیلی ابتدا به وین می‌روند، تعداد افراد وارده به وین در یک مدت خاص می‌تواند تعداد یهودیان شوروی مهاجر را نیز مشخص سازد.

(خیلی محرمانه) نقائص موجود در دو رقم حاصل نشانگر این واقعیت است که تعداد افراد وارده به وین در یک دوره خاص، روادیدهای خود را در دوره قبل از آن دریافت داشته‌اند. بدین ترتیب تعداد افراد دارای مجوز خروج روسی که در سفارت هلند در یک ماه خاص روادید اسرائیلی دریافت می‌دارند، واقعیت آن در یک یا دو ماه بعد با ورود همین افراد به وین قابل رویت و لمس خواهد بود.

(خیلی محرمانه) بنابراین، درست است که آمار افراد وارده به وین تعداد مهاجرین خارج شده از شوروی را در یک زمان خاص نشان می‌دهد، ولی ارقام سفارت هلند با دقت بیشتری سیاست مهاجرت شوروی و نوسانات آن را منعکس می‌سازد. ولی هیچ یک از این دو رقم نمی‌تواند کل یهودیان روسی مهاجر را ارائه و نشان دهد.

(طبقه‌بندی نشده) بعضی از یهودیان شوروی با روادید آمریکایی مهاجرت می‌کنند تا به شهروندان آمریکایی و یا وابستگان دور و مقیم خود در آمریکا پیوندند. در این گروه که تمام ملیتهای روسی را در برمی‌گیرد، یهودیان در سه سال گذشته ۲۵ درصد را تشکیل می‌داده‌اند.

۲۵/۳ درصد کل) ۶۵۰ یهودی - ۱۳۵۵

۲۴/۸ درصد) ۴۹۳ یهودی - ۱۳۵۶

(۲۵/۱ درصد) ۴۳۰ یهودی - ۱۳۵۷

(خیلی محرمانه) علاوه بر این، بسیاری از غیر یهودیان نیز با رواید اسرائیلی مهاجرت می کنند که عبارتند از:

- اعضای ازدواجهای مختلط (مانند ازدواج یهودی و غیر یهودی - م).
- افرادی که توسط مقامات شوروی وادار می شوند که از کانال یهودیان مهاجرت نمایند و
- غیر یهودیانی که رواید یهودی دریافت داشته و سپس موفق می شوند مقامات شوروی را متقاعد سازند که واجد شرایط مهاجرت می باشند.

تعداد ویزاهای اسرائیلی

(خیلی محرمانه) (طبقه بندی نشده)
 غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) تعداد افراد وارده به وین

حدود ۱۰۰۰ نفر	۱۳۴۹
۱۳۰۲۲	۱۳۵۰
۱۳۶۰۱	۱۳۵۱
۳۳۴۶۱	۱۳۵۲
۲۰۷۰۰	۱۳۵۳
۱۳۲۹۰	۱۳۵۴
۱۴۲۷۳	۱۳۵۵
۱۶۷۳۷	۱۳۵۶
۲۸۸۶۴	۱۳۵۷

ماهانه ۱۳۵۷

۱۹۴۶	ژانویه
۲۱۳۱	فوریه
۱۸۳۵	مارس
۱۸۷۰	آوریل
۱۹۱۹	می
۱۹۴۳	ژوئن
۲۲۱۱	ژوئیه
۲۵۴۰	اوت
۲۸۴۵	سپتامبر
۴۰۸۷	اکتبر
۳۴۲۷	نوامبر
۴۶۴۵	دسامبر

ماهانه ۱۹۷۸	
ژانویه	۴۰۴۰
فوریه	۴۱۲۶
مارس	۴۰۱۴۹
آوریل	۵۰۰۰

سند شماره (۵۳)

تاریخ: ۸ ژوئن ۷۹ - ۱۸ خرداد ۵۸
از: سفارت آمریکا در مسکو
موضوع: (خیلی محرمانه) کارمند میز ایران در وزارت امور خارجه شوروی، پیشرفتهای ایران را مورد بحث قرار می‌دهد

- ۱- (تمام متن خیلی محرمانه)
- ۲- در گفتگوی پنجم ژوئن بین مأمور سفارت و مشاور وزارت امور خارجه در امور کشورهای خاورمیانه‌ای ن.ی. کوزیرف (ایران)، مقام فوق نکات زیر را بیان داشت:
- مقامات شوروی امیدوار بودند که گفتگوهای شاخف (رئیس سازمان کمکهای اقتصادی شوروی) در ایران مفصل‌تر باشد، لیکن درست نیست که آن را عامل شکست بنامیم، چون این مباحثات فقط دارای ماهیت اکتشافی بوده‌اند. مقامات ایرانی گفته‌اند که به خاطر وضع خاص کنونی اقتصاد ایران برایشان مشکل است پیرامون نکات مخصوصی بحث نمایند.
موضوع قیمت گاز صادره به شوروی نیز اصلاً مطرح نشد، در حالی که مقامات شوروی حتم دارند که ایرانیها درخواست پول بیشتری برای این گاز می‌کنند.
- میزان صدور گاز به شوروی به ۷۰-۵۰ درصد میزان معمولی می‌رسد. علت ارائه نکردن رقم دقیق این است که در تولید نفت ایران تغییرات فاحشی رخ داده است. علاوه بر اینها یکی از لوله‌های انتقال گاز اخیراً بسته شد، در حالی که وسیله بازرسی نیز در آن به کار انداخت شده بود.
- روسها از افزایش آشوبهای سیاسی در ایران آگاهانند و به طور قطع نمی‌دانند که آینده چه چیزی را به همراه خواهد آورد. اوضاع کنونی حاکی از آشفتگی است. مشکلاتی از قبیل اختلافات درونی در رده رهبران مهم مذهبی وقایعی هستند که روسها نمی‌توانند آنها را ارزیابی نمایند. روسها همچنین معتقدند که مسئله ناسیونالیسم نیز از طرف اقلیتهای ایران می‌تواند عامل انفجارانگیز علیه رهبریت ملی باشد. مسکو آگاه است که سلاحهای روسی در اختیار اعراب خرمشهر قرار داده شده بود، ولی آن را محکوم نیز نکرده است. علاوه بر اینها مسکو اطلاعاتی در دست ندارد که بتواند ثابت کند که عراق منبع اصلی بوده است، گرچه معلوم است که عراق از یک سیاست تحریک‌آمیز علیه ایران استفاده می‌کرده است. تفنگهای اتوماتیک کلاشینکف در همه جای منطقه دیده می‌شود و بسیاری از «دشمنان» انقلاب ایران نه تنها راغب به ایجاد مشکلات برای مقامات ایرانی هستند، بلکه میل دارند اختلاف بین روسیه و ایران را نیز دامن بزنند.
- یک نکته بسیار حساس مسئله کردها می‌باشد، چون سیاست ایران علیه کردها بر طرفداران کردها

در ترکیه و عراق نیز تأثیر می‌بخشد، و منطقی نیست که فکر کنیم که شوروی از ایجاد خشونت علیه کردهای ترکیه حمایت می‌کند، چون مسکو به ظاهر سعی در برقراری و بهبود روابط براساس دولت با دولت در تمام کشورهایی که کردها در آن زندگی می‌کنند داشته است.

۳- اظهار نظر: علیرغم تلاش کوزیرف در اثبات سخنان شاخف به عنوان یک پیروزی، هنوز معتقدیم که این مذاکرات مایه ناراحتی روسها بوده است (تلگرام عطف). سفارت انگلیس در اینجا (حفاظت شود) به ما اطلاع داد که سفیر شوروی به سفیرشان (سفیر انگلیس - م) گفته بود که مذاکرات شاخف نتیجه‌ای به بار نیاورده و دیگر اینکه وی همیشه علیه این سفر رأی داده است.

۴- کوزیرف در این گفتار کوتاه چیز دیگری ارائه نکرد و موقعی که بحث به سازمان تروریستی ایرانی فرقان و انتشار وسیع این خبر توسط مطبوعات روسیه که ایران با سازمان سیا درگیر است کشید، کوزیرف به طور آشکار به بحث خاتمه داد.

سند شماره (۵۴)

تاریخ: ۱۳ ژوئن ۷۹ - ۲۳ خرداد ۵۸
از: سفارت آمریکا در تهران
به: وزارت امور خارجه واشنگتن - فوری

موضوع: منافع بلوک شرق در ایران

- ۱- (تمام متن خیلی محرمانه - تلگرام گزارش)
- ۲- در مهمانی کوچکی که دبیر اول سفارت جمهوری دمکراتیک آلمان به مناسبت عزیمت کارمند سیاسی - آقای استمپل - ترتیب داده بود، مقامهای سیاسی سفارت، استمپل و گارت به وسیله چهار پنج نفر از مقامات اطلاعاتی و سیاسی بلوک شرق برای به دست آوردن نقطه نظرهای آمریکا درباره ایران و اهمیت تحولات اخیر درباره نامزدی کاتلر به مقام سفارت (سفیری)، احاطه شدند.
ارتباط طولانی استمپل با گنادی کازانکین روسی، نقش بخصوص و اساسی در این کاوش پیرامون نظریات آمریکا داشت. همچنین سفرای چکسلواکی و رومانی علاقه زیادی نشان می‌دادند و مقامات سیاسی ما را پیوسته در طول شب مشغول کرده بودند. سؤالات در اطراف این مسئله دور می‌زد که آمریکا چه خواهد کرد؟ (مقامات سفارت جوابهای استاندارد شده‌ای را در مورد بهبود تدریجی روابط، که با تحریکات تند علیه تبلیغات شوروی در مورد دخالت آمریکا عجین شده بود می‌دادند، یا اینکه دولت آمریکا تکامل انقلاب اسلامی را چگونه ارزیابی می‌کند. هم سؤاها و هم نظرات مأمور بلوک شرق نشان دهنده این بود که شوروی و دوستانش به خودشان مطمئن نیستند و تا حدودی در مورد ارزیابی انقلاب اسلامی سرگردان مانده‌اند و حرص شدیدی به دانستن نظرات آمریکا دارند.
- ۳- مقامات روسی که حاضر بودند نسبت به تکامل انقلاب اسلامی اظهار امیدواری می‌کردند و کازانکین گفت که او سفرش را تا تابستان تمدید خواهد کرد تا اینکه برای انقلاب اکتبر ایران در اینجا باشد، کازانکین گفت که انقلاب خمینی یک انقلاب بورژوا دمکراتیک است، ولی پذیرفت که شوروی با تعطیل پایگاههای استراق سمع آمریکا در مرز خود در موقعیت بهتری قرار گرفته است. مقام جدید روسی نیکولای ان. کروشف به عنوان یک شخصیت علمی منطقه معرفی شد. او قبلاً معاون آکادمی علوم شوروی بوده است و درباره مشکلات محیط دریایی تحقیق کرده است. او قرار است سه سال در ایران سفر نماید و

از مصاحبت‌های خودش با جیمز ویلکینسون که به عنوان معاون کارشناس مسائل شوروی در وزارت خارجه آمریکا معرفی کرد به خوبی یاد می‌کند.

۴- سفیر رومانی گئورگ کریسان، که تا حدودی از اشتیاق شوروی رنجیده شده بود، مشروب زیادی نوشیده بود و بدبینی سخت بالکانیها را در مورد ارزش احتمالی انقلاب ایران از نظر مارکسیست - لنینیستها به عنوان «شوک آینده» نشان داد.

سند شماره (۵۵)

تاریخ: ۱۳ ژوئن ۷۹ - ۲۳ خرداد ۵۸
از: وزارت امور خارجه
به: آدیس آبابا، عمان، بغداد، قاهره، دمشق، اسلام‌آباد، جده، کابل، کویت، موگادیشو، مسکو، تهران، تل‌آویو، تریپولی

موضوع: مجوز پروژه تحقیقی وزارت امور خارجه «نمایش خطر شوروی در خاورمیانه»
این وزارتخانه نظارت وزارت دفاع در پروژه مزبور را تأیید می‌کند مشروط بر اینکه قسمت اعظم کار به وسیله اعضای کشور سوم انجام شود و مشروط بر اینکه ۱- قبلاً درباره سفر محققین آمریکا به منطقه به این وزارتخانه اطلاع داد شود و ۲- گزارشات نهایی در طبقه‌بندی «خیلی محرمانه» یا بالاتر قرار گیرد.
به وزارت دفاع خاطر نشان شده است که به دنبال قرارداد صلح مصر و اسرائیل بسیاری از کشورهای عربی حساسیت شدیدی نسبت به پیشنهاد آمریکا برای ایجاد یک محور امنیتی برای مصر و اسرائیل نشان داده‌اند، تبلیغات شوروی بیشتر روی این نکته که آمریکا در نظر دارد به ایجاد پایگاههایی در منطقه دست بزند متمرکز شده است. این پروژه در مراحل مقدماتی می‌تواند به طور منفی از طرف آمریکا تلقی شود و بر مذاکرات ساحل غربی رود اردن و نوار غزه تأثیر بگذارد و علاوه بر اینها تبلیغات شوروی را نیز باید در نظر گرفت.

به پیوست یک نسخه از پروژه پیشنهادی جهت اطلاع پایگاههای مخاطب فرستاده می‌شود. به پایگاههای مربوطه درباره سفر شرکت کنندگان آمریکایی مربوطه اطلاع داده خواهد شد. در صورتی که محققین کشورهای سوم قرار شد با پایگاهها تماس بگیرند، توجیه آنها براساس غیرمحرمانه باید صورت پذیرد. یادآوری شود که مجوز مشروط این پروژه، ارزش، نحوه و یا نیاز این پروژه را در بر نمی‌گیرد.
به پیوست: پروژه پیشنهادی

نمایش خطر شوروی در خاورمیانه پیشنهادی از طرف HERO

هدف

سازمان تحقیق و ارزیابی تاریخی (HERO) که بخشی از مؤسسه T.N.Dupuy (TND) است پیشنهاد کرده است که به ارزیابی دوباره اهداف شوروی و اقدامات احتمالی آن در خاورمیانه از طریق پیشرفتهای سیاسی کنونی و فرضیه‌هایی که به وسیله دانشمندان و مقامات دولتی درباره خطر آن در این

شرایط که شامل استفاده احتمالی از سلاحهای هسته‌ای به وسیله هر یک از طرفین ذینفع می‌باشد پیردازد.

سابقه

مدیر اجرایی TNDا در سفر اخیر خود (سپتامبر - اکتبر ۱۹۷۸) به مصر یا اردن و اسرائیل، مشکلات استراتژیک مداخله شوروی در خاورمیانه و کشورهای آفریقایی همسایه را با چند تن از دانشمندان، متخصصین نظامی، و مقامات دولتی به بحث کشید. بخشی از اظهار نظرات آنها در ذیل می‌آید:

مقام عالیرتبه و طراح مهم ستادی مصر: آمریکا به خوبی از خطر نفوذ شوروی در یمن جنوبی و رابطه آن با اتیوپی، ظفار، ایران و در منطقه ما - باب‌المنذب - آگاه نیست. اقدام فوری و عاجل لازم است. مقام نظامی مهم در اتحادیه عرب: «ما مایل هستیم با سازمان شما در مطالعات استراتژیک همکاری کنیم، و بیشتر در زمینه تهدیداتی غیر از اسرائیل مایل به این کار هستیم».

ریاست انستیتوی مطالعات استراتژیک در قاهره: ما مایل به همکاری با سازمان شما در زمینه مطالعات دفاعی و استراتژیک پیرامون مسائلی از قبیل (امنیت خاورمیانه) هستیم».

سازمان ضداسرائیلی، ضد کمپ دیوید یا فلسطینی خارج از ساف، وابسته به دولت اردن: «خطر شوروی که اکنون در یمن جنوبی حاضر است خیلی بیشتر از خطر صهیونیزم است».

ریاست انستیتو تحقیقی آکادمیک اسرائیلی: مانگران آنچه در افغانستان و ایران می‌گذرد و رابطه آن با یمن جنوبی، و اتیوپی هستیم و مایل به همکاری با سازمان HERO درباره چنین مسائلی هستیم.

هرگونه تغییر در اوضاع سیاسی خاورمیانه به علاوه وقایع جاری در ایران می‌تواند مورد بهره‌برداری از طرف شوروی واقع شود. شکی نیست که از طریق خرابکاری، تبلیغات، و حتی مداخله‌های مستقیم یا غیرمستقیم هنگامی که اهداف ایجاب نماید، کرملین نه تنها به حمایت از نهضت‌های انقلابی رادیکال چپی بلکه به حمایت از گروه‌های ماورای محافظه کار و بنیادگرایان مذهبی خواهد پرداخت. سقوط دولتی که دوست آمریکا باشد به خودی خود یک پیروزی برای شوروی به شمار می‌رود و چنین تغییری در اوضاع یک کشور تولیدکننده نفت می‌تواند به طور جدی سلامت و امنیت ملی آن کشور را به خطر اندازد.

سالهاست که در مطبوعات عمومی نگرانی زیادی از تصاحب سلاحهای هسته‌ای توسط اسرائیل نشان داده شده است. حتی گزارشاتی رسیده است که حاکی از تلاش بعضی از کشورهای عربی برای خرید سلاحهای هسته‌ای بوده است. روشن است که یک چنین کار مطبوعاتی باعث می‌شود که دانشمندان عربی و اسرائیلی را به فکر وادارد که این سلاحهای هسته‌ای نه تنها ممکن است در خصومت اعراب و اسرائیل به کار گرفته شود، بلکه امکان کاربرد آن در هرگونه تضاد در خاورمیانه نیز هست. توانایی بی‌چون و چرای شوروی و آمریکا در دستیابی به خاورمیانه به وسیله سلاحهای هسته‌ای مستقر در خاک خود و منافع شناخته شده و مرتبط به هم که هند، پاکستان و ایران در به دست آوردن سلاحهای هسته‌ای دارند - به روشنی چنین فرضیه‌هایی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

در چند سال گذشته ستاد HERO از طریق چند پروژه در کشورهای خاورمیانه‌ای تماسهای نزدیکی با دانشمندان و عالمان مصری، اردنی و اسرائیلی که اطلاعات کافی درباره امور منطقه دارند برقرار کرده است. تی.ان.دوبوی، بازنشسته در آمریکا، مدیر اجرایی HERO به هنگام تحقیق برای نوشتن کتاب اخیر خود پیروزی زودگذر جنگهای اعراب و اسرائیل، ۱۹۷۴-۱۹۴۷، سفرهای زیادی در خاورمیانه

نمود و با بسیاری از رهبران سیاسی و نظامی مصاحبه کرد که در حال حاضر بسیاری از آنها دوستان شخصی و حرفه‌ای وی شده‌اند. چه در مصر و چه در اسرائیل اعضای مؤسسات تحقیقی اظهار تمایل به همکاری با سازمان HERO در پروژه‌های آینده کرده‌اند.

قضیه

در جهت مساعدت به طراحان سیاست آمریکا برای به نمایش گذاردن اهداف مهم و دراز مدت شوروی در خاورمیانه و اقدامات نظامی و یا منحرف کننده شوروی در منطقه، سازمان HERO پیشنهاد می‌کند که مطالعه‌ای از خطرهای استراتژیک شوروی در خاورمیانه از دید دانشمندان، خبرگان، مقامات دولتی مسؤول عرب و اسرائیل، متخصصین و مشاورین خود سازمان HERO در رابطه با استفاده احتمالی از سلاحهای هسته‌ای توسط هر یک از طرفین ذینفع بشود.

سازمان HERO تلاشهای مساعدت آمیز اعضای انستیتو مطالعات استراتژیک و سیاسی الاهرام در قاهره، مرکز مطالعات استراتژیک در تل آویو، مؤسسه مطالعات شوروی و اروپای شرقی و مرکز مطالعات آفریقایی و خاورمیانه شیلوچ در دانشگاه تل آویو، و دیگر افراد مطلع مصر، اردن و اسرائیل را جلب خواهد کرد. از هر یک از آنها تقاضا خواهد شد که درباره سؤالات کلی و مخصوص کتبی مربوط به موضوعات مختلف اظهار نظر نموده یک رساله تحقیقی ارائه دهند. با مطالعه این رساله‌ها سازمان پت‌آ رساله‌ای دیگر را تهیه خواهد کرد که در آن خلاصه، قیاس و تضاد عقاید و نظرات شرکت کنندگان پیرامون جنبه‌های مختلف ارزیابی مسائلی که شامل و نه محدود به موضوعات زیر است خواهد آمد:

- میزان حضور و نفوذ شوروی در خاورمیانه.
 - رابطه تضاد اعراب و اسرائیل با این خطر روسی مفروض.
 - تأثیر عقد قرارداد صلح بین اسرائیل و مصر.
 - تأثیر وقایع اخیر ایران.
 - ثبات دولتهای کنونی منطقه، و قابلیت اعتماد روابط بین این کشورها با آمریکا و غرب.
 - اهداف و اقدامات احتمالی شوروی بخصوص در منطقه خلیج فارس.
 - امکان استفاده تروریستی، و یا تهدید به استفاده از سلاحهای هسته‌ای.
 - راه‌حلهای موجود برای ملل خاورمیانه‌ای و آمریکا (جداگانه یا مشترک) جهت خنثی سازی اهداف خصمانه شوروی، با در نظر گرفتن استفاده از سلاح هسته‌ای.
- با وجود اینکه فهرست بالاچندان جامع نیست، ولی هر یک از موارد مذکور در ذیل به طور مختصر شرح داده می‌شود تا به انگیزه اصلی مطالعه پی برده شود. باید در نظر داشته شود که بررسی این موضوعات حتماً باید از دید شرکت کنندگان خاورمیانه‌ای باشد، در حالی که اعضای HERO نیز در جای مناسب و در صورت ضرورت به اظهار نظر خواهند پرداخت.

میزان حضور و نفوذ شوروی در ایران

بر فعالیتهای پنهانی، رسمی و غیررسمی شوروی در خاورمیانه یا در رابطه با خاورمیانه مرور خواهد شد تا دانسته شود که آیا شوروی فقط به استفاده از فرصت مشغول است یا اینکه فعالیتهای انقلابی به نفع

خودش را هدایت و حمایت می‌کند. این بررسی بخصوص در برگیرنده نحوه عملیات نمایندگان دیپلماتیک، نظامی، بازرگانی و گروههای مشاور غیرنظامی و نظامی و تبادلات فرهنگی، اهمیت مؤسسات ایجاد دوستی محلی شوروی، تبلیغات رادیویی شوروی، موجودیت مؤسسات آکادمیک روسی برای دانش آموزان، دانشجویان و رده‌های بالاتر از فارغ‌التحصیلان می‌باشد.

احساسات مقامات محلی و دیگر شهروندان در رابطه با رفتار، حالات، و حضور شوروی باید مورد ارزیابی قرار گیرد. در صورت امکان هویت گروهها و سازمانهایی که شوروی بر آنها متکی است تا از طریق آنها بر وقایع خاورمیانه تأثیر بخشد، شناسایی گردد. نحوه تماس کرملین با نهضتهای مختلف سیاسی، اجتماعی و مذهبی از انقلابیون چپی تا بنیادگرایان مذهبی و دست راستیهای محافظه کار نیز مورد بررسی قرار گیرد. البته باید توجه زیادی نیز به میزان نفوذ شوروی در آشوبها و قیامها در کشورهای از قبیل ایران و یمن شمالی و اینکه حضور نظامیان کوبایی در اتیوپی و دیگر نقاط منطقه تا چه حد خطر کلی شوروی را افزایش داده معطوف گردد.

برای اینکه مطالعه‌ای همه جانبه از نفوذ شوروی در منطقه ارائه شود، سازمان HERO موقعیت کشورهای همسایه و حاشیه‌ای به علاوه افغانستان، پاکستان، اتیوپی و سومالی را بررسی خواهد کرد و به بحث پیرامون کمکهای اقتصادی و نظامی شوروی به اتیوپی که برای چهره مسکو در دنیای عرب تأثیر بخشیده است خواهد پرداخت و توجه خاصی نیز به تأثیر وقایع اریتره در کشورهای همجوار مسلمان معطوف خواهد گردید.

رابطه تضاد اعراب و اسرائیل و خطر شوروی

از نظر آمریکا از چند طریق تضاد اعراب و اسرائیل با خطر شوروی رابطه دارد. مثلاً:
- تداوم این تضاد به نفوذ هرچه بیشتر شوروی در لیبی، سوریه و عراق کمک خواهد کرد.
- رسیدن به یک راه حل در تضاد اعراب و اسرائیل فرصت اجرای مقاصد شوروی را از بین برده و یا آن را کاهش خواهد داد.

- تمرکز بر مشکلات اعراب و اسرائیل ممکن است به نادیده گرفتن فعالیت‌های روسی و یا نفوذ شوروی در منطقه منتهی گردد.

- دستیابی به یک راه حل حداقل ثبات نسبی در یک بخش از منطقه را تأمین کرده و همکاری با دولتهای عربی در دیگر مناطق خاورمیانه را امکان‌پذیر خواهد کرد.

از شرکت کنندگان خاورمیانه‌ای خواسته خواهد شد که این مسائل و دیگر موارد قابل مقایسه را از دید خود مورد بررسی قرار دهند.

تأثیر وقایع اخیر در ایران

روشن است که شوروی در رابطه با وقایع انقلابی اخیر ایران در عملیات و مواضع پنهانی خود با احتیاط بسیار عمل کرده است. با وجود اینکه شک داریم که شرکت کنندگان خاورمیانه‌ای در این مطالعه بتوانند اطلاعاتی را بگنجانند که به دست دولت آمریکا نرسیده، ولی با این حال آنها خواهند توانست به طور فردی یا جمعی بینش و نظریات خود را در این زمینه ارائه دهند، تا به ارزیابی بهتر آنچه که شوروی

انجام داده و یا انجام نداده و اینکه در آینده در این کشور آشفته شوریها دست به چه اقدامی خواهند زد، منجر شود.

ثبات کنونی و روابط با آمریکا و غرب

توان و قدرت نیروهای مخالف در کشورهای خاورمیانه‌ای و نیز تأثیر کارگران خارجی (به‌خصوص فلسطینیها) بر سیاستهای داخلی، ایدئولوژیهای رقیب و خصوصیات رهبران جدید در حال ظهور، و ضرائب برهم زنده ثبات فعالیتهای شوروی ارزیابی خواهد شد. نظریات اعراب و اسرائیل پیرامون ایجاد روابط محکم با آمریکا نیز ارزیابی شده و وقایعی که ممکن است به تغییر این حالتها منجر شود نیز مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

اقدامات احتمالی شوروی

اهداف احتمالی شوروی و مراحلی که ممکن است به سقوط رژیم‌های میانه روی طرفدار غرب در منطقه منجر شود نیز ارائه خواهد گردید. اهداف و اقدامات شوروی از دید هر کشور فرق می‌کند بنابراین این مطالعه در این زمینه هر کشور را جداگانه مورد بررسی قرار خواهد داد. علاوه بر اینها، چون چنین ضرائب مشترکی در رابطه با کل منطقه در زمینه بی‌ثباتی، صدمه‌پذیری و موقعیت استراتژیک نقش دارند به شرح اهداف شوروی در منطقه به طور کل نیز باید پرداخته شود.

اهداف ماکزیمم و مینیمم و نیز اهداف کوتاه مدت و دراز مدت شوروی نیز به طور دقیق مطالعه شده، نتیجه‌گیری خواهد شد. به بیانیتهای حاکی از نگرانی عمیق رهبران، محققین و دانشمندان سیاسی و نظامی اعراب و اسرائیل در گذشته درباره این امکان که کشورهای نفتی ممکن است ابتدا در محاصره دولتهای طرفدار شوروی درآمده بعداً کمونیستی شوند، حتماً باید توجه خاصی مبذول گردد. باید از شرکت کنندگان خواسته شود تا به طور کافی به اینگونه مسائل بپردازند.

اقدامات مخالفت آمیز با اهداف شوروی

از شرکت کنندگان عربی و اسرائیلی خواسته خواهد شد تا به طور دقیق و روشن توضیح دهند که از نظر آنها آمریکا و دولتهای محلی جهت جلوگیری از نفوذ و کاهش نفوذ شوروی در خاورمیانه باید دست به چه اقداماتی بزنند. چون در رابطه با یک گروه از کشورهای خاورمیانه نمی‌توان از یک نوع اقدام استفاده کرد بهتر است چند نمونه ارائه شود.

تأثیر سلاحهای هسته‌ای

یک مسئله مهم در این تحلیل بینش شرکت کنندگان خاورمیانه‌ای درباره تصاحب سلاحهای هسته‌ای توسط کشورهای طرفدار شوروی و در صورت تشدید مخاصمات به دنبال فعالیتهای شوروی و یا کشورهای حامی آن در منطقه امکان استفاده از سلاحهای هسته‌ای می‌باشد. موارد ذیل در رابطه با همین ملاحظات است:

الف: موجودیت مفروض ظرفیت هسته‌ای اسرائیل.

- ب: امکان دست یافتن طرفداران شوروی به سلاحهای هسته‌ای (با تأیید و یا بدون تأیید و طرح‌ریزیهای شوروی) بخصوص کشورهای نفت‌خیزی چون عراق و لیبی.
- ج: امکان دست یافتن به سلاحهای هسته‌ای توسط دولتهایی که خود را اولین هدف شوروی می‌دانند از قبیل کشورهای نفت‌خیزی چون عربستان سعودی، کویت، و امارات عربی خلیج.
- د: امکان استفاده از تروریسم هسته‌ای.

کلی

سازمان HERO باید سعی کند که شرکت‌کنندگان خاورمیانه‌ای اظهارات خاص و مشخصی ارائه کنند نه اینکه بیاناتی کلی چون «آمریکا باید توجه بیشتری به خاورمیانه بنماید»، «با آمریکا باید با قدرت بیشتری عمل کند» اظهار نمایند. مثلاً گفته شود که آیا بهتر است حضور نظامی یا اقتصادی بیشتر شود؟ چه نوع حضوری در مد نظر است؟ چه نوع کمک اقتصادی می‌تواند به کشورهایی که در حال حاضر از نظر نفتی غنی هستند بشود؟ چه موارد بخصوصی برای آمریکا دارای اهمیت است؟ چهره آمریکا را چگونه می‌توان در اذهان بالا برد؟ آمریکا چگونه می‌تواند نقش فعال‌تری داشته باشد تا گروههای مخالف این همکاری را به عنوان امپریالیسم ننگرند؟

پاسخ به این و دیگر سؤالات و اظهارات به وسیله سازمان HERO به نحو محدودی زمان‌بندی شده مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

روش و طرح کاری

چون این پروژه بسیار ضروری است، سازمان HERO سعی خواهد کرد تا آنجا که ممکن است آن را در مدت کوتاهی به پایان برساند. از زمان عقد قرارداد تا ارائه پایان نامه ۶ ماه وقت داده می‌شود. پس از گذشت چهار ماه و نیم از آغاز کار گزارش میان دوره‌ای ارائه خواهد شد. در صورتی که ضرورت داشته باشد جلسات توجیهی غیررسمی برگزار خواهد شد. برنامه زمانی نیز در ضمیمه الف نشان داده شده است. سه نوع اطلاعات مورد استفاده از خاورمیانه وجود خواهد داشت:

۱) رساله‌های شرکت‌کنندگان آکادمیک مؤسسات.

۲) رساله‌هایی از افراد منتخب.

۳) مصاحبه‌ها با اشخاص با نفوذ در مصر، اردن، و اسرائیل که به دلایلی یا نمی‌توانند نظریات خود را به طور کتبی ارائه دهند و یا مانند (بعضی از مقامات دولتی) نمی‌خواهند سندی در اختیار دیگران بگذارند. در صورت امکان، سازمان HERO از طریق رابطین خود در مصر و اردن تماس برقرار خواهد کرد که در این صورت برای ارائه منابع باید از سوابق و نقل قولها استفاده شود. قابلیت اعتماد منابع نیز باید ارزیابی گردد.

در همان حال مشورتهای مقدماتی با افرادی که مورد مصاحبه قرار خواهند گرفت درباره موضوعاتی که در آینده باید بر سر آنها نظر بدهند خواهد شد. پس از بازگشت شرکت‌کنندگان سازمان HERO از خاورمیانه به آمریکا این سازمان گزارشی مختصر از اقدامات انجام شده و نتایج مباحثات مقدماتی ارائه خواهد نمود. در صورت لزوم جلسات توجیهی غیررسمی نیز می‌تواند برگزار شود.

نه هفته پس از آغاز کار پروژه به وسیله شرکت کنندگان خاورمیانه‌ای (در آغاز کار چهارده هفته‌ای مطالعات) اعضای سازمان HERO از مصر، اردن و اسرائیل بازدید به عمل خواهند آورد تا از نحوه پیشرفت کار مطلع شده و رساله‌های تکمیل شده توسط شرکت کنندگان را دریافت نمایند، تغییرات لازم را بدهند و درباره کارشان به بحث و تبادل نظر پردازند. با افراد مناسب مصاحبه نیز خواهد شد. از اطلاعات حاصله از طریق مصاحبات، مرور مقدماتی بر رساله‌های تهیه شده به وسیله شرکت کنندگان خاورمیانه‌ای و تحلیل یادداشتهای و رساله‌های مصاحبه‌ای، سازمان HERO در پایان مطالعه هیجده هفته‌ای گزارش میان دوره‌ای و جلسه توجیهی خود را ارائه خواهد کرد. نظرات و پیشنهادات ارائه شده از طرف موکلین نیز در مرحله نهایی کار مورد عمل واقع خواهد شد. از رساله‌های متعدد و یادداشتهای مصاحباتی گردآوری شده به عنوان اساس گزارشاتی که باید به موکل ارائه شود استفاده خواهد شد و (به طور کامل و یا جزئی) به همه شرکت کنندگان در پایان ۲۲ هفته ارسال خواهد شد. اعضای سازمان HERO در طول هفته بیست و سوم و بیست و چهارم به خاورمیانه خواهد رفت تا در مورد گزارش با شرکت کنندگان و مصاحبه شوندگان بحث و تبادل نظر نماید. اظهار نظرها و عدم توافقها نیز باید در گزارش نهایی و احتمالاً به صورت ضمیمه گنجانیده شود. در طول بیست و ششمین هفته باید منتظر دریافت نظرات موکل بود. در پایان هفته سی‌ام و یا ۴ هفته پس از دریافت نظرات موکل یک گزارش نهایی تسلیم خواهد شد. باید آماده بود تا پس از تسلیم گزارش در صورت نیاز یک جلسه توجیهی ترتیب داد. انجام یک چنین مطالعه‌ای نیاز به ۳۹۰ روز کار حرفه‌ای در یک دوره شش ماهه دارد.

شرکت کنندگان

از سازمان HERO:

تی. ان. دوپوی، کلنل، آمریکا، بازنشسته، مدیر اجرایی سازمان HERO.

گریس پی. هیز، مدیر گروه تحقیق،

پول مارتل، هماهنگ کننده مطالعات،

جی ام. هامرمان، سردبیر اصلی،

ماری. ا. اشماروک، دستیار تحقیق،

رابرت او. فریدمان، دکترا، مشاور،

گوردون اس. براون، مشاور.

(جهت مطالعه خلاصه سوابق شرکت کنندگان عضو HERO به ضمیمه ب مراجعه شود).

شرکت کنندگان خاورمیانه‌ای

مؤسسه مطالعات استراتژیک و سیاسی الاهرام در قاهره.

مؤسسه مطالعه شوروی و اروپای شرقی دانشگاه تل آویو.

مرکز مطالعات آفریقایی و خاورمیانه شیلوح در تل آویو.

انستیتو مطالعات استراتژیک در تل آویو.

افراد شرکت کننده از فهرست زیرین انتخاب خواهند گردید.

مصر

سید یاسین، دکترا، مدیر مؤسسه الاهرام.
حسن البدری، مورخ، مقام بازنشسته نظامی.
ام. دی. زهدی، مقام بازنشسته نظامی.
طه المقدوب، سفیر.
عدلی حسن السید، دبیر نظامی اتحادیه عربی.
عادل یوسری، معاون ریاست مرکز تحقیقات غربی نظامی اتحادیه عربی.
سمیع صادق، مدیر بخش سیاسی اتحادیه عرب.
حوسان حسنی وزیر بخش تحقیقی نیروهای مسلح مصر.

اردن

هایل سرور، شیخ مهم قبیله جبلی.
عطا علی، مقام بازنشسته نظامی.
جورج هانا، مقام بازنشسته نظامی.
یوسف حاواش، مقام بازنشسته نظامی.
عامر ب. خاماش، مقام مهم دربار سلطنتی.
حسن اس. دیا، از نیروهای مسلح سلطنتی اردن.
فؤاد طاهوب، رهبر فلسطینی.
آنتون عطالاه، دکترا، رهبر فلسطینی.

اسرائیل

زیو شیف، مؤلف.
مایر پیل، عضو کنست، رهبر سیاسی.
آهارون یاریف، مدیر مرکز مطالعات استراتژیک.
شلوموشامیر، دکترا، مدیر مؤسسه شیلوح.
یاکو روی، دکترا، مدیر مرکز مطالعات شوروی و اروپای شرقی.
ماتی تیا هو میزل، دکترا، تحلیل گر سیاسی و نظامی.
الیزور ریمون، از نیروهای دفاعی اسرائیل.
داوسیون، از نیروهای دفاعی اسرائیل.
آریوشالو، مقام بازنشسته نظامی.
اسقف اسماهیت لوکا، کلیسای ارتدکس سوری، اورشلیم.
پس از مشورت با متخصصین خاورمیانه اسامی دیگری نیز به این فهرست اضافه خواهد شد.

بودجه

بودجه کلی برای تکمیل این مطالعه در مدت زمانی شش ماه با استفاده از ۳۹۰ روز کاری ۷۹۷۶۰ دلار خواهد بود (به ضمیمه پ مراجعه شود). سازمان HERO پیشنهاد می‌کند که این کار براساس یک بودجه ثابت انجام شود، در حالی که شش قسط ماهانه ۱۰۵۰۰ دلار پرداخت شود و به هنگام تسلیم گزارش نهایی نیز ۱۶۷۶۰ دلار پرداخت گردد.

هفته	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱		
سازماندهی تلاش																															
کنفرانس با شرکت‌کنندگان خاورمیانه																															
تهیه رساله‌ها																															
تهیه مصاحبه‌ها																															
گردآوری رساله و بحث پیرامون آنها																															
انجام مصاحبه‌ها																															
تهیه گزارش و جلسه توجیهی میان دوره‌ای																															
تهیه پیش‌نویس گزارش نهایی																															
مشورت با شرکت‌کنندگان																															
تهیه گزارش و جلسه توجیهی نهایی																															
تهیه گزارشهای میان‌دوره‌ای، نهایی درباره پیش‌نویس نهایی (از استفاده کننده)																															

ضمیمه «ب»

بودجه

مخارج مستقیم	
کار حرفه‌ای	
۳۹۰ روز کار حرفه‌ای، ۸۰ دلار برای هر روز	۳۱۲۰۰ دلار
دیگر هزینه‌های مستقیم	۱۲۴۵۰ دلار
سفر: محلی و به خاورمیانه	۴۰۰۰ دلار
کل دوره: ۹۸ روز، ۷۵ دلار برای هر روز	۷۳۵۰ دلار
تولید دوباره اسناد	۱۰۰ دلار
تهیه گزارش نهایی	۱۰۰۰ دلار
هزینه‌های غیرمستقیم	
سرانه ۹۲/۵٪ کار حرفه‌ای	۲۸۸۶۰ دلار
جمع کل هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم	۷۲۵۱۰ دلار
نرخ ۱۰٪ هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم	۷۲۵۰ دلار

قیمت کلی
 * این بودجه با در نظر گرفتن نرخهای پرواز هوایی، در نظر گرفتن مدت زمان سه هفته مهلت و رزرو جا تهیه شده است.

سند شماره (۵۶)

تاریخ: ۱۸ ژوئن ۷۹ - ۲۸ خرداد ۵۷
 از: سفارت آمریکا در مسکو
 به: وزیر امور خارجه در واشنگتن دی - سی با اولویت
 موضوع: (طبقه بندی نشده) مقاله نیمه معتبر پروادا پیرامون وقایع ایران.
 ۱- (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲- این سفارت توجه وزارت امور خارجه و سفارت آمریکا در تهران را به مقاله‌ای که در تاریخ ۱۷ ژوئن در پروادا توسط «الف. پتروف» (نام مستعاری که برای مقالات نیمه معتبر بکار می‌رود) پیرامون ایران نوشته شده است جلب می‌نماید. این مقاله که با حالتی بسیار محافظه کارانه نگارش یافته، افرادی را مورد انتقاد قرار می‌دهد که هویتشان فاش نشده و نقش مهمی در انقلابی که باعث سرنگونی شاه شد داشته‌اند ولی تاکنون همین افراد از دوستان خودشان (یعنی مسکو) روی گردانده و به دشمنان پیشین خود (یعنی واشنگتن) روی آورده‌اند. در ادامه، پتروف شایعات مربوطه به دخالت «نامرئی» مسکو در اغتشاشات ایران و انتقال سلاحهای روسی به این کشور را رد کرده است.

۳- اظهار نظر: در ظاهر، این چنین به نظر می‌رسد که پتروف آیت‌الله خمینی را عمداً از فهرست اسامی این افراد بی‌وفا به مسکو مستثنی نموده است. ولی، آنهایی که با سخنرانی اخیر خمینی برای سفیر وینوگرادوف آشنائی دارند (تلگرام عطف) متوجه می‌شوند که حتی اگر این مقاله، پتروف، خمینی را مورد حمله قرار نداده است حداقل صحنه را برای انتقاد از مینی در صورتی که وی بخواهد به آنهایی که به قول پتروف «می‌خواهند منطق پیشرفت را تغییر بدهند» ببینند آماده ساخته است.

۴- یکی از دیپلمات ایرانی با خوشحالی به ما گفته است که خمینی از وینوگرادوف خواسته است که با وی در قم در ساخت ۸ ملاقات نماید. یعنی اینکه وی باید ساعت ۴ صبح تهران را به قصد قم ترک می‌کرد که اضافه بر این ناراحتی، خمینی نیز با وی با لحن بسیار تندی برخورد نمود و محتوای متن برخوردار نیز فوراً در روزنامه‌های منتشر گردید. با وجود اینکه هنوز در این باره با مقامات مطلع شوروی صحبت نکرده‌ایم ولی مطمئن هستیم که مسکو درباره موضوع بسیار عصبانی است.

۵- بنابراین مقاله پتروف خصوصاً جالب است در صورتی که، اگر نظریه ما درست باشد، این مقاله نمایانگر عکس‌العمل محافظه کارانه و نابجای مسکو در برخورد با ملاقات وینوگرادوف - خمینی بوده باشد. تعبیر ما از این مقاله این است که مسکو دیگر پذیرفته است که منافع بسیار مهمی در ایران دارد و باید اکنون این سختی‌ها را متحمل شود تا پس از بهبود اوضاع بتواند نفوذ خود را بر وقایع اعمال نماید.

ژرمن

سند شماره (۵۷)

از: ستاد فرماندهی نیروهای آمریکا در اروپا، واهینگیگین، آلمان
به: AIG ۴۴۹ تاریخ: ۲۲ ژوئن ۷۹ - ۱ تیر ۵۸ غیر قابل رؤیت برای بیگانگان
موضوع: گزارش خلاصه اطلاعاتی فرماندهی نیروهای آمریکا در اروپا خلاصه گزارش اطلاعاتی
اروپا در ۲۲ ژوئن شامل چهار مطلب است:

- ۱- شوروی: تولید تسلیحاتی (۱۹۷۸) (سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان).
 - ۲- یمن شمالی: حمایت تندرهای عرب (سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان).
 - ۳- دیگر وقایع مهم: (خیلی محرمانه / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان).
 - ۴- شرایط اخطار و هشدار: تغییر نکرده است. (طبقه بندی نشده)
- ۱- (سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - همه عبارات) شوروی: تولید تقریبی تسلیحاتی در روسیه افزایشی برابر نزدیک سه درصد در سال ۱۹۷۸ نسبت به سال گذشته را نشان می دهد.
تولید کلی تقریبی به بیش از ۸۳۰۰۰ سلاح در سال ۱۹۷۸ می رسد که از نظر مقایسه این میزان در سال ۱۹۷۷ به ۸۰۵۰۰ سلاح می رسد.
- اختلاف در سطوح تقریبی منعکس کننده کاهش در تولید ICBM از ۳۰۵ فقره در سال ۱۹۷۷ به ۲۰۵ فقره در سال ۱۹۷۸ می باشد، چون تولید سری SS-16 و SS-11 به پایان رسیده است. در همان حال، تولید SS-20 از نوع IRBM تقریباً مضاعف شده و به تعداد ۱۳۰ سلاح بالغ گردیده است. تولید SS-21 و SS-22 از نوع SRBM نیز افزایش یافته است، در حالی که تولید SS-X-23 هنوز در مراحل تولید آزمایشی است. با وجود اینکه تولید کلی ICBM کاهش یافته است، ولی تولید جدیدترین نوع SLBM یعنی SS-N-18 به میزان ۵ برابر یعنی از ۲۰ فقره در ۱۹۷۷ به ۱۸۰ فقره در سال ۱۹۷۸ افزایش یافته است.
- و نیز افزایش مهمی در تولید سلاحهای سام پیش بینی می شود که از تولید کلی ۵۰۷۰۰ سلاح در سال قبل به ۵۳۴۰۰ سلاح در سال ۱۹۷۸ رسیده است.
- در تولید سلاحهای دریایی و سلاحهای ضد تانک، یا سلاحهای هوا به زمین، تغییری حاصل نشده است. هنوز رقی در رابطه با تولید سلاحهای هوا به هوا به دست نیامده است (منبع: آژانس اطلاعاتی دفاعی).
- ۲- (سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - همه پاراگرافها) یمن شمالی: عراق و لیبی اخیراً و به طور غیرمنتظره ای اعلام کمک مالی برای یمن شمالی را نمودند. گویا این مسئله برای یمن شمالی خیلی حیاتی بوده است و ممکن است باعث شود که صنعا به تعادل روابط با عربستان سعودی و آمریکا بپردازد.
- در اوایل ماه ژوئن، الغانی نخست وزیر یمن شمالی از عراق یک کمک ۳۰۰ میلیون دلاری به مدت ۵ سال دریافت کرد. بنابه اظهارات بسیاری از منابع بهبود روابط بین عراق و یمن شمالی که نشانگر نارضایتی بغداد از فعالیت شوروی در یمن شمالی بود، تمایل بغداد را به حمایت از صنعا در تضادش با عدن نشان می دهد. اخیراً الغانی سفری به لیبی داشت که پس از روبرو شدن با استقبال گرم به امضای چند قرارداد در زمینه کمک های فنی و اقتصادی پرداخت لیبی در ماه اکتبر اخیر در تلاش برای سقوط دولت صنعا دست داشت، این صمیمیت وی با صنعا بسیار شگفت انگیز و جالب است.
- به نظر آژانس اطلاعاتی دفاعی عراق و لیبی حداقل تا حدی به وسیله خواست مشترکشان در محدود

ساختن نفوذ سعودی و آمریکا در یمن شمالی تحریک شده‌اند و می‌خواهند مطمئن شوند که او نیز به محور ضدساداتی بغداد می‌پیوندد.

رئیس جمهور صالح که در مورد کارآیی حمایت سعودی و آمریکا خوش بین است ممکن است به وسیله تندروهای عرب مجبور شود روابط میانه‌روتری را با واشنگتن در پیش گیرد و منبع سلاحهای خود را در جای دیگری انتخاب کند (منبع: آژانس اطلاعاتی دفاعی).

۳- (خیلی محرمانه / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) دیگر وقایع مهم:

الف: (خیلی محرمانه) منطقه پیشرو: دیروز ستاد فرماندهی نیروها GSFG در ۷۹-۰۰۱ جنوب غربی آلمان شرقی منطقه را محدود اعلام کرد که از ۲۲ ژوئیه تا ۲ ژوئن طول می‌کشد. از ژوئیه ۱۹۷۸ این اولین باری است که شوروی منطقه را محدود اعلام کرده است (USAREUER).

ب: (طبقه‌بندی نشده) پر تغال / یوگسلاوی: رئیس جمهور پر تغال اینز، در ۲۸-۲۵ ژوئیه سفری رسمی به یوگسلاوی خواهد کرد (مطبوعات)

ج: (خیلی محرمانه) ترکیه: با آخرین تغییر ریاست مستقل در حزب حاکم جمهوری خواه خلقی، دولت و مخالفین هر یک ۲۲۲ کرسی را در اختیار گرفته‌اند، حالا به نظر می‌رسد که توان مخالفین در به سقوط کشاندن دولت اجویت قبل از تابستان یعنی ۳ ژوئیه تخفیف یافته است. (سفارت آمریکا در آنکارا).

د: (خیلی محرمانه) ایران: کسب اطلاعات بیشتر درباره دستگیری ژنرال طوفانیان نشان داد که برادرش هادی به وسیله نیروهای انقلابی دستگیر شده است. دلیلی نداریم که بگوییم ژنرال طوفانیان هنوز در ایران به سر می‌برد (دفتر وابسته دفاعی ایالات متحده، تهران - ستاد فرماندهی نیروهای آمریکا در اروپا).

ه: (خیلی محرمانه / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) اوگاندا: حدود ۵۰۰۰ نفر اوگاندایی دیروز به طرفداری از رئیس جمهوری پیشین لول به تظاهرات پرداختند. دولت تظاهرات را غیرقانونی خوانده و برخورد با آنها را نیز در همان روال اعلام کرده است.

گزارش مطبوعاتی حاکی از هفت نفر زخمی هنوز تأیید نشده است. بنابه گزارشها گروهی در ساختمان پارلمانی تجمع کرده اعلام اعتصاب عمومی در سرتاسر منطقه جنوبی اوگاندا کردند. (آژانس اطلاعاتی دفاعی)

۴- (طبقه‌بندی نشده) هشدار و اخطار: در بخش هشدارها و اخطار امروز یعنی ۲۲ ژوئن ۱۹۷۹ تغییری حاصل نشده است (منبع: ستاد فرماندهی نیروهای آمریکا در اروپا T2).

سند شماره (۵۸)

تاریخ: ۲۲ ژوئن ۷۹ - ۱ تیر ۵۸

از: وزیر امور خارجه در واشنگتن دی. سی

موضوع: ملاقات مقام سفارت شوروی

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- دبیر اول سفارت شوروی گوروی با مسؤول امور خاور نزدیک / ایران (پرشت) تماس گرفت تا به بحث و تبادل نظر درباره شرایط و اوضاع ایران بپردازد. طبق معمول او چیز جدیدی برای ارائه نداشت.

پس از سؤال پیرامون مطالبی که در مطبوعات به طور عمد به چشم می خورد (انتصاب کاتلر به عنوان سفیر، قطعنامه سنا، و غیره) وی به مطرح نمودن سه سؤال که گویا دلیل ملاقاتش بوده است پرداخت: - آیا دولت کنونی ایران با آمریکا بر سر لغو قرارداد ۱۹۵۹ رابطه خصمانه دارند؟ ما گفتیم که جز بیانیه یزدی مبنی بر اینکه این قرارداد نیز مانند قرارداد ۱۹۲۱ شوروی هنوز تحت بررسی است اطلاع دیگری در دست نداریم. گورووی از اینکه ممکن است ایرانیها قرارداد ۱۹۲۱ را در سفارت شوروی مطرح کرده باشند یا نه اظهار بی اطلاعی نمود.

- بر سر روابط تجاری آمریکا با ایران چه آمده است؟ گفتیم که فروش گندم و دیگر مواد غذایی طبق معمول ادامه دارد، ولی کارهای دیگری نیز در پیش است. گورووی معتقد است که روابط تجاری بین شوروی و ایران از سر گرفته نشده و تکنسینهایی که فراخوانده شده بودند هنوز بازنگشته اند، ولی بعضی از این متخصصین در طول بحران نیز در محل کار خود مانده اند. گورووی اظهار داشت که شوروی مایل است کمکهای فنی و تجاری خود را از سر گیرد ولی منتظر است ایران نیز در قبال فروش گاز همکاری نماید. - آیا ما بر سر این موضع که نفوذ خمینی دچار فرسایش شده است هم عقیده هستیم؟ بر سر این موضع که در نهضت انقلابی شکافهایی ایجاد شده هم عقیده بودیم، ولی معتقد نیز بودیم که قدرت خمینی هنوز هم به قوت خودش باقی است. گورووی سعی کرد درباره زخم زبانهایی که خمینی به سفیر شوروی وینوگرافوف زده است صحبت به میان نیاورد.

سند شماره (۵۹)

تاریخ: ۲۷ ژوئیه ۷۹ - ۵ مرداد ۵۸
از: هیئت نمایندگی آمریکا در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی به: وزارت امور خارجه در واشنگتن
موضوع: بحثهای رایزن سیاسی درباره ایران

۱- (تمامی متن خیلی محرمانه)

۲- در جلسه کمیته سیاسی در تاریخ ۲۶ ژوئیه نماینده بلژیک گفت که سفارت بلژیک در مسکو گزارشی دریافت کرده است مبنی بر اینکه سفارت ایران در آنجا یک پیام شخصی از آیت الله خمینی به برژنف فرستاده است، ولی او نتوانسته است مفاد پیام گزارش شده را به دست بیاورد. او پرسیده بود که آیا متفقین اطلاعی ندارند که این گزارش را تأیید کند.

۳- علاوه بر این نماینده دولت آلمان غربی مطلب زیر را درباره نظر شوروی نسبت به ایران منتشر کرده است.

۴- اقدام مقتضی: در صورتی که واشنگتن یا سفارت آمریکا در مسکو در رابطه با پیام خمینی به برژنف اطلاعی در دست دارند برای ما نیز ارسال نمایند.

۵ - آغاز متن رساله دولت آلمان:

الف: در حال حاضر موضع شوروی درباره ایران پر از تضاد است و در مجموع روشن نیست. بدین ترتیب این پیام منعکس کننده چشم اندازی مبهم درباره تحولات سیاسی داخلی در آینده ایران و گرایشهای سیاست خارجی ایران است. همدردی بدون قید و شرط شوروی نسبت به انقلاب ایران که در ابتدا وجود داشت جای خود را به نگرانی بیشتری درباره این واقعیت می دهد که دستگاه رهبری

نامتجانس ایران آماده پذیرفتن فتح بابهای سیاسی و اقتصادی شوروی تا آن اندازه‌ای که شورویها بدان امیدوار بوده‌اند، نیست.

ب: بدین ترتیب بیشتر و بیشتر روشن می‌شود که تقریباً تنها عنصر تصمیم‌گیری درباره یک موضع مثبت شوروی نسبت به انقلاب ایران این واقعیت است که انقلاب باعث از دست رفتن مواضع غرب در ایران و منطقه شده است معذالک این امر در مقابل نگرانی شوروی در قبال تحولات سیاست داخلی ایران و خطرات ناشی از آن نسبت به منافع منطقه‌ای شوروی (مثلاً افغانستان و عراق) قرار گرفته است.

ج: اصرار مکرر و موکد شوروی درباره مداخله سایر کشورها در امور داخلی ایران شاید در مرحله‌ای ختم می‌شود که منافع شوروی در رابطه با ایران در آن مرحله آغاز می‌گردد. در چنین اوضاعی ممکن است جالب باشد نظریات چند مقام شوروی را ذکر کنیم و آن اینکه تحولات ایران در حال حاضر موجب نگرانی کشورهای غربی و کشورهای سوسیالیستی است و تمایل خمینی به ایجاد یک کشور اسلامی به کمک یک حزب وحدت طلب اسلامی از لحاظ تاریخی، گامی رو به عقب به شمار می‌آید.

د: این نظر فراتر از آن می‌رود که بتوان براساس اظهارات مقام‌های رسمی شوروی به عنوان یک آغاز محتاطانه سرخوردگی شوروی نسبت به «دستگاه رهبری» کنونی ایران تلقی شود. بعضی از اشارات روحانیت ایران و حکومت ایران از جانب رسانه‌های گروهی شوروی به عنوان شالوده‌ای برای انتقاد فزاینده آشکار از گروههای نزدیک به دستگاه رهبری کنونی ایران نقل قول شده است. در عین حال رسانه‌های گروهی شوروی می‌کوشند تا درباره بعضی از حوادث ایران اظهار نظرهای مثبتی بنمایند که از آن جمله تصمیمات مربوط به ملی کردن بعضی از صنایع، به عنوان ثابت کننده هواخواهی مداوم شوروی از انقلاب ایران است.

ه: در حالی که فعلاً خمینی در رسانه‌های گروهی شوروی آشکارا مورد حمله و انتقاد قرار نمی‌گیرد، نام خمینی به زحمت برده می‌شود و به زحمت از اظهارات خمینی به مفهومی که برای اتحاد شوروی جنبه مثبت داشته باشد نقل قول می‌شود. انتقاد رسانه‌های گروهی شوروی علیه مشاوران وی است. هرچند اتحاد شوروی دلایل کافی برای انتقاد از خمینی در دست دارد، این خویشن‌داری شوروی دارای ماهیت تاکتیکی است و مسئله اصولی نیست. طرف شوروی هیچ وجه مشترکی از لحاظ ایدئولوژی با خمینی و انقلاب اسلامی او ندارد. از دیدگاه شوروی هنگامی که خمینی به برکنار کردن نفوذ غرب در ایران کمک کرد، نقش «پیشرو» خود را جهت اتحاد شوروی ایفا کرد و زمانی که انقلاب اسلامی خطری علیه منافع شوروی پدید آورد، شوروی نیز رسماً خمینی را نادیده خواهد گرفت. این وضع را می‌توان از انتقادات مکرر شوروی علیه شایعه مداخله ایران در امور افغانستان مشاهده نمود.

(سند شماره ۶۰)

از: فرمانده کل نیروهای آمریکا در اروپا

سری

تاریخ: ۱۵ ژوئیه ۷۹ - ۱۴ تیر ۵۸

به: AIG

موضوع: تلگرام خلاصه اطلاعاتی فرمانده کل نیروهای آمریکا در اروپا

۱- اتحاد جماهیر شوروی ۲- فرانسه ۳- سایر تحولات مهم ۴- وضع I&W

۱- (شوروی، تمام پاراگرافها سری). در ظرف ماه گذشته شوروی بار دیگر آرایش هواپیماهای حمل

و نقل نظامی را در خارجه افزایش داده و هشت فروند هواپیمای حمل و نقل ۱۲- VTA را در افغانستان مستقر کرده است و بدین ترتیب جمع کل هواپیماهای شوروی که در افغانستان مستقر شده‌اند به ۳۵ فروند رسیده است.

در حالی که این رقم فقط جزئی از موجودی ۵۶۰ فروند هواپیمای حمل و نقل و بخش کوچتری از بیش از ۷۰۰ فروند هواپیماهای حمل و نقل متوسط و سنگین است که به VTA اختصاص داده شده، در عین حال این بزرگترین رقم هواپیماهای حمل و نقل شوروی است که در خارج از کشور مستقر شده است. همچنین به نظر می‌رسد که اعتماد مسکو به عملیات VTA در خارج رو به افزایش است و اینکه شوروی همچنان این نیرو را به عنوان یک ابزار کاملاً مشهود و نسبتاً کم خطر برای پشتیبانی از کشورهای خریدار به کار خواهد برد و نفوذ شوروی را در جهان سوم پیش خواهد برد و جای پای برای حضور نظامی شوروی فراهم خواهد کرد و فرصت را برای تعهد عمیق‌تر فراهم خواهد نمود (منبع آژانس اطلاعاتی دفاعی).

۲- (تمام پاراگرافها سری) فرانسه: هرچند ارتش فرانسه در سال ۱۹۷۶ تجدید سازمان شد و ۲۰ هزار سرباز فرانسوی برای مداخله در کشورهای خارج تعیین شده و نقش اولیه آنها تقویت ارتش اول در صورت بروز یک کشمکش در ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) است، ارتش همچنین امکانات بالقوه واکنش سریع را برای مداخله در جهان سوم حفظ کرده است. از آنجایی که قسمت اعظم نیروهای مداخله‌گر هوا برد و یا آبی خشکی هستند، بنابراین مجهز به اسلحه سبک و با تحرک زیاد بوده و این نیروها برای ایفای نقش تقویتی خود بسیار مناسب هستند. معذالک این نیروها در صورت بروز یک درگیری به مقیاس وسیع کمتر قدرت ماندن خواهند داشت، زیرا این نیروها فاقد تجهیزات و لجستیک برای انجام عملیات مستقل در خارج در مقابل یک حریف عمده هستند، دو لشکر فرانسوی یعنی لشکر یازدهم هوا برد و لشکر نهم پیاده نظام دریایی به اضافه گروهی از لژیون‌های خارجی تشکیل دهنده نیروی هستند که برای مداخله در خارج اختصاص یافته‌اند. لشکر یازدهم هوا برد مستقیماً تحت کنترل مقام فرماندهی ملی است و یک گروهان برای آرایش در خارج به حالت آماده باش درآمده‌اند. هرچند لژیون‌های خارجی کمتر از ۲۰٪ نیروی مداخله‌گر فرانسه را تشکیل می‌دهند، این نیروها از جمله حرفه‌ای‌ترین نظامیان فرانسوی به شمار می‌روند. یکی از هنگ‌های لژیون خارجی ظرف چند ساعت پس از تصمیم برای کمک به زئیر در سال ۱۹۷۸ با چتر در سرزمین کلوزی فرود آمد. بیش از چهار هزار نفر از این سربازان به صورت دوره‌ای در مستعمرات سابق فرانسه و سرزمین‌های متعلق به فرانسه در خارج از کشور در پادگانها مستقر شده‌اند. این تجربه باعث می‌شود که نیروی لژیون خارجی فرانسه در مناطقی که سربازان ممکن است بعداً برای مداخله به آنجا فرستاده شوند، با محلها آشنا شده و در آن آموزش ببینند. آموزش آنها به اندازه‌ای جامع است که این نیروها می‌توانند مثلاً بین تاکتیک‌هایی که قرار است در مقابل نیروی عرب در مغرب یا ژاندارم‌های سابق کاتانگایی در زئیر به کار برند وجه تمایزی قائل شوند. ضعف اساسی این نیرو این است که فرانسه نمی‌تواند این نیروها را در مسافتهایی بیش از دو هزار مایل مستقر سازد و این به علت کمبود وسائط نقلیه جنگی برای مسافتهای دور است.

به همین ترتیب ۴۸ فروند جنگنده بمب افکن جاگوار که برای پشتیبانی از نیروهای مداخله‌گر اختصاص یافته‌اند باید از فرودگاههای نظامی کشورهای دوست وارد عمل شوند و این به علت نقائص

ناوگان نفتکش فرانسه است، زیرا تعداد زیادی از هواپیماهای فرانسه نمی‌توانند همزمان در خارج مستقر شوند. فرانسویها در پی یافتن راه‌حلهایی در مقابل این نقائص هستند که از جمله آنها خرید احتمالی هواپیماهای بزرگ حمل و نقل C-۱۳۰ و C-۱۴۱ است. علیرغم این کمبودها و نقصها انتخاب خیالی تاکتیکیها و آموزش واقع‌گرایانه به اضافه تجربیات جنگی اخیر در آفریقا به حفظ کارایی فرانسه در مداخله در کشورهای خارج کمک می‌کنند، به علاوه ژیسکاردستن رئیس‌جمهور فرانسه شخصاً درباره نیروهای مداخله‌گر در خارج علاقه خاصی نشان می‌دهد و این نیروها را یک سرمایه بزرگ تلقی می‌کند که باید در پشتیبانی از سیاست خارجی فرانسه به کار رود.

۳- (سری، غیر قابل رویت برای بیگانگان) سایر تحولات مهم:

الف: (طبقه‌بندی نشده) الجزایر: مطبوعات فرانسه آزاد شدن احمد بن بلا رئیس‌جمهوری سابق الجزایر را از زندان (در محل سکونت خود) اعلام کردند.

احمد بن بلا از تاریخ ژوئن ۱۹۶۵ که حکومتش به وسیله بومدین رئیس‌جمهور فقید الجزایر ساقط شد در یک خانه زندانی شده بود.

ب: (طبقه‌بندی نشده) غنا: دانشجویان به پشتیبانی از ادامه اعدامها در شهر کوماسی در روز دوشنبه دست به تظاهرات زدند و یک اتمام حجت مشتمل بر هشت ماده در محکوم کردن مداخله بیگانگان در امور غنا تسلیم نماینده FARC کردند (مطبوعات).

ج: (طبقه‌بندی نشده) سودان: نمیری کشف یک توطئه ضد دولتی برای احیاء کشمکش شمال و جنوب را اعلام کرد (مطبوعات).

د: (طبقه‌بندی نشده) زیمبابوه: شورشیان سیاهپوست خانه اسقف اعظم ارتدکس یونانی شهر سالیسبوری را روز سه‌شنبه با سلاحهای کوچک و یک آریبی چی هفت مورد حمله قرار دادند. سیهبد والز فرمانده نیروهای مسلح کشور در فاصله ۵۰۰ متری از محل حمله که از قرار معلوم علیه او بوده است زندگی می‌کند (مطبوعات).

ه: (سری - غیر قابل رویت برای بیگانگان) افغانستان: علیرغم بسط عملیات شوروی در بیرون از شهرها چنین به نظر نمی‌رسد که مخالفان تهدید قریب‌الوقوعی را برای رژیم به وجود آورند. همچنین از قرار معلوم برژنف گفته است که شوری اجازه نخواهد داد که کابل سقوط کند و اگر پاکستان به مداخله خود ادامه دهد، شوروی مداخله نظامی خواهد کرد (سفارت آمریکا در کابل و آژانس اطلاعاتی دفاع).

و: (محرمانه، غیر قابل رویت برای بیگانگان) اردن: قراردادی برای خرید ۳۶ فروند میراژ اف-۱ به ارزش ۷۵۰ میلیون دلار منعقد شده است که تحویل بخش اول آن ظرف هفده ماه خواهد بود

۴- (طبقه‌بندی نشده) وضع توصیه‌ها و اخطار (I&W): درباره بخش وضع I&W برای امروز تغییراتی حاصل نشده است، ۵ ژوئیه ۱۹۷۹.

سند شماره (۶۱)

تاریخ: ۳۰ ژوئیه ۷۹ - ۸ تیر ۵۸
 از: هیئت نمایندگی آمریکا در ناتو
 قابل توجه سفارتخانه‌های مسکو و تهران
 به: نمایندگی‌های وزارت امور خارجه آمریکا
 به پیوست رساله تهیه شده از انگلیس درباره اثرات بنیادگرایی اسلامی در اتحاد جماهیر شوروی که از

سوی هیئت نمایندگی انگلیس به اعضای کمیته سیاسی داده شده است ارسال می‌گردد.

خیلی محرمانه

هیئت نمایندگی انگلیس در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)

بنیادگرایی اسلامی و اتحاد شوروی

۱- در جریان دیدار لرد کارینگتون وزیر امور خارجه انگلیس از دهلی نو در تاریخ دوم و سوم ژوئیه آقای واج پایی وزیر امور خارجه هند به او گفت که هنگامی که او در ماه گذشته در مسکو بوده است او و آقای دسای (نخست وزیر پیشین هند - م) متوجه نشانه‌هایی شدند که روسها درباره بنیادگرایی اسلامی نگران هستند. آنها ناراحت بودند از اینکه این ویروس (مقصود بنیادگرایی اسلامی است - م) ممکن است در میان جمعیت مسلمان شوروی پخش شود (واج پایی معتقد بود که این استدلال صحیح است).

۲- نظر انگلیس این است که احتمال سرایت تجدید حیات اسلامی در ایران در بین جمعیت مسلمان شوروی و در جاهای دیگر به طور عمده به دلیل شرایط اجتماعی متفاوت در اتحاد جماهیر شوروی و با توجه به اینکه شیعیان بخش کوچکی از مسلمانان شوروی را تشکیل می‌دهند بسیار کم است. معذالک روسها هر چند وانمود می‌کنند که از خمینی پشتیبانی می‌نمایند، به روشنی درباره تحولات ایران ناراحتی نشان می‌دهند و سخن پراکنیهای رادیو ایران به عربی در انتقاد از وضع اسلام در اتحاد شوروی را چندان هم از روی مهربانی تلقی نمی‌کنند. رئیس بنگاه سخن پراکنی ایران در ماه مه گذشته گله کرده بود از اینکه اتحاد شوروی در طول موجهای رادیویی ایران با استفاده از دستگاههای فرستنده قوی پارازیت پخش می‌کند. او به ویژه مدعی شد که در جریان یکی از سخنرانیهای خمینی در تلویزیون در آذربایجان (مقصود جمهوری آذربایجان شوروی است) پارازیت پخش شده است. اگر این داستان حقیقت داشته باشد این عمل بدان معنی است که برای جلوگیری از اینکه مسلمانان ساکن آذربایجان شوروی (که شیعه هستند) به سخنان آیت‌الله توجه کنند تلاش می‌شود.

۳- اظهارات شورویها درباره اثرات احتمالی تجدید حیات اسلامی در ساکنان مسلمان اتحاد شوروی هرچند کم است، معذالک آغاز به آشکار شدن کرده است. بر طبق گزارشی که در تاریخ یازده ژوئن در روزنامه سوئدی (Dagens Nyheter) منتشر شده اللخشوکور (الله شکور) پاشایف امام بزرگترین مسجد باکو و نایب رئیس امور روحانی قفقاز برای روزنامه‌نگاران در باکو در حضور نمایندگان دایره مطبوعات وزارت امور خارجه شوروی یک کنفرانس مطبوعاتی تشکیل داد. الله شکور از جمله مطالب دیگر چنین گفت:

الف) مداخله در امور منطقه‌ای و سیاست جمهوری به کار مسلمانان مربوط نیست و ارگانهای دیگر و اشخاص برگزیده دیگری وجود دارند که به امور سیاسی می‌پردازند.

ب) مسلمانان باکو شادی خود را از آنچه در ایران اتفاق افتاده است پنهان نمی‌دارند. آنها هنگامی که خمینی به ایران بازگشت یک تلگرام تبریکی فرستاده و به خمینی خیرمقدم گفتند و هنگامی که رژیم سلطنتی در ایران سرنگون شد تلگرام دیگری فرستادند.

ج) من دلیلی نمی‌بینم که حوادث ایران بدان معنی باشد که اسلام راههای جدیدی را برای نفوذ در اتحاد شوروی باز کند. ما نیازی به جمعیت‌های سری نداریم. ما با صوابدید مقامات، کاملاً آشکارا فعالیت می‌کنیم.

۴- گزارش دیگری که اخیراً در برنامه سوئدی رادیو مسکو پخش شد حاکی از این است که یک روزنامه‌نگار از رهبر مسلمانان کازاخستان (جمهوری قزاقستان یا کازاخستان در آسیای میانه واقع شده است - م) پرسیده بود که آیا اسلام در اتحاد جماهیر شوروی به علت حوادث در ایران و افغانستان یک دوران تجدید حیات را طی می‌کند یا خیر. این رهبر مسلمانان کازاخستان گفته بود که تعداد مؤمنین به (اسلام) چندان افزایش جدی نداشته است، هرچند موفقیت مسلمانان در کشورهای مجاور یقیناً مورد خوشایند مسلمانان (کازاخستان) است.

۵- این اظهارات نشان می‌دهد که مقامات شوروی می‌خواهند درباره امکان اثرگذاری جدی حوادث ایران و افغانستان در میان مسلمانان شوروی خود را آسوده خاطر جلوه‌گر سازند. برنامه‌های اخیر رادیویی که مرتب تکرار می‌شود و آزادیهایی که ادعا می‌شود مسلمانان شوروی از آن برخوردارند و احترام به میراث فرهنگی اسلام را از جانب مقامات شوروی (از قبیل احیای مساجد و برگزاری جشن به مناسبت قرن جدید اسلامی) مورد تأکید قرار می‌دهد، این پیام تاریخی را القا می‌کند: تقاضاهای معنوی و فرهنگی مسلمانان شوروی از هم اکنون برآورده می‌شود و بنابراین هیچ‌گونه ترسی از نفوذهای خارجی لزومی ندارد. معذالک در مقاله‌ای که اخیراً در نشریه «کمونیست» (شماره ۵ سال ۱۹۷۹) از سوی دبیر اول کمیته محلی داغستان نوشته شده نشانه‌هایی وجود دارد که مقامات حزبی شوروی همچنان در قبال اثرات احتمالی خارجی در مسلمانان شوروی حساسیت نشان می‌دهند. او ماخانوف از این گله می‌کند که «تبلیغات امپریالیستی» اخیراً به نحو فعالانه‌تری درباره احساسات و پیش‌داوریه‌های ناسیونالیستی حدسیاتی می‌زنند، تا ملل سوسیالیست را به جان یکدیگر بیندازد. «مراکز ایدئولوژیک کشورهای امپریالیستی و سازمانهای ناسیونالیستی در تبعید که در خدمت بورژوازی قرار دارند از عقاید پان‌اسلامیسم و پان‌ترکیسم به منظور تشدید فعالیت‌های براندازی علیه خلق‌های قفقاز شمالی استفاده می‌کنند. آنها درباره مذهب و کاربرد آن بر علیه منافع شوروی تردیدی ندارند. مثلاً رادیوی بورژوازی در برنامه‌های خود درباره احساسات مذهبی مسلمانان معتقد و مؤمن تأکید می‌کند.»

این چنین اظهار نگرانیها تازگی ندارد (هرچند اشاره‌هایی به پان‌اسلامیسم و پان‌ترکیسم کمتر به چشم می‌خورد) و به احتمال انگیزه آنها حوادث ایران و افغانستان نبوده است.

۶- تمامی این مطالب بر آگاهی ما چیزی نمی‌افزاید و ما همچنان در حال حاضر تمایلی نداریم به اینکه قضاوت‌های قبلی خود را مورد تجدید نظر قرار دهیم. معذالک اوضاع ممکن است تغییر یابد هر چند مدارکی درباره نفوذ بنیادگرایی اسلامی در مسلمانان شوروی به دشواری ممکن است به دست آید. تعبیر آن بسیار دشوار است. ما از نظریات سایر متفقیین خود استقبال خواهیم کرد.

سند شماره (۶۲)

تاریخ: ۱ اوت ۷۹ - ۱۰ مرداد ۵۸
از: سفارت آمریکا در مسکو

به: وزیر امور خارجه در واشنگتن دی. سی با اولویت

موضوع: (خیلی محرمانه) نامه خمینی به برژنف

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲- گزارش پیام شخصی خمینی به برژنف که در مباحثه مشاورین سیاسی درباره ایران مطرح شده بود

(تلگرام عطف)، در میان گروههای دیپلماتیک شوروی نیز در جریان است، ولی هیچ کس، حتی رؤسای اجلاس نمایندگی چهار جانبه نیز از محتوای آن اطلاعی ندارند. بنابه گزارشات رسیده این پیام توسط سفیر ایران به و. و. کوزنتسوف معاون ریاست عالی شوروی در جلسه‌ای که سه ساعت به طول انجامیده تقدیم شده است.

۳- یکی از دیپلماتهای پاکستانی که مستقیماً در این باره از سفارت ایران سؤال کرده بود اخیراً در ۳۱ ژوئیه تأیید نمود که پیامی از طرف خمینی به کوزنتسوف داده شده است، ولی وی گفت که سفارت از سخن گفتن پیرامون محتوای آن پیام خودداری می‌ورزد. گاریسون

سند شماره (۶۳)

از: هیئت نمایندگی آمریکا در ناتو (پیمان آتلانتیک شمالی)
به: وزیر امور خارجه در واشنگتن دی - سی با اولویت تاریخ: ۶ اوت ۷۹ - ۱۶ مرداد ۵۸
موضوع: (خیلی محرمانه) مکاتبه بین خمینی و برژنف

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- نمایندگان هم پیمان در مشاوره سیاسی اول اوت درباره محتوای نامه خمینی به برژنف صرفاً اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند (تلگرام عطف). ولی نماینده ایتالیایی گزارش داد که مکالمه‌ای بین سفارت ایتالیا و مقامات سفارت شوروی در تهران صورت پذیرفته است. به گفته مقامات روسی، برژنف نیز برای خمینی نامه‌ای فرستاده است. مقامات روسی درباره نامه خمینی یا محتوای نامه برژنف حرفی به میان نیاوردند، ولی به ایتالیاییها گفتند که شوروی در رابطه با چند عمل رژیم خمینی که به روابط دو جانبه «لطماتی» وارد می‌کند چندان خوشحال نیست. یکی از فعالیتهایی که سبب نارضایتی روسها شده عبارت است از تبلیغات «حکومت اسلامی» که از شوروی انتقاد می‌نمایند. گیلتمن

سند شماره (۶۴)

تاریخ: ۷ اوت ۷۹ - ۱۶ مرداد ۵۸
از: سفارت آمریکا در تهران
به: نمایندگی آمریکا در سازمان ناتو آمریکا
موضوع: بحثهای مشاوران سیاسی و روابط ایران و شوروی

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است).

۲- پیامی که نماینده بلژیک به آن اشاره می‌کرد احتمالاً همان پیامی است که وسیله سفیر ایران در مسکو محمد مکرری در بازگشت اخیرش به مسکو رسانده شده است: متن پیام به شرح زیر است: «بسمه تعالی: ۲۳ ژوئن ۱۹۷۹، حضرت لئونید برژنف ریاست جمهور شوروی. از پیام محبت آمیز و علاقه‌ای که نسبت به جمهوری اسلامی ایران ابراز داشته‌اید کمال امتنان را دارد. از خداوند متعال موفقیت و حسن نیت مردم روسیه را خواستار بوده و امیدوارم که جمهوری اسلامی ما که براساس وحدت کلمه و انقلاب اسلامی عزیزمان و ملغی ساختن رژیم شیطنی پایه گرفته نقش مهمی را در اتحاد و اتفاق ملل دنیا ایفا کرده، صلح و کامیابی به همراه آورد، همان‌طور که آرزوی ملت ما و اسلام است.

روح الله موسوی خمینی»

۳- نامه دولت آلمان فدرال که در اجلاس ۲۶ ژوئیه ارائه شد از نظر ما بسیار جالب بود. از نظر ما هم روسیه در ایران مواجه با یک اشکال شده است. از نظر ما دلایل احتمالی بسیاری سبب شده بود تا آنها روابط خود با شاه را قطع کرده، به اتحادی نامیمون با خمینی و نهضت اسلامی دست بزنند. این دلایل عبارتند از:

- وجود نداشتن راه حل دیگر. در زمستان گذشته ظاهراً تمام برگهای برنده در دست خمینی بود. حزب توده (کمونیست) طرفدار مسکو در ایران تضعیف شده بود و اعتبار خود را نیز از دست داده بود. «گروه» پیشرفته سیاسی دیگری نیز وجود نداشت که آن قدر قدرت داشته باشد. که با خمینی مبارزه کرده و یا آماده کار با روسها علیه او باشد.

- امید به دست آوردن سود به ضرر ما. ما به خاطر حمایت و ارتباط طولانی با شاه دشمن شماره یک خارجی نیروهای ضد شاه به شمار می رفتیم. روسها نیز از این نظر مصون نبودند، ولی میزان این مصونیت در مقایسه با ما خیلی کم بود. کاهش نفوذ قابل ملاحظه ما از نظر شورویها بسیار خوشایند است، حتی اگر کسب نفوذ در ایران توسط خود آنها نیز با اشکال مواجه شود.

- ترس از عدم ثبات در بخش جنوبی شوروی. از نظر ما اوضاع طوری است که با وجود آماده بودن شوروی در بهره برداری از آشفته گیها، مسکو در نظر ندارد به خاطر آشوب از آشفته گی بهره برداری نماید. با رفتن شاه، نهضت اسلامی خمینی امکان ایجاد یک حکومت مرکزی قوی را دارد.

- تمایل به حفظ منافع اقتصادی خود در ایران. در سالهای اخیر شوروی با ایران روابط تجاری بسیاری برقرار ساخته بود که البته قابل مقایسه با این روابط از طرف بعضی از ملل غربی اصلاً نیست. گازی که از طریق IGAT-I منتقل می شد و سهم عمده ساختمان IGAT-II که فقط برای روسها نگاهداشته شده بود و منافی که از طریق این تجارت سه جانبه عاید می شد دارای اهمیت بسیار برای مسکو بود.

۴- هنوز هم راه حل قطعی برای خمینی وجود ندارد، که به نظر ما تنها دلیل مبنی بر آن است که شوروی تاکنون خمینی و نهضت او را مردود شمرده است. البته دلایل بسیاری وجود دارد که براساس آنها می توان احتمال داد که آنها هرگاه بخواهند می توانند علیه او عمل نمایند. مثلاً در حالی که مقامات جدید ایران با شوروی و آمریکا علیرغم نحوه مرسوم در زمان شاه به طور یکسان برخورد کرده اند، این کارها نمی تواند تسلی خاطر شوروی را فراهم کند، چون در اکثر مواقع این هر دو در اجتماعات اسلامی مورد انتقاد قرار می گیرند. علاوه بر اینها، واقعیت شرایط ایران حداقل بر دولت موقت ایران تأثیر می گذارد و دولت موقت می فهمد که موضعگیری او در ایران به نفع روسیه نیز نمی باشد. در این رابطه می توان از آشوب در کردستان نام برد که نیاز به یک نیروی نظامی در برخورد با آن را مبرم ساخته است، که این نیز به نوبه خود تجدید روابط نظامی با آمریکا را لازم ساخته است. علاوه بر این با وجود گذشت ۶ ماه از انقلاب اوضاع سیاسی همچنان آشفته است. دولت موقت ایران برتری خود را در اداره امور دولتی و سازمان غیر رسمی دولت، کمیته های انقلاب و شعبات آن که اغلب قدرت سیاسی اعمال می کنند را نتوانسته نشان دهد و ظاهراً نمی تواند از نظر فنی به اداره امور ایران در سطح ملی بپردازد. روسها حتماً این عدم ثبات درونی ایران را در نظر گرفته اند بخصوص که همین بی ثباتی می تواند تهدیدی بر منافع روسیه در مکانهایی از قبیل افغانستان باشد.

۶- بالاخره، ظاهراً روسها بیشتر از هرکس دیگر در معاملات با ایران بعد از انقلاب سود برده اند. انتقال

گاز از طریق IGAT-I هنوز به سطح قبل از انقلاب نرسیده است. علاوه بر این، ایرانیها از روسیه خواسته‌اند که قیمت پرداختی برای گاز را بالاتر ببرد و ساختمان IGAT-II نیز ممکن است اصلاً آغاز نگردد.

۷- ما نیز با گزارش دولت آلمان فدرال موافق هستیم که «خمینی رسماً وسیله روسها زمانی که انقلاب اسلامی به تهدید منافع شوروی بپردازد مردود شمرده خواهد گردید». لیکن، ایجاد یک چنین خطی به آسانی قابل تشخیص نیست. ما احساس می‌کنیم که روسها به تجدید نظر در سیاست خود در قبال خمینی پرداخته‌اند، ولی هنوز نتوانسته‌اند بفهمند که زمان تغییر سیاست فرا رسیده است. نتیجه این است که تا زمانی که اوضاع به همین آشفتگی چند ماه اخیر باقی بماند از طرف روسها همین سردرگمی در قبال ایران و انقلاب اسلامی نشان داده می‌شود.

سند شماره (۶۵)

تاریخ: ۱۰ اوت ۷۹ - ۱۹ مرداد ۵۸
از: سفارت آمریکا در مسکو
به: وزیر امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: عقیده مأمور سیاسی شوروی در رابطه با ایران و افغانستان

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲- خلاصه: در هشتم اوت یکی از مقامات کمیته دولتی روابط اقتصادی بین‌المللی شوروی در جلسه‌ای با حضور مقامات سفارت اظهار داشت که همکاریهای اقتصادی ایران و شوروی از زمان تغییر رژیم حکومتی در تهران کاهش یافته است. در رابطه با انتقال گاز ایران به شوروی وی گفت که اکنون شوروی دیگر فکر نمی‌کند که انتقال گاز مربوطه از طریق خط لوله IGAT-I به میزان قبلی برسد. وی اظهار داشت که هنوز نتوانسته‌اند نظر نهایی ایرانیها را در رابطه با خط لوله IGAT-II بدانند. پیرامون روابط اقتصادی شوروی با افغانستان با خوش بینی صحبت کرده گفت که درباره حاد بودن اوضاع داخلی این کشور اغراق زیادی شده است و کار پیرامون پروژه‌های همیاری مهم به هیچ وجه متوقف نشده است. پایان خلاصه

۳- مقامات سفارت در هشتم اوت با نامیک یاکوبف رئیس دپارتمان کمکهای اقتصادی دپارتمان کشورهای غربی و خاورمیانه که برنامه‌های کمک اقتصادی و نظامی خارجی شوروی را اداره می‌کند تماس گرفتند. در این جلسه پل یاکون مقام دفتر مربوط به آمریکا و آفونین از قسمت اروپای غربی حضور داشتند. آنچه در ذیل می‌آید نکات مهمی از این بحث است که اصولاً بر روابط اقتصادی بین شوروی و ایران و افغانستان استوار است.

۴- یاکوبف اظهار داشت که درست است که «وقایع اخیر ایران» سبب کاهش روابط اقتصادی شوروی با این کشور شده است، ولی باعث نشده است که شوروی تکالیف خود را در قبال ایران انجام ندهد. چون رژیم جدید تهران هنوز در حال شناخت اولویت در زمینه پیشرفت است که البته این تصمیماتی درونی هستند و شوروی به آنها احترام می‌گذارد. در حال حاضر ایران به این کمیته پیشنهاد پروژه همکاری را نداده است (یاکوبف خاطر نشان ساخت که بازدید یک عده از نمایندگان متخصص در امور فلزات در ماه ژوئیه فقط در رابطه با جنبه‌های فنی کارخانه‌های ذوب آهن اصفهان صورت گرفته است)، در تهران با

شاکچکف ریاست این هیئت نمایندگی تنها در مورد تکمیل پروژه‌ها بحث شده بود. ولی نکات موجود حاکی از آن است که ایرانیها مایل به همکاری در زمینه انرژی الکتریکی و حمل و نقل می‌باشند (.... مدرن سازی و تولید ماشین سواری). یا کوبف در ادامه خاطر نشان ساخت که برخلاف کمکهایی که از طرف غرب می‌شود کمکهایی که از طرف شوروی می‌شود و بیشتر بر ایجاد اهداف صنعتی مورد نیاز متمرکز است و برای ایرانیها حتماً خالی از منافع نخواهد بود.

۵- زمانی که در مورد آینده حمل گاز ایران به آمریکا از وی سؤال شد (۰-۷؟۹-۸-۵-۵-۸-۸-۸-۸-۴۴۳/۵، ۵۸۹۱-۹۴/۵)^(۱) ایران تولید نفت خام خود را بین ۳/۵ تا ۴ میلیون بشکه در روز کاهش می‌دهد، که حمل (۵-۸۷-۴۹۷-۵-۵۳-۸-۰-۹۱) را به ناچار پایین خواهد آورد. این موضوع مستقیماً در رابطه با تصمیم‌گیریهای داخلی ایران است که خالی از تبعیض نیز نخواهد بود. وی درباره مذاکرات پیرامون قیمت‌ها اظهار نظر نمود. در رابطه با IGAT وی گفت که دولت ایران هنوز پیرامون احداث خط لوله IGAT-II تصمیم نهایی را نگرفته است. وی تأثیر عدم احداث خط لوله IGAT-II را بر شوروی کم اهمیت تلقی کرد گفت که قرار داد حمل گاز سه جانبه باعث شده است که قسمت اعظم گاز ایران به کشورهای اروپای غربی صادر شود، در حالی که فقط «عایدات بسیار جزئی» نصیب شوروی می‌گردد. ولی اعتراف نمود که نتیجه لغو قرارداد احداث این خط لوله این خواهد بود که شوروی نتواند به تعهدات صادراتی خود به غرب و نیز به تعهدات درونی خود در رابطه با گاز عمل نماید.

۶- یا کوبف درباره افغانستان موضع شدیدتری اتخاذ کرده گفت بر خلاف بیانات ناظران غربی رژیم افغانستان از ثبات بیشتری برخوردار است، ولی آنچه مسلم است اوضاع داخلی حاضر به هیچ وجه بر رخدادهای همکاری اقتصادی بین شوروی و افغانستان تأثیر نمی‌گذارد. ایجاد یک مجتمع بر رودخانه KDCHKA (که بنا به گزارشات اخیر مطبوعاتی دربرگیرنده ساختمان یک سد، یک مخزن نفتی، یک کارخانه سیمان سازی، یک پارک موتوری و دیگر پروژه‌ها می‌باشد) و بهره برداری از یک مخزن نفتی که اخیراً در شمال افغانستان کشف شده (که یا کوبف آن را نه چندان بد) توصیف کرده است) و تأسیس نیروگاهها قسمت اعظم تلاش را به خود معطوف ساخته است. اعتبارات «مورد لزوم» برای این پروژه‌ها حتماً تأمین خواهد گردید.

درباره چند قرارداد اقتصادی دوجانبه‌ای که در MRR منعقد شده بود از وی سؤال شد. یا کوبف در جواب گفت درباره ارزش و ترکیب مناسبات تجاری دوجانبه هنوز اطلاعی در دست نیست، ولی در رابطه با برنامه پنج ساله جدید افغانستان این مناسبات هماهنگی خواهند یافت. کالاهایی که برای تحویل در این قراردادها آمده عبارتند از قند، غله، محصولات نفتی، و دیگر مواد خام صنعتی. در رابطه با غله وی گفت که روسها موافقت کرده‌اند حدود یکصد هزار تن غله به افغانستان ارسال دارند، ولی درباره رقم دقیق این محموله اطلاعی در دست ندارد چون تصمیم نهایی به وسیله وزارت بازرگانی خارجی اتخاذ می‌گردد. وی اضافه کرد نیاز افغانستان به گندم چندان مشخص نیست چون «امسال آنها محصول خوبی را» برداشت می‌کنند.

۷- یا کوبف گفت که واقعیت دارد که شوروی پرداخت وامهای اقتصادی خود به این کشور را ده سال به تعویق انداخته است، ولی وی گفت که این کار برای افغانستان منافع بسیار ناچیزی به همراه خواهد داشت،

۱- اعداد و ارقام موجود در متن سند مربوط به ارقامی است که به خاطر اشکال در دستگاه تلکس تبدیل به حروف نشده‌اند.

چون افغانها در گذشته ادعا می‌کردند که شوروی از آنها هیچ‌گاه برای پرداخت دیون خود ارز دریافت کرده است. بنابراین تعویق و یا تمدید مدت بدهی به این معنی است که شوروی صادرات افغانستان به این کشور را نیز کاهش خواهد داد.

(اظهار نظر: در صورتی که این موضوع صحت داشته باشد افغانها باید بازاری برای فروش صادراتی که قبلاً قرار بود به شوروی بفرستند پیدا کنند).
گاریسون

سند شماره (۶۶)

تاریخ: ۲۷ اوت ۷۹ - ۵ شهریور ۵۸
از: وزارت امور خارجه - واشنگتن
سری
به: سفارت آمریکا در کابل رونوشت به تهران
موضوع: مسائل و مشکلات قومی و ملیتی در اتحاد شوروی

۱- تمام متن - سری

۲- دولت ایالات متحده درگیر تلاش طولی‌مدتی است که از اواسط سال ۱۹۷۸ جهت بالا بردن سطح آگاهی و شناخت دولت ایالات متحده از اقلیتها و اقوام و ملیتهای مختلف موجود در شوروی آغاز شد. بیش از یکصد قوم مختلف در داخل مرزهای شوروی زندگی می‌کنند. با توجه به تحولات اجتماعی و جمعیتی که در حال حاضر در اتحاد شوروی صورت می‌گیرد اهمیت اقوام اقلیت احتمالاً افزایش خواهد یافت و ممکن است برای رهبران اتحاد شوروی درس‌هایی تولید کند. اخیراً در مقاله مهمی که در روزنامه پراودا به چاپ رسید اهمیت تداوم مسئله ملیت و قومیت برای رهبران شوروی، حقیر و ناچیز جلوه داده شد.

۳- به منظور بالا بردن سطح آگاهی دولت ایالات متحده از مسائل مربوط به ملیت و قومیت (در شوروی)، به سفارت (آمریکا) در مسکو و ادارات مربوطه رهنمودهای کلی داده شده است تا در این زمینه گزارش دهند. این رهنمودها جهت اطلاع گیرنده‌های فوق‌الذکر تکرار می‌گردد

۴- یکی از موضوعاتی که در مورد آن اطلاعاتی مورد نیاز است هر نوع رابطه‌ای است که عملاً یا احتمالاً (مثلاً در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی - اجتماعی یا فرهنگی) بین اقلیت‌های قومی و گروه‌های خارج از اتحاد جماهیر شوروی وجود دارد. (بدین وسیله) از گیرندگان (این نامه) درخواست می‌گردد تا مراقب ارتباطات و روابط بین ملت‌های مختلف در اتحاد شوروی و گروه‌های ساکن در کشورهای میزبان بوده و در این زمینه گزارشهای لازم را ارسال دارند.
کریستوفر

سند شماره (۶۷)

محرمانه

عکس‌العمل تبلیغاتی مسکو در رابطه با «نیروهای واکنش سریع»: ۲۷ اوت ۷۹ - ۵ شهریور ۵۸
از زمانی که قرارداد سینای یک موجب ورود یک گروه ناظر آمریکایی به خاورمیانه جهت اجرای قرارداد گردید، روسها نسبت به افزایش حضور نظامی آمریکا در منطقه حساسیت بسیار نشان داده‌اند. یکی از علل تشدید حساسیت آنها نیز بحث و گفتگوهای مطبوعاتی مداوم بوده است که هدف از این حضور نظامی را تصرف حوزه‌های نفتی عربی بیان می‌کنند.

ولی روسها بالاخره دریافته‌اند که مداخله خود آنها در منطقه (یعنی یمن جنوبی) ممکن است این تمایل را در آمریکا پدید آورده باشد که بخواهد با قدرت تمام به نقاطی وارد شود که آمریکا در آنجا منافی دارد. آنها باید همیشه این احتمال را در مد نظر داشته باشند که ارسال ناو کانستلیشن به دریای سرخ در بحران یمن اولین گام این گونه‌ای می‌باشد.

حساسیت شوروی درباره «نیروهای واکنش سریع» پیشنهادی پنتاگون نشانگر این ترسها و سوءظن می‌باشد و بالاخره نشانگر این سوءظن است که شاید آمریکا تصمیم گرفته است در رقابت برای گسترش نفوذ در خاورمیانه میزان تضاد را تشدید نماید و شوروی را با وادار کردن به پیروی از یک سیاست فعال در آنجا به مخاطره بیفکند.

تبلیغاتی که علیه نیروهای واکنش سریع به راه افتاده و استدلالهایی که در محکومیت آنها به کار می‌رود، نشانگر این واقعیت است که این موضوع در محاسبات شوروی از حساسیت و اهمیت بسیاری برخوردار است. البته موضوع اصلی تبلیغات سنتی شوروی لکه‌دار نمودن تصویر «امپریالیسم» آمریکا بوده است. لیکن شوروی نگران از این است که مبادا نیروهای واکنش سریع اقدامی جدید از طرف آمریکا در قدرت نمایی علیه منافع جهانی شوروی باشد. با در نظر گرفتن گسترش استعداد نظامی و سیاسی شوری (و کوبا)، این قدرت نمایی امکان برخورد مستقیم ابرقدرتها را تشدید خواهد نمود.

خط تبلیغاتی

طبق خط جاری تبلیغاتی شوروی، آمریکا «مدتی» پس از شکست در ویتنام رسماً اعلام کرد که «ویتنام دیگری» ایجاد نخواهد کرد و از مداخله نظامی مستقیم و همه جانبه در خارج از آمریکا خودداری خواهد کرد، ولی در حال حاضر عقیده مداخله نظامی بار دیگر توجه را به خود معطوف کرده است. آمریکا سیاست خارجی «دوران بعد از ویتنام» را در مورد تجدید نظر قرار داده و یا بهتر است گفته شود در نظر دارد سیاستهای قبل از ویتنام خود را به کار گیرد و با استفاده از نیروهای مسلح خود به اهداف سیاسی نائل آید.

بنابه تعبیر شوروی، گذشت «فاجعه ویتنام» و بازگشت استراتژی مداخله نظامی ناشی از زوال نفوذ آمریکا در خاورمیانه بوده است. سرنگونی شاه مسئله دسترسی به منابع نفتی را به طرز حادی برای واشنگتن پیش کشید و نگرانی در مورد سرنوشت منابع انرژی خاورمیانه موجب شد که واشنگتن رسماً اعلام نماید که قصد دارد یک نیروی واکنش سریع ۱۱۰۰۰ نفری آموزش دیده و مجهز را آماده کند تا در صورت لزوم حوزه‌های نفتی را تصرف نماید.

ستاره سرخ (۲۱ مرداد ۱۳۵۸) این «سپاه» را متشکل از لشگر ۸۲ هوا برد، لشگر متحرک هوایی ۱۰۱، ۲ لشگر دریایی و عناصر پشتیبانی نیرومندی چون جت جنگنده، بمب افکن، هواپیماهای ترابری، ناوهای هواپیما بر و ناوشکن، تانکر و ناوهای نیروبر به عنوان بخشی از نیروهای مداخله‌گر آمریکا توصیف کرده است. این نشریه می‌گوید، نیروی بزرگتر مرکب از ۶۰۰۰۰ نفر است که حدود ۲۲ درصد از کل بودجه دفاعی آمریکا در زمینه آن مصرف می‌گردد.

بنابه گفته منابع روسی، ایجاد این نیروی واکنش سریع، تنها بخشی از استراتژی کلی آمریکا در قبال خاورمیانه را نشان می‌دهد. بنابه گزارش مسکو، مطبوعات آمریکایی از طرح مربوط به ایجاد یک ناوگان

پنجم جهت استقرار در شمال غربی اقیانوس هند و نزدیکی شبه جزیره عربی، گسترش پایگاه‌های دریایی آمریکا در جزیره بحرین در خلیج فارس، و تأسیس یک پایگاه دریایی عظیم در دیه‌گوگاریسیای اقیانوس هند سخن گفته‌اند.

جاه‌طلبی‌های خاورمیانه

از نظر شوروی، ضرورت گسترش قدرت همه‌جانبه دریایی آمریکا در خلیج فارس مستقیماً از وخامت اوضاع آمریکا در این منطقه ناشی می‌گردد. پنتاگون «طرح مربوط به مستقر نمودن نیروهای مسلح آمریکا در شبه جزیره عربی و منطقه خلیج فارس» را در طول تضاد یمن در اوایل سال ۱۳۵۸ مورد بحث و تبادل نظر قرارداد (ایزوستیا ۱۲ تیرماه ۱۳۵۸).

لیکن با «تقاضای آمریکا مبنی بر ایجاد پایگاه‌های نظامی در کشورهای چون عربستان سعودی»، «واشنگتن در اکثر موارد مجبور شده است از حضور نظامی خود در مناطق مجاور، استفاده کند.» (پراودا ۱۶ مرداد ۱۳۵۸).

طبق نظریه مسکو، مأموریت نیروهای واکنش سریع، گرچه در اصل صف‌آرایی در خاورمیانه است تا سیل نفت از خلیج فارس قطع نگردد و نیز کشورهای خاورمیانه با ایجاد نوعی تهدید واقعی در رابطه با مداخله نظامی متوحش «شوند»، ولی مأموریت کلی این نیرو فراتر از این منطقه را نیز در برمی‌گیرد (رادویو مسکو، ۱۴ مرداد ۱۳۵۸).

برژنسکی مشاور امنیت ملی گویا این مطلب را در سخنرانی ۱۱ مرداد ماه عنوان کرده است. در این بیانیه وی گویی گفته است که «تلاش کرده است که آمریکا بار دیگر نقش پلیس جهانی خود را ایفا کند» و ظاهراً از «مسئولیت استراتژیک» واشنگتن نه تنها در قبال خاور نزدیک بلکه در قبال اروپای غربی و خاور دور و نیمکره غربی سخن گفته است. برژنسکی تحت عنوان «شرایط اضطراری» نیروهای واکنش سریع را عامل حمایت از «منابع آمریکا» در تمام «نقاط مشوش» زمین توصیف کرده است (ستاره سرخ، ۲۱ مرداد ۱۳۵۸).

در اینجا نیز، نیروهای آمریکایی باید در تمام نقاط جهان تحت حمایت دریایی واقع شوند. اعلامیه اخیر پنتاگون مبنی بر اینکه ناوها و هواپیماهای آمریکایی از محدوده مرسوم آبی سه میلی استفاده خواهند کرد به معنی آن است که «ناوهای جنگی آمریکا علیرغم محدودیتهای موجود در سواحل کشورهای مختلف پهلو خواهند گرفت و پرچم آمریکا را به اهتزاز در خواهند آورد...» (نشریه قبلی). طبق اظهارات رادیوی صلح و پیشرفت (۲۲ مرداد ۱۳۵۸)، هدف آمریکا نه تنها حراست از «نیروهای ضربتی آمریکا در حمله و تصرف حوزه‌های نفتی دیگر کشورهاست»، بلکه می‌خواهد با این کار و با نزدیک ساختن نیروهای دریایی آمریکا به سواحل کشورهای مستقل علاوه بر باج دادن، آنها را متوحش نیز بنماید.

تاس (۱۸ مرداد ۱۳۵۸) خاطر نشان ساخت: «آمریکا در نظر دارد با استفاده از ناوهای جنگی خود نه تنها کشورهای «مصمم» جهان سوم را بترساند، بلکه می‌خواهد به این ترتیب رژیم‌هایی را که علناً به دستورات آمریکا گردن نهاده‌اند حمایت نماید.»

اتخاذ دوباره سیاست مداخله نظامی

شوروی موضع «جدید» آمریکا را ناخوشایند یافته و آن را ریاکارانه و بد یمن خوانده است. مفسرین روس مدعی شده‌اند که این امر نشان‌گر تمایل دولت آمریکا به گسترش نفوذ در رویدادهای مناطق سرتاسر جهان که به دلخواه آنان را مناطق حیاطی برای منافع آمریکا طبقه بندی کرده است... از طریق قدرت نظامی آمریکا می‌باشد». (ستاره سرخ، ۲۱ مرداد ۱۳۵۸) سیاستهای آمریکا به گونه‌های زیر توصیف می‌کند:

– «مملو از ماجراجویی‌های خطرناک نظامی جدید» (ستاره سرخ ۱۰ تیرماه ۱۳۵۸). به طور مثال امکان دارد که آمریکا می‌خواهد با استفاده از نیروهای ویژه خود به تانکرهای نفتکش در تنگه هرمز حمله نماید و تقصیر را به گردن فلسطینیها بیندازد و سپس به عنوان بهانه تلاش آمریکا را در ایجاد کنترل نظامی در اطراف منابع نفتی شامل منطقه خلیج فارس» توجیه نماید، (ایگور الکساندرف، رادیو مسکو، ۲۵ مرداد ۱۳۵۸).

– یک توطئه انتخاباتی از طرف یک دولت ضعیف از نظر سیاسی جهت نمایش قدرت» و نشان دادن این واقعیت که «از دست رفتن منافع آمریکا به هیچ وجه قابل تحمل نمی‌باشد». (رادیو مسکو، ۱۴ مرداد ماه ۱۳۵۸).

– ایجاد تبلیغات ضد روسی همه جانبه. به منظور توجیه «جنگ طلبی و مداخله نظامی آشکار آمریکا در امور دیگر کشورها»، واشنگتن مجبور شده است «خطر تخیلی نظامی شوروی را» در اذهان پدید آورد (رادیو مسکو، ۲۵ مرداد ۱۳۵۸).

خلاصه اینکه مسکو مدعی است که «استراتژی چماق به دستی جهانی آمریکا» تنها موجب «تشدید عدم ثبات در جهان خواهد گردید». (ایزوستیا، ۱۲ تیرماه ۱۳۵۸) و همین امر یکی از نشانه‌های خطرناک تشدید روندهای تهاجمی در سیاستهای آمریکا می‌باشد (رادیو مسکو، ۱۴ تیرماه ۱۳۵۸).

سند شماره (۶۸)

تاریخ: ۳۰ اوت ۷۹ - ۸ شهریور ۵۸
از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: سیاست شوروی در قبال ایران

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- براساس گزارشهای FBIS از رسانه‌های گروهی شوروی (رسانه‌های گروهی آزاد و رسانه‌های گروهی زیرزمینی) این تصور برای ما پیش آمده است، مسکو در حال تجدید نظر در سیاست خود نسبت به ایران می‌باشد. در حالی که شخص خمینی از انتقاد به دور و مصون است، دولت موقت ایران دیگر از چنین مصونیتی برخوردار نیست. مسئولیت و گناه همه چیز، از تعطیل روزنامه حزب توده گرفته تا جنگ در کردستان و خیانت به انقلاب از طریق انجام مذاکره با آمریکا جهت خرید اسلحه همه و همه به گردن دولت موقت ایران نهاده شده است.

۳- چنین به نظر ما می‌رسد که احتمالاً مسکو در نظر دارد سیاست پیشین خود را که مبتنی بود بر حمایت بی قید و شرط از انقلاب اسلامی تغییر داده و موضعی در پیش گیرد که در برخورد با اوضاع جاری

در ایران که کماکان بسیار بی ثبات است دارای انعطاف پذیری بیشتری باشد. عدم تمایل مسکو به حمله به شخص خمینی حاکی از اذعان شوروی به این حقیقت است که وی هنوز مقتدرترین شخصیت سیاسی در صحنه می باشد. با این حال از تمایل روز افزون مسکو در جهت حمایت از اهداف کردها و عناصر «مترقی» غیر اسلامی چنین برمی آید که مسکو به این واقعیت بیشتر پی می برد که خمینی و سایر ایدئولوگهای اسلامی انعطاف ناپذیر تاکنون قادر نبوده اند با مجتمع ایدئولوژیهای مختلف موجود در ایران کنار آیند. اگر این ارزیابی و تحلیل صحیح باشد این سؤال پیش می آید که آیا این سرآغاز تمایل بیشتر مسکو نسبت به آنچه که تاکنون از خود نشان داده است در جهت تلاش برای تأثیر گذاشتن بر سیر وقایع ایران است؟

۴- خوشحال خواهیم شد اگر وزارت امور خارجه (آمریکا) و سفارت آمریکا در مسکو نظر خود را در این مورد ابراز دارند. تامست

سند شماره (۶۹)

از: سفارت آمریکا در مسکو
به: وزیر امور خارجه در واشنگتن دی - سی
تاریخ: ۶ سپتامبر ۷۹ - ۱۵ شهریور ۵۸
موضوع: در مورد ملیتهای روسی: پخش قرائت قرآن توسط رادیوهای خارجی
۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- در رابطه با عملیات نفوذی ارتباطی بین شوروی و گروههای خارج از شوروی رهبران مذهبی مسلمانان آنجا به دو مقام سفارتی بازدیدکننده از ماخاچکالا و بویناکسک از داغستان آذربایجان شوروی پنهانی گفته اند که تعدادی از مومنین به برنامه های قرائت قرآن که توسط رادیو قاهره و تهران پخش می شود گوش می دهند. مفتی اعظم (حفاظت شود) که رهبر معنوی مسلمانان در شمال قفقاز است به مقام سفارتی در ماخاچکالا گفت که به ندرت بتوان رادیو را روشن کرد و برنامه قرائت قرآن را استماع نمود. وی خصوصاً درباره برنامه های منتشره از تهران و قاهره صحبت می کرد. مفتی اعظم اضافه کرد که او و دیگران به برنامه های مذهبی صدای آمریکا گوش می کنند.

۳- در طول دیداری که از یک مسجد در بویناکسک به عمل آمد، ریش سفیدان مسلمان آنجا نیز اذعان داشتند که برنامه های مذهبی منتشره از خارج شوروی به انقلاب آنها کمک می کند. وقتی که یکی از مقامات سفارتی از آنها پرسید که آیا وقایع ایران و افغانستان را آنها هم دنبال می کنند آنها فوراً جواب دادند، البته، این مردم برادران مسلمان ما هستند.

۴- مقام سفارت به طور جداگانه و در اسرع وقت درباره سفر اخیرشان به داغستان و چچن اینگوش در جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی به آن وزارتخانه گزارشاتی ارسال خواهند داشت. تون

سند شماره (۷۰)

تاریخ: ۱۰ سپتامبر ۷۹ - ۱۹ شهریور ۵۸
از: سفارت آمریکا، مسکو
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی.

موضوع: (طبقه بندی نشده) سیاست شوروی نسبت به ایران

۱- (محرمانه) مقاله‌ای که توسط الکساندر بووین مفسر سیاسی در شماره اخیر نشریه «ندلیا» (که نشریه جنبی و مکمل روزنامه «ایزوستیا» می‌باشد و روزهای یکشنبه منتشر می‌گردد) به چاپ رسید، مبین افزایش شدید انتقاد اتحاد شوروی از سیر تحولات در ایران است. در این مقاله اساس ولایت فقیه در ایران به باد حمله گرفته شده و نام شخص خمینی نیز به میان آورده شده است. به عقیده بووین: - انقلاب به هیچ وجه نتوانسته است امید به بهبود اقتصاد کشور، دموکراتیک کردن حیات سیاسی و حمایت از حقوق اقلیتهای قومی را جامه عمل بپوشاند.

- مسئله صرفاً بر سر ارتکاب خطاهای منفرد و جسته گریخته و برداشتن گامهای غلط نیست. - فضای معنوی (و سیاسی) حاکم بر ایران در حال حاضر در سخنرانیهای خمینی (در مورد ضرورت پیروزی اسلام در کلیه کشورها و ریختن خون در راه اسلام) و سخنرانی آیت الله منتظری (در زمینه نهضت آزادیبخش اسلامی در افغانستان و تبانی ابرقدرتها علیه ملل مستضعف) منعکس و مشهود است. - توانایی «حکومت الهی (ولایت فقیه) در کشور» برای تبدیل ایران به یک کشور مدرن و مرفه مورد تردید است.

- تشدید تعصبات مذهبی و شور و هیجان ضدکمونیستی و تلاش جهت واژگونه نشان دادن سیاست و مقاصد کشورهای دوست برای مردم ایران نفعی در برنخواهد داشت.

- دولت موقت، دولتی که قدرتی نداشته و تمایلی به اعمال قدرت نیز ندارد، در عمل فلج است. ۲- (خیلی محرمانه) نظریه: این مقاله که توسط یکی از معتبرترین و بی‌باکترین مفسرین سیاسی مسکو نوشته شده است موید این تصور سفارت (آمریکا) در تهران است که مسکو در سیاست خود (نسبت به تحولات ایران) آغاز به تجدید نظر کرده است، به ویژه اکنون که خمینی دیگر (به اندازه گذشته) منزله (از خطا) نیست. بووین از مدت‌ها پیش (در کار خود) تکرر و مستقل بوده است، همان گونه که خود اذعان داشته است که انقلاب سفید شاه نتایج مثبت بسیاری را در ایران به بار آورده بود.

سند شماره (۷۱)

تاریخ: ۱۱ سپتامبر ۷۹ - ۱۹ شهریور ۵۸
از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی - سی
به: سفارت آمریکا در تهران - فوری

موضوع: روابط ایران و شوروی

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- دبیر اول سفارت شوروی، گروهی با مقام وزارت امور خارجه در دهم سپتامبر دیدار کرد. در جلسات قبلی گروهی در طرح سؤالات درباره «رژیم خمینی» اظهار بیطرفی می‌کرد، لیکن امروز خط خصومت بار جدید شوروی را منعکس نمود.

۳- در جواب به سؤال، گروهی گفت که تغییر در عکس العمل مسکو علیه ایران ناگهانی نیست، بلکه از

مدتها پیش در حال شکل گرفتن بوده است. مقامات ایرانی حالت دوستانه ساختگی در برابر شوروی اتخاذ کرده بودند که به تدریج این احساسات آشکار گشته بود. گروهی گفت که قبلاً هم خاطر نشان ساخته بود که دین اسلام «بسیار سرسخت است و مشکل بتوان با آن کنار آمد». او نگرانی خود را از نفوذ روحانیون ایران بر مسلمانان شوروی (که به قول خودش از موفق‌ترین گروه ملت هستند) و یا بر وقایع افغانستان (که به همین زودیه‌ها قرار است اصلاحات ارضی ترکی اجرا شود) آشکار نساخت.

۴- ظاهراً مشکل اصلی حالت خصمانه ایرانیان علیه مسکو (مثلاً وارد کردن این اتهام که شوروی به حمایت از کردها و دیگر مخالفین می‌پردازد) بی‌ثباتی رژیم می‌باشد. خمینی اشتباه بزرگ را زمانی مرتکب شد که تصمیم به سرکوبی کردها و دیگر اقلیتهای ملی گرفت. موضوع قومیت‌گرایی (ناسیونالیسم) مشکل جدی هر انقلابی بوده است و خمینی بی‌جهت آن را تحریک کرده است. انقلاب ایران هنوز کامل نشده و رهبری خمینی ممکن است دوامی نداشته باشد. تشنج بین تهران، قم و مسکو خیلی زود آشکار خواهد شد. به نظر تنها در دراز مدت امکان برقراری روابط صمیمانه بین ایران و شوروی وجود دارد.

۵- گروهی گفت که تحویل گاز به شوروی به میزان ۵۰ درصد مقدار قبلی ادامه دارد و از آن جهت که تحویل آن بستگی به تولید نفت دارد، نمی‌تواند امید افزایش مقدار آن را در آینده نزدیک داشت. وی اظهار داشت که ایرانیها مسئله «نرخ جهانی گاز» را مطرح کرده‌اند که اصلاً قبل از این سابقه نداشته است. ۶- با عقد قرارداد با دولت کنونی ایران، پروژه‌های نیمه تمام شوروی در ایران باید کامل شوند، ولی دیگر پروژه‌هایی که هنوز به مرحله نیمه تمام نرسیده‌اند رها خواهند شد؛ در نتیجه تکنسینهای جدید روسی به ایران باز خواهند گشت.

۷- گروهی سؤالاتی درباره فروش نفت قابل مصرف برای سوخت و قطعات یدکی نظامی به ایران که گزارش شده بود مطرح کرد و گفت که گویا دولت آمریکا می‌خواهد به حمایت فعال از دولت کنونی ایران بپردازد، ما سعی کردیم پیرامون این گسترشها به بحث و تبادل نظر بپردازیم. ونس

سند شماره (۷۲)

تاریخ: ۱۷ سپتامبر ۷۹ - ۲۶ شهریور ۵۸
از: سفارت آمریکا، مسکو
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن

موضوع: سیاست شوروی نسبت به ایران

- ۱- تمامی متن خیلی محرمانه
 - ۲- خلاصه: حدسیات اخیر درباره تغییر در سیاست شوروی نسبت به ایران ظاهراً آن قدرها رسا نیست. شورویها در کوشش برای اینکه سیاست رسمی خود را از تفسیرهای انتقادی مطبوعات خود درباره ایران متمایز سازند، به سرعت اقدام می‌کنند. در این مورد به ویژه مقاله شخصی به نام بووین در نشریه ندلیا قابل توجه است.
- دفتر امور ایران در وزارت امور خارجه اتحاد شوروی وجود تغییراتی در سیاست شوروی نسبت به ایران را قویاً تکذیب کرد. پیامهای کاسیگین به بازرگان و خمینی شاید به قصد از بین بردن این اظهار نظر که اتحاد شوروی سیاست حفظ مناسبات رسمی دوستانه با ایران بعد از انقلاب را کنار گذاشته نیز می‌باشد.

حوادث اخیر در ایران بدون شک نگرانی شوروی را نسبت به اوضاع در ایران افزایش داده است، ولی ما این امر را یک نوع تغییر جزئی در روش همیشه ناپایدار شوروی نسبت به انقلاب اسلامی خمینی تلقی می‌کنیم تا اینکه تغییر در سیاست اساسی شوروی باشد. اتحاد شوروی همچنان ساخت سیاسی کنونی ایران را یک امر گذرا تلقی می‌کند و در انتظار آن است که ببیند که بعداً چه پیش خواهد آمد، قبل از اینکه ارزیابی جدی از سیاست شوروی نسبت به ایران به عمل آید. پایان خلاصه

۳- همان طوری که در مرجع الف خاطر نشان شد تفسیرهای اخیر مطبوعات شوروی نسبت به ایران زمینه‌هایی فراهم کرده‌اند که ممکن است چنین فرض کرد که سیاست شوروی نسبت به ایران در شرف ارزیابی مجدد است. این امر به ویژه در مورد مقاله بووین در نشریه ندلیا صدق می‌کند. (مرجع ب) در این مقاله انقلاب اسلامی مورد حمله قرار گرفته و خمینی (از طریق نقل قولهایی از اظهارات خود) به عنوان یک مرد متعصب مذهبی خطرناک توصیف شده است.

گفتگوهای گروهی با مأمور وزارت امور خارجه (مرجع ج) همچنین این اندیشه را که سیاست جدیدی از سوی شوروی نسبت به ایران پیش گرفته خواهد شد تقویت می‌کند.

۴- معذالک تحولات چند روز گذشته تغییر جزئی در سیاست رسمی شوروی نسبت به ایران را رد می‌کند. روزنامه پراودا در یازدهم سپتامبر پیامهای جداگانه‌ای را که کاسیگین هنگام پرواز بر فراز ایران به مقصد اتیوپی به عنوان بازرگان و خمینی فرستاده بود چاپ کرده است. در هر دوی این پیامها تعهد شوروی به پرورش مناسبات حسن همجواری مورد تأکید قرار گرفته و در تلگرام به عنوان خمینی، شالوده‌عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر مورد تأکید قرار گرفته است.

۵- استانیسلاو کونستانتینویچ کاوریگین رایزن وزارت امور خارجه شوروی رئیس بخش ایران روز ۱۲ سپتامبر به مأمور سفارت گفت که در سیاست شوروی نسبت به ایران مطلقاً هیچ تغییری روی نداده است. او گفت اظهارات اساسی مربوط به سیاست شوروی همانهایی است که در اعلامیه برژنف در تاریخ ۱۹ نوامبر ۱۹۷۸ و ۲ مارس ۱۹۷۹ گنجانده شده است. وی همچنین گفت مناسبات شوروی با ایران بر اساس روابط حسن همجواری و احترام متقابل در مورد حق حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر استوار است. کاوریگین همچنین تکذیب نامه خبرگزاری تاس را که در شماره پنجم سپتامبر روزنامه پراودا درج شده است، مبنی بر رد اتهامات مداخله شوروی در کردستان که از سوی چهره‌های سیاسی و مطبوعات ایران به عمل آمده معتبر قلمداد کرد.

۶- در پاسخ به پرسشی درباره انتقاد اخیر از ایران در مطبوعات شوروی، کاوریگین وجود انتقاد در مطبوعات شوروی را تکذیب کرد و گفت که مطبوعات شوروی صرفاً خبرهای ایران را گزارش می‌دهد، همان طوری که مطبوعات غربی این کار را انجام می‌دهد و اما درباره مقاله بووین، کاوریگین اظهار داشت که بووین نظریات شخصی خود را بیان داشته است و نشریه ندلیا برعکس روزنامه پراودا یک نشریه صاحب نظر نیست.

۷- خود بووین به یک روزنامه نگار آمریکایی (فاش نشود) در یک مصاحبه خارج از برنامه در تاریخ دوازدهم سپتامبر گفت که نوشته‌های او منعکس کننده نظریات خود او می‌باشد و نه اینکه لزوماً نظریات دولت شوروی باشد.

او گفت مقاله او در نشریه ندلیا درباره ایران به معنای ارزیابی مجدد سیاست شوروی درباره ایران

نیست. او حتی گفت که نمی‌داند سیاست شوروی درباره ایران چیست. بووین نشریه ندلیا را به عنوان یک نشریه عمومی مخصوص روزهای یکشنبه وابسته به روزنامه ایزوستیا توصیف کرد و گفت این نشریه به هیچ وجه نظرگاه رسمی نیست.

۸- روزنامه ایزوستیا در تاریخ ۱۳ سپتامبر مقاله مفصلی به قلم خبرنگار خود در تهران را منتشر کرد. در این مقاله بسیاری از نکاتی که در مقاله بووین مورد بحث قرار گرفته بود به طور تلویحی رد شده است. این مقاله تحت عنوان «ایران: فرایندهای نوآوری» حاوی مطالب زیر است:

- توجیه مشکلات اقتصادی کنونی ایران و اظهار اینکه برای دوران ابتدایی هر انقلابی این مشکلات طبیعی است و این مشکلات همچنین نتیجه ترک ایران از سوی هم پیمانهای اقتصادی غربی سابق است. - همچنین گفته شده است که جهت گیری ضد امپریالیستی ایران از پشتیبانی جهانی برخوردار است. - از ایران دعوت شده است تا پیوندهای نظامی و اطلاعاتی خود را با ایالات متحده به عنوان یک عامل مثبت در جهت تشنج زدایی عمومی و صلح ترک کند.

- اعلام شده است که اتحاد شوروی در پشتیبانی از انقلاب ایران موضع گرفته و حاضر است فعالانه با ایران نوین همکاری کند.

- و سرانجام اعلام داشته است که مردم شوروی مشکلاتی را که ایران با آن مواجه است با احساس تفاهم درک می‌کنند و برای مردم دوست ایران خواهان حل این مشکلات هستند.

۹- اظهار نظر: شورویها ظاهراً به سرعت از اثراتی که در نتیجه مقاله بووین به وجود آمده مبنی بر اینکه اتحاد شوروی سرگرم ارزیابی مجدد در سیاست خود نسبت به ایران است خود را کنار می‌کشند، معذالک ما این گونه اظهارات را به مفهوم واقعی آن تلقی نمی‌کنیم و معتقد نیستیم که بووین تنها «نظریات شخصی» خود را بیان داشته است. البته این امر صحت دارد که نشریه ندلیا کمتر از پرآودا صاحب نظر است و اینکه بووین یک مرد تکرر است، ولی بووین همچنین به عنوان شخصی تلقی می‌شود که با رهبران شوروی وابسته است، مقاله‌های او شاید منعکس کننده دقیق ناراحتیهای شوروی درباره بعضی از حوادث در ایران است که عبارتند از بکار بردن زور علیه کردها و سرکوبی چپگراها از جمله حزب توده، پشتیبانی ایران از شورش اسلامی در افغانستان و همچنین لغو پیمانهای مربوط به تحویل گاز و بالاتر از همه اتهامات علیه اتحاد شوروی از سوی چهره‌های سیاسی و مطبوعات ایران.

۱۰- ما حاضر نیستیم که چنین نتیجه بگیریم که این امر به منزله تغییر در سیاست شوروی است. معذالک همان طوری که در مرجع د گفته شده است موضعگیری شوروی نسبت به انقلاب اسلامی ایران دستخوش دوگانگی بوده است. ما از علامتهایی که اخیراً از سوی شوروی نشان داده شده چنین نتیجه گیری می‌کنیم که این دوگانگی در سیاست شوروی همچنان حفظ شده است هر چند جنبه‌های منفی روش شوروی ممکن است اکنون اندکی بیشتر از سابق باشد. مقاله پرووین و سایر انتقادهایی که از ایران به عمل آمده است، باید به عنوان اخطار و هشدار تلقی گردد که اگر رهبران سیاسی ایران و مطبوعات این کشور به حملات خود علیه شوروی ادامه دهند شورویها نیز ممکن است متقابلاً حمله کنند. از سوی دیگر این گونه انتقادات ممکن است به منزله یک محکمی برای آزمایش واکنشها نسبت به تغییر احتمالی در سیاست شوروی باشد. اگر این امر صحیح باشد شورویها ظاهراً از عکس‌العملی که این مقاله در مطبوعات غربی و ایران ایجاد کرده است غافلگیر شده‌اند و اکنون می‌کوشند تا از اهمیت آن بکاهند.

۱۱- اتحاد شوروی همچنان ساخت سیاسی کنونی ایران را به عنوان یک پدیده گذرا تلقی می‌کند و به احتمال قوی در انتظار خواهد بود تا ببیند بعداً چه خواهد شد، قبل از اینکه سیاست شوروی نسبت به ایران دستخوش ارزیابی جدی قرار بگیرد. کاورینگین مأمور امور ایران وزارت امور خارجه شوروی به مأمور سفارت گفت که آینده ایران به قانون اساسی جدید بستگی دارد و به اینکه چه کسی در رأس نهادهای جدید قدرت سیاسی قرار خواهد گرفت او افزود که این «نظر شخصی» اوست که تمامی مشکلات جاری ایران ناشی از ماهیت موقتی دولت موقت ایران است. او عقیده داشت که روحانیون همچنان نیرومندترین گروه در کشور پس از تصویب قانون اساسی خواهند بود. او در عین حال درباره ساخت سیاسی آینده ایران اظهار خوش بینی ملایم کرد. هنگامی که از وی پرسیده شد که آیا شخصیت‌های مذهبی دیگری را که دارای نفوذ سیاسی بزرگی مانند خمینی یا طالقانی باشند در ایران می‌بیند یا خیر، کاورینگین گفت چنین شخصیتی در نظر نمی‌آید. او در پایان این بحث تأکید کرد که آینده سیاسی ایران مربوط به خود ایرانیان است که تصمیم بگیرند و اینکه اتحاد شوروی شدیداً پایبند سیاست عدم مداخله خود در امور داخلی ایران است.

۱۲- به طور خلاصه ما معتقدیم که اتحاد شوروی به سیاست خود درباره ادامه روابط حسن همجواری با ایران در حال حاضر متعهد است. شورویها بدون شک ترجیح می‌دادند که در ایران یک حکومت نیرومندتر و غیرمذهبی بر سر کار باشد، ولی آنها قبول دارند که خمینی نیرومندترین شخصیت سیاسی ایران است و با دیگران فاصله زیادی دارد و شورویها همچنین کمتر امکان آن را می‌بینند که این واقعیت تغییر یابد. آنها می‌دانند که خمینی ۷۹ ساله است و نمی‌تواند برای ابد دوام داشته باشد. لاقلاً تا زمانی که خمینی بر زندگی سیاسی ایران تسلط دارد ما معتقدیم که مسکو همچنان عدم خشنودی خویش را از سیاست ایران و اظهاراتی که به منافع شوروی لطمه می‌زند ابراز خواهد داشت و در کمین فرصتهایی خواهد بود تا نفوذ خود را در ایران گسترده‌تر کند. معذالک ما احساس می‌کنیم که مسکو از اقدامات مستقیم برای تحت تأثیر قرار دادن حوادث در ایران خود داری خواهد کرد.

سند شماره (۷۳)

تاریخ: ۱۹ سپتامبر ۷۹ - ۲۸ شهریور ۵۸
از: کنسولگری آمریکا در لنینگراد
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.

موضوع: سخنگوی جامعه زینانیه (ZNANIYE) لنینگراد در یک سخنرانی تحت عنوان سیاست

کشورهای تولیدکننده نفت خلیج فارس درباره روابط با ایران صحبت می‌کند

۱- خلاصه: در ۱۶ سپتامبر سخنگوی لنینگراد (اوژن اوستروژنیه) سیاست شوروی در قبال ایران را به عنوان روابطی «بسیار محتاطانه» براساس احترام بر استقلال و تمامیت ارضی ایران مطرح نمود. در پاسخ به یک سؤال، وی گفت که کردستان یک «فلسطین ثانی» می‌باشد و کردها نیز خواهان یک دولت ملی می‌باشند و روابط شوروی با کردها نباید بر روابط شوروی با ایران تأثیر بگذارد. با خاطرنشان ساختن اینکه نفوذ آمریکا در عربستان سعودی کاهش یافته است وی گفت ایجاد روابط با عربستان سعودی «یک پیروزی بزرگ» خواهد بود و در حال حاضر «یک گروه» روسی در این رابطه دست به کارهای مهمی زده است. پایان خلاصه

۲- در سخنرانی ۱۶ سپتامبر جامعه زینانیه تحت عنوان: «مشکلات سیاستهای نفتی کشورهای حوزه خلیج فارس» ال. و کارناکف به مستمعین خود درسهایی اساسی درباره سیاست نفت ارائه داد. این سخنرانی در سالن اصلی لنینگراد، سازمان تبلیغاتی شوروی ایراد شد در حالی که ۱۰۰ نفر در آن حضور داشتند. سخنران، که ظاهراً یکی از خبرگان امور خاورمیانه‌ای بود آمارهای متعددی را جهت به نمایش گذاشتن نقش کشورهای حوزه خلیج فارس در عرضه نفت به کشورهای غیرسوسیالیستی ارائه داد. وی که مطالب خود را با قراردادهای بین شرکت‌های اصلی و کشورهای تولیدکننده در قبل از جنگ جهانی دوم آغاز کرده بود، به توضیح تغییرات سیاسی اقتصادی پرداخت که در سالهای ۱۹۷۰ موجب تضعیف کنترل کاپیتالیستی بر منابع نفتی این حوزه شده است. مرکز ثقل تمام این تغییرات انقلاب ایران نامیده شد. عوامل جهانی مهمی که سبب تغییر در تعادل بین کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده شده‌اند؛ همانا از یک طرف کمپ سوسیالیستی است که مداخله مستقیم غرب را به منظور «حراست از منافع حیاتی» خود در حوزه مانع شده و از طرف دیگر افزایش تقاضای نفتی که سبب به وجود آمدن بازار فروش شده است، معرفی گردید.

۳- با وجود اینکه سخنگو اشاراتی نیز به تأثیر ثروت جدید بر شرایط زندگی محلی و روابط اجتماعی درونی کرده بود، ولی گویا هم سخنران و هم شنوندگان (با بررسی سؤالات مطرح شده) از یاد برده‌اند که این حوزه به دلیل نقش استراتژیک بین شرق و غرب دارای اهمیت می‌باشد. نکات جالب دیگری که به وسیله سخنگو مطرح شده بود عبارتند از:

الف) رابطه شوروی با ایران بایستی توأم با «احتیاط زیاد» باشد. چون ایران هم ضد شوروی و هم ضد آمریکا است. ما باید بر احترام خود به استقلال و تمامیت ارضی ایران تأکید بنماییم.

ب) در پاسخ به سؤالی در زمینه کردستان (که در سخنرانی اصلاً بدان اشاره نشده بود) سخنگو از آن به عنوان یک «فلسطین ثانی» نام برد و گفت که مشکل فلسطین حل نخواهد شد مگر اینکه یک دولت فلسطینی به وجود آید. وی خاطر نشان ساخت که ایرانیان نمی‌خواهند ترکیب چند ملیتی دولت را به رسمیت بشناسند، در حالی که در واقع «ایرانی» وجود ندارد، بلکه پارسیها، آذربایجانیها و غیره هستند که وجود دارند. با این وصف سخنگو اضافه نمود که «ما نمی‌توانیم بگذاریم که روابط ما با کردها به روابطمان با ایران لطمه وارد سازد».

ج) در پاسخ به این سؤال که آیا ایران تحت یک حکومت خداسالاری است، این سخنگو جواب داد که این کشور چنان پیشرفته است که نمی‌تواند یک سیستم سیاسی قرون وسطی را داشته باشد.

د) با خاطر نشان ساختن این موضوع که در این اواخر تسلط آمریکا بر عربستان سعودی تضعیف شده است (عدم حمایت از قرارداد کمپ دیوید و خاتمه حمایت از مصر را به عنوان مثال ذکر نمود) وی گفت که برای شوروی برقراری روابط دیپلماتیک با عربستان سعودی یک «پیروزی بزرگ» به شمار خواهد آمد. وی اضافه کرد که یک گروه روسی در این رابطه در حال انجام کارهای مهمی می‌باشد.

۴- سخنگو گفت که کشورهای جهان سوم نیز مانند غرب از قیمت‌های نفتی اوپک آسیب دیده‌اند، ولی کشورهای تولیدکننده نفت صندوق پولی را به منظور کاهش این خسارات تأسیس نموده‌اند و وی همچنین خاطر نشان ساخت که غرب سعی کرده است به این بهانه که کشورهای جهان سوم مسئول به وجود آمدن این وضع هستند بین آنها و اوپک تفرقه بیندازد.

۵- اظهار نظر: سخنرانان زینانیه به دو گروه تقسیم می‌شوند، گروه اول مبلغین حرفه‌ای هستند که معمولاً با خبرگی به انحرافات خط موجود می‌پردازند و گروه دوم خبرگانی چون کارناکف هستند که بیاناتشان تضاد بین قضاوت‌های خودشان و آنچه را که سیاست از آنها می‌خواهد بازگو کنند آشکار می‌کنند. مقایسه‌ای را که کارناکف بین فلسطین و کردها انجام داده باید از این گونه به شمار آورد.
بوچانان

سند شماره (۷۴)

تاریخ: ۲۵ سپتامبر ۷۹ - ۳ مهر ۵۸
صورت مذاکره
مکان: وزارت امور خارجه
شرکت کنندگان: واسیلی. ک. گورووی، دبیر اول سفارت شوروی در واشنگتن دی. سی استپان گرومان، ایران شناس
تاریخ: ۲۴ سپتامبر ۱۹۷۹

موضوع: اوضاع در ایران و افغانستان

این چنین به نظر می‌رسد که گورووی می‌خواهد پیرامون سه موضوع بحث را به میان بکشد. موضوع اول روابط فیما بین ایران و آمریکا بود. در پاسخ این سؤال گفتم که ابتدا قبل از اینکه هرگونه رابطه توام با تفاهمی برگزار شود، ایرانیها باید اختلافات سیاسی خود را کنار بگذارند. دیگر اینکه سرعت عمل در این مرحله بستگی به ایرانیها دارد.

گورووی بعداً دربارهٔ تحویل لوازم یدکی از طرف ما به نیروی هوایی ایران سؤال کرد. به او گفتم که ما همان لوازم یدکی را که قبل از انقلاب وجوه آنها پرداخته شده بود به ایرانیها تحویل داده‌ایم. در ادامه گفتم که ما هنوز در حال بررسی چند قرارداد دیگر با ایرانیها هستیم.

پس از آن گورووی درباره اقلیتهای نژادی سؤال نمود. در جواب گفتم که ظاهراً اعراب خوزستان جدیدترین خطر علیه رژیم خمینی به حساب می‌آیند. ظاهراً گورووی تعجب کرد و دربارهٔ نقش کردها پرسید. با وی در این مسئله که کردها نیز یک خطر جدی به شمار می‌آیند موافقت کردم، ولی گفتم که آنها قادر نیستند که رژیم کنونی را فلج نمایند، بلکه در صورتی که اوضاع خوزستان از کنترل خارج شود آنها نیز خواهند توانست این کار را انجام دهند. گورووی اظهار داشت که خمینی خیلی بهتر از قبل می‌توانست شرایط را تحت کنترل درآورد، ولی تاکتیکهای وی نشانگر قضاوت ضعیف وی می‌باشد. من نیز موافقت خویش را با این نکته اعلام داشتم.

گورووی پس از آن به بحث پیرامون به قول خودش «وضع غم‌انگیز» مذاکرات اقیانوس هند بین آمریکا و شوروی پرداخت. وی با عجز و لابه گفت عجیب است که پس از آن همه پیشرفت حاصله در گذشته اکنون به محض آغاز، این مذاکرات به حالت تعلیق درآمده و ما نمی‌توانیم راهی را که رفته‌ایم ادامه دهیم. وی قبول دارد که ترکیب سیاسی منطقه تغییر کرده است، لیکن می‌گوید که این واقعیت نباید این حقیقت را که هر دو کشور دارای منافع مشترک در از سر گرفتن مذاکرات هستند تغییر دهد.

در جواب گفتم که بهترین راه برای آغاز مذاکرات این است که شورویها مداخله نظامی خود در افغانستان را متوقف کرده و یا نظامیان خود را از کوبا فراخوانند. گورووی اظهارات مرا بدون پاسخی

محکم و به طور ضمنی قبول نمود.

پس از آن از گورووی پرسیدم که آیا مقاله رضانی را در فصلنامه امور خارجه پیرامون امنیت خلیج فارس مطالعه کرده است (رضانی پیشنهاد می‌کند که اکنون موقع مناسبی فرارسیده است تا قرارداد امنیت میان کشورهای همجوار خلیج فارس منعقد گردد). وی پاسخ داد که این خلیج بخشی از اقیانوس هند است و امنیت خلیج نیز فقط می‌تواند از طریق امنیت اقیانوس هند برقرار گردد.

پس از آن، من خواستار نظریات گورووی درباره اوضاع کنونی ایران شدم، گذشته از مفاهیم مارکسیستی گورووی معتقد است که:

- انقلاب هنوز در مسیر خود قرار نگرفته است.

- خمینی هنوز هم مهمترین قدرت است و هیچ گروه دیگر قادر به مبارزه با وی نمی‌باشد، به نظر وی بختیار مبارزی جدی به حساب نمی‌آید.

گورووی پرسید که آیا به نظر من خمینی انقلاب خود را صادر خواهد کرد. وی متذکر شد که گویا تناقضی میان سیاست عدم مداخله در امور ملل دیگر که از طرف ایران اعلام شده و اعلام حمایت آن کشور از گروههای مسلمان شورشی وجود دارد. وی این حرفها را به خصوص درباره افغانستان به میان می‌آورد. من در جواب گفتم که خمینی قطعاً در حال آماده ساختن زمینه برای یک سیاست خارجی فعال می‌باشد، ولی در حال حاضر به جای عمل بیشتر از حرف چیزی دیده نمی‌شود.

در پاسخ به سؤالی در زمینه روابط بین ایران و شوروی گورووی با حالتی تهاجمی اظهار داشت که شوروی هنوز هم سیاست خود را در قبال ایران دستخوش تغییرات نکرده است (همان گونه که بعضیها براساس اظهارات مطبوعات ممکن است معتقد باشند) و شورویها خواستار ایجاد روابط حسنه با رژیم کنونی می‌باشد. گورووی احساس می‌کند که شوروی قادر است پروژه‌های عمرانی را که حدود ۵۰ درصد آنها تکمیل شده به پایان برساند. زمانی که از او پرسیدم که منظورش کدام پروژه‌های عمرانی است، گفت که درباره جزئیات اطلاعی ندارد. پروژه‌هایی که کمتر از ۵۰ درصد انجام شده اکنون متوقف گردیده‌اند.

افغانستان

به طور مختصر به امور افغانستان نیز پرداختیم. گورووی معتقد است که اوضاع دیگر به نفع کابل است و سرانجام دهقانها خواهند فهمید که رژیم کنونی با ارتجاعیون فتودال صد درصد مخالفت می‌ورزد. وی اظهار داشت که مسکو آماده است به کابل کمک کند تا اینکه روستاییان واقعیت را درک کنند. گورووی سؤال نمود که آیا ما در حال تغییر موضوع در قبال کابل هستیم. گفتم که من از تغییر در این زمینه کاملاً بی‌اطلاع هستم.

بیوگرافی

گورووی در مسکو بزرگ شده است، ولی اصولاً اهل اوکراین است (او به زبان اوکراینی آشنا نیست). وی ده سال در کره به سر برده و به قول خودش کره‌ای بلد است. او در زمینه مذاکرات اقیانوس هند نیز فعالیت داشته است. وی از ماه اوت سال ۱۹۷۸ در واشنگتن به سر می‌برد.

سند شماره (۷۵)

طبقه بندی: سری، غیر قابل رؤیت برای بیگانگان تاریخ: ۱۳ مهرماه ۱۳۵۸ - ۱۵ اکتبر ۷۹
از: فرماندهی نیروهای آمریکا و اروپا در واهینینگن آلمان به: مجمع گردآوری اطلاعات آمریکا
موضوع: خلاصه اطلاعات کمیته اروپا و آمریکا

شامل پنج مورد ذیل است:

- ۱- شوروی: ایل - ۸۶ (خیلی محرمانه).
 - ۲- شوروی: سخنرانی برژنف (خیلی محرمانه / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان).
 - ۳- غنا: مشکلات بعد از دوران انتقال (سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان).
 - ۴- دیگر رویدادهای مهم. (سری)
 - ۵- علائم و هشدارهای اطلاعاتی: تغییری نکرده است.
- ۱- (تمام پاراگرافها خیل محرمانه است) شوروی: دریافت اولین فروند هواپیمای ایلوشین - ۸۶ توسط هواپیمایی ایرفلوت، نشان دهنده تمایل شدید شوروی به ساختن یک هواپیمای عظیم الجثه در رابطه با عملیات المپیک سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) می باشد.
- ایلوشین - ۸۶ که در سال ۱۹۷۱ موجودیت آن اعلام گردید در سال ۱۹۷۶ برای اولین بار پرواز نمود به علت عدم تصمیم گیری پیرامون طرح و تغییر شکل هواپیما و نیاز به یک نیروگاه بی سروصدای بزرگ و با سوخت مؤثر دچار تأخیر گردید. بالاخره طراحان شوروی یک طرح سنتی را مد نظر قرار داده و آن را برای ۳۵۰ نفر مسافر در نظر گرفتند، لیکن هنوز نتوانسته مسئله مربوط به موتور آن را حل نمایند. تلاش برای تولید موتور فشار قوی و در عین صرفه جویی از نظر بازگانی در مصرف سوخت در داخل کشور با شکست رو به رو شده است، و مذاکرات متعدد با سازندگان موتورهای غربی نیز نتیجه ای نبخشیده است. عدم موفقیت آنها در تحصیل نیروگاه لازم سبب شد که مدل کنونی ایلوشین - ۸۶ تنها بردی معادل ۱۸۰۰ میل دریایی داشته باشد؛ که معادل یک سوم برد هواپیماهای این گونه ای آمریکایی می باشد.
- علیرغم محدودیتهای عملیاتی این هواپیما روسها از آن در رابطه با المپیک استفاده خواهند کرد تا علاوه بر به نمایش گذاشتن ایلوشین - ۸۶ موجب به رسمیت شناخته شدن عملکرد کل ایرفلوت نیز بشوند. این خط هوایی خود را تحت عنوان «حامل رسمی المپیک» پوشانده است و این عبارت به زبان انگلیسی بر روی بسیاری از هواپیماهای جدید آن چاپ شده است. به دنبال آزمایشهای بیشتر و آشناسازی خدمه پرواز، ایلوشین - ۸۶ در بهار آتی آماده پرواز خواهد شد که پس از انجام عملیات پرواز داخلی، در خطوط بین المللی اروپای شرقی و غربی نیز به کار خواهد پرداخت. تصور می رود که هنگام بازگشایی المپیک ده فروند از این هواپیماها عملیات خود را آغاز نمایند.
- با وجود اینکه هواپیماهای ایلوشین - ۸۶ از پوشش مطبوعاتی کافی برخوردار خواهند بود، لیکن برد کوتاه آن و تعداد غیرمکفی آن مانع از گسترش پروازهای آن در المپیک خواهد گردید. به جای آن ایرفلوت از تعدادی از هواپیماهای دوربرد اس ال-۶۲ و هواپیمای میان برد تی-یو-۱۵۴ در زمینه بالا استفاده خواهد کرد. (آقای شکلفورد، پی ام، ۶۲۸۸) (منبع: کمیته اروپا و آمریکا جی ۲، متعدد).
- ۲- (خیلی محرمانه / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - تمام پاراگرافها) شوروی: سفارت آمریکا در مسکو معتقد است که شوروی به میزان تبلیغات عمومی خود علیه کاربرد موشکهای پرشینگ ۲ و

موشکهای کروز در اروپای غربی افزوده است. سفارت با خاطر نشان ساختن نکات مطروحه در سخنان برژنف در روز دوشنبه در برابر هیئت نمایندگان سوسیالیست بین المللی و گزارش هفته جاری پراودا در مورد طرح مدرن سازی نیروهای اتمی ناتو، نشان می دهد که مسکو می خواهد صحنه را برای سخنرانی برژنف در برلن در شنبه آتی آماده کند. مسائل امنیتی اروپا یکی از موضوعات این سخنرانی خواهد بود. هشدار ۱۹ سپتامبر شوروی در پراودا که طی آن مسکو در رابطه با موشکهای غربی به رقابت خواهد پرداخت دیروز توسط عضو کمیته مرکزی زاگلدوین در یک کنفرانس مطبوعاتی در مسکو تکرار شد. طبق برآورد پیشین سفارت در مسکو مبنی بر اینکه روسها در این لحظه از لحن بدون تهدید استفاده خواهند کرد تا بر غرب تأثیر مثبتی بگذارند ممکن است صحت نداشته باشد. لحن و محتوای سخنرانی فردای برژنف مقاصد شوروی را در این رابطه روشن خواهد ساخت (خانم پلیس، پی ام، ۶۲۸۵).

(منبع: سفارت آمریکا در مسکو، دفتر اطلاعاتی خارجی، کمیته اروپا آمریکا ج ۲).

۳- (سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - تمام پاراگرافها) غنا: علیرغم انتقال آرام به حکومت غیرنظامی در ۲۴ سپتامبر، بوروکراسی غنا هنوز با وقفههایی رو به رو می باشد. پارلمان نیز انتصاب وزارت رئیس جمهور سلیمان را تأیید ننموده و مکانیزم دولتی را بدون رهبریت به حال خود رها کرده است. سلیمان نیز در مورد بافت شکننده سیاسی نگرانیهایی دارد. سرپرست پیشین یعنی راولینگ هنوز غنا را ترک نگفته است. او هنوز هم یک چهره محبوب عمومی است و هنوز هم مانعی بر سر راه رژیم ضعیف سلیمان به شمار می آید.

در اواخر هفته گذشته بین پرسنل نظامی و پلیس غنا در تاکورادی برخوردهایی در گرفته است. پلیس دو عضو نیروی هوایی را به علت بی نظمی و حدود ۲۰۰ پرسنل نیروی هوایی را به خاطر راه پیمایی علیه پلیس و پادگانهای نظامی دستگیر نمود در حالی که دو فروند هواپیما در سطح پایین به پرواز درآمده بودند و چند تیر هشدار دهنده نیز شلیک گردیده بود. تعداد بی شماری از افراد پلیس مضروب گردیده و پنج نفر از آنها به قرارگاه هوایی تاکورادی منتقل گردیدند. بنابه گزارش یکی از افراد پلیس بعداً در گذشته است. دیروز، پلیس غنا به عنوان اعتراض دست به یک اعتصاب عمومی زد و بانکها و دیگر نهادهای حساس عمومی را فاقد حفاظت به حال خود رها نمود. اگر این اعتصاب ادامه یابد وضع امنیتی دوباره رو به وخامت خواهد نهاد. شایعات مربوط به اینکه عناصر نظامی در نظر دارند بار دیگر کنترل کامل را به دست گیرند نمی تواند بی پایه باشد. خشونت اخیر، حضور راولینگ و عدم توانایی سلیمان در به کار انداختن مکانیزم دولتی سبب خواهد شد که مشکلات غنا به این زودیهها حل نگردد (منبع: آژانس اطلاعاتی دفاعی).

۴- (سری) دیگر رویدادهای مهم:

الف: (طبقه بندی نشده) یمن شمالی و جنوبی: در بیانیه مشترک اتحاد تنها یادآوری شده که کمیته ها جلسات خود را تشکیل خواهند داد. هنوز در جهت متحد ساختن دو یمن پیشرفتی حاصل نشده است (مطبوعات).

ب: (سری) نیجریه: نیجریه تانکهای تی-۵۵ خریداری شده از شوروی را دریافت می کند. تا به حال پنج تانک دریافت شده و ۶۰ تانک دیگر در آینده دریافت خواهد گردید. خدمه های مربوطه نیز در هند و

شوروی آموزش می‌بینند (آژانس اطلاعاتی دفاعی، دفتر وابسته دفاعی آمریکا در لاگوس).
 ۵- (طبقه بندی نشده) علائم و هشدارهای اطلاعاتی: در رابطه با وضع علائم و هشدارهای اطلاعاتی تا امروز ۱۳ مهرماه ۱۳۵۸ تغییری پدید نیامده است (منبع: کمیته اروپا آمریکا جی ۲).

سند شماره (۷۶)

از: فرماندهی قوای آمریکا در اروپا در واهینینگن آلمان
 به: مجمع گردآوری خلاصه‌های اطلاعاتی ۹۹۴
 تاریخ: ۱۹ اکتبر ۷۹ - ۱۷ مهر ۵۸
 غیر قابل رؤیت برای بیگانگان، غیر قابل انتشار برای پیمانکاران و مشاوران پیمانکار، هشدار اطلاعاتی

هشدار اطلاعاتی شامل شیوه‌ها و منابع حساس اطلاعاتی است

۱- (تمام پاراگرافها سری هستند) شوروی: در ضیافتی که جهت بزرگداشت سی‌امین سالگرد جمهوری دموکراتیک آلمان برپا شده بود، رئیس جمهوری شوروی برژنف اعلام داشت که شوروی به طور یک جانبه حدود ۲۰۰۰۰ «خدمه» و ۱۰۰۰ تانک خود را در دوازده ماه آینده از آلمان شرقی فرا خواهد خواند. برژنف اظهار داشت که این نیروها از اروپای مرکزی فرا خوانده خواهند شد، ولی درباره ترکیب و یا محل تمرکز دوباره آنها سخنی به میان نیاورد.

همچنین برژنف اظهار داشت که حاضر است تعداد سلاحهای هسته‌ای برد متوسط خود را در غرب روسیه کاهش دهد، به شرط آنکه غرب نیز در قبال سیستمهای مشابه خود دست به چنین عملی بزند. وی همچنین اظهار داشت که حاضر است درباره تمرینها و حرکات نظامی پیشنهادی به طرق زیر به مذاکره بپردازد: تعداد نظامیان را در مانورها از ۲۵۰۰۰ نفر به ۲۰۰۰۰ تن کاهش دهد؛ درباره نقل و انتقالات نظامی با استعداد بیش از ۲۰۰۰۰ نفر اطلاعاتی منتشر سازد و مانورهای نظامی در برگیرنده بیش از چهل هزار تا پنجاه هزار نفر را حذف نماید.

در روز یکشنبه خبرگزاری تاس اظهار داشت که انتظار می‌رود که غرب نیز به دنبال شوروی امتیازهای مشابهی را اعطا نماید. نقاط مبهمی که در این اعلامیه عقب‌نشینی و نیز خواستار عمل تلافی جویانه شدن وجود دارد این است که بعضی از جنبه‌های پیشنهادات شوروی از قبیل تعداد واقعی نظامیان یعنی «۲۰۰۰۰ نفر» و اعلام مقصد آنها بستگی به عکس‌العمل غرب دارد. مهمتر از همه اهداف نظامی این عقب‌نشینیها پیشنهادی بسیار مهم است. در صورتی که این رقم از نیروی زمینی کاسته شود، که ۲۰۰۰۰ نفر تشکیل دهنده ۲۰ لشکر شوروی می‌باشد، حدود پنج درصد نیروی زمینی شوروی را تشکیل می‌دهد، این رقم کاسته شده می‌تواند با تأثیر کمتری پراکنده گردد. علاوه بر این ممکن است این افراد را از حالت فعال بیرون بیاورند، ولی باز هم در جمهوری دموکراتیک آلمان نگهدارند.

هزار دستگاه تانک پیشنهادی نیز که تشکیل دهنده تانکهای سه لشکری باشد می‌تواند از گروه تانکهای انتخابی شود که جای خود را به تانکهای مدرنتری داده‌اند، ولی هنوز به شوروی بازگردانده نشده‌اند و یا از واحدهای آموزشی فرا خوانده شوند بدون اینکه قدرت فعال نیروی تانکی را کاهش دهند. احتمالاً شوروی می‌خواهد به تجدید سازمان دست بزند و فرمانده قوای آمریکا در اروپا درباره هرگونه تغییر نیرو در پاییز آینده که نشانه افزایش و یا کاهش نیرو باشد گزارش خواهد داد.

رهبران اروپا در انظار عام و یا به طور خصوصی جنبه‌های ظاهراً مثبت سخنرانی برژنف را قبول کرده‌اند، ولی در اصل معتقدند که چنین اعلامیه‌ای در نظر دارد طرح‌های سازمان پیمان آتلانتیک شمالی را در جهت بالا بردن بنیه دفاعی متوقف سازد و در عوض نیروی پیمان ورشو را در اروپای شرقی افزایش بخشد (سرگرد فریمان، پی‌ام ۶۱۸۲) (منبع: ریاست آژانس اطلاعاتی، نمایندگی آمریکا در ناتو، نیروی هوایی آمریکا در اروپا، فرماندهی قوای آمریکا در اروپا ۲-۱).

۲- (همهٔ پاراگرافها سری / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) رودزیا موزامبیک: نیروهای امنیتی رودزیایی وارد سومین ماه حملات خود علیه اهداف درون موزامبیک شده‌اند. آخرین حمله نفوذی به مرز در ۲۷ سپتامبر آغاز و تا اول اکتبر ادامه یافت. هدف این حمله بزرگترین اردوگاه زانو در ۴۰ مایلی شمال شرقی اوتمالی در موزامبیک مرکزی بود. گزارشات رسیده از سالیسپوری حاکی از آن است که مقاومت زانو شدیدتر از آنی بود که انتظار می‌رفت، ولی حملات هوایی و جبهه‌ای سبب شد که مدافعین به تونلها و پناهگاههای اردوگاه که حدود ۲۵ میل مربع مساحت دارد رفته پنهان شوند. تعداد کشته‌شدگان چریکها حدود ۱۰۰۰ نفر تخمین زده شده است.

پناهنده شدن دو تن از نظامیان موزامبیک که یکی از آنها یک افسر بود احتمالاً در موفقیت این حمله نقش به‌سزایی داشته است، چون وی اطلاعات مهمی را دربارهٔ این هدف در اختیار قرار داده بود. مقدار زیادی اسناد، مهمات و تجهیزات نظامی از قبیل تفنگهای ضدهوایی به غنیمت گرفته شده یا نابود شدند. تنها درگیری که نیروهای موزامبیک در آن شرکت یافتند حمله نیروی مرکب از شش تانک تی - ۳۴ بود که آنها را هم نیروهای رودزیایی توسط سلاحهای ضدتانک به غنیمت گرفته عقب راندند.

این حمله آخر با حمله قبلی که در سپتامبر صورت گرفت و طی آن امکانات موزامبیک متحمل خسارات سنگینی شدند قابل مقایسه است. در حملات قبلی نیز پلها، خطوط راه‌آهن و دیگر عناصر زیربنایی نقل و انتقالاتی که توسط چریکهای موزامبیک مورد استفاده لجستیکی قرار می‌گرفت تخریب گردیده بود. بدون شک مقامات موزامبیک در نتیجه این حملات بسیار خشمگین شده‌اند و ادامه این حملات باعث شده است که ماپوتو تقاضای کمک از خارج داشته باشد. مقامات موزامبیک احتمالاً ترس از آن دارند که زانو مذاکرات لندن را نادیده بگیرد که البته گزارش رسیده در امروز صبح حاکی از آن است که به بن‌بست رسیده است. یک بار دیگر نیروهای رودزیایی از حمله به نیروهای زاپو در زامبیا امتناع ورزیده‌اند.

نفوذ نیروهای زاپو به درون رودزیا هنوز هم ادامه دارد، ولی تماس و برخورد میان نیروهای زاپو و نیروهای رودزیایی در همان میزان حداقل باقی مانده است. ظاهراً نکومو رهبر زاپو نیروهای خود را متوقف نموده است و به انتظار نتیجه مذاکرات لندن است و فقدان حملات رودزیا علیه زاپو این تردید را برمی‌انگیزد که شاید نکومو در سلسله مراتب رودزیایی دست به معامله‌ای زده است، یعنی نیروهای خود را متوقف ساخته است تا حمله از طرف رودزیاییها علیه اردوگاه زاپو در زامبیا صورت نپذیرد.

۳- (سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل انتشار برای پیمانکاران و مشاوران پیمانکار - هشدار اطلاعاتی) دیگر رخدادهای مهم:

الف: (سری) شوروی کوزموس ۱۱۳۹ که یک قمر عکسبرداری ژئوفیزیکی است در ۱۵ اکتبر وارد مدار نموده است، در حالی که یک قمر عکسبردار دیگر نیز در مدار دارد.

ب: (سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) شوروی: این کشور به آزمایش یک سلاح هسته‌ای صلح‌آمیز در اعماق زمین در شوروی مرکزی در تاریخ چهارم اکتبر دست زد. قدرت تقریبی آن ۳۹ کیلو تن می‌باشد.

پ: (سری) آلمان شرقی: جشن «روز ملی» در هفتم اکتبر برگزار گردید. در این جشن همان گونه که انتظار می‌رفت تانکهای تی-۷۲ نیز به چشم می‌خورد. موشکهای سام-۹ نیز دیده می‌شد، که احتمالاً اینها از نیروهای شوروی قرض گرفته شده است.

ت: (سری) فرانسه: ظاهراً در نظر دارد AGI بری را به مدت یک ماه به جزایر کارائیب بفرستد تا علیه کوبا مورد استفاده قرار گیرد. اساساً مأموریت آن مداخله‌گری و نیز سعی در شناخت نقاط استراق سمع در مارتینیک و گوادلوپ می‌باشد. دیگر اعمال آن عبارت خواهند بود از کنترل نقل و انتقالات در رابطه با نیروهای نظامی کوبا و اهداف واقع در آفریقا.

ث: (سری غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل انتشار برای پیمانکاران و مشاوران پیمانکار، هشدار اطلاعاتی) ترکیه: ارتش اقدامات امنیتی را در رابطه با انتخابات ۱۴ اکتبر افزایش داده است. به طوری که یک سوم ارتش مأمور است تا به برقراری امنیت در ایالاتی که قرار است محل برگزاری انتخابات باشد بپردازد. (فرمانده قوای آمریکا در اروپا).

ج: (طبقه بندی نشده) ترکیه: گونز وزیر کشور در پایان هفته گذشته استعفای خود را تسلیم اجویت نمود. این حرکت که گویا یک حرکت سیاسی است به خاطر روابط عشقی وی با یک خواننده رخ داده است. بنابه گزارشات رسیده وزیر جنگ، لپهان به جای گونز انتخاب شده است.

چ: (طبقه بندی نشده) لبنان: در روز دوشنبه ۴۰ نفر ربوده شده‌اند که در میان این گروه ۷ نفر از اعضای رئیس‌جمهور پیشین فرنجیه نیز وجود داشته‌اند و ۷ نفر نیز به قتل رسیده‌اند. این واقعه می‌تواند بیدارکننده خصومت درون مسیحی باشد.

۴- (سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) شرایط هشدار دهنده: (سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) اوضاع سیاسی و نظامی همه کشورهای در حوزه مسؤولیت فرمانده قوای آمریکا در اروپا به استثنای موارد زیر از نقطه نظر اطلاعاتی عادی ارزیابی شده است:

الف کشور / طبقه بندی		اوضاع کنونی	اوضاع گذشته	تاریخ تغییر اوضاع	اوضاع
ایران / سیاسی			۲	۲ فوریه ۱۹۷۹	بی‌تباتی کامل
لبنان - اسرائیل / نظامی		۴	۳	آوریل ۱۹۷۶	تشنج / برخوردها
سوریه - اسرائیل / نظامی		۴	۵	۱۴ ژانویه ۱۹۷۸	امکان وقوع برخوردهای دیگر
لبنان / سیاسی		۴	۵	۱۷ نوامبر ۱۹۷۸	کاهش تشنج
یمن جنوبی / سیاسی		۴	۵	۱۳ اوت ۱۹۷۹	شورش
ب. دیگر کشورها					
ناتو					
ترکیه / سیاسی		۴	۵	۲۶ دسامبر ۷۸	شورشهای داخلی
مدیترانه / شمال آفریقا					
مصر - لیبی / نظامی		۴	۵	ژوئیه ۷۸	درگیریهای مرزی

الجزایر - مراکش / نظامی	۴	۳	۲۳ مارس ۱۹۷۶	امکان درگیری نظامی بر سر صحرای غربی
موریتانی / نظامی	۴	۳	۲۳ مارس ۷۶	عملیات علیه چریکها در صحرای غربی
دیگر کشورها				
اتیوپی / سیاسی	۴	۳	۱۹ ژوئن ۱۹۷۸	حملات خرابکارانه در شمال
اتیوپی - سومالی / نظامی	۴	۳	۱۵ ژوئن ۱۹۷۸	حملات تحت‌الحمایه سومالی در منطقه اوگادن اتیوپی ادامه دارد
چاد / نظامی	۴	۵	۱۵ دسامبر ۱۹۷۸	حملات
چاد / سیاسی	۴	۳	دوم آوریل ۱۹۷۹	شورشهای درونی
اوگاندا / سیاسی	۴	۵	پانزدهم آوریل عدم	عدم ثبات
رودزیا / نظامی	۴	۵	۱۴ دسامبر ۱۹۷۸	حملات
رودزیا / نظامی	۴	۵	۱۳ آوریل ۱۹۷۹	تشدید حملات در داخل رودزیا
آنگولا	۴	۵	اول / / ۱۹۷۹	عدم اطلاع

سند شماره (۷۷)

تاریخ: ۱۹ اکتبر ۷۹ - ۱۷ مهر ۵۸
 شرکت کنندگان: عالیجناب ولادیمیر وینوگرادف سفیر اتحاد جماهیر شوروی در ایران
 ال. بروس لینگن کاردار موقت سفارت آمریکا در تهران ایران
 صورت مذاکره

موضوع: گفتگو با سفیر شوروی

من یک دیدار تشریفاتی از سفیر شوروی در اقامتگاه او در محل سفارت شوروی (به مساحت ۱۰ هکتار) در مرکز تهران به عمل آوردم. سفیر شوروی به زبان انگلیسی به نحو عالی تکلم می‌کند. او تقریباً پنجاه و پنج ساله است، لحن بسیار ملایم و آسوده‌ای دارد و یک مرد بسیار دوستانه‌ای است. او اکنون ۲/۵ سال است که در تهران اقامت دارد. قبلاً او سفیر شوروی در ژاپن بوده است (بارایشاور) و قبل از آن نیز سفیر شوروی در قاهره. از قاهره او به عنوان رئیس مشترک (بابونکر) در مذاکرات کنفرانس ژنو دربارهٔ خاورمیانه فرستاده شده بود.

همسرش همراه اوست. او سه فرزند بالغ دارد که همگی در علوم فیزیک کسب تحصیل کرده‌اند. او سه نوه دارد. او اخیراً در بیمارستان شوروی در تهران تحت عمل جراحی آپاندیس قرار گرفته بود.

سفیر گفت در حال حاضر حدود ۲۵۰۰ روسی در ایران با خانواده‌هایشان اقامت دارند. قسمت اعظم آنها در کارخانهٔ ذوب آهن در اصفهان و در یک نیروگاه برق در اهواز اقامت دارند، این نیروگاه اخیراً در اهواز در دست ساختمان است و یک طرح بسیار بزرگی است که پس از اتمام همهٔ کارها به مقامات ایران تحویل داده خواهد شد. او گفت بجز «چند کارشناس فنی» در شیراز در ایران هیئت نظامی ندارند و تنها سفارت شوروی یک مدرسه چهار کلاسه در محوطهٔ سفارت دارد.

من دربارهٔ تجربیات شورویها در ایران نسبت به ظرفیتها و تواناییهای ایران در مورد نگهداری پرسشهایی کردم. سفیر شوروی ظاهراً مواظب آن بود که از هرگونه اظهار نظر انتقادی اجتناب کند مفاهیم نگهداری حفاظتی به ویژه در مورد طرح اهواز با مشکلاتی رو به رو شده بودند. او ذخایر سنگ آهن ایران را دارای کیفیت عالی توصیف کرد و مشکل موجود در اصفهان را به تولید کک از زغال سنگ مربوط دانست و گفت که یکی از دشواریها وادار کردن ایرانیان به کار مؤثر در معادن زیرزمینی است.

سفیر ظاهراً در مورد تعداد بزرگی از ایرانیان که در حال حاضر برای رفتن به ایالات متحده در پی گرفتن روادید هستند کنجکاو نشاند، او با انبساط خاطر درباره تضاد بین این موضوع و برداشتهای انتقادی مطبوعات ایالات متحده اظهار نظر کرد.

او ملاقات نیمه شب خود را با طالقانی در همان شبی که طالقانی فوت کرد توصیف نمود. سفیر به تازگی از مسکو بازگشته بود و برای تشریح سیاست شوروی برای طالقانی و به ویژه رد اتهاماتی که به موجب آنها شورویها در کردستان آشوب برمی‌انگیزند، تقاضای ملاقات با طالقانی را کرده بود. او به طالقانی گفته بود که شورویها در کمک به تجزیه ایران که ممکن است منجر به آن شود که چند حکومت کوچک و ضعیف در مرز جنوبی شوروی به وجود آید نفعی ندارند. او گفت بسیار بهتر است یک ایران مستقل و نیرومند و البته دوست اتحاد شوروی وجود داشته باشد، او از طالقانی پرسیده بود که چه مدرکی درباره درگیری شوروی در این باره وجود دارد. او اشاره طالقانی را به مسلسل‌های کلاشینکف مورد طنز قرار داد و گفت این گونه سلاحها ساخته و همه جا پیدا می‌شود. او از طالقانی خوشش آمده بود زیرا طالقانی شخصی بود که می‌شد با او گفت و شنود داشت. پس از این ملاقات نیمه شب طالقانی حاضر شده بود مطلب مثبتی درباره منافع شوروی در ایران بگوید و مرگ طالقانی مانع چنین اظهار نظری شده بود. سفیر درباره بالاگرفتن موج دشواریها در کردستان اظهار سردرگمی کرد. او گفت که انتظار نمی‌رفت در حال حاضر چنین وضعیتی پیش آید. سفیر اظهار داشت که اطلاعات بسیار ناچیزی درباره دستگاه رهبری کردها دارد.

سفیر گفت که اگر رژیم ایران با کارایی بیشتری با مسئله ملیتها رو به رو نشود ایران در آینده مشکلات جدیدی در مورد «ملیتها» خواهد داشت. او گفت که سعی کرده است وزیران دولت موقت ایران از جمله یزدی را متقاعد سازد. یزدی تأکید کرده بود که درباره حساسیتهای کردها، رژیم ایران آگاهی کامل دارد و در قانون اساسی پیش‌بینیهای درباره شوراها محلی و زبان محلی و غیره به عمل آمده است که انتظارات کردها را رفع خواهد کرد، ولی سفیر گفته بود که اینها همه کافی نیست.

سفیر شوروی آنگاه برداشت مسئله ملیتها را از سوی لنین در اتحاد شوروی برای من به تفسیر تشریح کرد و گفت که این برداشت بعداً ثابت کرد که صحیح بوده است. لنین درباره حق جمهوریها برای جدا شدن پافشاری کرده بود؛ ولی بعد تشخیص داده بود که این جمهوریها نباید جدا شوند، ولی متقاعد شد که دادن حق جدا شدن به آنها برای راضی نگهداشتن آنها لازم است. این مطالب و همچنین تصریحات مفصل دیگری جهت خودمختاری در اتحاد شوروی تا این تاریخ مسئله ملیتها را تحت کنترل نگهداشته است و امروز تحول جامعه شوروی بدون ایجاد مزاحمتی ناشی از مسائل مربوط به ملیتها نشان دهنده عاقلانه بودن برداشت لنین می‌باشد.

این خطی است که او با ایرانیان در میان گذارده است، ولی متأسفانه آنها قادر نیستند مشکلاتی را که با آنها مواجه هستند به نحو صحیح درک کنند و یا نیاز به برداشت دیگری را در نظر داشته باشند. سفیر، خمینی را به عنوان یک شخصیت سرسخت و غیر قابل انعطاف توصیف کرد و اظهار داشت گفت و شنود با چنین شخصی دشوار است، ولی خمینی در عین حال یک مرد توانایی است. او (وینوگراف-م) دولت اسلامی را به عنوان یک دولت غیر واقع‌بین در آینده دراز مدت توصیف کرد و گفت اسلام به عنوان یک نیروی متحد کننده و حکومت کننده در کشوری مانند ایران یک ایدئولوژی کافی نیست.

سند شماره (۷۸)

از: ستاد فرماندهی آمریکا در اروپا، واهینیگین آلمان
به: مجمع گردآوری خلاصه‌های اطلاعاتی
تاریخ: ۱۷ اکتبر ۱۹۷۹ - ۲۵ مهر ۵۸
غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - هشدار اطلاعاتی

موضوع: خلاصه‌های اطلاعاتی ستاد فرماندهی نیروهای آمریکا در اروپا
موضوع: ۱ - روسیه: تولید هواپیماهای حمل و نقل (سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان
هشدار اطلاعاتی) ۲ - پیشرفتهای مهم دیگر (سری) ۳ - علائم و هشدارهای اطلاعاتی: بدون تغییر
(طبقه‌بندی نشده)

۱- تولید هواپیماهای حمل و نقل روسی در خلال نیمه اول ۱۹۷۹ مجموعاً به ۱۸۰ فروند رسید، ادامه کاهشی که برای اولین بار در ۱۹۷۷ مشاهده شد. این کاهش براساس یک مأخذ سالانه در مجموع به ۹ درصد در سال جاری رسیده است و این به حمل و نقلهایی به فواصل کوتاه منحصر شده است، اگرچه تولید هواپیمای CURL در همان حدود ۱۰۰ فروند در هر سال باقی مانده است، برنامه‌های تولید زغال سنگ و هیدروکربور دوره‌اش به سر رسیده و تولیدات زغال سنگ می‌تواند تا به حال به پایان رسیده باشد. تولید یک هواپیمای دوربرد دیگر: تولید هواپیمای عکسبرداری شناسایی نیز امسال ممکن است به پایان برسد. در مقایسه با این هواپیماهای کوچک ساختن جت‌های دوربرد و برد متوسط دیگری به طور ثابت و یکنواخت آغاز شده است. محصولاتشان در خلال ۶ سال گذشته به بیش از دو برابر رسیده است و اکنون به میزان ۱۸۰ فروند در سال در این برنامه‌های دراز مدت و میان مدت رسیده است. برنامه تولید جت‌های حمل و نقل نظامی دوربرد که از نیرو و اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، هنوز نسبت به رقمهای سالهای اخیر در حال پیشرفت است و است.

بیشتر برنامه‌های باقیمانده اساساً تغییری نکرده‌اند. تولید هواپیماهای دوربرد و میان برد کمی صعود کرده است، ولی تولید دو هواپیمای دیگر دوربرد مدل کلاسیک و میان برد CRUSTY (غول پیکر) به همان تعداد سالهای اخیر باقی مانده است.

هواپیماهای حمل و نقل سوپرسونیک در ابتدای ۱۹۷۹ کامل شد که مجموع تولیدات آن را به ۱۳ فروند رساند. این برنامه همچنین هنوز با مشکلاتی برخورد می‌کند و ممکن است به زودی به پایان رسد. هواپیماهای حمل و نقل جدید متعددی در دست تکمیل هستند، ولی پیشرفت محدودی در هر یک از برنامه‌ها دیده شده است. فقط ۲ CUMBER اتوبوسهای هوایی مسافربری با ظرفیت ۳۵۰ نفر در ۱۹۷۹ تولید شده‌اند. رقم آن جمعاً به ۴ می‌رسد و بیشتر انتظار می‌رود در رابطه با المپیک ۱۹۸۰، شرکت هوایی شوروی (ایرفلوت) از آن استفاده کند. ولی یقین می‌رود که مشکلاتی در رابطه با این برنامه وجود داشته باشد. هواپیما ابتدا در سال ۱۹۷۵ مشغول پرواز شد، ولی طبق گزارشهای رسیده تولید سریهای جدید تا سال دیگر شروع نخواهد شد.

شورویها در برنامه‌های دیگر گزارش می‌دهند که یک COALER دومی ساخته شده است. این هواپیمای سبک و سریع پرواز و سریع نشین در حال حاضر به وسیله روسها به عنوان یک هواپیمای مدل آزمایشی تلقی می‌شود و قبل از اینکه تصمیمی در مورد تولید زنجیره‌ای آنها گرفته شود سالها باید آزمایش بشوند. هیچ نشانه‌ای از پیشرفت در مورد برنامه CLINE مشاهده نشده است (این هواپیماها با

- تغییراتی در سیستم CURI ساخته شده است و اصلاً برای صدور در نظر گرفته شده‌اند). در مجموع تا زمانی که مسئله سوخت هواپیماها حل نشود تولید هواپیماهای حمل و نقل کاهش خواهد یافت.
- ۲- (سری) پیشرفتهای مهم دیگر؛
- A- (سری) روسیه: دومین دوره ماهواره تقویت کننده نیروی دریایی خود را در ۱۶ اکتبر وارد مدار نمود. در حال حاضر ۶ دستگاه مشغول کار هستند.
- B- (طبقه بندی نشده) اسرائیل: نیروهای امنیتی سه خانه متعلق به اعضای جبهه آزادیبخش عرب را در غزه منفجر کردند که یکی از آنها اقرار به کشتن یک سرباز اسرائیلی در زانویه کرده بود.
- C- (خیلی محرمانه) صحرای غربی: در ۱۴ اکتبر جبهه پولیساریو به پایگاه مراکشی در محبس حمله کرد و به آن آسیب رساند. جزئیات گزارش نشده‌اند.
- D- (خیلی محرمانه) زامبیا: در ۱۲ اکتبر دو پل مهم بر روی رود چابزی در شمال غربی زامبیا منفجر شد که خط آهن اصلی و جاده مربوط به دارالسلام را از هم جدا کرد. لوزاکا به طور علنی کماندوهای رودزیایی را مسؤول این حمله دانست. این زامبیا را مجبور به اتکای بیشتری بر روی راههای حمل و نقل رودزیا خواهد کرد.
- ۳- (طبقه بندی نشده) علائم و هشدارهای اطلاعاتی هیچ تغییری برای قسمت «وضع هشدارها و نشانه‌ها» امروز ۱۷ اکتبر ۷۹ نکرده است.

سند شماره (۷۹)

تاریخ: ۲۴ اکتبر ۷۹ - ۲ آبان ۵۸
از: سفارت آمریکا در تهران
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن - فوری
موضوع: نظر شوروی درباره ایران

- ۱- (تمام متن خیلی محرمانه)
- ۲- «وینوگرادوف» سفیر روسیه در ایران که تقریباً با تمام رهبران اصلی ایران ملاقات کرده است اخیراً در صحبت‌هایش در سر میز شام صادقانه از دولت ایران یاد کرد. به قول امیر انتظام «اگر یک در را (به روی روسها) ببندی، از در دیگر با پیشنهاد یا مطالعه وارد می‌شوند».
- ۳- وینوگرادوف تا به حال چهار بار با خمینی دیدار داشته است. وی از خمینی به عنوان مرد بزرگ راستی و معلم بی‌میل به پذیرفتن (نظرها) یا پست و مقام و متخصص در مسائل سیاسی داخلی و بین‌المللی یاد کرد. به عقیده وی طالقانی واقعه‌گراتر از خمینی است. وینوگرادوف معتقد است که بهشتی با هوش‌ترین و از نظر سیاسی متخصص‌ترین رهبر مذهبی ایران است. وی از بنی‌صدر با استهزاء یاد کرد.
- ۴- روسها معتقدند که خطرناکترین مشکل دولت ایران در شورش کردستان به دلیل اقتصاد راکد این کشور است. سفیر روسیه احساس می‌کند که ایرانیها سعی می‌کنند که مسئله کردستان را با زور و اقتصاد این کشور را با تئوریهای خیالی اسلامی حل کنند که هیچ‌کدام (به نظر وی) به نتیجه نخواهد رسید. اگر چه مسئله کردستان نهایتاً حل خواهد شد، ولی چشم‌انداز واقعی کمبودها، بیکاری و دیگر نابرابریهای جدی اقتصادی منجر به ناراضی طبقه پایین‌تر از خمینی می‌شود. این مسائل که اخیراً شروع شده، چند سال بیشتر دوام نخواهد داشت. وی اظهار تردید کرد که ممکن است عراقیها در مسائل کردها و اعراب ایرانی

دخالت داشته باشند و این نظر را که ممکن است روسیه برای جلوگیری از دخالت عراق در مسائل داخلی ایران اعمال نفوذ نماید رد کرد.

سند شماره (۸۰)

از: مرکز خبری مراقبت اقیانوسی ناوگان در اقیانوس آرام - پرل هاربر سری
به: مجمع گردآوری اطلاعات آمریکا چهار، شش، هشت تاریخ: ۳۱ اکتبر ۷۹ - ۹ آبان ۵۸
گزارش ویژه مرکز خبری مراقبت اقیانوسی ناوگان در اقیانوس آرام (طبقه بندی نشده)
۱- (خیلی محرمانه) اطلاعات زیر حاوی مطالبی است که در آن درباره میزان نیروهای دریایی شوروی در اقیانوس هند سخن رفته است.

۲- (سری) حضور دریایی شوروی در اقیانوس هند در ده سال گذشته از یک نیروی نمایشی کوچک به یک نیروی دائماً در حال گسترشی که سطح ثابت آن حدوداً دارای ۱۸ تا ۱۹ ناو جنگی و کمکی است افزایش یافته است. نقش این نیرو این است که منافع شوروی در منطقه اقیانوس آرام را حراست و حفاظت نماید. به عنوان یکی از وسایل سیاست خارجی شوروی، شویندرون (احتمالاً نام این نیرو است - م) سعی در افزایش اعتبار و نفوذ شوروی داشته و به طور کلی تصویر شوروی را به عنوان یک ابر قدرت خالی از ابهام می نماید. از نظر نظامی، این نیرو دیگر نیروهای دریایی موجود در منطقه را که ممکن است در زمان افزایش تشنج ملزم به برخورد با آنها شود زیر نظر گرفته و درباره آنها اطلاعات جاسوسی گردآوری می نماید. علاوه بر این، امکانات ایجاد کنترل محلی، دخالت در اوضاع محلی و حفاظت از منابع شوروی در منطقه را فراهم می آورد. عملیات عادی این ناوهای جنگی محدود می شود به خلیج عدن و منطقه جنوبی دریای سرخ و حرکات هزار چندی یک بار به سوی خلیج فارس، دریای شمالی عرب و سرزدن به بنادر متعددی از کشورهای واقع در حوزه اقیانوس هند (از قبیل موزامبیک، و سی شل ناوگانهای کوچکتر و ناوهای مین جمع کن معمولاً به عملیات گشتی در تنگه باب المندب می پردازند. در حال حاضر هواپیماهای آب و خاک نشین شوروی نقش تدارکاتی را ایفا می نمایند. اطلاعات حاصله حاکی از آن است که این هواپیماها بین عدن و جمهوری دموکراتیک خلق یمن اعمال تدارکاتی انجام می دهند، تا کشتیهای تجاری شوروی در کمال امنیت به تخلیه کالاهای خود بپردازند و نیز این کار در بنادر اتیوپی، ماساوانا و آسب نیز صورت می گیرد. زیر دریاییهای شوروی نیز گویا ترجیح می دهند که در مناطق عملیاتی خالی از تراکم و باز خلیج شرقی عدن و غرب دریای عرب انجام وظیفه نمایند. گاهی هم جسارت به خرج داده وارد آبهای جنوبی دریای سرخ می شوند. شویندرون برنامه های تمرینی و آموزشی زیادی ندارد و قسمت اعظم اوقات خود را در لنگرگاههای ایجاد شده به وسیله شوروی می گذرانند.

۳- (سری) از سال ۱۹۷۴ سطح نیروی شویندرون از نظر زیر دریایی به تعداد ۴۶۰ روز دریایی ثابت مانده است؛ ناوگانهای جنگی، هواپیماهای آب - خاک نشین، و ناوهای مین جمع کن در سطح تقریبی ۲۱۰۰ روز دریایی حفظ شده است، ولی در ۱۹۷۸ تعداد هواپیماهای آب - خاک نشین از میزان ۴۹۰ روز دریایی تجاوز کرده، دو برابر گردید. این افزایش را مربوط به عقب نشینی شوروی از سومالی و حمایت شوروی از اتیوپی در جنگ علیه سومالی می دانند. در رابطه با این دو واقعه و افزایش عملیات موقت، افزایشی نیز در نیروی دریایی اقیانوس هند و نسبت یک سوم سال قبل انجام گردید. شویندرون

اصولاً مرکب از ناوگان اقیانوس آرام می‌باشد. چنین انتظار می‌رود که شوروی از ناوگان اقیانوس آرام جهت نمایش حضور خود در اقیانوس هند باز هم ادامه دهد و در همان حال از کانال سوئز برای تجدید و افزایش قوا بهره برداری خواهد کرد.

۴- (سری) تعداد روزهای دریایی اسکادران شوروی در اقیانوس هند:

۱۹۷۸	۱۹۷۹	(تا ۳۰ سپتامبر)
۴۶۷	۳۶۵	زیر دریای
۱۴۶۲	۱۴۷۸	ناو جنگی سطح آبی
۱۵۵۵	۸۴۸	آب - خاک نشین / مین جمع کن
۴۹۵۹	۳۴۸۷	کمکی / پشتیبانی

افزایشی که در سطح ناوهای جنگی در ۱۹۷۹ مشاهده می‌شود مربوط به حرکات بین - ناوگانی می‌باشد.

۵- (سری) نقطه اوج افزایش نیروی دریایی شوروی در اقیانوس هند در رابطه با بحرانهای منطقه و نقل و انتقالات بین ناوگانها بوده است. بحرانهای منطقه‌ای مربوطه عبارتند از، خروج شوروی از سومالی، جنگ اتیوپی و سومالی، بحران ایران، برخورد بین جمهوری دموکراتیک خلق یمن و جمهوری عربی یمن، در ماههای تابستان و پاییز ۱۹۷۹ روسها ۷ ناو جنگی و ۲ ناوچه را به اضافه ناومینسک به اقیانوس آرام منتقل نمودند.

۶- (خیلی محرمانه) سطح کنونی نیروی دریایی شوروی در اقیانوس هند (۵ ناو جنگی و ۸ ناوچه) برابر است با میزان نیروی این کشور در زمانهای غیر بحرانی و کمی پایین تر از حالت عادی است. الف: کاهش مربوطه ناشی از خاتمه کار کشتیهایی است که خطر نظامی ندارند (مانند کشتیهای هیدروگرافیک، کشتیهای پشتیبانی هوایی، کشتیهای جمع کننده اجسام شناور). ب: سطح کشتیهایی که خطر نظامی دارند سه رقم از سطح عادی و معمول کمتر شده است. برای این کشتیها (۲ ناو جنگی و یک زیر دریایی) در هنگام زمستان جایگزین فرستاده خواهد شد. ۷- (سری) عواملی که می‌توانند سطح نیروی شوروی در اقیانوس هند را در آینده تغییر دهند عبارتند از:

الف: دسترسی به مراکز پشتیبانی در جزیره ضحک و عدن که باعث می‌شود نیاز به کشتیهای لجستیکی کاهش پیدا کند،
 ب: ناوگان شویندرون از طریق کانال سوئز با ارسال نیروهای موجود در دریای سیاه و مدیترانه می‌تواند افزایش پیدا کند،
 ج: حضور فزاینده شوروی در دریای جنوب چین و نیز دسترسی آن به پایگاههای SRV سبب شده است که این کشور در مواقع لزوم بتواند سریعاً اقیانوس هند را تقویت نماید،
 د: اوضاع نظامی - سیاسی منطقه اقیانوس هند در حال حاضر باثبات است.

سند شماره (۸۱)

تاریخ: ۲ نوامبر ۷۹ - ۱۱ آبان ۵۸
از: سفارت آمریکا در لنینگراد

موضوع: سخنرانان لنینگراد به بحث پیرامون خاورمیانه می‌پردازند

۱- آغاز خلاصه متن: در تاریخ ۱۵ و ۲۸ اکتبر در تالار مرکزی سخنرانی لنینگراد سخنرانان در بحث پیرامون سیاست خارجی به خاورمیانه توجه زیادی معطوف داشتند. آنها سعی داشتند به حضار بقبولانند که سیاست آمریکایی «کمپ دیوید» در حال سقوط است؛ موضوع دولتهای عربی محافظه کار منطقه در حال تغییر است و رهبریت اسلامی در ایران به انقلاب خیانت کرده و «انفجارات» جدید دیگری در پیش است و دیگر اینکه در رابطه با مرگ ترکی در افغانستان معلوم نیست واقعتاً ماجرا چه بوده است. چند اظهار نظر مطروحه فردی نیز قابل توجه است: به طور مثال، سازمان ساف به رهبری عرفات در تلاش است تا به طریقی اسرائیل را به رسمیت بشناسد؛ عربستان سعودی از پیشنهاد ارسال «داوطلبین» مصری به افغانستان استقبال کرده است، و با قرار دادن منابع مالی در اختیار آمریکا سبب شده است که کمکهای نظامی آمریکا به مراکش علیه پولیساریو افزایش یابد و به رئیس جمهوری سودان نمیری فشار زیادی وارد می‌شود تا یا قرارداد کمپ دیوید را حمایت ننماید و یا جنگ داخلی جدید در جنوب سودان را پذیرا شود و دیگر اینکه تا آنجا که به روابط دولتی منحصر می‌شود روابط بین ایران و شوروی حسنه است، فقط عدم صدور گاز این کشور به شوروی خصوصاً برای ارمینها مشکلاتی به وجود آورده است. پایان خلاصه.

۲- سخنرانی پیرامون سیاست خارجی در تالار مرکزی سخنرانی لنینگراد در ۱۵ و ۲۸ اکتبر در برگیرنده چند موضوع خاورمیانه‌ای بود:

- سخنران ۲۸ اکتبر سعی کرد «سیاست کمپ دیوید» را در ورطه «سقوط کامل» مجسم نماید؛ وی مدعی است که پرزیدنت کارتر برای این برنامه خود «یک پایه تجاری مانند» در نظر نگرفته است. در ۱۵ اکتبر یکی از سخنرانان گفت که با کسالت شدید بگین، «ماه عسل» بین مصر و اسرائیل نیز پایان یافته است. - این سخنران در توضیح گفت معادله‌ای صورت گرفته است که در آن «مانورهای» آمریکا سبب «تضعیف دیپلماسی آمریکا» شده است. به طور مثال وی به قطعنامه کانادا، آمریکا، کاستاریکا اشاره کرده که در سازمان ملل پیرامون آن از اعمال اسرائیل در جنوب لبنان با عبارت «غیر ضروری» به نرمی انتقاد کرده است؛ پاسخ آمریکا در رابطه با فشار مصر در رابطه با افزایش هواپیماهای آن کشور چه بوده است و دیگر اینکه چطور آمریکا قانع شده است به اردن تانک بدهد در حالی که این کشور هنوز موضع خود را بر سر قرارداد کمپ دیوید تغییر نداده است. این سخنران با خوشحالی اظهار داشت که شاه حسین پیشنهاد آمریکا را رد کرده و گفته است که در صورت لزوم به شوروی روی خواهد آورد. ولی این سخنران با اعتراف به این که اوضاع «چندان هم ساده نیست» خاطر نشان ساخت که فکر نمی‌کند اردن تهدیدات خود را جامه عمل بپوشاند.

- وقتی که درباره پیام پرزیدنت کارتر به سازمان ساف مبنی بر لزوم به رسمیت شناختن اسرائیل توسط این سازمان سؤال شد، این سخنران در ۱۵ اکتبر پاسخ داد که سازمان ساف در حال تهیه طرحی است که به دنبال آن چنین نتیجه‌ای نیز حاصل خواهد گردید. وی گفت که شوروی به عرفات خاطر نشان ساخته است که همه کشورهای خاورمیانه حتی اسرائیل حق ادامه حیات دارند. در بحث پیرامون فلسطینیها این

سخنران گفت که آنها در میان اعراب پیشرفته‌ترین مردم هستند و «بورژوازی ملی» خود را تشکیل داده‌اند، ولی اذعان داشت که از نظر سوابق ایدئولوژیک مارکسیستی با شوروی موافق نمی‌باشند.

۳- سخنران ۲۸ اکتبر به طور چشمگیری به ضعف دولتهای عربی «به اصطلاح محافظه کار» پرداخت و گفت این ضعفها سبب ازدیاد نگرانی عربستان سعودی شده است.

- به گفته بسیاری ۲۸۰۰۰ سرباز مصری برای سومین سال از نمیری در سودان حفاظت می‌کنند و مصریها در این کشور موقعیتهای مهمی را اشغال کرده‌اند؛ با این وصف در این کشور قیامی پدید آمد که با ارسال یک نیروی نظامی مصری «در نطفه خفه شد»، ولی اکثریت سیاهپوستان سودان در صورتی که این کشور خود را از قرارداد کمپ دیوید کنار نکشند همیشه خطر ایجاد یک جنگ داخلی را به همراه دارند.

- این سخنران گفت برای سومین بار سادات دست به پاکسازی ارتش زده است و در نتیجه ۴۰ افسر را اخراج نموده است.

- وی پیش بینی کرد که حمایت آمریکا از مبارزه مراکش علیه پولیساریو «نتیجه غم‌انگیزی» به دنبال خواهد داشت (پچالنیه ریزولتاتی)، چون مراکش قدرت حمایت از این جنگ غیر مردمی را ندارد. مصر پیشنهاد کرده است که نظامیان این کشور را به مراکش ارسال دارد تا نظامیان مراکشی بتوانند آزادانه با پولیساریو مبارزه نمایند. عربستان سعودی نیز قول داده است که علیرغم قرارداد اجلاس اعراب که در بغداد منعقد شده بود، از نظر مالی مصر را حمایت نماید تا او نیز بتواند تعادل رژیم شاه حسن را حفظ نماید، عربستان سعودی دیون مالی مراکش را در قبال سلاحهای آمریکایی خواهد پرداخت. این سخنران در شگفت است که آمریکا چگونه می‌تواند کمکهای خود به مراکش را توجیه نماید، در حالی که در سازمان ملل و سازمان اتحادیه آفریقایی قرار است مسئله صحرای غربی به فراندوم گذاشته شود. وی مدعی است که پس از حمله پولیساریو به مراکش مردم مراکش به جای حمایت از دولت به حمایت از پولیساریو پرداختند. در این رابطه کمکهای الجزایر به پولیساریو نیز کاملاً مورد تأیید قرار گرفت.

۴- علیرغم عراق پیرامون موفقیتهای شوروی و عدم موفقیتهای آمریکا در خاورمیانه، سخنرانان نتوانستند یأس و بدبینی خود را پیرامون چند مسئله پنهان سازند. سخنران ۱۵ اکتبر در رابطه با سوآلی از وی در رابطه با اتحاد بین عراق و سوریه به طرز جالبی واقعگرایانه و رک گویانه پاسخ داد. این سخنران گفت که اعراب اغلب از اتحاد سخن می‌رانند، ولی هیچ‌گاه نتیجه‌ای عاید نشده است. وی گفت که سوریهها می‌دانند که ورود نظامیان عراق به سوریه جهت کمک به آنها در نبرد با اسرائیل بسیار آسان است، ولی نمی‌دانند که پس از خاتمه کار آنها را چگونه اخراج نمایند.

۵- سخنران ۱۵ اکتبر خیلی سعی داشت در مورد افغانستان از پیشگویی اجتناب ورزد. گرچه حضار از وی سؤال کردند که چه بر سر رئیس جمهور پیشین ترکی آمده است، وی گفت متأسفانه این تغییر خالی از خونریزی نبوده است، ولی از نظر افرادی در سطح او معلوم نیست چه واقعه‌ای رخ داده است. در یک مرحله از سخنرانی وی که از عدم ثبات عربستان سعودی در ضدیت با کمپ دیوید سخن می‌گفت، ناگهان به انتقاد از عربستان سعودی که قول حمایت از مصر را در ارسال نیروی داوطلب به افغانستان داده بود پرداخت.

۶- سخنران ۱۵ اکتبر درباره افغانستان خیلی پرحرفی کرد. او ایران و پاکستان را متهم کرد که به تعویق

انقلاب در افغانستان دست زده‌اند تا کشورهای خودشان از افغانستان پیروی ننمایند. این سخنران تعبیرات مختلفی را درباره دلیل جایگزینی ترکی توسط امین ارائه داد و اظهار داشت که غرب امیدوار است امین قدری تفاوت داشته باشد، چون در آمریکا تحصیل کرده است. وی خاطر نشان ساخت که نیروهای «ضد انقلابی» بسیار نیرومند شده‌اند. وی گفت که رژیم امین با مداخله خارجی، جنگ افزارها و مشکلات دیگر رو به رو است. وی اذعان داشت که ترکی احتمالاً خیلی تندروی کرده و رهبریت اسلامی را در کشوری که ۹۰ درصد آنها مؤمن هستند از خود بیگانه کرده است. در پاسخ به سؤالی که پیرامون حزب کمونیست افغانستان شده بود، این سخنگو اظهار داشت که رهبریت کمونیست است و وی اخیراً با یک هیئت نمایندگی جوانان کمونیست افغان ملاقاتی داشته است و در انتها به طور خلاصه گفت «پس چه شده است؟ هیچ، نیرومندترها قدرت را به دست گرفته‌اند، همین».

۷- مهمترین گزارشی که درباره خاورمیانه در سخنرانیهای لنینگراد ارائه شد، درباره ایران بود که حاکی از یأس فزاینده شوروی می‌باشد. در سطح روابط دولتی به گفته سخنران ۱۵ اکتبر روابط «حسنة» است، ولی این سخنران اذعان داشت که ایران به تجدید ارسال ۲۰ درصد از صادرات گاز خود که بر طبق قرارداد باید به شوروی وارد شود نپرداخته است؛ وی در دنباله گفت که این توقف در صدور گاز به شوروی ارمنیها را بیشتر دچار ناراحتی کرده است.

۸- اظهارات دیگر این سخنران درباره ایران، نشان داد که روابط چندان هم «رضایت‌بخش» نبوده است. بنابه گفته سخنران ۱۵ اکتبر انقلاب ایران دارای دو جنبه ضدکمونیستی و ضدامپریالیستی است. سخنران به پیام حزب توده اشاره کرد که اعلام داشته بود انقلاب را باید تا سر حد «پیروزی نهایی» ادامه داد. او درباره نیاز به یک انقلاب دوم در رابطه با اهداف آزادی و کامیابی سخن گفت (او خاطر نشان ساخت که ۴ میلیون نفر بیکار که در برگیرنده بسیاری از روشنفکران نیز می‌باشد در ایران وجود دارد) و درست است که خمینی عظیم‌ترین قدرت را در دست دارد، ولی از احترام او دائماً کاسته می‌شود و رهبریت اسلامی که در حال حاضر در حال اداره کشور است، دیگر قادر به ادامه راه نخواهد بود. در پاسخ به یکی از حضار، سخنران گفت که معاهده ۱۹۲۱ هنوز هم به قوت خود باقی است، ولی مداخله شوروی در صورتی امکان خواهد داشت که کشور دیگری قصد مداخله نظامی داشته باشد (که البته این جواب توسط یکی از حاضرین که در ردیف جلو نشسته بود مورد تردید قرار گرفت).

۹- سخنران ۲۸ اکتبر حتی پیش از سخنران قبل دچار یأس و بدبینی شده بود، چون در رابطه با وقایع اخیر ایران اعلام داشته بود که اوضاع «بسیار بحرانی است» چون «ارتجاع» کنترل خود بر کشور را کامل کرده است.

روحانیون اسلامی به کمک «پیشرفته‌ترین اقشار» جامعه به قدرت رسیدند، ولی اکنون مردم بسیار مأیوس شده‌اند و تنها هشت درصد به قانون اساسی جدید رأی داده‌اند. سخنران رهبریت کنونی را متهم به چند کار کرده است که عبارتند از: خیانت به فلسطینیهایی که در ایران هستند؛ فروش نفت به اسرائیل از طریق واسطه‌گری یک شرکت انگلیسی؛ بی‌تفاوتی این رژیم نسبت به حضور شاه در آمریکا به این دلیل که بسیاری از شخصیت‌های این رهبریت از «حامیان آمریکا» و نیز از اعضای سابق سازمان ساواک شاه می‌باشند.

۱۰- از سخنران ۲۸ اکتبر خواسته شد که درباره مسئله کردستان سخن بگوید. وی گفت کردها خواهان

خودمختاری ملی در یک ایران دموکراتیک هستند، ولی «تغییرات» سبب شد که رژیم ایران به چپها بخصوص حزب توده حمله نماید؛ در اینجا کردها به مطرح کردن این سؤال پرداختند که «آیا در دولتی این چنین متعصب از نظر مذهبی» خودمختاری اصولاً می‌تواند وجود داشته باشد. «تا به حال کردها از خود صبر و استقامت بسیار نشان داده‌اند» (استویکی).

سخنران ۱۵ اکتبر از اینکه خمینی مسؤولیت عصیان کردها را متوجه شوروی می‌داند، چون آنها چند سلاح روسی داشته‌اند در حالی که همه نوع سلاح در دسترس آنها قرار داشته، با لحنی انتقادآمیز یاد کرد. ۱۱- سخنران ۲۸ اکتبر با تغییر لحن سعی کرد از ایران کشوری مهاجم و توسعه طلب بسازد. وی ادعا کرد که «مذهب همیشه یک نیروی تهاجمی است». ایران نه تنها در موضوع افغانستان مداخله می‌کند، بلکه عربستان سعودی و عراق هم از ادعای باز پس خواهی جزیره بحرین توسط ایران دچار نگرانی شده‌اند. ۱۲- این سخنران در خاتمه گفت که آمریکا این نیروهای تفرقه‌گر در خاورمیانه را زیر نظر داشته از آنها بهره‌برداری می‌نماید و اوضاع به یک نقطه بحرانی در تاریخ رسیده است (اولستری). سخنران در خاتمه اظهار امیدواری کرد که بنا به منطق تاریخ برای اعراب بهتر است که به سوی شوروی بازگردند. در رابطه با ایران وی پیش‌بینی کرد که «واضح است که انفجاری در راه می‌باشد» (همین عبارت به لهجه روسی هم نوشته شده).
بوچانان

کتاب پنجاهم

شوروی
«شرق تجاوزگر»
بخش دوم (۱)

سند شماره (۱)

گزارش اطلاعاتی

ژوئیه ۱۹۷۶ - مرداد ۱۳۵۵

نگرشی بر صنعت نفت و گاز شوروی

احتمالاً شوروی نخواهد توانست در سال ۱۹۸۰ به هدف خود در تولید نفت که همانا تولید به میزان ۱۲/۸ - ۱۲/۴ میلیون بشکه در روز است نائل آید. در حوزه‌های غرب سیبری که منشأ تمام طرحها در زمینه افزایش تولید است، به این علت که نمی‌توان از صنایع مورد لزوم به موقع بهره‌برداری نمود، در تولید نفت نقصانی به میزان ۵ درصد تا ۸ درصد به وجود خواهد آمد. برای جبران این کمبود، شوروی ممکن است میزان مصرف نفت را پایین بیاورد. به پیشنهاد بعضی از مقامات، اگر بتوان در سالهای ۱۹۸۰ در سطح مصرف سالانه ۵ درصد کاهش ایجاد نمود، در حالی که میزان این کاهش در سالهای قبل حدود ۷ تا ۷/۵ درصد بوده است، شوروی خواهد توانست با استفاده از حوزه‌های نفتی خود نیاز داخلی را تأمین کرده، نفت بیشتری را به اروپای شرقی ارسال نماید و به میزان کنونی نیز به غرب نفت بفروشد. ولی اگر نتوان در رشد مصرف کاهشی ایجاد کرد، شوروی مجبور خواهد بود یا میزان صدور نفت به اروپای شرقی و غربی را افزایش دهد یا از طریق اوپک نفت بیشتری را وارد نماید.

اهداف شوروی در زمینه تولید گاز در سال ۱۹۸۰ - یعنی بین ۱۰۹۳ تا ۱۱۸۸ میلیون متر مکعب در روز - نیز حاکی از خوش بینی بیش از حد است. به علت مشکلاتی که در ایجاد خط لوله مناسب وجود دارد، احتمالاً حدود ۳ درصد تا ۱۰ درصد در این زمینه نیز کاهشی در تولید به وجود خواهد آمد. کاهش این گونه‌ای احتمالاً سبب خواهد شد که شوروی نتواند به وظایف خود در زمینه صدور گاز و مصرف داخلی عمل نماید. لیکن گامهایی به منظور انجام این وظایف از هم اکنون برداشته شده است. هر گونه تخفیف در میزان صدور گاز به غرب معادل از دست رفتن مقدار زیادی ارز خارجی است، که شوروی سعی دارد از آن هم اجتناب ورزد. به منظور جبران این کمبود پیش‌بینی نشده و ادامه‌دار صدور گاز، شوروی احتمالاً از ایران و افغانستان مقداری گاز وارد خواهد کرد. علاوه بر این در سالهای ۸۰ - ۱۹۷۶ از زغال سنگ به جای گاز در صنایع استفاده خواهد شد. ولی توسل به این گونه منابع جایگزین عملی تدریجی است. کمبود تولید لوله و تجهیزات خط لوله داخلی و وابستگی روزافزون به واردات و نیز مشکلات حل نشده‌ای که در رابطه با برنامه ۱۰ ساله وجود دارد، احتمالاً سبب خواهد شد که برنامه ساختمان خط لوله عظیم این کشور به اتمام نرسد.

شوروی مهمترین تولیدکننده نفت خام در جهان و بعد از آمریکا دومین تولیدکننده گاز طبیعی با استفاده از تجهیزات و تکنولوژی داخلی است و فقط در زمینه واردات خط لوله و تجهیزات مربوط به خطوط لوله از نقاط دیگر کمک می‌گیرد. لیکن اگر شوروی مایل باشد که در افزایش تولید نفت در سالهای ۱۹۸۰ نیز تداوم وجود داشته باشد، در دهمین برنامه پنج‌ساله (۸۰ - ۱۹۷۶) خود، شوروی به تکنولوژی و تجهیزات غرب باید متوسل شود تا بتواند به کشف و بهره‌برداری از منابع نفتی جدید در سیبری و دریاهای قطبی پردازد. البته مشکل شوروی در زمینه واردات تکنولوژی و تجهیزات غربی تقریباً لاینحل است چون سازندگان غربی توانایی عرضه آنها را ندارند و شوروی نیز نمی‌تواند در ازای آنها ارز مورد قبول بین‌المللی را بپردازد و یا ترتیب یک معامله پایاپای را بدهد. گرچه در صنعت نفت شوروی خرید تجهیزات خارجی دارای اولویت می‌باشد، ولی در پاییز ۱۹۷۵ بعلت کمبود ارز معتبر از ۲۵ پروژه پیشنهادی ۱۲ تای

آن به تأخیر افتاد.

عملکرد کنونی

۱- صنعت نفت شوروی در ۱۵ سال گذشته رشد چشمگیری داشته است. از سال ۱۹۷۴، شوروی مهمترین تولیدکننده نفت خام و پس از آمریکا دومین تولیدکننده گاز طبیعی بوده است. در سال ۱۹۷۵ تولید نفت به میزان ۹/۸ میلیون بشکه در روز و تولید گاز طبیعی به سطح ۷۹۳ میلیون متر مکعب در روز رسید (به جدول ضمیمه ت نگاه کنید). در سالهای ۷۵ - ۱۹۶۱ تولید نفت سالانه به میزان ۸/۳ درصد و تولید گاز طبیعی سالانه به میزان ۱۳/۱ درصد افزایش یافت. سهم نفت و گاز شوروی در سال ۱۹۶۵ از ۵۰ درصد تولید و ۴۶ درصد مصرف به ۶۴ درصد تولید و ۶۰ درصد مصرف در سال ۱۹۷۵ افزایش یافت (به جدول ۲ ضمیمه ت نگاه کنید).

۲- بجز در مورد خط لوله، شوروی توانست با استفاده از تجهیزات و تکنولوژی نفتی خود به درجه اهمیت کنونی دست پیدا کند. لیکن در سالهای اخیر شوروی به منظور بالا بردن ظرفیت و تواناییهای فنی خود به خرید تجهیزات و تکنولوژی غرب در زمینه نفت و گاز همت ورزیده است. در سالهای ۷۵ - ۱۹۷۲ میزان این خریدها معادل ۱/۳ میلیارد دلار گردید، که ۲۲۶ میلیون دلار آن به آمریکا رسید.

۳- شوروی یکی از صادرکنندگان عمده نفت است و در آینده نزدیک در زمینه صدور گاز نیز همین نقش را ایفا خواهد کرد. صدور نفت در سال ۱۹۷۵ به میزان ۲/۶ میلیون بشکه در روز انجام می شد که حدود ۱/۵۵ میلیون بشکه آن در روز به کشورهای کمونیستی، بخصوص اروپای شرقی و حدود ۱/۰۵ میلیون بشکه آن هر روز به غرب صادر می گشت. (به جدول ۲ ضمیمه ت نگاه کنید). از طریق همین صدور نفت به غرب شوروی مهمترین و بیشترین مقدار ارز خارجی خود را که در سال ۱۹۷۴ حدود ۲/۶ میلیارد دلار و در سال ۱۹۷۵ بالغ بر ۳/۲ میلیارد دلار می شد، بدست آورد.

۴- قبل از افزایش چشمگیر قیمت نفت اوپک در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ شوروی نفت خود را به قیمت نفت اوپک به غرب می فروخت. برای نفتی که به اروپای شرقی صادر می کرد معمولاً بیش از آن دریافت می نمود. ولی پس از چهار برابر شدن قیمت نفت اوپک در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ وضع فرق کرد. شوروی با مشتریان غربی خود نیز همین کار را کرد ولی در رابطه با اروپای شرقی که قیمت نفت صادراتی برای آنها بر اساس قراردادهای برنامه ۷۵ - ۱۹۷۱ تعیین می گردید قیمتها را فقط مقداری بالا برد و در سال ۱۹۷۴ هر بشکه نفت را فقط به مبلغ کمتر از ۳ دلار به آنها می فروخت. لیکن در اوایل سال ۱۹۷۵، شوروی با دیگر شرکای خود در شورای کمکهای دوجانبه اقتصادی مذاکره نمود و قیمت نفت را برای مشتریان اروپای شرقی خود به میزان ۷ دلار برای هر بشکه بالا برد که با وجود این از قیمت ۱۰/۵۰ دلاری اوپک نیز کمتر است. در همان حال مسکو فرمولی را به وجود آورد و بر اساس رشد قیمت نفت جهان در ۵ سال گذشته، خواستار آن شد که سالانه در قیمت نفت تجدید نظر گردد. ولی شوروی به منظور بدست آوردن ارز خارجی بیشتر در صدور نفت خود به غرب از سیاستهای قیمت گذاری اوپک دنباله روی خواهد کرد.

۵- بخش اعظم نفت خام صادراتی شوروی در سالهای اخیر از حوزه های وسیع قدیمتر اورالز - ولگا - روماشکینو، موخونوفو، توی مازی، آرلان - بدست می آمد که از نظر کیفیت مشابه نفت خام متوسط

عربستان سعودی و ایران است. این نفت خام معمولاً دارای ترکیبات نفت فرار و پارافین بود و از جاذبه ۳۵ - ۳۲ درجه برخوردار است. حدود ۱/۸ ۱/۲ درصد سولفور دارد و می‌توان آن را در پالایشگاههای مخصوص نفت خاورمیانه تصفیه نمود. در سالهای اخیر، تولید نفت در غرب سبیری افزایش بسیار یافته است، و این نفت خام (جاذبه ۳۵ - ۳۴ و - محتوای سولفوری آن زیر یک درصد است) را با نفت اورالز - ولگا ترکیب می‌کنند تا برای استفاده داخل و نیز صادرات از آن بهره‌برداری شود.

۶- لیکن در سالهای اخیر برخلاف افزایش تولیدی در زمینه منابع جدید نفتی کشفیاتی صورت نگرفته است. در نتیجه برای جلوگیری از تخلیه سریع حوزه‌های نفتی قدیمی تلاش بسیار به کار برده‌اند تا به منابع جدید دست یابند. حوزه‌های اصلی منطقه اورالز - ولگا که به افزایش سریع تولید در سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ کمک زیادی نمود در حال اتمام است. از این منطقه تنها با استفاده از آبشویی بسیار و پمپهای شناور وارداتی و بهره‌برداری از حوزه‌های کوچکتر و عمیقتری که از نظر اقتصادی نیز مقرون به صرفه نیست، نفت تولید می‌گردد. تقریباً کل افزایشی که در تولید در دو سال گذشته دیده شد، از منطقه غرب سبیری برداشت شده است. در سال ۱۹۷۵، این منطقه ۲/۹۶ میلیون بشکه نفت در روز به دست می‌داد که حدود ۳۰٪ کلی نفت تولیدی در شوروی است. برای اطلاعات بیشتر به ضمیمه الف مراجعه نمایید.

مشکلات و مسائل مربوط به ۸۰ - ۱۹۷۶

نفت

۷- طرحهای شوروی برای تولید ۱۲/۸-۱۲/۴ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۰ حاکی از خوشبینی بسیار است. موفقیت در رسیدن به هدفهای دهمین برنامه پنج‌ساله (۸۰ - ۱۹۷۶) اصولاً بسته به ایجاد حوزه‌های جدید نفتی در غرب سبیری و ایجاد بهبود در تکنولوژی حوزه‌های نفتی است، که شوروی ظاهراً نمی‌تواند هیچ‌یک از این کارها را انجام دهد. در سال ۱۹۸۰ تولید به میزان ۱۱/۸ میلیون بشکه در روز خواهد رسید که حدود ۵ درصد تا ۸ درصد کمتر از اهداف تعیین شده و حدود بیش از ۳ درصد کاهش تولید در رابطه با سال ۱۹۷۵ می‌باشد.

۸- شوروی می‌تواند با کاهش مصرف نفت همان‌گونه که در طرحها پیش‌بینی شده این کمبود را جبران نماید. یکی از گامهای منطقی در این زمینه استفاده از زغال سنگ به جای نفت در صنایع عظیم مصرف کننده نفت از قبیل نیروگاههای حرارتی است. در صورتی که در سالهای ۱۹۸۰ بتوانند میزان مصرف را ۵ درصد کاهش دهند، در حالی که در سالهای قبل، از میزان ۷/۵ - ۷ درصد کاهش استفاده می‌کرده‌اند، می‌توان انتظار داشت که تولید کنونی نیاز داخلی را تأمین کرده، علاوه بر آن در صدور نفت به اروپای شرقی افزایش ایجاد کرده و ادامه فروش نفت به میزان کنونی به غرب را نیز ممکن سازد.

۹- لیکن اگر شوروی نتواند میزان مصرف را به مقدار یاد شده پایین بیاورد، مجبور است یا در صدور نفت به اروپای شرقی و اروپای غربی کاهش به وجود بیاورد و یا مقدار بیشتری از نفت اوپک را خریداری و وارد نماید. شوروی سعی می‌کند قسمت اصلی نفت اروپای شرقی را خود تأمین نماید و نیاز آن کشور به ارز خارجی مانع از کاهش فروش نفت به غرب است. چون این کشور برای خریدهای مستقیم خود احتیاج به ارز خارجی دارد. لذا انتظار می‌رود که نفت اوپک را به صورت پایاپای و شاید در عوض تجهیزات نظامی خریداری نماید. (به جدول ۳ ضمیمه ت نگاه کنید)

۱۰- شوروی در نظر دارد کل افزایش تولید خود را از طریق غرب سیبری تأمین نماید، یعنی تولید را از ۲/۶ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۵ به ۶ تا ۶/۲ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۰ برساند و حدود نیمی از تولید کلی خود را از آن منطقه استخراج نماید.

این میزان خیلی بالاتر از میزان ۴/۶ تا ۵/۲ میلیون بشکه‌ای است که قبلاً برای سال ۱۹۸۰ در نظر گرفته شده بود. اطلاعات موجود شوروی در زمینه حوزه‌های غرب سیبری حکایت از آن دارد که تولید نفت در آنجا با برداشت ۵/۷ میلیون بشکه در روز به اوج تولیدی خود خواهد رسید. البته بعضی از آنها در حال حاضر به اوج تولیدی خود رسیده است و دیگر حوزه‌ها نیز قبل یا بعد از ۱۹۸۰ به نقطه اوج خواهند رسید و با وجود اینکه حوزه‌های جدیدتری در غرب سیبری کشف شده‌اند، ولی هیچ‌یک از آنها به عظمت حوزه نفتی ساموتلور که حدود ۲/۲ تا ۲/۴ میلیون بشکه در روز ظرفیت تولیدی دارد، نیستند. در اواخر ۱۹۷۵، مقامات صنعتی اظهار داشتند که غرب سیبری در سال ۱۹۸۰ فقط استعداد تولیدی ۴/۶ تا ۵/۲ میلیون بشکه در روز را داراست ولی منطقی‌ترین میزان استعداد این منطقه، حد وسط این دو رقم یاد شده است.

۱۱- میزان تولید در غرب سیبری ممکن است به این دلیل بالا در نظر گرفته شده باشد که طراحان شوروی متوجه شده‌اند که تعدادی از حوزه‌های مهم نفتی اورالز - ولگا در حال تخلیه سریع است و نمی‌توان در آینده نیز به میزان کنونی از این حوزه مولد عظیم بهره‌برداری نمود. و.د. شاشین وزیر صنعت نفت شوروی با بیان این موضوع که تولید جدید در هر یک از ۵ سال آتی باید به میزان ۲ میلیون بشکه در روز انجام شود و دو سوم این مقدار برای جبران بهبودهای پیش‌بینی نشده است، این مسئله را دریافته است.

۱۲- برنامه شوروی همچنین خواستار بهبود بیشتر در زمینه بهره‌برداری، توسعه، تکنولوژی و تجهیزات مربوط به حمل و نقل است. در گذشته این برنامه‌ها با موفقیت چندانی همراه نبوده و آینده آن هم چندان امیدوارکننده نیست.

۱۳- نقصان موجود در میزان کشفیات ذخایر نفتی جدید در آمار حفاریهای شوروی منعکس گردیده است (به جدول ۴ ضمیمه نگاه کنید) و حاکی از آن است که در روند حفاریهای اکتشافی در اواخر سالهای ۱۹۶۰ تغییر به وجود آمده است. در سالهای ۷۴-۱۹۷۰ کل حفاریهایی که انجام گرفت در جهت توسعه حوزه‌های قبلی و به منظور بالا بردن تولید بود. لیکن در دهه قبل حفاریهای اکتشافی، نیمی از کل حفاریها را تشکیل داد. در اوایل ۱۹۷۲ شاشین اظهار داشت که بعد از سال ۱۹۷۵ تنها به یک وسیله می‌توان صنعت نفت را گسترش بخشید و آن هم در صورتی است که بتوان حوزه‌های نفتی جدید بزرگتر از حوزه‌های غرب سیبری را کشف نمود. مقامات شوروی معتقدند که همزمان با افزایش نیاز به سوخت مایع، جریان نفت تویمان در پنج یا شش سال آینده کاهش خواهد یافت. به همین دلیل طرحهایی در دست اجراست تا از طریق آنها به اکتشافات وسیع در سیبری شرقی در سالهای ۸۰-۱۹۷۶ بتوان دست زد.

۱۴- با در نظر گرفتن آب و هوا، مشکلات لجستیکی بیشتر از غرب سیبری، اوضاع زمین‌شناسی بسیار پیچیده و فقدان تجهیزات ژئوفیزیک لازم، نمی‌توان انتظار داشت که شرق سیبری بتواند کمک مهمی در عرضه نفت ملی تا قبل از اواسط سالهای ۱۹۸۰ بنماید.

جستجو برای بهره‌برداری از منابع نفتی سواحل سیبری نیز تنها با توسل به تجهیزات و تکنولوژی

غربی امکان پذیر است. شوروی نیز وسایل ژئوفیزیکی پیچیده از قبیل تجهیزات زلزله سنجی و واحدهای کامپیوتری دیجیتالی را که در غرب معمولاً استفاده می شد، در اختیار ندارد. شوروی بدون این تجهیزات نمی تواند نقشه این منابع را بدست آورد. در حالی که اکتشافات به عمق ۳۰۰۰ متری رسیده است نوعی عدم توانایی برای شوروی به وجود آمده است. مته های ضعیف حفاری، کمبود لوله و دکلهای مخصوص حفاری، و پمپهای ضعیف مخصوص بیرون کشیدن گل و لای نیز به عدم کارایی این عملیات کمک می کند. توربومته های استاندارد شوروی که بهترین وسیله برای حفر چاههای کم عمق در مناطق صخره ای شبیه به اورالز - ولگاست، برای حفر چاههای عمیقتر از ۲۵۰۰ متر فاقد کارایی است.

۱۵- بنا بر این، تجارب شوروی در خارج از سواحل محدود به استفاده از آبهای نسبتاً کم عمق دریای خزر و دریای سیاه است که در آنها با استفاده از «جزایر ساخت انسان» به این کار مبادرت ورزیده می شود. شوروی تنها چهار سکوی شناور مخصوص حفاری در دریاها دارد که همه آنها در دریای خزر واقع شده است و فقط یکی از آنها قادر است در آبهایی به عمق ۹۰ متر به حفاری مبادرت ورزد. برای اینکه شوروی بتواند وارد آبهای عمیقتر خزر و دریاهای قطبی و یا دریای اوخوتسک در کناره ساخالین بشود، نیاز به تجربه و تکنولوژی و تجهیزات غربی دارد. حتی با یاری گرفتن از این امکانات نیز نمی توان قبل از سال ۱۹۸۰ چاه نفت جدیدی حفر نمود.

گاز طبیعی

۱۶- طرحهای تولیدی شوروی برای سالهای ۸۰-۱۹۷۶ در زمینه گاز طبیعی نیز احتمالاً تحقق پذیر نخواهد بود و باید از همان میزان دهه قبل استفاده نماید. به منظور تولید ۱۰۹۳ تا ۱۱۸۸ میلیون متر مکعب گاز طبیعی در روز در سال ۱۹۸۰ باید به برداشت سریع از حوزه های گازی غرب سیبری پرداخته شود و این کار هم نیاز به پیشرفت و بهبود مهم در تکنولوژی خط لوله و تولید گاز طبیعی و ایجاد تجهیزات دارای کارایی بسیار دارد که هیچ یک از آنها در حال حاضر مقدور نیست.

وقفه ای که در ساختمان خط لوله پدید آمد، ناشی از کمبود لوله های بسیار قطور و تجهیزات کمکی بوده است که در سال ۱۹۷۵ سبب ۱۰ درصد کاهش در میزان تولید گاز گردید. با در نظر گرفتن این مشکلات نمی توان انتظار داشت که حجم تولید به یک میلیارد متر مکعب در ۱۹۸۰ برسد و حدود ۳ تا ۱۰ درصد کمتر از میزان برنامه ریزی و پیش بینی شده خواهد بود (به جدول ۵ ضمیمه ت در زمینه عرضه گاز و برآورد تقاضا توجه کنید).

۱۷- دهمین برنامه پنج ساله (۸۰-۱۹۷۶) خواستار ایجاد ۳۵۰۰۰ کیلومتر خط لوله گازی است. این رقم ۲۰۰۰ کیلومتر بیش از نیاز برنامه پنج ساله ۷۵-۱۹۷۱ است که در آن زمان نیز ۱۰۰۰ کیلومتر از خط لوله پیش بینی شده کامل نشد. در بخش اعظم این خط لوله به لوله های بسیار قطور و پر ظرفیت که بتواند تحت فشارهای جوی ۷۵ درجه عمل نماید و گاز را از حوزه هایی که قرار است در غرب سیبری کومی و اونبرگ اوبلاست در اورالز گرفته و توزیع نماید، احتیاج است. بخش عمده این لوله ها، شیرها و کمپرسورها را باید از غرب وارد کنند و در ازای آن یا باید ارز قابل قبول خارجی بپردازند و یا در ازای تحویل گاز شوروی در آینده، آنها را تهیه نمایند.

۱۸- بخش اعظم حوزه های گازی جدید و ساختمان خط لوله مربوط به آن در تویمان اوبلاست غرب

سیبری متمرکز خواهد شد که لایه زیرین زمین در آنجا همیشه یخزده است و قرار است در این منطقه مهمترین منطقه تولیدی تجاری یورنگوی، یعنی عظیمترین حوزه گازی جهان در سال ۱۹۷۸ ایجاد شود. تلاش روسها برای ایجاد تجهیزات و تکنولوژی بهتر برای مقابله با مشکلات این منطقه با موفقیت چندانی توأم نبوده است و گمان نمی‌رود که بتوان از این طریق به اهداف تعیین شده برای سال ۱۹۸۰ نیز دست یافت.

نیاز به تجهیزات و محدودیت ارز خارجی

۱۹- با وجود اینکه تجهیزات و تکنولوژی غربی در رابطه با حمل و نقل خطوط لوله و گاز و نفت مهمترین واردات این کشور بوده است، احتمالاً با استفاده از ۲۰۰ - ۱۵۰ میلیون دلار تجهیزات نفتی و گازی دیگر شوروی خواهد توانست به تولید در این حوزه‌ها بپردازد. آن قسمت از تجهیزات آمریکایی که می‌تواند سریعترین و مؤثرترین کمک را در این زمینه به شوروی بنماید عبارتند از: متنهاهای حفاری، برنامه‌های حفاری آبی، پمپهای شناور چاههای نفت، تجهیزات چند بخشی، تجهیزات چرخانلوله‌های حفاری و چهار دکل. (در ضمیمه ب در باره این تجهیزات و نحوه کمک آنان به شوروی سخن رفته است) به همراه این تجهیزات و تکنولوژی لازم است که تکنسینهای غربی و شرکتهای خارجی نیز به آنجا اعزام شوند تا نحوه کاربرد ابزار را در محل نشان دهند. چون شورویها خوششان نمی‌آید که تکنسینهای خارجی را وارد حوزه‌های خود بنمایند. از تجهیزات وارداتی استفاده مؤثر نیز نمی‌شود.

۲۰- آن دسته از وزارتخانه‌های شوروی که به تولید کالاهای صادراتی از قبیل نفت مشغول هستند، خواستار اختصاص یافتن هزینه‌ای برای خرید تجهیزات و تکنولوژی خارجی شده‌اند. بنابه گزارشهای رسیده علیرغم این اولویتهای مهم در پاییز ۱۹۷۵، رهبریت شوروی از ۲۵ پروژه مهم، ۱۲ تای آنها را به تعویق انداخت و دلیل آن هم این بوده است که در مورد موازنه پرداختهای شوروی در زمینه ارز خارجی اطمینان زیاد وجود ندارد. به علت کمبود ارز خارجی در ماههای اخیر شوروی از کارخانه‌های آمریکایی خواسته است که در تحویل پمپهای شناور نفتی و تجهیزات مربوط به تولید گاز تا سال ۱۹۷۶ تأخیر نمایند و هزینه لازم را در سال ۱۹۷۷ دریافت نمایند.

۲۱- افزایش قیمتها نیز در این زمینه نقش داشته است. مثلاً در مذاکراتی که در دو تا سه سال گذشته با یک شرکت آمریکایی در مورد ایجاد یک کارخانه سازنده وسائل حفاری انجام گرفته بود، روسها با تمام جنبه‌های فنی این کارخانه موافقت کردند. لیکن به خاطر بالا رفتن هزینه تجهیزات آمریکایی قیمت این پروژه از ۱۵۰ میلیون به ۴۰۰ میلیون دلار افزایش پیدا کرد و روسها در ژانویه ۱۹۷۶ اعلام داشتند که قیمت کنونی بسیار گران است و از شرکت آمریکایی خواستند که وسیله ارزانتری را در اختیار آنها قرار دهد.

۲۲- سهم آمریکا در رابطه با واردات تجهیزات فنی غربی تاکنون زیاد نشده است ولی با مذاکراتی که در حال انجام است و در صورتی که شوروی از نظر ارز خارجی دچار محدودیت نباشد، میزان فروش اینگونه تجهیزات توسط آمریکا در چند سال آینده سر به آسمان خواهد زد.

مذاکراتی بر سر ایجاد کارخانه‌های حاضر بکار آمریکا در شوروی جهت تولید تجهیزات حفر چاههای نفتی دریایی (۲۵۰ میلیون دلار)، شیرهای تویی (۳۰۰ میلیون دلار)، و پمپهای شناور نفتی

(۱۰۰ میلیون دلار) در حال انجام است. علاوه بر این ممکن است شوروی آمادگی خود را برای خرید توربین، کمپرسور و تجهیزات کمکی ایستگاههای کمپرسور خط لوله گازی ۲۷۵۰ کیلومتری اورنبرگ (در جنوب کوههای اورال) به مرز غربی روسیه که معادل ۱/۳ میلیارد دلار می‌باشد، از کارخانه‌های آمریکایی اعلام دارد. شرکتهای آمریکایی برای شرکت در ایجاد تسهیلات ساختمانی برای به وجود آوردن سکوهای شناور دریایی حفاری و در اختیار قرار دادن چند سکوی نیمه شناور حفاری و یا کشتیهای مخصوص حفاری، مشغول مذاکره هستند. هزینه لازم برای همه این معاملات بیش از یک میلیارد دلار خواهد بود.

۲۳- برای همکاری در توسعه حوزه‌های گازی سیبری و صدور گاز طبیعی مایع به شرکتهای آمریکا، اروپای غربی و ژاپنی پیشنهادهای داده شده است که در صورت توافق به مقدار زیادی تجهیزات و تکنولوژی غربی نیاز خواهد بود. (ضمیمه پ را در مورد جزئیات این پیشنهادات مطالعه کنید.)

تأثیر تولید اضافی بر عرضه و تقاضا

۲۴- برای توسعه سریعتر حوزه‌های گازی و نفتی کشف شده غرب سیبری که هنوز مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است، تجهیزات و فنون غربی مورد نیاز است. استفاده وسیع از پمپهای شناور در حوزه‌های قدیمی و جدید سبب می‌شود که جریان این منابع به میزان کنونی مدتی بیشتر ادامه داشته باشد. تجهیزات و تکنولوژی غربی برای کشف و بهره‌برداری، بخصوص در حوزه‌های سیبری شرقی و بخش خاور دور روسیه و دریاهای قطبی بسیار ضروری و مورد لزوم است. برای یافتن منابع جدید نفتی و افزایش تولید در سالهای ۱۹۸۰ باید این اکتشافات صورت گیرد.

۲۵- قسمت اعظم افزایش تولید نفتی در چند سال آینده با استفاده از تجهیزات و تکنولوژی وارداتی غرب، به غرب صادر خواهد شد تا میزان ارزش خارجی دریافتی شوروی بالا برود. با پیشنهاد وزیر صنعت نفت، شاشین، برای افزایش قیمت نفت در داخل می‌توان دریافت که شوروی در تلاش است تا میزان مصرف داخلی را پایین بیاورد. علاوه بر این نخست وزیر کاسیگین، در بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست شوروی اعلام کرد که قسمت اعظم افزایش تولید نفت در سالهای ۸۰-۱۹۷۶ برای برآورده ساختن «نیازهای تکنولوژیکی» استفاده خواهد شد و برای تأمین نیازهای داخلی باید از زغال سنگ، نیروی هیدروالکتریک و نیروی هسته‌ای بیشتر استفاده نمود. گرچه بخش حمل و نقل اقتصاد به مقدار زیادی بنزین و گازوئیل احتیاج خواهد داشت، چون تولید کامیون و اتومبیل افزایش پیدا کرده است، استفاده از نفت در امور صنعتی زیاد خواهد شد و تقاضای روزافزون صنعت شیمیایی، بهره‌برداری زیاد نفت و گاز را برای ساختن مواد پتروشیمی اجتناب‌ناپذیر خواهد نمود.

۲۶- اگر تجهیزات و تکنولوژی غرب میزان تولید گاز طبیعی را افزایش دهد، قسمت اعظم آن احتمالاً به وسیله بازار داخلی جذب خواهد شد، چون صدور این گاز بر اساس قراردادهای طویل‌مدت صورت می‌گیرد و بازار مورد نیاز اروپای شرقی نیز تا چند سال اشباع شده است. علاوه بر این قرار است اروپای شرقی نیز مقدار زیادی گاز از شوروی وارد نماید و طرحهای کنونی، اجازه صدور بیشتر این گاز را نمی‌دهد. لیکن افزایش استفاده کار در داخل سبب می‌شود که بتواند مقدار بیشتری از نفت تولید شده را به خارج صادر نمایند.

ضمیمه الف

جزئیات مربوط به صنعت و عملکرد آن در گذشته

ذخایر

حوزه‌های گازی و نفتی (سفره‌های رسوبی) داخل شوروی حدود ۱۱ میلیون کیلومتر مربع برآورد شده است که تقریباً نیمی از مساحت زمینی و دریایی درون این کشور را تشکیل می‌دهد. حدود دو سوم این مقدار احتمالاً دارای مواد نفتی می‌باشد.

در باره وسعت منابع و ذخایر نفتی شوروی اطلاعات پراکنده‌ای موجود است، چون این اطلاعات از نظر دولتی دارای طبقه‌بندی سری می‌باشند. نفتی که امروزه در شوروی کشف شده به میزان ۱۵۰ میلیارد بشکه تخمین زده شده است. تاکنون حدود ۴۵ میلیارد بشکه استخراج شده و بنا به برآورد آمریکا حدود ۴۰-۳۰ میلیارد بشکه دیگر نیز قابل بهره‌برداری می‌باشد. (آمریکا دارای منابع نفتی معادل ۳۳ میلیارد بشکه می‌باشد) قسمت اعظم این منابع در شرق کوه‌های اورال و بخصوص در سفره‌های زیرزمینی غرب سیبری یافت می‌شود که بنا به گزارشات مختلف، از غنی‌ترین سفره‌های نفتی زیرزمینی جهان است، لیکن دارای آب و هوایی ناسازگار و سرزمینی صعب‌العبور است. حوزه نفتی ساموتلور در غرب سیبری که حدود ۱۵ میلیارد بشکه نفت دارد، ششمین حوزه نفتی غول‌آسای جهان است. به نظر می‌رسد که در آبهای دریای خزر، بارنتس، کارا، دریای شرق سیبری و نیز دریای اوخوتسک در آبهای جزیره ساخالین نیز منابع و ذخایر نفتی وجود داشته باشد. در آبهای ساخالین در یک محیط ۱۰۰۰۰۰ کیلومتر مربعی و در عمق ۲۰۰ متری آب نیز ذخایر عظیم ۴۵-۳۰ میلیارد بشکه‌ای نفت احتمالاً وجود دارد. حدود نیمی از این ذخائر در اعماق بیش از ۱۰۰ متر آنها نهفته است.

اطلاعات مربوط به ذخایر گاز طبیعی معمولاً در مجلات فنی شوروی منتشر می‌گردد. تعداد منابع «کشف شده» گاز طبیعی در سالهای ۷۳-۱۹۶۶ شش برابر گردید و در یک ژانویه ۱۹۷۴ بالغ بر ۲۲ تریلیون متر مکعب، یعنی ۷۰ درصد بیش از ذخایر و منابع قابل مقایسه در آمریکا شد. (جدول ۶ ضمیمه ت) حدود دو سوم ذخایر گاز شوروی در سیبری واقع شده و قسمت اعظم آن نیز در تویمان اوبلاست در نزدیکی خلیج اوب قرار دارد. حوزه اورنگون در تویمان اوبلاست شمالی بزرگترین حوزه گازی جهان است که حاوی ۶-۴ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی می‌باشد.

کیفیت

کیفیت نفت شوروی در مناطق مختلف تفاوت دارد. حدود دو سوم نفت خامی که در شوروی تولید می‌شود، حاوی ۰/۵ درصد تا ۲ درصد سولفور می‌باشد و حدود ۱۰ درصد آن حاوی سولفور زیاد (بیش از ۲ درصد) است و بقیه این نفت تولیدی، سولفوری کمتر از ۰/۵ درصد را دارا می‌باشد. بخش اعظم نفت خامی نیز که در منطقه اورالز - ولگا تولید می‌شود دارای ترکیبات نفت فرار و پارافین و مقدار زیادی سولفور (۱ درصد تا ۳ درصد) و نمک می‌باشد. نفت خامی که در غرب سیبری تولید می‌شود نیز دارای ترکیبات نفت فرار و پارافین بوده و مقدار سولفور آن بین ۰/۵ درصد تا ۲/۲ درصد متغیر است و جاذبه آن نیز ۳۶ - ۳۲ درجه می‌باشد. نفت خامی که از سومین منطقه تولیدی بزرگ، یعنی شبه جزیره مانگیشلاک در آسیای مرکزی بدست می‌آید نیز دارای ترکیبات پارافینی بوده مقدار سولفور آن پایین،

یعنی حدود ۱ درصد است. این نوع نفت دارای ترکیبات مومی است و در حرارت‌های پایین ۹۰ درجه فارنهایت جامد می‌شود و برای عبور داده شدن از خط لوله بایستی به آن حرارت دارد. (به جدول ۷ از ضمیمه ت برای مطالعه کیفیت نفت خام تولیدی در این مناطق نگاه کنید).

کیفیت نفتی که به غرب صادر می‌شود، معمولاً قابل مقایسه با تولیدات پالایشگاه‌های غربی می‌باشد. شوروی تلاش می‌کند که نفت دارای کیفیت مرغوب را به مشتریان اروپایی بفروشد و در بسیاری از مواد نفتی که به غرب فروخته شده کیفیت بهتری از نفت مورد استفاده داخلی داشته است.

مناطق تولیدی

منطقه اورالز - ولگا مهمترین منطقه تولید نفت شوروی است ولی بعدها غرب سیبری از آن هم مهمتر خواهد شد. در اواسط سالهای ۱۹۶۰ حدود ۷۰ درصد از کل نفت تولیدی شوروی از منطقه اورالز - ولگا به دست می‌آمد. پس از ۲۵ سال بهره‌برداری بسیاری از این حوزه‌ها ظرفیت تولیدی خود را از دست داده است و در سالهای اخیر تولید کاهش یافته است. از اوایل سالهای ۱۹۷۰ در غرب سیبری قسمت اعظم تولیدات انجام می‌گرفت و از سال ۱۹۶۵ تولید تجاری در این منطقه آغاز گشت. لیکن آب و هوا و شرایط اقلیمی سخت و دشوار توسعه حوزه‌ها را دچار مشکل کرده است. قرار بود با بهره‌برداری از حوزه‌های نفتی شبه جزیره مانگیشلاک در قزاقستان غربی تولید افزایش یابد، لیکن عملیات آبتویی نادرست و مشکلات پیچیده در زمینه حفر چاهها سبب شده است که تولید با آن سرعتی که پیش‌بینی شده بود افزایش پیدا نکند. (به جدول ۸ ضمیمه ت در مورد مناطق تولیدی نفتی مراجعه کنید).

صنعت گاز شوروی در دو دهه گذشته از موفقیت‌چندانی در اجرای طرحها برخوردار نبوده است و دلیل عمده آن نیز عدم توانایی در هماهنگ ساختن توسعه و ساختمان و عملیات توأم با کارایی خطوط لوله و ساختن پالایشگاههای گاز در حوزه‌های گازی جدید می‌باشد. در سالهای اخیر پایان یافتن مقداری از حوزه‌های گازی غرب کشور نیز به عدم اجرای کامل این طرحها کمک کرده است.

مناطق شرق کوههای اورال بخش اعظم گاز تولیدی را در بر دارند. در سال ۱۹۷۵ حدود ۴۵٪ از کل گاز تولیدی از مناطق شرق (آسیای مرکزی و غرب سیبری) بدست آمد، در حالی که در سال ۱۹۶۵ این منطقه فقط حدود یک ششم از کل گاز تولیدی کشور را ارائه نمود.

پالایش

تکنولوژی شوروی در زمینه پالایش، به خصوص از نظر عمق پالایش و پیچیدگی مراحل آن بطور کلی قابل مقایسه با تکنولوژی پالایش آمریکا نیست. لیکن در شوروی تقاضا برای تولیدات نفتی نیز با همین تقاضا در آمریکا متفاوت است. بخصوص که صنعت اتومبیل‌های مسافری شوروی نیز از عمده مصرف‌کنندگان نفتی به شمار نمی‌روند. در طرح مصرف شوروی که مشابه طرح مصرفی اروپای غربی است در صنایع از نفت سنگین برای سوخت و در زمینه حمل و نقل و کشاورزی از گازوئیل استفاده می‌گردد. نیاز شوروی به مواد بهتر نفتی از قبیل بنزین دارای اکتان زیاد و گازوئیل کم سولفور و مواد سوختی نفتی زیاد شده است و پالایشگاهها در حال توسعه بوده و پالایشگاههای عظیم دیگری نیز ایجاد می‌شوند تا کیفیت و انعطاف‌پذیری مخلوطهای تولیدی را بالا ببرند. در پایان سال ۱۹۷۵، کل ظرفیت

تقطیر پالایشگاههای شوروی در ۵۰ نقطه بالغ بر ۸ میلیون بشکه در روز برآورده شده بود. حدود ۶۰ درصد این ظرفیت در بخش اروپایی شوروی و اورالز-ولگا متمرکز است (به جدول ۱۰ ضمیمه ت مراجعه شود). در دهه گذشته بازده تولیدات نفتی از ۳/۵ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۶۵، به حدود ۷/۲ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۵، یعنی معادل دو برابر افزایش یافت (به جدول ۱۱ ضمیمه ت نگاه کنید). در این مدت میزان تولید آنقدر بالا بوده است که علاوه بر تأمین نیاز داخلی اجازه صدور ۶۰۰۰۰۰ بشکه در روز را به خارج نیز داده است.

مصرف داخلی

در سالهای ۷۵-۱۹۶۶ میزان مصرف داخلی از ۳/۱ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۶۵، به حدود ۶/۵ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۵، یعنی به میزان سالانه ۷/۵ درصد افزایش یافته است (به جدول ۱۲ ضمیمه ت نگاه کنید). با وجود کفایت کمیت تولید نفت، عدم انعطاف پذیری عملیات پالایشگاهها باعث به وجود آمدن کمبود در بعضی از تولیدات نفتی شده است. این کمبودهای داخلی همچنین در نتیجه عدم کفایت تسهیلات مورد لزوم برای حمل و نقل در ساعات اوج مصرف نیز به وجود می آید. بطور مثال، هنگام برداشت محصول، یعنی زمانی که قطارها مملو از مسافر است میزان سوخت گازوئیل پایین می آید. بخش اعظم صنایع شوروی از گاز استفاده می کنند و تنها صنعت نیروی برق، یک چهارم گاز مصرفی را به خود اختصاص داده است، لیکن در سالهای ۱۹۷۰ بیشتر به استفاده از گاز طبیعی برای مصارف غیر سوختی پرداخته شد و از آن به عنوان یک ماده خام برای ساختن بسیاری از مواد شیمیایی بهره برداری شد و در صنعت فلزات نیز به عنوان یک عامل تخفیف دهنده در ساختن آهن و فولاد به کار گرفته شد. مصرف داخلی گاز طبیعی در دهه گذشته به میزان بیش از ۲ برابر افزایش یافته، یعنی از ۳۵۰ میلیون متر مکعب در سال ۱۹۶۵ به ۷۷۵ میلیون متر مکعب در سال ۱۹۷۵ رسیده است (به جدول ۵ ضمیمه ت نگاه کنید).

توزیع

حمل و نقل نفت هنوز هم یکی از مشکلات عمده است، چون تولید نفت خام تنها در چند منطقه صورت می گیرد که از پالایشگاهها و مراکز مصرفی خیلی دور هستند. در سال ۱۹۶۴ راه آهن بیشتر از هر وسیله حمل و نقل دیگر به انتقال نفت با قیمتی حدود سه برابر قیمت خط لوله پرداخت. ولی از سال ۱۹۶۵ با مضاعف شدن شبکه خط لوله یعنی بالغ بر ۵۸۰۰۰ کیلومتر در سال ۱۹۷۵ این خطوط در حمل و نقل نفت نقش مهمی را ایفا کرده اند. در سال ۱۹۷۴ حدود بیش از نیمی از نفت تولیدی به وسیله خط لوله حمل می گردید در حالی که راه آهن حدود ۴۳ درصد نفت خام تولید شده را به جاهای دیگر حمل می نمود (به جدول ۱۳ ضمیمه ت نگاه کنید). از طریق این خطوط لوله فقط نفت خام به مراکز دور دست حمل می گردد و حدود ۲۰ درصد از تولیدات نفتی از این طریق به جاهای دیگر ارسال می گردد.

شوروی با جدیت بسیار به توسعه بخشیدن خطوط لوله گازی خود پرداخته است. در سالهای ۷۵-۱۹۶۶ حدود ۵۸۰۰۰ کیلومتر خطوط لوله گازی احداث گردید که حدود ۶۰ درصد آن را لوله های قطور (با قطرهای ۴۰ اینچ یا بیشتر) تشکیل می داد.

تجارت خارجی

شوروی از سال ۱۹۵۵ یکی از صادرکنندگان عمده نفت بوده است. از اواسط سالهای ۱۹۶۰ میزان صادرات این کشور مضاعف گردید، یعنی از $\frac{1}{3}$ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۶۵ به $\frac{2}{6}$ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۵ رسید که بطور متوسط هر سال $\frac{6}{9}$ درصد افزایش یافته است (به جدول ۱۵ ضمیمه ت نگاه کنید). در سالهای اخیر بخش اعظم صادرات نفتی متوجه کشورهای کمونیستی و بخصوص اروپای شرقی شده است، ولی فروش نفت به غرب نیز از مهمترین منبع درآمد ارزی این کشور به حساب می آید. شوروی در سال ۱۹۷۴ در نتیجه فروش نفت به غرب $\frac{2}{6}$ میلیارد دلار و در سال ۱۹۷۵، $\frac{3}{2}$ میلیارد دلار ارز بدست آورد (به جدول ۱۶ ضمیمه ت نگاه کنید).

تا چند سال قبل تقریباً همه گاز طبیعی تولیدی در داخل مصرف می رسید. لیکن افزایش صدور این گاز از سال ۱۹۷۰ به اروپای شرقی و غربی ورود گاز افغانستان و ایران به شوروی را جبران کرده است (به جدول ۱۷ ضمیمه ت نگاه شود). بیشتر قراردادهایی که با کشورهای اروپای غربی از قبیل اتریش، آلمان غربی، ایتالیا و فرانسه بسته شده در برگیرنده فروش لوله های قطور و تجهیزات کمکی لازم برای توسعه بخشیدن به شبکه گازی و نفتی به منظور تأمین نیاز داخلی و صادرات می باشد. با بالا رفتن میزان تولید داخلی و توسعه یافتن شبکه خط لوله گازی، شوروی سطح صادرات گازی خود را از ۱۹ میلیون متر مکعب در روز افزایش خواهد داد و بنابراین صادرات گاز مهمترین منبع جلب ارز خارجی خواهد گردید.

ضمیمه ب

نیازهای تجهیزات و تکنولوژیکی برای افزایش بازده

تجهیزات و تکنولوژی غربی می تواند کارایی عملیات حوزه های نفتی و گازی را بالا برده، افزایش در بازده نفتی حوزه های کنونی به وجود آورد. انواع تجهیزات و فنون مورد نیازی که مهمترین کمک را در زمینه افزایش بازده به شوروی می کند عبارتند از:

مایعات مخصوص حفاری

در شوروی می توان گفت که تقریباً برنامه های علمی حفاری وجود ندارد. مایعات مخصوص برای این کار به مقدار کافی وجود ندارند و اکثر خدمه حفاری از گل رس مخلوط با آب و مواد دیگر استفاده می کنند. برای اینکه از شکستن مته ها ممانعت به عمل آید از هماتیت Fe_2O_3 و یا هر چیز دیگر که بتواند مایعات را سنگین تر نماید استفاده می کنند. در مواقعی که به علت کمبود این مایعات گل و لای موجود به چرخش در نمی آید، حفاران با استفاده از کاه و تراشه های چوب و امثال آنها، گل موجود در اطراف مته را غلظت بیشتری می بخشند تا چرخش به وجود آید. پس از پایان عملیات حفاری، گل و لای موجود را در بشکه هایی بدون در نظر گرفتن شرایط مورد نیاز برای حفاری بعدی ذخیره می کنند. این گونه اعمال به خصوص در حفر چاههای عمیق سبب وارد آمدن خسارات و ریزشهای ناگهانی شده و باعث می شود که چاهها بطور ناگهانی بلا استفاده واقع گردند.

مته‌های حفاری

کیفیت مته‌های حفاری روسی خیلی نامرغوب‌تر از مته‌های حفاری غربی است. مته‌هایی که در شوروی مورد استفاده قرار می‌گیرد بسیار باریک هستند. اکثر این مته‌ها را بدون در نظر گرفتن طبقات خاکی چاه و یا در نظر گرفتن عمق آن مورد استفاده قرار می‌دهند. چون از سیستم توربو - مته استفاده می‌شود، و وزن زنجیر مته روی خود مته قرار نمی‌گیرد، به همین دلیل نمی‌توان مته را مورد بازرسی دقیق قرار داد، نمی‌توان گفت که آیا مته در هنگام حفاری در حال خرد شدن و فرسوده شده است یا خیر. به همین دلیل بسیاری از مته‌ها را بطور نابهنگام تعویض می‌کنند. بطور کلی، مته‌های سنگ شکن آمریکایی در همان شرایط چهار تا پنج برابر بیشتر از مته‌های روسی کار می‌کند. شوروی تعداد کمی از این مته‌ها را از آمریکا خریداری کرده است و در نظر دارد از یک شرکت آمریکایی یک کارخانه مخصوص ساختن این مته‌ها را بخرد تا بتواند در سال ۱۰۰۰۰۰ مته تولید نماید.

تجهیزات چندکاره

در شوروی این‌گونه تجهیزات بسیار نادر است، چون در یک منطقه گاه لازم است چند چاه حفر نمود، به علت اینکه حوزه‌های تولیدی جدا وجود دارد، تجهیزات چند کاره مخصوص حفر چاه باعث می‌شود که در مخارج مربوط به حفاری، قطر لوله‌ها، دکل، تجهیزات حفاری، خطوط جریانی و پمپ نیز صرفه‌جویی شود.

پمپهای الکتریکی روغنی شناور دارای قوه‌گریز از مرکز

چون در منطقه اورالز - ولگا حدود ۲۵-۲۰ سال است که نفت تولید می‌شود. اکنون زمان آن رسیده است که از پمپهای شناور برای بازیافت مایع کلی (آب و نفت) استفاده نمود. شوروی تاکنون ۱۰۰۰ دستگاه از این پمپها را از آمریکا خریداری کرده است و در صدد است تا از طریق یک شرکت آمریکایی سالانه ۵۰۰۰ دستگاه از این پمپها را دریافت نماید. اگر از این پمپها استفاده شود میزان تولیدات نفتی حوزه‌های قدیم و جدید در مدت کوتاهی (۲-۱ سال) بالا خواهد رفت؛ البته به شرط اینکه عرضه‌کنندگان غربی این پمپها را در اختیار شوروی قرار بدهند.

وسایل حفاری چرخان، لوله‌های حفاری، و دکل

تولید لوله حفاری و دکل در شوروی از نظر کیفیت و کمیت مناسب نیست. علاوه بر این، توربو - مته‌هایی که حدود سه چهارم حفاریها را در شوروی انجام می‌دهد قادر نیست در اعماق بیش از ۲۵۰۰ متر به حفاری بپردازد. حدود ۱۰ سال قبل برنامه‌ریزان شوروی استفاده از وسایل حفاری چرخان را توصیه نمودند ولی چون توربو - مته ستون فقرات صنعت نفت شوروی را تشکیل می‌دهد، هزینه استفاده از وسایل چرخان بسیار سنگین می‌شود. توانایی شوروی در حفاری رو به بهبود است لیکن به پای توانایی غرب نمی‌رسد. در غرب چاههای عمیق‌تر از ۳۰۰۰ متر را می‌توان در یک ماه حفر نمود، حال آنکه همین چاهها در شوروی سه ماه وقت می‌گیرد.

تجهیزات و تکنولوژی اکتشافی

تجهیزات اکتشافی شوروی حدود ۱۰ سال قدیمتر از تجهیزات مشابه آن در غرب است. وارد کردن تجهیزات زلزله‌سنج غربی و کامپیوترهای دیجیتال در کشف گاز و نفت شوروی، بخصوص در مناطقی از سیبری که یکی از لایه‌های زمین دائماً یخ زده است و نیز در مناطق اروپای شرقی و آسیای مرکزی اهمیت بسزایی دارد. البته این‌گونه تجهیزات چه روسی و چه غربی باشند، میزان تولید را در حوزه‌های کنونی بالا نخواهد برد، لیکن برای کشف حوزه‌های جدید که در بالا بردن تولید در سالهای ۱۹۸۰ نقش عمده دارد، بسیار حائز اهمیت خواهد بود.

منابع بازیافتی ثانی و ثالث

حدود نیمی از نفت شوروی از چاههایی به دست می‌آید که در آنها آب تزریق می‌کنند. در مقایسه با کارخانه‌های غربی، روسها پس از حفر چاههای نفتی از آبشویی زیاد استفاده کرده، برای بالا بردن تولید از تزریق آب و یا نفت بهره‌برداری می‌کنند و برای صرفه‌جویی در سرمایه، فضای چاه را بازتر انتخاب می‌کنند. تزریق بیش از حد آب^(۱)، سبب ایجاد شکاف در منبع شده مانع جریان یکنواخت آنها می‌گردد^(۲)، زمانی که آب جای نفت را در این منابع تغییر می‌دهد، سبب ایجاد یک ستون عمودی یا یک مخروط می‌گردد. طرح اصلی منبع که حدود ۵۰ تا ۶۵ هکتار را شامل می‌گردد، تولید نیاز به چاههای اضافی دارد؛ البته اگر لازم باشد تولید از همین منابع به میزان قبلی ادامه یابد.

شوروی از پروژه‌های بازیافتی ثالث (استفاده از مواد شیمیایی و حرارتی بر بخشهای سنگی منابع) استفاده کرد و توانست در سال ۱۹۷۵ تنها ۲۰ میلیون بشکه نفت بدست آورد. کار بر روی روشهای ثالث بازیافتی ادامه دارد و از طریق آن می‌توان حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد نفت موجود را نیز استخراج کرد، لیکن هزینه آن زیاد است و نظارت شدید لازم است و علاوه بر آن مدت زیادی وقت صرف خواهد شد تا بتوان به تولید اضافی دست یافت. شوروی قراردادهایی در زمینه علمی و تکنیکی با دو شرکت آمریکایی منعقد ساخته است که یکی از جنبه‌های آن در برگیرنده منابع بازیافتی ثانی و ثالث می‌باشد.

ضمیمه پ

همکاری مشترک پیشنهادی در زمینه گاز مایع طبیعی

احتمالاً شوروی در ازای فروش درازمدت گاز مایع طبیعی خواهد توانست به کمک شرکتهای غربی حوزه‌های گازی خود را در سیبری توسعه بخشد. در سال ۱۹۷۲ پیشنهاد شد که شرکت نورث استار و یاکوتسک به همکاری بپردازند و در عوض ۸۵ میلیون متر مکعب گاز به آمریکا فروخته شود. پس از یک سال کار به علت وجود اختلاف بر سر قیمت گاز طبیعی و تأمین هزینه مالی تأسیسات فعالیت متوقف

۱- تزریق افراطی آب در پاهای زمانی که نفت را نیز نمی‌توان به همان سرعت خارج نمود سبب می‌شود که به جای به وجود آمدن یک سطح افقی دلخواه یک سطح مخروطی شکل ایجاد شود و به همین دلیل اگر چاه و یا پاهای دیگری در اطراف آن حفر نشود مقدار زیادی نفت از دست می‌رود.

۲- جریان ناهماهنگ آب در بخش‌های نفوذپذیر منابع سبب می‌شود که آب با شدت بیشتری فرار نموده در جریان نفت چیزی شبیه یک ستون عمودی را پدید آورد.

گردید. لیکن در مورد هر دو پروژه در ماههای اخیر مذاکرات آغاز شده است.

نورث استار

پروژه نورث استار بوسیله کنسرسیومی مرکب از سه شرکت آمریکایی یعنی تناکو تگزاس، ایسترن ترانسمیشن و براون اندروت آغاز به کار کرد. قرار بود گاز طبیعی مایع بوسیله یک خط لوله ۴۸ اینچی به طول ۲۴۰۰ کیلومتر از حوزه گازی یورنگوی در غرب سیبری به یک کارخانه تبدیل مایع در نزدیکی مورمانسک حمل شده و از آنجا بوسیله تانکرهای مخصوص حمل گاز مایع به ساحل شرقی آمریکا رسانده شود. قرار است تحویل گاز در سال ۱۹۸۰ آغاز شده و بالغ بر ۵۷ میلیون متر مکعب (یعنی ۲/۵ درصد مصرف آمریکا و ۱۰ درصد مصرف ساحل شرقی) به مدت ۲۵ سال ادامه یابد. سرمایه لازم حدود ۷/۵ میلیارد دلار آمریکایی و یک میلیارد روبل روسی برآورده شده بود. قرار بوده درباره قیمت گاز بعداً مذاکره گردد؛ چون احتمال می‌رفت که گاز حاصله با گاز موجود در آمریکا رقابت نماید.

کنسرسیوم امیدوار بود که بانک صادرات و واردات در این زمینه سرمایه‌گذاری نماید؛ لیکن قانونی که در سال ۱۹۷۴ از کنگره گذشت این احتمال را از بین برد.^(۱) با این وصف، به اصرار شوروی قرار شد از سرمایه‌گذاری و تجهیزات اروپایی برای آغاز کار استفاده شود. سرمایه لازم برای این پروژه در حال حاضر ۱۰ میلیارد دلار برآورده شده است که ۷ میلیارد دلار آن باید از طریق فرانسه، آلمان غربی و احتمالاً انگلیس تأمین اعتبار گردد.

لوله و تجهیزات مورد نیاز برای این پروژه بجای اینکه از آمریکا وارد شود از اروپا تأمین خواهد گردید. فرانسه حدود یک چهارم گاز استخراج شده را دریافت خواهد کرد، و ۴۰ میلیون متر مکعب باقیمانده نیز در صورتی که کمیسیون نیروی فدرال تصویب نماید، با قیمت تعیین شده وارد آمریکا خواهد گردید.

در هنگام مذاکرات نفتی در ژانویه ۱۹۷۶ در مورد قیمت، توافقی پدید نیامد. لیکن علیرغم این امکان که ممکن است دولت آمریکا اجازه ورود چنین گازی را به کشور خود ندهد، شورویها خواستار آغاز مذاکرات بوده‌اند. هنوز در مورد تصاحب و یا کنترل ۲۰ تانکر مخصوص حمل گاز که قرار است ساخته شود تصمیمی گرفته نشده لیکن شوروی مایل است تعدادی از آنها را در اختیار داشته باشد. در صورتی که حامیان شوروی بتوانند در این زمینه تأییدیه‌ای به دست آورند، در ماه ژوئن قراردادی منعقد خواهد گردید. کنسرسیوم آمریکایی نیز سعی خواهد کرد برای وارد کردن این گاز به آمریکا از طرف کمیسیون نیروی فدرال تأیید و تصویب لازم را بدست آورد تا نورث استار بتواند کار خود را در سال ۱۹۷۸ آغاز نماید. کنسرسیوم امیدوار است که ارسال گاز در سال ۱۹۸۱ آغاز شود و جریان اصلی کامل نیز در سال ۱۹۸۳ به وجود آید. دولت آمریکا نیز با وجود اینکه از کنسرسیوم خواسته است که به مذاکرات خود با شوروی ادامه دهد، هنوز رسماً آنرا تأیید ننموده است.

۱- سرمایه‌گذاری بانک صادرات و واردات در پروژه‌های انرژی شوروی اکنون با تأیید کنگره، سالانه بالغ بر ۳۰۰ میلیون دلار آمریکا می‌شود.

یاکوتسک

این طرح در برگیرنده همکاری آمریکا - ژاپن - شوروی به منظور بهره‌برداری از منابع گاز طبیعی موجود در نزدیکی یاکوتسک در بخش خاور دور شوروی است. مذاکرات کنسرسیوم نیز در برگیرنده شرکت گاز طبیعی پاسو، اکسیدنتال پترولیوم و شرکت بکتل می‌باشد. در اصل قرار بود سرمایه‌گذاری غربی بالغ بر ۴ تا ۵ میلیارد دلار در زمینه اکتشاف و توسعه حوزه‌های گازی، انتقال گاز از طریق یک خط لوله ۳۵۰۰ کیلومتری به یک کارخانه گاز مایع در نزدیکی ناخورکا و تحویل ۲۸ میلیون متر مکعب به آمریکا و ژاپن در طول ۲۰ سال باشد. ژاپن‌ها مایل هستند برای تغییر انرژی این کار را آغاز کنند ولی از آمریکا نیز خواسته‌اند که در زمینه مالی و فنی همکاری نماید.

برخلاف منابعی که در یورنگوی وجود دارد، منابع یافته شده در یاکوتسک قادر نیست نیاز این سرمایه‌گذاری مشترک را برآورده سازد. قبلاً پیش‌بینی شده بود که برای تحکیم این منابع ۴۰۰ میلیون دلار هزینه لازم است که شوروی دویست میلیون و ژاپن و آمریکا نیز هر یک ۱۰۰ میلیون می‌بایست پردازند. بعدها شورویها ادعا کردند که خودشان در امر اکتشاف پیشرفتهایی کرده‌اند و از ژاپن و آمریکا خواستند که هر یک فقط ۲۵ میلیون دلار سرمایه‌گذاری نمایند. انعقاد رسمی قرارداد در اواخر ماه مارس انجام گرفت و حدود ۲ تا ۳ سال وقت لازم است تا بتوان کار اکتشاف را به پایان رساند.

کنسرسیوم آمریکایی به علت محدودیتهای سرمایه‌گذاری بانک صادرات و واردات هنوز نمی‌داند که باید در کارها شرکت نماید یا خیر. هنوز معلوم نیست که اگر آمریکاییها از زیر بار شانه خالی کنند آیا ژاپن‌ها به تنهایی وارد کار خواهند شد یا نه.

ضمیمه (ت)

جداول آماری

جدول ۱

شوروی: تولید نفت خام و گاز طبیعی

سال	میلیون تن متریک	میلیون بشکه در روز ^۲	میلیارد متر مکعب	میلیون متر مکعب در روز	معادل میلیون بشکه نفت در روز ^۳
۱۹۶۰	۱۴۷/۹	۲/۹۶	۴۵/۳	۱۲۳/۸	۰/۷۷
۱۹۶۵	۲۴۲/۹	۴/۸۶	۱۲۷/۷	۳۴۹/۸	۲/۱۶
۱۹۷۰	۳۵۳	۷/۰۶	۱۹۷/۹	۵۴۲/۳	۳/۲۵
۱۹۷۱	۳۷۷/۱	۷/۵۴	۲۱۲/۴	۵۸۱/۹	۳/۶۰
۱۹۷۲	۴۰۰/۴	۸/۰۱	۲۲۱/۴	۶۰۴/۹	۳/۷۵
۱۹۷۳	۴۲۹	۸/۵۸	۲۳۶/۳	۶۴۷/۵	۴
۱۹۷۴	۴۵۸/۹	۹/۱۸	۲۶۰/۶	۷۱۳/۸	۴/۴۲
۱۹۷۵	۴۹۰/۷	۹/۸۱	۲۸۹/۳	۷۹۲/۶	۴/۹۰
برنامه ۱۹۷۶	۵۲۰	۱۰/۴	۳۱۱۳	۸۵۵/۲	۵/۳۰
برنامه ۱۹۸۰	۶۲۰-۶۴۰	۱۲/۴-۱۲/۸	۴۰۰-۴۳۵	۱۰۹۳-۱۱۸۸	۶/۷۸-۷/۳۷

۱. شامل گاز فشرده

۲. هر تن متریک معادل ۷/۳ بشکه است

۳. یک میلیون متر مکعب گاز شوروی معادل ۶۱۸۰ بشکه نفت حرارت تولید می‌کند

جدول ۲
شوروی: برآورد تولید و مصرف منابع اولیه انرژی

۱۹۸۰		۱۹۷۵		۱۹۷۴		۱۹۷۰		۱۹۶۵		منبع انرژی
%	کمیت	%	کمیت	%	کمیت	%	کمیت	%	کمیت	
۱۰۰	۴۸/۴	۱۰۰	۲۳/۰۷	۱۰۰	۲۱/۷۳	۱۰۰	۱۷/۸۷	۱۰۰	۱۴/۰۶	کل
۲۷/۵	۷/۸	۲۹/۷	۶/۸۵	۳۰/۹	۶/۷۲	۲۳/۹	۶/۰۶	۴۱	۵/۷۶	زغال سنگ
۴۱/۵	۱۱/۸	۴۲/۵	۹/۸۱	۴۲/۳	۹/۱۸	۳۹/۰۵	۷/۰۶	۳۴/۵	۴/۸۶	نفت ^۱
۲۳/۶	۶/۷	۲۱/۳	۴/۹۰	۲۰/۳	۴/۴۲	۱۸/۸	۳/۳۵	۱۵/۴	۲/۶	گاز طبیعی
۲/۸	۰/۸	۲/۷	۰/۶۳	۲/۹	۰/۶۴	۳/۶	۰/۶۴	۰/۳	۰/۴۷	نیروی
										هیدروالکترونیک
۱/۸	۰/۵	۰/۵	۰/۱۱	۰/۴	۰/۰۸	۰/۱	۰/۰۲	قابل اغماض	قابل اغماض	نیروی هسته‌ای
۲/۸	۰/۸	۳/۳	۰/۷۷	۳/۲	۰/۶۹	۴/۱	۰/۷۴	۵/۸	۰/۸۱	منابع دیگر ^۲
مصرف										
۱۰۰	۲۴/۹	۱۰۰	۲۰/۲۴	۱۰۰	۱۹/۲۰	۱۰۰	۱۵/۸۰	۱۰۰	۱۲/۵۵	کل
۳۰/۱	۷/۵	۳۲/۸	۶/۶۵	۳۳/۹	۶/۵۰	۳۶/۹	۵/۸۳	۴۳/۹	۵/۵۱	زغال سنگ
۳۷/۸	۹/۴	۳۶/۴	۷/۳۶	۳۶/۲	۶/۹۵	۳۳/۱	۵/۲۳	۲۸/۸	۶/۶۲	نفت
۲۴/۱	۶	۲۳/۶	۴/۷۸	۲۲/۸	۴/۳۸	۲۱/۳	۳/۳۶	۱۷/۱	۲/۱۵	گاز طبیعی
۲/۸	۰/۷	۲/۸	۰/۵۷	۳/۱	۰/۶۰	۳/۹	۰/۶۲	۳/۷	۰/۴۶	نیروی هیدروالکترونیک
۰/۲	۰/۵	۰/۶	۰/۱۱	۰/۴	۰/۰۸	۰/۱	۰/۰۲	قابل اغماض	قابل اغماض	انرژی هسته‌ای
۳/۲	۰/۸	۳/۸	۰/۷۷	۳/۶	۰/۶۹	۴/۷	۰/۷۴	۶/۵	۰/۸۱	منابع دیگر ^۲

۱. شامل گاز فشرده
۲. سنگ نفت زا، تورب یا زغال سنگ نارس، چوب برای سوخت

جدول ۳

شوروی: برآورد عرضه و تقاضای نفت

میلیون بشکه در روز		۱۹۷۴		۱۹۷۰		۱۹۶۰	
۱۹۸۰	۱۹۷۶	۱۹۷۵	۱۹۷۴	۱۹۷۰	۱۹۶۰	۱۹۶۰	۱۹۶۰
۱۲/۱	۱۰/۵	۹/۶۹	۲/۲۹	۷/۱۵	۴/۹۰	۴/۹۰	۴/۹۰
۲۱۱/۸	۱۱۰/۴	۹/۸۱	۹/۸۱	۷/۰۶	۴/۸۶	۴/۸۶	۴/۸۶
۰/۳	۰/۱	۰/۱۵	۰/۱۱	۰/۰۹	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۴
۱۲/۱	۱۰/۵	۹/۶۹	۹/۲۹	۷/۱۵	۴/۹۰	۴/۹۰	۴/۹۰
۴۹/۴	۳۷/۸	۷/۳۶	۶/۹۵	۵/۲۳	۳/۶۲	۳/۶۲	۳/۶۲
۲/۷	۲/۶	۲/۶۰	۲/۳۴	۱/۹۲	۱/۲۸	۱/۲۸	۱/۲۸
۱/۵	۱/۳	۱/۲۶	۱/۸۱	۰/۸۱	۰/۴۵	۰/۴۵	۰/۴۵
۰/۳	۰/۳	۰/۲۹	۰/۲۶	۰/۲۰	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۱۳
۰/۹	۱	۱/۰۵	۰/۹۰	۰/۹۱	۰/۷۰	۰/۷۰	۰/۷۰
۰/۷	۰/۸	۰/۷۷	۰/۶۲	۰/۴۶	۰/۴۷	۰/۴۷	۰/۴۷

۱. شامل گاز فشرده
۲. رقم مورد نظر در برنامه پیش بینی شده
۳. برنامه خواستار تولید به میزان ۱۲/۴ - ۱۲/۸ میلیون بشکه در روز است

۴. با فرض بر اینکه میزان مصرف سالانه داخلی در سالهای ۸۰ - ۱۹۷۶، ۵٪ افزایش خواهد داشت

جدول ۴

شوروی: حفاری برای گاز و نفت

سال	حفاریهای اکتشافی	حفاریهای توسعه‌ای	مجموع
۱۹۶۰	۴/۰۲	۳/۶۹	۷/۷۱
۱۹۶۵	۵/۵۷	۵/۱۵	۱۰/۷۲
۱۹۶۷	۵/۸۰	۵/۹۱	۱۱/۱۷
۱۹۷۰	۵/۱۵	۶/۷۴	۱۱/۹۸
۱۹۷۱	۵/۲۵	۶/۸۸	۱۲/۳
۱۹۷۲	۵/۱۴	۷/۵۸	۱۲/۷۲
۱۹۷۳	۵/۲۲	۸/۴۱	۱۳/۶۳
۱۹۷۴	۵/۳۶	۸/۹۰	۱۴/۲۶
برآورد			
۱۹۷۵			۱۵/۰۰

جدول ۵

شوروی: برآورد عرضه و تقاضای گاز طبیعی میلیون بشکه در روز

۱۹۶۵	۱۹۷۰	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۸۰	
۳۴۹/۸	۵۵۲	۷۴۶/۵	۸۲۶/۶	۸۸۲	۱۱۰۶	عرضه
۳۴۹/۸	۵۲۴	۷۱۳/۸	۷۹۲/۶	۸۴۷	۱۰۶۶	تولید داخلی
.....	۹/۷	۳۲/۷	۳۴	۳۵	۴۰	واردات
۳۴۹/۸	۵۵۲	۷۴۶/۵	۸۲۶/۶	۸۸۲	۱۱۰۶	تقاضا
۳۴۸/۷	۵۳۴	۷۰۸	۷۷۳/۶	۸۱۲	۹۴۶	مصرف داخلی
۱/۱	۹	۳۸/۵	۵۳	۷۰	۱۶۰	صادرات
۱/۱	۶/۴	۲۳/۴	۳۱	۳۵	۹۰	به اروپای شرقی
.....	۲/۶	۱۵/۱	۲۲	۳۵	۷۰	به اروپای غربی
۱/۱	-۰/۷	۵/۸	۱۹	۳۵	۱۲۰	تجارت خالص

۱. برنامه خواستار تولید ۳۱۳ میلیارد متر مکعب یا ۸۵۵ میلیون بشکه در روز است.
۲. برنامه بزده ۴۰۰ تا ۴۳۵ میلیارد متر مکعب یا ۱۰۹۳ تا ۱۱۸۸ میلیون متر مکعب در روز را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۶

شوروی منابع گاز طبیعی

۱۹۶۵	۱۹۷۰	۱۹۷۴	منطقه
۳۲۲۰	۱۲۱۰۰	۲۲۵۰۰	مجموع
۳۱۵	۷۱۱۶	۱۴۴۰۰	غرب سیبری
۹۱	۴۳۹	۷۰۰	شرق سیبری
۱۷۷۱	۲۵۸۳	۴۴۰۰	بخش اروپای شرقی
۱۰۴۲	۱۹۶۲	۳۳۰۰	آسیای مرکزی و قزاقستان

منابعی که با الف + ب + پ ۱ علامت‌گذاری شده‌اند در شوروی به معنی منابع کشف شده است ولی در آمریکا به معنی منابع قابل بهره‌برداری می‌باشد.

جدول ۷

شوری: کیفیت نفت خام تولید شده در حوزه‌های مهم

مشخصات	ساموتلر	روماشینکو	موخانفو	تویمازی	آرلان	اوزن
قدرت تولید کننده منطقه تولیدی	نیشنوارتوفسک	تاتار	کوب بیشف	باشکیر	باشکیر	مانگیشلات
جاذبه	غرب سبیری	اورالز - ولگا	اورالز - ولگا	اورالز - ولگا	اورالز...	آسیای مرکزی
میزان درصد سولفور پایه	۰/۹	۱/۶	۱/۸ - ۱/۲	۱/۴	۲۷ - ۳۰	۳۳ - ۳۴
نقطه جریان یابی محصول، حجم، درصد	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط	دارای ترکیبات پارافینی
گازولین و نفت	۵ - ۱۵	۰	۱۸	-۲۲	۱۵	۹۰ - ۸۵
نفت مصرفی سوخت خانگی	۳۰	۲۴	۲۵	۲۶	۲۰	۱۵
نفت سنگین و مواد زائد	۲۲	۲۰	۲۵	۲۰	۲۰	۱۵
گاز و مقدار از دست رفته	۳۸	۴۸	۴۳	۴۴	۵۲	۶۱
	۲	۲	۲	۲	۲	۲

جدول ۸

شوروی: تولید نفت خام^۱ در هر منطقه

میلیون بشکه در روز	۱۹۶۵	۱۹۷۰	۱۹۷۱	۱۹۷۲	۱۹۷۳	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۸۰
مجموع	۴/۸۶	۷/۰۶	۷/۵۴	۸/۰۱	۸/۵۸	۹/۱۸	۹/۸۱	۴۱۲/۶
اورالز - ولگا	۳/۴۸	۴/۱۷	۴/۲۳	۴/۳۱	۴/۴۰	۴/۴۴	۴/۴۸	۳/۷
غرب سبیری	-/۰۱	-/۰۶۳	-/۰۹۰	-/۰۲۵	-/۰۷۵	-/۰۲۳	-/۰۹۶	۴۶/۱
آسیای مرکزی	-/۰۲۸	-/۰۶۰	-/۰۶۸	-/۰۷۲	-/۰۷۷	-/۰۸۰	-/۰۸۲	۱/۰
شمال قفقاز	-/۰۴۱	-/۰۶۸	-/۰۷۲	-/۰۶۹	-/۰۵۹	-/۰۵۳	-/۰۵۰	-/۰۴
آذربایجان شوروی	-/۰۴۳	-/۰۴۰	-/۰۳۸	-/۰۳۷	-/۰۳۶	-/۰۳۵	-/۰۳۴	-/۰۳
اوکراین شوروی	-/۰۱۵	-/۰۲۸	-/۰۲۹	-/۰۲۹	-/۰۲۸	-/۰۲۷	-/۰۲۶	-/۰۲
کومی	-/۰۰۴	-/۰۱۱	-/۰۱۲	-/۰۱۳	-/۰۱۳	-/۰۱۴	-/۰۱۶	-/۰۵
بایلو روسیان شوروی	-/۰۰۴	-/۰۰۸	-/۰۱۱	-/۰۱۲	-/۰۱۴	-/۰۱۶	-/۰۱۸	-/۰۳
خاور دور	-/۰۰۵	-/۰۰۵	-/۰۰۵	-/۰۰۵	-/۰۰۵	-/۰۰۵	-/۰۰۵	-/۰۰۵
مناطق دیگر	-/۰۰۱	-/۰۰۶	-/۰۰۶	-/۰۰۸	-/۰۱۱	-/۰۱۱	-/۰۰۶	-/۰۰۵

۱. شامل گاز فشرده
۲. برآورده شده
۳. طرح ریزی شده
۴. حد وسط بازده برنامه ریزی شده

جدول ۹

شوروی: تولید گاز طبیعی در هر منطقه

میلیون متر مکعب در روز	۱۹۶۵	۱۹۷۰	۱۹۷۱	۱۹۷۲	۱۹۷۳	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۸۰
مجموع	۳۴۹/۸	۵۴۲/۳۲	۵۸۱/۹	۶۰۴/۹	۶۴۷/۵	۷۱۳/۸	۷۹۲/۶	۲۱۱۴/۱
آسیای مرکزی	۴۹	۱۳۱/۷	۱۴۸/۱	۱۶۲/۸	۱۹۶	۲۲۶	۲۵۷/۴	۳۲۶
شمال قفقاز	۱۱۰/۴	۱۰۴/۸	۹۹/۱	۸۲/۱	۷۰/۸	۶۸	۶۵/۱	۵۷
اوکراین شوروی	۱۰۷/۹	۱۶۶/۸	۱۷۷	۱۸۴/۱	۱۸۶/۶	۱۸۷/۲	۱۸۸	۱۷۰
غرب سبیری	۹	۲۶/۵	۲۶/۵	۳۱/۱	۴۵	۶۷/۷	۱۰۳	۳۸۳
کومی	۲/۲	۱۷	۲۷/۵	۳۶/۴	۳۸/۲	۴۶/۷	۴۸/۱	۵۹
آذربایجان شوروی	۱۷	۱۵	۱۵/۹	۱۸/۷	۲۲/۹	۲۴/۹	۲۷/۲	۳۱
اورالز - ولگا	۵۴/۳	۸۰/۵	۸۷/۸	۸۹/۷	۸۸	۹۳/۳	۱۰۳/۸	۱۱۵

۱. برآورد شده
۲. برنامه ریزی شده
۳. حدوسط بازده پیش بینی شده

جدول ۱۰
شوروی: برآورد ظرفیت پالایش هر منطقه، ۱۹۷۵

درصد از مجموع	اولیه تقطیر ظرفیت هزار بشکه در روز	
۱۰۰	۸۰۰۰	مجموع
۳۳	۲۶۰۰	بخش اروپائی شوروی و شمال پالایشگاههای عمده:
...	۵۸۰	پولوتسک
...	۴۸۰	کیرشی
...	۴۴۰	گورکی
...	۴۲۰	ریاضان
...	۲۴۰	موزیر
۲۶	۲۱۰۰	اوراز - ولگا پالایشگاههای عمده:
...	۴۸۰	یوفا
...	۳۵۰	کوبیشف
...	۲۷۰	پرم
...	۲۴۰	ولگوگراد
...	۲۳۰	سبزران
۱۸	۱۴۰۰	قفقاز پالایشگاههای عمده:
...	۷۵۰	باکو
...	۵۰۰	گروزی
۱۲	۱۰۰۰	سیبری و خاور دور پالایشگاههای عمده:
...	۵۳۰	آنگارسک
...	۲۴۰	اومسک
۶	۵۰۰	اوکراین پالایشگاههای عمده:
...	۲۴۰	کرمچوگ
۵	۴۰۰	آسیای مرکزی پالایشگاههای عمده:
...	۱۵۰	کراسنودسک

جدول ۱۱
شوروی: برآورد تولید محصولات نفتی

۱۹۷۵	۱۹۷۴	۱۹۷۰	۱۹۶۵	
۷/۲۰	۶/۷۰	۵/۰۰	۳/۵۰	مجموع
۱/۵۵	۰/۴۵	۱/۰۵	۰/۷۳	گازولین (بنزین)
۰/۵۲	۰/۵۰	۰/۴۲	۰/۳۵	نفت مصرف خانگی ^۱
۲/۰۵	۱/۹۰	۱/۴۵	۰/۹۸	گازوئیل
۰/۲۶	۰/۲۵	۰/۱۸	۰/۱۳	روغن ماشین آلات

۲/۸۱	۲/۶۰	۱/۹۰	۱/۱۳	مواد دیگر ^۲
------	------	------	------	------------------------

۱. شامل سوخت جت
 ۲. شامل نفت سوختی اضافی، آسفالت، واکس، کوک نفتی و غیره

جدول ۱۲

شوروی: مصرف محصولات نفتی

۱۹۷۵	۱۹۷۴	۱۹۷۰	۱۹۶۵	
۶/۴۵	۶/۰۰	۴/۴۵	۳/۱۳	مجموع ^۱
۱/۴۰	۱/۳۳	۰/۹۸	۰/۷۰	گازولین (بنزین)
۰/۵۰	۰/۴۵	۰/۳۸	۰/۳۳	نفت سفید
۱/۷۰	۱/۵۸	۱/۲۲	۰/۸۳	گازوئیل
۰/۲۵	۰/۲۴	۰/۱۸	۰/۱۳	روغن موتور
۲/۶۰	۲/۴۰	۱/۶۹	۱/۱۴	مواد دیگر

۱. کمبودی که در مقایسه با جدول ۳ وجود دارد در نتیجه احتساب نفت از دست رفته خام بین چاه و نفت بود و علاوه بر آن در نتیجه کم کردن گاز و به هدر رفتن آن در پالایشگاه به دست آمده است.

جدول ۱۳

شوروی: حمل و نقل نفت خام و محصولات نفتی^۱

سال	خط لوله	ریل	رودخانه	مجموع
۱۹۶۵	۴/۵۱	۴/۴۴	۰/۵۰	۹/۴۵
۱۹۷۰	۶/۸۰	۶/۰۶	۰/۶۷	۱۳/۳۵
۱۹۷۱	۷/۰۵	۶/۴۶	۰/۷۰	۱۴/۲۱
۱۹۷۲	۷/۷۷	۶/۸۱	۰/۶۷	۱۵/۲۵
۱۹۷۳	۸/۴۳	۷/۲۱	۰/۶۸	۱۶/۳۲
۱۹۷۴	۹/۹۴	هیچ چیز	هیچ چیز	هیچ چیز

۱. دربرگیرنده حمل و نقل وسیله تانکرهای نفتی چرخدار که در اینبار اطلاعاتی در دست نیست.

جدول ۱۴

شوروی: شبکه خطوط لوله گاز و نفت

سال	نفت خام و محصولات نفتی	گاز طبیعی
۱۹۶۵	۲۸/۲	۴۱/۸
۱۹۷۰	۳۷/۴	۶۷/۵
۱۹۷۱	۴۱/۰	۷۱/۵
۱۹۷۲	۴۲/۹	۷۷/۷
۱۹۷۳	۴۷/۲	۸۳/۵
۱۹۷۴	۵۳/۰	۹۲/۱
۱۹۷۵	۵۷/۵	۹۹/۴

جدول ۱۵

شوروی: خلاصه تجارت نفتی میلیون بشکه در روز

صادرات	نفت خام	محصولات نفتی	مجموع
۱۹۶۵	۰/۸۷	۰/۴۱	۱/۲۸
۱۹۷۰	۱/۳۴	۰/۵۸	۰/۹۲
۱۹۷۱	۱/۵۰	۰/۶۱	۲/۱۱
۱۹۷۲	۱/۵۲	۰/۶۲	۲/۱۴
۱۹۷۳	۱/۷۱	۰/۶۷	۲/۳۸
۱۹۷۴	۱/۶۱	۰/۷۳	۲/۳۴
۱۹۷۵	۱/۸۶	۰/۷۴	۲/۶۰
واردات	...	۰/۰۴	۰/۰۴
۱۹۶۵			

۰/۰۹	۰/۰۲	۰/۰۷	۱۹۷۰
۰۰۱۳	۰/۰۳	۰/۱۰	۱۹۷۱
۰/۲۹	۰/۰۳	۰/۲۶	۱۹۷۳
۰/۱۱	۰/۰۲	۰/۰۹	۱۹۷۴
۰/۱۵	۰/۰۲	۰/۱۳	۱۹۷۵

جدول ۱۶

شوروی: تجارت خارجی در نفت ^۱					هزار بشکه در روز
۱۹۸۰ ^۲	۱۹۷۵	۱۹۷۴	۱۹۷۰	۱۹۶۵	
۲۷۰۰	۲۶۰۰	۲۳۴۰	۱۹۲۰	۱۲۸۰	صادرات
۱۸۰۰	۱۵۵۰	۱۴۴۰	۱۰۱۰	۵۸۰	به کشورهای کمونیستی
۱۵۰۰	۱۲۶۰	۱۱۸۰	۸۰۵	۴۵۰	اروپای شرقی
۲۰۰	۱۶۰	۱۵۵	۱۲۰	۹۵	کوبا
۷۰	۹۰	۷۵	۵۵	۲۰	یوگسلاوی
۳۰	۴۰	۳۰	۳۰	۱۵	دیگران
۹۰۰	۱۰۵۰	۹۰۰	۹۱۰	۷۰۰	به کشورهای غیر کمونیستی
۷۰۰	۸۸۰	۷۵۰	۷۶۰	۴۵۵	اروپای غربی
هیچ چیز	۱۷۵	۱۸۰	۱۵۵	۹۰	فنلاند
هیچ چیز	۷۰	۳۰	۵۰	۳۰	فرانسه
هیچ چیز	۱۳۵	۱۳۵	۲۰۵	۱۴۵	ایتالیا
هیچ چیز	۷۰	۶۰	۹۵	۵۵	سوئد
هیچ چیز	۱۵۰	۱۲۵	۱۲۵	۶۰	آلمان غربی
هیچ چیز	۲۸۰	۲۲۰	۱۳۰	۷۵	دیگران
۲۰	۴۵	۳۰	۶۰	۴۵	خاورمیانه و نزدیک
هیچ چیز	۵	۴	۳۰	۱۵	مصر
هیچ چیز	۳۸	۲۰	۲۰	۲۵	یونان
هیچ چیز	۲	۶	۱۰	۵	دیگران
۳۰	۲۰	۲۳	۲۵	۲۰	افریقا
هیچ چیز	۳	۶	۱۰	۱۲	غنا
هیچ چیز	۱۳	۱۳	۱۴	۸	مراکش
هیچ چیز	۴	۴	۱	...	دیگران
۳۰	۶۰	۵۲	۶۰	۱۲۵	آسیا
هیچ چیز	۲۵	۲۰	۵	۲۸	هندوستان
هیچ چیز	۲۶	۲۵	۵۴	۷۸	ژاپن
هیچ چیز	۹	۷	۱	۱۹	دیگران
۲۰	۳۰	۲۵	...	۵۵	آمریکای لاتین
...	۸	آرژانتین
۲۰	۳۰	۲۵	...	۴۷	برزیل
۱۰۰	۱۵	۲۰	۵	...	آمریکای شمالی
...	۵	۳	کانادا
۱۰۰	۱۰	۱۷	۵	...	ایالات متحده آمریکا
۷۰۰	۷۷۰	۶۲۰	۶۴۰	۴۷۰	صادرات شوروی به کشورهای دارای ارز معتبر

به میلیون دلار آمریکا

ارز معتبر دریافتی					هزار بشکه در روز
۲۳۰	۴۰۵	۲۵۶۰	۳۱۸۰	هیچ چیز	
۴۰	۹۰	۱۱۰	۱۵۰	۳۰۰	واردات
...	...	۷۸	۱۰۸	هیچ چیز	عراق
...	هیچ چیز	لیبی
...	۴۰	۳	۵	هیچ چیز	مصر
...	...	۷	...	هیچ چیز	سوریه
۳۰	۱۱	۹	۱۰	هیچ چیز	رومانی ^۳

دیگران	۱۰	۳۹	۱۳	۲۷	هیچ چیز
۱. شامل نفت خام و محصولات نفتی					
۲. برآورد شده					
۳. فقط محصولات نفتی					
جدول ۱۷					
شوروی: تجارت خارجی در گاز طبیعی میلیون متر مکعب در روز					
۱۹۶۵	۱۹۷۰	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۸۰	
۱/۱	۹/۰	۳۸/۵	۵۳/۰	۱۶۰	صادرات
۱/۱	۶/۴	۲۳/۴	۳۱/۰	۹۰	به اروپای شرقی
...	...	۰/۸	۳/۲	۱۷	بلغارستان
...	۳/۷	۸/۹	۱۰/۱	۲۲	چکسلواکی
...	...	۷/۹	۹/۱	۱۸	آلمان شرقی
...	۱/۷	۱۱	مجارستان
۱/۱	۲/۷	۵/۸	۶/۹	۱۶	لهستان
...	۶	رومانی
...	۲/۶	۱۵/۱	۲۲/۰	۷۰	به اروپای غربی
...	۲/۶	۵/۸	۵/۱	۸	اتریش
...	...	۱/۲	۲/۰	۳	فنلاند
...	۱۱	فرانسه
...	...	۲/۲	۶/۴	۲۰	ایتالیا
...	...	۵/۹	۸/۵	۲۸	آلمان غربی
...	۹/۷	۳۲/۷	۳۴/۰	۴۰	واردات
...	۷/۱	۷/۸	۷/۸	۱۱	افغانستان
...	۲/۶	۲۴/۹	۲۶/۲	۲۹	ایران
۱/۱	-۰/۷	۵/۸	۱۹/۰	۱۲۰	تجارت خالص

۱. برآورد شده

سند شماره (۲)

از: بخش سیاسی، جان د. استمپل
 به: مندرجه در فهرست توزیع
 موضوع: گزارش سالانه CERP پیرامون روابط با کشورهای کمونیستی
 گزارش سالانه روابط ایران با کشورهای کمونیستی (CERP ۰۰۰۲) باید در تاریخ ۲۴ آبان ماه ۱۳۵۶ به واشنگتن ارسال گردد. به منظور ارسال به موقع، نامه هوایی باید توسط پست ۲۰ آبان ماه فرستاده شود. سال گذشته سفارت در ارائه این گزارش سه ماه تأخیر داشت. در سال جاری امیدواریم که این وضع بهبود عمده‌ای یافته باشد.

ماهیت این گزارش لزوم هماهنگی با عناصر مختلف نمایندگی و نیز کنسولگریها را که ممکن است با فعالیتهای کمونیستی در منطقه خود آشنایی بیشتری داشته باشند ایجاب می نمایند. بخشهای سیاسی و سیاسی نظامی آن بخش از گزارش را که مربوط به مسائل سیاسی، سیاسی نظامی، عضویت حزبی کمونیستی محلی و روابط دیپلماتیک و کنسولی است تهیه خواهند کرد.

دفتر حفاظت منافع آمریکا نیز بخشهای مربوط به مبادله فرهنگی و آموزشی را تهیه می نماید. بخش اقتصادی نیز در مورد مسائل اقتصادی و مادی گزارش خواهد نمود. کنسولگریها نیز می توانند در مورد

این گزارشها، گزارش یا اظهار نظر نمایند.

به پیوست نسخه‌هایی از دستورالعمل سال جاری ارسال می‌گردد؛ اکثر بخشها، مرجعهای پیشین را حتماً در اختیار دارند.

در صورت لزوم و در صورتی که آنها را در اختیار نداشته باشند، در بخش سیاسی نسخه‌هایی از آن موجود است. گزارش مربوط به سال گذشته یعنی الف - ۷ مورخ ۲۲ دی ماه ۱۳۵۶ باید در برگیرنده تمام موارد باشد. در بسیاری از موارد می‌توان از آن به عنوان یک مرجع استفاده کرد و از آنجا که گزارش سال گذشته ۲ صفحه بیشتر از مورد لزوم بود، ما امیدواریم که مسئولین هر بخش گزارشات خود را ۲۰ درصد کمتر نمایند. پیش‌نویسهای اولیه باید تا پایان وقت اداری ۱۵ آبان به بخش سیاسی ارسال گردد.

ضمیمه‌ها: الف) استفاده اداری محدود دولت به شماره ۲۴۹۹۸۹، ب) سری غیر قابل رؤیت برای بیگانگان. دولتی. الف - ۷ مورخ ۲۲ دی ماه ۱۳۵۶ (فقط برای اصفهان)
توزیع: بخش اقتصادی - ر. بروین / س. تیلور، کنسولگری آمریکا در اصفهان
بخش سیاسی نظامی - رابرت / ا. مارتین، کنسولگری آمریکا در تبریز
دفتر حفاظت منافع آمریکا - جک شلنبرگر، کنسولگری آمریکا در شیراز
یا جیمز هیگهام / لاری لارکین

از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
به: CERP ۰۰۲ روابط با کشورهای کمونیستی
تاریخ ۲۶ مهر ۱۳۵۶

۱ - این پیام بدوی، راهنماییهای وزارتخانه محتوی مرجع الف در مورد تهیه بخشهای یک و چهارم CERP ۰۰۲ می‌باشد. به واحدها یادآوری می‌شود که تاریخ معین جهت دریافت گزارشها توسط وزارتخانه، همان تاریخ ۲۴ آبان ماه است. ارسال گزارش پس از تاریخ تعیین شده در مفید واقع شدن آن محدودیت ایجاد خواهد نمود.

۲ - بخش یکم. «ارزیابی روابط سیاسی، اقتصادی، نظامی»، «تغذیه اصلی نشریات سالانه» (فعالتهای کمکی و تجاری کشورهای کمونیستی در کشورهای رو به رشد جهان آزاد) را فراهم می‌آورد. در تحقق بخشیدن به شرایط این بخش از CERP - ۰۰۲ واحدها باید به یاد داشته باشند که وزارتخانه ترجیح می‌دهد فشرده وقایع و اطلاعات را بدست آورد و به گزارش مفصل پیرامون موارد موجود نیازی ندارد. چون CERP - ۰۰۲ جایگزین گزارش هشدار دهنده در موارد رخدادهای مهم سیاسی، اقتصادی، نظامی یا فرهنگی نخواهد شد. وقایع و رخدادهای مهم باید به محض وقوع تعبیر و تفسیر و گزارش شوند.

۳ - اطلاعات که در بخش اول ارائه می‌گردند باید دارای طبقه‌بندی شامل سری غیر قابل رؤیت برای بیگانگان باشند. لطفاً مشخص کنید که مثلاً پاراگرافی دارای طبقه‌بندی متفاوت با طبقه‌بندی کلی گزارش می‌باشد. هرچه اهمیت طبقه‌بندی کمتر باشد بهتر است. واحدها به منظور تهیه بخش یکم می‌توانند از کتابچه اطلاعاتی ER 77 ۱۰۱۳۸ تحت عنوان «کمکهای کمونیستی به کشورهای رو به رشد جهان آزاد در سال ۱۹۷۶» استفاده نماید.

۴ - در سال گذشته واحدها از طریق آن دسته از مقامات سفارت شوروی که در کشور میزبان حاضر شده بودند اطلاعاتی در مورد برنامه‌های کمکی ارائه نمایند، توانسته بودند در مورد برنامه‌های اقتصادی

شوروی اطلاعات با ارزشی بدست آورند. دیگر واحدها نیز با در نظر گرفتن شرایط و محدودیت‌های کشور میزبان می‌توانند به همین منظور با نمایندگان شوروی و دیگر کشورهای کمونیستی ایجاد ارتباط مستقیم نمایند.

۵- بخش یکم. «ارزیابی روابط سیاسی / اقتصادی / نظامی» را تنها در آبیجان، ابوظبی، آکرا، آدیس آبابا، الجزیره، امان، آنکارا، آتن، باماگو، بانجول، بیسائو، چ، بوگوتا، برازیلیا، بوتوس آیرس، بوجومبورا، قاهره، کاراکاس، کلمبو، کوناگری، کوتونو، داکا، داکار، دمشق، دارالسلام، جاکارتا، فریتاون، جورج تاون، اسلام آباد، کابل، کاتماندو، خارطوم، کیگالی، کینگ استون، کینشازا، کوالالمپور، کویت، لاگوس، لاپاز، لیرویل، لیما، لومه، لوکازا، منامی، موگادیشو، ماپوتو، مکزیکوسیتی، مونروویا، مونته ویدئو، نایروبی، نجامنا، دهلی نو، نیامه، نوآک شوت، اوگادوگو، پورت لوئیس، کیتو، رباط، رانگون، صنعا، سانتیاگو، سان خوزه، سنگاپور، آنتاناناریوو، تهران، تریپولی، تونس، والتا، یانونده، باید تهیه نمایند.

۶- به طور مختصر روابط سیاسی، اقتصادی، نظامی را که در طول سال بین کشور میزبان و جهان کمونیست پدید آمده در رابطه با منافع آمریکا مورد تجزیه و تحلیل و ارزیابی قرار دهید. این خلاصه مرور باید تغییرات، تمرکز، روند و دورنمای فعالیت کمونیستی را نیز در نظر بگیرد. اطلاعات ویژه زیر در صورتی که با کشور مورد نظر ارتباط داشته باشد و یا موجود باشد در رابطه با برنامه کمک‌های اقتصادی و نظامی کمونیستی ارائه گردد. (در صورت امکان این اطلاعات را به صورت جدول ارائه نمایید).

کمک اقتصادی

- ارزش کلی به دلار و فهرست پروژه‌هایی که بر اساس قراردادهای جدید کمکی کمونیستی از نظر مالی در سال مزبور تأمین خواهد شد.
- پیشرفت برنامه و پروژه در رابطه با قراردادهای قدیمی و حاضر شامل ارزش تحویل تقریبی به دلار در طول سال.
- تعداد تکنیسینهای اقتصادی کمونیستی در کشور میزبان و در صورت امکان با مشخص شدن کشور کمونیستی و پروژه مربوطه هر تکنیسین.
تعداد و تخصص دیگر تکنیسینهای کمونیست مانند پزشکان، معلمین، مستشاران دولتی و غیره که هزینه‌های مالی آنها از طریق برنامه‌های کمکی تأمین نمی‌گردد.
- حقوقی که از طرف دولت میزبان به تکنیسینهای کمونیست پرداخت می‌شود.
- تعداد و پرسنل کشور رو به رشد که جهت طی دوره آموزشی فنی رهسپار کشور کمونیستی می‌شوند.
البته با در نظر گرفتن کشور کمونیستی مقصد، تخصص، مدت یا دوره آموزش.

کمک نظامی

- ارزش قراردادهای کمک نظامی کمونیستی به دلار و نوع تجهیزاتی که تحویل داده خواهد شد.
جزئیات مربوط به ارزش و نوع تجهیزات نظامی تحویلی در سال مزبور.
- تعداد مستشاران و تکنیسینهای نظامی کمونیست در کشور میزبان.
- تعداد پرسنل کشور رو به رشد که جهت طی دوره آموزشی به کشور کمونیستی خواهند رفت.

- هزینه‌ای که کشور میزبان باید در قبال خدمات و آموزش فنی نظامی کمونیستی متقبل شود.

تجارت

- حجم صادرات به کشور کمونیستی و واردات از کشور کمونیستی (و ترکیبات آنها)
- شرایط قراردادهای جدید و موجود تجاری با کشورهای کمونیستی شامل مدت و شرایط دیگر (از قبیل ارز معتبر یا قرارداد معافیت دوجانبه)
۷- موفقیت و یا شکست برنامه‌های کمونیستی از قبیل مشکلات اجرایی پروژه، موفقیت و یا شکست مذاکرات و اهمیت و اهداف کمیسیونهای بین دولتی را ارزیابی نماید.
۸- علاوه بر نیازهای بخش چهارم الف که در مرجع الف بدانها اشاره شده، پیرامون مطالب زیر نیز گزارش دهید:
- تعداد دانشجویان آکادمیک جدیدی که جهت طی دوره‌های آموزشی هر سال وارد یک کشور کمونیستی می‌شوند.
- تعدادی که دائماً به کشور خود باز می‌گردند.
- تعداد دانشجویان کشورهای رو به رشدی که در پایان هر سال در کشور کمونیستی به سر می‌برند.
ونس

تاریخ: ۲۲ دی ۱۳۵۶
از: سفارت آمریکا در تهران
سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان
به: وزارت امور خارجه
عطف به: (الف) ۷۵ تهران الف - ۲۳۸، (ب) ۷۶ و زارخانه ۲۴۹۱۳۵

موضوع: روابط ایران با کشورهای کمونیستی - ۰۰۲ CERP

خلاصه: (آغاز خیلی محرمانه) افزایش تشنج نشانگر آغاز روابط ایران با شوروی بود و در صمیمیت بیشتر روابط ایران و شوروی در سال ۱۹۷۶ هویداست. روابط ایران با دیگر کشورهای کمونیستی هنوز هم مانند سال پیشین است؛ یعنی از نظر محتوی کم اهمیت لیکن از نظر شکل ظاهری با اهمیت است و به دید و بازدیدها ختم می‌گردد. در سال ۲۵۳۴ میزان کلی تجارت ایران با کشورهای کمونیستی شاهد افزایش ناچیزی بود که علت آن نیز کاهش واردات این کشور از چین و شوروی می‌باشد لیکن تجارت با اروپای شرقی افزایش فاحشی یافت و پروتکل‌های اقتصادی منعقد در سال ۱۳۵۵ با تمام کشورهای کمونیستی نشان دهنده افزایش در تجارت و کمکهای اقتصادی و فنی بود؛ لیکن معادل روابط ایران با کشورهای غربی و بخصوص آمریکا، فرانسه و آلمان غربی نمی‌باشد. ایران ۶۸۰ میلیون دلار قبل از واردات خود به کشورهای اروپای شرقی اعتبار داد بخش اعظم تجارت خود را نیز بر اساس «موازنه حساب» انجام داد. شورویها نیز یک پروژه کارخانه آلومینیم به فهرست چشمگیر پروژه‌های اقتصادی خود در ایران افزودند. قرارداد تسلیحاتی که با شوروی در ماه نوامبر منعقد گردید نشانگر تداوم حضور نظامی شوروی از جنبه تجهیزات و تکنسینها می‌باشد. ایران به دنبال ملاقات فیدل کاسترو با یکی از رهبران کمونیست ایران، در اروپا با کوبا قطع رابطه نمود، لیکن روابط وی با دیگر کشورهای کمونیستی توأم با ثبات است. در سال ۱۹۷۶ روابط فرهنگی آن کشور با بلوک کمونیستی از تأثیر کمتری برخوردار

است. (پایان خلاصه)

ضمائم:

الف: حضور شوروی در ایران.

ب: جدول ۱ - تجارت ایران با کشورهای کمونیستی در سه سال گذشته ۲۵۳۴-۲۵۳۲ (۱ فروردین ۱۳۵۲ تا ۲۹ اسفند ۱۳۵۵)

ج: جدول ۲ - تجارت ایران (از نظر کالاهای مهم) با کشورهای کمونیستی اصلی در سال ۲۵۳۴.

ارزیابی روابط سیاسی - اقتصادی

شوروی

تغییر روابط سیاسی - اقتصادی ایران با جهان کمونیستی از زمان ارائه گزارش سال قبل (نامه هوایی مرجع)، وخامت یافتن روابط سیاسی ایران و شوروی بود، علت آن نیز این بود که ایران فکر می کرد که به خاطر روابط صمیمانه اش با آمریکا از طرف شوروی تحت فشار قرار گرفته است. در پایان سال و در نتیجه اعاده یکی از خلبانان روسی که هواپیمای غیر نظامی در ایران به زمین نشسته بود، این روابط دستخوش بهبود گشت. به همین ترتیب روابط ایران و چین نیز قدری بهبود یافته است و رسانه ها و مقامات دولتی ایران نیز از واقعیت حمایت چین از سیاستهای امنیتی ایران در خلیج فارس و پیشنهاد آن در مورد تبدیل اقیانوس هند به صورت یک منطقه صلح، و تبدیل خاورمیانه به یک منطقه عاری از تسلیحات هسته ای با تأیید سخن می راند.

شورویها ظاهراً طوری وانمود می کنند که از خرید روزافزون تسلیحات توسط ایران از آمریکا بسیار نگران هستند. علیرغم تداوم همکاریهای اقتصادی شوروی و ایران - که در آن یک قرارداد اکولوژیک ثالث در مورد دریای خزر در سپتامبر ۱۹۷۵ منعقد گردید و وزیر دارایی ایران یعنی انصاری از مسکو در سپتامبر ۱۹۷۶ دیدار به عمل آورد و به دنبال آن یک قرارداد ۳ میلیارد دلاری پنج ساله تجاری بین شوروی و ایران در اکتبر ۱۹۷۶ منعقد گردید و هفتمین اجلاس کمیسیون شوروی و ایران در اواسط نوامبر برگزار شد؛ مفسرین سیاسی شوروی در تمام طول تابستان و پائیز ۱۹۷۶ به ایران به عنوان بازپیجه و دست نشانده آمریکا و آلت دست امپریالیسم حمله می کردند. در بیست و پنجمین کنگره حزبی شوروی برژنف از ایران صحبتی به میان نیاورد (و ایرانیها نیز آن را به یاد دارند) و در ماه مه سفیر شوروی از اینکه خطر تروریسم در ایران را به شوروی ربط داده اند به رسانه های گروهی اعتراض نمود. (هنگامی که پلیس یک مخفیگاه تروریستی را کشف نمود، عکسهایی از رهبران شوروی را در آنجا یافت). از طرف دیگر ایرانیها نیز در مورد تجهیز ناوگان پاسیفیک شوروی اظهار نگرانی کرده و حملات اجلاس غیر متعهدها در کلمبو علیه ایران را نیز تحریکات شوروی به حساب آورده اند (تهران ۹۰۹۱ و ۸۹۳۱). علاوه بر این، ایران نیز پیرامون قرارداد تسلیحاتی شوروی با عراق در سال ۱۹۷۶ که براساس آن شوروی تعهد کرده است که به عراق بیش از مقدار تسلیحات خریداری شده توسط ایران از کشورهای غربی سلاح بدهد، تبلیغات بسیاری به راه انداخته است. (در مورد قرارداد مزبور و یا میزان آن هنوز تأییدیه ای بدست نیامده است). آغاز بخش طبقه بندی نشده:

این رنجشهای سیاسی در گسترش تجارت دو جانبه پنج سال گذشته ممانعتی پدید نیاورده است. مبادله تجاری پنج ساله‌ای که در ابتدا گمان می‌رفت معادل ۱ میلیارد دلار باشد به سطح ۱/۶ میلیارد دلار رسید و بر اساس قراردادی که اخیراً منعقد گردید دو برابر شده است. حدود یک میلیارد دلار از قرارداد سال ۱۹۷۶ منحصر به صدور گاز از ایران به شوروی، به عنوان بخش عمده تعهدات پیشین ایران خواهد بود. ۲ میلیارد دلار دیگر شامل کالاهای ساخت ایران و ماشین‌آلات روسی، آهن، فولاد، مواد شیمیایی، چوب، سیمان و کامیون بر اساس معاملات پایاپای خواهد بود. تجارت دوجانبه سال ۲۵۳۴ (که در ۲۹ اسفند سال ۱۳۵۵ خاتمه یافت) معادل ۴۰۲ میلیون دلار بود، در واقع ۱۵/۵ درصد بیش از میزان آن در سال پیشین بود. میزان صادرات ۲۳۲ میلیون دلاری آن کشور به شوروی ۲۸ میلیون دلار افزایش یافت و گاز طبیعی (۱۲۰ میلیون دلار) نیمی از این صادرات را تشکیل می‌داد. لیکن، میزان واردات از شوروی ۳۷/۶ درصد کمتر بود که علت آن نیز ۵۷ تا ۷۰ درصد کاهش در واردات آهن، فولاد و ماشین‌آلات و قطعات یدکی بود که روی هم رفته نیمی از واردات سال ۲۵۳۵ را تشکیل می‌داد واردات مربوط به پروژه‌های زیر در سال جاری ایرانی افزایش خواهد یافت.

آغاز محرمانه: کمکهای اقتصادی و فنی شوروی به اقتصاد ایران ادامه دارد، لیکن به علت فقدان اطلاعات لازم نمی‌توان نسبت افزایش آن را در مقایسه با نفوذ غربی مشخص نمود. ۷۵/الف - ۱۶۹ سفارت گزارشی پیرامون گسترش کارخانه ذوب آهن آریامهر اصفهان از ۷۵۰۰۰۰ تن به ۱/۹ میلیون تن ظرفیت ارائه داد. این پروژه شوروی از نظر ارزش و از نظر پرسنلی بزرگترین پروژه به حساب می‌آید. ضمیمه ۱ که به وسیله سازمان سیا تهیه شده جزئیات حضور شوروی در ایران را با تعیین محل و کار مربوطه مشخص می‌کند. درگیرهای شوروی از نظر تکنیسین و در بعضی موارد تجهیزات (که میزان اعتبار ارائه شده مشخص نیست) در رابطه با پنج واحد سردخانه، پروژه‌های پرورش ماهی، راه آهن، تأسیسات برق رسانی، سیلوهای گندم، خانه‌های پیش ساخته، معادن، نیروگاهها و مدارس آموزش حرفه‌ای ادامه می‌یابد. کارمندان مؤسسه، آموزشی که در مجاورت کارخانه ذوب آهن آریامهر تأسیس شده، روسی و ایرانی هستند و در اواخر سال ۱۳۵۵ تعداد ۲۰۰ نفر از ۶۰۰ نفر آموزش بیننده، پاکستانی بودند که در رابطه با پروژه ذوب آهن شوروی در آنجا آموزش می‌دیده‌اند. پروژه‌های اضافی و یا جدیدی که در رابطه با هفتمین نشست کمیسیون شوروی و ایران در ماه نوامبر در تهران مطرح گردید عبارتند از: خط لوله دوم گاز (ایگات ۲)، کارخانه نیروی حرارتی ۱۲۶۰۰۰ کیلوواتی در اهواز (ساختمان آن آغاز شده)، قرارداد مربوط به احداث یک نیروگاه حرارتی در اصفهان و احداث مجتمع هیدروالکتریک در خداآفرین رودخانه ارس و برقی شدن راه آهن تهران - جلفا - تبریز. به دنبال قرارداد سه جانبه گاز، منعقد در سال ۱۳۵۴ (تهران ۱۱۶۴۰)، یک قرارداد طراحی و مهندسی نیز امضاء گردید و در نتیجه آن شوروی در احداث خط لوله و نیز تهیه کمپرسورها نقش خود را ایفا خواهد کرد. در ماه نوامبر، بین باریت ایران و سوت متپروم اکسپورت قراردادی به امضاء رسید تا بر اساس آن یک کارخانه آلومینیوم سازی ۵۰۰/۰۰۰ تنی به ارزش ۶۰۰ میلیون دلار (۷۶ تهران ۱۱۸۴۸) در ایران احداث گردد. مطبوعات ایران در ماه دسامبر، قرارداد منعقد توسط شوروی را اعلام کردند که بر اساس آن شوروی تعهد کرده است که در ایجاد سازمان عمران صنعتی و بازسازی به ارزش یک میلیارد دلار در منطقه صنعتی اسفراین به دولت ایران کمک کند. هزینه‌های لازم برای ماشین‌آلات و تجهیزات شوروی از طریق قرارداد سه جانبه گاز توسط ایران تأمین

خواهد شد.

بخش اعظم تجارت دوجانبه که شامل جزئی از کمکهای فنی نیز می‌شود، بر اساس «معامله نهاتری» بانک مرکزی انجام می‌شود. یکی از مقامات بانک مرکزی ایران گفت که در اواخر ماه اکتبر بر اساس اعتبار شوروی، حساب تهاتری معادل ۶۰ میلیون دلار بوده است. عدم موازنه ۷ میلیون دلاری نیز سبب خواهد شد که در تصحیح ارز معتبر مشکلاتی پدید آید، ولی شوروی به کرات اجازه داده است که قروض ایران از طریق صدور گاز از بین برود. در ماه اکتبر بانک مرکزی ایران اجازه داد که قروض روی هم انباشته شود، چون قرارداد مزبور بهره‌ای معادل ۲ درصد را مجاز دانسته و شوروی نیز پیرامون این مسئله پافشاری چندانی ننموده است.

روابط نظامی ایران و شوروی

آغاز بخش سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان:

قرارداد تسلیحاتی منعقد بین دولت ایران و شوروی در پایان نوامبر ۱۹۷۶ قابل توجه بسیار است. ارزش این قرارداد به دلار آمریکا معادل ۵۲۸ میلیون دلار است و دولت ایران متعهد شده که آن را به صورت ارز معتبر بپردازد. قبل از تحویل پول پرداخت نخواهد شد و کل ارزش قرارداد نیز در شانزده قسط فصلی پرداخت خواهد شد. یک قرارداد پایاپای گاز و نفت در سالهای آتی منعقد خواهد گردید. تحویل بعضی از تجهیزات در سال ۱۹۷۶ آغاز و در سال ۱۹۷۹ به پایان خواهد رسید. تحویل این تجهیزات از منبع تولیدات جدید خواهد بود.

انواع تجهیزات تحویلی به شرح زیر است: (الف) نفربرهای زرهی (A.P.C) بنابه گزارشها این وسیله‌های نقلیه همان پی ام پی - ۱ های شوروی هستند که دو درب در عقب و دو درب در بالا دارند. هر نفربر دارای یک دستگاه تفنگ ۷۳ میلیمتری است که موشکهای پره‌دار شلیک می‌کند. علاوه بر این هر یک از آنها دارای یک موشک ضد تانک مشابه ۱۱-۶۶ می‌باشند که در بالای نفربرها تعبیه شده است. هر نفربر دارای سه خدمه اصلی (فرمانده، راننده و توپچی) است، معمولاً هشت نفر نیروی پیاده را می‌تواند در خود حمل کند. (ب) «استرلا» (یا سام - ۷) موشک سام حمل شونده بر روی شانه از نوع ۲-ام دارای اشعه مادون قرمز سردار نوع جدید. (ج) کامیونهای مخصوص حمل و نقل تانک، که پانصد دستگاه از آنها که احتمالاً از نوع مار هستند به این کشور تحویل داده خواهد شد. (د) توپهای ۱۳۰ میلیمتری با مقدار زیادی مهمات. (ه) چند وسیله نقلیه تاکتیکی هشداردهنده نیروی دریایی. (و) قطعات یدکی، سیمولاتورها، اهداف و خط پشتیبانی نیز در اجناس تحویلی وارد خواهند شد.

برنامه کمک نظامی شوروی در ایران مسئولیت آموزش ایرانیها را در تعمیر و نگهداری تجهیزات حمل و نقل و مهندسی روسی داده شده به نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران بر اساس قراردادهای پیشین شوروی و دولت ایران، به عهده دارد. بنا به گزارشها هر پرسنل آموزش دهنده روسی که بخواهد بر اساس قراردادهای جدید به افراد ایرانی آموزش دهد علاوه بر احتساب خرج رفت و آمد به شوروی ماهانه ۱۵۰۰ دلار هزینه لازم دارد.

در حال حاضر حدود ۱۲۰ متخصص نظامی شوروی از طریق برنامه کمک نظامی شوروی در ایران به سر می‌برند. آنها در مکانهایی از قبیل کارخانه بابک (پروژه تعمیر و نگهداری وسائط نقلیه در حومه

تهران)، مرکز توپخانه اصفهان و گروه لجستیکی نیروی زمینی شاهنشاهی ایران به کار مشغول هستند.

جمهوری خلق چین - آغاز خیلی محرمانه:

روابط ایران و چین هم هنوز هم ناشی از نگرانی دولت ایران در رابطه با شوروی است. درگیری ایران در رقابت بین چین و شوروی شامل کنار گذاشتن محتاطانه چین در برابر عظمت شوروی است. سمبل افزایش هماهنگی سیاسی بین ایران و چین بازدید ۲۱ ژوئیه تا ۲ اوت شاهزاده اشرف از چین می‌باشد (تهران ۸۰۸۵). شاهزاده در این سفر از اهمیت بسیار برخوردار بود و موفق شد به عنوان اولین فرد خارجی از سال ۱۹۴۹ به این سو، از تبت دیدار نماید. بسیاری از ناظران این سفر را نوعی ضد تعادل در مقایسه با سفر نخست وزیر هویدا و ولیعهد رضا به مسکو می‌دانند و واضح است که ایران آگاهانه سعی کرده است در روابط خود با دو قدرت بزرگ کمونیستی در سالهای گذشته نوعی تعادل پدید آورد. از طرف دیگر، این سفرها دارای ارمغان چندانی نبوده است. در رابطه با هیئت تجاری ایران که در ماه ژوئن به چین گسیل شده بود قراردادی امضاء گردید و بر اساس آن در تجارت دوجانبه ۳۰ درصد افزایش پدید خواهد آمد. صادرات ایران، نفت، محصولات شیمیایی و مواد غذایی مشخص گردید؛ چین نیز به این کشور منسوجات، محصولات کاغذ، ابزار ماشین آلات و پولاد خواهد فروخت. تجارت دوجانبه با سطح ۸۴/۱ میلیون دلار در سال ۲۵۳۴ معادل ۳۳ درصد کاهش یافت که ناشی از کاهش ۷۹ تا ۳ میلیون دلاری واردات آهن و پولاد ایران بوده است. صادرات پنبه ایران از سطح ۲۰/۴ میلیون دلار به سطح ۲۲/۴ میلیون دلار رسید. این تجارت نیز بر اساس «حساب تهاتری» انجام می‌گیرد و تفاوتها نیز به دلار پرداخت می‌گردد.

کشورهای اروپای شرقی - آغاز بخش محرمانه:

دیدارهای رسمی که بین این کشور و کشورهای اروپای شرقی انجام شد سبب انعقاد پروتکل‌های تجاری با بلغارستان، چکسلواکی جمهوری دموکراتیک آلمان، مجارستان، لهستان و رومانی گردید و موجب شد که دولت ایران قبل از مبادرت به ورود کالاها اعتبار صادر نموده و همکاریهای فنی و اقتصادی با ایران را تسریع بخشد. تمام پروتکلها خواستار افزایش چشمگیر در سطح تجارت دوجانبه گردیدند. در صورت بروز مشکلاتی از قبیل تبدیل ارز ایران می‌تواند از نظر مواد غذایی و مصنوعات به این کشورها متکی باشد چون معاملات تجاری به صورت تهاتری انجام می‌شود. تجارت دوجانبه ایران با شش کشور مزبور در سال ۲۵۳۴ شاهد ۹۶ درصد افزایش بود (یعنی از ۲۰۰/۵ میلیون دلار به ۳۹۳/۵ میلیون دلار رسید). عدم موازنه نیز در رابطه با ایران رو به وخامت نهاد و از نسبت $\frac{۳}{۴}$ به $\frac{۵}{۷}$ در سال ۲۵۳۴ رسید. اما تمام این کشورها علاوه بر این بار دیگر در نمایشگاه تجاری بین‌المللی ایران شرکت جستند.

بلغارستان: در نهمین اجلاس کمیسیون مشترک ایران و بلغارستان در زمینه همکاریهای فنی و اقتصادی که در صوفیه صورت گرفت، تسلیمی، وزیر بازرگانی دولت ایران، پروتکلی را امضاء کرد که کمی بعد از آن هنگام سفر رئیس جمهور تودورف به تهران همین پروتکل بار دیگر امضاء گردید. گذشته از فهرست پروژه‌های متعددی که در ایران با همکاری بلغارستان احداث می‌گردد، مهمترین این پروژه‌ها شامل افزایش تجارت دوجانبه از سطح ۶۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۵ به ۱۳۰ میلیون دلار در سال

۱۳۵۶ می باشد و علاوه بر این دولت ایران در رابطه با یک مجتمع کشاورزی، اعتباری معادل ۱۵۰ میلیون دلار صادر کرده است تا گوشت تازه، پنیر و تخم مرغ در دراز مدت به ایران صادر شود. امکان دارد که دولت ایران به طور مساوی در سهام این مجتمع کشاورزی شرکت نماید.

چکسلواکی: تجارت دوجانبه که قبلاً معادل ۵۴/۸ میلیون دلار بود، در سال ۲۵۳۴ شاهد ۴۱ درصد افزایش بود و ماشین آلات، آهن و فولاد صادرات مهم این کشور را به ایران تشکیل می داد. پروتکلی که در ماه ژوئن ۱۹۷۶ منعقد گردید خواستار ۵۵ درصد افزایش در سطح تجارت دوجانبه که معادل ۱۰۰ میلیون دلار است برای سال آتی گردید. کارخانجات چکسلواکی ۶۰ درصد صادرات این کشور به ایران را به خود اختصاص داده اند. پس از آن یک هیئت نمایندگی چکسلواکی به منظور بالا بردن همکاری در زمینه کشاورزی به ایران سفر کرد و بعدها رئیس جمهور استروگال همراه یک هیئت اقتصادی بزرگ به این کشور سفر نمود. مهمترین واقعه ای که در روابط دو کشور روی داد، قرارداد ۱۲ نوامبر بود که از طریق آن ایران می بایست سالانه ۳/۶ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی از سال ۱۹۸۱ به این کشور بفروشد. به همین دلیل چکسلواکی نیز در قرارداد سه جانبه گاز ایران عضو گردید (به ۷۶ تهران ۱۱۵۷۵ مراجعه نمایید). جمهوری دموکراتیک آلمان: اولین ملاقات کمیسیون مشترک همکاریهای اقتصادی، تکنولوژیکی و علمی در ماه سپتامبر در برلن صورت گرفت. نجم آبادی وزیر صنایع و معادن سرپرستی هیئت ایرانی را به عهده داشت و این ملاقات به دنبال سفر ریاست شورای وزیران آلمان شرقی سیندرمان در دسامبر ۱۹۷۵ (تهران ۱۱۷۶۷) و سفر هیئت نمایندگی این کشور به سرپرستی ریاست دولت و ریاست کمیسیون برنامه ریزی آلبرشت در آوریل ۱۹۷۶ به ایران صورت گرفت. پروتکل ماه سپتامبر گذشته از مسائل دیگر خواستار صدور کالاهای یخزده توسط قطار از آلمان شرقی و کمک این کشور در احداث چند سردخانه در ایران گردید. در آن زمان IDR با شرکت زایس آلمان شرقی قراردادی در زمینه همکاری در تولید وسایل دقیق میکروسکوپ در ایران منعقد گردانید لیکن تجارت دوجانبه این دو کشور دارای اهمیت چندانی نیست و در سال ۲۵۳۴ معادل ۱۲/۱ میلیون دلار می باشد.

مجارستان: پوجا، وزیر خارجه مجارستان در ماه فوریه به ایران سفر کرد و قراردادهایی در زمینه همکاریهای فرهنگی و تجاری امضاء کرد. (۷۶ تهران ۹۵۴) قرار است مجارستان در چند پروژه کشاورزی ایران همکاری نماید. تجارت دوجانبه که قبلاً ۵۸/۴ میلیون دلار بود در سال ۲۵۳۴ معادل ۸۱ درصد افزایش یافت.

لهستان: به دنبال سفر ماه آوریل معاون وزیر تجارت بین المللی کاستجوسکی، وزیر کشتیرانی و تجارت اولزوسکی در ماه دسامبر به سرپرستی هیئتی در اجلاس مشترک وزیران دو کشور شرکت جست. پروتکل اقتصادی منعقد، قرارداد سه ساله پیشین را تمدید نموده و به همکاری با ایران و بازارهای کشور ثالث تأکید بسیار نهاد. مشارکت لهستان در صنعت ایران شامل منسوجات، کشتی سازی، معادن زغال سنگ و مواد پتروشیمی می باشد. بنا به گزارشها لهستان ۲۵۰ دستگاه اتوبوس و ۲۰۰۰۰ دستگاه یخچال از ایران خریداری نموده است. در سال ۲۵۳۴ قبل از مبادرت به ورود کالاهای ایران ۱۰۰ میلیون دلار اعتبار (با نرخ ۶ درصد) به این کشور داد و برای سال ۲۵۳۵ نیز ۱۰۰ میلیون دلار اعتبار دیگر در نظر گرفت.

رومانی: به عنوان یکی از مهمترین طرفهای تجاری ایران در اروپای شرقی، روابط اقتصادی این کشور

در سال گذشته توأم با فعالیت بسیار چشمگیری بود. ایران ۴۲۰ میلیون دلار اعتبار ماقبل واردات با نرخ ۵/۲۵ درصد بهره صادر نمود. در هنگام سفر رئیس جمهور چائوشسکو در اواخر سال ۱۳۵۵ شاه بر اساس یک تصمیم سیاسی تمام امتیاز ۶ میلیون دلاری خرید واگنهای قطار را به رومانی اعطا کرد (۵۷ تهران ۱۱۷۸۵) به دنبال سفر نخست‌وزیر مانسکو (۷۶ تهران ۵۳۵۷) در ماه نوامبر دوازدهمین اجلاس گردید. پروتکل منعقدہ خواستار افزایش تجارت دوجانبه به سطح ۷۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۶ و یک میلیارد دلار در سال ۱۳۵۹ گردید که شامل بسیاری از کالای رومانی و نفت ایران که در ازای آنها بود می‌شد. قرار شد که رومانی در رابطه با چند پروژه از قبیل موتورهای الکتریک، کارخانه سیمان، کارخانه کربنات سدیم و برق‌رسانی، با این کارخانه در ایران همکاری نماید. تجارت دوجانبه به استثناء نفت به سطح ۱۴۹ درصد یعنی ۱۷۷/۴ میلیون دلار در سال ۲۵۳۴ رسید و این کشور را در زمره دومین کشور بزرگ دارای رابطه تجاری با ایران بعد از شوروی قرار داد.

آغاز بخش خیلی محرمانه: روابط ایران با نیروهای ضعیفتر کمونیستی، مشابه روابط این کشور در سال گذشته است. در ماه ژانویه معاون وزیر خارجه ویتنام شمالی یک سفر حسن نیت به ایران انجام داد لیکن در زمینه برقراری روابط دیپلماتیک توافقی صورت نگرفت. درباره همکاریهای نفتی توافق گردید لیکن از جزئیات آن اطلاعی در دست نیست. گزارش مطبوعات در ماه ژوئن حاکی از آن بود که DIRK ۱۰۰ دستگاه برنجکاری به ایران خواهد فروخت. پروتکلی که در اواسط سال ۱۹۷۵ امضاء گردید، بر حسب اتفاق نتوانست ۲۰۰ میلیون دلار اعتبار جنجال برانگیز را تولید نماید (۷۶ تهران ۱۰۰۹۲). در ماه اوت هویدا، نخست‌وزیر ایران به مغولستان سفر کرد و با یک قرارداد گسترش همکاریهای اقتصادی تجاری، علمی و فنی به ایران بازگشت.

آغاز بخش طبقه‌بندی نشده: تجارت کلی با کشورهای کمونیستی به استثنای نفت و کالای تجاری (جزئیات نامعلوم) در سال ۲۵۳۴، ۹/۷ درصد افزایش و به سطح ۸۸۰/۵ میلیون دلار رسید. واردات ایران ۳/۹ درصد و صادرات آن ۲۲/۱ درصد افزایش یافت لیکن از نظر نسبی این تجارت دوجانبه مرکب کاهش پیدا کرد. کالاهای وارداتی ایران از کشورهای کمونیستی تنها ۴/۸۵ درصد کل واردات ایران را تشکیل داد که در سال ۲۵۳۳ معادل ۸/۲ درصد بود. اهمیت نسبی این کشورها به عنوان بازار صادرات ایران از ۳۶/۳ درصد به ۴۲/۶ درصد افزایش یافت. جزئیات مربوط به این تجارت و کالاهای اصلی در جدولهای ضمیمه ب و ج آمده است.

II عضویت در حزب کمونیست محلی

در اطلاعات تهران الف - ۱۷۱ تغییری پدید نیامده و اظهارنظرها نیز به جای خود باقی است.

III روابط دیپلماتیک، کنسولی و نمایندگی تجاری با کشورهای کمونیستی

آغاز بخش خیلی محرمانه: بدون تبلیغات در مورد ملاقات فیدل کاسترو با ایرج اسکندر (اسکندری - م) دبیر کل تحت پیگرد قانونی حزب توده (کمونیستی)، ایران در ۷ آوریل ۱۹۷۶ با کوبا قطع رابطه نمود. علت این قطع رابطه نیز نه تنها ملاقات کاسترو - اسکندر، بلکه ناخشنودی شاه از نقش کوبا در آنگولا و عصیان ظفار بود.

IV مبادلات فرهنگی و آموزشی

آغاز بخش محرمانه: روابط فرهنگی فی مابین ایران و کشورهای کمونیستی از فعالیت و اهداف چندانی برخوردار نیست، اهمیت این روابط در سال ۱۳۵۵ کمتر از سالهای قبل بود. مبادلات فرهنگی و آموزشی این کشور با شوروی بیش از روابط آن با دیگر کشورهای کمونیستی حائز اهمیت است، لیکن مبادلات این کشور به شوروی نیز دارای محدودیتهایی می باشد. شوروی مجاز نیست که به یک برنامه مهم فرهنگی مداوم در ایران مبادرت ورزد. وابسته فرهنگی شوروی در مقام شکوه به ریاست امور فرهنگی سفارت گفت که او سعی کرده بود به منظور ایجاد یک مرکز فرهنگی یک ساختمان را خریداری یا اجاره نماید و حتی حاضر شده بود که تسهیلات موجود خود را تعمیر نموده بهبودی در وضع آنها پدید آورد، لیکن به وی اجازه این کارها داده نشد.

برنامه فرهنگی وی شامل چند فیلم کلاسهای زبان روسی که در آن فقط چند نفر که اکثر آنها از اتباع غیر ایرانی هستند ثبت نام کرده اند و بازیهای ورزشی می باشد. ظاهراً به شوروی اجازه داده شده که سالی یک بار یک جشن فرهنگی برگزار سازند که آنها نیز سعی می کنند به کمک مطبوعات و رسانه ها بهترین بهره برداری را بنمایند. سال گذشته نمایشگاهی از گنجینه هنری موزه هر میتاژ لنینگراد برگزار و از نظر هنری و تبلیغاتی نیز موفقیت بسیار به همراه داشت. در سال ۱۳۵۵ جشن مهمی برگزار نشد. آمد و شد گروههای ورزشی بسیار مشهور کشورهای بلوک شرق به ایران ادامه داشت که عبارتند از: فوتبال، وزنه برداری، کشتی و واترپلو. تأثر عروسکی مرکزی شوروی به ایران سفر کرد و مدت چهار روز در تالار رودکی برنامه اجرا کرد که با استقبال روبرو شد. یک گروه کوارتت و چند سولونیست نیز چند روز برنامه های کوتاهی اجرا کردند. یک کمیته علمی مشترک ایران و شوروی به نام کمیته فردوسی، برای اولین بار در مطبوعات اعلام کرد که به دو دانشمند روسی جوایزی داده است که یکی از آنها مجیدوف است که شاهنامه (اشعار حماسی فردوسی شاعر ایرانی قرن دهم) را به زبان روسی ترجمه کرده و دیگری بوریس پتروسکی است که به علت تحقیق در مورد «آثار ایرانی در مجموعه هر میتاژ» این جایزه را دریافت کرده است.

در رابطه با مبادلات آموزشی یک واقعه مهم رخ داد. البته در الگوی اعطای کمک هزینه تحصیلی از طرف شوروی تغییر پیدا نشده است (تعداد آن سالی ۱۲ کمک هزینه می باشد)، که اکثر آنها نیز داوطلب تحصیل ندارد؛ ولی در مورد مبادلات آموزشهای حرفه ای اقدامات وسیعی صورت گرفته است. آماري که به طور غیر رسمی از وزارت علوم و آموزش عالی در مورد تعداد دانشجویان ایرانی در خارج برای سالهای ۵۶-۱۳۵۵ گرفته شد، نشان می دهد که ۲۱۲۶ دانشجو در کشورهای بلوک شرق قرار دارند که البته تحت عنوان «کشورهای دیگر» جای داده شده اند و به معنی آن است که کشورهای نامبرده در بیلان نمی باشند. به سفارت گفته شد که این دسته به معنی کشورهای بلوک کمونیستی است گرچه خود بیلان چنین نمی گوید. بنا به گفته یکی از مقامات وزارت علوم (محمدعلی طوسی، معاون وزیر علوم و آموزش عالی، حفاظت شود) که یک نسخه از بیلان را همراه با اظهار نظرهای خود در اختیار ما قرار داده بود گفت اکثر این افراد تکنسینهایی هستند که باید در کارخانه ذوب آهن روسی اصفهان مشغول به کار شوند و به شوروی رفته اند تا در این زمینه آموزشهای لازم را ببینند.

قابل توجه این است که چینیه‌ها در سال ۱۳۵۵ هیچ فعالیتی نداشته‌اند. در سال ۱۳۵۴ کار چندانی انجام ندادند لیکن در سال ۱۳۵۳ بخش عظیمی از هنر مدرن و سنتی چین را در دانشگاه تهران به نمایش گذاردند. هفت روزنامه‌نگار ایرانی به دعوت جمهوری خلق چین از این کشور در ماه اکتبر دیدار به عمل آوردند و آژانس خبری جدید نیز برنامه‌ریزیهای آنها را به عهده گرفت.

روابط ایران با کشورهای کمونیستی اروپای شرقی با روابط این کشور با شوروی تفاوت چندانی نداشت. مهمترین رخدادهای این‌گونه‌ای، سفر تیمهای ورزشی بود. تیمهای فوتبال، کشتی، والیبال و واترپلو به لهستان، بلغارستان و مجارستان و رومانی آمد و شد نمودند. سه گروه تأثیر عروسکی یکی از بلغارستان و دو گروه از رومانی به این کشور سفر کردند. (که یک گروه از مولداویا و دیگری مجارستانی زبان اهل ترانسیلوانیا بود). هنرمندان اروپای شرقی و افراد موسیقیدان نیز به ایران سفر می‌کردند لیکن واقعه مهمی رخ نداده است. گویا وزارت علوم و آموزش عالی در مورد کمک‌هزینه‌های دانشگاهی ارائه شده توسط کشورهای اروپای شرقی اطلاعاتی در اختیار ندارد و یا مایل نیست آنها را در اختیار ما قرار دهد. ولی بدون شک این اطلاعات در اختیار آژانسهای دولت ایران که با دفتر حفاظت منافع آمریکا در ارتباط نیستند قرار دارد.

جوامع کشورهای شوروی و اروپای شرقی طبق معمول در فستیوال فیلم فصل (اکتبر تا نوامبر ۱۹۷۶) فعالانه شرکت داشتند. شرکت کنندگان اروپای شرقی، بخصوص از لهستان و چکسلواکی، فیلمهایی در رابطه با کودکان و نوجوانان در فستیوال بین‌المللی فیلم نشان دادند و هر دوی آنها نیز برندگان جایزه اعلام شدند. در پنجمین فستیوال فیلم بین‌المللی چند فیلم سینمایی کشورهای بلوک به رقابت پرداختند و جوایز اول به کارگردان روسی نیکیتیا میخالکف (به خاطر کارگردانی وی در فیلم «برده عشق») و به یک هنرمند زن مجارستانی به عنوان بهترین هنرمند اعطا گردید. هفته فیلم شوروی نیز هیجان چندانی پدید نیاورد و علت آن نیز احتمالاً این بود که دولت ایران دستور داده بود تبلیغات زیادی در این زمینه به راه انداخته نشود و فیلمهایی به زبان فارسی دوبله نشوند و در خارج از تهران نیز به آنها اجازه نمایش داده نشد. البته در تلویزیون ملی ایران که در ماه اکتبر ۱۹۷۶ افتتاح گردید، فیلمهای روسی، بخصوص فیلمهای رنگی باله به نمایش گذاشته شد.

ب - اطلاعات و فعالیتهای فرهنگی غیر از مبادلات

فعالیتهای کشورهای کمونیستی در بخش اطلاعات، مانند قبل ادامه داشت و اکثر آن از بخش مطبوعاتی سفارت شوروی که تنها کشور دارای دیپلماتهای متخصص در زمینه اطلاعات است اقتباس شده بود. شورویها هنوز هم هر ماه به انتشار یک نشریه ۵۰ صفحه‌ای به نام «اخبار» به زبان فارسی و به صورت تقریباً درجه اول و رنگی ادامه می‌دهند. مطالب این مجله بیشتر به زندگی در شوروی و نهادهای این کشور می‌پردازد و گهگاهی نیز در مورد ایران مقاله‌ای درج می‌کند. «خانه فرهنگی ایران و شوروی» علاوه بر این، یک نشریه فارسی زبان ادبی در هر فصل به نام «پیمان» منتشر می‌کند. بخش مطبوعاتی سفارت شوروی یک بولتن استاندارد نیز تهیه می‌کند ولی هیچ‌گاه آن را در مطبوعات محلی منتشر نمی‌سازد. فعالیتهای مخفی رادیویی از سال گذشته دچار تغییراتی نشده است. میکوس

ضمیمه الف تهران الف - ۷

سری

حضور شوروی در ایران - نوامبر ۱۹۷۶

طبق اظهارات دولت ایران کل تعداد پرسنل رسمی آژانسهای دولتی شوروی در این کشور ۳۲۵ نفر می باشد و با این وصف گمان می رود که تعداد آنها در سال ۱۹۷۶ به میزان ۲۵ نفر افزایش یافته باشد. چون این رقم وابستگان آنها را شامل نمی شود، برای در نظر گرفتن همسران آنها این رقم دو برابر خواهد شد و برای در نظر گرفتن تعداد فرزندان آنها نیز می توان ۱۰۰ نفر به آنها اضافه کرد که رقم کلی به ۸۰۰ نفر خواهد رسید.

حضور رسمی در جدول زیر نشان داده شده است.

سفارت شوروی

تهران

اداری

۷۱

بخش کنسولی

۷

دفتر وابسته نظامی

۸

دفتر مشاوره اقتصادی

۲۶

نمایندگی بازرگانی شوروی

۶۷

بیمارستان شوروی

۶۸

خبرگزاری تاس

۲

اُتروفوت

۵

اینگستراخ (شرکت بیمه دولتی شوروی)

۵

بانک ایران و روس

۵

ایرسوت (کمپانی خصوصی مشترک ایران و شوروی)

۷

۲۷۱

جمع پرسنل در تهران

اصفهان:

۱۹

سرکنسولگری شوروی

۲

بانک ایران و شوروی

رشت:

۱۰

سرکنسولگری شوروی

تبریز:

۱

نمایندگی بازرگانی شوروی

۱

اینگستراخ

مشهد:

۱

اینگستراخ

بندر پهلوی:

۴	مورفلوت (آژانس تجاری دریایی شوروی)
۷	ایرسوت
۲	نمایندگی بازرگانی شوروی
	جلفا:
۶	ایرسوت
	نوشهر:
۱	ایرسوت

۵۴ جمع کل پرسنل خارج از تهران

۳۲۵ جمع کل پرسنل شوروی در ایران

برنامه کمک نظامی شوروی در ایران، مسئولیت آموزش ایرانیها را در نحوه استفاده و تعمیر و نگهداری توپخانه، تجهیزات حمل و نقل و مهندسی ارائه شده توسط شوروی به نیروهای ایرانی به عهده دارد. در حال حاضر حدود ۱۲۰ نفر متخصص نظامی در مناطقی چون کارخانه بابک (پروژه تعمیر و نگهداری وسائط نقلیه در حومه تهران)، مرکز توپخانه اصفهان، و گروه لجستیکی نیروی زمینی شاهنشاهی ایران به کار مشغول هستند. گروهی از متخصصین خانه‌های پیش ساخته روسی نیز در تهران، کرمانشاه، اهواز و جلفا در رابطه با همین پروژه سرگرم کار می‌باشند. دفتر مشاور اقتصادی که به سفارت شوروی وابسته است ولی در واقع مطیع کمیته دولتی روابط اقتصادی خارجی در مسکو می‌باشد، در مورد تمام پروژه‌های کمکی نظامی و اقتصادی شوروی در ایران سمت نظارت دارد. کنترل تمام متخصصین و پروژه‌های شوروی در ایران از طریق یک گروه مدیریت (در تهران) که دارای ۱۰۰ کارمند است اعمال می‌گردد. پروژه‌های تحت کنترل این دفتر حوزه وسیعی از فعالیتهای ایران و شوروی را در رابطه با بانکداری، بیمه، ذوب آهن، گاز و نفت، نیروگاهها، معادن، اکتشاف معادن، زغال سنگ، ماهیگیری، احداث سیلوهای گندم و سردخانه، برق‌رسانی به راه آهن، پروژه خانه‌های پیش ساخته و مراکز آموزش حرفه‌ای در بر می‌گیرد. فهرست زیر نشان‌دهنده پروژه‌های مهم شوروی با رقم تقریبی تعداد پرسنل و تغییراتی که از زمان ارسال آخرین گزارش صورت گرفته (الف - ۲۳۸، ۲۶ نوامبر ۱۹۷۵، ضمیمه الف) می‌باشد.

کارخانه ماشین سازی اراک - با گسترش یافتن این کارخانه در سالهای ۱۹۷۵/۷۶ پرسنل بیشتری مورد نیاز گردید و احتمالاً در حال حاضر ۳۵ تکنیسین روسی در این کارخانه سرگرم کار هستند.

معادن زغال سنگ - در دسامبر ۱۹۷۵ نیاز پرسنلی شوروی افزایش و تعداد آنها در این رابطه به ۴۱۰ نفر رسید.

سردخانه - تا ژانویه ۱۹۷۶ تعداد ۷۶ متخصص روسی در مورد پنج سردخانه موجود مشغول به کار بوده‌اند.

پرورش ماهی - به علت افزایش شش تأسیسات در پرورش ماهی مشترک ایران و شوروی، تعداد متخصصین روسی حداقل به سطح ۲۵ نفر افزایش یافته است.

خط لوله گاز و نفت - در دسامبر ۱۹۷۵ بین ایران، آلمان غربی و شوروی یک قرارداد گاز منعقد گردید. به علت احداث خط لوله مربوطه، تعداد ۲۰۰ متخصص روسی حاضر بدون شک تا پایان سال ۱۹۷۶

افزایش خواهد یافت.

سیلوی گندم - چهار سیلوی گندم در اواخر ۱۹۷۵ (در میانه، شاه گارد، داراب و بردجان) افتتاح گردید و سه سیلوی دیگر در (ساری، سمنان و فسا) در دست ساختمان است و منطقه احداث سه سیلوی دیگری نیز احداث شده است. تنها رقم موجود در مورد متخصصین روسی مشغول به کار در این پروژه‌ها رقم ۲۵ نفر است.

پروژه‌های مسکن - تا سپتامبر ۱۹۷۶ تعداد ۱۵۰ متخصص روسی در رابطه با خانه‌های پیش ساخته که عظیمترین آن پروژه خانه‌های پیش ساخته آریاشهر اصفهان است، مشغول به کار بوده‌اند. متخصصین نظامی شوروی نیز در پروژه خانه‌های پیش ساخته برای نیروهای مسلح ایران در تهران سرگرم کار می‌باشند.

معادن - در تعداد ۱۶۰ نفر متخصص روسی مشغول به کار به عنوان مشاور و تکنیسین در صنعت معادن و یا به عنوان محققین منابع در سال ۱۹۷۵ تغییری پدید نیامده است.

نیروگاهها - علاوه بر نیروگاه اهواز، کار احداث نیروگاه اصفهان نیز آغاز شده است. با این وصف حدود ۲۲۹ متخصص شوروی بر روی این پروژه‌ها کار می‌کنند.

راه آهن - پس از امضای قرارداد برق رسانی راه آهن تبریز - جلفا در اوایل سال ۱۹۷۶ حدود ۵۰ متخصص روسی در تبریز و مرند رؤیت گردیدند. لیکن گمان می‌رود که ۵۰۰ مهندس و متخصص روسی در مورد این پروژه به کار مشغول شوند. (تبصره کنسول آمریکا در تبریز معتقد است که تعداد کنونی تکنسینهای روسی ۱۵۰ نفر است که اکثر آنها در مرند به کار مشغول هستند).

ذوب آهن - ذوب آهن آریامهر در اصفهان ۱۵۸۶ متخصص روسی را به خود اختصاص داده است. در اواخر سال ۱۹۷۵، دستور افزایش تولید صادر و در مارس ۱۹۷۶ این کارخانه به طور کامل پیاده شد. در آوریل ۱۹۷۶، ۳۸۶ متخصص روسی دیگر به کار در این ذوب آهن مشغول شدند.

مراکز آموزش حرفه‌ای - در ۱۶ مدرسه آموزش حرفه‌ای که به وسیله وزارت آموزش و پرورش ایران و شوروی به طور مشترک اداره می‌گردد حدود ۷۰ متخصص روسی مشغول به کار هستند. بر اساس ارقام و برآوردهای موجود از پرسنل روسی مستقر در پروژه‌های متعدد اقتصادی و نظامی کل پرسنل این کشور در ایران ۳۲۳۶ نفر می‌باشد. برای در نظر گرفتن تعداد همسران آنها این رقم دو برابر شده و علاوه بر ۸۰۰ پرسنل سفارت شوروی، حضور شوروی در ایران به سطح ۷۲۷۲ نفر می‌رسد. گرچه این برآورد محافظه کارانه به نظر می‌رسد، ولی این ارقام نشان می‌دهد که ۱۶۳۳ نفر یا ۲۹ درصد به پرسنل شوروی در ایران اضافه شده‌اند.

تجارت ایران با در نظر گرفتن کالاهای اصلی با مهمترین شرکای کمونیستی

در سال ۲۵۳۴ (۲۱ مارس ۱۹۷۵ تا ۲۰ مارس ۱۹۷۶)

۱ - شوروی			
واردات از شوروی	میلیون دلار آمریکا	صادرات به شوروی	میلیون دلار آمریکا
کل واردات غیر نظامی	۱۶۹/۳	کل صادرات	۲۳۲/۳
محصولات آهن و فولاد	۳۵/۴	گاز طبیعی حاصل از چاه نفت	۱۲۰/۱
روغن آفتابگردان	۱۸/۲	سرب، روی و دیگر فلزات	۲۱
کودهای شیمیائی	۱۵/۹	صابون و بودرهای رختشویی	۱۵/۸

شوروی «شرق تجاوزگر» □ ۷۳۱

۱۳/۸	میوه خشک شده	۱۳/۷	ماشین آلات و قطعات یدکی آنها
۱۳/۲	کالاهای بافتنی	۱۲/۱	چوب، و محصولات آن
۱۷/۵	غیره	۹/۹	وسائط نقلیه غیر از راه آهن
		۵۴	کاغذ و تخته کاغذ
		۲۷	غیره....

۲ - جمهوری خلق چین

میلیون دلار آمریکا	صادرات به چین	میلیون دلار آمریکا	واردات از چین
۲۲/۴	کل صادرات	۶۱/۷	کل واردات غیر نظامی
۲۰/۴	پنبه خام	۲۰/۵	شکر
۱/۴	آلومینیوم خام	۵/۶	محصولات سرمایه‌یک
۰/۶	غیره	۳/۸	ماشینهای خیاطی و دیگر ماشین آلات و قطعات
		۲/۹	محصولات آهن و فولاد
		۲/۹	ترکیبی از فلزات پایه
		۲/۱	فرش، زیلو و کاردستی
		۱/۸	چای، قهوه و ادویه جات
		۱/۳	رنگ مو، رنگ نقاشی، رنگ و پاک‌کننده رنگ
		۲۰/۸	غیره

۳ - رومانی

میلیون دلار آمریکا	صادرات به رومانی	میلیون دلار آمریکا	واردات از رومانی
۱۰/۱	کل صادرات غیر نفتی	۱۶۷/۳	کل واردات غیر نظامی
۵/۴	پنبه خام	۲۰/۷	غلات
۱/۲	وسائط نقلیه غیر از راه آهن	۳۹/۰	تراکتور و وسائط نقلیه از راه آهن
۱/۱	کالاهای بافتنی و...	۱۳/۶	محصولات آهن و فولاد
۵/۹	پارچه‌های ابریشمی و یا بافته‌های دیگر	۱۳/۵	گوسفند زنده، بره و مرغ
۱/۵	غیره	۱۳/۲	ماشین آلات و قطعات یدکی مربوطه
		۹/۸	گوشت و انواع گوشت خوراکی
		۹/۴	کود شیمیائی
		۹/۱	محصولات لبنیاتی
		۳۹	غیره

۴ - چکسلواکی

به میلیون دلار	صادرات به چکسلواکی	به میلیون دلار	واردات از چکسلواکی
۱۰/۶	کل صادرات غیرنفتی	۴۴/۲	کل واردات غیر نظامی
۴/۵	پنبه خام	۱۴/۹	ماشین آلات و قطعات مربوطه
۲/۵	میوه خشک شده	۱۳/۶	محصولات آهن و فولاد
۱/۲	پوست و چرم	۴/۳	چوب، الوار و محصولات آن
۰/۸	محصولات بافته شده	۱۱/۴	غیره
۱/۶	غیره		

۵ - مجارستان

به میلیون دلار	صادرات به مجارستان	به میلیون دلار	واردات از مجارستان
۲۳/۳	کل صادرات غیرنفتی	۳۵/۱	کل واردات غیر نظامی
۱۶/۴	پنبه خام	۱۷/۹	محصولات آهن و فولاد
۲/۶	کفش و انواع پاپوش	۲/۹	لبنیات

۱/۳	میوه خشک شده	۲/۷	ماشین آلات و قطعات مربوطه
۰/۳	غیره	۲/۲	گوشت و مواد گوشتی خوراکی
		۱/۹	چرخهای غیرموتوریزه (شامل سه چرخه)
		۷/۵	غیره

۶ - بلغارستان

به میلیون دلار	صادرات به بلغارستان	به میلیون دلار	واردات از بلغارستان
۲/۷	کل صادرات غیرنظامی	۴۳/۱	کل واردات غیرنظامی
۱/۸	کالاهای بافته شده	۱۷/۱	گوشت و مواد خوراکی گوشتی
۰/۹	غیره	۱۰/۵	گوسفند، بره و مرغ
		۴/۳	لبنیات
		۴/۲	محصولات آهن و فولاد
		۲/۲	ماشین آلات و قطعات مربوطه
		۴/۸	غیره

۷ - لهستان

به میلیون دلار	صادرات به لهستان	به میلیون دلار	واردات از لهستان
۹/۴	کل صادرات غیرنظامی	۳۵/۶	کل واردات غیرنظامی
۴	پنبه خام	۸/۹	لبنیات
۱/۸	روی و کرم	۵/۸	ماشین آلات و قطعات مربوطه
۱/۱	جواهر آلات و قطعات مربوطه	۴/۷	کودهای شیمیایی
۰/۹	میوه خشک شده	۴/۲	ماشین آلات و قطعات برقی
۱/۶	غیره	۲/۴	محصولات آهن و فولاد
		۹/۶	غیره

تجارت ایران با کشورهای کمونیستی در سه سال گذشته ۱۳۵۲ - ۱۳۵۴ به میلیون دلار آمریکا

صادرات		واردات										
۱۳۵۴		۱۳۵۳		۱۳۵۲		۱۳۵۴		۱۳۵۳		۱۳۵۲		
درصد واردات	میلیون دلار	درصد واردات	میلیون دلار	درصد واردات	میلیون دلار	درصد واردات	میلیون دلار	درصد واردات	میلیون دلار	درصد واردات	میلیون دلار	
۳/۵	۲۳۲/۳	۲۸/۹	۲۰۴/۲	۲۵/۰	۱۸۲/۸	۱/۴	۱۶۹/۳	۴/۱	۲۷۱/۳	۵/۷	۲۱۴/۷	شوروی
۰/۴	۱۰/۸	۱/۸	۱۲/۸	۱/۹	۱۳/۹	۱/۴	۱۶۷/۳	۰/۹	۵۸/۴	۱/۳	۴۷/۶	رومانی
۰/۴	۱۰/۶	۱/۴	۹/۹	۱/۶	۱۱/۵	۰/۴	۴۴/۲	۰/۴	۲۸/۹	۰/۶	۲۲/۸	چکسلواکی
۳/۲	۲۳/۳	۱/۸	۱۳/۱	۱/۸	۱۳/۴	۰/۳	۳۵/۱	۰/۳	۱۹/۲	۰/۶	۲۱/۰	مجارستان
۱/۳	۹/۴	۰/۹	۶/۱	۱/۴	۱۰/۲	۰/۳	۳۵/۶	۰/۳	۲۲/۱	۰/۴	۱۵/۰	لهستان
۰/۴	۲/۷	۰/۳	۲/۵	۰/۲	۱/۶	۰/۴	۴۳/۱	۰/۴	۲۴/۰	۰/۲	۹/۲	بلغارستان
۰/۴	۲/۹	۰/۲	۱/۱	۰/۳	۲/۳	۰/۱	۹/۲	...	۲/۵	...	۰/۷	آلمان شرقی
۳/۰	۲۲/۴	۱/۰	۷/۲	۱/۱	۷/۷	۰/۵	۶۱/۷	۱/۸	۱۱۷/۵	۰/۷	۲۵/۰	چین
--	x	--	x	--	x	--	۰/۱	--	x	--	۰/۱	آلبانی
--	--	--	--	--	--	--	۰/۱	--	۰/۲	--	x	کوبا
--	--	--	۰/۲	--	--	--	۰/۶	--	۰/۸	--	--	کره شمالی
--	x	--	x	--	--	--	۰/۲	--	x	--	۰/۱	ویتنام شمالی
--	۰/۲	--	--	--	--	--	۰/۱	--	۰/۴	--	--	مغولستان
۴۲/۶	۳۱۳/۹	۳۶/۳	۲۵۷/۱	۳۳/۳	۲۴۳/۴	۴/۸	۵۶۶/۶	۸/۲	۵۴۵/۳	۹/۵	۳۵۶/۲	مجموع تجارت ایران
۱۰۰	۷۳۶/۵	۱۰۰	۷۰۷/۶	۱۰۰	۷۳۰/۴	۱۰۰	۱۱۷۷۶/۸	۱۰۰	۶۶۳۸/۱	۱۰۰	۳۷۵۱/۰	

توجه: واردات غیرنظامی بوده و صادرات غیرنفتی ولی گاز طبیعی به شوروی را دربر می‌گیرد.
منبع: آمار تجارت خارجی ایران، وزارت دارایی و امور اقتصادی
نرخ تبدیل: در سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ یک دلار (=دولار) آمریکا برابر است با ۶۷/۵ ریال و در سال ۱۳۵۴ برابر است با ۶۸ ریال
x: کمتر از ۵۰۰۰۰ دلار

سند شماره (۳)

خیلی محرمانه
۱۳ ژوئن ۱۹۷۷ - ۲۳ خرداد ۵۶
دکتر جان دی. استمپل - کنسول آمریکا در اصفهان - تعداد روسها در اصفهان
تعداد روسهای مشغول به کار در ذوب آهن که به وسیلهٔ دیک گزارش گردیده و به همراه یادداشتی از تعداد افراد که ما قبلاً شنیده بودیم یا به ما گزارش شده بود، کیرن بران عادت داشت که رقم ۱۵۰۰ را به کار ببرد. دبیر کنسول روسیه قبول نمود که این تعداد در حدود ۱۳۰۰ نفر می‌باشند. این ضریبی را تشکیل می‌دهد که جمعاً شامل رقم ۳۰۰ نفر مدیر در قسمت ذوب آهن و وابستگان، تعداد بین ۱۳ تا ۱۵ نفر میران کنسولگری به اضافه وابستگان کارمندان بانک ایران و روس (فکر می‌کنم که فقط یا دو نفر) و آمار مشاورانی که در طرح بررسی نیروگاه برق و بررسی ژئودتیک می‌شود. من هرگز آماری در مورد محل آخری نشنیده‌ام ولی فکر می‌کنم که تعداد افراد این قسمت خیلی کم باشد.

سند شماره (۴)

تاریخ: ۲۵ ژانویه ۷۸ طبقه‌بندی: سری - هشدار اطلاعاتی - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان
کشور: ایران / شوروی
منبع: یکی از مقامات دولت ایران که قابلیت اعتماد به وی مشخص نیست و به یادداشتهای این جلسه دسترسی داشته است.

موضوع: گفتگویی بین سفیر شوروی در ایران و نخست‌وزیر آموزگار

در رابطه با پروژه‌های پیشنهادی شوروی در ایران

۱ - اظهار نظر و خلاصه مطلب حوزه‌ای: در تاریخ ۲۶ آبان ۱۳۵۶ سفیر شوروی در ایران، ولادیمیر میخائیلویچ وینوگرادوف، با نخست‌وزیر ایران، جمشید آموزگار، پیرامون پروژه‌های پیشنهادی شوروی در ایران به گفتگو پرداخت. مهمترین پروژه‌های مورد بحث عبارت بود از گسترش کارخانه ذوب آهن اصفهان، احداث بندری جدید در ساحل دریای خزر، احداث یک خط انتقال نیروی قوی بین تهران و تبریز، و احداث خط لوله نفتی بین اصفهان و کرمان. (پایان اظهار نظر و خلاصه مطلب حوزه‌ای)

۲ - در پاسخ به پرسشهای پیشین وینوگرادوف در رابطه با توانایی ایران نسبت به گسترش کارخانه ذوب آهن اصفهان که توسط روسیه ساخته شده بود، نخست‌وزیر آموزگار گفت که مهمترین مشکل موجود ایران در زمینه این پروژه، کمبود نیروی انسانی است. به منظور جریان این کمبود، کارگران لازم برای این پروژه از ارتش ایران به کار گرفته می‌شوند. این روش در گذشته نیز ادامه داشته است.

۳ - آموزگار به وینوگرادوف اطلاع داد که وی به وزارت راه و ترابری دستور داده است که برای احداث بندر جدید در ساحل دریای خزر با کمک شوروی منطقه مناسبی را انتخاب نماید. آموزگار گفت که ایران مایل است در این بندر یک ترمینال راه آهن نیز احداث نماید و راههای ارتباطی مکفی نیز از بندر به این سو

ایجاد نماید. وی گفت محل بندر باید تا حد امکان نزدیک به یکی از بنادر شوروی در دریای خزر باشد و تجهیزات بارگیری و دیگر مکانیزمهای پشتیبانی نیز باید مشابه تجهیزات موجود در بندر روسی باشد. ۴- در پاسخ به پیشنهاد شوروی مبنی بر فروش موشکهای هواشناسی خاص به ایران برای جلوگیری از بروز طوفان تگرگ در مناطق محصول خیز آموزگارگفت که وی به وزارت کشاورزی دستور داده است که با سفارت شوروی برای خرید تعدادی از این موشکها تماس حاصل کند تا به مرحله آزمایش گذارده شوند.

۵- آموزگار گفت که پیشنهاد شوروی در مورد احداث یک خط انتقال نیروی برق از تبریز به تهران پذیرفته شده و قرارداد مزبور به یک شرکت انگلیسی واگذار شده است. آموزگار خاطر نشان ساخت که انگلیسیها قبلاً در مورد طرح این پروژه کار کرده‌اند و اعطای این قرارداد به شوروی موجب می‌شد که ایران تعهدات خود نسبت به انگلیس را نادیده بگیرد.

۶- آموزگار به وینوگرافدوف گفت که ایران نسبت به مناقصه شوروی در مورد احداث خط لوله نفتی بین اصفهان و کرمان اعتراضی ندارد. وی توصیه کرد که روسها با شرکت ملی نفت ایران تماس گرفته و مستقیماً با آنها مسائل مربوطه را در میان بگذارند. آموزگار یادآور شده که شرکت ملی نفت ایران در حال بررسی چند پروژه است و در مورد هر یک از آنها چند پیشنهاد دریافت کرده است.

۷- پروژه‌های دیگر مطروحه عبارت بودند از: مرتبط سازی نیروگاههای برق ایران و شوروی و انجام مطالعات پیرامون احداث یک نیروگاه روسی در رابطه با مجتمع پولاد آریامهر در اصفهان که در پاراگراف ۲ ذکر آن رفته است. در مورد هیچ یک از این پروژه‌ها جزئیات لازم مورد بحث قرار نگرفت.

سند شماره (۵)

خیلی محرمانه
۲ نوامبر ۷۸ - ۱۲ آبان ۵۷
ایران در سال ۱۹۷۸ قرارداد خرید تسلیحاتی جدیدی را با شوروی امضاء نکرده است. فعالیتهای عمده در سال ۱۹۷۸ شامل تحویل و آموزش مفاد دو قرارداد قبلی مربوطه به اواخر سال ۱۹۷۶ و ماه مه ۱۹۷۷ می‌باشد. تحویل ۴-۲۳-ZSU (تفنگ ضد هوایی خودکشی) کامل شده است و در حالی که تمام تجهیزات مربوطه در اصفهان باقی مانده است تا آموزشهای لازم داده شود، همه یا قسمت اعظم نفرهای پی ام پی - ۱ تحویل داده شده است و در مورد موشکهای سام - ۷ و تفنگهای ۱۳۰ میلیمتری نیز به همین ترتیب است. در رابطه با دو فقره جنس آخر پروژه‌هایی در دست تهیه است تا موشک سام - ۷ و نیز مهمات استرلاس و تفنگ ۱۳۰ میلیمتری در محل تولید شود.

مسئله آموزش هنوز هم یک مشکل جدی است. دولت ایران پرسنل نظامی ایرانی را برای مدت طولانی جهت دریافت آموزش به شوروی نخواهد فرستاد، گرچه گروههای کوچکی برای مدت کوتاهی به این کشور رفته‌اند. چند گروه از تکنسینهای روسی در ایران هستند تا پرسنل را درباره تجهیزات جدیداً خریداری شده آموزش دهند. لیکن مقامات ایرانی از کیفیت و کارایی این گونه آموزشها چندان خوشنود نمی‌باشند.

سند شماره (۶)

تاریخ: ۱۹ مهر ۵۷ - ۱۱ اکتبر ۷۸
از: سفارت آمریکا در تهران

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

موضوع: روسها به دریافت گاز بیشتری از ایران علاقه نشان می‌دهند

۱ - در تاریخ ۱۸ مهر، مدیر عامل شرکت ملی گاز ایران یعنی تقی مصدق (به دقت حفاظت شود) در گفتگو با کارمند امور نفتی گفت که روسها اخیراً با وی تماس گرفته و اظهار داشته‌اند که مایلند پیرامون یک خط ثالث صدور گاز که احداث خط لوله دوم آن به نام ایگات - ۲ (تا سال ۱۳۶۰ پایان نخواهد یافت) مذاکراتی را آغاز نماید.

مصدق گفت که هدف از احداث این خط لوله ثالث تأمین گاز مصرفی داخلی شوروی است و از آن در زمینه انعقاد و قراردادهای فروش چندجانبه گاز با کشورهای اروپایی بهره‌برداری خواهد شد. وی گفت سوئد و چکسلواکی از جمله کشورهای مایل به مشارکت در این گونه قراردادهای سه‌جانبه هستند.

۲ - مصدق گفت که شرکت ملی گاز ایران به احداث یک خط لوله دیگر جهت صدور گاز به شوروی علاقه‌مند نیست و اظهار داشت که این موضوع به مقامات شوروی اطلاع داده شده است. عدم علاقه مصدق به این پروژه نشانگر سیاست دولت ایران است که طی آن در سال قبل اعلام کرده بود که ایران خواستار پیگیری پروژه‌های صدور گاز ایران نیست و همین سیاست منعکس سازنده منافع اقتصادی ناچیزی است که از این راه نصیب ایران می‌شود و علاوه بر این نشانگر فزونی نیاز مصرف داخلی بخصوص در زمینه تزریق گاز به حوزه‌های نفتی خوزستان می‌باشد.

سولیان

سند شماره (۷)

شوروی: خط لوله گاز طبیعی مرجع کمکی

تحقیق مربوط به این رساله در ۱۵ فوریه ۱۹۷۹ به پایان رسید

مؤلفین این رساله کنت کسل و فیلیپ هیرتس از دفتر تحقیقات اقتصادی بخش شوروی اروپای شرقی می‌باشند. با هماهنگی دفاتر تجزیه و تحلیل تصویری و تحلیل سیاسی انجام گرفته است. نقطه نظرها و انتقادات را به آقای کسل، شماره تلفن ۷۱۰۷ - ۳۵۱ ارسال دارید.

مقدمه

این رساله مکمل گزارشی است که قبلاً درباره شبکه خطوط لوله گاز شوروی در سال ۱۹۶۳ (سیا / 3 - 36 PRER شوروی: نقشه حمل و نقل گاز طبیعی شوروی، مارس ۱۹۶۳) منتشر گردیده است. این رساله یک مرجع کمکی است و به همین دلیل شرح مختصری درباره خطوط لوله گاز شوروی و مشکلات آن را در بر دارد. در صورتی که مایل به دریافت اطلاعات بیشتر در مورد صنعت گاز شوروی و آینده و مشکلات آن هستید به: توسعه صنعت گاز شوروی، ژوئیه ۱۹۷۸، سیا / ۱۰۳۹۳ - ۷۸ RRER شوروی، مراجعه نمایید.

نقشه‌ای که در ضمیمه وجود دارد و هسته اصلی این گزارش را تشکیل می‌دهد، همه خطوط لوله گازی در حال عملکرد و در حال ساختمان شوروی را نشان می‌دهد. جدولی نیز که در گزارش آمده است در مورد خطوط لوله گاز شوروی (جدول ۱) محدود است (الف) به خطوط لوله ۴۰ اینچی و (ب) خطوطی که

بین ۲۰ تا ۴۰ اینچ قطر دارند و بخشی از سیستم خطوط لوله را تشکیل می‌دهند. تا سال ۱۹۸۰ قسمت اعظم خطوط لوله گازی شوروی مرکب از لوله‌های به قطر ۴۰ اینچ یا بیشتر خواهد بود. (جدول کاملتری نیز در مورد خطوط لوله گازی شوروی وجود دارد که در مرجع بالا آمده است.) (سری غیر قابل رؤیت برای بیگانگان)

ضمیمه الف ظرفیت خطوط لوله را تشریح می‌نماید. ضمیمه ب به بحث پیرامون روشها و منابع مورد استفاده در تهیه این گزارش و محدودیت‌هایشان می‌پردازد. (طبقه‌بندی نشده)

شوروی

خطوط لوله گاز طبیعی (طبقه‌بندی نشده)

شبکه خط لوله گاز شوروی رشد سریعی داشته است و از ۵۰۰۰ کیلومتر در سال ۱۹۵۵ به ۱۲۰۰۰۰ کیلومتر در سال ۱۹۷۸ افزایش یافته است. این شبکه که از نظر وسعت معادل یک چهارم شبکه خط لوله آمریکاست، یکی از بزرگترین کارهای ساختمانی به شمار می‌رود. قسمت اعظم این شبکه در شرایط جوی مشابه آلاسکا و شبه جزیره عربی ایجاد گردیده است. شرایط سخت فیزیکی و محیطی بیابانهای آسیای مرکزی و مناطق غرب سیبری (به جدول نگاه کنید) فقدان وسائل و راههای حمل و نقل از مشخصات جوی این مناطق است و علیرغم تحریم ورود لوله‌های قطور به این کشور توسط غرب، شوروی توانست بر محدودیت‌های عظیم تکنولوژی فائق آید (به جدول ۲ نگاه کنید) خطوط لوله متعدد از نیمه غربی شوروی گذشته، مناطق غنی گازی غرب سیبری و آسیای مرکزی را به مصرف کنندگان اصلی در بخش اروپایی شوروی و اروپای شرقی و غربی متصل می‌نماید. (به نقشه نگاه کنید.) (طبقه‌بندی نشده)

روسها در سالهای ۱۹۷۰ شروع به ایجاد خطوط لوله بسیار قطور کردند و شوروی اولین کشوری است که از لوله‌های ۵۶ اینچی به مقدار زیاد استفاده کرده است. (به جدول شماره ۳ نگاه کنید) با وجود اینکه شوروی مهمترین تولیدکننده لوله‌های فولادین قطور در جهان است، لیکن در رابطه با همین لوله‌ها به آلمان غربی، ژاپن، ایتالیا و دیگران متکی است تا بتواند نقصان خود در تولید داخلی را جبران نماید. جنس لوله‌ها و تکنولوژی کمپرسورها از آن چنان کیفیت نامرغوب برخوردار است که در گسترش خطوط لوله‌های عظیم مانع ایجاد کرده و ظرفیت را به حد نهایی نمی‌رساند و هزینه حمل و نقل گاز را نیز شدیداً بالا می‌برد. اصولاً لوله‌های قطوری که به وسیله شوروی تولید می‌شود احتمالاً به علت نقصهای تکنولوژی برای کار در فشارهای جوی ۵۵ ساخته شده است در حالی که همین لوله‌های مشابه که توسط غرب تولید می‌شود قادر است فشار جوی ۷۵ درجه و یا بیشتر را نیز تحمل نماید. عملکرد لوله‌ها در ۷۵ درجه جوی به جای ۵۵ درجه جوی باعث می‌شود که ظرفیت کلی حمل و نقل توسط لوله‌ها نیز بالا برود. (محرمانه)

گذشته از محدودیت‌هایی که درباره تولید لوله دارد، شوروی قادر نیست کمپرسور کافی تولید نماید تا بتواند عملکرد لوله‌ها را که از نظر اقتصادی به صرفه است تأمین نماید و اکثر لوله‌ها با ۵۰ تا ۷۰ درصد ظرفیت به کار مشغول است. علاوه بر این کار ساختن کمپرسور در دهمین برنامه ۵ ساله (۸۰-۱۹۷۶) دچار نوعی توقف گردیده است. در دو سال گذشته کمتر از ۷۰ درصد کمپرسورهای مورد نیاز نصب شده

است. مهمترین عامل وقفه این است که شوروی فاقد ظرفیت تولید و نصب داخلی بوده و علاوه بر این در زمینه ارزش معتبر برای خریداری نمودن این کمپرسورها از غرب نیز با کمبود روبروست. در خط لوله اورنبرگ (تصویر ۴) و خط لوله یورنگری - چلیابینسک از کمپرسورهای وارداتی استفاده خواهد گردید (سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان).

جدول ۱

ملاحظات	ظرفیت (میلیارد مترمکعب در سال)	تعداد خطوط	قطر (اینچ)	طول (کیلومتر)	مسیر خطوط
سیستم «نورترین لایتس» از طریق حوزه‌های کومی و غرب سیری گاز در اختیار مسکو، لنینگراد و اروپا قرار می‌دهد.	۱۹۸۰	۳-۲	۴۸/۵۶	۵۵۰۰	سیستم غرب سیری یورنگری - مدوزیه - نادیم - یونگا - وکتیل - تورزوک - ایواتسویچی - مسکو
سیستم «یورنگوی - سنتر» گاز را از تویمان جنوبی به اورالز و مسکو انتقال می‌دهد.	۱۴۱۰-۱۷۷۰	۳-۲	۴۸/۵۶	۲۶۰۰	یورنگری - مدوزیه - نادیم - یونگا - نینزایا - تورا - پرم‌کازان - گورکی - مسکو
سیستم «یورنگوی - چلیابینسک» گاز تویمان را به اورالز جنوبی منتقل می‌کند. این خط لوله با ظرفیت کامل عمل نخواهد کرد مگر کمپرسورهای بیشتری تولید شود. برنامه‌های کنونی خواستار ایجاد دو لوله دیگر و انتقال گاز به کویشف و فراتر از آن است.	۱۷۱۰		۵۶	۱۶۰۰	یورنگوی - وینگاپور - چلیابینسک
این خط لوله گاز را از حوزه‌های نفتی ساموتلور به کوزیاس منتقل می‌سازد. و به علت تکمیل نشدن ساختمان این خط لوله و خسارت وارده بر آن با ظرفیت کامل عمل نمی‌کند.	۳۵۰	۱	۴۰.۴۸	۱۱۰۰	نیشوار توستک - پارایل تومسک کمورف - نووکوزننسک
شمالترین خط لوله جهان است. در زمستانها به این خط لوله خسارت زیادی وارد می‌شود که آخرین آنها در فوریه ۱۹۷۹ روی داد. به علت سرمای زیاد لوله‌ها و شیرهای مربوطه ترک می‌خورند و با دمای شدید نیز لوله‌ها را جابجا می‌کنند.	۳۹۰	۲	۲۸.۴۰	۳۰۰	سولنینسکویه - مسایاخا - نوریلسک
سیستم «آسیای مرکزی - اورالز»	۸۵۰	۲	۴۰.۴۸	۲۳۰۰	سیستمهای آسیای مرکزی - بخارا - چلیابینسک - اسوردلوسک
«سیستم آسیای مرکزی» شماره ۱ و شماره ۲	۸۵۰	۲	۴۰	۲۴۰۰	نینزایا تورا - بخارا - مسکو
«سیستم آسیای مرکزی» شماره ۳	۱۴۰-۴۸۰	۱	۲۸.۴۸	۲۵۵۰	اوکازم - بنیف - اوستروگوژسک
«سیستم آسیای مرکزی» شماره ۴	۱۰۶۰	۱	۵۶	۲۶۰۰	شاتلیک - خیوا - اوستروگوژسک
«خط لوله یوربتک» گار خود را با محدودیت در سال ۱۹۷۹ آغاز و در سالهای ۱۹۸۰ به حد نهایی ظرفیت خواهد رسید. این خط لوله که با همکاری	۵۰-۵۳۰	۱-۳	۲۰.۳۲.۴۰	۱۳۵۰	بخارا - تاشکند - آلماتا - اورنبرگ - اسکاندروفگی - نوویسکف کرمنچاک - اوژگورود

ملاحظات	ظرفیت (میلیارد مترمکعب در سال)	تعداد خطوط	قطر (اینچ)	طول (کیلومتر)	مسیر خط لوله
CEMA ساخته شده است گاز را از مناطق اورالز به مرز چکسلواکی جهت صدور به اروپای شرقی و غربی می‌رساند.					
این خط لوله به سیستم جنوب قفقاز متصل می‌شود. (به پایین مراجعه کنید) خطوط لوله آسیای مرکزی - اورالز را به خطوط اورنبرگ متصل می‌سازد.	۳۵۰-۷۱۰	۱	۴۸.۵۶	۱۲۰۰	اورنبرگ - نوپسکف
	۵۳۰	۱	۴۸	۴۰۰	اورنبرگ - دومباروفسکی
	۲۰۰	۱	۴۰	۵۰۰	اورنبرگ - زینسک
	۳۰۰	۱	۴۰	۴۰۰	اورنبرگ - کوبیشف
خطوط «برانسو» (برادری) گاز شوروی را به اروپای شرقی منتقل می‌سازد. یک خط لوله سوم دیگری نیز در حال ساخته شدن است.	۱۲۴۰	۲	۳۲.۵۶	۲۰۰	سیستمهای اوکراین داساوا- دولینا- اوژگورود
	۲۵۰	۱	۲۰.۳۲	۱۳۷۵	داساوا- لوف - ایوانسویچی - وینوس - ریگا
خط لوله صادرات گاز به رومانی و بلغارستان است و به ادسا نیز خدمت می‌کند.	۴۲۰	۲	۲۸.۴۰	۹۰۰	شلیپنکا- دنپرو پتروسک - نیکولایف - ایزوماتیل - گالانی (رومانی)
	۵۰-۱۴۰	۱	۲۰.۲۸	۱۳۰۰	داساوا- کیف - بریانسک - مسکو
	۵۷۰	۲	۴۰	۵۵۰	دولینا- کیف
	۷۱۰	۱۳	۲۸.۴۰	۵۰۰	شلیپنکا- کیف
	۱۴۰-۲۸۰	۱	۲۸.۴۰	۶۰۰	والدی - پسکف - ریگا
سیستم «مرکز جنوب قفقاز»	۱۷۷۰	۵۴	۲۸.۳۲.۴۰	۱۲۵۷	سیستمهای مرکزی کراسنودارو استاوروپول مسکو
		۲۱۰۲	۲۰.۳۲	۱۲۰۰	ساراتوف - گترگی
					چروپوتس
امتداد سیستم «مرکز جنوب قفقاز»	۴۲۰	۲	۲۸.۴۰	۸۵۰	سرپوخوف - لنینگراد
خط صادراتی به فنلاند	۷۱۰	۱	۵۶	۱۸۰	لنینگراد - ویبورگ - ایمازا (فنلاند)
خط لوله «گاز ایران» که یک خط لوله وارداتی است سالانه مقدار ۳۵۳ میلیارد متر مکعب گاز در اختیار منطقه ترانس قفقاز قرار می‌دهد IGAT-I خط لوله دیگری IGAT-II در دست ساختمان است و تا سال ۱۹۸۴ حدود ۶۰۰ میلیارد متر مکعب گاز را اختیار شوروی قرار دهد. خط سومی نیز در دست احداث می‌باشد.	۴۲۰	۲	۲۸.۴۰	۷۷۰	سیستم ترانس قفقاز اهواز (ایران) - آستارا (شوروی) کازی ماگومد
					کاراداغ - یروان و تیلیسی

- ۱- سیستمهای خطوط اصلی شامل: الف) خطوط با حداقل ۴۰ اینچ قطر و ب) خطوطی با قطر بین ۲۰-۴۰ اینچ که قسمتهای خط لوله اصلی هستند. می‌باشد.
- ۲- برای تبدیل به میلیمتر، همان‌طور که در نقشه نشان داده شده، به جدول ۲ صفحه ۷ مراجعه کنید.
- ۳- تحویل گاز ایران به اتحاد شوروی از طریق این خط لوله در طول نوامبر ۱۹۷۸ تا آوریل ۱۹۷۹ قطع گردید. این جدول دارای طبقه‌بندی سری غیر قابل رؤیت برای بیگانگان می‌باشد.

ضمیمه الف

نکات تشریحی

ظرفیت یک سیستم خط لوله به سه چیز بستگی دارد که عبارتند از: قطر خط لوله، فشاری که بر آن وارد می‌شود، و تعداد لوله‌ها در یک مسیر خاص پیشرفتهایی که در تکنولوژی خط لوله در چند دهه گذشته به وجود آمده، شامل استفاده از لوله‌های بسیار قطور، فولاد بسیار مقاوم (که فشار بیشتری را تحمل کرده و ظرفیت کاری را بالا می‌برد) و استفاده از کمپرسورهای توربینی عظیم که در بعضی از آنها موتورهای جت تطبیق یافته به کار گرفته می‌شود، می‌باشد. (طبقه‌بندی نشده).

قطر

در روی نقشه در صورت اطلاع قطر لوله نیز نشان داده شده است در مورد چند خط لوله هم‌مسیر، اندازه خطوط لوله نیز با استفاده از ویرگول نشان داده شده است. در صورتی که اطلاعات دقیق نباشد و یا گزارشها ضد و نقیض باشد چند رقم که به وسیله خط تیره جدا شده است، به عنوان نشانگر قطر تقریبی آمده است بنابراین «۳۲، ۴۰» نشانگر دو خط لوله است که یکی از آنها ۳۲ اینچ و دیگری ۴۰ اینچ قطر دارد در حالی که «۳۲ - ۴۰» نشانگر قطر احتمال یک لوله است که در مورد قطر دقیق آن اطلاعی در دست نیست. لوله‌ای که ۳۲، ۴۰، ۴۸، ۵۶ اینچ قطر داشته باشد به لوله‌هایی گفته می‌شود که حدود ۸۲۰، ۱۰۲۰، ۱۲۲۰ و ۱۴۲۰ میلیمتر قطر داشته باشد. (طبقه‌بندی نشده)

ایستگاههای کمپرسور

در صورتی که اطلاعات در مورد موقعیت کمپرسور وجود داشته باشد، در روی نقشه نیز محل آن نشان داده شده است. در مورد ایستگاههای کمپرسور خطوط لوله‌ای که اخیراً تکمیل شده و یا تبلیغات بیشتری درباره آنها شده، مانند خط لوله اورنبرگ، اطلاعات بیشتری موجود است.

ظرفیت کلی

ظرفیت کلی نتیجه اندازه لوله و فشار وارده بر آن است. فشار وارده نیز نتیجه کیفیت لوله و اندازه فضای مربوط به ایستگاه کمپرسور است. برآوردهای تقریبی را در مورد خطوط لوله گاز شوروی که با قطرهای مختلف لوله‌ای ساخته شده‌اند می‌توان در جدول دو مشاهده نمود. ارزش ظرفیت، مغایر است و بسته به میزان فشار وارده بر لوله‌هاست. (طبقه‌بندی نشده)

ظرفیت هر سیستم

ظرفیت هر سیستم عبارت است از مجموع ظرفیت کلی هر خط لوله در بین دو مقصد خاص. در بسیاری از موارد به علت بالا بودن تقاضا در رابطه با ظرفیت حمل و نقل هر لوله، معمولاً چند لوله بموازات یکدیگر کار گذاشته شده است. تنها خطوطی در نقشه نشان داده شده است که در دست ساختمان باشد و

دربارهٔ زمان تکمیل آنها نیز نکاتی آمده است. در مورد خطوط پیش‌بینی شده بعلت فقدان اطلاعات لازم در رابطه با قطر، محل و زمان تکمیل در نقشه چیزی نشان داده نشده است. (طبقه‌بندی نشده)

شوروی:

خطوط لوله گاز طبیعی

ظرفیت کلی میلیارد متر مکعب در سال	ظرفیت کلی میلیارد متر مکعب در سال	فشار (کیلوگرم/سانتی متر ^۲) ۲ میلیارد متر	قطر میلیمتر اینچ	قطر میلیمتر اینچ
(۲۰)	۰/۵	۵۵	(۱۳)	۳۳۰
(۵۰)	۱۰/۵	۵۵	(۲۰)	۵۲۰
(۱۴۰)	۴	۵۵	(۲۸)	۷۲۰
(۲۱۰)	۶	۵۵	(۳۲)	۸۲۰
(۳۰۰)	۸/۵	۵۵	(۴۰)	۱۰۲۰
(۴۲۰)	۱۲	۷۵		۱۰۲۰
(۶۰۰)	۱۷	۱۰۰		۰۲۰
(۴۸۰)	۱۳/۵	۵۵	(۴۸)	۱۲۲۰
(۶۷۰)	۱۹	۷۵		۱۲۲۰
(۹۵۰)	۲۷	۱۰۰		۱۲۲۰
(۷۱۰)	۲۰	۵۵	(۵۶)	۱۴۲۰
(۱۰۲۰)	۲۹	۷۵		۱۴۲۰
(۱۴۵۰)	۴۱	۱۰۰		۱۴۲۰

این جدول طبقه‌بندی نشده است.

ضمیمه ب

روش و محدودیتها

مهمترین منابع تهیهٔ این پروژه را منابع مختلف تشکیل می‌داد. بررسی نفت چین و شوروی، مونوگرافهای روسی، مجلات و مقالات روزنامه‌ها و بنگاه خبری بی‌بی‌سی، مهمترین این منابع به شمار می‌آیند. اطلاعات دیگر از طریق گزارشات طبقه‌بندی شده و نقشه‌های طبقه‌بندی شده و طبقه‌بندی نشده بدست آمده است و با استفاده از عکسهای ماهواره‌ای، تضادهای موجود دربارهٔ اطلاعات نیز از بین رفت. (سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان)

استفاده از مطبوعات روسی باید با احتیاط توأم باشد. بعضی از گزارشها به یک خط لوله وسیع (مثلاً غرب سیبری - اورانس) اشاره می‌کنند در حالی که اطلاعات آمده مربوط به یک بخش خاص از این خطوط لوله (مثلاً نادیم - یونگا) می‌باشد. در موارد دیگر گزارشگر می‌نویسد که خط لوله به مرحله عمل پا گذاشته است، در صورتی که تنها قسمتی از آن به کار مشغول شده است. علاوه بر این خطوط لوله مرکب از چند خط کوچکتر است که به سادگی نمی‌توان تعیین کرد که گزارشگر دربارهٔ کدامیک سخن می‌گوید. در موارد دیگر گزارش شده که خطوطی در دست ساختمان است حال آنکه در مورد وضعیت و موقعیت چنین خطوطی اطلاعاتی در دست نیست. (طبقه‌بندی نشده)

نقشه‌هایی که مورد استفاده قرار گرفتند عبارتند از یک نقشهٔ خط لوله گاز که به وسیلهٔ سازمان اطلاعاتی آلمان غربی در سال ۱۹۷۵ تهیه شده بود و نقشهٔ دیگری که در سال ۱۹۷۷ در مسکو انتشار یافته

بود و نقشه مفصل دیگری که به وسیله سازمان سیا تهیه شده بود و نقشه‌های عملیاتی دریایی که به وسیله آژانس نقشه برداری دفاعی تهیه شده بود و یک نقشه مقیاس بزرگ ۱/۲۵۰۰۰۰ دیگری که به وسیله آژانس نقشه برداری دفاعی و سیا به طور مشترک تهیه گردیده بود.

نقشه آلمان غربی با وجود اینکه چند خط لوله را نشان می‌داد که اصلاً وجود نداشت، لیکن یک منبع پرارزش بود. علاوه بر نمایش هر خط لوله خاص، اطلاعاتی در مورد اندازه هر خط لوله در اختیار قرار می‌داد. (سری)

در این زمینه دو نقشه روسی نیز از اهمیت فوق‌العاده برخوردار بود. نقشه اول نه تنها خطوط لوله اصلی را مشخص می‌کند، بلکه اطلاعات اقتصادی نیز در اختیار قرار می‌دهد. نقشه دوم که در نشریه ماهانه وزارت گاز در ژانویه ۱۹۷۹ منتشر شده بود، مهمترین نشان‌دهنده کنونی شبکه خطوط لوله گاز شوروی است. با وجود اینکه در این نقشه هر خط لوله و بعضی از شاخه‌های مهم هر یک نشان داده شده، نحوه ترسیم مسیر بسیار دقیق نبوده است.

نقشه‌ای که در مورد خطوط لوله گاز توسط سازمان سیا تهیه شده بود حاوی اطلاعات بسیاری در رابطه با خطوط لوله‌ای که قبل از سال ۱۹۶۱ کار می‌کردند، بود. به عنوان مفصلترین منابع می‌توان از نقشه‌های عملیاتی دریایی نام برد. مقیاس این نقشه ۱/۲۵۰۰۰۰ بود و در زمینه شناسایی هوایی به کار می‌رود. علاوه بر اطلاعات هوایی، نقاط توپوگرافیک مهم نیز در آن نشان داده شده است. علاوه بر این در آن چند خط لوله نیز نشان داده شده که مسیر آنها به دقت تعیین شده است.

سریال اطلاعات ویژه گرافیک نیز، بخصوص در رابطه با تعیین موقعیت خطوط قدیمتر، دارای اهمیت ویژه بود و مانند بسیاری از نقشه‌های مقیاس بزرگ تقریباً حدود ۱۰ سال از تاریخ انتشار آنها گذشته است. مشکل دیگری که در رابطه با این سریال وجود داشت مشکل عدم مداومت بود. یعنی یکی از اوراق یک خط لوله را نشان می‌دهد در حالی که در صفحه دیگر اصلاً نشانی از آن نیست و صفحات بعدی ممکن است همین خط لوله را در خود داشته باشند ولی در اندازه لوله و تعداد خطوط اطلاعات متفاوت ارائه می‌دهند. (سری)

از عکس‌های ماهواره‌ای نیز در این تحقیق کمک گرفته شد. از این منبع استفاده شده تا (الف) اطلاعات ضد و نقیض موجود در منابع متعدد از میان برداشته شود و (ب) موجودیت یک خط لوله مهمی که در منابع دیگر نیز از آن یاد شده مورد تأیید قرار گیرد. (سری غیر قابل رؤیت برای بیگانگان)

سند شماره (۸)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

تاریخ: ۳ فروردین ۱۳۵۸

به: وزارت امور خارجه و اشنگتن دی. سی

از: سفارت آمریکا در مسکو

موضوع: شک و تردیدهای شوروی در مورد صدور انرژی

۱ - (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲ - خلاصه: کاهش نفت شوروی علامت سؤال دیگری را در برنامه مصرف و صدور انرژی شوروی پدید می‌آورد. منبع تجاری آمریکا (حفاظت شود) به ما می‌گوید که مقامات مطلع شوروی پیش‌بینی می‌کنند که احداث خط لوله ایگات - ۲ در ایران یک سال دیگر به تعویق خواهد افتاد. وی می‌گوید این

تأخیر و نیز کمبود ارسال گاز از طریق خط لوله ایگات - ۱ توسط ایران که ناشی از کمبود تولید نفت است، شوروی را بر سر یک دوراهی قرار داده است. احداث خط لوله را از یورنگوی به اورنبرگ تسریع و گسترش دهد، یا به خاطر کاهش ارسال محموله‌ها به مشتریان خود در اروپای غربی در رابطه با قرارداد سه‌جانبه گاز جرایمی را پردازد.

۳- چند رویداد اخیر حاکی از آن است که شوروی در مورد توانایی خود در صدور گاز (نفت) بیشتر در سالهای ۱۳۶۰ دچار تردید شده و از انعقاد قراردادهای دراز مدت در این زمینه اجتناب می‌ورزد. در اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی سوئیس و شوروی در ماه فوریه نیز از بحث پیرامون ارسال گاز به این کشور به دلیل اوضاع کلی گاسپلان خودداری ورزید. دیپلماتهای سوئسی و یوگسلاوی نیز گفته‌اند که شوروی تقاضای آنها را برای ارسال نفت خام بیشتر در سال ۱۳۵۸ رد کرده و با بی‌میلی پذیرفته است که تنها مقادیر حاضر را تا اواخر سال ۱۳۶۰ به این کشور صادر نماید. بالاخره، شوروی، که گویا موضع سال گذشته خود را تغییر داده، به ما اظهار داشته که علاقه‌مند است که پیرامون سوخته‌های ترکیبی به تحقیق پردازد. گرچه اینها از نظر ما عوامل عدم قاطعیت در مورد وضع تولید است، این امکان را نیز در نظر می‌گیریم که شاید شوروی می‌خواهد بخصوص در رابطه با نفت از انعقاد قراردادهای درازمدت اجتناب ورزد تا از فرصتهای آتی به منظور افزایش قیمت‌های صادراتی بهره‌برداری نماید. پایان خلاصه

۴- یکی از مهندسين آمریکایی که شرکت متبوعش مشغول نصب کمپرسور در طول خط لوله گازی چلیابینسک است (حفاظت شود) به ما می‌گوید که مقامات سویوگاز اکسپورت، در ملاقات اخیر خود پیش‌بینی کرده‌اند که احداث خط لوله گازی ایگات - ۲ با یک سال تأخیر در ایران روبرو خواهد شد. وی گفت برای اینکه شوروی بتواند به تعهدات ناشی از قرارداد سه‌جانبه گازی در قبال مشتریان اروپای غربی خود جامه عمل ببوشاند، مجبور است خط لوله یورنگوی به اورنبرگ را گسترش داده و احداث آن را سرعت بخشد. منبع گفت که در مورد احداث این خط لوله طرح‌هایی متعددی در دست مطالعه است، لیکن جاه‌طلبانه‌ترین آنها احداث شش خط لوله موازی از یورنگوی به اورنبرگ می‌باشد. وی گفت راه دیگر این است که میزان محموله ارسالی به مشتریان اروپای غربی در طول اولین سال قرارداد (۱۳۶۱) کاهش یابد که در این صورت شوروی مجبور خواهد شد جرایم سنگینی را پردازد. (منبع گفت که جرایم مزبور عبارت خواهد بود از صدور گاز اضافی به جای جریمه نقدی.)

۵- این منبع همچنین می‌گوید که قطع گاز ارسالی ایران در زمستان جاری سبب تسریع ارسال گاز شوروی به جنوب از طریق خط لوله چلیابینسک گردید، که این کار نیز از طریق استفاده از تجهیزات ناقص ممکن گردیده بود. بنا به گفته منبع این مسئله سبب کاهش گاز ارسالی به بعضی از مشتریان اروپای غربی شده بود، نه عواملی فصلی. وی گفت نماینده روه‌گاز در تاریخ ۲۹ اسفند ماه به مسکو آمده بود تا پیرامون کاهش گاز ارسالی شکایت کرده و شوروی را وادار به پرداخت جرایم نماید. از طرف دیگر مشاور بازرگانی استرالیا می‌گوید که شوروی به تعهدات خود در قبال این کشور عمل کرده است.

۶- اظهار نظر: گرچه طبق قرارداد سه‌جانبه در سال ۱۳۶۱ تنها چند میلیارد متر مکعب گاز باید ارسال شود که می‌توان آن را با تسریع احداث خط لوله ایگات - ۲ جبران نمود. لیکن کمبود حاصله از طریق خط لوله ایگات - ۱ در دراز مدت محدودیت‌هایی را در زمینه عرضه گاز ایجاد خواهد کرد. (پایان اظهار نظر)

۷- در همین حال با مقامات شوروی از انعقاد قراردادهای دراز مدت در زمینه صدور نفت و گاز

خودداری ورزیده‌اند. مشاور سیاسی و علمی سوئیس (حفاظت شود) اخیراً گفت که در اجلاس یکم اسفندماه کمیسیون همکاری اقتصادی سوئیس و شوروی در مسکو، شورویها از مذاکره پیرامون صدور گاز به سوئیس امتناع ورزیدند. سوئیس حدود هشت ماه قبل از این، موضوع را به عنوان برنامه کار کمیسیون پیشنهاد کرده بود و شوروی نیز تا حدود یک ماه قبل نسبت به آن اعتراضی نداشت. لیکن در این جلسه شوروی اظهار داشته بود که قادر نیست در زمینه فروش گاز طبیعی به همکاری پردازد، و پس از اصرار گفت که از طرف گاسپلان دستور داده شده است که در آتیۀ نزدیک در مورد صدور گاز با شوروی قرارداد منعقد نگردد. (اظهار نظر: شوروی قبلاً نیز در اوایل زمستان جاری از گفتگو پیرامون همین موضوع با اطریشیها و فرانسویها خودداری کرده بود.) (تلگرامهای مرجع)

۸- روسها سعی کردند برنامه کار مربوط به ادامه فروش نفت خام را نیز رد نمایند. لیکن سوئیسها بر ادامه آن اصرار ورزیدند. روسها با بی میلی توافق کردند که میزان نفت ارسالی خود به سوئیس را که حدوداً ۸۰۰ میلیون دلار در سال ارزش دارد تغییر ندهند، لیکن از ارائه تضمینهای بیشتر خودداری ورزیدند. مقامات اقتصادی یوگسلاوی نیز به ما گفتند که در مذاکرات مربوط به پروتکل تجاری سال ۱۳۵۸، شوروی تقاضای یوگسلاوی را مبنی بر افزایش صدور نفت خام به سطح ۵ میلیون تن نپذیرفته بود و تنها توافق کرد که سطح صدور ۴ میلیون تنی حاضر را حفظ نماید.

۹- در تاریخ ۲۱ اسفند ماه ک. ف. آنانیکف، مقام وزارت نیرو (سرپرست اداره نیرو و برق رسانی خارج) به مشاور علمی گفت که شوروی مایل به تحقیق پیرامون سوخت ترکیبی و گاز سازی و مایع سازی زغال سنگ و استفاده از سوخت رژکت نیروگاههای برق برای هیدروژن می باشد. آنانیکف اظهار داشت که این درست است که ذخایر نفت و گاز شوروی عظیم است لیکن هزینه و مشکلات مربوط به گسترش آنها، سوخت ترکیبی را در بعضی مناطق از جذابیت خاصی برخوردار کرده است.

۱۰- اظهار نظر: چون در رابطه با عرضه گاز، قطع صدور گاز ایرانی تنها رویداد مشهور است، گمان می کنیم همین امر سبب شده است که شوروی از اظهار نظر پیرامون صدور گاز بیشتر خودداری کند. البته این امکان نیز وجود دارد که شوروی شاید می خواهد برای جذب حداکثر استفاده از تغییرات قیمت از انعقاد قراردادهایی در این زمینه خودداری کرده باشد.

۱۱- عدم تمایل به امضای قراردادهای دراز مدت پیرامون صدور نفت و گاز نیز می تواند نشانگر نگرانی موجود درباره ظرفیت تولید و توزیع انرژی در سالهای ۱۳۶۰ باشد. گفته های آنانیکف در مورد سوخت ترکیبی به طور مثال، نشانگر تغییر موضع شخصی یک سال قبل وی، هنگام ورود به کمیته دولتی علم و صنعت می باشد. روزنامه ها و مطبوعات اقتصادی شوروی نیز برگسترش سوخت ترکیبی در برنامه دراز مدت شورای کمکهای اقتصادی دوجانبه در رابطه با انرژی و مواد خام تأکید بسیار کرده اند. تدارک انرژی که گویا تهیه برنامه ۱۵ ساله و جنبه های تجارت خارجی آنرا پیچیده تر کرده، برای رهبران شوروی هیچ گونه سهولتی را پدید نیاورده است. تون

سند شماره (۹)

غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران و مشاوران پیمانکار
دفتر تحقیقات و اطلاعات

غیر قابل رؤیت برای بیگانگان
سری - غیر رؤیت برای پیمانکاران و مشاوران پیمانکار
(طبقه بندی نشده) گسترش اقتصادی سیبری

(طبقه‌بندی نشده) یافته‌های مهم

به غیر از گسترش صنایع متمرکز بر نیرو (چون صنعت آلومینیم) در اطراف نیروگاههای غول‌آسای هیدروالکتریک، گسترش اقتصادی سیبری در دهه‌های اخیر به جای گسترش همه‌جانبه صنعتی بر استخراج منابع تأکید افزون‌تری داشته است. عدم توانایی رژیم شوروی در جلب مردم به سکونت در سیبری و تحلیل رفتن منابع مواد خام قدیمتر، بخصوص منابع انرژی علت‌العلل پیدایش این جهت‌گیری بوده است.

درست است که سیبری تنها ۱۰ درصد جمعیت شوروی را در بر گرفته است، لیکن این منطقه حدود ۸۸ درصد منابع انرژی شناخته شده و منابع فلزات غیر آهنی کشور را نیز در بر می‌گیرد. برنامه پنج ساله جاری (۸۰ - ۱۹۷۶) معترف است که سیبری می‌تواند افزایش پیش‌بینی شده بازده نفت، گاز و آلومینیوم، ۹۰ درصد افزایش زغال سنگ، ۸۰ درصد بازده مس و ۷۰ درصد بازده هیدروالکتریسیته را برای شوروی تأمین نماید.

مناطق از سیبری که اخیراً گسترش یافته‌اند - چون تویمان اوبلاست و مناطق مجاور راه آهن اصلی بیکالامور - نشانگر روند جدید در جهت استخراج منابع است؛ به طور مثال، سه چهارم نفت تویمان به جای اینکه در محل مصرف گردد به سوی غرب سرازیر می‌گردد. با وجود اینکه برنامه‌ریزان شوروی مطمئن هستند که بیکالامور سرانجام منجر به گسترش مجتمع‌های صنعتی منطقه‌ای در خاور دور خواهد شد، ولی این گسترش تا چند دهه دیگر امکان پذیر نیست. در همین اثناء راه آهن بیکالامور، مس بودوکان، زغال سنگ یا کوتسک، سنگ آهن آلدان، و چوب و الوار سیبری را یا به سوی غرب و بخش اروپایی شوروی منتقل خواهد ساخت یا آنان را به بنادر اقیانوس آرام جهت صدور خواهد برد.

هزینه سنگین این گسترش سبب شده است که شوروی خواستار مشارکت غرب و ژاپن در پروژه‌های سیبری باشد. چند کشور غربی با شوروی قراردادهایی در زمینه احداث خط لوله در ازای دریافت گاز امضاء کرده‌اند. شوروی و ژاپن نیز قراردادهای مشابهی به منظور گسترش و بهره‌برداری مواد خام بستر سیبری در اقیانوس آرام منعقد ساخته‌اند و شرکتهای آمریکایی و ژاپنی در حال حاضر با شورویها در مورد گسترش و بهره‌برداری گاز طبیعی یا کوتسک به مذاکره پرداخته‌اند. گرچه چند عامل سبب هوشیاری طرفین در مورد منافع حاصله از قراردادهای جبرانی شده است، ولی مشکلات موجود در زمینه انرژی امکان انعقاد قراردادهای بیشتری را در آینده حفظ خواهد کرد.

(طبقه‌بندی نشده) گسترش و عمران سیبری توسط شوروی در دوران قبل از جنگ جهانی دوم**استراتژی گسترش و عمران همه‌جانبه**

سیبری از کوههای اورال در غرب، تا دریا‌های اوخوتسک و ژاپن در شرق و از قزاقستان، مغولستان و چین در جنوب تا اقیانوس منجمد در شمال ادامه دارد (به نقشه نگاه کنید). بنابراین بیش از نیمی از شوروی را در بر گرفته و ۶۳ درصد بزرگتر از آمریکا است. این صحرا که ماکسیم گورکی آن را «سرزمین مرگ و زنجیر» خوانده بود، مانند «الدورادوی» شرقی در بر گیرنده آن چنان منابعی است که می‌تواند قدرت شوروی را چند برابر افزایش دهد. علی‌رغم موانع سهمناک ناشی از آب و هوا و سرزمین سیبری، رژیم شوروی، مانند اعقاب تزاری خود، نتوانسته است در برابر منافع احتمالی حاصله از بهره‌برداری این

سرزمین غنی مقاومت نماید.^(۱)

استراتژی عمران و گسترش سیبری توسط شوروی از چند مرحله گذشته است، که هر یک نشانگر نیاز فوری اقتصاد ملی، شرایط استراتژیک، و سیاست کاری است.^(۲)

با آغاز اولین برنامه ۵ ساله در اواخر سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، رژیم استالینست تلاش کرد که برنامه عمران و گسترش همه‌جانبه سیبری را تحقق بخشد. این برنامه عبارت است از:

تلاش نه تنها برای استخراج و صدور منابع طبیعی سیبری به بخش اروپایی شوروی بلکه برای ساکن کردن مردم در این منطقه و موجبات پیدایش صنایع محلی با استفاده از منابع طبیعی منطقه نیز ادامه دارد. این سیاست، که بخشی از آن استوار بر توزیع هماهنگ تر نیروهای مولد بود، ولی نشان می‌داد که رژیم میل دارد کارخانه‌های صنعتی خود را در مناطق داخلی یعنی دور از راه‌های تهاجم غربی قرار دهد. موجودیت تعداد کثیری از کارگران اجباری که می‌توانستند پروژه‌هایی را به راه اندازند که برای کارگران آزاد چندان جذابیتهایی به همراه نداشت، موجب سهولت این سیاست گردید.

در سالهای بین ۱۹۱۸ و ۱۹۴۱، سرمایه‌گذاری سیبری تقریباً و به طور متوسط معادل ۴۱ تا ۱۵ درصد کل سرمایه‌گذارهای شوروی بود. بخش اعظم این سرمایه‌گذاری نیز در مجتمع آهن و فولاد اورال کوزنتسک متمرکز شده بود. استخراج همزمان زغال سنگ سیبری (کوزنتسک) و سنگ آهن اورال ایجاد می‌کرد که دو مرکز آهن و فولاد جدید یکی در نزدیکی ماگینتوگورسک در اورال و دیگری در نزدیکی استالینسک (پس از ۱۹۶۱، نووکوزنتسک) در بستر کوزنتسک گسترش و ایجاد شود.

بخش سیبریایی این پروژه در طول اولین برنامه ۵ ساله ۴۴٪ سرمایه‌گذاری صنعتی غرب سیبری و در طول ۵ ساله دوم ۲۵٪ آن را به خود اختصاص داد. حاصل این سرمایه‌گذاری، منافع بسیار سرشاری بود. تولید زغال سنگ کوزنتسک ۲/۵ برابر چه در برنامه ۵ ساله اول و چه در برنامه ۵ ساله دوم افزایش یافت و در سال ۱۹۴۰ به سطح ۲۲/۵ میلیون تن یا ۱۳/۵ درصد کل زغال سنگ تولیدی شوروی رسید. در همان سال کوزنتسک ۱۰/۳ درصد کل فولاد تولیدی شوروی را تأمین نمود.

مهمترین عنصر مجتمع اورال - کوزنتسک صنعت شیمیایی استوار بر کک آن بود. اولین برنامه ۵ ساله شاهد گسترش کارخانه کک - شیمیایی بود که در سال ۱۹۲۴ در کمروف وارد عمل شده بود. این گسترش نیز به نوبه خود سبب پیدایش مجتمع کک - شیمیایی جدیدی شد که کودهای نیتروژن دار، رنگهای آنیلین و دیگر مشتقات زغال سنگ را تولید می‌نمود. تا سال ۱۹۴۰، ۶/۹٪ کل بازده کود شیمیایی شوروی توسط کمروف تولید می‌شد.

درست است که مجتمع اورال - کوزنتسک در غرب سیبری بزرگترین برنامه سرمایه‌گذاری در سیبری قبل از جنگ جهانی دوم به شمار می‌آمد، لیکن بخش اعظم سرمایه‌گذاری منطقه به سوی منطقه خاور دور

۱ - سیبری به سه منطقه اقتصادی تقسیم شده است: سیبری غربی، سیبری شرقی، و شرق دور سیبری. سیبری غربی از کوه‌های اورال تا رودخانه نیسیف ادامه دارد، سیبری شرقی از رودخانه نیسیف تا آبریز اقیانوس آرام یعنی در امتداد بالاترین نقطه انحنای رود آمور، در مجاورت مرز غربی یاکوتسکایای شوروی در شمال دریاچه بیکال تا دریای لاتیف ادامه دارد. بخش خاور دور شوروی نیز باقیمانده سیبری را دربر می‌گیرد.

۲ - جهت مطالعه تاریخ تکامل گسترش سیبری، به اثر تودور شبادو و ویکتور موت تحت عنوان دروازه‌ای به منابع سیبری، واشنگتن دی. سی. انتشارات اسکرپتا، ۱۹۷۷ مراجعه کنید.

منابع زغال سنگ و هیدروکربن شوروی و راه آهن اصلی بیکالامور (بام) (به نقشه در قسمت انگلیسی مراجعه شود - م).

سیبری سرازیر شده بود این ارجحیت منطقه‌ای ناشی از: (۱) سرعت بخشیدن به برنامه مهاجرت به مناطق ساحلی اقیانوس آرام در شوروی (۲) گسترش منابع طبیعی مورد نیاز (بخصوص طلای دره کولیم در شمال بندر شهر مگادان) و (۳) ایجاد یک فضای همه‌جانبه در خاور دور و کاهش هزینه سرسام آور انتقال کالاهای ضروری از غرب شوروی به این نقطه بود.

سرمایه‌گذاری در خاور دور سیبری در آغاز جنگ جهانی دوم با تلاش مسکو در جهت تأمین دفاع منطقه در برابر تهدید روزافزون نظامی ژاپن، شدت بیشتری یافت. بخش اعظم سرمایه‌گذاری اولیه متوجه گسترش یافتن حوزه‌های نفتی ساخالین شمالی شده بود که در سال ۱۹۴۰ حدود ۱/۶٪ کل تولید نفت شوروی را تأمین نمود. پالایشگاه‌های نفتی در خاباروسک در سال ۱۹۳۵ و در کومسومولسک در سال ۱۹۴۲ گشایش یافت.

صنعت چوب سنتی سیبری نیز در دوران ماقبل از جنگ توسعه یافت، سهم چوب و الوار اهره شده در تولید کلی چوب بالا رفت چون صنعت ساختمان‌سازی نیاز بسیاری به آن داشت. در سال ۱۹۴۰ سیبری ۲۲/۶٪ کل چوبهای اهره شده شوروی را تأمین نمود. با این وصف در سیبری محصولات جنگلی، به خوبی مورد استفاده واقع نمی‌گردید.

صنعت تهیه چوب و الوار پس از جنگ نیز به خاطر احداث راه آهن سوخت‌رسان از خط اصلی سیبری به سمت شمال رشد بیشتری یافت. در اواسط سالهای ۱۹۷۰، سیبری ۳۵/۱٪ کل چوب گرد تولیدی شوروی را تأمین نمود. در حالی که مهمترین مناطق تولیدی در تویمان و تومسک اوبلاست (در غرب سیبری) که از نوپارسک کری و ایرکوتسک اوبلاست (در شرق سیبری) و خاباروسک کری (در خاور دور سیبری) سام واقع شده بودند.

(طبقه‌بندی نشده) تأثیر جنگ

گسترش صنعتی سیبری در طول جنگ جهانی دوم نیز سرعت یافت و با در معرض خطر قرار گرفتن صنایع در برابر پیشرفتهای آلمان، این صنایع از بخش اروپایی شوروی به سیبری منتقل گردید. اکثر این انتقالها به غرب سیبری جایی که درصد کل سرمایه‌گذاری شوروی تنها ۶/۱٪ در سالهای ۴۵-۱۹۴۱ بود و قبلاً یعنی در سالهای ۳۲-۱۹۲۸ حدود ۴/۴٪ بود، صورت گرفت. در سالهای ۴۵-۱۹۴۱ یعنی زمانی که مناطق غربی شوروی اشغال شده بود، سیبری به طور کلی ۱۸٪ سرمایه‌گذاری شوروی را که هنوز هم بی‌سابقه است به خود اختصاص داد.

گرچه قبل از جنگ چند مرکز ماشین‌سازی در جاهایی از قبیل اومسک و نووسیبیرسک، صنعتی شدن اولیه سیبری نقش چندان مهمی را ایفا نکرده‌اند. در سال ۱۹۳۷، بطور مثال، ساختن ماشین آلات تنها ۱۷٪ کل ارزش تولیدی سیبری و ۳۰٪ کل ارزش تولیدی شوروی را تشکیل می‌داد.

در نتیجه همین تخلیه و انتقال، این منطقه از اهمیت بسیاری برخوردار گشت سیبری از سال ۱۹۴۰ تا سال ۱۹۴۳، توانست بازده خود را یازده برابر افزایش دهد. بخش اعظم افزایش مربوط به ماشین‌سازی نیز از تأمین نیازهای صنایع دفاعی زمان جنگ ناشی می‌گردید. از جمله دیگر کارخانه‌های جدید صنعتی که در این زمان وارد سیبری شد، کارخانه‌های تولید تجهیزات کشاورزی روتسوسک (در آتلی کری) و کرازنویارسک را می‌توان نام برد. مناطق اومسک و نووسیبیرسک به صورت شهرکهای پروتق درآمدند. جمعیت نووسیبیرسک در دوران آمارگیری ۵۹-۱۹۳۹ به ۴۸۰۰۰۰ نفر و جمعیت اومسک به ۳۰۰۰۰۰

نفر بالغ گردید.

گرچه بر گسترش صنعت سازندگی مصنوعات سیبری در سالهای جنگ تأکید می‌شد، لیکن صنایع اولیه استوار بر منابع از اهمیت بیشتری برخوردار گشت. این امر بخصوص پس از اشغال مناطق غربی شوروی توسط آلمانها که بخش اعظم ظرفیت آهن، فولاد و زغال سنگ کشور را تأمین می‌کرد، واقعیت یافت. در سال ۱۹۴۵، با اتکاء به مجتمع اورال کوازنتسک، سیبری ۳۱/۵٪ بازده زغال سنگ شوروی را تأمین کرد؛ در حالی که تا سالهای ۱۹۷۰ دیگر نتوانست این نیاز را برآورده سازد. بازده بالای تولید آهن و فولاد شوروی که در سال ۱۹۴۵ معادل ۱۸ و ۲۱٪ بود، از زمان جنگ به این سو سابقه نداشته است. (طبقه‌بندی نشده) گسترش بعد از جنگ، کناره‌گیری از گسترش همه جانبه

حرکت صنعت رو به شرق در اوایل دوران بعد از جنگ، با انتقال سرمایه‌گذاریهای شوروی در سالهای ۵۰-۱۹۴۶ به مناطق ویران شده در اثر جنگ، تغییر جهت یافت. سهم سیبری از کل سرمایه‌گذاریهای شوروی به ۱۳٪ کاهش یافت. اولین برنامه ۵ ساله بعد از جنگ پروژه‌های ساختمانی بزرگی را به همراه نداشت، ولی بر روی یک کارخانه کک شیمیایی در کروف در بستر کوزنتسک، یک کارخانه فیبر شیمیایی در بارنول آتلی کری و پالایشگاههای نفت اومسک و انگارسک کار آغاز شده بود. ولی این پروژه‌ها تا سالهای ۵۶-۱۹۵۵ وارد عمل نگردیدند، بنابراین بر عملکرد اقتصادی سیبری در اواخر سالهای ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ تأثیر چندانی نداشته‌اند. در سالهای اولیه بعد از جنگ صنایع ماشین سازی جدید و مهمی در سیبری احداث نگردید.

در دو دهه گذشته، سرمایه‌گذاری سیبری بین ۱۵ تا ۱۶ درصد کل سرمایه‌گذاری شوروی در چرخش بود و گسترش نیز روندی را که در دوران بعد از جنگ پی‌ریزی شده بود، در پیش گرفته بود. گسترش سیبری عملاً و نه در تئوری از گسترش همه‌جانبه صنعتی انحراف یافته و منحصرأ به استخراج و تصفیه مواد اولیه، مواد خام و منابع انرژی متمرکز شده است؛ اگرچه این صنایع ایجاد شده، بیشتر بر انرژی متمرکز بوده است.

این گرایش دوباره گسترش سیبری ناشی از تغییر سیاستهای کارگری بوده است. لغو کار اجباری به عنوان یک نهاد توده‌ای در رابطه با موجود بودن کارگر برای پروژه‌های سیبری، محدودیت‌های فراوانی را پدید آورده است. نسبتاً تعداد کمی از کارگران حاضر شده‌اند زندگی بهتر دیگر مناطق شوروی را رها کرده و در آب و هوای سخت و طاقت فرسای سیبری مشغول به کار شوند. چنین برآورد شده بود که در سالهای ۷۰-۱۹۵۹ تنها مهاجرت از سیبری صورت گرفته است. کمبود نیروی انسانی در بخش اروپایی شوروی و عدم تمایل ساکنین آسیای مرکزی به مهاجرت نیز سبب شده است که کمبود کارگر برای سیبری مشهودتر شود.

ولی علت اصلی جهت‌گیری جدید در گسترش سیبری، کشف منابع وسیع انرژی سیبری بود. این یافته توأم را تحلیل رفتن منابع قدیمی‌تر در بخشهای دیگر کشور و اشتهای روز افزون شوروی برای انرژی، سبب شد که این کشور در رابطه با پروژه‌های سیبری سرمایه‌گذاریهای عظیم را انجام دهد.

گسترش نفت سیبری: شرط‌بندی روی تویمان

(طبقه‌بندی نشده) تأکید بر گسترش منابع انرژی سیبری در بخش صنعت نفت آشکارتر بود. از سال ۱۹۶۵ سهم سیبری در تولید نفت ملی افزایش یافته است و این زمانی بود که حوزه‌های نفتی ولگا-اورال

در اوج تولیدی خود به سر می بردند. بین سالهای ۱۹۶۵ و ۱۹۷۵، تولید نفت سالانه سیبری از ۱/۴ درصد (۳/۴ میلیون تن) کل تولید شوروی به ۴۰/۵ درصد (۱۵۰ میلیون تن در سال) رسید. (طبقه بندی نشده) با رسیدن بازده سالانه ساخالین به ۲/۵ میلیون تن، بخش اعظم افزایش تولید نفت سیبری از ناحیه غرب سیبری ناشی می شد. در سال ۱۹۷۵، تویمان اوبلاست به تنهایی ۹۹ درصد تمام تولید نفت سیبری را تأمین می کرد. بیش از ۳۵ تولید تویمان از تنها حوزه غول آسای ساموتلر واقع در نزدیکی شهرکهای تیژنوارتفسک و سورگت تأمین می گردید.

(طبقه بندی نشده) در حالی که ذخایر قابل بازیافت در سالهای ۱۹۷۰ دو میلیارد تن برآورد شده، ساموتلر مهمترین منطقه نفتی شوروی را به وجود آورد. بین ۱۹۷۰ و ۱۹۷۶ بازده آن از ۴ میلیون تن به ۱۱۰ میلیون تن رسید که گسترش سریع این حوزه به نوبه خود سبب احداث دو کارخانه پتروشیمی دیگر واقع در توبولسک و ترمسک گردید. در واقع کارخانه پتروشیمی واقع در توبولسک قرار است شهر قدیمی سیبریایی را حیات دوباره بخشد. (توبولسک به مدت ۲۵۰ سال مرکز اداری غرب سیبری بود تا اینکه تغییر راههای حمل و نقل و فعالیتهای اقتصادی سبب سقوط آن در قرن نوزدهم گردید.) در صورتی که اولین مرحله پروژه تومسک طبق برنامه در ۱۹۸۰ وارد عمل شود، تومسک بزرگترین تولیدکننده پلی اتیلن و پلی پیلن شوروی خواهد شد.

(طبقه بندی نشده) گرچه پالایشگاههای نفتی سیبری در آنگارسک و اومسک عمل می کنند، ولی ۷۵٪ نفت خام سیبری جهت پالایش به پالایشگاههای غربی شوروی ارسال می گردد. گرایش این جریان به طرف غرب، لزوم احداث یک سیستم خط لوله وسیع را پدید آورده است. اولین خط لوله در سال ۱۹۶۷ به اومسک رسید. در سال ۱۹۷۲، ساموتلر دومین راه خروجی خود را با آغاز خط لوله جنوب شرقی تا رود اوب برای پیوستن به سیستم خط لوله ترانس سیبریایی در آنژرو - سودژنک به دست آورد. این خط لوله بعدها به سوی شرق و کراسنویارسک امتداد یافت تا پالایشگاه آچنيسک را تدارک نماید. در سال ۱۹۷۳ و ۱۹۷۶، خطوط لوله هایی از ساموتلر به مرکز نفت تارتارآلمت یوسک در رودخانه ولگا احداث گردید. خط لوله های تدارک کننده پالایشگاههای آسیای مرکزی در حال حاضر در دست ساختمان می باشند.

(طبقه بندی نشده) تویمان اوبلاست به عنوان مرکز نفت و گاز غرب سیبری، یکی از مناطق بسیار رو به رشد کشور از نظر اقتصادی به حساب می آید. در اواسط سالهای ۱۹۷۰ بیش از هر تقسیمات منطقه شوروی به استثنای شهر مسکو و مسکو اوبلاست در تویمان اوبلاست سرمایه گذاری گردید. کل سرمایه گذاری انجام شده در تویمان اوبلاست در سال ۱۹۷۸ حدود ۲/۷ میلیارد روبل یعنی دو برابر سرمایه گذاری سال ۱۹۷۰ و معادل ۲/۶٪ کل سرمایه گذاریهای اقتصادی شوروی بود. بین سالهای ۱۹۷۱ و ۱۹۷۵ بازده صنعتی تویمان بیش از دو برابر افزایش یافت، در حالی که میزان رشد ملی تنها ۴۳ درصد بود.

(طبقه بندی نشده) در همین سالها جمعیت تویمان نیز افزایش بسیار پیدا کرد. جمعیت خانتی - مانسی اوکروگ ملی، یعنی بخش دولتی تویمان اوبلاست که محل تمرکز حوزه های نفتی است، از ۲۷۱۰۰۰ در سال ۱۹۷۰ به ۴۲۵۰۰۰ در سال ۱۹۷۶ رسید؛ یعنی ۵۷٪ افزایش یافت.

جمعیت یامالو - نتنس اوکروگ ملی، شمالی ترین منطقه اداری حامل حوزه های گازی غرب سیبری،

از ۸۰۰۰۰ در سال ۱۹۷۰ به ۱۲۶۰۰۰ در سال ۱۹۷۶ رسید و ۵۸ درصد افزایش یافت. (خیلی محرمانه) نکته عجیب اینکه، بزرگترین رونق صنعت نفت شوروی، نوعی دردسر را نیز برای آن کشور فراهم آورده است. روسها به دنبال عدم مقاومت در برابر وسوسه بهره‌برداری بیش از حد از منابع قابل دسترسی مجبورند با مشکلاتی از قبیل تحلیل رفتن زودرس دست و پنجه نرم کنند. به اوج رسیدن سطح تولید در ساموتلر افزایش بهره‌برداری از حوزه‌های کوچکتر (همراه با افزایش سرمایه‌گذاری) را لازم خواهد ساخت مگر آنکه حوزه‌های نفتی بزرگتری مانند ساموتلر کشف شوند. گرچه بسیاری از مقامات صنعت گاز و نفت شوروی امکان دستیابی به چنین منبعی را بسیار زیاد می‌دانند، ولی اکتشافات زمین‌شناسی چندانی صورت نگرفته است تا بتواند پیدایش آن را به اثبات برساند. در واقع مسئله حدود و ثغور ذخایر نفتی در تویمان اوبلاست هنوز هم یکی از مسائل داغ مورد بحث در داخل دولت شوروی می‌باشد.

(سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان / غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران)

این مشکلات، نگرانیهای بسیاری را در رهبریت حزب به وجود آورد. تجزیه و تحلیل سازمان سیا نشان می‌دهد که افزایش مطلق در تولید نفت سال مزبور حدود ۵۰۰/۰۰۰ بشکه بود که از سال ۱۹۷۲ کمترین مقدار افزایش به حساب می‌آید و میزان رشد ۵ درصد نیز در سه دهه گذشته کمترین میزان رشد بوده است. نشست حزب در دسامبر ۱۹۷۷ برای رویارویی با کمبود انرژی، تصمیم گرفت گسترش زغال سنگ و نیروی هسته‌ای را در ازای گسترش بیشتر نفت و گاز تویمان مورد تأکید قرار ندهد. (خیلی محرمانه) گرچه نتایج عملیاتی این تصمیم هنوز روشن نیست، ولی ظاهراً علائم زیر را به همراه دارد.

-- تغییر جهت منابع از حوزه‌های نفتی قدیمی تر ولگا- اورال (تیپهای حفاری از منطقه ولگا- اورال خارج و به منطقه تویمان پرواز داده شده‌اند).

-- افزایش گسترش حوزه‌های نفتی کوچکتر تویمان، و

-- افزایش توجه به اکتشاف نفت و حفاری گاز در تویمان.

(خیلی محرمانه) افزایش اهمیت غرب سیبری در برابر حوزه‌های قدیمی تر شوروی تقاضا برای تجهیزات حفاری غربی (و ژاپنی) را و برای ماشین‌آلات قابل حمل حفاری، تجهیزات برداشت گاز، تجهیزات چند کاره و تجهیزات اکتشاف زلزله‌سنجی را بالا خواهد برد. هزینه‌ارز خارجی، برنامه‌های جدید ممکن است از هزینه نفت بازیافتی ثالث و یا استراتژیک ولگا- اورال کمتر باشد.

(خیلی محرمانه) ولی معلوم نیست که تأکید جدید بر تویمان بتواند در کوتاه مدت نفعی به همراه داشته باشد. کمبود خدمه آموزش یافته حفاری نشانگر مشکلات بسیار شدید است. بنا به یک روایت، ۱۸۰ تیپ حفاری لازم خواهد بود تا بتواند نیاز برنامه پنج‌ساله حفاری را تأمین نماید. لیکن تا ژانویه ۱۹۷۸ تنها ۸۳ تیپ حفاری وارد تویمان شدند. علاوه بر این، استراتژی ممکن است بر این فرض استوار باشد که حوزه عظیم نفتی دیگری در این منطقه کشف خواهد شد. اگر این اعتقاد از بین برود، استراتژی مزبور به کلی از بین خواهد رفت. در واقع دلایلی در دست است که نشان می‌دهد نخست وزیر کاسیگین و رئیس گاسپلان، یعنی بیباکف، مسیر جدید را بر گسترش نیروی هسته‌ای و منابع زغال سنگ تأکید دارند.

گسترش گاز سیبری

(طبقه‌بندی نشده) بنا به چند دلیل می‌توان گفت که حوزه‌های گازی سیبری خیلی کندتر از حوزه‌های نفتی آن گسترش یافته‌اند.

به علت وابستگی شدید شوروی به نفت در معادله انرژی خود، نفت در حال حاضر ۴۵ درصد سوخت داخلی و گاز طبیعی ۲۴ درصد آن را تشکیل می‌دهد. تولید نفت نسبت به تولید گاز از اولویت بیشتری برخوردار بوده است؛ تولید نفت غیر سیبریایی خیلی سریعتر از تولید گاز آن به نقطه اوج رسید. - حوزه‌های گازی سیبری در بسیاری موارد در مناطق صعب‌العبورتر و شمالی‌تر سیبری واقع شده‌است و

- کشف حوزه‌های گازی عظیم در سیبری مصادف بود با کشف گاز طبیعی در ترکمنستان، که دسترسی به آن آسانتر و هزینه گسترش آن ارزانتر از هزینه گسترش سیبری بود. (طبقه‌بندی نشده) با کاهش تولید گاز مناطق غیر سیبری در اواسط سالهای هفتاد، تولید در منطقه سیبری گسترش بسیار یافت. در سال ۱۹۷۰ سیبری ۱۱ میلیارد متر مکعب گاز یا ۵ درصد تولید کلی شوروی را به دست داد. در سال ۱۹۷۶، ۴۹ میلیارد متر مکعب یا ۱۶ درصد کل تولید را تأمین نمود، و طبق پیش‌بینیهای برنامه، در سال ۱۹۸۰ این منطقه باید بتواند ۱۵۸ میلیارد متر مکعب یا ۳۶ درصد کل تولید شوروی را تأمین نماید. سیبری که ۷۰ درصد تمام ذخایر گازی را در بر دارد در آینده به صورت مهمترین منطقه عمران و گسترش گاز شوروی در خواهد آمد.

(خیلی محرمانه) گرچه یاکوتسک در شرق سیبری ممکن است ذخایری مشابه غرب سیبری داشته باشد، لیکن مرکز اصلی صنعت گاز سیبری تا به حال تویمان او بلاست بوده است که ۶۱ درصد تمام ذخایر گاز تثبیت شده شوروی و دو حوزه بزرگ گازی جهان (مدوژیه و یورنگوی) را در خود دارد. گسترش منبع گازی غول‌آسای مدوژیه در اوایل و اواسط سالهای ۱۹۷۰ سهم تویمان شمالی را در سرمایه‌گذاری صنعتی به بیش از ۳۰ درصد رسانید. سازمان سیا معتقد است که از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۷ تولید منطقه تویمان از ۹/۲ میلیارد متر مکعب (۴/۶ درصد تولید کلی شوروی) به ۶۷/۹ میلیارد متر مکعب (۱۹/۶ درصد کل تولید شوروی) رسیده است.

(خیلی محرمانه) گرچه مدوژیه مهمترین حوزه گازی در حال عملکرد شوروی است، ولی کلید رشد آتی، منبع یورنگوی است که احتمالاً بزرگترین حوزه گازخیز جهان به حساب می‌آید. روسها ظاهراً می‌خواهند بازده یورنگوی را از ۱۵ میلیارد متر مکعب در سال ۱۹۷۸ به ۶۰ میلیارد متر مکعب در سال ۱۹۸۰ بالا ببرند. تأسیسات تولید حدود ۱۶ میلیارد متر مکعب گاز مربوط از حوزه ساموتلر و دیگر حوزه‌های نفتی در جنوب تویمان نیز قرار است در سال ۱۹۸۰ به حداکثر ظرفیت رسانیده شود.

(خیلی محرمانه) گسترش گاز تویمان در سالهای ۸۰-۱۹۷۶ بسیار پرخرج‌تر از سالهای ۷۵-۱۹۷۱ خواهد بود. برای آنکه مسکو بتواند در سال ۱۹۸۰ بازده سیبری را به ۱۵۵ میلیارد متر مکعب برساند، مجبور است در برنامه جاری ۱۵ میلیارد روبل یا ۸۰ درصد سرمایه‌گذاریهای مربوط به صنعت گاز را در این منطقه متمرکز سازد. قرار است بیش از ۵۰۰ حلقه چاه استخراج گاز حفر شود که در مقایسه با دیگر برنامه‌های پنج ساله شوروی بیشترین تعداد چاههای حفر شده را می‌نمایاند.

(طبقه‌بندی نشده) این افزایش هزینه‌ها نشانگر مشکلات و نیز میزان گسترش گاز تویمان می‌باشد.

تولید تویمان باید بتواند بر زیربنای غیر مکفی مشکلات حفاری و نگهداری از چاهها در شرایط یخ‌بندان، و مشکلات موجود در جذب کارگران فائق آید. علاوه بر این، عدم تمایل وزارتخانه‌هایی که از پروژه‌های سیبری نفعی نمی‌برند به سرمایه‌گذاری سبب شده است که در بسیاری موارد زیانناهی وارد گردد.

(خیلی محرمانه) با این وصف، مهمترین عاملی که هزینه تولید گاز سیبری را بالا می‌برد احداث خط لوله است. برای انتقال گاز تویمان به مصرف‌کنندگان روسی و اروپایی دو خط لوله احداث شده و یک خط لوله ثالث نیز در دست احداث است. انتقال از طریق خط لوله در حال حاضر ۳۴ سرمایه ثابت صنعت گاز را در اختیار دارد و حدود ۶۰ درصد سرمایه‌گذاری سالانه صنعت را به خود اختصاص داده است. حدود ۲۰ درصد نیروی کار ۲۰۰/۰۰۰ نفری آن در کار گذاردن، تعمیر و نگهداری و راه‌اندازی خط لوله به کار گرفته شده‌اند، هنگامی که هر سه خط لوله تکمیل شوند، بزرگترین خط لوله جهان پدید خواهد آمد. (خیلی محرمانه) کارخانه‌های لوله‌سازی و ماشین‌سازی داخلی شوروی نتوانسته‌اند کمیت و کیفیت مورد نیاز لوله، کمپرسور و شیرها را تأمین نمایند. در نتیجه شوروی مجبور شده است برای رسیدن به هدف، به وارد کردن لوله و کمپرسور از غرب (و ژاپن) ادامه دهد. از سال ۱۹۷۱، تا سال ۱۹۷۵ روسها شش میلیون تن لوله جوش داده شده قطور (از ۱۴ میلیون تن کار گذاشته شده) را وارد کردند. میزان این واردات در سالهای ۸۰-۱۹۷۶ برابر با ۸-۱۰ میلیون تن خواهد بود. چون تکنولوژی خط لوله و کمپرسور گازی شوروی حداقل ۱۵-۱۰ سال عقب‌تر از تکنولوژی غرب است، شوروی در چهار سال گذشته بیش از ۱/۵ میلیارد دلار کمپرسور حاصل از تکنولوژی عالی را وارد کرده است.

(سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) برای پرداخت هزینه این واردات، شوروی چند قرارداد پایاپای لوله و گاز با غرب منعقد ساخته است. اولین معامله گازی با استرالیا در سال ۱۹۶۸ امضا شد و قرار دادهای مشابهی نیز با ایتالیا، آلمان غربی و فرانسه منعقد گردیده است. صدور گاز شوروی به منظور تحصیل ارز معتبر تحت این قراردادها و قراردادهای مکمل دیگر در سال ۱۹۷۶ به ۱۱/۵ میلیارد متر مکعب رسید و قرار است تا سال ۱۹۸۵ به دنبال تکمیل پروژه خط لوله اضافی به ۳۴ میلیارد متر مکعب نیز برسد.

(خیلی محرمانه) دلایلی در دست است که نشان می‌دهد از سال ۱۹۷۲ تا سال ۱۹۷۴ رهبریت شوروی در نظر داشت از طریق انعقاد قراردادهای جبرانی با غرب و ژاپن گاز طبیعی تویمان (و یاکوتیان) را بیشتر توسعه دهد. (قرارداد نورث استار که هرگز منعقد نشد و مشارکت آمریکا را تضمین می‌کرد از این‌گونه قراردادها بود.) این روش، که از طرف نخبگان منتقد درونی شوروی به عنوان به هدر دادن ثروت ملی مورد انتقاد قرار گرفته بود، از طریق «اصلاحیه استیونسون» غیر ممکن اعلام شد (که در دسامبر ۱۹۷۴ تصویب گردید)، که آن هم به نوبه خود مانع از صدور اعتبارات آمریکا برای پروژه‌های نیروی شوروی گردید.

(خیلی محرمانه) علیرغم عدم توانایی استراتژی «گاز بزرگ» شوروی در پیشرفت گاز طبیعی احتمالاً در موازنه انرژی داخلی کشور اهمیت بسیاری خواهد یافت، آن هم در صورتی که، تولید نفت راکد مانده و یا سیر نزولی را در پیش گیرد که البته چنین پیش‌بینی شده است. طبق پیش‌بینیهای سازمان سیا، تا سال ۱۹۸۵ گاز طبیعی حدود ۴۰ درصد بازده کلی سوخت شوروی را تشکیل خواهد و جایگزین نفت خواهد شد و به صورت مهمترین کالای صادراتی شوروی در خواهد آمد. وابستگی فزاینده به گاز

خواهی نخواهی شوروی را وادار خواهد کرد که به گسترش و توسعه هرچه بیشتر گاز سیبری بپردازد. این امر نیز به نوبه خود سبب خواهد شد که شوروی در صدد باشد قراردادهای پایپای گاز در ازای تکنولوژی بیشتر را با غرب منعقد سازد.

گسترش و عمران زغال سنگ

(طبقه بندی نشده) همان طور که صنعت گاز و نفت شوروی با تحلیل رفتن ذخایر قدیمی تر متوجه سیبری شده است، با تحلیل رفتن معادن زغال سنگ غرب شوروی (یعنی معادن بستر دوتنس) سیبری از نظر زغال سنگ نیز اهمیت بسیار یافته است. بخش اروپایی شوروی نخواهد توانست بیش از ۳۴۰ میلیون تن از ۸۱۰ تا ۷۹۰ میلیون تن بازده پیش بینی شده شوروی در سال ۱۹۸۰ را تأمین نماید. ۶۵ درصد ذخایر زغال سنگ کشف شده ۲۵۵ میلیارد تنی شوروی و شاید ۹۰ درصد ذخائر ژئولوژیک ۷ بیلیون تنی آن در سیبری واقع شده باشد.

(طبقه بندی نشده) از جنگ جهانی دوم حوضچه کوزنتسک تولید زغال سنگ کک شو و بخار خود را گسترش داده است. در سال ۱۹۶۰ تنها ۸۴ میلیون تن یا ۱۶/۵ درصد کل زغال سنگ شوروی را تولید می کرد، ولی در سال ۱۹۷۵، ۱۳۷ میلیون تن و یا ۱۹/۵ درصد زغال سنگ شوروی را تأمین نمود. در همان دوران تولید زغال سنگ کک شوی آن بیش از دو برابر شد، و از سطح ۲۸/۵ میلیون تن (۲۶ درصد تولید شوروی) به ۵۶ میلیون تن (۳۱ درصد تولید شوروی) رسید. به علت ارزش حرارتی بالا و هزینه استخراج ارزان، حمل و نقل زغال سنگ کوزباس سودآورتر است و بیش از نیمی از آن به خارج از غرب سیبری و به سمت غرب حمل می گردد.

(طبقه بندی نشده) علاوه بر ارسال به اورال و بخش اروپایی شوروی، زغال سنگ کوزباس گسترش تولید آهن و فولاد را در بستر کوزنتسک سبب شده است. ولی، به طور کلی کمبود منابع سنگ آهن مقرون به صرفه گسترش بیشتر صنایع آهن و فولاد را در سیبری بعید می نماید. در همان حال که بازده ناخالص آهن و فولاد خام کوزنتسک در سالهای ۱۹۴۵ و ۱۹۷۵ به ترتیب سه و دو برابر گردید، لیکن سهم آن در تولید کلی شوروی در همان زمان بشدت کاهش یافت.

(طبقه بندی نشده) علاوه بر بستر کوزنتسک، موفقیت آمیزترین منطقه زغال سنگ سیبری بستر کانسک - آشینسک است. ذخایر زغال سنگ کانسک آشینسک که ۷۰۰ کیلومتر در امتداد خط آهن ترانس سیبری، در شرق و غرب کراسنویارسک ادامه دارد، عظیمترین منبع زغال سنگ جهان به حساب می آید. تولید کنونی که در سال ۱۹۷۵ به ۲۸ میلیون تن رسیده است، تنها محدود به بازارهای محلی بوده و هنوز دارای امکانات بالقوه نیست. بعضی از پیش بینیهای درازمدت شوروی، میزان تولید یک میلیارد تن در سال را محتمل می داند. چون بسیاری از این ذخایر از نظر برداشت آسان مناسب هستند، زغال سنگ کانسک - آشینسک می تواند ارزاترین زغال سنگ شوروی به حساب آید؛ البته احتمالاً به استثنای زغال سنگ موجود در اکی باستوز در شمال شرقی قزاقستان.

(طبقه بندی نشده) گسترش همه جانبه زغال سنگ کانسک - آشینسک توسط چند مانع تکنولوژیک متوقف گشته است. این زغال سنگ دارای ارزش حرارتی پایین و محتوای آب و خاکستر بالا می باشد. این وضع سبب بروز مشکلات جوشانی در هنگام مصرف آن در نیروگاههای موجود شده است. علاوه بر این،

زغال سنگ مزبور اگر تصفیه نشود قبل از حمل خود به خود مشتعل می‌گردد. این کیفیت اخیر در دسرهای فراوانی را به بار آورده است چون کانسک - آشنیسک ۳۲۰۰ کیلومتر دورتر از مسکو و ۱۶۰۰ کیلومتر دورتر از منطقه صنعتی اورال واقع شده است.

(طبقه‌بندی نشده) در مبارزه با این مشکلات چند استراتژی پیشنهاد شده است. بعضیها پیشنهاد کرده‌اند که زغال سنگ مزبور از طریق تکنیک پیرولیسس به صورت زغال سنگ «نیمه کک شو» قابل حمل در آمده و پس از آن توسط راه آهن مخصوص، مواد آهکی یا خط لوله کپسول مانند حمل و نقل گردد. دیگران پیشنهاد کرده‌اند که زغال سنگ خشک و به صورت گاز درآید و گاز آن نیز به صورت مایع تبدیل شود، ولی دیگران خواستار آنند که زغال سنگ در دهانه معادن نیروگاهها سوخته شود و نیروی برق حاصله از آن از طریق خطوط ولتاژ بسیار عالی و دوربرد به سمت غرب منتقل گردد. ولی تمام این روشها یا شامل تکنولوژیهای ناقص و آزمایش نشده است و یا تکنولوژیهای گرانقیمتی را در برمی‌گیرد. (خیلی محرمانه) عدم توانایی شوروی در تأمین تکنولوژی مورد نیاز جهت گسترش زغال سنگ کانسک - آشنیسک، تولید زغال سنگ این کشور را دچار محدودیتهای فراوانی ساخته است. در نتیجه گرایش به وی نفت و گاز در سالهای ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰، رشد تولید زغال سنگ خام در اواخر سالهای ۱۹۵۰ از ۵ درصد سالانه به ۲/۵ درصد در اوایل سالهای ۱۹۷۰ نزول کرد. (از سال ۱۹۶۰ تا سال ۱۹۷۶ سهم زغال سنگ در انرژی مصرفی شوروی از ۵۰٪ به ۳۰٪ کاهش یافت). از سال ۱۹۷۵ نیز رشد بازده، کاهش بیشتری یافت و در سالهای ۷۷-۱۹۷۶ به سطح ۱/۵ درصد در سال رسید. بازده ۷۲۴ میلیون تنی ۱۹۷۸ معادل ۲۲ میلیون تن زغال سنگ خام کمتر از رقم پیش‌بینی شده تولیدی برای سال ۱۹۷۸ بود. طبق محاسبات سازمان سیا، بازده سال ۱۹۸۰ نیز احتمالاً خیلی کمتر از هدف تولیدی ۸۰۵ میلیون تن خواهد بود.

گسترش نیروی هیدروالکتریک سیبری (طبقه‌بندی نشده)

بر خلاف این واقعیت که گسترش اقتصادی سیبری در دهه‌های اخیر بیشتر جنبه استخراج منابع به خود گرفته است، طراحان و برنامه‌ریزان روسی و شورویسین‌هایشان هنوز هم بر گسترش همه‌جانبه صنعتی اصرار دارند. آنها از «مجتمعات صنعتی منطقه‌ای» حمایت می‌کنند که در آن از منابع طبیعی محلی جهت برپا ساختن اساس صنعتی ثابت محلی استفاده می‌شود. اگر یکی از جنبه‌های گسترش این فرضیه را در برگیرد، نمی‌تواند چیزی جز گسترش نیروی هیدروالکتریک سیبری باشد، چون ایجاد مقداری سدهای فشار قوی سبب شده است که صنایع متمرکز بر نیرو نیز در اطراف آنها پدید آیند.

در حالی که تعدادی کارخانه یا نیروگاه هیدروالکتریک به حمایت از عملیات معدنی در شرق دور شوروی ایجاد شده است، ولی بزرگترین برنامه هیدروالکتریک بر روی رودخانه‌های شرقی سیبری یعنی رود آنگارا وینیسسی متمرکز شده است. این برنامه‌ها که در اواسط سالهای ۵۰ آغاز گردیده بود، نه تنها شامل احداث سدهای نیروی عظیم و تأسیسات مولد نیروی مربوطه می‌شد، بلکه شامل زنجیره‌ای از صنایع متمرکز بر نیرو چون صنایع آلومینیوم شیمیایی و خمیر کاغذ نیز می‌گردد. با به پایان رسیدن سدهای فشار قوی شرق سیبری از نظر بازده نیرو بر غرب سیبری سبقت گرفت. در اواسط سالهای ۱۹۷۰، شرق سیبری حدود یک دهم نیروی برق تولیدی شوروی را که شامل ۴۰ درصد نیروی برق آبی بود تأمین

می‌کرد.

اولین پروژه نیروی عظیم سیبریایی احداث سد براتسک بر رود آنگارا بود. احداث در سال ۱۹۵۴ آغاز گشت. در سال ۱۹۶۶، این سد حدود ۴۰۵۰ مگاوات نیرو تولید می‌نمود. در غیاب مصرف‌کنندگان نیروی محلی، سد براتسک در اولین سالهای عملیاتی خود تنها حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد امکانات نیرویی خود را تولید می‌کرد و ماحصل تولید نیز از طریق دو خط ۲۲۰ کیلوولتی به ۳۶۰ کیلومتر آن طرف تر، یعنی ایرکوتسک انتقال می‌یافت. در سال ۱۹۶۳ یک خط نیرو به سوی غرب یعنی کراسنویارسک کشیده شد، و سه سال بعد یک کارخانه آلومینیوم‌سازی و تهیه خمیر کاغذ عملیات خود را با استفاده از نیروی برق براتسک آغاز کردند. در حال حاضر حدود ۴۰ درصد نیروی تولیدی براتسک در محل مصرف می‌گردد. در اواخر سالهای پنجاه و اوائل شصت، چند مجتمع هیدروالکتریک بر روی رود آنگارا در ایرکوتسک و یوستی ایلیمسک ساخته شد. مجتمع ایرکوتسک یک کارخانه آلومینیوم‌سازی را تأمین نیرو می‌کند. مجتمع یوستی ایلیمسک نیروی برق مورد نیاز یک مجتمع چوب را که می‌تواند خمیر کاغذ، چوب اره شده، الوار، تراشه چوب و دیگر محصولات چوبی را تهیه کند فراهم نماید. جدیدترین پروژه نیروی آنگارا در نزدیکی بوگوچانی قرار است در سالهای ۱۹۸۰ تکمیل و نیروی مورد نیاز مجتمعهای چوب و آلومینیوم‌سازی را تأمین کند.

تا زمانی که گسترش هیدروالکتریک سیبری گشایش کارخانه کاغذ و خمیر کاغذ کراسنویارسک و مجتمع خمیر چوب براتسک و یوستو ایلیمسک را سهولت بخشیده بود، صنعت چوب سیبری هنوز به درجه صنعت تولید الوار نمی‌رسید. در سال ۱۹۶۵ مساعدت سیبری به تولید خمیر کاغذ و چوب در شوروی کمتر از ۱۰ درصد بود. لیکن در سال ۱۹۷۵ این رقم به یک چهارم تولید کلی ملی رسیده بود. کارخانه‌های آلومینیوم‌سازی در اطراف نیروگاههای رودخانه ینیسی در کراسنویارسک ایجاد شده و در شهر جدیدالتاسیس سایانگورسک نیز کارخانه‌هایی در دست احداث است. مجتمع عظیم هیدروالکتریک سایان قرار است مرکز حومه متنوع صنعتی شده و یک کوره ذوب آلومینیوم ۴۰۰۰۰۰ تنی را نیز در برگیرد. شوروی در حال حاضر با کنسرسیوم کمپانیهای آلمان غربی و آمریکایی و نیز کمپانی فرانسوی رقیب، در حال مذاکره پیرامون احداث آن است. علاوه بر این صنایع متمرکز بر نیرو چون آلومینیوم، پولادهای ویژه الکتریکی و آلیاژهای آهن ساینسک، قرار است فعالیتهای صنعتی دیگری را نیز شامل شود. به طور مثال یک کارخانه تولید ماشین‌آلات باربری در سال ۱۹۷۶ در آباکان به مرحله عمل وارد شد تا کامیونهای کانتینردار بسازد تا میزان کار راه آهن ترانس سیبری کمتر شود. چهار پروژه دیگر رودخانه ینیسی در مراحل مقدماتی طراحی به سر می‌برند.

از جمله مهمترین برنامه‌های گسترش هیدروالکتریک سیبری می‌توان نیروگاههای خانتایکا و کوریکا در مجتمع نیکل-پلاتین نوریلسک را نام برد. نیاز نوریلسک به انرژی با توسعه معادن، عملیات کنستانتتره‌سازی و ذوب که با اکتشاف معادن قلع تالناخ آغاز شده بود، فزونی می‌یافت. با آغاز یک برنامه فشرده در اوایل سالهای ۱۹۶۰ زنجیره‌ای از معادن عمیق و عظیم ایجاد شده است تا منابع غنی نیکل، مس، کبالت، فلزات گروه پلاتینی، محصولات دیگر مورد بهره‌برداری قرار گیرد. در چند دهه آتی، نوریلسک علیرغم موقعیت سخت خود در محیط یخبندان شمالی سیبری یکی از بزرگترین منابع این فلزات در جهان خواهد شد. با استفاده از یخ‌شکنهای هسته‌ای باید قدرت حمل و نقل این بخش

افزایش داده شود.

BAM (بام) «پروژه قرن»

(طبقه‌بندی نشده) احداث ۲۶۷۰ مایل راه آهن بیکال آمور یکی از مهمترین پروژه‌های اقتصادی جهان به شمار می‌آید. این خط آهن گسترش منابع معدنی و چوب با ارزش سیبری را سهولت بخشیده. و راه آهن ترانس سیبری را که در مجاورت مرز چین واقع شده، پشتیبانی خواهد کرد. برآوردهای منتشره شوروی هزینه کلی احداث آن را بیش از ۱۵ میلیارد دلار - یعنی حدود دو برابر هزینه احداث خط لوله آلاسکا اعلام کرده است. درست مانند موارد مجتمع اورال - کوزنتسک، براتسک و ساموتلر، اخبار مربوط به این راه آهن در مطبوعات شوروی همیشه منعکس می‌گردد. مقامات شوروی یک مجموعه کتاب‌شناسی و یک کتاب سال به خاطر «بام» در سالهای احداث آن منتشر خواهند کرد.

(طبقه‌بندی نشده) با امتداد بین تایشت و سوتسکا یا گاوان، «بام» از ۵ تقسیم فرعی سیاسی شرق سیبری و شرق دور سیبری در جمهوری شوروی خواهد گذشت که عبارتند از: ایرکوتسک اوبلاست، جمهوری خود مختار بوریات، چتیا اوبلاست، آمور اوبلاست، و کاپاروسک کری. علاوه بر این یک خط آهن ۲۵۰ کیلومتری نیز که تقریباً به موازات «بام» احداث شده و نام آن «بام کوچک» است وارد جمهوری خود مختار یاکوت خواهد شد.

(طبقه‌بندی نشده) «بام» از صعب‌العبورترین مناطق جهان خواهد گذشت که عبارتند از: پرتگاههای کوهستانی، مناطق زیر یخ‌بندان، هزاران مسیر آبی، و باتلاقهای بی‌شمار. در زمستان هوا آنقدر سرد است که پولاد معمولی متلاشی می‌گردد. و در تابستان آنقدر گرم و مرطوب است که زندگی واقعاً دشوار می‌گردد. تا زمان پایان احداث «بام» (که ممکن نیست تا سال ۱۹۸۳ ساخته شود)، یک میلیارد فوت مکعب کار زمینی انجام شده است، ۳۷۰۰ سد و پل ایجاد شده، و ۱۵ مایل تونل حفر شده است.

(طبقه‌بندی نشده) گرچه ایده احداث یک راه آهن ثانی در سیبری در اولین سال قدرت شوروی شکل گرفت، ولی کار احداث آن تا سال ۱۹۳۹ آغاز نشد. در نتیجه جنگ کار آن منقطع گردید و تا مارس ۱۹۷۴ کار بر روی راه آهن متفرق و پراکنده ماند، تا اینکه برزنف اعلام نمود که این پروژه یکی از دو پروژه مهم دهمین برنامه پنج‌ساله است. (۸۰-۱۹۷۶)

(طبقه‌بندی نشده) چند علت استراتژیک برای تکمیل پروژه بام وجود دارد، خط آهن ترانس سیبری نه تنها همیشه از طرف چینیه‌ها ممکن است مورد حمله واقع شود، بلکه گسترش و مسکونی ساختن مناطق دور افتاده شوروی در مجاورت مرزهای چین سبب خواهد شد که چین نتواند زمینها را به تصرف خود درآورد. گسترش زیر بنایی نیز می‌تواند نظامیان شوروی در خاور دور را پشتیبانی نماید.

(طبقه‌بندی نشده) لیکن اکثر خبرگان نیز معتقدند که علت اصلی اولویت بام، نگرانیهای اقتصادی است و نه استراتژیک. در حالی که توانایی راه آهن ترانس سیبری در حمل بار محدود شده است - از سال ۱۹۴۵ میزان باری که حمل می‌کند هشت برابر شده - یک راه آهن دیگر باید ساخته شود تا منابع طبیعی سیبری در مجاورت اقیانوس آرام مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

(طبقه‌بندی نشده) این خط آهن «بام» که به موازات راه آهن ترانس سیبری به فاصله ۱۱۰ تا ۱۳۰ مایلی در شمال واقع شده، می‌تواند منطقه‌ای را در ۹۵ تا ۱۲۵ مایلی شمال و جنوب راه آهن (با حدود

۶۰۰۰۰۰ مایل مربع، یا بیش از سه برابر فرانسه) را رفع نیاز نماید. احتمالاً حدود نیمی از ذخایر بالقوه شوروی در این منطقه واقع شده که عبارتند از:

- منابع مس و قلع که حدود ۱/۲ میلیارد تن و در کوههای یودوکان واقع شده‌اند. این منابع قابل بهره‌برداری از نظر کمیت و کیفیت با عظیمترین معادن مس شوروی در DZHEZKAZGAN قزاقستان برابری می‌کند.

- زغال سنگ کک شوی یا کوتسک جنوبی، که ذخایر آن بیش از ۴۰ میلیارد تن برآورد شده، و نویدبخش‌ترین منطقه در یورنگوی به شمار می‌آید.

- منابع سنگ آهن آلدان، که امکانات درازمدت ذخایر آن حدود ۲۰ میلیارد تن برآورد شده. مجاورت سنگ آهن ارزان قیمت و زغال سنگ کک شو در جنوب یا کوتسک اساس ایجاد یک کارخانه پولاد و آهن را در سبیری در مجاورت اقیانوس آرام فراهم خواهد کرد.

- ذخایر عظیم چوب. برآورد حجم امکانات چوبی که در ۱۰۰ میلیون جریب در مجاورت راه آهن واقع شده، حدود ۱/۴ تا ۱/۵ میلیارد متر مکعب می‌باشد.

بهره‌برداری از نفت یا کوتیان و گاز طبیعی و منابع عظیم آسپست، فسفات، میکا، طلا، و قلع نیز با وجود راه آهن «بام» سهولت خواهد یافت.

(طبقه‌بندی نشده) گرانی هزینه «بام» و گسترش سبیری به طور آرام، به طور کلی سبب روی آوردن شوروی به غرب و ژاپن در رابطه با پروژه‌های شرقی شده است. جهت تضمین بازارهای صادراتی، مسکو به قراردادهای جبرانی روی آورده است تا بیگانگان تکنولوژی پروژه‌های عمرانی را تأمین کرده و در ازای آن مقداری از مواد خام را دریافت دارند.

(طبقه‌بندی نشده) ژاپن به علت کمبود منابع طبیعی مهم و مجاورت خود با سبیری تنها کشوری بوده است که تا به حال با شوروی همکاری کرده است. اولین قرارداد جبرانی شوروی و ژاپن در سال ۱۹۶۸ امضاء شد که قبل از آغاز تسریع کار بر روی راه آهن «بام» بود. توکیو بولدوزر، تجهیزات چوب‌سازی و کالاهای مصرفی را در ازای چوب و خمیر چوب سبیری به شوروی صادر نمود.

(طبقه‌بندی نشده) ژاپن و شوروی به دنبال این قرارداد ۲ قرارداد مشابه دیگر نیز در رابطه با چوب در سال ۱۹۷۱ و ۱۹۷۴ منعقد ساختند. در سال ۱۹۷۴، ژاپن و شوروی گسترش منابع نفت خارج از خشکی جزیره ساخالین در دریای اوخوتسک یعنی شمال ژاپن را به طور مشترک به عهده گرفتند. (شرکت نفت گلف نیز در این برنامه عمرانی شرکت جسته است.) در همان سال ژاپن توافق کرد که شوروی را در گسترش حوزه‌های زغال سنگ یا کوتسک جنوبی یاری دهد و ۳۵۰ میلیون دلار تجهیزات را در ازای دریافت زغال سنگ کک شو به شوروی بدهد. مسکو در حال حاضر با آمریکا، انگلستان و ژاپن در مورد پروژه مس یودوکان به مذاکره پرداخته است.

(طبقه‌بندی نشده) عظیمترین پروژه سبیری که مشارکت بیگانگان را در قراردادهای جبرانی به همراه دارد. پروژه گاز طبیعی یا کوتسک است. طبق پیش‌بینی آمریکا این پروژه به ۳۷۰۰ کیلومتر خط لوله از ویلی یوسک تا بندر اولگا در دریای ژاپن و تأسیسات مایع‌سازی، و سه کشتی باربری گاز مایع طبیعی به مقصد ژاپن و هشت کشتی باربری مخصوص گاز مایع طبیعی به مقصد آمریکا نیازمند است. ژاپن و آمریکا هر یک به مدت ۲۵ سال و سالانه ۱۰ میلیارد متر مکعب گاز دریافت خواهند کرد. در ملاقات ژاپنها با

آمریکاییها و روسها مشخص گردید که ماشین آلات و تجهیزات حدود ۴ میلیارد دلار دیگر برای کشتیهای حامل و تأسیسات تبدیل به گاز نیاز خواهد داشت.

(خیلی محرمانه) علیرغم این واقعیت که پروژه در مرحله طراحی باقی مانده، ولی عناصر اصلی آن به تعریف در نیامده است. هنوز میزان یک میلیارد متر مکعبی ذخائر گاز مورد تایید واقع نشده است تا ژاپنیها و آمریکاییها وارد شدن در این کار را سودآور تلقی نمایند. در مورد خط لوله قرارداد نهایی امضا نشده است. سیاست آمریکا در مورد وارد کردن گاز طبیعی مایع کاملاً مشخص نشده و ماهیت قیمت گاز یا رقابت آمیز بودن آن نیز معلوم نشده است. بالاخره در حالی که قوانین آمریکا صدور اعتبار از طرف بانک صادرات و واردات را برای پروژههای انرژی شوروی ممنوع اعلام کرده است، معلوم نیست که شرکتهای آمریکایی بتوانند سرمایه لازم را فراهم آورند. با وجود این مشکلات، ژاپن که میل دارد با چین روابط تجاری (شامل نفت و زغال سنگ) و سیاسی با چین برقرار سازد، گفته است که اگر آمریکا در این پروژه شرکت نماید وی نیز شرکت نخواهد کرد.

(طبقه بندی نشده) پیشرفت کند پروژه یاکوتسک نشانگر اقدامات محتاطانه شوروی و کشورهای غربی در انعقاد قراردادهای جبرانی است. مسکو ممکن است احساس کند که خود می تواند پروژههای بزرگ خود را به راه بیندازد (برنامه ۱۹۷۸ برای احداث پروژههای قراردادهای جبرانی حدود ۱/۳ میلیارد روبل بود. سرعت ساختمان یا احداث کم شده بود و در پایان مراحل احداث به علت کمبود تدارکات، کار تولید کندتر گردید).

(طبقه بندی نشده) در رابطه با کشورهای غربی، اقدامات احتیاطی ناشی از نارضایتیهای موجود در کار کردن با بوروکراسی شوروی، نگرانی از کیفیت و کمیت بازده شوروی، بازار مواد خام راکد و تقاضای شوروی برای سرمایه گذاری لیبرال افراطی کمپانیهای غربی، از اینکه کنترل مدیریتی کافی بر روی پروژهها نداشته اند نیز نارضاضی هستند.

(طبقه بندی نشده) ولی روندهای آتی اقتصادی ممکن است بتواند بعضی موانع موجود بر سر راه طرفین را از میان بردارد. افزایش قیمت انرژی جهان ممکن است علاقه غرب را به منابع انرژی سیبری افزایش دهد. علاوه بر این، تکمیل پروژه بام و کاهش عظیم در موازنه انرژی شوروی، احتمالاً سبب خواهد شد که شوروی سعی کند کمکهای بیشتری در رابطه با پروژههای عمرانی از غرب بگیرد.

نتیجه گیری (طبقه بندی نشده)

همان گونه که تا اینجا گفته شد، گسترش سیبری در دهه های اخیر بر استخراج منابع به جای گسترش مجتمع منطقه ای تأکید داشته است. این روند احتمالاً ادامه خواهد یافت چون بخش اعظم منابع طبیعی شوروی در سیبری واقع شده و سیبری نیز نیروی کار لازم را برای گسترش مجتمع منطقه ای ندارد. ولی این گسترش در هوای سرد، و مناطق دور افتاده ای که تأسیسات زیر بنایی وجود ندارد و هزینه کارگر و حمل و نقل بسیار سنگین است، گران و پرخرج تمام می شود. برنامه زمان بندی گسترشهای آتی نیز درست نیست. شوروی در حال حاضر با مشکلات اقتصادی دیگری نیز که سبب کاهش میزان رشد اقتصادی آن شده دست به گریبان است. سهم تولید ناخالص کلی که به بخش نظامی اختصاصی یافته اصلاً کاهش پیدا نکرده است.

تمام این ضرایب سبب شده است که رهبران شوروی به جلب همکاری غرب در پروژه‌های عمرانی سیبری علاقه نشان دهند؛ گرچه شرایط و اشکال همکاری مورد نظر مسکو نخواهد توانست حدود واقعی همکاری غرب را مشخص سازد. در گذشته، روسها قراردادهای جبرانی را بیشتر ترجیح می‌دادند چون بازار صادراتی آنها را تضمین می‌کرد. گرچه چند عامل سبب شده است که طرفین در سالهای اخیر به کندی این قراردادها را منعقد سازند؛ لیکن روندها جاری اقتصادی سبب انعقاد این قراردادها خواهد شد. این امر در رابطه با پروژه‌های انرژی سیبری واقعیت می‌یابد، چون کمبود انرژی به شرق و غرب به طور یکسان صدمه خواهد زد.

تهیه شده به وسیلهٔ اس. کوفی
تأیید شده توسط چی. نربوری

سند شماره (۱۰)

تاریخ: ۴ خرداد ۱۳۵۸-۲۵ می ۱۹۷۹
از: سفارت آمریکا در مسکو
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
موضوع: وزیر گاز شوروی گفت ذخائر جدیدی در غرب سیبری کشف خواهد شد
۱- (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲- خلاصه: اردوژف، وزیر صنعت گاز شوروی در تاریخ ۲ خرداد ماه در ملاقات با سفیر آمریکا گفت که بخش اعظم ذخایر آتی گازی شوروی در داخل خشکی و در غرب سیبری کشف خواهد گردید. اردوژف با توضیح پیرامون این مطلب که مسئولیت اکتشاف و بازیافت گاز در خارج از خشکی به عهده وزارتخانه وی گذاشته شده و علت آن نیز کفایت و تجارب شخصی وی می‌باشد، خاطر نشان ساخت که بخش اعظم فعالیت خارج از خشکی در دریای خزر، آزوف، دماغهٔ شمالی دریای سیاه و بالتیک صورت خواهد گرفت، وی در رابطه با آبهای شمالی سیبری (شامل بارتنس) مطلب زیادی را عنوان نکرد ولی از ساخالین یاد کرد. وی گفت جریان گاز ایران در خط لوله ایگات - ۱ در ۱۲ آوریل از سر گرفته شد و با ظرفیت ۷۰ درصد ادامه یافته. لیکن یادآور شد که ایرانیها می‌خواهند قیمت گاز خود را افزایش دهند. اردوژف گفت که شوروی سالانه ۸۰۰۰۰۰ تن لوله قطور تولید می‌کند، ولی به واردات بیشتری نیازمند است. (و کلمه مانسمان را در این خصوص مطرح نمود). وزیر در رابطه با یاکوتیا گفت که بخش اعظم گاز در این منطقه وجود دارد لیکن مقدار کشف شده آن ناچیز و در حوزه‌های پراکنده بوده است. وی گفت منبعی چون منبع تویمان هنوز یافت نشده و پروژه سه‌جانبهٔ یاکوتیا هنوز راه درازی را در پیش دارد. وی از عدم صرفه‌جویی در مصرف گاز در داخل شوروی یاد کرد و گفت که در بخش دولتی این گاز فقط در زمینه‌های شیمیایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اردوژف که یکی از اعضای منشورتر است باکو در شوروی می‌باشد، اصلاً نمی‌دانست که گئورگی آرباتوف نمایندهٔ باکو در دیوان عالی شوروی است و هرگز فکر نمی‌کرد که آرباتوف در چنین مکانی جای گرفته باشد. اردوژف گفت در نظر دارد در تاریخ ۴-۲ ژوئن به آلاسکا سفر کند و علت اینکه هیئت نمایندگی همراه وی در اوتاوا یا تورنتو درخواست روادید خواهند کرد بیان نمود. (تلگرامهای جداگانه) (پایان خلاصه).

۳- اردوژف سفیر را در حضور مقامات روابط خارجی وزارتخانه یعنی ک. اس. امیدوف و وی. اس.

ماخایف پذیرفت و پس از آن وی را به دفتر خود برد تا نقشه منابع و خطوط لوله گازی را بررسی کنند. در این ملاقات مشاور اقتصادی بازرگانی نیز به همراه سفیر عمل می کرد.

۴- ذخایر و اکتشافات. از وی سؤال شد که شوروی اقدامات جستجوگرانه خود برای یافتن منابع جدید گاز را در چه نقطه ای متمرکز خواهد ساخت، اردوژف با صراحت گفت که این تلاش در داخل خشکی متمرکز خواهد گردید. وی به همین ترتیب گفت که منابع جدیدی به جای شرق سیبری این بار در غرب سیبری کشف خواهند گردید.

۵- خارج از خشکی، در پاسخ به سؤال مستقیم مبنی بر اینکه چرا وزارتخانه وی مسئولیت اکتشاف و بازیافت نفت و گاز در خارج از خشکی را عهده دار شده، اردوژف با صراحت گفت که شخصیت، سابقه دیرین وی در وزارت نفت و تجربه اش در کارهای مربوط به خارج از خشکی، به خصوص در دریای خزر سبب پیدایش این مسئولیت گشته است. وی با استفاده از خط کش بلندی که در دست داشت گفت که بخش اعظم کار خارج از خشکی در دریای خزر، دریای آزوف و دماغه شمالی دریای سیاه (غرب جزایر کرامه)، و بالتیک متمرکز خواهد شد. وی در مورد آبهای شمالی، مانند بارتنس و دریای کرادر خارج از شبه جزیره یمل چندان خوش بین نبود. وی در رابطه با آبهای شرقی تنها ساحالین را نام برد.

۶- یاکوتیا. وزیر اردوژف، در مقدمه با اظهار امیدواری نسبت به آینده، و توضیح این مطلب که اکتشافات «تنبیح مهمی» را نشان داده است، در رابطه با یاکوتیا بر خلاف گفتگوی خود با سناتور استونسون در ژانویه ۱۹۷۸ این بار نظر مثبتی نداشت. (۷۸ مسکو، ۶۳۷؛ کتبی) وی گفت ذخایر یافته شده در اینجا محلی و کوچک هستند. (وی کلمه کوچک را چند بار تکرار نمود). برای توجیه اکتشافات به یک منبع گازی عظیم یک تا دو بیلیون متر مکعبی نیاز است. متخصصین آمریکایی و ژاپنی بر روی این پروژه کار می کنند، لیکن وزیر گفت که گاز یاکوتیا «در دوردستها واقع شده است». درباره وسعت ذخایر یاکوتیا سؤال شد، اردوژف گفت که زمین شناسان میزان ذخایر را بسیار زیاد پیش بینی کرده بودند لیکن بعدها اشتباه را به گردن «طبیعت» و علل دیگر انداختند. وی گفت «در یاکوتیا هیچ ذخایری مشابه ذخائر تویمان تا به حال یافت نشده است».

۷- تویمان. اردوژف در مورد اوضاع تویمان چیزی نگفت ولی با قوت تمام گفت، درجه یخبندان زیاد مانعی بر سر راه باز یافت نفت نمی باشد. وی اعتراف کرد که اجازه چاپ مقاله ای را در مورد مشکلات مربوط به انتقال گاز (مسکو - الف ۱۲۶) صادر کرده و گفت که این مشکلات وجود دارد؛ لیکن اطلاعات بیشتری در مورد آنها به ما نداد.

۸- لوله. اردوژف اظهار داشت که شوروی باید لوله های قطور را خریداری نماید و در این رابطه از آلمان غربی و مانسمان یاد کرد. در پاسخ به یک سؤال مستقیم، وی گفت که شوروی در حال حاضر سالانه ۸۰۰/۰۰۰ تن لوله قطور تولید می کند.

۹- ایران. با اذعان به این مطلب که صدور گاز ایران تا ۱۲ آوریل متوقف شده بود، اردوژف گفت که جریان کنونی مطابق ۷۰ درصد جریان عادی آن است. وی گفت احتمالاً ایرانیها قیمت گاز خود را افزایش خواهند داد. او به سرعت از مشکلات مربوط به ماورای قفقاز گذشت و گفت که بخش دیگری از شوروی گاز مورد نیاز این منطقه را تأمین می کند.

۱۰- اردوژف وزیر گذشته از عدم صرفه جویی در مصرف گاز داخلی شوروی شکوه کرد و گفت که

قیمت سرانه حدود هر ماه ۱۶ کوپک (۰/۲۵ دلار) می‌باشد. و کنتوری نیز در رابطه با آن نصب نشده است. وی گفت استفاده از گاز در زمینه شیمیایی بسیار سخت‌تر از استفاده آن جهت تولید برق است. هنگامی که سفیر از وی سؤال کرد که این نظر شخصی خود اوست یا نظر دولت، اردوژف توضیح داد که این عقیده شخص اوست ولی طرح دولت نیز باید اجرا شود.

۱۱- سازمان. در بازدید کوتاهی که به همراه سفیر انجام شد، اردوژف یک سالن سخنرانی را به سفیر نشان داد و گفت و گفت ۱۱ معاون وزیر و شش عضو هیئت مدیره وزارتخانه در آنجا گرد همایی تشکیل می‌دهند. (گزارش ۷۸ - ۱۴۰۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸ نشانگر ۱۰ معاون وزیر و سه عضو هیئت مدیره است، ولی با اضافه شدن رانتیگ مارگولف به عنوان معاون وزیر تعداد معاونین اکنون به ۱۱ نفر رسیده است.)

۱۲- آریاتف. نکته عجیب این است که اردوژف از رابطه بین سرپرست انستیتو آمریکا/کانادا، یعنی گئورگی آریاتف با موطن اردوژف یعنی باکوبی اطلاع بود. آریاتف نماینده باکو در دیوان عالی شوروی است و با زحمت زیاد به شرح این رابطه می‌پردازد. حتی با کمال نظاهر سفیر را به صرف نهار در رستوران «باکو» در مسکو دعوت کرده است.

۱۳- بایاکف. اردوژف با نشان دادن عکسهای وزیران سابق گاز توجه زیادی نسبت به معاون کنونی نخست وزیر و سرپرست گاسپلان بایاکف معطوف داشت و گفت که به وی علاقه خاصی دارد.

۱۴- بیوگرافیک. اردوژف گفت گذشت ۶۷ سال از عمرش بر طرز فکر وی تأثیر نگذاشته است لیکن به علت ناراحتی ستون فقرات وی میل دارد کارهای نوشتن و طراحی را ایستاده انجام دهد. او با علاقه بسیار از رابطه شخصی اش با - استافور فزانورد پیشین - یاد کرد و گفت وی را به طور اتفاقی در هوستون ملاقات کرده و او نیز نمونه ساعتی را که در کره ماه به همراه داشت، به وی هدیه کرده بود. اردوژف گفت که فصل هفدهم سریال تلویزیونی روسی «جنگ میهن پرستانه» را در کنفرانس تهران تماشا کرده و با لطف خاصی در مورد بده و بستان و رئیس جمهور روزولت صحبت کرد. وی از دوستی صمیمانه خود با سرپرست جنرال الکتریک یعنی آقای جونز یاد کرد، که از وی دعوت کرده است، پس از بازدید از کانادا به آلاسکا بیاید.

۱۵- طبق معیارهای شوروی، اردوژف از صراحت لهجه خاصی برخوردار است. ادعای وی مبنی بر اینکه کار در خارج از خشکی به علت شخصیت خاص خودش به وزارتخانه اش محول گردیده، یک واقعیت بود و مبالغه آمیز نمی‌باشد و به نظر ما خود او علت اصلی بوده است. معذالک، اردوژف اهمیت اکتشاف خارج از خشکی را کوچک نشان نمی‌داد و با صراحت می‌گفت که غرب سیبری به احتمال بسیار ذخایر گازی آتی را در بر خواهد داشت. گفته‌های وی در مورد یا کوتیا که با گفته‌های ۱۶ ماه قبلش با سناتور استونسون تضادی ندارد، از ذوق و اشتیاق خاص مقامات وزارت بازرگانی که پروژه مذاکرات سه جانبه را به عهده دارند، برخوردار نیست. درست است که وزارت زمین شناسی در تحقیق درگیر شد و نه وزارت گاز، ولی احتیاطات اردوژف عبرت آموز است. ولی نقشه رنگی وی، بخش عظیمی را در شرق سیبری نشان می‌داد که احتمالاً دارای ذخایر گاز می‌باشد. اظهار نظرهای وی که به طور ضمنی تضاد بین استفاده منطقی از گاز طبیعی و سیاست رسمی شوروی را نشان می‌دهد، بار دیگر نشان داد که وی به عدم کاراییهایی واقف است که قادر به تغییر آنها نیست.

۱۶- پس از ملاقات وزارت گاز سؤال کرده است که آیا اردوژف و یارانش در دریافت روآدید ورود به آمریکا در تاریخ ۲ ژوئن مشکلاتی نخواهند داشت. ما به آنها پیشنهاد کرده‌ایم که در سفارت آمریکا در اوآوآیا سرکنسولگری تورتو در خواست روآدید بنمایند.

سند شماره (۱۱)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
تاریخ: ۱۴ خرداد ۱۳۵۸ - ۴ ژوئن ۷۹
از: سفارت آمریکا در مسکو
به: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: رویدادهای گازی و نفتی در آذربایجان

۱- (خیلی محرمانه خلاصه: بنابه گفته یکی از منابع روسی در آذربایجان، سطح گاز ارسالی از ایران ۳۵٪ درصد سطوح پیشین می‌باشد. تولید نفت آذربایجان در سال ۱۳۵۷ معادل ۱۶ میلیون تن بود و در سال ۱۳۵۸ قرار است حدود ۱۶/۸ میلیون تن باشد. یکی از مقامات عالی‌رتبه جمهوری می‌گوید که شوروی می‌خواهد در رابطه با سکوهای حفاری نفتی خارج از خشکی با فرانسه قراردادی را امضاء نماید، لیکن به گفته مقام وزارت تجارت خارجی هنوز در این زمینه تصمیمی اتخاذ نشده است. (پایان خلاصه)

۲- (خیلی محرمانه) خبرنگاران آمریکایی به دنبال بازدید از باکو در اوایل هفته جاری ما را در جریان گفتگوهای خود با مقامات آذربایجان در زمینه مسائل انرژی قرار دادند.

۳- (محرمانه) گاز صادراتی ایران. در تاریخ ۷ خردادماه عالیس جمیل لمبرانسکی، معاون سرپرست شورای وزیران آذربایجان که مسئول بخش صنعتی است، گفت تا ۵ یا ۶ روز قبل میزان جریان گاز صادراتی ایران به سطح ۳۵ درصد دوران قبل از قطع صدور گاز رسیده است. وی گفت ایرانیها «قول داده‌اند» که در تابستان سطح جریان را به حالت اولیه برگردانند (یعنی ۱۰ میلیارد متر مکعب).

۴- (محرمانه) تولید نفت. تائیراتیروا، وزیر خارجه آذربایجان به خبرنگاران گفت که این جمهوری در سال ۱۳۵۷ رسیدن معادل ۱۶ میلیون تن نفت تولید کرده و هدف تولیدی سال ۱۳۵۸ رسیدن به سطح تولیدی ۱۶/۸ میلیون تن می‌باشد. بعدها یکی دیگر از مقامات صنعت نفت (که هویتش بیش از این برای ما روشن نشده) گفته بود که در سال ۱۳۵۷ سطح تولید به ۱۸ میلیون تن رسیده بود و در سال ۱۳۵۸ قرار نیست افزایش یابد. وی با این وصف گفت که «به زودی» سطح تولید به ۲۲ میلیون تن خواهد رسید. به خبرنگاران گفته شد که ۶۵ درصد نفت تولیدی آذربایجان از مناطق خارج از خشکی تأمین می‌گردد و ۷۵ درصد تولید خارج از خشکی نیز از منطقه «نفتیان مور» تأمین می‌شود.

۵- (خیلی محرمانه) کارخانه تولید سکوهای حفاری نفتی خارج از خشکی لمبرانسکی گفت که قرار است شوروی با فرانسه و ژاپن در زمینه احداث یک کارخانه تولید سکوهای حفاری نفتی خارج از خشکی قراردادی امضاء نماید. وی گفت که روسها با هیچ یک از شرکتهای آمریکا قراردادی نخواهند بست چون از مشکلات موجود در رابطه با مقررات کنترل صادراتی آمریکا باخبر می‌باشند. بعدها یکی از نمایندگان شرکت براون اندروئیس به یکی از خبرنگاران گفت که روسها تصمیم گرفته‌اند تنها پایه‌ها را در باکو و مدولها را در آستراخان تولید نمایند و علیرغم نیاز به ماشین‌آلات اضافی در نتیجه تقسیم کارخانه حاضر نیستند و هزینه اضافی قرارداد را بپردازند. مذاکرات مربوط به این قراردادها قبلاً با شرکت وزارت

نفت انجام می‌شد، لیکن چون مسئولیت کارهای حفاری گازی و نفتی خارج از خشکی به عهده وزارت گاز است، تمام مذاکرات به این وزارتخانه سپرده شده است. علاوه بر این دو وزیر دیگر نیز وارد معرکه شده‌اند که عبارتند از وزیر کشتی‌سازی و وزیر فولاد ویژه.

۶- (خیلی محرمانه) اظهار نظر: ما یلیم توجه شما را به این نکته جلب کنیم که بین گفته لمرانسکی که گفته بود جریان گاز خط لوله ایگات - ۱ به ۳۵ درصد رسیده و گفته وزیر گاز، اردوژف که به سفیر گفته بود که این جریان به ۷۰ درصد رسیده تفاوت بسیار وجود دارد. (تلگرام مرجع) شاید سفارت آمریکا در تهران بتواند ارزیابی ایران را در این رابطه مشخص نماید.

۷- (خیلی محرمانه) علاوه بر این یادآور می‌شویم که ارقام مربوط به تولید نفت، حتی ارقام پایین نیز در مقایسه با ارقام مقدماتی مطروحه در «بررسی آماری انرژی بین‌المللی» بسیار مبالغه آمیز می‌باشد.

۸- (خیلی محرمانه) در پذیرائی ۱۰ خرداد و در اسپاسو، مقام سفارت از زینوویف از وزارت بازرگانی خارجی در مورد تصمیم شوروی به روی نیاوردن به شرکتهای آمریکا یا در زمینه تولید سکوهای حفاری نفتی به خاطر کنترل‌های صادراتی سؤال کرد. زینوویف با صراحت گفت که در مورد این قرارداد هنوز تصمیمی گرفته نشده است. وی گفت البته نگرانی مربوطه وجود دارد، لیکن ضریب چندان مهمی نیست. مقام سفارت بار دیگر گفت که دولت آمریکا گواهی کاربرد تجهیزات گازی و نفتی را تصویب کرده است. پاسخ زینوویف این بود: «درست است، اما در چه زمانی؟ حالا دیگر در بعضی موارد بسیار دیر شده است».

سند شماره (۱۲)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
از: سفارت آمریکا در مسکو
تاریخ: ۲۴ مهر ۱۳۵۸ - ۱۵ اکتبر ۷۹
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.
موضوع: روابط اقتصادی ایران و شوروی

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲- طی گفتگوی مورخ ۲ اکتبر با کارمند سفارت، سرپرست بخش خاورمیانه‌ای وزارت بازرگانی خارجی شوروی یعنی یوری زیمین اظهار داشت که سیر نزولی بازرگانی ایران و شوروی در سال جاری معلول جا به جایی کلی اقتصادی ناشی از انقلاب است و سیاست شوروی مسبب پیدایش این روند نزولی نیست. (آمار شوروی نشان می‌دهد که منافع بازرگانی ۱۲۶/۴ میلیون روبلی دی ماه تا خردادماه نسبت به همین ماهها در سال ۱۳۵۷ معادل ۷۳ درصد کاهش یافته است.) زیمین گفت قطع فعالیتها در زمینه‌های شیمیایی، ساختمان‌سازی، و فلزات آهن دار - که ناشی از تجدید نظر کنونی پیرامون اولویت‌های اقتصادی و مشکلات ناشی از تداوم ورود مواد خام است - ایران را وادار به لغو سفارشات خود از شوروی نموده است. صادراتی که بیش از همه ضربه خورده‌اند عبارتند: از سیمان، چوب، ورقهای فلزات آهن دار، «و چند گروه» از ماشین آلات و تجهیزات. در بخش اعظم واردات نیز بنا به گفته زیمین بخش اعظم کالاهای «سنتی» ایرانی مرتباً دریافت می‌گردد، اما اعتراف کرد که بخش اعظم کاهش ناشی از قطع و نیز کاهش صدور گاز طبیعی از طریق خط لوله ایگات - ۱ بوده است.

۳- زیمین گفت قرارداد دوجانبه گاز که در سال ۱۳۶۴ پایان خواهد یافت، شوروی را ارضاء می‌کند.

بنا به گفته وی حمل گاز به میزان ۶۰ در صد ظرفیت پیشین ادامه دارد و کم و بیش نشانگر کاهش تولید نفت ایران است. در مورد «شایعات مربوط به مذاکره پیرامون قیمت گاز» سؤال شد. وی گفت: «من می توانم رسماً بگویم که در این زمینه مذاکره‌ای چه در مورد قیمت و چه در مورد ارزش پرداختی صورت نگرفته است. وی گفت، اما مسئله این است که قیمت گاز دائماً رو به افزایش است لیکن یک «قیمت بازار جهانی» ثابت و مورد قبول هم وجود ندارد. (اظهار نظر: طبق گزارش تلگرام مرجع، این موضوع در مذاکرات بین ایران و شوروی پیرامون قیمت گاز مطرح شده است. به هر حال تکذیب «رسمی» مذاکرات توسط زمین - و تکرار این مطلب که ایرانیها در مورد سرنوشت خط لوله ایگات - ۲ هنوز تصمیم قطعی نگرفته‌اند متقاعد کننده نیست. اما شاید نشانگر تمایل قابل درک آنها در اجتناب از تبلیغات باشد.)

۴- زمین گفت وی با جزییات سفر وزیر نیروی ایران، یعنی تاج، به شوروی در تاریخ ۱۸-۱۲ مهر ماه آشنا نیست، چون میزبانان اصلی دولتی در این بازدید کمیته روابط اقتصادی خارجی و وزارت نیرو و برق رسانی بوده‌اند. وی گفت طی این دیدار از تجارت گاز حرفی به میان آورده نشد. گزارشات پراکنده مطبوعاتی حاکی از آن است که تاج در این سفر پیرامون همکاری شوروی و ایران در زمینه احداث و بهره‌برداری پروژه‌های انرژی در ایران، بخصوص در مورد نیروگاه‌های رامین و اصفهان گفتگوهایی انجام داده است.

گاریسون

فهرست اعلام

۵۸۰، ۵۷۸	آ - الف
آژانس تحقیقات جنایی / ۳۶۱	آ. آر. جوس / ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۹
آژانس خبری قطر / ۲۰۹	آبیجان / ۷۱۷
آژانس مرکزی اطلاعات / ۵۵۳	آپوکولار / ۱۶۴، ۱۵۹
آژانس مسافرتی گلف / ۵۳۶	آتاترک، مصطفی کمال / ۸۶، ۹۵، ۱۵۲، ۱۵۵
آژانس نقشه برداری دفاعی / ۷۴۰	آتانتیک / ۶۱۱
آسب / ۶۸۷	آتن / ۱۲۸، ۲۸۳، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۸، ۷۱۸
آسوان / ۲۲۰، ۵۰۵، ۵۱۴، ۵۹۲	آچنیسک / ۷۴۸
آسوشیتد پیرس / ۱۳۲، ۱۸۵، ۲۱۲، ۲۱۳، ۵۳۷، ۶۰۱	آدانا / ۱۶۳، ۱۶۴
آسیای جنوب شرقی / ۸۹، ۴۵۴، ۵۲۱، ۵۷۰	آدیس آبابا / ۶۴۳، ۷۱۷
۵۷۲، ۶۱۶	آذربایجان / ۷۶۱
آسیای جنوبی / ۴۱، ۴۲، ۱۵۳، ۱۸۹، ۳۷۳، ۴۱۱، ۴۶۶، ۵۲۱، ۶۰۸، ۶۱۳، ۶۱۶	آذربایجان شرقی / ۵۱۶
آسیای شمالی / ۵۲۵	آذربایجان (شوروی) / ۶۵۹
آسیای مرکزی / ۴۸۵، ۵۵۸، ۶۳۱، ۷۰۳، ۷۰۷	آ.ا. آخوند / ۴۴۵
۷۳۶، ۷۴۷، ۷۴۸	آ.ال. لوپس / ۵۹۷
آسیای میانه شوروی / ۶۱۰	آرباتف، گئورگی / ۷۵۸، ۷۶۰
آشدوت یاکف (اسرائیل) / ۳۰۶	آ. باراز / ۶۳۹
آفریدی، ارباب / ۴۳۵	آرچارد، داگلاس بی. (کنسول) / ۴۳۵، ۴۴۵
آفریقا / ۶۱۳	آرژانتین / ۲۵۶، ۲۸۵، ۵۴۶
آفریقای جنوبی / ۲۲۴، ۳۷۵	آرمیتاژ، جان.ا. / ۵۰۵
آفریقای شمالی / ۸۰، ۲۰۱	آرنون / ۲۱۱، ۲۴۵
آفریقای غربی / ۶۱۲	آریوشالو / ۶۵۰
آفریقای غربی - مرکزی / ۳۹۸	آزوف / ۷۵۸، ۷۵۹
آفریقای مادون صحرا / ۳۹۸	آژانس اطلاعاتی دفاعی / ۲۳۱، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۷۹، ۶۸۰
	آژانس انرژی اتمی بین المللی / ۱۳۹، ۳۵۹، ۴۹۸

- آفندیوف، پرسونا نان گراتا / ۵۱۱
 آفاشاهی / ۳۷۶، ۳۷۵، ۳۷۴، ۳۷۲، ۳۶۵، ۳۵۶، ۳۷۸، ۳۸۹، ۴۰۸، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۵۱، ۴۵۴
 آفاقاضی، محمد زمان خان / ۳۹۵
 آکادمی بازرگانی خارجی اتحاد شوروی / ۵۴۶
 آکادمی تجارت خارجی / ۵۷۸
 آکادمی حمل و نقل راه آهن مسکو / ۵۹۰
 آکادمی علمی شوروی / ۵۵۴
 آکادمی علوم اجتماعی حزب کمونیست شوروی / ۵۵۵
 آکادمی علوم در نووسی بیرسک / ۵۶۸
 آکادمی علوم سبیری / ۵۶۷
 آکادمی علوم شوروی / ۶۴۲، ۵۷۱، ۵۶۷
 آکادمی علوم مجارستان (بوداپست) / ۵۶۸
 آکادمی نیروی دریایی شوروی / ۵۸۷
 آکادمی هنر و علوم آمریکا (بوستون) / ۵۶۸
 آکادمی هنرهای زیبا / ۹۷
 آکان، گوندوز / ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۳۲، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۲
 آکرا / ۷۱۷
 آکتوف، آندره میخایلوویچ الکساندرف / ۵۵۳
 ۵۵۵
 آلاسکا / ۷۶۰، ۷۵۸، ۷۵۵، ۷۳۶، ۵۷۸
 آلبانی / ۷۳۲، ۱۳۵
 آلپ ارسلان ترکش / ۸۶
 آلپرگون، بلدیریم / ۱۳۱
 آلیو / ۲۰۰
 آلتای کرای سبیری / ۵۵۶
 آلخیموف، آنتونیا / ۵۵۸، ۵۵۷، ۵۵۶
 آلخیموف، ولادیمیر سرجیویچ / ۵۵۶، ۵۵۳
 آلدومورو / ۳۱۴
 آلمان / ۹۵، ۹۷، ۵۱۸، ۵۵۶، ۶۵۳، ۶۶۲
 آلمان شرقی / ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۵، ۲۶۷، ۲۷۱، ۷۲۵
 ۲۷۹، ۲۷۳، ۲۸۲، ۵۰۱، ۵۵۹، ۵۹۳، ۵۹۷، ۶۰۹، ۶۵۴، ۶۸۰، ۶۸۲، ۷۲۴، ۷۳۲
 آلمان غربی / ۳۴، ۶۱، ۷۷، ۷۸، ۸۶، ۱۲۳، ۱۴۲، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۹، ۲۱۷، ۲۴۶، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۸، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۶۰، ۵۹۷، ۶۰۶، ۶۵۵، ۷۰۵، ۷۰۸، ۷۱۹، ۷۲۹، ۷۳۶، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۵۱، ۷۵۴، ۷۵۹
 آئنده / ۸۸، ۱۰۰
 آمریکای لاتین / ۲۳۱، ۲۵۶، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۸۸، ۵۱۳، ۶۲۶
 آمستردام / ۲۸۸، ۲۹۰
 آموزگار / ۷۳۳، ۵۹۶
 آنا تولی، دوبرینین / ۵۷۴
 آنا تولی غربی و مرکزی / ۱۵۴
 آنا تولیونا، یلنا / ۵۴۷
 آنانیکف، ک. ف / ۷۴۳
 آنا واسیلیونا، الکساندرف / ۵۵۶
 آنتون عطالاه / ۶۵۰
 آنتونوف، آلکسی کنستانتینویچ / ۲۴۹، ۵۵۳، ۵۵۹، ۵۵۸
 آندرسون / ۷۲، ۷۳، ۷۴
 آندروف، یوری / ۵۸۸، ۵۸۹
 آنژرو - سودژنک / ۷۴۸
 آنکارا / ۸۵، ۸۸، ۹۷، ۹۸، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۴، ۲۰۸، ۷۱۸
 آنکا (سرویس خبری محلی) / ۱۳۸
 آنگارسک و اومسک / ۷۴۸
 آنگولا / ۳۹۶، ۴۹۴، ۵۳۳، ۵۳۸، ۶۱۳، ۶۱۴، ۷۲۵

- آواره کوشلاو (کتاب) / ۱۰۷
 آویگذار بن گال (سرلشگر) / ۱۷۳، ۱۸۴
 آی. بلویویچ / ۶۳۹
 آی. تی. گیشین / ۳۸۳
 آیزنهاور / ۵۷۷
 آیکازیان، ادوارد آساتوریچ / ۵۵۳، ۵۵۹، ۵۶۰
 ابوشریف / ۲۱۳، ۳۳۹
 ابوظبی / ۸۰، ۸۲، ۲۱۸، ۲۵۰، ۲۵۱، ۴۵۴، ۷۱۷
 ابوعباس / ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲
 ابوقریب / ۳۰۱
 ابومیزر / ۱۹۹
 ابونیدال (صبری خلیل البناء) / ۲۸۰، ۳۱۰، ۳۱۱
 ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴
 ابوولید / ۳۴۲
 اتحاد ملی پاکستان / ۳۵۹، ۳۸۷، ۴۰۳، ۴۰۴
 ۴۰۵، ۴۱۴، ۴۱۷، ۴۲۵، ۴۳۵، ۴۴۲، ۴۶۴، ۴۶۵
 ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۴، ۴۷۹
 اتحادیه پست جهانی / ۳۵۹، ۴۹۸
 اتحادیه تجاری بین الملل / ۳۵۹، ۴۹۸
 اتحادیه جهانی پست / ۴۹۸
 اتحادیه دموکراتیک واحد مرکزی (EDEK) / ۲۵۴
 اتحادیه عرب / ۱۹، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۳۱۶، ۶۴۴، ۶۵۰
 اتحادیه کمونیستی آلمان غربی / ۲۷۳
 اتحادیه کمیته کشورهای کمونیستی خاور نزدیک / ۲۵۵
 اتحادیه مائوئیست کارگران انقلابی عرب / ۲۸۵
 اتحادیه ماهیگیران شمال قفقاز / ۵۶۹
 اتریش / ۱۲۳، ۵۵۶
 آتیوی / ۲۵۵، ۲۷۲، ۲۸۶، ۳۱۶، ۳۹۶، ۴۹۴
 ۵۴۷، ۵۴۹، ۵۹۳، ۶۱۱، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۴۴، ۶۴۶
 ۶۷۲، ۶۸۷، ۶۸۸
 اجلاس توکیو / ۳۰، ۵۱
 اجلاس غیرمتعهدها در هاوانا / ۱۸۵، ۱۹۳، ۴۴۶
 اجلاس غیرمتعهدها (کلمبو) / ۷۲۰
 اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی سوئیس
 شوروی / ۷۴۲
 اجویت، بولنت / ۸۵، ۸۶، ۸۸، ۹۰، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰، ۲۰۹، ۶۵۴، ۶۸۲
 اجویت (خانم) / ۱۰۸
 اجویت، رخصان / ۱۰۸
 اجویت، نازلی / ۱۰۸
 اچ.ام. قاضی (دکتر) / ۴۳۳
 احمد اسکندر احمد / ۳۲۹
 احمد، اقبال / ۳۷۸
 احمد الجابر / ۶۳
 احمدالخطیب / ۵۹
 احمد المهری / ۶۲
 احمد بن بلا، ۳۴، ۶۵۸
 احمد بن سودا / ۲۰۱، ۲۰۲
 احمد بن سیف الثانی / ۲۱۷
 احمد جبرئیل / ۲۶۴، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۹، ۳۰۰
 احمد، شبیر / ۴۳۵
 اختر (سپهبد) / ۴۵۱
 اختر، م. جی. م. / ۴۴۵
 اخوان المسلمین / ۳۳۱
 اداره اطلاعات و پژوهشها / ۳۷۲
 ادیمن / ۱۴۷
 اربکان، نجم‌الدین / ۸۵، ۱۵۲، ۱۵۷
 ارتش آزادیبخش خلق ترکیه / ۲۵۴
 ارتش سرخ ژاپن / ۲۸۸
 اردکانی / ۱۳، ۱۴
 اردلان، علی / ۸۹، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۱
 اردن / ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۴۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۹، ۱۸۴

اریدیز / سمیح، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰	۲۱۹، ۲۱۸، ۲۱۰، ۲۰۹، ۲۰۵، ۲۰۴، ۲۰۳، ۱۹۸
ازبکستان / ۵۷۲	۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴
ازمیر / ۱۳۴، ۱۴۹	۲۳۶، ۲۳۸، ۲۳۴، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰
اسالت (اردن) / ۳۰۷	۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۴
اسپانیا / ۲۰۸، ۲۴۶، ۲۶۰، ۲۷۲، ۲۷۳، ۳۴۱	۲۷۵، ۲۷۷، ۲۸۱، ۲۸۸، ۲۹۴، ۲۹۷، ۳۰۳، ۳۰۴
اسپایز / ۳۹۸، ۳۴۲، ۵۷۰	۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۸۹، ۶۴۳، ۶۴۴
اسپایرز / ۱۲۲	۶۴۵، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۸، ۶۸۹، ۷۵۱
اسپایک ایز / ۳۶۲	اردوژف / ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۲
اسپل نیکوف، ویکتور نیکلابویچ / ۵۱۱	اردوگاه برج الشمالي / ۲۴۹
اسپیرز / ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۳، ۱۵۶	اردوگاه رشایا الفخار / ۲۴۵
۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰	اردوگاه رشیدیه / ۲۴۹
استارک / ۴۵۲	اردوگاه زانو / ۶۸۱
استافور / ۷۶۰	اردوگاههای غنا و صدیقین / ۲۴۵
استالین، آیوسف / ۵۰۸، ۵۲۴، ۵۵۹، ۵۶۶، ۵۶۸	اردوگاه یهودی نشین قیریاط اربع / ۲۷۵
۵۶۹، ۵۷۶، ۵۸۱، ۵۸۴، ۶۲۸	ارسوز (ژنرال) / ۱۴۱
استالینسک / ۷۴۵	اروپا / ۵، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۴۵، ۵۱، ۵۳، ۵۴
استان بلوچستان (پاکستان) / ۳۹۳	۵۵، ۵۶، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۴، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۵
استانبول (استامبول) / ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۱۰۳، ۱۰۸	۸۹، ۹۲، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷
۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۹، ۱۴۸، ۱۶۰	۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۳۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۷۲، ۱۸۵
استان حکاری / ۱۶۳	۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۰۴
استراسبورگ / ۱۰۷	۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۱، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۳۱، ۲۴۲
استرالیا / ۱۷۸، ۲۰۷، ۳۸۰، ۳۹۹، ۷۴۲، ۷۵۱	۲۵۳، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۶۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۲
استرلینکوف، بوریس / ۵۵۵	۳۱۲، ۳۱۳، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۴۹، ۳۶۱، ۳۷۸، ۳۹۹
استکتوزاود / ۶۱۷	۴۹۷، ۵۰۲، ۵۱۳، ۵۳۶، ۵۴۷، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۶۳
استکهلم / ۹۵، ۵۵۶، ۵۶۷	۵۶۷، ۵۷۷، ۵۸۲، ۶۱۵، ۶۲۱، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۳۰
استمیل، جان دی. / ۵۳۹، ۵۳۵، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۴۲	۶۳۸، ۶۳۹، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۶، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۷، ۶۷۸
۵۴۴، ۵۴۷، ۵۴۹، ۵۹۳، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸	۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۵، ۶۹۷، ۷۰۱، ۷۰۳
۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۴۲، ۷۱۶، ۷۳۳	۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۸، ۷۱۹، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۴۲، ۷۴۴
استنین، ولادیمیر / ۵۷۲	۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۵۱، ۷۵۲
استونسون (سناتور) / ۷۵۹، ۷۶۰	اروپای شرقی / ۲۳، ۸۹، ۲۴۸، ۲۵۷، ۲۷۳، ۲۹۷
استیک هاوس (رستوران) / ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷	۳۶۰، ۴۷۲، ۴۹۶، ۵۴۰، ۶۴۵، ۶۷۸، ۶۸۱، ۶۹۵
۵۴۰، ۵۴۲، ۵۴۷	۶۹۶، ۶۹۷، ۷۰۱، ۷۰۵، ۷۰۷، ۷۱۹، ۷۲۳، ۷۲۴
اسچارانسکی / ۵۹۸	۷۲۷، ۷۳۵، ۷۳۶
اسحاق خان / ۳۷۲، ۴۵۳	اریتره / ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۷۲، ۲۸۶، ۶۱۳، ۶۴۶

- ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۹، ۳۹۱،
 ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۳،
 ۴۰۴، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵،
 ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳،
 ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶،
 ۴۴۷، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۶۰، ۴۶۱،
 ۴۶۴، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۹، ۴۷۳، ۴۷۹، ۴۸۱، ۴۸۳،
 ۴۸۸، ۴۹۳، ۷۱۸
 اسلام شیخ / ۴۵۳
 اسلو (پایتخت نروژ) / ۹۵
 اسمولیناکف / ۵۱۴، ۵۱۵
 اسمیت، جری / ۳۷۲
 اسمیت، ژوارد. سی / ۴۷۷
 اسمیرنف، نیکولای ایوانویچ / ۵۵۴، ۵۸۶، ۵۸۷،
 ۵۸۸
 اسنیل / ۱۱۵، ۱۲۲
 اسپراوخلو، وهاب / ۹۱، ۹۲، ۹۳
 اسپیکگل / ۱۳۷
 اشتراوس / ۳۲، ۳۵، ۱۹۰، ۴۷۸
 اشراقی / ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۴۰
 اشماروک، ماری. ا. / ۶۴۹
 اشمیت / ۱۸۷، ۱۸۸
 اصغرخان / ۳۵۹، ۳۹۴، ۴۴۲، ۴۶۴، ۴۶۹
 اصفهان / ۵۲۷، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۹، ۶۰۴،
 ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۱۸، ۶۶۳، ۶۸۳، ۷۱۷، ۷۲۱، ۷۲۲،
 ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۶۳
 اصلاحیه سیمینگتون / ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۷۶
 اصلاحیه گلن / ۳۶۶، ۳۶۹، ۳۷۸، ۳۷۹
 اطیش / ۲۰۵، ۲۲۴، ۲۶۷، ۲۹۰، ۵۴۶، ۵۸۶،
 ۷۰۵
 اعتراضالدین / ۳۸۳
 اعتمادزاده (به آذین)، محمود / ۵۱۷
 افاناسیف، ویکتور گریگوریویچ / ۵۵۳، ۵۵۴،
 ۵۵۵
- اس. دیا، حسن / ۶۵۰
 اس. دی. ترمپ / ۳۴۷
 اسرائیل / ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۹، ۴۲، ۵۵، ۶۴،
 ۶۵، ۹۰، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۶۱،
 ۱۶۲، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۷،
 ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۸۸،
 ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶،
 ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵،
 ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۶،
 ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶،
 ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸،
 ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۰،
 ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۳،
 ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۴،
 ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۴،
 ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۵، ۲۹۶،
 ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸،
 ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۲۰، ۳۳۰، ۳۳۴، ۳۴۵، ۳۷۵،
 ۳۷۶، ۳۷۷، ۴۷۵، ۴۷۸، ۶۱۵، ۶۲۸، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۳،
 ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۸۶،
 ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱
 اسقف کاپوچی / ۲۶۰، ۲۷۵، ۳۰۶
 اسقف ماکاریوس / ۱۴۷
 اسکاف، ژوزف / ۲۰۰
 اسکندرون / ۱۳۲
 اسکندری، ایرج / ۷۲۵
 اسکندریه / ۳۲، ۲۴۸
 اسکوترکو / ۵۴۰
 اسکودرو، استانلی / ۱۰۸، ۵۱۸، ۵۲۰، ۵۲۳،
 ۵۲۵، ۵۲۸، ۵۳۰، ۵۳۵
 اس. کوفی / ۷۵۸
 اسکيوال، آنتونیو / ۴۳۱، ۴۳۲
 اسلامآباد / ۹۲، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۵۸، ۳۶۴، ۳۶۵،
 ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۴، ۳۷۷، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱

- افغانستان / ۱۴۱، ۱۴۸، ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۶۶، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۹، ۳۸۲، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۴۰۱، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۸، ۴۲۸، ۴۲۸، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۴۷، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۶۲، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۵، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۸، ۴۹۴، ۵۱۰، ۵۱۵، ۵۳۰، ۵۳۹، ۵۸۹، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۱۶، ۶۱۹، ۶۴۴، ۶۴۶، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۶۰، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۳، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۵، ۷۰۵
- افندیوف، فیکرت اسفندیار اقلی / ۵۱۰
- اقبال / ۴۴۳
- اقبال (دکتر) / ۵۱۶
- اقبال (سیهید) / ۴۴۲، ۴۱۶، ۴۴۲
- اقبال، فیض / ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۷۳
- اقبال، محمد (سیهید) / ۴۴۲
- اقیانوس آرام / ۷۷، ۵۸۷، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۵۵، ۷۵۶
- اقیانوس اطلس / ۴۹۴
- اقیانوس هند / ۷۷، ۸۹، ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۶۵، ۳۷۵، ۴۵۴، ۴۷۵، ۴۸۳، ۴۹۴، ۵۲۱، ۵۳۸، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۹، ۶۶۷، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۸۷، ۶۸۸، ۷۲۰
- اکرم، مسعود / ۴۳۵
- اکرم، منیر / ۳۷۶
- اکسکلوسیو (هفته نامه) / ۲۱۴
- اکسیدنتال / ۵۴۱
- اکونومیست (نشریه) / ۵۲۱، ۵۲۷
- اکی باستوز / ۷۵۲
- الاهرام / ۲۳۹، ۶۵۰
- البدای / ۲۷۹
- البدایه / ۲۷۹، ۲۷۰
- البدری، حسن / ۶۵۰
- البلادی / ۲۸۱
- البناء / ۲۴۱، ۳۱۰، ۳۱۱
- الپاسو / ۷۰۹
- الجزایر / ۶، ۱۶۲، ۱۷۵، ۱۸۱، ۲۰۲، ۲۴۱، ۲۴۷، ۲۵۲، ۲۷۳، ۲۹۱، ۳۱۰، ۳۹۸، ۶۵۸، ۶۹۰
- الجزیره / ۳۴، ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۱۴۳، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۶، ۲۷۲، ۲۷۹، ۲۸۳، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۸، ۳۱۲، ۵۱۲، ۷۱۸
- الخلوه / ۲۸۱، ۲۹۶
- الخال الصحیح الفتح (سازمان) / ۳۱۴
- الخطیب / ۵۹، ۶۰
- الدامور (لبنان) / ۲۴۷، ۳۰۵
- الدستور (روزنامه اردنی) / ۲۰۹
- الدورادوی / ۷۴۴
- الراشد / ۲۴، ۶۰، ۶۴
- السال (اردن) / ۲۶۹
- السیک / ۱۲۲
- السیل اویمین / ۱۲۷
- الشعبیه / ۷۷
- الصاعقه / ۲۶۳، ۲۷۹، ۲۹۵، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۴
- الصباح / ۸۲
- الصباح الاحمد / ۲۷
- الصبايی، یوسف / ۳۱۴، ۳۱۵
- الطلیعه / ۱۷، ۱۹، ۲۸۴
- العاصفه (شاخه کماندویی فتح) / ۳۱۱
- العال ناجی / ۲۰۹
- العال (هوایمی اسرائیل) / ۲۵۸، ۲۸۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۸
- الغانی (نخست وزیر یمن شمالی) / ۶۵۳
- الف. پتروف / ۶۲۰، ۶۵۲
- الفتح / ۲۲۷، ۲۶۱، ۳۲۳
- الفجر / ۲۰۹
- الفرین / ۲۰۱
- الکساندرف / ۵۵۳، ۵۵۵، ۵۵۶
- المنصور (شمال بغداد) / ۲۸۱
- المهری / ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۲
- الن / ۵۳۸

- النهار / ۸۲
 الوطن / ۱۰، ۱۹
 ال. و کارناکف / ۶۷۵
 الون / ۳۳۰، ۳۳۳
 الهانی / ۲۰۱
 امارات متحده عربی / ۵۱، ۵۴، ۶۱، ۱۴۶، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۷۲، ۲۹۲، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۸۶، ۵۲۲
 امام موسی صدر / ۳۴۸
 امان / ۱۷۵، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۸۹، ۲۹۷، ۴۷۵، ۷۱۸
 امپریالیسم / ۱۹، ۲۲۴، ۲۳۳، ۲۵۵، ۲۶۸، ۲۸۰، ۴۶۰، ۴۹۲، ۴۹۳، ۶۴۸، ۶۶۶، ۷۲۰
 ام. جی. ماریتر (اسم رمز) / ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۵
 ام. دی. زهدی / ۶۵۰
 امقصر / ۶۱۱
 امل / ۳۲۸، ۳۲۹
 امیدوف، ک. اس / ۷۵۸
 امیرانتظام، عباس / ۳۲۰، ۶۸۶
 امیر خلیفه / ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۶
 امیر عثمان / ۳۶۶، ۴۰۸، ۴۲۸
 امین / ۴۶۲
 امینی، رضا / ۵۰۴
 امینی، علی / ۵۹۹، ۶۰۲
 ام. یوکرانتسف (نام مستعار کاپیتسا) / ۵۷۱
 ان. آی. کوزیرف / ۶۲۰
 ان بی سی قاهره / ۲۰۰
 انتبه / ۲۸۵، ۲۹۱
 انتشارات دانشجویان مسلمان پیرو خط امام / ۱۶۹
 انجامنا / ۷۱۸
 انجمن اسلامی آلمان / ۲۸۵
 انجمن ایران و آمریکا / ۵۳۷
 انجمن تجارت و اقتصاد شوروی آمریکا / ۵۵۷
 انجمن ترکیه و آمریکا / ۱۲۸
 انجمن دانشجویان عرب / ۲۵۵
 انحلال مجلس ملی / ۲۴
 اندرسون، سیدنی / ۱۵، ۱۶
 اندرویانگ / ۵۹۹
 اندونزی / ۲۹۱، ۳۸۹
 انستیتو آمریکا، کانادا / ۷۶۰
 انستیتو امور بین‌المللی مسکو / ۵۹۶
 انستیتو انرژی اتمی کورچاتف / ۵۸۰
 انستیتو اورینتال (مؤسسه خاورشناسی) / ۶۱۸
 انستیتو پداگوژیکی (کیشینف) / ۵۶۴، ۵۸۵
 انستیتو پلی تکنیک اورال / ۵۸۳
 انستیتو تحقیقی آکادمیک اسرائیلی / ۶۴۴
 انستیتو تعلیمی آموزشی اودسا / ۵۸۹
 انستیتو راه آهن لنینگراد / ۵۹۰
 انستیتو روابط بین‌الملل / ۵۷۲
 انستیتو ریاضیات ایمنی استکلف / ۵۶۷
 انستیتو زبانهای خاوری / ۵۷۲
 انستیتو ماشین آلات مسکو / ۵۱۳
 انستیتو مدیریت اقتصاد ملی / ۵۶۵، ۵۶۶
 انستیتو مطالعات استراتژیک الاهرام / ۶۴۵
 انستیتو مطالعات استراتژیک در تل آویو / ۶۴۹
 انستیتو مطالعات شرق / ۵۰۳
 انستیتو مهندسی حمل و نقل آب لنینگراد / ۵۷۶
 انستیتو مهندسی مسکو / ۵۷۸
 انستیتو مهندسین ساختمان صنعتی / ۵۶۷
 انستیتو وزارت خارجه / ۵۹۴
 انستیتو هوایی مسکو / ۵۸۰
 انستیتوی زبانهای شرقی مسکو / ۵۷۱
 انستیتوی مارکسیسم لنینیسم / ۵۶۴
 انستیتوی مطالعات استراتژیک / ۶۴۴
 انصاری، هوشنگ / ۱۲۰
 انقلاب اسلامی / ۲۶، ۴۲، ۹۰، ۱۶۹، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۴۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۶۴۲

اورون، کنعان / ۸۶، ۱۴۱، ۱۵۶، ۱۸۴، ۱۸۸، ۴۷۷، ۱۸۹	۶۷۳، ۶۷۲، ۶۶۸، ۶۶۳، ۶۶۱، ۶۵۶
اوزال، تورگوت / ۱۵۷، ۱۵۸	انگلستان / ۲۳، ۶۱، ۷۷، ۷۸، ۸۱، ۸۲، ۱۰۷، ۲۵۵، ۲۴۹، ۲۴۶، ۲۴۱، ۲۱۴، ۱۹۵، ۱۹۴، ۱۹۰
اوزی پف، ویکتوریا کفلویچ / ۵۱۱، ۵۰۸، ۵۰۹	۳۱۰، ۳۰۷، ۲۸۸، ۲۷۶، ۲۷۵، ۲۷۲، ۲۶۸، ۲۶۱
۵۱۰، ۵۱۲، ۶۱۸	۳۱۲، ۳۱۴، ۳۳۵، ۳۵۳، ۳۵۸، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۸۰
اوستروفنکو، وای. / ۶۱۸	۳۸۲، ۴۴۳، ۴۵۵، ۴۵۷، ۴۸۰، ۴۸۲، ۵۲۳، ۵۲۱
اوغلو، اسماعیل کافه سی / ۱۲۹	۵۵۷، ۵۵۶، ۶۵۸، ۶۴۲، ۶۰۲، ۵۹۱، ۵۷۸
اوغلو، توپوز / ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۱	۷۰۸، ۷۳۴، ۷۵۶
اوغلو، سانلی توپوز / ۱۲۶، ۱۳۰	انیان (سناتور) / ۱۳۷
اوغلو، عمر زیتین / ۱۴۵، ۱۴۶	اوبلاست / ۴۹۷، ۵۶۴، ۵۷۶، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴
اوغلو، کوکور / ۱۳۵، ۱۳۶	۵۸۹، ۵۸۹، ۷۴۹، ۷۴۸، ۷۴۶، ۷۴۴، ۷۰۲، ۶۹۹
اوغلو، مؤذن / ۱۱۵	۷۵۵
اوکراین / ۵۴۶، ۵۶۲، ۵۷۱، ۵۷۴، ۵۷۸، ۵۸۹	اوپیک / ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۶
۶۳۱، ۶۷۷	۶۹، ۷۰، ۷۹، ۸۲، ۸۶، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۲۴، ۱۲۵
اوکراین غربی و جنوبی / ۶۳۱	۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۵، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۹۰
اوکسوس / ۴۵۱	۲۹۱، ۳۶۰، ۳۶۹، ۵۲۱، ۵۳۴، ۶۰۲، ۶۷۵، ۶۹۵
اوکندی (وزیر خارجه ایرلند) / ۲۰۷، ۲۰۸	۶۹۶، ۶۹۷
اوگادن / ۶۱۱، ۶۱۳	اوتاو / ۷۵۸
اوگادوگو / ۷۱۸	اوتمالی (موزامبیک مرکزی) / ۶۸۱
اوگاندا / ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۶، ۲۹۱، ۳۴۲، ۳۹۸	اوختسک / ۷۴۴، ۷۰۲
۶۵۴	اودسا / ۴۹۹، ۵۸۹
اولزوسکی / ۷۲۴	اورال / ۵۸۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۴۴، ۷۴۵
اومسک / ۷۴۸، ۷۴۶	اورالز ولگا / ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۲، ۷۰۳
اویتا / ۸۰	۷۰۴، ۷۰۶
اهواز / ۱۸۰، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۳، ۳۳۴، ۳۳۹	اورانس / ۷۴۰
۶۰۵، ۶۰۶، ۶۸۳، ۷۲۱، ۷۲۹، ۷۳۰	اورشلیم / ۱۸۴، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۵، ۱۹۷
ایالات بالتیک / ۶۳۳	۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۱۷
ایالت بلوچستان پاکستان / ۳۵۷	۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۶، ۲۳۳، ۲۵۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۷۵
ایالت سند / ۳۹۲	۳۰۸، ۶۵۰
ایالت یوزکات / ۱۵۸، ۱۵۹	اورفا (ترکیه) / ۱۶۳
ایپراس / ۱۳۸، ۱۳۹	اورلی / ۲۹۲
ایتالیا / ۸۶، ۹۷، ۱۰۷، ۱۳۴، ۲۰۹، ۲۴۶، ۲۵۴	اورنبرگ / ۷۰۱، ۷۳۶، ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۴۲
۲۵۵، ۲۵۷، ۲۷۲، ۲۸۹، ۳۱۴، ۳۵۵، ۳۷۷، ۵۴۶	اورنگون / ۷۰۲
۵۵۵، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۴، ۶۶۱، ۷۰۵، ۷۳۶، ۷۵۱	اوروگوئه / ۵۱۳، ۵۴۶

ایران / ۳، ۵، ۶، ۸، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۷۲۹، ۷۲۸	۳۷، ۳۸، ۵۱، ۵۵، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۳، ۶۴، ۶۷، ۷۴
ایرفلوت / ۷۱، ۴۴۵، ۵۳۱، ۵۳۲، ۶۰۴، ۶۷۸، ۷۲۸، ۶۸۵	۷۵، ۷۹، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۱۰۸، ۱۰۹
ایرکوتسک / ۷۴۶، ۷۵۴، ۷۵۵	۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۰، ۱۲۱
ایرلند / ۵۴، ۱۸۲، ۲۰۷، ۲۵۴، ۲۸۵، ۲۸۶	۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶
ایروان / ۵۶۰	۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶
ایزنبراون / ۴۴۵	۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵
ایشکف، الکساندر آکیموویچ / ۵۶۹، ۵۶۸، ۵۵۳	۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۳، ۱۷۹
۵۷۰	۱۸۰، ۱۸۱، ۱۹۵، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۹
ایفان، کامین (سناتور) / ۱۳۷	۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۱
ایفراین (کاخ کوهستانی شاه حسن) / ۲۰۲	۲۴۶، ۲۵۳، ۲۵۴، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۶
ایگات ۲ / ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۶۳	۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷
ایگور، الکساندر / ۶۶۸	۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵
ایلیمسک، یوستی / ۷۵۴	۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۵
ایلینیچنا، لیدیا / ۵۷۲	۳۶۶، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۶
اینز (رئیس جمهوری پرتغال) / ۶۵۴	۳۹۴، ۴۰۸، ۴۱۸، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۷
اینگستراخ (شرکت بیمه حکومت شوروی) / ۷۲۸، ۶۰۴	۴۶۱، ۴۶۲، ۴۷۵، ۴۷۸، ۴۸۱، ۴۸۳، ۴۸۶، ۴۸۷
اینونو، عصمت / ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۴، ۹۹، ۸۶	۴۸۸، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴
ایوانف، وی. پی / ۵۸۱	۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳
ایوب خان / ۴۸۳، ۴۸۰	۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱
ایهان ازتراک / ۹۴	۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹
	۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷
	۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۸، ۵۴۹
ب	۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰
باب‌المنذب / ۶۸۷، ۶۴۴	۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹
باتو، اینال / ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۴۲	۶۱۰، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۵
بادرمانیهوف (گروه تروریستی) / ۲۸۵، ۲۸۴	۶۲۶، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۵۲
۳۱۴	۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳
بارایشاور / ۶۸۳	۶۶۴، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴
بارج / ۳۲۸، ۳۲۷، ۳۲۶، ۳۲۵، ۳۲۳، ۳۲۲، ۳۲۱	۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸
۳۴۱، ۳۴۰، ۳۳۹، ۳۳۸، ۳۳۵، ۳۳۴، ۳۳۰، ۳۲۹	۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۵، ۶۹۷، ۷۰۵، ۷۱۶
۳۴۷، ۳۴۶، ۳۴۵، ۳۴۳، ۳۴۲	۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶
بارک، آهارون / ۱۸۴	۷۲۷، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۳، ۷۳۴
بارتس / ۷۵۹، ۷۵۸، ۷۰۲، ۴۹۹	ایرسات (شرکت سهامی ایران و روسیه) / ۶۰۴

- بازار سبزی فروشان پتاتیکوا (تل آویو) / ۲۷۵
 بازرگان، مهدی / ۶۲، ۶۹، ۸۱، ۱۴۷، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۲، ۳۴۸، ۳۸۱، ۳۸۲، ۴۳۵، ۶۷۱، ۶۷۲
- براون / ۱۲۳، ۶۲۱
 براون، گوردون اس. / ۶۴۹
 برج البراجنه / ۲۸۱، ۳۴۲
 بردیجان / ۶۰۶، ۷۲۹
 برزیل / ۹۸، ۲۸۵، ۳۷۴، ۷۱۸
 برژنف، لئونید آی. / ۷۱، ۲۳۵، ۴۸۵، ۴۹۷، ۵۰۷، ۵۲۱، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۳۵، ۵۴۶، ۵۵۳، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۶۱، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۷۶، ۵۸۲، ۵۸۴، ۵۸۶، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۶۰۱، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۲۱، ۶۵۵، ۶۵۸، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۷۲، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۷۲۰، ۷۵۵
- برژنیسکی / ۶۲۱، ۶۶۷
 برگستن / ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷
 برلن غربی / ۲۵۵، ۲۸۴، ۲۸۵
 برلین / ۹۵، ۵۱۴، ۵۹۷
 برمه / ۴۴۹، ۵۶۳
 بروس فلاتین / ۴۴۵
 بروکسل / ۵۱، ۱۲۸، ۱۸۱، ۲۰۸، ۲۵۸
 بریا، لاورنتی / ۵۸۹
 بریتانیا / ۵۲۰، ۵۲۱
 بریتیش پترولیوم / ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۳۶، ۵۲، ۵۳، ۵۷، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۸۲
- بریدی، هانا / ۳۳۴
 بریگاد سرخ / ۳۱۴
 بریمز، جان اس. / ۴۴۵، ۴۶۱
 بساراب (مرز رومانی و شوروی) / ۵۶۲
 بسفر / ۱۴۰
 بشاره / ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۳
 بشیر / ۴۶۶
 بشیر جمیل / ۲۰۵
 بعلبک / ۲۸۱، ۲۸۲
- بغداد / ۱۳، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۷۰، ۷۱، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۸۹، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۸۱، ۲۹۱، ۳۰۱، ۳۰۵، ۳۱۰
- باکو / ۵۲۳، ۵۲۴، ۶۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱
 باکولف / ۳۷۲
 بالتیک / ۴۹۹، ۵۸۷، ۶۳۳، ۷۵۸، ۷۵۹
 بالکان / ۱۵۳
 باماگو / ۷۱۸
 باناسکو / ۳۴۵، ۳۴۷
 بانجول / ۷۱۸
 بانک (آن یونیون) / ۵۷۶
 بانک ایران و شوروی / ۵۳۱، ۶۰۴، ۷۲۸
 بانک بازسازی و عمران بین‌المللی / ۳۵۹
 بانک توسعه و بازسازی بین‌المللی / ۳۷۱
 بانک صادرات و واردات / ۵۵۷
 بانک عرب ترکیه / ۱۲۹
 بانک عمران آسیایی / ۳۵۹
 بانک فدرال آمریکا / ۱۲۲
 بانک مرکزی اسرائیل / ۲۰۴
 بانک مرکزی ایران / ۷۲۱، ۷۲۲
 بانک مرکزی ترکیه / ۹۸، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۹
 بانک مرکزی کویت / ۵۷، ۷۴
 بانک ملی قطر / ۱۹۴
 بانکوک / ۲۵۹، ۵۱۵
 بایار، جلال / ۸۶
 بایاکف / ۷۶۰
 بایولکن، ملوک / ۹۴
 بحرین / ۷، ۱۳، ۱۹، ۲۷، ۵۴، ۵۵، ۶۱، ۲۰۹، ۲۸۴، ۳۸۹، ۶۶۷، ۶۹۲
- بختیار، شاهپور / ۳۲۶، ۳۳۹، ۳۴۱، ۳۴۴، ۳۴۸
 براترسکی وی.ا. / ۶۱۸
 برانت، ویلی / ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۶، ۲۰۸

- بنگلادش / ۹۲، ۱۱۴، ۱۴۳، ۲۱۰، ۳۵۳، ۳۵۶، ۳۶۰، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۸۱، ۳۸۸، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲
- بنیاد راکفلر / ۱۰۴
- بنی صدر، ابوالحسن / ۶۸۶
- بوئنوس آیرس / ۷۱۸
- بوتفلیکا (وزیر امور خارجه الجزایر) / ۲۹۰
- بوتو، بیگم نصرت / ۳۹۲، ۴۰۳، ۴۳۷، ۴۳۸
- ۴۳۹، ۴۴۴، ۴۴۷، ۴۶۱، ۴۶۳، ۴۶۹
- بوتو، بی نظیر / ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۱۴، ۴۲۶، ۴۳۶
- ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۴، ۴۶۹
- بوتو، ذوالفقار علی / ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۷
- ۳۵۹، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۷۰، ۳۷۳، ۳۷۶، ۳۷۸، ۳۸۵
- ۳۸۶، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۴۰۳، ۴۰۴
- ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸
- ۴۲۶، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴
- ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۶۳، ۴۷۰، ۴۷۲، ۴۷۴
- ۴۷۷، ۴۸۳، ۵۲۹، ۵۳۰
- بوتو، ز.، الف / (خانم) / ۳۵۹
- بوتو، مرتضی / ۴۳۶، ۴۴۴
- بوتو، ممتاز / ۳۹۰
- بوجومبورا / ۷۱۸
- بوجانان / ۶۷۶، ۶۹۲
- بوداپست / ۵۶۷
- بودیول، ایوان ایوانویچ / ۵۵۳، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳
- بورگ (دکتر) / ۴۷۸
- بوستا / ۲۰۱
- بوستون / ۵۶۸
- بوشهری پور، بهرام / ۵۰۴، ۵۰۵
- بوعبید (نخست وزیر مراکش) / ۲۰۰، ۲۰۲
- بوگتی، اکبرخان / ۳۹۴، ۴۶۳، ۴۷۴
- بوگوتا / ۷۱۸
- بوگوچانی / ۷۵۴
- بوگولیوبو، کلاودی / ۵۶۴
- بولیس، رالف / ۵۹۶
- ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۴۲، ۳۸۶، ۵۰۳، ۵۳۹
- ۶۴۳، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۹۰
- بگین، مناخیم / ۳۳، ۳۵، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۸، ۱۹۸
- ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۷، ۵۹۴، ۶۸۹
- بلژیک / ۷۸، ۷۸۱، ۲۵۵، ۲۷۲، ۵۸۴، ۵۸۶
- ۶۵۵، ۶۶۱
- بلغارستان / ۱۲۰، ۲۵۳، ۲۷۸، ۵۵۹، ۷۲۳، ۷۲۷
- ۷۳۲
- بلغراد / ۳۱۲
- بلنکو، ویکتور / ۵۴۴، ۵۴۵
- بلوچستان / ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶
- ۴۰۱، ۴۱۱، ۴۱۶، ۴۱۸، ۴۲۴، ۴۵۰، ۴۶۲، ۴۶۳
- ۴۶۴، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۹، ۴۸۲
- ۴۸۵، ۵۲۰، ۵۲۲
- بلوچستان تایمز / ۴۶۱
- بلوروسیان (بلوروسیه) / ۵۹۱
- بلومنتال / ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴
- بلوین (سفیر فرانسه) / ۷۱
- بلیس / پی ام (خانم) / ۶۷۹
- بلیک / ۱۲۲
- بن / ۱۸۷، ۱۸۸، ۲۵۵، ۲۶۲، ۲۸۴، ۳۱۲، ۳۱۴
- ۳۷۴
- بنازیر / ۳۹۳
- بنت جبیل / ۲۶۵
- بندر احمدی (کویت) / ۴، ۶، ۷۷
- بندر اولگا / ۷۵۶
- بندر پهلوی (انزلی) / ۵۳۱، ۵۳۲، ۷۲۸
- بندر چیتاگونگ / ۶۱۰
- بندر سنگاپور / ۲۸۹
- بندر لوئیس (موریتوس) / ۶۱۱
- بندر مگادان / ۷۴۶
- بندلن، دبلیو / ۷۸
- بن غازی / ۲۹۱
- بن گال / ۱۷۳، ۱۸۴

- بون / ۴۵۲
 بووین، الکساندر / ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳
 بویناکسک (داغستان آذربایجان شوروی) / ۶۶۹
 بوینس آیرس / ۵۷۸
 بهجت ابو غریبه / ۳۰۷
 بهشتی، سید محمد حسین (دکتر) / ۱۶۱، ۳۳۶، ۶۸۶
 بهیک هزار / ۱۰۹، ۱۱۰
 بیانیه رد فورت / ۴۸۶
 بیباکف / ۷۴۹
 بی. بی. سی / ۳۹۲، ۳۹۳، ۷۴۰
 بیت المقدس / ۳۳۰، ۳۴۹
 بیت یاهون / ۱۸۳
 بیرشوا / ۲۷۵
 بیروت / ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۵، ۱۹۲، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۵۴، ۲۶۵، ۲۶۹، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۹، ۲۹۶، ۲۹۸، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۹
 بیزنجو، میرغوث بوکس / ۳۹۵، ۳۹۶، ۴۴۲، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۹، ۴۷۲، ۴۷۳
 بیسائو / ۷۱۸
 بیکال آمور / ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۵۵
 بیکال، دنیز / ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳
 بیلتیس (ترکیه) / ۱۶۳
 بیل کرین / ۴۹۵
 بین یاهون / ۱۸۳
- پ
 پاتوشکف وی. بی. / ۶۱۸
 پادشاه کریست / ۲۸۵
 پادگان جمشیدیه / ۳۸۲
- پادگورنی، نیکولای / ۵۲۴، ۵۶۱، ۵۸۶، ۶۲۱
 پاریس / ۲۶۲، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۱۲، ۳۱۶، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۷۳، ۳۷۶، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۴۶۷، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۵۶، ۵۷۴، ۵۹۱
 پاشایف، اللخشوکور (الله شکور) / ۶۵۹
 پاکستان / ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۱۱۴، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۷، ۲۴۱، ۲۴۸، ۲۵۷، ۲۷۲، ۳۱۳، ۳۱۶، ۳۲۸، ۳۵۱، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۹، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۵۱۱، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۸۸، ۶۱۶، ۶۴۴، ۶۴۶، ۶۵۸، ۶۹۰
 پاکستان تایمز / ۴۲۳، ۴۵۳، ۴۶۸
 پاکستان شرقی / ۳۵۳
 پاکستان غربی / ۳۵۳
 پاگارا، پیر / ۳۵۹، ۴۶۹، ۴۷۰
 پان آمریکن / ۲۸۹
 پاناما / ۱۲۰، ۲۲۴
 پایگاههای اتمی آمریکا در ایران / ۵۹۵
 پتان / ۳۹۵، ۴۶۲، ۴۷۱

- پترفدوسیف / ۵۶۴
 پترماشروف / ۵۹۱
 پتروسکی، بوریس / ۷۲۶
 پتروسیانتس، آندرونیک / ۵۷۹
 پتروف (ژنرال) / ۶۵۲، ۶۱۶
 پتروگراد (لنینگراد) / ۵۹۰
 پترون، کلاودیا / ۵۶۳
 پراکش شاه / ۵۲۵
 پرتغال / ۳۴، ۱۰۷، ۱۱۶، ۳۶۱، ۶۵۴
 پرز، شیمون / ۱۸۸، ۱۸۴
 پرسی (سناتور) / ۴۸۶
 پرشت، هنری / ۶۵۴
 پرل هاربر / ۶۸۷
 پرو / ۲۸۵
 پروژه بند ارس / ۵۱۵
 پروژه خانه‌های پیش ساخته آریاشهر / ۷۳۰
 پروژه ذوب آهن / ۴۴
 پروژه ذوب آهن شوروی / ۷۲۱
 پروژه سه‌جانبه یاکوتیا / ۷۵۸
 پروژه نورث استار / ۷۰۸
 پروژه‌های ساختمان آریاشهر / ۵۳۲
 پروژه‌های (فیل سفید) / ۴۴
 پطر کبیر / ۵۱۸
 پطروس غالی / ۲۱۱
 پکن / ۴۳۲، ۵۳۰، ۵۷۲، ۶۱۶
 پلاختی / ۵۹۸
 پنتاگون / ۴۶۷، ۶۶۶، ۶۶۷
 پنجاب / ۳۵۸، ۳۹۰، ۳۹۲، ۳۹۴، ۳۹۶، ۴۰۳
 ۴۱۸، ۴۲۴، ۴۳۹، ۴۶۳، ۴۷۹
 پنینتو / ۲۰۴
 پوجا / ۷۲۴
 پودلر / ۳۷۲
 پورت لوئیس / ۷۱۸
 پوزانف / ۴۸۴
- پولیاکوف، ویکتور نیکلایویچ / ۵۵۴، ۵۸۱، ۵۸۲
 پولیساریو / ۲۰۴، ۲۷۳، ۶۸۶، ۶۸۹، ۶۹۰
 پونسه، فرانسوا / ۱۹۶
 پویا، مرتضی / ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۴۵
 پهلوی، رضا / ۷۲۳
 پی. ای. افورت / ۳۳۴
 پیترمون / ۱۹۱
 پیر جمیل / ۲۰۵
 پیرزاده، حافظ / ۳۹۰
 پیشاور / ۳۹۷، ۳۳۵، ۴۳۶، ۴۴۵، ۴۶۱، ۴۸۰
 پیکر، ساموئل ا.ج. / ۳۹۶، ۳۹۷
 پیل، مایر / ۶۵۰
 پیمان آتلانتیک شمالی / ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۷، ۶۵۵
 ۶۵۷، ۶۵۹، ۶۶۱، ۶۸۱
 پیمان سنتو / ۸۹، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۶، ۳۶۳، ۳۶۴
 ۳۸۱، ۳۸۲، ۴۱۲، ۴۵۰، ۴۵۱، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۲۱، ۶۱۵
 پیمان سیتو / ۸۹، ۳۶۳
 پیمان مصر و اسرائیل / ۱۸۲، ۱۹۶، ۱۹۷
 پیمان ورشو / ۲۳۲، ۲۶۳، ۴۹۸، ۵۰۲، ۶۸۱
 پیونگ یانگ / ۲۴۸
- ت - ث
 تاتوان موس (ترکیه) / ۱۶۳
 تاچر، مارگارت / ۱۹
 تاچر، نیکولاس جی. / ۵۱۴
 تاراسف، الکساندر / ۵۸۱
 تارپور هند / ۴۵۱
 تار تار آلمت یوسک / ۷۴۸
 تاس (امضاء) / ۶۴۳
 تاگور، رابیندرانات (شاعر هندی) / ۱۰۷
 تالپور، میرعلی احمد / ۳۸۸، ۴۴۱
 تالکوت سیلیه / ۴۷۸
 تالو، نعیم / ۹۳، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۶

۲۵۴، ۲۷۳، ۲۸۶، ۲۹۲، ۲۹۷، ۳۳۱، ۳۶۱، ۳۶۶،	تالینن / ۵۸۷
۴۰۸، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۳۶، ۶۴۲، ۶۵۴، ۶۸۲	تامارا ایوانوا / ۵۱۴
ترمسک / ۷۴۸	تامست / ۳۸۱
ترهان فیض، اوغلو / ۸۵، ۱۰۴، ۱۰۵	تامسک (سیبری مرکزی) / ۵۸۱
تره‌کی، نورمحمد / ۳۹۴، ۳۹۵، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۳۶،	تانزانیا / ۳۹۸
۴۵۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۷۱، ۴۷۲	تایراتیروا / ۷۶۱
تریپولی / ۸۰، ۲۳۳، ۲۳۷، ۲۴۶، ۲۶۵، ۲۷۶،	تایلند / ۲۵۹، ۴۴۹
۲۸۲، ۲۸۷، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۶، ۲۹۹، ۳۱۱، ۳۱۲،	تایلور، کلاید د. / ۱۲۰
۳۱۴، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۹، ۳۴۳، ۷۱۸	تایمز بلوچستان / ۴۷۳
تریست / ۲۵۸	تایمز پاکستان / ۳۷۶، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۴۰، ۴۴۴،
تسویگون، سمن کوزمیچ / ۵۵۴، ۵۸۸، ۵۸۹	۴۸۰، ۴۷۹
تسویگون، میخایلونا / ۵۵۴، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰	تایمز مالی (نشریه) / ۵۲۱
تل آویو / ۱۸۴، ۱۸۸، ۱۹۳، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۵،	تأسیسات گتی / ۷
۲۱۲، ۲۱۵، ۲۲۱، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۵۰، ۲۵۵، ۲۵۸،	تبت / ۷۲۳
۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۷۵، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۸، ۳۳۰،	تبریز / ۵۰۲، ۵۱۶، ۵۳۱، ۵۳۲، ۶۰۶، ۷۱۷،
۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۹، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۹	۷۲۱، ۷۲۸، ۷۳۰، ۷۳۳، ۷۳۴
تل زعتر / ۳۳۹	تبلیس / ۵۸۶
تلو (خانم) / ۹۸	تپه جبل باسیل / ۱۸۳
تنگه هرمز / ۲۸، ۶۰، ۶۹، ۷۰، ۱۹۵، ۲۰۲، ۲۰۴،	تجربش / ۳۲۷
۲۰۶، ۲۱۰، ۲۱۰، ۵۲۹، ۶۶۸	تراپز نیکوف، ولادیمیر / ۵۶۰
توبولسک / ۷۴۸	ترانس - آلاین / ۲۵۸
توپوز، علی / ۱۶۰	ترانسیلوانیا / ۷۲۷
تورنتو / ۷۶۱، ۷۵۸	ترزی / ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۶، ۲۰۰
تورنتون (نویسنده) / ۱۰۷	ترکمنستان / ۷۵۰
تورینوف / ۵۰۵	ترکیه / ۸۳، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲،
توزه (سکوتوره) / ۶۱۵	۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲،
توساینٹ / ۵۲۰	۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱،
توکیو / ۳۰، ۵۱، ۲۸۶، ۲۸۸، ۵۱۷، ۵۴۶، ۷۵۶	۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹،
تولبرت (رئیس جمهور لیبیا) / ۱۹۶	۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷،
تولکوام / ۲۶۳	۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵،
تولومن، تورگوت / ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۶۱	۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳،
تون / ۳۷۳، ۶۴۲، ۶۶۹، ۶۷۴، ۷۴۳، ۷۶۱، ۷۶۲	۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱،
تونس / ۳۴، ۷۰، ۸۲، ۲۵۲، ۲۹۱، ۳۱۴، ۳۱۵،	۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹،
۳۹۸، ۵۸۶، ۷۱۸	۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۲۰۹،

- تويمان / ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۲، ۷۴۴، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۸، ۷۵۹
- تهران / ۱۳، ۱۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۸۰، ۸۲، ۹۱، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۹۱، ۱۹۳، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۵۴، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۶۲، ۳۶۶، ۳۶۹، ۳۷۰، ۴۶۱، ۴۸۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۵، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۲، ۵۴۷، ۵۴۹، ۵۹۳، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۱۰، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۲۱، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۵۲، ۶۵۴، ۶۵۸، ۶۶۱، ۶۶۳، ۶۶۵، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۳، ۶۸۳، ۶۸۶، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۶۱، ۷۶۲
- تی.اس.الیوت / ۱۰۷
- تی.ان.دوپوی / ۶۴۴، ۶۴۹
- تیبیت، ناسی / ۱۲۹
- تیبستی / ۲۸۶
- تیژنوارتفسک / ۷۴۸
- تیسی کویمان / ۵۶۵
- تیفانی / ۵۳۵
- تیکاخان / ۴۴۰
- ثابت، عثمان / ۹۵
- ثاقب / ۳۸۹، ۴۲۹، ۴۴۶
- ج
جايرالاحمد الصباح / ۷۶، ۸۱
- جاتویی، جی.ام. / ۴۷۹
- جاسم القیطانی / ۱۸
- جاكارتا / ۸۰، ۷۱۸
- جامعه اقتصادی اروپا / ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۷۹، ۹۲، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۸۷، ۲۱۷، ۲۱۸
- جامعه دانشجویان عرب (پروجیا) / ۳۰۶
- جامعه رفاه عربی اسلامی / ۲۸۵
- جامعه فلوتینگ کریستانتوم (ژاپن) / ۲۵۶
- جامعه وحدت فلسطین و ساتاما / ۲۸۶
- جامو / ۳۵۸
- جانانا / ۴۲۵
- جاویتس (سناتور) / ۱۴
- جبهه آزادیبخش اریتره / ۲۵۶، ۲۸۶
- جبهه آزادیبخش تونس / ۲۵۴
- جبهه آزادیبخش خلق فلسطین / ۲۶۲، ۲۶۴
- جبهه آزادیبخش خلق نهضت ناسیونالیستی عربی / ۲۷۸
- جبهه آزادیبخش عرب / ۲۱۸، ۶۸۶
- جبهه آزادیبخش عربی / ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۴۱، ۲۶۳، ۲۹۶، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶
- جبهه آزادیبخش فلسطین / ۱۸۰، ۲۴۱، ۲۷۰، ۲۸۰، ۲۹۳، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳
- جبهه آزادیبخش کوبک / ۲۸۵
- جبهه آزادیبخش ملی الجزایر / ۲۳۴
- جبهه آزادیبخش ملی بحرین / ۲۸۴
- جبهه آزادیبخش ملی چاد (فورلینات) / ۲۵۵
- جبهه آزادیبخش ملی ساندینیست / ۲۷۴
- جبهه ارتدادی / ۲۲۴، ۲۴۱، ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۹۳، ۲۹۵، ۳۰۷
- جبهه پولیساریو / ۲۷۳
- جبهه خلق آزادیبخش فلسطین / ۱۷۶، ۱۷۷

- ۲۱۰، ۲۶۹، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۹
- جبهه خلق آزادیبخش فلسطینی / ۲۸۴
- جبهه خلقی آزادیبخش فلسطین / ۲۶۹، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲
- جبهه دموکراتیک آزادیبخش فلسطین / ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲
- جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین / ۲۲۸، ۲۶۴
- جبهه مبارزات خلق / ۳۰۷، ۳۰۸
- جبهه ملی / ۱۵۷، ۲۴۶، ۲۷۹، ۵۹۴، ۶۱۹، ۶۲۲
- جبهه پایداری / ۳۲۴
- جده / ۵۴، ۸۰، ۸۲، ۱۱۵، ۱۹۲، ۲۰۰، ۳۴۹، ۳۸۹، ۵۲۶، ۶۴۳
- جریکو / ۲۶۲، ۲۹۳
- جزایر تنب و ابوموسی / ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۶، ۲۰۷
- جزایر کارائیب / ۶۸۲
- جزایر کرامه / ۷۵۹
- جزیره سوکوتورا / ۶۱۱
- جزیره ضحک / ۶۱۱، ۶۱۴، ۶۸۸
- جزیره یمل / ۷۵۹
- جزیره ساخالین / ۷۰۲، ۷۵۶
- جکسون، جسی / ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۲، ۴۷۸
- جلال آباد / ۳۹۱
- جلفا / ۵۳۱، ۶۰۵، ۷۲۱، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰
- جلیله / ۱۸۴
- جماعت اسلامی / ۳۸۹، ۴۱۴، ۴۱۷، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۴۲، ۴۴۴، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۹، ۴۸۰
- جمالی، تاج محمد / ۴۷۳
- جمعیت اسلامی / ۳۵۹، ۴۰۷
- جمعیت العلمای پاکستان / ۳۵۹، ۴۰۷
- جمعیت خانتی مانسی اوکروگ ملی / ۷۴۸
- جمعیت روزنامه‌نگاران آنکارا / ۱۰۸
- جمعیت علمای اسلامی محافظه‌کار / ۴۰۳
- جمعیت هنری (هلیکون) / ۱۰۸
- جمهوری خودمختار بوریات / ۷۵۵
- جمهوری خودمختار تاتار / ۵۵۵
- جمهوری دمکراتیک افغانستان / ۴۶۲
- جمهوری دموکراتیک آلمان / ۶۸۰، ۷۲۳
- جمهوری دموکراتیک خلق یمن / ۱۹، ۶۹، ۷۰، ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۴، ۲۸۵، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲
- جمهوری عربی یمن / ۲۵۳، ۶۸۸
- جناح، فاطمه / ۴۰۳
- جناح، محمدعلی / ۳۵۳
- جنبش ملی لبنان / ۲۷۰، ۲۷۸
- جنبش ناسیونالیست عربی / ۲۶۹
- جنت زوار (غرب بغداد) / ۳۰۱
- جنرال الکتریک / ۷۶۰
- جنگ پارتیزانی در اوکراین و کتاب Tayny Front (جبهه مخفی) / ۵۸۹
- جنگ جهانی دوم / ۹۴، ۹۵، ۱۰۹، ۱۵۲، ۱۵۳، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰

- جو کلارک / ۲۱۲
 جولوندور / ۴۱۶، ۴۱۱
 جوناگاد / ۳۵۸
 جونتای (یونان) / ۱۵۹
 جونز / ۷۶۰
 جهالوان / ۴۷۲
 جی. آر. یو. / ۵۳۲، ۶۱۸
 جیرس (جیریس) / ۱۷۵
 جیلانی / ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۴۰، ۴۶۷
 جیلانی / غلام (سرلشگر) / ۴۸۳
 جیلانی / محمد (سپهد) / ۴۶۶
 چائوشسکو / ۱۸۹، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۲۰، ۷۲۴
 چاتانوگا / ۵۲۸، ۵۹۶
 چاد / ۲۸۶، ۳۹۷، ۳۹۸
 چاران سینگ / ۴۲۵، ۴۵۰، ۴۸۶
- ح
- حافظ اسد / ۳۳، ۱۸۹، ۱۹۸، ۲۱۱، ۲۱۵، ۲۳۴
 حبیب الله / ۴۸۳
 حبیب (سفیر) / ۲۰۴، ۲۱۵
 حبیب، ملاله / ۲۰۶
 حبیبی / ۲۷۷
- حداد / ۱۸۳، ۱۹۲، ۱۹۷، ۲۱۱، ۲۱۵، ۲۱۸
 ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۷
 ۲۸۸، ۲۹۲، ۳۱۴
 حداد، نعیم / ۲۱۸
 حزب آزادیبخش فلسطین / ۲۵۲
 حزب اتکاء جمهوری / ۹۳، ۹۴
 حزب اعتماد جمهوریخواه / ۸۵
 حزب ایران نوین / ۵۳۱
 حزب بعث سوریه / ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵
 حزب بعث عراق / ۶۱، ۲۶۳، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵
 ۳۱۰، ۳۱۱
 حزب توده / ۲۲۸، ۲۵۴، ۲۷۳، ۳۲۳، ۳۳۷، ۳۳۸
 ۳۳۹، ۳۴۰، ۴۹۳، ۵۰۲، ۵۰۵، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۳۰
 ۶۰۲، ۶۰۹، ۶۱۹، ۶۶۲، ۶۶۸، ۶۷۳، ۶۹۱، ۶۹۲
 ۷۲۵
 حزب جمهوریت / ۱۵۲، ۱۶۳
 حزب جمهوری خلق مسلمان / ۳۴۴
 حزب جمهوریخواه خلق / ۸۵، ۸۸، ۹۳، ۹۸، ۹۹
- چ
- چچن اینگوش / ۶۶۹
 چرکین، آلبرت / ۵۸۵
 چرنکو، الکساندر کونستانتین / ۵۵۳، ۵۵۶
 ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵
 چکسلواکی / ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۶۱، ۳۶۱، ۵۰۱
 ۵۱۹، ۵۲۲، ۵۵۹، ۵۸۴، ۶۴۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۷
 ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۵
 چلیابینسک / ۷۴۲
 چمران، مصطفی (دکتر) / ۱۶۱، ۲۱۳، ۳۴۴، ۳۴۸
 چوئن لای / ۵۷۲
 چوفی / ۱۸۹
 چونینگ، رابرت دبلیو (دریابد) / ۴۵۴، ۴۶۰
 چه گوارای / ۳۹۶، ۴۶۳
 چیانک کای چک / ۵۱۶
 چیتا (موسسه آموزش و پرورش کودکان) / ۵۵۵
 چیشتی، ف. الف / ۳۸۷، ۳۸۸، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۴۰
 ۴۷۰

حزب کمونیست ایتالیا / ۲۷۳	۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۵۱
حزب کمونیست ترکیه / ۸۶	۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۳
حزب کمونیست ژاپن / ۲۵۶	حزب جمهوریخواه مترقی / ۱۵۷
حزب کمونیست شوروی / ۲۳۵، ۲۸۰، ۴۹۸	حزب جمهوریخواه ملی / ۱۴۹، ۱۶۰
۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۶۱، ۵۶۲	حزب چپ‌گرای جمهوریخواه خلق / ۱۵۸
۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۸، ۵۷۲، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۸۲	حزب حاکم جمهوری خواه خلقی / ۶۵۴
۵۸۴، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۷۰۱	حزب حرکت ملی / ۸۶
حزب کمونیست عراق / ۱۸۹	حزب خلق پاکستان / ۳۵۹، ۳۶۵، ۳۷۶، ۳۸۸
حزب کمونیست قبرس / ۲۷۳	۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۲، ۳۹۴، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۱۴، ۴۱۵
حزب کمونیست گرجستان / ۵۵۴	۴۱۶، ۴۱۷، ۴۲۶، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰
حزب کمونیست لبنان / ۲۷۳، ۲۷۰	۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۴، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵
حزب کمونیست مولداویا / ۵۵۳، ۵۶۱	۴۶۶، ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۹
حزب لیکود / ۲۱۲، ۱۸۴	حزب خلق جمهوریخواه / ۱۳۱، ۱۳۷
حزب مترقی خلق / ۴۶۵	حزب دمکرات / ۸۵
حزب مردم‌گرای رستگاری ملی / ۹۹	حزب دموکرات (آذربایجان) / ۵۰۲
حزب ملی پاکستان / ۳۹۴، ۳۹۵، ۴۴۲، ۴۶۲	حزب دموکراتیک آزاد / ۱۸۵، ۱۸۸
۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۹، ۴۷۲، ۴۷۴	حزب دموکراتیک ملی / ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۷۴
حزب ملی دموکراتیک (بلوچستان) / ۴۷۲	حزب رستاخیز / ۵۴۴
حزب ملی عوام / ۳۵۹	حزب رستگاری ملی / ۸۵، ۹۹، ۱۰۱، ۱۴۹
حزب ملی لبنان / ۲۰۵	۱۵۲، ۱۵۷، ۱۶۳
حزب منحله دموکرات ایران / ۵۰۲، ۵۳۸	حزب سوسیالیست ملی سوریه / ۲۰۵
حزب ناسیونال دموکرات / ۳۵۹، ۴۴۱، ۴۴۲	حزب سوسیالیستی انقلابی سومالی / ۱۹۰
حزب ناسیونال دموکراتیک / ۴۴۸	حزب طریق استقلال / ۳۹۴، ۴۶۹، ۴۴۲
حزب ناسیونالیست فعال (ترکیه) / ۱۵۲	حزب عدالت / ۹۳، ۹۴، ۹۸، ۹۹، ۱۰۴، ۱۳۷
حسام سرطاوی / ۱۷۵	۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۷
حسن البکر / ۳۳، ۳۴	حزب فالانز لبنان / ۳۳۴
حسن الحسینی / ۳۲۸	حزب کارگر اسپانیا / ۲۷۳
حکاری / ۱۶۳	حزب کارگر اسرائیل / ۱۸۴، ۱۸۸
حکمتیار، گلبدین / ۴۳۵، ۴۳۶	حزب کارگران سوسیالیست / ۳۳۴
حما / ۲۰۰	حزب کارگر ترکیه / ۱۰۴، ۱۰۵
حوسان حسنی / ۶۵۰	حزب کارگر سوئیس / ۲۷۳
حیات مهدی / ۴۶۶	حزب کمونیست آلمان / ۲۵۵
حیدر عبدالشفیع (دکتر) / ۱۹۹	حزب کمونیست اطریش / ۵۸۶
حیفا / ۲۰۰، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۵۰، ۲۶۱، ۲۷۴	حزب کمونیست افغانستان / ۶۹۱

- خ
 خاباروسک / ۷۴۶، ۵۸۷، ۴۹۹
 خارساروف / ۵۲۴
 خارطوم / ۷۱۸، ۳۹۸، ۲۹۰، ۲۵۹، ۲۳۵، ۱۷۵
 خاطرات نخست‌وزیر پیشین رابین (کتاب) / ۱۸۴
 خالد الخلف التجلی / ۶۲
 خالد الفهوم / ۲۰۵
 خالد (خانواده) / ۲۵۳
 خانتایکا / ۷۵۴
 خان کلات / ۴۷۳، ۴۷۲
 خاور دور / ۵۷۲، ۵۷۱، ۵۷۰، ۵۵۴، ۴۹۹، ۴۲
 ۶۱۶، ۶۶۷، ۷۰۹، ۷۰۱، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۵۵
 خاورمیانه / ۶، ۱۰، ۲۳، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۴۳، ۵۱، ۵۵، ۶۴، ۶۹، ۸۸، ۱۰۹، ۱۲۳، ۱۳۶، ۱۳۷
 ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۵۰، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲
 ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۸۹
 ۱۹۰، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۰۵
 ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۱۹، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۵
 ۲۳۸، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶
 ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۸، ۲۸۸، ۳۰۹، ۳۳۰، ۳۳۶، ۳۶۳، ۳۹۶
 ۴۵۴، ۴۷۵، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۷، ۵۱۳، ۵۲۹
 ۵۴۷، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۶۰۰، ۶۱۰، ۶۱۳، ۶۱۵
 ۶۱۶، ۶۳۸، ۶۴۱، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷
 ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۶۳، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۷۵
 ۶۸۳، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۷، ۷۲۰، ۷۶۲
 خاور نزدیک / ۲۱۴، ۱۸۹، ۲۲۰، ۲۵۵، ۲۷۳
 ۳۳۰، ۳۳۱، ۴۳۱، ۴۷۵، ۵۰۳، ۵۰۷، ۵۱۳، ۵۷۲، ۶۰۸
 ۶۲۵، ۶۵۴، ۶۶۷
 خبرگزاری ایزوستیا / ۶۷۳، ۶۶۸، ۶۶۷
 خبرگزاری تاس / ۶۱۸، ۶۰۴، ۵۹۵، ۵۳۲، ۵۳۱
 ۶۲۱، ۶۶۷، ۶۷۲، ۶۸۰، ۷۲۸
 خبرگزاری رویتر / ۱۹۸، ۱۸۹، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۸۱
 ۱۹۹، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۴۹۲
 خبرگزاری فرانس پرس / ۲۰۲
 خبرگزاری وفا / ۳۴۷
 ختاک / ۴۰۹
 خرمشهر / ۶۴۱، ۲۰۷، ۲۰۶
 خروشچف، نیکیتا / ۵۵۹، ۵۵۶، ۵۴۶، ۵۲۴
 ۵۸۱
 خلخال، صادق / ۳۴۱، ۳۴۰، ۳۳۷، ۳۳۶
 خلعتبری، عباسعلی / ۵۱۸، ۳۶۵، ۹۲
 خلیج سفلی / ۶۱
 خلیج عدن / ۶۸۷، ۶۱۱
 خلیج فارس / ۲۰۹، ۱۹۵، ۱۲۶، ۸۹، ۶۵، ۲۸
 ۲۵۱، ۲۵۴، ۲۷۲، ۲۸۴، ۲۸۷، ۲۹۴، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۶، ۵۲۹، ۵۳۳، ۵۴۰، ۵۴۰، ۶۱۰، ۶۴۵، ۶۴۷، ۶۶۸، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۷
 ۶۸۷، ۷۲۰
 خلیل ابراهیم الوزیر (ابوجهاد) / ۲۳۷، ۲۱۳
 ۲۴۰، ۲۴۷، ۲۵۶، ۲۹۴
 خمینی، احمد / ۳۳۷، ۳۳۶
 خمینی، روح‌الله (امام) / ۳۸، ۲۷، ۱۴، ۱۳، ۱۱
 ۴۱، ۴۲، ۴۶، ۴۷، ۵۶، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۷۵، ۹۰
 ۱۳۸، ۱۴۷، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۶۱، ۱۶۹، ۱۷۹، ۱۹۱
 ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۲۷، ۲۵۴، ۲۵۳
 ۲۷۳، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۴
 ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳
 ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۶۲، ۴۸۳، ۴۸۶
 ۶۰۲، ۶۰۹، ۶۲۲، ۶۲۵، ۶۴۲، ۶۵۲، ۶۵۵، ۶۵۶
 ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰
 ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۴، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۸۴، ۶۸۶، ۶۹۱
 ۶۹۲
 خورشید احمد / ۴۳۵، ۴۳۰، ۴۲۹، ۳۸۱، ۳۸۰
 خوزستان / ۲۱۴، ۲۱۳، ۲۰۷، ۱۴۸، ۱۱، ۹، ۸
 ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۲، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۶، ۳۳۰، ۶۷۶، ۷۳۵
 خیابان استالین / ۵۰۸
 خیابان امیراتابک / ۵۹۵
 خیابان پهلوی / ۵۹۸، ۵۲۰

- خیابان جردن / ۳۲۷
 خیابان خردمند / ۵۹۶
 خیابان فردوسی / ۱۲۱
 خیابان فرشته / ۳۲۷
 خیابان کریمخان زند / ۵۳۳
 خیبر / ۴۵۱
 خیربکس مری / ۴۷۳، ۴۶۲، ۳۹۶
- د
- دادگاه انقلابی فتح / ۳۱۰
 دادگاههای اسلیاریا (Slaria)ی اسلامی / ۳۵۸
 داراب / ۶۰۶، ۷۲۹
 دارالسلام / ۶۸۶، ۷۱۸
 دارتی، ویلیام / ۱۶۱
 داغستان / ۶۶۰، ۶۶۹
 داکا / ۷۱۸
 دالس / ۳۶۴
 دانشجویان مسلمان پیرو خط امام / ۱۶۹، ۱۷۳، ۳۲۴، ۳۵۷، ۴۹۶
 دانشکده امور باختری (دانشگاه مسکو) / ۵۰۴
 دانشکده جنگ / ۳۲۷
 دانشکده مدیریت اقتصاد ملی / ۵۵۳
 دانشگاه آمریکایی بیروت / ۱۹۴
 دانشگاه استانبول / ۹۸
 دانشگاه ایالتی مسکو / ۵۶۰
 دانشگاه پیشاور / ۴۳۵، ۴۳۶
 دانشگاه تهران / ۷۲۶
 دانشگاه حاجت تپه / ۹۸
 دانشگاه دولتی لنینگراد / ۵۶۷
 دانشگاه دولتی مسکو / ۵۹۰
 دانشگاه عربی بیروت / ۲۷۷
 دانشگاه فلنچر / ۴۰۸
 دانشگاه فلوریدا / ۹۷
 دانشگاه لنینگراد / ۵۵۶، ۵۶۷
- دانشگاه هاروارد / ۱۰۴
 داودخان سرک زایی (خان کلات) / ۴۷۲، ۴۷۳
 داود فانوس / ۱۹۵
 داوسیون / ۶۵۰
 دایان، موشه / ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۹، ۲۰۹، ۲۱۲، ۴۷۸
 دجله / ۱۳۱، ۱۳۲
 دراپر / ۱۹۰
 دره کولیمما / ۷۴۵
 دریابان جانجوآ / ۳۹۷
 دریاچه بیکال / ۷۴۴
 دریای اوخوتسک / ۶۹۹، ۷۵۶
 دریای ایونی (آسیای صغیر) / ۲۹۰
 دریای بالتیک / ۴۹۹
 دریای خزر / ۴۹۹، ۵۴۱، ۵۶۸، ۶۹۹، ۷۰۲، ۷۲۰، ۷۳۳، ۷۵۸، ۷۵۹
 دریای سرخ / ۳۵، ۶۱۱، ۶۶۶، ۶۸۷
 دریای سفید / ۴۹۹
 دریای سیاه / ۸۵، ۱۳۹، ۱۴۶، ۴۹۹، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۸۷، ۶۸۸، ۶۹۹، ۷۵۸، ۷۵۹
 دریای شمالی عرب / ۶۸۷
 دریای کرادر / ۷۵۹
 دریای لاتیف / ۷۴۴
 دریای مدیترانه / ۸۹، ۲۴۹، ۶۱۱
 دریای مرمره / ۹۵
 دسای / ۳۵۶، ۴۲۵، ۴۲۷، ۴۵۰، ۴۸۵، ۴۸۶، ۶۵۹
 دسای، موراجی / ۳۵۶، ۴۲۵، ۴۲۷
 دستن، ژیسکار / ۵۴، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۷۳، ۳۷۴
 ۳۷۶، ۳۷۸، ۵۴۳، ۶۵۸
 دفتر اطلاعاتی پاکستان / ۳۶۱
 دکترین جانسون / ۸۹
 دلتای علیا / ۳۹۸
 دماغه کامراهن / ۴۵۴

- دمشق / ۳۳، ۳۴، ۸۲، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۶، ۱۹۲، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۵، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۸۹، ۲۸۱، ۲۷۷، ۲۷۴، ۲۶۵، ۲۶۴، ۲۶۰، ۲۵۰، ۳۴۵، ۳۳۰، ۳۱۵، ۳۱۲، ۳۰۸، ۲۹۸، ۲۹۶، ۲۹۱، ۳۴۶، ۳۴۹، ۴۷۸، ۶۴۳، ۷۱۸
- رازوقی، طارق / ۸، ۹، ۱۳، ۱۴، ۱۹، ۲۷، ۲۸، ۳۵، ۳۶
- راسک / ۵۰۴، ۵۰۸
- راشد عبدالله / ۵۱
- راشینگ / ۱۸۳
- راکفلر / ۱۰۴، ۵۳۴، ۵۴۲، ۵۴۳
- رام الله / ۲۰۹
- رام، جاگجیوان / ۴۲۵
- رامکف، ا.م. / ۶۱۸
- رانگون / ۷۱۸
- راولپندی / ۳۹۰، ۳۹۱، ۴۳۲، ۴۴۵، ۴۷۹، ۴۸۰
- راولینگ / ۶۷۹
- رأس مارون / ۲۶۵
- رباط / ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۳۶، ۲۶۰، ۲۶۹، ۲۹۵، ۳۸۹، ۴۰۸، ۷۱۸
- ربانی / ۴۳۵، ۴۳۶
- ر. بروین / ۷۱۷
- رحیم / ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳
- رحیم‌الدین خان / ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۶۳، ۴۸۲، ۴۸۳
- رستوران استیک هاوس / ۵۳۵
- رستوران (باکو) / ۷۶۰
- رستوران بریج استریت / ۶۰۲
- رستوران بریج هتل / ۶۰۱
- رستوران پیتزاروما / ۵۳۳
- رستوران تیفانی / ۵۳۵
- رستوران چاتانوگا / ۵۲۸، ۵۹۶
- رستوران شهای شیراز / ۵۳۹
- رستوران کاروانسرا / ۵۹۳
- رستوران کاروانسری سفارت آمریکا / ۵۹۳
- رستوران مهاراجه / ۵۲۳
- رشت / ۵۳۱
- رضائیه / ۵۰۲
- رم / ۲۷۱، ۲۸۱، ۳۱۵
- رمزی، والتر جی. / ۵۰۸
- دمشق / ۳۳، ۳۴، ۸۲، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۶، ۱۹۲، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۵، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۸۹، ۲۸۱، ۲۷۷، ۲۷۴، ۲۶۵، ۲۶۴، ۲۶۰، ۲۵۰، ۳۴۵، ۳۳۰، ۳۱۵، ۳۱۲، ۳۰۸، ۲۹۸، ۲۹۶، ۲۹۱، ۳۴۶، ۳۴۹، ۴۷۸، ۶۴۳، ۷۱۸
- دمیرل، سلیمان / ۸۵، ۸۶، ۹۴، ۹۸، ۹۹، ۱۰۶، ۱۲۸، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۷
- دوبلین / ۵۴، ۱۸۲، ۲۸۵
- دوبی / ۲۵۱، ۲۸۸، ۳۱۴
- دویان / ۳۷۲
- دویری، لویی / ۴۴۵
- دوحه / ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۴، ۲۱۷
- دورنان / ۴۵۲
- دولت فدرال ترک قبرس / ۱۱۹
- دولگیخ، ولادیمیر / ۵۷۲، ۵۷۳
- دولود (نمایشنامه مرغزار سبز) / ۲۲۱
- دونتس (سیبری) / ۷۵۲
- دونکان / ۶۰۳
- دهلی نو / ۳۶۵، ۳۶۶، ۴۲۵، ۴۵۰، ۴۸۵، ۴۸۷، ۵۲۹، ۶۵۹، ۷۱۸
- دیاتلوف وی. آی / ۶۱۸
- دیاریکر (ترکیه) / ۱۵۴، ۱۶۳
- دیر یاسین / ۱۶۹
- دیس پولیتیکا / ۱۵۳
- دیکن / ۷۱، ۷۲، ۷۴
- دیلون / ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۳۸
- دیویس، هنری آل. / ۵۰۴
- ر
- رابوح / ۲۶۹
- رابین / ۱۸۴، ۱۸۸
- رابینسون، جان / ۱۷۵، ۱۹۰
- رابین هود / ۱۰۷
- راجرز / ۱۷۵

- روزنامه هرالد تریبیون / ۵۴۳
 روزولت (رئیس جمهور) / ۷۶۰
 روستای آکتانیش / ۵۵۵
 روستای کوهستانی آمیون (لبنان) / ۲۰۵
 روستای مرزی کفر حمان / ۲۰۵
 روستوف، یوجین / ۶۰۰
 روسیه / ۸۹، ۹۶، ۱۴۸، ۱۶۴، ۱۶۵، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۹۳، ۳۷۲، ۵۰۳، ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۷، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۷، ۵۴۹، ۵۵۷، ۵۶۲، ۵۷۷، ۵۸۴، ۵۹۰، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۸، ۶۱۱، ۶۱۳، ۶۱۶، ۶۲۹، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۵۳، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۸۰، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۷۰۱، ۷۳۳
 روش / ۵۲۹
 رومانی / ۱۸۹، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۴۸، ۲۶۱، ۲۶۶، ۲۷۴، ۲۷۴، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۷، ۷۳۱، ۷۳۲
 روند صلح در اسکندریه / ۳۲
 روهر گاز / ۷۴۲
 روی، یاکو / ۶۵۰
 ریابوفالوف، دی. آی / ۵۵۴، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۶۱۸
 ریابوف، یاکوف پتروویچ / ۵۵۴، ۵۸۲
 ریاض / ۷۱، ۸۲، ۲۱۵، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۵۲
 ریشاف / ۱۸۳
 ریفایی / ۱۷۴
 ریمون، الیزور / ۶۵۰
 ریودوژائیرو / ۹۸
 ز - ژ
 زاپو / ۶۸۱
 زاسیموف / ۵۴۴
 زامبیا / ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۸۱، ۶۸۶
 رمضان / ۶۷۷
 روحانی، صادق / ۱۳
 رود آنکارا وینسیسی / ۷۵۳، ۷۵۴
 رود اردن / ۲۵۸، ۲۶۱
 رود اوب / ۷۴۸
 رود چابزی / ۶۸۶
 رودخانه لیطانی / ۱۹۲، ۲۰۱، ۲۳۹، ۲۸۱، ۳۰۵
 رودخانه ینی سئی / ۷۵۴
 رودزیا / ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۸۱، ۶۸۶
 روز کارگر / ۵، ۱۹۸
 روزنامه اطلاعات / ۵۱۷
 روزنامه الانباء / ۱۳، ۵۵
 روزنامه الاهرام / ۳۱۵
 روزنامه الوطن / ۱۰
 روزنامه اولوس / ۱۰۳، ۱۰۴
 روزنامه ایزوستیا / ۶۷۰
 روزنامه پراودا / ۵۴۷، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۸۳، ۶۰۹، ۶۲۰، ۶۵۲، ۶۶۵، ۶۶۷، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۹
 روزنامه تایمز / ۶۴
 روزنامه تایمز پاکستان / ۳۸۴، ۳۸۷، ۳۸۸
 روزنامه تهران جورنال / ۵۴۳
 روزنامه رستاخیز / ۵۴۱
 روزنامه ژورنال و سنتینل / ۱۰۳
 روزنامه سپیده دم / ۴۸۱، ۴۸۲
 روزنامه سوئدی (Dagens Nyheter) / ۶۵۹
 روزنامه گازت / ۱۳۲
 روزنامه گازت / ۱۳۵
 روزنامه لوفیگارو / ۳۷۳
 روزنامه لوموند / ۳۷۳
 روزنامه مسلمان / ۴۰۵، ۴۲۳، ۴۶۹
 روزنامه معاریو / ۱۸۴، ۱۹۸
 روزنامه ملیت / ۱۲۶، ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۱
 ۱۴۲
 روزنامه ها آرتز / ۱۸۸، ۲۰۹، ۲۱۳

- زانو / ۶۸۱
 زاهدی، حسن / ۱۴۴
 زایتسف، کلاودیا / ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸
 زایتسف، گریگوری تیتوویچ / ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵
 زرگنده / ۵۳۹، ۶۰۰
 زکی مضبدی (دکتر) / ۲۰۱
 زن آندروس (کتاب) / ۱۰۷
 زندان سپهسالار / ۳۹۰، ۳۹۲
 زندان شیکاگو / ۱۹۱
 زنگولداک / ۱۰۵
 زوبکوف آی.ا. / ۶۱۷
 زوتف، پاول پتروویچ / ۵۱۱
 زوریخ / ۲۹۸
 زونگولداک / ۱۰۵
 زهتاب فرد، رحیم / ۵۱۷
 زهری، بنی بوکس / ۴۷۳
 زید / ۱۷۴
 زید محمد احمد تریف / ۱۹۱
 زیفتا (جنوب شرقی نبطیه) / ۲۶۵
 زیمبابوه / ۳۴۲، ۶۵۸
 زیمیانین، میخائیل / ۵۵۴
 زمین، یوری / ۷۶۲، ۷۶۳
 زینانیه / ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶
 زینوویف / ۷۶۲
 زیوالون / ۳۲۰، ۳۳۰
 زیو شیف / ۶۵۰
 ژاپن / ۵۶، ۶۹، ۷۷، ۱۹۵، ۲۰۴، ۲۲۴، ۲۵۶، ۲۸۲، ۲۸۶، ۲۸۸، ۲۸۹، ۳۶۰، ۳۷۸، ۴۸۰، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۵۷، ۵۵۹، ۵۷۲، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۸۳، ۷۰۹، ۷۳۶، ۷۴۴، ۷۴۶، ۷۵۱، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۶۱
 ژاکومت / ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۷۸
 ژان فورلوت / ۳۷۹، ۳۹۹
 ژرمن / ۶۵۲
 ژرمن گیویشیانی / ۵۶۰
 ژنو / ۸۰، ۹۷، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۷۹، ۲۱۲، ۲۳۸، ۲۶۰، ۲۶۳، ۲۶۸، ۲۹۴، ۳۱۲، ۳۸۴، ۴۹۸، ۵۱۴، ۵۷۱، ۵۷۴، ۵۹۴، ۶۸۳
 س
 س.ا. پاشا / ۳۸۹
 ساترلند / ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۳۶، ۳۷، ۴۹، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۶۰، ۶۱، ۶۴، ۶۵، ۶۷، ۶۹، ۷۵
 ساترنس. جی. اولیس / ۶۱۷، ۶۱۸
 ساحل غربی ونوار غزه / ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۱۲، ۲۱۸، ۲۳۵، ۲۴۶، ۲۷۶، ۲۹۹
 ساخاروف، آندره / ۵۶۷
 ساخالین / ۶۹۹، ۷۰۲، ۷۴۶، ۷۴۸، ۷۵۶، ۷۵۸، ۷۵۹
 ساردنی / ۲۶۷
 ساری / ۶۰۶، ۷۲۹
 سازمان آزادیبخش فلسطین / ۱۷۶، ۱۷۵، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۹۴، ۲۰۷، ۲۲۴، ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۶۳، ۳۰۹، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۳۱، ۳۴۰، ۴۷۵
 سازمان ارتش سوریه / ۲۶۳
 سازمان امنیت منطقه‌ای / ۵۲۱
 سازمان بهداشت جهانی / ۳۵۹، ۳۷۵، ۴۹۸
 سازمان بین‌المللی کارگر / ۳۵۹
 سازمان بین‌المللی کارگروه تحقیق بین‌الملل سرب و زینک / ۴۹۸
 سازمان تحقیقات استاندارد بین‌المللی ITG / ۴۹۸
 سازمان تحقیق و ارزیابی تاریخی (HERO) / ۶۴۳
 سازمان تروریستی اسپانیایی مائوئیستی - جبهه ضدفاشیستی و انقلاب وطنی / ۲۵۵
 سازمان جهانی هواشناسی / ۴۹۸
 سازمان جی، آر، یو / ۶۱۸
 سازمان ژوئن سیاه / ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۶، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴

سازمان سپتامبر سیاه / ۲۳۲	۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۴
سازمان سیا / ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۷۳، ۳۹۴، ۳۸۰، ۴۷۰	۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۱۶
۷۵۳	۳۲۳، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۳۰، ۳۳۴، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۶
سازمان عمران اقتصادی / ۳۸۱	۴۷۸، ۵۳۴، ۶۱۵، ۶۴۴، ۶۸۹
سازمان فتح / ۱۷۱، ۱۷۶، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۶	ساكرامنتوی كاليفرنيا / ۴۴۳
۲۱۰، ۲۲۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۸	سالت / ۳۰۷، ۵۷۳، ۵۷۴، ۶۱۶، ۶۲۹، ۶۳۱
۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶	سالچنكف / ۵۱۱، ۵۱۲
۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴	سالم الصباح / ۸۲
۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۴، ۲۷۰	سالیسوری / ۶۵۸، ۶۸۱
۲۷۲، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۲، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۹	ساموتلور / ۶۹۸، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۲، ۷۵۰، ۷۵۵
۳۱۰، ۳۲۱، ۳۴۶	سانتیاگو / ۷۱۸
سازمان ملل / ۲۶، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۶	سانچز، ایلیچ رامیرز (كارلوس ماتینز) / ۲۸۰
۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲	۲۸۶، ۲۸۷، ۳۱۴، ۵۳۴
۱۹۳، ۱۹۴، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۵، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۳۶	سان خوزه / ۷۱۸
۲۴۰، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۵۳، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۷۶، ۲۷۷	ساندرز / ۲۰۱، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۳۷۲
۲۷۹، ۲۹۶، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۳۱، ۳۳۲	سانسكريت / ۱۰۳
۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۷۶، ۳۸۴، ۳۸۹، ۳۹۸	سانوفز / ۴۵۱
۴۹۲، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۳، ۵۱۴، ۵۱۶، ۵۴۶، ۵۵۸، ۵۵۹	ساواک / ۱۴، ۱۴۸، ۳۲۶، ۳۳۸، ۴۶۲، ۴۹۴
۵۹۹، ۶۸۹، ۶۹۰	۵۱۰، ۵۱۱، ۵۳۱، ۵۹۷، ۶۰۹، ۶۱۷، ۶۹۱
سازمان وحدت خلق آسیا و آفریقا / ۲۷۸	ساهدنيكيا (ژنرال) / ۱۳۷
سازمان وحدت خلق آفریقا و آسیا / ۳۱۵	سایانسك / ۷۵۴
ساف / ۷، ۲۳، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۴۳، ۶۸	سایانوگورسك / ۷۵۴
۱۴۳، ۱۴۴، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۵	سایزر، هنری اس. / ۱۸۱، ۲۱۹
۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵	سپاه پاسداران / ۲۱۳، ۳۲۲
۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۶	سپتامبر سیاه / ۱۷۷، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۶
۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵	۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۵۰، ۲۵۲
۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳	۲۵۳، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۳۱۰، ۳۱۵
۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱	س. تیلور / ۷۱۷
۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶	ستین، حکمت / ۱۲۴، ۱۳۲
۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۶، ۲۴۸	سراوان / ۴۷۲
۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶	سرطاوی / ۱۷۵
۲۵۷، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹	سرکیس / ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۱۱، ۲۱۵
۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰	سرگتی اسمولیناکف / ۵۱۴
	سرگتی گورشكف / ۵۸۷

- ۶۸۹، ۶۹۰
 سورگت / ۷۴۸
 سوریه / ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۱۳۰، ۱۴۱، ۱۸۴، ۱۸۵،
 ۱۸۹، ۱۹۴، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۴،
 ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۳۴، ۲۳۶،
 ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۲، ۲۵۶،
 ۲۵۷، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۱،
 ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۹۱، ۲۹۳،
 ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۲،
 ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۵،
 ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۴۵، ۴۷۸، ۵۰۳،
 ۵۰۵، ۵۴۱، ۵۹۲، ۶۱۵، ۶۴۶، ۶۹۰
 سوسلو، میخائیل / ۵۸۴
 سوکوترادو / ۴۵۴
 سولومون / ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴
 سولیوان، ویلیام ا.ج. / ۳۶۳، ۳۸۳، ۶۰۱،
 ۶۱۸، ۷۳۵
 سومالی / ۶۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۵۲، ۲۵۶، ۲۷۲،
 ۲۸۲، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۱۶، ۵۳۸، ۵۹۳، ۶۱۱، ۶۱۳،
 ۶۱۴، ۶۴۶، ۶۸۷، ۶۸۸
 سومر بانک / ۹۸
 سونای، جودت / ۹۶، ۹۸
 سویوگاز اکسپورت / ۷۴۲
 سی ان، راسیاس / ۵۱۳
 سبیری، ۴۹۵، ۵۵۶، ۵۵۸، ۵۶۷، ۵۷۳، ۵۸۰،
 ۵۸۱، ۶۹۵، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲،
 ۷۰۳، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۳۶، ۷۴۰، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵،
 ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳،
 ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰
 سیتی بانک / ۱۲۷، ۳۶۶، ۳۷۰
 سید یاسین / ۶۵۰
 سیرت (ترکیه) / ۱۶۳
 سیر ویژکین / ۵۱۷
 سیسکو / ۵۲۹
- سرویس خبری آنکا / ۱۳۹
 سریلانکا / ۲۵۶، ۳۵۶، ۳۷۲، ۳۷۳، ۵۸۸
 سعد العبدالله / ۲۳
 سعد حداد / ۳۳۴
 سعد سایل (سرتیپ ابوولید) / ۳۴۲
 سعد عبدالله الصباح، ۱۷، ۵۸
 سعدون حمادی (وزیر خارجه عراق) / ۲۱۰
 سعدی، کورو / ۹۷
 سعودی / ۳، ۴، ۷، ۱۹، ۲۷، ۳۰، ۳۵، ۴۱، ۴۶، ۵۴،
 ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۹۰، ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۲۴، ۱۴۱،
 ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۸۵، ۱۹۱، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۸،
 ۲۱۰، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۹، ۲۶۸، ۲۸۱،
 ۳۰۹، ۳۵۶، ۳۶۹، ۳۸۶، ۳۸۹، ۴۰۶، ۴۳۵، ۴۴۲،
 ۴۴۳، ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۵۷، ۴۸۰، ۵۱۹، ۵۲۶، ۵۲۷،
 ۵۳۳، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۴۸، ۶۵۳، ۶۵۴،
 ۶۶۷، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۲، ۶۹۷
 سعید حمامی / ۲۴۱، ۳۱۵
 سلمه (سالمه) / ۱۷۷
 سلیمان (رئیس جمهور غنا) / ۶۷۹
 سلیم (سرهنگ) / ۱۵۳
 سلیوانف، وای. تی / ۶۱۸
 سمنان / ۶۰۶، ۷۲۹
 سمیر قوشاه (قوش) / ۳۰۷
 سمیع صادق / ۶۵۰
 سن پترزبورگ / ۵۶۷، ۵۷۶
 سنگ آهن آلدان / ۷۴۴، ۷۵۶
 سنگ آهن اورال / ۷۴۵
 سنگاپور / ۷۸، ۲۸۹، ۷۱۸
 سوئد / ۹۵، ۱۸۵، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۹۳، ۳۶۱، ۵۹۱،
 ۶۶۰، ۷۳۵
 سوئیس / ۳۳، ۸۶، ۹۸، ۲۵۵، ۲۷۳، ۲۸۸، ۲۹۱،
 ۳۱۴، ۷۴۲، ۷۴۳
 سواستیول / ۵۸۷
 سودان / ۱۱۴، ۱۷۵، ۲۵۲، ۳۱۵، ۳۹۸، ۶۵۸

شاهی / ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۸۴، ۴۸۷	سیسیل / ۲۶۷
شبه جزیره کولویک / ۵۷۳	سیمونف، کیریل استپانویچ / ۵۵۴، ۵۹۰، ۵۹۱
شبه جزیره عربی / ۲۰۹، ۲۱۴، ۲۴۹، ۶۶۷، ۷۳۶	۵۹۲
شبه جزیره مانگیشلاک (آسیای مرکزی) / ۷۰۲	سیمون، ویلیام / ۵۵۷، ۵۷۷
۷۰۳	سیمینوف، ولادیمیر / ۵۷۳
شپیل / ۵۰۳، ۵۰۵	سینا / ۱۶۲، ۱۸۲، ۲۰۹
شتیلا / ۱۶۹، ۲۸۱	سیناوسکی / ۵۱۳
شراوف (ژنرال) / ۴۶۳، ۴۷۳	سیندرمان / ۷۲۴
شرکت S.E.E.E / ۳۸۰	ش
شرکت آمین اوایل / ۷	شاجکف / ۶۶۴
شرکت اکسیدنتال پترولیوم / ۷۰۹	شاخ آفریقا / ۱۰۹، ۵۴۷، ۵۴۹، ۵۹۳، ۵۹۵
شرکت اگزامین اوایل / ۳۱	شاخف (رئیس سازمان کمکهای اقتصادی
شرکت ایده میتسوی ژاپن / ۷۴	شوروی) / ۶۴۱، ۶۴۲
شرکت بازاریابی نفتی پرگای لیبی / ۱۳۸	شارجه / ۲۹۲
شرکت براون اندروتس / ۷۶۱	شاشین، و.د. / ۶۹۸
شرکت بکتل / ۷۰۹	شامیر شلومو / ۶۵۰
شرکت حمل و نقل ایران و شوروی / ۵۳۱	شامیر، موشه / ۲۱۲
شرکت سهامی ایران و روسیه / ۶۰۴، ۶۰۵	شانگهای / ۳۶۱
شرکت موبیل / ۱۳۹	شاه (پهلوی، محمدرضا) / ۲۴، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۱،
شرکت نفت ترکیه / ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۸	۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۲، ۱۵۱، ۲۱۶، ۲۲۸، ۳۲۹، ۳۳۶،
شرکت نفت چینی تایوان / ۷۴	۳۴۳، ۳۴۲، ۳۶۳، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۸۱، ۳۸۳،
شرکت نفت شل / ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۳۶، ۵۲، ۵۷، ۷۲	۴۸۶، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۴، ۵۰۴، ۵۰۷، ۵۱۰، ۵۱۱،
۶۸۷، ۷۳	۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۳، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۹، ۵۳۰،
شرکت نفت عربی / ۷، ۶۶، ۶۷، ۷۳	۵۳۱، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۶، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۸، ۵۹۶،
شرکت نفت کویت / ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۳۶	۵۹۹، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰،
۶۶، ۷۱، ۷۲، ۸۱، ۸۲	۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۵۲، ۶۶۲، ۶۶۶، ۶۷۰،
شرکت نفت گلف / ۱۵، ۱۶، ۳۶، ۵۲، ۵۳، ۵۷، ۷۱	۶۹۱، ۷۲۴، ۷۲۵
۷۵۶، ۷۲	شاه حسن / ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۴، ۶۹۰
شرکت نفت ملی ایران / ۵۱۶	شاه خالد / ۲۱۰
شرکت نفت وفرا / ۳۱	شاهزاده رشید / ۴۵۴
شرکت نورث استار و یاکوتسک / ۷۰۷	شاه گارد / ۷۲۹
شرکتهای تناکو تگزاس / ۷۰۸	شاهگرد / ۶۰۶
شرمن / ۳۹۷، ۴۸۱	شاه محممدوست (سفر دوست) / ۴۰۸
شریعتمداری / ۱۴۷، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۱	

۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴	۳۴۴، ۳۴۸
۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲	شکلفورد، پی‌ام / ۶۷۸
۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰	شلیین، الکساندر / ۵۸۶
۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸	شلنبرگر، جک / ۷۱۷
۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۷، ۵۳۸	شمال شرقی لبنان / ۲۱۳
۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۶، ۵۴۷	شمال لبنان / ۲۰۵
۵۴۹، ۵۵۱، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸	شمس آبادی (آیت‌الله) / ۵۳۹
۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶	شمس اردکانی، علی (دکتر) / ۱۳
۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴	شمعون، کامیل / ۲۰۵
۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲	شمیران / ۳۲۷
۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱	شوا / ۴، ۵
۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰	شواردنازه، ادوارد آمورسیویچ / ۵۵۴، ۵۸۴
۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸	۵۸۵، ۵۸۶
۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶	شورای اقتصاد ملی مسکو (سونارخوز) / ۵۸۱
۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۵	شورای امنیت / ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۹
۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳	۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۲۰، ۳۳۳، ۵۰۳
۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱	شورای انقلاب / ۱۳، ۲۴۴، ۳۱۰، ۳۲۸، ۳۳۰
۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۵۲	۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸
۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰	شورای بین‌المللی اکتشاف دریایی / ۴۹۸
۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸	شورای غله بین‌الملل / ۳۵۹، ۴۹۸
۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶	شورای ملی فلسطین / ۱۸۵، ۲۰۵، ۲۴۲، ۲۶۴
۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴	۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۹۴، ۳۰۰، ۳۰۱
۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱	۳۰۳، ۳۰۴، ۳۱۰، ۳۱۱
شویخ / ۷۷	شوروی / ۴، ۵، ۳۴، ۳۵، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۸، ۸۹
شویندرون / ۶۸۷	۹۵، ۹۶، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۹
شهستان یهلوی / ۱۲۱	۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۱
شهناز، اس. / ۳۷۶، ۴۰۸، ۴۲۸، ۴۴۶، ۴۵۴	۱۵۲، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۹۶، ۲۲۸، ۲۳۵، ۲۴۷
۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶	۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۴، ۲۵۷، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷
شیخ احمد / ۳۳، ۲۱۷	۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۸، ۲۸۶، ۲۹۵، ۳۰۵، ۳۳۲
شیخ جابر / ۵۲، ۸۲	۳۳۷، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۷۲
شیخ زائد (بن سلطان آل نهیان) / ۵۲۲	۳۷۳، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۴، ۳۹۶
شیخ سالم الصباح / ۶۰	۳۹۷، ۴۰۹، ۴۱۲، ۴۱۸، ۴۴۷، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۴
شیخ سعدالله الصباح / ۱۷، ۲۳، ۲۴	۴۶۲، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۵، ۴۸۰، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶
شیخ صباح الاحمد / ۸، ۲۶، ۳۳، ۳۴، ۶۹، ۷۰، ۷۱	۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶

- شیخ علی خلیفه الصباح / ۱۴، ۱۵، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۷، ۴۴، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۲، ۷۴، ۷۸، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۱۸۹
- شیخ عمر / ۴۷۳
- شیخ مبارک جابر الاحمد / ۲۶، ۵۱
- شیخ ناصر / ۴۶
- شیخ نواف الاحمد / ۵۸
- شیخ یمان / ۱۸۹
- شیر محمد، احمد / ۱۹۰
- شیلی / ۸۸، ۱۰۰، ۲۸۵، ۵۶۳، ۵۷۰، ۵۹۱
- ص - ض
- صاعقه / ۲۱۴، ۲۳۹، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۷۰، ۲۷۹، ۳۳۲، ۳۴۷
- صباح / ۳۳، ۳۴، ۳۸، ۳۹، ۴۳، ۴۶، ۷۱
- صباح الاحمد / ۸، ۱۳، ۲۶، ۲۸، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۶۹، ۷۰
- صبرا / ۱۶۹
- صبری الیاس گیراس / ۱۷۵
- صبری جیریس / ۱۷۵
- صحراى سینا / ۱۸۲، ۱۹۸، ۲۱۲، ۲۶۰، ۴۷۷
- صدام حسین / ۳۴، ۳۵، ۷۰، ۱۶۹، ۱۸۴، ۲۱۸، ۲۱۹، ۳۳۳، ۳۴۰، ۳۴۸
- صدای فلسطین / ۲۰۴، ۲۱۸
- صلاح خلف / ۶۲، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۴۹، ۳۱۵
- صلح مصر و اسرائیل / ۹، ۲۴۲، ۲۷۴، ۳۱۴، ۶۳۸، ۶۴۳
- صندوق بین المللی پول / ۹۸، ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۹، ۱۵۱، ۳۵۹، ۳۷۱، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۶۰
- صنعا / ۶۵۳، ۷۱۸
- صوفیا / ۵۸۶
- صیدا / ۲۷۰، ۲۹۷
- ضحار ابونظار / ۳۴۷
- ضیاء الحق، محمد (ژنرال) / ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۹، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۰، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۹۰، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۴، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۶
- ط - ظ
- طائف / ۶۸، ۷۰، ۷۱، ۲۱۷، ۲۱۸
- طالقانی، محمود / ۳۳۷، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۴، ۳۴۵، ۶۷۴، ۶۸۴، ۶۸۶
- طاهبوب، فؤاد / ۶۵۰
- طایر / ۲۰۵، ۲۱۱، ۲۱۵، ۲۶۵، ۲۸۲، ۲۹۶، ۳۰۰، ۳۰۲
- طباطبایی، صادق / ۱۶۱، ۲۱۴، ۳۴۳
- طرح کلمبو / ۳۵۹
- طرح یاکوتسک / ۷۰۹
- طفیل محمد / ۳۵۹، ۴۳۵
- طلعت توفیق / ۲۹۹، ۳۰۱
- طوسی، محمد علی / ۷۲۶
- طوفانیان، حسن / ۶۵۴
- طوفانیان، هادی / ۶۵۴
- طه المقدوب / ۶۵۰
- ظفار / ۵۲۶، ۵۳۳، ۶۴۴، ۷۲۵
- ظفر جمال بلوچ / ۴۳۵
- ظهير محسن / ۲۶۳، ۲۶۴

۲۹۶، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶	ع
۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴	عادل یوسری / ۶۵۰
۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹	عامر. ب خاماش / ۶۵۰
۳۴۰، ۳۴۸، ۳۸۲، ۴۰۶، ۴۹۴، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵	عباسی / ۴۱۷
۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸	عبدالحمید خدام / ۳۱۵
۵۳۰، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۳، ۶۱۱، ۶۱۵، ۶۴۱، ۶۴۲	عبدالرئوف خان (سرهنگ) / ۴۷۲
۶۴۶، ۶۴۸، ۶۴۳، ۶۵۳، ۶۵۶، ۶۸۷، ۶۹۰، ۶۹۲، ۷۲۰	عبدالرحیم احمد (ابواسماعیل) / ۳۰۳
عریستان سعودی / ۳، ۷، ۸، ۱۱، ۱۳، ۱۹، ۲۷، ۳۵	عبدالرحیم عمر / ۲۱۸
۴۱، ۴۶، ۵۴، ۵۵، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۹۰، ۱۰۹	عبدالرزاق ملاحسین / ۲۶
۱۱۵، ۱۲۴، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۸۵، ۱۹۱	عبدالسلام جلود / ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱
۲۰۰، ۲۱۰، ۲۱۶، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۹، ۲۶۸، ۲۸۱	عبدالطیف الکاظمی / ۶
۳۰۹، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۵۶، ۳۶۹، ۳۸۹، ۴۰۶، ۴۳۵	عبدالعزیز حسین / ۸، ۱۸
۴۴۲، ۴۴۳، ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۵۷، ۴۸۰، ۵۱۹، ۵۲۶	عبدالله القریاسی / ۲۶
۵۲۷، ۵۳۳، ۶۱۶، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۴۸، ۶۵۳، ۶۶۷	عبدالمحسن ابومیضر / ۲۰۲
۶۷۴، ۶۷۵، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۲، ۶۹۷	عبدالمطلب الکاظمی / ۶۲
عرفات، یاسر / ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۴۳، ۱۷۱، ۱۷۲	عبدالوالی خان / ۳۵۹
۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸	عبید رابوح «عمر ادیب» (ابویاسر) / ۲۶۹
۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳	عثمان / ۴۰۸، ۴۰۹
۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۸، ۲۱۹	عثمانف / ۶۲۵، ۶۲۶
۲۲۱، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷	عدلی حسن السید / ۶۵۰
۲۳۸، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۴	عدن / ۲۸۲، ۲۸۹، ۳۱۲، ۶۱۱، ۶۵۳، ۶۸۷، ۶۸۸
۲۷۰، ۲۷۹، ۲۹۵، ۳۰۰، ۳۰۷، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۲۶	عدنان حسین حمدانی / ۱۳۲
۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۴۰، ۳۴۷، ۶۸۹	عدنان عبدالصمد / ۶۲
عطا علی / ۶۵۰	عدنان مندرس / ۹۳، ۹۹، ۱۰۳
علی الوزان / ۲۶	عراق / ۳، ۸، ۹، ۱۳، ۱۴، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۳
علی جابر / ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۶	۳۴، ۳۵، ۳۶، ۵۱، ۵۴، ۵۵، ۵۸، ۶۰، ۶۴، ۶۹، ۷۰
علی حسن سلامه (ابوحسن) / ۱۷۷	۷۱، ۷۲، ۷۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۰، ۱۲۵، ۱۲۶
علی خان، منور / ۴۴۵	۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵
علی عبدالله صالح / ۶۵۴	۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۶، ۱۶۳، ۱۶۴
علی، قدوسی / ۳۳۹	۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۹، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۸
علی، ملک وزیر / ۴۰۳	۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۵۰
علیوف، اسماعیل مرتضی اقلی / ۵۱۱	۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۷
عمان / ۳۳، ۵۴، ۶۱، ۶۹، ۷۰، ۸۹، ۱۸۰، ۱۸۱	۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹
۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۱۷، ۲۷۲، ۲۷۹، ۲۸۵، ۳۱۲	۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۹۰

۲۵۵، ۲۵۴، ۲۴۹، ۲۴۶، ۲۰۸، ۱۹۶، ۱۸۸، ۱۸۵	۶۴۳، ۵۲۹، ۳۴۶، ۳۴۵، ۳۳۰، ۳۱۵
۲۹۶، ۲۹۱، ۲۸۶، ۲۷۴، ۲۷۳، ۲۷۲، ۲۶۲، ۲۶۰	عونی صدیق / ۱۹
۳۷۳، ۳۷۰، ۳۶۹، ۳۶۸، ۳۶۷، ۳۶۶، ۳۶۱، ۳۵۵	عیدی امین / ۲۵۶
۳۹۹، ۳۸۰، ۳۷۹، ۳۷۸، ۳۷۷، ۳۷۶، ۳۷۵، ۳۷۴	عین جالوت / ۳۰۵، ۳۰۳
۴۶۷، ۵۵۶، ۵۵۵، ۵۴۶، ۵۴۳، ۵۲۰، ۵۱۴، ۴۸۰، ۴۶۷	عین فشاها (اسرائیل) / ۳۰۸
۵۵۹، ۵۷۲، ۵۷۸، ۵۸۴، ۵۸۶، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸	
۶۸۲، ۷۰۵، ۷۰۸، ۷۱۹، ۷۵۱، ۷۵۵، ۷۶۱	غ
فرج (رئیس فدراسیون کارگران نفتی) / ۵	غلام اسحاق خان / ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳
فردوسی / ۷۲۶	غلام ایشاو / ۴۳۳
فرقان (گروه) / ۶۴۲	غلیظی، هاشم / ۴۷۳
فرنجیه، سلیمان / ۲۱۰، ۲۱۳، ۶۸۲	غنا / ۵۶۴، ۶۷۸، ۶۷۹
فرودگاه اورلی / ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۹۲	
فرودگاه بروکسل / ۱۸۰، ۱۸۱	ف
فرودگاه بن گوریون تل آویو / ۲۵۵	فادن، مک / ۴۳۱
فرودگاه بین‌المللی دوبی / ۳۱۴	فادیف، آی. ا / ۶۱۸
فرودگاه فورستن فلدبروگ / ۲۵۹	فاروق ساخان / ۸۵
فرودگاه فومینیکو (رم) / ۲۸۹	فاروق قدومی / ۱۸۹
فرودگاه لارناکا (قبرس) / ۳۱۶	فایز حمدان (سرگرد) / ۳۰۷
فرودگاه لود (اسرائیل) / ۲۸۸	فتح / ۱۷۷، ۱۸۹، ۱۹۲، ۲۷۰، ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۲۸
فرودگاه نایروبی / ۲۹۱	۳۳۴، ۳۳۹، ۳۴۲
فرودگاه وین / ۲۶۷	فتح محمد داود اودا (ابوداود) / ۳۱۱
فرودگاه یسیلکو (استانبول) / ۲۹۱	فجیره / ۵۲۲
فریتاون / ۷۱۸	فخرالحسینی (سرهنگ) / ۳۴۷
فریدمان، رابرت او. / ۶۴۹	فدایان اسلام / ۳۳۶
فرید ملن / ۹۳، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۱۰۶	فدراسیون اتحادیه تجاری سوئد / ۲۵۵
فسا / ۶۰۶، ۷۲۹	فدراسیون جوانان انقلابی ترکیه / ۲۵۴
فلاتین / ۴۴۵	فدراسیون جوانان فلسطینی / ۲۵۵
فلسطین / ۱۸۰، ۳۳۶	فدراسیون کارگران نفتی کویت / ۳، ۴
فلسطینی آواره (کتاب) / ۲۳۷	فدور الکسیویچ سالچنکف / ۵۱۱
فلوریدا / ۹۷	فدورکولاکف / ۵۶۴
فیلاند / ۶۰۰	فرات اتمان / ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴
فنونتوف، ولادیمیر / ۵۳۸، ۶۱۷	فرات سفلی / ۱۳۳
فورد، جرارد (رئیس جمهور) / ۳۶۴، ۵۳۶	فراعنه / ۴۲
فورلوت / ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۹۹، ۴۰۰	فرانسه / ۳۶، ۵۱، ۵۴، ۶۸، ۷۸، ۸۶، ۱۰۷، ۱۸۱

- قولر / ۴۴۵، ۴۲۰
 قزوین / ۵۴۲
 قهد / ۳۲۳
 قیشر / ۱۲۲، ۱۱۵
 فیصل‌الغانم / ۶
 فیگارو / ۳۷۴، ۳۷۳
 فیلیپین / ۳۲۸
- ق
 قاضی حسین احمد / ۴۳۵
 قاهره / ۸۲، ۱۷۴، ۱۸۳، ۱۹۹، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۹
 ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۵، ۲۵۸، ۲۷۵
 ۳۴۹، ۳۸۹، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۴۷، ۵۷۲، ۶۴۳، ۶۴۴
 ۶۴۵، ۶۶۹، ۶۸۳، ۷۱۸
 قبرس / ۳۱، ۸۶، ۹۶، ۱۰۳، ۱۰۸، ۱۱۷، ۱۱۸
 ۱۱۹، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲
 ۲۲۱، ۲۳۹، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۴، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۸۱
 ۲۸۸، ۲۹۲، ۳۱۶
 قبیلہ پتان / ۴۰۹
 قبیلہ جبلی / ۶۵۰
 قبیلہ حسینی / ۲۳۳
 قبیلہ مری / ۳۹۶، ۴۶۳، ۴۷۲، ۴۷۳
 قدومی / ۱۸۵، ۱۹۶
 قدیره، احمدرضا / ۲۰۱
 قذافی / ۱۰۹، ۱۳۹، ۲۱۰، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۵۴
 ۲۸۷، ۲۹۴، ۲۹۷، ۳۴۴، ۳۹۸، ۵۹۲
 قرارداد اشتورا / ۲۶۴، ۲۷۹
 قرارداد سنتو / ۳۶۴
 قرارداد کمپ‌دیوید / ۱۷۷، ۶۸۹
 قرارداد مصر و اسرائیل / ۵۴
 قرارگاه تهران / ۳۳۰
 قرارگاه جبهه آزادیبخش عربی / ۳۰۵
 قرارگاه هوایی تاکورادی / ۶۷۹
 قره‌گزاوغلو، کازکان / ۱۳۱
 قزاقستان / ۵۷۳، ۶۶۰، ۷۰۳، ۷۴۴، ۷۵۲، ۷۵۶
- قطر / ۵۴، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۱۷، ۲۵۳، ۲۶۳
 ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۱۳، ۷۳۹
 قفقاز / ۴۹۷، ۵۶۹، ۶۶۰، ۶۶۹، ۷۵۹
 قلعه شونو / ۲۶۷
 قلیلیا / ۲۷۸
 قم / ۳۳۷، ۵۳۹، ۵۹۴، ۶۷۱
 قواسمه / ۲۱۲
 قوشاه / ۳۰۷
 قیریات اربع / ۲۷۵
 قیریات شموئه / ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۱، ۳۰۲
 قیطانی / ۱۸
- ک
 کاباتاش (دبیرستان) / ۹۸
 کاباروسک کری / ۷۵۵
 کابل / ۳۹۹، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۹۱، ۳۹۴، ۴۰۸، ۴۰۹
 ۴۱۲، ۴۲۸، ۴۴۵، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۷۱
 ۴۷۲، ۴۷۵، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۸، ۵۳۰، ۵۹۶، ۶۴۳
 ۶۵۸، ۶۶۵، ۶۷۷، ۷۱۸
 کاپیتسا، میخائیل استپانویچ / ۵۵۴، ۵۷۰، ۵۷۱
 ۵۷۲
 کاتلر / ۱۴۸، ۶۴۲، ۶۵۵
 کاتماندو / ۷۱۸
 کاخ الیزه / ۳۷۳
 کاخ سفید / ۸۸، ۲۲۰، ۵۰۴، ۵۴۸
 کاخ سیف (دفتر امیرکویت) / ۵۹
 کارا اوغلان / ۱۰۷
 کارا عثمان اوغلو / ۱۶۰
 کاراکاس / ۸۰، ۷۱۸
 کاراویف، گئورگی آرکادیویچ / ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۵۴
 کارتر، جیمی / ۵۱، ۱۴۸، ۱۷۰، ۱۷۷، ۱۸۴، ۱۹۴
 ۲۰۱، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۴، ۲۲۷، ۳۶۸، ۳۷۴

- ۴۷۵، ۵۳۸، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۹۲، ۶۰۱، ۶۳۵، ۶۸۹
 کارناکف / ۶۷۶، ۶۷۵
 کارن لنگه تیگ / ۴۵۰
 کاروپیتونا، آدمینا / ۵۶۱
 کارینگتون (لرد) / ۶۵۹
 کازاکف، ویکتور / ۵۹۶، ۵۹۷
 کازانکین، گنادی / ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷
 ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۷، ۵۴۸
 ۵۴۹، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹
 ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۴۲
 کازانکین، ناتاشا / ۵۳۹
 کازانکین، یلنا / ۵۹۳، ۵۹۴
 کازکان، اردل / ۱۳۰
 کاستاریکا / ۶۸۹
 کاستجوسکی / ۷۲۴
 کاسترو، فیدل / ۲۰۴، ۲۵۶، ۴۳۱، ۴۳۲، ۵۱۷
 ۷۱۹، ۷۲۵
 کاسکیل، مک / ۵۱۸
 کاسیگین، آلکسی ان. / ۳۹۰، ۳۹۱، ۴۸۵، ۴۹۷
 ۵۲۴، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۳۵، ۵۶۰، ۵۶۶، ۵۷۲، ۶۷۱
 ۶۷۲، ۷۰۱، ۷۴۹
 کاظمی / ۶، ۷۴
 کافتوروویچ، لئونید ویتالیویچ / ۵۵۳، ۵۶۵، ۵۶۷
 کا.گ.ب / ۵۰۲، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۳۲، ۵۳۵، ۵۳۷
 ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۶، ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۱۷
 ۶۱۸
 ک.ال.ام / ۲۸۸
 کالاهان، الف.ی. / ۵۳۱
 کالج رابرت استامبول / ۱۰۳
 کالواری / ۵۲۲
 کانادا / ۱۲۰، ۲۱۲، ۲۹۳، ۴۶۶، ۴۸۰، ۵۶۳
 ۵۷۰، ۵۹۱، ۶۸۹، ۷۶۰
 کانال سوئز / ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۸۸
 کاناہی، مک / ۳۶۲
- کانتوروویچ / ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸
 کانسک آشینسک / ۷۵۲، ۷۵۳
 کانوپ / ۴۵۱
 کانون وکلا / ۱۷، ۳۴۸
 کاورینگین، استانسیلا و کنستانتینویچ / ۶۷۲، ۶۷۴
 کاهوتا (پاکستان) / ۳۵۵، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۹۹
 ۴۰۰، ۴۰۱
 کیان / ۱۳۳
 کینهاک / ۲۰۸
 کتابخانه کنگره / ۱۷۵
 کراچی / ۹۲، ۲۶۲، ۳۶۴، ۳۷۵، ۳۷۹، ۳۸۰
 ۳۸۳، ۳۹۲، ۳۹۵، ۳۹۷، ۴۰۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۳۹
 ۴۴۰، ۴۴۵، ۴۶۱، ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۸۰، ۵۷۱، ۵۷۲
 کراستایا زوزدا (نشریه) / ۶۲۰
 کراسنویارسک / ۷۴۶، ۷۴۸، ۷۵۲، ۷۵۴
 ۵۷۲، ۵۷۳
 کراکیه / ۱۳۳
 کرایسکی / ۳۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۶، ۲۰۵
 ۲۰۸، ۲۹۰
 کردستان / ۱۳۷، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۲۲۸
 ۳۲۲، ۳۳۰، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۸، ۶۶۲، ۶۶۸، ۶۷۲
 ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۸۴، ۶۸۶، ۶۹۱
 کرکوک / ۱۳۱، ۱۳۲
 کرمان / ۵۱۰، ۷۳۳، ۷۳۴
 کرمانشاه / ۶۰۵، ۷۲۹
 کرملین / ۴۹۳، ۵۷۹، ۵۹۸، ۶۴۴، ۶۴۶
 کروشف، نیکلای ان. / ۶۴۲
 کره / ۵۷۰، ۶۷۷
 کره جنوبی / ۲۲، ۴۲، ۱۶۲، ۱۶۳
 کره شمالی / ۱۶۲، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۷۳، ۲۷۶، ۲۸۲
 ۳۶۱، ۷۳۲
 کریسان، گنورگ / ۶۴۳
 کریستوفر / ۱۰۹، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۲، ۱۹۰، ۲۰۶
 ۲۱۰، ۲۱۶، ۲۱۸، ۳۶۷، ۴۰۱، ۴۷۷، ۶۰۸، ۶۶۵

- کریسکی، وبرانند / ۳۲
 کریم شوا / ۴
 کشتار مونیخ / ۲۵۵، ۲۵۹
 کشتارهای آلبو / ۲۰۰
 کشمیر / ۳۵۸، ۴۵۰
 کفرقاسم / ۱۶۹
 کفریووال (اسرائیل) / ۳۰۶
 کک شو / ۷۵۲، ۷۵۶
 کلات / ۴۷۲
 کلارک / ۲۱۲
 کلکته / ۴۸۶
 کلمبو / ۲۵۶، ۴۲۹، ۷۱۸
 کلونتای، الکساندرا / ۵۵۶
 کلیسای ارتدکس سوری / ۶۵۰
 کلیفتون / ۳۹۲، ۴۲۶
 کمال، حسن / ۱۳۱
 کمال (دبیر سفارت پاکستان) / ۳۷۲
 کمپانی هند شرقی / ۳۵۳
 کمپ دیوید / ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۶۹، ۷۰، ۹۰، ۱۶۲
 ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۸۷، ۱۹۰، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۹، ۲۷۷، ۲۸۰، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۳۲، ۳۳۲، ۶۰۲، ۶۴۴، ۶۷۵، ۶۸۹، ۶۹۰
 کمروف / ۷۴۵
 کمیته اجرایی سازمان فتح / ۲۵۵
 کمیته اجرایی ساف / ۱۷۸
 کمیته حزبی اسورد لوفسک اوبلاست / ۵۷۶
 کمیته حزبی پنزا اوبلاست / ۵۶۴
 کمیته صلح و عدالت در خاورمیانه / ۲۵۵
 کمیته فردوسی / ۷۲۶
 کمیته مرکزی حزب مولداویا / ۵۶۴
 کمیته مرکزی زاگلدوین / ۶۷۹
 کمیته وحدت خلق آفریقا آسیا / ۲۵۷
 کمیته‌های انقلاب / ۳۲۷
 کنت کسل / ۷۳۵
 کندی، ادوارد / ۵۸۶
 کندی، جان. اف. / ۵۰۴
 کندی، رابرت / ۲۵۹
 کنست / ۲۱۲، ۶۵۰
 کنستابل / ۳۷۷، ۳۹۲، ۴۱۶
 کنسرسیوم اروپا / ۱۲۰
 کنسرسیوم پاریس / ۴۰۳
 کنفرانس اسلامی / ۹۰، ۱۴۳، ۱۷۹
 کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا / ۵۶۴
 کنفرانس بلگراد / ۶۲۹، ۶۳۰
 کنفرانس تهران / ۷۶۰
 کنفرانس عمران منطقه‌ای ازبیر / ۵۳۶
 کنفرانس فاس / ۳۸۹
 کنگره آمریکا / ۲۹، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۸۴، ۱۹۰، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۳۵، ۳۶۳، ۳۷۸، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۸۷، ۵۲۱، ۵۳۴، ۵۴۰، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۷۴، ۶۳۴، ۶۳۵
 کنیا / ۲۹۱
 کوالامپور / ۷۱۸
 کوانیکو ایالت ویرجینیا / ۹۴
 کوبا / ۲۰۴، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۷، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۶، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۱۲، ۳۴۱، ۳۴۸، ۳۴۹، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۴۶، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۸۵، ۵۳۳، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۹۵، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۴۶، ۶۶۶، ۶۷۶، ۶۸۲، ۷۱۹، ۷۲۵، ۷۳۲
 کویش، ویتالکی / ۶۲۰
 کوپرولولر / ۱۳۴، ۱۳۶
 کوتونو / ۷۱۸
 کورترک، امل / ۹۷
 کورترک، فخری / ۸۶، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۹، ۱۰۶
 کورنینکو، گریگوری مارکویچ / ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۴
 کورنینکو، الکساندر / ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵

کیگالی / ۷۱۸	کورو تورک (پرزیندنت) / ۱۵۵
کیلالی، احمد / ۱۳۱	کوریکا / ۷۵۴
کیلکی / ۱۴۰	کوزباس / ۷۵۲
کیلگور / ۲۱۷، ۱۹۶، ۹۱	کوزمین، میخائیل / ۵۵۷
کینشازا / ۷۱۸	کوزنتسک / ۷۵۵، ۷۵۲، ۷۴۷، ۷۴۵
کینگ استون / ۳۹۹، ۳۹۸، ۳۹۷، ۳۹۶، ۳۹۳، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۹، ۴۲۳، ۴۲۴	کوزیرف، ن. ی. / ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۴۱، ۶۴۲
۴۸۰، ۴۸۳، ۷۱۸	کوسیگا (نخست وزیر) / ۲۰۹
گ	کوکتل پارتی (کتاب) / ۱۰۷
گئورگیا (گرجستان) / ۵۷۰، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶	کوکساواس (ژنرال) / ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴
۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۵	کومسومول (سازمان جوانان کمونیست) / ۴۹۸
گابن / ۲۹۱	۵۰۵، ۵۶۲، ۵۶۴، ۵۶۸
گارد انقلابی لبنان / ۲۸۰	کومیساروف، دانیل سیمونوویچ / ۵۱۳، ۵۰۲
گاریسیا، دیه گو / ۶۶۷	کوناگری / ۷۱۸
گاریسون / ۶۶۱، ۶۶۵، ۷۶۳	کونومیچکایاگازتا (نشریه) / ۵۸۳
گاسپلان بابیاکف / ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۹، ۷۶۰	کوهات / ۴۰۹
گالاتاساوی لیسه استانبول / ۱۲۸	کویت / ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳
گامون / ۳۶۸	۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴
گاندی، ایندیرا / ۵۳۸	۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵
گرادوف، پیتروینو / ۶۲۰	۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶
گرچکو، آندرہ / ۵۸۸	۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷
گروندو (بلوروسیا) / ۵۵۹	۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸
گرومان / ۴۴۵، ۶۷۶	۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹
گرومیکو، آندرہ / ۵۷۳	۸۰، ۸۱، ۸۲، ۹۰، ۱۲۴، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۸۶، ۱۸۹
گروه آپوکولار / ۱۵۵	۱۹۲، ۱۹۳، ۲۰۴، ۲۱۲، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۴۱
گروه آزادیبخش انقلاب تامیل / ۲۵۶	۲۴۶، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۶۰، ۲۶۴، ۲۷۱، ۲۷۲
گروه امل فلسطین / ۲۱۳	۲۸۴، ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۷، ۳۰۶، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۳
گروه پیریاگارا / ۳۵۹	۳۱۶، ۳۴۹، ۳۸۹، ۴۰۶، ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۳۰، ۶۴۳
گروه جنگجویان اسپانیا / ۲۸۵	۶۴۸، ۷۱۸
گروه سیوانسیلار / ۱۵۵	کوئته / ۳۹۴، ۳۹۵، ۴۱۶، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳
گریفیت، ویلیام (پروفسور) / ۴۰۸	۴۷۱، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۹، ۴۸۲
گریفیت / ۴۴۵، ۴۰۹، ۳۹۹	کیتو / ۷۱۸
گریفیت، ویلیام ئی. / ۴۴۵، ۴۰۹، ۳۹۹	کیریلنکو، آندرہ / ۵۷۶، ۵۶۶، ۵۸۲، ۵۸۳
	کی سینجر، هنری / ۲۰۰، ۲۲۰، ۳۶۴، ۴۷۷، ۵۴۰
	۵۴۱، ۵۷۳

- ل
- لائوس / ۴۴۹، ۵۳۵
- لاپاز / ۷۱۸
- لارخانه / ۳۹۰
- لارگو مارسینو / ۴۵۲
- لاری جیل / ۴۹۵
- لاقاری، فرخ / ۴۶۳
- لاگوس / ۷۱۸، ۶۸۰، ۸۰
- لاهور / ۳۵۳، ۳۸۰، ۳۹۷، ۴۱۹، ۴۳۶، ۴۳۷
- ۴۴۰، ۴۴۵، ۴۶۱، ۴۶۹، ۴۸۰
- لاهوری، اقبال (علامه) / ۳۵۳
- لاهه / ۲۸۱، ۵۴
- لايحه جکسون - وانیک / ۶۲۶، ۶۲۸، ۶۳۴
- لبنان / ۱۰، ۶۹، ۷۰، ۱۴۱، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۷۵
- ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۲
- ۱۹۴، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۱۰
- ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۳۲
- ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱
- ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱
- ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۴
- ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۷
- ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶
- ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸
- ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۸
- ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۱۵، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۴۲
- ۳۴۳، ۳۴۵، ۳۴۸، ۵۰۵، ۵۳۳، ۵۴۱، ۶۰۱، ۶۱۵
- ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۴، ۶۸۲
- لناکيه / ۲۰۰
- لزارد، ولادیمیر اسکوترکوروبرت / ۵۴۹
- لستر (انگلستان) / ۳۸۱
- لمبرانسکی، عالیس جمیل / ۷۶۱، ۷۶۲
- لندن / ۱۰۳، ۱۷۴، ۲۰۲، ۲۱۴، ۲۴۱، ۲۵۶
- ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۲، ۲۹۰، ۲۹۲، ۳۱۵، ۳۳۴، ۳۹۲
- ۳۹۳، ۴۶۳، ۴۷۸، ۵۰۳، ۵۱۱، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۶
- گرین / ۷۳۴
- گلپایگانی، سید محمدرضا / ۳۴۴
- گلدمان، آیسای / ۶۳۵
- گل شریفی / ۸، ۲۷، ۶۳، ۶۴
- گلف / ۱۴، ۱۵، ۵۳، ۷۲، ۷۳
- گلوشکف، نیکولای تیموفویچ / ۵۷۳، ۵۷۲، ۵۵۳
- گمرک اوغلو، رحیم / ۱۲۰
- گنجدوست / ۴۳۶
- گنشر / ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۹
- گنکفسکی، بایوری / ۶۱۸، ۶۱۹
- گواتمالا / ۲۵۷
- گوادلوپ / ۶۸۲
- گورباچف، میخائیل / ۶۱۷
- گورسل، جمال / ۸۶، ۹۶
- گورکی، ماکسیم / ۷۴۴، ۵۹۱
- گورلر، فاروق / ۹۳، ۱۰۶
- گورووی / ۶۷۰، ۶۷۲، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۵۴، ۶۵۵
- گوسپلان (کمیته طرح ریزی دولتی) / ۵۷۲، ۵۸۳
- گوستروی / ۵۷۵، ۵۷۶
- گوکالپ ملایم، ضیا (سناتور) / ۱۵۱
- گوگساوآس، ورال / ۱۱۵
- گولاکوهن / ۲۱۲
- گولوفانف، ولادیمیر / ۶۰۰، ۶۰۱
- گونزو / ۳۷۳
- گونز / ۶۸۲
- گیتانجالی (کتاب) / ۱۰۷
- گیرینگ / ۳۹۷، ۴۵۴
- گیلتمن / ۶۶۱
- گیلگیت بالتستان / ۳۵۸
- گینس ویل / ۹۷
- گینه / ۵۶۴، ۶۱۵
- گیوبیشیانی / ۵۶۰

م	۵۳۰، ۵۴۶، ۵۵۷، ۵۶۷، ۵۷۹، ۶۸۱
مئسترون / ۸، ۹، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۱۴۰	لنین / ۵۵۶، ۵۵۹، ۵۶۳، ۵۶۵، ۵۶۸، ۵۷۶، ۵۸۴، ۶۸۴
ما باز خواهیم گشت (My Vernemysya) (کتاب) / ۵۸۹	لنینکان (ارمنستان) / ۵۶۰
ماپوتوو ناسالا (موزامبیک) / ۶۱۱، ۶۸۱، ۷۱۸	لنینگراد / ۴۹۹، ۵۳۸، ۵۵۷، ۵۵۹، ۵۶۷، ۵۷۶
ماخاچکالا (داغستان آذربایجان شوروی) / ۶۶۹	۵۸۴، ۶۱۷، ۶۳۱، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۸۹، ۶۹۱
ماخایف، وی. اس. / ۷۵۸	لوآندا / ۶۱۴
مارتل، پول / ۶۴۹	لود (شهری در فلسطین) / ۲۷۷
مارتین، رابرت ا. / ۷۱۷	لوزاکا / ۶۸۶
مارتینیک / ۶۸۲	لوفت هانزا / ۲۵۹، ۲۸۵، ۲۹۲، ۲۸۹
مارجون / ۱۸۳	لوکا، اسماهیت (اسقف) / ۶۵۰
ماردین / ۱۶۳	لوکازا / ۷۱۸
مارشال مالینوسکی / ۵۰۹	لوکانسک / ۵۷۸
ماساوانا / ۶۸۷	لول (رئیس جمهور پیشین اوگاندا) / ۶۵۴
ماسیف (لبنان) / ۲۰۵	لومه / ۷۱۸
ماکس مک کارتی، ریچارد / ۵۳۸	لویزان / ۳۳۹
ماگومد / ۶۲۵	لهستان / ۵۰۱، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۹، ۵۹۲، ۷۲۳
ماگینتوگورسک / ۷۴۵	۷۲۴، ۷۲۷، ۷۳۲
مالت / ۲۸۷، ۲۸۸	لهفلد، ویلیام دبلیو. / ۵۱۴
مالزی / ۳۸۹	لیبرویل / ۷۱۸
مالوت / ۲۷۰، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۹۸	لیبی / ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۵
ماناوادر / ۳۵۸	۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۶
ماندیل / ۲۶۲	۱۵۲، ۲۰۲، ۲۱۰، ۲۳۴، ۲۴۱، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۹
مانزلو، آلکسی نیکلایویچ / ۵۷۸، ۵۷۷، ۵۵۴	۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۷۲، ۲۷۸
مانزلو، ایگور دیمتریویچ / ۵۵۴	۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷
مانزلو، برتا / ۵۷۸	۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۳، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۳۰۲
مانزلو، مارینا / ۵۷۸	۳۰۸، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۳۵، ۳۴۱
مانزلو، نادژدا / ۵۷۸	۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۹۸، ۴۰۶، ۴۵۲، ۵۳۴
مجارستان / ۵۰۱، ۵۰۸، ۵۵۹، ۵۸۶، ۵۹۱، ۷۲۳	۵۹۲، ۶۱۵، ۶۴۶، ۶۴۸، ۶۵۳
۷۲۴، ۷۲۷، ۷۳۱، ۷۳۲	لیساریوس / ۲۵۴
مجتمع اتمی پاکستان / ۳۹۹	لیما / ۲۴۶، ۷۱۸
مجتمع اورال کوزنتسک / ۷۴۵، ۷۴۷	لینگن / ال. بروس / ۲۰۷، ۲۱۴، ۲۱۷، ۴۸۱
مجتمع پولاد (اصفهان) / ۷۳۴	۶۶۳، ۶۸۳، ۶۸۷
مجتمع غنی سازی اتمی / ۴۴۷	لیهان / ۶۸۲

- مدرسه تفنگداران آمریکایی / ۹۴
 مدرسه عالی دیپلماتیک مسکو / ۵۷۱
 مدرسه عالی نیروی دریایی ایمنی فرونز / ۵۸۷
 مدرسه فنی اقتصادی و مالی سمولنسک / ۵۵۷
 مدرسه هنرهای زیبا / ۹۷
 مدیترانه / ۶۸۸، ۶۱۲، ۱۸۳، ۱۴۶
 مدیر اتحادیه ماهیگیران کوبان / ۵۶۹
 مذاکرات شاخف / ۶۴۲
 مذاکرات مصر و اسرائیل / ۱۰۹
 مراکش / ۲۰۴، ۲۰۲، ۲۰۱، ۲۰۰، ۱۹۹، ۱۶۲، ۱۹۹، ۴۷۸، ۲۷۲، ۲۵۲
 مردم (روزنامه چیگرای ژاپنی) / ۲۸۶
 مرعشی نجفی، شهاب‌الدین / ۳۴۴، ۳۳۶
 مرکز مطالعات شوروی و اروپای شرقی / ۶۵۰
 مرکوری، ملینا / ۵۷۸
 مرند / ۶۰۶
 مزاری، شریاز / ۴۴۵، ۴۴۲، ۴۴۱، ۳۵۹
 مسئله صحرا / ۶۹۰، ۲۰۱
 مسئله فلسطین / ۶۸، ۱۶۹، ۱۸۹، ۱۹۰، ۲۰۰
 ۲۱۲، ۲۱۷، ۲۱۹
 مسجد باکو / ۶۵۹
 مسقط، ۱۸۰
 مسکو / ۲۳۵، ۱۹۶، ۱۲۹، ۹۷، ۹۶، ۳۹، ۲۸
 ۲۵۷، ۲۶۱، ۲۶۶، ۲۷۸، ۲۸۲، ۲۹۵، ۳۷۳، ۳۷۲
 ۳۹۰، ۳۹۱، ۴۰۹، ۴۵۰، ۴۸۵، ۴۹۳، ۴۹۷، ۴۹۹
 ۵۰۱، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۱۱، ۵۱۳، ۵۱۴
 ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۲، ۵۲۴، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۲، ۵۳۵
 ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۴۷، ۵۵۷، ۵۶۲، ۵۶۴، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸
 ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹
 ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹
 ۵۹۱، ۵۹۶، ۶۰۱، ۶۰۵، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۳، ۶۱۴
 ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۶
 ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۴، ۶۳۵
 ۶۳۶، ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۶، ۶۵۲، ۶۵۴
 مجتمع غنی‌سازی هسته‌ای (کاهوتا) / ۳۹۹
 مجتمع معدنی و فلزات نوریلسک / ۵۷۳
 مجتمع نیکل پلاتین نوریلسک / ۷۵۴
 مجتمع هسته‌ای پاکستان / ۳۶۷، ۳۶۶، ۳۵۵
 ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۸، ۴۱۰، ۴۱۵
 مجتمع هسته‌ای در برزیل / ۳۷۴
 مجتمع هسته‌ای فرانسه پاکستان / ۴۳۷، ۳۷۳
 ۴۵۱
 مجتمع هیدروالکتریک خدا آفرین / ۷۲۱
 مجلس شورای ملی کویت / ۵۷، ۱۷
 مجله مشکلات خاور دور / ۵۷۱
 مجله حزبی به نام liticheskoye-Samoobrazovaniye
 (خودآموز سیاسی) / ۵۸۹
 مجمع عمومی سازمان ملل / ۱۸۳، ۱۸۲، ۷۰
 ۱۹۷، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۵۳، ۲۶۹، ۵۱۴، ۵۶۵
 ۵۷۱، ۵۷۴، ۵۷۷
 مجیب الرحمن / ۳۵۳
 مجیدوف / ۷۲۶
 محبس (مراکش) / ۶۸۶
 محسن باتور / ۱۳۷
 محمد ابومیزر / ۲۱۸
 محمد العباس (ابوعباس) / ۳۰۱، ۳۰۰
 محمد اللبادی / ۲۰۲
 محمدانورسادات / ۱۰۹، ۳۵، ۳۲، ۹۰، ۱۰۹، ۱۸۲
 ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۲۰، ۲۲۱
 ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۹
 ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۳، ۲۶۴، ۲۶۸، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۷۹
 ۲۸۰، ۲۸۴، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۹، ۳۰۳، ۳۱۵، ۵۳۴
 ۵۳۹، ۵۹۴، ۶۱۵، ۶۹۰
 محمد تیسیر قبا / ۲۷۸
 محمد ثابت (سرگرد) / ۳۳۹
 محمدحسن نصیر (دکتر) / ۶۲
 محمدعلی هیشم / ۲۷۵
 محمود عباس / ۴۷۸

منامه / ۱۳، ۲۱۷، ۳۴۹	۶۵۵، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳
منامی / ۷۱۸	۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۴
منتظری، حسینعلی / ۶۰، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۴۰، ۳۴۲	۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۴، ۶۹۶، ۷۲۰، ۷۲۳، ۷۲۹
۳۴۳، ۳۴۴، ۶۷۰	۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۶، ۷۴۸، ۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵۵
منتظری، شیخ محمد / ۳۴۳	۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲
مندخل، محمد صالح / ۴۷۴	مشهد / ۵۳۱، ۵۳۹
مندیزابل (رئیس نظامی مونتونرو) / ۲۵۶	مصدق، تقی / ۷۳۴
منصوری، م. الف. / ۴۸۱، ۴۸۲	مصر / ۱۲، ۳۳، ۳۵، ۴۲، ۷۰، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۴۱
منگال، عطاء الله / ۴۴۵، ۴۶۳، ۴۷۲	۱۴۳، ۱۵۱، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۹، ۱۹۱
منیرخان / ۳۷۷، ۳۸۰	۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۱۰
منیز، سی. دبلیو / ۱۸۲، ۱۸۳	۲۱۲، ۲۲۲، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۴۸، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹
موتله مان / ۱۸۸	۲۶۰، ۲۶۳، ۲۷۲، ۲۷۹، ۲۸۸، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۶
مودودی، ابوالعلا / ۴۳۵	۲۹۷، ۳۰۹، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۳۰، ۳۳۳
مورفلوت (آژانس دریایی) / ۶۰۴، ۷۲۸	۳۳۶، ۳۸۹، ۵۰۳، ۵۰۵، ۵۳۴، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۴۳
مورمانسک / ۴۹۹، ۷۰۸	۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۸، ۶۵۰، ۶۷۵، ۶۸۹، ۶۹۰
موروخوف، ایگور دیمتریویچ / ۵۷۸، ۵۷۹	مطهری، مرتضی / ۳۲۶
۵۸۰، ۵۸۱	معین جان نعیم / ۳۹۸
موریتانی / ۲۵۲	مغولستان / ۵۰۱، ۵۷۰، ۵۷۲، ۵۸۴، ۵۹۱، ۶۱۷
موزامبیک / ۴۹۴، ۶۱۱، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۸۱	۷۲۵، ۷۳۲، ۷۴۴
۶۸۷	مفتی اعظم / ۲۳۳، ۶۶۹
موزه هر میتناژ (لنینگراد) / ۷۲۶	مفتی جعفر / ۴۰۶
موساد (سازمان جاسوسی اسرائیل) / ۳۲۰، ۳۳۰	مفتی محمود / ۳۰۳، ۳۵۹، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۷
موسین، آر. ا. / ۶۱۸	۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۹
موصل / ۱۳۰	مقربی، احمد / ۵۴۸
موفات / ۲۰۲	مک آرتور دوم، داگلاس / ۵۱۶
موگادیشو / ۱۹۰، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۹۲، ۶۴۳، ۷۱۸	مکری، محمد / ۶۶۱
مولانا مفتی محمود / ۴۰۳	مکزیکوسیتی / ۲۵۶، ۷۱۸
مولداویا / ۵۵۳، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۴، ۵۸۹، ۷۲۷	مک کانهی، والتر / ۳۶۲
مولوی، محمد اکبر / ۴۰۱	ملک حسین / ۴، ۳۳، ۳۴، ۴۴، ۱۹۳، ۲۰۳، ۲۰۴
موله مان، یورگن / ۱۸۵	۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۶۸
مونتونرو / ۲۵۶	۲۷۷، ۳۰۱، ۵۹۲، ۶۸۹
مونته ویدئو / ۷۱۸	ملکه الیزابت / ۱۹
مونرویا / ۱۹۷، ۷۱۸	ملوی / ۲۸۰
مونینخ / ۲۳۶، ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۸۱، ۲۸۴	مدوح تخماق / ۱۰۶

- مهدوی، فریدون / ۵۴۴
 مَهْرِي / ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۳۷۴
 مَهْرِي، احمد / ۵۸
 مَهْرِي، عباس / ۵۸، ۶۱، ۶۲
 میانه / ۷۲۹
 میرفندرسکی، احمد / ۵۱۱
 میزل، ماتی تیاھو / ۶۵۰
 میسرا / ۴۸۶
 میشکوف / ۳۸۴
 میکلوس / ۷۲۷
 میلان / ۲۷۱
 میلز، هاوتون او. / ۵۳۱، ۵۳۸
 میلز، هاوک / ۵۳۱
 مینسک / ۶۱۴، ۶۱۶
 مؤسسه T. N. DUPUY (TNDA) / ۶۴۳
 مؤسسه آموزش کودکان چلیا بینسک / ۵۵۵
 مؤسسه شیلوچ (تل آویو) / ۶۴۵، ۶۴۹، ۶۵۰
 مؤسسه کوتو / ۱۰۳
 مؤسسه لنین / ۲۷۱
 مؤسسه مطالعات استراتژیک (قاهره) / ۶۴۹
 مؤسسه مطالعه شوروی و... دانشگاه تل آویو / ۶۴۹
 مؤسسه ملی ایران / ۵۳۲
 مؤسسه ویتنه وین / ۱۱۶
- ن
 نائودرو / ۳۹۲
 نابلس / ۱۷۵
 ناتانیا / ۲۷۵
 ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) / ۸۸، ۸۹، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۲۸، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۹۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۱، ۶۷۹، ۶۸۱
 ناخورکا / ۷۰۹
 نادیم پونگا / ۷۴۰
- ناریو، آنتانا / ۷۱۸
 ناس، چارلز دبلیو. / ۳۶۲
 ناصرالفرج / ۴
 ناقوره / ۱۸۳
 نامجو (سرهنگ) / ۳۳۶
 نایاگازتا / ۶۲۰
 نایروبی / ۷۱۸
 نایف حواتمه (ابوتتوف) / ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳
 نایک، نیاز / ۳۷۶، ۳۸۹، ۴۲۹
 نبطیه / ۲۱۱، ۲۶۵، ۲۷۱
 نپال / ۳۶۲
 نتانیا / ۲۶۲
 نتنس اوکروگ / ۷۴۸
 نجف / ۶۴
 نجم الثاقب (Najmus sapib) / ۳۸۹
 نجم الدین شیخ / ۴۶۶
 نروژ / ۹۵، ۲۵۴، ۵۴۶
 نزیه، حسن / ۱۴۵، ۳۴۴
 نشاشیبی / ۱۷۱، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰
 نشریه الشوره / ۶۱، ۲۴۰
 نشریه القبس / ۸، ۱۳، ۶۲، ۶۳
 نشریه القدس / ۲۰۹
 نشریه جنگ / ۴۲۵
 نشریه ریدرز دایجست / ۳۹۹
 نشریه ۱۲ ژوئن / ۱۹
 نشریه ستاره سرخ / ۵۶۳، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸
 نشریه فرهنگی و سیاسی (فوروم) / ۱۰۷
 نشریه لوموند / ۳۷۳، ۳۷۴
 نشریه ندلیا / ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳
 نشریه نوای وقت / ۴۲۵
 نصیری، نعمت الله / ۵۱۱، ۵۳۱
 نظریه آیزنهاور / ۳۶۳، ۳۶۴
 نعیم / ۳۹۸
 نفیسی، عبدالله / ۱۹

- نیجریه / ۵۶، ۲۹۱، ۶۱۵، ۶۷۹
 نیروهای خلق آزادیبخش اریتره / ۲۸۶
 نیروهای واکنش سریع / ۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷
 نیک پی، پرویز / ۱۲۱
 نیکسون / ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۳
 نیکوزیا / ۱۲۸، ۱۷۵، ۲۳۹، ۲۴۶، ۲۵۴، ۲۸۸، ۳۱۵
 نیکولایف، کنستانتین / ۴۹۹، ۵۸۳
 نیکولایونا، لنینا / ۵۷۵
 نیوآیزنبرگ / ۲۸۵
 نیوتون / ۱۸۰
 نیوزویک / ۱۱۰، ۴۲۶، ۴۴۰
 نیوسام / ۳۷۰، ۴۷۷، ۴۸۳، ۴۸۶، ۴۸۷، ۶۰۰
 نیویورک / ۱۲۳، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۷، ۳۷۹، ۴۴۶، ۴۸۶، ۵۱۶، ۵۴۶، ۵۶۱، ۵۷۴، ۵۷۷، ۵۸۲، ۵۷۸
 نیویورک تایمز / ۴۴۰، ۴۴۱
 و
 واتو / ۳۹۲
 واتیکان / ۲۵۰، ۲۶۰
 واج پایی (وزیر خارجه هند) / ۶۵۹
 وادی الاسواد (لبنان) / ۳۰۵
 وادی حداد / ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۲
 واژنیک ا.ان / ۶۱۸
 واشنگتن دی سی / ۳، ۸، ۹، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۳۲، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۵۱، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۶۰، ۶۱، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۷۳، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۴، ۱۲۹، ۱۳۸، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۵۹، ۳۴۶، ۴۲۳، ۴۲۷، ۴۱۹، ۶۵۲، ۶۶۱، ۶۶۹، ۶۷۰
 والتا / ۷۱۸
- نکراسف / ۵۲۸
 نکومو / ۶۸۱
 ن. م یگف / ۵۰۳
 نمیری / ۶۵۸، ۶۸۹، ۶۹۰
 نوئل دور / ۱۸۲
 نوآک شوت / ۷۱۸
 نوابزاده، شیر علی خان / ۴۷۳
 نوابزاده، نصرالله خان / ۴۶۹، ۴۷۹
 نوار غزه / ۱۶۲، ۱۷۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۱۲، ۲۱۸، ۲۲۵، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۴۶، ۲۶۳، ۲۷۶، ۲۸۱، ۲۹۴، ۲۹۹، ۳۰۳، ۳۰۷، ۳۴۳
 نوای وقت (روزنامه اردوزبان) / ۳۸۷، ۴۲۵
 نوآر، ۴۸۰، ۴۸۳
 نوآردام دوسیون (دبیرستان) / ۹۷
 نورانی، مولانا شاه احمد / ۳۵۹
 نورث استار / ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۵۱
 نوریلسک / ۵۷۳، ۷۵۴
 نوشهر / ۶۰۵
 نوگاردیا کریمه / ۵۲۸
 نووسیسک / ۷۴۶
 نووکوزنتسک / ۷۴۵
 نوپارسک کری / ۷۴۶
 نهاد اریم / ۹۶، ۹۸، ۱۰۵
 نهاریه (اسرائیل) / ۲۵۹
 نهالبارد / ۲۷۰، ۲۸۱
 نهضت انقلابی چپگرای شیلی / ۲۸۵
 نهضت دانشجویان ایتالیایی (پرتواوپرایو) / ۲۵۵
 نهضت غیر متعهدا / ۳۹۶، ۴۱۲
 نهضت کارگری فلسطین / ۲۳
 نهضت ملی لبنان / ۲۳۹
 نیازی، کوثر / ۳۵۹، ۴۶۵
 نیام / ۶۰۶
 نیامه / ۷۱۸
 نیجر / ۳۹۸

- والز (سپهد) / ۶۵۸
وان (ترکیه) / ۱۶۳
واهینیگین / ۶۸۵، ۶۸۰، ۶۷۸، ۶۵۳
وایزمن / ۲۰۹، ۱۹۹، ۱۹۸
وایلی، جان. سی / ۵۰۳، ۲۰۶، ۲۰۳، ۱۱۵
ورشو / ۵۷۶، ۵۶۷، ۵۰۲، ۴۹۸، ۲۶۳، ۲۳۲
۶۸۱
وسکانیان، گرانت / ۵۱۳، ۵۱۲
وفرا / ۶۷، ۶۶، ۳۱
ولادیمیروفنا، ناتالیا / ۵۶۸
ولاسف (دختر) / ۵۲۵
ولاسوف، ولادیمیر / ۵۲۱، ۵۲۰، ۵۱۹، ۵۱۸
۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹
۵۳۰، ۵۳۱
ولف / ۴۵۲، ۴۵۰
ولف، کدل / ۴۵۱، ۴۵۰
ولگا / ۵۸۲، ۵۸۱
ولگا-اورال / ۷۴۹، ۷۴۷
ولگا کاسپین / ۵۶۹
ولی خان / ۴۷۴، ۴۱۷، ۳۶۵
ونزوئلا / ۵۳۴، ۲۹۱، ۲۹۰
ونس / ۱۸۰، ۱۷۸، ۱۶۳، ۱۲۴، ۱۱۷، ۱۱۵، ۶۶
۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۳، ۲۰۰، ۲۱۳، ۲۲۲، ۳۷۱، ۴۶۶
۴۶۷، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۸۸، ۵۴۷، ۶۱۰، ۶۵۵، ۶۷۱
۷۱۹
ونس، سائرس / ۶۰۸، ۱۶۲، ۱۶۱
ویتکنگ / ۲۵۷
ویتنام / ۵۲۳، ۵۱۹، ۵۱۲، ۵۱۰، ۵۰۹، ۲۴۷
۵۳۵، ۵۷۴، ۶۱۶، ۶۶۶، ۷۲۵
ویتنام شمالی / ۷۳۲
ویرجینیا / ۹۴
ویکتوریا / ۵۵۶
ویکتوریا (سی شلز) / ۶۱۱
ویکران / ۲۱۱
- ویلکینسون، جیمز / ۶۴۳
وین / ۲۰۸، ۲۰۵، ۱۸۷، ۸۰، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲
۲۶۶، ۲۹۰، ۵۷۹، ۵۸۰، ۶۲۶، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰
وینکلر، گوردون / ۵۳۸
وینوگرادوف، ولادیمیر میخائیلویچ / ۶۸۳، ۵۴۶
۷۳۳
وینوگرادوف، یلنا ولادیمیرونا / ۶۵۲، ۵۴۷، ۵۴۶
۶۵۵، ۶۸۴، ۶۸۶، ۷۳۳، ۷۳۴
ویو، سرجنیگ / ۲۸۶
- ه
- هارتمان / ۳۷۹، ۳۷۸، ۳۷۴، ۳۷۲
هاروارد / ۱۰۴
هاریس، جورج / ۴۵۰
هاگ آن ورد / ۱۹۸
هاگرتی / ۴۴۵
هالا / ۵۲۰، ۵۱۹، ۵۱۸
هالپرین، دان / ۱۹۸
هامبورگ / ۲۵۸
هامر، آرماند / ۵۴۱
هامرمان، جی ام. / ۶۴۹
هانا، جورج / ۶۵۰
هانان الحسن / ۳۲۶، ۲۵۳، ۲۰۳، ۲۰۲، ۲۰۱
۳۲۹، ۳۴۷
هانیتا (اسرائیل) / ۳۰۶
هاوانا / ۴۲۸، ۲۸۲، ۲۰۲، ۲۰۱، ۱۹۳، ۱۸۵، ۷۰
۴۲۹، ۴۳۲، ۴۴۳، ۴۴۶، ۴۵۰، ۴۸۶، ۵۷۸
هایل سرور / ۶۵۰
هبرون / ۳۰۷، ۲۷۵، ۲۱۳، ۲۱۲، ۲۰۹
هتل اینترکننتینال / ۹۲
هتل بیروت / ۲۹۴
هتل بین المللی عمان / ۳۱۵
هتل ساووی تل آویو / ۲۶۰، ۲۳۷
هرات / ۱۹۱، ۱۹۰، ۱۴۹، ۵۹، ۲۳، ۱۴، ۱۲، ۱۱

یاطار / ۱۸۳	۲۵۵، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۹۰، ۴۲۳، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۹۳
یافا / ۲۳۵، ۳۱۰	۵۴۸، ۵۶۴، ۵۶۸، ۵۹۳، ۵۹۴، ۶۰۳، ۶۱۶، ۶۵۴
یاکوف، نامیک / ۶۶۳، ۶۶۴	هرمل / ۳۶۲
یاکوتسک / ۷۰۷، ۷۰۹، ۷۴۴، ۷۵۰، ۷۵۶، ۷۵۷	هفته‌نامه الهدف / ۱۹
یاکوتیا / ۷۵۱، ۷۵۶، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰	هک / ۵۱۸
یامالو / ۷۴۸	هلسینکی / ۶۳۵، ۶۳۰، ۵۷۴، ۵۶۴
یانگ (سفیر) / ۱۶۰، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۳	هلند / ۵۳، ۵۴، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۱۸۹، ۲۰۸، ۲۵۴
۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۱	۲۵۸، ۲۶۷، ۲۸۸، ۲۹۰، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۵، ۵۰۳، ۵۰۵
یحیی خان (ژنرال) / ۳۵۳	۵۶۵، ۶۳۹
یروف، جی. پی / ۶۱۷	هلنر / ۲۱۷
یروفیف، اوکسانا / ۵۱۴	همفری / ۵۳۸
یروفیف، ولادیمیر یاکولویچ / ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۶	هند / ۳۲۸، ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵
یزدی، ابراهیم / ۱۴۷، ۱۶۱، ۱۶۲، ۲۱۳، ۲۱۶	۴۱۱، ۴۲۵، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۸۰، ۴۸۶، ۵۱۱، ۵۱۲
۲۱۷، ۳۲۶، ۴۷۸، ۶۵۵، ۶۸۴	۵۲۵، ۵۲۹، ۵۸۸، ۶۱۶، ۶۴۴
ی. ساهنی / ۵۱۲	هندرسن / ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶
یمانی / ۲۰۸	هندوستان / ۲۲، ۳۵۴، ۳۵۵، ۵۲۹، ۵۵۹
یمن / ۵۱۴	هواپیمای ک. ال. ام / ۲۸۸
یمن جنوبی / ۳۵، ۱۴۳، ۱۸۵، ۱۸۹، ۲۴۹، ۳۱۶	هوستون / ۷۶۰
۳۸۹، ۶۱۱، ۶۱۵، ۶۴۴، ۶۶۶	هولمز / ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷
یمن شمالی / ۴۱، ۱۸۵، ۶۱۵، ۶۴۶، ۶۵۳، ۶۵۴	هومل، آرت / ۳۶۲، ۳۶۶، ۳۷۰، ۳۷۷، ۳۷۹
۶۷۹	۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۴، ۳۸۶، ۳۸۸، ۳۹۰، ۴۲۵، ۴۲۶
یودوکان / ۷۴۴، ۷۵۶	۴۲۸، ۴۳۷، ۴۶۰، ۴۶۷، ۴۸۸
یورکوفتسی (موگیلف پودولسکی) / ۵۷۱	هویدا، امیرعباس / ۹۲، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۳، ۵۴۴
یورنگوی / ۷۰۰، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۵۰	۷۱۹، ۷۲۳، ۷۲۵
۷۵۶	هیتلر، آدولف / ۲۲۲، ۵۱۸
یوسف العلوی / ۲۰۲	هیرتس، فیلیپ / ۷۳۵
یوسف حاواش / ۶۵۰	هیز، گریس پی. / ۶۴۹
یوسک، ویلی / ۷۵۶	
یوکسل، گولتکین / ۱۳۸، ۱۳۹	ی
یوگسلاوی / ۲۴۸، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۷، ۲۷۲، ۴۴۶	یاانونده / ۷۱۸
۵۴۶، ۵۸۸، ۶۵۴، ۷۴۲، ۷۴۳	یاریف، آهارون / ۶۵۰
یونان / ۱۰۳، ۱۰۸، ۱۱۹، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۴۲	یاسین شریف / ۱۹۴
۱۵۱، ۱۵۲، ۲۵۵، ۲۷۲	یاسین، نیلوفر / ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۴۱، ۱۴۲
یونسکو (سازمان آموزشی علمی و فرهنگی	یاشر محمد مری (ژنرال شروف) / ۴۶۳

